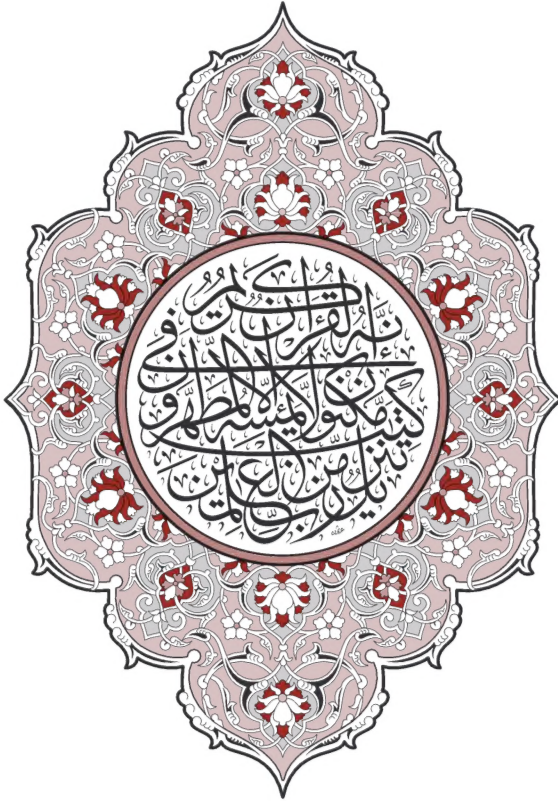


اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَنۡزَلَ عَلٰى رَسُوْلِهِ الْكِتٰبَ الْحَكِيْمَ



افتخار دستور چاب این ترجمه معانی قرآن کریم
توسط خادم حرمین شریفین ملک سلمان بن عبد العزیز آل سعود
پادشاه عربستان سعودی به انجام رسید

تَرْجُمَةُ الْمَعَانِي هَذِهِ التَّرْجُمَةُ لِمَعَانِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ
خَالِدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمَلِكُ سَلَمَانَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ آلِ سَعُودٍ
مَلِكُ الْمَمْلَكَةِ الْعَرَبِيَّةِ السُّعُودِيَّةِ

وَقَفَّ لِلَّهِ تَعَالَى مِنْ خَادِمِ الْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ
الْمَلِكِ نَيْيَافَانِ عَيْنِ الْعَزِيزِ آلِ سُعُودٍ
وَلَا يَجُوزُ بَيْعُهُ
يُورَعُ مَجَانًّا

تَرْجُمَةُ مَعَانِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ
إِلَى اللُّغَةِ
الْفَارَسِيَّةِ

إعداد
شاه ولي الله دهلوي رحمه الله

مُجَمَّعُ الْمَلِكِ فَهْدٍ طَبَاعَةُ الْمَصْحَفِ الشَّرِيفِ
بِالْمَدِينَةِ الْمَكَّةَ

وقف خادم حرمین شریفین
ملك سلمان بن عبدالعزيز آل سعود
خاص برای رضا خدای تعالی فروختنش ناجائز است
« رایگان توزیع میشود »

ترجمہ معانی قرآن کریم بزبان فارسی

از: شاه ولی اللہ دہلوی رحمہ اللہ

چاپخانه قرآن کریم مجمع ملک فہد
در مدینہ منورہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمة

بقلم معالي الشيخ الدكتور
عبد اللطيف بن عبد العزيز بن عبد الرحمن آل الشيخ

وزير الشؤون الإسلامية والدعوة والإرشاد
المشرف العام على المجمع

الحمد لله رب العالمين، القائل في كتابه الكريم:

﴿... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾.

والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين، نبينا محمد
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، القائل: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ».

أما بعد:

فإنفاذاً لتوجيهات خادَم الحرمين الشريفين، الملك سلمان بن
عبد العزيز آل سعود - حفظه الله - بالعناية بكتاب الله، والعمل
على تيسير نشره، وتوزيعه بين المسلمين في مشارق الأرض ومغاربها،
وتفسيره، وترجمة معانيه إلى مختلف لغات العالم.

وإيماناً من وزارة الشؤون الإسلامية والدعوة والإرشاد بالملكة
العربية السعودية، بأهمية ترجمة معاني القرآن الكريم، إلى جميع لغات
العالم المهمة، تسهياً لفهمه على المسلمين الناطقين بغير العربية،
وتحقيقاً للبلاغ، المأمور به في قوله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «بَلِّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً».

وخدمةً لإخواننا الناطقين باللغة الفارسية، يطيب لمجمع الملك فهد
طباعة المصحف الشريف بالمدينة المنورة، أن يقدم للقارئ الكريم هذه
الترجمة الفارسية، التي قام بها الشيخ الشاه ولي الله الدهلوي، وراجعها
من قبل المجمع فضيلة الشيخين د. عبد الغفور بن عبد الحق البلوشي،
ومحمد علي داري، مع العلم أنه تم تحديث لغتها من قبل المجمع.

ونحمد الله سبحانه وتعالى أن وفق لإنجاز هذا العمل العظيم، الذي نرجو أن يكون خالصاً لوجهه الكريم، وأن ينفع به الناس.

إننا ندرك أن ترجمة معاني القرآن الكريم -مهما بلغت دقتها- ستكون قاصرة عن أداء المعاني العظيمة التي يدل عليها النص القرآني المعجز، وأن المعاني التي تؤديها الترجمة إنما هي حصيلة ما بلغه علم المترجم في فهم كتاب الله الكريم، وأنه يعتريها ما يعتري عمل البشر كله من خطأ ونقص.

ومن ثم نرجو من كل قارئ لهذه الترجمة أن يوافي مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف بالمدينة النبوية، بما قد يجده فيها من خطأ أو نقص أو زيادة، للإفادة من الاستدراكات في الطباعات القادمة إن شاء الله.

والله الموفق، وهو الهادي إلى سواء السبيل، اللَّهُمَّ تقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیش گفتار،

نوشته: عالیمقام الشیخ دکتر
عبد اللطیف بن عبد العزیز بن عبد الرحمن آل الشیخ

وزیر امور اسلامی ودعوت وارشاد

سرپرست عمومی مجمع

حمدو ستایش خدای راکه پروردگار جهانیان است که در کتاب خود فرموده است، ﴿... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾.

به تحقیق که آمد شمارا از طرف خداوند نوری و کتاب روشن بیان و درود و سلام بر اشرف انبیاء پیامبر مان محمد ﷺ که فرمودند:

«خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ».

بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و به دیگران آموزش دهد،
أما بعد:

برای تحقق رهنمودهای خادم حرمین شریفین شاه سلمان بن عبدالعزیز آل سعود -حفظه الله- دراهتمام راجع بقرآن کریم و چاپ و نشر آن و توزیعش بین مسلمانان در اقصی نقاط جهان و همچنین ترجمه و تفسیر معانی آن به زبانهای مختلف جهان.

و بنا بر اعتقاد وزارت امور اسلامی ودعوت وارشاد مملکت عربستان سعودی دراهمیت ترجمه معانی قرآن کریم به تمامی زبانهای مهم جهان و تسهیل فهم آن برای مسلمان غیر عرب زبان و تحقق مصداق رهنمود پیامبرگرامی اسلام ﷺ که فرمودند «بَلِّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً» ابلاغ کنیذازن حتی یک آیه.

و برای خدمت برادران فارسی زبانمان باعث مسرت است که این ترجمه فارسی را تقدیم خوانندگان فارسی زبان کنیم که بوسیله

شیخ شاه ولی الله دهلوی ترجمه، و بازبینی و بررسی مجدد از جهت مجمع توسط
د. عبد الغفور عبد الحق بلوچ و شیخ محمد علی داری شده است.

با آگاهی به آنکه لغت ترجمه به تجدید از جهت مجمع به انجام رسید،
بارگاه إلهها ازما قبول فرما به یقین تویی شنوای ودانا.

شکر و سپاس خدا را داریم که توفیق این کار بزرگ را عطا فرمود،
و امیدواریم که خالص برای رضای خدا باشد و باعث منفعت مردمان قرار گیرد.
و البته ما خوب درک می کنیم که ترجمه معانی قرآن کریم هر چند که
دقیق باشد فراگیرندهء مفهوم اصلی معانی وسیع نصوص پراعجاز قرآن
نخواهد بود، و اما معانی ای که ترجمه دربر دارد خلاصه ای از رسائی علم
مترجم در فهم قرآن کریم است.

و در برگیرندهء نقص و اشتباهاتی خواهد بود که عموم بشر از آن مصون
نیست.

پس بنابراین از تمامی خوانندگان محترم این ترجمه خواهشمندیم
در صورت مشاهدهء هرگونه اشتباهاتی از قبیل کمی و بیشی و غیره لطفاً آنرا
به مجمع ملک فهد برای چاپ قرآن کریم در مدینه منوره ارسال نموده تا که
در چاپهای آینده از ملاحظات شما استفاده گردد. إن شاء الله تعالی.

والله الموفق والهادی إلى سواء السبیل،

خداست توفیق دهنده و اوست راهنما به راه راست، اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ
أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِیمُ.

مقدمه ترجمه قرآن

قرآن کلام خدا است که با حروف و معنا بر پیامبر گرامی محمد صلی الله علیه وآله وسلم رحمه للعالمین نازل کرده است، بشارتگر و هشدار دهنده و دعوت کننده به فرمان او و چراغی تابناک است، و در اینجا تعریف مختصری از قرآن کریم و پیام الهی بیان می کنیم.

تعریفی از قرآن کریم

اول: تعریف قرآن کریم، و بیانیه ای از نام ها و صفات آن:

قرآن کریم کلام خداوند بلند مرتبه است که آن را بر پیامبر گرامی محمد صلی الله علیه وآله وسلم با لفظ و معنا به وسیله وحی نازل کرده است، نوشته شده در کتاب، و نقل شده با تواتر، و تلاوت آن عبادت است.

خداوند متعال کسی است که آنچه را بر حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم وحی کرده را قرآن می گوید، خداوند متعال می فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا﴾ [الانسان: ۲۳] [ای پیامبر! یقیناً ما قرآن را بر تو به تدریج نازل کردیم] به این علت که شأن آن است که رها نشود و خوانده و تلاوت شود.

و همچنین خداوند متعال آن را کتاب نامیده است، خداوند متعال می فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ﴾ [النساء: ۱۰۵] [یقیناً این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم] به این دلیل که شأن آن این است که نوشته شود و نادیده گرفته نشود.

و خداوند متعال قرآن کریم را اینگونه وصف کرده است: تشخیص دهنده حق از باطل، و آن پندی است، و مایه هدایت، و نوری تابناک، و درمان، و پر حکمت، و اندرز، و غیره ... صفاتی که دلالت بر عظمت قرآن کریم و کامل بودن رسالت الهی می باشند.

کلمه «المصحف» «قرآن» گرفته شده از صحف یعنی اوراق که بر روی آن قرآن نوشته شده است، و این نامی است که صحابه آن را تعیین کردند و به معنای کتابی است که قرآن بر روی صفحات آن نوشته شده.

و قرآن کریم وحی است از جانب خداوند که جبریل علیه السلام آن را بر قلب پیامبر اکرم محمد ﷺ نازل کرده خداوند چنین می فرماید: ﴿وَأَنزَلْنَا نَزِيلًا رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ * بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ﴾ [الشعراء: ۱۹۲-۱۹۵] و همانا این قرآن نازل شده از جانب پروردگار جهانیان است، روح الامین - جبریل - آن را فرود آورده است، بر قلب تو تا از هشدار دهندگان باشی، آن را به زبان عربی روشن نازل کرد].

حضرت محمد ﷺ از میان پیامبران اختراع جدیدی نیست پس جبریل علیه السلام بر همه برادران پیام رسان وی وحی الهی را نازل میکرد، و خداوند برای این امر بزرگ بهترین بندگان را انتخاب می کند، خداوند می فرماید: ﴿اللَّهُ يَصْطَلِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾ [الحج: ۷۵] خداوند از میان فرشتگان رسولانی برمی گزیند و نیز از میان مردم بی گمان خدا شنوای بیناست] و او بهتر می داند که چه کسی برای این امر مناسب است چونکه مخلوقات از خلقت اوست، خداوند می فرماید: ﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ﴾ [الفصص: ۶۸] و پروردگار تو هر چه را بخواهد می آفریند و برمی گزیند]

دوم: نزول قرآن کریم:

در روز دوشنبه هفدهم ماه مبارک رمضان سال ۶۱۰ میلادی در غار حراء - یکی از کوه های مکه است - ابتدای وحی بر پیامبر گرامی شروع شد، چنانچه جبریل بر او این آیات را نازل کرد: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ [العلق: ۱-۵] ای پیامبر بخوان به نام پروردگارت که هستی را آفرید، همان خدایی که انسان را از خون بسته آفرید، بخوان و پروردگارت از همه بزرگوarter است، همان کسی که به وسیله قلم آموخت، آنچه را که انسان نمی دانست به او آموخت] و این اولین چیزی از قرآن بود که بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شد.

پس پیامبر اکرم صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم با آنچه بر او نازل شده بود با ترس و خوف و قلبی لرزان برگشت به خانواده خویش، وداستان را بر همسر خود ام المؤمنین خدیجه فرزند خویلد رَضِیَ اللہُ عَنْہَا در میان گذاشت و به او گفت که من بر نفس خودم ترسیدم. پس به پیامبر چنین گفت: نه هرگز بشارت بر تو به واللہ هیچ وقت خداوند تو را رسوا نمی کند، بلا شک که شما صلہ رحم می کنید، ودر سخن راست گو هستید، ومصیبت ها را تحمل میکنید، ومهمان نواز هستید، ودر حال نا نابسامانی ها به راه راست هدایت میکنید، وآن را نزد ورقه فرزند نوفل برد و او در زمان خود صاحب نظر ومردی حکیم بود پس خدیجه به او چنین گفت: ای عمو! از برادر زاده ات بشنو، وھنگامی کہ پیامبر اکرم صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم از آن خبر او را آگاہ کرد ورقه بن نوفل چنین گفت: این همان کسی است کہ بر موسی علیہ السلام نازل شدہ، کاش توانمند باشم، کاش زندہ باشم وقتی کہ خویشاوندانت تو را اخراج میکنند. رسول اللہ صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم گفت: آیا آنها مرا اخراج می کنند. ورقه گفت: بلہ. هرگز کسی نیامدہ است بہ آنچه کہ تو آورده ای مگر اینکہ بر گردانده شدہ، و اگر آن روز را بباهم بہ تو کمک خواہم کرد. وورقه بعد از این مصاحبہ در مدتی کوتاہ درگذشت.

قرآن کریم کاملاً بر رسول خدا صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم یکجا نازل نشدہ طوری کہ کتابہای پیامبران سابق نازل شدہ وبلکہ بہ مدت بیست وسہ سال جداگانہ نازل شدہ است، گاهی اوقات سورہ ای کامل نازل می شد، وگاهی اوقات آیاتی از سورہ.

حکمت نزول قرآن بہ تدریج استوار ساختن وتقویت بخشیدن وآمادہ کردن قلب پیامبر صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم با تجدید نزول وحی بہ وسیلہ جبریل علیہ السلام، تا این کہ در مقابل مخالفت ها وناسازگاری های کفار ومشرکین قوی تر و با ثبات تر باشد با آنچه کہ در اولین ماموریت فرستادہ شدہ است، خداوند متعال می فرماید: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ

لُنْثَيْتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَلْتَ تَرْتِيلاً ﴿﴾ [الفرقان: ۳۲] [وکسانی که کافر شدند گفتند: چرا قرآن یکجا بر او نازل نشده، این گونه ما آن را به تدریج نازل کردیم تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم و آن را به آرامی بر تو خواندیم] و همچنان به تدریج نازل شدن قرآن کریم حکمت آموزشی دیگری در بر دارد که به تدریج مؤمنان با علم و دانش و عمل به احکام دین آگاه می شوند، تا اینکه برای آنها در یادگیری و درک آن آسانی شود و بتوانند از تاریکی هایی که قبلاً در جهل و کفر و شرک بودند خارج شوند و به توحید و نور ایمان و علم پی ببرند.

سوم: تدوین قرآن کریم:

از مهمترین وسائل نگهداری متون نوشتن آنهاست، و سخنی که نوشته نشود بیشتر در معرض فراموشی قرار می گیرد، و اینکه قرآن کریم برای هدایت جهانیان تا روز قیامت نازل شده، پس لازم بود که نوشته شود. و کتابت قرآن کریم با نظارت پیامبر اکرم ﷺ و توجه ایشان انجام گرفته شده، و پیامبر ﷺ بعضی از صحابه که نوشتن را یاد داشتند امر می کردند تا قرآن کریم را بنویسند، و آنها را نویسندگان وحی قرار دادند، و مشهورترین آنها زید بن ثابت انصاری رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ بود.

و هر وقت که بر رسول خدا ﷺ وحی نازل می شد آن را حفظ می کرد و یکی از کاتبان وحی می خواند تا آن را بنویسد و می گفت: این آیات را در سوره ای که چنین و چنان بیان شده بگذارید. و اسم سوره را بیان می کرد و آنها را برای نوشتن آیات در آن سوره امر می کرد، و سپس صحابه را به منظور آموزش و یادگیری آنچه از قرآن کریم نازل شده امر می کرد، پس قرآن کریم کاملاً در زمان پیامبر ﷺ بر تکه های پوست و ... نوشته شده.

و جبریل علیه السلام قرآن کریم را هر ساله یکبار برای پیامبر اکرم ﷺ می خواند، و در سالی که پیامبر اکرم ﷺ دار فانی

را وداع گفتند دو بار با ترتیب آیات و سوره برای او خواند همانطوری که الآن درمیان مسلمانان در قرآن کریم موجود است، و به تحقیق که خداوند متعال فرمودند: ﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ﴾ * ﴿إِذَا قَرَأَهُ قَاتَبَعُ قُرْآنَهُ﴾ [القیامة: ۱۷-۱۸] [مسلماً جمع آوری و خواندن آن بر عهده ماست، پس هر گاه (توسط جبریل) آن را خواندیم از خواندن آن پیروی کن]. و گفت او: ﴿سُقِرْتُكَ فَلَا تَنْسَى﴾ [الأعلى: ۶] [ما بزودی قرآن را بر تو می خوانیم پس هرگز فراموش نخواهی کرد].

چهارم: جمع کردن قرآن کریم به صورت کتاب:

پس از وفات رسول خدا صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم خلیفه اول ابوبکر صدیق رَضِیَ اللہُ عَنْہُ دستور داد تا قرآن کریم به ترتیب به صورت کتاب جمع آوری شود، تا امکان از بین رفتن آن بعد از وفات حافظان قرآن کریم وجود نداشته باشد، و یا اینکه بعد از آسیب دیدن تکه هایی که بر آن قرآن کریم نوشته شده امکان از بین رفتن آن وجود نداشته باشد، و سپس مسئولیت جمع آوری قرآن کریم را کاتب وحی زید بن ثابت رَضِیَ اللہُ عَنْہُ بر عهده گرفت و بعد از تاکید و مراجعه و مطابقت دادن آنچه که او نوشته و آنچه که در تکه های نوشته شده و در سینه های حافظان قرآن کریم بود آن را در خانه ابوبکر صدیق رَضِیَ اللہُ عَنْہُ گذاشت تا اینکه دار فانی را الوداع گفت، و سپس در خانه خلیفه دوم عمر بن خطاب رَضِیَ اللہُ عَنْہُ از آن نگهداری شد، و بعد از وفات او در خانه همسر پیامبر صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم مادر مؤمنان حفصه بنت عمر رَضِیَ اللہُ عَنْہَا نگهداری شد.

و هنگامی که اسلام گسترش یافت مسلمانان نیاز به نسخه هایی از قرآن داشتند تا از آن بخوانند، و برخی از صحابه عثمان بن عفان رَضِیَ اللہُ عَنْہُ را مشوره دادند که مردم را بر وحدت قراءت قرآن با اقتدای امام جمع کند، پس به گروهی از حافظان که نوشتن می دانستند دستور داد تا قرآن کریم را جمع آوری کنند، و بالاسر آنها زید بن ثابت رَضِیَ اللہُ عَنْہُ بود تکیه بر همان قرآنی

که در زمان ابوبکر صدیق رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ جمع آوری شده، سپس آن برگها را در یک جلد قرآن جمع آوری کردند، واز آن چندین نسخه کپی گرفتند و برای کشورهای بزرگ اسلامی یک یک کپی فرستادند، و به مسلمانان دستور داد تا از آنها کپی بگیرند.

و امروزه همه قرآن هایی که در جهان شناخته شده اند، چه از دست نوشت ها و یا اینکه به وسیله ی ماشین تایپ و چاپ شدند، منشأ اصلی آنها از نسخه هایی است که به کشورها فرستاده شده اند، و هیچ تفاوتی در متن و ترتیب آن نیست.

و تا امروز مسلمانان برای چاپ قرآن کریم اهمیت بسیار زیادی قائل هستند و در پهلوی تحولات رسانه ای در چاپ و فن آوری و ابزار آلات که از آنها برای دستیابی بالاترین کیفیت و تنظیمات در نوشتن متن قرآن کریم با رسم عثمانی که در عهد خلیفه سوم عثمان بن عفان رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بوده است استفاده می شود، که امروزه به رسم عثمانی معروف است.

و چاپخانه قرآن کریم ملک فهد یکی از جاهای برجسته ای است که برای قرآن کریم اهمیت بسیار زیادی قائل است، و مراقبت های ویژه ی حاکمان عربستان سعودی برای کتاب خدا و اهمیت ایشان به خدمت قرآن کریم و تسهیل کردن دسترسی مسلمانان به نسخه هایی که با بهترین کیفیت، و کمال چاپ می کنند.

پنجم: ترتیب و اجزاء قرآن:

قرآن کریم با سوره فاتحه آغاز می شود، و با سوره ناس به پایان می رسد، و آن از ۱۱۴ سوره تشکیل شده، و این ترتیب توقیفی است، یعنی اینکه گرفته شده از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و هیچ بستگی ای بر ترتیب نازل شدن آن ندارد، پس اولین سوره ای که نازل شد علق بود و ترتیب آن در قرآن (۹۶) است، و صحابه ترتیب آیات و سوره ها را از خواندن قرآن پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می دانستند.

وامروزه قرآن به سی جز تقسیم شده، و هر جز آن به دو حزب، و هر حزب به چهار ربع تقسیم شده، و این تقسیم از اجتهاد علماست به منظور تسهیل خواندن قرآن کریم برای مسلمانان.

ششم: یادگیری قرآن کریم:

مسلمانان اهمیت بسیار زیادی برای آموزش و حفظ متن و تلاوت آن داشتند همانطوری که بر رسول خدا ﷺ نازل شده، و خوانندگان و حافظان صحابه برای تعلیم تابعین درخواستند تا اینکه متن آن را حفظ کردند، و بر هر آیه ای وقف کردند تا اینکه معنی آن را فهمیدند پس علم و عمل را با هم آموختند، سپس حافظان تابعین مدارس را برای خواندن تاسیس کردند، متعهد با آنچه که از صحابه یاد گرفته بودند چه از جهت تلاوت و یا متن و یا عدد حروف و کلمات، و ترتیب سوره و آیات و تجوید و تسلط بر آدای آن و کیفیت ترتیل، پس به اینصورت تا امروز قرآن کریم آموخته و حفظ و تلاوت می شود، و یادگیرنده از آموزنده و حافظان قرآن به صورت شفاهی به زبان عربی واضح و روشن یاد می گیرند همانطوری که بر رسول خدا ﷺ نازل شده.

و قرآن کریم به چندین قرائت خوانده می شود، و آن چگونگی آدای کلمات قرآن کریم و حروف آن و طریقه تلفظ آنها، همان که تابعین از قاریان حافظ صحابه گرفتند، کسانی که از پیامبر ﷺ دریافت کردند و به آنها اجازه داده شده، و معروفترین آنها در زمان ما قرائت عاصم از روایت شاگردش حفص بن سلیمان و قرائت نافع از روایت شاگردش عثمان بن سعید معروف به وَرش، و از جمله روایت دوری از ابی عمرو بصری، و روایت قالون از نافع.

هفتم: تفسیر قرآن:

تفسیر قرآن یعنی نشان دادن معنای آن، و هدف و قصد صحبت دانسته نمی شود تا اینکه وقف کند تا دلالت و معنای آن دانسته شود، و خداوند قاریان قرآن را تشویق کرده تا معنای آن را درک کنند همانطوری که

خداوند متعال می فرماید: ﴿كَتَبْنَا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرُوا أُولَ الْأَنْبِيَاءِ﴾ [ص: ۲۹] [کتابی است پر برکت که آن را بر تو نازل کردیم تا در آیات آن بیندیشند و خردمندان پند گیرند] و تدبر به معنای درک و دوراندیشی است.

و رسول خدا ﷺ آنچه را که صحابه در فهم معنای قرآن کریم مشکل داشتند توضیح می داد اما توانایی آنها به زبان عربی در آن وقت و نازل شدن قرآن کریم به زبان عربی آنها را از اینکه سؤالات زیادی در مورد معانی آیات قرآن کریم بپرسند بی نیاز کرده بود، و نیاز انسانها پس از سالها به تفسیر افزایش یافت.

و آنچه را که از پیامبر اکرم ﷺ و صحابه کرام و شاگردان تابعی از تفسیر قرآن کریم نقل شده را هسته ی علم تفسیر می گویند، و به آن تفسیر المأثور نیز می گویند زیرا که از مهمترین وسائل درک و فهم قرآن کریم است، چون برای ما فهم و درک نسلهای اول را از قرآن کریم بیان می کند، و از تسلط آن نسل ها به زبان عربی و شرایطی که در وقت نزول قرآن کریم زندگی می کردند و با حوادث و حالاتی که در آن وقت رخ می داد آگاه بودند.

(۱) انواع تفسیر:

تعدد روند علمای تفسیر، و تعدد منافع علمی آنها دلیلی برای ظاهر شدن تفاسیری که به جنبه های مختلف اهمیت می دهند شده مثل: جنبه زبانی قرآن کریم، و جنبه احکام فقهی، و از سوی دیگر با جنبه های تاریخی و با روانی و با اخلاقی و غیره دسته بندی شده است، و علماء بنابراین تفسیر را بر دو بخش تقسیم کردند:

اول: تفسیر المأثور، تفسیری که از پیامبر ﷺ و صحابه کرام و تابعین نقل شده.

دوم: تفسیر با رأی و اجتهاد بر اساس و مبنای اصول علمی معتبر.

(۲) بهترین راه های تفسیر وضوابط آن:

تفسیر المأثور در همه تفاسیر مقدم است چون تفسیری است که از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و صحابه کرام و شاگردان تابعی نقل شده، و آنها مهارت بیشتری در تفسیر دارند، و اگر بخواهی که بیشتر درک آیات قرآن کریم را بیاموزی که در تفسیر مأثور بیان نشده پس باید مفسر در تفسیر این قوانین را رعایت کند:

۱. مراعات کردن معانی آیاتی که در تفسیر مأثور بیان شده، و نیاوردن آنچه مخالف آن است.

۲. تصویب تفسیر معانی عمومی که توسط قرآن ذکر شده، و سنت نیز آنها را بیان کرده، و بیرون آمدن مترجم به تفسیر مغایر با آن معانی جایز نیست، پس قرآن کریم بعضی از تفسیر آیات را بیان می کند و هیچ تناقضی در بین آنها وجود ندارد، و سنت نبوی آمده تا توضیح دهد آنچه را که به طور کلی در قرآن کریم ذکر شده، و تفسیر آن را بیان می کند.

۳. دانستن قواعد زبان عربی در اهمیت کلمات و در ساختار جملات و کاربرد آنها لازمی است، پس قرآن کریم نازل شده به زبان عربی و باید در پرتو قوانین آن درک شود.

۴. رد کردن آیات متشابه با آیات صریح و روشن، پس بعضی از آیات قرآن کریم آیات دیگر را توضیح می دهند، و اکثر آیات قرآن کریم صریح و معانی آنها واضح هستند، و بعضی از آیات آن متشابه هستند و شاید معنای آنها نزدیک یکدیگر باشد که واضح نباشد، و برگرداندن آنها به آیات صریح و روشن کمک می کند در فهم و درک دلالت آن و واضح شدن معنای آن و خداوند متعال فرموده: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ ۚ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِهِ ۚ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ ۚ أَلَا أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ [آل عمران: ۷] [اوست کسی

که این کتاب را بر تو نازل کرد بخشی از آن آیات محکم (صریح و روشن) است آنها اساس کتابند و بخشی دیگر متشابهاتند (آن آیاتی که در نگاه اول معانی و احتمالات مختلفی دارند و قابل تأویل هستند، ولی با رجوع به آیات محکم تفسیر و معنای آنها روشن می گردد) اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است برای فتنه جویی و گمراه کردن مردم و بخاطر تأویل آن به دلخواه خود از متشابه آن پیروی می کنند با آنکه تاویلش را جز خدا کسی نمی داند و ثابت قدمان در علم می گویند ما به آن ایمان آورده ایم همه چه محکم و چه متشابه از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان کسی پند پذیر نمی شود.

۵. آرام گرفتن با حقائق علمی ثابت شده در تفسیر آیات کیهانی، و نه انداختن نظریه های علمی در تفسیر قرآن کریم، تا مفهوم اشتباه نیندازند در قرآن کریم که از آن برداشت اشتباه می شود.

۶. مراقب تاویلات فاسد باشید که معانی کلام خدا را از واقعیت و شریعت پاک دور می برد، و آن را از قواعد زبان عربی بیرون می کند، یا به قصد اعوجاج، و یا به دلیل جهل و نادانی از زبان عربی و پیامدهای آن و ساختار کاربردی آن، و یا به دلیل شک در معانی فاسد و پاکیزه نگهداری می شود کلام خدا از همه آنها.

هشتم: اعجاز قرآن کریم:

اعجاز در اصطلاح: وصفی است که بیش از توانایی آوردن چیزی از نظیر کار یا تدبیر و یا نظر دادن، و معجزه توصیف کردن حادثه به منظور نشان دادن علائم و اثبات پیامبران علیهم السلام و این کلمه در قرآن به جز نشانی و دلیل و مانند این چیز دیگری نیامده است.

و قرآن کریم کلام خداست و معانی آن کامل است و آیات و کلمات و ساختار آن زیباست طوری است که بشر را عاجز می کند خداوند می فرماید: ﴿الرَّكَيبُ أَحْكَمْتُ ۖ إِلَهُتُهُ رُفُضِلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَيْرٍ﴾ [هود: ۱۰] [الرالف لام

راء) این کتابی است که آیاتش استوار، سپس از جانب حکیمی آگاه به روشنی بیان شده است]

ومشركان تلاش كردند تا مردم را در شك وشبهه بيندازند وآنها را توسط دروغپردازی وبالا بردن سوء ظن از قرآن دور كنند، پس خداوند متعال آیاتی نازل كرد كه آنها را به چالش می كشد كه مثل این قرآن بیاورند، ویا ده سوره مثل این بیاورند، ویا یک سوره مثل این بیاورند، اگر راستگو هستند، پس از چنین کاری ناتوان ماندند، واین را فهمیدند كه قرآن کریم گرچه با زبان عربی است ولی امکان ندارد كه آن را جعل كرد ویا اینکه مثل آن را بیاورند، خداوند می فرماید: ﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَيْنَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَضَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [یونس: ۳۸]

[آیا آنها می گویند: او آن را به دروغ به خدا نسبت داده است؟! بگو: اگر راست می گوئید پس یک سوره همانند آن بیاورید وجز خدا هر كه را كه می توانید به یاری بخوانید]

وقرآن کریم علناً وصریحاً اعلام كرد كه انس وجن نمی توانند چنین قرآنی بیاورند وچند برخی از آنها پشتیبان برخی دیگر باشند از آوردن چنین قرآنی عاجز می مانند: ﴿قُلْ لَئِنْ أَجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنَّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾ [الإسراء: ۸۸]

[ای پیامبر بگو: اگر انس وجن همگی گرد هم آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند، هرگز همانند آن را نخواهند آورد، هر چند برخی از آنان یاور برخی دیگر باشند.]

وقرآن کریم معجزه است چون کلام خداست وهیچ شباهتی با کلام مخلوقات ندارد، وآن نشان ودلیلی است با عبارات وآیات وزبان خود وآنچه در آن است از تفاوت بیان وفصاحت، وآنچه در اخبار وداستان های واقعی آن ذكر شده، وآنچه شامل بر قانون وقضاوت است، وقدرتی كه در تأثیر روانی وعاطفی در بردارد، وآنچه از حقایق چشمگیر علمی بیان شده است.

و چگونه فیزیکدانان، و اخترشناسان، و کسانی که در علوم زندگی مشغول هستند، و پزشکان و غیره را شگفت زده کرده است، صحبت قرآن کریم از حقائق علمی و منابع علوم کیهانی ربطی در علمی که در آن مشغول هستند دارد، با عبارات علمی دقیق تر، جایی برای گمان نیست که این موضوع از پیامبری بی سواد مادرزاد در قومی بی سواد، و در جهانی که هیچ اطلاعاتی از این پدیده ها نداشتند باشد، و این سبب مسلمان شدن تعدادی از آنها شده است چون فهمیدند که آنچه در قرآن کریم ذکر شده است امکان ندارد که سخنان یک بشر باشند، و بلکه سخنان خالق جهان و بشر هستند.

و بسیاری از آیات قرآن کریم هستند که دلالت بر وحدانیت خداوند و بدیع ساخته هایش دارند خداوند می فرماید: ﴿سَرُّهُمْ أَیَّتِنَا فِی الْأَفَاقِ وَفِی أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ یَنْبَغَتْ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ یَكُنْ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَیْءٍ شَهِیدٌ﴾ [فصلت: ۵۳] [به زودی نشانه های خود را در آفاق و در نفس خودشان به آنها نشان خواهیم داد، تا برای آنها روشن گردد که او حق است، آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز گواه است؟!]

نهم: ترجمه معانی قرآن کریم:

ترجمه نقل کردن سخن از زبانی به زبان دیگر است، و ترجمه بدون مشکلات نیست، چرا که صیاغ و سباق زبان یکی از اجزای متن می باشد، و ممکن است در حفظ صیاغ و سباق زبان در ترجمه متن به زبانی دیگر به مشکل مواجه شود.

و اگر این حال ترجمه متن هایی باشد که از صیاغ بشرانند، پس سختی ترجمه بیشتر می شود وقتی که کسی بخواهد قرآن کریم را ترجمه کند چون آن کلام خداست نازل شده از جانب پروردگار با زبان عربی، و وحی شده از طرف خداوند با لفظ و معنی، و آسان نیست برای بشر که این ادعا را بکند که تسلط کامل بر معانی قرآن کریم دارد، و یا اینکه می تواند دوباره صیاغ الفاظ آن را به اسلوبی که می خواهد به زبان عربی درآورد.

و با این همه مشکلات ترجمه قرآن کریم، همه علماء بر ضرورت تبلیغ قرآن کریم و پیام رسانی آن به ملت های زمین به هر زبانی که باشند تأکید می کنند، و امکان انجام اینکار بدون ترجمه نیست.

و اینگونه قرآن کریم به زبان های دیگر ترجمه می شود:

۱. ترجمه معانی قرآن کریم بدون تفسیر، و این امر بر بیان آنچه الفاظ قرآنی بر آن دلالت می کنند محدود است.

۲. و یا ترجمه تفسیری که با تقویت و توضیح بیشتر و بیان ضرب المثل انجام می شود، و آن به عنوان تفسیر قرآن کریم به زبان غیر عربی است.

هر چند که ترجمه قرآن کریم دقیق باشد، و یا مترجم مهارت بسیاری در هر دو زبان داشته باشد، آن ترجمه را به دو علت قرآن نمی گویند:

اول: اینکه قرآن کریم کلام خداست و به زبان عربی نازل شده است و آن بلندیست از بیان احکام، و دوباره صیاغ دادن آیات آن را با زبانی دیگر غیر عربی اسم قرآن را از آن ساقط می کند.

دوم: اینکه ترجمه تعبیر درک و فهم مترجم از معانی قرآن کریم است، و از این جهت شبیه به تفسیر است، پس همانطور که به تفسیر قرآن گفته نمی شود، بنابراین نمی توان ترجمه را نام قرآن داد.

و به منظور اینکه ترجمه معانی قرآن کریم مقبول شود باید قواعد و ضوابطی را که علماء برای معانی قرآن کریم گذاشتند مد نظر داشته باشد، و مترجم از اینکه بخواهد ترجمه اشتباه خود را بپوشاند از نشر تحریف معانی قرآن کریم، و توهین به مناسک و مقدسات مسلمانان دوری کند، و از آنجا که عددی از ترجمه هایی که برخی از مستشرقین و یا کسانی که خود را با دروغ به اسلام نسبت می دهند ظاهر شده، و آنها حامل عقیده فاسد هستند و دنبال تخریب ارزشهای اسلام و عقیده و شریعت صحیح هستند.

و در این سیر چاپخانه قرآن کریم ملک فهد در مدینه مسئولیت ترجمه موثق برای معانی قرآن کریم را بر دوش گرفته است، و این تلاشی است برای رساندن پیام بلندی قرآن کریم به کسانی که تسلط بر زبان عربی ندارند تا به آنها با زبان اصلی آنها این پیام را برسانند.

والحمد لله رب العالمین، وصلى الله على نبينا محمد وعلى آله وصحابه أجمعين، والتابعين، ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

و ستایش فقط برای پروردگار جهانیان است و صلوات بر پیامبر گرامی و آل و اصحاب و تابعین او و هر کسی که از آنها به خوبی پیروی کرد تا روز قیامت.

سُورَةُ الْفَاتِحَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢﴾
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣﴾ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٤﴾
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾ اهْدِنَا
الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ
عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ
وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾

سوره فاتحه
مکی و آن هفت آیه است

﴿۱﴾ به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۲﴾ ستایش برای خدای است، پروردگار عالمها^(*) ﴿۳﴾ بخشنده مهربان. ﴿۴﴾ خداوند روز جزا. ﴿۵﴾ (تنها) تو را می پرستیم و (تنها) از تو یاری می جوئیم. ﴿۶﴾ ما را به راه راست هدایت کن. ﴿۷﴾ راه آنانکه اکرام کرده ای برایشان. نه راه آنانکه خشم گرفته شد بر آنها و نه راه گمراهان^(۲).

(*) توضیح: ستایش خداوندی راسخ است که پروردگار جهانیان است (مصحح).

(۱) مترجم گوید یعنی عالم انس و عالم جن و عالم ملائکه و علی هذا القیاس فتح الرحمن.

(۲) مترجم گوید مراد از آنانکه اکرام کرده شد بر آنها چهار فرقه اند نبیین و صدیقین و شهدا و صالحین و مراد از آنانکه خشم گرفته شد بر آنها یهود اند و از گمراهان نصاری، آمین قبول کن دعای ما فتح الرحمن.

سُورَةُ الْبَقَرَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَلْكَتَبَ لِرَبِّهِ هُدًى
لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ
وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ
إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾
أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ
هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾

سوره بقره مدنی است و آن دو صد
و هشتاد و شش آیه و چهل رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ اَلَمْ. ﴿۲﴾ این کتاب هیچ شبهه ای در آن نیست، پرهیز گاران را رهنماست. ﴿۳﴾
آنانکه به نادیده ایمان می آورند و نماز را برپا می دارند و از آنچه ایشان را روزی داده ایم
خرج می کنند. ﴿۴﴾ و آنانکه به آنچه فرود آورده شده به سوی تو و آنچه فرود آورده شده
پیش از تو ایمان می آورند و ایشان به آخرت یقین دارند. ﴿۵﴾ ایشان از جانب پروردگار
خویش بر هدایت اند و ایشان رستگارانند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾ خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَرِهِمْ غَشَوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿١٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُم لَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿١١﴾ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ ﴿١٢﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُم ءَامِنُوا كَمَا ءَامَنَ الْسَفَهَاءُ قَالُوا إِنَّمَا هُمُ السَّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾ وَإِذَا قِيلَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَءُونَ ﴿١٤﴾ اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٦﴾

﴿۶﴾ هرآئینه آنانکه کافر شدند برابر است برایشان که بترسانی ایشان را یا نترسانی ایشان را، ایمان نمی آورند. ﴿۷﴾ خدا بر دل‌های ایشان مهر نهاد و بر شنوایی ایشان - و بر چشم‌های ایشان پرده ایست و برای ایشان عذاب بزرگ است. ﴿۸﴾ و از مردمان کسی هست که می گوید به خدا ایمان آوردم و به روز بازپسین و ایشان مومنان نیستند. ﴿۹﴾ خدا و مومنان را فریب می دهند و بحقیقت نمی فریبند مگر خود را و نمی فهمند. ﴿۱۰﴾ در دل‌های ایشان بیماری ست پس خدا به ایشان بیماری را افزون داد و برای ایشان عذاب درد دهنده است به سبب آنکه دروغ می گفتند. ﴿۱۱﴾ و چون به ایشان گفته شود در زمین تبه کاری کنید گویند جزاین نیست که ما اصلاح کاریم. ﴿۱۲﴾ آگاه شو به تحقیق ایشان تبه کاران اند ولیکن آگاه نمی شوند. ﴿۱۳﴾ و چون به ایشان گفته شود که ایمان آورید چنانکه ایمان آوردند مردمان، گویند آیا ایمان آوریم چنانچه ایمان آوردند بیخردان؟ آگاه شو به تحقیق ایشانند بی خردان ولیکن نمی دانند. ﴿۱۴﴾ و وقتی که ملاقات می کنند با اهل ایمان گویند ایمان آورده ایم و چون با شیاطین خود^(۱) تنها شوند گویند هرآئینه ما با شما ایم جزاین نیست که ما تمسخر می کنیم. ﴿۱۵﴾ خدا به ایشان تمسخر می کند و ایشان را مهلت می دهد سرگشته در گمراهیشان. ﴿۱۶﴾ ایشان آنکسانند که گمراهی را عوض هدایت خریدند پس تجارت ایشان سود نیافت و راهیاب نشدند.

(۱) یعنی رئیسان خود.

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ
 ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٧﴾ صُمُّ
 بُكْمٌ عُمْى فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿١٨﴾ أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ
 ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصْبِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِّنَ
 الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾ يَكَادُ الْبَرْقُ
 يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَّشْوَافٍ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ
 قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَرِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى
 كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي
 خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ
 الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ
 بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا وَأَنتُمْ
 تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُوا
 بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ
 كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ
 الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿٢٤﴾

﴿۱۷﴾ داستان ایشان مانند داستان کسی است که آتش را افروخت پس چون آتش دوروبر او را روشن کرد خدا نور ایشان را از بین برد و ایشان را در تاریکی ها پی که هیچ نینند بگذاشت. ﴿۱۸﴾ کراند، گنگاند، کوراند پس ایشان باز نمی گردند^(۱). ﴿۱۹﴾ یا (داستان ایشان) مانند باران تنداست که از آسمان آمده باشد که در وی تاریکی ها ورعد و برق است، انگشتان خود را در گوشهای خود درمی آرند به سبب آوازهای پُر هول از ترس مرگ، و خدا کافران را احاطه کننده است. ﴿۲۰﴾ نزدیک است که برق چشمهای ایشان را بُرباید هرگاه روشنی دهد برق ایشان را راه روند در آن روشنی و چون برایشان تاریکی دهد بایستند و اگر خدای خواست البته شنائی ایشان را و دیده های ایشان را می برد هر آینه خدا بر همه چیز توانا است^(۲). ﴿۲۱﴾ ای مردمان پروردگار خویش را بپرستید آنکه شمارا و کسانی را که پیش از شما بوده اند آفرید تادرپناه شوید^(۳). ﴿۲۲﴾ آنکه برای شما زمین را بساطی و آسمان را سقفی ساخت و از آسمان آبی فرود آورد سپس به آن از انواع میوه ها روزی برای شما بیرون آورد پس برای خدا همایان مقرر کنید در حالیکه شما میدانید. ﴿۲۳﴾ و اگر هستید در شبهه از آنچه بر بنده خود فرود آوردیم (یعنی از قرآن) پس يك سوره ای مانند آن بیارید و مددکاران خود را غیر از خدا بخوانید اگر راستگو هستید. ﴿۲۴﴾ پس اگر نکردید و البته نمی توانید انجام دهید پس حذر کنید از آن آتشی که آتش انگیز آن^(۴) مردمان و سنگها باشند، برای کافران آماده کرده شده است.

(۱) مترجم گوید که حاصل مثل آنست که اعمال منافقان همه نابود شود چنانکه روشنی آن جماعت دور شد.

(۲) مترجم گوید که حاصل مثل آنست که منافقان در ظلمات نفسانی افتاده اند و چون موعظه بلیغه شنوند فی الجمله ایشان را تنبیهی می شود و آن فائده نکند مانند مسافران که در شب تاریک و ابرحیران باشند و در برق دوسه قدم بروند و باز ایستند والله اعلم.

(۳) تا پرهیزگار شوید (و از خشم خدا ایمن باشید مصحح).

(۴) یعنی هیزمهای وی.



وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ
تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ
رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا
وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥﴾ إِنَّ
اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا
الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا
الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا
يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ
إِلَّا الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ
مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ
فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٢٧﴾ كَيْفَ
تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ
ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٨﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَ
لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ أَسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ
فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٩﴾

﴿۲۵﴾ و آنکسان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند بشارت ده بآنکه ایشان راست بوستانهایی که میروند زیر آنها جویها هرگاه داده شوند از آنجا روزی از قسم میوه، گویند این همانیست که بما پیش ازین داده شده بود و به ایشان آن روزی مانند یکدیگر آورده شود^(۱) و برایشان در آنجا زنان پاک کرده شده است و ایشان در آنجا جاویدند. ﴿۲۶﴾ هر آینه خدا از آنکه بزند مثال پشه ای و بالاتر از آن را شرم نمیکند، اما آنانکه ایمان آورده اند میدانند که این مثال از پروردگار ایشان راست است و اما آنانکه کافرنند می گویند چه چیز خواسته است خدا به (آوردن) این مثال خدا به سبب آن بسیاری را گمراه میکند و به آن بسیاری را هدایت میکند و گمراه نمی کند به آن مگر بدکاران را^(۲). ﴿۲۷﴾ آنان (فاسقان) که پیمان خدا را بعد بستن آن می شکنند و آنچه را که خدا امر فرموده است به پیوستن آن می بُرنند در زمین فساد می کنند ایشان زیان کاران اند. ﴿۲۸﴾ چگونه به خدا کافر می شوید و حال آنکه مردگان بودید پس شمارا زنده گردانید، بعد از آن شمارا بمیراند باز شمارا زنده گرداند باز به سوی وی بازگردانیده شوید. ﴿۲۹﴾ وی آنست که برای شما هر چه در زمین است همه را بیافرید باز به سوی آسمان متوجه شد پس آن راهفت آسمان ساخت و او به همه چیز دانا است.

(۱) یعنی غبارِ فقد ان مرغوب هیچ ساعت به خاطر ایشان ننشیند والله اعلم.

(۲) کافران چون ذکر پشه و عنکبوت در قرآن شنیدند طعن کردند و گفتند که خدای تعالی بذکر این چیزهای خسیس چه اراده کرده است پس این آیت نازل شد والله اعلم.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۖ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾ وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَأِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣١﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٣٢﴾ قَالَ يَتَذَكَّرُ أُنْبِيَائُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٣٣﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَأِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٣٤﴾ وَقُلْنَا يَتَذَكَّرُ أَسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٣٥﴾ فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ ﴿٣٦﴾ قَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٣٧﴾

﴿۳۰﴾ و یادکن چون گفت پرورد گارتوبه فرشتگان که من در زمین جانشینی را آفریننده ام گفتند آیا می آفرینی در زمین کسی را که در آن فساد کند و خونریزی کند و ما بحمد تو تسبیح می گوئیم و به پاکی برای تو - اقرار می کنیم - فرمود هر آئینه من میدانم آنچه شما نمی دانید. ﴿۳۱﴾ و خدا آدم را نامهای همه مخلوقات بیاموخت باز آن چیزها را بر فرشتگان عرضه کرد پس گفت مرا بنام های این چیزها خبر دهید اگر شماراست گوہستید. ﴿۳۲﴾ گفتند ترا به پاکی یاد می کنیم هیچ دانش نیست مارا مگر آنچه تو آموختی بما هر آئینه تویی دانای با حکمت. ﴿۳۳﴾ فرمود ای آدم فرشتگان را بنام های آنها خبر ده، پس چون ایشان را به نام های آنها خبر داد فرمود آیانگفته بودم شمارا که هر آئینه من پنهان آسمان ها و زمین را میدانم و میدانم آنچه را که آشکار می کنی و آنچه را که پوشیده می داشتید. ﴿۳۴﴾ و چون به فرشتگان گفتیم آدم را سجده کنید، پس سجده کردند مگر ابلیس قبول نکرد و سرکشی نمود و از کافران گشت. ﴿۳۵﴾ و گفتیم ای آدم سکنای کن و همسرت در بهشت و بسیار بخورید از (میوه های) بهشت از هر کجاکه می خواهید و نزدیک مشوید باین درخت که از ستمکاران خواهید شد. ﴿۳۶﴾ پس هر دو را شیطان از آنجا بلغزانید پس ایشان را از آن نعمتهایی که بودند در آن بر آورد و فرمودیم فرود آید (به زمین) در حالیکه بعضی شما دشمن بعضی باشد و شما در زمین تاملتی آرام گاه و بهره مندی دارید. ﴿۳۷﴾ پس آدم از پروردگار خود سخنی چند را فرا گرفت پس خداوند توبه اورا بمهربانی خود قبول کرد، بیشک او توبه پذیر مهربانست^(۱).

(۱) و آن کلمات این است: ﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَرْحَمْ لَأَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ والله أعلم.

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ
 هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٩﴾
 يٰبَنِي إِسْرَءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي
 أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّيَ فَارْهَبُونِ ﴿٣٠﴾ وَءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا
 لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ ۖ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي
 ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّيَ فَاتَّقُونِ ﴿٣١﴾ وَلَا تَلْسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا
 الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٣٢﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ
 وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿٣٣﴾ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ
 وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٣٤﴾
 وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ
 ﴿٣٥﴾ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلْقَوْنَ رَبَّهُمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿٣٦﴾
 يٰبَنِي إِسْرَءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ
 عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٧﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا
 وَلَا يَقْبَلُ مِنْهَا شَفَعَةً ۖ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٣٨﴾



﴿۳۸﴾ فرمودیم همه شما از آنجا فرودآید پس اگر بیاید به شما از من هدایتی پس هرکه هدایت مرا پیروی کرد هیچ ترس نیست برآنان و نه ایشان اندوه خورند. ﴿۳۹﴾ و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند ایشان اهل دوزخ اند، ایشان در آنجا جاویدند. ﴿۴۰﴾ ای^(۱) فرزندان یعقوب یاد کنید آن نعمت مرا که ارزانی داشتم بر شما و به پیمان من وفا کنید تا به پیمان شما وفا کنم و تنها از من بترسید. ﴿۴۱﴾ و ایمان آرید بآنچه فرود آورده ام در حالیکه تصدیق کننده است آنچه را که باشماست و مباشید نخستین منکرا و عوض آیت های من بهای اندک را مستانید و تنها از من بترسید. ﴿۴۲﴾ و راست را بانا راست آمیخته مکنید و راست را پنهان مکنید در حالیکه شما میدانید. ﴿۴۳﴾ و نماز را برپا دارید و زکوٰه را بدهید و نماز گزارید بانماز گزارند گان. ﴿۴۴﴾ آیا مردمان را به نیکوکاری می فرمایید و خویشتن را فراموش میکنید حال آنکه شما کتاب (یعنی تورات) را می خوانید آیا نمی فهمید. ﴿۴۵﴾ و مدد طلبید^(۲) به شکیبایی و نماز - و هرائینه نماز دشوار است مگر بر فروتنان. ﴿۴۶﴾ آنانکه میدانند که ایشان با پروردگار خویش ملاقات خواهند کرد و آنکه ایشان بسوی وی باز خواهند گشت. ﴿۴۷﴾ ای فرزندان یعقوب آن نعمت مرا که ارزانی داشته ام بر شما یاد کنید و آنکه شما را بر همه عالم ها^(۳) فضل دادم. ﴿۴۸﴾ بترسید از آن روزی که کفایت نکند هیچکسی از کسی چیزی را و پذیرفته نشود از هیچ کس شفاعت و گرفته نشود از هیچ کسی عوضی و نه ایشان یاری داده شوند.

(۱) مترجم گوید خدای تعالی نعمتهای خود را بر بنی اسرائیل یاد آوری می کند و معجزه هایی که درین قوم ظاهر شده بود ذکر فرمود آنگاه شبهات و هفوات ایشان را رد کرد بدلائل و این قصه ممتداست تا قوله تعالی: ﴿وَإِذْ أَنْتَ﴾
إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

(۲) یعنی در جمیع حاجات و مصایب والله اعلم.

(۳) یعنی عالمیان آن زمان.

وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ أَلْعَذَابِ
يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ
مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٤٩﴾ وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنجَيْنَاكُمْ
وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿٥٠﴾ وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ
أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ
﴿٥١﴾ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٢﴾
وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٥٣﴾
وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَلْقَوْنِي أَنَا مُنْكَرٌ فَأَخَذْتُكُمْ
الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَٰلِكُمْ
خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ ﴿٥٤﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يَمُوسَىٰ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ
جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿٥٥﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ
مِّنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٦﴾ وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ
الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ
مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٥٧﴾

﴿۴۹﴾ (یاد کنید نعمت مرا) آن وقت که شمارا از آلِ فرعون رهانیدیم به شما سخت ترین عذاب را میرسانیدند پسرانِ شمارا ذبح میکردند و زنان (ای دختران) شمارا زنده میگذاشتند و درین کار آزمایشی بزرگ از جانب پروردگار شما^(۱) بود. ﴿۵۰﴾ و آن وقت که برای شما دریا را شکافتیم پس شمارا خلاص کردیم و غرق ساختیم کسانِ فرعون را درحالیکه شما میدیدید. ﴿۵۱﴾ و آن^(۲) وقت که باموسیٰ میعاد مقرر کردیم چهل شب پس گوساله^(۳) را پس از رفتن موسیٰ به پرستش گرفتید و شماستماکار بودید. ﴿۵۲﴾ پس از شما بعد ازین درگذشتیم تا بُوَد که شما سپاسگزاری کنید. ﴿۵۳﴾ و آن وقت که موسیٰ را کتاب و حجت دادیم تا بُوَد که شما راه یابید. ﴿۵۴﴾ و آن وقت که موسیٰ قوم خود را گفت ای قوم من هراَئینه شما بر خویشتن ستم کرده اید به فرا گرفتن گوساله پس به سوی آفریدگار خود باز آیید پس خویشتن را بکشید این بهتر است شمارا نزد آفریدگارِ شما پس خداوند توبه شما را بمهربانی خود پذیرفت هراَئینه اوتوبه پذیر مهربان است. ﴿۵۵﴾ و آن وقت که گفتید ای موسیٰ هرگز به تو ایمان نمی آوریم تا آنکه ببینیم خدایا آشکارا پس شمارا صاعقه درگرفت درحالیکه شما میدیدید. ﴿۵۶﴾ باز شمارا پس از مردنتان، زنده گردانیدیم تا شما شکرگزاری کنید^(۵). ﴿۵۷﴾ و بر شما ابر را سایبان ساختیم و بر شما ترنجبین و گزنکین و پرندۀ بلدرچین را فرود آوردیم گفتیم از پاکیزه های آنچه شمارا دادیم بخورید و ایشان بر ما ستم نکردند ولیکن بر خویش ستم میکردند.

-
- (۱) مترجم گوید سبب کشتن پسران آن بود که کاهنان فرعون را خبر داده بودند که در بنی اسرائیل پسری پیدا شود که باعث برافتادن پادشاهی او گردد.
- (۲) مترجم گوید که خداموسیٰ علیه السلام را وعده داده که چهل شب در طور معتکف شود تا تورات عطا فرمائیم درین مدت بنی اسرائیل بفریب سامری گوساله پرستی اختیار کردند خدای تعالی بعد برگشت موسیٰ حکم فرمود که بعضی ایشان بعضی را بکشند و این توبه ایشان است.
- (۳) یعنی معبود ساختید.
- (۴) مترجم گوید موسیٰ علیه السلام هفتاد کس را از بنی اسرائیل با خود بُرد تا باوی کلام الهی را استماع نمایند ایشان بعد از شنیدن خواهانِ رویت شدند و در طلب آن پا از حد ادب بیرون نهادند خدای تعالی آن همه را بصاعقه بسوخت و بازیدعای موسیٰ زنده ساخت اشارت باین قصه است این آیت.
- (۵) بنی اسرائیل مامور شدند به جهاد و عمارت و ایشان در آن باب تغافل کردند پس (در مقابل آن) معاقب شدند بافتادن در بیابان چهل سال و آنجا چون آب و طعام و خیمه ها گم شد خدای تعالی به دعای موسیٰ علیه السلام مَنْ و سلویٰ نازل ساخت و از سنگی دوازده چشمه روان کرد و ابر را سایبان گردانید قدر این نعمتها را نشناختند و کفرانِ نعمت کردند اشارت بدین قصه است این آیت.

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ
 رَغَدًا وَأَدْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ
 خَطِيئَتَكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ
 ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا
 رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٥٩﴾ *وَإِذْ اسْتَسْقَى
 مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ
 مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ كُلُوا
 وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعَثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٦٠﴾
 وَإِذْ قُلْتُمْ يَمْوِسُ لَنْ نَصِيرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا
 رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنِيتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا
 وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِلَهَا قَالَ أَتَسْتَبِدُّونَ الَّذِي هُوَ
 أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبِطُوا مَصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ
 وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءَ وَبَغَضِبِ مِّنَ
 اللَّهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ
 النَّبِيَّ بَغْيًا غَيْرَ الْحَقِّ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾



﴿۵۸﴾ و آن وقت که گفتیم درآیید درین ده^(۱) پس از آنجا بافزونی هر جاکه خواهید بخورید خوردنی گوارا و به دروازه سجده کنان درآیید و بگویید سوال ما آمرزش است تا گناهتان را برای شما بیامرزیم و به نیکوکاران افزون خواهیم داد. ﴿۵۹﴾ پس کسانی که ستمکار بودند بدل کردند سخنی غیر آنچه فرموده شدایشان را^(۲) پس بر آن ستمکاران عذابی را از آسمان بسبب بدکار بودن ایشان فرود آوردیم. ﴿۶۰﴾ و آن وقت که موسی برای قوم خود آب خواست پس گفتیم بعضای خود سنگ را بزنی پس از سنگ دوازده چشمه روان شد هر قوم آب خورد خود را بدانست^(۳) گفتیم بخورید و بنوشید از روزی خدا و در زمین تباهی کنان فساد مکنید. ﴿۶۱﴾ و آن وقت که گفتید ای موسی هرگز بر یک طعام شکیبایی نکنیم برای ما از پروردگار خود بطلب تابیر و آرد برای ما از آنچه میرویانندش زمین از تره و خیار و گندم و عدس و پیازش - گفت موسی آیا بدل می کنید آنچه را که آن فرو ترست به آنچه آن بهترست - فرودآید به شهری پس هر آئینه باشد شمارا آنچه خواستید، زده شد^(۴) برایشان (مُهر) خواری و بی نوایی و بازگشتند بخشمی از خدا این بسبب آنست که باور نمی داشتند آیت های خدا را و پیامبران را به ناحق می کشتند، این به سبب گناه کردن ایشان است و آنکه از حد در می گذشتند.

(۱) یعنی دهی که در زمان حضرت موسی فتح شده بود.

(۲) یعنی بجای حطه جنطه گفتند.

(۳) یعنی بنی اسرائیل دوازده قبیله بودند برای هر قبیله یک چشمه معین شد والله اعلم.

(۴) یعنی فرود آورده شد.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالْمَسِيحِيَّةَ
 وَالنَّصَارَى وَالصِّبْيَ عَنِ اللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ
 رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا
 مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا ءَاتَيْنَاكُمْ
 بِقُوَّةٍ وَادْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ
 مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ
 الْخَاسِرِينَ ﴿٦٤﴾ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ
 فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿٦٥﴾ فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِمَا
 بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٦٦﴾ وَإِذْ قَالَ
 مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا
 أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ
 ﴿٦٧﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا
 بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانُ بَيْنَ ذَلِكَ فَافْعَلُوا مَا
 تُؤْمَرُونَ ﴿٦٨﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ إِنَّهُ
 يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ ﴿٦٩﴾

﴿۶۲﴾ هرآئینه آنانکه مسلمان شدند و آنانکه یهود شدند و نصاریٰ و صابئین (بی دینان) هرکه از ایشان ایمان آورد بخدا و روز بازپسین و کارشایسته کرده باشد پس برایشان است مزد ایشان نزد پروردگار شان و نه ترس بُود برایشان و نه ایشان اندوهگین شوند^(۱). ﴿۶۳﴾ و آن وقت که پیمان شما را گرفتیم و بالای شما (کوه) طور را برداشتیم گفتیم آنچه داده ایم شما را باستواری (وحدّیت)^(۲) بگیرید و آنچه در آنست یاد کنید تا بُود که در پناه شوید. ﴿۶۴﴾ باز روگردانیدید بعد ازین پس اگر نمی بود بخشایش خدا بر شما و مهربانی او هرآئینه از زیان کاران می شدید. ﴿۶۵﴾ و به راستی آن کسان را که از حد درگذشتند از شما در شنبه^(۳) دانسته اید پس گفتیم ایشان را بوزینگانی خوار شده شوید. ﴿۶۶﴾ پس این قصه را برای آن قوم که در آن ده بودند^(۴) و آن قوم که پس از ایشان آیند عبرتی ساختیم و پندی برای پرهیز گاران. ﴿۶۷﴾ و^(۵) آن وقت که گفت موسی بقوم خود هرآئینه خدا شما را به کشتن گاوی دستور می فرماید، گفتند آیامارا مسخره می کنی؛ گفت پناه می برم بخدا از آنکه از نادانان باشم. ﴿۶۸﴾ گفتند سوال کن برای ما از پروردگار خود تا برای ما بیان کند چیست آن گاو گفت هرآئینه خدا می فرماید که بدستیکه آن گاوی است نه پیرو نه جوان میانه است در میان این و آن پس به آنچه فرموده شدید عمل کنید. ﴿۶۹﴾ گفتند سوال کن برای ما از پروردگار خود تا برای ما بیان کند رنگ آن گاو چیست، گفت هرآئینه خدا میفرماید که آن گاویست زرد، پُر رنگ آن قدر که بینندگان را شاد و مسرور میکند.

(۱) حاصل معنی آیت آنکه آدمی در اصل از هر فرقه که باشد چون ایمان آورد از اهل نجات بود خصوصیت فرقه معتبر نیست.

(۲) یعنی احکام تورات.

(۳) یعنی شکار کردند و شکار کردن در روز شنبه در دین بنی اسرائیل حرام بود.

(۴) یعنی در آن زمانه حاضر بودند.

(۵) مترجم گوید شخصی را از بنی اسرائیل کشته یافتند و کشته آن معلوم نبود خدای تعالی حکم فرمود که گاوی را ذبح کنند و بعضی وی را بر آن مقتول بزنند تا زنده شود و از قاتلان خود خبر دهد القصه گاواره مبلغ خطیر خرید کردند و بزدند، مقتول زنده شد و پسران عم خود را نام برد که ایشان کشتند پس قاتلان را بقصاص رسانیدند از آن باز قاتل را از میراث محروم ساختند والله اعلم.

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَبَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا
 إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ ﴿٧٠﴾ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذُلُّ
 تُشِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا
 أَكُنْ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧١﴾ وَإِذْ
 قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ
 ﴿٧٢﴾ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بَعْضَهَا كَذَلِكَ يُجِي اللَّهَ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ
 آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٣﴾ ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ
 فِيهَا كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً وَإِن مِّن الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ
 مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِن مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِن
 مِنْهَا لَمَّا يَنْهَيطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ
 ﴿٧٤﴾ * أَفَتَطْمَعُونَ أَن يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ
 يَسْمَعُونَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرِفُونَهُ مِمَّن بَعْدَ مَا عَقِلُوهُ وَهُمْ
 يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ وَإِذَا قُلُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا
 خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ اللَّهُ
 عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِندَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٧٦﴾

﴿۷۰﴾ گفتند سوال کن برای ما از پروردگار خود تا برای ما بیان کند چگونه است آن گاو
 هرائینه گاو ان مشتبّه شدند بر ما و هرائینه ما اگر خدا خواسته باشد البته راه یافتگانیم.
 ﴿۷۱﴾ گفت هرائینه خدا میفرماید که آن گاویست نه محنت کشنده که زمین را شخم زند
 و نه زراعت را آب می دهد سلامت است دروی هیچ خال نیست، گفتند حالا سخنی
 درست آوردی^(*) پس آن را ذبح کردند و نزدیک بود که این کار را نکنند. ﴿۷۲﴾ و آن وقت
 که شخصی را کشتید پس دروی نزاع کردید و خدا بیرون آورده است چیزی را که پنهان
 میکردید. ﴿۷۳﴾ پس فرمودیم بزیداین شخص را به پاره ای از گاو این طور خدا مُردگان
 را زنده میکند و شمارا نشانه های خود می نماید تا بُود که دریابید. ﴿۷۴﴾ باز دل های شما
 بعد ازین (واقعه) سخت شد پس آنها مانند سنگ اند بلکه سخت تر (از سنگ)، و هرائینه از
 سنگ ها آنست که از آن جویها روان می شود و هرائینه از سنگها آنست که می شکافد پس
 از آن آب، بیرون می آید و هرائینه از سنگها آنست که از ترس خدا فرو می افتد و خدا بیخبر
 نیست از آنچه می کنید. ﴿۷۵﴾ (ای مومنان) آیا امید می دارید که (یهود) به دین شما در آیند
 حال آنکه گروهی از ایشان کلام خدا را (یعنی تورات را) می شنیدند سپس آن را دانسته
 تحریف میکردند بعد از آنکه آن را فهمیده بودند. ﴿۷۶﴾ و چون بامومنان ملاقات کنند
 گویند ایمان آوردیم و چون با همدیگر تنها شوند^(۱) گویند آیا ایشان را به آنچه گشاده است
 خدا بر شما خبر میدهد^(۲) تا باشما بآن دلیل نزد پروردگار شما مناظره کنند آیا در نمی
 یابید.

(*) توضیح: آن گاویست که پرورده نگشته تا زمین را شخم کند و نه کشت را آبیاری کند و از هر عیبی پاک و نباشد
 در آن رنگ دیگری (مصحح).

(۱) یعنی بارتیسان خویش.

(۲) یعنی نعمت پیامبر آخر الزمان.

أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٧﴾
 وَمِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي وَإِنَّهُمْ
 إِلَّا يُظُنُّونَ ﴿٧٨﴾ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ
 ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا
 فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ
 ﴿٧٩﴾ وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ
 أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلَفَ اللَّهُ عَهْدَهُ وَأَمَّا
 تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٠﴾ بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً
 وَأَحْطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ
 فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨١﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨٢﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا
 مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ
 إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَقُولُوا
 لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ
 تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٨٣﴾

﴿۷۷﴾ آیا (این جاهلان) نمیدانند که خدا آنچه را که پنهان می کنند و آنچه آشکار می نمایند میداند. ﴿۷۸﴾ و بعضی از ایشان ناخواندگان اند (یعنی بیسواداند) کتاب (تورات) راجز آرزوهای باطل نمی پندارند و نیستند مگر گمان کننده. ﴿۷۹﴾ پس وای آنکسان را که کتاب را بدست های خود می نویسند باز می گویند این از نزد خداست تا عوض وی بهای اندک را بگیرند پس وای برحالشان بسبب نوشتن دست های ایشان و وای بر ایشان از آنچه که بدست می آوردند. ﴿۸۰﴾ و گفتند آتش دوزخ به ما نرسد مگر چندروز شمرده شده بگو آیا از پیش خدا پیمانی گرفتید تا هرگز خدا پیمان خود را خلاف نکند یا اینکه می گوئید برخدا آنچه را که نمی دانید^(۱). ﴿۸۱﴾ آری هر که کاربرد را انجام داد و او را گناه او به احاطه گرفت پس ایشان باشندگان دوزخ اند، ایشان در آنجا جاویدند. ﴿۸۲﴾ و کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند ایشان باشندگان بهشت اند، ایشان در آنجا جاویدند. ﴿۸۳﴾ و آنگاه که پیمان بنی اسرائیل را گرفتیم که نپرستید مگر خدا را و به والدین نیکی کنید و به اهل قرابت و یتیمان و بی نوایان و بامردمان سخن نیک بگوئید و نماز را برپادارید و زکوة را بدهید پس رویگردان شده برگشتید مگر اندکی از شما.

(۱) مترجم گوید یکی از عقائد باطله یهود آن بود که می گفتند یهود در دوزخ نیا شد مگر چند روزی و این خطا است زیرا که دخول جنت موقوف بر ایمان بخدا و روز قیامت و پیامبر آخر زمان است جنس یهود و غیر آن اعتبار ندارد و درین آیه اشاره بهمین معنی است والله اعلم.

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تَخْرِجُونَ
 أَنْفُسَكُمْ مِّن دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٨٤﴾
 ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتَخْرِجُونَ فَرِيقًا
 مِّنكُمْ مِّن دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ
 وَإِن يَأْتُوكُمُ أُسْرَىٰ تَفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ
 إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ
 فَمَا جَزَاءُ مَن يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ
 بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٨٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ
 الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ
 ﴿٨٦﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ
 بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ
 الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُكُمْ
 اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ ﴿٨٧﴾ وَقَالُوا قُلُوبُنَا
 غُلْفٌ بَل لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

﴿۸۴﴾ و آنگاه که پیمان شمارا گرفتیم که خون یکدیگر را مرزید و قوم خویش را از خانه هایتان بیرون مکنید پس قبول کردید در حالیکه خود شما گواهی میدیدید. ﴿۸۵﴾ باز شما آن گروهید که قوم خویش را می کشید و گروهی را از قوم خود از خانه های ایشان بیرون می کنید بر علیه آنان به گناه و ستمکاری باهمدیگر همکاری میکنید و اگراسیر شده بشمامی آیند فدا میدهید عوض (آزاد کردن) ایشان حال آنکه بیرون کردن ایشان بر شما حرام است آیا به بخشی از کتاب ایمان می آورید و به بخش دیگر کافر می شوید؟ پس چیست جزای آنکه چنین کند از شما مگر خواری در زندگانی دنیا و روز قیامت به سوی سخت ترین عذاب گردانیده شوند و نیست خدا بی خبر از آنچه میکنید^(۱). ﴿۸۶﴾ ایشان آنکسانند که زندگانی دنیا را به عوض آخرت خریدند پس از ایشان عذاب سبک کرده نشود و نه ایشان یاری داده شوند. ﴿۸۷﴾ و به درستیکه موسی را کتاب دادیم و بعد از او پیامبران را در پی در آوردیم، عیسی پسر مریم را نشانه های روشن دادیم و روح القدس - یعنی جبرئیل - قوت دادیم آیا هرگاه آورد پیامبری نزد شما آنچه دوست ندارد نفسهای شما سرکشی کردید؟ پس گروهی را دروغگو داشتید و گروهی را کشتید. ﴿۸۸﴾ و گفتند^(۲) دلهای مادر پرده است، بلکه خدا ایشان را به سبب کفر ایشان نفرین کرده است پس اندکی ایمان می آورند.

(۱) یعنی منع کرده شدند از کشتن و جلاوطن کردن و در ظلم مدد کاری نمودن و فرموده شدند به فدا اسیران و ایشان ازین همه احکام به فدای اسیران عمل کردند و بس زیرا که موافق نفس ایشان افتاد و این طاعت نفس است طاعت خدا نیست.

(۲) مترجم گوید و دیگر از قبائح یهود آن بود که میگفتند قلوبنا غلف یعنی در دین خود آنقدر استحکام داریم که هیچ شبهه بدان راه نمی یابد و این خطا است که سبب قبول نکردن دین اسلام حسد و جهل بود نه تقوی زیرا که آثار تقوی هیچگاه از ایشان ظاهر نمی شد و اشارت بهمین معنی است درین آیات.

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ
وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا
جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ
﴿١٨٩﴾ بِشَسْمَا أَشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَن يَكْفُرُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ
بَغْيًا أَن يُنْزَلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ
فَبَاءُوا وَبِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ
﴿١٩٠﴾ وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا تَأْتُونَنَا بِمَاءٍ
عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا
مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ ﴿٩١﴾ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ
اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٩٢﴾ وَإِذْ
أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا
مَاءً آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَأَسْمِعُوا قُلُوبًا لِّسَمْعِنَا وَعَصَيْنَا
وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِشَسْمَا
يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيْمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٩٣﴾



﴿۸۹﴾ وآنگاه که آمد به ایشان کتابی^(۱) از نزد خدا باور کننده آنچه با ایشان است و پیش ازین طلب فتح می کردند بر مشرکان پس چون آمد به ایشان آنچه میدانستند منکر آن شدند پس لعنت خدا بر کافران باد^(۲). ﴿۹۰﴾ بد چیز است آنچه به عوض وی خویشان را فروختند که کافر شوند به آنچه خدا فرود آورده است به سبب حسد بر آنکه فرود آورد خدا از فضل خویش بر هر که خواهد از بند گان خود پس بخشمی بالای خشمی بازگشتند و برای کافران عذاب خوار کننده است. ﴿۹۱﴾ و چون به ایشان گفته شود ایمان آورید به آنچه خدا فرود آورده است گویند ایمان می آوریم به آنچه بر ما فرود آورده شد و ایشان کافر می شوند به آنچه غیر از آن است حال آنکه او راست است تصدیق کننده آنچه با ایشان است بگو پس پیش ازین پیامبران خدا را چرامی کشتید اگر شما مؤمن بودید. ﴿۹۲﴾ و هر آینه موسی به نشانه های روشن به شما آمد پس گوساله را پس از وی (به پرستش) گرفتید و شما ستمکار بودید. ﴿۹۳﴾ و آنگاه که پیمان شما را گرفتیم و بالای شما (کوه) طور را برداشتیم گفتیم به قوت بگیرید آنچه راکه به شما دادیم و بشنوید - گفتند^(۳) شنیدیم و نافرمانی کردیم و در دلهای ایشان دوستی گوساله - به سبب کافر بودن ایشان - آمیخته کرده شد بگو بد چیزی است آنچه شما را ایمان شما به آن امر میفرماید اگر اهل ایمان هستید.

(۱) یعنی قرآن.

(۲) تعریض است به آن قصه که یهود خیبر با غطفان جنگ میکردند و هزیمت می یافتند آخر دعا کردند که به بعثت نبی آخر الزمان ما را نصرت بده.

(۳) یعنی بزبان حال.

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ
 دُوبِ النَّاسِ فَتَمَنُّوا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٩٤﴾ وَلَنْ
 يَتَمَنَّوَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ
 ﴿٩٥﴾ وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَوَةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا
 يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرَحِّزٍ لَهُ مِنْ
 الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قُلْ مَنْ
 كَانَ عَدُوًّا لِلْجَبْرِيلِ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ
 اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ
 ﴿٩٧﴾ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ
 وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ ﴿٩٨﴾ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا
 إِلَيْكَ ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ﴿٩٩﴾
 أَوْ كَلَّمَآ عَهْدًا وَعَهْدًا تَبَذَّهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ
 لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٠﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ
 لِّمَا مَعَهُمْ تَبَذَّ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
 كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْمَلُونَ ﴿١٠١﴾

﴿۹۴﴾ بگو^(۱) اگر سرای بازپسین نزد خدا مخصوص شما است غیر از مردمان دیگر پس مرگ را آرزو کنید اگر راست گو هستید. ﴿۹۵﴾ و هرگز آرزو نکنند آن را هیچگاه به سبب آنچه دستهای ایشان پیش فرستاده است و خدا به ستمکاران دانا است. ﴿۹۶﴾ والبتة ایشان را حریص ترین مردم بر زندگانی بیابی و حریص تر از آنانکه مشرک اند، دوست میداردیکی از ایشان که کاش - عمر هزار سال داده شود و نیست رهانده وی از عذاب آنکه عمر داده شود و خدا بیناست به آنچه می کنند^(۲). ﴿۹۷﴾ بگو^(۳) هر کس که دشمن جبرئیل باشد (چه زبان می کند) پس به تحقیق جبرئیل فرود آورده است قرآن را بر دل تو به حکم خدا، تصدیق کننده آنچه پیش از آن است و رهنما و مژده دهنده به اهل ایمان است. ﴿۹۸﴾ هر کس که دشمن خدا و فرشتگانش و پیامبران او و جبرئیل و میکائیل باشد پس هر آینه خدا دشمن کافران است. ﴿۹۹﴾ و به راستی برای تو نشانه های روشن فرود آوردیم و کافر نمی شوند به آنها مگر بدکاران. ﴿۱۰۰﴾ آيا هرگاه که پیمانی را بستند بر انداخت آن را گروهی از ایشان بلکه اکثر ایشان باور نمی دارند. ﴿۱۰۱﴾ و هرگاه که به ایشان پیامبری از نزد خدا، تصدیق کننده آنچه با ایشان است آمد، گروهی از آن قوم که کتاب داده شده اند کتاب خدا را پس پشت خویش انداختند، گویا آنان نمی دانند.

(۱) دیگر از تحریفات یهود آن بود که میگفتند که داخل نخواهد شد در بهشت هیچکس مگر یهود و این خطا است زیرا که علامت بهشتیان مشتاق شدن بملاقات خدا است و ایشان از مرگ هراسان بودند و اشارت بهمین معنی است درین آیت.

(۲) دیگر از جمله هفوه یهود کلام بیهوده و هر چه از ذهن برآید، گفتن است.

(۳) دیگر از هفوات یهود آن بود که جبرئیل را دشمن میداشتند که عذاب بر ارمم سابقه فرود آورده این خطا است که جبرئیل مامور است از بارگاه حق عزوجل ویراچه اختیار!.

وَاتَّبِعُوا مَا تَلُوا الشَّيَاطِينَ عَلَى مُلْكٍ سُلَيْمَنٌ وَمَا كَفَرَ
 سُلَيْمَنٌ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ
 السِّحْرَ وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هَرُوتَ وَمَرُوتَ
 وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا
 تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ
 وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ
 وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ
 اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ
 أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٢﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا
 لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٣﴾
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انْظُرْنَا
 وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٤﴾ مَا يَوَدُّ
 الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ
 أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ
 بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿١٠٥﴾

﴿۱۰۲﴾ آنچه را که شیطانها در سلطنت سلیمان می خواندند پیروی کردند^(۱) - و سلیمان کافر نشد ولیکن شیطانها کافر شدند مردمان را جادو می آموختند و پیروی کردند از آنچه فرود آورده شد بر دوفروشته در بابل هاروت و ماروت و (آنان) نمی آموختند هیچ کس را تا آنکه گویند جز این نیست که ما بلاییم پس کافر شو، پس از آن دو افسونی یاد می گیرند که جدایی می افکنند به سبب آن در میان مرد و زن او و ایشان زیان رساننده نیستند به سحر هیچکس را مگر باراده خدا و ایشان آنچه زیان میرسانید ایشانرا می آموختند و ایشان را سود ندهد و هر آئینه دانسته اند هر که بستاند جادو او را در آخرت هیچ بهره ای نیست و هر آئینه بد چیز است آنچه به عوض آن خویشتن را فروختند، کاش می دانستند. ﴿۱۰۳﴾ و اگر ایشان ایمان می آوردند و تقوی اختیار می کردند به یقین ثوابی که از نزد خدا (به آنان می رسد) بهتر بودی اگر می دانستند. ﴿۱۰۴﴾ ای مومنان مگوئید راعنا و بگوئید انظرنا ونیک بشنوید و کافران را عذاب دردناک است^(۲). ﴿۱۰۵﴾ نه آنانکه کافر شدند از اهل کتاب و نه مشرکان دوست نمیدارند که بر شما هیچ نیکی از پروردگار شما فرود آورده شود و خدا مخصوص می کند به بخشایش خود هر که را خواهد و خدا صاحب فضل بزرگ است.

(۱) دیگر از هفوات یهود آن بود که سحر میکردند و سلیمان علیه السلام را ساحر می دانستند این افترا بود بر سلیمان علیه السلام و اشارت بهمین معنی است درین آیت.

(۲) دیگر از هفوات یهود آن بود که در مجلس پیامبر آمده لفظ راعنامی گفتند و این لفظ را دو معنی است یکی آنکه رعایتکن ما را و شفقت کن بر ما دیگر رعونت دارنده یعنی ابله - و قصد ایشان سب بود حق سبحانه و تعالی را ازین کلمه نهی کرد برای سبب فساد و درین آیت اشارت بهمین معنی است.

* مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا ^{فَ}
 أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٦﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ
 اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ
 اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٧﴾ أَمْ تَرِيدُونَ أَن تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ
 كَمَا سَأَلِ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ
 فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٨﴾ وَكَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
 لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا
 مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا ^ط
 وَأَصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ ^{هـ} إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ ﴿١٩﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تَقَدَّمُوا
 لِأَنْفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ^ط إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ
 بَصِيرٌ ﴿٢٠﴾ وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا
 أَوْ نَصْرِي ^ط تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
 صَادِقِينَ ﴿٢١﴾ بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ
 أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٢﴾

﴿۱۰۶﴾ هرچه نسخ می کنیم از آیه ای یا فراموش می گردانیم آنرا بهتر از آن می آوریم یا مانند آن آیا ندانسته ای که خدا بر همه چیز تواناست^(۱). ﴿۱۰۷﴾ آیندانبسته ای که پادشاهی آسمانها وزمین برای خدا است و شمارا غیر از او هیچ دوستی نیست و نه یآوری. ﴿۱۰۸﴾ آیامی خواهید که پیامبر خود را سوال کنید چنانکه موسی پیش ازین سوال کرده شد و هر که بستاند کفر را به عوض ایمان پس هرائینه راه راست را گم کرد. ﴿۱۰۹﴾ بسیاری از اهل کتاب دوست داشتند که شمارا بعد از ایمانتان کافر گردانند - از روی حسدی که در نفسهایشان بود - بعد از آنکه حق برایشان واضح شد پس عفو کنید و در گذرید تا آنکه خدا فرمان خود را بیاورد^(۲) هرائینه خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۱۱۰﴾ و نماز را برپا دارید و زکوٰه را بدهید و آنچه پیش می فرستید برای خویشتن از نیکوکاری آنرا نزد خدا خواهید یافت هرائینه خدا به آنچه می کنید بیناست. ﴿۱۱۱﴾ و گفتند هرگز به بهشت در نیاید مگر آنکه یهود یا ترسا باشد این آرزوهای باطله ایشانست بگو دلیل خود را بیاورید اگر راست گو هستید. ﴿۱۱۲﴾ بلی! هر که روی خود را برای خدا تسلیم کند و وی نیکوکار باشد پس او راست پاداش او نزد پروردگارش، نیست ترسی برایشان و نه ایشان اندوهگین شوند.

(۱) مترجم گوید درین آیت تعریض است بجواب یهود که انکار نسخ می کردند والله اعلم.

(۲) یعنی امر کند به جهاد ایشان والله اعلم.

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصْرَى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصْرَى
لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ
قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ
يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١١٣﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ
مَنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا
أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي
الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١٤﴾ وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ
وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَشَرَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَسِعَ عِلْمُهُ ﴿١١٥﴾
وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ ۖ بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانُونَ ﴿١١٦﴾ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ ﴿١١٧﴾ وَقَالَ
الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ
كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَبَهَتْ
قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿١١٨﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ
بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ﴿١١٩﴾

﴿۱۱۳﴾ وگفتند^(۱) یهود ترسایان بر هیچ چیزی نیستند، وگفتند ترسایان یهود بر هیچ چیزی نیستند حال آنکه همه ایشان کتاب را می خوانند هم چنین گفتند آنانکه نمی دانند^(۲) مانند قول ایشان، پس خدا میان ایشان روز قیامت در آنچه اختلاف می کردند در آن حکم می کند. ﴿۱۱۴﴾ وکیست ستمکارتر از آنکه منع کرد مسجد های خدا را از آن که یاد کرده شود نام خدا در آنها و در ویرانی آنها کوشش کرد، این گروه را نمی سزد که در آیند به مسجدها مگر هراسان، برای ایشان درد دنیا خواری است و برای ایشان در آخرت عذابی بزرگ است^(۳). ﴿۱۱۵﴾ و مشرق و مغرب از آن خدا است هر سو که رو آورید همانجاست روی خدا هر آینه خدا فراخ نعمت دانا است^(۴). ﴿۱۱۶﴾ وگفتند خدا فرزندی گرفت، پاکی او راست بلکه آنچه در آسمانها وزمین است برای او است، همه فرمانبردار او هستند^(۵). ﴿۱۱۷﴾ آفریننده آسمان ها وزمین است، و چون خواهد کاری را انجام دهد پس جزاین نیست که می گوید آن را بَسُو پس می شود. ﴿۱۱۸﴾ وگفتند آنانکه هیچ نمیدانند (یعنی مشرکان) چرا با ما خدا سخن نمی گوید یا به ما نشانه ای نمی آید؟ هم چنین گفتند کسانی که پیش از ایشان بودند مانند قول ایشان دل های ایشان بیکدیگر مشابعت دارند، به راستی که نشانه هارا برای گروهی که یقین می کنند بیان کردیم. ﴿۱۱۹﴾ البته ما تورا به راستی مژده دهنده و بیم کننده فرستادیم، و تو از اهل دوزخ پُرسیده نخواهی شد.

-
- (۱) دیگر از هفوات اهل کتاب آن بود که هر فرقه ای از یهود و نصاری دیگری را انکاری کردو در این آیت اشارت به همین معنی است.
- (۲) یعنی مشرکان گفتند.
- (۳) درین آیه تعریض است به کفار مکه و بشارت است به مغلوب شدن ایشان والله اعلم.
- (۴) دیگر از هفوات یهود آن بود که چون استقبال بیت المقدس منسوخ شد استهزاء میکردند در این آیت اشاره بهمین معنی است.
- (۵) دیگر از هفوات اهل کتاب آن بود که یهود عزیر را و نصاری عیسی را پسر خدا می گفتند در رد ایشان خدای تعالی این آیت را نازل فرمود.

وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ
 إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي
 جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٣٠﴾ الَّذِينَ
 آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ
 يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٣١﴾ يَذِّنِي إِسْرَءِيلُ أَذْكُرُوا نِعْمَتِيَ
 الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَلِيَّ فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٣٢﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا
 لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا
 شَفَعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿١٣٣﴾ * وَإِذْ أَتَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ بِكَلِمَاتٍ
 فَاتَّمَّهْنَّ ۖ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۖ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۖ قَالَ
 لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ﴿١٣٤﴾ وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ
 وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ
 وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ
 ﴿١٣٥﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ
 مِنَ الثَّمَرَاتِ ۖ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ
 فَأُمِّتُّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٣٦﴾



﴿۱۲۰﴾ و هرگز یهودیان از تو خوشنود نمی شوند و نه ترسایان، تا آنکه دین ایشان را پیروی کنی بگو یقیناً هدایت خدا همانست هدایت و اگر آرزوهای باطلهٔ ایشان را پس از آنچه که آمده است به تو ازدانش پیروی کردی، تورا برای خلاصی از عذاب خدا هیچ دوستی نباشد و نه یاری دهنده ای. ﴿۱۲۱﴾ آنانکه ایشان را کتاب دادیم (یعنی تورات) آنرا حق خواندن آن میخوانند، ایشان آنرا (هدایت خدا را) باور میدارند و هر که منکر وی باشد پس ایشانند زیان کاران^(۱). ﴿۱۲۲﴾ ای بنی اسرائیل آن نعمت مرا که انعام کرده ام بر شما یاد کنید و آنکه شمارا بر همه عالمها فضل دادم. ﴿۱۲۳﴾ و بترسید از آن روزی که کسی از کسی چیز را نکند از کسی توانی پذیرفته نشود و او را شفاعت سود ندهد و نه ایشان یاری داده شوند^(۲). ﴿۱۲۴﴾ و یاد کن چون پروردگار ابراهیم او را بسخنی چند بیازمود، پس ابراهیم آنها را به انجام رسانید، خدا گفت هر آینه من تورا پیشوای مردمان می گردانم گفت ابراهیم و از فرزندان من نیز (پیشوایان پیدا کن -) فرمود عهد (وحی) من به ظالمان نمی رسد. ﴿۱۲۵﴾ و آنگاه که کعبه را مرجع مردمان و محل امن قرار دادیم و از جای قدم (ایستگاه) ابراهیم نمازگاه بگیرد و به سوی ابراهیم و اسمعیل وحی فرستادیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع کنندگان سجده کننده پاک سازید. ﴿۱۲۶﴾ و آنگاه که ابراهیم گفت ای پروردگار من این مکان را شهر با امن بساز و ساکنان آن را از میوه ها روزی ده کسانی را که به خدا و روز بازپسین از ایشان ایمان آورد، خدا فرمود و کسیکه کافر شود اندکی بهره مند گردانمش سپس او را به سوی عذاب آتش به بیچارگی برانم و آن بد جای بازگشتی است.

(۱) یعنی آنانکه تورات رامی فهمند تصدیق شریعت محمدیه را میکنند و آنانکه تصدیق نمی کنند تورات را نمی فهمند.

(۲) مترجم گوید ازین جا تاسیقول السفهاء خدای تعالی نبوت پیامبرمارا صلی الله علیه وسلم اثبات می فرماید از قصه دعاء حضرت ابراهیم که در تورات مذکور است و ترجیح میدهد ملت حنیفیه را که حضرت پیامبر برای آن مبعوث اندورده میکند قول یهود را که حضرت یعقوب مارابه یهودیت وصیت کرده است و از تفریق در بین انبیاء نهی میفرماید یعنی معتقد بعضی باشد و منکر بعضی.

وَأَذِيفُوعُ إِبْرَهُمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ
 مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٢٧﴾ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ
 لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا
 إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٨﴾ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ
 يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
 وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٢٩﴾ وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِّلَّةِ
 إِبْرَهُمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا
 وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٣٠﴾ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ وَأَسْلِمْ
 قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٣١﴾ وَوَصَّى بِهَا إِبْرَهُمُ بَنِيهِ
 وَيَعْقُوبُ يَبْنِي إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ
 إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٢﴾ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ
 الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ
 إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَهُمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا
 وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٣﴾ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ
 وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٤﴾

﴿۱۲۷﴾ آنگاه که ابراهیم و اسمعیل بنیادهای خانه را بلند می کردند گفتند ای پروردگار ما از ما قبول کن هرآئینه تویی شنوای دانا. ﴿۱۲۸﴾ ای پروردگار ما فرمان بردار خودت بگردان و از فرزندان ما (نیز) امتی را فرمانبردار خود (قرارداد) و راههای عبادت ما را به ما نشان بده و توبه ما را بپذیر به درستی که تویی توبه پذیر مهربان. ﴿۱۲۹﴾ ای پروردگار ما از میان ایشان پیامبری از ایشان بفرست که بخواند برایشان آیتهای تورا و ایشان را کتاب و علم بیاموزد و ایشان را پاك كند هرآئینه تویی توانای دانا. ﴿۱۳۰﴾ و کیست که از کیش ابراهیم روی بگرداند مگر آنکه نفس خود را در احمقی افکند به راستی که او را درین سرای برگزیدیم و البته او درسرای دیگر از شایستگان است. ﴿۱۳۱﴾ آنگاه که پروردگارش او را گفت که تسلیم شو گفت برای پروردگار عالمها تسلیم شدم. ﴿۱۳۲﴾ ابراهیم پسران خود را به آن (فرمانبر داری خدا) سفارش کرد و یعقوب نیز فرزندان را، ای فرزندان من هرآئینه خدا این دین را برای شما برگزیده است پس (ازین جهان) مگر مسلمان شده نمیرید. ﴿۱۳۳﴾ آیا حاضر بودید هنگامی که یعقوب را موت پیش آمد آنگاه که گفت فرزندان خود را چه چیزی را عبادت خواهید کرد بعد از من گفتند معبود تورا و معبود پدران تورا که ابراهیم و اسمعیل و اسحق اند عبادت کنیم آن معبود یگانه را عبادت کنیم و ما تسلیم او هستیم. ﴿۱۳۴﴾ این امتی است که درگذشت وی راست آنچه کسب کردند و شمارا است آنچه کسب کردید و شما پرسیده نخواهید شد از آنچه (آنان) می کردند.

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ
 حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٥﴾ قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا
 أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
 وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ
 رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿١٢٦﴾
 فَإِنْ ءَامَنُوا بِمِثْلِ مَا ءَامَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا
 فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
 ﴿١٢٧﴾ صَبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صَبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ
 عَابِدُونَ ﴿١٢٨﴾ قُلْ أَتُحَاجُّونَنِي فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّكُمْ
 وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ﴿١٢٩﴾
 أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
 وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ
 اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ
 بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٠﴾ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ
 وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٣١﴾

﴿۱۳۵﴾ وگفتند یهودی شوید یا نصرانی تا هدایت شوید، بگو بلکه ملت ابراهیم را که حنیف بود و نبود از اهل شرك پیروی می کنیم. ﴿۱۳۶﴾ بگوئید ایمان آوردیم به خدا و به آنچه فرود آورده شده به سوی ما و آنچه فرود آورده شده به سوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نوادگان یعقوب و به آنچه موسی و عیسی داده شد و آنچه پیامبران از پروردگارشان داده شدند در میان هیچ کس از ایشان فرق نمی گذاریم و ما برای حق عز وجل فرمان برداریم. ﴿۱۳۷﴾ پس اگر اهل کتاب به آنچه شما به آن ایمان دارید ایمان آورند پس راه یافتند و اگر برگشتند پس جزاین نیست که ایشان در مخالفت اند پس زود باشد که تورا خدا به گرفتن انتقام از ایشان کفایت کند و او شنوای دانا است. ﴿۱۳۸﴾ قبول کردیم رنگ خدا را^(۱) و کیست از خدا بهتر به اعتبار رنگ (دین فطرت) و ما او را عبادت کنند گانیم. ﴿۱۳۹﴾ بگو آیا با ما درباره خدا مکابره می کنید حال آنکه او پروردگار ما و شماست و مراسم کردارهای ما و شما راست کردارهای شما و ما برای او (در عبادت) اخلاص می ورزیم. ﴿۱۴۰﴾ آیامی گوئید که هر آینه ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نوادگان او یهود بودند یا ترسا بودند بگو شما دانائید یا خدا و کیست ستمکارتر از آنکه آن گواهی را که نزدیک اوست از جانب خدا بپوشد و خدا از آنچه می کنید بی خبر نیست. ﴿۱۴۱﴾ این اَمّتی است که درگذشت، ویراست آنچه کسب کردند و شما رست آنچه شما کسب کردید و پرسیده نخواهید شد از آنچه ایشان می کردند.

(۱) یعنی دین او را.

* سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّهُمْ عَن قِبَلِهِمُ الَّذِي كَانُوا
 عَلَيْهِ أَقْلَ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ
 مُسْتَقِيمٍ ﴿١٤٢﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا
 شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا
 جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يَتَّبِعِ الرَّسُولَ
 مِمَّن يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ
 هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ عَمَّا يَهْتَدِي لِمَن يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ
 بِالنَّاسِ لَرءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤٣﴾ قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ
 فَلْنُوَلِّينَاكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ
 الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ
 الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ
 بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٤﴾ وَلَئِن آتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
 بِكُلِّ آيَةٍ مَّا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ
 وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِن آتَيْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ
 بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٥﴾

﴿۱۴۲﴾^(۱) بیخردان از مردم خواهند گفت چه چیز ایشان را از آن قبله ای که ایشان بر آن بودند برگردانید (یعنی از بیت المقدس) بگو مشرق و مغرب برای خدا است هر که را خو اهد به سوی راه راست راه می نماید. ﴿۱۴۳﴾ و هم چنین گردانیدیم شمارا امتی (مختار) میانه تا بر مردمان گواه باشید و تا رسول بر شما گواه باشد و مقرر نکردیم آن قبله را که بودی بر آن (یعنی بیت المقدس را) مگر برای آنکه معلوم بداریم کسی را که پیروی پیامبر کند جدا از آن کس که بر هر دو پاشنه خود باز گردد (یعنی پیروی نکند) و هر آئینه این خصلت دشوار است مگر بر آنانکه ایشانرا خدا راه نموده است و خدا ایمان تان را ضائع نمی سازد بی گمان خدا به مردمان بخشاینده^۲ مهربان است. ﴿۱۴۴﴾ به تحقیق مامی بینیم گشتن روی تورا در جانب آسمان (گاه به گاه)^(۲) پس البته تورا به آن قبله ای که خوشنود شوی به آن متوجه گردانیم پس متوجه گردان روی خود را بطرف مسجد حرام و هر جا که باشید پس روهای خویش را به سوی آن متوجه گردانید و هر آئینه اهل کتاب میدانند که این از پروردگار ایشان راست است و خدا از آنچه می کنند بی خبر نیست. ﴿۱۴۵﴾ البته اگر پیش اهل کتاب هر نشانه ای بیاری هرگز قبله تورا پیروی نکنند و تو قبله^۳ ایشان را پیروی کننده نیستی و نیستند بعضی ایشان قبله بعض دیگر را پیروی کننده و اگر تو خواهش های نفسانی ایشان را بعد از آنچه که بتو آمده است از دانش پیروی کنی هر آئینه آنگاه تو از ستمکاران باشی.

(۱) چون آن حضرت صلی الله علیه وسلم به مدینه هجرت فرمود شانزده ماه یا هفده ماه به طرف بیت المقدس نمازمی گزارد آرزو میکرد که خدای تعالی کعبه را قبله وی سازد خدای تعالی نازل ﴿قَدْ تَرَى نَفْلًا وَجْهًا﴾^۱ الایه بعد از آن جواب شبهه سفهادرین مسئله نازل کرد سيقول السفهاء وبعد از آن امر فرمود به صبر بر مشاق جهاد و در بسیاری از احکام توحید و قصاص و حج و صوم و صدقه و نکاح و طلاق که اهل جاهلیت تحریف کرده بودند یا رعایت انصاف نمی کردند بیان حقیقت حال فرمود و رد و ابطال شبهات مخالفین را کرد و سوال های ایشانرا جواب داد و این سیاق ممتد است تا ﴿الَّذِينَ هَرَّجُوا﴾^۲ والله أعلم.

(۲) یعنی آنچه در سابق علم الهی مقرر شد آنست که قبله امت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم کعبه باشد و توجه به بیت المقدس چند مدتی بنابر حکمت امتحان است.

الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ
 وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْمُونَ ﴿١٤٦﴾ الْحَقُّ
 مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١٤٧﴾ وَلِكُلِّ وُجْهَةٍ
 هُومٌ مَّوْلِيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ
 جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٤٨﴾ وَمَنْ حَيْثُ خَرَجْتَ
 فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ
 وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٤٩﴾ وَمَنْ حَيْثُ خَرَجْتَ
 فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا
 وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ
 ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلِأَتِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ
 وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٠﴾ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُوا
 عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
 وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿١٥١﴾ فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ
 وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ﴿١٥٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
 اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٣﴾

﴿۱۴۶﴾ کسانی که ایشان را کتاب داده ایم ویرامی شناسند^(*) چنانکه فرزندان خویش را می شناسند البته گروهی از ایشان حق را دانسته می پوشند^(۱). ﴿۱۴۷﴾ این از پروردگار تو درست است پس از شک آورندگان مباش. ﴿۱۴۸﴾ و هر کسی را جهتی هست که به آن رو می آورد پس شتاب کنید به سوی نیکی ها هر کجا باشید همه شما را خدا خواهد آورد یقینا خدا بر همه چیز توانا است. ﴿۱۴۹﴾ و از هر جا که برآیی پس روی خود را به سوی مسجد حرام به گردان و هرائینه وی از پروردگار تو راست است و نیست خدا بی خبر از آنچه می کنید. ﴿۱۵۰﴾ و از هر جا که برآیی پس متوجه کن روی خود را به سوی مسجد حرام و هر جا که باشید پس بگردانید روی های خویش را به سوی آن تا مردمان را الزام بر شما نباشد مگر آنکه ستم کردند ازین جماعت پس از ایشان مترسید و از من بترسید و تا نعمت خود را بر شما تمام کنم و تا باشد که راه یابید^(۲). ﴿۱۵۱﴾ چنانکه پیامبری را در میان شما از قوم شما فرستادیم آیت های ما را بر شما میخواند شما را پاك می سازد و شما را کتاب و حکمت می آموزد و شما را آنچه که نمی دانستید می آموزد. ﴿۱۵۲﴾ پس مرا یاد کنید تا که شما را یاد کنم و سپاس من گوید و ناسپاسی من نکنید. ﴿۱۵۳﴾ ای مسلمانان در تحصیل ثواب آخرت به صبر و نماز مددجویید و هرائینه خدا با صابران است.

(*) بعض علماء از ضمیر «يَعْرِفُونَهُ» پیامبر را مراد گرفته اند والله اعلم (مصحح).

(۱) یعنی حقیقت استقبال کعبه را.

(۲) مترجم گوید در تورات مذکور است که امتی از بنی اسرائیل پیدا خواهد شد که تعظیم کعبه کند پس توجه آن حضرت صلی الله علیه وسلم به کعبه حجت باهره است بر صدق نبوت آن حضرت صلی الله علیه وسلم نزد اخبار یهود اگرچه سنفاء یهود طعن کنند که قبله انبیاء را گذاشت والله اعلم فتح الرحمن.

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمُوتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَٰكِن لَّا تَشْعُرُونَ ﴿١٥٤﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٥﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُّصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿١٥٦﴾ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾ * إِنَّ الْأَصْفَاءَ وَالْمُرُوءَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٥٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعِينُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا أُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١٦١﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿١٦٢﴾ وَاللَّهُ كَرِيمٌ إِلَهُ وَحْدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٣﴾



﴿۱۵۴﴾ و کسانی را که در راه خدا کشته می شوند مگویید که ایشان مرده اند بلکه ایشان زنده‌اند ولیکن شما درک نمی کنید. ﴿۱۵۵﴾ والبته شمارا به چیزی از ترس و گرسنگی و نقصان مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها و بیازماییم و صابران را بشارت ده. ﴿۱۵۶﴾ آنانکه چون برسند بدیشان سختی گویند هرآئینه ما از آن خداییم و هرآئینه ما به سوی وی باز خواهیم گردید. ﴿۱۵۷﴾ اینانند که برایشان است درودها از پروردگار ایشان و بخشایش و ایشانند راه یافتگان. ﴿۱۵۸﴾ هرآئینه صفا و مروه از شعائر (نشانه‌های) خدا است پس هرکس که حج خانه (خدا) کند یا عمره به جا آورد پس گناهی بروی نیست درآنکه طواف (سعی) کند در میان این هر دو^(۱) و هرکه نیکی به جا آورد پس خدا قدر دان دانا است. ﴿۱۵۹﴾ هرآئینه آنانکه می پوشند آنچه راکه فرود آورده ایم از سخنان روشن و هدایت بعد از آنکه بیان کردیم آنرا برای مردمان در کتاب اینانند که لعنت می کند ایشان را خدا و لعنت میکنند ایشانرا لعنت کنند گان. ﴿۱۶۰﴾ مگر کسانی که توبه کردند و نیکوکاری پیش گرفتند و بیان کردند پس اینانند که (به مهربانی) توبه ایشان را می پذیرم و منم توبه پذیر مهربان. ﴿۱۶۱﴾ هرآئینه آنانکه کافر شدند و مردند در حالیکه کافر بودند اینانند که لعنت خدا و فرشتگان و مردمان - همگی - برایشان است. ﴿۱۶۲﴾ در آن لعنت همیشه باشند از ایشان عذاب سبک کرده نشود و نه ایشان مهلت داده شوند. ﴿۱۶۳﴾ و معبود شما خدا یگانه است هیچ معبود برحق جز او نیست، بخشاینده مهربان است.

(۱) بعضی از اهل اسلام صفا و مروه را از شعائر جاهلیت گمان کرده از آن دست بازداشتند - زیرا که در جاهلیت بالای صفا و مروه دویت عبادت می شد - پس این آیه نازل شد.

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
 وَالْفَلَكَ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ
 مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا
 مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِينَ
 السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٤﴾ وَمِنَ النَّاسِ
 مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ
 ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ رَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ
 الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ﴿١٦٥﴾
 إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ
 وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿١٦٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ
 لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ
 أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٧﴾
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا
 خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿١٦٨﴾ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ
 بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٦٩﴾

﴿۱۶۴﴾ به راستیکه در آفرینش آسمانها و زمین و آمدورفت شب و روز و آن کشتی ای که می‌رود در دریا به آنچه سود میدهد مردم را (یعنی به تجارت) و در آنکه فرود آورد خدا از آسمان آب پس به آن زمین را پس از مردن آن زنده ساخت و پراکنده ساخت در زمین از هر نوع جنبه ای و در گردانیدن بادها و در ابر رام کرده شده میان آسمان و زمین البته نشانه ها است برای قومی که درمی یابند. ﴿۱۶۵﴾ و از مردمان کسی هست که غیر از خدا هم‌تایان را می‌گیرد، ایشان را دوست میدارند مانند دوستی خدا و کسانی که ایمان آورده اند در دوستی خدا قوی تراند و اگر ببینند ستمکاران هنگامیکه مشاهده کنند عذاب را (می‌فهمند) اینکه قدرت و توانایی همه برای خدا است و اینکه خدا صاحب عقوبتی سخت است. ﴿۱۶۶﴾ هنگامی که پیشوایان کفر از تابعان بیزار شوند و عذاب را ببینند و نسبت به ایشان همه پیوندها (یعنی وسیله‌ها) بریده شود. ﴿۱۶۷﴾ و گویند پیروی کنندگان کاش ما را باز گشتی باشد تا از آن پیشوایان بیزاری کنیم چنانکه ایشان از ما بیزار شدند، هم چنین خدا در نظر ایشان کردارهای ایشانرا پشیمانی‌ها برایشان بنماید و ایشان از دوزخ بیرون آیند گان نیستند. ﴿۱۶۸﴾ ای مردمان حلال پاکیزه را از آنچه در زمین است بخورید و گام‌های شیطان را پیروی مکنید هرآینه او دشمن آشکار شما است^(۱). ﴿۱۶۹﴾ جزاین نیست که (شیطان) شمارا به بدکاری و بی‌حیایی و به آنکه افترا کنید بر خدا آنچه را که نمی‌دانید می‌فرماید.

(۱) مترجم گوید اهل جاهلیت چیزها را از نزد خویش حرام ساخته بودند بحائر و سوائب خدای تعالی در ردایشان نازل کرد (فتح الرحمن).

وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا أُولَئِكَ أَنْ ءَابَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٧٠﴾ وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بَكْرٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٧١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١٧٢﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أَهَلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ أَضْطَرَّ غَيْرُ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنْ أَلَّهِ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٧٣﴾ إِنْ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يَكْلِمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٤﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ أَشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ﴿١٧٥﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿١٧٦﴾

﴿۱۷۰﴾ و چون ایشان را گفته شود پیروی کنید آنرا که خدا فرود آورد گویند بلکه پیروی می کنیم چیزی را که یافته ایم بر آن پدران خویش را آیا تقلید می کنند اگر چه پدران ایشان چیزی را نمی فهمیدند و راه نیافته باشند. ﴿۱۷۱﴾ و مثال کافران در نشنیدن پند پیامبر و درک نکردن آن مانند حال کسی است که او آواز کند آنچه را که او (یعنی حیوانی که درک نکند) از آن آواز جز صدا و خواندن را نشنود ایشان کران و گنگان و کوراند پس ایشان هیچ نمی فهمند. ﴿۱۷۲﴾ ای مسلمانان از پاکیزه های آنچه روزی دادیم شما را بخورید و خدا را سپاس گویند اگر هستید اورامی پرستید. ﴿۱۷۳﴾ جزاین نیست که بر شما مردار و خون و گوشت خوک را و آنچه را که نام غیر خدا بر او برده شده است حرام کرده است پس هر که مجبور شود نه تعدی کننده و نه از حد درگذرنده پس بروی گناه نیست^(۱) هر آینه خدا آمرزنده مهربان است^(۲). ﴿۱۷۴﴾ به راستی که کسانی که می پوشند آنچه را که خدا از کتاب فرود آورده است و به عوض آن بهای اندک را، می ستانند آن جماعت در شکم های خود مگر آتش را نمی خورند و خدا با ایشان روز قیامت سخن نگوید و نه ایشان را پاک کند و برای ایشان عذاب دردناک است. ﴿۱۷۵﴾ ایشانند آنانکه گمراهی را به عوض هدایت و عذاب را به عوض آمرزش خرید کردند پس ایشان بردوزخ چقدر شکیبایند. ﴿۱۷۶﴾ این همه به سبب آنست که خدا کتاب را به راستی فرود آورد و هر آینه آنانکه در کتاب اختلاف کردند البته در مخالفت از صواب دوراند.

(۱) یعنی در خوردن آن چیزها.

(۲) مترجم گوید که اگر گوئی که درین آیت تحریم را حصر کرده شد در اشیاء مذکوره حال آنکه در حدیث سبع و حمار و مانند آن را نیز حرام شمرده است پس وجه تطبیق چه باشد؟ گویم حصر اضافی است به نسبت بحائرو سوائب که حرام می دانستند پس در بهیمه الانعام هیچ چیز حرام نیست غیر از اشیاء مذکوره و در خبائث و سبع و مانند آن سخن نه داشتند والله اعلم.

* لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ
 وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ
 وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّنَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ
 وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ
 الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا
 وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ
 صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ
 عَلَيْكُمُ الْقَصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْخُرْبِ بِالْحَرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ
 بِالْأُنْثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبَعُ بِالْمَعْرُوفِ وَءَدَّ
 إِلَيْهِ بِإِحْسَنٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ
 بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٨﴾ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي
 الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧٩﴾ كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ
 أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ
 بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿١٨٠﴾ فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ
 فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٨١﴾

﴿۱۷۷﴾ نیست نیکوکاری آنکه روی خود را به طرف مشرق و مغرب^(۱) بگردانید ولیکن صاحب نیکوکاری آنست^(۲) که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان آورد و مال را باوجود دوست داشتن آن (مال) به خویشاوندان و یتیمان و فقیران و مسافران و سوال کنندگان را بدهد و خرج کند در (آزاد کردن) برده ها^(۳) و نماز را برپا دارد و زکوة را بدهد و وفا کنندگان بر عهد خویش چون عهد کند و صبر کنندگان در تنگ دستی و سختی و به وقت کارزار ایشانند راست گو و ایشانند پرهیز گاران. ﴿۱۷۸﴾ ای مسلمانان بر شما قصاص در کشتگان لازم کرده شد^(۴) آزاد در مقابل آزاد^(۵) و بنده در مقابل بنده وزن در مقابل زن است پس کسی که از او چیزی را از خون برادرش درگذاشته شد^(۶) پس حکم او به نیکویی پیروی کردن است^(۷) و رسانیدن خون بهاست به وی به خوش خوئی^(۸) این حکم تخفیف و مهربانی از پروردگار تان است پس هر که از حد بعد از این تجاوز کند برای او عذاب دردناک است. ﴿۱۷۹﴾ و برایتان قصاص (مایه) زندگانی است ای صاحبان خرد تاباشید که پرهیزکاری کنید^(۹). ﴿۱۸۰﴾ لازم کرده شد بر شما و قتیکه پیش آید کسی را از شما موت اگر مال بگذارد وصیت کردن برای پدر و مادر و نزدیکان به نیکویی این کار بر متقیان لازم شد. ﴿۱۸۱﴾ پس هر که تغییر داد وصیت را بعد از آنکه شنیدش پس جزاین نیست که گناه تبدیل بر آنکسان است که تغییر می دهند آن وصیت را هر آئینه خدا شنوای داناست.

(۱) یعنی توجه به جهت مشرق و مغرب چنانکه یهود و نصاری گمان می کنند نیکوکاری نیست بلکه منسوخ شده است.

(۲) یعنی صاحب آن نیکوکاری که ملتهادر آن اختلاف ندارند فتح.

(۳) یعنی در آزادی یا خلاصی بندگان مکاتب.

(۴) یعنی اعتبار مماثلت در کشتگان.

(۵) یعنی مثل اوست در حکم.

(۶) یعنی چیزی از خون مسلمان مقتول.

(۷) یعنی ولی دم به حسن معامله مطالبه کند نه به درشتی.

(۸) یعنی قاتل به خوش خوئی ادا نماید نه به صعوبت.

(۹) اهل جاهلیت شریف را در مقابل وضع نمیکشند و در مقابل شریف چند کس از وضع میکشند خدای تعالی نازل فرمود که حکم الهی به اعتبار مماثلت است در اجناس کشتگان به این معنی که احرار را حکم جداس است که هر حرم مثل حر دیگر است در آن حکم و عبید را حکم جداس است که هر عبد مثل عبد دیگر است در آن حکم و زنان را حکم جداس است که هر زن مثل زن دیگر است در آن حکم و امتیاز زنان است حکم در باب دیات نه در باب قود یعنی قصاص پس هر فردی ازین اجناس مساوی است با فرد دیگر هر چند بعضی شریف باشد و بعضی ضعیف و بعضی جمیل و بعضی ذمیم بعضی مالدار و بعضی فقیر و سنت زیاده کرده است دوجنس دیگر مسلمان در مقابل مسلمان است و کافر در مقابل کافر پس اگر بعض ورثه عفو کنند یا از کشتن گذشته خون بها قبول نمایند ولی دم را باید که به حسن معامله مطالبه کند نه بدرشتی و قاتل را باید که به خوشخوئی ادا کند نه به بدخوئی.

فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ
عَلَيْهِ إِنْ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٨٢﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ
عَلَيْكُمْ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٨٣﴾ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ
مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى
الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا
فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
﴿١٨٤﴾ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ
وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ
الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ
مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ
الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا
هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٨٥﴾ وَإِذَا سَأَلَكَ
عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ
فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِلَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾

﴿۱۸۲﴾ پس هرکه ترسید که اجراء وصیت موجب ظلم یا گناهی شود و از عمل به آن خود داری کرد و در میان ایشان صلاح آورد پس بروی هیچ گناهی نیست هرائینه خدا آمرزنده مهربان است^(۱). ﴿۱۸۳﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید بر شما روزه داشتن لازم کرده شد چنانچه بر کسانی که پیش از شما بودند لازم کرده شد تا باشد که پرهیزگاری کنید. ﴿۱۸۴﴾ روزه داشتن چند روز شمرده شده پس هرکه از شما بیمار یا مسافر باشد پس شمار آن از روزه های دیگر لازم است و بر آنانکه میتوانند روزه داشتن (یعنی ونمی دارند) فدیة^(۲) که عبارت از خوراك يك درویش است لازم است پس هرکه نیکی را بجا آورد نیکی را پس او را آن بهتر است و آنکه روزه دارید برای شما بهتر است اگر شما می دانید^(۳). ﴿۱۸۵﴾ ماه رمضان آن [ماهی] است که فرود آورده شد در آن قرآن رهنمائی برای مردمان و سخنان روشن از هدایت و تشخیص حق از باطل پس هرکه دریابد از شما آن ماه را پس البته آن را روزه دارد و هرکه بیمار یا مسافر باشد پس بروی شمار آنچه فوت شد از روزه های دیگر لازم است خدا برای شما آسانی میخواهد و برای شما دشواری نمی خواهد و میخواهد که شمار (روزهای روزه) را تمام کنید و به بزرگی خدا را یاد کنید به شکر آنکه شمارا راه نمود و تا باشد که شما شکرگزار شوید. ﴿۱۸۶﴾ و چون بندگان از تو درباره من پرسند (بگو) پس هرائینه من نزدیکم دعای دعا کننده را و قتیکه دعا کند مرا قبول می کنم پس باید که فرمانبرداری من کنند و باید که به من بگروند تا باشد که راه یابند.

(۱) حکم وصیت منسوخ است به آیت موارث.

(۲) مضمون این آیت تخییر است در صوم و فدیة این معنی منسوخ شد به آیتی که متصل می آید مترجم گوید شاید که معنی آیت چنین باشد که واجب است بر آنانکه میتوانند داد فدیة را دادن فدیة که عبارت از طعام يك درویش است مراد صدقة الفطراست و سنت آنرا مقدر کرد به يك صاع از خرما یا نیم صاع از گندم [مثلیک مترجم قائل فرق است بین خرما و گندم بنا بر قول معاویة رضی الله عنه ولی در حدیث أبي سعید خدری که در صحیح بخاری است بخلاف این آمده چنانچه میگوید که زمان پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - صدقة فطر را يك صاع از طعام - گندم - و يك صاع از خرما و يك صاع از جو و يك صاع از کشمش آداء می کردیم صحیح بخاری (۳/ ۳۷۱ - ۳۷۲ مع الفتح ك: الزكاة، باب: صاع من زبيب ح ۵۰۵ و ۵۰۸) مصحح]، پس آیت محکم باشدنه منسوخ و شاید که معنی آیت چنین باشد واجب است بر آنانکه میتوانند قضا کردن یعنی و قضا نکردند تا آنکه رمضان دیگر درآمد والله اعلم.

(۳) فدیة دادن که عبارت از طعام يك مسکین است و آن مقدر است بیک مد و این حکم منقول است از قاسم و سعید بن جبیر و همین است مذهب شافعی و در این صورت نیز محکم است غیر منسوخ.

أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ
لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ
تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالْآنَ
بَشِّرْهُمْ وَأَبْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا
حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ
الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَشِّرْهُمْ وَانْتُمْ
عَاكِفُونَ فِي الْمَسْجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ
يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٨٧﴾ وَلَا تَأْكُلُوا
أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ
لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ
﴿١٨٨﴾ * يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ
وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ
مَنْ اتَّقَىٰ وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَأَتَوْا اللَّهَ
لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ ﴿١٨٩﴾ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ
يَقْتُلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿١٩٠﴾



﴿۱۸۷﴾ برای شما در شبِ روزه مخالطت کردن با زنان خود حلال کرده شد ایشان بمنزلهٔ پوشش اند برای شما و شما به جای پوشش اید برای ایشان خدا می دانست که شما در حق خویشتن خیانت می کردید پس به مهربانی بر شما باز گشت و درگذشت از شما پس الان مخالطت کنید با زنان و طلب کنید آنچه خدا برای شما مقدر کرده است (یعنی اولاد) و بخورید و بنوشید تا آنکه روشن شود برای شما رشتهٔ سفید از رشتهٔ سیاه (مراد از رشتهٔ سفید فجر است) پس از آن روزه را تا شب تمام کنید و زنان را در حالیکه شما معتکف باشید در مسجدها مباشرت نکنید این ها حدود (منهیات) خدا است پس به آنها نزدیک نشوید همچنین خدا آیه های خود را برای مردمان بیان می کند تا پرهیزگاری کنند. ﴿۱۸۸﴾ و اموال خویش را در میانتان به ناحق مخورید و مرسانید اموال خود را به حاکمان (یعنی به رشوه دادن) تاپاره ای را از اموال مردم به گناه (به ستم) بخورید در حالیکه شما میدانید. ﴿۱۸۹﴾ توراً^(۱) از ماه ها می پرسند بگو این ها برای مردمان و برای حج میعاداند^(۲) و نیست نیکوکاری آنکه درآیید در خانه ها (در حالت احرام) از پس پشت آنها ولیکن صاحب نیکوکاری آنست که پرهیزگاری کند و در خانه ها از راه دروازه ها درآیید و از خدا بترسید تا باشد که شما رستگار شوید. ﴿۱۹۰﴾ و جنگ کنید در راه خدا با آن کسانی که جنگ می کنند با شما و از حد مگذرید هر آئینه خدا از حد گذشتگان را دوست نمی دارد.

(۱) مترجم گوید ظاهر نزدیک این بنده آن است که سوال کردند از ماههای حج که شوال و ذی قعدة و نه روز از ذی الحجه باشد که آیا حج موقت است به آنها یا نه و یکی از تحریفات جاهلیت آن بود که در حالت احرام از بالای دیوار جسته و یا از سوراخ دیوار گذشته به خانه می آمدند و از راه دروازه نمی آمدند پس این آیت نازل شد.

(۲) یعنی تا مردمان احرام حج بپندند در آنها فتح الرحمن.

وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجَكُمُ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقْتُلُواهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يَقْتُلُوَكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿١٩١﴾ فَإِنْ أَنْتَهُوَ فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٩٢﴾ وَقَتِلُواهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ أَنْتَهُوَ فَلَا عُدُونَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٩٣﴾ الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَتُ قِصَاصٌ فَمَنْ أَعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩٤﴾ وَأَنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٩٥﴾ وَاتَّمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٩٦﴾

﴿۱۹۱﴾ و مشرکان را هر جاکه بیابید ایشان را بکشید و ایشان را از آنجا که بیرون کردند شما را (یعنی ازمکه) بیرون کنید و غلبه شرك سخت تر است از قتل^(۱) و کارزار نکنید بایشان نزدیک مسجد حرام تا آنکه در آن جا باشما کارزار کنند پس اگر بجنگند باشما پس ایشان را بکشید هم چنین سزای کافران است. ﴿۱۹۲﴾ پس اگر باز ماندند پس هر آئینه خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۱۹۳﴾ و بجنگید بایشان تا آنکه نابود شود شرك و دین محض تنها برای خدا شود پس اگر باز ماندند^(۲) پس روا نیست دست درازی مگر بر ستمکاران. ﴿۱۹۴﴾ ماه حرام به عوض ماه حرام است و حرمت شکنیهادارای قصاص است پس هر که تجاوز کند بر شما پس بروی تجاوز کنید مانند تجاوز او بر شما و از خدا بترسید و بدانید که خدا باپرهیزکاران است^(۳). ﴿۱۹۵﴾ و در راه خدا خرج کنید و خویشان را به سوی هلاکت میفکنید و نیکوکاری کنید هر آئینه خدا نیکوکاران را دوست می دارد. ﴿۱۹۶﴾ و حج و عمره را برای خدا تمام کنید پس اگر باز داشته شوید پس آنچه سهل باشد از قربانی لازم است و سرهای خود را تا آنکه قربانی بجایش برسد متراشید^(۴) پس هر که از شما بیمار باشد یا او را در سِراو^(۵) رنجی باشد پس لازم است عوض آن از روزه یا صدقه یا قربانی پس چون ایمن شدید پس هر که بهره ورشد به اداء عمره^(۶) سپس به اداء حج (یعنی تمتع کرد یا قران) پس آنچه سهل باشد از قربانی لازم است پس هر که نیابد پس روزه داشتن سه روز در وقت حج لازم است و هفت روز و قتیکه باز گردید از سفر این ده (روز) کامل است این حکم آن راست که خانواده وی باشند^(۷) مسجد حرام نباشد و از خدا بترسید و بدانید به یقین که خدا سخت عقوبت است^(۷).

(۱) یعنی در مقابلۀ او قتل جائز است.

(۲) یعنی از شرك.

(۳) حاصل این آیات آنست که در مسجد حرام و در شهر حرام ابتداء به قتال نباید کرد و چون کافران ابتدا کنند در مقابلۀ ایشان باید جنگ کرد که این معنی با حرمت مسجد و شهر نزاع ندارد چنانکه در ابتداء کشتن مسلمان درست نیست و اگر خون ناحق ریخته باشد به قصاص میتوان کشت و فقهاء به آن سبب تصریح نکرده اند که اقامت حریبان به مکه بعد فتح مکه بودنی نیست والله اعلم.

(۴) یعنی در حج رمی جمرة العقبة کنند به منی و در عمره از سعی بین الصفا والمروة فارغ شوند به مکه والله اعلم.

(۵) یعنی شیش بسیار داشته باشد و به این سبب حلق کند پیش از حلال شدن والله اعلم.

(۶) یعنی به امور ممنوعه احرام بهره ورشد.

(۷) درین آیت چند حکم مذکور شده است (وجوب) تمام حج و عمره بعد از شروع و حکم احصار و کفاره ارتکاب امور ممنوعه احرام به عذر مرض و ماهیت تمتع و وجوب قربانی بر تمتع والله اعلم.

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا
 رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ
 خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ
 وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ ﴿١٩٧﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ
 أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ
 عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ
 وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ
 لَمِنَ الضَّالِّينَ ﴿١٩٨﴾ ثُمَّ أَفِضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ
 النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٩٩﴾
 فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ مَنَسِكَكُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ
 آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ
 رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ
 ﴿٢٠٠﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
 وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٢٠١﴾ أُولَٰئِكَ
 لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٢٠٢﴾

﴿۱۹۷﴾ حج به ماه های دانسته شده محدود است^(۱) پس هر که برخود درین ماه حاج را لازم کرد (یعنی احرام بست) پس مخالطت زنان جائز نیست و نه بدکاری و نه در حج باهم مشاجره کردن و هرچه می کنید از نیکی آن را میداند و رَمَتْوْشَه (باخود) همراه گیرید هر آئینه بهترین فوائد رَمَتْوْشَه پرهیز گاری است (یعنی از سوال و دزدی) و از من بترسید ای صاحبان خرد. ﴿۱۹۸﴾ نیست بر شمار گناهی در آنکه در موسم حج روزی از پروردگار خویش طلب کنید پس چون از عرفات باز گردید پس خدا را به نزد مشعر الحرام (یعنی به مزدلفه) یاد کنید و خدا را به شکر آنکه راه نموده است شما را یاد کنید و هر آئینه پیش ازین از گمراهان بودید. ﴿۱۹۹﴾ پس باز گردید از آنجا که (عموم) مردمان^(۲) باز میگردند و از خدا آمرزش طلب کنید هر آئینه خدا آمرزنده مهربانست. ﴿۲۰۰﴾ پس چون ارکان حج خویش را به جا آوردید پس خدا را یاد کنید (یعنی در منی) مانند یاد کردن شما پدران خویش را بلکه بیشتر یاد کردن پس از مردمان کسی هست که می گوید ای پروردگار ما را در دنیا نعمت بده و نیست او را در آخرت هیچ نصیبی. ﴿۲۰۱﴾ و از مردمان کسی هست که می گوید ای پروردگار ما بده ما را در دنیا نعمت و در آخرت نعمت و ما را از عذاب دوزخ محفوظ دار. ﴿۲۰۲﴾ اینانند که برایشان از ثواب آنچه به عمل آوردند بهره ای است (یعنی از ثواب آخرت) و خدا زود کننده حساب است.

(۱) یعنی شوال و ذیقعد و ذی الحجه.

(۲) مترجم گوید یعنی از عرفات نه از مزدلفه چنانکه قریش تحریف کرده بودند والله اعلم.

*وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي
 يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ
 اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ
 ﴿٢٣﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
 وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ ۖ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ﴿٢٤﴾
 وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ
 وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ﴿٢٥﴾ وَإِذْ أُنْقِلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ
 أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُ لَهُ جَهَنَّمُ وَلَئْسَ
 بِالْمِهَادِ ﴿٢٦﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ
 مَرْضَاتِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 ءَامَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوتِ
 الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٢٨﴾ فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ
 مَا جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاذْكُرُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ
 ﴿٢٩﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ
 وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ ۚ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٣٠﴾

﴿۲۰۳﴾ و خدا را در چند روز شمرده شده (یعنی ایام منی) یاد کنید پس کسی که درد و روز (یعنی از منی) شتاب کوچ کند پس گناه نیست بروی و آنکه دیرماند، پس بروی گناه نیست برای آنکس که پرهیزکاری کند و از خدا بترسید و بدانید که یقیناً شما به سوی وی جمع آورده خواهید شد^(۱). ﴿۲۰۴﴾ و از مردمان کسی هست که تورا سخن او بشگفت می آورد دربارهٔ زندگانی دنیا و خدا را بر آنچه در دل ویست گواه می آورد حال آنکه او سخت ترین ستیزه جویان است. ﴿۲۰۵﴾ و چون در زمین ریاست پیدا کند بشتابد تا در آن تباهی کند و زراعت و مواشی را نابود سازد و خدا تباه کاری را دوست نمی دارد. ﴿۲۰۶﴾ و چون او را گفته شود از خدا بترس تکبر حمل کندش برگناه پس کفایت کنندهٔ وی دوزخ است و هرائینه وی بدجاییست. ﴿۲۰۷﴾ و از مردمان کسی هست که جان خویش را برای طلب رضامندی خدا میفروشد و خدا بر بندگان مهربان است. ﴿۲۰۸﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید همگی در اسلام درآیید و گامهای شیطان را پیروی نکنید هرائینه او برای شما دشمن آشکار است. ﴿۲۰۹﴾ پس اگر لغزیدید بعد از آنکه به شما سخنان روشن آمد پس بدانید که خدا غالب داناست. ﴿۲۱۰﴾ انتظار نمی کنند اهل عصیان مگر آن را که خدا به ایشان در سایه بانهایی از ابر بیاید و فرشتگان بیایند و کار به انجام رسانیده شود و کارها به سوی خدا بازگردانیده میشوند.

(۱) مترجم می گوید بعد از این خدای تعالی توضیح میفرماید حال کافران و مومنان را والله اعلم.

سَلِّ بَنِي إِسْرَءِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢١١﴾ زُيِّنَ
 لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ
 اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ
 ﴿٢١٢﴾ كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ
 وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ
 فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ
 مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا
 لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ
 إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢١٣﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا
 يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ
 وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ
 اللَّهِ أَلاَ إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ ﴿٢١٤﴾ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ
 مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الدِّينُ وَالْأَقْرَبِينَ وَلِيتِمَّ وَالْمَسْكِينُ
 وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٢١٥﴾

﴿۲۱۱﴾ از بنی اسرائیل پرس ایشان را از نشانه های روشن چه قدر دادیم و هرکه نعمت خدا را تغییر دهد پس از آنکه به سوی او بیاید (یعنی کفر پیش گیرد تانعمت مفقود گردد) پس هرآئینه خدا سخت عقوبت است. ﴿۲۱۲﴾ برای کافران زندگانی این جهان آراسته کرده شده است و مسخره می کنند به اهل ایمان و کسانی که تقوی دارند روز قیامت بالای ایشان باشند و خدا هرکه را می خواهد بی شمار (یعنی بسیار روزی) می دهد. ﴿۲۱۳﴾ مردمان يك امت^(۱) بودند پس فرستاد خدای تعالی پیامبران را بشارت دهنده و بیم کننده و فرود آورد به ایشان کتاب به راستی تا حکم کند آن کتاب میان مردمان در آنچه اختلاف کردند در آن^(۲) و اختلاف نکردند در آن مگر کسانی که داده شده به ایشان کتاب (یعنی امت دعوت) بعد از آنکه به ایشان نشانه ها آمد از جهت حسد در میان خویش پس خدا مومنان را به آن حق که دروی به اراده خود اختلاف کردند راه نمود و خدا کسی را که می خواهد به سوی راه راست^(۳) راه می نماید. ﴿۲۱۴﴾ آیا پنداشتید ای مردمان که درآیید به بهشت حال آنکه هنوز پیش نیامده است شمارا حالت آنانکه پیش از شما گذشتند رسید به ایشان سختی و محنت و جنبانیده شدند تا آنکه می گفت پیامبر و کسانی که به او ایمان آوردند یاری دادن خدا کی باشد آگاه شوید که هرآئینه یاری دادن خدا نزدیک است. ﴿۲۱۵﴾ تورا سوال می کنند که چه چیز را خرج کنند بگو آنچه از مال خرج کردید پس مادر و پدر و خویشاوندان و یتیمان و درویشان و مسافران را باید است و آنچه از نیکی کنید پس هرآئینه خدا به آن دانا است.

(۱) یعنی پیش از آمدن هر پیامبر متفق بودند بایک دیگر در دین او اختلاف نداشتند.

(۲) یعنی در اصول مختلف می شوند.

(۳) حاصل آنست که سُنّه الله جاری شده است به آنکه بعد بعثت هر پیامبر در امت دعوت اختلاف واقع می شود پس از آن تنگدل نباشد و الله اعلم.

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا
 شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ
 لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢١٦﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ
 الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدُّ عَنْ سَبِيلِ
 اللَّهِ وَكَفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ
 أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ
 يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنْ أَسْطَعُوا وَمَنْ
 يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ
 حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ
 النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢١٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ
 هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ
 اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢١٨﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ
 قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ
 مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ
 يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١٩﴾

﴿۲۱۶﴾ بر شما جنگ لازم کرده شد و آن برای شما دشوار است و شاید که شما چیزی را ناخوش دارید حال آنکه وی برای شما بهتر باشد و شاید که چیزی را دوست دارید حال آنکه وی برای شما بد باشد و خدا میداند و شما نمی دانید. ﴿۲۱۷﴾ تورا از جنگ کردن در ماه حرام می پرسند^(۱) بگو جنگ کردن در آن سخت کاری است و باز داشتن از راه خدا و ناگرویدن به خدا و باز داشتن از مسجد حرام و بیرون کردن اهل آن مسجد از وی نزد خدا سخت تر است و فتنه انگیزختن^(۲) از کشتن سخت تر است^(۳) و همیشه باشما جنگ می کنند تا آنکه شمارا از دین شما (یعنی از اسلام) اگر توانند بازگردانند و هر کس که از شما از دین خود برگردد پس کافر بمیرد آن گروه کارهای ایشان در دنیا و آخرت نابود شد و ایشانند باشندگان دوزخ ایشان در آنجا جاویدند. ﴿۲۱۸﴾ هر آینه آنانکه ایمان آوردند و آنانکه هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند آن گروه بخشایش خدا را امیدوارند و خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۲۱۹﴾ سوال می کنند تورا از شراب و قمار بگو درین هردو گناه بزرگ است و مردمان را نفع ها است (یعنی دردنیای) و گناه این هر دو از نفع آنها^(۴) بزرگ تر است و سوال می کنند تورا چه چیز خرج بکنند بگو زیاده را (از نیاز)^(۵) خرج کنید هم چنین خدا برای شما آیت ها را بیان می کند تا باشد که شما تأمل کنید.

(۱) یعنی رجب، ذی القعدة و ذی الحجه و محرم که در شریعت حضرت ابراهیم جنگ کردن درین ماه ها حرام بود پس سوال کردند در شریعت محمدیه حکم تحریم باقی مانده یانه؟ والله اعلم.

(۲) یعنی ترویج شرک.

(۳) حاصل جواب آنست که قتال کفار جائز است و تحریم قتالِ مسلمین مغلطه میشود والله اعلم.

(۴) یعنی حرام اندو به منافع التفات نباید کرد والله اعلم.

(۵) یعنی از حاجت ضروری.

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الَّتِي مَلَى قُلُوبَهُمْ أَصْلَاحُ لَّهُمْ
 خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ
 الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنْ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ
 ﴿٢٢٠﴾ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّى يُوْمِنَ وَلَا مَئِمَّةٌ مُؤْمِنَةٌ
 خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ
 حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ
 أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ
 بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٢١﴾
 وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي
 الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ
 مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ
 ﴿٢٢٢﴾ نِسَاءُكُمْ حَرَّتُمْ لَكُمْ فَأَتُوا حَرَّتْكُمْ أَنِّي شَتَرْتُ وَقَدِّمُوا
 لَأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلْقَوَةٌ وَبَشِّرِ
 الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٢٣﴾ وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا
 وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٤﴾

﴿۲۲۰﴾ در (مصلحت) دنیا و آخرت و تورا از یتیمان سوال می کند بگو به صلاح آوردن کار ایشان بهتر است^(۱) و اگر مشارکت کنید با ایشان پس ایشان برادران شمایند و خدا تباه کار را از صلاح کار میداند و اگر خدا می خواست شمارا سخت می گرفت هرآئینه خدا غالب استوار کار است. ﴿۲۲۱﴾ و زنان مشرک را همسر مگیرید تاآنکه ایمان آورند و هرآئینه کنیز مسلمان از زن مشرک بهتر است اگر چه شمارا به شگفت آورده باشد و به همسری مشرکان را در نیاورید تاآنکه ایمان آورند (یعنی زنان مومنه را) و هرآئینه غلام مسلمان از مشرک بهتر است اگر چه شمارا^(۲) به شگفت آورده باشد گروه مشرکان به سوی دوزخ می خوانند و خدا به سوی بهشت و به سوی آمرزش به قدرت خود می خواند و آیه های خود را برای مردمان بیان می کند تا باشد که آنان پند پذیر شوند. ﴿۲۲۲﴾ و تورا از حیض می پرسند بگو که آن نجاست است پس یکسو شوید از زنان در حال حیض و به ایشان نزدیکی مکنید تاآنکه پاک شوند پس چون نیک پاک شدند^(۳) پس نزدیکی کنید به ایشان از آن راه که مباح کرده است خدا برای شما (یعنی در قُبُل) هرآئینه خدا توبه کنندگان را دوست میدارد و پاک شوندگان را دوست میدارد. ﴿۲۲۳﴾ زنان شما کشت زار شمایند پس بیایید به کشت زار تان هر روش که خواهید^(۴) و پیش فرستید (یعنی اعمال صالحه را) برای خویشتن و از خدا بترسید و بدانید که شما باوی ملاقات خواهید کرد و مسلمانان را بشارت ده. ﴿۲۲۴﴾ و مکنید نام خدا را آماج برای سوگندان خویش بنا براینکه نیکوکاری کنید و پرهیز گاری نمایید و در میان مردمان صلاح آرید خدا شنوای داناست^(۵).

(۱) یعنی به غیر شرکت.

(۲) یعنی هر بنده از بندگان خدا که مومن باشد و هر کنیز از کنیز های خدا که مومنه باشد بهتر است از مشرک و مشرکه و الله اعلم.

(۳) یعنی غسل به جا آرند.

(۴) یعنی بهر گونه که بخواهید می توانید جماع کردن (نزدیکی با همسران خود) یعنی غلطانده و از پست و غیر آن به شرط آنکه در قُبُل باشد (یعنی در مکان معروف).

(۵) یعنی سوگند برای موقوف کردن کار نیک جایز نیست.

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٢٥﴾ لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءَ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٢٦﴾ وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٧﴾ وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيُعْلِتُهُنَّ أَحقُّ بَرْدِهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٢٨﴾ الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَنٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمُ أَنْ تَأْخُذُوا بِمَاءٍ أْتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ ﴿٢٢٩﴾ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٣٠﴾ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا اللَّهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٢٣١﴾

﴿۲۲۵﴾ خدا شمارا به بیهوده گویی درسوگندهای شما مواخذه نمی کند^(۱) ولیکن شمارا به آنچه که قصد کرده است دل های شما مواخذه می کند و خدا آمرزنده^{*} بردبار است. ﴿۲۲۶﴾ برای آنکسان که از زنان خویش^(۲) ایلامی کنند انتظار کردن چهار ماه است پس اگر بازگشتند (یعنی ازین سوگند) پس هرآئینه خدا آمرزنده^{*} مهربانست. ﴿۲۲۷﴾ و اگر جدایی را قصد کردند پس هرآئینه خدا شنوای دانا است. ﴿۲۲۸﴾ و آن زنان که ایشان را طلاق داده شد منتظر سه حیض یاسه طهر از خویشتن باشند و ایشان را جایز نیست اینکه پنهان کنند آنچه را که خدا در رحمهای ایشان (یعنی بچه و حیض) آفریده است اگر ایمان آورده اند به خدا و روز بازپسین و شوهران ایشان حقدار تراند به بازآوردن ایشان در حباله خود درین مدت اگر نیکوکاری خواهند و زنان را هست (حق) مانند آنچه (مردان را) بر زنان است بوجه پسندیده^(۳) و مردان راهست برایشان بلندی (یعنی فرمانروایی) و خدا غالب استوار کار است. ﴿۲۲۹﴾ طلاق (رجعی) دوبار است پس از آن یانگاه داشتن است به خوش خویی یارها کردن به نکویی و حلال نیست شمارا که چیزی را از آنچه که داده اید زنان را بگیرید^(۴) مگر آنگاه که بترسند مرد وزن که احکام خدا را^(۵) برپا نتوانند داشت پس اگر بترسید ای مسلمانان از آنکه این هر دو احکام خدا را برپا ندارند پس برایشان در آنچه زن عوض خود داد گناه نیست، این حدها مقرر کرده خداست پس از آنها بیرون مروید و هر که از حدود خدا بیرون رود پس آن گروه ایشانند ستمکاران. ﴿۲۳۰﴾ پس اگر طلاق داد (یعنی بارسوم) پس هرگز این زن آن مرد را حلال نمی شود تا آنکه به نکاح شوهر دیگر درآید (یعنی به اودخول کند) پس اگر طلاق دادش این شوهر دیگر پس گناه نیست بر آن هر دو در آنکه به نکاح باهم بازگردند اگر بدانند که احکام خدا را برپایی توانند داشت و این حدود خداست بیان میکند آن حدود را برای قومی که میدانند.

(۱) یعنی لاوالله و بلی والله به غیر قصد گوید غلط دانسته سوگند خورد علی اختلاف المذهبین والله اعلم.

(۲) یعنی قسم می خوردن که جماع نکنند.

(۳) یعنی زنان را بر مردان حق است چنانچه مردان را بر زنان حق است.

(۴) یعنی حلال نیست که بدل طلاق از مهر بگیرد.

(۵) یعنی در معاشرت.

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبُغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأُمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ
 أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ
 يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا
 وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ
 يَعِظُكُمْ بِهِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٢١﴾ وَإِذَا
 طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبُغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ
 أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ۚ ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ
 مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكُمْ أَزْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ ۚ وَاللَّهُ
 يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٢٢﴾ * وَالْوَلَدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ
 كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَ ۚ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ
 وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ
 وَالِدَةٌ بَوْلَهُمَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلَهُ ۚ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ ۚ فَإِنْ
 أَرَادَ إِفْصَالٌ عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ
 أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْرِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا
 ءَاتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٢٣﴾



﴿۲۳۱﴾ و چون زنان را طلاق دادید پس به میعاد خود^(۱) رسیدند پس ایشان را نگاه دارید به نکویی یارها کنید ایشان را به نکویی و ایشان را برای ضرر رسانیدن نگاه مدارید تا ستم کنید و هر که این کار کند پس هر آئینه بر خود ستم کرد و آیه های خدا را به تمسخر مگیرید و نعمت خدا را بر خویش یاد کنید و آنچه بر شما از کتاب و علم فرود آورد که پند میدهد شمارا به آن و از خدا بترسید و بدانید که خدا بهر چیز داناست. ﴿۲۳۲﴾ و چون زنان را طلاق دادید پس به میعاد خود^(۲) رسیدند پس ایشان را از آنکه نکاح کنند باشوهران خویش منع مکنید^(۳) و قتیکه بایک دیگر در میان خویش به روش پسندیده راضی شدند این حکم پند داده میشود به آن هر کسی را که از شما به خدا و روز قیامت مومن باشد و این کار خوشتر است و پاکیزه تر و خدا می داند و شما نمی دانید. ﴿۲۳۳﴾ و مادران باید که فرزندان خویش را دوسال کامل شیر دهند این حکم برای آن کس است، که مدت شیر دادن را بخواهد تمام کند و بر پدر بوجه پسندیده نفقه و پوشاک این زنان شیرده است، تکلیف داده نمی شود هیچ کس الا قدر توانایی او، رنج نبایدداد مادر را به سبب فرزند وی و نه پدر را به سبب فرزندش و بروصی مانند این لازم است پس اگر مادر و پدر بخواهند از شیر بازگرفتن (فرزند را) (یعنی پیش از دوسال) بعد از رضامندی میان ایشان و مشورت کردن بایکدیگر پس برایشان هیچ گناه نیست و اگر خواهید که برای فرزندان خویش دایه گیرید پس هیچ گناهی بر شما نیست چون آنچه دادنش را مقرر کردید به خوش خویی تمام تسلیم نمودید و از خدا بترسید و بدانید که خدا به آنچه می کنید بیناست.

(۱) یعنی نزدیک رسیدند به انقضاء عدت.

(۲) یعنی عدت منقضی شد.

(۳) یعنی باشوهران سابق خود یا شوهران دیگر که به ایشان رغبت پیدا کردند.

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا تَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ
 أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ
 فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ
 ﴿٢٣٢﴾ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خُطْبَةِ النِّسَاءِ
 أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ ۚ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ
 وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا
 وَلَا تَعْرُضُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ ۚ
 وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ ۚ وَعَلِمُوا
 أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٣٥﴾ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ
 مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى
 الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ ۚ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَّعًا بِالْمَعْرُوفِ ۚ حَقًّا عَلَى
 الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٣٦﴾ وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ
 فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ
 أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ ۚ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى
 وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٧﴾

﴿۲۳۴﴾ و کسانی که از شما بمیرند زنان را ترك كنند باید که انتظار گُنانند این زنان خویشان را چهار ماه و ده روز پس چون به میعاد^(۱) خویش رسیدند پس بر شما در آنچه کردند در حق خویشان به وجه پسندیده (یعنی نکاح بطور شرع) گناه نیست و خدا به آنچه می کنید آگاه است. ﴿۲۳۵﴾ و بر شما در سخنی که کنایت کردید به وی از خواستگاری زنان (یعنی در میان عدّت) گناهی نیست یا پنهان داشتید در دل‌های خود خدا دانست که شما این زنان را یاد خواهید کرد یعنی آشکارا بعد از عدّت ولیکن به ایشان نکاح را به پنهانی وعده ندهید مگر آنکه سخنی پسندیده را گویند (یعنی به کنایت) و عقد نکاح را قصد نکنید تا آنکه میعاد مقرر به نهایت خود رسد و بدانید که خدامی‌داند آنچه را که در دل‌های شماست پس از وی بترسید و بدانید که خدا آمرزنده بُردبار است. ﴿۲۳۶﴾ بر شما هیچ گناه نیست اگر زنان را طلاق دادید در آن وقت که هنوز دست نرسانیده‌اید به ایشان یا معین نکرده‌اید برای ایشان مقداری^(۲) و بهره دهید این چنین مطلقات را^(۳) لازم است بر توانگر مقدار حال او بهره دادن و بر تنگدست مقدار حال او بهره دادن به خوشخویی لازم شده بر نیکوکاران. ﴿۲۳۷﴾ و اگر طلاق داده‌اید زنان را پیش از آنکه دست رسانید به ایشان و معین کرده باشید برای ایشان مقداری پس لازم است نیمه آنچه معین کردید مگر آنکه زنان ببخشند یا درگذرد کسیکه بدست اوست عقد نکاح (یعنی زوج حق خود گذاشته تمام دهد) و آنکه درگذرد نزدیک تراست به پرهیزگاری و احسان کردن را در میان خویش فراموش نکنید هر آینه خدا به آنچه می کنید بیناست.

(۱) یعنی به انقضاء عدّت.

(۲) یعنی مهر را.

(۳) یعنی پوشاك بدهید.

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ
 قَلْبَيْنِ ﴿٢٣٨﴾ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ
 فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ
 ﴿٢٣٩﴾ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا
 وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَّتَعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ
 خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ
 مِنْ مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٤٠﴾ وَلَمَّا طَلَّكَتِ مَتْعُ
 بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿٢٤١﴾ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ
 اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢٤٢﴾ * أَلَمْ تَرَ
 إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ
 فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ
 عَلَى النَّاسِ وَلَئِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٢٤٣﴾
 وَقَتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٤﴾ مَنْ
 ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا
 كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصِطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٤٥﴾



﴿۲۳۸﴾ بر همه نمازها پابندی کنید و بر نماز میانه (یعنی خصوصاً بر نماز عصر) بایستید برای خدا فرمان بردارند گان. ﴿۲۳۹﴾ پس اگر ترسیدید (یعنی از دشمن و مانند آن) پس روان برپاهای خود نماز گزایدیدیا سواره پس چون ایمن شوید پس یاد کنید خدا را چنانکه آموخته است شمارا آنچه نمی دانستید. ﴿۲۴۰﴾ و آنانکه از شما وفات می کنند و زنان را بگذارند برایشان وصیت کردن برای زنان خویش لازم کرده شد به آنکه ایشان را تایکسال بدون بیرون کردن بهره دهند پس اگر بیرون روند پس بر شما در آنچه کردند در حق خویشان از کار پسندیده گناه نیست (یعنی نکاح بطور شرع) و خدا غالب استوار کاراست^(۱). ﴿۲۴۱﴾ طلاق داده شدگانرا بهره مند ساختن به خوشخویی لازم است یعنی نفقه و سکنی بر پرهیزگاران لازم کرده شد. ﴿۲۴۲﴾ خدا برای شما احکام خود را همچنین بیان میکند تا باشد که شما بفهمید. ﴿۲۴۳﴾ آیا ندیدی ای بیننده به سوی کسا نیکه از خانه های خویش از بیم مرگ بیرون آمدند و ایشان هزاران بودند پس خدا ایشان را گفت بمیرید باز ایشان را زنده گردانید هر آینه خدا بر مردمان صاحب بخشایش است ولیکن اکثر ایشان سپاس نمی کنند. ﴿۲۴۴﴾ و در راه خدا جنگ کنید و بدانید که خدا شنوای داناست. ﴿۲۴۵﴾ کیست آنکه خدا را وام دهد وام دادن نیک پس خدا آن مال را برای او چند برابر به مراتب بسیار سازد و خدا روزی را تنگ می سازد و کشاده می کند و به سوی او باز گردانیده شوید.

(۱) مترجم گوید این آیت نزدیک جمهور منسوخ است به آیت ﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ أَمْثَلُهُمْ نُفُورًا﴾ والله اعلم.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلِإِ مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ
 قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 قَالَهُ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا
 قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا
 مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَاءِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا
 إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٢٤٦﴾ وَقَالَ لَهُمْ
 نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا
 قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ
 بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ
 اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ
 وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾
 وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ
 التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا
 تَرَكَ آءَالُ مُوسَى وَآءَالُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ
 إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٢٤٨﴾

﴿۲۴۶﴾ آیا به جمعی از بنی اسرائیل بعد از موسی نگاه نکردی چون گفتند به پیامبر خویش که برانگیز برای ما پادشاهی تا در راه خدا جنگ کنیم گفت پیامبر آیا اگر جنگ بر شما واجب کرده شود انتظار این می‌رود از شما که جنگ نکنید گفتند و ما را چه شده است که در راه خدا جنگ نکنیم حال آنکه به تحقیق که از خانه های خویش بیرون کرده شدیم و از فرزندان خویش جدا کرده شدیم پس آنگاه که واجب کرده شد برایشان جنگ رویگردانیدند مگر اندکی از ایشان و خدا به ستمکاران دانا است. ﴿۲۴۷﴾ و پیامبر ایشان به ایشان گفت هر آئینه خدا طالوت را برای شما پادشاه مقرر کرده است گفتند چگونه او را پادشاهی بر ما باشد حال آنکه ما به پادشاهی از وی سزاوارتریم و او رافراخی در مال داده نشده است گفت هر آئینه خدا او را بر شما برگزیده است و او را فراخی در دانش و افزونی در بدن داده است و خدا پادشاهی خود را به هر کس که خواهد می بخشد و خدا گشایشگر (جواد) دانا است. ﴿۲۴۸﴾ و پیامبرشان ایشان را گفت هر آئینه نشانه پادشاهی او آنست که بیاید به شما صندوقی که در آن آرامش دلست از پروردگار شما و باقیمانده از آنچه که آل موسی و آل هارون برجای گذاشته اند او را فرشتگان بر میدارند هر آئینه درین صورت برای شما اگر باوردارنده اید نشانه ای است.

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ
 بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ
 فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ
 إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا
 مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ
 قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلاقُوا اللَّهَ كَمَنْ فِتْنَةٍ
 قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ
 الصَّابِرِينَ ﴿٢٤٩﴾ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا
 رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أَقْدَامُنَا وَأَنْصُرْنَا
 عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٥٠﴾ فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ
 وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَءَاتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ
 وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ
 بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو
 فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٢٥١﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا
 عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٥٢﴾

﴿۲۴۹﴾ پس چون طالوت بالشکرها رهسپار شد گفت هرآئینه خدا شمارا به جویی آزمایش کننده است پس هرکه از آن جوی بنوشد پس از من نیست و هرکه نچشد آنرا پس او از من است الا آنکه يك کف آب به دست خود، بردارد پس از آن جوی آشامیدند مگر اندکی از ایشان پس آنگاه که طالوت و مومنان همراه او از جوی گذشتند، گفتند نوشندگان ما را امروز به مقابله جالوت و لشکرهايش توانایی نیست گفتند آنانکه می دانستند که ایشان با خدا ملاقات خواهند کرد بسا گروه اندك برگروه بسیار به اراده خدا غالب شد و خدا با شکیبایانست. ﴿۲۵۰﴾ و آنگاه که برای جنگ جالوت و لشکرهايش به میدان آمدند این صالحان گفتند ای پروردگار ما بریز بر ما شکیبایی و قدم های ما را محکم کن و ما را برگروه ناگرویدگان غلبه ده. ﴿۲۵۱﴾ پس آن کفار را بتوفیق خدا شکست دادند و داود جالوت را کشت و خدای تعالی داود را پادشاهی و علم داد و او را از آنچه میخواست بیاموخت و اگر خدا مردمان را گروهی را بدست گروهی دیگر دفع نمی کرد هرآئینه تباه می شد زمین ولیکن خدا صاحب بخشایش بر جهانیان است. ﴿۲۵۲﴾ اینها آیات خداست آنرا بر تو (ای محمد) به راستی میخوانیم و هرآئینه تواز پیامبرانی.

* تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّنْ كَلَّمَ اللَّهُ
 وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ
 وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ
 بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا
 فَمِنْهُمْ مَّنْ ءَامَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَتَلُوا
 وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٢٥٢﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا
 مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خِلَّةٌ وَلَا
 شَفْعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٥٣﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
 الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
 وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ
 مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا
 بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا
 وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٤﴾ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ
 الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ
 بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٥﴾

﴿۲۵۳﴾ اینان پیامبران هستند که بعضی را از ایشان بر بعضی فضل دادیم ، از ایشان کسی هست که با او خدا سخن گفت و بلند کرد بعضی را در مرتبه‌ها و عیسی پسر مریم را معجزه ها دادیم و او را به روح القدس قوت دادیم و اگر خدا می خواست بایکدیگر قتل نمی کردند آنانکه پس از ایشان بودند پس از آنکه به ایشان حجت ها آمد ولیکن اختلاف کردند پس از ایشان کسی هست که ایمان آورد و از ایشان کسی هست که کفر ورزید و اگر خدا می خواست بایکدیگر نمی جنگیدند ولیکن خدا آنچه را می خواهد میکند. ﴿۲۵۴﴾ ای مسلمانان از آنچه شمارا روزی دادیم خرج کنید پیش از آنکه روزی بیاید که خرید و فروش در آن روز نیست و نه دوستی و نه سفارش و کافران همیشانند ظالمان. ﴿۲۵۵﴾ خدا آنست که هیچ معبود بر حقی غیر از او نیست زنده تدبیر کننده جهان نمی گیرد او را (پینکی) چرت (یعنی خواب سبک) و نه خواب او راست آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین است کیست آنکه نزد او شفاعت کند الا به حکم او میداند آنچه را که پیش دست ایشان است و آنچه را که پشت ایشان است و مردمان از معلومات حق چیزی را فرامیگیرند مگر به آنچه وی خواسته است، کرسی او آسمان ها و زمین را فرا گرفته است و نگاهیانی این هردو بروی سنگین نمی شود و او بلند مرتبه بزرگ قدر است. ﴿۲۵۶﴾ نیست اجباری در (کار) دین^(۱) به راستیکه ظاهر شده است راه یابی از گمراهی پس هر که منکر طاغوت شود (یعنی معبودان باطل) و ایمان آورد به خدا پس هر آینه چنگ زده است به دست آویزی محکم که آنرا گسستن نیست و خدا شنوای دانا است.

(۱) یعنی حجت اسلام ظاهر شد پس گویا جبر کردن نیست اگر چه فی الجملة به صبر باشد والله اعلم.

اللَّهُ وَلِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ
 وَالَّذِينَ كَفَرُوا ءَٰوْلِيَآءُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُهُم مِّنَ
 النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ ؕ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
 خَالِدُونَ ﴿٢٥٧﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ
 أَنِ اتَّخَذَ اللَّهُ الْمَلَكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي
 وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أَحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي
 بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي
 كَفَرَ ؕ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥٨﴾ أَوَكَلَّيْ
 مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي
 هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ
 قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ
 لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ
 وَانْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ ءَايَةً لِّلنَّاسِ وَانْظُرْ إِلَى
 الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا الْحَمَاءَ فَلَمَّا
 تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٥٩﴾

﴿۲۵۷﴾ خداکار سازِ مومنان است ایشانرا از تاریکی‌ها به سوی روشنی بیرون می آورد و آنانکه کافرانند کارسازانِ ایشان طاغوت است (یعنی شیطان و معبودان باطل) ایشان را از روشنی به سوی تاریکی‌ها بیرون می آورند این جماعت ایشان باشندگان دوزخند در آنجا جاویدند. ﴿۲۵۸﴾ آیا به سوی کسی که مکابره کرد با ابراهیم دربارهٔ پروردگار او بخاطر آنکه خدا او را پادشاهی داد، ندیدی، (یعنی نمرود را) چون ابراهیم گفت پروردگار من آنست که زنده میکند و می میراند آن کافر گفت من زنده می کنم و می میرانم^(۱) گفت ابراهیم پس هر آئینه خدا خورشید را از مشرق می آورد پس تو آن را از طرف مغرب بیاور پس مغلوب شد کافر و خدا گروه ستمکاران را راه نمی نماید. ﴿۲۵۹﴾ یامانند آن شخصی که گذشت برده‌ی درحالی که آن افتاده بود بر سقفهای خود^(۲) گفت چگونه این را خدا بعد از مردن آن زنده می کند؟! پس خدای تعالی او را صدسال میراند بعد از آن برانگیختش (یعنی زنده اش کرد) گفت چه قدر درنگ کردی گفت درنگ کردم يك روز يا پاره ای از روز گفت بلکه صدسال درنگ کردی پس نگاه کن به سوی طعام خود و آشامیدنی خود که متغیر نشده و نگاه کن به سوی الاغ خود و می خواهیم که تورا برای مردمان نشانه ای گردانیم و نگاه کن به سوی استخوانها چگونه آنها را برداشته به هم پیوند می دهیم بعد از آن بر آن گوشت را می پوشانیم پس چون این حال برایش واضح شد گفت به یقین می دانم که خدا بر همه چیز تواناست.

(۱) یعنی به ستم مستحق کشتن رامی گذارم و کسی را که مستحق کشتن نیست می کشم والله اعلم.

(۲) مترجم گوید آن شخص عزیز بود.

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَرَأَيْتَ إِنْ
تُومِنُ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ
الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ أَجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا
ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾
مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ
أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ
يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦١﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ
أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا
أَذَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ ﴿٢٦٢﴾ *قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ
يَتَّبِعُهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ﴿٢٦٣﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
لَا تَبْطُلُوا صَدَقَتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ
رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ
صَفْوَانٍ عَلَيْهِ ثَرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ
عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦٤﴾

﴿۲۶۰﴾ وآنگاه که ابراهیم گفت ای پروردگار من بنما مرا چگونه مردگان را زنده می کنی؟ گفت خدا آیا باور نداری؟ گفت آری باور داشته ام لیکن می خواهم که دلم آرام گیرد^(۱) گفت خدا پس بگیر چهار عدد از پرندگان پس همه را نزدیک خود قطعه قطعه بهم آور بعد از آن بگذار برهر کوهی پاره ای ازیشان سپس از آن ندا کن ایشان را البته پیش توشتابان بیایند و بدان که خدا غالب استوار کار است. ﴿۲۶۱﴾ صفت آنانکه مالهای خود را در راه خدا خرج می کنند مانند صفت يك دانه ای است که هفت خوشه را برویاند هر خوشه ای صد دانه است و خدا هر کرا خواهد چند برابر می دهد و خدا گشایشگر (جواد) دانا است. ﴿۲۶۲﴾ آنانکه اموال خود را در راه خدا خرج می کنند بازایی آن انفاق منت نمی نهند و آزار نمی رسانند ایشان را پاداش ایشان نزد پروردگار ایشان است و نیست ترسی برایشان و نه ایشان اندوهگین شوند. ﴿۲۶۳﴾ سخن ملایم گفتن و درگذشتن^(۲) بهتر است از آن خیرات که از پی آن آزرده گی باشد و خدا بی نیاز بُردبار است. ﴿۲۶۴﴾ ای مومنان خیرات خود را به منت نهادن و آزرده کردن تباه مکنید همچو کسیکه مال خود را برای نمودن مردمان خرج می کند و به خدا و روز قیامت ایمان ندارد پس صفت او مانند صفت سنگ صاف است که بروی باشد اندك خاکی پس به آن بارانی عظیم رسید پس گذاشت اورا سخت و صاف مانده، توانایی ندارند اهل ریا بر چیزی از آنچه عمل کردند و خدا گروه کافران را راه نمی نماید^(۳).

(۱) یعنی عین الیقین می خواهم واللہ اعلم.

(۲) از پی ادبی باسائل.

(۳) مترجم گوید حاصل این مثل آنست که عمل منان و مرائی در دنیا می نماید که عمل است و در آخرت ناپود میشود و هیچ فائده نمی دهد چنانکه بر سنگی خاك افتاده باشد و بظاهر چنان می نماید که قابل زراعت است و چون باران بارد محو شود واللہ اعلم.

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ
وَتَثْبِيْتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ
فَعَاتَتْ أَكْطُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌ
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٦٥﴾ أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ
جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ
فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ
ضُعْفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ
يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٦٦﴾ يَأَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا
لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ
وَلَسْتُمْ بِأَخَذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ
حَمِيدٌ ﴿٢٦٧﴾ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ
وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ
﴿٢٦٨﴾ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ
أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٦٩﴾

﴿۲۶۵﴾ و صفت آنانکه مالهای خویش را از جهت طلب رضامندی خدا و به سبب اعتقاد ناشی از دل خویش خرج می کنند مانند صفت باغی است به مکان بلند که به وی بارانی عظیم رسید پس میوه های خود را دوچندان آورد و اگر او را باران عظیمی نمی رسید پس شبنم کفایت میکرد و خدا به آنچه می کنید بیناست^(۱). ﴿۲۶۶﴾ آیا دوست میدارد یکی از شما که او را باغی از درختان خرما و انگور باشد که می رود زیر آن جویها او را در آن باغ از هر جنس میوه ها هست و او را سالخوردگی رسیده باشد و فرزندان ناتوان داشته باشد پس درین حالت آن باغ را گردبادی که در آن آتش است رسید پس کاملاً به سوخت همچنین خدا برای شما آیه ها را واضح می سازد تا باشد که تأمل کنید^(۲). ﴿۲۶۷﴾ ای مومنان خرج کنید از پاکیزه های آنچه شما کسب کرده اید و از پاکیزه های آنچه برای شما از زمین بیرون آوردیم و ناپاک را از آن قصد مکنید آن را خرج میکنید و گیرنده آن نیستید مگر وقتی که در گرفتن آن چشم پوشی کنید و بدانید که خدا بی نیاز ستوده است. ﴿۲۶۸﴾ شیطان به شما تنگدستی را وعده میدهد و به بی حیایی شمارا می فرماید و خدا به شما آمرزش را از جانب خود و نعمت دادن را وعده می کند و خدا گشایشگر (جواد) دانا است. ﴿۲۶۹﴾ حکمت را میدهد هر که را خواهد و هر که او را حکمت داده شد پس به راستی که داده شدنی کوی بسیار و پند پذیر نمی شوند جز صاحبان خرد.

(۱) مترجم گوید حاصل این مثل آن است که عمل اهل اخلاص فائده ها میدهد از سابقین باشد یا از اصحاب یمین.

(۲) حاصل این مثل آن است که عمل منان و مرائی در وقت شدت احتیاج ناپود شود چنانکه بوستان این شخص در وقت شدت احتیاج به سوخت.

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ
يَعْلَمُهَا وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿٢٧٠﴾ إِنْ تَبَدُّوا
أَلْصَقْتِ فَنِعَمَاهِىَّ وَإِنْ تَخَفُوهَا وَتَوْتُوهَا
أَلْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ
سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٧١﴾ * لَيْسَ
عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا
تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا نَفْسِكُمْ وَمَا تَنْفِقُونَ إِلَّا
أَبْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوفِّ إِلَيْكُمْ
وَأَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ ﴿٢٧٢﴾ لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا
فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ
يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ
بِسِمَتِهِمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ
خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٢٧٣﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ
بِالْأَيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ
رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٤﴾



﴿۲۷۰﴾ و آنچه از خیرات خرج کردید و یا لازم کردید بر خود از نذری پس هر آئینه خدا آنرا میداند و ستمکاران را هیچ یاری دهنده ای نیست. ﴿۲۷۱﴾ اگر خیرات را آشکار کنید پس آن چیز نیکویی است و اگر آنرا پنهان کنید و بدهید آن را به فقیران پس این برای شما بهتر است و از شما بعض گناهان شمارا دور سازد و خدا به آنچه می کنید آگاه است. ﴿۲۷۲﴾ بر تو (ای محمد) هدایت ایشان لازم نیست^(۱) لیکن خدا هدایت می کند هر که رامی خواهد و آنچه از مال خرج می کنید پس برای نفع ذات شماست و لایق نیست که خرج کنید مگر برای طلب رضای خدا و آنچه از مال خرج می کنید تمام آن به شما (یعنی ثواب) رسانیده شود، و بر شماستم نخواهید کرده شد. ﴿۲۷۳﴾ خیرات برای آن فقیرانست که در راه خدا^(۲) بندکرده شدند در زمین سفر کردن نمی توانند ایشان را ندادن توانگر می پندارد به سبب طمع نکردن می شناسی تو ایشان را به قیافه ایشان از مردمان به الحاح و لجاجت سوال نمی کنند و آنچه خرج می کنید از مال پس هر آئینه خدا به آن دانا است. ﴿۲۷۴﴾ کسانی که اموال خویش را شب و روز پنهان و آشکار خرج می کنند پس ایشان را پاداش ایشان نزد پروردگارشان است و برایشان ترسی نیست و نه ایشان اندوهگین شوند.

(۱) یعنی رسانیدن مردم به هدایت کار تو نیست متعلق بخداوند است.

(۲) یعنی به سبب مشغول شدن و مصروفیت به جهاد کسب کردن نمی توانند والله اعلم.

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي
 يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ
 مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ
 مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَاتَّهَىٰ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ
 عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧٥﴾ يَمْحَقُ
 اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ
 ﴿٢٧٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ
 وَءَاتَوْا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
 وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ
 وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٧٨﴾ فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا
 فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ
 أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٩﴾ وَإِنْ كَانَ
 ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ
 إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٨٠﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى
 اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٨١﴾

﴿۲۷۵﴾ کسانی که سود را میخورند برنخیزند (یعنی از گور) مگر چنانکه برمی خیزد کسی که او را شیطان به سبب آسیب رسانیدن دیوانه ساخته است، این به سبب آنست که سود خوران گفتند جز این نیست که سودا گری مانند سود است و حال آنکه خدا سودا گری را حلال کرده است و سود را حرام ساخته است پس کسی که به وی پندی از جانب پروردگارش آمد پس بازآمد ازین کار (یعنی ویش کرد) پس اوراست آنچه گذشت و کار او به خدا مفوض است^(۱) و هر که بازگشت به سود خوری^(۲)، پس آن گروه باشند گان دوزخ اند ایشان در آنجا جاویدند. ﴿۲۷۶﴾ خدا برکت سود را نابود می سازد و برکت خیرات را افزون می سازد و خدا هر ناسپاس گنهکار را دوست ندارد. ﴿۲۷۷﴾ هر آینه کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند و نماز را برپاداشتند و زکوٰه را دادند برای ایشان است پاداش ایشان نزد پروردگار ایشان و نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند. ﴿۲۷۸﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بترسید و ترك کنید آنچه از سود مانده است اگر از اهل ایمان هستید. ﴿۲۷۹﴾ پس اگر نکردید پس به جنگی از طرف خدا و رسول او خبردار باشید و اگر توبه کردید پس همت شما را اصل مال های شما نه شما ستم کنید و نه بر شما ستم کرده شود. ﴿۲۸۰﴾ و اگر مفلسی باشد پس مهلت دادن تا توانگری لازم است و آنکه خیرات کنید شمارا بهتر است اگر می دانستید. ﴿۲۸۱﴾ و از آن روز که باز گردانیده شوید در آن به سوی خدا بترسید پس تمام داده شود هر شخصی را آنچه عمل کرده است و بر ایشان ستم کرده نشود.

(۱) یعنی سودی که قبل آیت تحریم گرفته بازگردانیدنش لازم نیست والله اعلم.

(۲) یعنی بعد از تحریم.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى
فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ
كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ
الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا
فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ
أَنْ يُمْلِعَ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ
مِنْ رِّجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ
مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ
إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْمَعُوا
أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَجَلٍ ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ
عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْرَبُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ
تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ
أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ
وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا
اللَّهَ وَيَعْلَمُكُمْ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٨٢﴾

﴿۲۸۲﴾ ای مومنان اگر بایکدیگر به وام دادن تامیعاد مقرر معامله کنید پس آن را بنویسید و باید که نویسنده میان شما به انصاف بنویسد و سرباز نزنند نویسنده از آنکه نویسد چنانچه خدا او را آموخته است پس باید که وی بنویسد و املاء کند آنکه وام بدمه^۱ وی است و باید که از خدا پروردگارش بترسد و از آن وام چیزی را کم نکند پس اگر کسیکه وام بدمه^۲ وی است بی خرد یا ناتوان باشد یا نمی تواند املاء کردن پس باید که املاء کند کارگزار او به انصاف و دوشاهد را از مردان خویش^(۱) گواه گیرید پس اگر (حاضر) نباشند دومرد پس يك مرد و دو زن کفایت است از کسانی که راضی باشید از گواهان^(۲) تا اگر کسی از آنان فراموش کند یکی از آنان به دیگری یاد آوری کند و باید که سرباز نزنند گواهان آنگاه که طلبیده شوند و مانده مشوید از آنکه بنویسید حق را اندک باشد یا بسیار تا میعاد وی این به نزد خدا با انصاف تر است و درست تر برای گواهی و به آنکه در شك نیفتید مگر وقتی که باشد آن معامله سوداگری دست به دست که آن رامیان خویش دستگردان می کنید پس بر شما گناهی در آنکه ننویسید آن را نیست و گواه گیرید هر گاه که خرید و فروخت کنید و باید که رنج داده نشود نویسنده و نه گواه و اگر این کار را بکنید پس هرائینه این برای شما گناه است و از خدا بترسید و خدا شمارا می آموزد و خدا بهر چیز دانا است.

(۱) یعنی از مسلمانان.

(۲) یعنی از مسلمانان امین متقی.

* وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كِتَابًا فَرِهَنْ مَّقْبُوضَةً
 فَإِنْ أَنْ أَمِنْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فليؤدِّ الَّذِي أُوتِيَ مِنْ أَمْنَتِهِ وَلِيَتَّقِ
 اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ
 عِندَ اللَّهِ قَاتِلٌ مُتَعَمِّلٌ عَلَيْهِمُ اللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
 وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ
 يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ
 وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٢٨٤ ؕ أَمِنْ الرَّسُولِ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ
 مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلُّ أَمِنْ بِاللَّهِ وَمَلَكِيَّتِهِ
 وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نَفَرِقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا
 سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ٢٨٥ ؕ لَا يُكَلِّفُ
 اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ
 رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ
 عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا
 وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا
 وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ٢٨٦ ؕ

﴿۲۸۳﴾ و اگر مسافر باشید و نویسندۀ ای را نیابید پس لازم است گرو بدست آورده شده باشد پس اگر امین داند برخی از شما برخی دیگر را پس باید که آن کس که امین دانسته شد امانت خود را ادا کند و باید که از خدا پروردگار خود بترسد و گواهی را پنهان نکنید و هر که آن را پنهان کند پس هر آینه دل او گناهکار است خدا به آنچه می کنید آگاه است. ﴿۲۸۴﴾ آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است برای خدا است و اگر آشکار کنید آنچه در دل های شما است^(۱) یا آنرا پنهان دارید البته خدا حساب آن را از شما بگیرد پس بیمارزد کسی را که خواهد و عذاب کند کسی را که خواهد و خدا بر همه چیز توانا است. ﴿۲۸۵﴾ پیامبر آنچه را که به سوی اواز پروردگارش فرود آورده شد باور داشت و مومنان نیز همه ایمان آورده اند به خدا و فرشتگان او و کتاب های او و پیامبران او (و گفتند) فرق نمی گذاریم میان هیچ کسی از پیامبران او^(۲) و گفتند شنیدیم و فرمانبرداری کردیم میخواهیم آموزش تو را ای پروردگارا و به سوی تو است بازگشت. ﴿۲۸۶﴾ خدا هیچ کس را مکلف نمی کند مگر به اندازه توانش برای او است آنچه عمل کرد و بروی باشد آنچه گناه کرد گفتند ای پروردگارا به عقوبت مگیر ما را اگر فراموش کنیم یا خطا کنیم ای پروردگارا ما و مَنه بر سر ما بار گران آنچنان که آنرا بر کسانیکه پیش از ما بودند نهادی پروردگارا ما و مَنه بر سر ما آنچه ما را توانایی آن نیست و در گذار ما و بیامرز ما را و به بخشای ما را تویی خداوند ما پس ما را بر گروه کافران غلبه ده.

(۱) یعنی از قسم نفاق و اخلاق و حسد و نصیحت و مثل آن نه از قسم حدیث نفس و الله اعلم.

(۲) یعنی بعض را معتقد و بعض را منکر نمی باشیم.

سورة آل عمران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْم ﴿١﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ﴿٢﴾ نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ
بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿٣﴾ مِنْ
قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ
لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ ﴿٤﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى
عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿٥﴾ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ
فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦﴾ هُوَ
الَّذِي أَنزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ
الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ
مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ
إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ
رَبِّنَا وَمَا يَذْكُرُ إِلَّا أَهْلُ الْأَلْبَابِ ﴿٧﴾ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْ قُلُوبَنَا بَعْدَ
إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٨﴾ رَبَّنَا
إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿٩﴾

سوره آل عمران مدنی است و آن
دویست آیه و بیست رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ اَلَمْ. ﴿۲﴾ خدا آن ذات است که نیست هیچ معبود برحق مگر او زنده تدبیرکننده عالم است. ﴿۳﴾ فرود آورد بر تو کتاب را به راستی باور دارنده آنچه پیش دست وی است و تورات و انجیل را فرود آورد. ﴿۴﴾ پیش ازین برای مردمان رهنما و قرآن را فرود آورد هرآئینه کسانی که کافر شدند به آیات خدا ایشانراست عذاب سخت و خدا غالب صاحب انتقام است. ﴿۵﴾ هرآئینه بر خدا چیزی در زمین و نه در آسمان نهان نمی ماند. ﴿۶﴾ او آنست که صورت می بندد شمارا در رحمتها چنانچه خواهد نیست هیچ معبود برحق غیر از او غالب استوار کاراست. ﴿۷﴾ او آنست که بر تو کتاب را فرود آورد که بعضی از آن آیه ها واضح است آنها اصل کتاب است و برخی دیگر محتمل معانی باهم مشتبه اند پس اما کسانی که در دل های ایشان کجی است آنرا که متشابه است از آن کتاب پیروی می کنند برای طلب فتنه و طلب تاویل آن و مراد آن را مگر خدا نمیداند و ثابت قدمان در علم می گویند به آن ایمان آوردیم این همه از نزد پروردگار ماست و پند پذیر نمی شوند مگر خداوندان خرد. ﴿۸﴾ (می گویند) ای پروردگار ما دلها یمان را بعد از آنکه هدایت نمودی ما را کج مگردان و به ما از نزد خود رحمت عطا کن هرآئینه تویی عطا کننده. ﴿۹﴾ ای پروردگار ما هرآئینه تو جمع کننده مردمانی در آن روز که هیچ شکی نیست در (وقوع) آن هرآئینه خدا وعده را خلاف نمیکند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ
 مِنْ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ ﴿١٠﴾ كَذَّبَ آلُ
 فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ
 بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١١﴾ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا
 سَتُغْلَبُونَ وَتُخْشَرُونَ إِلَى جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٢﴾
 قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ اللَّتَقَاتِ فَيَضْرِبَنَّ
 سَيْلُ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَى
 الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَن يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ
 لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ﴿١٣﴾ زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ
 مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ
 وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَمِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ
 مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَتَابِ ﴿١٤﴾ * قُلْ
 أَوْثَقْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَلِكَ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ
 جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ
 مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿١٥﴾

﴿۱۰﴾ هرآئینه آنانکه کافر شدند اموال ایشان و نه فرزندان ایشان از (عذاب) خدای تعالی چیزی را از ایشان دفع نکند و ایشان آتش انگیز دوزخ اند. ﴿۱۱﴾ حال ایشان مانند شیوهٔ آل فرعون و کسانی است که پیش از ایشان بودند، آیاتِ ما را تکذیب کردند پس خدا ایشانرا به سبب گناهان ایشان گرفت و خدا سخت عقوبت است. ﴿۱۲﴾ به کافران بگو که مغلوب خواهید شد و به سوی دوزخ جمع آوری خواهید شد و او بدجایگاه است. ﴿۱۳﴾ به تحقیق هست شمارا نشانه در آن دو قوم که به هم آمدند^(۱) يك گروه جنگ میکرد در راه خدا و گروه دیگر کافر بودند مسلمانان آن کافران را دو برابر خویش بدیدهٔ چشم می دیدند و خدا به نصرت خود هر که را خواهد قوت میدهد هرآئینه درین واقعه پندی برای خداوندانِ بصیرت هست. ﴿۱۴﴾ آراسته کرده شده است برای مردمان دوستی آرزوهای نفس از زنان و فرزندان و خزانه های انبوه (جمع ساخته) از زر و سیم و اسبانِ نشانمند ساخته و چهار پایان و زراعت، این بهرهٔ زندگانی دنیا است و نزدِ خداست بازگشتِ نیک. ﴿۱۵﴾ بگو (ای محمد) آیا خبردهم شمارا به آنچه بهتر است ازین برای متقیان نزد پروردگار ایشان بوستان ها باشد که می رود از زیر آنها جویها، جاویدان باشند در آن و (نیزبرایشان) زنانِ پاکیزه باشند و از خوشنودی خدا برخوردارند و خدا به بندگان بیناست.

(۱) یعنی روز بدر و الله اعلم.

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا أَمَتٌ فَأَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا
 وَفِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٦﴾ الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَلْبَتِينَ
 وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ ﴿١٧﴾ شَهِدَ اللَّهُ
 أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا
 بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾ إِنَّ الدِّينَ
 عِنْدَ اللَّهِ الْأِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا أَلْكِتَابَ
 إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ
 بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩﴾ فَإِنْ حَاجُّوكَ
 فَقُلْ أَسَلَّمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِي فَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا
 أَلْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسَلَّمْتُ فَإِنْ أَسَامُوا فَقَدْ أَهْتَدُوا
 وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠﴾
 إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ
 بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ
 النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢١﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ
 أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٢٢﴾

﴿۱۶﴾ آنکه می گویند ای پروردگار ما هر آئینه ما ایمان آوردیم پس گناهان ما را برایمان بیاور و ما را از عذاب آتش نگاهدار. ﴿۱۷﴾ شکیبایان و راست گویان و فرمانبرداران و خرج کنندگان و آمرزش خواهان در اوقات سحر. ﴿۱۸﴾ خدا گواهی^(۱) داد^(۲) آنکه هیچ معبود برحق نیست و گواهی دادند فرشتگان و خداوندان دانش در آن حال که خدا تدبیر کننده عالم است به عدل، نیست هیچ معبود برحق مگر او غالب استوار کار است. ﴿۱۹﴾ هر آئینه دین (معتبر) نزد خدا اسلام است و اختلاف نکردند (یعنی در قبول اسلام) اهل کتاب مگر بعد از آنکه به ایشان دانش آمد^(۳) از روی حسد در میان خویش و هر که کافر باشد به آیات خدا پس هر آئینه خدا زود گیرنده حساب است. ﴿۲۰﴾ پس اگر مکابره کنند باتو (یا محمد) پس (از دل و جان) بگو من خود را فرمانبردار خدا ساخته ام خود را و نیز هر کسی که پیروی من کرد (چنین بود) و بگو به اهل کتاب و به خوانندگان آیا اسلام آوردید پس اگر اسلام آوردند به تحقیق که راه یافتند و اگر روی گردانیدند پس جزاین نیست که برتوست پیغام رسانیدن و خدا به بند گان بیناست. ﴿۲۱﴾ هر آئینه کسانی که به آیه های خدا کافر می شوند و پیامبران را به ناحق می کشند و آنان را که به عدل می فرمایند از مردمان می کشند پس ایشانرا به عذاب درد دهنده خبرده. ﴿۲۲﴾ این گروه آنانند که عمل های ایشان در دنیا و آخرت نابود شد و ایشان را یاری دهنده نیست.

(۱) مترجم گوید ازینجا خدای تعالی شروع می فرماید در مناظره اهل کتابین ورد شبهات ایشان و تعداد تحریفات ایشان و این قصه ممتد است تا قوله ﴿وَإِذْ عَدُوٌّ مِّنْ آلِهِ﴾.

(۲) یعنی آشکار ساخت.

(۳) یعنی حقیقت حال دانستند.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ
 اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾
 ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ ۖ
 وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾ فَكَيْفَ إِذَا جُمِعَتْ لَهُمْ
 لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ
 لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٥﴾ قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن
 تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن
 تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٦﴾ تُولِجُ اللَّيْلَ
 فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ
 وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢٧﴾
 لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۚ
 وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَن تَتَّقُوا مِنْهُمْ
 تُقَةً ۚ وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ۗ وَاللَّهُ الْمَصِيرُ ﴿٢٨﴾ قُلِ
 إِن تَخَفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْذَرُوهُ يَعْلَمَهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ
 مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾

﴿۲۳﴾ آیندیدی به سوی آنانکه داده شدند پاره ای از علم کتاب خوانده می شوند به سوی کتاب خدا تاحکم کند میان ایشان پس گروهی از ایشان اعراض کنان روی می گرداند.

﴿۲۴﴾ این به سبب آنست که ایشان گفتند هرگز به ما آتش دوزخ نرسد مگر چند روزی شمرده شده و ایشان را در دین ایشان آنچه افترا میکردند فریفت. ﴿۲۵﴾ پس چگونه بود حال و قتیکه جمع کنیم ایشان را در روزی که در آن هیچ شکی نیست و تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه عمل کرده و بر ایشان ستم کرده نشود. ﴿۲۶﴾ بگو بار الها ای خداوند پادشاهی، میدهی هرکه را خواهی و باز می گیری پادشاهی از هر که خواهی و ارجمند می سازی هرکه را خواهی و خوار می سازی هرکه را خواهی نیکی به دست تست هر آئینه تو بر همه چیز توانایی^(۱). ﴿۲۷﴾ در می آری شب را در روز و در می آری روز را در شب و بیرون می آری مرده و بیرون می آری مرده را از زنده و روزی بی شمار میدهی هرکه را خواهی. ﴿۲۸﴾ نباید که دوست گیرند مسلمانان کافران را به جای مؤمنان و هرکه این کند پس نیست از خدا در چیزی^(۲) مگر آنکه دفع شرایشان کنید بنوعی از حذر کردن و شمارا خدا از خود بر حذر می دارد و به سوی خدا بازگشت است. ﴿۲۹﴾ بگو اگر پنهان کنید آنچه در سینه های شماست یا آشکار کنیدش آن را خدا می داند و آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است میداند و خدا بر همه چیز تواناست.

(۱) مترجم گوید که در امر این دعا بشارت است به مغلوب شدن کافران.

(۲) یعنی در عهد خدا نیست.

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ
 مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ
 نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٣٠﴾ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ
 فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ
 رَّحِيمٌ ﴿٣١﴾ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
 الْكَافِرِينَ ﴿٣٢﴾ * إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ
 وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٣﴾ ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ
 سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾ إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ
 مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٥﴾
 فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ
 وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ
 وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿٣٦﴾ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ
 حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا
 زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَ هَارٍ زَقَا قَالَ يَلْمِزُكَ أَنِي لَكَ هَذَا
 قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٧﴾

﴿۳۰﴾ آن روزیکه حاضر یابد هرکس آنچه را که از نیکی عمل کرده است و آنچه از بدی کرده است دوست می دارد که کاش در میان او و در میان آن بدی فاصله ای دور بود و خدا شمارا از خود بر حذر می دارد و خدا بسیار بر بندگان مهربان است. ﴿۳۱﴾ (ای محمد) بگو اگر خدارا دوست می دارید پس پیروی من کنید تا خدا شمارا دوست دارد و گناهان شمارا برای شما بیامزد و خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۳۲﴾ بگو خدا و پیامبر را فرمان برید پس اگر روگرداند پس هر آئینه خدا کافران را دوست ندارد^(۱). ﴿۳۳﴾ هر آئینه خدا آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید. ﴿۳۴﴾ در حالیکه این جماعت یک نسل بودند بعضی از ایشان پیدا شده از بعض دیگر بودند و خدا شنوای دانا است. ﴿۳۵﴾ آنگاه که گفت زن عمران ای پروردگار من هر آئینه من نذر تو کرده ام آنچه را که در شکم من است آزاد کرده^(۲) پس قبول کن از من هر آئینه تویی شنوای دانا. ﴿۳۶﴾ پس چون دختر را بزد گفت ای پروردگار من هر آئینه این را دختر زاده ام و خدا داناست به آنچه وی بزد گفت آن زن نیست پسر مانند دختر^(۳) و هر آئینه او را مریم نامیدم و هر آئینه من او را و نسل او را از شیطان ملعون در پناه تو می گذارم. ﴿۳۷﴾ پس او (مریم) را پروردگار اوبه پذیرشی نیک پذیرفت و به پرورشی نیک او را پروراند و بروی زکریا را خبر گیر ساخت هرگاه زکریا بر مریم در مسجد داخل می شد نزد او روزی را^(۴) می یافت گفت ای مریم از کجاست تو را این روزی، گفت اواز نزد خداست هر آئینه خدا روزی بی شمار می دهد هر که را می خواهد.

(۱) مترجم گوید که نصاری با حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره عیسی علیه السلام گفتگو کردند حق سبحانه این آیات نازل فرمود بعد از نزول این آیات نصاری را بمباهله دعوت کردند همه عاجز شده جزیه قبول نمودند.

(۲) یعنی از خدمت والدین معاف داشته.

(۳) یعنی دختر را خدمت بیت المقدس نمی شاید.

(۴) یعنی میوه زمستان در تابستان و میوه تابستان در زمستان.

هَذَاكَ دَعَاكَ يَا رَبُّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً
طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٨﴾ فَنَادَتْهُ الْمَلَكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ
يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ
مِّنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿٣٩﴾ قَالَ رَبِّ
أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ
كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿٤٠﴾ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّي آيَةً
قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْرًا وَادَّكُرَ
رَبُّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ ﴿٤١﴾ وَإِذْ قَالَتِ
الْمَلَكَةُ يَمْرَيْمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ
عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ﴿٤٢﴾ يَمْرَيْمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي
وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿٤٣﴾ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ
وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُ أَقْلَمَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ
وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٤﴾ إِذْ قَالَتِ الْمَلَكَةُ
يَمْرَيْمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى
ابْنُ مَرْيَمَ وَجِهَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٥﴾

﴿۳۸﴾ آن وقت زکریا از پروردگار خود طلب کرد گفت ای پروردگار من مرا از نزد خود نسل پاک عطا کن ہر آئینہ تو شنوای دعایی. ﴿۳۹﴾ پس ندا کردند اورا فرشتگان در حالی کہ در عبادت گاہ ایستادہ بود نماز می گزارد، کہ خدا تورا بہ یحیی کہ باوردارندہ^(۱) کلمہ از جانب خدا^(۱) و سردار و پارسا و پیامبری از نیکوکاران باشد بشارت می دہد. ﴿۴۰﴾ گفت ای پروردگار من چگونه پیدا می شود برای من فرزندی و مرا سالخوردگی رسیدہ است وزن من نازاہست، گفت خدا ہمچنین میکند آنچه را کہ می خواہد. ﴿۴۱﴾ گفت ای پروردگار من برای من نشانہ ای^(۲) معین کن فرمود کہ نشانہ^(۲) تو آنست کہ سہ روز بامردمان سخن نمی توانی گفت مگر بہ اشارہ و پروردگار خود را بسیار یاد کن وبہ شام و صبح تسبیح بگو. ﴿۴۲﴾ وانگاہ کہ گفتند فرشتگان ای مریم ہر آئینہ خدا برگزیدتورا و پاک ساخت تورا وتورا بر زنان جہانیان برگزید. ﴿۴۳﴾ ای مریم پروردگار خود را فرمانبرداری کن وسجدہ کن ونماز گزار بانماز گزاران. ﴿۴۴﴾ (ای محمد) این از خبرہای غیب است آنرا بہ سوی تو وحی می کنیم وتو نزد آن قوم نبودی چون می انداختند قلمہای (قرعہ) خویش را^(۳) تاکدام یک از ایشان سرپرست مریم باشد ونبودی نزد ایشان آنگاہ کہ باہم منازعہ می کردند. ﴿۴۵﴾ آنگاہ کہ گفتند فرشتگان، ای مریم ہر آئینہ خدا تورا بہ کلمہ ای از جانب خود کہ نام اومسیح عیسی پسر مریم است بشارت می دہد، باآبرو دردنیا و آخرت واز مقربان بارگاہ حضرت عزت است.

(۱) یعنی عیسی را باور دارد.

(۲) یعنی نشان حمل آن فرزند.

(۳) یعنی قرعہ می انداختند.

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٤٦﴾
 قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ
 اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ
 وَيَعْلَمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿٤٧﴾
 وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن
 رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ
 فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ
 وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخِرُونَ
 فِي بُيُوتِكُمْ إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٤٨﴾
 وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَلِأَحْلَلْ لَكُمْ
 بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ
 فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۝٥٠ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ
 هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ۝٥١ ﴿٥١﴾ فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ
 الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ
 أَنْصَارُ اللَّهِ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٥٢﴾

﴿۴۶﴾ و یا مردمان در گهواره سخن گوید و در حال بزرگسالی و از شایستگان باشد. ﴿۴۷﴾ گفت ای پروردگار من چگونه مرا فرزند شود و دست نرسانیده است به من هیچ آدمی فرمود همچنین خدا هر چه می خواهد پیدا میکند چون کاری را سرانجام میکند پس جز این نیست که میگوید او را که بشوئس میشود. ﴿۴۸﴾ و (بشارت داد که) او را خدا کتاب و دانش و تورات و انجیل را می آموزد. ﴿۴۹﴾ و او را پیامبری به سوی بنی اسرائیل گرداند به این دعوی که آورده ام پیش شما نشانه ای از پروردگارتان (آن) اینکه هر آئینه من می سازم برای شما از گل مانند شکل پرند پس می دم در آن پس می شود پرندای به حکم خدا و کور مادرزاد را و برص دار را بهبود می کنم (یعنی پیسی را) و مُردگان را به حکم خدا زنده می سازم و خبر می دهم شما را به آنچه میخورید و آنچه در خانه های خود ذخیره می کنید هر آئینه در این کار شما را نشانه است اگر باور دارنده اید. ﴿۵۰﴾ و آمده ام باور دارنده آنچه پیش دست من است از تورات و آمده ام تاحلال گردانم برای شما بعض آنچه را که بر شما حرام شده بود و به نزد شما نشانه ای از پروردگارتان آوردم پس بتر سید از خدا و فرمان من برید. ﴿۵۱﴾ هر آئینه خدا پروردگار من و پروردگار شماست پس او را پرستش کنید این است راه راست^(۱). ﴿۵۲﴾ پس آنگاه که عیسی از قوم خود کفر را دریافت گفت کیستند یاری دهندگان من به سوی خدا گفتند حواریان ماییم یاری دهندگان خدا ایمان آوردیم به خدا و گواه باش که ما فرمانبرداریم.

(۱) القصه: این بشارت در حق عیسی علیه السلام متحقق شد و یهود را به دین خود دعوت نمود.

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ
الشَّاهِدِينَ ﴿٥٣﴾ وَمَكْرُأُ وَمَكْرُ اللَّهِ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ
﴿٥٤﴾ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَٰعِيسَى ابْنِي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ
مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ
كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ
بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٥٥﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا
فَأَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ
مِّن نَّاصِرِينَ ﴿٥٦﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
فِيُوفِّيهِمْ أَجْرَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٥٧﴾ ذَلِكَ نَتْلُوهُ
عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ ﴿٥٨﴾ إِنَّ مَثَلَ
عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ ءَادَمَ خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ
كُنْ فَيَكُونُ ﴿٥٩﴾ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ
﴿٦٠﴾ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا
نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنفُسَنَا
وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ﴿٦١﴾

﴿۵۳﴾ ای پروردگار ما به آنچه فرود آوردی ایمان آوردیم و پیامبر را پیروی کردیم پس بنویس مارا بشاهدان^(۱). ﴿۵۴﴾ نقشه کشیدند و خداوند چاره جویی کرد و خداوند^(۲) بهترین چاره جویان است. ﴿۵۵﴾ آنگاه که گفت خدا ای عیسیٰ هرآئینه من برگیرنده توام^(۳) و بردارنده توام به سوی خود و پاک کننده توام از صحبت کسانی که کافر شدند و گرداننده تابعان توام بالای کافران^(۴) تا روز قیامت باز باز گشت شما به سوی من است پس میان شما در آنچه اختلاف می کردید در آن داوری می کنم. ﴿۵۶﴾ اما کسانی که کفر ورزیدند پس ایشان را به عذاب سخت در دنیا و آخرت عذاب کنم و ایشان را یاری دهنده ای نیست. ﴿۵۷﴾ و اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند پس خدا ایشانرا مزدشان تمام دهد و خدا ظالمان را دوست نمی دارد. ﴿۵۸﴾ این را (یا محمد) بر تو می خوانیم که از آیه ها و کتاب حکیم است. ﴿۵۹﴾ هرآئینه حال عیسیٰ نزد خدا مانند حال آدم است و اراز خاک آفرید باز گفت او را، بِشَوْ پس شد^(۵). ﴿۶۰﴾ این سخن از پروردگار تو راست است پس از شک آرندگان مباش. ﴿۶۱﴾ پس هر که باتو درباره عیسیٰ بعد از آنچه آمد به سوی تو از دانش مکابره کند پس بگویید تا بخوانیم فرزندان خود را و فرزندان شمارا و زنان خود را و زنان شمارا و ذات های خود را و ذات های شمارا پس مباحله (همه به زاری دعا) کنیم پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

(۱) یعنی در زمره شهداء که اکمل امت اند والله اعلم.

(۲) یعنی به آن کافران.

(۳) یعنی ازین جهان.

(۴) یعنی غالب بر ایشان.

(۵) یعنی انسان شد.

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ
 الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٢﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ
 ﴿٦٣﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا
 وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ
 بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا
 بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٦٤﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَحْجُونَ فِي إِبْرَاهِيمَ
 وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ
 ﴿٦٥﴾ هَآأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ
 تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ
 لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا
 وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٦٧﴾
 إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ
 آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٨﴾ وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
 لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٩﴾ يَا أَهْلَ
 الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٧٠﴾

﴿۶۲﴾ هرآئینه این است خبر راست و هیچ معبود برحقى غير از خدا نیست و هرآئینه خدا غالب استوار کار است. ﴿۶۳﴾ پس اگر روگردانیدند پس خدا به تباه کاران داناست. ﴿۶۴﴾ بگوای اهل کتاب به سوى سخنى برابر (مسلم) میان ما و شما بیایید که جز خدا را نپرستیم و باوى چیزى دیگر را شريك نسازیم و بعضى از ما بعضى دیگر را به جای خدا پروردگار نگیرد پس اگر روى گردانیدند پس بگوید که گواه باشید به آنکه ما مسلمانییم. ﴿۶۵﴾ ای اهل کتاب چرا درباره ابراهیم مکابره می کنید^(۱) و فرود آورده نشده است تورات و انجیل مگر بعد از ابراهیم آیا نمی فهمید. ﴿۶۶﴾ آگاه شوید شما ای قوم مکابره کردید در آنچه شمارا به وی دانش است پس چرا مکابره می کنید در آنچه شمارا به آن دانش نیست و خدامى داند و شما نمی دانید^(۲). ﴿۶۷﴾ ابراهیم یهودى نبود و نه نصرانى ولیکن حنیف مسلمان بود و از شرك آوردگان^(۳) نبود. ﴿۶۸﴾ هرآئینه نزدیک ترین مردم به ابراهیم آن کسان بودند که پیروى او کردند یعنی در زمان او این پیامبر و مومنان و خدا کار ساز مومنان است. ﴿۶۹﴾ آرزو کردند طائفه‌ای از اهل کتاب که شمارا گمراه سازند و گمراه نمى سازند مگر خویشان را و درنمى یابند. ﴿۷۰﴾ ای اهل کتاب چرا کافر مى شوید به آیات خدا حال آنکه خود شما گواهی میدهید.

(۱) یعنی بعضی گفتند یهودی بود و بعضی گفتند نصرانی بود.

(۲) یعنی در مسائل منصوبه در تورات اختلاف کردید تا چه رسد به غیر منصوبه.

(۳) مترجم گوید حنیف آنرامی گفتند که استقبال کعبه کند و حج گزارد و ختنه نماید و از جنابت غسل کند حاصل آنکه نام کسی بُود که به شریعت ابراهیمی متدین باشد.

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ
وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٧١﴾ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ءَامِنُوا
بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَكُفُّوا ءَاخِرَهُ
لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَا تَتُومِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ
الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ أَنْ يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ
عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ
وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٧٣﴾ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ
الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ * وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَن إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ
يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِيَدِنَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ
إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي
الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ
﴿٧٥﴾ بَلَىٰ مَن أَوفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ
﴿٧٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا
أُولَٰئِكَ لَخَلِقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ
إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَا يَزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٧﴾



﴿۷۱﴾ ای اهل کتاب چرا حق را به باطل خلط می کنید و چرا حق را می پوشید و حال آنکه شما میدانید. ﴿۷۲﴾ و گفتند گروهی از اهل کتاب^(۱) ایمان آرید به آنچه فرود آورده شده است بر مسلمانان اول روز و آخر آن روز انکار کنید تا شاید که مسلمانان بر گردند^(۲). ﴿۷۳﴾ و منقاد مشوید مگر کسی را که پیروی دین شما را کند بگو (یا محمد) هر آئینه هدایت، هدایت خدا است گفتند باور مکنید آنکه داده شود کسی مانند آنچه شما داده شده اید، یا گروهی شما را نزد پروردگار شما الزام دهند بگو نعمت به دست خدا ست آن را به هر که خواهد می دهد و خدا فراخ نعمت داناست. ﴿۷۴﴾ مختص می گرداند به بخشایش خود هر که خواهد و خدا صاحب فضل عظیم است. ﴿۷۵﴾ و از اهل کتاب کسی هست که اگر او را به خزانه امین داری او را به تو باز دهد و از ایشان کسی هست که اگر او را به يك دینار امین داری باز ندهد آترابه تو مگر تا وقتی که بر سر او ایستاده باشی و این خیانت به سبب آنست که گفتند در حق ناخواندگان بر ما هیچ راهی نیست^(۳) و بر خدا دروغ می گویند حال آنکه ایشان (این را) میدانند. ﴿۷۶﴾ آری هر که وفا کند به عهد خود و پرهیزگاری کند پس هر آئینه خدا پرهیز کاران را دوست میدارد. ﴿۷۷﴾ هر آئینه کسانی که به عوض پیمانی که با خدا بستند و به عوض سوگندان خویش بهای اندک را می ستانند آن گروه است که هیچ بهره ای ایشان را در آخرت نیست و خدا سخن نگوید با ایشان و نگاه نکند به سوی ایشان روز قیامت و ایشان را پاك ن سازد و ایشان را عذاب درد ناك است.

(۱) یعنی بایکدیگر.

(۲) یعنی در شک افتند.

(۳) یعنی ما را بر مال عرب که هم دین مانعستند مؤاخذه نخواهد شد.

وَأَنَّ مِنْهُمْ لَفِرِيقًا يُلَوِّنُ السِّتْرَ لَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ
 مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ
 عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ
 وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٨﴾ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ
 وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ
 دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ
 الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ﴿٧٩﴾ وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ
 تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ
 إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨٠﴾ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ
 مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا
 مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ
 عَلَى ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ
 مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨١﴾ فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ
 الْفَاسِقُونَ ﴿٨٢﴾ أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

﴿۷۸﴾ وهر آئینه از اهل کتاب گروهی هستند که زبان خویش را به (خواندن) کتاب می پیچند تا گمان کنند که آن از کتابست و آن از کتاب نیست^(۱) و می گویند که این از نزد خدا است و آن از نزد خدا نیست دروغ می گویند برخدا حال آنکه ایشان (این را) میدانند. ﴿۷۹﴾ سزاوار نیست هیچ آدمی را که عطا کند اورا خدا کتاب و علم و نبوت باز بگوید به مردمان به جای خدا بند گان من شوید ولیکن مثل این شخص می گوید که ربانی باشید^(۲) به سبب آموزاندن کتاب و خواندن آن. ﴿۸۰﴾ و سزاوار نیست که فرماید شمارا که پروردگار گیرید فرشتگان و پیامبران را آیا به کفر می فرماید شمارا بعد از آنکه مسلمان شده باشید. ﴿۸۱﴾ و آنگاه که خدای تعالی پیمان پیامبران را گرفت که آنچه دادم شمارا از کتاب و علم بازبیاورد به شما پیامبری باور کننده آنچه باشماست البته به او ایمان آرید و البته اورا یاری دهید، خدا فرمود آیا اقرار کردید و براین کار عهد مرا^(۳) گرفتید گفتند اقرار کردیم فرمود پس گواه باشید^(۴) و من باشما از گواهانم. ﴿۸۲﴾ پس هر که بعد ازین بر گردد پس آن گروه ایشانند بدکاران. ﴿۸۳﴾ آیا این کافران غیر دین خدا می طلبند و آنانکه در آسمان ها و زمین اند به خوشی یا ناخوشی فرمان بردار خدا شده اند و به سوی او گردانیده شوند.

(۱) یعنی به تکلف از خود چیزی نوشته در کتاب خلط ساخته می خوانند.

(۲) یعنی مرشد خلق شوید.

(۳) یعنی قبول کردید.

(۴) یعنی بریکدیگر.

قُلْ ءَامَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ
 وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ
 وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ
 وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿٨٤﴾ وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ
 يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٨٥﴾ كَيْفَ
 يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ
 الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
 الظَّالِمِينَ ﴿٨٦﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ
 وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿٨٧﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ
 عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ
 بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٨٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ
 كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَّنْ تَقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ
 وَأُولَٰئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ
 كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِّلٌ أَلَّا يَرْضَىٰ ذَهَابُ وَلَوْ
 أَقْتَدَىٰ بِهِ ۖ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نَّاصِرِينَ ﴿٩١﴾

﴿۸۴﴾ بگو به خدا و به آنچه فرودآورده شده است بر ما و به آنچه فرود آورده شده بود برابر ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و نوادگان وی و آنچه داده شد به موسی و عیسی و پیامبران از پروردگار ایشان، ایمان آوردیم، فرق نمی گذاریم میان هیچ يك از ایشان و ما فرمان بردار اویم. ﴿۸۵﴾ و هر کس که غیر اسلام دینی دیگر را طلب کند پس هرگز قبول کرده نخواهد شد از او و در آخرت از زیان کاران است. ﴿۸۶﴾ چگونه خدا گروهی را راه نماید که کافر شدند بعد از اسلام خود و بعد از اینکه گواهی دادند که پیامبر بر حق است و بعد از آنکه آمد به ایشان حجت، و خدا گروه ستم کاران را راه نمی نماید. ﴿۸۷﴾ این گروه سزای ایشان آنست که نفرین خدا و فرشتگان و مردمان همگی بر آنان است. ﴿۸۸﴾ جاویدان در آن لعنت، سبک کرده نشود از ایشان عذاب و نه ایشان مهلت داده شوند. ﴿۸۹﴾ الا آنانکه توبه کردند بعد ازین و نیکوکاری نمودند پس هر آئینه خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۹۰﴾ هر آئینه کسانی که بعد از اسلام خویش کافر شدند باز در کفر زیادتی کردند هرگز توبه ایشان قبول کرده نشود و آن گروه ایشانند گمراهان. ﴿۹۱﴾ هر آئینه آنانکه کافر شدند و کافر مردند هرگز از هیچ يك ایشان مقدار پُری زمین از زر قبول کرده نخواهد شد و اگر چه آن را به عوض خود دهد آن گروه ایشانراست عذاب درد دهنده و ایشان را هیچ یاری دهنده ای نیست.

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ
فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٩٣﴾ * كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِّبَنِي
إِسْرَءِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَءِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ
التَّوْرَةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
﴿٩٣﴾ فَمَنْ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ
هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٩٤﴾ قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا
وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٥﴾ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي
بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ ﴿٩٦﴾ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ
إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ
مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ
﴿٩٧﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ
عَلَى مَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٨﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنِ
سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ تَبَخُّؤُهَا عِوََجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ
بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا
مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ ﴿١٠٠﴾

﴿۹۲﴾ هرگز نیکوکاری را نیابید تاآنکه خرج کنید ازآنچه که دوست می دارید وهرچیز که خرج کنید پس به درستی که خدا به وی داناست. ﴿۹۳﴾ همه طعام (خوردنیها) بر بنی اسرائیل حلال بود مگر آنچه یعقوب برخویشتن پیش ازآنکه تورات نازل کرده شود حرام کرده بود بگو تورات را بیارید پس آن را بخوانید اگر راست گوی هستید^(۱). ﴿۹۴﴾ پس هرکه بر خدا بعد ازین دروغ بندد پس آن گروه ایشانند ستم کاران. ﴿۹۵﴾ بگوراست گفت خدا پس آیین ابراهیم را که پاک دین وحنیفی کیش بود پیروی کنید و ازمشرکان نبود. ﴿۹۶﴾ هرآئینه اول خانه ای که برای مردمان مقرر کرده شد آن است که درمکه است برکت داده شده وهدایت برای جهانیان است. ﴿۹۷﴾ درآن خانه نشانه های روشن است ازآن جمله جای ایستادن ابراهیم^(۲) وهر که درآید آنجاایمن بود وحج خانه کعبه حق خدا است بمرردمان هرکه توانایی رفتن به سوی آن را - ازجهت اسباب راه - دارد وهرکه کافر شود پس هرآئینه خدا از جهانیان بی نیاز است. ﴿۹۸﴾ بگوای اهل کتاب چرا به آیات خدا کافر می شوید وخدا حاضر وگواه است برآنچه می کنید. ﴿۹۹﴾ بگوای اهل کتاب چرا از راه خدا کسی را که ایمان آورد بازمی دارید برای آن راه کجی^(۳) را می طلید درحالی که شماباخبرید وخدا بی خبر نیست ازآنچه می کنید. ﴿۱۰۰﴾ ای مسلمانان اگر گروهی را از اهل کتاب فرمان برید شمارا بعد ازاسلام شما به کفر برمی گردانند.

(۱) مترجم گوید یهود برحضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم طعن می کردند که شما دعوی ملت ابراهیم می کنید وآنچه درخاندان ابراهیم نمی خوردندمانند گوشت شتر وشیر آن راشما میخورید حق تعالی جواب دادکه همه چیز حلال بود پیش ازنزول تورات الاگوشت وشیرشتر وشیرشتر در ملت ابراهیم نبود این خاصه بنی اسرائیل بود به سبب تحریم جد ایشان والله اعلم.

(۲) یعنی نقشی که درسنگ ظاهر شده.

(۳) یعنی شبهات می آرید تا نزد مردمان ظاهر شود که کج است.

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ ءَايَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ
 رَسُولُهُ ۚ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١١﴾
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ ۚ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ
 مُسْلِمُونَ ﴿١٢﴾ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۚ وَاذْكُرُوا
 نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ
 فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ
 النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِّنْهَا ۚ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ ۚ لَعَلَّكُمْ
 تَهْتَدُونَ ﴿١٣﴾ وَلَتَكُنْ مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ
 بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٤﴾
 وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ
 وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ
 وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ أُسْوِدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ
 فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿١٦﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَتْ
 وُجُوهُهُمْ ففِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٧﴾ تِلْكَ ءَايَاتُ
 اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۖ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٨﴾

﴿۱۰۱﴾ و چگونه کافر شوید حال آنکه بر شما آیات خدا خوانده می شود و در میان شما پیامبر خدا هست و هر که به خدا چنگ استوار کرد پس هر آئینه به سوی راه راست راه نموده شد. ﴿۱۰۲﴾ ای مسلمانان از خدا چنانچه شایسته ترسیدن است از وی بترسید و نمیرید مگر در حالیکه شما مسلمان باشید. ﴿۱۰۳﴾ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید^(۱) و پراکنده مشوید و نعمت خدا را که بر شماست یاد کنید چون دشمن یکدیگر بودید^(۲) پس میان دلهای شما الفت انداخت پس شدید به نعمت خدا برادر بایکدیگر و بودید برکناره چاله ای از آتش پس شمارا از آن رهانید همچنین خدا برای شما نشانه های خود را بیان می کند تا باشد که راه یابید^(۳). ﴿۱۰۴﴾ و باید که از شما گروهی باشد که بخوانند به سوی نیکی و به کار پسندیده فرمان دهند و منع کنند از ناپسندیده و آن گروه ایشانند رستگاران^(۴). ﴿۱۰۵﴾ و م باشید مانند کسانی که پراکنده شدند و بایکدیگر اختلاف کردند بعد از آنکه به ایشان حجت ها آمد و آن گروه بر ایشان عذاب بزرگ است^(۵). ﴿۱۰۶﴾ روزی که چهره هایی سفید گردد و سیاه گردد چهره هایی پس اما آنانکه سیاه گشت روی های ایشان بدیشان گفته شود آیا کافر شدید بعد از اسلام خویش پس عذاب را به سبب کافر شدنشان بچشید. ﴿۱۰۷﴾ و اما آنانکه سفید شد روی های ایشان پس ایشان در رحمت خدا باشند در آنجا جاویدند. ﴿۱۰۸﴾ این آیات خداست آن را بر تو به راستی می خوانیم و خدا بر جهانیان ستمی را نمی خواهد.

(۱) به دین خدا.

(۲) یعنی اوس و خزرج و عرب معدیه و یمنیه و عرب و عجم بایک دیگر دشمنی داشتند.

(۳) یعنی تفرق در اصول دین حرام است که جمعی معتزلی باشد و جمعی شیعه و علی هذا القیاس.

(۴) یعنی واجب بالكفایه است که جمعی به امر معروف و نهی از منکر قیام نمایند.

(۵) یعنی مانند یهود و نصاری مشوید که هفتاد و چند فرقه گشتند.

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ
 ﴿١٠٩﴾ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
 وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ
 الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ
 الْفَاسِقُونَ ﴿١١٠﴾ لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِنْ يُقْتِلُوكُمْ
 يُؤْلَوْكُمْ أَلَا ذَبَارْتُمْ لَا يَنْصُرُونَ ﴿١١١﴾ ضَرَبْتَ عَلَيْهِمْ
 أَلْذَلَّةَ أَيُّنَ مَا تُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِّنَ النَّاسِ
 وَبَاءَ وَبَغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ ذَلِكَ
 بَأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ
 بِغَيْرِ حَقٍّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿١١٢﴾ * لَيْسُوا
 سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ
 ءَانَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ ﴿١١٣﴾ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
 الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
 وَيُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١١٤﴾ وَمَا
 يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿١١٥﴾

﴿۱۰۹﴾ و خدا راست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است و به سوی خدا همه کارها باز گردانیده می شود. ﴿۱۱۰﴾ شما بهترین امتی هستید که برای مردمان بیرون آورده شده است^(۱) به کار پسندیده می فرمایید و از ناپسندیده منع می کنید و خدا را باور میدارید و اگر ایمان می آوردند اهل کتاب هر آئینه ایشان را بهتر می بود بعضی از ایشان مسلمانند و بیشتر ایشان بدکاراند. ﴿۱۱۱﴾ هرگز به شما زیان نرسانند مگر رنجی اندک^(۲) و اگر باشما کارزار کنند پشت به سوی شما کنند^(۳) باز نصرت داده نشوند. ﴿۱۱۲﴾ برای ایشان هر کجاکه یافته شوند خواری زده شد مگر به دست آویزی از خدا و دست آویزی از مردمان^(۴) و به خشمی از خدا بازگشتند و برایشان ناداری زده شد، این به سبب آنست که کافر می بودند و پیامبران رابه ناحق می کشتند این به سبب گناه کردن ایشان است و به سبب آنکه از حمدی گذشتند. ﴿۱۱۳﴾ همه برابر نیستند، از اهل کتاب گروهی هست ایستاده (راستکردار) آیات خدا را در اوقات شب می خوانند و ایشان سجده می کنند^(۵). ﴿۱۱۴﴾ به خدا و روز قیامت ایمان می آورند و به کار پسندیده می فرمایند و از ناپسندیده منع می کنند و در نیکی ها سبقت می کنند و ایشان از شایسته کاراند. ﴿۱۱۵﴾ و آنچه از نیکی می کنند پس به ایشان راجع به آن عمل کفران نخواهد شد و خدا به پرهیزگاران داناست.

(۱) یعنی مقرر کرده شد.

(۲) یعنی به سبب زبان درازی.

(۳) یعنی بگریزند.

(۴) یعنی مگر بعهده ذمه.

(۵) یعنی آنانکه از ایشان مسلمان شده اند مانند عبدالله بن سلام.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ
 اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١٦﴾
 مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا
 صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتُهُ وَمَا
 ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١١٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةَ مَنْ دُونَكُمْ لَا يَأْلُو نَكُمْ حَبَالًا
 وَدُّوْا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تَخَفَى
 صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ
 ﴿١١٨﴾ هَآأَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ
 كُلِّهِ وَإِذَا الْقَوْمُ كَالُؤَاءِ أَمْتًا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمْ
 الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ
 الصُّدُورِ ﴿١١٩﴾ إِنْ تَمَسَسَكُمْ حَسَنَةٌ تَسُوهُمْ وَإِنْ تَصَبَّكُمْ
 سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ
 شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿١٢٠﴾ وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ
 تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقْعَدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٢١﴾

﴿۱۱۶﴾ هرآئینه کسانی که کافر شدند از ایشان، مالهای ایشان و نه فرزندان ایشان از عذاب خدا چیزی را دفع نکند و ایشان دوزخیان اند ایشان در آنجا جاویدند. ﴿۱۱۷﴾ مثال آنچه درین زندگانی دنیا خرج می کنند مانند مثالِ بادیست که در آن سرمایی سخت است که زراعت گروهی را که ستم کردند بر خویشان برسد پس آن را نابود ساخت و خدا برایشان ستم نکرد ولیکن بر خویشان ستم می کردند^(۱). ﴿۱۱۸﴾ ای مسلمانان غیر از خویش همراز مگیرید^(۲) در فتنه انگیزی میان شما کوتاهی نمی کنند دوست داشتند رنج شما را هرآئینه دشمنی از دهان ایشان ظاهر شد و آنچه پنهان میدارد سینه های ایشان بزرگتر است هرآئینه برای شما نشانه ها بیان کردیم اگر دانا هستید. ﴿۱۱۹﴾ آگاه شوید شما باید که ایشان را دوست میدارید و ایشان شما را دوست نمی دارند و به همه کتاب الهی ایمان می آورید و ایشان چون ملاقات کنند با شما گویند ایمان آوردیم و چون تنها شوند بر شما انگشتان خود را از خشم به دندان می گزند بگو به سبب خشم خویش بمیرید هرآئینه خدا داناست به آنچه در سینه هاست. ﴿۱۲۰﴾ اگر به شما نعمتی برسد ایشان را اندوهگین کند و اگر به شما سختی ای برسد از آن خوشحال شوند و اگر شکیبایی کنید و پرهیزگاری نمایید مگر ایشان هیچ زیان به شما نرساند هرآئینه خدا به آنچه می کنند در برگرفته است^(۳). ﴿۱۲۱﴾ و یادکن آگاه که پگاه بیرون آمدی از میان اهل خانه خود می نشاندی مسلمانان را در جایگاهها برای جنگ و خداشنوای دانا است^(۴).

(۱) حاصل آنست که صدقات ایشان نابود می شود.

(۲) یعنی از غیر مسلمانان.

(۳) در غزوه^۱ احد اهل نفاق میل کردند به آنکه در شهر متحصن شوند و اصحاب خواستند که بیرون آمده جنگ کنند بعد از آنکه هزیمت واقع شد منافقان این را محل طعن گرفتند و وقت جنگ حضرت پیامبر بر بالای کوهی جماعتی را مقید ساختند که ازین جانبند چون آثار فتح ظاهر شد آن جماعت در پی غنیمت افتادند و عصیان پیامبر کردند به شومی این عصیان هزیمت بر مسلمانان افتاد و همه فرار کردند الا ما شاء الله خبر شهادت حضرت پیامبر شائع شد منافقان قصد ارتداد کردند پس در جواب طعن منافقان و عتاب خلاف امر پیامبر کنندگان و تشنیع بیوفایان حق سبحانه این آیات را نازل کرد.

(۴) و یاد کن زمانی را که بامداد از میان خانواده^۲ خود بیرون رفتی و پایگاههای جنگ را برای مسلمانان مهیا میکردی (مصحح).

إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا وَعَلَى اللَّهِ
 فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٢٢﴾ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ
 فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢٣﴾ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ
 أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُدَكِّمَ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ
 مُنزَلِينَ ﴿١٢٤﴾ بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ
 هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ
 ﴿١٢٥﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ
 وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١٢٦﴾ لِيَقْطَعَ طَرَفًا
 مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْتَسِبَ اللَّهُمَّ فِي قُلُوبِهِمْ خَائِبِينَ ﴿١٢٧﴾
 لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ
 ظَالِمُونَ ﴿١٢٨﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ
 يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٢٩﴾ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً
 وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٣٠﴾ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ
 لِلْكَافِرِينَ ﴿١٣١﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٣٢﴾

﴿۱۲۲﴾ آنگاه که خواستند دوفرقه از شما که بزدلی کنند و خدا کارساز ایشان بود و مسلمانان باید که بر خدا توکل کنند^(۱). ﴿۱۲۳﴾ و هر آینه خدا شمارا روز بدر فتح داد و در حالی که شما خوار بودید پس از خدا بترسید تا بُوَد که شکر گزاری کنید. ﴿۱۲۴﴾ چون می گفتی به مسلمانان آیا برایتان بس نیست که شمارا پروردگار تان به سه هزار کس از فرشتگان فرو فرستاده شده امداد کند. ﴿۱۲۵﴾ بلی اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و کافران به سوی تان به این جوش (و خروش) خود بیایند شمارا پروردگار شما به پنج هزار کس از فرشتگان نشانگذار امداد کند. ﴿۱۲۶﴾ و خدای تعالی این مدد را مگر مژده ای برای شما نساخت و تا آنکه دلهای شما به آن آرام گیرد و نیست فتح مگر از نزد خدای غالب استوارکار. ﴿۱۲۷﴾ چنین کرد تا هلاک کند طائفه ای را از کافران یا ایشان را مغلوب سازد پس به مراد نارسیده باز گردند. ﴿۱۲۸﴾ تو را در این کار اختیاری نیست (خداوند) یا به مهربانی توبه ایشان را می پذیرد یا ایشان را عذاب کند زیرا که ایشان ستمکارند. ﴿۱۲۹﴾ و خدا راست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است می آمرزد هر که را خواهد و عذاب می دهد هر که را خواهد و خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۱۳۰﴾ ای مومنان مخورید و سود را چندین چند برابر (توبرتو) و بترسید از خدا تا باشد که رستگار شوید. ﴿۱۳۱﴾ و از آن آتش که آماده کرده شده است برای کافران پناه گیرید. ﴿۱۳۲﴾ و خدا و پیامبر را فرمان برید تا باشد که بر شما مهربانی کرده شود.

(۱) یعنی بنی سلمه و بنی حارثه که خیال فرار به خاطر ایشان گذشته بود باز خدای تعالی ایشان را از جبن محفوظ داشت.

* وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا
 السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٣﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ
 فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ
 عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٤﴾ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا
 فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا
 لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا
 فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٣٥﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاءُ هُم مَّغْفِرَةٌ مِّن
 رَبِّهِمْ وَجَنَّتْ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ
 أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿١٣٦﴾ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا
 فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ
 ﴿١٣٧﴾ هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٨﴾
 وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ
 ﴿١٣٩﴾ إِنْ يَمَسَّكُمْ فَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ
 الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا
 وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٠﴾

﴿۱۳۳﴾ و به سوی آمرزشی از پروردگار خویش شتاب کنید و به سوی بهشتی که پهنایی آن مانند آسمان ها و زمین است که برای پرهیزگاران آماده کرده شده است. ﴿۱۳۴﴾ آنانکه در آسایش و سختی خرج می کنند و فروخورندگانِ خشم و عفوکنندگانِ تقصیر از مردمان و خدا نیکوکاران را دوست می دارد. ﴿۱۳۵﴾ و آنانکه چون کارزشت کنند یا بر خود ستم کنند خدا را یاد کنند پس آمرزش خواهند برای گناهان خود و کیست غیر از خدا که گناهان را بیامرزد و به آنچه کردند دانسته اصرار نورزیدند. ﴿۱۳۶﴾ آن گروه پاداش ایشان از پروردگار شان آمرزش است و بوستانهایی که می رود زیر آنها جویها در آن جا جاویدند چه خوب است پاداش اطاعت کنندگان. ﴿۱۳۷﴾ هر آینه گذشته است پیش از شما واقعه های آنانی که پیش از شما بودند، پس سیر کنید در زمین و بنگرید که چگونه بود آخر کار تکذیب کنندگان. ﴿۱۳۸﴾ این پیامی است برای مردمان و هدایتی و پندی برای پرهیزکاران. ﴿۱۳۹﴾ و سست مشوید و اندوهناک مباشید و شما باید غالب اگر مسلمان هستید. ﴿۱۴۰﴾ اگر به شما زخمی رسد پس جماعت کافران را زخمی مانند آن^(۱) رسیده است و این حادثه ها که می گردانیم آن را در میان مردمان برای فوائد بسیار و تا خدامومنان را متمیز سازد و بعضی را از شما شهید گرداند و خدا ستمکاران را دوست نمی دارد.

(۱) یعنی در بدر.

وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ﴿١٤١﴾ أَمْ
حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا
مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٢﴾ وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ
قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿١٤٣﴾ وَمَا مُحَمَّدٌ
إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ
أَنْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ
اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ وَمَا كَانَ
لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ
ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا
وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٥﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قُتِلَ مَعَهُ
رِيبٌ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا
وَمَا أَسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٦﴾ وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ
قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبَّتْ أَقْدَامَنَا
وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿١٤٧﴾ فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ
الدُّنْيَا وَحَسَنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤٨﴾

﴿۱۴۱﴾ و تاکه خدا مسلمانان را سره و خالص کند^(۱) و کافران را نابود سازد. ﴿۱۴۲﴾ آیا گمان کردید که به بهشت درآید و هنوز خدا مجاهدان را از شما متمیز نساخته است و پیش از آنکه صابران را متمیز سازد. ﴿۱۴۳﴾ و هرآینه شما مرگ را آرزومی کردید^(۲) پیش از آنکه ملاقات آن کنید پس آن را دیدید در حالیکه شما می‌نگریستید. ﴿۱۴۴﴾ و نیست محمد مگر پیامبر (خدا) هرآینه پیش از وی پیامبران گذشته اند آیا اگر بمیرد یا کشته شود برمی‌گردید برپاشنه‌های خود^(۳)؟ و هرکه برپاشنه‌های خود برگردد پس خدا را هیچ زیان نرساند و خدا شکر گزاران را ثواب خواهد داد. ﴿۱۴۵﴾ و هیچ شخصی را نیست که بمیرد مگر بازاده خدا به سرنوشتی معین مقرر نموده است و هرکس که خواهد جزای دنیا بدهیمش از ثواب دنیا و هرکس که خواهد جزای آخرت بدهیمش از ثواب آخرت و به زودی سپاسگزاران را جزای نیک خواهیم داد. ﴿۱۴۶﴾ و بسایپامبری که خدا پرستان بسیار همراه او با کفار قتال کردند، پس سستی نکردند به سبب مصیبتی که ایشانرا در راه خدا رسید و ناتوانی نکردند و بیچارگی نه نمودند و خدا صابران را دوست می‌دارد. ﴿۱۴۷﴾ و نبود سخن این خدا پرستان بجز آنکه گفتند ای پروردگار ما برایمان گناهانِ ما را و از حد گذشتن ما در کار خود را بیامرز و استوار بدار پاهای ما را و ما را بر قوم کافران نصرت ده. ﴿۱۴۸﴾ پس عطا کرد خدا ایشان را جزای نیک در دنیا و جزای نیک در آخرت و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

(۱) یعنی گناهان ایشان را محو کند.

(۲) یعنی شهادت را.

(۳) یعنی مرتد شوید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا
يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ
﴿١٤٩﴾ بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ ﴿١٥٠﴾ سَنُلْقِي
فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ
مَا لَهُمْ بِهِ سُلْطَانٌ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ
مَثْوَى الظَّالِمِينَ ﴿١٥١﴾ وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ
وَعَدَهُ إِذْ تَحْسُونَهُمْ بِإِذْنِهِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ
وَتَنَزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ
مَّا تُحِبُّونَ مِّنْكُمْ مَّن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّن
يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ
وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ ۖ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
﴿١٥٢﴾ * إِذْ تَصْعَدُونَ وَلَا تَلُوتَ عَلَىٰ أَحَدٍ
وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أَخْرَابِكُمْ فَأَتَابَكُمْ
غَمًّا بَغِيمًا لِّكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا
مَّا أَصَابَكُمْ ۖ وَاللَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٥٣﴾



﴿۱۴۹﴾ ای مومنان اگر فرمان برداری کافران کنید شمارا (ازآیبتان) برپاشنه های شما باز گردانند پس آنگاه زیان دیده بازگردید. ﴿۱۵۰﴾ بلکه خدا یاری دهنده شماست و او بهترین یاری دهندگان است. ﴿۱۵۱﴾ دردل کافران ترس ورعبی را خواهیم انداخت به سبب آنکه شریک مقرر ساختند باخدا چیزی را که خدا بر او هیچ حجتی فرود نیاورده است و جای ایشان دوزخ است و آن برای ستمکاران بد اقامت گاه است. ﴿۱۵۲﴾ وهرآئینه راست کردخدا درحق شما وعده خود را چون کافران را به حکم خدا می کشتید تاوقتیکه بزدلی کردید و نزاع کردید درکارخویش و نافرمانی کردید بعدازآنکه عطا نمود به شما آنچه می خواستید از شما کسی بود که دنیا را می خواست و از شما کسی بود که آخرت را می خواست آنگاه شمارا از ایشان بازگردانید^(۱) تا شمارا امتحان کند و بدرستیکه در گذشت از شما و خدا بر مومنان صاحب رحمت است. ﴿۱۵۳﴾ آنگاه که درگریختن دور می رفتید و بر هیچ کس متوجه نمی شدید و پیامبر شمارا از پشت سرتان فرا می خواند پس شمارا با اندوهی بالای اندوهی سزا داد این پنددادن برای آنست تا اندوهناك نشوید بر آنچه از دست شمارفت و نه بر آنچه که به شما رسید و خدا با خبر است به آنچه می کنید.

(۱) یعنی فرار کردید.

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نُبَأَ سَائِغِشَى طَائِفَةً
 مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ
 الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ
 قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ
 يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قَاتَلْنَا هَهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ
 فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ
 وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ
 وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٥٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ
 يَوْمَ أَلْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ
 مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٥٥﴾ يَأَيُّهَا
 الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا
 ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُرَى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا
 وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحْيِي
 وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٥٦﴾ وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴿١٥٧﴾

﴿۱۵۴﴾ باز بر شما پس از اندوه ایمنی فرود آورد که پینکی بود که گروهی از شما را می پوشید و گروهی دیگر بودند که ایشان را فکر خویشتن اندوهناک ساخته بود گمان می کردند به خدا گمان باطل مانند گمان اهل جاهلیت (یعنی اهل کفر) می گفتند آیا ما را از این کار هیچ چیزی هست^(۱)؟ بگو بدرستی که همه کار خدا راست در دل های خویشتن پنهان می دارند آنچه را که برای تو آشکار نمی کنند می گویند اگر ما را ازین کار چیزی بودی کشته نمی شدیم درین جا بگو اگر می بودید در خانه های خویش هر آئینه کسانی که مقدر شده است بر ایشان کشته شدن به سوی کشتن گاه خویش بیرون می آمدند^(۲) و تا بیا زمایند خدا آنچه در سینه های شما است و تا که سره و خالص کند آنچه در دل های شما است و خدا دانا است به آنچه در سینه ها است. ﴿۱۵۵﴾ هر آئینه کسانی که رو یگردانیدند از شما روزی که دو جماعت به هم آمدند^(۳) جزاین نیست که ایشان را شیطان به شومی بعض آنچه کردند لغزاید به یقین خدا از ایشان عفو کرد هر آئینه خدا آمرزنده بُردبار است. ﴿۱۵۶﴾ ای مومنان مباشید مانند آنانکه کافر شدند و گفتند در حق برادران خویش وقتیکه سفر کنند در زمین یابۀ جهاد بیرون آمده باشند^(۴) اگر ایشان نزد ما می بودند نمی مردند و کشته نمی شدند تا خدا این سخن را حسرتی در دل های ایشان گرداند و خدا زنده می کند و می میراند و خدا به آنچه می کنید بینا است. ﴿۱۵۷﴾ و اگر کشته شدید در راه خدا یامُردید البته آموزشی از خدا و بخشایشی بهتر است از آنچه جمع می کنند.

(۱) یعنی درین کار ما را اختیار نیست و به تدبیر ما کار نمی کنند.

(۲) و این کار برای آن کرده شده که در علم الهی مقدر بود.

(۳) یعنی کافران و مسلمانان.

(۴) یعنی چون بمیرند درین حالت.

وَلَيْنَ مُتَمِّمٌ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ ﴿١٥٨﴾ فِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ
لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ
فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ
فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾ إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ
فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ
بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦٠﴾ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ
يَعْلَىٰ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ
نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦١﴾ أَفَمَنْ أَتَّبَعَ رِضْوَانُ
اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَا أُولَٰهُ جَهَنَّمُ وَيُشَسُّ الْمَصِيرُ
﴿١٦٢﴾ هُمْ دَرَجَتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٣﴾ لَقَدْ
مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ
يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ
وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿١٦٤﴾ أَوَلَمَّْا
أَصَابَتْكُمْ مُّصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِّثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّىٰ هَٰذَا
قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٦٥﴾

﴿۱۵۸﴾ و اگر مُردید یا کشته شدید البته به سوی خدا برانگیخته خواهید شد. ﴿۱۵۹﴾ پس به سبب مهربانی از خدا برای ایشان نرم شدی و اگر درشت خوی سخت دل می بودی از دوروبر تو پراکنده می شدند پس در گذرازیشان و برای ایشان آمرزش خواه و با ایشان درین کار مشورت کن پس آنگاه که قصد محکم کردی پس بر خدا اعتماد کن هرآینه خدا توکل کند گان را دوست می دارد. ﴿۱۶۰﴾ اگر خدا شمارا نصرت دهد هیچکس بر شما غالب نیست و اگر شمارا بغیر نصرت واگذارد پس کیست که شمارا بعد از وی نصرت دهد و مسلمانان بر خدا باید توکل کنند. ﴿۱۶۱﴾ و هرگز نبی را خیانت نشاید و هرکه خیانت کند آن چیز را که خیانت کرده است به روز قیامت خواهد آورد^(۱) پس تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است و ایشان ستم کرده نشوند^(۲). ﴿۱۶۲﴾ آیا کسیکه در پی خوشنودی خدا است، مانند کسی است که به خشم خدا بازگشت و جای اودوزخ است و بدجایی است. ﴿۱۶۳﴾ ایشان نزد خدا دارای مراتباند و خدا بیناست به آنچه می کنند. ﴿۱۶۴﴾ هرآینه خدا بر مومنان مَّت نهاد آنگاه که در میان ایشان پیامبری از قوم ایشان فرستاد آیات خدا را برایشان می خواند و ایشان را پاك می سازد و ایشان را کتاب و علم می آموزد و هرآینه پیش ازین در گمراهی آشکار بودند. ﴿۱۶۵﴾ آیا چون رسید به شما مصیبتی که بدست آورده بودید دوچند از آن گفتید از کجا آمد این مصیبت بگو که آن از نزد نفسهایتان است هرآینه خدا بر همه چیز تواناست.

(۱) یعنی بر سر برداشته.

(۲) مترجم گوید چون حضرت صلی الله علیه وسلم متصرف بودند در غنیمت این آیت نازل شد تا کسی گمان خیانت نکند.

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ
 (١٦٦) وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَا تَبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفَرِ يَوْمَئِذٍ
 أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَنِ يَقُولُونَ يَا فَوَهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ
 وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ (١٦٧) الَّذِينَ قَالُوا لِلْإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا
 لَوْ أَطَاعُونَا مَا قَاتَلُوا قُلَّ فَادْرَأْهُ وَعَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ
 كُنْتُمْ صَادِقِينَ (١٦٨) وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (١٦٩) فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ
 اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ
 مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (١٧٠) * يَسْتَبْشِرُونَ
 بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ
 الْمُؤْمِنِينَ (١٧١) الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ
 الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ (١٧٢)
 الَّذِينَ قَالُوا لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ
 فزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (١٧٣)

﴿۱۶۶﴾ و آنچه به شما رسید روزیکه به هم آمدند دو گروه پس به اراده خدا بود تا مومنان را متمیز سازد. ﴿۱۶۷﴾ و تا آنان را که منافق شدند متمیز سازد و گفته شد ایشان را بیاپید در راه خدا بجنگید یا کافران را دفع کنید^(۱) گفتند اگر جنگ کردن را می دانستیم^(۲) البته پیروی شما می کردیم این گروه آن روز به سوی کفر نزدیک تر بودند تا ایمان نسبت به ایشان، می گویند به دهان های خویش آنچه در دل های ایشان نیست و خدا به آنچه می پوشند داناتر است. ﴿۱۶۸﴾ آنانکه خود از جنگ بازنشسته گفتند در حق برادران خویش که اگر فرمان مامی بردند کشته نمی شدند بگو از خویشان مرگ را دفع کنید اگر راست گو هستید. ﴿۱۶۹﴾ و کسانی را که در راه خدا کشته شدند مرده گمان مکن بلکه نزد پروردگار خویش زنده اند روزی داده می شوند. ﴿۱۷۰﴾ شادان به آنچه خدا ایشان را از فضل خود عطا کرده است و خوش وقت می شوند به آنانکه به ایشان نپیوسته اند از پس ایشان به سبب آنکه برایشان هیچ ترس نیست و نه ایشان اندوهناک شوند. ﴿۱۷۱﴾ به نعمت خدا و فضل او خوش وقت می شوند و به آنکه خدا مزد مومنان را ضائع نمی کند^(۳). ﴿۱۷۲﴾ کسانی که حکم خدا و رسول را بعد از آنکه به ایشان زخم رسیده بود قبول کردند، برای کسانی ازین جماعت که نیکوکاری و تقوی ورزیدند پاداش بزرگ است. ﴿۱۷۳﴾ آنانکه گفتند به ایشان مردمان (که کافران) برای شما لشکر جمع کرده اند پس بترسید از آن لشکرها پس این سخن ایمان ایشان را زیاده کرد و گفتند ما را خدا بس است و چه خوب کارسازی است.

(۱) یعنی از بلاد خویش.

(۲) یعنی مصلحت می دانستیم.

(۳) مترجم گوید در احد مسلمانان و کفار باهم عهد بستند که وعده گاه قتال میان ایشان سال آینده سوق بدر باشد چون موسم سوق بدر رسید کفار شخصی را فرستادند تا جمعیت ایشان را بیان کرده مسلمانان را در حیز توقف اندازد با وجود آن جماعتی از مسلمانان همراه آن حضرت بر آمدند و به بدر رسیدند و در تجارت سودها یافتند و هیچ يك از کفار مزاحم ایشان نشد و این غزوه را بدر صغری میگویند خدا در مدح ایشان می فرماید.

فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلِ لَّمْ يَمَسَّ سُهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا
 رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴿١٧٤﴾ إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ
 يُخَوِّفُ أَوْلِيَآءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٧٥﴾
 وَلَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّو اللَّهَ
 شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ
 عَظِيمٌ ﴿١٧٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن يَضُرُّو اللَّهَ
 شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٧﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا
 نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لَّا أَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيُزِيدُوا إِثْمًا وَلَهُمْ
 عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٧٨﴾ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا أَنْتُمْ
 عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ
 عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُّسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ
 وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٩﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ
 الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَاءِ أَنَّهُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ
 بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلِلَّهِ
 مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٨٠﴾

﴿۱۷۴﴾ پس این مسلمانان به نعمتی از خدا و فضل او باز گشتند به ایشان هیچ آسیبی نرسید و پیروی خوشنودی خدا کردند و خدا صاحبِ فضلِ بزرگ است. ﴿۱۷۵﴾ جز این نیست که این خبردهنده شیطانست دوستان خود را می ترساند^(۱) پس شما از کافران مترسید و از من بترسید اگر مومن هستید. ﴿۱۷۶﴾ و اندوهگین نکنند تورا (یا محمد) آنانکه در نصرت کفر می شتابند هرآنینه ایشان خدا را هیچ زیان نرسانند^(۲) خدا می خواهد که ایشان راهیچ بهره ای در آخرت ندهد و ایشان را عذاب بزرگ است. ﴿۱۷۷﴾ هرآنینه آنانکه^(۳) کفر را به عوض ایمان خریدند خدا را هیچ زیان نرسانند و برای ایشان عذاب درد دهنده است. ﴿۱۷۸﴾ و گمان نکنند کافران که مهلت دادنِ ما ایشان را بهتر است در حق ایشان جز این نیست که ایشان را مهلت می دهیم تا گناهگارتر شوند و برای ایشان عذاب خوار کننده است. ﴿۱۷۹﴾ هرگز رها نگذار خدا مسلمانان را بر آن وضعی که شما بر آن هستید تا آنکه ناپاک را از پاك جدا کند و هرگز خدا شمارا بر غیب مطلع نکند ولیکن خدا از پیامبران خود هر که را خواهد برمی گزیند پس به خدا و پیامبران او ایمان آورید و اگر ایمان آورید و پرهیزگاری کنید شمارا پاداش بزرگ باشد. ﴿۱۸۰﴾ و باید که گمان نکنند آنانکه بخل می کنند به آنچه خدا ایشان را از فضل خود عطا کرده است این بخل را بهتر برای خویش بلکه اوبَدست برای ایشان به زودی آنچه راکه در آن بخل می وزریده اند (به مانند) طوق در روز قیامت به گردنشان افکنده می شود^(۴) و خداست میراث اهلِ آسمانها و زمین و خدا به آنچه می کنید دانا است.

(۱) یعنی اشخاص ضعیف الایمان را.

(۲) یعنی دین اورا.

(۳) یعنی اختیار کردند.

(۴) یعنی آن مال را به صورت مار کرده در گردن ایشان اندازند.

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ
سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ
ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿١٨١﴾ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ
وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ﴿١٨٢﴾ الَّذِينَ قَالُوا إِبْرَاهِيمُ
عَهْدُ إِلَيْنَا إِلَّا أَنْ نَنْتَهِزَ مِنْ لَدُنْهُمْ رَسُولٌ حَتَّى يَأْتِيََنَا بِقُرْبَانٍ
تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِ بَالِيسَتِ
وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
﴿١٨٣﴾ فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِكَ جَاءُوا
بِالْبَيْتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ﴿١٨٤﴾ كُلُّ نَفْسٍ
ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ
فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا
الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمْتَعُ الْغُرُورِ ﴿١٨٥﴾ * لَتَبْلَوُنَّ فِي
أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا
وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿١٨٦﴾

﴿۱۸۱﴾ به یقین خدا سخن آنان را که گفتند خدا فقیر است و ما توانگریم شنید^(۱) خواهیم نوشت آنچه گفتند و کشتن ایشان پیامبران را به ناحق بنویسیم و بگوییم عذاب سوزنده را بچشید. ﴿۱۸۲﴾ این عذاب به سبب عملی است که دست های شما پیش فرستاده است و به سبب آنست که خدا بر بندگان ستم کننده نیست. ﴿۱۸۳﴾ آنانکه گفتند که خدا حکم فرستاده است به سوی ماکه به هیچ پیامبر ایمان نیاوریم تا آنکه برایمان قربانی بیارد که او را آتش^(۲) بخورد بگو پیامبران پیش از من نزد شما معجزه ها و آن رانیز که شما گفتید آوردند پس چرا ایشان را کشتید اگر راست گو هستید. ﴿۱۸۴﴾ پس اگر تورا تکذیب کردند پس پیامبران پیش از تو که حجت ها و صحیفه ها و کتاب روشنگر آوردند تکذیب کرده شدند. ﴿۱۸۵﴾ هر نفسی چشنده موت است و جزاین نیست که مزدتان را روز قیامت تمام داده خواهید شد پس هر که دورداشته شد اذدوخ و درآورده شد به بهشت پس به یقین به مراد رسید و زندگانی دنیا مگر بهره فریبنده ای نیست. ﴿۱۸۶﴾ البته شما درمالهایتان و جانهایتان آزمایش کرده خواهید شد و از آنانکه کتاب داده شده اند پیش از شما (نیز) از مشرکان سرزنش بسیار خواهید شنید و اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید پس هرائینه این خصلت از کارهای مقصود است.

(۱) یعنی چون یهود شنیدند اقرضوا الله گفتند ماغنی ایم و خدا فقیر است والله اعلم.

(۲) یعنی گوسفندی که ازغیب آتش او را بردارد.

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ
وَلَتَكْفُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَأَشْرَوْا بِهِ ثَمَنًا
قَلِيلًا فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ ﴿١٨٧﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا
آتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ
بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨٨﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٨٩﴾ إِنَّ فِي
خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ
لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٩٠﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا
وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٩١﴾
رَبَّنَا إِنَّكَ مِنْ تَدْخُلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ
أَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ
ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا
سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مِنَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى
رُسْلِكَ وَلَا تَحْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾

﴿۱۸۷﴾ و یادکن چون خدا عهد اهل کتاب را گرفت که البته کتاب را برای مردمان بیان کنید و آن را بنوشید پس آن عهد را پس پشت خویش بینداختند و به عوض وی بهای اندک را گرفتند پس بدچیزی است که می ستانند. ﴿۱۸۸﴾ هرگز مپندار کسانی را که شادمان می شوند به آنچه کردند و دوست میدارند که ستوده شوند به آنچه نکرده اند هرگز ایشان را نجات یافته از عذاب مپندار و برای ایشان عذاب درد ناک است. ﴿۱۸۹﴾ و پادشاهی آسمان ها و زمین از آن خدا است و خدا بر همه چیز توانا است. ﴿۱۹۰﴾ هر آئینه در آفرینش آسمان ها و زمین و آمدورفت شب و روز خداوندان خرد را نشانه هاست. ﴿۱۹۱﴾ آنانکه خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوی خویش خفته یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین تأمل می کنند می گویند ای پروردگار ما این را باطل نیافریده ای^(۱) پاکست تو را پس ما را از عذاب آتش نگاه دار. ﴿۱۹۲﴾ ای پروردگار ما هر آئینه توهر کرا در آری به دوزخ به تحقیق رسوا کردی او را و ستم کاران را هیچ یاری دهنده نیست. ﴿۱۹۳﴾ ای پروردگار ما هر آئینه شنیدیم ندا کننده ای را به آواز بلند میخواند به سوی ایمان که به پروردگار خویش ایمان آرید پس ایمان آوردیم ای پروردگار ما پس گناهان ما را بیامرز و از ما بدیهای ما را دور کن و ما را بانیکوکاران بمیران. ﴿۱۹۴﴾ ای پروردگار ما آنچه وعده کرده ای به ما به زبان رسولان خود مارا بده و ما را روز قیامت رسوا مکن هر آئینه تو خلاف وعده نمی کنی.

(۱) یعنی به غیر تدبیر بلیغ والله اعلم.

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أَضِيعُ عَمَلَ عَمِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ
ذَكَرٍ أَوْ أَنْتُمْ بُعِثُكُمْ مِّنْ بَعْضِ الَّذِينَ هَاجَرُوا وَآخَرُجُوا
مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ
عَنَّهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ﴿١٩٥﴾
لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ ﴿١٩٦﴾ مَتَّعٌ قَلِيلٌ
ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٩٧﴾ لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا
رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْآبِرَارِ ﴿١٩٨﴾ وَإِنَّ مِنْ
أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ
وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خَشَعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ
ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ
سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا
وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٢٠٠﴾

سورة النساء

﴿۱۹۵﴾ پس پروردگار ایشان دعای ایشان را قبول کرد به آنکه من عمل هیچ عمل کننده را از شما از مرد یا زن ضائع نمی کنم بعض شما از جنس بعضی است پس آنانکه هجرت کردند و از خانه هایشان بیرون کرده شدند و در راه من رنجانیده شدند و جنگ کردند و کشته شدند البته از ایشان گناهان ایشان را دور کنم و البته ایشان را دریاغ هایی که میرود زیر آنها جوی ها در آرام پاداشی از نزد خدا و خدا به نزاد و پاداش نیک ست. ﴿۱۹۶﴾ بایدکه تورا آمدورفت کافران در شهر ها نفریبد. ﴿۱۹۷﴾ این بهره مندی اندک است بعد از آن جای ایشان دوزخ باشد و آن بدجایی است. ﴿۱۹۸﴾ لیکن آنانکه از پروردگار خود ترسیدند ایشان راست بوستان ها ایکه میرود زیر آنها جوی ها جاویدان در آنجا مهمانی از نزد خدا است و آنچه نزد خدا ست نیکوکاران را بهتر است. ﴿۱۹۹﴾ و هر آئینه از اهل کتاب کسانی اندکه ایمان می آورند به خدا و به آنچه به سوی شما فرود آورده شد و به آنچه فرود آورده شد به سوی ایشان فروتنی کنندگان برای خدا به عوض آیه های خدا بهای اندک را نمی ستانند آن گروه ایشان راست پاداش ایشان نزد پروردگارشان هر آئینه خدا زود حساب گیرنده است. ﴿۲۰۰﴾ ای مومنان صبر کنید و محنت کشید و برای جهاد آماده باشید و از خدا بترسید باشد که رستگار شوید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا
زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ
بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ قَرِيبًا ﴿١﴾ وَءَاتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ
وَلَا تَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ
كَانَ حُوبًا كَبِيرًا ﴿٢﴾ وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَقْسُطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا
مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَتًى وَثَلَاثَ وَرُبْعٍ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا
فَوَاحِدَةٌ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَنُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا ﴿٣﴾ وَءَاتُوا
النِّسَاءَ صَدَقَتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ
هَنِيئًا مَّرِيئًا ﴿٤﴾ وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ
قِيَمًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿٥﴾ وَابْتَلُوا
الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا
إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ
غَنِيًّا فَلْيَسْتَغْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا
دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿٦﴾

سوره نساء مدنی است و آن يك صد و هفتاد
و هفت آیه و بیست و چهار رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ ای مردمان از پروردگار خویش بترسید آن که شمارا از يك ذات بیافرید و از آن ذات زن اورا آفرید و ازین دو کس مردمان بسیار و زنان بیشمار منتشر ساخت و از آن خدا بترسید که به نام او از یکدیگر سوال می کنید و از قطع صله رحمی خویشاوندان بترسید هر آئینه خدا بر شما نگاهبان هست. ﴿۲﴾ و به یتیمان اموال ایشان را بدهید و ناپاک را به پاکیزه بدل نکنید و اموال ایشان را به هم آورده به اموال خویش مخورید هر آئینه این گناهی بزرگ است^(۱). ﴿۳﴾ و اگر ترسیدید که در حق دختران یتیمه نمی توانید به عدل و انصاف رفتار کنید پس نکاح کنید از سایر زنان آنچه را که شمارا خوش آید دوزن (یا) سه زن، و یا چهار زن، پس اگر دانید که درین صورت نیز عدل نتوانید کرد پس يك زن را نکاح کنید یا سُرّیه بگیرید آنرا که دستهای شما مالک او شد این نزدیک تر است به آنکه ظلم و جور نکنید. ﴿۴﴾ و بدهید زنان را مهر ایشان به خوشدلی و اگر زنان به خوشدلی برای شما از بعضی از آن مهر در گذرند پس آن را سازگار و خوشگوار بخورید. ﴿۵﴾ و اموالتان را که خدا آن را سبب استقامت معیشت برای شما کرده است به کم خردان مدهید و ایشان را از آن اموال بخورانید و ببوشانید و به ایشان سخن نیکو بگویید^(۲). ﴿۶﴾ و امتحان کنید یتیمان را^(۳) تا آنگاه که به حد نکاح رسند^(۴) پس اگر از ایشان حسن تدبیر دریافتید پس به ایشان اموال ایشان را برسانید و آن اموال را^(۵) به اسراف و شتاب از ترس آنکه بزرگ شوند مخورید و هر که توانگر باشد پس باید که پرهیز گاری کند^(۶) و هر که فقیر باشد پس باید که به وجه پسندیده بخورد پس چون به ایشان اموال ایشان را دادید بر ایشان گواه گیرید و خدا (به حقیقت) حساب گیرنده بس است.

- (۱) در جاهلیت اولیای دختران یتیمان مانند (پسران عمو) ایشان را به نکاح خود درمی آوردند و ایفای حقوق نکاح نمی کردند خدای تعالی آیت فرستاد.
- (۲) یعنی برسفها حجر (یعنی از تصرف در مال جلوگیری) باید کرد و اموال ایشان را که به حقیقت همه مسلمانان به آن منتفع اند بی واسطه یا به واسطه به دست ایشان داده ضائع نباید ساخت والله اعلم.
- (۳) یعنی در ایام کودکی.
- (۴) یعنی بالغ شوند.
- (۵) یعنی در خرد سالی ایشان.
- (۶) یعنی وصی یتیم اگر توانگر باشد از اموال یتیم چیزی نگیرد.

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ
 مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا
 مَّفْرُوضًا ﴿٧﴾ وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ
 وَالْمَسْكِينُ فَأَرْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا
 ﴿٨﴾ وَلِيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَفًا
 خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٩﴾ إِنَّ
 الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي
 بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ﴿١٠﴾ يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي
 أَوْلَادِكُمْ لِلَّذِ كَرِمٌ مِّثْلَ حَظِّ الْأُنثَىٰ إِن كَانَ نِسَاءً
 فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا
 النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ
 كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَّمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ
 كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا
 أَوْ دِينَءٍ أَبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ
 نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١١﴾

﴿۷﴾ مردان را حصه ای هست از آنچه پدر و مادر و خویشان بگذارند و زنان را نیز حصه ای هست از آنچه پدر و مادر و خویشان بگذارند از آنچه کم باشد از مال یا بسیار حصه مقرر کرده شده است^(۱). ﴿۸﴾ و چون هنگام قسمت میراث خویشان^(۲) و یتیمان و گدایان حاضر شوند پس ایشانرا چیزی از آن بدهید^(۳) و به ایشان سخن نیکو بگویید. ﴿۹﴾ و باید که از خدا بترسند آنانکه اگر بگذارند بعد از خود فرزندان ناتوان را ترس داشته باشند برایشان که ضائع شوند پس باید که از خدا بترسند و باید که سخن استوار را بگویند^(۴). ﴿۱۰﴾ هر آئینه آنانکه اموال یتیمان را به ظلم میخورند جزاین نیست که در شکم خویش آتش را میخورند و به زودی به دوزخ درآیند. ﴿۱۱﴾ خدا شمارا در حق فرزندان که مرد راهست مانند حصه دوزن حکم می کند، اگر اولاد میت همه دختر بیشتر از دو نفر باشند پس ایشان راست دوسوم آنچه میت گذاشته است^(۵) و اگر (ذریتش) يك دختر باشد پس برای او نیم ترکه است و پدر و مادر میت راهریکی را از ایشان يك ششم آنچه بگذاشته است هست اگر میت را فرزندی باشد، پس اگر او را فرزندی نباشد و وارث او پدر و مادر او شوند پس مادرش را يك سوم ترکه هست^(۶) پس اگر میت را برادران باشند مادرش را يك ششم ترکه هست^(۷) و این تقسیم بعد از ادای وصیتی که میت به آن فرموده یا بعد از ادای دین است^(۸) نمیدانید که کدام يك از پدران شما و پسران شما نزدیک تر است برایتان در رفع رسانیدن، از جانب خدا حصه معین کرده شد هر آئینه خدا دانای استوار کار هست.

-
- (۱) یعنی مردان و زنان هر دو حصه دارند از هر مال که باشد کم بود یا بسیار درین آیه ردّ است بر اهل جاهلیت که زنان را حصه نمی دادند.
- (۲) یعنی خویشان غیر وارث.
- (۳) یعنی به طریق استجاب.
- (۴) یعنی آنانکه اولاد داشته باشند به وجهی وصیت کنند که اولاد را ضرر نرسد و این در شرع به مقدار يك سوم مال (در حدّ اکثر) یا کمتر از آن است والله اعلم.
- (۵) مترجم گوید حکم دو دختر نیز ثلثان است والله اعلم.
- (۶) یعنی ما بقی برای پدر است.
- (۷) یعنی برادران و خواهران حصه مادر را ناقص می سازند اگر چه خود چیزی نیابند و يك برادر و يك خواهر نیز ناقص می سازد والله اعلم.
- (۸) یعنی اگر وصیت باشد و یا اگر وام باشد نخست به ادای وصیت و یا دین به پردازند.

* وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ
 لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا
 تَرَكْنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِيَنَّ بِهَا أَوْ دَيْنٍ
 وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ
 فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ
 مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ
 رَجُلٌ يُوْرَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ
 وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ
 فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَى
 بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ
 عَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿١٢﴾ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ
 وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
 الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ
 ﴿١٣﴾ وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ
 يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٤﴾

﴿۱۲﴾ و شمارا نیمه آنچه بگذاشته اند زنان شما اگر نباشد ایشان را فرزندی هست پس اگر ایشان را فرزندی باشد شمارا يك چهارم آنچه بگذاشته اند هست بعد از ادای وصیتی که به آن فرموده باشند یا بعد از ادای دین و زنان را يك چهارم آنچه شما بگذاشتید اگر شمارا فرزندی نباشد هست پس اگر شمارا فرزندی باشد پس زنان را يك هشتم آنچه بگذاشته اید بعد از ادای وصیتی که به آن فرموده باشید یا ادای دین هست و اگر مرد مرده که از وی میراث می خواهند یا زن مرده کلاله باشد^(۱) و او را برادری هست یا خواهری^(۲) پس برای هر يك از ایشان يك ششم ترکه است پس اگر اخیافیان بیشتر ازین باشند پس ایشان باهم در يك سوم ترکه بعد از ادای وصیتی که به آن فرموده شده یا بعد از ادای دین شريك اند به غیر آنکه ضرر رساننده باشد^(۳) از جانب خدا حکم کرده شده است و خدا دانای بُردبار است. ﴿۱۳﴾ این همه حدها مقرر کرده خداست و هر که خدا و رسول او را فرمانبرداری کند او را به بهشت هایی که می رود زیر آنها جوی ها داخل می کند در آن جاویدان و این پیروزی بزرگ است. ﴿۱۴﴾ و هر که نافرمانی خدا و رسول او را کند و از حدهای مقرر کرده او تجاوز کند او را به آتش در آورد در آن جاویدان و برای او عذاب رسواکننده است.

(۱) و معنی کلاله آن است که پدر و فرزند و برادر و خواهر تنی (یعنی عینی) ندارد.

(۲) یعنی اخیافی.

(۳) یعنی وصیتی که زیاده از ثلث بود (ما زاد عن الثلث) اعتبار ندارد والله اعلم.

وَالَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ
 أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ
 حَتَّىٰ يَتَوَفَّيَهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا ﴿١٥﴾
 وَالَّذَانِ يَأْتِيَنِهَا مِنْكُمْ فَأَذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا
 فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ﴿١٦﴾
 إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ
 ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
 وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٧﴾ وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ
 يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ
 قَالَ إِنِّي تَبْتُ الْكَفَرَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ
 أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٨﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ
 ءَامَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ
 لَتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَآءِ تَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ
 مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ
 أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ﴿١٩﴾

﴿۱۵﴾ آنانیکه زنامی کنند از زنان شما پس برایشان چهارمرد از جنس خویش^(۱) گواه طلبید پس اگر گواهی دادند ایشان را در خانه ها محبوس کنید تا آنکه مرگ عمر ایشان را تمام کند یا خدای تعالی برای ایشان راهی^(۲) مقرر کند. ﴿۱۶﴾ و آن دو کس که از شما زنا می کنند پس ایشان را آزار دهید پس اگر توبه کردند و نیکوکاری پیش گرفتند، پس از تعذیب ایشان اعراض کنید هر آئینه خدا توبه پذیر مهربان^(۳) هست. ﴿۱۷﴾ جز این نیست که وعده قبول توبه برخدا لازم است برای آن کسان که معصیت را به نادانی میکنند بعد از آن به زودی^(۴) توبه می کنند پس آن گروه است که خداوند توبه و باز گشت آنان را می پذیرد و خدا دانای استوار کار هست. ﴿۱۸﴾ و نیست (وعده قبول) توبه آن کسان را که معاصی را می کنند تا آنگاه که کسی را از ایشان مرگ پیش آید، گفت هر آئینه الآن من توبه کردم و نه آن کسان راست که کافر بمیرند این گروه برای ایشان عذاب درد ناک آماده ساختیم. ﴿۱۹﴾ ای مومنان برای شما حلال نیست اینکه زنان را میراث گیرید و ایشان ناخوش باشند^(۵) و منع مکنید ایشان را^(۶) تا بدست آرید بعض آنچه ایشان را داده اید مگر اینکه آنان دچار گناه آشکاری شوند (میتوان ایذا داد) و بازنان به وجه پسندیده زندگانی کنید زیرا که اگر ناپسند کنید ایشان را پس شاید که چیزی را ناپسند کنید و خدای تعالی در آن چیز خیر بسیار پیدا کند.

(۱) یعنی از مسلمانان.

(۲) بعد از این آیه خدای تعالی راهی مقرر کرد و آن رجم ثیب و جلد بکر است پس اکنون حکم حبس نیست والله اعلم.

(۳) این آیت مجمل است و در احادیث آمده است که بکر آزاد را صد تا زبانه باید زد و ثیب آزاد را سنگسار باید کرد و غلام را پنجاه تازیانه باید زد والله اعلم.

(۴) یعنی پیش از حضور مرگ.

(۵) اهل جاهلیت زنان را نیز از جمله "میراث می دانستند ولی میّت اگر می خواست به جبردر (نکاح خود) در می آورد و اگر می خواست منع میکرد که باجنبی نکاح کند تا آنکه مهر به او رد نماید حق تعالی این آیت فرستاد.

(۶) یعنی از نکاح به هر که خواهند.

وَأِنْ أَرَدْتُمْ أَسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَءَاتَيْتُمْ
 إِحْدَهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذْ مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُ مِنْهُ
 بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿٢٠﴾ وَكَيْفَ تَأْخُذُ مِنْهُ وَقَدْ أَفْضَى
 بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا
 ﴿٢١﴾ وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ
 إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ
 سَبِيلًا ﴿٢٢﴾ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ
 وَأَخَوَاتُكُمْ وَعُمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ
 الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ
 وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرِّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ
 وَرَبِّبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُم مِّن نِّسَائِكُمُ
 اللَّاتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِنْ لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا
 جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ
 أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا
 مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٢٣﴾

﴿۲۰﴾ و اگر زنی را به جای زنی تبدیل کردن بخواهید و یکی را از ایشان قنطاری^(۱) داده باشید پس از آن مال چیزی را برمگیرید آیا آن را به بهتان و گناه آشکار می گیرید. ﴿۲۱﴾ و چگونه می گردان را حال آنکه بعضی شما به بعضی رسیده است^(۲) و زنان از شما عهد محکم را گرفتند^(۳). ﴿۲۲﴾ و ازدواج مکنید کسی را که با او پدران شما از زنان ازدواج کرده باشند مگر آنچه گذشت (عفو است) هر آئینه این هست کاربرد و مبغوض و این بدراهی است. ﴿۲۳﴾ مادران شما و دختران شما و خواهران شما و مادران پدران شما و خواهران مادران شما و دختران برادر و دختران خواهر بر شما حرام کرده شدند و آن مادران شما که شمارا شیر داده اند^(۴) و خواهران شما از جهت شیرخوارگی و مادران زنان شما و دختران زنان شما که در کنار شما پرورش می یابند از شکم آن زنان که شما به ایشان وطی^(۵) کردید پس اگر وطی^(۵) نکرده باشید به ایشان پس هیچ گناه نیست بر شما و زنان پسران شما که از پشت شما باشند^(۵) و آنکه جمع کنید میان دو خواهر حرام کرده شد مگر آنچه گذشت (عفو است) هر آئینه خدا هست آمرزنده^(۵) مهربان.

(۱) یعنی مال بسیار درمهر داده باشید.

(۲) یعنی مباشرت کردید.

(۳) یعنی ایجاب و قبول به حضور شهود در میان آمد.

(۴) یعنی دایه ها.

(۵) یعنی پسر خوانده نباشد.

* وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ
 كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا
 بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ
 مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا
 تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا
 حَكِيمًا ﴿٢٤﴾ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكَحَ
 الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ
 فَتْيَتِكُمْ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَيْمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ
 مِنْ بَعْضٍ فَأَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ
 بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسْفِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ
 أَخْدَانٍ فَإِذَا أَحْصَيْتُمْ أَنْ تَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ
 مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ
 مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
 ﴿٢٥﴾ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ
 مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦﴾

﴿۲۴﴾ و زنان شوهردار حرام کرده شدند مگر آنچه دست های شما^(۱) مالک اوشده است خدا بر شما (این حکم) را مقرر داشته است و حلال کرده شد برای شما غیر از این همه محرمات (حلال کرده شد) که به اموال خویش عفت طلب کنان نه به شهوت رانی^(۲) نکاح طلب کنید پس کسی که از زنان به او استمتاع کردید مهر مقرر کرده شده ایشان را به ایشان پردازید^(۳) و بر شما گناهی نیست بعد از مهر مقرر در آنچه که بایکدیگر رضامند شدید (در کمی و بیشی مهر)^(۴) هر آئینه خدا دانای استوارکار هست. ﴿۲۵﴾ و هر که از شما از جهت نا توانگری نتواند که زنان آزاد مسلمان را ازدواج کند پس باید که نکاح کند از آنچه دست های شما مالک اوشده است (مراد کنیزکان شما اند که مسلمان باشند) و خدا به ایمان شما دان تراست بعضی شما از جنس بعضی است^(۵) پس کنیزکان را به اجازه اهل ایشان ازدواج کنید و ایشان را مهر ایشان به خوش خویی بدهید در حالیکه عقیقه باشند نه زناکننده و نه دوست پنهانی گیرنده^(۶) پس چون در حباله زوج آمدند اگر زنا کنند پس برایشان است از عقوبت نیم مقدار آنچه بر زنان آزاد است^(۷) ازدواج کنیزکان برای کسی است از شما که از گناه برترسد و آنکه صبر کنید برای شما بهتر است خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۲۶﴾ خدا می خواهد که (احکام خود را) برای شما بیان کند و شمارا راه های کسانی که پیش از شما بودند بنماید و بر شما به رحمت بازگردد و بیخشد و خدا دانای استوار کار است.

(۱) یعنی اگر زنی را از دار الحرب اسیر کرده اند نکاح و تسری اوصحیح بود ولو اینکه آنجا شوهر داشته باشد والده اعلم.

(۲) یعنی نکاح صحیح آن ست که مهر باشد و مؤید باشد به حسب ظاهر زیرا که چون حاجت جماع همیشه است و احصان بدون عقد مؤید حاصل نشود والله اعلم.

(۳) یعنی به جماع تمام مهر لازم میشود والله اعلم.

(۴) یعنی بعد از مقرر کردن مهر اگر به تراضی زیاده یا کم کنید باک نیست والله اعلم.

(۵) یعنی کنیزکان نیز بنات آدم اند والله اعلم.

(۶) فارق در نکاح و اتخاذ اخدان شرط شهرداست و در احصان و سفاح مؤید بودن عقد به حسب ظاهر والله اعلم.

(۷) یعنی پنجاه تازیانه و اگر در حباله زوج نباشد نیز عقوبت او پنجاه تازیانه است زیرا که ذکر این قید به جهت نفی احتمال زیاده است و این معنی در حدیث مبین شده والله اعلم.

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ
الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا ﴿٢٧﴾ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ
عَنكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَنُ ضَعِيفًا ﴿٢٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ
تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ
اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿٢٩﴾ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا
وِظْلَمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ
يَسِيرًا ﴿٣٠﴾ إِنْ تَجْتَنِبُوا كِبَايَرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكَفَّرْ
عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا ﴿٣١﴾
وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ ءَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ
نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ
وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ ؕ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ
عَلِيمًا ﴿٣٢﴾ وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ
وَالْأَقْرَبُونَ ؕ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَنُكُمْ فَآتُوهُمْ
نَصِيبَهُمْ ؕ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ﴿٣٣﴾

﴿۲۷﴾ و خدا می خواهد که بر شما به رحمت بازگردد و آنانکه پیروی شهوات را می کنند می خواهند که کجروی کنید کجروی بزرگ. ﴿۲۸﴾ خدا می خواهد که از شما سبک کند و انسان ناتوان آفریده شده است. ﴿۲۹﴾ ای مؤمنان اموال خود را در میان خویش به ناحق مخورید^(۱) مگر اینکه آن (دادوستد) تجارت بین شما بعد از رضامندی یکدیگر باشد و مَکُشید خویشتن را هر آئینه خدا به شما مهربان هست. ﴿۳۰﴾ و هر که به (غرض) تعدی و ستم چنین کند پس به زودی به دوزخ درآریمش و این بر خدا آسان است. ﴿۳۱﴾ اگر از کبایر منهیات اجتناب کنید از شما گناهان صغیره شمارا نابود سازیم و شمارا به محل گرامی درآوریم^(۲). ﴿۳۲﴾ و مرتبه ای را که خداوند به آن بعضی را از شما بر بعضی برتری داده آرزو مکنید، برای مردان هست بهره ای از آنچه دریافت کرده اند و زنان راهست بهره ای از آنچه دریافت کرده اند و ازدرگاه خدا از بخشایش او به طلبید هر آئینه خدا به همه چیزدانا است. ﴿۳۳﴾ و برای هر چیزی از آنچه گذاشته اند پدر و مادر و خویشان و ارثان مقرر کردیم و کسانی که ایشان را عهدهای شما (با آنان) مربوط ساخته است پس ایشان را بهره^۳ ایشان بدهید هر آئینه خدا بر همه چیز حاضر^(۳) هست.

(۱) یعنی مال يك ديگر را بناحق نباید خورد.

(۲) گناه کبیره آنست که بر آن حدمشروع شده باشد یا وعید دوزخ آمده یابه کفر مُسمّی شده در قرآن یا سنت صحیحه و هر که از کبایر اجتناب کند صغایر او را نماز و روزه و صدقه نابود می سازد والله اعلم.

(۳) یعنی حلیف را رعایت کردن یا وصیت کردن میتواند وایشانرا در میراث دخل نیست و میراث برای اقربا مقرر کرده شده است والله اعلم.

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى
بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَأَلْصَلَحْتُ قُنُوتِي
حَفِظْتُ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَالَّتِي تَخَافُونَ
نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ
وَأَضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا
إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا ﴿٢٤﴾ وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا
فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ
يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا
خَبِيرًا ﴿٢٥﴾ * وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا
وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ
وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ
وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ
لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا ﴿٢٦﴾ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ
وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبَخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ
اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿٢٧﴾



﴿۳۴﴾ مردان (تدبیر کارکننده) بر زنان تسلط دارند به سبب آنکه خدا بعض آدمیان را بر بعضی^(۱) فضل نهاده است و به سبب آنکه از اموال خویش خرج کردند پس زنان نیکوکار فرمانبردارند، در غیبت مردان به نگاه^(۲) داشت خدا نگاهدارنده اند^(۳) و آن زنان که از نافرمانی ایشان می ترسید پس ایشان را پند دهید و ایشانرا در خواب گاه ترك كنید^(۴) و یزید ایشان را پس اگر فرمانبرداری شما کردند پس برایشان راهی را جستجو مکنید^(۵) هر آئینه خدا بلند مرتبه بزرگ قدر هست. ﴿۳۵﴾ و اگر (ای حاکمان) اختلاف میان زن و شوهر را ترسیدید پس صلاح کاری از خویشان مرد و صلاح کاری از خویشان زن برگزینید اگر این صلاح کاران صلح را بخواهند البته خدا در میان ایشان موافقت آرد هر آئینه خدا دانای آگاه هست. ﴿۳۶﴾ و خدا را بپرستید و چیزی را شریک او مقرر مکنید و به پدر و مادر نیکوکاری کنید و به خویشان و یتیمان و گدایان و همسایه خویشاوند و همسایه بیگانه و به هم نشین در کنارت نشسته (یعنی با هم نشسته) و به مسافر و به آنچه دست شما مالک اوشد^(۶) هر آئینه خدا دوست نمیدارد کسی را که متکبر خود ستاینده باشد. ﴿۳۷﴾ کسانی که آنان بخل می کنند و مردمان را به بخل وادار می کنند و آنچه را که خدا داده است ایشان را از فضل خود می پوشند و برای کافران عذاب رسواکننده ای آماده ساخته ایم.

(۱) یعنی به سبب آنکه مردان در اصل جبلت برتر و قوی تر اند از زنان.

(۲) یعنی مال و آبرو را.

(۳) درین آیه بیان فرمود که مرد فرمان روا است به سبب فضل جبلتی و به سبب اتفاق وزن صالحه کسی است که فرمانبرداری کند و حفظ مال - و آبرو - نماید والله اعلم.

(۴) یعنی مباشرت مکنید (یا درخوابگاه ترك كنید و یا اونخواهید).

(۵) یعنی به حيله ايجادادن تجسس مکنید والله اعلم.

(۶) یعنی غلامان و کنیزکان.

وَالَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ
وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ وَقَرِينًا فَسَاءَ
قَرِينًا ﴿٢٨﴾ وَمَا ذَا عَلَيْهِمْ لَوْ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَانْفَقُوا
مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا ﴿٢٩﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ
مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يَضْعَفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ
أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٣٠﴾ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ
وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا ﴿٣١﴾ يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ
كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ
اللَّهِ حَدِيثًا ﴿٣٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ
سُكَرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي
سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ
أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَايِبِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً
فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ
إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفْوًا غَفُورًا ﴿٣٣﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ
الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ ﴿٣٤﴾

﴿۳۸﴾ و آنان که اموال خود را برای نمایاندن مردمان خرج می کنند و معتقد نیستند به خدا و نه به روز قیامت و هر که شیطان یار او باشد پس وی بدياری است. ﴿۳۹﴾ و برایشان چه زیان بود اگر به خدا و روز آخر ایمان می آوردند و از آنچه خدا داده است ایشان را خرج می کردند و خدا به ایشان دانا است. ﴿۴۰﴾ هر آئینه خدا مقدار ذره ای ستم نمی کند و اگر آن عمل نیکی باشد چند برابر گُندش و از نزد خود پاداش بزرگ می دهد. ﴿۴۱﴾ پس چگونه باشد حال آنگاه که از هر قومی گواهی را بیاوریم و تو را بر این امت گواه بیاوریم. ﴿۴۲﴾ آن روز آرزو کنند آنانکه کافر شدند و نافرمانی پیامبر کردند که کاش برایشان زمین هموار کرده شود^(۱) و از خدا هیچ سخنی را پنهان نکنند. ﴿۴۳﴾ ای مومنان به نماز نزدیک مشوید در حالی که شما مست باشید تا آنکه بدانید آنچه به زبان می گوید^(۲) و به نماز نزدیک مشوید در حال جنابت تا آنکه غسل کنید مگر آنکه مسافر باشید و اگر بیمار باشید یا مسافر یا کسی از شما از جای قضاء حاجت بیاید یا مباشرت زنان کنید و آبی را نیابید پس به زمین پاک تیمم کنید پس به رویهای خویش و دست های خویش مسح کنید هر آئینه خدا عفو کننده^(۳) بخشاینده است. ﴿۴۴﴾ آیا ندیدی^(۳) کسانی را که داده شده اند بهره ای از کتاب (یعنی یهود) می ستانند گمراهی را و می خواهند که شما (نیز) راه را گم کنید.

(۱) یعنی از ایشان نامی و نشانی نماند.

(۲) این حکم قبل از تحریم خمر بود بعد از آن مستی کاملاً حرام شد والله اعلم.

(۳) مترجم گوید که خدای عز وجل در ردیهود و تعداد قبایح ایشان این آیات فرستاد.

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا ﴿٤٥﴾
 مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ
 سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِالسِّنَتِهِمْ
 وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَانْظُرْنَا
 لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ
 إِلَّا قَلِيلًا ﴿٤٦﴾ يَتَأَيَّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ ءَامِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا
 مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْغَسَ وُجُوهًا فَزَرَدَهَا
 عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ
 اللَّهِ مَفْعُولًا ﴿٤٧﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ
 ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَى إِثْمًا عَظِيمًا
 ﴿٤٨﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ
 وَلَا يَظْلُمُونَ فَيْتِلًا ﴿٤٩﴾ انْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ
 وَكَفَى بِهِ إِثْمًا مُبِينًا ﴿٥٠﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا
 مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ
 لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا سَبِيلًا ﴿٥١﴾

﴿۴۵﴾ و خدا به دشمنان شما داناتر است و خدا دوست پس است و خدایاری دهنده کافی است. ﴿۴۶﴾ از یهود گروهی هستند که کلمه هارا از جایگاهشان تغییر می دهند و می گویند ^(۱) شنیدیم و نافرمانی کردیم و می گویند «اسمع غیر مسمع و راعنا» سخن را به زبان خویش می پیچانند و طعنه می زنند در دین و اگر ایشان می گفتند شنیدیم و فرمانبرداری کردیم و به جای ﴿وَأَسْمِعْ غَيْرُ مَسْمِعٍ﴾ اسمع می گفتند و به جای «راعنا» نظرنا هر آئینه ایشان را بهتر و درست تر می بود ولیکن خدا ایشان را به سبب کفر ایشان لعنت کرده است پس مگر اندکی ایمان نمی آرند ^(۲). ﴿۴۷﴾ ای اهل کتاب به آنچه فرود آوردیم، باور کننده آنچه با شماست ایمان آرید پیش از آنکه محو کنیم صورت هایی را پس بگردانیمش بر پشت سر یا ایشان را لعنت کنیم چنانکه اهل شنبه را لعنت کردیم اراده خدا شدنی است. ﴿۴۸﴾ هر آئینه خدا نمی آمرزد اینکه به او شرك آورده شود و غیر از آن را برای هر کس که خواهد می آمرزد و هر که به خدا شرك ورزد هر آئینه گناهی بزرگ را افترا بسته است. ﴿۴۹﴾ آیا به سوی کسانی که ستایش می کنند خود را ندیدی؟ بلکه خدا ستایش می کند هر که را خواهد و مقدار رشته ای ستم کرده نخواهند شد. ﴿۵۰﴾ بین چگونه دروغ را بر خدا می بندند و این گناه آشکار او را بس است ^(۳). ﴿۵۱﴾ آیندیدی به سوی کسانی که بهره ای از کتاب داده شدند به بت و معبود باطل ایمان می آورند و می گویند در حق مشرکان که ایشان از مسلمانان راه یابنده تراند ^(۴).

(۱) یعنی به زبان حال.

(۲) مترجم گوید پیچانیدن سخن آنست که سب و فحش را چنان در کلام خلط می کنند که کسی نشناسد ﴿وَأَسْمِعْ غَيْرُ مَسْمِعٍ﴾ دو معنی دارد یکی آنکه بشنو در حالتیکه معظم و محترمی و کسی باتو خلاف رضای تو نتواند گفت دیگر آنکه بشنود حالتی که محقری و کسی بتو سخن نمی گوید و راعنا نیز دو معنی دارد یکی آنکه رعایت کن ما را دیگر احمق رعونت دارنده غرض ایشان سب بود کلمه محتمل معنیین می گفتند والله اعلم.

(۳) یعنی می گویند که بنی اسرائیل برگزیدگان خدایند ایشان را عذاب نخواهد شد مگر چند روزی.

(۴) درین آیت تعریض است به آن که یهود روزا حزاب مددکار مشرکان شدند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا ﴿٥٢﴾
 أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا ﴿٥٣﴾ أَمْ
 يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا
 آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ﴿٥٤﴾
 فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّعَهُ وَكَفَى بِيَهُمْ سَعِيرًا ﴿٥٥﴾
 إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كَلَّمًا فَضِجَتْ
 جُلُودُهُمْ بَدَلَتْهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
 عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٥٦﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ
 جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا
 أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا ظِلِيلًا ﴿٥٧﴾ * إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ
 أَنْ تَوَدُّوا الْأَقْرَبَ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ
 تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا
 بَصِيرًا ﴿٥٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي
 الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ
 تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾



﴿۵۲﴾ ایشان آن گروه اند که خدا ایشان را لعنت کرد و هر که خدا لعنت کندش پس برای او یاری دهنده ای نخواهی یافت. ﴿۵۳﴾ آیا ایشان راهست بهره ای از پادشاهی پس آن هنگام به مردمان مقدار نقیری^(۱) ندهند. ﴿۵۴﴾ آیا بر مردمان بر آنچه ایشان را خدای تعالی از فضل خود داده است حسد می کنند پس هر آئینه ما آل ابراهیم را کتاب و دانش دادیم و ایشان را پادشاهی بزرگ دادیم. ﴿۵۵﴾ پس از کفار کسی هست که ایمان آورد به آن کتاب و از ایشان کسی هست که از آن باز داشت شد و دوزخ آتش افروخته (برای آنان) بس است. ﴿۵۶﴾ هر آئینه کسانی که به آیات ما کافر شدند زود ایشان را به آتش درآوریم هر گاه که پخته گرد پوستانهای ایشان به عوض برای ایشان پوستهای دیگر غیر از آن پیدا کنیم تا بچشند عذاب را هر آئینه خدا غالب استوار کار است. ﴿۵۷﴾ و کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند زود ایشان را به بوستانهایی که می رود زیر آنها جوی ها درآوریم جاویدان آنجا همیشه، برای ایشان در آن جا زنان پاک کرده شده هست و ایشان را بسایه نیک (یعنی راحت تمام) درآوریم. ﴿۵۸﴾ هر آئینه خدا شمارا می فرماید که امانت هارا به اهل آن ادا کنید و می فرماید که به راستی حکم کنید میان مردمان چون حاکم شوید هر آئینه نیکو چیز است آنچه خدا شمارا به آن پند میدهد هر آئینه خدا شنوای بینا هست^(۲). ﴿۵۹﴾ ای مومنان خدا را فرمانبرداری کنید و پیامبر را فرمانبرداری کنید و فرمان روایان را از جنس خویش پس اگر در چیزی اختلاف کنید پس او را به سوی خدا و پیامبر اگر اعتقاد دارید به خدا و روز آخرت برگردانید این به اعتبار عاقبت بهتر و نیکوتر^(۳) است.

(۱) نقیر گودی کوچکی است که بر پشت خسته خرما می باشد، [یعنی به مردم هم و زن کمترین ذره ای نمیدهند].

(۲) درین آیه اشاره است بقصه عثمان حجبی که مفتاح کعبه از دست وی گرفتند و مردمان آن را از حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم طلب کردند آن حضرت قبول نمود و به عثمان تحویل داد.

(۳) مردم ضعیف الایمان در خلاف هوای نفس به حکم شرع راضی نمی شدند و گاهی به کاهنان و رؤسای کفر رجوع می کردند چون آن حضرت ایشان را برای معنی تعزیر یا تهدید فرمود سوگند خوردند که مخالفت آن حضرت مقصود ما نبود خدای تعالی درین باره آیات فرستاد.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ
 وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ
 وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ ۚ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ
 ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿٦٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أُنْزِلَ
 اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ
 صُدُودًا ﴿٦١﴾ فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا
 قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا
 إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا ﴿٦٢﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا
 فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي
 أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ﴿٦٣﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا
 لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ
 جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ
 لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ﴿٦٤﴾ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ
 حَتَّى يَحْكُمُواكَ فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي
 أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيَسْلَمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾

﴿ ۶۰ ﴾ آیندیدی به سوی کسانی که گمان می کنند که به آنچه به سوی تو نازل کرده شده است و به آنچه پیش از تو نازل کرده شد ایمان آوردند، می خواهند که قضایای خویش را به طاغوت برند حال آنکه فرموده شد ایشان را که منکر او شوند و شیطان می خواهد که گمراه سازد ایشان را گمراهی دور. ﴿ ۶۱ ﴾ و چون گفته شود به ایشان به سوی آنچه نازل کرده است خدا و به سوی پیامبر بیایید می بینی منافقان را که از تو سخت روی بر می تابند. ﴿ ۶۲ ﴾ پس چه حال است آنگاه که به ایشان مصیبتی برسد به سبب آنچه دستهای ایشان پیش فرستاده است پس بیایند نزد تو در حالیکه به خدا قسم می خورند که مگر نیکوکاری و موافقت کردن را^(۱) نخواسته بودیم. ﴿ ۶۳ ﴾ این گروه آناند که خدا می داند آنچه در دل های ایشان است پس از ایشان اعراض کن^(۲) و ایشان را پندیده و به ایشان سخنی مؤثر در دل های ایشان بگو. ﴿ ۶۴ ﴾ و نفرستادیم هیچ پیامبری را مگر برای آنکه به حکم خدا اطاعت کرده شود و اگر این جماعت نزد تو می آمدند و قتی که بر خویشان ستم کردند پس از خدا آمرزش طلب می کردند و برای ایشان پیامبر آمرزش طلب می کرد هر آئینه خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند. ﴿ ۶۵ ﴾ پس قسم به پروردگار تو که ایشان مسلمان نباشند تا آنکه داور کنند تورا در اختلافی که میان ایشان واقع شد باز در دل های خویش تنگی از آنچه حکم فرمودی نیابند و کاملاً گردن نهند.

(۱) یعنی مردمان خصوم.

(۲) یعنی از قتل ایشان.

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ أَخْرِجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيثًا ﴿٦٦﴾ وَإِذْ لَأَتَيْنَهُمْ مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٦٧﴾ وَلَهَدَيْنَهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٦٨﴾ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا ﴿٦٩﴾ ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا ﴿٧٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثَبَاتٍ أَوْ انْفِرُوا جَمِيعًا ﴿٧١﴾ وَإِنْ مِنْكُمْ لَمَنْ لَيُبَطِّئَنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْنَا إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا ﴿٧٢﴾ وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فُضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يُلَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧٣﴾ فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٧٤﴾



﴿۶۶﴾ و اگر ما برایشان می نوشتیم^(۱) که خویشان را بکشید یا از خانه های خویش بیرون شوید این کار را از ایشان مگر اندکی نمی کردند و اگر می کردند آنچه به آن پند داده می شدند هر آئینه ایشان را بهتر بودی و محکم تر در استواری دین. ﴿۶۷﴾ و آنگاه البته ایشان را از نزد خویش پاداش بزرگ می دادیم. ﴿۶۸﴾ و ایشان را به راه راست هدایت می کردیم. ﴿۶۹﴾ و هر که خدا و رسول را فرمان برد پس این جماعت همراه آن کسانی که خدا برایشان انعام کرده است از پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان و آنها از جهت رفاقت چه خوبند. ﴿۷۰﴾ این بخشایش از خدا است و خدا دانا^(۲) پس است. ﴿۷۱﴾ ای مسلمانان سلاح خود را برگزید پس بیرون روید گروه گروه یا همگی با هم بیرون روید. ﴿۷۲﴾ و هر آئینه بعضی از شما آنست که درنگ می کند پس اگر به شما مصیبتی برسد گوید خدا بر من انعام کرد چون با آنان حاضر نبودم. ﴿۷۳﴾ و اگر به شما نعمتی از خدا برسد البته گوید گویا هرگز میان شما و میان او دوستی ای نبوده است کاش می بودم با ایشان پس مطلب بزرگ را می یافتیم. ﴿۷۴﴾ پس باید که در راه خدا آن مومنان که می فروشند زندگانی دنیا را به آخرت جنگ کنند و هر که جنگ کند در راه خدا پس کشته شود یا غالب آید به زودی پاداش بزرگ را به او میدهم.

(۱) یعنی واجب میکردیم.

(۲) مترجم گوید مردم ضعیف الاسلام در اول اسلام که جهاد فرض نشده بود دعوت اسلام قبول نمودند و چون جهاد فرض شد از آن عقب نشینی کردند و از بعضی کلمات منافقانه سر بر می زدو بعضی بامخالفین هم زبان شده خلاف رضای آن حضرت رای می دادند خدای تعالی درین باره آیات فرستاد.

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ
وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ
الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا
﴿٧٥﴾ الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي
سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ
كَانَ ضَعِيفًا ﴿٧٦﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا
الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَامَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ
يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كُتِبَتْ
عَلَيْنَا الْقِتَالُ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ
وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧٧﴾ إِنَّمَا تَكُونُوا
يُذْرِكُكُمْ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِنْ تُصَبِّهُمُ حَسَنَةٌ
يَّقُولُوا هَٰذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصَبِّهُمُ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَٰذِهِ مِنْ
عِنْدِكَ قُلْ كُلُّ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَٰؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ
حَدِيثًا ﴿٧٨﴾ مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ
فَمِنَ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٧٩﴾

﴿۷۵﴾ وچيست شمارا كه درراه خدا جنگ نمى كنيد و (براى رهايى) بيچارگان از مردان و زنان و كودكان^(۱) آنانكه مى گویند اى پروردگار ما بيرون آورمارا ازین دِه كه اهل آن ستمكاراند و براى ما از نزد خود كارسازى مقرر كن و براى ما از نزد خودياری دهنده اى مقرر كن. ﴿۷۶﴾ مومنان درراه خدا مى جنگند و كافران درراه معبود باطل مى جنگند پس جنگ كنید بادوستانِ شيطان هر آئينه حيلهٔ شيطان سست است. ﴿۷۷﴾ آياندیدی به سوى كسانيكه ايشان را گفته شد دستهاى خود را بازدارید^(۲) و نماز را برپاكنید و زكوة را بدهید^(۳) پس چون جنگ نوشته شد برايشان ناگاه گروهى از ايشان از مردمان مى ترسند مانند ترسیدن از خدا يابيشتر و گفتند اى پروردگار ما چرا برماكارزار را نوشتى چرا تازمانى نزديك به ما مهلت ندادى؟ بگوبهره مندى دنيا اندك است و آخرت بهتر است كسى را كه پرهيز گارى كند و مقدارِ رشته اى ستم كرده نخواهيد شد. ﴿۷۸﴾ هر جاكه باشيد مرگ شمارا درمى يابد و اگرچه درمحل هاى محكم باشيد و اگر به ايشان نعمتى برسد گویند اين از نزد خداست و اگر به ايشان شدتِى برسد (يعنى سختى) گویند يا محمد اين از نزد تست بگوهمه از نزد خدا است پس چه حال است اين قوم را نزديك نيستند كه سخنى را بفهمند. ﴿۷۹﴾ آنچه به تو از نعمت رسيد پس از خداست و آنچه به تو از گزند رسيد پس از نزد نفس تست و تورا براى مردمان پيامبر فرستاديم و خدا حاضر و گواه بس است.

(۱) يعنى گرفتاران به دست كفار.

(۲) يعنى جنگ مكنيد.

(۳) يعنى پس قبول كردند.

مَن يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَن تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ
 عَلَيْهِمْ حَفِيفًا ﴿٨٠﴾ وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ
 بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ
 فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا
 ﴿٨١﴾ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ
 لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴿٨٢﴾ وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ
 أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ
 مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ
 عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٣﴾
 فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسُكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ
 عَسَى اللَّهُ أَن يَكْفِيَ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا
 وَأَشَدُّ تَنكِيلًا ﴿٨٤﴾ مَن يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ
 نَصِيبٌ مِّنْهَا وَمَن يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِّنْهَا
 وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْبِتًا ﴿٨٥﴾ وَإِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا
 بِأَحْسَنِ مَنهَا أَوْ رَدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا ﴿٨٦﴾

﴿۸۰﴾ هر که پیامبر را فرمانبرداری کند پس هر آئینه فرمانبرداری خدا کرد و هر که اعراض کرد پس تورا برایشان نگهبان نفرستادیم^(۱). ﴿۸۱﴾ و می گویند فرمانبرداری (در دل مان داریم) پس چون گروهی از ایشان از نزد تو به وقت شب بیرون روند رای زنند غیر آنچه تومی فرمایی و خدای نویسد (یعنی در نامه اعمال) آنچه شب می گویند پس از ایشان اعراض کن و بر خدا توکل نما و خدا کارسازنده بس است. ﴿۸۲﴾ آیا قرآن را تدبیر نمی کنند و اگر از نزد غیر خدا می بود البته در او اختلافی بسیار می یافتند. ﴿۸۳﴾ و وقتیکه بیاید نزد ایشان خبری از ایمنی یا ترس آن را مشهور سازند و اگر آن را به سوی پیامبر و به سوی فرمان روایان از اهل اسلام برمیگردانیدند هر آئینه می یافتند مصلحت آن خبر را از ایشان آنانکه میتوانند بر آوردن مصلحت را و اگر نمی بود بر شما بخشایش خدا و رحمت او البته شما شیطان را پیروی می کردید مگر اندکی. ﴿۸۴﴾ پس جنگ کن (یا محمد) در راه خدا بر تو مؤاخذه نیست مگر از ذات تو و مسلمانان را رغبت ده^(۲) نزدیک است که خدا جنگ کافران را موقوف سازد و خدا به اعتبار جنگ سخت تراست و به اعتبار عقوبت سخت تراست. ﴿۸۵﴾ هر که شفاعت کند شفاعتی نیک و او را بهره ای از ثواب آن باشد و هر که شفاعت کند شفاعتی بد او را حصه ای از عذاب آن باشد و خدا بر همه چیز توانا هست^(۳). ﴿۸۶﴾ و چون به سلامی تعظیم کرده شوید پس تعظیم کنید بکلمه ای بهتر از آن یا مانند همان کلمه جواب دهید هر آئینه خدا بر همه چیز حساب گیرنده هست.

(۱) یعنی این کلمه حق است که خیر از جانب خدا است و شر از جانب بنده لیکن مقصود این مردم ازین کلمه درست نیست و آن اینست که جهاد با جمیع قبائل عرب معقول نیست پس اگر فتح باشد بسی نعمتی غیر مترقب است و اگر هزیمت باشد موافق حال این تدبیر است و چون جهاد به امر الهی است همه خیر است عقل را در آن دخل دادن صحیح نباشد والله اعلم.

(۲) یعنی بر تو رغبت دادنت و بس اگر همراهی نکنند بر تو مؤاخذه نیست والله اعلم.

(۳) یعنی مثلاً سفارش گدای را به توانگری تا او را چیزی بدهد نیک است و سفارش برای سارق تادست او نبُردن درست نیست.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَ بَيْنَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ
 وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ﴿٨٧﴾ * فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ
 فِتْنَةٍ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ
 أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ﴿٨٨﴾ وَدُّوا أَنْ
 تَكْفُرُوا كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُوا سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ
 أَوْلِيَاءَ حَتَّى يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ
 وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ
 وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٨٩﴾ إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ
 وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءَكُمْ حَصْرَتٌ صُدُّوهُمْ
 أَنْ يَقْتُلُوكُمْ أَوْ يَقْتُلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ
 لَسَاطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلقَتُلُوكُمْ فَإِنْ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ
 يَقْتُلُوكُمْ وَالْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ
 عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ﴿٩٠﴾ سَتَجِدُونَ أَخْرَيْنَ يُرِيدُونَ أَنْ
 يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلٌّ مَارَدُّوْا إِلَى
 الْفِتْنَةِ أُرْكَسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعِزَّزْ لَكُمْ وَيُلْقُوا
 إِلَيْكُمْ السَّلَامَ وَيَكْفُوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ
 حَيْثُ تَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ﴿٩١﴾

﴿۸۷﴾ بجز خدا هیچ معبود برحق نیست البته شمارا به روز قیامت که هیچ شکی نیست در آن گرد خواهم آورد و کیست از خدا در سخن راست گو تر^(۱). ﴿۸۸﴾ پس چیست شمارا ای مسلمانان درباره تملق کنندگان دو گروه شدید^(۲) و خدا ایشان را به شومی آنچه کردند نگوئید ساخت آیا می خواهید که راه نمایید (یعنی از جمله راه یابان شمارید) کسی را که خدا او را گمراه ساخت و هر که را خدا گمراه کند برای او هیچ راهی نیابی. ﴿۸۹﴾ این تملق کنندگان آرزو کردند که شما نیز کافر شوید چنانچه ایشان کافر شدند پس برابر باشید پس هیچکس را از ایشان دوست مگیرید تا آنکه در راه خدا هجرت کنند^(۳) پس اگر اعراض کردند (یعنی از اسلام و هجرت) پس ایشان را اسیر گیرید و هر جا که یابید ایشان را بکشید و کسی را از ایشان دوست و یار مگیرید. ﴿۹۰﴾ (اسیر گیرید و بکشید) مگر آنان را که پیوند دارند با گروهی که میان شما و میان ایشان عهد است یا باینند نزد شما حال آنکه تنگ آمده است سینه های ایشان از آنکه بجنگند با شما یا با قوم خویش بجنگند^(۴) و اگر خدای خواست هر آئینه ایشان را بر شما مسلط می ساخت پس با شما می جنگیدند پس اگر این فریق یکسوشوند از جانب شما و نجنگند با شما و بیفکنند به سوی شما پیغام صلح را پس خداوند بر ضد ایشان راهی را در اختیار شما نگذاشته است^(۵). ﴿۹۱﴾ خواهید یافت قومی را که از شما می خواهند ایمن شوند و ایمن شوند از قوم خود هر گاه بازگردانیده می شوند به سوی فتنه انگیزی نگوئید سازنداخته شوند در آن^(۶) پس اگر یکسوشوند از جنگ شما و نیفکنند به سوی شما پیغام صلح را و دستهای خویش را باز ندارند پس ایشان را اسیر گیرید و بکشید هر جا که ایشان را یابید و این گروه شمارا بر ایشان تسلط کامل بخشیده ایم.

(۱) مترجم گوید خدای تعالی بیان می فرماید که به تملق کفار اعتماد نباید کرد.

(۲) یعنی بعضی به تملق فریفته شدند و بعضی نشدند و می بایست که همه به اتفاق فریفته نمی شدند والله اعلم.

(۳) یعنی مسلمان شوند و هجرت کنند.

(۴) مترجم گوید و کسی که ایمان آورد و هجرت نکند حکم او به طریق اولی فهمیده شد والله اعلم.

(۵) یعنی اگر اسلام آورند و هجرت کنند ایشان را دوست باید گرفت و اگر اسلام نیاورند می باید کشت مگر آنکه پیمان داشته باشند و ثابتاً بر عهد و حلفای معاهدان ربه هیچ وجه نتوان ایزداد و الله اعلم.

(۶) صلح می کنند و باز نقض عهد می نمایند والله اعلم.

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَمَنْ قَتَلَ
 مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٌ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ
 إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ
 لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٌ وَإِنْ كَانَ
 مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى
 أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٌ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ
 شَهْرَيْنِ مُتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ
 عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٩٢﴾ وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا
 فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ﴿٩٣﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ
 ءَامَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا
 لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ
 عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ
 كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ
 فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿٩٤﴾

﴿۹۲﴾ و^(۱) نیز دمسلمانی را که مسلمانی را بکشد مگر آنکه قتل به خطاً واقع شود (یعنی به غیر قصد) و هر که مسلمانی را به خطاً بکشد پس لازم است آزاد کردن برده مسلمانی و خون بها به خانواده مقتول سپرده شود مگر آنکه از آن درگذرند پس اگر مقتول از گروه دشمنان شما باشد و او مسلمانیست پس لازم است آزاد کردن برده^(۲) مسلمانی و اگر باشد مقتول از قومی که میان شما و ایشان عهد است^(۳) پس لازم است خون بها به خانواده او سپرده شود و آزاد کردن برده^(۴) مسلمانی پس هر که برده ای را نیابد پس لازم است روزه داشتن دوماه پی در پی (قانونگذاری در كفاره) به جهت قبول توبه از جانب خدا است و خدادانای استوار کار هست^(۵). ﴿۹۳﴾ و هر که مسلمانی را به قصد بکشد پس جزای او دوزخ است جاوید باشد آنجا و پراو خدا خشم گرفته است و او را لعنت کرد و برای او عذابی بزرگ آماده ساخته است. ﴿۹۴﴾ ای مسلمانان چون در راه خدا سفر کنید (یعنی برای جهاد) پس به خوبی بررسی کنید و مگویید کسی را که به سوی شما سلام انداخته است (یعنی اظهار اسلام کرده است) مسلمانی نیستی متاع زندگانی دنیا را می طلبید پس نزد خدا غنیمت های بسیار است پیش ازین هم چنین بودید پس خدا بر شما انعام کرد پس درست بررسی کنید هر آئینه خدا به آنچه می کنید آگاه هست.

(۱) مترجم گوید خدای تعالی احکام قتل خطاً بیان می فرماید و آنکه امتناع از قتل کسیکه به کلمه^{*} اسلام متکلم شد واجب است و فضل مجاهدان و وجوب هجرت از دار کفر به دار اسلام و کیفیت نماز سفر و نماز خوف بیان می کند والله اعلم.

(۲) یعنی مقتول مسلمانی اگر از ساکنان دار الحرب باشد دیت لازم نیست والله اعلم.

(۳) یعنی و او مومن باشد.

(۴) جمهور مفسرین تفسیر ﴿وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَهُمْ بَيْتٌ كَرِيمٌ﴾ در مقتول کافر کردند به ملاحظه آنکه توارث در میان مومن و کافر منقطع است و سبیل دیت سبیل میراث است و این بنده^{*} ضعیف می گوید تمهید مسئله به ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً﴾ و تنقید به «هو مؤمن» در نظیر ما نحن فيه ظاهر است در آنکه اینجا قید ایمان معتبر است و لزوم دیت به جهت وفایه عهدست نه بر سبیل میراث و نظیرش وجوب مهرست در مسئله مؤمنه از قوم متعاهدین در سوره ممتحنه والله اعلم.

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ
 وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ
 الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٩٥﴾ دَرَجَتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً
 وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٩٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ
 طَالِمَى أَنْفُسُهُمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ
 قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ
 جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٩٧﴾ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ
 وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ﴿٩٨﴾
 فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُو عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا ﴿٩٩﴾ * وَمَنْ
 يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافًا كَثِيرًا وَسِعَةً وَمَنْ
 يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ
 وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٠٠﴾ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي
 الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ
 أَنْ يَفْتَنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا ﴿١٠١﴾

﴿۹۵﴾ برابر نیستند نشینندگان غیر معذور از مسلمانان و در راه خدای تعالی به مالهای خویش و جانهای خویش جهاد کنندگان، خدا مجاهدان را به مالهای و جانهای خویش بر نشینندگان در مرتبه برتری داده است و هریکی را خدا وعده بهشت را داده است و افزون داده است خدا مجاهدان را به نسبت نشینندگان پاداش بزرگ^(۱). ﴿۹۶﴾ (آنان را به) مرتبه هاز جانب خویش و آمرزش و بخشایش افزون داده است و خدا آمرزندهٔ مهربان هست. ﴿۹۷﴾ هر آئینه آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان کردند در حالتیکه آنان نسبت به خویشتن^(۲) ستمکار بودند فرشتگان به ایشان گفتند شما در چه حال بودید گفتند در زمین مستضعف بودیم گفتند آیا زمین خدا فراخ نبود تا در آن هجرت می کردید؟ پس آن جماعت جای ایشان دوزخ است و آن بدجایی است. ﴿۹۸﴾ مگر آنانکه به حقیقت بیچاره اند از مردان و زنان و کودکان هیچ چاره نمی توانند و هیچ راه نمی یابند. ﴿۹۹﴾ پس آن جماعت نزدیک است که خدا از ایشان عفو کند و خدا عفو کنندهٔ آمرزنده است. ﴿۱۰۰﴾ و هر که ترك وطن کند در راه خدا بیابد در زمین اقامت گاه بسیار و فراخی معیشت و هر که بیرون رود از خانهٔ خود هجرت کنان به سوی خدا و پیامبر او و سپس در یابد او را موت^(۳) پس به تحقیق که مزد او بر خدا ثابت شد و خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۱۰۱﴾ و چون در زمین سفر کنید پس بر شما گناهی نیست در آنکه قدری از نماز را قصر کنید اگر بترسید از آنکه شما را کافران در بلا افکند هر آئینه کافران دشمن آشکار شما هستند^(۴).

(۱) فائده قید غیر اولی الضرر آنست که در اولی الضرر این حکم مطرد نیست بلکه جمعی باشند از اولی الضرر که نیت صحیحه دارند ثواب عمل کامل یابند والله اعلم.

(۲) یعنی به ترك هجرت از دار الحرب به دار السلام و به تکیف سواد کفار والله اعلم.

(۳) یعنی در راه قبل از وصول به مقصد.

(۴) مترجم گوید مشهور آن است که این آیت در صلوة مسافر نازل شده است و خوف قید اتفاقی است و آنچه نزدیک این بنده رجحان یافته است آنست که این آیت در صلوة خوف نازل شده است و سفر قید اتفاقیست و مراد از قصر در کیفیت رکوع و سجود است که بایمادی ادا میتوان کرد نه در کمیت رکعات والله اعلم.

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِن وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَذَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَّيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِّن مَّطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَّرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿١٠٢﴾

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا ﴿١٠٣﴾ وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْمُونُ فَإِنَّهُمْ يَأْمُونُ كَمَا تَأْمُونُ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٠٤﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُن لِّلْخَائِنِينَ خَصِيمًا ﴿١٠٥﴾

﴿۱۰۲﴾ و چون در میان مؤمنان باشی^(۱) پس برای ایشان نماز را برپا کردی پس باید گروهی از ایشان باتو بایستد و باید که سلاح های خویش را برگیرند پس چون آنان سجده کردند پس باید که پشت سر شما باشند^(۲) و باید که آن گروه دیگر که هنوز نماز نخوانده اند بیاید پس با تو نماز گذارند و باید که حذر^(۳) و سلاح خود را بگیرند آرزو کردند کافران که ای کاش غافل شوید از سلاح های خویش و متاع های خویش پس بر شما يك باره حمله کنند و بر شما هیچ گناه نیست اگر شما را رنجی باشد از باران یا بیمار باشید در آن که سلاح های خویش را به نهید و البته حذر خود را بگیرید هر آئینه خدا برای کافران عذاب رسوا کننده آماده کرده است^(۴). ﴿۱۰۳﴾ پس چون نماز تمام کردید پس خدا را ایستاده و نشسته و برپهلوهای خویش یاد کنید پس چون (آسوده خاطر) مطمئن شدید نماز را برپا کنید^(۵) هر آئینه نماز بر مؤمنان به وقت معین کرده شده فرض هست. ﴿۱۰۴﴾ و سستی مکنید در جستجوی کفار اگر شما دردمند می شوید پس ایشان نیز دردمند می شوند چنانکه شما دردمند می شوید و شما از خدا امید دارید آنچه ایشان را امید نیست و خدا دانای استوار کار هست. ﴿۱۰۵﴾ هر آئینه^(۶) ما به سوی تو کتاب را به راستی فرود آوردیم تا حکم کنی میان مردمان به آنچه تو را خدا شناسانده است و مباحش برای حمایت خیانت کنندگان خصومت کننده.

(۱) یعنی وقت خوف.

(۲) یعنی در مقابل عدو.

(۳) و حذر خود وزره و سپر را گویند.

(۴) مترجم گوید این را صورتها است یکی آنکه امام دوبار نماز گذارد يك بار به این جماعت و دیگری بار به آن جماعت دیگر آنکه امام بایک جماعت يك رکعت گذارد و در قیام توقف کند تا آنکه رکعت دیگر خوانده مقابل عدو روند آن جماعت دیگر آمده اقتدا به امام کنند و رکعت دیگر به آن جماعت خواند در تشهد چندان توقف کند که از رکعت دوم فارغ شوند آنگاه به ایشان سلام دهد این هر دو باصورت های دیگر همه صحیح و ثابت است و همه محتمل آنست والله اعلم.

(۵) یعنی به طریق نماز امن و الله اعلم.

(۶) مترجم گوید مردم ضعیف الاسلام اگر کسی از ایشان مرتکب گناهی می شد برای وی حيله ها بافته پیش آن حضرت بوجهی اظهار میکردند که براءت او بخاطر مبارك می رسید و بایکدیگر خلوت کرده رازها بخلاف رضای شریف در میان می آوردند خدای تعالی آیات فرستاد.

وَأَسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٦﴾ وَلَا تَجِدِ لِعَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا ﴿١٧﴾ يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا ﴿١٨﴾ هَآأَنْتُمْ هَآؤُلَآءِ جَدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَوةِ الدُّنْيَا فَمَنْ يُجِدِ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَمْرًا مِّنْ يَّكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿١٩﴾ وَمَن يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٢٠﴾ وَمَن يَكْسِبِ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٢١﴾ وَمَن يَكْسِبِ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدْ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿٢٢﴾ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ وَلَهَمَّتْ طَآئِفَةٌ مِّنْهُمْ أَن يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَا مِن شَيْءٍ وَأَنزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ﴿٢٣﴾

﴿۱۰۶﴾ و از خدا آمرزش خواه هر آئینه خدا آمرزندهٔ مهربان هست. ﴿۱۰۷﴾ و از کسانی که به خود خیانت می کنند خصومت مکن هر آئینه خدا کسی را که خیانت کننده گنهکار باشد دوست نمی دارد. ﴿۱۰۸﴾ (گناهانشان را) از مردمان پنهان می کنند حال آنکه از خدا نتوانند پنهان دارند و او با ایشان است آنگاه که به شب مشورت میکنند آنچه خدا از تدبیر نمی پسندد و خدا به آنچه میکنند در بر گیرنده هست. ﴿۱۰۹﴾ آگاه باشید شما ای قوم که دفاع می کردید از خیانت کنندگان در زندگانی دنیا پس کیست که از ایشان نزد خدا روز قیامت دفاع کند یا کیست که برایشان کار سازنده باشد. ﴿۱۱۰﴾ و هر که کار بد انجام دهد یا بر خویش ستم کند باز از خدا آمرزش طلبد خدا را آمرزندهٔ مهربان بیابد. ﴿۱۱۱﴾ و هر که گناهی بکند پس جزاین نیست که آن را بر جان خویش می کند و خدا دانای استوارکار هست. ﴿۱۱۲﴾ و هر که خطایی بکند یا گناهی از او سرزند باز به آن بیگناهی را تهمت زند پس بر خود افترا و گناه ظاهر را برداشت. ﴿۱۱۳﴾ و اگر فضل خدا و بخشایش او بر تو نمی بود گروهی از ایشان قصد کرده بودند که تورا گمراه کنند و گمراه نمی کنند مگر خویشان را و هیچ ضرری به تو نرسانند و خدا بر تو کتاب و دانش نازل کرد و تورا آنچه نمی دانستی آموخت و فضل خدا بر تو بس بزرگ است.

*لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ
 أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ
 ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١١٤﴾ وَمَن
 يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ
 سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ
 مَصِيرًا ﴿١١٥﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ
 ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا
 بَعِيدًا ﴿١١٦﴾ إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِ إِلَّا إِنثًا وَإِن يَدْعُونَ
 إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا ﴿١١٧﴾ لَّعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ
 عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ﴿١١٨﴾ وَلَا ضَلَالَتُهُمْ وَلَا مُنِيَّتُهُمْ
 وَلَا مِرَّتُهُمْ فَلَيْتَ كُنَّ أَذَنًا أَلَّا نَعْمَ وَلَا مِرَّتُهُمْ
 فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَن يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّن
 دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا ﴿١١٩﴾ يَعِدُهُمْ
 وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢٠﴾ أُولَٰئِكَ
 مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا ﴿١٢١﴾

﴿۱۱۴﴾ نیست خوبی در بسیاری از مشورت پنهانی ایشان لیکن خوبی در مشورت کسی است که به صدقه یا به کار پسندیده یا به صلاح کاری میان مردمان می فرماید و هر که به طلب خوشنودی خدا این کند پس به زودی پاداش بزرگ بدهیمش. ﴿۱۱۵﴾ و هر که مخالفت پیامبر کند بعد از آنکه او را هدایت معلوم شد و غیر راه مسلمانان را پیروی کند متوجه بکنیمش به آنچه روی کرده ^(۱) و به دوزخ درآریمش و او بدجایی است. ﴿۱۱۶﴾ هر ^(۲) آئینه خدا نمی آمرزد آنکه شریک به او مقرر کرده شود و غیر شرک را برای هر کس که خواهد می آمرزد و هر که با خدا شریک مقرر کند پس به یقین گمراه شد گمراهی دور. ﴿۱۱۷﴾ مشرکان بجز خدا مگر بتانی را که بنام دختران مسمی کرده اند نمی پرستند و مگر شیطان دوررفته از حد را نمی پرستند. ﴿۱۱۸﴾ خدا او را لعنت کرد و شیطان گفت از بندگان توحصه ای که در علم ازلی معین شده بگیرم. ﴿۱۱۹﴾ و البته ایشان را گمراه کنم و البته ایشان را در آرزوی باطل افکنم و البته ایشان را بفرمایم تا گوش چهارپایان را بشگافند و البته بفرمایم ایشان را تا آفرینش خدا را تغییر دهند ^(۳) و هر که شیطان را به جای خدا دوست گیرد پس زیان کار شد زیان ظاهر. ﴿۱۲۰﴾ ایشان را وعده می دهد و ایشان را در آرزو می افکند و ایشان را شیطان وعده نمی دهد مگر به فریب. ﴿۱۲۱﴾ آن جماعت جای ایشان دوزخ است و از آن راه نجاتی نیابند.

(۱) مترجم گوید یعنی قوت دل بیفزایم.

(۲) مترجم گوید از اینجا تغلیظ تحریم شرک می فرماید.

(۳) مترجم گوید یعنی مانند خسی کردن و سوزن زدن بریدن تاسرخ یا کبود گرداندن والله اعلم.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ
تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعْدَ اللَّهِ
حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ﴿١٢٢﴾ لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ
وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ
وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٢٣﴾ وَمَنْ
يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ
فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ﴿١٢٤﴾ وَمَنْ
أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ
مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا ﴿١٢٥﴾ وَلِلَّهِ
مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ
مُحِيطًا ﴿١٢٦﴾ وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ
فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتِمَّى النِّسَاءِ
الَّتِي لَا تُولَدْنَ لَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ
وَالْمُسْتَضَعَّاتِ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ
وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ﴿١٢٧﴾

﴿۱۲۲﴾ و آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند ایشان را به بوستانهایی که می رود زیر آنها جویها درآوریم جاویدان آنجا همیشه خدا به راستی وعده کرده است و کیست راست گوتر از خدا درسخن . ﴿۱۲۳﴾ کار به وفق آرزو های شما ونه به وفق آرزو های اهل کتاب نیست هرکه کاربدبکند به او جزا داده خواهد شد و برای خود غیر از خدا هیچ دوستی ونه یاری دهنده ای نیابد. ﴿۱۲۴﴾ و هرکه از کار های شایسته بکند مرد باشد یا زن در حالیکه اومسلمان باشد پس آن جماعت به بهشت درآیند و مقدار نقیری^(۱) ستم کرده نشوند. ﴿۱۲۵﴾ و کیست نیکوتر به اعتبار دین از کسی که روی خود را برای خدا تسلیم ساخت و اونیکو کاراست و پیروی کرد ملت ابراهیم را در حالتی که حنیف بود و خدا ابراهیم را دوست گرفت. ﴿۱۲۶﴾ و خدا راست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است و خدا به همه چیز در برگیرنده است. ﴿۱۲۷﴾ و از تودرباره زنان طلب فتوی می کنند^(۲) بگو خدا شما را درباره زنان فتوی میدهد و آنچه خوانده می شود بر شما در کتاب نازل شده است در حق آن زنان یتیمه که نمی دهید ایشان را آنچه برای ایشان فرض کرده شده است و رغبت می کنید که ایشان را به نکاح در آورید^(۳) و نازل شده است درباره بیچاره گان از کودکان و حکم است به آنکه به انصاف تعهد حال یتیمان کنید و هر آنچه می کنید از نیکویی خدا به آن دانا هست^(۴).

(۱) یعنی کمترین ذره ای ستم نبینند، نقیر گودی کوچکی است بر پشت هسته خرما، مصحح.

(۲) یعنی چه نوع با ایشان معامله باید کرد و الله اعلم.

(۳) در نکاح زنان یتیمه رغبت می کردند به سبب براعت جمال و حوادث سن در ادای نفقه و مهر کوتاهی می نمودند و الله اعلم.

(۴) جواب این استفتاء تفصیلی داشت پس خدای تعالی بعضی مسائل را حواله فرمود به آیات سابقه و آن مسئله تحریم ظلم بر یتامی النساء است و بعضی را اینجا جواب داد و آن مسئله نشوز و تحریم میل کلی بیک زن و اعراض از زن دیگر و اباحه طلاق در صورت ضرورت و الله اعلم.

وَأِنْ أَمْرَةً خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٢٨﴾ وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٢٩﴾ وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا ﴿١٣٠﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا ﴿١٣١﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿١٣٢﴾ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا ﴿١٣٣﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿١٣٤﴾

﴿۱۲۸﴾ اگرزنی از شوهرش سرکشی یا روگردانی را بترسد پس برایشان گناهی نیست در آنکه به خوبی صلح (وآشتی) در میان خویش برقرار سازند و صلح کاری بهتر است، و نفسها به نزدیک بخل حاضر کرده شده اند^(۱) و اگر نیکوکاری و پرهیزگاری کنید پس هر آئینه خدا به آنچه می کنید دانا هست. ﴿۱۲۹﴾ و نتوانید هرگز عدل کردن میان زنان اگر چه نهایت رغبت کنید پس باری کجی نکنید تمام کجی تا آنکه بگذارید آن زنان را مانند معلقه^(۲) و اگر صلاح کنید و پرهیزگاری نمایید پس هر آئینه خدا آمرزندهٔ مهربان هست. ﴿۱۳۰﴾ و اگر مرد وزن از یکدیگر جدا شوند خدای تعالی هریکی را از توانگری خود کفایت کند خدا جواد استوارکار است. ﴿۱۳۱﴾ و خدای راست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است و هر آئینه آنان را که داده شدند کتاب پیش از شما و شما را نیز حکم فرمودیم که از خدا بترسید و اگر کافر شوید پس هر آئینه خدا راست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است و خدا توانگر ستوده شده هست. ﴿۱۳۲﴾ و خدا راست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است و خدا کارساز پس است. ﴿۱۳۳﴾ اگر خدا خواهد ای مردمان شما را دور کند و دیگران را به وجود آورد و خدا بر این کار توانا هست. ﴿۱۳۴﴾ هر که طالب جزای دنیا باشد (یعنی جزای عمل در دنیا طلب کند) پس نزد خدا ثواب دنیا و آخرت است و خدا شنوا و بیناست^(۳).

(۱) یعنی از بخل غایب نمی شوند و آن را نمی گذارند (و همواره در معرض بخل قرار دارند) والله اعلم.

(۲) مترجم گوید معلقه زن نیست که نه بیوه باشد و نه با او شوهر موافقت کند.

(۳) یعنی پس چرا طالب هر دو نباشید والله اعلم.

*يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ
 عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا
 فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوْا
 أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٢٥﴾ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ءَ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ
 عَلَىٰ رَسُولِهِ ءَ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ
 بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ ءَ وَكُتُبِهِ ءَ وَرُسُلِهِ ءَ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ
 ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١٢٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ءَامَنُوا ثُمَّ
 كَفَرُوا ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ
 سَبِيلًا ﴿١٢٧﴾ بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٢٨﴾ الَّذِينَ
 يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِتَغُونَ
 عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ﴿١٢٩﴾ وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي
 الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ ءَايَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا
 تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ءَ إِنَّكُمْ إِذَا مَثَلْتُمْ
 إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ﴿١٣٠﴾

﴿۱۳۵﴾ ای مسلمانان برپادارندهٔ عدالت، اظهار کننده حق برای خدا باشید و اگر چه بر ضرر خویشتن یا پدر و مادر و خویشاوندان باشد اگر آنکه حق بروی ثابت میشود توانگر باشد یا فقیر به هر حال خدا برایشان مهربان تر است پس پیروی خواهش نفس مکنید از عدل اعراض کنان و اگر سخن را به پیچانید یا رویگردانید پس هر آئینه خدا به آنچه می کنید آگاه هست. ﴿۱۳۶﴾ ای مسلمانان به خدا و پیامبر او و آن کتاب که فرو فرستاده است بر پیامبر خود و آن کتاب که فرو فرستاده است پیش ازین ایمان آورید و هر که به خدا و به فرشتگان او و کتاب های او و پیامبران او و روز آخرت کافر شود پس به یقین که گمراه شد گمراهی دور^(۱). ﴿۱۳۷﴾ بیگمان آنانکه ایمان آوردند باز کافر شدند باز ایمان آوردند باز کافر شدند باز در کفر زیاده روی کردند^(۲) هرگز خدای تعالی ایشان را نیامرزد و هرگز ایشان را راهی ننماید. ﴿۱۳۸﴾ منافقان را به آنکه ایشان را عذاب درد دهنده باشد خبر ده^(۳). ﴿۱۳۹﴾ آن منافقان که کافران را به جای مؤمنان دوست میگیرند آیانزد ایشان ارجمندی می طلبند؟ پس هر آئینه ارجمندی به کلی خدا را است. ﴿۱۴۰﴾ و هر آئینه خدا بر شما در قرآن فرو فرستاده است که چون آیات خدا را بشنوید که به آنها کفر ورزیده میشود و به آنها تمسخر کرده میشود پس منشینید با ایشان تا آنکه در سخنی غیر از آن شروع کنند هر آئینه اگر شما چنین نکنید مانند کافران باشید هر آئینه خدا منافقان و کافران را دست جمعی در دوزخ به هم آورده است.

(۱) مترجم گوید مراد آنست که هر که در ملت اسلامیة داخل شد او را به تفصیل تصدیق این چیزها لازم است.

(۲) یعنی اصرار کردند والله اعلم.

(۳) مترجم گوید از این جا وعید منافقان بیان می فرماید.

الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا
 أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا
 أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعَكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ
 بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
 سَبِيلًا ﴿١٤١﴾ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدِعُهُمْ وَإِذَا
 قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ
 اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٤٢﴾ مُذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى
 هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ﴿١٤٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ
 أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ﴿١٤٤﴾ إِنَّ
 الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا
 ﴿١٤٥﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا
 دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ
 الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٤٦﴾ مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ
 إِنْ شَكَرْتُمْ وَعَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا ﴿١٤٧﴾

﴿۱۴۱﴾ آن منافقان که انتظار شما می کشند پس اگر شما را فتحی از جانب خدا باشد گویند آیا با شما نبودیم^(۱) و اگر کافران را نصیبی باشد گویند یعنی به کافران آیا غالب نشدیم بر شما^(۲) و آیا شما را از ضرر مسلمانان باز نداشتیم^(۳) پس خدا حکم خواهد کرد میان شما روز قیامت و هرگز نگشاید خدا برای کافران راهی را بر (زیان) مومنان^(۴). ﴿۱۴۲﴾ هر آینه منافقان (بگمان خود) خدا را فریب می دهند و خدائیز ایشانرا فریب می دهد و چون منافقان به سوی نماز برخیزند کاهلی کنان برخیزند به مردمان می نمایند و خدا را یاد نمی کنند مگر اندکی. ﴿۱۴۳﴾ مترددند در میان این و آن نه به سوی اینانند و نه به سوی آنان و خدا هر که را گمراه کند پس هرگز برای او هیچ راهی را نیابی. ﴿۱۴۴﴾ ای مسلمانان کافران را به جای مومنان دوست مگیرید آیا می خواهید که برای خدا برخویشتن دلیلی ظاهر را ثابت کنید. ﴿۱۴۵﴾ هر آینه منافقان در طبقه زیرترین از آتش اند و هرگز برای ایشان هیچ باری دهنده ای را نیابی. ﴿۱۴۶﴾ مگر آنکه توبه کردند و اصلاح پیش گرفتند و به (ریسمان) خدا چنگ زدند و دین خود را برای خدا خالص گردانیدند پس آن جماعت همراه مومنانند و خدا مومنان را زود پاداش بزرگ بدهد. ﴿۱۴۷﴾ خدا به عذاب شما چه کار کند اگر شکرگذاری کنید و ایمان آورید و خدا قدر شناس دانا هست.

(۱) یعنی از مزه شما ایم والله اعلم.

(۲) یعنی خواه مخواه شما را مصلحت دادیم که با مسلمانان بجنگید و نگذاشتیم که به مصلحت دیگر عمل کنید والله اعلم.

(۳) یعنی سعی کردیم که ضرر مسلمانان به شما نرسد والله اعلم.

(۴) یعنی نشود که اسلام را مستاصل گردانند والله اعلم.

* لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ
 اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ﴿١٤٨﴾ إِنْ تَبَدُّوا خَيْرًا أَوْ خَفَوْهُ أَوْ تَعَفُّوْا عَنْ
 سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفْوًَا قَدِيرًا ﴿١٤٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ
 بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۖ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ ۖ وَيَقُولُونَ
 نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا
 بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴿١٥٠﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا
 لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿١٥١﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۖ
 وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُولَٰئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ
 أَجْرُهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿١٥٢﴾ يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ
 أَنْ تَنْزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ
 مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ
 ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا
 عَنْ ذَلِكَ ۖ وَآتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَانًا مُّبِينًا ﴿١٥٣﴾ وَرَفَعْنَا قَوْمَهُمُ
 الطُّورَ بِمِثْقَلِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا
 لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِّيثَاقًا غَلِيظًا ﴿١٥٤﴾

﴿۱۴۸﴾ خدا بلند گفتنِ سخنِ بد را دوست نمی دارد مگر از کسی که ستم دیده باشد و خدا شنوای دانا است. ﴿۱۴۹﴾ اگر کارنیک را آشکار کنید یا پنهان کنید آن را یا عفو کنید از ظلمی پس هر آئینه خدا عفو کننده توانا است. ﴿۱۵۰﴾ هر آئینه کسانی که به خدا و پیامبران او کافر می شوند و می خواهند که در میان خدا و پیامبران او تفرقه کنند^(۱) و می گویند ایمان می آریم به بعضی از پیامبران و منکر می شویم به بعضی و می خواهند که در میان این و آن راهی گیرند. ﴿۱۵۱﴾ آن جماعت ایشانند کافران به حقیقت و آماده ساخته ایم برای کافران عذاب رسوا کننده. ﴿۱۵۲﴾ و کسانی که به خدا و پیامبران او ایمان آوردند و در میان هیچ یکی از ایشان تفرقه نکردند آن جماعت خدا ایشان را مزد ایشان خواهد داد و خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۱۵۳﴾ می طلبند از تو اهل کتاب که فرود آوری برایشان کتابی از آسمان (یعنی یکدفعه) پس از موسی سخت تر ازین سوال کرده بودند، گفتند خدا را به ما آشکارا بنما پس ایشان را صاعقه در گرفت به سبب ظلم و ستم ایشان بازگوساله را بعد از آنکه آمد به ایشان معجزه ها معبود گرفتند پس در گذشتیم ازین جریمه و موسی را حجتی ظاهر دادیم^(۲). ﴿۱۵۴﴾ و بالای ایشان طور را برای گرفتن عهد ایشان برداشتیم و گفتیم ایشان را در آید به دروازه سجده کنان و گفتیم ایشان را تجاوز مکنید در روز شنبه و از ایشان عهد محکم را گرفتیم.

(۱) یعنی به خدا ایمان آرند و به پیامبران ایمان نیاورند والله اعلم.

(۲) مترجم گوید ازین جا خدای تعالی ردّ شبهه یهود می کند که قرآن چرایکدفعه مثل الواح موسی نازل نشد و این سخن ممتد است تا ﴿وَتَأْخُذُ الصَّيْبَ لَاتُغْلَظُ﴾، الآية.

فِيمَا نَقَضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكَفَرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ
بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ كُفْرَهُمْ
فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٥٥﴾ وَكَفَرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَنًا
عَظِيمًا ﴿١٥٦﴾ وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ
اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ
اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ
وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ﴿١٥٧﴾ بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا
﴿١٥٨﴾ وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ
الْقِيَمَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا ﴿١٥٩﴾ فِظَلِمَ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا
حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ
كَثِيرًا ﴿١٦٠﴾ وَأَخَذَهُمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ
النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦١﴾ لَكِنَّ
الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ
وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ
وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٦٢﴾

﴿۱۵۵﴾ پس به سبب شکستن ایشان عهد خود را و به سبب کفر ایشان به آیات خدا و کشتن ایشان انبیا را به ناحق و گفتن ایشان که دل‌های ما در پرده است نه بلکه خدای تعالی بردل‌های ایشان به سبب کفر ایشان مُهر نهاده است پس ایمان نیارند مگر اندکی. ﴿۱۵۶﴾ و به سبب کفر ایشان و گفتن ایشان بر مریم بهتان بزرگ^(۱). ﴿۱۵۷﴾ و به سبب گفتن ایشان که هر آینه ما مسیح عیسی پسر مریم را که فی الواقع پیامبر خدا بود کشتیم و او را نکشته اند و او را برادر نکشیده اند و لیکن (حقیقت امر) بر ایشان مشتبه شد و هر آینه کسانی که اختلاف کردند درباره عیسی از حال او در شک اند ایشان را به آن یقینی نیست لیکن پیروی ظن میکنند و او را به یقین نکشته اند. ﴿۱۵۸﴾ بلکه او را خدای تعالی به سوی خود برداشت و خدا غالب استوار کار هست. ﴿۱۵۹﴾ و نباشد هیچ کس از اهل کتاب الا پیش از مردنش به عیسی^(۲) البته ایمان آورد و روز قیامت عیسی بر ایشان گواه باشد. ﴿۱۶۰﴾ پس به سبب ظلمی که از یهود به ظهور آمد بر ایشان چیزهای پاکیزه را که حلال بودند برای ایشان حرام ساختیم و (نیز) به (سزای) بازداشتن ایشان مردمان بسیاری را از راه خدا. ﴿۱۶۱﴾ و (نیز) به سزای ربا گرفتن ایشان حال آنکه از آن منع کرده شده اند و (نیز) به سزای خوردن ایشان اموال مردمان را به ناحق و برای کافران از ایشان (یعنی مصرّان بر کفر) عذاب دردناک مهیا کردیم^(۳). ﴿۱۶۲﴾ لیکن ثابت قدمان در علم از اهل کتاب و مومنان به آنچه فرو فرستاده شده است به سوی تو و آنچه فرو فرستاده شده است پیش از تو ایمان می آرند و (مدح می کنیم) بر پادارندگان نماز را و هم چنین دهندگان زکوة را و ایمان آرندگان به خدا و روز آخر این جماعت زود ایشانرا مُرد بزرگ بدهیم.

(۱) یعنی قذف به زنا.

(۲) مترجم گوید یعنی یهودی که حاضر شوند نزول عیسی را البته ایمان آرند والله اعلم.

(۳) مترجم گوید اگر گوئی انکار عیسی بعد نزول تورات کرده بودند و تحریم لحوم ابل و تحریم ذی ظفر در تورات مذکور بود پس چگونه جزای انکار عیسی باشد گویم نزدیک این بنده ظاهر آنست مراد از تحریم طیبات موقوف داشتن نعمت هاست که سابقاً ایشانرا داده بودند از پادشاهی و نبوت و نصرت و غیر آن و این مشابه آن آیتست ﴿وَضَرَبَ عَلَيْهِمُ الْإِلَٰهَ وَالْمَسْكَنَةَ﴾ الآیه و این آیت ﴿وَحَرَّمَ عَلَى قَرْنِهِ أَهْلَهُ كَيْفَ﴾ و به این صورت جمیع کلام باهم مربوط باشد والله اعلم.

* إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ
 وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
 وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ
 وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا ﴿١٦٣﴾ وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ
 مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى
 تَكْلِيمًا ﴿١٦٤﴾ رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ
 لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا
 ﴿١٦٥﴾ لَكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَكُ
 يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿١٦٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
 وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١٦٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ
 كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ
 طَرِيقًا ﴿١٦٨﴾ إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ
 ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿١٦٩﴾ يَأَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ
 مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ
 مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٧٠﴾

﴿۱۶۳﴾ هرآئینه ما به سوی تو وحی فرستادیم چنانکه به سوی نوح و پیامبران پس از وی وحی فرستادیم و چنانکه به سوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نبیرگان و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی فرستادیم و چنانکه داود را زبور دادیم. ﴿۱۶۴﴾ و چنانکه فرستادیم پیامبرانی که داستان ایشان را پیش (ازین برتوباز) گفته ایم و پیامبرانی که قصه ایشان را به تو نگفته ایم خدا با موسی سخن گفت. ﴿۱۶۵﴾ پیامبران مژده دهندگان و بیم کنندگان را فرستادیم تا مردمان را بر خدا الزامی بعد از فرستادن پیامبران نباشد^(۱) و خدا غالب استوارکار است. ﴿۱۶۶﴾ لیکن خدا گواهی میدهد به آنچه به سوی تو فرو فرستاده است که آن را به علم خود فرو فرستاد و فرشتگان نیز گواهی می دهند و خدا گواه بس است. ﴿۱۶۷﴾ هرآئینه کسانی که کافر شدند و مردمان را از راه خدا بازداشتند به تحقیق گمراه شدند گمراهی دور. ﴿۱۶۸﴾ هرآئینه کسانی که کافر شدند و ستم کردند خدا هرگز ایشان را نیامرزد و ایشان را راهی ننماید. ﴿۱۶۹﴾ مگر راه دوزخ جاویدان آنجا همیشه و این بر خدا آسان هست. ﴿۱۷۰﴾ ای مردمان هرآئینه به شما پیامبر به راستی از جانب پروردگار شما آمد پس ایمان آرید تا ایمان آوردن برای شما بهتر باشد و اگر کافر شوید پس هرآئینه از آن خدا است آنچه در آسمانها و زمین است و خدا دانای استوارکار است.

(۱) یعنی تا نگویند که تقصیر مانیت هیچ پیامبر نزد مانیامده والله اعلم.

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى
 اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ
 وَكَلِمَتُهُ أُلْقِيَتْ إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَآمَنُوا بِاللَّهِ
 وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ
 إِلَهُ وَحْدٌ سُبْحَانَهُ ۚ أَن يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ ۚ وَمَا فِي السَّمَوَاتِ
 وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿١٧١﴾ لَّن يَسْتَنكِفَ
 الْمَسِيحُ أَن يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ
 وَمَن يَسْتَنكِفْ عَن عِبَادَتِهِ ۖ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرْهُمْ
 إِلَيْهِ جَمِيعًا ﴿١٧٢﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ ۚ وَأَمَّا الَّذِينَ
 اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا
 يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧٣﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ
 قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا
 ﴿١٧٤﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ ۖ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي
 رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿١٧٥﴾

﴿۱۷۱﴾ ای^(۱) اهل کتاب در دین خود از حد مگذرید و مگویید برخدا مگر سخنِ راست جز این نیست که مسیح عیسی پسر مریم پیامبرِ خداست و کلمهٔ اوست او را به سوی مریم انداخت و روحی است از جانب خدا پس به خدا و پیامبران او ایمان آورید و مگویید خدایان سه اند باز آید ازین قسمِ گفتار تا این بازماندن شما را بهتر باشد جز این نیست که خدا معبود یگانه است خدا منزّه و برتر از آن است که او را فرزندی باشد برای او است آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است و خداکار سازنده پس است. ﴿۱۷۲﴾ هرگز عیسی از آنکه بندهٔ خدا باشد ننگ ندارد و نه فرشتگان مقرب ننگ دارند و هر که ننگ کند از بندگی او و سرکشی کند پس همگی ایشانرا به سوی خویش خواهد برانگیخت. ﴿۱۷۳﴾ پس اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند پس ایشان را مزدهایشان تمام دهد و ایشان را از فضل خود زیاده دهد و اما کسانی که ننگ داشتند و سرکشی کردند پس عذاب کندایشان را عذاب درد دهنده و برای خویش بجز خداهیچ دوستی و نه هیچ یاری دهنده ای نیابند. ﴿۱۷۴﴾ ای مردمان به تحقیق نزدیک شما دلیلی از پروردگار شما آمد و به سوی شما روشنی آشکار نازل کردیم. ﴿۱۷۵﴾ اما کسانی که به خدا ایمان آوردند و به او چنگ زدند پس زود ایشان را در رحمتی و فضلی (از نزدیک) خود درآرد و ایشان را به سوی خود راه راست بنماید.

(۱) مترجم گوید ازینجا شروع می فرماید در ردّ شبه نصاری و الله اعلم.

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ أَمَرُوا أَهْلَكَ
لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتُ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ
لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلَثَانِ مِمَّا تَرَكَ
وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلَّذَكَرِ مِثْلُ حِظِّ الْأُنثَيَيْنِ
يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٧٦﴾

سورة المائدة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ
إِلَّا مَا يَتَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ
يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ ﴿١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ
وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا ءِمِينَ الْبَيْتِ
الْحَرَامِ يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا
وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوا عَنْ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ
تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ
وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢﴾

﴿۱۷۶﴾ از تو طلب فتویٰ میکنند بگو خدای تعالی شمارا دربارهٔ میراث کلاله فتویٰ میدهد کسیکه پدر و فرزند ندارد اگر مردی بمیرد که فرزندش نیست (یعنی ونه پدر و مادر) و اورا خواهری باشد^(۱) پس خواهرش را است نیمه آنچه گذاشته است و اگر این خواهر بمیرد آن برادر وارث او شود اگر نباشد آنرا فرزندی پس اگر خواهران دو باشند پس ایشان را است دوسوم حصه آنچه گذاشته است و اگر ایشان جماعت باشند مردان و زنان پس مرد راست مانند حصه دوزن بیان می کند خدای برای شما تا گمراه نشوید و خدا به همه چیز داناست.

سوره مائده مدنی است
و آن یکصد و بیست آیه و شانزده رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ ای مومنان وفا کنید به عهد ها (یعنی عهدی که با خدا بسته اید در التزام احکام او تعالی) برای شما چهار پایان از قسم انعام حلال کرده شده مگر آنچه (حکمش) بر شما خوانده میشود^(۲) نه حلال دارند شکار در حالتی که محرم باشید هر آئینه خدا حکم میکند آنچه می خواهد. ﴿۲﴾ ای مسلمانان حرمت شکنی نشانه های خدا ونه ماه حرام را^(۳) ونه قربانی (بی نشان) را ونه آنچه راکه در گردن او قلا ده می اندازند (یعنی نشانه دار) مکنید ونه قصد کنندگان بیت الحرام راکه فضلی از پروردگار خویش و خوشنودی از وی^(۴) می طلبند و چون احرام گشایید پس شکار بکنید - و شما را دشمنی گروهی به سبب آنکه بازداشتند شما را از مسجد الحرام^(۵) بر ظلم و بی عدالتی و ادار نکند و بایکدیگر بر نیکوکاری و پرهیزگاری مدد کنید و برگانه و ستم بایکدیگر همکاری مکنید و از خدا بترسید هر آئینه خدا عقوبت او سخت است^(۶).

(۱) مترجم گوید یعنی اعیانی و اگر نباشد علاقی قایم مقام اعیانی بود.

(۲) یعنی شتر و گاو و گوسفند و این سه قسم را انعام گویند حلال است مگر میته، موقوذه و آنچه ذکرش بیاید والله اعلم.

(۳) یعنی قتال در رجب و ذیقعد و ذی الحجه و محرم نباید والله اعلم.

(۴) یعنی تعرض حاجیان و معتمران مسلمانان نباید کرد و لقطه^{*} ایشان را نباید گرفت والله اعلم.

(۵) یعنی پیش از فتح مکه و پیش از آنکه مسلمان شوند والله اعلم.

(۶) مترجم گوید حکم تغلیظ تحریم قتال در اشهر حرم مخصوص است به مسلمین بدلیل آیت سوره بقره و تحریم تعرض حاجیان نیز به مسلمین آیت سوره براءت و این آیات از آخر منزل است منسوخ داشتن آنها چنانکه عامه مفسرین می گویند درست نمی آید والله اعلم.

حَرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ
 وَالْمُنْخَفَقَةَ وَالْمَوْقُودَةَ وَالْمُتَرَدِّيَةَ وَالنَّطِيحَةَ وَمَا أَكَلَ
 السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا
 بِالْأَزْلَمِ ذَٰلِكُمْ فَسُقُ الْيَوْمَ يَيْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا
 تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ
 نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ
 غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢﴾ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا
 أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ
 مُكَلَّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ
 وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٤﴾
 الْيَوْمَ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلٌّ لَكُمْ
 وَطَعَامُكُمْ حَلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ
 مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ
 مُحْصِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ وَلَا مَتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ
 بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٥﴾

﴿۳﴾ حرام کرده شد بر شما مردار و خون (یعنی خون مسفوح) و گوشتِ خوک و آنچه نام غیر خدا به وقت ذبح بر او یاد کرده شود و آنچه به خفه کردن مرده باشد و آنچه به سنگ یا به عصا مرده باشد و آنچه از جای بلند افتاده، بمیرد و آنچه به شاخ زدن مرده باشد و آنچه درنده خورده باشد مگر آنچه بعد از آفتها ذبح کرده باشید، و آنچه ذبح کرده شود به نام بتها^(۱) حرام است و حرام کرده شد آنکه طلب کنید معرفت قسمت خود به تیرهای فال این همه فسق است - امروز کافران از دین شما ناامید شدند پس مترسید از ایشان و از من بترسید امروز برای شما دین شما را کامل کردم و بر شما نعمت خود را تمام کردم و اسلام را برای شما دین اختیار کردم پس هر که ناچار شود از گرسنگی بدون تمایل به گناه پس هر آئینه خدا آمرزنده مهربان است^(۲). ﴿۴﴾ سوال می کنند تو راجه حلال کرده شد برای ایشان بگو حلال کرده شد برای شما پاکیزه ها^(۳) و آنچه آموخته باشید او را از جانوران شکاری درحالتیکه شکار تعلیم کنندگانید می آموزید این هارا بعض آنچه خدای تعالی شما را آموخته است پس بخورید از آنچه برای شما نگاهداشتند^(۴) و نام خدا را بر آن یاد کنید^(۵) و بترسید از خدا هر آئینه خدا زود حساب کننده است. ﴿۵﴾ امروز حلال کرده شد برای شما پاکیزه ها و طعام اهل کتاب برای شما حلال است و طعام شما برای ایشان حلال است^(۶) و حلال کرده شد برای شما محصنات از زنان مسلمانان و محصنات از زنان کسانیکه پیش از شما کتاب داده شدند چون ایشان را مهرایشان بدهید عفت طلب کنان نه شهوت رانندگان و نه دوست پنهان گیرندگان و هر که نامعتقد اسلام باشد پس عمل او نابود شد و او در آخرت از زیان کاران است^(۷).

(۱) مترجم گوید یعنی بر صورت قبر والله اعلم.

(۲) مترجم گوید یعنی درمخصوصه خوردن مردار جایز است و نزدیک ابی حنیفه فائده لفظ غیر مایل بگناه آنست که زیاده از ضرورت نخورد و نزدیک مالک و شافعی آنست که قاطع طریق و سارق را رخصت نیست و این آیت آخر قرآنست بعد ازین هیچ آیت نازل نشد والله اعلم.

(۳) آنچه عرب پاکیزه دانند والله اعلم.

(۴) مترجم گوید یعنی نخورده و ندیده باشند برای خوردن خود والله اعلم.

(۵) مترجم گوید یعنی وقت فرستادن جانوران شکاری والله اعلم.

(۶) مترجم گوید یعنی آنچه براهل کتاب حلال بود بر شما حلال است مثل گوسفند و گاو و آنچه بر شما حلال کرده شد بر کسیکه از ایشان مسلمان شود حلالست مثل شتر و ذی ظفر و قبیله های یهود و نصاری را درین باب اعتبار نیست والله اعلم.

(۷) مترجم گوید محصنات اینجا نزدیک امام ابی حنیفه بمعنی پارساست و نزدیک شافعی بمعنی آزاد و از ﴿غَيْرِ مُسَفِّحِينَ﴾ مفهوم شده که نکاح متعه درست نیست و از ﴿وَلَا مُتَّحِدَاتِ أَفْئَانٍ﴾ مفهوم شده که نکاح سر و پوشیده درست نیست والله اعلم.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا
وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ
وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا
وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ
الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا
طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ
لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ
وَلِيَتِمَّ نِعْمَتَهُ وَعَلَيْكُمْ لَعَدُكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٦﴾
وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاتَّقْتُمْ
بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ
بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ
لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَى
أَلَّا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ
اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٩﴾

﴿۶﴾ ای مسلمانان چون به سوی نماز برخیزید پس رویهای خود را و دست های خود را تا آرنج ها بشویید و مسح کنید سرهای خود را و پایهای خود را تا شتالنگ بشویید و اگر جنب باشید پس غسل کنید و اگر بیمار یا مسافر باشید یا یکی از شما (از جای قضاء حاجت) از خلا جای بیاید یا با زنان آمیزش کرده باشید^(۱) پس آب را نیابید پس خاك پاك را قصد کنید پس از آن خاك به رویهای خود و دست های خود مسح کنید نمی خواهد خدا که بر شما مشقتی مشروع کند ولیکن می خواهد که شما را پاك سازد و تمام کند نعمت خود را بر شما تا شود که شکر گزاری کنید. ﴿۷﴾ و نعمت خدا را بر خویش یاد کنید و (نیز) پیمان خدا را که با شما به آن پیمان عهد بسته است آنگاه که گفتید شنیدیم و فرمان برداری کردیم^(۲) و برسید از خدا هر آئینه خدا داناست به آنچه در سینه ها باشد. ﴿۸﴾ ای مسلمانان مُتَعَهِّدِ حق خدا باشید به راستی گواهی دهندگان و حمل نکنند شما را دشمنی قومی بر ترك انصاف عدل کنید عدل به پرهیز گاری نزدیک تراست و از خدا بترسید هر آئینه خدا آگاه است به آنچه می کنید. ﴿۹﴾ وعده کرده است خدا به کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند به این مضمون که برای ایشان آمرزش و مزد بزرگ است.

(۱) مترجم گوید یعنی جماع کرده باشید و نزدیک شافعی دست رسانیدن به زنان ناقض وضو است والله اعلم.

(۲) یعنی عهدیکه وقت بیعت بستید والله اعلم.



وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ
 الْجَحِيمِ ﴿١٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَتَ
 اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَن يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ
 فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
 الْمُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾ * وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ
 وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي
 مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَءَاتَيْتُمُ الزَّكَاةَ
 وَءَامَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا
 حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ
 جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ
 مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٢﴾ فِيمَا نَقَضِهِمْ
 مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ
 الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا
 بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ
 فَأَعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣﴾

﴿۱۰﴾ و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند ایشان اهل دوزخ اند. ﴿۱۱﴾ ای مومنان نعمت خدا را بر خویشتن یاد کنید آنگاه که قصد کردند قومی که دستهای خود را به سوی شما دراز کنند^(۱) پس دست های ایشان را از شما باز داشت و از خدا بترسید و بر خدا باید که مومنان توکل کنند^(۲). ﴿۱۲﴾ و هر آئینه خدای تعالی پیمان بنی اسرائیل را گرفت و معین ساختیم از ایشان دوازده سردار و گفت خدا هر آئینه من باشمام مضمون پیمان آنکه اگر نماز را برپا داشتید و زکوة را دادید و معتقد شدید به پیامبران من و ایشان را تقویت کردید و خدا را قرض دادید قرض نیکو^(۳) البته از شما گناهان شمارا نابود سازم و البته شمارا به بوستانهایی که میرود زیر آنها جویها درآورم پس هر که از شما بعد ازین کافر شود پس راه راست را گم کرد. ﴿۱۳﴾ پس ایشان را به سبب شکستن ایشان پیمان خویش را لعنت کردیم و دلهای ایشان را سخت گردانیدیم که تغییر میدهند کلمات را از مواضع آن ها و فراموش کردند قسمتی از آنچه به آن پند داده شدند و پیوسته تو برخیا نتی از ایشان آگاه میشوی مگر اندکی از ایشان پس از ایشان در گذر و اعراض کن هر آئینه خدا نیکوکاران را دوست میدارد.

(۱) یعنی قتال کنند والله اعلم.

(۲) این معجزه چند نوبت متحقق شد از آن جمله آنست که آن حضرت صلی الله علیه وسلم به [مصالحت و] تقریبی به محله یهود رفته بودند شخصی از ایشان خواست که سنگی بالای آن حضرت بافگند خدای تعالی دست آن شخص را بند کرد و از آن جمله آن است که کفار قریش در حدیبیه از جنگ باز ایستادند بعد از آنکه داعیه جنگ داشتند و از آن جمله آنست که یکی از یاران مسیلمه کذاب دست درازی خواست خدای تعالی دست او را کرخت ساخت.

(۳) یعنی در جهاد صرف کردید به توقع ثواب آخرت والله اعلم.

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِي أَخَذْنَا مِيثَقَهُمْ فَنَسُوا
حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ
وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ
بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١٤﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ
جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا
كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ
قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ﴿١٥﴾
يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ
وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ
وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٦﴾ لَقَدْ كَفَرَ
الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا اللَّهُ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ
قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ
الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَوَمَن فِي الْأَرْضِ
جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾

﴿۱۴﴾ و از کسانی که گفتند مانصاری هستیم پیمان ایشان را گرفتیم پس فراموش کردند قسمتی را از آنچه به آن پند داده شدند پس در میان فرقه های نصاری دشمنی و کینه را تا روز قیامت برانگیختیم و زود خدا خبر خواهد داد ایشان را به آنچه می کردند. ﴿۱۵﴾ ای اهل کتاب هر آئینه به شما پیامبر ما آمد بیان می کند برای شما بسیاری از آنچه از کتاب پنهان می داشتید (یعنی از کتاب الهی) و او در گذر میکند از تقصیرات بسیاری (ای اهل کتاب) هر آئینه به شما از جانب خدا نوری و کتابی روشن (یعنی قرآن) آمد. ﴿۱۶﴾ خدا به آن کسی را که طلب رضای او کرد به سوی راه های نجات دلالت می نماید و ایشان را از تاریکی ها به سوی روشنی به اراده خود بیرون می آرد و ایشان را به سوی راه راست دلالت می کند. ﴿۱۷﴾ هر آئینه کافر شدند کسانی که گفتند که خدا همان مسیح پسر مریم است^(۱) بگو که می تواند از خدا چیزی را (از انتقام) اگر بخواهد که عیسی پسر مریم را و مادرش را که مریم است هلاک کند و (نیز) همه آنان را که در زمین اند و برای خدا است پادشاهی آسمان ها و زمین و آنچه در میان این هر دو است می آفریند هر چه را که می خواهد و خدا بر همه چیز تواناست.

(۱) یعنی حلول کرده است در وی.

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّوْهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٨﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِّنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٩﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَتَقَوْمِ ادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَءَاتَاكُمْ مَّا لَمْ يُوْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ ﴿٢٠﴾ يَتَقَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ﴿٢١﴾ قَالُوا يَمُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنَنْدْخُلُهَا حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ ﴿٢٢﴾ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنَّ اللَّهَ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَانْكُرْهُ غَلِبُوتٌ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٣﴾

﴿۱۸﴾ و گفتند یهود و ترسایان مایسرایان خدا بییم و دوستان او بییم^(۱) بگو پس چرا شما را بر گناهان شما عذاب می کند بلکه شما آدمیانید از جنس آنچه پیدا کرده است هر که را خواهد می آمرزد و هر که را خواهد عذاب می کند پادشاهی آسمان ها و زمین و آنچه در میان این هر دو باشد از آن خدا است و به سوی اوست بازگشت. ﴿۱۹﴾ ای اهل کتاب هر آئینه به شما پیامبر ما آمده است برای شما در حالت انقطاع آمدن پیامبران بیان می کند^(۲) تا نگویید که نزدیک ما هیچ مژده دهنده و بییم دهنده ای نیامده آری هر آئینه آمده است به شما مژده دهنده و بییم دهنده و خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۲۰﴾ و یاد کن چون موسی گفت قوم خود را ای قوم من نعمت خدا را بر خویش چون پیدا کرد در میان شما پیامبران را و پادشاه ساخت شمارا یاد کنید و داد به شما آنچه نداد به هیچ کس از جهانیان^(۳). ﴿۲۱﴾ ای قوم من در آید به زمین پاک که آن را خدا برای شما مقرر ساخته است و رویگردان مشوید بر پشتهای خود آنگاه زیان کار گردید (یعنی فرار مکنید). ﴿۲۲﴾ گفتند ای موسی هر آئینه آنجا گروهی هستند زور آور و هرگز ما داخل نشویم آنجا تا آنکه ایشان از آنجا بیرون آیند پس اگر ایشان از آن جا بیرون شوند هر آئینه ما در آییم. ﴿۲۳﴾ گفتند دومرد از اهل تقوی که خدا برایشان انعام کرده بود^(۴) در آید ای قوم بر این جماعت از راه دروازه چون در آمدید به دروازه پس هر آئینه شما غالب باشید و بر خدا توکل کنید اگر مسلمان هستید.

(۱) مترجم گوید یعنی خدا را پدر خود می گفتند والله اعلم.

(۲) یعنی بعد عیسی بجز پیامبر ما هیچ پیامبری مبعوث نشده بود و مدت میان ایشان پانصد شصت سال بود والله اعلم.

(۳) یعنی معجزات عظیمه از قلی بحر (یعنی شکاف دریا) و رفع طور والله اعلم.

(۴) یعنی یوشع و کالب.

قَالُوا يَمُوسَى إِنَّا لَنَدْخُلُهَا أَبَدًا مَادَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ
 أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَتِلَا إِنَّا هُنَا قَاعِدُونَ ﴿٢٤﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي
 لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي ۖ فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ
 الْفَاسِقِينَ ﴿٢٥﴾ قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً
 يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ
 ﴿٢٦﴾ *وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ
 مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ
 قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٢٧﴾ لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَى يَدِكَ
 لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَنَّكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ
 رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٨﴾ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ
 مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ﴿٢٩﴾ فَطَوَّعَتْ
 لَهُ نَفْسُهُ وَقَتَلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ ۖ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٣٠﴾
 فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ ۖ وَكَيْفَ يُورِي
 سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يُوَيَّلَتِي ۖ أَعْجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا
 الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءَةَ أَخِي ۖ فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ ﴿٣١﴾

﴿۲۴﴾ گفتند ای موسیٰ ما هرگز در نیاییم درین زمین هیچ وقت مادامی که ایشان در آنجا اند پس تو پروردگار تو بروید و جنگ کنید هر آینه ما این جاننشته گانیم. ﴿۲۵﴾ گفت (موسیٰ) ای پروردگار من قادر نیستم الا بر خود و برادر خود (یعنی هارون) پس فیصله کن میان ما و میان گروه گناهکاران. ﴿۲۶﴾ گفت خدا پس آن زمین برایشان حرام کرده شده است چهل سال در زمین سرگردان می شوند پس بر گروه ستمکاران اندوهناک مباش^(۱). ﴿۲۷﴾ و بر قوم خود خبر دو پسر آدم را به راستی بخوان چون قربانی را نیاز حق کردند پس از یکی قبول کرده شد و از دیگری قبول کرده نشد^(۲) گفت (قابیل) البته بکشم تو را (هابیل) گفت جزاین نیست که خدا از متقیان قبول می کند. ﴿۲۸﴾ اگر دراز کنی به سوی من دست خود را تا مرا بکشی من هرگز به سوی تودست خود را دراز نکنم تا تو را بکشم هر آینه من از خدا پروردگار جهانیان می ترسم. ﴿۲۹﴾ هر آینه من می خواهم که گناه مرا و گناه خود را ببری پس از اهل دوزخ باشی و این جزای ستمکاران است. ﴿۳۰﴾ پس نفس او در نظر او کشتن برادرش را سهل ساخت پس او را بکشت پس از زیان کاران شد^(۳). ﴿۳۱﴾ پس خدا زاعی را که در زمین میشگافت فرستاد تا بنمایدش چگونه جثه برادر خود را بپوشد گفت ای وای بر من! آیا عاجز شدم از آنکه مانند این زاغ باشم پس جثه برادر خود را می پوشیدم، پس از پشیمان شدگان شد.

(۱) یعنی حکم کردیم که به آن زمین منتفع نشوند چهل سال.

(۲) یعنی هابیل نیکوترین گوسفندی به نیاز بُرد از غیب آتشی ظاهر شد و بخورد و قابیل بدترین گندم پیش آورد و آتش نیازش را نگرفت و این سبب حسد شد والله اعلم.

(۳) بعد از کشتن او ندانست که چگونه او را دفن کند لذا جثه او را بر پشت نهاده میگشت والله اعلم.

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنَّهُ وَمَنْ قَتَلَ
 نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ
 النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ
 جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا
 مِنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ﴿٢٢﴾ إِنَّمَا
 جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي
 الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ
 وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ
 لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ
 ﴿٢٣﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا
 أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا
 اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ
 لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٢٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَ أَنَّ لَهُمْ
 مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ
 عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٦﴾

﴿۳۲﴾ به سبب این حادثه بر بنی اسرائیل حکم کردیم که هر که بکشد کسی را به غیر عوض کسی و به غیر فساد در زمین (یعنی قطع طریق و ارتداد) پس چنانستی که مردمان را همگی کشته است و هر که سبب زندگانی کسی شد پس چنانستی که مردمان را همگی زنده ساخت و هر آئینه به بنی اسرائیل پیامبران ما به نشانه های روشن آمدند باز بسیاری از ایشان بعد ازین در زمین تجاوز کنندگانند^(۱). ﴿۳۳﴾ جزاین نیست که جزای کسانی که با خدا و رسول او جنگ می کنند و می شتابند در زمین به قصد فساد (یعنی رهنی می کنند) آنست که کشته شوند یا بردار کشیده شوند یا دست ها و پاییهای ایشان از جانب مخالف بریده شود^(۲) یا از وطن دور رانده شوند این رسوایی ایشان را دردنیاست و ایشان را در آخرت عذاب عظیم است. ﴿۳۴﴾ مگر کسانی که پیش از آنکه دست یابید برایشان توبه کردند پس بدانید که خدا آمرزنده مهربان است^(۳). ﴿۳۵﴾ ای مسلمانان از خدا بترسید و وسیله قرب به سوی او به طلبید و در راه او جهاد کنید تا رستگار شوید. ﴿۳۶﴾ هر آئینه کسانی که کفر ورزیدند اگر بدست ایشان همگی آنچه در زمین است و همراه او مانند آن باشد تا آنکه به عوض خود دهند آن را از عذاب روز قیامت هرگز از ایشان قبول کرده نشود و ایشان را عذاب درد ناک است.

(۱) یعنی چون از قایل رسم قتل پیدا شد هر قتلی که در جهان واقع شود او را بدان مواخذه کنند همچنین در هر زمانه کسی که رسم کشتن نو می کند به حکم من سنّ سنة سیئه کان له کفل منها - در قتلی که بعد از وی آید شرکی در آن پیدا می نماید پس این جا (من اجل ذلك) به جای علی قیاس ذلك واقع شده است والله اعلم.

(۲) یعنی دست راست و پای چپ و الله اعلم.

(۳) یعنی حد ساقط است و حقوق آدمیان ساقط نیست والله اعلم.

يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا
وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٢٧﴾ وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا
أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَانِ كَلَّا مَنْ اللَّهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ
حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾ فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ
يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٩﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ
لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ
لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٠﴾ يَا أَيُّهَا
الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ
الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ
الَّذِينَ هَادُوا وَسَمَّعُوا لِلْكَذِبِ سَمَّعُونَ لِقَوْمٍ
آخَرِينَ لَمْ يَأْتُواكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ
يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ
فَأَحْذَرُوا وَمَنْ يَرِدِ اللَّهَ فِتْنَتُهُ وَقُلْنَ تَمْلِكُ لَهُ مِنَ اللَّهِ
شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ
فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٤١﴾

﴿۳۷﴾ بخواهند که ازدوزخ بیرون روند و ازدوزخ بیرون روندگان نیستند و ایشان را عذاب دایم است. ﴿۳۸﴾ و مرد دزد وزن دزد دستهای ایشان را ببرید جزای آنچه به عمل آورده اند از طرف خدا عبرتی است و خدا غالب داناست. ﴿۳۹﴾ پس هر آن کس که پس از ستمش توبه کند و کارشایسته بعمل آورد پس هرآئینه خدا به رحمت بروی باز میگردد هرآئینه خدا آمرزنده مهربانست. ﴿۴۰﴾ آیا ندانسته‌ای که برای خود خدا است پادشاهی آسمان ها و زمین، عذاب می کند هر که را خواهد و می آمرزد هر که را خواهد و خدا بر همه چیز تواناست^(۱). ﴿۴۱﴾ ای پیامبر اندوهگین نکند تورا کسانی که در کفر سعی می کنند از آنانکه گفتند به دهان خویش ایمان آوردیم و دلهای ایشان ایمان نیاورده است و از قوم یهود نیز ایشان شنوندگانند سخن دروغ را^(۲) شنوندگانند برای گروه دیگران که هنوز پیش تو نیامده اند^(۳) کلمات را (بعد از ثبوت آنها) در موضع خویش تغییر میدهند گویند اگر داده شوید این حکم مُحَرَّف قبول کنید و اگر آنرا داده نشوید پس احتراز نمایید و هر که خدا ضلالت او را اراده کرده است پس هرگز برای او از خدا چیزی از هدایت ایشان نتوانی آناند که نخواسته است خدا که دلهای ایشان را پاک کند ایشان راست در دنیا رسوایی و ایشان را در آخرت عذاب بزرگ است.

(۱) مترجم گوید در تورات رجم زانی نازل شده بود و یهود تحریف کرده روی زانی را سیاه می کردند و چند تازیانه می زدند و در زمان آن حضرت در میان ایشان زنا واقع شد زانی را پیش آن حضرت بدست منافقان و ذمیان فرستادند به قرار آن که اگر جلد فرمایند بکنیم و اگر رجم فرمایند نکنیم آن حضرت صلی الله علیه وسلم حقیقت رجم را اظهار فرمودند و رجم کردند درین آیات اشاره است به آن قصه .

(۲) یعنی معتقد آن شده‌اند .

(۳) یعنی جاسوسان حریبان‌اند والله اعلم .

سَمِعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَلُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ
 فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ
 يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ
 إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿٤٢﴾ وَكَيْفَ يُحْكُمُونَكَ
 وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ
 ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٣﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ
 فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يُحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْمَوْا
 لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ
 كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ
 وَاخْشَوْنَ اللَّهَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ
 بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ ﴿٤٤﴾ وَكَتَبْنَا
 عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ
 بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ
 قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارٌ لَهُ وَمَنْ
 لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٤٥﴾

﴿۴۲﴾ ایشان سخن دروغ را شنوندگانند حرام را (یعنی رشوت را) خوردنگانند پس اگر پیش تو بیایند حکم کن میان ایشان یا از ایشان اعراض کن و اگر از ایشان اعراض کنی هیچ زبانی نرسانند به تو و اگر حکم کنی پس حکم کن میان ایشان به انصاف هرآئینه خدا عدل کنندگان را دوست میدارد^(۱). ﴿۴۳﴾ و چگونه حَکَم می کنند تورا و نزدیک ایشان تورات است که در آن حکم خداست بازاعراض می کنند بعد ازین و نیستند ایشان معتقدان^(۲). ﴿۴۴﴾ هرآئینه ما تورات را که در آن هدایت و روشنی است فرودآوریم حکم می کنند به آن برای یهود پیامبران که منقاد حُکَم الهی اند و حکم می کنند خداپرستان و احبار ایشان همه حکم میکردند به آنچه حافظ آن گردانیده شده اند از کتاب خدا و برآن گواه بودند^(۳) پس گفتیم از مردمان مترسید و ازمن بترسید و به آیت های من بهای اندک خریدمکنید و هرکه حکم نکند به آنچه خدا فروفرستاده است پس ایشانند نامعتقدان. ﴿۴۵﴾ و لازم ساختیم بریهود در تورات که شخص به عوض شخص است یعنی به عوض او باید کشت و چشم عوض چشم است و بینی عوض بینی است و گوش عوض گوش است و دندان عوض دندان و حکم زخم ها به اعتبار مماثلت است پس هرکه عفو کند از آن زخم پس این عفو ویرا کفارت است و هرکه حکم نکند به آنچه خدا فروفرستاده است پس ایشانند که ستمکارند.

(۱) مترجم گوید یعنی اهل ذمه اگر قضیه خویش به امام رفع کنند اگر خواهد حکم کند و اگر خواهد به زعمای ایشان مفوض نماید والله اعلم.

(۲) یعنی اگر غرض ایشان طلب رضای خدای تعالی می بود بر تورات عمل میکردند لیکن غرض فاسدداشتند.

(۳) یعنی به یقین معلوم کرده بودند که حکم الهی است والله اعلم.

وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ
 مِنَ التَّوْرَةِ ۖ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا
 لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٦﴾
 وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فِيهِ ۖ وَمَن لَّمْ يَحْكَمْ
 بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٤٧﴾ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ
 الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ
 وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ ۖ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ
 عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا
 وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَكُمْ
 فِي مَاءِ آتَانَكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۚ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا
 فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٤٨﴾ وَأَن أَحْكُم بَيْنَهُم
 بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَنْ
 بَعْضِ مَا أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۖ فَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُصِيبَهُم
 بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ ۖ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ ﴿٤٩﴾ أَفَحُكْمَ
 الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ ۚ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٥٠﴾

﴿ ۴۶ ﴾ و در پی این پیامبران عیسیٰ پسر مریم را باوردارنده آنچه پیش از او بوده که تورات است فرستادیم و دادیمش انجیل در آن هدایت و روشنی است و باوردارنده آنچه پیش وی بوده که تورات باشد و برای متقیان هدایت و پند است. ﴿ ۴۷ ﴾ و فرمودیم باید که حکم کنند اهل انجیل به آنچه خدای تعالی در وی فرو فرستاده است و هر که حکم نکند به آنچه خدا فرو فرستاده است پس ایشانند بدکاران. ﴿ ۴۸ ﴾ و به سوی تو کتاب را به راستی فرو فرستادیم باوردارنده آنچه پیش وی است از کتاب و نگهبان بروی^(۱) پس حکم کن در میان ایشان به آنچه خدا فرو آورده است و خواهش های ایشان را اعراض کنان از آنچه آمد به تواز حکم الهی پیروی مکن برای هر گروهی از شما شریعتی و راهی مقرر ساخته ایم و اگر خدا می خواست شما را يك امت می گردانید ولیکن خواست که شما را در آنچه به شما داده است بیازماید پس شتاب کنید به سوی نیکوکاری^(۲) به سوی خدا بازگشت همگی شما است پس شما را به آنچه در آن اختلاف می کردید خبر دهد. ﴿ ۴۹ ﴾ و فرمودیم که حکم کن میان ایشان به آنچه خدا فرو داده است و پیروی مکن خواهش های ایشانرا و از ایشان بترس از آنکه همراه کنند تورا از بعض آنچه خدا به سوی تو فرو فرستاده است پس اگر اعراض کنند پس بدان که می خواهد خدا که ایشان را به سبب بعض گناهان ایشان عذاب کند و هر آئینه بسیاری از مردمان البته بدکارانند. ﴿ ۵۰ ﴾ آیا حکم جاهلیت می خواهند؟ و کیست خوب تر از خدا به اعتبار حکم برای قومی که یقین دارند^(۳).

(۱) یعنی تحریف را از غیر تحریف جدا می سازد والله اعلم.

(۲) یعنی اتباع فرمان الهی در شریعت پیامبر زمان والله اعلم.

(۳) مترجم گوید حاصل این آیات الزام است براهل کتاب که با وجود التزام کتاب بر حسب آن عمل نمی کنند و درین آیات بیان آن است که هر قرن را شریعتی داده اند و بعد از نزول قرآن بجز از متابعت آن متابعت دیگر جایز نیست والله اعلم.

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ
 أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
 الظَّالِمِينَ ﴿٥١﴾ فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسْرِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ
 نَحْشَىٰ أَنْ تُصِيبَنَا دَآئِرَةٌ فَعَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ
 فَيُضْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرَوْا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ ﴿٥٢﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا
 أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ أَنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتِ
 أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ ﴿٥٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ
 مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ
 عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا
 يَخَافُونَ لَوْمَةً لَا يَمِزُ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ
 عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ
 الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿٥٥﴾ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
 وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٥٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوءًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا
 الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾

﴿۵۱﴾ ای مومنان یهود و نصاریٰ را دوست مگیرید بعض ایشان دوست بعض اند و هرکه از شما ایشان را دوست دارد پس هرآئینه او از جمله ایشانست هرآئینه خدا گروه ستمکاران را راه نمی نماید. ﴿۵۲﴾ پس می بینی کسانی را که در دل‌های ایشان بیماری است (یعنی نفاق است) سعی می کنند در دوستی یهود و نصاریٰ می گویند می ترسیم از آنکه بر سرمان بلایی بیاید^(۱) پس نزدیک است که خدا فتح را یا چیزی دیگر را از نزد خود بیارد پس پشیمان شوند بر آنچه در دل‌های خویش پنهان داشتند. ﴿۵۳﴾ و بگویند مومنان (یعنی بعد از فتح و پیروزی) آیا ایشانند آنکه قسم خوردند به خدا سخت ترین سوگند‌های خویش را که البته ایشان همراه شما اند امروز نابود شد عمل‌های ایشان پس زیان کار گشتند. ﴿۵۴﴾ ای مومنان هرکه از شما از دین خود برگردد پس خواهد آورد خدا گروهی را که ایشان را دوست می دارد و ایشان او را دوست می دارند بر مومنان متواضع اند بر کافران درشت طبع اند در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت ملامت کننده نمی ترسند این بخشایش خدا است می‌دهد آن را بهر که خواهد و خدا گشایشگر دانا است^(۲). ﴿۵۵﴾ جز این نیست که خدا و رسول او و مومنانی که نماز را برپا می دارند و زکات را می دهند دوست شمایند و ایشان پیوسته نماز گزارند. ﴿۵۶﴾ و هرکه با خدا و با رسول او و با مومنان دوستی کند پس هرآئینه گروه خدا همونست غالب. ﴿۵۷﴾ ای مسلمانان کسانی را که تمسخر و بازی گرفته اند دین شما را از کسانی که داده شده ایشان را کتاب پیش از شما دوست مگیرید و نه سایر کافران را و بترسید از خدا اگر مسلمان هستید.

(۱) مترجم گوید یعنی احتمال دارد که هزیمت بر اهل اسلام افتد پس موافقت با حریبان مصلحت است.

(۲) مترجم گوید این وعده در زمان حضرت ابو بکر صدیق متحقق شد و مهاجران و انصار و تابعان ایشان با مرتدان جهاد کردند و الله اعلم.

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوا هُزُوعًا وَلِعبَادِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ
لَا يَعْقِلُونَ ﴿٥٨﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنَّا آمَنَّا
بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ ﴿٥٩﴾
قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَن لَّعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ
عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ شَرٌّ
مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ ﴿٦٠﴾ وَإِذَا جَاءَ وَكُفُّوا أَمْنًا وَقَدْ
دَخَلُوا بِالْكَفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ
﴿٦١﴾ وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسْرِعُونَ فِي الْأَثَرِ وَالْعُدُونِ وَأَكْلِهِمْ
السُّحْتِ لَيْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦٢﴾ لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ
وَالْأَحْبَارُ عَنِ قَوْلِهِمْ الْأَثَرُ وَأَكْلِهِمْ السُّحْتِ لَيْسَ مَا كَانُوا
يَصْنَعُونَ ﴿٦٣﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلَعِنُوا
بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا
مِّنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَنًا وَكُفْرًا وَالْقِيَابَتِ هُمُ الْعَادَةُ
وَالْبَغْضَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا
اللَّهُ وَسِعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٦٤﴾

﴿۵۸﴾ و چون به سوی نماز ندا کنید آن را تمسخر و بازی گیرند^(۱) این به سبب آن است که ایشان گروهی هستند که نمی فهمند. ﴿۵۹﴾ بگوای اهل کتاب عیب نمی گیرید بر ما مگر آنکه به خدا و به آنچه فرو فرستاده شده است به سوی ما و به آنچه فرو فرستاده است پیش ازین ایمان آوردیم و (مگر) اینکه بیشترین شما بدکارانند. ﴿۶۰﴾ بگوای شما را به بدتر از این^(۲) به اعتبار جزاء نزد خدا خبر دهم آن بدتر کسی است که او را خدا لعنت کرد و خشم گرفت بروی و از ایشان بوزینه گان و خوکان گردانید و کسیکه معبود باطل را پرستید این گروه به اعتبار جای بدتر اند و گمراه تر اند از راه راست. ﴿۶۱﴾ و چون بیایند پیش شما گویند ایمان آوردیم حال آنکه به کفر درآمدند و به کفر بیرون رفتند و خدا دانا تر است به آنچه می پوشیدند. ﴿۶۲﴾ و می بینی که بسیاری از ایشان در گناه و تجاوز و حرام خواریشان می کوشند البته چه بداست کاری که به عمل آوردند. ﴿۶۳﴾ چرا ایشان را خدا پرستان و دانشمندان از دروغ گفتن ایشان و حرام خوردن ایشان منع نمی کنند؟ هر آینه چه بد است آنچه که می کردند. ﴿۶۴﴾ و گفتند یهود دست خدا بگردن بسته است^(۳) بگردن بسته باد دست های ایشان و ایشان را لعنت کرده شد به سبب آنچه گفتند بلکه دودست او کشاده است خرج می کند چنانچه می خواهد و البته در حق بسیاری از ایشان آنچه فرو فرستاده شد به سوی تراز پروردگار تو نافرمانی و کفر را بیفزاید و در میان فرقه های یهود دشمنی و ناخوشی را تا روز قیامت افگندیم هر گاه که آتشی را برای جنگ برمی افروزند خدا فرو می نشاندش^(۴) و در زمین برای فساد می شتابند و خدا مفسدان را دوست نمی دارد.

(۱) مترجم گوید یعنی به اذان استهزا می کنند والله اعلم.

(۲) مترجم گوید یعنی بدتر از آن عیب داری که شما بیان کردید.

(۳) یعنی بخل دارد.

(۴) یعنی چون می خواهند که با دشمنان خود که متدین به یهودیت نیستند جنگ کنند مقهور و مغلوب می شوند.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَرْنَا عَنْهُمْ
 سَيِّئَاتِهِمْ وَلَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا
 التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا
 مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ
 وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ ﴿٦٦﴾ *يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ
 بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۖ وَإِنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ
 رِسَالَتَهُ ۗ وَاللَّهُ يَعْصُمُكَ مِنَ النَّاسِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
 الْكَافِرِينَ ﴿٦٧﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى
 تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ
 وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا
 فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ
 هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَىٰ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
 وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٩﴾ لَقَدْ أَخَذْنَا
 مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا ۖ كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ
 بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ ﴿٧٠﴾



﴿۶۵﴾ و اگر اهل کتاب ایمان می آوردند و پرهیزگاری میکردند البته از ایشان گناهان ایشان را نابود می ساختیم و البته ایشان را به بوستان های پرنار و نعمت درمی آوردیم. ﴿۶۶﴾ و اگر ایشان حکم تورات و انجیل را برپا می داشتند و آنچه فرود آورده شده است به سوی ایشان از پروردگار شان^(۱) البته می خوردند از بالای خود و از زیر پایهای خود (یعنی از برکات آسمانی و زمینی برخوردار می شدند) از ایشان گروهی میانه رو هست و بسیاری از ایشان بدچیز است که می کنند^(۲). ﴿۶۷﴾ ای پیامبر آنچه فرود آورده شده است به سوی تواز جانب پروردگار تو برسان و اگر نکردی^(۳) نرسانده باشی پیغام خدا را و خدا تورا از مردمان نگاهدارد هر آئینه خدا گروه کافران را راه نمی نماید. ﴿۶۸﴾ بگو ای اهل کتاب بر چیزی نیستی، تا آنکه حکم تورات و انجیل را برپا کنید و آنچه به سوی شما از پروردگار شما فرو فرستاده شده است^(۴) و البته در حق بسیاری از ایشان آنچه فرو فرستاده شده است به سوی تواز جانب پروردگار تو (یعنی قرآن) طغیان و کفر را بیفزاید پس بر قوم کافران اندوهگین مشو^(۵). ﴿۶۹﴾ هر آئینه مسلمانان و یهودان (و همچنین است) حال ستاره پرستان و ترسایان هر که از ایشان به خدا و روز آخر ایمان آورد و کارشایسته کرد برایشان هیچ ترس نیست و ایشان اندوهگین نشوند^(۶). ﴿۷۰﴾ به یقین ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم و به سوی ایشان پیامبران را فرستادیم هر گاه به ایشان پیامبری به آنچه دوست نمی داشت نفس های ایشان می آورد گروهی را تکذیب می کردند و گروهی را می کشتند.

(۱) یعنی سایر کتب سابقه.

(۲) مترجم گوید حاصل آن است که اگر برپا می داشتند حکم تورات و انجیل را پیش از نزول قرآن و پیش از آنکه حضرت پیامبر صلی الله علیه و سلم مبعوث شود برکت فراوان نصیب ایشان می شد لیکن مخالفت کردند پس بانواع بلا مبتلا گشتند و الله اعلم.

(۳) یعنی اگر يك آیت هم نرساندی والله اعلم.

(۴) مترجم گوید یعنی قرآن و سایر کتب سابقه.

(۵) مترجم گوید حاصل آنست که بروفق قول خود ملزم می شوند زیرا که التزام شرعی می کنند و بر حسب آن نمی روند و قطع نظر از انکار قرآن و الله اعلم.

(۶) یعنی در اصل از هرفرقه که باشد چون ایمان آورد از اهل نجات است و خصوصیت فرق را اعتبار نیست والله اعلم.

وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَصَمُوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ
 عَمُوا وَصَمُوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٧١﴾
 لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ
 يَبْنِي إِسْرَءِيلَ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ
 بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا
 لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿٧٢﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ
 ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا
 عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٣﴾
 أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونََهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٧٤﴾
 مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ
 صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ فَانْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ
 ثُمَّ انْظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿٧٥﴾ قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا
 يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٧٦﴾ قُلْ
 يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ
 قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ ﴿٧٧﴾

﴿۷۱﴾ و پنداشتند که هیچ عقوبت نخواهد بود پس کور شدند و کر گشتند پس خدا برایشان به رحمت بازگشت^(۱) پس بسیاری از ایشان بازگور شدند و کر گشتند و خدا بیناست به آنچه می کنند. ﴿۷۲﴾ هرآینه کسانی که گفتند خدا همان است عیسیٰ پسر مریم کافر شدند و گفته بود عیسیٰ ای بنی اسرائیل خدا را بپرستید پروردگار من و پروردگار شما هرآینه کسی که شریک خدا مقرر می کند خدا بهشت را بروی حرام کرده است و جای اودوزخ است و ستمکاران را هیچ یاری دهنده ای نیست^(۲). ﴿۷۳﴾ هرآینه کافر شدند کسانی که گفتند که خدا سوم سه کس است^(۳) و هیچ إله برحق نیست مگراله یگانه و اگرباز نیابند از آنچه می گویند قطعاً کافران را از ایشان^(۴) عذابی درد دهنده خواهد رسید. ﴿۷۴﴾ آیار جوع نمی کنند به سوی خدا و از او آمرزش نمی طلبند و خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۷۵﴾ نیست عیسیٰ پسر مریم مگر پیامبری به یقین گذشته اند پیش از وی پیامبران و مادر او بسیار راستکردار بود هر دو طعام را می خوردند بین چگونه برای ایشان نشانه ها را بیان می کنیم باز بین چگونه گردانیده می شوند^(۵). ﴿۷۶﴾ بگو آیاعبادت می کنید بجز خدا چیزی را که نمی تواند برای شما زیانی و نه سودی و خدا همان شنوای دانا است. ﴿۷۷﴾ بگوای اهل کتاب از حمدگذرید در دین خود به ناحق و خواهشات نفس های قومی را که به یقین گمراه شدند پیش ازین پیروی مکنید و گمراه کردند مردمان بسیاری را و از راه راست گمراه شدند^(۶).

(۱) یعنی محمد صلی الله علیه وسلم را فرستاد والله اعلم.

(۲) اعتقاد حلول نوعی از شرک است.

(۳) یعنی در مرتبه الوهیت سه کس هستند یکی خدا و دیگری عیسیٰ و سوم روح القدس والله اعلم.

(۴) یعنی اهل اصرار را از ایشان.

(۵) یعنی از معرفت حق.

(۶) یعنی پیشوایان یهودیت و نصرانیت که برای ایشان مذهب قرار داده اند والله اعلم.

لِعَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَى لِسَانِ
 دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا
 يَعْتَدُونَ ﴿٧٨﴾ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ
 لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧٩﴾ تَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ
 يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ
 أَنفُسُهُمْ أَن سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ
 خَالِدُونَ ﴿٨٠﴾ وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
 أَنزَلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوا هُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا
 مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٨١﴾ * لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً
 لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ
 أَقْرَبَهُمْ مَّوَدَّةَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِيَّ
 ذَلِكَ يَأْتِيهِمْ مِنْهُمْ قَسِيسِينَ وَرُهَبَانًا وَأَنَّهُمْ
 لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٨٢﴾ وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى
 الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا
 مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨٣﴾

﴿۷۸﴾ کافران را از بنی اسرائیل بر زبان داود وعیسی پسر مریم لعنت کرده شد این به سبب آنست که نافرمانی میکردند و از حد میگذشتند. ﴿۷۹﴾ بودند که يك دیگر را از آن عمل زشتی که مرتکب آن شدند منع نمی کردند البته چه بد است چیزی که میکردند. ﴿۸۰﴾ می بینی که بسیاری از ایشان با کافران (یعنی با مشرکان) دوستی میکنند البته بد چیز است که پیش فرستاده است برای ایشان نفسهای ایشان آن چیز خشم گرفتن خداست بر ایشان و ایشان در عذاب جاوید اند. ﴿۸۱﴾ و اگر بودند که به خدا و پیامبر (یعنی پیامبر خود) و آنچه فرو فرستاده شده است به سوی وی ایمان می آوردند البته مشرکان را دوست نگرفتند ولیکن بسیاری از ایشان فاسقانند. ﴿۸۲﴾ البته سخت ترین مردمان را در عداوت با مسلمانان یهود و مشرکان را بیابی. و البته نزدیک ترین مردمان را در دوستی با مسلمانان کسانی را که گفتند مانصاری ایم بیابی این به سبب آن است که از جنس ایشان دانشمندان و گوشه نشینان هستند و به سبب آنست که ایشان تکبر نمیکنند. ﴿۸۳﴾ و چون بشنوند آنچه فرو فرستاده شده بر پیامبر بینی چشم های ایشان را اشک میریزد به سبب آنچه از حق شناختند می گویند ای پروردگار ما ایمان آوردیم پس ما را باشاهدان بنویس^(۱).

(۱) یعنی جماعتی که اکمل امت باشند والله اعلم.

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا
رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ ﴿٨٤﴾ فَأَثْبَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ
الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٥﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ
أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿٨٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحْرِمُوا
طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
الْمُعْتَدِينَ ﴿٨٧﴾ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا
وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ
بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ
فَكَفَّرْتَهُوَ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ
أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ
ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَرَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا
أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٨٩﴾
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ
رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٩٠﴾

﴿۸۴﴾ و چیست ما را که به خدا و آنچه آمده است به ما از دین راست ایمان نیاوریم و چیست ما را که طمع نکنیم که ما را پروردگار ما (دربهشت) باقوم صالحان داخل کند. ﴿۸۵﴾ پس خدا ایشان را برآن مقوله ای که گفتند بوستانهایی که میروند زیر آنها جویها جاویدان در آنجا جزا داد و این پاداش نیکوکاران است^(۱). ﴿۸۶﴾ و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند ایشان اهل دوزخ اند. ﴿۸۷﴾ ای مومنان حرام مکنید لذایذ آنچه را خدا حلال ساخته است برای شما و از حد مگذرید هر آینه خدا از حد گذرندگان را دوست نمیدارد. ﴿۸۸﴾ و بخورید از آنچه خدا شما را روزی داده است حلال و پاکیزه و بترسید از آن خدا که شما به وی ایمان آوردید^(۲). ﴿۸۹﴾ خدا از شما به لغو درسوگند های شما بازخواست نمی کند ولیکن بازخواست می کند شما را به آن سوگندها ای که به قصد محکم کردید^(۳) پس کفاره^(۴) یمین منعده خوراك دادن ده مسکین است از جنس میانه از آنچه اهل خود را می خورانید یا پوشش دادن ایشان یا آزاد کردن برده است پس هر که نیابد لازم است روزه داشتن سه روز اینست کفاره^(۵) سوگندهای شما چون سوگند خورید (یعنی و حاث شوید) و سوگند های خود را نگاهدارید^(۶) همچنین بیان می کند خدا برای شما آیه های خود را تاباشد که شما شکر کنید. ﴿۹۰﴾ ای مسلمانان جزاین نیست که خمر و قمار و نشانهای معبودان باطل و تیرهای فال پلید است از کردار شیطان است پس از وی احتراز کنید تاباشد که شما رستگار شوید.

(۱) مترجم گوید در آیات مذکوره اشاره است به فضیلت قومی از نصاریٰ حبشه که همراه جعفر طیار بخدمت آن حضرت آمده مسلمان شدند والله اعلم.

(۲) یعنی ترك نکاح یا ترك خوردن کم و امثال آن درست نیست والله اعلم.

(۳) مترجم گوید یعنی به لغو کفاره واجب نیست چنانکه ازدور شبیهی بیند و به گمان گوید که والله زید است و زید نباشد و بریمین منعده اگر حاث شود کفاره واجب است چنانکه گوید والله این طعام را نخورم یا درین خانه در نیام و علی هذا القیاس والله اعلم.

(۴) یعنی تا مقدور حاث نشوید والله اعلم.

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ
 فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ
 الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿٩١﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
 الرَّسُولَ وَأَحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ عَلَى رَسُولِنَا
 الْبَلْغُ الْمُبِينُ ﴿٩٢﴾ لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 ثُمَّ اتَّقَوْا ءَامَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ
 الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِبَلْوَنَكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ
 مِّنَ الصَّيِّدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ
 بِالْغَيْبِ فَمَن أَعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٤﴾ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيِّدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَن قَتَلَهُ
 مِنْكُمْ مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا
 عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَرَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ
 أَوْ عَدْلٌ ذَلِكِ صِيَامًا لِّذَوْقٍ وَبِالْأَمْرِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا
 سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ﴿٩٥﴾

﴿۹۱﴾ جزاین نیست که شیطان می خواهد که در میان شما دشمنی و ناخوشی بیندازد به سبب خمر و قمار و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد پس آیا شما اکنون دست بردارنده اید. ﴿۹۲﴾ و خدا را فرمانبرداری کنید و پیامبر را فرمانبرداری کنید و بترسید پس اگر رویگردانیدید پس بدانید که بر پیامبر ما مگر پیغام رسانیدن آشکار نیست. ﴿۹۳﴾ نیست بر کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند گناهی در آنچه خوردند^(۱) چون پرهیزگاری کردند و ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند باز پرهیزگاری کردند و نیکوکاری نمودند و خدا نیکو کاران را دوست میدارد^(۲). ﴿۹۴﴾ ای مسلمانان البته خدا شما را به چیزی از شکار که برسد به آن دستهای شما و نیزه های شما می آزماید تا متمیز کند خدا کسی را که غایبانه از وی می ترسد پس هر که بعد ازین تجاوز کند برای او عذاب درد ناک است. ﴿۹۵﴾ ای مسلمانان چون احرام بسته باشید صید را مکشید و هر که او را از شما به قصد بکشد پس جزا واجب است و آن جزا مانند آن چیز است که او را کشته است از جنس چهارپایان که به آن دو صاحب عدالت از شما حکم کنند آن چهارپایه قربانی باید رسیده به کعبه باشد یا آن جزا کفاره^۳ است که به فقیران غذا بدهد یا برابر آن روزه گیرد تا جزای کردار خود را بچشد عفو کرده است خدا از آنچه گذشت و هر که دیگر بار کند خدا از وی انتقام می گیرد و خدا غالب صاحب انتقام است^(۳).

(۱) یعنی قبل از تحریم.

(۲) مترجم گوید یعنی آنچه قبل از تحریم خوردند عفو است چون در تقویٰ رسوخ پیدا کردند و این سخن بدان ماند که کسی گوید باتو احسان کنم و باز بتو احسان کنم به معنی آنکه پیوسته احسان کنم والله اعلم.

(۳) مترجم گوید جزای صید یکی از سه چیز تواند بود مماثل صید را در حرم ذبح کند و مماثلت نزدیک شافعی به خلقت و هیئت است و نزدیک ابی حنیفه به قیمت یا به قیمت صید طعام خرید نماید و به مسکینان دهد و نزدیک شافعی هر مسکینی را مدی و نزدیک ابی حنیفه هر مسکینی را نیم صاع از گندم یا یک صاع از جو یا به شمار مسکینان علی اختلاف المذهبین روزه دارد والله اعلم.

أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلْسَّيَّارَةِ
وَحَرَّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدَ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي
إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٩٦﴾ جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ
قِيَمًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلْبَدِ ذَلِكُمْ لِتَعْلَمُوا
أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ
شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٩٧﴾ أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ
غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٩٨﴾ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا
تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿٩٩﴾ قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ
وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ
لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ ﴿١٠٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَن
أَشْيَاءَ إِن تَبْدَلَ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ وَإِن تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنْزَلُ
الْقُرْءَانُ تَبَدَّلَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٠١﴾
قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ ﴿١٠٢﴾ مَا جَعَلَ
اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ
كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٣﴾

﴿۹۶﴾ برای شما شکار دریا و خوردن آن حلال کرده شد تا منفعت باشد برای شما و برای قافله و حرام کرده شد بر شما شکار خشکی و بیابان تا ما دامی که محرم باشید و بترسید از آن خدا که به سوی وی حشر کرده خواهید شد. ﴿۹۷﴾ خدای تعالی کعبه را که خانه بزرگوارست و ماه حرام و قربانی (بی نشان) و قربانی نشاندار را مایهٔ قوام (امور) مردمان گردانید، این بیان برای آنست که تا بدانید که خدا میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و تا بدانید که خدا به همه چیز دانا است. ﴿۹۸﴾ بدانید که عقوبت خدا سخت است و آنکه خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۹۹﴾ نیست بر پیامبر مگر رسانیدن پیغام و خدا می داند آنچه را که آشکار می کنید و آنچه پنهان می کنید. ﴿۱۰۰﴾ بگو (ای محمد) پلید و پاک برابر نیست و اگر چه در عجب آرد تو را بسیاری پلید، پس از خدا بترسید ای خداوندان خردتار ستگار شوید^(۱). ﴿۱۰۱﴾ ای مسلمانان از آن چیزها ای که اگر ظاهر کرده شود حقیقت آنها پیش شما غمگین کند شما را سوال نکنید و اگر از آن وقتیکه فرود آورده می شود قرآن سوال کنید البته ظاهر کرده شود برای شما خدای تعالی از آن سوالات عفو کرد و خدا آمرزنده بردبار است^(۲). ﴿۱۰۲﴾ به راستی سؤال کرده بودند قومی پیش از شما از مثل آن چیزها باز به آنها کافر شدند. ﴿۱۰۳﴾ خدای تعالی هیچ بحیره و نه سائبه و نه وصیله و نه حام را مشروع^(۳) نکرده است ولیکن کافران بر خدا دروغ می بندند و بسیاری از ایشان در نمی یابند.

(۱) مترجم گوید یعنی مال حرام و مال حلال برابر نیست اگر چه حرام بسیار جمع می شود والله اعلم.

(۲) مترجم گوید بعض مردم از آن حضرت به غیر ضرورت سوال میکردند یکی گفت پدر من کیست و دیگری گفت که مرجع من بهشت است یا دوزخ درین باب نازل شد.

(۳) مترجم گوید اهل جاهلیت احکامی چند اختراع کرده بودند و در آنها به قول اسلاف خود تمسک مینمودند از آن جمله بحیره و آن ماده شتری است که او را برای بتان مقرر میکردند و شیر او را یکی نمیدادند بعد از اینکه پنج بار بزایدو آخرین نر باشد و سائبه که برای بتان جانور را میگذاشتند و بار بر پشت او نمی نهادند و وصیله و آن ماده شتریست که اول بار در اول عمر شتر ماده بزاید بعد از آن به غیر فصل دیگر بار ماده زاید پس آنرا برای بتان میگذاشتند و بعد از آنکه از حملی چند بچه گرفتند او را معاف داشتند از رکوب و جز آن و او را حام می گفتند خدای تعالی این همه را فسخ فرمود و آیه فرستاد.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ عِبَادَةً أُولَئِكَ كَانُوا مِنْهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
 شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٠٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ
 لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا
 فِئْتَبَتُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ
 بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا
 عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ
 فَأَصَبْتَكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْسِبُوهَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ
 فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ أَرَبْتُمْ لَا تَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا
 قُرْبَى وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَمِنَ الْآثِمِينَ ﴿١٠٦﴾ فَإِنْ عَثَرَ
 عَلَى أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَآخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ
 اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوَّلَيْنِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ
 شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٧﴾ ذَلِكَ أَدْنَى
 أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَى وَجْههَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَنُ بَعْدَ
 أَيْمَنِهِمْ فَلَاتَقُوا اللَّهَ وَأَسْمِعُوا اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿١٠٨﴾

﴿۱۰۴﴾ و چون گفته شود ایشان را به سوی آنچه فرو فرستاده است خدا و به سوی پیامبر بیاید گویند ما را آنچه بر آن یافتیم پدران خود را بس است و اگر چه پدران ایشان هیچ چیزی نمی دانستند و هیچ راه نمی یافتند. ﴿۱۰۵﴾ ای مسلمانان خویشتن را محافظت کنید ضرر نمی رساند شما را کسی که گمراه شد چون شما راه یاب شدید باز گشت همگی شما به سوی خداست پس شما را به آنچه عمل می کردید خبر دهد^(۱). ﴿۱۰۶﴾ ای مسلمانان (نصاب) شهادت در میان شما هنگام وصیت چون به یکی از شما موت برسد دو کس اندکه از شما صاحب عدالت باشند یا اگر شما در حال سفر در زمین باشید پس آنگاه به شما مصیبت موت رسد دو تن از غیر خودتان است اگر شک داشته باشید ایشان را بعد از نماز (یعنی نماز عصر) بازدارید پس قسم خورند بخدا که به عوض سوگند خدایهای دنیا را خرید نمی کنیم و اگر چه کسیکه برای نفع او گواهی میدهم صاحب قربت باشد و پنهان نمی کنیم گواهی خدا را^(۲) هر آینه ما آنگاه از گنهگاران باشیم. ﴿۱۰۷﴾ اگر^(*) اطلاع واقع شد بر آنکه این دو گواه گناهی حاصل کردند^(۳) پس دو کس دیگر که قربت قریبه داشته باشند به جای آنها از کسانی که مال را حق خود ساختند بر هر یکی از دو گواه دروغ به زیر دستی برایشان بایستند^(۴) پس سوگند خورند به خدا که گواهی ما درست تراست از گواهی آن دو و از حد تجاوز نکرده ایم هر آینه ما آنگاه از ستمکاران باشیم. ﴿۱۰۸﴾ این اسلوب نزدیک تراست به آنکه گواهی را بوجه آن بیارند (یعنی بروجهی که باید در گواهی دادن) یا بترسد از آنکه رد کرده شود سوگندها بعد از سوگند های ایشان^(۵) و از خدا بترسید و حکم او را بشنوید و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی نماید^(۶).

- (۱) یعنی اگر شما صلاح کردید و شرط امر به معروف و نهی از منکر به جا آوردید مخالفت مخالفان ضرر نمی کند والله اعلم.
- (۲) ایضاً مترجم گوید مسلمانی را اگر اتفاق سفر افتاد و در جائی که هیچ مسلمان نبود مختصر شد ناچار دومی را ترکه خود سپرد کرد و بروصیت خود گواه ساخت، ایشان از آن ترکه جام نقره ای را خیانت کردند و چون اولیای میت از ایشان مطالبه نمودند قسم خوردند که مابه آن اطلاع نداریم بعد از آن آن جام نزدیک صواغی پیدا شد گفت که این دومی بدست من فروختند درین باره آیت نازل شد و دو کس از اولیای میت قسم خورده آن جام را گرفتند.
- (*) توضیح: پس اگر اطلاع حاصل شد که آنها مرتکب گناهی شده اند پس دو گواه از اقارب نزدیک میت که نسبت به اقارب دیگر میت مستحق میراث اویند جانشین آن دو گواه شوند مصحح.
- (۳) یعنی گواه حق که خدایه آن فرموده ندادند والله اعلم.
- (۴) یعنی گواهی دروغ دادند و به دروغ قسم خوردند.
- (۵) یعنی اگر کسی داند که بعد از سوگند من سوگند مدعی نخواهد بود سوگند دروغ می خورد و اگر بداند که چون کذب او ظاهر شود مدعیان را سوگند دهند و حق به سوگند ایشان ثابت شود از سوگند دروغ احتیاط می کند.
- (۶) مترجم گوید تاویل آیت به مذهب شافعی آن است که مراد از شهادت وصیت است و از منکم من اقاربکم و ذکر انثین برای احتیاط و قسم دادن به جهت مداعلیه بودن درین دعوی که خیانت کرده اند و تعیین صلوة عصر به جهت تغلیط یمین و اختیار اثثین برای احتیاط و اقامت اولیان به جهت مداعلیه بودن برایشان در دعوی که به جهت حذر خود تقریر میکند چنانچه در صورت مذکوره دعوی اشتراء کرده بودند و ان ارتبم، فان عثر اشارتست بتوجه دعوی کسی و به مذهب ابی حنیفه مانند آن است مگر آنکه تعیین صلوة عصر به جهت آنست که قضاة در محکمه همین وقت می نشستند پس گویا که گفته شد در محکمه قضا والله اعلم.

*يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمْ قَالَوَالَاَعْلَمْنَا
 إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّمُ الْغُيُوبِ ﴿١١٩﴾ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ
 اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ
 الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ
 الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ
 مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ
 طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ
 الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَنْكَ إِذْ
 جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا
 إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿١٢٠﴾ وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْخَوَارِجِ أَنْ ءَامِنُوا
 بِرِسُولِي قَالُوا ءَامَنَّا وَأَشْهَدُ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ ﴿١٢١﴾
 إِذْ قَالَ الْخَوَارِجُ يَٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ
 أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ
 مُؤْمِنِينَ ﴿١٢٢﴾ قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا
 وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَّقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿١٢٣﴾

﴿۱۰۹﴾ یادکن آن روز را که خدا پیامبران را جمع کند پس بگویند شمارا چه جواب داده شد گویند ما را هیچ دانش نیست هرآینه داننده غیبهها تویی^(۱). ﴿۱۱۰﴾ آن وقت که گوید خدای تعالی ای عیسیٰ پسر مریم یادکن نعمت مرا برخویش و بروالده^۲ خویش چون قوت دادم تورا به روح القدس (یعنی به جبریل علیه السلام) سخن می گفتی بامردمان در گهواره و درحالت معمری و چون تورا کتاب و دانش و تورات و انجیل آموختم و چون پیدا می کردی ازگل مانند شکل مرغ به حکم من پس دم می زدی دروی پس می شد مرغی به حکم من و به می کردی کورمادرزاد را و برص دار را به حکم من و چون مردگان را (زنده ازگور) به حکم من بیرون می آوردی^(۲) و چون بازداشتیم شر بنی اسرائیل را ازتو آنگاه که به نزد ایشان معجزه ها آوردی پس کافران ازایشان گفتند این مگرسحر آشکار نیست. ﴿۱۱۱﴾ و چون الهام فرستادم به سوی حواریان که ایمان آرید به من و به پیامبر من گفتند ایمان آوردیم و گواه باش یا عیسیٰ برآنکه مامسلمانیم. ﴿۱۱۲﴾ چون حواریان گفتند ای عیسیٰ پسر مریم آیامی تواندپروردگار تو که فروفرستد برما خوانی ازآسمان گفت عیسیٰ ازخدا بترسید اگر مومن هستید^(۳). ﴿۱۱۳﴾ گفتند می خواهیم که بخوریم ازآن خوان و آرام گیرد دل های ما و بدانیم که باما راست گفتی و برنزول آن از گواهان باشیم.

(۱) یعنی نخست ازسر خضوع و نیایش ایشان گویند که دربرابر تو نسبت به دانش ما راهیچ دانش نیست بعد ازآن

گواهی دهند براست خویش والله اعلم.

(۲) یعنی از گور زنده بیرون می آوردی والله اعلم.

(۳) حاصل این است که الهام فرستادم به سوی حواریان درآن مدت که معجزه طلب کردند و برحسب مراد دیدند.

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ
 تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ
 خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿١١٤﴾ قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ
 مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿١١٥﴾
 وَإِذْ قَالَ اللَّهُ لِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي
 وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ
 مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِن كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمَ مَا فِي نَفْسِي
 وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَالِمُ الْغُيُوبِ ﴿١١٦﴾ مَا قُلْتُ لَهُمْ
 إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ
 شَهِيدًا مَادُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَتَى الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ
 وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١١٧﴾ إِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِن
 تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١١٨﴾ قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ
 الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
 فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١١٩﴾ لِلَّهِ
 مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٢٠﴾

﴿۱۱۴﴾ گفت عیسیٰ پسر مریم بارخدا یا ای پروردگار ما بر ما خوانی پُر از طعام از آسمان فرود آر تا باشد عیدی برای ما و برای اول امت ما و آخر امت ما و معجزه ای از جانب تو و روزی ده مارا و تو بهترین روزی دهندگانی. ﴿۱۱۵﴾ خدا گفت من فرود آورنده ام آن را بر شما پس هر که از شما کافر شود بعد ازین پس من تعذیب کنم او را به عذابیکه تعذیب نکنم بآن هیچ یک را از جهانیان^(۱). ﴿۱۱۶﴾ و یادکن آن وقت را که گوید خدای عیسیٰ پسر مریم آیا تو به مردمان گفتی که مرا خدا گیرید و مادر مرا به جای خدای تعالی^(۲) گفت به پاکی بادمی کنم تو را نه سزد مرا که بگویم آنچه لایق من نیست اگر گفته باشم این قول را پس تو آن را دانسته ای (زیرا که) می دانی آنچه در نفس من است و نمی دانم آنچه در نفس تست هرائینه توداننده امور پنهانی. ﴿۱۱۷﴾ نگفتم به ایشان مگر آنچه مرا به آن فرموده بودی که خدا را که پروردگار من و پروردگار شما است بپرستید و بودم برایشان نگاهبان مادامی که در میان ایشان بودم پس وقتی که مرا بر گرفتی^(۳) تو بودی نگاهبان برایشان و تو بر همه چیز نگاهبانی. ﴿۱۱۸﴾ اگر ایشان را عذاب کنی پس ایشان بندگان تواند و اگر ایشان را بیمارزی پس تویی غالب استوارکار. ﴿۱۱۹﴾ خدا گوید امروز روزی است که نفع دهد راست گویان را راستگویی ایشان برای آنهاست بوستانها ای که می رود از زیر آنها جویها باشد جاویدان در آنجا همیشه خدا از ایشان خوشنود شد و ایشان از خدا خوشنود شدند این رستگاری بزرگ است. ﴿۱۲۰﴾ پادشاهی آسمان ها و زمین و آنچه در آن هاست از آن خداست و او بر همه چیز تواناست.

(۱) مترجم گوید بعد از آن خوانی نازل شد از آسمان که بروی گوشت و نان بود پس خوردند و سیر شدند و الله اعلم.

(۲) مترجم گوید خدای تعالی روز قیامت نعمت های خود را بر عیسیٰ یاد دهانی کند بعد از آن سوال کند که خود را اله می گفتی یا نه به جهت تاکید و برای قطع شبهه نصاری به ابلغ وجوه و الله اعلم فتح الرحمن.

(۳) یعنی بر آسمان بردی مرا.

سُورَةُ الْأَنْعَامِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ
 وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي
 خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَى أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ
 تَمْتَرُونَ ﴿٢﴾ وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ
 وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ ﴿٣﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ
 آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ
 لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٥﴾
 أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّتُمْ فِي الْأَرْضِ
 مَا لَمْ تُمْكِنْ لَهُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ
 تَجْرَى مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْتَهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا
 آخَرِينَ ﴿٦﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى كَثَبٍ مِنْ قَرْطَابٍ لَفَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ
 لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧﴾ وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ
 عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ أُنْزِلْنَا مَلَكَ الْقُضَى الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنْظَرُونَ ﴿٨﴾

سوره انعام مکی است و آن يك صد و شصت
و پنج بابش آیه و بیست رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ ستایش آن خدای راست که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنی را پدید آورد باز کافران با پروردگارشان (بُتانی را) برابر می کنند^(۱). ﴿۲﴾ اوست آنکه شمارا از گِل بیافرید باز وقت مرگ را مقرر کرد و (برای قیامت) نزد او مدتی معین هست^(۲) باز شما شك می کنید. ﴿۳﴾ و اوست خدا^(۳) در آسمان ها و در زمین پنهان شمارا و آشکارتان را می داند و آنچه عمل می کنید میداند. ﴿۴﴾ و به کافران هیچ نشانه ای از نشانه های پروردگار ایشان نمی آید مگر آنکه از آن رویگردان شدند. ﴿۵﴾ پس به درستیکه حق را (یعنی رسول را و آنچه آورده بود از قرآن و دین حق) چون آمدایشانرا تکذیب کردند پس خواهد آمد به ایشان جزای آنچه به وی تمسخر میکردند^(۴). ﴿۶﴾ آیا ندیده اند که چه قدر پیش از ایشان از امتها که استقرار داده بودیم ایشان را در زمین آنقدری که استقرار نداده ایم شمارا هلاک کرده ایم و باران را برایشان پی در پی ریزنده فرستاده بودیم و پیدا کردیم جویهای که میرفت زیرایشان^(۵) پس ایشان را به گناهان ایشان هلاک کردیم و بعد از ایشان امتی دیگر (یعنی مردمان دیگری) پیدا کردیم. ﴿۷﴾ و اگر نوشته ای در ورقی بر تونازل می کردیم پس آن را بدست هایشان لمس میکردند البته کافران می گفتند این جز سحر ظاهر نیست^(۶). ﴿۸﴾ و گفتند کافران چرا فرو دنیاورده شد بر پیامبر فرشته ای^(۷) و اگر فرشته ای را فرو فرستادیم البته کار به انجام رسانیده می شد باز مهلت داده نشوند^(۸).

(۱) یعنی معبودان باطل را.

(۲) یعنی برای قیام قیامت.

(۳) یعنی متصرف و فرمانروا.

(۴) یعنی به صدق آن خبردارد والله اعلم.

(۵) یعنی زیر مسکن ایشان.

(۶) یعنی تعصب ایشان به مرتبه ای است که اگر نزول کتاب را به حس ظاهر ببینند نیز انکار کنند.

(۷) یعنی به وجهی که مآثر آن به حس ظاهر ببینیم والله اعلم.

(۸) یعنی ظهور ملائکه به این وجه مستلزم هلاک ایشان است در حکمت الهی والله اعلم.

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلِبْسُونَ ﴿٩﴾ وَلَقَدْ آسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿١٠﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَنْظِرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿١١﴾ قُلْ لِّمَن مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ لِيَجْمَعَ كُفْرًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾ *وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي الْإِيلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٣﴾ قُلْ أَغَيَّرَ اللَّهُ أَخْذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يَطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٤﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥﴾ مَن يُصْرِفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿١٦﴾ وَإِنْ يَمَسَّكَ اللَّهُ بَضْرٍ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمَسَّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١٨﴾



﴿۹﴾ وَاِگرَ آن فرستاده را فرشته ای می‌کردیم لازم آن را مردی قرار می‌دادیم (یعنی به شکل مردی درمی‌آوردیم) والبتّه مشتبّه می‌کردیم برایشان آنچه اکنون اشتباه میکنند.

﴿۱۰﴾ وَبه راستی که به پیامبران پیش از تو تمسخر کرده شد پس به تمسخر کنندگان از ایشان جزای آنچه به آن تمسخر می‌کردند فرود آمد^(۱). ﴿۱۱﴾ بگو در زمین بگردید باز نظر کنید آخر کار تکذیب کنندگان چگونه شد؟ ﴿۱۲﴾ بگو - آنچه در آسمان هاو زمین است برای چه کس است؟ بگو برای خدا است بر خود مهربانی را لازم کرد البتّه شمارا در روز قیامت که هیچ شکی در آن نیست جمع کند آنانکه زیان کردند در حق خویشان پس ایمان نمی‌آورند. ﴿۱۳﴾ و آنچه ساکن شد در شب و روز از آن اوست و او شنوای دانا است. ﴿۱۴﴾ بگو آیا غیر از خدای پیدا کننده آسمان هاو زمین را، دوستی گیرم حال آنکه او روزی می‌دهد و روزی^(*) داده نمی‌شود بگوهر آئینه مرا امر کرده شده است که نخستین مسلمان باشم (یعنی ازین امت) و (فرموده شد که) از شریک مقرر کنندگان مباش. ﴿۱۵﴾ بگوهر آئینه من اگر نافرمانی پروردگار خود کنم از عذاب روز بزرگ می‌ترسم. ﴿۱۶﴾ هر که از او عذاب آن روز باز داشته شود پس خدا بروی مهربانی کرد و این سعادت آشکار است. ﴿۱۷﴾ وَاگر خدا به تو سختی رساند آن را بازدارنده ای جز خود او نیست وَاگر به تو نعمت رساند پس او بر همه چیز تواناست. ﴿۱۸﴾ وَاو بالای بندگان خود غالب است وَاو دانا آگاه است.

(۱) یعنی جزای کلمه ای که به طریق سخریه باینها می‌گفتند یافت

(*) یعنی نیاز روزی ندارد. مصحح.

قُلْ أَى شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا
 الْقُرْآنُ أَنْ لَأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَتَيْكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهَةً
 أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنِّى بَرِءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ
 الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ الَّذِينَ
 خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٩﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى
 اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٠﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ
 جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا آيِنَ شُرَكَائِكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٢١﴾
 ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فَتَحْتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ﴿٢٢﴾
 أَنْظِرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٣﴾
 وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ
 وَفِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كُلاً ءَايَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا
 جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ
 الْأَوَّلِينَ ﴿٢٤﴾ وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْعَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا
 أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٥﴾ وَلَوْ تَرَى إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا
 يَلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٦﴾

﴿۱۹﴾ بگوچه چیز در شهادت برتر و بزرگتر است؟^(۱) بگو خدا بین من و بین شما گواه است و به سوی من این قرآن وحی کرده شد تا شمارا به آن و آن را نیز که قرآن به او برسد بیم دهم آيا شما گواهی میدهید که با خدا معبودان دیگر هستند بگو من گواهی نمیدهم بگو جز این نیست که او معبود یگانه است و هراثینه من بیزارم از آنچه شما شریک مقرر میکنید. ﴿۲۰﴾ آنانکه ایشان را کتاب داده ایم حقیقت این قول را می شناسند^(۲) چنانکه پسران خود را می شناسند آنانکه به خود زیان زده اند پس ایشان ایمان نمی آورند. ﴿۲۱﴾ و کیست ستمکارتر از کسی که برخدا دروغ را بر بست یا آیاتِ او را دروغ انگاشت هراثینه ستمکاران رستگار نمی شوند. ﴿۲۲﴾ و یادکن آن روز را که همگی ایشان را حشر کنیم باز مشرکان را می گوئیم کجایند آن شریکان شما که ایشان را به گمان اثبات می کردید. ﴿۲۳﴾ بعد از آن عذرا ایشان جز این نباشد که گویند قسم به خدا پروردگار ما که ما مشرک نبودیم. ﴿۲۴﴾ بنگر چگونه برخویشتن دروغ گفتند و از ایشان آنچه افترا می کردند گم گشت. ﴿۲۵﴾ و از ایشان کسی هست که به سوی تو گوش می نهد و بردلهای ایشان پرده ها پیدا کرده ایم تا آن را نفهمند و در گوشهای ایشان سنگینی را (گذاشته ایم) و اگر ببینند هر معجزه ای به آن ایمان نیارند تا وقتی که بیایند پیش تو مکابره کنان باتو این کافران گویند این جز قصهای پیشینیان نیست. ﴿۲۶﴾ و ایشان از متابعت او منع میکنند و از او دور می شوند و مگر خویشتن را هلاک نمی کنند و نمی دانند. ﴿۲۷﴾ و تعجب کنی اگر ایشان را ببینی و قتی که نزدیک آتش باز داشته شوند پس گویند ای کاش ما باز گردانیده شویم پس آیاتِ پروردگار خویش را دروغ نینگاریم و از مسلمانان شویم.

(۱) یعنی اظهار حق کردن والله اعلم.

(۲) یعنی کلمه توحید، مترجم همینطور تفسیر کرده است و برای توضیح گوئیم که بسیاری از مفسرین مراد از «يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبَاءَهُمْ» که می شناسند او را یعنی رسول خدا را که در کتابهای آنان وصف و نعت او موجود است مانند شناختن بچهایشان همین معنی را گرفته اند مصحح والله اعلم.

بَلْ بَدَأَ اللَّهُ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ
 وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٢٨﴾ وَقَالُوا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ
 بِمَبْعُوثِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَوْ تَرَى إِذْ وَقَفُوا عَلَى رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا
 بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَرَبِّنَا قَالَ فَذُقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ
 ﴿٣٠﴾ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّى إِذَا جَاءَ تَهُمُ السَّاعَةُ
 بَغْتَةً قَالُوا لَوْ أَنَّا حَسَرْنَا عَلَى مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوَارَهُمْ
 عَلَى ظُهُورِهِمْ أَلَسَاءَ مَا يَزِرُونَ ﴿٣١﴾ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا
 إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ
 ﴿٣٢﴾ قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزَنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكْذِبُونَكَ
 وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ كُذِّبَتْ
 رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّى أَتَاهُمْ
 نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِيِّ الْأَمْرَسِلِينَ
 ﴿٣٤﴾ وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ أُسْطِطِعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ
 نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ
 اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٣٥﴾

﴿۲۸﴾ نه بلکه برایشان آشکار شد جزای آنچه پیش ازین می پوشیدند یعنی جزای عقائد باطله و اگر باز گردانیده شوند البته به سوی آنچه منع کرده می شدند بازمی گردند و البته ایشان دروغگویانند. ﴿۲۹﴾ و گفتند نیست هیچ زندگی مگر زندگانی این جهانی ما و ما برانگیخته نخواهیم شد^(۱). ﴿۳۰﴾ و تعجب کنی اگر بینی آنگاه که به حضور پروردگار خویش باز داشته شوند گوید خدا آیا این درست نیست گویند آری درست است و قسم به پروردگارمان گوید عذاب ربه سبب آنکه کافر بودید بچشید. ﴿۳۱﴾ به تحقیق زیان کار شدند آنکه ملاقات خدا را تکذیب کردند تا آنگاه که به ایشان قیامت بیاید ناگهان گویند ای پشیمانی ما بر تقصیر ما درباره قیامت و ایشان بارهای خویش را^(۲) بر پشتهای خویش بردارند آگاه شوید بد چیز است آنچه بر میدارند^(۳). ﴿۳۲﴾ و زندگانی دنیا مگر بازی و لهو نیست و هر آئینه سرای آخرت متقیان را بهتر است آباد نرمی بیاید. ﴿۳۳﴾ به راستی میدانیم که البته اندوهگین میکنند و آنچه ایشان می گویند پس هر آئینه ایشان تکذیب نمی کنند و توافق و لیکن این ستمکاران آیات خدا را انکاری می کنند. ﴿۳۴﴾ و به راستی پیامبرانی پیش از تو تکذیب کرده شدند پس بر تکذیب شان و رنج دیدن شان صبر کردند تا آنکه به ایشان نصرت ما بیامد و وعده های خدا را هیچ تغیر دهنده ای نیست و هر آئینه به تو بعض خبر پیامبران آمد. ﴿۳۵﴾ و اگر بر تو رویگردانی ایشان گران شده باشد پس اگر می توانی که سوراخی در زمین یا نردبانی در آسمان به جویی پس پیش ایشان معجزه ای بیاری (پس چنان کن)^(۴) و اگر خدای خواست ایشان را بر هدایت گردمی آورد پس از جاهلان مباش.

(۱) یعنی منکر حشراند والله اعلم.

(۲) یعنی گناهان خویش را.

(۳) یعنی عمل بد به شکل چیزی نهایت زشتی و ناخوشی شده بر پشت او بنهند.

(۴) یعنی از آنجا که می توانی که معجزه بیاری بیار حاصل آنست که امر خود را به خدا تفویض کن والله اعلم.

* إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ
 يُرْجَعُونَ ﴿٣٦﴾ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ
 قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنْزِلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٧﴾ وَمَا
 مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ
 مَا فَرَقْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴿٣٨﴾
 وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمُّوهُمْ فِي الظُّلُمَاتِ مِنْ يَشَاءِ
 اللَّهُ يُضْلِلُهُ وَمَنْ يَشَأْ يُجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٣٩﴾ قُلْ
 أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ
 تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٠﴾ بَلْ إِلَٰهَهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ
 مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ ﴿٤١﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا
 إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ
 يَتَضَرَّعُونَ ﴿٤٢﴾ فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَٰكِنْ قَسَتْ
 قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾ فَلَمَّا
 نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ
 إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فِإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ ﴿٤٤﴾

﴿۳۶﴾ جزاین نیست که قبول میکنند (دعوتِ تورا)^(۱) آنانکه می شنوند و خدا مُردگان (یعنی کافران) را برمی انگیزد باز به سوی او گردانیده شوند. ﴿۳۷﴾ و گفتند چرا بر پیامبر نشانه ای از جانب پروردگارش فرو فرستاده نشد؟^(۲) بگوهر آئینه خدا قادر است بر آنکه آیتی فرو فرستد و لیکن اکثر ایشان نمی دانند. ﴿۳۸﴾ نیست هیچ جانوری در زمین و نه هیچ پرنده ای که می پرد به دو بال خود مگر آنکه امتیاهی چون شما هستند هیچ چیزی را در کتاب (یعنی لوح محفوظ) فروگذار نکرده ایم باز به سوی پروردگار خود حشر کرده خواهند شد. ﴿۳۹﴾ و کسانی که آیاتِ ما را تکذیب کردند کرانند و گنگانند در تاریکی ها (ی کفر) هستند هر کرا خدا خواهد گمراه کندش و هر کرا خواهد براه راست گرداندش. ﴿۴۰﴾ بگو آیدید اگر به شما عذاب خدا بیاید یا به شما قیامت بیاید آیا غیر خدا را تضرع می کنید اگر راست گوهستید. ﴿۴۱﴾ نه بلکه خاص به جناب او دعایمی کنید پس اگر بخواهد دفع می کند آنچه را که برای دفع آن دعایمی کنید و آن چیز را که او را شریک مقرر می کردید فراموش می کنید. ﴿۴۲﴾ و به راستی به سوی امتانی پیش از تو (پیامبرانی) فرستادیم^(۳) پس ایشان را به تنگی معیشت و بیماری در گرفت کردیم تازاری کنند. ﴿۴۳﴾ پس چرا زاری نکردند و قتی که به ایشان عذابِ ما آمد ولیکن دل های ایشان سخت شد و در نظر ایشان آنچه می کردند شیطان زینت داد. ﴿۴۴﴾ پس چون فراموش کردند آنچه ایشان را به آن پند داده شد برایشان درهای همه چیز را^(۴) گشودیم تا آن هنگام که شادمان گشتند به آنچه ایشان را داده شد ناگهان ایشان را در گرفتیم پس ناامید شدند.

(۱) یعنی دعوت اسلام را.

(۲) یعنی از آن نشانه ها که می طلبیدند والله اعلم.

(۳) یعنی پیامبران.

(۴) یعنی به استدرج نعمتهای فراوان دادیم والله اعلم.

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٥﴾
 قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَرَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ
 مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ أَنْظِرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ
 ثُمَّ هُمْ يَصْذِفُونَ ﴿٤٦﴾ قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ
 بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ ﴿٤٧﴾ وَمَا
 نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ ءَامَنَ وَأَصْلَحَ
 فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٤٨﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
 يَمَسُّهُمْ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٤٩﴾ قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ
 عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ
 إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ
 أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ﴿٥٠﴾ وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ
 رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ دُونَهُ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّهُمْ يَتَّقُونَ
 ﴿٥١﴾ وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ
 وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمِمَّا مِنْ حِسَابِكَ
 عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٢﴾

﴿۴۵﴾ پس بیخ گروه ستمکاران بریده شد و سپاس و ستایش خدای پروردگار جهانیان راست. ﴿۴۶﴾ بگوآید دید اگر خدا شنوایی شمارا و چشم های شمارا باز گیرد و بردل های شما مَهرزند کیست معبودی غیر از خدا تعالی که آنرا به شما بازگرداند بین چگونه گونا گون آیه هارا بیان می کنیم بازایشان رویگردان می شوند. ﴿۴۷﴾ بگوآیا دیدید اگر به شما عذاب خدا ناگهان یا آشکار بیاید آیا^(۱) جز قوم ستمکاران هلاک کرده شوند. ﴿۴۸﴾ و پیامبران را مگر بشارت دهنده و بیم دهنده نمی فرستیم پس هرکه ایمان آورد و نیکوکاری کرد پس هیچ ترسی برایشان نبود و نه ایشان اندوهگین شوند. ﴿۴۹﴾ و کسانی که آیاتِ ما را تکذیب کردند به ایشان به سبب فاسق بودن ایشان عذاب برسد. ﴿۵۰﴾ بگونه می گویم به شما که نزد من خزانه های خدا است و نمی گویم که غیب را میدانم و به شما نمی گویم که من فرشته ام پیروی نمی کنم مگر چیزی را که به سوی من وحی کرده شد بگوآبرابر میشود نابینا و بینا آیاتاًمل نمی کنید. ﴿۵۱﴾ و بترسان باقرآن (یعنی پند ده به قرآن) کسانی را که می ترسند از آنکه به سوی پروردگار خویش حشر کرده شوند ایشانرا بجز خدا هیچ دوستی و نه سفارش کننده ای نباشد تا باشد که پرهیزکاری کنند. ﴿۵۲﴾^(۲) و کسانی را که مناجات می کنند به پروردگار خویش بامداد و شام رضای اورامی طلبند مَران، نیست بر تو چیزی از حساب ایشان و نیست برایشان چیزی از حساب تو تا ایشان را به رانی که آنگاه از ستمکاران باشی.

(۱) یعنی هلاک کرده شوند.

(۲) رؤسای کفار به آن حضرت گفتند که برای ما عارست که با فقرای مسلمین بنشینیم ایشانرا از مجلس خود یکسوکن تا باتوبنشینیم خدای تعالی آیت فرستاد.

وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ﴿٥٣﴾ وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كُتِبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٤﴾ وَكَذَلِكَ نَفْصِلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ ﴿٥٥﴾ قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذَا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾ قُلْ إِنِّي عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضُ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ﴿٥٧﴾ قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَفُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ ﴿٥٨﴾ * وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يُعَلِّمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَأْسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٥٩﴾

﴿۵۳﴾ و همچنین بعض مردمان را به بعضی امتحان کردیم تا بگویند آیا این جماعت خدا بریشان از میان ما انعام کرده است خدای تعالی فرمود آیا خدا به شکر کنندگان داناتر نیست؟ ﴿۵۴﴾ و چون کسانی که ایمان آورده اند به آیات ما پیش تو بیایند پس بگو سلام علیکم پروردگار شما بر خود مهربانی را لازم کرده است که هر که بکند از شما کار بد به نادانی باز توبه کرد بعد از آن و نیکوکاری نمود پس خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۵۵﴾ و همچنین نشانه هارا به وضوح بیان می کنیم و تا راه ستمکاران ظاهر شود^(۱). ﴿۵۶﴾ بگوهر آئینه مرا منع کرده شد که عبادت کنم آن کسانی را که شما غیر از خدا می پرستید بگو آرزوهای شمارا پیروی نمی کنم آنگاه گمراه شده باشم و نباشم از راه یافتگان. ﴿۵۷﴾ بگوهر آئینه من بر حجتی ام از پروردگار خود و آن دلیل را دروغ انگاشتید نیست نزد من آنچه شما آن را به زودی می طلبید^(۲) نیست حکم مگر خدا را دین درست را بیان می کند و او بهترین فیصله کنندگان است. ﴿۵۸﴾ بگو اگر آنچه که آن را به زودی می طلبید در نزد من می بود البته کار میان من و میان شما یکسره می شد و خدا به ستمکاران داناتر است. ﴿۵۹﴾ و نزد اوست کلید های غیب^(۳) نمی داند آن را مگرا و آنچه در خشکی و دریاست میدانند و نمی افتد هیچ برگی مگر اینکه آنرا می داند و نمی افتد هیچ دانه ای در تاریکی های زمین و نه هیچ تری و نه خشکی مگر در کتاب روشن ثبت است.

(۱) ظاهر نزدیک مترجم آن است که این واو زائد است مثل واو و ففتح ابوابها.

(۲) یعنی عقوبت در اختیار من نیست.

(۳) یعنی انواع علم غیب.

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ
 يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ
 يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٦٠﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ
 وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ
 رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفْرِطُونَ ﴿٦١﴾ ثُمَّ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ
 أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ﴿٦٢﴾ قُلْ مَنْ يُنْجِيكُمْ مِّنْ
 ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لِّإِنْ أَجْنَحْنَا مِنْ
 هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٦٣﴾ قُلِ اللَّهُ يُنْجِيكُم مِّنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ
 ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿٦٤﴾ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ
 فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ
 بَأْسَ بَعْضٍ أَنْظِرْكُمْ نَصْرَ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ ﴿٦٥﴾ وَكَذَّبَ
 بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿٦٦﴾ لِّكُلِّ نَبَأٍ
 مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٦٧﴾ وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا
 فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ
 الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٦٨﴾

﴿۶۰﴾ و اوست آنکه قبض روح شما به شب می کند^(۱) و می داند آنچه به روز کسب کردید باز شمارا در روز برمی انگیزد تا میعاد معین به انجام رسانیده شود باز به سوی اوباز گشت شماست باز شمارا به آنچه می کردید خبر می دهد. ﴿۶۱﴾ و اوست غالب بالای بند گان خود و بر شما ملائکه نگاهبان می فرستد تا وقتیکه به کسی از شما مرگ بیاید قبض روح او کنند فرستادگان ما و ایشان کوتاهی نمی کنند. ﴿۶۲﴾ (مُردگان) به سوی خدا که سرور راستینشان است باز گردانیده شوند خبردار حکم او راست و او شتاب ترین حساب کنندگان است. ﴿۶۳﴾ بگو کیست که شمارا از تاریکی های بیابان و دریا می رهاند^(۲) به جناب اوبه زاری و نیاز پنهانی مناجات می کنید می گویند اگر ما را ازین محنت رها دهد هر آئینه از شکر کنند گان باشیم. ﴿۶۴﴾ بگو خدا شمارا از آن محنت و ازهر اندوهی می رهاوند باز (هم) شما شریک مقرر می کنید. ﴿۶۵﴾ بگو اوست توانا بر آنکه بر شما عذابی از بالای شما فرو فرستد^(۳) یا از زیر پاهای شما^(۴) و شمارا گروه گروه جمع کند و (طعم) جنگ برخی از شما را به برخی دیگر بچشاند^(۵) بنگر چگونه گوناگون آیه هارا بیان می کنیم تا بفهمند. ﴿۶۶﴾ و قوم تو قرآن را تکذیب کردند حال آن که آن راست است بگو بر شما نگاهبان نیستیم. ﴿۶۷﴾ هر خبری را میعاد یست و خواهید دانست. ﴿۶۸﴾ و چون بینی آنان را که در آیه های ما بحث شروع میکنند پس از ایشان روگردان تا وقتیکه درسختی غیر از آن بحث شروع کنند و اگر تورا شیطان فراموش گرداند پس بعد از یاد آوردن با گروه ستمکاران منشین.

(۱) یعنی وقت خواب.

(۲) یعنی از مصیبت های بیابان و دریا.

(۳) یعنی چنانکه سنگ بر قوم لوط بارید.

(۴) یعنی چنانکه قارون راه زمین فرود برد.

(۵) یعنی افواج متعدده پیدا شود و بایکدیگر جنگ کنند.

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ
ذِكْرَىٰ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٦٩﴾ وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ
لِعِبَادٍ وَلَهُوَا وَغَرَّتَهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ أَن
تُسْأَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ
وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعَدَّلَ كُلٌّ لَّادِلٌ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَٰئِكَ
الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ
وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٧٠﴾ قُلْ أَدْعُوا مِن دُونِ
اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ
هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ
حَيْرَانٌ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ انْتَثَا قُلْ إِنَّ
هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأَمْرُنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾ وَأَنْ
أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُواهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٧٢﴾ وَهُوَ
الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ
فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ
عَلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿٧٣﴾

﴿۶۹﴾ و از حساب کافران چیزی بر کسانیکه پرهیزگاری کردند نیست ولیکن برایشان لازم است پنددادن تا شود که ایشان پرهیزگاری کنند. ﴿۷۰﴾ و کسانی را که دین خود را بازی و لهو گرفتند بگذار و ایشان را زندگانی دنیا فریفت و به وسیله قرآن برای احتیاط از آنکه به مهلکه گذاشته شود نفسی بسبب آنچه کسب کرده است به وسیله قرآن پند ده و را بجز خدا هیچ دوستی و نه شفاعت کننده ای نیست و اگر عوض خود هرفدایی که تواند دهد از وی گرفته نشود آن جماعت آناند که به مهلکه گذاشته شدند به وبال آنچه کردند ایشان راست آشامیدنی از آب جوشانیده و ایشان راست عذاب دردناک به سبب آنکه کافر بودند. ﴿۷۱﴾ بگو آیا بجز خدا کسی را که ما را نفع ندهد و ما را زیان نرساند مناجات کنیم و باز گردانیده شویم برپاشنه های خود بعد از آنکه خدا ما را راه راست نموده است مانند کسی که شیطانها او را گمراه کرده باشند در زمین حیران مانده و او را یارانند که می خوانندش به سوی راه راست که بیا به سوی مابگوهر آئینه هدایت خدا همان هدایت حقیقی است و فرموده شده است ما را که منقاد پروردگار جهانیان شویم. ﴿۷۲﴾ و فرموده شد که نماز را برپادارید و از خدا بترسید و اوست آنکه به سوی او حشر کرده خواهید شد. ﴿۷۳﴾ و اوست آنکه آسمانها و زمین را به تدبیر محکم بیافرید و روزیکه بفرماید^(۱) که بشو پس می شود سخن او درست است و برای او است پادشاهی روزیکه دمیده شود در صور. داننده پنهان و آشکار است و او استوار کار آگاه است.

(۱) یعنی چیزی را.

* وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَرَزَرَأْتَتَّخِذُ أَصْنَامَاءَ إِلَهَةً إِنِّي
 أَرَىكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٧٤﴾ وَكَذَلِكَ نَرَى إِبْرَاهِيمَ
 مَلَكَوَتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ
 ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى أَكْوَكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ
 قَالَ لَا أَحِبُّ الْأَفْلِينَ ﴿٧٦﴾ فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا
 رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ
 الضَّالِّينَ ﴿٧٧﴾ فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا
 أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَاقَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ
 ﴿٧٨﴾ إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
 حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٧٩﴾ وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ
 أَتُحْجُونَنِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ
 إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا
 تَتَذَكَّرُونَ ﴿٨٠﴾ وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ
 أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا
 فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨١﴾

﴿۷۴﴾ و یادکن چون ابراهیم پدر خود آزر را گفت آیا بتان را معبود میگیری هر آئینه من تو را و قوم تو را در گمراهی ظاهر می بینم. ﴿۷۵﴾ و همچنین ابراهیم را ملک آسمان ها و زمین می نمودیم تا او از یقین کنندگان باشد^(۱). ﴿۷۶﴾ پس چون بروی شب تار یک شد دیدستاره ای گفت این پروردگار من است پس وقتیکه فرو رفت گفت فرو روندگان را دوست ندارم. ﴿۷۷﴾ پس چون ماه را طلوع کرده دید گفت این است پروردگار من پس وقتیکه فرو رفت گفت اگر مرا پروردگار من هدایت نکند البته از گروه گمراهان شوم. ﴿۷۸﴾ پس وقتیکه خورشید را طلوع کرده دید گفت این است پروردگار من این بزرگتر است پس چون فرو رفت گفت ای قوم هر آئینه من بیزارم از آنچه شریک مقرر میکنید. ﴿۷۹﴾ هر آئینه روی خود را به سوی کسیکه بیافرید آسمانها و زمین را در حالتیکه حنیفم متوجه ساختم و من از مشرکان نیستم. ﴿۸۰﴾ و با او قوم او جدال کردند گفت آیا جدال می کنید با من درباره خدا و به تحقیق که مرا هدایت کرده است و نمی ترسم از آنچه شما با خدا شریک مقرر می کنید ولیکن می ترسم از آنکه خدا چیزی را^(۲) اراده کند و پروردگار من به همه چیز از جهت دانش احاطه کرده است آیا پند نمی گیرید؟ ﴿۸۱﴾ و چگونه از کسی که او را شریک مقرر می کنید ترسم حال آنکه شمانمی ترسید از آنکه با خدا چیزی را شریک مقرر کردید که برای شما دلیلی بر آن نفرستاده است پس کدام یک ازین دو گروه به امن (و امنیت) سزاوار تر است بگوئید اگر می دانید.

(۱) یعنی چنانکه بروی ظاهر کردیم که بتان لایق عبادت نیستند نیز ظاهر ساختیم که ستاره و هر چه در آسمانها و زمین است لایق عبادت نیستند و او در ولیکون زانده است والله اعلم.

(۲) یعنی از انواع محنت.

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمَنُ
 وَهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٨٢﴾ وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى
 قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٨٣﴾
 وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا
 مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ
 وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٤﴾
 وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِيلَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ
 ﴿٨٥﴾ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى
 الْعَالَمِينَ ﴿٨٦﴾ وَمِنَ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ
 وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٨٧﴾ ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي
 بِهِ مَن يَشَاءُ مِّن عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحِطَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا
 يَعْمَلُونَ ﴿٨٨﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ
 وَالنُّبُوَّةَ فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا
 بِهَا بِكَافِرِينَ ﴿٨٩﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فِيمُدَّ لَهُمْ أَقْدَمَهُ
 قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِن هُوَ إِلَّا ذِكْرِي لِلْعَالَمِينَ ﴿٩٠﴾

﴿۸۲﴾ (خدای تعالی فرمود) کسانی که ایمان آوردند و ایمان خود را به شرك نیامیختند آن جماعت ایشان را راست ایمنی و ایشان راه یافتگانند. ﴿۸۳﴾ و این است حجت ما که ابراهیم را بر قوم او دادیمش و بلند می کنیم در مراتب هر که را می خواهیم هر آئینه پروردگار تو استوار کار داناست. ﴿۸۴﴾ و ابراهیم را اسحاق و یعقوب عطا کردیم هر یکی را از ایشان هدایت کردیم و نوح را پیش ازین هدایت کردیم و از اولاد ابراهیم (راه نمودیم) داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را و هم چنین نیکوکاران را پاداش می دهیم. ﴿۸۵﴾ و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را هدایت کردیم همه آنان از صالحان بودند. ﴿۸۶﴾ و اسمعیل و الیسع و یونس و لوط را هدایت کردیم و هر یکی را بر (اهل زمان) جهانیان فضل دادیم. ﴿۸۷﴾ و بعضی را از پدران ایشان و فرزندان ایشان و برادران ایشان هدایت کردیم و ایشان را برگزیدیم و ایشان را به سوی راه راست دلالت کردیم. ﴿۸۸﴾ این است هدایت خدا دلالت می کند بدان هر که را خواهد از بندگان خویش و اگر شریک مقرر میکردند آنچه کرده بودند از ایشان نابود می شد. ﴿۸۹﴾ این جماعت آناند که ایشان را کتاب و حکمت و پیامبری دادیم پس اگر به آیات قرآن این کافران کافر شوند پس ما گروهی را بر آن بگماریم که هرگز به آن کفر نورزند^(۱). ﴿۹۰﴾ این جماعت انبیاء کسانی اند که خدا ایشان را هدایت کرد پس به روش ایشان اقتدا کن بگو هیچ مزدی بر تبلیغ قرآن سوال نمی کنم، آن نیست مگر پندی برای جهانیان^(۲).

(۱) یعنی مهاجرین و انصار و سایر اخبار و الله اعلم.

(۲) یعنی چنانکه انبیاء صبر کردند بر ایذاء کفار تو نیز صبر کن و الله اعلم.

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِّن شَيْءٍ ۚ
 قُلْ مَنْ أَنزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى
 لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ وَقْرًا لِّسَ بُدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُمْ
 مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ
 يَلْعَبُونَ ﴿٩١﴾ وَهَذَا كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ
 يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
 يُؤْمِنُونَ بِهِ ۖ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩٢﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن
 افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ
 وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي
 غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُو أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ
 الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ
 الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٩٣﴾ وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا
 فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ
 ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ شُفْعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ
 شُرَكَاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٩٤﴾

﴿۹۱﴾ و صفت و تعظیم نکردند یهود خدا را چنانکه حق صفت و تعظیم اوست چون گفتند خدا بر هیچ آدمی هیچ چیزی نازل نکرده است بگو چه کسی کتابی را که موسیٰ آن را روشنی و هدایت برای مردمان آورده است نازل کرده است که آن را به صورت ورقهایی درمی آورید (قسمتی از) آن را آشکار می کنید و بسیاری را پنهان می کنید و آموخته شدید (یعنی در قرآن) آنچه نمی دانستید شما و نه پدران شما می دانستند^(۱) بگو خدا فرودآورد باز بگذار ایشان را در بحث ایشان درحالتیکه بازی میکنند^(۲). ﴿۹۲﴾ و این قرآن کتابیست که او را بابرکت باور دارنده آنچه پیش از وی بود فرستادیم و تا اهل مکه را و کسانی را که گرد مکه ساکن اند بیم کنی و معتقدان آخرت البته به قرآن ایمان می آورند و ایشان بر نماز خود محافظت می کنند^(۳). ﴿۹۳﴾ و کیست ستمکار تر از کسی که برخدا دروغی را بر بست^(۴) یا گفت وحی به من فرستاده شده است و به حقیقت به سوی او چیزی نفرستاده شده است و از کسی که گفت فرودخواهم آوردمانند آنچه خدا فرودآورده است^(۵) و تعجب کنی چون بنگری و قتیکه ظالمان درشادید مرگ باشند و فرشتگان دست های خود را دراز می کنند^(۶) می گویند روحهای خود را بیرون آورید امروز جزا داده خواهید شد عذاب رسواکننده به سبب آنکه برخدانان حق می گفتید و به سبب آنکه از تصدیق آیات اوسرکشی می کردید. ﴿۹۴﴾ و گوئیم هرآینه پیش ما تنها آمدید چنانکه شمارا بار اول آفریده بودیم و آنچه شمارا عطا کرده بودیم پس پشت خویش بگذاشتید و نمی بینیم باشما شفاعت کنند گان شمارا آنان که گمان می کردید که ایشان در پرورش شما شریکان خداوند هرآینه پیوند میان شما بریده شد و از شما آنچه گمان می کردید گم شد.

(۱) یعنی کتمان آیات تورات را قرآن اظهار کرد و الا قبل از آن به یقین نمی دانستند.

(۲) حاصل آنست که اگر یهود گویند که خدای تعالی بهیچ بشر وحی نفرستد نقض کرده میشود به تورات و اگر گویند میفرستد استبعاد فرستادن قرآن مجرد تعصب است پس إذ قالوا به جای إن قالوا گفته شد.

(۳) مترجم گویند انذار اولاً عرب را کرده شد که زبان عربی می فهمند ثانیاً جمیع اهل ارض را بواسطه ترجمه پس این جا انذار اول مراد است مانند آیت ﴿هُوَ الَّذِي يَتَوَفَّى الْأَمْرَ رَسُولًا وَيَهْدِيَهُمْ إِلَى سُبُلِهِمْ﴾ الآية و در آیت ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ اعم از اولی و ثانوی والله اعلم.

(۴) یعنی اعتقاد کرده مثلاً که بحایر و سوایب از امر الهی است و اتفاق سلف دلیل بر آنست والله اعلم.

(۵) یعنی انشای کتابی مثل قرآن خواهم کرد و انشارا به طریق مشاکلت انزال گفته شد.

(۶) یعنی میزنند والله اعلم.

* إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ
 الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكُمُ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ﴿٩٥﴾ فَالِقُ الْإِصْبَاحِ
 وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ
 الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٩٦﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا
 بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
 ﴿٩٧﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ
 قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ ﴿٩٨﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنزَلَ مِنَ
 السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ
 خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ
 دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ
 مُتَشَبِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ
 لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٩٩﴾ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ
 وَخَرَفُوا لَهُ وَبَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ
 ﴿١٠٠﴾ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُن لَّهُ
 صَاحِبَةً وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٠١﴾

﴿۹۵﴾ هرآئینه خدا شکافنده دانه و خسته است بیرون می آرد زنده را از مرده و بیرون آورده* مرده از زنده است این است خدا پس از کجابر گردانیده می شوید. ﴿۹۶﴾ شکافنده صبح است و شب را آرامگاه گردانید و خورشید و ماه را معیار حساب گردانید این تقدیر خدای غالب دانا است. ﴿۹۷﴾ و اوست آنکه برای شما ستاره هارا بیافرید تا به آنها در تازیکی های خشکی (بیابان) و دریا راه بیابید بی گمان به تفصیل نشانه هارا برای گروهی که می دانند بیان کردیم. ﴿۹۸﴾ و اوست آنکه شمارا از یک تن (شخص) پیدا کرد پس شمارا قرارگاهی و ودیعت گاهی است بی گمان به تفصیل نشانه هارا برای گروهی که می فهمند بیان کردیم. ﴿۹۹﴾ و اوست آنکه از آسمان آبی را فرود آورد پس به آن آب هرگونه رویدنی (از زمین) بیرون آوردیم سپس از آن گیاه سبزه را بیرون آوردیم که از آن سبزه دانها یکی بردیگری پیوسته و از شگوفه های درخت خرما خوشه های آویزان نزدیک بهم و در دسترس است بیرون می آریم و بیرون آوردیم بوستانهایی از درختان انگور و زیتون و انار مانند یکدیگر و غیرمانند یکدیگر بیرون آوردیم^(۱) به سوی میوه درخت چون میوه آورد و به سوی پختگی او بنگرید هرآئینه در این نشانه هاست برای گروهی که ایمان می آورند. ﴿۱۰۰﴾ و کافران برای خدا شریکان را که از (قسم) جن اند مقرر کردند حال آنکه خدا ایشان را آفریده است و به افترا اورا فرزندان و دختران به غیر دانش ثابت کردند پاکست اورا و بلند است از آنچه بیان میکنند. ﴿۱۰۱﴾ او آفریننده آسمانها و زمین است چگونه اورا فرزندی باشد حال آنکه او را زن نبود و هر چیزی را بیافرید و او بهر چیز داناست.

(۱) یعنی در صورت درخت و ثمر، مانند یکدیگر است و در طعم مخالف، یک پاره ای شیرین و یکپاره ترش یا تلخ والله اعلم.

ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَأَعْبُدُوهُ
 وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿١٢﴾ لَا تَدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ
 يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿١٣﴾ قَدْ جَاءَكُمْ
 بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا
 وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ﴿١٤﴾ وَكَذَٰلِكَ نَصْرَفُ الْأَيَّاتِ
 وَلِيَقُولُوا دَرَسَتْ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١٥﴾ اتَّبِعْ
 مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ
 ﴿١٦﴾ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا
 وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٧﴾ وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ
 مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ كَذَٰلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ
 عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
 ﴿١٨﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ يُؤْمِنُونَ
 بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْأَيَّاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ
 لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٩﴾ وَنَقَلَبُ أَوْعِدَتَهُمْ وَأَبْصَرَهُمْ كَمَا مَرَّ
 يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرَهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿٢٠﴾

﴿۱۰۲﴾ این است خدا که پروردگار شما است هیچ معبود برحقى مگراو نیست آفریننده هرچیزاست پس اورا پرستش کنید واو برهرچیز کارسازاست. ﴿۱۰۳﴾ اورا چشم ها (یعنی دردنيا) درنمی یابند واوچشم هارا درمی یابد واو مهربان آگاه است. ﴿۱۰۴﴾ هرآئینه به شما دلیل هاز جانب پروردگار شما آمدند پس هرکه بینا شد نفع اوراست وآن که نابینا ماند پس زیان برویست بگو (یا محمد) ومن بر شما نگاهبان نیستم. ﴿۱۰۵﴾ وهمچنین نشانه هارا گوناگون بیان می کنیم وتا (مبادا) گویند که درس خواندهای وتا این دین را برای گروهی که می دانند بیان کنیم^(۱). ﴿۱۰۶﴾ (یا محمد) چیزی را که وحی کرده شد به سوى تواز جانب پروردگارت پیروی کن هیچ معبود بر حقى مگراو نیست واز مشركان اعراض كن. ﴿۱۰۷﴾ و اگر خدامى خواست شريك مقرر نمى كردند و تورا برايشان نگاهبان نگردانیدیم و تو برايشان متعهد نیستی. ﴿۱۰۸﴾ وای مسلمانان كسانى را كه مشركان به جای خدا می پرستند دشنام مدهید زیراكه ایشان خدا را از روی ظلم بغیر دانش دشنام خواهند داد همچنین درنظر هر گروهی كردار آن گروه را آراسته کردیم باز به سوى پروردگار ایشان بازگشت ایشان باشد پس ایشان را به عاقبت حال آنچه می كردند خبر می دهد. ﴿۱۰۹﴾ وسوگند خورند كافران به سخت ترین سوگندان خویش كه اگر بیاید بدیشان معجزه ای البته به آن ایمان آورند بگوزاین نیست كه معجزه ها نزد خداست وشمارا ای مسلمانان چه مطلع ساخته است آیا نمیدانید كه آن معجزها چون بیایدایشان ایمان نیارند. ﴿۱۱۰﴾ و چنانكه نخستین بار به قرآن ایمان نیاوردند دلهايشان وچشمهایشان را برمی گردانیم و ایشان را درگمراهی خود سرگردان گشته بگذاریم.

(۱) مترجم گوید احتمال بود كه كفار گویند كتابهای گذشته را خوانده و آنچه میگوئی ماخوذ از كتب سابقه است نه وحی الهی است پس خدای تعالی قرآن را به وجهی نازل ساخت وبه وجهی گوناگون بیان كرد كه مجال این شبهه نماند زیرا این قسم بیان از خواندن كتب سابقه نمی آید و بدون وحی الهی ممكن نیست والله اعلم.

* وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَاهُ إِلَيْهِمُ الْمَلَكُوكَةَ وَكَانَ مَعَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا
 عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قَبْلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ
 وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ يَجْهَلُونَ ﴿١١١﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ
 عَدُوًّا شَيْطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ
 زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا
 يَفْتَرُونَ ﴿١١٢﴾ وَلِتَصْغَى إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
 وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ ﴿١١٣﴾ أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي
 حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا
 وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنْزَلٌ مِنْ رَبِّكَ
 بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١١٤﴾ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ
 صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَتِهِ ۖ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
 ﴿١١٥﴾ وَإِنْ تَطَّعَ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ
 يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿١١٦﴾ إِنْ رَبُّكَ هُوَ
 أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ ۖ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿١١٧﴾ فَكُلُوا
 مِمَّا ذُكِّرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿١١٨﴾

﴿۱۱۱﴾ و اگر ما به سوی ایشان فرشتگان را می‌فرستادیم و مُردگان با آنان سخن می‌گفتند و برایشان همه چیز را گروه گروه جمع میکردیم هرگز ایمان نمی‌آوردند مگر وقتی که خدا می‌خواست و لیکن بسیاری از ایشان نادانی می‌کنند. ﴿۱۱۲﴾ و همچنین برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن پیدا کردیم که به طریق و سوسه بعضی ایشان به سوی بعضی (دیگر) سخن به ظاهر آراسته تافریب دهند القاء می‌کنند و اگر پروردگارت می‌خواست این کار را نمی‌کردند پس ایشان را بگذار و به آنچه افترا می‌کنند. ﴿۱۱۳﴾ و القاء می‌کنند سخن به ظاهر آراسته تا میل کنند به سوی اودل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند و یا او را پسند کنند و تا عمل کنند آنچه ایشان کننده‌اند. ﴿۱۱۴﴾ بگو آیا فیصله کننده ای بجز خدا طلب کنم و اوست آنکه به سوی شما قرآن واضح کرده شده فرو فرستاد و کسانی که ایشان را کتاب یعنی تورات داده ایم می‌دانند که قرآن از جانب پروردگار تو به راستی فرو فرستاده شده است پس از شک کنندگان مباش^(۱). ﴿۱۱۵﴾ و سخن پروردگار تو در راستی و انصاف کامل است سخن های او را هیچکس تغییر کننده نیست و او شنوای دانا ست. ﴿۱۱۶﴾ و اگر بسا کسانی را که در زمین اند فرمانبرداری کنی تو را از راه خدا گمراه کنند پیروی نمی‌کنند مگر گمان را نیستند مگر دروغگو^(۲). ﴿۱۱۷﴾ هر آینه پروردگار تو به کسی که دور می‌شود از راه وی دانا تر است و او به راه یافتگان دانا تر است. ﴿۱۱۸﴾ پس بخورید از آنچه ذکر کرده شد نام خدا بروی (یعنی هنگام ذبح وی) اگر به آیات خدا مومن هستید.

(۱) یعنی یهودی دانند که نزول وحی میشود و آدمی را خدای تعالی پیامبر می‌سازد و در حضرت پیامبر صل الله علیه وسلم و در قرآن دلائل صدق موجود هست مترجم گوید در سوره های مکیه مذکور شده است که یهود تصدیق میکنند قرآن را و در سوره های مدنیّه مذکور است که یهود تکذیب میکنند آنرا و وجه تطبیق آن ست که چون آن حضرت صلی الله علیه وسلم در مکه بود هنوز یهود را دعوت نکرده بود همه به صدق قرآن معترف بودند که حکم آن بر عرب لازم است و هیچکس از ایشان انکار نکرده بود و چون هجرت فرمود ایشانرا دعوت کرد به عناد درآمدند در سیرت ابن اسحاق چند قصه به این مضمون مذکور است والله اعلم.

(۲) یعنی آنچه کافران دربارهٔ تحریم و تحلیل اشیا شبهات میکردند باطل است والله اعلم.

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِّرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَاءِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ ﴿١١٩﴾ وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ ﴿١٢٠﴾ وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُؤْخِرَ إِلَى أُولِيَآئِهِمْ لِيُجِدَ لَكُمْ وَاكُنَّ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ﴿١٢١﴾ أَوْ مَن كَانَ مِيثًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٢﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُّجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢٣﴾ وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَى مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ ﴿١٢٤﴾

﴿۱۱۹﴾ و چیست شمارا که از آنچه که ذکر کرده شده است نام خدا بروی نمی خورید و حال آنکه به تفصیل برای شما آنچه بر شما حرام ساخته است بیان کرده است الا آنچه به سوی او مضطر باشید^(۱) و هر آئینه بسیاری باخواهشات نفسانی خویش (مردم را) به غیر دانش گمراه می کنند هر آئینه پروردگارتو به ستمکاران دانتر است. ﴿۱۲۰﴾ و گناه پیدا و پنهان او را ترك گوید هر آئینه کسانی که گناه می کنند جزا داده خواهند شد به حسب آنچه می کردند. ﴿۱۲۱﴾ و از آنچه نام خدا بر آن یاد کرده نشد مخورید و به راستی خوردنش گناه است و هر آئینه شیطانها به سوی دوستان خویش القاء می کنند تا با شما خصومت کنند و اگر فرمانبرداری ایشان کنید هر آئینه شما مشرك باشید^(۲). ﴿۱۲۲﴾ آیا کسی که مرده بود پس زنده ساختیمش^(۳) و برای او نوری پیدا کردیم که می رود باوی میان مردمان مانند کسی باشد که صفتش این است که در تاریکی ها است از آن بیرون آینده نیست همچنین آراسته کرده شده است در نظر کافران آنچه می کردند^(۴). ﴿۱۲۳﴾ و همچنین در هر دهی رئیسان فساق آن را پیدا کردیم تا در آن ده فساد کنند و به حقیقت ضرر نمی کنند مگر در حق خویشان و نمی دانند. ﴿۱۲۴﴾ و چون به ایشان نشانه ای بیاید گویند هرگز ایمان نیاریم تا وقتی که داده شود مارا مانند آنچه پیامبران خدا را داده شده است^(۵) خدا به محل نهادن پیامبری خود دانا تر است این گناهکاران را رسوایی از نزد خدا و عذابی سخت به سبب آنکه بد اندیشی می کردند خواهد رسید.

(۱) مترجم گوید یعنی میته حرام است الا وقت ضرورت تناول آن (به قدر حاجت) رخصت است والله اعلم.

(۲) مترجم گوید مراد ازین وسوسه آنست که اهل جاهلیت می گفتند چرا کشته خود را بخوریم و کشته خدا را نخوریم والله اعلم.

(۳) یعنی کافر بود هدایتش کردیم.

(۴) چنانکه رؤساء کفار که در نصرت کفر سعی می کردند والله اعلم.

(۵) یعنی بر هر کسی از ما جبرئیل فرود آید و وحی نازل بشود والله اعلم.

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ
يُرِدْ أَنْ يَضِلَّهُ يُجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا
يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ
لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢٥﴾ وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا
الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٢٦﴾ * لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ
رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٧﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ
جَمِيعًا يَمْعَشَرُ الْجِنَّ قَدْ أَتَكَثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ
أُولِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمِعْ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا
أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا
إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿١٢٨﴾ وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ
بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٢٩﴾
يَمْعَشَرُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ
يَقْضُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ
هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا
وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿١٣٠﴾

﴿۱۲۵﴾ پس خدا هر که را خواهد که هدایت کند سینه او را برای اسلام کشاده کند^(۱) و هر که را خواهد که گمراه کندش سینه او را در نهایت تنگ کند گویا در آسمان بالا میرود همچنین می اندازد خدا ناپاکی را بر کسانی که ایمان نمی آورند^(۲). ﴿۱۲۶﴾ و این (اسلام) راه راست پروردگار توست بی گمان نشانه هارا برای گروهی که پندپذیر میشوند به روشنی بیان کرده ایم. ﴿۱۲۷﴾ برای ایشان سرای سلامتی یعنی بهشت نزد پروردگار ایشان است و او کارساز ایشانست به سبب آنچه میکردند. ﴿۱۲۸﴾ و روزی که خدا همگی ایشانرا حشر کند گوید ای گروه جن^(۳) برایتان از مردمان تابع بسیار گرفتید و میگویند دوستان ایشان از آدمیان^(۴) ای پروردگار ما بعضی از ما از بعضی دیگر بهره مند شد^(۵) و به میعاد خویش که معین کرده بودی برای ما^(۶) رسیدیم گوید خدا جای شما آتش است جاویدان در آنجا مگر آنچه خدا خواسته است^(۷) هر آینه پروردگار تو استوار کار دانا است. ﴿۱۲۹﴾ و همچنین بعض ستمکاران را بر بعضی به سبب شومی آنچه می کردند مسلط می کنیم. ﴿۱۳۰﴾ ای گروه جن و انس آیا به شما پیامبرانی از جنس شما که می خواندند بر شما آیات مرا و بیم می کردند شما را از ملاقات این روز شما نیامدند گویند بر خویشان اعتراف کردیم و ایشانرا زندگانی دنیا فریفت و گواهی دادند بر خویشان که ایشان کافر بودند^(۸).

(۱) یعنی بفهماندش حقیقت اسلام و محاسن آن والله اعلم.

(۲) یعنی هر چند می خواهند حقیقت اسلام و محاسن آن بفهمند نمی توانند والله اعلم.

(۳) یعنی ای شیاطین.

(۴) یعنی تابعان ایشان از کفار.

(۵) یعنی متبوعان خوشوقت شدند به تابعان و تابعان محظوظ شدند از متبوعان والله اعلم.

(۶) یعنی برای حساب ما پس در حق ما چه حکم است.

(۷) یعنی در حق اهل نجات والله اعلم.

(۸) مترجم گوید مراد آن است که آیانیامدند از مجموعه جن و انس و آن صادق است به بودن رسل از انس مبعوث به انس و جن والله اعلم.

ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا
 غَافِلُونَ ﴿١٣١﴾ وَلِكُلِّ دَرَجَتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَارْتَبَكُوا
 بَغِغِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٢﴾ وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ
 إِنْ يَشَاءْ يُدْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا
 يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَةِ قَوْمٍ آخَرِينَ ﴿١٣٣﴾
 إِنَّ مَا تُوْعَدُونَ لَأَتِيٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿١٣٤﴾ قُلْ يَتَقَوَّمُ
 أَعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ
 مَنْ تَكُونُ لَهُ وِثْقَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿١٣٥﴾
 وَجَعَلُوا اللَّهَ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا
 فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ
 لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ
 يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿١٣٦﴾ وَكَذَلِكَ
 زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ
 شُرَكَائِهِمْ لِيُرْذَوْهُمْ وَلَيْسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ
 وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٧﴾

﴿۱۳۱﴾ این (ارسالِ رسل) به سبب آنست که هرگز پروردگار تو بجزای ظلم هلاک کننده شهرها نباشد درحالیکه اهل آنهاغافل باشند^(۱). ﴿۱۳۲﴾ و هر شخصی را از (پاداش) آنچه انجام داده اند مرتبه‌هایی است و نیست پروردگار تو بی‌خبر از آنچه به عمل می‌آورند. ﴿۱۳۳﴾ و پروردگارت بی‌نیاز و غنی خداوند رحمت است اگر خواهد شما را دور کند و پس از شما هرکه را خواهد جانشین سازد چنانکه شما را از نسل قومی دیگر پیدا کرد. ﴿۱۳۴﴾ هر آئینه آنچه شما را وعده کرده میشود البته آمدنی است و شما عاجز کنید گان نیستید. ﴿۱۳۵﴾ بگوای قوم من شما بر حالت خویش عمل کنید هر آئینه من نیز عمل کننده ام زود باشد که بدانید کسی را که او را عاقبت پسندیده در آخرت باشد هر آئینه ظالمان رستگار نشوند. ﴿۱۳۶﴾^(۲) و برای خدا از آنچه او پیدا کرده است از جنس زراعت و چهارپایان حصه ای مقرر کردند گفتند به گمان خویش این حصه برای خداست و این حصه برای شرکایی که ما مقرر کرده ایم پس آنچه برای شرکای ایشان بود به خدا نمی‌رسد و آنچه برای خدا باشد به شرکای ایشان میرسد بد چیز نیست که مقرر می‌کنند. ﴿۱۳۷﴾ و همچنین در نظر بسیاری از مشرکان قتل اولاد شان را شرکای ایشان آراسته کرده است^(۳) تا ایشان را هلاک کنند و تا برایشان دین ایشان را مختلط کنند و اگر خدا می‌خواست این کار را انجام نمی‌دادند پس ایشان را با افترا بی که می‌بندند واگذار.

(۱) یعنی قبل از بعثت عقوبت نمی‌آید والله اعلم.

(۲) مترجم گوید اهل جاهلیت احکامی چند اختراع کرده بودند از آن جمله آنست که از زراعت و مواشی پاره ای برای خدامقرمی کردند پاره ای برای بتان و حصه خدابر مساکین و ضعیفان صرف میکردند و حصه بتان به آستانه بتان میرسانیدند پس اگر چیزی از حصه خدادار حصه بتان مخلوط میشد ترك می‌کردند که خدا حاجت ندارد و اگر از حصه بتان در حصه خدا مخلوط می‌شد آن را جدا میکردند که بتان محتاج اندونیز از آن جمله آنست که قتل دختران تجویز میکردند و پیشوایان ایشان بدین معنی فتوی داده بودند، و از آن جمله آنست که بعض زراعت و مواشی را حجر میساختند که غیر سده بتان کسی دیگر نمی‌خورد آنچه برای بتان ذبح میکردند نام خدا بر آن نمی‌گرفتند. و از آن جمله آنست که چون بحائر و سوائب بچه میدادند گرزنده بودی برای مردان حلال میدانستند برای زنان و اگر مرده بودی برای همه حلال میدانستند خدای تعالی رد این مذاهب باطله فرمود و آنچه حکم حق است بیان فرمود و محرماتی که همه اهل باطل بر آن متفق اند ذکر کرد والله اعلم.

(۳) یعنی شیاطین که وسوسه کرده اند به پیشوایان که مذهب قرار داده اند والله اعلم.

وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَمٌ وَحَرْتُ حِجْرًا لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ
 بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَمُ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَمُ لَا يَذْكُرُونَ
 أَسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا
 يَفْتَرُونَ ﴿١٣٨﴾ وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ إِلَّا نَعَمٌ خَالِصَةٌ
 لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَى أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُن مِّمَّتَهُ
 فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصَفَهُمْ إِنَّهُ وَحَكِيمٌ
 عَلِيمٌ ﴿١٣٩﴾ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ
 عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا
 وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٤٠﴾ * وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ
 مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا
 أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ
 كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ وَيَوْمَ حَصَادِهِ
 وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿١٤١﴾ وَمِنَ الْأَنْعَمِ
 حَمُولَةٌ وَفَرَشَاءُ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا
 خُطُوبَ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿١٤٢﴾



﴿۱۳۸﴾ و گفتند به گمان خویش این چهارپایان و زراعت ممنوع (ازتصرف) است آن را مگر آنکه ما می خواهیم نخورد و چهارپایان دیگر است که حرام کرده شده است سواری بر پشت آنها و چهار پایان دیگر است که هنگام ذبح آن نام خدا می گیرند به سبب آنکه برخدا دروغ بسته اند ایشان را زود جزا خواهد داد به مقابله آنچه افترا می کردند. ﴿۱۳۹﴾ و گفتند آنچه در شکم این چهارپایان باشد^(۱) برای مردان ما حلال است و بر زنان ما حرام است و اگر مرده باشد همه در آن شریک اند به مقابله این بیان ایشان جزا خواهد داد هر آئینه او استوار کار دانا است. ﴿۱۴۰﴾ به یقین آنانکه فرزندان خود را از جهت بیخردی به غیر دانش کشتند زیان کار شدند و حرام کردند آنچه را که روزی داد ایشان را خدا به سبب دروغ بستن برخدا به تحقیق ایشان گمراه شدند و راه یافتگان نبودند. ﴿۱۴۱﴾ و خدا آنست که بوستانهایی برداشته شده برپایه ها^(۲) و بوستانهایی غیر برداشته شده برپایه ها پیدا کرد^(۳) و درختان خرما و زراعت را گوناگون است میوه های هریکی پیدا کرد و زیتون و انار را مانند یکدیگر و غیر مانند یکدیگر^(۴) از میوه های آن چون میوه بیرون آورد بخورید و زکوة او را روز چیدنش بدهید و اسراف مکنید هر آئینه خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد. ﴿۱۴۲﴾ و چهارپایان بار بردارنده را و جانوری را که بر زمین غلطاننده جهت ذبح پیدا کرد از آنچه روزی داده است خدا شما را بخورید و گامهای شیطان را پیروی مکنید هر آئینه اودشمن ظاهر شما است.

(۱) یعنی در شکم بحایر و سواپ باشد.

(۲) یعنی درختان انگور و مانند آن والله اعلم.

(۳) یعنی درختان بر ساق ایستاده والله اعلم.

(۴) یعنی افراد هر نوعی به اعتبار صورت مانند يك دیگر اند و به اعتبار مزه نه والله اعلم.

ثَمَنِيَّةَ أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعَزِ اثْنَيْنِ
 قُلْ ءَالْذَكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمْ الْإُنثَيْنِ أَمْ آسْتَمَلْتُ عَلَيْهِ
 أَرْحَامُ الْإُنثَيْنِ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٤٣﴾
 وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ ءَالْذَكَرَيْنِ
 حَرَّمَ أَمْ الْإُنثَيْنِ أَمْ آسْتَمَلْتُ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْإُنثَيْنِ
 أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّيْكُمُ اللَّهُ بِهِذَا فَمَنْ
 أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ
 عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٤﴾ قُلْ لَا أَجِدُ
 فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ
 مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ
 فِسْقًا أَهْلًا لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ
 فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤٥﴾ وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا
 كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ
 شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ
 بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَهُمْ بِبَعْغِهِمْ وَإِنَّا لَالصَّدِيقُونَ ﴿١٤٦﴾

﴿۱۴۳﴾ هشت قسم را آفرید از گوسفند دوقسم و از بز دوقسم^(۱) بگوآیا (خدا تعالی) این دونر را حرام کرده است یا این دوماه را یا آنچه را که رحمهای این دوماه آن را دربردارد مرا به دانش خبر دهید^(۲) اگر راست گو هستید. ﴿۱۴۴﴾ و پیدا کرد از شتر دوقسم و از گاو دوقسم بگو آیا خدا این دونر را حرام کرده است یا این دوماه را یا آنچه را که رحم های این دوماه آن را دربردارد آیا حاضر بودید وقتی که خدا شمارا به آن حکم کرد پس کیست ستمکارتر از کسی که برخدا دروغ بدد تا مردمان را به غیر دانش گمراه کند هرآئینه خدا قوم ستمکاران را راه نمی نماید. ﴿۱۴۵﴾ بگو در آنچه وحی فرستاده شده به سوی من هیچ چیزی حرام بر خورنده که بخورد آن را نمی یابم مگر آنکه مردار یا خون ریخته شده یا گوشت خوک باشد پس هرآئینه حرام است یا آنچه فسق باشد که برای غیر خدا آواز بلند کرده ذبح شود پس هر کس که ناچار شود نه سرکشی کننده و نه از حد گذرنده پس هرآئینه پروردگار تو آمرزنده مهربان است^(۳). ﴿۱۴۶﴾ و بر یهود هر جانور ناخن دار را حرام ساختیم^(۴) و از گاو و گوسفند برایشان پیه این دوقسم را حرام ساختیم مگر پیهی که پشت این دوقسم برداشته است یا روده ها آنرا برداشته است یا آنچه به استخوانی آمیخته است ایشان را نظر به ستم ایشان این طور جزا دادیم و هرآئینه ما راست گوییم.

(۱) یعنی نرو ماده از هر يك واللہ اعلم.

(۲) یعنی نقلی صحیح بیارید از ابراهیم و اسمعیل علیهما السلام و از کتب الهیه واللہ اعلم.

(۳) مراد حصر اضافی است به نسبت بهیمة الانعام و آن اصناف ثمانیه مذکور است سگ و شیر و باز و غیر آن اگر چه حرام است از بهیمة الانعام نیست و بحث در آن نداشتند واللہ اعلم.

(۴) یعنی مثل شتر و شتر مرغ واللہ اعلم.

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ
بِأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٤٧﴾ سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا
لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ
كَذَلِكَ كَذَبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَاسَنَا
قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا
الْظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ ﴿١٤٨﴾ قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَلِيغَةُ
فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٤٩﴾ قُلْ هَلُمْ شُهَدَاءُكُمْ
الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا إِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ
مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ
لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ﴿١٥٠﴾ قُلْ
تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا
بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ
مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ
مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطْنٌ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ
إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٥١﴾

﴿۱۴۷﴾ پس اگر تورا تکذیب کنند بگو که پروردگار شما خداوند مهربانی بسیار است و عقوبتِ او از قومِ ستمکاران رد کرده نمی شود. ﴿۱۴۸﴾ به زودی مشرکان بگویند اگر خدا می خواست (یعنی رضای او بودی) شریک مقرر نمی کردیم و نه پدران ما می کردند و نه چیزی را حرام میکردیم همچنین تکذیب کردند کسانی که پیش از ایشان بودند تا آنکه عقوبتِ ما را چشیدند بگو آیا هست نزدیک شما دانشی^(۱) تا آن را برای ما بیرون آورید مگر گمان را پیروی نمی کنید و شما مگر دروغگو نیستید. ﴿۱۴۹﴾ بگو دلیل رسا (و محکم) از آن خداست پس اگر خدا خواسته بود همگی شما را هدایت می کرد. ﴿۱۵۰﴾ بگو گواهان خود را آنانکه گواهی میدهند که خدا حرام ساخته است این را پس (یا محمد) اگر (به فرض هم) گواهی دهند تو با ایشان گواهی مده و خواهشات (نفسانی) کسانی را که آیاتِ ما را تکذیب کردند و کسانی که اعتقاد ندارند به آخرت و ایشان (بتان را) با پروردگار خود برابر میکنند^(۲) پیروی مکن. ﴿۱۵۱﴾ بگو بیایید تا آنچه حرام کرده است پروردگار شما بر شما بخوانم (فرموده است) که با او چیزی را شریک مقرر مکنید و به والدین نیکوکاری کنید و فرزندانِتان را از ترس فقر مکشید ما شمارا و ایشان را روزی میدهیم و به بی حیائی^(۳) آنچه علانیه باشد از آن و آنچه پوشیده باشد نزدیک مشوید و هیچ نفس را که حرام ساخته است خدا کشتنش را الابه حق^(۴) مکشید این حکم فرموده است شمارا تا باشد که شما بفهمید.

(۱) یعنی نقلی از کتب الهی و الله اعلم.

(۲) یعنی معبود باطل را و الله اعلم.

(۳) یعنی به زنا و لواط.

(۴) یعنی به قصاص و مثل آن.

وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ
وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكْلِفُ نَفْسًا إِلَّا
وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ
اللَّهِ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٣﴾
وَأَنَّ هَٰذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ
فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ
تَتَّقُونَ ﴿١٥٤﴾ ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي
أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ
رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٥﴾ وَهَٰذَا كِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ
وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٥٦﴾ أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أُنْزِلَ الْكِتَابُ
عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ
﴿١٥٧﴾ أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ
مِنْهُم فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ
فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ بَيِّنَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ
يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ ﴿١٥٨﴾

﴿۱۵۲﴾ و به مال یتیم نزدیک مشوید الا به خصلتی که وی بهتر است تا آنکه به جوانی و کمال رشدش رسد و پیمان و ترازو را به انصاف تمام کنید هیچکس را مگر قدر طاقت او تکلیف نمی دهیم و چون سخن گوید^(۱) پس رعایت انصاف بنمایید و اگر چه آن محکوم علیه صاحب قرابت باشد و به عهد خدا^(۲) وفا کنید این حکم فرموده است شما را تا پندپذیر شوید. ﴿۱۵۳﴾ و (خبر داده است که) آنچه مذکور شد راه راست من است و درست آمده پس پیروی او کنید و راه های دیگر را که این راه هاجدا کنند شما را از راه خدا پیروی نکنید این حکم فرموده است شما را تا شما پرهیزگاری کنید. ﴿۱۵۴﴾ باز می گویم که موسی را کتاب داده بودیم تا نعمت بر هر که نیکوکار بود تمام کنیم و هر چیز را بیان کنیم و (نیز) به جهت هدایت و مهربانی تا ایشان به ملاقات پروردگار خویش ایمان آورند^(۳). ﴿۱۵۵﴾ و این قرآن کتابیست بابرکت که فرو فرستادیمش پس پیروی او کنید و پرهیزگاری کنید تا بر شما مهربانی کرده شود. ﴿۱۵۶﴾ فرستادیمش تا بگویند جز این نیست که کتاب یعنی تورات و انجیل بر دو گروه پیش از ما فرود آورده شد و به تحقیق ما از تلاوت آن بی خبر بودیم. ﴿۱۵۷﴾ یا گویند اگر بر ما کتاب فرود آورده می شد البته راه یافته تر از ایشان می بودیم پس به شما حجتی از پروردگار شما و هدایت و بخشایش آمده است پس کیست ستمکار تراز کسی که آیات خدا را تکذیب کند و از آن اعراض کند اعراض کنندگان را از آیات خویش به بدترین عذاب جزا خواهیم داد به سبب آنکه اعراض می کردند.

(۱) یعنی گواهی دهید یا حکم کنید و الله اعلم.

(۲) یعنی بنذر او.

(۳) مترجم گوید ظاهر نزدیک این بنده آنست که حرام گردانیدیم اشیای مذکوره را در ازل بر قوم نوح و هلم ج را باز دادیم موسی را کتاب و الله اعلم.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ
 آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا
 لَمْ تَكُنْ ءَامِنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا
 إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴿١٥٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسَتْ
 مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ
 ﴿١٥٩﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مَثَلًا هُوَ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ
 فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦٠﴾ قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي
 إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ
 مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٦١﴾ قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ
 ﴿١٦٣﴾ قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغَى رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ
 نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ
 مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿١٦٤﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ
 خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ فِي
 مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٦٥﴾

﴿۱۵۸﴾ آیامنتظر نیستند مگر آن را که بدیشان فرشتگان بیایند ^(۱) یا پروردگار تو بیاید یا بعض نشانه های پروردگار تو بیاید ^(۲) روزیکه بعض نشانه های پروردگار تو بیاید نفسی را که ایمان نیاورده بود پیش ازین ایمان او نفع ندهد یا نفسی را که کسب نکرده بود در ایمان خود عمل خیر ^(۳) نفع ندهد بگوانتظار کنید هرآئینه مانیز منتظریم. ﴿۱۵۹﴾ به تحقیق کسانی که دین خود را پراگنده کردند و گروه گروه شدند در هیچ حسابی ^(۴) از ایشان نیستی جزاین نیست که کارایشان به سوی خدا گذاشته شده است باز ایشان را به عاقبت آنچه می کردند خبر می دهد. ﴿۱۶۰﴾ هر که نیکی آورد پس او را ده چندان آن است و هر که بدی آورد جزا داده نخواهد شد الا مثل آن و ایشان ستم کرده نخواهند شد. ﴿۱۶۱﴾ بگو هرآئینه مرا پروردگار من به سوی راه راست دلالت کرده است (مراد می دارم) دین درست کیش ابراهیم را که پاکدین بود و از مشرکان نبود. ﴿۱۶۲﴾ بگو هرآئینه نماز من و حج و قربانی من و زندگانی من و موت من همه برای خداست پروردگار جهانیان. ﴿۱۶۳﴾ مرا و را هیچ شریکی نیست و مرا به این توحید فرموده شد و من نخستین مسلمانانم. ﴿۱۶۴﴾ بگو آیا پروردگاری غیر از خدا طلب کنم حال آنکه او پروردگار همه چیز است و عمل نمی کند هیچ کسی مگر بر ذات خود و هیچ بردارنده باردیگر را بر ندارد باز به سوی پروردگارتان بازگشت شما باشد پس شمارا خبردار کند به آنچه که در آن اختلاف می کردید. ﴿۱۶۵﴾ و او آنست که شمارا جانشینان در زمین گردانید و بلند کرد بعضی را از شما بر بعضی به درجه ها تابیا زماید شمارا در آنچه به شما داده است هرآئینه پروردگار تو شتاب کننده عقوبت است و هرآئینه او آمرزنده مهربان است.

(۱) یعنی برای قبض ارواح.

(۲) یعنی طلوع شمس از مغرب یاد ایه الارض والله اعلم.

(۳) یعنی آرزو توبه گنهکار و ایمان کافر قبول نشود والله اعلم.

(۴) یعنی از تو مواخذه نخواهند کرد والله اعلم.

سورة الأعراف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

المص ١ كَتَبُ أَنْزِلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ
 لَتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ٢ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم
 مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ
 ٣ وَكَمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيِّنًا أَوْ هُمْ
 قَائِلُونَ ٤ فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا
 إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ٥ فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْئَلَنَّ
 الْمُرْسَلِينَ ٦ فَلَنَقْصِفَنَّهُمْ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ ٧
 وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَقُولْتِ لَهُمْ
 الْمَقْلُحُونَ ٨ وَمَن خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَقُولْتِ لَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا
 أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ ٩ وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ
 فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُم فِيهَا مَعِيشٌ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ
 ١٠ وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ
 اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّن السَّاجِدِينَ ١١

سوره اعراف مکی است و آن دویست و شش
آیه و بیست و چهار رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ اَلْمَصّ. ﴿۲﴾ این کتابیست که به سوی تو فرودآورده شد پس بایدکه درسینه^۱ تو هیچ تنگی ازتبلیغ او نباشد فرود آورده شد تا به آن بیم کنی و برای مسلمانان پندی است. ﴿۳﴾ آنراکه فرود آورده شد به سوی شما از جانب پروردگار شما پیروی کنید و دوستان را غیر از او^(۱) پیروی نکنید اندکی پندمی پذیرید. ﴿۴﴾ و بسا ده که هلاک کردیمش پس به وی عقوبت ما آمد و ایشان شبانگاه آرمیده بودند یا وقتیکه ایشان در خواب نیم روز بودند. ﴿۵﴾ پس قول ایشان چون به ایشان عقوبت ما بیامد نبود جز آنکه گفتند هر آئینه ما ستمکار بودیم. ﴿۶﴾ پس البته آن کسانی را که پیامبر فرستاده شد به سوی ایشان سوال خواهیم کرد و البته پیامبران را سوال خواهیم کرد. ﴿۷﴾ پس البته به حضور ایشان^(۲) بدانش بیان خواهیم کرد و غایب نبودیم. ﴿۸﴾ و سنجیدن اعمال به انصاف آن روز، حق خواهد بود پس هر کس که پله نیکی‌های او گران شد پس ایشان رستگار اند. ﴿۹﴾ و هر که پله نیکی‌های او سبک شد پس آن جماعت آنانند که در حق خویشتن زیان کردند به سبب آنکه به آیات ما انکار می کردند. ﴿۱۰﴾ و به راستی شمارا در زمین استقرار دادیم و برای شما در آنجا اسباب معیشت پیدا کردیم اندکی شکر می کنید. ﴿۱۱﴾ و به راستی شمارا آفریدیم (یعنی پدر شمارا) باز صورت بستیم شمارا (یعنی پدر شمارا) باز گفتیم به فرشتگان که آدم را سجده کنید پس سجده کردند مگر ابلیس از سجده کنندگان نبود.

(۱) یعنی معبودان باطل که دوست می گرفتند و الله اعلم.

(۲) یعنی همه اعمال ایشان را.

قَالَ مَا مَنَّكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِمَّنْ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ
 وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ﴿١٢﴾ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ
 فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ ﴿١٣﴾ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ
 ﴿١٤﴾ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿١٥﴾ قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتَنِي لِأَقْعُدَنَّ لَهُمْ
 صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ لَا تَيَسَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ
 وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴿١٧﴾ قَالَ
 أَخْرِجْ مِنْهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ
 أَجْمَعِينَ ﴿١٨﴾ وَيَكَادُ مَسْكُنُ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ
 شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٩﴾ فَوَسَّوَسَ
 لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءِئِهِمَا وَقَالَ
 مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ
 أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ﴿٢١﴾
 فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا
 يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ
 تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلَّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٢٢﴾

﴿۱۲﴾ گفت خداچه چیز منع کرد تو را از آنکه سجده کنی وقتی که تورا امر کردم گفت من بهترم از او مرا از آتش آفریدی و او را از گل آفریدی. ﴿۱۳﴾ گفت پس از آسمان فرود آی زیرا که تورا لایق نیست که در آن سرکشی کنی پس بیرون شو هر آینه تواز خوار شوندگانی. ﴿۱۴﴾ گفت بار الهها مرا تاروزیکه آدمیان برانگیخته می شوند مهلت ده. ﴿۱۵﴾ گفت خدا هر آینه تواز مهلت داده شدگانی. ﴿۱۶﴾ گفت پس از آن روی که مرا گمراه کردی البته می نشینم برای (گمراه کردن) آدمیان به راه راست تو (یعنی تا از آن منع کنم). ﴿۱۷﴾ پس البته به سوی ایشان از پیش ایشان و از پس پشت ایشان و از جانب راست ایشان و از جانب چپ ایشان بیایم و اکثر ایشان را شکر گزار نیابی. ﴿۱۸﴾ گفت بیرون رو از آسمان نکوهیده رانده شده به خدا هر که تو را از آدمیان پیروی کند البته دوزخ را از همگی شما پُرکنم. ﴿۱۹﴾ و گفتیم ای آدم توو زن تو در بهشت ساکن شو پس بخورید از هر جاکه خواهید و به این درخت نزدیک مشوید که از ستمکاران خواهید شد. ﴿۲۰﴾ پس شیطان آنان را وسوسه کرد تا آشکار گرداند برای ایشان آنچه از نظر ایشان از شرم گاه های ایشان پوشیده بود گفت شمارا پروردگار شما ازین درخت منع نکرده است مگر برای آنکه دوفرشته شوید یا از باشندگان جاویدان شوید. ﴿۲۱﴾ و قسم خورد برای ایشان که البته من از خیر خواهان شما هستم. ﴿۲۲﴾ پس با فریب ایشان را به خواری کشاند پس چون آن درخت را چشیدند شرمگاه های ایشان برایشان پیدا شد و شروع کردند که برگ های بالای برگی برخویش از برگ درختان بهشت می چسپانیدند و ایشان را پروردگار ایشان ندا کرد که آیا شمارا ازین درخت منع نکرده بودم و نگفته بودم که هر آینه شیطان دشمن آشکار شماست.

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ
 مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾ قَالَ أَهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ لَكُمْ
 فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتْعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٢٤﴾ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا
 تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿٢٥﴾ يَبْنِيءَ آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ
 لِبَاسًا يُورِي سَوَاءَ تَكُمُ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ
 ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ ﴿٢٦﴾ يَبْنِيءَ آدَمَ لَا يَفْتِنَكُمْ
 الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا
 لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَ تِهِمَا إِنَّهُ يَرِيكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ
 حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
 ﴿٢٧﴾ وَإِذَا فَعَلُوا فَحْشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا
 بِهَا قُلْ إِنْ أَلَّفَ اللَّهُ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ اتَّقُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا لَا تَعْمُونَ
 ﴿٢٨﴾ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ
 وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿٢٩﴾
 فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا
 الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ﴿٣٠﴾

﴿۲۳﴾ گفتند ای پروردگار ما برخویش ستم کردیم و اگر ما را نیامرزی و بر ما مهربانی نکنی البته از زیان کاران باشیم. ﴿۲۴﴾ خدا گفت فرود آید بعضی شما بعضی را دشمن خواهد بود و شمارادر زمین تامدتی معین استقرار و بهره مندی باشد (یعنی تامرگ). ﴿۲۵﴾ گفت خدا در زمین زندگانی خواهید کرد و در آنجا خواهید مرد و از آنجا بیرون آورده می شوید. ﴿۲۶﴾ ای فرزندان آدم هر آئینه ما برای شما لباسی که بپوشد شرمگاه های شما را فرود آوردیم و جامه های زینت را و لباس پرهیز گاری وی از همه بهتر است فرود آوردیم این از نشانه های خداست تا ایشان پندپذیر شوند. ﴿۲۷﴾ ای فرزندان آدم شما را شیطان همراه نکند چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون آورد از ایشان جامه^۱ ایشان را برمی کشید تا ایشان را شرمگاه های ایشان بنماید هر آئینه شیطان و قوم او شما را از آن جایی که شما نمی بینید ایشانرا می بینند هر آئینه ما شیاطین را کار گزار کسانی که ایمان نمی آورند گردانیدیم. ﴿۲۸﴾ و چون کار زشت بکنند گویند برین کار پدران خود را یافتیم و خدا ما را به آن فرموده است بگوهر آئینه خدا به کار زشت نمی فرماید آیامی گویند برخدا آنچه را که نمی دانید. ﴿۲۹﴾ بگو فرموده است پروردگار من به انصاف و فرموده است که رویهای خود را^(۱) نزدیک هر نماز راست کنید و او را بپرستید خالص کرده عبادت را برای او چنانکه شمارا نخست آفرید (باز هم چنان) برمی گردید^(۲). ﴿۳۰﴾ گروهی را راه نمود و برگرویی از ایشان همراهی ثابت شد هر آئینه شیاطین را به جای خدا دوست گرفتند و می پنداشتند که ایشان راه یافتگانند.

(۱) یعنی به سوی کعبه.

(۲) یعنی سروپا برهنه بدون ختنه محشور شوید والله اعلم.

* يَبْنِيْءَ آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا
 وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ
 الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا
 فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كَذَلِكَ نَفْصِلُ الْآيَاتِ
 لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٣٢﴾ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا
 بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ
 بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ
 أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ
 ﴿٣٤﴾ يَبْنِيْءَ آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ
 اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٥﴾ وَالَّذِينَ كَذَبُوا
 بآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
 خَالِدُونَ ﴿٣٦﴾ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ
 بِآيَاتِهِ أُولَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمْ
 رُسُلُنَا يَتَوَقَّوْنَهُمْ قَالُوا آيِنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
 قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿٣٧﴾

﴿۳۱﴾ ای فرزندان آدم زینت خود را^(۱) نزدیک هر نماز بگیرید و بخورید و بیاشامید و از حد مگذرید هر آینه خدا از حد گذرندگان را دوست نمیدارد. ﴿۳۲﴾ بگوئید که زینت خدارا که پیدا کرده است برای بند گان خود حرام کرد و کیستکه پاکیزه هارا از رزق حرام کرده است بگوآن پاکیزه هارا ملابس و مآكل برای مسلمانان در زندگانی دنیا است^(۲) برای ایشان روز قیامت خالص شده همچنین نشانه هارا بیان می کنیم برای قومی که می دانند^(۳). ﴿۳۳﴾ بگو جز این نیست که پروردگار من بی حیایی ها را آنچه آشکار باشد از آن و آنچه پوشیده حرام کرده است و گناه و تجاوز ناحق را و آنکه چیزی را شریک خدا مقرر کند که خدا هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده است حرام کرده است و آنکه بگویی برخدا آنچه را که نمی دانی. ﴿۳۴﴾ و هرامتی را میعادست^(۴) پس چون^(۵) میعاد ایشان بیاید تاخیر نکنند يك (لحظه) ساعت و نه سبقت کنند^(۶). ﴿۳۵﴾ ای فرزندان آدم اگر به شما پیامبران از جنس شما بیایند بر شما آیات مرا می خوانند پس هر که پرهیزگاری کند و نیکوکاری نماید پس هیچ ترس برایشان نباشد و نه ایشان اندوهگین شوند. ﴿۳۶﴾ و کسانی که آیاتِ ما را تکذیب کردند و از قبول آنها سرکشی کردند ایشان اصحاب دوزخ اند ایشان آنجا جاویدان اند. ﴿۳۷﴾ پس کیست ستمکار تراز کسی که برخدا دروغ را بریست یا آیاتِ او را تکذیب کرد آن جماعت به ایشان بهره ای از آنچه نوشته شد در لوح محفوظ برسد^(۷) تا وقتی که چون نزدیک ایشان فرستادگان ما بیایند تا قبض ارواح ایشان کنند گویند کجاست آنچه شما غیر از خدا می پرستیدید گویند ایشان از ما گم شدند و معترف شدند بر خویش به این که ایشان کافر بودند.

(۱) یعنی لباس خود را.

(۲) یعنی لایق ایشانست اگر چه دیگران نیز استعمال کنند والله اعلم.

(۳) مترجم گوید درین آیت اشارت است بر مذهب رهبان یهود و نصاری و متخشنین عرب که توسع را در مآكل و ملابس مکروه میداشتند والله اعلم.

(۴) یعنی معین است برای هلاک ایشان والله اعلم.

(۵) یعنی نزدیک شود.

(۶) یعنی بر زبان حضرت آدم چنانکه در سوره بقره به آن اشاره رفت والله اعلم.

(۷) یعنی نعمت و نعمت مقدّر شده در دنیا به ایشان میرسد والله اعلم.

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْبَنِي وَالْإِنْسِ
 فِي النَّارِ كَلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا دَارَكُوا
 فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أَخْرِبْهُمْ وَلَاوْلَهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ
 عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ وَلَكِنْ لَا تَعْمَلُونَ
 ﴿٢٨﴾ وَقَالَتْ أُولَهُمْ لِأَخْرِبْهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ
 فذُقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٢٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ
 كَذَّبُوا بآيَاتِنَا وَأَسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تَتِفَحْ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ
 وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ
 نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ﴿٣٠﴾ لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ
 وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٣١﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ
 فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٢﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي
 مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا
 لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ
 وَنُودُوا أَنْ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٣﴾

﴿۳۸﴾ خدا حکم کند که همراه امتانی که گذشته اند پیش از شما از جن وانس در آتش داخل شوید هر گاه که قومی در آید قوم دیگر مانند خود را لعنت کند تا وقتی که چون به یکدیگر در دوزخ برسند جماعت متاخر از ایشان در حق جماعت متقدم از ایشان همگی گویند ای پروردگار ما ایشان را گمراه کردند پس ایشان را عذاب دو چند از دوزخ بده خدا فرماید هریکی را دو چند است ولیکن نمی دانید^(۱). ﴿۳۹﴾ و جماعت متقدم از ایشان جماعت متاخر را از ایشان می گویند پس شمارا بر ما هیچ برتری ای نیست پس عذاب را به سبب آنچه می کردید بچشید. ﴿۴۰﴾ هر آینه کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و از قبول آن سرکشی کردند هرگز کشته نشود برای ایشان دروازه های آسمان و در نیایند به بهشت تا وقتی که شتر در سوراخ سوزن داخل شود^(۲) و همچنین گناهکاران را جزا می دهیم. ﴿۴۱﴾ ایشان را از دوزخ فرس بُود و از بالای ایشان از دوزخ پوششها باشد و همچنین ستمکاران را جزا می دهیم. ﴿۴۲﴾ و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند دستور نمی دهیم هیچکس را مگر به قدر طاقت او آن جماعت باشندگان بهشت اند ایشان آنجا جاویدان باشند. ﴿۴۳﴾ و آنچه از کینه در سینه های ایشان بُود بیرون آوریم^(۳) زیرا ایشان نهرا می رود و گویند سپاس آن خدا راست که ما را به سوی این بهشت راهنمود و هرگز راه یابنده نبودیم اگر ما را خدا راه نه نمودی به درستی که فرستادگان پروردگار ما به راستی آمدند و نداد کرده شوند که این بهشت آن را به سبب آنچه می کردید داده شدید.

(۱) یعنی تابعین را عذاب کفر تقلید و متبوعین را عذاب ضلال و اضلال والله اعلم.

(۲) یعنی این محال است والله اعلم.

(۳) یعنی آن کینه ها که در دل بهشتیان باشد دور کنیم مثل آنچه میان بعضی از صحابه رضی الله عنهم واقع شد والله اعلم.

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا
رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ
مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُم أَن لَّعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ
سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ ﴿٤٥﴾ وَبَيْنَهُمَا
حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْا
أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَن سَلِّمُوا عَلَيْنَا لَمْ يَدْخُلُوها وَهُمْ يَطْمَعُونَ ﴿٤٦﴾
* وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا
مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٧﴾ وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا لَا يَعْرِفُونَهُمْ
بِسِيمَتِهِمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٤٨﴾
أَهْلُولَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ
لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٤٩﴾ وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ
الْجَنَّةِ أَن أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا
إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٥٠﴾ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا
وَلَعِبًا وَغَرَّتُهُمُ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا فَاَلْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا
لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿٥١﴾



﴿۴۴﴾ و اهل بهشت اهل دوزخ را نداکنند که ما راست یافتیم آنچه به ما پروردگار ما وعده کرده بود پس آيا شما هم راست يافتيد آنچه پروردگار شما به شما وعده کرده بود گفتند آری پس ندادهنده ای در میان ایشان ندادهد که لعنت خدا بر ستمکاران است. ﴿۴۵﴾ کسانی که مردمان را از راه خدا بازمی داشتند و برای آن راه کجی را می خواستند^(۱) و ایشان به آخرت اعتقاد داشتند. ﴿۴۶﴾ و در میان آنها (بهشت و دوزخ) حجابیست^(۲) و بر اعراف مردمانی باشند که هریکی از اهل دو گروه را بقیافه^۳ ایشان می شناسند و اهل اعراف اهل بهشت را نداکنند که سلام علیکم هنوز به بهشت در نیامده اند و ایشان طمع آن را دارند. ﴿۴۷﴾ و چون چشمهای اهل اعراف به طرف اهل دوزخ گردانیده شود گویند ای پروردگار ما راهمراه گروه ستمکاران مکن. ﴿۴۸﴾ و اهل اعراف مردانی را که می شناسند ایشان را به قیافه^۴ ایشان ندا کردند گویند کفایت نکرد از شما جمعیت شما و آنکه سرکشی می کردید. ﴿۴۹﴾ آيا این جماعت اند آنانکه شما قسم میخوردید که هر گز خدا به ایشان هیچ رحمت نرساند^(۳) گفته شد ایشان را که به بهشت در آید بر شما هیچ ترسی نیست و نه شما اندوهگین شوید. ﴿۵۰﴾ و اهل دوزخ اهل بهشت را نداکنند که بر ما چیزی از آب یا از سایر آنچه روزی داده است شمارا خدا بریزد گویند هر آینه خدا این هردو را بر کافران حرام ساخته است. ﴿۵۱﴾ آنانکه دین خود را بازیچه و سرگرمی گرفته اند و ایشان را زندگانی دنیا فریب داد پس امروز فراموش کنیم ایشان را چنانکه ایشان ملاقات این روز خویش را فراموش کردند و چنانکه آیات ما را انکار میکردند^(۴).

(۱) یعنی می خواستند به شبهات این راه را باطل سازند.

(۲) و آن مسمی به اعراف است والله اعلم.

(۳) یعنی فقرای مسلمین که کافران از ایشان حسابی نمی گرفتند والله اعلم.

(۴) و فراموش کردن خدا ترك ایشان است در دوزخ والله اعلم.

وَلَقَدْ جِئْتَهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عَلَيْهِمْ هُدًى وَرَحْمَةً
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ
يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ
فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفْعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي
كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا
يَفْتَرُونَ ﴿٥٣﴾ إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ
يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ
بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٥٤﴾
أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٥٥﴾
وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا
إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾ وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ
الرِّيحَ بُشْرًا لِّبَنَاتٍ يَدْعُوهُنَّ بِرَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا
سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَاهُ أَلْمَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ
الشَّجَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٥٧﴾

﴿۵۲﴾ و به راستی برای ایشان کتابی که به روشنی بیان کرده ایم آنرا بدانش آوردیم رهنمایی و بخشایش برای قوم مومنان. ﴿۵۳﴾ کفار انتظار نمی کنند مگر مصداق این وعده را روزیکه مصداق آن بیاید گویند کسانی که فراموش کرده بودند آنرا پیش ازین به یقین پیامبران پروردگار مابه راستی آمده بودند پس آیا هستند برای ما شفیعان تا برای ما شفاعت کنند یا باز گردانیده شویم به سوی دنیا پس عمل کنیم غیر آنچه می کردیم^(۱) به درستی زبان کردند در حق خویشتن و گم شد از ایشان آنچه افترا می کردند. ﴿۵۴﴾ هر آئینه پروردگار شما آن خدا است که آسمان ها و زمین را درشش روز آفرید باز بر عرش مستقر شد شب رابه روز می پوشاند^(۲) شب روز رابه شتاب می طلبد^(۳) و خورشید و ماه و ستارگان را رام شده به فرمانش آفرید آگاه شو آفریدن و فرمانروایی برای او ست، خدا پروردگار جهانیان بزرگ است. ﴿۵۵﴾ پروردگار خود را زاری کنان و پوشیده از مردمان بپرستید هر آئینه او از حد گذرندگان را دوست ندارد. ﴿۵۶﴾ و در زمین بعد اصلاح آن فساد مکنید^(۴) و اورابه ترس و امید بپرستید هر آئینه بخشایش خدا از نیکوکاران نزدیک است. ﴿۵۷﴾ و او ست آنکه باده را مژده دهنده پیش از رحمت خود^(۵) می فرستد تا وقتیکه ابرگران را بردارد آن را به سوی شهری مرده روان کنیم پس به واسطه آن ابرآب را فرود آوریم پس به آن آب از جنس هر میوه بیرون آوریم همچنین مردگان را بیرون آوریم^(۶) تاباشد که شما پند پذیر شوید.

(۱) یعنی مسلمان شویم و بت ها را نپرستیم.

(۲) یعنی گاهی اجزای شب را بلباس روز پوشانیده در حساب روز می گرداند والله اعلم.

(۳) یعنی از پی درآمدن شب بعد روز مشابه آنست که گویا کسی کسی را دوان و شتابان می طلبد.

(۴) یعنی به سبب بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم.

(۵) یعنی پیش از باران.

(۶) یعنی از قبور بیرون کنیم.

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْجُبُ بَنَاتَهُ وَبِأَذْنِ رَبِّهِ ۖ وَالَّذِي خَبَثَ لَيْخُجُ
 إِلَّا نَكَدًا ۚ كَذَلِكَ نَصْرَفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ﴿٥٨﴾
 لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ ۖ فَقَالَ يَتَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ
 مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۖ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥٩﴾
 قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ ۖ إِنَّا لَنَرُوكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٦٠﴾ قَالَ يَتَقَوْمِ
 لَيْسَ بِي ضَالَّةٌ ۖ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦١﴾
 أَبْلِغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ
 مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٢﴾ أَوْ عَجَبْتَ ۖ أَنَّ جَاءَ كُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ
 عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ
 ﴿٦٣﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ
 كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ﴿٦٤﴾ * وَإِلَىٰ
 عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا ۖ قَالَ يَتَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ
 غَيْرُهُ ۖ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٦٥﴾ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ
 إِنَّا لَنَرُوكَ فِي سَفَاهَةٍ ۖ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَذِبِينَ ﴿٦٦﴾
 قَالَ يَتَقَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ ۖ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٧﴾



﴿۵۸﴾ و شهر پاکیزه گیاه او بفرمان پروردگارش برمی آید و زمین ناپاکیزه رستنی آن بر نمی آید مگر ناهموار دیرروینده همچنین گوناگون نشانه ها را برای قومی که شکرگزاری می کنند بیان می کنیم^(۱). ﴿۵۹﴾ هر آئینه نوح را به سوی قوم او فرستادیم پس گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شمارا هیچ معبود برحقى غیراز او نیست هر آئینه من از عقوبتِ روز بزرگ بر شما می ترسم^(۲). ﴿۶۰﴾ سران از قوم او گفتند هر آئینه ما تو را در گمراهی ظاهر می بینیم. ﴿۶۱﴾ گفت: ای قوم من هیچ گونه گمراهی در من نیست ولیکن من فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیان هستم. ﴿۶۲﴾ به شما پیغام های پروردگارم را میرسانم و برای شما نیک خواهی می کنم و میدانم از حکم خدا آنچه نمی دانید. ﴿۶۳﴾ آیات عجب کردید از آنکه آمد به سوی شما پند از جانب پروردگار شما بر زبان مردی از شما تا شما را بیم کند و تا پرهیزگاری کنید و تا بر شما مهربانی کرده شود. ﴿۶۴﴾ پس او را تکذیب کردند پس او را و کسانی را که با وی در کشتی بودند نجات دادیم و کسانی را که تکذیب کردند آیاتِ ما را غرق ساختیم هر آئینه ایشان گروهی نابینا بودند. ﴿۶۵﴾ و سوی قوم عاد برادرایشان هود را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شمارا هیچ معبود برحقى غیراز او نیست آیا پرهیزگاری نمی کنید. ﴿۶۶﴾ گفتند اشراف و سران کفار از قوم او هر آئینه ما تو را در بی خردی می بینیم و هر آئینه ما تو را از دروغ گوین می پنداریم. ﴿۶۷﴾ گفت ای قوم من در من هیچ گونه بی خردای نیست ولیکن من از جانب پروردگار جهانیان فرستاده ام.

(۱) مترجم گوید این مثل است برای پند در قلب سلیم و عدم تاثیر آن در غیر سلیم والله اعلم.

(۲) یعنی روز قیامت.

أَبْلَغَكُمْ رَسُولَ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴿٦٨﴾ أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ
 جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ
 وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ
 فِي الْخَلْقِ بَصْطَةً ۖ فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ
 ﴿٦٩﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ
 آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِينَ ﴿٧٠﴾
 قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ ۖ
 أَتَجِدَ لُونِي فِي سَّمَاءٍ سَمِيَّتُمْوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ
 مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ فَانْظُرُوا إِلَىٰ مَعَكُمْ مِّنَ
 الْمُنْظَرِينَ ﴿٧١﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا
 وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بَيِّنَاتٍ وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ
 ﴿٧٢﴾ وَإِلَىٰ شَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَاقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ
 مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ ۖ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ
 هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ ۖ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ
 اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ إِلِيمٍ ﴿٧٣﴾

﴿ ۶۸ ﴾ من به شما پیغام های پروردگارم را میرسانم و من برای شما نیک خواه باامانتم.
 ﴿ ۶۹ ﴾ آیا تعجب کردید از آنکه به شما پندی از جانب پروردگار شما بر مردی از شما آمد تا شما را بیم کند و یاد کنید آن وقت را که شما را بعد از قوم نوح جانشین گردانید و برای شما در خلقت قوت را افزود پس یاد کنید نعمت های خدا را تا شمارستگار شوید. ﴿ ۷۰ ﴾ گفتند آیا آمده ای پیش ما تا تنها خدا را عبادت کنیم و بگذاریم آنچه پدران ما می پرستیدند پس آنچه ما را به آن وعده می دهی برای ما^(۱) بیاور اگر از راستگویان هستی. ﴿ ۷۱ ﴾ گفت بر شما از جانب پروردگار شما عقوبت و خشم ثابت شد آیا مکاره می کنید با من درباره نامهایی چند که شما آن را مقرر کرده اید و (نیز) پدران شما مقرر کرده اند،^(۲) خدا بر آن هیچ دلیلی فرو نیاورده است پس انتظار کنید هر آئینه من نیز همراه شما از منتظرانم. ﴿ ۷۲ ﴾ پس او را و کسانی را که با او بودند به مهربانی از جانب خویش نجات دادیم و بریدیم بیخ کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند و از مومنان نبودند. ﴿ ۷۳ ﴾ و به سوی قوم ثمود برادر ایشان صالح را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شمارا هیچ معبود برحقى غیر از او نیست هر آئینه به شما دلیلی از جانب پروردگار شما آمد این ماده شتر نیست خدا نشانه ای برای شما پیدا کرده پس بگذاریدش که در زمین خدا بچرد و او را هیچ بدی و گزندى مرسانید که آنگاه شما را عقوبت درد ناك بگیرد.

(۱) یعنی بیار عقوبت را.

(۲) یعنی بی اصل است.

وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ
 فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ
 الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آيَةَ اللَّهِ وَلَا تَعْتَوْا فِي
 الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٧٤﴾ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ
 قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضِعُوا لِمَنْ أَمَنَ مِنْهُمْ اتَّعْلَمُونَ
 أَنَّ صَلَاحًا مَّرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ
 مُؤْمِنُونَ ﴿٧٥﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي
 آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٧٦﴾ فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ
 أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يُصْلِحُ أَسْتِنَايِمَا تَعْدُنَا إِنْ كُنْتَ
 مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧٧﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ
 جِثِيمِينَ ﴿٧٨﴾ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَلْقَوْمَ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ
 رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ التَّصْحِينَ
 ﴿٧٩﴾ وَلَوْ طَإِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ
 بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ
 شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ ﴿٨١﴾

﴿۷۴﴾ و یاد کنید (نعمت الهی را) آن وقت که شمارا بعد از قوم عاد جانشین گردانید و شمارا در زمین استقرار داد از خاک نرم آن قصرها رامی سازید و کوه هارا تراشیده خانه ها می سازید پس نعمت های خدا را یاد کنید و در زمین به فساد برنخیزید. ﴿۷۵﴾ اشراف و سران قوم او که کبر ورزیده بودند به مستضعفان از کسانی که ایمان آورده بودند از آنان، گفتند آیامیدانید که صالح از جانب پروردگارش فرستاده شده است گفتند اهل ایمان هر آئینه مابه شریعتی که وی فرستاده شده است به آن شریعت باور داریم. ﴿۷۶﴾ گفتند سرکشان هر آئینه مابه آنچه معتقد به آن شدید کافرانیم. ﴿۷۷﴾ پس آن ماده شتر را کشتند و از فرمان پروردگار خویش تجاوز کردند و گفتند ای صالح بیار برای ما آنچه مارا وعید می کنی اگر از پیامبران هستی. ﴿۷۸﴾ پس ایشان را زلزله در گرفت پس زانو افتاده درسرای خویش مرده گشتند. ﴿۷۹﴾ پس صالح از ایشان اعراض کرد و گفت ای قوم من به شما پیغام پروردگارم را رسانیدم و برای شما نیک خواهی کردم ولیکن نیک خواهی کنندگان را دوست نمی دارید. ﴿۸۰﴾ و فرستادیم لوط را آن وقت که گفت به قوم خود آیا می کنید آن بی حیایی که پیش از شما آنرا هیچ کس از جهانیان نکرده است. ﴿۸۱﴾ هر آئینه شما به (قضا) شهوت به سوی مردان به جای زنان میروید بلکه شما گروه مُسرفانید.

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِّنْ
 قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ ﴿٨٢﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ
 وَأَهْلَهُ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ وَكَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٨٣﴾ وَأَمْطَرْنَا
 عَلَيْهِمْ مَّطَرًا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ
 ﴿٨٤﴾ وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَاقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ
 مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ
 فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ
 أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَتَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا
 ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٨٥﴾ وَلَا
 تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنِ
 سَبِيلِ اللَّهِ مَن عَمِيَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَذْكُرُوا
 إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرَكُمْ وَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ
 عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨٦﴾ وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِّنْكُمْ
 ءَامَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا
 حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿٨٧﴾

﴿۸۲﴾ و جواب قوم او جزاین نبود که گفتند ایشان را از ده خود بیرون کنید هر آئینه ایشان مردمانی اند که پاکیزگی طلب می کنند. ﴿۸۳﴾ پس او را و اهل خانه او را مگر زنش را که از باقی ماندگان بود نجات دادیم. ﴿۸۴﴾ و برایشان بارانی (یعنی از سنگ) بارانیدم پس بنگر آخر کار گناهکاران چگونه بود؟! ﴿۸۵﴾ و به سوی قوم مدین برادرایشان شعیب را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را بپرستید شما را هیچ معبود بر حق نیست هر آئینه به شما دلیلی از پروردگار شما آمده است پس پیمانۀ و ترازو را تمام کنید و به مردمان چیزهای ایشان را ناقص مدهید در زمین بعد اصلاح آن فساد مکنید این کار که گفتیم بهترست برای شما اگر باوردارند گانید. ﴿۸۶﴾ و به هر راهی منشینید که بترسانید و از راه خدا کسی را که به او ایمان آورده است بازدارید و برای آن راه کجی را میجوید و یاد کنید آن وقت راکه شما اندک شمار بودید پس شمارا بسیار گردانید و بنگرید آخر کار مفسدان چگونه شد. ﴿۸۷﴾ و اگر گروهی از شما به آنچه فرستاده شدم به آن ایمان آوردند و گروهی ایمان نیاوردند پس صبر کنید تا آنکه خدا در میان ما فیصله کند و او بهترین حکم کنندگان است^(۱).

(۱) یعنی واجب آن بود که همه متفق میشدند بر ایمان و چون متفق نشدند منتظر فیصله کردن باشند والله اعلم.

* قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَشْعِيبَ
 وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ
 كُنَّا كَرِهِينَ ﴿٨٨﴾ قَدْ أَفْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ
 إِذْ بَخَّسْنَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ
 اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبُّنَا أَفْتَحْ
 بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ﴿٨٩﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ
 الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنْ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَخَسِرُونَ
 ﴿٩٠﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثْمِينَ ﴿٩١﴾ الَّذِينَ
 كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا
 هُمُ الْخَاسِرِينَ ﴿٩٢﴾ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ
 رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَأَ عَلَى قَوْمٍ
 كَافِرِينَ ﴿٩٣﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا
 بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ ﴿٩٤﴾ ثُمَّ بَدَّلْنَا
 مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّى عَفَوا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا
 الضَّرَاءُ وَالسَّرَاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩٥﴾

﴿۸۸﴾ آن اشراف و سران از قوم او که سرکشی کرده بودند گفتند البته تو را ای شعیب و کسانی راکه همراه توایمان آوردند از دِه خود بیرون کنیم یا این که حتما در دین ما باز گردید گفت آیا (باز گردیم) اگر چه ما نا پسند داریم؟ ﴿۸۹﴾ هَر آئینه برخدا دروغی بر بسته باشیم اگر باز گردیم در دین شما بعد از آنکه خدا ما را از وی برهانید و هرگز لایق نیست ما را که در آن باز گردیم مگر آنکه خدا پروردگار ما خواهد پروردگار ما به همه چیز از روی دانش احاطه کرده است برخدا توکل کردیم ای پروردگار ما در میان ما و در میان قوم ما به راستی فیصله کن و توبهترین فیصله کنندگانی. ﴿۹۰﴾ و آن اشراف و سران که کافر بودند از قوم او بیاران خود گفتند اگر شعیب را متابعت کنید هَر آئینه شما آن هنگام زیان کار باشید. ﴿۹۱﴾ پس ایشان را زلزله در گرفت پس در سرای خویش مرده بر زانو افتاده صبح کردند. ﴿۹۲﴾ آنانکه شعیب را تکذیب کردند گویا نبودند آنجا، آنانکه شعیب را تکذیب کردند ایشان زیان کار بودند. ﴿۹۳﴾ پس از ایشان رو گردانید و گفت ای قوم من به درستی که به شما پیغام های پروردگار خود را رسانیدم و برای شما نیک خواهی کردم پس بر قوم کافران چگونه اندوه خورم. ﴿۹۴﴾ و نفرستادیم در هیچ شهری پیامبری را مگر اهل آنرا به سختی ورنج گرفتار کردیم تا بُود که ایشان زاری کنند. ﴿۹۵﴾ به ایشان به جای محنت راحت را باز دادیم تا آنکه بسیار شدند و گفتند هَر آئینه پدران ما را سختی و راحت رسیده بود ^(۱) پس ایشان را ناگهان گرفتیم و ایشان خبر نداشتند.

(۱) یعنی عادت زمان است که گاهی سختی و گاهی راحت می باشد از قبیل مواخذه بر اعمال بُود والله اعلم.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ
مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا
يَكْسِبُونَ ﴿٩٦﴾ أَفَأَمِّنْ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا
بَيِّنَاتٌ وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿٩٧﴾ وَأَمِّنْ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُم
بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ ﴿٩٨﴾ أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ
فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٩٩﴾ أَوَلَمْ يَهْدِ
لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّوْنَشَاءَ
أَصْبَتْهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ
﴿١٠٠﴾ تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقِصُ عَلَيْكَ مِنْ نَّبَائِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ
رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِن
قَبْلُ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ﴿١٠١﴾ وَمَا وَجَدْنَا
لِأَكْثَرِهِمْ مِّنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ ﴿١٠٢﴾
ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ
فَطَلَمُوا بِهَا فَأَنْظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٠٣﴾
وَقَالَ مُوسَىٰ يَفِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٤﴾

﴿۹۶﴾ و اگر اهلِ ده ها ایمان می آوردند و پرهیزگاری می کردند هر آئینه برایشان برکت‌ها از آسمان و زمین می کشادیم ولیکن تکذیب کردند پس ایشان را به وبال آنچه میکردند گرفتیم. ﴿۹۷﴾ آیا اهلِ ده ها ایمن شده اند از آنکه عذاب ما به ایشان شبانگاه در حالیکه ایشان خفته باشند بیاید. ﴿۹۸﴾ آیا اهلِ ده ها ایمن شده اند از آنکه عذاب ما وقت چاشت به ایشان بیاید و ایشان بازی میکنند. ﴿۹۹﴾ آیا از مکر خدا ایمن شده‌اند^(۱) پس از مکر خدا ایمن نمی شوند مگر گروه زیان کاران. ﴿۱۰۰﴾ آیا واضح نشد بر آنکه وارث زمین می شوند بعد از هلاک ساکنان آن زمین که اگر بخواهیم ایشان را به سزای گناهان شان عقوبت رسانیم و بردل های ایشان مُهرمی نهیم پس ایشان نمی شنوند. ﴿۱۰۱﴾ این ده ها را پیش تو برخی از خبرهایشان را ذکر می کنیم و به راستی به اهل آنها پیامبران ایشان با معجزه ها آمده بودند پس هرگز ایمان نیاوردند به آنچه پیش از آن تکذیب کرده بودند همچنین خدا بردل های کافران مُهرمی نهد. ﴿۱۰۲﴾ و وفایه عهد در اکثر ایشان نیافتیم و هر آئینه اکثر ایشان را بدکار یافتیم. ﴿۱۰۳﴾ باز بعد از ایشان موسی را به نشانه‌های خویش به سوی فرعون و قوم او فرستادیم پس به آن نشانه ها کافر شدند پس بنگر آخر کار مفسدان چگونه بود؟! ﴿۱۰۴﴾ و موسی گفت ای فرعون هر آئینه من از جانب پروردگار جهانیان پیامبرم.

(۱) یعنی از تدبیر اهلک و الله اعلم.

حَقِيقٌ عَلَى أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ
 مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَءِيلَ ﴿١٠٥﴾ قَالَ إِنْ كُنْتَ
 جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِينَ ﴿١٠٦﴾ فَأَلْقَى
 عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿١٠٧﴾ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بِيْضَاءُ
 لِلنَّظِيرِينَ ﴿١٠٨﴾ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا السَّحَرُ
 عَلَيْهِمُ ﴿١٠٩﴾ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ
 ﴿١١٠﴾ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿١١١﴾ يَا تُوكَ
 بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿١١٢﴾ وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ
 لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿١١٣﴾ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ
 لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿١١٤﴾ قَالُوا يَمُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ
 نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ﴿١١٥﴾ قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا
 أَعْيُنَ النَّاسِ وَأَسْثَرَهُمْ بُوْهُمُ وَجَاءَ وَبِسِحْرِ عَظِيمٍ ﴿١١٦﴾
 * وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ
 ﴿١١٧﴾ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٨﴾ فَغْلِبُوا
 هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَٰغِرِينَ ﴿١١٩﴾ وَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ﴿١٢٠﴾

﴿۱۰۵﴾ سزاوارم به آنکه بر خدا نگویم مگر سخن راست، برای شما نشانه ای از جانب پروردگار شما آورده‌ام پس بامن بنی اسرائیل را بفرست. ﴿۱۰۶﴾ گفت اگر معجزه آورده ای پس آن را حاضر کن اگر از راست گویان هستی. ﴿۱۰۷﴾ پس عصای خود را انداخت پس ناگهان آن عصا ازدهایی ظاهر شد. ﴿۱۰۸﴾ و دست خود را بیرون آورد پس ناگهان آن دست برای بینندگان نورانی شد. ﴿۱۰۹﴾ اشراف و سران از قوم فرعون بایکدیگر گفتند هرآئینه این شخص ساحر داناست. ﴿۱۱۰﴾ می خواهد که شمارا از زمین شما بیرون کند پس چه می فرماید. ﴿۱۱۱﴾ گفتند ای فرعون او و برادرش را بازداشت کن و در شهرها نقیبان را بفرست. ﴿۱۱۲﴾ تا پیش تو هر ساحر دانا را بیارند. ﴿۱۱۳﴾ و ساحران پیش فرعون آمدند گفتند هرآئینه برای ما مزدی هست اگر غالب شویم. ﴿۱۱۴﴾ گفت آری و هرآئینه شما از مقربان باشید. ﴿۱۱۵﴾ گفتند ای موسی یا این است که نخست توافکنی یا ما افکننده باشیم. ﴿۱۱۶﴾ موسی گفت شما افکنید پس آن هنگام که افکندند چشم های مردمان را به جادو بستند و ایشان را بترسانیدند و جادویی بزرگ آوردند. ﴿۱۱۷﴾ و به سوی موسی وحی فرستادیم که عصای خود را بیفکن پس ناگهان آن عصا فرومی برد آنچه بدروغ اظهار میکردند. ﴿۱۱۸﴾ پس حق ثابت شد و باطل شد آنچه می کردند. ﴿۱۱۹﴾ پس قوم فرعون مغلوب شدند آنجا و خوار گشتند. ﴿۱۲۰﴾ و انداخته شدند ساحران سجده کنان.

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٢١﴾ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ ﴿١٢٢﴾ قَالَ
 فِرْعَوْنُ ءَامَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ
 مَكْرَتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ
 ﴿١٢٣﴾ لَا أَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ ثُمَّ لَا أَضِلُّكُمْ
 أَجْمَعِينَ ﴿١٢٤﴾ قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ﴿١٢٥﴾ وَمَا نَقِمُ مِنْهَا
 إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَ ثَنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا
 وَتَوَقَّنَا مُسْلِمِينَ ﴿١٢٦﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَنْذَرُ مُوسَى
 وَقَوْمَهُ وَلِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذُرْكُمُ الْهَتَكُ قَالَ سَنَقْتُلُ
 أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ﴿١٢٧﴾
 قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَأَصْبِرُوا إِنَّا الْأَرْضُ
 لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٢٨﴾
 قَالُوا أَوْذَيْنَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِينَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ
 عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عُدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ
 فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿١٢٩﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ
 بِالْسِّنِينَ وَنَقَّصْنَا مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ ﴿١٣٠﴾

﴿۱۲۱﴾ گفتند به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم. ﴿۱۲۲﴾ پروردگار موسی و هارون. ﴿۱۲۳﴾ فرعون گفت آیا ایمان آوردید به موسی پیش از آنکه شما را اجازه دهم هرآئینه این تدبیر است که آنرا در شهر اندیشیده‌اید تا ازین شهر ساکنان آنرا بیرون کنید پس خواهید دانست. ﴿۱۲۴﴾ البته دست های شمارا و پاهای شمارا برخلاف جهت یکدیگر خواهم برید^(۱) باز همگی شمارا بردارکشم. ﴿۱۲۵﴾ گفتند هرآئینه ما به سوی پروردگار خود رجوع کنندگانیم. ﴿۱۲۶﴾ و پرمانکار نمی کنی مگر آنکه به نشانه های پروردگار خویش چون پیامدبه ما ایمان آوردیم ای پروردگار ما بریز بر ما شکیبایی و قبض ارواح ما کن در حالیکه مسلمان باشیم. ﴿۱۲۷﴾ و اشراف و سران از قوم فرعون گفتند آیامی گذاری موسی و قوم او را تادر زمین فساد کنند و تا عبادت تورا و معبودان تورا بگذارد گفت خواهیم پسران بنی اسرائیل را کشت و زنده خواهیم گذاشت دختران ایشانرا و ما برایشان غالبیم. ﴿۱۲۸﴾ موسی به قوم خود گفت از خدا مدد طلبید و صبر کنید هرآئینه زمین خدا را است او وارث آن می کند هر کرا از زندگان خویش خواهد و سرانجام خوب برای پرهیزگاران است. ﴿۱۲۹﴾ گفتند پیش از آنکه بیایی نزد ما و بعد از آنکه آمدی نزد ما ایذا داده شدیم گفت امید است که پروردگار شما دشمن شما را هلاک کند و شما را در زمین خلیفه گرداند پس بنگرد چگونه عمل می کنید. ﴿۱۳۰﴾ و به راستی کسان فرعون را به قحط ها و به نقصان میوه ها گرفتار کردیم تا شود که ایشان پند پذیرند.

(۱) یعنی دست راست و پای چپ والله اعلم.

فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيِّرُوا بِمُوسَى وَمَنْ مَعَهُ ۖ وَالْآيَاتُ طَائِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣١﴾ وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لَتَسْحَرْنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالْدَّمَ ۖ آيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ ﴿١٣٣﴾ وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا لِمُوسَى اادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لِيُنْزِلَ عَلَيْنَا مَاءً كَافً ۖ فَكَشَفَتْ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَ بِكَ لَكَ وَلِتُرْسِلَ مَعَكَ بَنِي إِسْرَءِيلَ ﴿١٣٤﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَى أَجَلٍ هُمْ بَلِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ ﴿١٣٥﴾ فَأَنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٣٦﴾ وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشْرِقَ الْأَرْضِ وَمَغْرِبَهَا الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَءِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ ﴿١٣٧﴾

﴿۱۳۱﴾ پس چون فراخی به ایشان روی می‌آورد می‌گفتند این لایق ماست و اگر سختی برسید به ایشان به موسیٰ و کسانیکه باوی بودند شگون بدمی‌گرفتند آگاه باش جزاین نیست که شگون بدایشان فقط نزد خداست ولیکن بیشتر ایشان نمی‌دانند^(۱). ﴿۱۳۲﴾ و کسان فرعون گفتند ای موسیٰ هرچه آن رازنشانه‌ها بیاری تا ما را بدان سحرکنی پس ما برگز تو را باوردارنده‌نیستیم. ﴿۱۳۳﴾ پس برایشان طوفان و ملخ و کنه (شپش) و غوکها (قورباغها) و خون نشانه‌های واضح کرده شده فرستادیم پس سرکشی کردند و قوم گناهکار بودند. ﴿۱۳۴﴾ و وقتی که برایشان عقوبت فرودآمد گفتند ای موسیٰ به جناب پروردگار خود به آن اسماء و ادعیه ای که وحی کرده است نزد تو دعاکن اگر از ما عقوبت را دورکنی البته تو را معتقد شویم و باتو بنی اسرائیل را می‌فرستیم. ﴿۱۳۵﴾ پس چون عذابی که آنها به آن می‌رسند تا مدتی از آنها رفع کردیم ناگهان آنها عهدمی شکستند. ﴿۱۳۶﴾ پس ازایشان انتقام گرفتیم پس ایشان را در دریا به سبب آنکه ایشان آیاتِ ما را تکذیب می‌کردند غرق کردیم و از آن بی‌خبر بودند. ﴿۱۳۷﴾ و گروهی را که ضعیف شمرده می‌شدند مشارق زمین و مغارب زمینی که برکت نهاده‌ایم در آن میراث دادیم^(۲) و وعدهٔ نیک پروردگارتو بر بنی اسرائیل راست شد به سبب آنکه صبرکردند و آنچه ساخته بود فرعون و کسان او و آنچه برمی‌افراشتند خراب کردیم.

(۱) یعنی مؤاخذه اعمال برایشان است والله اعلم.

(۲) یعنی زمین شام به ایشان دادیم چه بقعه‌های شرقیه و چه بقعه‌های غربیه والله اعلم.

وَجَوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ
 عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَمُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا
 لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿١٢٨﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ مَتَّبِعُوا
 مَا هُمْ فِيهِ وَبَطِلُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٩﴾ قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ
 أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٣٠﴾ وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ
 مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يَقْتِلُونَ
 أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ
 مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿١٤١﴾ * وَوَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً
 وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْنَةٍ مِيقَتُ رَبِّيهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ
 مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ
 سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤٢﴾ وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَتِنَا وَكَلَّمَهُ
 رَبُّهُ وَقَالَ رَبِّ ارْنِي أَنْظِرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرِيكَ وَلَكِنْ
 أَنْظِرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ وَفَسَّخْنَا رَبَّنَا فَلَمَّا
 تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا
 أَفَاقَ قَالَ سُبْحَنَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٤٣﴾



﴿۱۳۸﴾ و بنی اسرائیل را اذربیا گذرانیدیم پس بر گروهی وارد شدند که بریتانشان مجاورت می کردند گفتند (بنی اسرائیل) ای موسیٰ برای مامعبودی چنانکه ایشان را معبودان هستند بساز گفت هرآئینه شماگروهی هستید که نادانی می کنید. ﴿۱۳۹﴾ هرآئینه این جماعت باطل کرده شده است مذهبی که ایشان درآند و باطل است آنچه میکردند. ﴿۱۴۰﴾ گفت موسیٰ آیاغیرخدا را برای شما معبودی طلب کنم و او شمارا بر جهانیان فضل داده است. ﴿۱۴۱﴾ و نعمتِ مارا یادکنید چون شمارا ازکسان فرعون نجات دادیم به شما عقوبتِ سخت می‌رسانیدند پسران شمارا می‌کشتند و دختران شمارا زنده می‌گذاشتند و درین امر آزمایش بزرگ ازجانب پروردگار شما بود. ﴿۱۴۲﴾ و وعده کردیم باموسیٰ سی (۳۰) شب و آن میعاد را به ده شب دیگر تمام کردیم پس میعاد پروردگار اوچهل شب کامل شد و موسیٰ به برادر خود هارون گفت درقوم من جانشین من باش و صلاح کاری کن و راه تباه کاران را پیروی منما. ﴿۱۴۳﴾ و چون موسیٰ به وعده گاه ما آمد و با او پروردگار او سخن گفت، گفت ای پروردگار من به من خویشتن را بنما تا به سوی تو نظرکنم گفت خدا مرا نخواهی دید ولیکن به سوی کوه نگاه کن پس اگر قرارگیرد به جای خود مرا خواهی دید پس وقتیکه پروردگار او برآن کوه تجلی کرد آن کوه را به زمین هموار ساخته گردانید و موسیٰ بی‌هوش شده افتاد پس چون به هوش آمدگفت به پاکی تورا یاد می‌کنم بازگشتم به سوی تو و من اولین مسلمانانم.

قَالَ يَمْوَسِيَّ إِنِّي أَصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَبِكَلِمَى
 فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ وَكَتَبْنَا
 لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ
 شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ
 دَارَ الْفَاسِقِينَ ﴿١٤٥﴾ سَأَصْرِفُ عَنْ آيَتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ
 فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلاًَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا
 وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ
 الْغِيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
 وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٤٦﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
 وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُحْزَنُونَ إِلَّا مَا كَانُوا
 يَعْمَلُونَ ﴿١٤٧﴾ وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِن بَعْدِهِ مِن حُلِيِّهِمْ
 عِجَلاً جَسَداً لَهُ خُورٌ أَلْمِيزُوا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ
 وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ ﴿١٤٨﴾
 وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِنْ
 لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿١٤٩﴾

﴿۱۴۴﴾ گفت ای موسیٰ هرآینه من تو را بر مردمان به پیغام های خود وبه شنوانیدن سخن خود برگزیدم پس بگیر آنچه تو را عطا کردم و از شکر گذارندگان باش. ﴿۱۴۵﴾ و برای موسیٰ در لوح ها از هر جنس هر چیز برای پند و برای بیان نوشتیم پس گفتیم آنرا به قوت بگیر و قوم خود را بفرما تا به بهترین آنچه در اوست ^(۱) عمل کنند سرای گناهکاران تان را به شما نشان خواهم داد ^(۲). ﴿۱۴۶﴾ باز خواهم داشت از تأمل در آیات خود کسانی را که در زمین به ناحق تکبر می کنند و اگر ببینند هر نشانه ای که هست ایمان نیارند و اگر ببینند، راه راستی را آن را راه نگیرند و اگر راه گمراهی را ببینند آن را راه گیرند این به سبب آن است که ایشان آیات ما را تکذیب کردند و از آن غافل ماندند. ﴿۱۴۷﴾ و کسانی که آیات ما را وملاقات آخرت را تکذیب کردند عمل های ایشان نابود شد جزا داده نشوند الا به آنچه می کردند. ﴿۱۴۸﴾ و قوم موسیٰ بعد رفتنش از زیور قبطیان گوساله بدنی که او را آواز گاو بود ساختند آیندیند که آن گوساله به ایشان هیچ سخن نمی گفت و ایشان را به هیچ راه دلالت نمی کرد آن را معبود گرفتند و ایشان ستمکار بودند. ﴿۱۴۹﴾ و چون پشیمان شدند و دیدند که ایشان گمراه شدند گفتند اگر بر ما پروردگار ما مهربانی نکند و ما را نیامرزد البته از زیان کاران باشیم.

(۱) یعنی به عزیمت دادن رخصت والله اعلم.

(۲) یعنی منازل فرعونیان خراب شده خواهید دید.

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِسْمَا خَلَفْتُمُونِي
 مِنْ بَعْدِي أَتَعْلَمُونَ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَحَ وَآخَذَ بِرَأْسِ
 أَخِيهِ يُجْرُهُ إِلَيْهِ قَالِ ابْنُ أُمِّ إِنْ الْقَوْمُ اسْتَزَعَفُونِي وَكَادُوا
 يَقْتُلُونِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ
 الظَّالِمِينَ ﴿١٥٠﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِإِخِي وَادْخُلْنَا فِي رَحْمَتِكَ
 وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٥١﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ
 غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي
 الْمُفْتَرِينَ ﴿١٥٢﴾ وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ
 بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٥٣﴾
 وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَحَ وَفِي نُسَخَتِهَا
 هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ﴿١٥٤﴾ وَآخَذَ مُوسَى
 قَوْمَهُ وَسَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ
 رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلِ وَابْنِي أَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ
 السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي
 مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ﴿١٥٥﴾

﴿۱۵۰﴾ و چون موسیٰ به سوی قوم خود خشمناک شده بازآمد اندوهگین گشته گفت چه بد جانشینی است جانشینی که پس از من کردید آیا بپرستش گوساله از حکم پروردگار خویش پیشی گرفتید والواح را انداخت و موسیٰ سربرادر خود را گرفت و او را به سوی خود می کشید هارون گفت ای پسر مادر من هرائینه این قوم مرا ضعیف شمردند و نزدیک بودند که مرا بکشند پس به سبب اهانت من دشمنان را شادمکن و مرا با گروه ستمکاران شمار مکن. ﴿۱۵۱﴾ گفت موسیٰ ای پروردگار من مرا و برادر مرا بیمارز ما را در بخشایش خود داخل کن و تو بخشاینده ترین بخشاینده گانی. ﴿۱۵۲﴾ هرائینه کسانی که گوساله را معبود گرفتند به این جماعت خشمی از پروردگار ایشان و رسوایی در حیات دنیا خواهد رسید و هم چنین افترا کنندگان را جزای دهیم. ﴿۱۵۳﴾ و هرائینه کسانی که گناه ها کردند باز بعد از آن گناهان توبه نمودند و ایمان آوردند البته پروردگار توبه از توبه آمرزنده مهربان است. ﴿۱۵۴﴾ و چون خشم از خاطر موسیٰ ساکن شد الواح را گرفت و در مکتوب وی هدایت بود و بخشایش آنان را که ایشان از پروردگار خود می ترسند. ﴿۱۵۵﴾ و موسیٰ از قوم خود هفتاد کس برای میعاد ما اختیار کرد^(۱) پس وقتی که ایشان را زلزله در گرفت موسیٰ گفت ای پروردگار من اگر می خواستی پیش ازین ایشان را و مرا هلاک می کردی^(۲) آیا ما را به جزای آنچه بی خردان از قوم ما کردند هلاک می کنی این حادثه مگر امتحان نیست تو به آن هرکه را خواهی گمراه می کنی و به آن هرکه را خواهی راه می نمایی تو کار ساز مایی پس ما را بیمارز و بر ما مهربانی کن و توبهترین آمرزنده گانی.

(۱) یعنی تا عذر گویند از عبادت گوساله و این جماعت اگر چه عبادت نکرده بودند بر عبادت کنندگان انکار هم نکردند پس خدای تعالی هلاک ساخت والله اعلم.

(۲) یعنی اگر در بنی اسرائیل هلاک می شدند تهمت قتل بر موسیٰ نمی نهادند والله اعلم.

* وَكُتِبَ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ
 إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي
 وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ
 الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٦﴾ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ
 الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ
 فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ
 عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ
 الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ
 عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ ءَامَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا
 النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ ءَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٥٧﴾
 قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي
 لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ
 فَءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يُوْمِنُ بِاللَّهِ
 وَكَلِمَتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٨﴾ وَمِنْ
 قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿١٥٩﴾

﴿۱۵۶﴾ و برای ما درین دنیا نیکی و در آخرت نیز نیکی بنویس (یعنی مقدرکن) هر آئینه ما به سوی تو رجوع کردیم گفت خدا عذابم را می رسانمش بهره که خواهم و مهربانی من هر چیز را احاطه کرده است پس خواهم نوشت (رحمت کامله خود را)^(۱) برای کسانی که پرهیز گاری میکنند و زکوة میدهند و کسانی که ایشان به آیات مامعتقد می شوند^(۲).

﴿۱۵۷﴾ (خواهم نوشت رحمت اخرویه) برای آنانکه آن پیامبر را که نبی امی است پیروی می کنند آنکه نعت او نوشته نزدیکشان در تورات و انجیل می یابند که می فرماید ایشان را به کار پسندیده ایشان را از ناپسندیده باز میدارد و برای ایشان پاکیزه هارا حلال می سازد و برایشان ناپاکیزه هارا حرام می کند و از ایشان بار گران ایشان را ساقط می کند و آن مشقت هارا که برایشان بود پس آنانکه به او ایمان آوردند و او را تعظیم کردند و او را یاری دادند و نوری را که همراه وی نازل کرده شده است پیروی کردند ایشانند رستگاران^(۳). ﴿۱۵۸﴾

بگو ای مردمان هر آئینه من به سوی همگی شما پیامبر خدایم، آن خدا و راست پادشاهی آسمان ها و زمین هیچ معبود برحقى مگر او نیست زنده می کند و می میراند پس به خدا و به پیامبر او که نبی امی است ایمان آورید آنکه خدا را و سخنان او را تصدیق می نماید و او را پیروی کنید تا این که شما راه یاب شوید. ﴿۱۵۹﴾ و از قوم موسی گروهی هست که مردمان را به راه راست راهنمایی می کنند و به راستی حکم می کنند.

(۱) یعنی در آخرت.

(۲) یعنی فساکتبهاتست که در آخر زمان رحمت خاص باشد به متابعان نبی امی و الله اعلم.

(۳) مترجم گوید بشارت دادن خدای تعالی حضرت موسی را به امت مرحومه دلیل اول است بر نبوت آن حضرت و لهدامی فرماید و الله اعلم.

وَقَطَّعْنَهُمْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَى
مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِب بِعَصَاكَ الْحَجَرَ
فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ
مَشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَمَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ
الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا
ظَلَمُونَا وَلَا كُنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١٦٠﴾
وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا
حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا
نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتَكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ
﴿١٦١﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ
لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا
يَظْلِمُونَ ﴿١٦٢﴾ وَسَأَلَهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ
حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ
حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّاعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ
كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٣﴾

﴿۱۶۰﴾ و بنی اسرائیل رابه دوازده قسم قبیله قبیله گروه گروه متفرق ساختیم و به سوی موسی وقتی که آب خواستند از وی قوم او وحی فرستادیم که بعضای خود سنگ را بزن پس از آن سنگ دوازده چشمه روان شد هر گروهی آب خور خودرا بدانست و برایشان ابر را سایبان ساختیم و برایشان ترنجبین (گزنگبین) و بلدرچین (تیهو) رانازل کردیم گفتیم بخورید از پاکیزه های آنچه شمارا روزی داده ایم و ایشان برماستم نکردند ولیکن بر خویشتن ستم می کردند. ﴿۱۶۱﴾ و یادکن چون گفته شد ایشان را که درین ده ساکن شوید و ازین ده هر جاکه خواسته باشید بخورید و بگویید حطّه یعنی فروگذار از ماگناهان ما را و به دروازه سجده کنان داخل شوید تا برای شماگناهان شمارا بیامرزیم، نیکوکاران را زیاده خواهیم داد. ﴿۱۶۲﴾ پس ستمکاران از بنی اسرائیل سخنی را غیر از آنچه فرموده شد ایشان را بدل کردند پس برایشان عقوبتی از آسمان فرستادیم به سبب آنکه ستم می کردند. ﴿۱۶۳﴾ و سوال کن (یا محمد) یهود را از حال آن دهی که بربل دریا مستقر بود چون در روز شنبه از حد می گذشتند و قتیکه ماهیان به ایشان در روزیکه ایشان به تعظیم شنبه مشغول می شدند ظاهر شده می آمدند و روزیکه تعظیم شنبه نمی کردند برای ایشان نمی آمدند همچنین ایشان را آزمودیم به سبب آنکه فسق میکردند^(۱).

(۱) مترجم گوید اهل ده سه قسم بودند قسمی شکار میکردند و قسمی از آن نهی می کردند و قسمی نه شکار می کردند و نه از آن منع میکردند والله اعلم . .

وَإِذْ قَالَتْ أُمَةٌ مِّنْهُمْ لَمَ تَعْطُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ
عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعَذَرَةَ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٦٤﴾
فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ
وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٥﴾
فَلَمَّا عَوَّعْنَا مَا يَهْوَاهُ عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿١٦٦﴾
وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَن يَسُومُهُمْ
سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ
﴿١٦٧﴾ وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا مِّنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ
دُونَ ذَلِكَ وَبَلَّوْنَهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ ﴿١٦٨﴾ فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ
يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ
يَأْتِيَهُمْ عَرَضٌ مِّثْلُهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِّثْقُ الْكِتَابِ
أَن لَّا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالْذَّارُ الْآخِرَةُ
خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٦٩﴾ وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ
بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ﴿١٧٠﴾

﴿۱۶۴﴾ و یادکن چون گروهی از اهل آن ده گفت ^(۱) چرا پند میدهید گروهی را که خدای تعالی ایشان را هلاک خواهد کرد یا ایشان را عذاب خواهد کرد عذاب سخت گفتند تا ما را عذری نزدیک پروردگار شما باشد و تاباشد که ایشان پرهیزگاری کنند. ﴿۱۶۵﴾ پس وقتی که آنچه را که به آن پند داده شد ایشانرا فراموش کردند کسانی را که از کار بد منع میکردند نجات دادیم و ستمکاران را به عذاب سخت گرفتار کردیم به سبب آنکه فاسق بودند. ﴿۱۶۶﴾ پس چون تکبر کردند از ترك آنچه ایشان را (از آن) منع کرده شد گفتیم ایشانرا بوزینگان خوار شده شوید. ﴿۱۶۷﴾ و یادکن چون آگاه گردانید پروردگار تو ^(۲) که البته بفرستد برایشان تاروز قیامت کسی را که به ایشان عقوبت سخت برساند هر آئینه پروردگار تو زود عقوبت کننده است و هر آئینه او آمرزنده مهربان است ^(۳). ﴿۱۶۸﴾ و بنی اسرائیل را در زمین گروه گروه پراکنده کردیم بعضی از ایشان شایسته کاراند و بعضی از ایشان غیر اینانند و ایشانرا به نعمت ها و مشقت ها امتحان کردیم تا به سوی راه راست بازگردند. ﴿۱۶۹﴾ پس از پی درآمدند بعد از ایشان جانشینان بدی که وارث تورات شدند ^(۴) متاع این عالم خسیس را اختیاری کنند و می گویند آمرزیده خواهد شد برای ما و اگر بیاید متاعی مانند آن البته آن را بگیرند ^(۵) آیا گرفته نشده است برایشان آن عهد که در تورات است که برخدا مگر سخن راست نگویند و خوانده اند آنچه در تورات است و سرای آخرت پرهیزگاران را بهتر است آیا نمی فهمید؟. ﴿۱۷۰﴾ و آنانکه به کتاب تمسک می کنند و نماز را برپاداشتند هر آئینه ما پاداش این نیکوکاران را ضایع نمی کنیم.

(۱) یعنی قسم ثالث نهی کنندگان را والله اعلم.

(۲) یعنی بنی اسرائیل را.

(۳) بعد ازین هیچ پادشاهی در بنی اسرائیل پیدا نشده، همیشه لگدکوب پادشاهان اسلام و نصاری و مجوس می بودند والله اعلم.

(۴) یعنی احبار بنی اسرائیل.

(۵) یعنی مصرانند بر اخذ آن و غیر نادم اند از آن و توبه مصر غیر نادم صحیح نیست والله اعلم.

*وَإِذْ تَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ
 خُذُوا مَاءَ آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧١﴾
 وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ بُنَىٰ آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ
 عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ
 الْقِيَمَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ﴿١٧٢﴾ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ
 آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا
 بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿١٧٣﴾ وَكَذَلِكَ نَفْصِلُ الْآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ
 يَرْجِعُونَ ﴿١٧٤﴾ وَآتَىٰ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ
 مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿١٧٥﴾ وَلَوْ شِئْنَا
 لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ
 كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثَ أَوْ تَتْرُكْهُ
 يَلْهَثَ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصْ
 الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٧٦﴾ سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ
 كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنفُسَهُمْ كَانُوا بِطَالِمُونَ ﴿١٧٧﴾ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ
 فَهُوَ الْمُهْتَدَىٰ وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَا وَلِيَّكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٧٨﴾

﴿۱۷۱﴾ و یادکن چون کوه را بالای ایشان برداشتیم گویا وی سایبان است و گمان کردند که آن کوه برایشان خواهد افتاد گفتیم آنچه را که به شما دادیم با قدرتِ تمام بگیرید و آنچه درواست یاد کنید تا بُود که شما از عذاب درپناه باشید. ﴿۱۷۲﴾ و یادکن چون پروردگار توازبنی آدم از پشت ایشان اولاد ایشان را گرفت^(۱) و ایشان را برذاته‌ای ایشان گواه گردانید گفت آیا پروردگار شما نیست گفتند آری هستی، گواه شدیم، این شاهد گرفتن برای احتراز از آن است که روز قیامت بگویید هر آینه ما ازین توحید بی‌خبر بودیم. ﴿۱۷۳﴾ یابگوید که بجز این نیست که پدران ما پیش از ما شرک آورده بودند و مانسلی بعد از ایشان بودیم^(۲) آیا هلاک می‌کنی ما را به عقوبت آنچه بدکاران کردند. ﴿۱۷۴﴾ و هم چنین نشانه‌ها را بیان می‌کنیم و تاباشد که باز گردند. ﴿۱۷۵﴾ و برایشان بخوان خبر کسی که او را علم آیاتِ خود داده بودیم پس از علم آن آیات بیرون رفت^(۳) پس در پی او شیطان شد پس از گمراهان گشت^(۴). ﴿۱۷۶﴾ و اگر می‌خواستیم او را^(۵) به سبب آن آیات فرامی‌بردیم ولیکن به سوی پستی میل کرد و پیروی خواش خود کرد پس صفت او مانند صفت سگ است اگر مشقت اندازی بروی^(۶) زبان از دهان بیرون افکند و اگر بگذاری او را نیز بیرون افکند این صفتِ گروهیست که آیات ما را تکذیب کردند پس برایشان این پندها را بخوان تا ایشان تأمل کنند. ﴿۱۷۷﴾ این قوم به اعتبار صفت بداند که آیات ما را تکذیب کردند و بر خویشتن ستم می‌کردند. ﴿۱۷۸﴾ هر که خدا او را راه نماید پس همانست راه یابنده و هر که خدا او را گمراه سازد پس آن جماعت ایشان زیان کارانند.

(۱) یعنی روز میثاق از آدم اولاد او را پیدا کرد و از آنان اولاد ایشان را به ترتیبی که در خارج متحقق شد پیدا کرد و الله اعلم.

(۲) یعنی پس تقلید ایشان کردیم.

(۳) یعنی تابع شهوات نفس شد و تابع شهوات نفس را عالم نتوان گفت.

(۴) یعنی بلعم باعور که کتب الهی را خوانده بود بعد از آن به اغوی زن خود به ایدای حضرت موسی علیه السلام قصد کرد و ملعون شد و الله اعلم.

(۵) یعنی منزلت او را.

(۶) یعنی به زدن و دوانیدن.

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ
بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أُذُنٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا
أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿١٧٩﴾ وَلِلَّهِ
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذُرُوا الَّذِينَ يُدْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ
سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٨٠﴾ وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ
وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿١٨١﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم
مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٢﴾ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿١٨٣﴾ أُولَٰئِكَ
يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ جَنَّةٍ إِن هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿١٨٤﴾
أُولَٰئِكَ يَنْظُرُوا فِي مَلَكَوَاتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ
مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ
بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٥﴾ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ
فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٨٦﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا
قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقَّتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا
قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّا أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٧﴾

﴿۱۷۹﴾ وهرآئینه برای دوزخ بسیاری از جنیان و آدمیان بیافریدیم، ایشانرا دلهاست که به آنها نمی فهمند وایشان راچشم هاست که به آنها نمی بینند وایشان راگوشها است که به آنها نمی شنوند ایشان مانند چهارپایانند بلکه ایشان گمراه ترند، ایشان بی خبرانند. ﴿۱۸۰﴾ و برای خدا نام های نیک است پس او را به آن نام ها بخوانید، آنانرا که کجروی می کنند درنام های خدا^(۱) رهاسازید به ایشان داده خواهد شد جزاء آنچه میکردند. ﴿۱۸۱﴾ وازآن جماعت که پیدا کرده ایم گروهی هست که به دین حق راهنمایی می کنند و به آن (دین حق) به عدل حکم می کنند. ﴿۱۸۲﴾ و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند به تدریج ایشان را (تامحل هلاک) از آنجا که ندانند بکشیم. ﴿۱۸۳﴾ و ایشان را مهلت دهم، هرآئینه تدبیر من محکم است. ﴿۱۸۴﴾ آیاتأمل نکردند که این هم نشین ایشانرا هیچ دیوانگی نیست، او مگر بیم کننده آشکار نیست. ﴿۱۸۵﴾ آیا در پادشاهی خدا در آسمان ها و زمین و در آنچه خدا پیدا کرده است از هر چیز ننگریسته اند و آیا در آن که شاید اجل ایشان نزدیک شده باشد نظر نکرده اند پس به کدام سخن بعد از قرآن ایمان خواهند آورد. ﴿۱۸۶﴾ هر که خدا او را گمراه سازد پس هیچ راهنمایی برای او نیست و خدا ایشان را در گمراهی خویش سرگردان شده می گذارد. ﴿۱۸۷﴾ تو را از قیامت که کی باشد استقرار آن سوال می کنند بگو جزاین نیست که علم قیامت نزد پروردگار من است آن را در وقت آن مگر خدا پدید نیاورد، گران شده است^(۲) در آسمانها و زمین نیاید به شما مگر ناگهان تو را از قیامت سوال می کنند گویا تو از آن کاوش کننده ای^(۳) بگو جزاین نیست که دانش او نزد خداست ولیکن بیشتر مردمان نمی دانند.

(۱) یعنی ابوالمسیح و ابوالملائکه می گفتند.

(۲) یعنی مشکل شده است دانستن قیامت.

(۳) یعنی عالمی به آن.

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ
 أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ
 إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٨﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ
 مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا
 تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا
 اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّكِرِينَ ﴿١٨٩﴾
 فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى
 اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٩٠﴾ أَيُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ
 ﴿١٩١﴾ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنْفُسُهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿١٩٢﴾
 وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ
 أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ ﴿١٩٣﴾ إِنْ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادُ
 أَمْثَالِكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
 صَادِقِينَ ﴿١٩٤﴾ أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ
 بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ
 بِهَا قُلْ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا فَلَاتُظْهَرُونَ ﴿١٩٥﴾

﴿۱۸۸﴾ بگو برای خود سودی و نه زبانی نمی توانم مگر آنچه را که خدا خواسته است و اگر من علم غیب می دانستم البته خیر بسیار (برای خود) فراهم می آوردم هیچ ناخوشی ای به من نمی رسید، نیستم من مگر بیم کننده و مؤثره دهنده برای گروهی که ایمان دارند.

﴿۱۸۹﴾ اوست آنکه شما را از یک تن پیدا کرد و از آن یک تن زنش را پیدا کرد تا با وی آرام گیرد^(۱) پس چون او با همسرش جماع کرد حامله شد باری سبک پس به آن بارسبک آمد و رفت کرد بعد از آن چون زن گران بار شد هردو به جناب پروردگار خویش دعا کردند که اگر ما را فرزندی شایسته بدهی البته از شکر گذاران باشیم. ﴿۱۹۰﴾ پس چون خدای تعالی ایشان را فرزندی شایسته داد برای او شریکان در آنچه داده بود به ایشان مقرر کردند پس خدا از آنچه شریک مقرر میکنند بلند قداست^(۲). ﴿۱۹۱﴾ آیا این مشرکان چیزی را که هیچ نمی آفریند و خود این شریکان آفریده می شوند شریک مقرر می کنند. ﴿۱۹۲﴾ و برای پرستندگان خود یاری دادن نمی توانند و نه خود را یاری می دهند. ﴿۱۹۳﴾ و اگر بتان را به سوی راه هدایت بخوانید شما را پیروی نکنند^(۳) برابراست بر شما آنکه ایشان را بخوانید یا خاموش باشید (ای مشرکان). ﴿۱۹۴﴾ هر آینه کسانی که ایشان را به جای خدا عبادت می کنید بندگانند مانند شما پس ایشان را بخوانید و باید که دعای شما را اگر راست گوهستید قبول کنند. ﴿۱۹۵﴾ آیابتان را پاهایی است که با آن راه می روند آیا ایشان را دست ها است که با آن تناول میکنند آیا ایشان را چشم ها است که با آن می بینند آیا ایشان را گوشها است که با آن می شنوند بگوای مشرکان شریکان خود را بخوانید بعد از آن در حق من تدبیر کنید و مرا مهلت مدهید.

(۱) ﴿كَلَّمَآءَهُنَّ﴾ کلام علیحده است یعنی خدای تعالی آدم و حوا را پیدا کرد و از ایشان نسل بسیار پیدا آورد بعد از آن تفصیل انتشار نسل می فرماید.

(۲) مترجم گوید این تصویر است حال آدمی را که نزدیک ثقل حمل نیت اخلاص درست کند و چون فرزند به وجود آید آن را فراموش سازد و در تسمیه اشراک کند (منطبق بر حال هواچنانکه در حدیث صحیح آمده که حوا حامله شد شیطان بدش وسواس انداخت و چون فرزند متولد شد نام او عبدالحارث مقرر کرد و چون وجود جمیع قیود در امثال این مواضع ضروری نیست آدم از لوث شرک میرا باشد و این آیت عصمت او را مصادمت نکند کذا فهمت (این حدیث ضعیف و منکر است به تفسیر ابن کثیر (۵۲۶/۳) مراجعه شود مصحح) و از اینجا دانسته شد که شرک در تسمیه نوعیست از شرک چنانکه اهل زمان ما غلام فلان و عبدالفلان نام می نهند.

(۳) یعنی اگر بگوئید بخورید یا بیاشامید هیچ کار نکنند.

إِنَّ وَلِيِّ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابُ ۖ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ
 ١٩٦ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكُمْ
 وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ۚ ١٩٧ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَسْمَعُوا
 وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ۚ ١٩٨ خُذِ الْعَقْوَ
 وَآمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ۚ ١٩٩ وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ
 مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۚ ٢٠٠ إِنَّ
 الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَافٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا
 فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ۚ ٢٠١ وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ
 لَا يُقْصِرُونَ ۚ ٢٠٢ وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةٌ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا
 قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي ۖ هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ
 وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۚ ٢٠٣ وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ
 فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۚ ٢٠٤ وَادْكُرْ رَبَّكَ
 فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ
 وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ ۚ ٢٠٥ إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ
 لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ ۖ وَيَسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ۝ ٢٠٦



﴿۱۹۶﴾ هرآئینه کارسازمن خداست آنکه کتاب را فرود آورد و او نیکوکاران را کارسازی می کند. ﴿۱۹۷﴾ و آنانکه ایشان را به جای خدا می خوانید یاری دادن شما را نمی توانند و نه خود را یاری می دهند. ﴿۱۹۸﴾ و اگر دعوت کنید ایشان را به سوی راه هدایت سخن شمارا نشنوند وای بیننده می بینی بتان را که می نگرند به سوی توحال آنکه ایشان هیچ نمی بینند. ﴿۱۹۹﴾ عفو و درگذر را پیش گیر و به کار پسندیده امر کن و از مردمان نادان روی بگردان. ﴿۲۰۰﴾ و اگر از (سوی) شیطان و سوسه ای به تورسد پس از خدا پناه طلب کن هرآئینه او شنوای دانا است. ﴿۲۰۱﴾ هرآئینه متقیان چون ایشان را و سوسه ای از شیطان برسد خدا را یاد می کنند پس ناگهان ایشان بینا می شوند. ﴿۲۰۲﴾ و برادران کافران^(۱) ایشان را در گمراهی می گشند سپس باز نمی ایستند. ﴿۲۰۳﴾ و چون نزدیک ایشان آیتی نمی آری می گویند چرا از طرف خود او را اختیار نکردی؟ بگو جز این نیست که پیروی می کنم به آنچه به سوی من از پروردگار من فرود آورده شده است این (قرآن) نشانه هایی است از پروردگار شما و هدایت و بخشایش برای قوم مومنان است. ﴿۲۰۴﴾ و چون قرآن خوانده شود پس به سوی آن گوش نهید و خاموش باشید تا بر شما مهربانی کرده شود. ﴿۲۰۵﴾ و پروردگار خود را در دلت به زاری و ترسکاری یاد کن و پروردگار خود را به کلام پست تر از بلند آوازی با مداد و شبانگاه یاد کن و از غافلان مباش. ﴿۲۰۶﴾ هرآئینه کسانی که نزد پروردگار تواند از عبادت او^(۲) گردن کشی نمی کنند و او را به پاکی یاد میکنند و فقط او را سجده می کنند.

(۱) یعنی قرینان ایشان از شیاطین و الله اعلم.

(۲) یعنی ملاء اعلی.

سُورَةُ الْأَنْفَالِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ
وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَإِنْ كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ ﴿١﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ
قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ
يَتَوَكَّلُونَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
يُنْفِقُونَ ﴿٣﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ
رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾ كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ
مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَرِهُونَ ﴿٥﴾
يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ
وَهُمْ يَنْظُرُونَ ﴿٦﴾ وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا
لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ
اللَّهُ أَنْ يَحِقَّ الْحَقُّ بِكَلِمَتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ﴿٧﴾
لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨﴾

سوره انفال مدنی است و آن هفتاد و
پنج آیه و ده رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ تورا از غنیمت‌ها می‌پرسند^(۱) بگو غنیمت‌ها برای خدا و رسول است^(۲) پس از خدا بترسید و جریانی را که میان شما است به صلاح آرید و خدا و رسول او را اگر مسلمان هستید فرمان برید. ﴿۲﴾ جزاین نیست که مومنان آنانند که چون یاد کرده شود خدا دل‌های ایشان بترسد و چون برایشان آیات خدا خوانده شود آن آیات ایمان ایشان را زیاده سازند و بر پروردگار خویش توکل میکنند. ﴿۳﴾ آنانکه نماز را برپا می‌دارند و از آنچه روزی داده ایم ایشانرا خرج میکنند. ﴿۴﴾ این جماعت به حقیقت مومنان ایشانند ایشان را مرتبه‌هاست نزد پروردگار ایشان و آمرزش و روزی نیک است. ﴿۵﴾ چنانکه تورا پروردگار توازخانه‌ات به تدبیر درست بیرون آورد و هرائینه گروهی از مسلمانان ناخوشنود بودند^(۳). ﴿۶﴾ خصوصت میکردند باتو در سخن راست بعد از آنکه ظاهر شد گویا به سوی مرگ رانده می‌شوند و ایشان در آن می‌نگرند. ﴿۷﴾ و (یادکن نعمت الهی را) آن‌گاه که خدا یکی از دو گروه را وعده شما می‌داد که وی شما را باشد و دوست میداشتید که گروه غیر جنگی (کاروان تجاری) شمارا بُود و خدا می‌خواست که دین حق را به فرمان‌های خویش ثابت کند و بنیاد کافران را بُرد. ﴿۸﴾ می‌خواست تا دین حق را ثابت کند و دین باطل را برطرف کند اگر چه گناهکاران ناخوشنود باشند^(۴).

(۱) سوره انفال در قصه بدر فرودآمده است در آیات این سوره به وقایع این غزوه اشاره شده: از آن جمله آنست که مسلمانان در غنیمت مباحثه میکردند آنانکه غارت کرده بودند خواستند که تنها بر آن متصرف شوند دیگران خواستند که برابر قسمت شود خدای تعالی نازل ساخت که متصرف و مختار در غنائم خدا و رسول اوست و دیگری را درین باب دخلی نیست آنچه اهل جاهلیت می‌کردند از استیثار غارت‌کننده به غنیمت باطل است بعد از آن حکم فرمود که غنیمت را پنج قسم باید کرد چهار قسم در میان غانمان قسمت کنند و یکی در بیت المال نگاهداشته به مصرف آن رسانند و این تصرف حق است و عطای اوست بغیر دخل غارت‌کنندگان پس آیه ﴿فَالْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ محکم است غیر منسوخ.

(۲) یعنی متصرف در غنائم ایشانند و کسی دیگر را اختیاری نیست والله اعلم.

(۳) مترجم گوید یعنی تصرف در قسمت بروفق حکم خدا است نه موافق آرزوی نفس‌های شما چنانکه بیرون آوردن تو به تدبیر درست بودند و بیک خدایار خلاف اراده قوم والله اعلم.

(۴) مترجم گوید درین آیات تعریض است به آن قصه که آن حضرت صلی الله علیه وسلم در غزوه بدر برای غارت کردن کاروان قریش متوجه شد و این خبر به کاروان رسید راه ساحل را اختیار نمودند بنابراین از گرفت پیامبر و لشکریانش خلاص شدند ابوجهل که به مدد ایشان با لشکرگران از مکه برآمده بود مقابل آن حضرت شد بعضی اصحاب میل به غارت کردن و جمعی قصد کارزار لشکر نمودند و مرضی آن حضرت جنگ با لشکر بود.

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَبَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ
 مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدَفِينَ ﴿٩﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى
 وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
 عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾ إِذْ يَغْشَى كُرُ النُّعَاسِ أَمْنَةً مِنْهُ وَيُنْزِلُ
 عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَ كُرُ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ
 رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ
 ﴿١١﴾ إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ
 ءَامَنُوا سَأَلَتْنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَضْرِبُوا
 فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَأَضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ﴿١٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ
 شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ
 شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٣﴾ ذَلِكَ كُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ
 عَذَابَ النَّارِ ﴿١٤﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ
 كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ ﴿١٥﴾ وَمَنْ يُولِهِمْ يَوْمَئِذٍ
 دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَى فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ
 بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٦﴾

﴿۹﴾ آنگاه که به جناب پروردگار خویش فریاد می کردید پس دعای شما را قبول کرد که من بهزار کس از فرشتگان از پی یک دیگر آورده^(۱) مددکننده^(۲) شما. ﴿۱۰﴾ و خدا این مدد را نه ساخت مگر برای مژده و تا به آن دل های شما آرام گیرد و نیست فتح مگر از نزدیک خدا هر آئینه خدا غالب با حکمت است. ﴿۱۱﴾ آنگاه که شما را به خواب سبک می پوشید به جهت ایمنی از نزد خود و بر شما از آسمان آب باران را فرود می آورد تا شما را به آن پاک کند و از شما آلودگی شیطان را ببرد و تا بر دل های شما ببندد یعنی ثابت دارد دلها را و به آن پلهارا محکم کند^(۳). ﴿۱۲﴾ آنگاه که پروردگار تو به سوی فرشتگان وحی می فرستاد که من باشما هستم پس مسلمانان را استوار سازید در دل های کافران رعب خواهم افکند پس ای مسلمانان بزنید بالای گردن ها و از ایشان هر طرف دست و پای را بزنید. ﴿۱۳﴾ این به سبب آن است که ایشان با خدا و رسول او خلاف کردند و هر که با خدا و رسول او خلاف کند پس خدا سخت عقوبت است. ﴿۱۴﴾ این را بچشید و (بدانید) اینکه برای کافران عذاب آتش است. ﴿۱۵﴾ ای مومنان چون با کافران انبوه کرده به هم آید پس به سوی ایشان پشت هارا مگردانید (یعنی فرار نکنید). ﴿۱۶﴾ و هر که از ایشان آن روز پشت خود را بگرداند مگر رجوع کنان برای جنگی یا به سوی گروهی پناه جوین پس هر آئینه به خشمی از خدا بازگشت و جای او جهنم است و بدجایی است.

(۱) یعنی یک هزار بودند بعد از آن سه هزار گشتند و بعد از آن پنج هزار شدند والله اعلم.

(۲) مترجم گوید درین آیات تعریض است به آن قصه که روز بدر مسلمانان تشنه بودند و بی وضو بودند آب نداشتند و ازین جهت و سوسه شیطان به خاطر ایشان راه می یافت خدای تعالی باران فرستاد و خواب سبک را بر چشم ایشان مسلط کرد تا اضطراب دل ایشان برطرف شد.

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ
وَلَٰكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا
إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٧﴾ ذَٰلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ
الْكَافِرِينَ ﴿١٨﴾ إِن تَسْتَفْتِ حُوفًا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ وَإِن
تَنْتَهُوا فهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ
فَيْتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٩﴾
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ
وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ ﴿٢٠﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ
لَا يَسْمَعُونَ ﴿٢١﴾ * إِن شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ
الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ
وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ
وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَٰهٌ
تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَاتَّقُوا فَتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا
مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢٥﴾



﴿۱۷﴾ پس شما این جماعت را نکشته اید ولیکن خدا ایشان را کشت و تو (یا محمد) نیفکندی^(۱) و تکیه افکندی ولیکن خدا افکند و تا مسلمانان را از نزد خویش عطای نیکو به بخشد هر آئینه خدا شنوای دانا است^(۲). ﴿۱۸﴾ حال این است و بدانید که خدا حیلۀ کافران را سست کننده است. ﴿۱۹﴾ ای کافران اگر طلب فتح می کردید پس به شما فتح آمد و اگر باز ایستید پس آن شما را بهتر است و اگر بازگردید (یعنی به نافرمانی)، باز گردیم^(۳) و جماعت شما هیچ چیزی را اگر چه بسیار باشد از شما دفع نکند. و بدانید که خدا با مسلمانان است^(۴). ﴿۲۰﴾ ای مسلمانان خدا و رسول او را فرمانبرداری کنید و از وی روی مگردانید حال آنکه شما می شنوید. ﴿۲۱﴾ و مانند کسانی که گفتند شنیدیم و ایشان نمی شنوند نشوید^(۵). ﴿۲۲﴾ هر آئینه بدترین جنبندهگان نزد خدا کرانند گنگانند آنانکه در نمی یابند. ﴿۲۳﴾ و اگر خدا در ایشان نیکویی سراغ داشت البته ایشان را شنوایی^(۶) و اگر شنوایی حتماً اعراض کنان روی میگردانیدند. ﴿۲۴﴾ ای مسلمانان خواندن خدا و رسول را قبول کنید چون بخواند شمارا برای آنکه شما را زنده سازد و بدانید که خدا در میان انسان و دل او^(۷) حائل می شود و بدانید که به سوی او برانگیخته خواهید شد. ﴿۲۵﴾ و از فتنه ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران از شما نرسد^(۸) و بدانید که هر آئینه خدا سخت عقوبت کننده است^(۹).

(۱) یعنی مشت خاك را.

(۲) مترجم گوید تعریض است به آن قصه که آن حضرت صلی الله علیه وسلم روز بدر يك مشت سنگ ریزه به سوی کفار انداخت پس هیچکس از ایشان نماند که چیزی از آن به چشمش داخل نشد و استقلال تازه به خاطر مسلمانان ظاهر شد و این تأیید غیبی بود.

(۳) یعنی به مكافات دادن.

(۴) مترجم گوید تعریض است به آن قصه که ابو جهل روز غزوه بدر دعا کرد که بار خدایا هر که از میان این هردو گروه قاطع رحم است و دین باطل پیش گرفته است او را هلاک کن و به حقیقت متصف به این صفات ابو جهل و قوم او بودند.

(۵) یعنی مانند اهل کتاب که تورات را خواندند و به زبان معترف شدند و بر آن عمل نکردند.

(۶) یعنی لیکن سراغ خیری در اینان نیافت.

(۷) یعنی عزیمت اونسخ می کند.

(۸) یعنی بلکه شامت او عام بود والله اعلم.

(۹) و آن فتنه ظهور عقوبت بدعت است یا ترك نهی از منكر والله اعلم.

وَاذْكُرُوا اِذْ اَنْتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعِفُونَ فِي الْاَرْضِ تَخَافُونَ
 اَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ
 مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٢٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
 لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَحُونُوا اٰمَنَتَكُمْ وَاَنْتُمْ تَعَامُونَ
 ﴿٢٧﴾ وَاعْلَمُوا اَنَّهَا اَمْوَالُكُمْ وَاَوَّلَدُكُمْ فِتْنَةٌ وَاَنَّ اللَّهَ
 عِنْدَهُ اَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٢٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اِنْ تَتَّقُوا
 اللَّهَ يَجْعَلْ لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ
 وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾ وَاِذْ يَمْكُرُ بِكَ
 الَّذِيْنَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ اَوْ يَقْتُلُوكَ اَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ
 وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكِرِيْنَ ﴿٣٠﴾ وَاِذْ اُنْتَلَىٰ عَلَيْهِمْ
 اِيْتِنَا قَالُوْا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هٰذَا اِنْ هٰذَا
 اِلَّا اَسْطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿٣١﴾ وَاِذْ قَالُوا اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ هٰذَا
 هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَامْطِرْ عَلَيْنَا حِجَابًا مِنَ السَّمَاءِ
 اَوْ اِتِنَا بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَا كَانَ لِلّٰهِ لِيُعَذِّبَهُمْ وَاَنْتَ
 فِيْهِمْ وَمَا كَانَ لِلّٰهِ مُعَذِّبُهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿٣٣﴾

﴿۲۶﴾ و یاد کنید (ای مهاجران نعمت الهی را) آن وقت که شما اندک بودید ناتوان شمرده در زمین (یعنی در مکه) می ترسیدید از آنکه مردمان شما را بر بایند پس شما را جای داد (یعنی در مدینه) و شما را به نصرت خود قوّت داد و شما را از چیزهای پاکیزه روزی داد تا شود که سپاس گذاری کنید. ﴿۲۷﴾ ای مسلمانان با خدا و رسول خیانت مکنید و امانت های یک دیگر را در حالیکه شما میدانید (یعنی مفسد آنرا) خیانت مکنید. ﴿۲۸﴾ و بدانید که مال های شما و فرزندان شما آزمایش است و آنکه خدا نزد او پاداش بزرگ است. ﴿۲۹﴾ ای مسلمانان اگر از خدا بترسید برای شما فتحی را قرار دهد و از شما گناهان تان را درگذرد و شما را بیا مرزد و خدا صاحب فضل بزرگ است. ﴿۳۰﴾ و (یادکن نعمت الهی را) آنگاه که تدبیر بد کردند در حق تو کافران تا تو را حبس کنند یا تو را بکشند یا تو را جلاوطن کنند و ایشان تدبیر بد می کردند و خدا تدبیر می کرد (یعنی به ایشان) و خدا بهترین تدبیر کنندگانست^(۱). ﴿۳۱﴾ و چون برین جماعت آیات ما خوانده می شود گویند به تحقیق شنیدیم اگر خواهیم مانند این بگوییم نیست این مگر افسانه^۲ پیشینیان. ﴿۳۲﴾ و آنگاه که گفتند بار خدایا اگر این قرآن از نزد تو راست هست پس بر ما سنگ را از آسمان بار یا بر ما عذاب دردناک را ببار. ﴿۳۳﴾ و نیست خدا که ایشان را عذاب کند و تو میان ایشان باشی و هرگز خدا عذاب کننده^۳ ایشان نیست و ایشان استغفار می کنند^(۲).

(۱) تعریض است به آن قصه که کفار در مکه جمع شده این رای می زدند.

(۲) یعنی سنت خدا آنست که تا پیامبر در میان قوم باشد عذاب عام نمی کند و همچنین تا آنکه ایشان استغفار کنند عذاب نمی آید.

وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَائُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ
وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾ وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ
عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ
بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ
أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ
عَلَيْهِمْ حَسْرَةٌ ثُمَّ يَغْلِبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ
يُحْشَرُونَ ﴿٣٦﴾ لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ
الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلَهُ
فِي جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٣٧﴾ قُلْ لِلَّذِينَ
كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَّا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا
فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ
لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ
أَنْتَ هَؤُلَاءِ لِلَّهِ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣٩﴾ وَإِنْ تَوَلَّوْا
فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٤٠﴾

﴿۳۴﴾ و چیست ایشان را که خدا ایشان را عذاب نکند حال آنکه ایشان (مردمان را) از مسجد الحرام باز میدارند و سزاوار آنجا نیستند، سزاوار در آنجا مگر متقیان نیستند ولیکن بیشترین ایشان نمی دانند. ﴿۳۵﴾ و^(۱) نماز ایشان نزدیک خانه کعبه چیزی بجز صغیر کردن و کف زدن نیست پس ای کافران عذاب را به سبب کافر شدن تان بجشید. ﴿۳۶﴾ هر آئینه کافران اموال خود را خرج می کنند تا مردمان را از راه خدا بازدارند پس زود باشد که آنرا خرج کنند باز آن خرج کردن برایشان پشیمانی باشد باز مغلوب شوند و کافران به سوی دوزخ رانده شوند. ﴿۳۷﴾ تا خدای تعالی ناپاک را از پاك جدا سازد و ناپاک را بعضی آن را بر بعضی بنهد پس همگی آن را توده سازد پس او را در دوزخ در آورد این جماعت ایشانند زیان کاران^(۲). ﴿۳۸﴾ به این کافران بگو اگر بایستند ایشان را آنچه گذشت آمرزیده شود و اگر باز گردند پس هر آئینه روش پیشینیان گذشته است^(۳). ﴿۳۹﴾ و ای مسلمانان بایشان تا آنکه هیچ فتنه نباشد (یعنی غلبه کفر) کارزار کنید و همگی دین برای خدا باشد پس اگر از شرك بایستند (یعنی مسلمان شوند) هر آئینه خدا به آنچه میکنند بینا است. ﴿۴۰﴾ و اگر روگردانند^(۴) پس بدانید که خدا مددکار شما است و او نيك مددکار است و نيك یاری دهنده است.

(۱) یعنی بعد هجرت حضرت سیدالبشر از میان ایشان.

(۲) یعنی در اصل استحقاق عذاب دارند لیکن بودن پیامبر در میان ایشان مانع بود و حالا مانع برخاست.

(۳) مترجم گوید و این تصویر حال کسی است که می خواهد کل چیزی را جز و باطل سازد و دفع کند.

(۴) یعنی از اسلام.

*وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ
 وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَلِالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ
 كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ
 يَوْمَ التَّلَقَّىٰ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤١﴾ إِذْ
 أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ
 أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لَا خْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَدِ
 وَلَكِنَّ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ
 هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَبِحَيٍّ مِنْ حَرٍّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ
 لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٤٢﴾ إِذْ يُرِيكُهُمُ اللَّهُ فِي مَنَايِكَ قَلِيلًا
 وَلَوْ أَرَادَكُمُ كَثِيرًا لَفَاشَلْتُمْ وَلَتَنْزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ
 وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٤٣﴾ وَإِذْ
 يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ اتَّقَيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ
 فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ
 تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٤٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً
 فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٤٥﴾

﴿۴۱﴾ و بدانید که آنچه از کافران از هر جنس غنیمت یافتید پس يك پنجم آن برای خدا و پیامبر و خویشاوندان^(۱) و یتیمان و درویشان و مسافران است اگر به خدا و به آنچه بر بنده خویش فرو فرستادیم ایمان آورده اید، روزی که حق از باطل جدا شد روزیکه دو گروه به هم آمدند^(۲) و خدا بر همه چیز تواناست^(۳). ﴿۴۲﴾ اگر ایمان آوردید به آنچه فرو فرستادیم بر بنده خود آنگاه که شما بکناره^۴ نزدیک بودید و ایشان بکناره^۵ دورتر و کاروان پایین تر از شما بود (یعنی به جانب دریا) و اگر بایکدیگر وعده جنگ مقرر می کردید البته در وعده اختلاف می نمودید لیکن جمع کرد تا خدا کاری را که کردنی بود به انجام رساند تا هلاک شود کسی که بعد قیام حجت هلاک شده است و زنده ماند کسی که بعد قیام حجت زنده شده است و هر آئینه خدا شنوای داناست^(۴). ﴿۴۳﴾ آنگاه که خدا ایشان را به تودر خواب تو اندکی نشان داد و اگر بتو تعداد ایشان را بسیار نشان می داد البته از هم می پاشیدید و بایکدیگر در کار نزاع می نمودید ولیکن خدا سلامت داشت (یعنی از بزدلی) هر آئینه وی داناست به آنچه در سینه ها است. ﴿۴۴﴾ و آنگاه که به شما ایشان را چون روبرو شدید در چشمهای شما اندکی بنمود شما را در چشمهای آنان کم نمود تا خدا کاری را که کردنی بود به انجام رساند و به سوی خدا بازگردانیده شوند. ﴿۴۵﴾ ای مسلمانان چون با گروهی روبرو شوید پس ثابت باشید و خدا را بسیار یاد کنید تا اینکه شما رستگار شوید.

(۱) یعنی خویشاوندان پیامبر را که بنی هاشم و بنی مطلب اند.

(۲) یعنی ایمان آوردند به آن که در روز بدر نصرت نازل فرمود.

(۳) مترجم گوید چهار (حصه) خمس غانمان را باید داد و يك (حصه) خمس در بیت المال نهاده بر پنج حصه یاسه حصه

بایک دیگر قسمت گردد علی اختلاف المذاهب والله اعلم.

(۴) مراد از هلاک اصرار بر کفر است و از حیات مسلمان شدن و این که ایمان آورند به آنچه بر بنده خود فرو فرستادیم.

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَزَعَوْا فَنَفْسُكُمْ وَلَا تَكُونُوا
 رِيحَكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٤٦﴾ وَلَا تَكُونُوا
 كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ
 عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٤٧﴾ وَإِذْ زَيْنَ
 لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ
 النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ
 عَلَى عَقْبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا
 تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٤٨﴾ إِذْ يَقُولُ
 الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ
 وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٤٩﴾ وَلَوْ
 تَرَى إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ
 وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٥٠﴾ ذَلِكَ
 بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ ﴿٥١﴾
 كَذَّابٌ أَلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ
 فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٥٢﴾

﴿۴۶﴾ و خدا ورسول او را فرمانبرداری کنید و بایکدیگر نزاع نکنید که درین صورت سست شوید و شأن (وشوکتان) ازین برود و شکیبایی کنید هرآئینه خدا باشکیبایان است.

﴿۴۷﴾ و مانند کسانی که از خانه های خود از روی سرکشی و خودنمایی به مردمان بیرون آمدند مباشید و از راه خدا باز میدانند و خدا به آنچه می کنند دربر گیرنده است^(۱). ﴿۴۸﴾

و آنگاه که شیطان برای این کافران کردار های ایشان را بیاراست و گفت هیچ کس از مردمان بر شما امروز غلبه کننده نیست و هرآئینه من شمارا مدد کننده ام پس چون هردو گروه روبرو شدند شیطان برپاشنهای خود باز گشت و گفت هرآئینه من از شما بیزارم هرآئینه من می بینم آنچه را که شما نمی بینید هرآئینه من از خدا می ترسم و خدا سخت عقوبت است.

﴿۴۹﴾ آنگاه که منافقان و آنانکه در دل های ایشان بیماری است می گفتند که این مسلمانان را دین ایشان فریفته کرده است و هر که بر خدا توکل کند هرآئینه خدا غالب درست کار است. ﴿۵۰﴾ و (تعجب میکردی) اگر می دیدی (ای بیننده) چون فرشتگان ارواح کافران را قبض می کنند بر روی های ایشان و برپشتهای ایشان میزند و (می گویند) عذاب سوزان را بچشید. ﴿۵۱﴾ این به سبب آن کرداری است که دستهای شما پیش فرستاده است و به سبب آنست که خدا بر بندگان ظلم کننده نیست. ﴿۵۲﴾ مانند شیوه قوم فرعون و آنانکه پیش از ایشان بودند به آیات خدا کافر شدند پس خدا ایشان را به گناهان ایشان گرفتار کرد هرآئینه خدا توانای سخت عقوبت است.

(۱) این آیه گویایی حال ابو جهل و تابعان اوست.

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى
 يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٣﴾ كَذَّابٌ أَإِلَ
 فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ
 بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَاهُ الْفِرْعَوْنَ وَكُلُّ كَاذِبٍ لَلِإِيمَانِ ﴿٥٤﴾
 إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
 ﴿٥٥﴾ الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ
 مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ﴿٥٦﴾ فَمَا تَتَّقُهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِدَ بِهِمْ
 مَنْ خَلَفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدْكُرُونَ ﴿٥٧﴾ وَإِذَا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ
 خِيَانَةً فَأَنْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ
 ﴿٥٨﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبْقُوا إِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
 ﴿٥٩﴾ وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ
 تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ
 لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٦٠﴾ * وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ
 فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦١﴾

﴿۵۳﴾ این از آنست که خدا هرگز تغییردهنده هیچ نعمتی که آنرا بر قومی انعام کرده باشد نیست تا آنکه ایشان حالی را که در ذات ایشانست دگرگون کنند^(۱) و از آنست که خدا شنوای دانا است. ﴿۵۴﴾ مانند شیوه^۲ کسان فرعون و آنانکه پیش از ایشان بودند آیات پروردگار خویش را تکذیب کردند پس ایشان را به گناهان ایشان هلاک ساختیم و کسان فرعون را غرق ساختیم و همگی ستمکار بودند. ﴿۵۵﴾ هر آئینه بدترین جنبدگان نزد خدا آنانند که کافر شدند پس ایشان ایمان نمی آورند. ﴿۵۶﴾ آنانکه عهدیسته ای با ایشان باز عهد خود را در هر مرتبه ای می شکنند و ایشان پرهیز نمی کنند^(۲). ﴿۵۷﴾ پس اگر ایشان را در جنگ بیابی متفرق ساز به سبب کشتن ایشان کسانی را که پس پشت ایشان باشند متفرق ساز تا اینکه پندپذیر شوند. ﴿۵۸﴾ و اگر از گروهی خیانت را بررسی پس به سوی ایشان عهد ایشانرا بنوعی که همه برابر شوند^(۳) باز گردان هر آئینه خدا خیانت کنندگان را دوست نمیدارد. ﴿۵۹﴾ و باید که کافران نپندارند که ایشان پیش دستی کرده اند هر آئینه ایشان عاجز نتوانند ساخت. ﴿۶۰﴾ و ای مسلمانان برای (مقابله) ایشان آنچه توانید از توانایی مهیا سازید^(۴) و از آماده داشتن اسبها که به آن دشمن خدا و دشمن خویش را میترسانید و قومی دیگر را نیز بجای ایشان، که شما ایشان را نمی دانید خدا ایشان را میداند^(۵) و آنچه خرج کنید از هر چه باشد در راه خدا به شما تمام داده شود^(۶) و شما ستم کرده نشوید. ﴿۶۱﴾ و اگر به صلح تمایل نمودند پس تونیز به صلح مایل باش^(۷) و بر خدا توکل کن هر آئینه او شنوای دانا (به صلاح خلق) است.

(۱) یعنی کفران نعمت را به شکر و معصیت را به طاعت.

(۲) مترجم گوید تعریض است به قبایل یهود که آن حضرت صلی الله علیه وسلم به ایشان صلح کرده بودند و ایشان وقت بعد از وقت (یعنی پی در پی) غدر می نمودند والله اعلم.

(۳) یعنی ملامت نقض عهد بر شما لازم نیاید والله اعلم.

(۴) یعنی استعمال آلات جنگ مثل تیر انداختن و غیره.

(۵) یعنی اهل نفاق را والله اعلم.

(۶) یعنی ثواب او والله اعلم.

(۷) مترجم گوید این امر برای اباحت است والله اعلم.

وَأَنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ
 بِنَصَرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٣﴾ وَالْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ
 مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا آلَفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ
 آلَفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٦٤﴾ يَأَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ
 اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٥﴾ يَأَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ
 الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ
 يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ
 الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٦٥﴾ أَلَنْ خَفَّفَ
 اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ
 صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا
 أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٦٦﴾ مَا كَانَ لِنَبِيٍّ
 أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ
 الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٦٧﴾ لَوْ لَا كَتَبُ
 مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٦٨﴾ فَكُلُوا
 مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٦٩﴾

﴿۶۲﴾ و اگر (دشمنان) خواهند که تورا فریب دهند پس مطمئن باش که خدا تورا کفایت کننده است اوست آنکه تورا بنصرت خود و به یاری مسلمانان تورا مؤید منصور گردانید. ﴿۶۳﴾ و (همونست) آنکه میان دل‌های ایشان الفت داد اگر خرج می کردی همگی آنچه در زمین است میان دل های ایشان الفت نمی دادی ولیکن خدا میان ایشان الفت افکند هرآئینه وی غالب باحکمت است. ﴿۶۴﴾ ای پیامبر خدا تورا کفایت کننده است و نیز آنان را که از مسلمان پیروی تو کرده اند. ﴿۶۵﴾ ای پیامبر مسلمانان را بر جنگ رغبت ده اگر از شما بیست نفر صبر کننده باشند بردویست نفر غالب شوند و اگر از شما صد نفر باشند بر هزار نفر از کافران غالب شوند به سبب آنکه ایشان گروهی هستند که نمی فهمند^(۱). ﴿۶۶﴾ اکنون خدا بر شما تحفیف داد و معلوم کرد که در میان شما ضعفی هست پس اگر از شما صد نفر شکبیا باشند بردویست نفر غالب آیند و اگر از شما هزار نفر باشند بردو هزار نفر به فرمان خدا غالب آیند و خدا با صابران است. ﴿۶۷﴾ پیامبری را سزاوار نبود که به دست وی اسیران باشند تا آنکه در زمین قتل بسیار بوجود آورد مال دنیا را می خواهید و خدا مصلحت آخرت را می خواهند و خدا غالب باحکمت است^(۲). ﴿۶۸﴾ اگر حکم پیشین خدا نبودی^(۳) البته به شما در آنچه گرفتید عذاب بزرگ میرسید. ﴿۶۹﴾ پس از آنچه غنیمت گرفتید حلال پاکیزه بخورید و از خدا بترسید هر آئینه خدا آمرزنده مهربان است.

(۱) مترجم گوید چون این آیت نازل شد واجب گشت ثبات با ده چندان از کفار بعد از آن منسوخ شده و جوب ثبات در مقابل دو چند والله اعلم.

(۲) مترجم گوید صحابه از اسیران بدر فدا گرفتند به اجتهاد خویش و مرضی نزد خدای تعالی قتل ایشان بود لیکن چون بنص صریح ممنوع نشده بود عفو فرمود و این آیه نازل شد.

(۳) یعنی حکم غیر منصوص و مقدر در لوح محفوظ والله اعلم.

يَأَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّمَن فِي أَيْدِيكُمْ مِّنَ الْأَسْرِ إِن يَعلَمِ اللَّهُ
 فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُّؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أَخَذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ
 وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٧٠﴾ وَإِن يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ
 مِن قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلَيْهِمْ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾ إِنَّ الَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجْهَهُدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُم مِّن وَلِيَّتِهِم مِّن شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا
 وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ
 بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٧٢﴾ وَالَّذِينَ
 كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةٌ فِي
 الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ﴿٧٣﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجْهَهُدُوا
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ
 حَقًّا لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٧٤﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِن بَعْدِ
 وَهَاجَرُوا وَجْهَهُدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ
 بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧٥﴾

﴿۷۰﴾ ای پیامبر آنان را که در دستهای شما اند از اسیران بگو اگر خدا در دل‌های شما نیکی را معلوم بدارد البته شما را بهتر از آنچه گرفته شد از شما بدهد و شما را بیامرزد و خدا آمرزندهٔ مهربان است^(۱). ﴿۷۱﴾ و اگر با تو خیانت خواهند پس هر آئینه پیش ازین با خدا خیانت کرده بودند پس تو را برایشان قدرت داد و خدا دانای با حکمت است. ﴿۷۲﴾ هر آئینه آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و به مال‌های شان و جان‌های شان در راه خدا جهاد نمودند و آنانکه جای دادند و نصرت کردند این جماعت بعضی ایشان دوستان بعضی اند^(۲) و آنانکه ایمان آوردند و هجرت نکرده اند شما را از کار سازی ایشان هیچ چیزی نیست تا آنکه هجرت کنند و اگر مدد طلب کنند از شما در کار دین پس بر شما یاری کردن لازم است مگر بر جماعتی که میان شما و میان ایشان عهد باشد و خدا به آنچه می کنید بینا است. ﴿۷۳﴾ و آنانکه کافر شدند بعضی ایشان دوستان بعضی اند ای مسلمانان اگر این کار را نکنید^(۳) در زمین فتنه ای و فساد بزرگ باشد. ﴿۷۴﴾ و آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند و آنانکه جای دادند و نصرت کردند این جماعت به حقیقت ایشانند مومنان برای ایشان آمرزش و روزی نیک هست. ﴿۷۵﴾ و آنانکه ایمان آوردند پس ازین و هجرت نمودند و همراه شما جهاد کردند این گروه نیز از شما هستند و خویشاوندان بعضی ایشان به بعضی در حکم خدا نزدیک تر اند^(۴) هر آئینه خدا به همه چیز داناست.

(۱) تعریض است به عباس بن عبد المطلب.

(۲) یعنی مهاجرین و انصار بایکدیگر باید که نصرت دهند و مواخات کنند.

(۳) یعنی دوستی را بایکدیگر.

(۴) یعنی صله و توارث میان اهل قرابت که اصحاب فروع و عصباء اند لازم است والله اعلم.

سوره توبه مدنی است و آن يك صدويست
ونه آيه وشانزده ركوع است

﴿۱﴾ قطع معامله است از جانب خدا و رسول او از آنانکه با ایشان از مشرکان^(۱) پیمان بسته بودید. ﴿۲﴾ پس (ای مشرکان مهلت یافته اید) چهار ماه در زمین بگردید و بدانید که شما عاجز کننده خدا نباشید (و بدانید) آنکه خدا رسواکننده کافران است. ﴿۳﴾ و اعلامی است از جانب خدا و رسول او به سوی مردمان روز حج بزرگ که خدا و رسول اونیز از مشرکان بیزاراند پس اگر توبه کنید آن شمارا بهتر باشد و اگر روی بگردانید پس بدانید که شما از خدا گزیر و گریزی ندارید و کافران را به عذابی درد ناك خبرده. ﴿۴﴾ مگر کسانی از مشرکان که با ایشان عهد بسته اید باز باشما در چیزی کمی نکردند (یعنی از پیمان خود) و بر (ضد) شما کسی را مدد ندادند پس به ایشان عهد ایشان را تاعدت (پیمان) ایشان به وفا رسانید به راستی خدا پرهیزگاران را دوست می دارد. ﴿۵﴾ پس چون ماه های حرام به پایان رسند^(۲) مشرکان را هر جاکه بیابید بکشید و ایشان را بگیرد و ایشان را بند کنید و برای ایشان بهر کمین گاه بنشیند پس اگر توبه کنند و نماز را برپا دارند و زکوٰه را بدهند پس ایشان را رها کنید هر آئینه خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۶﴾ و اگر کسی از مشرکان از تو امان طلب کند او را امان ده تا قرآن خدا بشنود باز او را به ایمنگاهش برسان و این از آنست که ایشان گروهی هستند که نیکنداند^(۳).

(۱) مترجم گوید سال نهم حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم علی مرتضیٰ را در موسم حج فرستاد تا عهود مشرکان را براندازد الا چهار ماه ایشان را فرصت داد تا در امر خود تأمل کنند مگر دو فرقه بنی ضمیره و بنو کنانه که خیانت در عهد نکرده بودند پس خدای تعالی عهد ایشانرا تا میعاد آن مقرر داشت و تا ندا کند که بعد ازین هیچ مشرک به حج نیاید و هیچ برهنه طواف کعبه نکند و اوایل سوره براءه برای ایشان برخواند والله اعلم.

(۲) یعنی آن چهار ماه که ایشان را فرصت داده بودند.

(۳) مترجم گوید آن حضرت صلی الله علیه وسلم با کفار قریش صلح کرده بودند و ایشان در مقام غدر آمده بر کشتن حلفای آن حضرت اعانت نمودند و این صورت سبب فتح مکه شد خدای تعالی برای ترغیب بر غزوه فتح آیات فرستاد.

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ
 إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقْتُمُوا
 لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿٧﴾
 كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا
 ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ
 فَاسِقُونَ ﴿٨﴾ أَشْتَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ
 سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩﴾ لَا يَرْقُبُونَ
 فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ ﴿١٠﴾ فَإِنْ
 تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخِوُنُكُمْ فِي
 الدِّينِ وَنَفَصِلْ أَلَايَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١١﴾ وَإِنْ
 نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ
 فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ
 يَنْتَهُونَ ﴿١٢﴾ أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ
 وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ
 أَتَخْشَوْنَهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ أَهَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾

﴿۷﴾ چگونه مشرکان را عهدهی نزد خدا و نزد رسول او باشد! إلا آنانکه با ایشان در (نزدیک) مسجد حرام پیمان^(۱) بسته بودید پس تازمانی که بر پیمان ثابت باشند برای شما، نیز شما برای ایشان ثابت باشید هرآئینه خدا پرهیزگاران را دوست میدارد. ﴿۸﴾ چگونه (بُود مشرکان را عهدهی) و اگر بر شما غالب آیند دربارهٔ شما حق خویشی را و نه پیمان را نگاه ندارند شما را بدهنهای خویش رضامند می سازند و دلهای ایشان قبول نمی کند و بیشترین ایشان فاسقاند. ﴿۹﴾ آیه های خدا را به بهایی اندك خرید کردند^(۲) پس مردمان را از راه خدا بازداشتند هرآئینه بد کاری است که ایشان می کردند. ﴿۱۰﴾ درباره هیچ مسلمانی حق خویشی را و نه پیمان را نگاه نمی دارند و آن جماعت ایشانند از حد درگذشتگان. ﴿۱۱﴾ پس اگر توبه کنند و نماز را برپا دارند و زکوٰه را بدهند پس ایشان دردین برادران شماوند و آیات را برای گروهی که می دانند واضح می سازیم. ﴿۱۲﴾ و اگر سوگندهای خویش را پس از پیمان بستن خویش بشکنند و در دین شما طعنه زنند پس بایشویان کفر کارزار کنید هرآئینه ایشان را سوگند نیست، تا اینکه ایشان بازمانند. ﴿۱۳﴾ آیا جنگ نمی کنید با گروهی که سوگندان خویش را شکستند و قصد جلاوطن ساختن پیامبر را (از مکه) کردند و ایشان به نقض عهد دفعه اول باشما ابتدا کردند آیا از ایشان می ترسید پس خدا سزاوار تر است به آنکه از او بترسید اگر مسلمانیید.

(۱) یعنی قریش که در حدیبیه به ایشان صلح واقع شده بود.

(۲) یعنی تابع شهوات نفس شدند ایمان را ترك کردند.

قَتَلُوهُمْ يَعِدُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِيهِمْ وَيَضْرِبُكُمْ
 عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٤﴾ وَيُذْهِبْ غَيْظَ
 قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٥﴾
 أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ
 وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَاةً
 وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾ مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسْجِدَ
 اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ
 أَعْمَالُهُمْ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿١٧﴾ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ
 اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى
 الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا لِلَّهِ فَعَسَىٰ أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ
 الْمُهْتَدِينَ ﴿١٨﴾ * أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ
 الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
 ﴿١٩﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ
 وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٢٠﴾



﴿۱۴﴾ با ایشان جنگ کنید تا ایشان را خدا بدستهای شما عذاب کند و ایشان را رسوا سازد و شما را برایشان فتح دهد و (درد) سینه های گروه مسلمان را شفا بخشد. ﴿۱۵﴾ و اندوه دل های ایشان را دور کند و به رحمت بر هر که خواهد باز گردد و خدا دانای استوار کار است. ﴿۱۶﴾ آیا گمان کردید که به حال خود وا گذاشته شوید^(۱) و هنوز متمیز نساخته است خدا آنان را که از شما جهاد کرده اند و بجز خدا و بجز پیامبر او و بجز مومنان هیچ دوست پنهانی نگرفته اند و خدا به آنچه می کنید داناست. ﴿۱۷﴾ مشرکان را روا نباشد که مسجد های خدا را آباد سازند در حالی که بر خود به کفر اعتراف کرده اند آن جماعت عمل های ایشان باطل شد و در آتش همیشه باشندگانند^(۲). ﴿۱۸﴾ جز این نیست که آباد می کند مسجد های خدا را فقط کسی که ایمان آورده است به خدا و به روز آخر و نماز را برپا داشته است و زکوة را داده است و نترسیده است مگر از خدا پس توقع است که این جماعت از راه یافتگان باشند. ﴿۱۹﴾ آیا آب نوشاندن حاجیان و آباد ساختن مسجد حرام را مانند عمل کسی کردید که به خدا و روز آخر ایمان آورده است و در راه خدا جهاد کرده است نزد خدا برابر نیستند و خدا گروه ستمکاران را راه نمی نماید. ﴿۲۰﴾ و آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا به اموال خویش و جان های خویش جهاد نمودند در مرتبه نزد خدا بزرگتراند و این جماعت ایشان مطلب یابان اند.

(۱) یعنی تکلیف جهاد نشود.

(۲) مترجم گوید تعریض است به جواب مفاخرت قریش به عمارت مسجد حرام.

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا
نَعِيمٌ مُّقِيمٌ ﴿٢١﴾ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ
عَظِيمٌ ﴿٢٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا ءَابَاءَكُمْ
وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ
وَمَن يَتَوَلَّهُمْ مِنكُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٣﴾ قُلْ إِن
كَانَ ءَابَاؤُكُمْ وَابْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ
وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ
كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ
وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ
بِأَمْرِهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٤﴾ لَقَدْ نَصَرَكُمُ
اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ
كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمْ
الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ أَنزَلَ اللَّهُ
سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ ۖ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنزَلَ جُنُودًا
لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۖ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦﴾

﴿۲۱﴾ پروردگارشان ایشان را به رحمت از نزدیک خود وبه خوشنودی وبه بوستانها که ایشان را در آنجانهعت دایم بُود مژده دهد. ﴿۲۲﴾ آنجاهمیشه باشندگانند هرآئینه خداست که نزدیک او پاداش بزرگ است. ﴿۲۳﴾ ای^(۱) مسلمانان پدران خود وبرادران تان را اگر اختیار کنند کفر را برایمان دوست مگیرید وهرکه از شما باایشان دوستی دارد آن جماعت ایشان ستمکارانند. ﴿۲۴﴾ بگو اگر پدران شما وپسران شما وبرادران شما و زنان شما وخویشاوندان شما وآن مالهایی که آن را کسب کرده اید وتجارتی که از بی رواجی آن می ترسید ومنزلهایی که آن را پسند می کنید نزد شما از خدا ورسول او وازجهد درراه او دوست تر هستند پس منتظر باشید تاآنکه خدا عقوبت خود را بیاورد وخدا گروه فاسقان را راه نمی نماید. ﴿۲۵﴾ هرآئینه^(۲) شمارا خدا در جاهای بسیار فتح داد وروزحنین نیز چون به شگفت آورد شمارا بسیاری شما پس آن بسیاری از شما چیزی را دفع نکرد وبر شما زمین تنگ شد باوجود فراخی آن پس پشت داده برگشتید. ﴿۲۶﴾ باز خدای تعالی تسکین خود را بر پیامبر خود و بر مومنان فرو فرستاد و لشکر هایی را که شما ایشان را ندیدید فرو فرستاد و کافران را عقوبت کرد واین جزای کافران است.

(۱) مترجم گوید بعد غزوه فتح در ترغیب بر جهاد مشرکین واهل کتاب نازل شد.

(۲) مترجم گوید در غزوه حنین شکست گونه ای به مسلمین روی داده بود بعد از آن خدای تعالی نصرت دادوبه جهت تذکیر نعمت این آیات را فرستاد.

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ
 غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ
 نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا
 وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيَكُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ
 إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾ قَاتِلُوا الَّذِينَ
 لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ
 مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ
 الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ
 وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿٢٩﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرُ ابْنُ اللَّهِ
 وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ
 بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ
 قَاتِلْهُمْ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿٣٠﴾ اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ
 وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ
 مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ وَعَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣١﴾

﴿۲۷﴾ باز خدا بعد ازین برهرکه خواهد به رحمت بازگردد^(۱) و خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۲۸﴾ ای مسلمانان جزاین نیست که مشرکان پلیداند پس بایدکه بعد ازاین سال شان به مسجد حرام نزدیک نشوند و اگر از تنگدستی^(۲) می ترسید پس شمارا خدا ازفضل خود اگر خواهد توانگر خواهد ساخت هرآئینه خدا دانای درست کارست^(۳). ﴿۲۹﴾ باآنانکه ایمان نمی آورند به خدا ونه به روزآخر جنگ کنید و آنچه خدا و پیامبر او حرام کرده است حرام نمی شمردند و دین راست را اختیار نمی کنند ازاهل کتاب، تاآنکه جزیه را ازدست خود خوارشدگان بدهند. ﴿۳۰﴾ ویهود گفتند که عزیر پسر خداست و نصاری گفتند که مسیح پسر خداست این قول ایشان بدهنهای شان است،^(۴) باسخن قومی که پیش ازین کافر شدند^(۵) مشابهت کرده اند خدا ایشان را لعنت کرد چگونه برگردانیده می شوند^(۶). ﴿۳۱﴾ دانشمندان وزاهدان خود را به جای خدا پروردگاران گرفتند ونیز مسیح پسر مریم را ونفرموده شده اند مگرآنکه يك خدا را عبادت کنند هیچ معبود برحقى بجز او نیست پاکست او ازآنکه شريك برای او مقرر می کنند.

(۱) یعنی توفیق اسلام دهد هرکه را خواهد ازکافران واگذارد والله اعلم.

(۲) یعنی به سبب انقطاع سوداگران والله اعلم.

(۳) مترجم گوید خدایتعالی دریاب جهاداهل کتاب وگرفتن جزیه ازایشان می فرماید.

(۴) یعنی اصلى ندارد.

(۵) یعنی مشرکان که ملائکه را دختران خدا می گویند.

(۶) یعنی ازراه صواب.

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ
يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿٣٢﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ
رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينٍ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ
كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾ يَتَأَيَّاهُ الَّذِينَ
ءَامَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُلُونَ
أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ
يَكْزِبُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي
سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٤﴾ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا
فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتُكُوى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ
وَضُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ
تَكْزِبُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ
شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا
أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ
أَنفُسَكُمْ وَقَتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا
يُقَتِّلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿٣٦﴾

﴿۳۲﴾ می خواهند که نور خدا را بدهنهای شان فرو نشانند^(۱) و خدا قبول نکند مگر آنکه نور خود را تمام سازد اگرچه کافران ناخوش شوند. ﴿۳۳﴾ اوست آنکه پیامبر خود را به هدایت و دین راست فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب کند اگرچه مشرکان ناخوش شوند. ﴿۳۴﴾ ای مسلمانان هر آئینه بسیاری از دانشمندان و زاهدان اهل کتاب اموال مردمان را به باطل می خورند و از راه خدا بازمی دارند و آنانکه زر و نقره را ذخیره می کنند و آن را در راه خدا خرج نمی نمایند^(۲) این جماعت را به عذاب دردناک بشارت ده. ﴿۳۵﴾ روزی که^(۳) بر آن مال در آتش دوزخ گرم کرده شود پس به آن پیشانیهای ایشان و پهلوهایی ایشان و پشتهای ایشان داغ کرده شود و گفته شود این است آنچه برای خود ذخیره کردید پس آنچه ذخیره می کردید بچشید. ﴿۳۶﴾ هر آئینه شمار ماه ها نزدیک خدا دوازده ماه است در کتاب خدا روزی که آسمان ها و زمین را آفرید از آن جمله چهار ماه حرام است دین درست اینست پس در آن چهار ماه برخویشتن ستم مکنید^(۴) و جنگ کنید با همه مشرکان چنانکه ایشان با همه شما جنگ می کنند و بدانید که خدا بامتقیان است.

(۱) یعنی به شبهات تقریری می کنند در ابطال دین والله اعلم.

(۲) یعنی زکات نمی دهند.

(۳) یعنی دمیده شود.

(۴) مترجم گوید در دین حضرت ابراهیم مقرر بود که در محرم و رجب و ذیقعد و ذی الحجه بایک دیگر جنگ نکنند اهل جاهلیت این حکم را تحریف کرده گاهی صفر را محرم می ساختند و محرم را صفر و علی هذا القیاس و این را نمی گفتند خدایتعالی اصل این حکم را باقی داشت باینوجه که جنگ ناحق هیچ گاه درست نیست و درین ماه ها حرمت آن شدیدتر میشود و جنگ با کافران همه وقت درست است و نفی تحریف ایشان فرمود.

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ
 كَفَرُوا يُجَلِّونَهُ عَامًا وَيُخَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُؤْطِئُوا
 عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَجِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنٌ لَهُمْ
 سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ
 ﴿٣٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ
 أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتَاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ
 بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَعَ الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٣٨﴾ إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ
 عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَنْصُرُوهُ
 شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ إِلَّا تَنْصُرُوهُ
 فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ
 إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ
 مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ
 لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى
 وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٤٠﴾

﴿۳۷﴾ جزاین نیست که نَبیی زیادی است در کفر گمراه گردانیده می شوند به آن کافران آن ماه را يك سال حلال می شُمُرنَد و آن را سال دیگر حرام می شُمُرنَد تا موافقت کنند با شمار آنچه خدا حرام ساخته است پس حلال سازند چیزی را که خدا حرام ساخته است برای ایشان کردار های بدایشان آراسته کرده شده است و خدا قوم کافران را راه نمی نماید^(۱). ﴿۳۸﴾ ای مسلمانان چیست شمارا که چون به شما گفته می شود بیرون آید در راه خدا گران شده به سوی زمین میل می کنید آیا به زندگانی دنیا به عوض آخرت رضامند شدید پس متاع زندگانی دنیا در برابر آخرت مگر اندکی نیست^(۲). ﴿۳۹﴾ اگر بیرون نیایید شما را عذاب کند عذابی درد ناك و بدل شما قومی دیگر را غیر از شما گیرد و خدا را هیچ زیان نرسانید و خدا بر همه چیز توانا است. ﴿۴۰﴾ اگر پیامبر را نصرت ندهید چه باک هر آئینه او را خدای تعالی نصرت داده است آنگاه که بیرون کردندش کافران دوم دو کس آنگاه که این دو کس در غار بودند آنگاه که یار خود را می گفت^(۳) اندوه مخور هر آئینه خدا باماست پس خدا تسکین خود را بر پیامبر فرو فرستاد و قوت دادش به لشکر هایی که آن را ندیدید و سخن کافران را فرو تر ساخت و سخن خدا همونست بلند و خدا غالب درست کار است.

(۱) یعنی به قتال ناحق.

(۲) مترجم گوید آن حضرت صلی الله علیه وسلم در وقت عسرت و گرمی هوا متوجه غزوه تبوك شدند و بسیاری از صحابه موافقت کردند و از مسلمین سه کس به غیر عذر تخلف کردند و توبه ایشان بعد از پنجاه روز قبول افتاد و از منافقان کلمات نفاق سرزد خدایتعالی در مدح اینان و ذم آنان و عفو از آن سه کس آیات فرستاد.

(۳) یعنی ابو بکر صدیق را.

أَنْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
 ﴿٤١﴾ لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ
 وَلَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ
 لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ
 يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٤٢﴾ عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنْتَ لَهُمْ
 حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ
 ﴿٤٣﴾ لَا يَسْتَزِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ
 يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿٤٤﴾
 إِنَّمَا يَسْتَزِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
 وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَوْ
 أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ
 فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ ﴿٤٦﴾ لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ
 مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا أُضْعِفُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ
 الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٤٧﴾

﴿۴۱﴾ سبک باروگرانبار بیرون آید^(۱) و به مالهای خویش و جانهای خویش در راه خدا جهاد کنید این برای شما بهتر است اگر می دانید. ﴿۴۲﴾ اگر بودی آنچه به آن دعوت می کنی نفع قریب الحصول و سفری آسان البته تورا پیروی می کردند ولیکن برایشان مسافت راه دور شد به خدا سوگند خواهند خورد که اگر می توانستیم باشما بیرون می آمیم خویش را هلاک می کنند^(۲) و خدا می داند که ایشان البته دروغ گویند. ﴿۴۳﴾ خدا از تو عفو کند چرا به ایشان دستور اجازت دادی تا آن وقت که برای تو راست گویان آشکار شوند و دروغگویان را بدانی. ﴿۴۴﴾ از تو اجازت نمی طلبند آنکه ایمان آورده اند به خدا و روز آخر در تخلف از آنکه جهاد کنند به اموال خویش و جانهای خویش و خدا به متقیان داناست. ﴿۴۵﴾ جز این نیست که از تو آنکه ایمان نمی آرند به خدا و روز آخر اجازت می طلبند و شک آورده است دلهای ایشان پس در شک خود سرگردان می شوند. ﴿۴۶﴾ و اگر بیرون آمدن را خواسته بودند برای آن سفر سامان را مهیا می کردند ولیکن خدا برانگیختن ایشان را ناپسند داشت پس ایشان را از حرکت بازداشت و گفته شد بانشستگان (در خانه) بنشینید^(۳). ﴿۴۷﴾ اگر برمی آمدند میان شما در حق شما مگر فساد را نمی افزودند و البته به پا می کردند میان شما در حالیکه در حق شما فتنه میجویند^(۴) و میان شما برای آنان گوش کنندگانی است^(۵) و خدا به ستمکاران داناست.

(۱) یعنی در حالیکه اسباب و حشم بسیار دارید یا بجز قدر ضروری به دست شما نباشد و به این توجیه آیت محکم باشد

غیر منسوخ والله اعلم.

(۲) یعنی به سوگند دروغ.

(۳) و این تصویر است القای عزم مختلف را در خاطر ایشان.

(۴) یعنی سعی در فتنه میکردند.

(۵) یعنی سخن ایشان را قبول میکنند.

لَقَدْ ابْتَغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى
جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ ﴿٤٨﴾ وَمِنْهُمْ
مَنْ يَقُولُ أُنْذِنَ لِي وَلَا تَنْفَتِي الْأَفْيُ الْفِتْنَةَ سَقَطُوا وَإِنَّ
جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿٤٩﴾ إِن تَصِبْكَ
حَسَنَةٌ تَسُوهُمْ وَإِن تَصِبْكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ
أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ ﴿٥٠﴾ قُلْ
لَن يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى
اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٥١﴾ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا
إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَن يُصِيبَكُمْ اللَّهُ
بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بَأْيَيدِنَا فَنَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ
مُتَرَبِّصُونَ ﴿٥٢﴾ قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَّنْ يَتَقَبَّلَ
مِنْكُمْ إِنَّا نَكُفِّرُكُمْ قَوْمًا فَلَسِقِينَ ﴿٥٣﴾ وَمَا
مَنْعَهُمْ أَن تَقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا
بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ
كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ ﴿٥٤﴾

﴿۴۸﴾ هرآئینه فتنه را پیش ازین طلب کرده بودند وبگردانیدند برای تو مصلحت ها تاآنکه نصرت حق بیامد وکارخدا غالب شد وایشان ناخواهان بودند. ﴿۴۹﴾ وازایشان کسی است که می گوید مرا اجازت ده ومرا درفته مینداز^(۱) آگاه شوکه درفته افتاده اند وهر آئینه دوزخ کافران را دربرگیرنده است. ﴿۵۰﴾ اگر به تونعمتی برسد ایشان را ناخوش کند و اگر به تو مصیبتی برسد گویند مصلحت خود را پیش ازین^(۲) به دست آورده ایم و شادمان شده برمی گردند. ﴿۵۱﴾ بگو هرگز به ما نرسد مگرآنچه خدا برای ما نوشته است اوست کارسازما ومؤمنان باید که برخدا توکل کنند. ﴿۵۲﴾ بگو درحق ما انتظار نمی برید مگریکی ازدوخصلت نيك را^(۳) وما درحق شما انتظار می کشیم که خدا به شما عذاب را از نزد خود یا به دست ما برساند پس انتظار کشید هرآئینه ما نیزبا شما منتظرانیم. ﴿۵۳﴾ بگوای منافقان خرج کنید به خوشی یا ناخوشی هرگز از شما پذیرفته نخواهدشد هرآئینه شما قوم فاسقان هستید. ﴿۵۴﴾ وبازنداشت ایشان را ازآن که ازایشان خرج ایشان قبول شود مگرآنکه ایشان به خدا ورسول او کافرشدند وبه نماز نمی آیند مگرکاهلی کنان وخرج نمی کنند مگر ناخواهان.

(۱) یعنی مرا در بلاد روم میرید که جمال رومیان دیده مقتون خواهم شد والله اعلم.

(۲) یعنی پنهان بااعداء موافقت کرده ایم بازسفر تخلف نموده ایم مارا هیچ باك نیست والله اعلم.

(۳) یعنی فتح یا شهادت.

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ
بِهَافِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ
﴿٥٥﴾ وَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ
قَوْمٌ يَفْقَهُونَ ﴿٥٦﴾ لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَغْرَتٍ أَوْ مَدَّخَلًا
لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ ﴿٥٧﴾ وَمِنْهُمْ مَن يَلْمِزُكَ فِي
الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا
هُمْ يَسْخَطُونَ ﴿٥٨﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ
وَقَالُوا احْسَبْنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ
إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ ﴿٥٩﴾ إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ
وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ
وَالْغَرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ
مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦٠﴾ وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ
النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَذُنُّ قُلٍّ أَذُنُ خَيْرٍ لَّكُمْ يَوْمُنُ
بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا
مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦١﴾



﴿۵۵﴾ پس تورا مالهای ایشان و نه فرزندان ایشان به شگفت نیارد جزاین نیست که خدا می خواهد که ایشان را به آنها درزندگانی دنیا عذاب کند^(۱) و برآید جانهای ایشان و ایشان کافر باشند. ﴿۵۶﴾ و به خدا سوگند می خورند که ایشان از گروه شما نیستند و ایشان جماعتی هستند که می ترسند. ﴿۵۷﴾ اگر پناهی یا غارها یا جای درآمدن را بیابند هرآئینه به آن شتاب کنان متوجه شوند. ﴿۵۸﴾ و از ایشان کسی هست که تورا در تقسیم صدقات عیب می کند پس اگر ایشان را از آن داده شود خوشنود شوند و اگر از آن داده نشوند از آن ناگهان ایشان خشم می گیرند. ﴿۵۹﴾ و اگر ایشان رضامند می شدند به آنچه ایشان را خدا و رسول او داده است و می گفتند ما را خدا بس است، ما را خدا از فضل خود و رسول او خواهد داد هرآئینه ما به سوی خدا توقع دارندگانیم (این بهتر می بود). ﴿۶۰﴾ جزاین نیست که صدقه ها برای فقیران است و بی نوایان و کارکنان بر جمع صدقات و آنانکه الفت داده می شود دلهای ایشان را^(۲) و برای خرج کردن در آزادی برده ها و برای وام داران و برای خرج کردن در راه خدا^(۳) و برای مسافران است حکم از نزد خدا ثابت شده است و خدا دانای درست کار است. ﴿۶۱﴾ و از ایشان آنانند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند وی خوش باور است^(۴) بگو وی خوش باور نیکوست برای شما گفته خدا را باور می کند و مشورت مسلمانان را قبول می کند و برای اهل ایمان از شما رحمت است و آنانکه پیامبر خدا را ایذا می رسانند برای ایشان عذاب دردناک است.

(۱) یعنی مشقت جمع مال و حفظ اولاد و تأسف بر آنچه فوت شود والله اعلم.

(۲) یعنی ضعیف الإسلام.

(۳) یعنی جهاد.

(۴) یعنی هر چه کسی جوید قبول می کند.

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ
 أَنْ يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ وَمَنْ
 يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا
 ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ ﴿٦٣﴾ يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ
 تُنْزَلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزُّوا
 إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ ﴿٦٤﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ
 لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ
 وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ ﴿٦٥﴾ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ
 بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ تَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً
 بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿٦٦﴾ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ
 بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ
 عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ
 إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٦٧﴾ وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ
 وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ
 حَسْبُهُمْ وَلَعْنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٦٨﴾

﴿۶۲﴾ به خدا برای شما سو گند می خورند تا شما را رضامندکنند و خدا و رسول او سزاوار ترند به آنکه او را رضامند سازند اگر مسلمانند. ﴿۶۳﴾ آیند انستند که هر که با خدا و رسول او خلاف کند پس هر آئینه او را آتش دوزخ است جاویدان آنجا این رسوایی بزرگ است. ﴿۶۴﴾ منافقان می ترسند از آنکه بر مسلمانان سوره ای فرود آورده شود که ایشان را خبر دهد به آنچه در دل های منافقان است بگو مسخره کنید هر آئینه خدا پدید آورده است چیزی را که می ترسید. ﴿۶۵﴾ و اگر ایشان را سوال کنی گویند جزاین نیست که ما شوخی می نمودیم و بازی می کردیم بگو آیابه خدا و آیه های او و پیامبر او تمسخر می کردید. ﴿۶۶﴾ عذر نیارید هر آئینه شما بعد از ایمان خود کافر شدید^(۱) اگر از گروهی از شما در گذریم البته گروهی را عذاب میدهیم به سبب آنکه ایشان گنهکار بودند. ﴿۶۷﴾ مردان منافق و زنان منافق بعضی از ایشان از جنس بعضی دیگرند می فرمایند به کار ناپسندیده و از کار پسندیده منع می کنند و دستهای خود را می بندند خدا را فراموش کردند پس خدا ایشان را فراموش کرد هر آئینه منافقان همان فاسقانند. ﴿۶۸﴾ خدا مردان منافق و زنان منافق را و کافران را آتش دوزخ وعده داده است همیشه در آن باشندگانند، دوزخ ایشانرا بس است و خدا ایشان را لعنت کرد و برای ایشان عذاب دایم است.

(۱) یعنی بعد ایمان به زبان خود.

كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَكَثَرُوا مَالًا
وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ
كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ
كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حِطَّتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٦٩﴾ الْمَيَّاتِ
نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ
إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمُ رُسُلُهُمْ
بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا
أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٧٠﴾ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ
أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ
وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ
﴿٧١﴾ وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ
وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٧٢﴾

﴿ ۶۹ ﴾ مانند آنانکه پیش از شما بودند از شما زیاده تر در قوت و بیشتر در اموال و اولاد بودند پس به بهره خویش بهره مند شدند^(۱) پس شما نیز به بهره خویش بهره مند شدید چنانکه آنانکه پیش از شما بودند به بهره خویش بهره مند شدند در (باطل) فرو رفتید همانند کسانی که در (باطل) فرو رفتند آن جماعت عمل های ایشان در دنیا و آخرت نابود شد و آن جماعت ایشان زیان کاران اند. ﴿ ۷۰ ﴾ آیا به ایشان خبر آنکه پیش از ایشان بودند نرسیده است قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اهل مدین و اهل موفکات به ایشان پیامبران ایشان به نشانه های روشن آمدند پس هرگز نشد که خدا برایشان ظلم کند ولیکن ایشان بر خویشتن ظلم میکردند. ﴿ ۷۱ ﴾ و مردان مسلمان و زنان مسلمان بعضی ایشان دوستان بعضی اند به کار پسندیده می فرمایند و از کار ناپسندیده منع می کنند و نماز را برپا می دارند و زکوة را می دهند و خدا و رسول او را فرمانبرداری می کنند این جماعت خدا برایشان رحم خواهد کرد هر آئینه خدا غالب درست کار است. ﴿ ۷۲ ﴾ و خدا مردان مسلمان و زنان مسلمان را وعده کرده است بوستانهایی که زیر آنها جویها می رود همیشه آنجا باشند گانند و جایهای پاکیزه در بهشت های جاویدان و خوشنودی خدا از همه بزرگ تر است این پیروزی بزرگ است.

(۱) یعنی ازدنیا.

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ جِهْدَ الْكُفَّارِ وَالْمُنَافِقِينَ وَأَغْلَظَ عَلَيْهِمْ
وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَبَيْتِ الْمَصِيرِ ﴿٧٣﴾ يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا
وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهُمْ
بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ
مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبْهُمْ
اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ
مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٧٤﴾ * وَمِنْهُمْ مَن عَاهَدَ اللَّهُ لَيْنَءَاتِنَا
مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَ مِنَ الصَّالِحِينَ
﴿٧٥﴾ فَلَمَّآ أَتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ
مُعْرِضُونَ ﴿٧٦﴾ فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ
بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿٧٧﴾
أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ
عَلَّمُ الْغُيُوبِ ﴿٧٨﴾ الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ
فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٩﴾



﴿۷۳﴾ ای پیامبر باکافران جهاد کن^(۱) و بامنافان جهاد کن^(۲) و برایشان درستی کن و جایگاهشان دوزخ است و وی بدجایی است. ﴿۷۴﴾ سوگند می‌خورند به خدا که نگفته اند و هر آئینه سخن کفر گفته اند و پس از اسلامشان کافر شده اند و قصد کردند آنچه نیافتند^(۳) و انکار نکردند مگر آنکه ایشان را خدا و رسول او از فضل خود توانگر ساخت^(۴) پس اگر توبه کنند ایشان را بهتر باشد و اگر رویگردان شوند خدا ایشان را به عذاب بسیار دردناکی در دنیا و آخرت عذاب کند و ایشان را در زمین هیچ کارساز و نه هیچ یاری دهنده ای نیست. ﴿۷۵﴾ و از ایشان کسی هست که با خدا عهد بسته است البته اگر بدهد ما را از فضل خود هر آئینه صدقه دهیم و البته از نیکوکاران باشیم. ﴿۷۶﴾ پس وقتی که ایشان را از فضل خود بداد بخیلی کردند به آن و اعراض کنان سرپیچی کردند. ﴿۷۷﴾ پس خدای تعالی نفاق را در عاقبت دردلهای ایشان قرار داد تا روزی که با وی ملاقات کنند به شومی آنکه با خدا خلاف کردند آنچه راکه با وی وعده کرده بودند و به شومی آنکه دروغ می‌گفتند. ﴿۷۸﴾ آیاندانسته اند که خدا سخن پنهان ایشان و رازگفتن ایشان را می‌داند و آنکه خدا داننده غیب‌ها است. ﴿۷۹﴾ آنانکه از مسلمانان در صدقات رغبت کنندگان را عیب می‌گیرند و آنان را که نمی‌یابند مگر مشقت خود را^(۵) عیب می‌گیرند پس به ایشان تمسخر می‌کنند خدایه آن تمسخر کنندگان تمسخر کرد و ایشان را عذابی دردناک است.

(۱) یعنی به سیف و شمشیر.

(۲) یعنی به زبان.

(۳) یعنی ایدای پیامبر.

(۴) و این نوعی از تحکم است والله اعلم.

(۵) یعنی به مزدوری چیزی پیدامیکنند و صدقه میدهند.

أَسْتَغْفِرُ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرَ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً
 فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
 وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٨٠﴾ فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ
 خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا
 لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ﴿٨١﴾ فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً
 بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٢﴾ فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ
 مِنْهُمْ فَاسْتَعِذْ نُوْكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ
 تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا
 مَعَ الْخَالِفِينَ ﴿٨٣﴾ وَلَا تَصِلْ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ
 عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ
 ﴿٨٤﴾ وَلَا تَعْجَبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ
 بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿٨٥﴾ وَإِذَا
 أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَعِذْكَ
 أُولُوا الطَّلُوفِ مِنْهُمْ وَقَالُوا زَنَانًا كُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ ﴿٨٦﴾

﴿۸۰﴾ آمرزش بخواهی برای ایشان یا آمرزش نخواهی برای ایشان (برابر است) ^(۱) اگر آمرزش خواهی برای ایشان هفتاد بار هرگز خدا ایشان را نیامرزد این به سبب آنست که ایشان به خدا و رسول او کافر شدند و خدا گروه فاسقان را راه نمی نماید. ﴿۸۱﴾ پس گذاشته شدگان به نشستن خویش برخلاف پیامبر خدا شادمان شدند و ناپسند کردند که به اموال خویش و به جانهای خویش در راه خدا جهاد کنند و گفتند بایکدیگر در گرمی بیرون نروید بگوآتش دوزخ سوزان تراست اگر درمی یافتند (چنین نمی کردند). ﴿۸۲﴾ پس باید که اندکی بخندند و بسیار بگیرند سزای آنچه می کردند ^(۲). ﴿۸۳﴾ پس اگر خدای تعالی به سوی گروهی از ایشان تورا باز آورد پس از تو برای بیرون آمدن اجازه خواهند ^(۳) بگو بامن هرگز بیرون نخواهید آمد و همراه من باهیچ دشمنی جنگ نخواهید کرد هرآینه شما به نشستن بار اول رضامند شدید پس با پس ماندگان بنشینید. ﴿۸۴﴾ و (یا محمد) برهیچ یکی از ایشان که بمیرد هرگز نماز مگزار! و برگورش مایست هرآینه ایشان به خدا و رسول او کافر شدند و در حال نافرمانی مردند. ﴿۸۵﴾ و تورا اموال ایشان و نه فرزندان ایشان به شگفت نیاورد جز این نیست که خدا می خواهد که ایشان را به آن در دنیا عذاب کند و روح هایشان بیرون شود در حالیکه ایشان کافر باشند. ﴿۸۶﴾ و چون سوره ای به این مضمون که ایمان آورید به خدا و همراه رسول او جهاد کنید فرود آورده شود توانمندانشان از تو اجازه خواهند و گویند بگذار ما را تا باخانه نشینان باشیم.

(۱) یعنی هر دو صورت یکسان است.

(۲) مترجم گوید مراد خبرست به آنکه در دنیا خواهند خندید و در آخرت خواهند گریست.

(۳) یعنی برای احراز غنائم.

رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ
 لَا يَفْقَهُونَ ﴿٨٧﴾ لَكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ
 وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٨٨﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي
 مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٨٩﴾
 وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ
 كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ
 أَلِيمٌ ﴿٩٠﴾ لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ
 لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ
 مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٩١﴾
 وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ
 مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيَيْنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ
 حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يَنْفِقُونَ ﴿٩٢﴾ * إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى
 الَّذِينَ يَسْتَعِذُّونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَن يَكُونُوا
 مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

﴿۸۷﴾ راضی شدند به آنکه با زنانِ پس مانده باشند و بردل‌های ایشان مهرنهاد شد پس ایشان نمی فهمند. ﴿۸۸﴾ لیکن پیامبر و آنانکه با او ایمان آوردند به اموال خود و جان‌های خود جهاد کردند و این جماعت برای ایشان نیکی‌ها است و این جماعت ایشان رستگاران اند. ﴿۸۹﴾ خدا برای ایشان بوستانهایی که می‌رود زیر آنها جویها آماده ساخته است جاویدان در آنجا این پیروزی بزرگ است. ﴿۹۰﴾ و اهلِ عذر از صحرا نشینان آمدند تا ایشان را اجازه داده شود و آنانکه با خدا و رسول او دروغ گفتند (یعنی در اظهار اسلام) (بدون هیچ عذری در خانه خود) نشستند به زودی به کافران از ایشان عذابی دردناک خواهد رسید. ﴿۹۱﴾ بر ناتوان و نه بر بیماران و نه بر آنانکه نمی‌یابند آنچه را که خرج کنند هیچ گناهی نیست چون با خدا و رسول او نیک خواهی کنند بر نیکوکاران هیچ راه سرزنش نیست و خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۹۲﴾ و نه بر آنانکه چون بیابند پیش تو تا سواری دهی ایشان را گویی آنچه شما را بر آن سوار کنم نمی‌یابم باز گردند در حالیکه چشم‌های ایشان به جهت اندوه از آنکه نمی‌یابند آنچه خرج کنند سرشارشک است. ﴿۹۳﴾ جز این نیست که راه سرزنش فقط بر آنان است که از تو اجازه می‌خواهند در حالیکه ایشان توانگرانند راضی شدند به آنکه با زنانِ پس مانده باشند و خدا بردل‌های ایشان مُهر نهاد پس ایشان نمی فهمند.

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا
لَنْ تُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى
اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ يُنْزِلُكُمْ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٤﴾ سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ
لَكُمْ إِذَا أُنْقِلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لَتُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا
عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رَجِسٌ وَمَآؤُهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا
يَكْسِبُونَ ﴿٩٥﴾ يَحْلِفُونَ لَكُمْ لَتَرْضُوا عَنْهُمْ فَإِنْ
تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ
﴿٩٦﴾ الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ
مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٩٧﴾ وَمَنْ
أَلْعَرَابٍ مِنْ يَتَّخِذُ مَا يَنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمْ
الدَّوَابِرَ عَلَيْهِنَّ دَايِرَةٌ أَسْوَأُ مِنَ الْإِسْوَاءِ ۖ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٩٨﴾ وَمَنْ
أَلْعَرَابٍ مِنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يَنْفِقُ
قُرْبَةً عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَاتٍ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ
سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٩٩﴾

﴿۹۴﴾ پیش شما عذرخواهی کنند چون به سوی ایشان بازآید بگو عذرخواهی مکنید سخن شما را باور نکنیم به راستی خدا ما را به بعض خبرهای شما آگاه ساخته است و خدا و رسول او عمل شما را خواهد دید (یعنی دردنیا) سپس به سوی داننده پنهان و آشکار بازگردانیده شوید پس شما را از (حقیقت) آنچه میکردید خبر میدهد. ﴿۹۵﴾ به خدا سوگند خواهند خورد پیش شما چون به سوی ایشان بازآید تا از ایشان رویگردانید پس شما از ایشان روی بگردانید هر آئینه ایشان پلیداند و جای ایشان دوزخ است به کیفر آنچه میکردند. ﴿۹۶﴾ سوگند میخورند برای شما تا از ایشان رضامند شوید پس اگر از ایشان رضامند شوید پس هر آئینه (بدانید) که خدا از گروه فاسقان رضامند نمی شود. ﴿۹۷﴾ صحرائشینان در کفو و نفاق سخت تراند^(۱) و سزاوارترند به آنکه احکام شریعتی را که نازل کرده است خدا بر پیامبر خود ندانند و خدا دانای درست کار است. ﴿۹۸﴾ و از صحرائشینان کسی هست که تاوان می شمارد چیزی را که خرج می کند و در حق شما مصائب را انتظار می کشد برایشان باد مصیبت بد و خدا شنوای داناست. ﴿۹۹﴾ و از اعراب کسی هست که به خدا و روز آخر ایمان می آورد و چیزی را که خرج می کند (مایه) قربت نزد خدا می شمارد و وسیله دعای نیک پیامبر، آگاه باش هر آئینه وی ایشان را قریبست ایشان را خدا در رحمت خود داخل خواهد کرد بی گمان خدا آمرزنده مهربان است.

(۱) یعنی به نسبت اهل شهر.

وَالسَّيْفُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ
 اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَنٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ
 لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا
 ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٠٠﴾ وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ
 مُنْفِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ
 نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يَرُدُّونَ إِلَىٰ عَذَابِ
 عَظِيمٍ ﴿١٠١﴾ وَآخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا
 وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَىٰ اللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
 ﴿١٠٢﴾ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ
 إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٣﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ
 اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ
 اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾ وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَىٰ اللَّهُ عَمَلَكُمْ
 وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
 فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٥﴾ وَآخَرُونَ مُرْجُونَ لَأَمْرِ اللَّهِ
 إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٠٦﴾

﴿۱۰۰﴾ و سبقت کنندگان نخستین از مهاجران و انصار و آنانکه پیروی ایشان به نیکوکاری کردند خدا از ایشان خوشنود شد و ایشان (نیز) از وی خوشنود شدند و برای ایشان بوستانهایی که زیر آنها جویها می‌رود آماده ساخت جاویدان در آنجا همیشه، این پیروزی بزرگ است.

﴿۱۰۱﴾ و از آنانکه دور و بر شما یاند از اعراب منافقانند و بعضی از اهل مدینه خوی نفاق دارند تو ایشان را نمی دانی ما ایشان را میدانیم ایشانرا دوبار عذاب خواهیم داد^(۱) سپس به سوی عذاب بزرگ بازگردانیده شوند. ﴿۱۰۲﴾ و دیگرانی هستند که به گناهشان اقرار کردند آمیخته اند عمل نیک را با عمل دیگر که بدست، نزدیک است که خدا به رحمت برایشان متوجه شود هر آئینه خدا آمرزنده مهربانست. ﴿۱۰۳﴾ از اموال ایشان زکوة را بگیر تا ایشان را پاك سازی و ایشان را به آن با برکت کنی و برای ایشان دعای خیر کن هر آئینه دعای تو برای ایشان سبب آرامش است و خدا شنوای داناست. ﴿۱۰۴﴾ آیا ندانسته اند که خدا اوست که از بندگان خود توبه قبول می کند و صدقات را میگیرد و آنکه خدا اوست توبه پذیرنده مهربان. ﴿۱۰۵﴾ و بگو عمل کنید پس زود خدا و رسول او و مومنان عمل شما را خواهد دید و به سوی داننده پنهان و آشکار زود بازگردانیده خواهید شد پس شما را به آنچه می کردید خبر میدهد. ﴿۱۰۶﴾ و دیگرانی هستند که وا گذاشته موقوف داشته شده به فرمان خدایند یا که ایشان را عذاب دهد یا به رحمت متوجه شود برایشان و خدا دانای درست کار است.

(۱) یعنی در میان مسلمانان ذلیل شوند و در اموال و اولاد آفات بینند.

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ
 الْمُؤْمِنِينَ وَإِصْرَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ
 وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ
 لَكَاذِبُونَ ﴿١٠٧﴾ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدَ أُسَسَّ عَلَى التَّقْوَىٰ
 مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ
 يَتَّخِذُوا اللَّهَ وَحُجَّتَهُ الْمُطَهَّرِينَ ﴿١٠٨﴾ أَفَمَنْ أَسَسَ بُيْنَتَهُ
 عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَسَ بُيْنَتَهُ
 عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارُ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
 الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٩﴾ لَا يَزَالُ بُنِيَ لَهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً
 فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ
 ﴿١١٠﴾ * إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ
 بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ
 وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ
 وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا
 بِبَيْعِكُمْ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١١١﴾

﴿۱۰۷﴾ وازایشان آنانند که ساخته اند مسجدی برای زیان رسانیدن و به جهت کفر و برای تفرقه افکندن میان مسلمانان و کمین گاه ساختن برای آنانکه با خدا و رسول او پیش ازین جنگ کرده اند و البته سوگند می خورند که مگر خصلت نیک را نخواسته ایم و خدا گواهی میدهد که ایشان دروغگویانند^(۱). ﴿۱۰۸﴾ هرگز در آنجا مایست، هر آئینه مسجدی که بنیاد نهاده شده است بر نیت تقوی از روزاَوّل بهترست که در آن بایستی، آنجامردانی اند که دوست میدارند که پاك شوند و خدا پاك شوندگان را دوست میدارد. ﴿۱۰۹﴾ آیا کسی که عمارت خود را بر ترس از خدا و خوشنودی او بنیاد نهاد بهترست یا آنکه بنیاد نهاده است عمارت خود را بر کناره زمین رود خورده در حال افتادن پس با صاحب خود در آتش دوزخ افتاد و خدا گروه ستمکاران را راه نمی نماید^(۲). ﴿۱۱۰﴾ همیشه عمارت ایشان که بنا کرده اند^(۳) سبب شك در دلهای ایشان باشد مگر آنکه دلهای ایشان پاره پاره شود و خدا دانای درست کار است. ﴿۱۱۱﴾ هر آئینه خدا از مسلمانان جانهای ایشان و مالهای ایشان را خریده است به عوض آنکه ایشان را بهشت باشد، در راه خدا جنگ می کنند پس می کشند و کشته می شوند بر خدا وعده لازم است ثابت در تورات و انجیل و قرآن و کیست به عهد خویش از خدا وفا کننده تر پس شادمان باشید به آن فروختن خود که به آن معامله کردید و این پیروزی بزرگ است.

(۱) مترجم گوید جماعتی از منافقان مسجدی ساخته بودند به نیت فاسد تاتفریق بین مسلمین و کمینگاه کافران باشد خدای تعالی به هدم آن امر فرمود والله اعلم.

(۲) عمارت ساختن بر اساس تقوی کنایت است از اخلاص در اعمال و عمارت ساختن بر کناره رود خورده کنایت از ریاء و عجب در اعمال والله اعلم.

(۳) یعنی مسجد ضرار.

التَّائِبُونَ الْعِلْدُونَ الْحَامِدُونَ السَّاعِجُونَ
 الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
 وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ
 وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٢﴾ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا
 أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ
 مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١١٣﴾ وَمَا
 كَانَ أَسْتَغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا
 إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ
 لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ ﴿١١٤﴾ وَمَا كَانِ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ
 هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ
 عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾ إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي
 وَيُمِيتُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١١٦﴾
 لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ
 اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ
 فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١١٧﴾

﴿۱۱۲﴾ ایشان توبه کنندگانند، عبادت کنندگانند، حمد گویندگانند، در راه خدا، سفر کنندگانند رکوع و سجده کنندگانند، امر کنندگانند به کار پسندیده و منع کنندگانند از ناپسندیده و احکام خدا را نگاه دارندگانند و مسلمانان را مژده ده. ﴿۱۱۳﴾ پیامبر را و نه مسلمانان را روا بُود که برای مشرکان طلب آمرزش کنند اگر چه خویشاوند باشند بعد از آنکه ظاهر شد برایشان که آن گروه اهل دوزخ اند. ﴿۱۱۴﴾ و طلب آمرزش ابراهیم برای پدر خود نبود مگر به خاطر وعده ای که با وی کرده بود پس چون روشن شد برای ابراهیم که وی دشمن خداست از وی بیزار شد هر آئینه ابراهیم دردمند بُردبار بود. ﴿۱۱۵﴾ و هرگز نیست که خدا گمراه کند قومی را^(۱) بعد از آنکه ایشان را هدایت نموده باشد تا آنکه واضح سازد برایشان آنچه از وی پرهیز کنند هر آئینه خدا بهر چیز داناست^(۲). ﴿۱۱۶﴾ هر آئینه پادشاهی آسمان ها و زمین از آن خداست زنده می کند و می میراند و شما را بجزوی هیچ کار سازی و یاری دهنده ای نیست. ﴿۱۱۷﴾ هر آئینه خدا بر پیامبر و آن مهاجران و انصار که پیروی وی کردند در وقت تنگ دستی بعد از آنکه نزدیک بود که منحرف شود دل های گروهی از ایشان به رحمت متوجه شد باز برایشان به رحمت متوجه شد هر آئینه وی برایشان بخشاینده^{*} مهربان است.

(۱) یعنی در حساب گمراهان نمی شمارد قومی را.

(۲) یعنی تا پیامبر نیاید تبلیغ نکند معذورانند فتح.

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ
بِمَارْحَبٍ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ
مِّنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ ﴿١١٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ
الصَّادِقِينَ ﴿١١٩﴾ مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَن حَوْلَهُم
مِّنَ الْأَعْرَابِ أَن يَتَخَلَّفُوا عَن رَّسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا
بِأَنْفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ
وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا
يَغِيطُ الْكَفَّارُ وَلَا يَنَالُونَ مَن عَدُوٍّ تِيْلًا إِلَّا كُتِبَ
لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ
﴿١٢٠﴾ وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ
وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُم لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ ﴿١٢١﴾ * وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً
فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ
وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴿١٢٢﴾

﴿۱۱۸﴾ و بر آن سه^(*) کس که موقوف داشته شدند تا آنکه برایشان زمین باوجود فراخی آن تنگ شد و برایشان جانهای ایشان تنگ شد و دانستند که پناهی از خدا مگر به سوی او نیست باز خدا برایشان به رحمت متوجه شد تا ایشان رجوع کنند^(۱) هر آینه خدا توبه پذیرنده^۱ مهربانست. ﴿۱۱۹﴾ ای مسلمانان از خدا بترسید و باراست گویان باشید. ﴿۱۲۰﴾ اهل مدینه را و آنرا که دوروبر ایشانند از اعراب لایق بُود که از همراهی رسول خدا رغبت کنند باز پس مانند ونه آنکه در حفظ خویش رویگردانی کرده از ذات رسول خدا این به سبب آنست که نمی رسد به ایشان تشنگی ونه رنج ونه گرسنگی در راه خدا و ننهند گامی بر جایی که کافران را به خشم آورد و به دست نمی آورند از دشمن هیچ دست آوردی مگر برای ایشان نوشته شود به سبب آن عمل صالح هر آینه خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند. ﴿۱۲۱﴾ و خرج نمی کنند هیچ خرجی چه اندک و چه بسیار، و طی نمی کنند هیچ میدانی را مگر برای ایشان عمل صالح نوشته شود تا خدا ایشان را پاداش دهد پاداش نیکوترین آنچه می کردند. ﴿۱۲۲﴾ و مومنان را نشاید که^(۲) همه يك جا برآیند پس چرا از هر جمعی از ایشان چند کس بیرون نباید تا در دین دانشمند شوند و تا قوم خود را چون به سوی ایشان باز آیند بیم دهند بُود که ایشان بترسند^(۳).

(*) و آن سه کس کعب بن مالک و هلال بن امیه و مراره بن ربیع رضی الله عنهم بودند قصه^۱ تفصیلیشان در صحیح بخاری مذکور است به سوره توبه در کتاب تفسیر تحت آیه مذکوره مراجعه شود، مصحح.

(۱) یعنی به مقام قریب.

(۲) یعنی به طلب علم.

(۳) یعنی طلب علم دین فرض کفایه است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ
وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غُلَظَةً وَعَلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ
﴿١١٣﴾ وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ
هَذِهِ ءِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ
يَسْتَبْشِرُونَ ﴿١١٤﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ
رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿١١٥﴾ أَوَلَا
يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ
ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿١١٦﴾ وَإِذَا مَا
أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ هَلْ يَرِيكُمْ
مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ أَنصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ
لَّا يَفْقَهُونَ ﴿١١٧﴾ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ
عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ
رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١١٨﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿١١٩﴾

سُورَةُ التَّوْبَةِ

﴿۱۲۳﴾ ای مسلمانان با آنکه نزدیک شمايند از کافران جنگ کنید و بايد که کافران در شما درشتی را ببند و بدانيد که خدا بامتقيان است. ﴿۱۲۴﴾ و چون سوره ای فرود آورده شود پس از منافقان کسی هست که می گوید در حق کدام يك از شما اين سوره ايمان را افزوده است اما اهل ايمان پس به تحقيق در حق ايشان ايمان را افزوده است و ايشان شادمان می شوند. ﴿۱۲۵﴾ و اما آنکه در دلهاي ايشان بيماريست پس در حق ايشان پليدي را همراه پليدي ايشان افزوده است و مُردند در حالیکه ايشان کافر بودند. ﴿۱۲۶﴾ آيا نمی بينند که ايشان در هر سال يك بار يا دوبار سزا داده می شوند^(۱) باز توبه نمی کنند و نه ايشان پند می گیرند. ﴿۱۲۷﴾ و چون سوره ای فرود آورده شود^(۲) بعض ايشان به بعضی با شرمندگی نظر کنند و گويد آيا هيچ کس شمارا می بيند؟ پس باز گردند^(۳)، خدا دلهاي ايشان را به سبب آنکه ايشان گروهی هستند که نمی دانند باز گردانیده است. ﴿۱۲۸﴾ ای مسلمانان به تحقيق به شما پيامبری از خودتان آمده است دشوار است بروی رنج شما بر هدايت شما حريص است به مسلمانان بخشاينده مهربان است. ﴿۱۲۹﴾ پس اگر باز گردند بگو مرا خدا پس است، هيچ معبود بر حقى به جزوى نيست، بروى توکل کردم و او خداوندِ عرش بزرگ است^(۴).

(۱) يعنى با امراض و مصائب.

(۲) يعنى سوره ای که دروى بيان نفاق ايشان باشد.

(۳) يعنى به خانه هاى خود.

(۴) يعنى چنانکه قادرست عرش را نگاه می دارد و ترا نيز از شر کافران و منافقان نگاه می دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ۝١ أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا
 أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ
 ءَامَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِندَ رَبِّهِمْ ۚ قَالَ الْكَافِرُونَ
 إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ ۝٢ إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۚ يُدِيرُ الْأَمْرَ ۚ
 مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا أَمِنْهُ بَعْدَ إِذْ يَهُدَىٰ ذِكُّكُمْ ۚ إِنَّ رَبَّكُمْ لَعَبْدُوهٗ
 أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝٣ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا إِنَّهُ
 يَبْدُوُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَلِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ
 وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ۝٤ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ
 ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ
 وَالْحِسَابَ ۚ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ
 لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝٥ إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ
 اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ ۝٦

سوره یونس مکی است و آن یک صد
و نه آیه و یازده رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ اَلرَّ، این آیه های کتاب با حکمت است. ﴿۲﴾ آیا برای مردمان (جای) شگفتی است که به سوی مردی از ایشان وحی فرستادیم که مردمان را بترسان و مسلمانان را بشارت ده به آنکه ایشان نزد پروردگارشان پیشینه راستین دارند، گفتند کافران هر آئینه این شخص جادوگر آشکار است. ﴿۳﴾ هر آئینه پروردگار شما خدایی است که آسمان ها و زمین را درشش روز آفرید باز بر عرش مستقر شد کار را تدبیر می کند هیچ شفاعت کننده مگر بعد از دستور وی نیست، این است خدا پروردگار شما پس او را پرستید آیا پند نمی گیرید؟ ﴿۴﴾ رجوع همگی شما به سوی اوست وعده کرده است خدا وعده درست، هر آئینه وی آفرینش را آغاز می کند باز دوباره آنها را برگرداند تا آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند به انصاف پاداش دهد و آنانکه کافر شدند برایشان آشامیدنی از آب گرم، و عذابی دردناک است به سبب آنکه کافر بودند. ﴿۵﴾ او آنست که خورشید را درخشنده و ماه را روشن ساخت و برای ماه منزل هارامعین کرد تا شمار سالها را بدانید و تا حساب را بدانید خدای تعالی این را نیافریده است مگر به تدبیر درست نشانه ها را برای گروهی که میدانند بیان می کند. ﴿۶﴾ هر آئینه درآمد و رفت شب و روز و در آنچه آفریده است خدا در آسمان ها و زمین نشانه ها است برای گروهی که پرهیزگاری می کنند.

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَ نَاوَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا
 بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ ﴿٧﴾ أُولَٰئِكَ مَا لَهُمْ
 النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهِمُ
 الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٩﴾ دَعَوْهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ
 اللَّهُمَّ وَتَحِيَّاتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَءَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ
 لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠﴾ وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ
 اسْتَعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ فَنَذَرُ الَّذِينَ
 لَا يَرْجُونَ لِقَاءَ نَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١١﴾ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ
 الضُّرُّ دَعَا إِلَىٰ جَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا
 عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّكَانَ لَمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ وَكَذَٰلِكَ زَيْنَ
 لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ
 مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا تَظَلَّمُوا أَوَّاهًا وَهُمْ رَسُولُهُم بِالْبَيْتَاتِ وَمَا كَانُوا
 لِيُؤْمِنُوا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٣﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ
 خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾



﴿۷﴾ هرآئینه آنانکه امید ملاقات ما را ندارند و به زندگانی دنیا خوشنود شده اند و به آن آرام گرفته اند و آنانکه از نشانه های ما بی خبراند. ﴿۸﴾ این جماعت جایگاهشان آتش است به سبب آنچه عمل می کردند. ﴿۹﴾ هرآئینه آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند ایشان را پروردگار ایشان به پاداش ایمان ایشان (یعنی به مقامات نجات) هدایت کند، از زیر ایشان جویهادریوستانهای ناز و نعمت میرود. ﴿۱۰﴾ دعای ایشان در آنجا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ باشد یعنی پاکی تو راست بارِ خدایا و دعای خیر ایشان بایکدیگر سلام بُود و پایان دعای ایشان این است که حمد مخصوص خداست پرودگار جهانیان. ﴿۱۱﴾ و اگر خدای تعالی به مردمان سختی را زود می رسانید مانند آنکه نعمت را زود می طلبند در حق ایشان اجل ایشان به انجام رسانیده می شد پس می گذاریم آنان را که امید ملاقات ما را ندارند در بیراهی خویش سرگردان شده بمانند. ﴿۱۲﴾ و چون به آدمی رنج برسد دعا کند ببارگاه ما خفته برپهلوی خود یا نشسته یا ایستاده پس آنگاه که از وی رنج وی را برداشتیم چنان بگذرد که گویی ما را بدفع کردن رنجی که رسیدش نخوانده بود هم چنین آراسته کرده شد از حد گذرندگان را آنچه می کردند. ﴿۱۳﴾ و هرآئینه اهل قرن ها را پیش از شما هلاک کرده ایم چون ستم کردند در حالیکه برایشان پیامبران ایشان بانسانه های روشن آمدند و هرگز آماده آن نبودند که ایمان آورند هم چنین گروه گناه کاران را سزا می دهیم. ﴿۱۴﴾ باز شمارا در زمین پس از ایشان جانشین قرار دادیم تا ببینیم چگونه کار می کنید.

وَإِذْ أَتَى عَلَىهِمْ ءَايَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ
لِقَاءَنَا أَنْتَ بَقَرَةٌ إِنْ غَيْرَ هَذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ
لِي أَنْ أَبَدِلَهُ مِنْ تِلْقَائِي نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ
إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥﴾ قُلْ
لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ
فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ ءَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٦﴾
فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ
إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الْمَجْرُمُونَ ﴿١٧﴾ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ
مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعُونَا
عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَدْعُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا
فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٨﴾ وَمَا
كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَفَوْا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ
سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ
﴿١٩﴾ وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا
الْغَيْبُ لِلَّهِ فَاتَّبِعُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿٢٠﴾

﴿۱۵﴾ و چون برایشان آیات واضح ما خوانده شود گویند آنانکه امید ملاقات ما را ندارند قرآنی غیر از این بیار یا او را تغییر ده^(۱) بگو مرار و بُود که آن را از جانب خود تبدیل کنم پیروی نمی کنم مگر آنچه را که به سوی من وحی فرستاده شد هر آئینه من اگر نافرمانی پروردگار خود کنم از عذاب روز بزرگ می ترسم. ﴿۱۶﴾ بگو اگر خدا می خواست آن را بر شما نمی خواندم و خدا شما را به آن خبردار نمی کرد هر آئینه پیش از این در میان شما عمری گذرانده ام آیا در نمی یابید. ﴿۱۷﴾ پس کیست ستمکارتر از کسی که برخدا دروغ را بر بندد یا آیات وی را دروغ انگارد هر آئینه (سخن اینست که) گناهکاران رستگار نمی شوند. ﴿۱۸﴾ و می پرستند غیر از خدا چیزی را که ایشان را ضرر ندهد و نه به ایشان سود رساند و می گویند ایشان نزد خدا شفاعت کنندگان ماهستند بگو آیا خدا را آگاه می کنید به آنچه در آسمان ها و زمین نمی داند، پاکی وی راست و برتر است از آنکه شریک مقرر می کنند. ﴿۱۹﴾ و بُودند مردمان مگر یک امت^(۲) پس اختلاف کردند^(۳) و اگر نمی بود کلمه ای که سابق از پروردگار تو صادر شده است میان ایشان در آنچه در او اختلاف می ورزیدند فیصله کرده می شد. ﴿۲۰﴾ و می گویند چرا برای پیامبر نشانه ای از پروردگار وی فرو فرستاده نشده است بگو جز این نیست که علم غیب فقط مخصوص خداست پس انتظار کنید هر آئینه من باشما از منتظرانم.

(۱) یعنی تا موافق عقاید باطله ایشان باشد.

(۲) یعنی بر توحید و ملت ابراهیمی.

(۳) یعنی به سبب عمرو بن لُحی. که اولین کسی بود که بت پرستی را در عرب به راه انداخت.

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَّسَّتْهُمْ إِذَا لَهُم مَّكْرٌ
 فِيءَايَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِن رُّسُلَنَا يَكْتُوبُونَ مَا تَمْكُرُونَ
 ﴿٢١﴾ هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ
 وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ
 وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ
 دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ
 مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٢٢﴾ فَلَمَّا أَنجَاهَهُمْ إِذَا هُمْ يَبْعُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ
 الْحَقِّ يَأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغَيْكُمُ عَلَى أَنْفُسِكُمْ مَّتَعَ الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٣﴾
 إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أُنْزِلَتْهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ
 بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا
 أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْيَنْتَ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ
 عَلَيْهَا آتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ
 بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾ وَاللَّهُ يَدْعُوا
 إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢٥﴾

﴿۲۱﴾ و چون مردمان را رحمتی پس از سختی که رسیده بود به ایشان بچشانیم ناگهان ایشان را در نشانه های ما بداندیشی باشد^(۱) بگو خدا در تدبیر کردن سریع تراست هر آینه فرستادگان ما آنچه بداندیشی می کنید می نویسند^(۲). ﴿۲۲﴾ اوست آنکه شمارا در خشکی و در دریا روان می کند تا وقتی که چون در کشتی ها باشید و کشتی ها با سواران خود بیادخوش روان شوند و ایشان به آن باموافق شادمان شوند، ناگاه به آن کشتی ها بادی تند برسد و به ایشان موج از هر طرف بیاید و بدانند که از هر جهت گرفتار گشتند دعا کنند ببارگاه خدا برای اوعبادت را خالص کرده که اگر مارا ازین بلا نجات دهی از شکر گزاران باشیم. ﴿۲۳﴾ پس آنگاه که ایشان را نجات داد ناگهان ایشان در زمین به ناحق بیراهی می کنند، ای مردمان جزاین نیست که بیراهی شما زیان بر جان شماست بهره زندگانی دنیا را یافتید، باز به سوی ما بازگشت شماست پس شمارا به آنچه می کردید با خبر سازم. ﴿۲۴﴾ جزاین نیست که مثال زندگانی دنیا مانند آبی است که از آسمان فرود آوردیم پس در هم آمیخت به سبب وی رویدگی زمین از آنچه مردمان و چهار پایان می خوردند تا وقتی که چون به دست آورد زمین پیرایه خود را و آراسته شد و گمان کردند ساکنان آن زمین که ایشان بر ارتفاع از آن توانایند ناگهان به زمین فرمان مادر شب یا در روز بیامد پس آن را مثل زراعت از بیخ بریده گویا نبود دیروز گردانیدیم، همچنین نشانه ها را برای گروهی که اندیشه می کنند بیان می کنیم. ﴿۲۵﴾ و خدا به سوی سرای سلامتی می خواند و هر که را بخواهد به سوی راه راست هدایت می کند.

(۱) یعنی به کفران نعمت.

(۲) مترجم گوید بعد از آن خدای تعالی کیفیت مکر و کفران نعمت را بیان میفرماید والله اعلم.

* لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ
 وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٦﴾ وَالَّذِينَ
 كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُم
 مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ
 مُظْلِمًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٧﴾ وَيَوْمَ نَخَشِرُهُم
 جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاءُكُمْ فَزَيَّلْنَا
 بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاءُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِلَّا نَا تَعْبُدُونَ ﴿٣٨﴾ فَكَفَىٰ بِاللَّهِ
 شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغْفِيلِينَ ﴿٣٩﴾
 هُنَالِكَ تَبْلَوْا كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ
 الْحَقُّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٤٠﴾ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ
 السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ
 الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ
 فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٤١﴾ فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ
 الْحَقُّ فَمَا ذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ ﴿٤٢﴾ كَذَلِكَ
 حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٤٣﴾

﴿۲۶﴾ آنان که نیکوکاری کردند برایشان بهشت و زیاده بر آن باشد^(۱) و چهره های ایشان را هیچ سیاهی نپوشد و نه هیچ خواری این جماعت اهل بهشت اندایشان در آنجا جاودانند.

﴿۲۷﴾ و آنان را که کردار های بد به عمل آوردند، جزای بدی مثل آنتست وایشان را خواری بپوشد، ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده ای نباشد، گویا صورتهای ایشان به پاره هایی از شب تاریک پوشانیده شده است این جماعت اهل آتش اند ایشان در آنجا جاودانند. ﴿۲۸﴾

و از روزیکه همگی ایشانرا یکجا برانگیزیم بترسید بازگوییم مشرکان را برجای خود، شما و شریکانتان بایستید پس میان ایشان جدایی اندازیم و می گویند شریکان ایشان که شما مارا نمی پرستیدید. ﴿۲۹﴾ پس خدا گواه میان ما و میان شما بس است هر آئینه ما از پرستش شما بی خبر بودیم. ﴿۳۰﴾ آنجا هر شخصی آنچه را پیش فرستاده است، در باید به سوی خدامالک حقیقی ایشان گردانیده شوند و گم شد از ایشان آنچه افترا می بستند. ﴿۳۱﴾

بگو چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می دهد، یا کیست که مالک گوش و چشمها باشد^(۲) و کیست که بیرون آورد زنده را از مرده و بیرون آورد مرده را از زنده^(۳) و کیست که کار را تدبیر می کند خواهند گفت آن خدا است پس بگو آیا نمیترسید و پرهیزگار نمیشوید.

﴿۳۲﴾ پس این خدا پروردگار برحق شما است پس چیست بعد از راستی مگر گمراهی پس چگونه بر گردانیده می شوید (از عبادت خدا). ﴿۳۳﴾ هم چنین ثابت شد فرمان پروردگار تو بر فاسقان که ایشان ایمان نمی آورند.

(۱) یعنی رؤیت خدای تعالی.

(۲) یعنی خالق گوش و چشم باشد.

(۳) یعنی حیوان را از نطفه و نطفه را از حیوان.

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَدْعُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ
 الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَفَأَنْتُمْ تُؤْفَكُونَ ﴿٢٤﴾ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي
 إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ
 يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٢٥﴾
 وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا
 إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٢٦﴾ وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ
 مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلُ الْكِتَابِ
 لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٧﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا
 بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
 ﴿٢٨﴾ بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَا تِهِم تَأْوِيلَهُ كَذَلِكَ
 كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿٢٩﴾
 وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ
 بِالْمُفْسِدِينَ ﴿٣٠﴾ وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلٍ وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ
 بَرِيءُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٣١﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ
 يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَسْمَعُ الصَّهْمَ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ ﴿٣٢﴾

﴿۳۴﴾ بگو آیه‌است از شریکان شما کسی که آفرینش را آغاز کند باز دوباره بازگرداندش بگو خدا آفرینش را آغاز می‌کند باز دوباره بازگرداندش پس چگونه برگردانیده می‌شوید (از عبادت خدا). ﴿۳۵﴾ بگو آیه‌است از شریکان شما کسی که به سوی دین حق راه نماید؟ بگو خدا است که به سوی دین حق، راه می‌نماید پس کسی که راه می‌نماید به سوی حق لایق تراست به آنکه پیروی کرده شود یا کسیکه خود راه نمی‌یابد مگر آنکه وی را راه نموده شود پس شمارا چیست؟ چگونه حکم می‌کنید. ﴿۳۶﴾ و بیشتر ایشان مگر گمان را پیروی نمی‌کنند هر آینه گمان از معرفت حق چیزی را کفایت نمی‌کند هر آینه خدا داناست به آنچه می‌کنند. ﴿۳۷﴾ و نسزد که این قرآن از غیر خدا افتراء باشد ولیکن هست باوردارنده آنچه پیش از وی است و بیان شریعتی است که بر مردمان نوشته شد هیچ شبهه ای در آن نیست از پروردگار جهانیان است. ﴿۳۸﴾ آیامی‌گویند آن را افتراء بسته است بگو پس سوره ای مانند آن بیارید و هر که رامی‌توانید غیر از خدا بخوانید اگر راست گو هستید. ﴿۳۹﴾ بلکه آنان چیزی را تکذیب می‌کنند که اصلاً آنرا نمی‌دانند و هنوز مصداق وعده وی نیامده است هم چنین تکذیب کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس بنگر عاقبت ستمکاران چگونه شد. ﴿۴۰﴾ و از ایشان کسی هست که به آن ایمان می‌آورد و از ایشان کسی هست که به آن ایمان نمی‌آورد و پروردگارت به (حال) مفسدان داناتراست. ﴿۴۱﴾ و اگر تو را تکذیب کنند پس بگو مرا عمل من است و شمارا عمل شما است شما بیزارید از آنچه من می‌کنم و من بیزارم از آنچه شما می‌کنید. ﴿۴۲﴾ و از ایشان کسی هست که به سوی تو گوش فرامی‌دهد آیاتو گران را می‌شنوایی اگر چه در نمی‌یابند.

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْى وَلَوْ كَانُوا لَا يَبْصُرُونَ
 ٤٣ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ
 يَظْلِمُونَ ٤٤ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ
 يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا
 مُهْتَدِينَ ٤٥ وَإِنَّمَا نَرِيكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ تَوَفِّيَنَّكَ
 فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ ٤٦ وَلِكُلِّ
 أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ
 لَا يُظْلَمُونَ ٤٧ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ
 ٤٨ قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ
 أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَجِزُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ٤٩
 قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن آتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيِّنَاتًا أَوْ نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ
 الْمُجْرِمُونَ ٥٠ أَتُمِرُّ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ ؕ أَلَمْ تَكُنْ مِن قَبْلِهِ
 تَسْتَعْجِلُونَ ٥١ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ
 هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ٥٢ * وَيَسْتَنْبِئُونَكَ
 أَحَقُّ هُوَ قَوْلِي وَرَبِّي إِنَّهُ وَلِحَقُّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ٥٣

﴿۴۳﴾ واز ایشان کسی هست که به سوی تو می‌نگرد آیا تو کوران را راه می‌نمایی اگر چه نمی‌بینند^(۱). ﴿۴۴﴾ هرآینه خدا بر مردمان هیچ ستم نمی‌کند ولیکن مردمان بر خویشتن ستم می‌کنند. ﴿۴۵﴾ وروزی که خدا ایشانرا برانگیزد گویا که مگر ساعتی از روز درنگ نکرده بودند بایک دیگر شناسا باشند به تحقیق زیان کار شدند آنانکه ملاقات خدا را تکذیب کردند و راه یافتگان نبودند. ﴿۴۶﴾ و اگر تو را بعض آنچه وعده می‌کنیم به ایشان بنماییم یا بمیرانیم تو را (به هر حال) بازگشت ایشان به سوی ما است باز خدا آگاه است بر آنچه می‌کنند. ﴿۴۷﴾ وهرامتی را پیامبری هست پس چون آمد پیامبر ایشان میان ایشان به انصاف فیصله کرده شود و برایشان ستم کرده نشود^(۲). ﴿۴۸﴾ و می‌گویند این وعده کی باشد اگر راست گو هستید. ﴿۴۹﴾ بگو برای خود مالک زبانی نیستم و نه سودی مگر آنچه خدا خواسته است هر گروهی را می‌عادی هست چون می‌عاد ایشان بیاید پس تاخیر نکنند ساعتی و نه سبقت جویند. ﴿۵۰﴾ بگو آید یا آید اگر به شما عذاب او شبانگاه یا به روز بیاید (به هر حال) چه چیزی را از آن عذاب این گناه کاران به شتاب می‌طلبند. ﴿۵۱﴾ باز وقتی که متحقق شود آیا به آن ایمان آوردید آنگاه گفته شود آیا اکنون ایمان آوردید و پیش ازین آن را به شتاب می‌طلبیدید^(۳). ﴿۵۲﴾ باز ستمکاران را گفته شود عذاب جاویدان را بچشید جزا داده نمی‌شوید مگر به آنچه شما می‌کردید. ﴿۵۳﴾ و تو را می‌پرسند آیا درست است این وعده بگواری قسم به پروردگار من هرآینه آن درست است و شما عاجز کننده نیستید.

(۱) یعنی ایشان مانند کران و کورانند.

(۲) یعنی رسل و اتباع ایشان نجات یابند و کافران هلاک شوند.

(۳) یعنی به استهزا و تکذیب.

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ ۖ وَأَسْرُوا
 النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ ۖ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ ۖ وَهُمْ
 لَا يُظْلَمُونَ ﴿٥٤﴾ أَلَا إِنَّ اللَّهَ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا أَنْ
 وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾ هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ
 وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٥٦﴾ يَأَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمُلُ مَوْعِظَةٍ
 مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ
 ﴿٥٧﴾ قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ ۖ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا
 يَجْمَعُونَ ﴿٥٨﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ
 فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ ۚ إِنَّ اللَّهَ أَذِنَ لَكُمْ ۚ أَمْ عَلَى
 اللَّهِ تَفْتَرُونَ ﴿٥٩﴾ وَمَا ظُنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبِ
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ
 لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦٠﴾ وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ
 وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ
 فِيهِ ۚ وَمَا يُعْزَبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي
 السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦١﴾

﴿۵۴﴾ و اگر هرنفس ستم کننده را آنچه در زمین است باشد و البته آن را فدیة خود دهد و در نفس خود پشیمانی دارند هنگامیکه عذاب را ببینند و میان ایشان به عدل فیصله کرده می شود و برایشان ستم کرده نمی شود. ﴿۵۵﴾ آگاه باش هرآئینه خدای راست آنچه در آسمان ها و زمین است، آگاه باش هرآئینه وعده خداراست است ولیکن بیشترین ایشان نمی دانند. ﴿۵۶﴾ او زنده می کند و می میراند و به سوی وی بازگردانیده شوید. ﴿۵۷﴾ ای مردمان برای شما پندی از پروردگار شما آمده است و شفایی برای آن (مرضی) که در سینه ها است و رهنمود و بخشایشی برای مسلمانان. ﴿۵۸﴾ بگو به فضل خدا و به رحمت او به این چیزها باید که شادمان شوند، آن بهتر است از آنچه جمع می کنند. ﴿۵۹﴾ بگو آید دید چیزی را که خدا برای شما از جنس روزی فرود آورده است پس بعضی آن را حرام و بعضی آن را حلال قرار دادید بگو آیا خدا شما را اجازه داده است یا بر خدا دروغ می بندید. ﴿۶۰﴾ و چیست گمان آنانکه بر خدا دروغ افترا می بندند به روز قیامت^(۱) هرآئینه خدا بر مردمان صاحب فضل است ولیکن بیشتر ایشان سپاسگزاری نمی کنند. ﴿۶۱﴾ و در هیچ شغلی نمی باشی و نمی خوانی هیچ آیتی را که از طرف خدا آمده و هیچ کاری نمی کنی مگر بر شما گواه هستیم چون در آن کار درمی آید و پوشیده نمی ماند بر پروردگار تو هم وزن ذره ای در زمین و نه در آسمان و نه کوچکتر از آن و نه بزرگ تر مگر در کتاب روشن نوشته شده است.

(۱) یعنی خدای ایشان چه خواهد کرد در روز قیامت.

الْآيَاتِ أُولِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾
 الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ لَهُمُ الْبُشْرَى
 فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ
 اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٤﴾ وَلَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ
 الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٥﴾ الْآيَاتِ لِلَّهِ
 مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ
 يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ
 وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٦٦﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ
 اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنْ فِي ذَلِكَ
 لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا
 سُبْحَنَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
 إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ
 مَا لَا تَعْمَلُونَ ﴿٦٨﴾ قُلْ إِنْ الَّذِينَ يَقْتُرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ
 لَا يَفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾ مَتَّعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ
 نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٧٠﴾

﴿۶۲﴾ آگاه باش هرآئینه دوستان خدا هیچ ترسی برایشان نیست و نه ایشان اندوهگین شوند. ﴿۶۳﴾ آنانکه ایمان آورده اند و می ترسیدند. ﴿۶۴﴾ برای ایشان درزندگانی دنیا^(۱) و در آخرت بشارت، است هیچ تبدیلی سخنان خدا را نیست این بشارت همانست پیروزی بزرگ. ﴿۶۵﴾ و سخن ایشان تورا غمگین نکند هرآئینه همگی غلبه برای خداست او شنوای دانا است. ﴿۶۶﴾ آگاه باش هرآئینه خدا راست هرکه در آسمان هاست و هرکه در زمین است و آنانکه غیر از خدا شریکان را پرستش می کنند به حقیقت مگر و هم و گمان را پیروی نمی کنند و مگر دروغ گو نیستند. ﴿۶۷﴾ اوست آنکه برای شما شب را ساخت تا در آن آرام گیرید و روز را روشن ساخت هرآئینه درین نشانه هاست گروهی را که می شنوند. ﴿۶۸﴾ کافران گفتند خدا فرزند گرفته است پاکی اوراست اوست بی نیاز، اوراست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است نزد شما هیچ حجتی برین نیست آیا می گوئید برخدا آنچه را که نمی دانید. ﴿۶۹﴾ بگو هرآئینه آنانکه برخدا دروغ را برمی بندند رستگار نمی شوند. ﴿۷۰﴾ ایشان را بهره مندی در دنیا باشد، دوباره بازگشت ایشان به سوی ما است پس ایشان را عذاب سخت بچشانیم به سب آنکه کفر می ورزیدند.

(۱) یعنی به رؤیا صالحه و بشارت.

* وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَتَقَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ
 عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذِكْرِي بَيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ
 فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ
 أَقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنْظِرُونِ ﴿٧١﴾ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ
 إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٧٢﴾
 فَكَذَّبُوهُ فَجَبْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلِيفَةً
 وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَقِبَةُ الْمُنْذِرِينَ
 ﴿٧٣﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ
 فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ
 الْمُعْتَدِينَ ﴿٧٤﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمُ مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ
 وَمَلَائِكَهُ بِآيَاتِنَا فَأَسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ ﴿٧٥﴾
 فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧٦﴾
 قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرُ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ
 السَّحَرُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لْتَلْفِتْنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا
 وَتَكُونَ لَكُمُ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٧٨﴾

﴿۷۱﴾ و خبر نوح را برایشان بخوان چون به قوم خود گفت ای قوم من اگر قیام من و پند دادن من به آیه های خدا بر شما دشوار شده باشد پس برخدا توکل کردم پس درکار خود همراه شریکان خویش عزیمت درست کنید پس نباشد کار شما پوشیده بر شما سپس بر من حمله برید و مرا مهلت مدهید. ﴿۷۲﴾ پس اگر اعراض کردید^(۱) پس از شما هیچ مزدی نخواستہ بودم نیست پاداش من مگر بر خدا و مرا فرموده شد که از مسلمانان باشم. ﴿۷۳﴾ پس تکذیبش کردند، سپس او را و آنان را که با وی بودند در کشتی نجات دادیم و ایشان را جانشین گردانیدیم و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند غرق کردیم پس بنگر آخر کار بیم کرده شدگان چگونه شد. ﴿۷۴﴾ باز بعد نوح پیامبران را به سوی قوم ایشان فرستادیم پس پیش ایشان نشانه های روشن را آوردند پس هرگز مستعد آن نبودند که ایمان آورند به آنچه آن را پیش ازین تکذیب کرده بودند هم چنین بردل های از حد گذرندگان مُهرمی نهیم. ﴿۷۵﴾ باز بعد از ایشان موسی و هارون را به سوی فرعون و قوم او بانسانه های خویش فرستادیم پس تکبر کردند و قومی گناهکار بودند. ﴿۷۶﴾ پس چون به ایشان سخن درست از نزد ما آمد گفتند هر آئینه این سحر ظاهر است. ﴿۷۷﴾ موسی گفت آیا سخن درست را چنین می گوئید چون به شما بیامد آیا این سحراست، و ساحران رستگار نمی شوند. ﴿۷۸﴾ گفتند آیا پیش ما آمده ای تا ما را از دینی که بر آن پدران خود را یافتیم باز داری و تا شمارا ریاست در زمین باشد و ما باوردارنده شما نیستیم.

(۱) یعنی از گفته من چه زیان.

وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتَنْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ
 قَالَ لَهُمْ مُوسَى الْقَوْمَ مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٨٠﴾ فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ
 مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحَرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ
 عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨١﴾ وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ
 الْمُجْرِمُونَ ﴿٨٢﴾ فَمَاءٌ آمِنٌ لِّمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةً مِّن قَوْمِهِ عَلَى
 خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ
 فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٨٣﴾ وَقَالَ مُوسَى يَتَقَوْمُ إِن
 كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ ﴿٨٤﴾
 فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ
 ﴿٨٥﴾ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى
 وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّءَا الْقَوْمَ كَمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَأَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ
 قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٧﴾ وَقَالَ مُوسَى
 رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوهُ عَن سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ
 وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٨٨﴾

﴿۷۹﴾ و فرعون گفت پیش من هر ساحر بسیار دانارا بیارید. ﴿۸۰﴾ پس وقتی که ساحران آمدند موسی ایشان را گفت بافکنید آنچه شما افکننده اید. ﴿۸۱﴾ پس چون افکندند گفت موسی آنچه آورده اید سحراست هر آئینه خدا آن را باطل خواهد ساخت هر آئینه خدا کارمفسدان را راست نمی آرد. ﴿۸۲﴾ و خدا سخن درست را به فرمان خود ثابت خواهد کرد اگرچه گناهکاران ناپسند دارند. ﴿۸۳﴾ پس به موسی ایمان نیاوردند مگر جماعتی از قوم وی باترس از فرعون و اشراف ایشان که ایشان را عقوبت کند و هر آئینه فرعون در آن سرزمین سرکشی بود و هر آئینه وی از حدگذرندگان بود. ﴿۸۴﴾ و موسی گفت ای قوم من اگر به خدا ایمان آورده اید پس بروی توکل کنید اگر مسلمان هستید. ﴿۸۵﴾ پس گفتند برخدا توکل کردیم، ای پروردگار ما مارا لگدکوب قوم ستمکاران مکن. ﴿۸۶﴾ و مارا به رحمت خود از گروه کافران نجات ده. ﴿۸۷﴾ و به سوی موسی و برادر او وحی فرستادیم که برای قوم خود در شهر مصر خانه ها بگیرید و خانه های خود را جای نماز قرار دهید^(۱) و نمازرا برپادارید و مومنان را بشارت ده. ﴿۸۸﴾ و موسی گفت ای پروردگار ما هر آئینه تو فرعون و سرانش (قبیله اش) را زینت و مال های بسیار در زندگانی دنیا داده ای ای پروردگار ما تا عالم را از راه تو گمراه کنند ای پروردگار ما مالهای ایشان را از بین ببر و بر دلهای ایشان مهر بزَن که ایمان نیارند تا زمانیکه عذاب درد ناک را ببینند.

(۱) یعنی مساجد البیت بنا کنید.

قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمْ مَا فَاسْتَقِيمُوا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ
 الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾ وَجُوزْنَا بِنِي إِسْرَءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمُ
 فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ
 قَالَ ءَامَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي ءَامَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَءِيلَ
 وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٩٠﴾ ءَالْكَافِرِينَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ
 مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٩١﴾ فَأَلْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ
 خَلْفَكَ ءَايَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ ءَايَتِنَا لَغَافِلُونَ
 ﴿٩٢﴾ وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ مَبْوَءَ صَدَقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ
 الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي
 بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٩٣﴾ فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ
 مِّمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يَقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ
 قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿٩٤﴾
 وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ
 ﴿٩٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٩٦﴾
 وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ ءَايَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٩٧﴾

﴿۸۹﴾ گفت خدا هر آئینه دعای شما قبول کرده شد پس ثابت باشید و راه جاهلان را پیروی مکنید. ﴿۹۰﴾ و اولاد یعقوب را از دریا گذرانیدیم پس فرعون و لشکر او از راه ستم و تعدی در پی ایشان شدند تا وقتی که چون سختی غرق به او رسید گفت باورداشتم که نیست هیچ معبود بر حقی مگر آنکه به وی بنی اسرائیل ایمان آورده است و من از مسلمانانم. ﴿۹۱﴾ گفته شد آیا اکنون ایمان می آوری و به تحقیق که پیش از این نافرمانی کرده بودی و از مفسدان بودی. ﴿۹۲﴾ پس امروز بَدَکَت را نجات دهیم^(۱) (به همان جسد تو یعنی به غیر تغییر) تا نشانه ای برای آنان باشی که پس از تو آیند و هر آئینه بسیاری از مردمان از نشانه های ما بی خبراند. ﴿۹۳﴾ هر آئینه بنی اسرائیل را به مقام نیک جای دادیم و ایشان را از پاکیزه ها روزی دادیم پس اختلاف نکردند تا آنکه به ایشان دانش آمد (یعنی قرآن) هر آئینه پروردگار تو میان ایشان روز قیامت در آنچه اختلاف می کردند حکم می کند. ﴿۹۴﴾ پس اگر در شکی از آنچه به سوی تو فرو فرستادیم پس بپرس آنان را که کتاب را پیش از تو می خواندند^(۲) هر آئینه پیش تو وحی درست از پروردگار تو آمده است پس هرگز از شک آورندگان مباش. ﴿۹۵﴾ و هرگز از آنانکه آیات خدا را تکذیب کردند مباش، آنگاه از زیان کاران شوی. ﴿۹۶﴾ هر آئینه آنانکه بر ایشان حکم پروردگار تو ثابت شد ایمان نیاورند. ﴿۹۷﴾ اگر چه به ایشان هر نشانه ای بیاید تا آنکه عذاب دردناک ببینند.

(۱) یعنی به روی آب آریم تو را.

(۲) یعنی تظاهر شود که برانیای سابق نیز وحی نازل میشد والله اعلم.

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ ءَامَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ
لَمَاءَ أَمْنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٩٨﴾ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ
كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ
﴿٩٩﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُوْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ
عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٠﴾ قُلْ أَنْظِرُوا مَاذَا فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْأَيَّاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ
﴿١٠١﴾ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ
قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿١٠٢﴾ ثُمَّ نُنْجِي
رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نَجِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾
قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ
تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ وَأُمِرْتُ
أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٤﴾ وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا
وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٥﴾ وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا
يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مَنَّ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٦﴾

﴿۹۸﴾ پس چرانبُود دهی که ایمان آورد^(۱) پس ایمان وی سود دهدش مگر قوم یونس چون ایمان آوردند از ایشان عقوبت رسوایی را در زندگانی دنیا برداشتیم و ایشان را تادمی بهره مند ساختیم. ﴿۹۹﴾ و اگر پروردگارتو می‌خواست کلاً همگی آنانکه در زمین اند ایمان می‌آوردند آیاتو مردمان را اجبارتوانی کرد تا مسلمان شوند. ﴿۱۰۰﴾ و هیچ شخصی را روا نبُود که ایمان آورد مگر بخواست خدا و پلیدی را بر آنانکه در نمی‌یابند می‌اندازد. ﴿۱۰۱﴾ بگو ببینید چه چیز در آسمان ها و زمین است و نشانه ها و نیز ترسانندگان فایده نمی‌دهند گروهی را که باور نمی‌کنند. ﴿۱۰۲﴾ پس انتظار نمی‌کشند مگر مانند مصیبت های آنانکه پیش از ایشان گذشتند بگو انتظار بکشید هر آینه من نیز باشما از منتظرانم. ﴿۱۰۳﴾ باز پیامبران خود را و آنان را که ایمان آورده‌اند نجات می‌دهیم همچنین بر ما لازم است که مومنان را نجات دهیم. ﴿۱۰۴﴾ بگوای مردمان اگر از دین من در شبهه هستید پس آنان را که شما غیر از خدا می‌پرستید نمی‌پرستم ولیکن آن خدا را عبادت می‌کنم که قبض ارواح شما می‌کند و مرا فرموده شد که از مسلمانان باشم. ﴿۱۰۵﴾ و فرموده شد آنکه روی خود را برای دین حنیف راست کن و هر گز از مشرکان مباش. ﴿۱۰۶﴾ و بجز خدا چیزی را که تو را سود نمی‌دهد و به تو زیان نمی‌رساند مخوان پس اگر چنین کنی آنگاه از ستمکاران باشی.

(۱) یعنی نزدیک نزول عذاب.

وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْك
 بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ
 وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٧﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ
 مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ
 فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٠٨﴾ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ
 إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَخُضُّكُمْ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿١٠٩﴾

سورة هود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّكَتَبُ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ﴿١﴾
 أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ﴿٢﴾ وَإِنْ أَسْتَغْفِرُوا
 رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ
 كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ
 كَبِيرٍ ﴿٣﴾ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤﴾ أَلَا إِنَّهُمْ
 يَتَشَوَّنُ صُدُورُهُمْ لَيْسَتْ خَفُوفًا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ
 يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٥﴾

﴿۱۰۷﴾ وا گر خدا به تورنجی برساند پس نیست آن را بردارنده مگر او وا گر درحق تونعمتی خواهد پس فضل اورا هیچ برگردانده ای نیست، میرساندش به هرکه ازبندگان خود می خواهد و او آمرزنده^۱ مهربان است. ﴿۱۰۸﴾ بگوای مردمان به تحقیق به شماوحي راست از پروردگار شما آمده است پس هرکه راه یافت جزاین نیست که برای خودش راه یابد و هرکه گمراه شد جزاین نیست که به زیان خود گمراه می شود و من بر شما نگهبان نیستم. ﴿۱۰۹﴾ و (یا محمد) آنچه را که به تو وحی می شود پیروی کن و شکیبایی کن تا آنکه خدا حکم کند و او بهترین حکم کنندگان است.

سوره هود مکی است و آن يك صد و بیست
وسه آیه و ده رکوع است

به نام خداوند بخشنده^۲ مهربان.

﴿۱﴾ اَلرَّ. این کتابیست که آیاتِ او استوار کرده شد بازواضح کرده شده، از نزد خدای درست کار آگاه آمده است. ﴿۲﴾ (به آن مضمون که پیامبرگوید) مگر خدا را عبادت نکنید هرآئینه من برای شما از جانب او بیم کننده و بشارت دهنده ام. ﴿۳﴾ و آنکه از پروردگار خود آموزش طلب کنید، باز به سوی وی رجوع کنید تا شمارا به بهره^۳ نیک تا میعاد معلوم بهره مند سازد و تا هر صاحب بزرگی را جزای بزرگی او بدهد و اگر رویگردان شوید پس هرآئینه من بر شما از عذاب روز بزرگ می ترسم. ﴿۴﴾ به سوی خداست بازگشت شما و او بر هر چیز تواناست. ﴿۵﴾ آگاه باش این کافران سینه های خود را می پیچند^(۱) می خواهند که از خدا پنهان شوند آگاه باش چون بر سر می کنند جامه های خود را میداند آنچه پنهان می دارند و آنچه آشکار می کنند هرآئینه اوداناست به رازیکه در سینه هاست^(۲).

(۱) یعنی اعراض می کنند.

(۲) مترجم گوید میتوان گفت پیچیدن سینه عبارت از آنست که کسی فکرهای ناصواب کند و به شبهات واهییه دل خود را اطمینان دهد و عقاید حق را فراموش سازد زیرا که صدر اینجا به معنی علوم صدر آمده است.

* وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ
 مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦﴾ وَهُوَ
 الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ
 عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ
 قُلْتِ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
 إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْحَرُ مُبِينٌ ﴿٧﴾ وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى
 أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ ۖ وَالْيَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ
 مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ
 ﴿٨﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ
 لَيَكْفُرُ ۖ كَفُورٌ ﴿٩﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نَعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ
 مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ وَلَفَرِحُ فَخُورٌ
 ﴿١٠﴾ إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ
 مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١١﴾ فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ
 وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ كُتُبٌ أَوْ جَاءَ
 مَعَهُ مَلَكٌ ۖ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ ۖ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿١٢﴾

﴿۶﴾ و نیست هیچ جنبنده در زمین مگر روزی او برخداست و جای ماندن او را و جای نگاهداشتن او را می داند هر يك در كتاب روشن است^(۱). ﴿۷﴾ و اوست آنكه آسمان ها و زمین را درشش روز آفرید و عرش او برآب بود (آخر کار آفریدن شما آنكه) تا بیازماید شما را كه کدام يك از شما از جهت عمل نيكوتر است و اگر بگویی كه هرآئینه شما بعد از موت برانگیخته شوید البته كافران گویند این سخن مگر جادویی ظاهر نیست. ﴿۸﴾ و اگر از ایشان عذاب را تا مدتی شمرده شده بازداریم البته گویند چه چیز آنرا باز می دارد آگاه باش روزيكه به ایشان بیاید نباشد از ایشان بازداشته شده و آنچه به آن استهزا می کردند ایشان را فراگیرد. ﴿۹﴾ و اگر آدمی را نعمتی از نزد خود بچشانیم باز آن را از وی برگیریم هرآئینه وی ناامید و ناسپاس است. ﴿۱۰﴾ و اگر آدمی را رفاهیتی بعد از سختی كه رسیده باشد به وی بچشانیم البته گوید سختی ها از من برفتند هرآئینه وی شادمان و خودستاینده است. ﴿۱۱﴾ مگر آنانكه شكیایی نمودند و كارهای شایسته كردند آن جماعت ایشان را آمرزش و پاداش بزرگ است. ﴿۱۲﴾ پس شاید تو بعض آنچه را كه وحی فرستاده می شود به سوی توترك كنی و به آن سینه توتنگ گردد^(۲) از جهت آنكه می گویند چرا بروی گنجی فرو آورده نشد یا چرا همراه او فرشته نیامد جز این نیست كه تو بیم كننده ای و خدا بر هر چیز نگهبان است.

(۱) یعنی در لوح محفوظ نوشته مترجم گوید مستودع جایی است كه به غیر اختیار او آنجا نگاهداشته بودند مانند صُلب و رَجَم و مستقر جای است كه به اختیار خود می ماند مثل خانه.

(۲) یعنی ترك مكن و دلنگ مشو.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ
 وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٣﴾
 فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ مَا أُنْزِلَ بِهِ لَمْ يَكُنْ مِنْ
 لَدُنْ إِلَهِ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٤﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ
 الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا
 لَا يُبْخَسُونَ ﴿١٥﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا
 النَّارُ وَحِطْ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِطُلٍّ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾
 أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ
 كَتَبَ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ
 بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَلَئِنْ أَوْفَوْا لَمَوْعِدُهُ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ
 الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٧﴾ وَمَنْ
 أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ
 رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ
 أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٨﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ
 اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿١٩﴾

﴿۱۳﴾ آیامی گویند (قرآن را) افترا بسته است بگو پس ده سوره را مانند این برافته بیارید و هرکس را توانید غیر از خدا بخوانید اگر راست گوهستید^(۱). ﴿۱۴﴾ پس اگر آن کافران سخن شما را قبول نکنند پس بدانید که قرآن به علم خدا نازل کرده شده است و بدانید که هیچ معبود برحقى مگروى نیست پس آیا شما مسلمان هستيد^(۲). ﴿۱۵﴾ هرکه زندگانی دنیا و تجمل آن را خواسته باشد به سوى این جماعت جزای اعمال ایشانرا در اینجا به تمام رسانیم و ایشان در اینجا نقصان داده نشوند^(۳). ﴿۱۶﴾ این جماعت آنانند که ایشان را در آخرت مگر آتش نیست و در آخرت باطل شد آنچه کرده بودند و نابودست آنچه به عمل می آوردند. ﴿۱۷﴾ آیا کسی که بر حجتی از جانب پروردگار خود باشد^(۴) و دنبال وی گواهی از جانب پروردگار او می^(۵) آید و پیش از قرآن گواه وی کتاب موسی بود پیشوایی و بخشایشی (مثل دیگران باشد) این جماعت به قرآن ایمان می آورند و هرکه از گروه ها به آن کافر شد پس آتش وعده گاه اوست پس از نزول قرآن در شبهه مباحش هر آئینه وی درست است، از پروردگار تو آمده ولیکن بیشتر مردمان ایمان نمی آورند. ﴿۱۸﴾ و کیست ستمکارتر از کسی که برخدا دروغی را بر بست این جماعت پیش پروردگار خویش آورده می شوند و می گویند گواهان^(۶) ایشانند آنانکه بر پروردگار خویش دروغ بستند آگاه باش لعنت خدا بر ستمکاران است. ﴿۱۹﴾ آنانکه مردمان را از راه خدا بازمی دارند و برای آن راه کجی را میخواهند و ایشان به آخرت کافراند.

(۱) مترجم گوید نخست به ده سوره تحدی واقع شد و چون از آن عاجز شدند بیک سوره تحدی فرمود.

(۲) یعنی بر اسلام ثابت باشید.

(۳) یعنی ثواب صدقه و صلّه رحم که از کفار به وجود می آید اجر آن در دنیا داده میشوند بتوسیع رزق و صحت بدن.

(۴) یعنی دلیلی عقلی.

(۵) یعنی قرآن.

(۶) یعنی کراما کاتبین.

أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ دُونِ
اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ يُضَعِفُ لَهُمْ الْعَذَابَ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ
السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ ﴿٢٠﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا
أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢١﴾ لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ
فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْآخَسَرُونَ ﴿٢٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ
هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٣﴾ *مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَصْمَىٰ وَالْأَصَمِّ
وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ
﴿٢٤﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٢٥﴾
أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ الْيَمِّ ﴿٢٦﴾
فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا
وَمَا نَرَاكَ أَتْبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا لَنَا بَادِيًا أَلَّا نَرَىٰ
وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾
قَالَ يَقُومُ رَبِّي يَتِمُّ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَءَاتَنِي رَحْمَةً مِّنْ
عِنْدِهِ فَعَمِيتَ عَلَيْكُمْ أَنْزَلْنَا مُكُوهَا وَآتَيْنَاهَا كَرِهُونَ ﴿٢٨﴾



﴿۲۰﴾ این جماعت عاجز کننده درزمین نباشند و ایشان را جز خدا از دوستان نباشد، برای ایشان عذاب دوچند کرده شود شنیدن نمی توانستند (یعنی به سبب شدت ناخوشی) و نمی دیدند^(۱). ﴿۲۱﴾ این جماعت آناند که درحق خویش زیان کردند و ازایشان آنچه برمی بافتند گم شد. ﴿۲۲﴾ بیشک این جماعت درآخرت ایشان زیانکارترند. ﴿۲۳﴾ هرآئینه آنانکه ایمان آوردند و عمل های شایسته کردند و توجه کنان به سوی پروردگار خویش فروتنی کردند ایشان اهل بهشت اند ایشان درآنجا جاویدانند. ﴿۲۴﴾ مثال این دوفریق مانندکور و کر وینا وشنوااست آیا هر دو درصفت برابرند آیا پند نمی گیرید؟ ﴿۲۵﴾ وهرآئینه نوح رابه سوی قوم او فرستادیم گفت هرآئینه من برای شما بیم دهنده آشکارم. ﴿۲۶﴾ (به این مضمون) که مگر خدا را پرستید هرآئینه من ازعذاب روزدرندك بر شما می ترسم. ﴿۲۷﴾ پس جماعتی که ازقوم او کافربودند گفتند تورا نمی بینیم مگر آدمی مانند خویش، و نمی بینیم که پیروی توکرده باشند به تأمل سرسری مگر آنانکه ایشان پست ترین های مایند و برای شما هیچ بزرگی بر خود نمی بینیم بلکه شما را دروغگو می پنداریم. ﴿۲۸﴾ گفت ای قوم من مرا خبر دهید بدانکه اگر باشم برحجتی از پروردگار خود و به من بخشایشی از نزد خود داده باشد پس حقیقت آن بر شما پوشانیده شد آیا شما را برآن اجبار کنیم و شما ناخواهان آن باشید؟

(۱) مترجم گوید و میتوان گفت که همزه استفهام انکاری محذوف است یعنی آیا نمی توانستند و آیانمی دیدند.

وَيَقَوْمٌ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَا لَإِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا
بِطَارِدِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّهُمْ مُلَقَوْنَ بِهِمْ وَلِكِنِّي أَرْبُكُمْ قَوْمًا
تَجْهَلُونَ ﴿٢٩﴾ وَيَقَوْمٌ مِّن يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا
تَذَكَّرُونَ ﴿٣٠﴾ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِندِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا
أَعْلَمُ الْغَيْبِ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي
أَعْيُنُكُمْ لَن يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا ۖ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي
إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٣١﴾ قَالُوا يَنْبُوحُ قَدْ جَدَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدْلَنَا
فَاتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ إِنَّمَا
يَأْتِيَكُمُ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا يَنْفَعُكُمْ
نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أُنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ
يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٣٤﴾ أَمْ يَقُولُونَ أَفْتَرَاهُ
قُلْ إِنْ أَفْتَرَيْتُهُ وَفَعَلَ بِي إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا يُجْرِمُونَ
﴿٣٥﴾ وَأَوْحَىٰ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَن يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَن قَدَّ ءَامَنَ
فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾ وَأَصْنَعِ الْفُلَكَ بِأَعْيُنِنَا
وَوَحَيْنَا وَلَا تَخْطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّغْرَقُونَ ﴿٣٧﴾

﴿۲۹﴾ و ای قوم من، از شما براین پیام رسانیدن مالی را طلب نمی کنم، نیست پاداش من مگر بر خدا و طرد کنندهٔ مسلمانان (یعنی از صحبت خود) نیستم هرآئینه ایشان با پروردگار خویش ملاقات کنندگانند ولی من شما را قومی نادان می بینم. ﴿۳۰﴾ و ای قوم من چه کسی مرا از عقوبت خدا نصرت دهد اگر ایشان را برانم آیا پند نمی پذیرید؟ ﴿۳۱﴾ و نمی گویم به شما که خزانه های خدا نزد من است و نه آنکه غیب را میدانم و نمی گویم که من فرشته ام و نمی گویم آنان را که به دیده خواری به ایشان بچشمهائیتان می نگرید که خدا هیچ نعمتی به ایشان نخواهد داد خدا داناتر است به آنچه در دل های ایشان است هرآئینه من آنگاه ازستم کاران باشم. ﴿۳۲﴾ گفتند ای نوح با ما مجادله کردی پس ما را بسیار مجادله کردی پس بیار آنچه وعده می کنی اگر از راست گوین هستی. ﴿۳۳﴾ گفت جزاین نیست که آن را خدا اگر به شما خواهد می آورد و شما عاجز کننده نیستید. ﴿۳۴﴾ و نصیحت من شما را سود نمی دهد اگر خواهی که شما را نصیحت کنم اگر خدا خواسته باشد که شما را گمراه کند او ست پروردگار شما و به سوی او بازگردانیده می شوید. ﴿۳۵﴾ (یا محمد) آیامی گویند قرآن را افترا بسته است بگو اگر قرآن را افترا بسته ام پس بر من است گناه من و من از گناهی که می کنید بیزارم^(۱). ﴿۳۶﴾ و به سوی نوح وحی فرستاده شد که ایمان نخواهد آورد از قوم تو مگر آنکه ایمان آورده اند پس اندوه مخور به آنچه می کردند. ﴿۳۷﴾ و کشتی را بدیدگاه ما و به فرمان ما بساز و سخن مگو بامان در بارهٔ آنانکه ستم کردند هرآئینه ایشان غرق شدگانند.

(۱) مترجم گوید این جمله اضافه کرده شد در وسط قصه قوم نوح تا تنبیه باشد بر تطبیق حال مشرکین مکه با حال قوم حضرت نوح والله اعلم.

وَيَصْنَعُ الْفُلَكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ
 قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ
 ﴿٣٨﴾ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ
 مُقِيمٌ ﴿٣٩﴾ حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا
 مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ
 وَمَنْ أَمَنَ وَمَاءً أَمِنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٤٠﴾ * وَقَالَ ارْكَبُوا
 فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِبَهَا وَمُرسَلهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ
 ﴿٤١﴾ وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ
 وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَبْنَىٰ أَرْكَبَ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ ﴿٤٢﴾
 قَالَ سَأُوْىٰ إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ
 مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ
 الْمُغْرَقِينَ ﴿٤٣﴾ وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَسْمَأْ أَقْلِعِي
 وَغِيضَ الْمَاءَ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودَىٰ وَقِيلَ
 بُعْدَ اللَّقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾ وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي
 مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ ﴿٤٥﴾



﴿۳۸﴾ و نوح کشتی را می ساخت و هرگاه که برآن کشتی جماعتی از قوم او می گذشت باوی تمسخر میکردند، گفت اگر ما را مسخره می کنید پس هرآئینه ما شمارا مسخره خواهیم کرد چنانکه شما مسخره می کنید. ﴿۳۹﴾ پس خواهید دانست کسی را که بیایندش عذابی که رسوا کندش و بروی عقوبتی دایم فرود آید. ﴿۴۰﴾ (درهمین معامله بود) تا وقتی که فرمان ما آمد و تنور بجوشید گفتیم درکشتی ازهرجنسی دوتن (نروماده) را بردار و اهل خود را مگرآنکه قضا بروی سبقت کرده است بردار^(۱) و مسلمانان را بردار، و ایمان نیاوردند باوی مگراندکی. ﴿۴۱﴾ و گفت (نوح) درکشتی سوار شوید، روان شدن آن و ایستادن آن به نام خداست هر آئینه پروردگار من آمرزنده مهربانست. ﴿۴۲﴾ و آن کشتی ایشان را درموجی مانند کوه ها می بُرد و نوح پسر خود را درحالیکه اودرکناره ای بود آواز داد ای پسرک من با ما سوارشو و با کافران مباش. ﴿۴۳﴾ گفت به سوی کوهی که نگاه دارد مرا ازآب پناه خواهم گرفت نوح گفت امروز از عذاب خدا هیچ نگاه دارنده ای نیست مگر آنکه خدا بروی رحم کرده است و حایل شد موج میان ایشان پس ازغرق شدگان شد. ﴿۴۴﴾ و گفته شد ای زمین آب خود را فروبر وای آسمان بازمان^(۲) و آب کم کرده شد و کار به انجام رسانیده شد و کشتی برکوه جودی قرارگرفت و گفته شد قوم ستمکاران را هلاکت باد. ﴿۴۵﴾ و نوح پروردگار خود را آواز داد پس گفت ای پروردگار من هرآئینه پسر من از اهل من است و هرآئینه وعده تورااست است و توبهترین حکم کنندگانی.

(۱) یعنی زن نوح و کنعان پسر نوح.

(۲) یعنی از باران.

قَالَ يَنُوحُ إِنَّهُ وَلَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْتَكِنِ
 مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ
 ﴿٤٦﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا
 تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَسِرِينَ ﴿٤٧﴾ قِيلَ يَنُوحُ
 أَهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ
 وَأُمُّهُمْ سَخِمَ عَنْهُمْ ثُمُ يَمْسُهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٨﴾ تِلْكَ
 مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ
 وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَقَبَةَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٤٩﴾
 وَإِلَى عَادِ أَخَاهُمْ هُودٌ قَالَ يَقَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ
 إِلَهِ غَيْرُهُ إِنِّي أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ ﴿٥٠﴾ يَقَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ
 أَجْرًا إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٥١﴾
 وَيَقَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ
 عَلَيْكُمْ مَدَدًا رَّا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا
 مُجْرِمِينَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا يَهُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ
 بِتَارِكِي آلِ هَيْثَنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٥٣﴾

﴿۴۶﴾ گفت ای نوح هرآئینه وی از اهل تو نیست هر آئینه او کاری ناشایسته است پس تو مرا از چیزی که تورا به آن دانش نیست سوال مکن هرآئینه من تورا برای احتراز از آنکه باشی از جاهلان پند میدهم. ﴿۴۷﴾ گفت ای پروردگار من، هرآئینه من به تو پناه می برم از آنکه از تو بخواهم آنچه را که مرا به آن دانش نیست و اگر مرا نیامرزی و بر من رحمت نکنی از زبان کاران باشم. ﴿۴۸﴾ گفته شد ای نوح به سلامتی از جانب ما فرود بیا و همراه برکت های فرود آمده بر تو و بر امت هایی که از همراهان تو پیدا شوند و امت هایی دیگر که ایشان را درد دنیا بهره مند می سازیم باز به ایشان از جانب ما عذابی دردناک برسد. ﴿۴۹﴾ این قصه از اخبار غیب است آن را به سوی تو و وحی میفرستیم آن را تو نمی دانستی و نه قوم تو پیش ازین می دانستند پس صبر کن هرآئینه سرانجام (نیک) برای پرهیزگاران است. ﴿۵۰﴾ و به سوی عاد برادر ایشان هود را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شمارا هیچ معبود بر حقی بجزوی نیست شما مگر افتراء کننده نیستید. ﴿۵۱﴾ ای قوم من از شما براین پیغام مزدی را نمی طلبم، نیست پاداش من مگر بر کسیکه مرا آفریده است آیا در نمی یابید. ﴿۵۲﴾ و ای قوم من از پروردگار خود آمرزش طلبید باز به سوی او رجوع کنید تا باران را بر شما ریزان بفرستد و شمارا قوتی همراه قوت شما بیفزاید و گناهکارانه روی بر متابید. ﴿۵۳﴾ گفتند ای هود دلیلی برایمان نیاوردی و نیستیم ما ترك کننده معبودانمان بگفته تو و ماتورا باوردارنده نیستیم.

إِن نَّقُولُ إِلَّا أَعْتَرَكَ بَعْضُ الْهَتَائِسِ قَالَ إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ
 وَأَشْهَدُ وَأَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿٥٤﴾ مِنْ دُونِهِ فَيَكِيدُونِي
 جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنْظَرُونَ ﴿٥٥﴾ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ
 مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
 ﴿٥٦﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ
 رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ وَشَيْءٌ إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيفٌ
 ﴿٥٧﴾ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَرَحِمَةً مِنَّا
 وَنَجَّيْنَا هُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥٨﴾ وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ
 رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿٥٩﴾ وَاتَّبَعُوا فِي
 هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ إِلَّا إِنْ عَادَا كَفَرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا
 بَعْدَ الْعَادِ قَوْمُ هُودٍ ﴿٦٠﴾ * وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَتَقَوْمَ
 اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَهُوَ أَنشَأَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ
 وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَإِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ
 ﴿٦١﴾ قَالُوا يَصْلِحْ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ
 مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّ لَنَا فِي شَيْءِ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مَرِيبٌ ﴿٦٢﴾



﴿۵۴﴾ نمی گوئیم مگر آنکه بعض معبودان ما به تو ضرری رسانیده اند، گفت هرائینه من خدا را گواه می سازم و شما گواه باشید که من از آنچه شما شریک می گیرید بری ام. ﴿۵۵﴾ بجز وی بیزارم پس همگی در حق من توطئه کنید باز مرا مهلت مدهید. ﴿۵۶﴾ هرائینه من برخدا پروردگار من و پروردگار شما توکل کردم، هیچ جنبنده ای نیست مگر به پیشانی او خدا گیرنده است^(۱) هرائینه پروردگار من برراه راست است^(۲). ﴿۵۷﴾ پس اگر رویگردان شوید ضرری به من نمی رسد هرائینه به شما پیامی را که همراه آن به سوی شما فرستاده شدم رسانیدم و پروردگار من قومی را غیر از شما جانشین سازد و خدا را هیچ زیان نتوانید رسانید هرائینه پروردگار من بر همه چیز نگهبان است. ﴿۵۸﴾ و چون عذاب ما آمد هود و آنان را که ایمان آورده اند باوی به رحمتی از جانب خود نجات دادیم و ایشان را از عقوبت سخت برهانیدیم. ﴿۵۹﴾ و این است سرگذشت، عاد آیات پروردگار خود را انکار کردند و پیامبران او را نافرمانی نمودند و فرمان هرسرکش ستیزنده را پیروی کردند. ﴿۶۰﴾ و از بهی ایشان در این دنیا و روز قیامت نیز لعنتی فرستاده شد، آگاه باش هرائینه عاد به پروردگار خود کافر شدند آگاه باش نفرین باد عاد را که قوم هود بودند. ﴿۶۱﴾ و به سوی ثمود برادر ایشان صالح را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شما را هیچ معبود برحق بجزوی نیست او شما را از زمین پیدا کرد^(۳) و شما را در زمین ساکن گردانید پس ازوی طلب آموزش کنید باز به سوی او رجوع کنید هرائینه پروردگار من نزدیک است پذیرنده دعاست. ﴿۶۲﴾ گفتند ای صالح تودرمیان ما پیش ازین مورد امید داشته شده بودی آیامنع می کنی ما را از آنکه عبادت کنیم معبودانی را که پدران ما عبادت میکردند و هرائینه ما در شبیه قوی هستیم از آنچه ما را به سوی آن میخوانی.

(۱) یعنی مالك اوست .

(۲) یعنی حكيم است .

(۳) یعنی آفرید پدر و مادر شما آدم و حوا را از خاک که شما از نسل آنهاید .

قَالَ يَقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَءَاتَنِي
 مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِي
 غَيْرَ تَحْسِيرٍ ﴿٦٢﴾ وَيَقَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ
 فذُرُّوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ
 عَذَابٌ قَرِيبٌ ﴿٦٤﴾ فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ
 ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ ﴿٦٥﴾ فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا
 نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ وَرَحْمَةً مِنَّا وَمِنْ
 خِزْيٍ يُومِيذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴿٦٦﴾ وَأَخَذَ الَّذِينَ
 ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيارِهِمْ جَثْمِينَ ﴿٦٧﴾
 كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا آلَإِنْ تَمُودًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا
 بُعْدَ الشَّمُودِ ﴿٦٨﴾ وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ قَالُوا
 سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَن جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيدٍ ﴿٦٩﴾ فَلَمَّا رَأَىٰ
 أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكَرَهُمْ وَأَوَّجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً
 قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ لُّوطٍ ﴿٧٠﴾ وَأَمْرَاتُهُ وَقَايِمَةٌ
 فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَقَ يَعْقُوبَ ﴿٧١﴾

﴿۶۳﴾ گفت ای قوم من آیا دیدید اگر برحجتی از پروردگار خود باشم و به من از جانب خود بخشایشی عطا کرده باشد پس کیست که مرا از عقوبت خدا اگر نافرمانی او کنم نصرت دهد پس در حق من مگر زیان کاری را نمی افزایید. ﴿۶۴﴾ وای قوم من این ماده شتری است که خدا برای شما نشانه ای فرستاده است پس بگذاریدش تا در زمین خدا بخورد و به وی هیچ ضرری مرسانید که آنگاه شمارا عقوبتی نزدیک بگیرد. ﴿۶۵﴾ پس آن را پی زدند پس صالح گفت درسرای خود سه روز بهره مند باشید این وعده ای است که دروغی در آن نیست. ﴿۶۶﴾ پس وقتی که فرمان ما آمد صالح و آنان را که ایمان آوردند همراه وی به بخشایشی از جانب خود نجات دادیم و از رسوایی آن روز رهانیدیم، هرآئینه پروردگارتو، او توانای غالب است. ﴿۶۷﴾ و ستمکاران را آواز (عذاب) سخت در گرفت پس درسراهای خود مرده هایی بر روی هم افتاده، صبح کردند. ﴿۶۸﴾ گویا هرگز آن جا نبودند، آگاه باش هرآئینه ثمود پرورگار خود را انکار کردند هرآئینه ثمود را دوری باد. ﴿۶۹﴾ هرآئینه فرستادگان ما پیش ابراهیم به بشارت آمدند، سلام گفتند ابراهیم جواب سلام داد پس درنگ نکرد درآنکه گوساله ای بریان آورد. ﴿۷۰﴾ پس چون دید که دستهای ایشان به آن نمی رسد به آنان (گمان) بدبرد و از ایشان ترسی به خاطر آورد گفتند مترس هرآئینه ما به سوی قوم لوط فرستاده شده ایم. ﴿۷۱﴾ وزن ابراهیم ایستاده بود پس بخندید^(۱) پس بتولد اسحاق و بعد از اسحاق از نسلش به یعقوب اورا مژده دادیم.

(۱) مترجم گوید یعنی به سبب خوش وقتی از هلاک قوم لوط.

قَالَتْ يَوِْلَتَىٰ آلِيٍّ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا
 لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿٧٢﴾ قَالُوا اتَّعَجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمْتُ اللَّهُ
 وَبَرَكَتُهُ وَعَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ﴿٧٣﴾ فَلَمَّا ذَهَبَ
 عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَىٰ يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٤﴾
 إِنَّ إِبْرَاهِيمَ حَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ ﴿٧٥﴾ يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ
 قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ ﴿٧٦﴾ وَلَمَّا
 جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَاءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا
 يَوْمٌ عَصِيبٌ ﴿٧٧﴾ وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا
 يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَقَوْمِ هَلْؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ
 فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ ﴿٧٨﴾
 قَالُوا الْقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ
 ﴿٧٩﴾ قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ إِيَّايَ إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ ﴿٨٠﴾ قَالُوا
 يَلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَن يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعِ
 مِّنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرَاتَكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا
 مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ ﴿٨١﴾

﴿۷۲﴾ گفت ای وای بر من آیا خواهم زاد و من پیرم و این شوهر من کهنسال شده است
 هرآئینه این چیزی عجیب است. ﴿۷۳﴾ فرشتگان گفتند آیا از قدرت خدا تعجب می کنی،
 ای اهل این خانه بخشایش خدا و برکات او بر شما باد هرآئینه خدا ستوده شده
 بزرگوارست. ﴿۷۴﴾ پس چون از ابراهیم ترس رفت و بشارت آمدش با ما درباره قوم
 لوط مجادله شروع نمود. ﴿۷۵﴾ هرآئینه ابراهیم بردبار، ناله کننده رجوع کننده به خدا
 بود. ﴿۷۶﴾ گفتیم ای ابراهیم ازین جدال بگذر هرآئینه (حال اینست که) عقوبت
 پروردگارتو آمد و هر آئینه این جماعت به ایشان عقوبتی خواهد آمد که باز گردانیده نشود.
 ﴿۷۷﴾ و چون فرستادگان ما پیش لوط آمدند به سبب ایشان اندوهگین شد و به سبب
 ایشان دلتنگ شد و گفت این روزیست سخت^(۱). ﴿۷۸﴾ و قوم اوشتابان پیش لوط آمدند
 و پیش از آن کارهای زشت میکردند لوط گفت ای قوم من این دختران من اند (یعنی نکاح
 کنید) این ها برای شما پاکیزه تراند پس از خدا بترسید و مرا درمورد مهمانان من رسوا
 مکنید آیا از شما هیچ مرد شایسته ای نیست. ﴿۷۹﴾ گفتند هرآئینه تودانسته ای که ما را در
 دختران تو حاجتی نیست و هرآئینه تو البته میدانی آنچه راکه می خواهیم. ﴿۸۰﴾ گفت اگر
 مرا به مقابله شما قوتی می بود یا به قوم زور آور پناه می گرفتم (چنین می کردم). ﴿۸۱﴾
 فرشتگان گفتند ای لوط هرآئینه ما فرستادگان پروردگار هستیم نخواهند به تو رسید پس
 اهل خود را بپاره ای از شب ببر و باید که به پشت سر خود نگاه نکنند هیچکس
 از شما مگر زن تو که او را آنچه به این قوم رسید رسیدنی است هرآئینه میعاد ایشان وقت
 صبح است آیا صبح نزدیک نیست؟.

(۱) مترجم گوید یعنی ایشان نوجوان خوش روی بودند و عادت قوم معلوم بود پس خوف فتنه پیداشد والله اعلم.

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَلَىٰهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا
حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنْضُودٍ ﴿٨٢﴾ مُّسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ
وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ ﴿٨٣﴾ * وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ
شُعَيْبًا قَالَ يَقَوْمُ أَاعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ
وَلَا تَتَفَضُّوهُ أَلَمْ كَيْالَ وَالْمِيزَانِ ﴿٨٤﴾ إِنِّي أَرَىٰكُمْ بِخَيْرٍ
وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مَّحِيطٍ ﴿٨٥﴾ وَيَقَوْمُ
أَوْفُوا أَلَمْ كَيْالَ وَالْمِيزَانِ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ
أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٨٦﴾ بَقِيَتْ
اللَّهُ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ
بِحَفِيفٍ ﴿٨٧﴾ قَالُوا يَشْعِيبُ أَصْلَوْتَك تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرَكَ
مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ
لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴿٨٨﴾ قَالَ يَقَوْمُ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ
عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ
أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَنْهُ إِن أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ
مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿٨٩﴾

﴿۸۲﴾ پس چون فرمان ما آمد ساختیم زبرآن (ده ها) را زیرآن و برآنجا سنگهای از گِل پخته، پی در پی بارانیدیم. ﴿۸۳﴾ نشان مند ساخته شده بود نزد پروردگار تو و این سنگ ها دور از ستمکاران نیستند. ﴿۸۴﴾ و به سوی قوم مدین برادریشان شعیب را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شما را هیچ معبود برحقى مگروى نیست و پیمانۀ و ترازو را کم مکنید هر آئینه من شما را می بینم که در نعمتید و هر آئینه من بر شما از عذاب روز در بر گیرنده^(۱) می ترسم. ﴿۸۵﴾ وای قوم من پیمانۀ و ترازو را به انصاف کامل کنید و به مردمان چیزهای ایشان را کم مرسانید و در زمین فسادکنان تباہکاری مکنید. ﴿۸۶﴾ باقی گذاشته خدای تعالی برای شما بهتر است اگر باور دارنده اید و من بر شما نگهبان نیستم. ﴿۸۷﴾ گفتند ای شعیب آیا نماز تو تورا میفرماید که آنچه را که پدران ما می پرستیدند بگذاریم یا بگذاریم آنکه بکنیم در مال خود هر چه خواهیم هر آئینه تو مرد بُردبار شایسته^(۲) معامله ای (و مقصود ایشان استهزا بود). ﴿۸۸﴾ گفت ای قوم من آیا دیدید اگر بر حجتی از پروردگار خود باشم و مرا از جانب خود روزی نیک داده باشد^(۲) و نمی خواهم که باشم خلاف کنم مایل شده به سوی آنچه شمارا از آن منع می کنم^(۳) نمی خواهم مگر صلاح کاری تابانم و نیست توفیق من مگر به فضل خدا بروی توکل کردم و به سوی اورجوع می کنم.

(۱) یعنی هلاک کننده.

(۲) یعنی حلال چگونه سخن شمارا بشنوم.

(۳) مترجم گوید یعنی نمی خواهم که به کار نیک بفرمایم و خود نکنم والله اعلم.

وَيَقَوْمٌ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ
 قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنْكُمْ
 بِبَعِيدٍ ﴿٨٩﴾ وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي
 رَحِيمٌ وَدُودٌ ﴿٩٠﴾ قَالُوا يَشْعِيبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ
 وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنتَ
 عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ ﴿٩١﴾ قَالَ يَقَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ
 وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظَهْرِيَّ إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ
 مُحِيطٌ ﴿٩٢﴾ وَيَقَوْمِ أَعْمَلُوا عَلَى مَكَاتَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ
 سَوْفَ تَعْلَمُونَ مِنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَذِبٌ
 وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ﴿٩٣﴾ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا
 شُعَيْبًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ
 الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيرِهِمْ جَثَمِينَ ﴿٩٤﴾
 كَانُوا لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا إِلَّا بَعْدَ الْمَدِينِ كَمَا بَعْدَتْ ثَمُودُ
 وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٩٥﴾ إِلَى فِرْعَوْنَ
 وَمَلَائِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ﴿٩٦﴾

﴿۸۹﴾ و ای قوم من نباید ضدیت با من شما را وادار سازد به این خصصت که به شما برسد مانند آنچه به قوم نوح رسید یا قوم هود یا قوم صالح رسید و قوم لوط از شما دور نیست. ﴿۹۰﴾ و از پروردگار خود طلب آمرزش کنید باز به سوی او رجوع کنید هرآئینه پروردگار من مهربانِ دوستدارست. ﴿۹۱﴾ گفتند ای شعیب بسیاری از آنچه می گویی نمی فهمیم و هرآئینه ما تو را در میان خود ناتوان می بینیم و اگر قبیله ات نمی بود تو را سنگسار میکردیم و توپیش ما گرامی قدر نیستی. ﴿۹۲﴾ گفت ای قوم من آیاقبیله ام پیش شما از خدا گرامی تراست و خدا را پس پشت خویش انداخته اید هرآئینه پروردگار من به آنچه میکنید دربرگیرنده است. ﴿۹۳﴾ و ای قوم من به طریقه خود عمل کنید هرآئینه من نیز عمل کننده ام به زودی خواهید دانست چه کس است که بیایدش عذابی که رسوا کندش و آن را که وی دروغگوست و انتظار کشید هرآئینه من (هم) باشما منتظرم. ﴿۹۴﴾ و وقتیکه عذاب ما آمد شعیب و آنان را که ایمان آوردند باوی به بخشایشی از خود نجات دادیم و ظالمان را آواز (عذاب) سخت درگرفت پس درسراهای خویش مرده هایی افتاده گشتند. ﴿۹۵﴾ گویا هرگز در آنجا نبوده اند آگاه باش مدین را دوری باد چنانکه ثمود دور افتادند. ﴿۹۶﴾ و هرآئینه موسی را به نشانه های خود و به دلیل روشن فرستادیم. ﴿۹۷﴾ به سوی فرعون و قوم و سران او پس فرمان فرعون را پیروی کردند و فرمان فرعون به راه راست (و درست) نبود.

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوَرْدُ
الْمُورُودُ ﴿٩٨﴾ وَاتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةَ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ يَبْسُ
الرِّقْدُ الْمَرْفُودُ ﴿٩٩﴾ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَى نَقُصُّهُ عَلَيْكَ
مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ ﴿١٠٠﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا
أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ
اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ ﴿١٠١﴾
وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ
أَلِيمٌ شَدِيدٌ ﴿١٠٢﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ
ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ ﴿١٠٣﴾
وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَعْدُودٍ ﴿١٠٤﴾ يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلُمُ نَفْسٌ
إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ﴿١٠٥﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فِي
النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ﴿١٠٦﴾ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ
وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ﴿١٠٧﴾
* وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ
السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرُ مَجْذُودٍ ﴿١٠٨﴾



﴿۹۸﴾ فرعون قوم خود را روز قیامت پیشوا شود پس ایشان را به آتش بیارد و چه بدجاییست (دوزخ) که وارد آن شدند. ﴿۹۹﴾ و از پی ایشان درین دنیا لعنت آورده شد و روز قیامت نیز بدعطاییست که داده شد (آن لعنت). ﴿۱۰۰﴾ این از اخبارده ها است که آن را بر تو میخوانیم بعضی از آن باقیست و بعضی از بیخ برکنده شده است. ﴿۱۰۱﴾ و برایشان ستم نکردیم ولیکن ایشان بر خویشتن ستم کردند پس از ایشان معبودان ایشان که میخواندند به جای خدا هیچ چیزی دفع نکردند وقتی که فرمان پروردگار تو آمد و ایشان را بجز هلاکی نیفزودند. ﴿۱۰۲﴾ و همچنین است گرفتار کردن پروردگار تو چون ده ها را بگیرد و آنها ستمکار باشند هر آینه گرفت وی درد ناک سخت است. ﴿۱۰۳﴾ هر آینه در این سخن نشانه ای است کسی را که از عذاب آخرت ترسیده است آن روز روزیست که در آن مردمان جمع کرده شوند و آن روز روزیست که همه در وی حاضر شوند. ﴿۱۰۴﴾ و آنرا موقوف نمی داریم مگر تاملت معینی. ﴿۱۰۵﴾ روزی که بیاید هیچ کس سخن نگوید مگر به دستور حق پس بعضی از ایشان بدبخت باشند و بعضی نیک بخت. ﴿۱۰۶﴾ اما آنانکه بدبخت شدند پس در آتش باشند ایشان را آنجا فریاد سخت و ناله زار (یعنی مانند آواز خر) باشد. ﴿۱۰۷﴾ جاودان باشند در آنجا مدت بقای آسمان ها و زمین مگر آنچه را که پروردگار تو خواسته است هر آینه پروردگار تومی کند آنچه می خواهد. ﴿۱۰۸﴾ و اما آنانکه نیک بخت شده اند پس در بهشت باشند جاودان در آنجا تاملت بقای آسمان ها و زمین مگر آنچه را که پروردگار تو خواسته است بخششی غیر منقطع^(۱).

(۱) مترجم گوید یعنی مدت ماندن در بهشت و دوزخ مانند مدت دوام آسمان ها و زمین در دنیا است اگر زیادتى را که در مشیت خداست و در فهم کسی گنجد اعتبار نکند حاصل بیان دوام است بابلغ وجوه والله اعلم.

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ
آبَاءَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمَوْفُوهُمْ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ
﴿١٩﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ
سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ
﴿٢٠﴾ وَإِنْ كَلَّا لَمَا لِيَؤَفِّقَهُمُ رَبُّكَ أَعْمَلَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ
خَبِيرٌ ﴿٢١﴾ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا
إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٢﴾ وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا
فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ
لَا تُنصَرُونَ ﴿٢٣﴾ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِّنَ
الْإِيلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي
لِلذَّاكِرِينَ ﴿٢٤﴾ وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ
﴿٢٥﴾ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ
عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أُنْجِينَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ
الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أَتَوْا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿٢٦﴾ وَمَا
كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْذِحُونَ ﴿٢٧﴾

﴿۱۰۹﴾ پس مباحش در شبهه از آنچه می پرستند این گروه نمی پرستند مگر چنانکه پدران ایشان پیش از این می پرستیدند و ما البته بهره ایشان را نگاهید تمام دهنده ایشانیم^(۱).

﴿۱۱۰﴾ و هر آئینه موسی را کتاب دادیم پس در آن اختلاف افتاد و اگر نمی بود سخنی که سابقاً از پروردگار تو صادر شده بود هر آئینه میان ایشان فیصله کرده می شد و به درستی که ایشان از آن در شبهه قوی اند. ﴿۱۱۱﴾ و هر آئینه هر کسی (وقتی که برانگیخته شود) البته ایشان را پروردگار توجزای کردار ایشان تمام خواهد داد هر آئینه وی به آنچه میکنند داناست. ﴿۱۱۲﴾ پس استوار باش چنانچه تورا فرمان داده شد و آنانکه توبه کرده اند همراه تونیز، و از حد مگذرید هر آئینه وی به آنچه می کنید بیناست. ﴿۱۱۳﴾ و میل مکنید به سوی آنانکه ستم کردند که آنگاه به شما آتش برسد و شما را دوستانی بجز خدا نیست باز نصرت داده نشوید. ﴿۱۱۴﴾ و نماز را (در) دوطرف روز و ساعتی چند از شب برپاکن هر آئینه طاعات گناهان را دور میکنند این پندی برای پندپذیران هست. ﴿۱۱۵﴾ و شکیبایی کن هر آئینه خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند. ﴿۱۱۶﴾ پس چرا از آن قرنهای پیش از شما بودند خردمندانی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند مگر اندکی از آن جماعت که از میان ایشان نجات دادیم و ستمکاران چیزی را که آسودگی داده شدند به آن پیروی کردند^(۲) و گناه کاران بودند. ﴿۱۱۷﴾ و هرگز پروردگار تو نیست که ده ها را به ستم هلاک کند و اهل آن نیکوکار باشند.

(۱) یعنی نصیب ایشان از عذاب.

(۲) یعنی به لذات دنیا مشغول شدند.

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً ۖ وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ
 (١١٨) إِلَّا مِنْ رَحْمَةِ رَبِّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ
 لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (١١٩) وَكَلَّا نَقْصُ
 عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نَشِئْتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ
 الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (١٢٠) وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
 أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَاتِكُمْ إِنَّا عَمِلُونَ (١٢١) وَانظُرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ
 (١٢٢) وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ
 فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (١٢٣)

سورة يوسف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الرَّ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (١) إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا
 عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (٢) نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ
 الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ
 لَمِنَ الْغَافِلِينَ (٣) إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ
 أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ (٤)

﴿۱۱۸﴾ وا گر پروردگار تو می خواست البته مردمان را يك ملت می گردانید ولی همواره مختلف باشند. ﴿۱۱۹﴾ مگر کسی که پروردگار تو بروی رحم کرده است و برای این (اختلاف) ایشان را آفریده است سخن پروردگار تو براین رفته است، که البته دوزخ را از جنیان و مردمان همگی پرکنم^(۱). ﴿۱۲۰﴾ و یکایک برتواخبار پیامبران آنچه را که به آن ثابت می گردانیم دل تورا حکایت می کنیم و به تودرین سوره سخن درست و پندی آمده است و برای مسلمانان یادآوری. ﴿۱۲۱﴾ و یگوانان را که ایمان نمی آورند برشیوه خود عمل کنید هرآئینه مانیز (برشیوه خود) عمل کنندگانیم. ﴿۱۲۲﴾ و انتظار کشید هرآئینه مانیز منتظریم. ﴿۱۲۳﴾ علم غیب آسمان ها وزمین ویژه خدا است به سوی او همه کارها بازگردانیده می شود پس او را عبادت کن و براو توکل کن و پروردگار تو بیخبر نیست از آنچه می کنید.

سوره یوسف مکی است و آن يك صدویازده
آیه و دوازده رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ الّا این (آیه ها) آیات کتاب روشن است. ﴿۲﴾ هرآئینه ما آن را قرآن عربی فروفرستادیم باشد که شما دریابید. ﴿۳﴾ ما با وحی کردن این قرآن از سوی خویش به توبهترین قصه ها حکایت می کنیم و هرآئینه حال این است که تو پیش ازآن از بی خبران بودی. ﴿۴﴾ یاد کن چون یوسف پدر خود را گفت: ای پدر من هرآئینه من به خواب دیدم یازده ستاره و خورشید و ماه را برایم سجده کننده دیدم.

(۱) مترجم گوید درعرف اختلاف را نسبت میکنند به اهل باطل نه به اهل حق و يقال قال اهل الحق کذا و خالفهم فرق پس استثنای مَنْ رَجَمَ بِي تَكْلَفَ صَحِيح شد والله اعلم.

قَالَ يَبْنَى لَا تَقْصُصْ رَأْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا
 إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٥﴾ وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ
 رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ
 وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ
 وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦﴾ * لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ
 وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِلْسَّائِلِينَ ﴿٧﴾ إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ
 إِلَىٰ آبَيْنَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٨﴾
 اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَبْحَلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ
 وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَادِقِينَ ﴿٩﴾ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ
 لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَالْقَوْهُ فِي غِيَبَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ
 السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿١٠﴾ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ
 يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ وَلَنَصْحُونُ ﴿١١﴾ أَرْسَلَهُ مَعَا غَدَايَرَتَع وَيَلْعَبُ
 وَإِنَّا لَهُ وَلَحَافِظُونَ ﴿١٢﴾ قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ
 أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ ﴿١٣﴾ قَالُوا لَئِنْ
 أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَخَسِرُونَ ﴿١٤﴾

﴿۵﴾ گفت ای پسر من خواب خود را پیش برادران خود بیان مکن که آنگاه در حق توحیله را اندیشه کنند هرآئینه شیطان برای آدمی دشمن آشکار است. ﴿۶﴾ و (چنانکه خواب به تونمود) همچنین تورا پروردگارتو برگزیند و تورا از علم تاویل الاحادیث (یعنی تعبیر رویا) بیاموزد و نعمت خود را بر تو و بر فرزندان یعقوب تمام کند چنانکه آن را بر دوجد تو پیش ازین ابراهیم و اسحق تمام کرد هرآئینه پروردگار تودانای استوار کارست. ﴿۷﴾ هرآئینه در قصهٔ یوسف و برادران او برای سوال کنندگان نشانه ها هست. ﴿۸﴾ چون گفتند که یوسف و برادر (یعنی) او نزد پدر ما از ما دوست تر هستند حال آنکه ما جماعتی هستیم، هرآئینه پدر ما در اشتباه روشنی است. ﴿۹﴾ یوسف را بکشید یا به زمین غیر معلوم بیفکنیدش تا توجه پدرتان فقط به شما معطوف گردد و تا بعد از او گروهی شایسته باشید (یعنی توبه کنید). ﴿۱۰﴾ گوینده ای از ایشان گفت: یوسف را مکشید و در قعر تاریک چاه بیفکنیدش تا کسی از مسافران او را برگیرد اگر کنندگانید (این کار را). ﴿۱۱﴾ گفتند ای پدر ما چیست حال تو که ما را بر یوسف امین نمی پنداری حال آنکه هرآئینه ما خیر خواه او هستیم. ﴿۱۲﴾ او را با ما فردا بفرست تا میوه بسیار خورد و بازی کند و هرآئینه ما او را نگاهبانیم. ﴿۱۳﴾ گفت هرآئینه مرا اندوهگین می کند آنکه ببردش و می ترسم از آنکه او را گرگ بخورد و شما زوی بی خبر باشید. ﴿۱۴﴾ گفتند اگر او را گرگ بخورد حال آنکه ما گروهی هستیم به راستی ما آنگاه البته زیان کار باشیم.

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ ۖ وَاجْمَعُوا أَن يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا
إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهُمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٥﴾ وَجَاءُ وَ
أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ ﴿١٦﴾ قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ
وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتْعِنَا فَاكُلْهُ الدَّيْبُ ۖ وَمَا أَنْتَ
بِمُعِذٍ مِنَّا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ ﴿١٧﴾ وَجَاءُ وَعَلَى قَمِيصِهِ
بَدْمٌ كَذِبٌ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ
وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾ وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ
فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ ۖ قَالَ يَبْشَىٰ هَذَا غُلَامٌ ۚ وَأَسْرَوْهُ
بِضْعَةٍ ۖ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ
دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَقَالَ
الَّذِي اشْتَرَاهُ مِن مِّصْرَ لَا مِرَاتٍ ۖ أَكْرَمَىٰ مَثْوَاهُ عَسَىٰ
أَن يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا ۚ وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي
الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ ۚ وَمِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ ۖ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ
أَمْرِهِ ۚ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢١﴾ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ
وَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٢﴾

﴿۱۵﴾ پس چون او را باخود بردند و عزیمت کردند که در قعر تاریک چاه او را بیفکنند و به سوی او وحی فرستادیم که البته ایشان را به این ماجرای شان خبردار خواهی ساخت در حالیکه ایشان نشناسند. ﴿۱۶﴾ و پیش پدر خود شبانگاه آمدند در حالی که میگریستند. ﴿۱۷﴾ گفتند ای پدر ما هر آئینه ما مسابقه شروع کردیم و یوسف را نزد رخت خویش گذاشتیم پس او را گرگ بخورد و توباور دارنده ما نیستی اگر چه راست گو باشیم. ﴿۱۸﴾ و بر پیراهن او خونی دروغین آوردند یعقوب گفت نه، بلکه برای شما نفسهایتان تدبیری را آراسته است پس کار من صبر نیک است و از خدا مدد طلبیده می شود بر آنچه شما بیان می کنید. ﴿۱۹﴾ و کاروانی آمد پس سقای (یعنی آب آور) خود را فرستادند پس انداخت دل خود را گفت ای مژده من این نوجوانی است و اهل قافله او را سرمایه دانسته پنهان ساختند و خدا داناست به آنچه می کردند. ﴿۲۰﴾ و (برادران) به بهای ناقص درهمی چند شمرده شده فروختندش و در باره یوسف از بی رغبتان بودند. ﴿۲۱﴾ و شخصی که یوسف را از اهل مصر خرید به زن خود گفت جای او را گرامی دار شاید که ما را نفع دهد یا او را فرزند گیریم و همچنین یوسف را در آن سرزمین قراردادیم و تا او را از علم تاویل الاحادیث (یعنی تعبیر خواب) بیا موزیم و خدا بر مراد خود تواناست ولیکن اکثر مردمان نمیدانند. ﴿۲۲﴾ و چون یوسف به نهایت قوت خود رسید او را دانایی و علم دادیم و همچنین نیکوکاران را پاداش میدهیم.

وَرَوَدَتْهُ أَلَيَّ هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ
 وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ
 إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٣﴾ وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا
 لَوْلَا أَنَّ رَأْيَ ابْرَهْمَ رَّبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ
 وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ وَمَنْ عِبَادُنَا الْمُخْلَصِينَ ﴿٢٤﴾ وَأَسْتَبَقَا
 الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا الْبَابِ
 قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ
 أَلِيمٌ ﴿٢٥﴾ قَالَ هِيَ رَوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ
 أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِّنْ
 الْكَاذِبِينَ ﴿٢٦﴾ وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ
 مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٧﴾ فَلَمَّا رَأَىٰ قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ
 مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ ﴿٢٨﴾ يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ
 هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ
 ﴿٢٩﴾ * وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَوِّدُ فَتَاهَا
 عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٣٠﴾

﴿۲۳﴾ یوسف را زنی که او درخانه اش بود از نفس او طلب کرد (واین کنایت از طلب جماع است) و درهارا بَست و گفت پیش آ گفت برخدا پناه می برم بیشک اوسرور من است جایگاه مرا نیکوساخت^(۱) هرائینه ظالمان رستگار نمی شوند. ﴿۲۴﴾ وبه راستی قصد کرد آن زن به سوی یوسف وقصد کردی یوسف به سوی او اگر نبودآنکه یوسف دلیل پروردگار خود را دید، چنین کردیم تا ازوی بدی و بی حیایی را بازگردانیم هرائینه وی از بندگان مخلص ماست. ﴿۲۵﴾ وبایکدیگر به سوی دروازه شتافتند وآن زن پیراهن یوسف را از پشت بدرید وشوهر زن رانزدیک دروازه یافتند گفت چیست جزای کسیکه بااهل توکار بد را خواسته باشد مگر آنکه به زندان انداخته یا عقوبتی درد ناك شود. ﴿۲۶﴾ یوسف گفت این زن مرا از نفس من بانیرنگ خواست وگواهی از قبيله زن گواهی داد که اگر پیراهن یوسف از جلو دریده هست، پس این زن راست گفته است ویوسف ازدورغ گویانست. ﴿۲۷﴾ و اگر پیراهن او ازپشت دریده هست، پس این زن دروغ گفته است ویوسف ازراست گویان است. ﴿۲۸﴾ پس شوهرش چون پیراهن او را ازپشت دریده دید، گفت این قضیه از مکر شما زنان است هرائینه مکر شما زنان بزرگ است. ﴿۲۹﴾ ای یوسف ازین ماجرا درگذر وای زن برای گناه خود طلب آمرزش کن هرائینه تو بوده ای از خطا کنندگان. ﴿۳۰﴾ وگفتند زنانی چند در شهر که زن عزیز نوجوان خود را از نفس او می طلبد هرائینه از روی دوستی دردلش جاکرده است هرائینه ما او را در گمراهی ظاهر می بینیم.

(۱) یعنی خیانت اوتوانم کرد.

فَمَا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً
وَأَتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ
أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا
إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ﴿٢١﴾ قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاودْنَهُ
عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَاءَ امْرَأَتِهِ لَيَفْسُدَنَ
وَلَيَكُونَنَّ مِنَ الصَّغِيرِينَ ﴿٢٢﴾ قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي
إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ
﴿٢٣﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ ﴿٢٤﴾ ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا آلَايَاتِ لَيْسَ جُنَّتْهُ
وَحَتَّى حِينٍ ﴿٢٥﴾ وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٍ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي
أَرَانِي أُعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي
خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ
الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٦﴾ قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا
بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ
مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٢٧﴾

﴿۳۱﴾ پس چون زن عزیزغیت ایشانرا شنید به سوی ایشان قاصد فرستاد و برای ایشان مجلسی مهیا کرد وهریکی را ازایشان کاردی داد و گفت ای یوسف بیرون بیا براین زنان پس چون بدیدندش بزرگ یافتندش و دستهای خویش را بُریدند وگفتند خدا پاک است واین نوجوان بشری نیست، این شخص مگر فرشته ای گرامیقدر نیست. ﴿۳۲﴾ زن عزیز گفت این است آنکه مرا در عشق وی ملامت کرده بودید وهرآئینه ازاونفس او را طلبیدم پس خود را نگاه داشت و اگر آنچه او را می فرمایم نکند البته به زندان انداخته شود و البته باشد از خوارشدگان. ﴿۳۳﴾ یوسف گفت ای پروردگار من زندان نزد من ازآنچه مرا به سوی آن میخوانند دوست تراست و اگر توازنم فریب این زنان را بازنداری البته به ایشان میل کنم و ازنادانان باشم. ﴿۳۴﴾ پس دعای او را پروردگار او قبول کرد پس از یوسف فریب ایشان را بازداشت هرآئینه وی شنوای داناست. ﴿۳۵﴾ باز آن جماعت را بعد از آن که دیده بودند نشانه ها ظاهر شد که البته اوراتامدتی به زندان درآورند^(۱). ﴿۳۶﴾ و به زندان همراه یوسف دوجوان داخل شدند یکی ازایشان گفت هرآئینه خود را به خواب می بینم که از انگور آب می گیرم و دیگری گفت که هرآئینه خود را به خواب می بینم که بر سر خود نانی که مرغان از آن میخورند برداشته ام ما را به تعبیر این خواب خبردارکن هرآئینه ما تو را از نیکوکاران می بینیم. ﴿۳۷﴾ گفت نخواهد آمد بشماهیچ طعامی که آن را داده می شوید مگر شمارا به تعبیر آن پیش از آنکه بیاید به شما خبردارکنم این تعبیر از آن قبیل است که مرا پروردگار من آموخته است هرآئینه من ترك کردم کیش قومی که به خدا ایمان نمی آورند وایشان به آخرت اعتقاد ندارند.

(۱) یعنی مشورت کردند که یوسف را به زندان باید کرد تا نزد مردمان براهت زلیخا ظاهر شود.

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِيِ إِِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ
لَنَا أَنْ نَشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى
النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٢٨﴾ يَصْحَبِي
السَّجْنَاءُ أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَحِيدُ الْقَهَّارُ
﴿٢٩﴾ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ
وَعَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ
أَمْرًا أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾ يَصْحَبِي السَّجْنَاءُ أَمَّا أَحَدُكُمَا
فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَّا الْآخَرُ فَيُصَلِّبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ
مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ ﴿٣١﴾ وَقَالَ
لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنَسَهُ
الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السَّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ
﴿٣٢﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ
سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا
الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِن كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ ﴿٣٣﴾

﴿۳۸﴾ و کیش پدران خود را، ابراهیم و اسحق و یعقوب را پیروی کردم نشاید ما را که چیزی را شریک خدا مقرر کنیم، این از فضل خدا بر ما و بر مردمان است ولیکن بیشتر مردمان شکر نمی کنند. ﴿۳۹﴾ ای دویار زندان آیامعبودان پراکنده بهتراند یا خدا یکنای غالب. ﴿۴۰﴾ غیر از خدا عبادت نمی کنید مگر نام هایی چند را که آنها را شما و پدران تان نام نهاده اید خدا بر آنها هیچ دلیلی نفرستاده است فرمانروایی نیست مگر خدا را، فرمود که عبادت مکنید مگر وی را فقط این کیش درست است ولیکن بیشتر مردمان نمی دانند. ﴿۴۱﴾ ای دویار زندان امایکی از شما پس سرور خود را شراب بنوشاند و اما آن دیگر پس بردار کشیده شود پس مرغان از سراو بخورند فیصله کرده شد کاری که در آن سوال می کنید. ﴿۴۲﴾ و یوسف به شخصی که دانسته بود که خلاص یابنده است از آن دو کس گفت مرا نزد سرور خود یاد کن پس شیطان فراموش گردانید از خاطروی که پیش مولای خود یاد کند پس یوسف در زندان چند سال ماند. ﴿۴۳﴾ و گفت پادشاه هر آئینه من به خواب می بینم که هفت گاو فربه آن هارا هفت گاو لاغر میخورند و هفت خوشه سبزا و هفت خوشه دیگر خشک رامی بینم ای جماعت مرا درباره خواب من اگر خواب را تعبیر می گوئید جواب دهید.

قَالُوا أَضُغْتُ أَهْلَمُ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَهْلَمِ بِعَالِمِينَ ﴿٤٤﴾
 وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ
 فَأَرْسَلُونِ ﴿٤٥﴾ يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ
 سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ
 وَأُخْرَىٰ يَأْسَتِ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٤٦﴾ قَالَ
 تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدتُّمْ فَذَرُوهُ فِي سُنبُلِهِ إِلَّا
 قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ
 مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَحْصِنُونَ ﴿٤٨﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ
 عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعَصِرُونَ ﴿٤٩﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي
 بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ أَرْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ فَسْأَلْهُ مَا بَالُ
 النِّسْوَةِ الَّتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ﴿٥٠﴾
 قَالَ مَا خَطْبُكُمْ إِذْ رَأَوْتُنَّ يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ
 لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ الْفَن حَصْحَصَ
 الْحَقُّ أَنَا رَأَوْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصِّدِّيقِينَ ﴿٥١﴾ ذَلِكَ
 لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ ﴿٥٢﴾

﴿۴۴﴾ گفتند این خوابهای شوریده است و ما به تعبیر خوابهای شوریده دانا نیستیم. ﴿۴۵﴾ و گفت از آن دوکس آنکه نجات یافته بود و بعد مدتی به یاد آورد من شمارا به تعبیر این خواب خبر می دهم پس مرا بفرستید^(۱). ﴿۴۶﴾ گفت ای یوسف ای راست گو جواب ده مارا درین (خواب) که هفت گاوفره ایشان را هفت گاو لاغر میخورند و هفت خوشه سبز و هفت خوشه دیگر خشک، بُود که من به سوی مردمان بازگردم تا ایشان بدانند. ﴿۴۷﴾ گفت هفت سال پی در پی بر عادت خود زراعت می کنید پس آنچه به دروید درخوشه آن بگذاریدش مگر اندکی از آنچه می خورید. ﴿۴۸﴾ باز بعد از آن هفت سال سخت بیاید که بخورند آنچه برای آنها سابق ذخیره نهاده بودید مگر اندکی از آنچه به احتیاط نگاه دارید. ﴿۴۹﴾ باز بیاید بعد از آن سالی که درو باران فرستاده شود بر مردمان، و درو از انگور و غیر آن^(۲) آب گیرند. ﴿۵۰﴾ و پادشاه گفت یوسف را پیش من بیارید پس چون نزد یوسف فرستاده پادشاه آمد گفت به سوی سرور خود بازگرد پس او را سوال کن چیست حال آن زنان که دستهای خویش را بریدند هر آئینه پروردگار من به حيله بازی ایشان داناست^(۳). ﴿۵۱﴾ گفت پادشاه حال شما وقتی که خواستید یوسف را از نفس او (یعنی تا بلغزانیدش) چه بُود گفتند پاکی خدا را است بر یوسف هیچ گناهی ندانستیم، گفت زن عزیز اکنون ظاهر شد سخن راست که او را از نفسش من طلبیدم و هر آئینه او را راست گویان است. ﴿۵۲﴾ (گفت یوسف) این همه برای آنست تا بداند عزیز که من غائبانه خیانت او نکرده ام و بداند که خدا خیانت کنندگان را راه نمی نماید.

(۱) مترجم گوید پس به سوی یوسف فرستادند و ملاقات کرد و الله اعلم.

(۲) پادشاه این تعبیر را شنیده مشتاق ملاقات یوسف گشت و یوسف علیه السلام مدتی توقف نمود تا براءت ذمه اش ظاهر گردد و الله اعلم.

(۳) یعنی شهادت بر اقرار زلیخا به عفت یوسف پوشیده اند و الله اعلم.

* وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي
 إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٣﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُؤْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصُهُ
 لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ ﴿٥٤﴾
 قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْمُ ﴿٥٥﴾ وَكَذَلِكَ
 مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ
 بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾ وَلَا أَجْرُ
 الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٧﴾ وَجَاءَ
 إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ
 ﴿٥٨﴾ وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ قَالَ أَتُؤْنِي بِأَخٍ لَكُمْ مِنْ أَبِيكُمْ أَلَا
 تَرَوْنَ أَنِّي أَوْفِي الْكَيْلِ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ﴿٥٩﴾ فَإِنْ لَمْ تَأْتُونِي
 بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ ﴿٦٠﴾ قَالُوا سَرُدُّ عَنْهُ أَبَاهُ
 وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ﴿٦١﴾ وَقَالَ لِفَتِيدِهِ اجْعَلُوا بِضْعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ
 لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ
 ﴿٦٢﴾ فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَى أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ
 فَأَرْسِلْ مَعَنَا آخَانَا نَكْتَلْ وَإِنَّا لَهُ لَحَفِظُونَ ﴿٦٣﴾

﴿۵۳﴾ و نفس خود را به پاکی صفت نمی کنم، هر آئینه نفس به بدی بسیار فرمان دهنده است مگر آن وقت که پروردگار من مهربانی کند هر آئینه پروردگار من آمرزنده مهربانست.

﴿۵۴﴾ و گفت پادشاه پیش من بیاریش تا خالص برای خدمت خود مقرر کنم پس چون سخن گفت بایوسف ^(۱) گفت ای یوسف هر آئینه تو امروز پیش ماصاحب قدر امانت داری. ﴿۵۵﴾ گفت مرا برخزانهای این سرزمین مقرر کن هر آئینه من محافظت کننده دانایم. ﴿۵۶﴾ و همچنین یوسف را در آن سرزمین تمکین دادیم، قرار می گرفت از آن سرزمین هر جاکه میخواست، به رحمت خود هر که را خواهیم می رسانیم و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کنیم. ﴿۵۷﴾ و البته پاداش آخرت آنان را که ایمان آورده اند و پرهیزگاری می کردند بهتر است ^(۲). ﴿۵۸﴾ و برادران یوسف آمدند پس بروی داخل شدند پس ایشان را به شناخت و ایشان اورانشناختند. ﴿۵۹﴾ و چون برای ایشان سامان ایشان را مهیا کرد گفت پیش من برادر (علاتی ناتنی) خود را که از پدر شماست بیارید آیا نمی بینید که من پیمانه را تمام میدهم و من بهترین پذیرایی کنندگانم. ﴿۶۰﴾ پس اگر او را پیش من نیاوردید پس هرگز برای شما نزد من پیمانه نباشد و هرگز به من نزدیک نشوید. ﴿۶۱﴾ گفتند او را از پدرش خواهیم خواست، ما البته این کار را خواهیم کرد. ﴿۶۲﴾ و یوسف غلامان خود را گفت سرمایه ایشان را در خرجینهای ایشان، بنهید شاید ایشان آن را بشناسند چون به اهل خویش باز روند بود که ایشان باز آیند ^(۳). ﴿۶۳﴾ پس چون به سوی پدر خویش بازگشتند گفتند ای پدر ما از ما پیمانه منع کرده شد پس ما برادر ما را بفروست تا پیمانه گیریم و هر آئینه مانگهان وی هستیم.

(۱) یعنی قابلیت او را شناخت.

(۲) بعد از آن قحط افتاد در جمیع نواحی مصر و شام اولاد یعقوب را مشقت بسیار رسید به سوی یوسف متوجه شدند والله اعلم.

(۳) یعنی به سبب دادن طعام و به گرفتن سرمایه دیگر بار دیگر طمع کنند والله اعلم.

قَالَ هَلْ ءَامَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا ءَامَنُتُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ
 قَبْلُ قَالَ اللَّهُ خَيْرَ حَفِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿٦٤﴾ وَلَمَّا فَتَحُوا
 مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضْعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا بَانَا
 مَا نَبِغِي هَذِهِ بِضْعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ
 أَخَانَا وَنَزِدُكَ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلُ يَسِيرٍ ﴿٦٥﴾ قَالَ
 لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُوا مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنِي
 بِهِ إِلَّا أَن يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّاءُ اتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا
 نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٦٦﴾ وَقَالَ يَبْنَئِي لَأَتَدْخُلُوهُ مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ
 وَأَدْخُلُوهُ مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ
 شَيْءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
 الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٦٧﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا كَانَ
 يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ
 قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ
 لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ
 قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦٩﴾

﴿۶۴﴾ یعقوب گفت شمارا بروی امین نگیرم مگر چنانکه شمارا بربرادر وی پیش ازین امین گرفته بودم پس خدا نگاه دارنده بهتر است و اومهربان ترین مهربانان است. ﴿۶۵﴾ و چون رخت خود را به کشادند سرمایه خود را باز گردانیده شده به ایشان یافتند گفتند ای پدر ما چه می خواهیم این است سرمایه به سوی ما باز گردانیده شد (پس بازویم به مَلِک) و غله آوریم برای اهل خود و برادر خود را حفاظت کنیم و زیاده آوریم پیمانۀ یک شتر آنچه آورده ایم پیمانۀ اندک است. ﴿۶۶﴾ گفت نفرستم اورا باشما تا آنکه مرا عهدی از خدا دهید که البته اورا به من باز آرید مگر آنکه گرفتار کرده شوید پس چون عهد خویش دادندش یعقوب گفت خدا بر آنچه می گوئیم نگهبان است. ﴿۶۷﴾ و گفت ای پسران من از یک دروازه داخل نشوید و از دروازه های پراکنده درآیید^(۱) و از سر شما چیزی را از قضای خدا دفع نمی کنم، فرمانروایی نیست مگر خدا را بروی توکل کردم و بروی باید که متوکلان توکل کنند. ﴿۶۸﴾ و چون داخل شدند از آن راه که ایشان را پدرایشان فرموده بود دفع نمی توانست کرد از سرایشان چیزی را از قضای خدا، لیکن خطری را که در دلش بود سرانجام داد و هر آئینه او خداوند دانش بود به آنچه ما اورا آموخته بودیم ولیکن اکثر مردمان نمی دانند. ﴿۶۹﴾ و چون بر یوسف داخل شدند جای داد به سوی خود برادر تنی (یعنی عینی) خود را گفت هر آئینه من برادر توام پس اندوهگین مباش به سبب آنچه می کردند.

(۱) یعنی تا چشم زخم نرسد.

فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ
ثُمَّ أَذِنَ مُؤَدِّنُ أَيَّتُهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ ﴿٧٠﴾ قَالُوا
وَأَقْبِلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقِدُونَ ﴿٧١﴾ قَالُوا نَفَقْدُ صَوَاعَ الْمَلِكِ
وَلَمَنْ جَاءَ بِهِ هِجْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ ﴿٧٢﴾ قَالُوا تَاللَّهِ
لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ
﴿٧٣﴾ قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ ﴿٧٤﴾ قَالُوا جَزَاؤُهُ
مَنْ وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ
﴿٧٥﴾ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ
وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ
فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ
وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾ * قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ
فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ
وَلَمْ يُبَدِّهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا
تَصِفُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا
فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٧٨﴾



﴿۷۰﴾ پس وقتی که برای ایشان سامان ایشان را مهیا کرد جام (پادشاه) را در خرچین برادر خود نهاد بعد از آن آواز داد آواز دهنده ای که ای کاروان هرآئینه شما دزدید. ﴿۷۱﴾ روبه سوی ایشان درآورده گفتند چیست آنچه گم کرده اید. ﴿۷۲﴾ گفتند پیمانهٔ پادشاه را گم کرده ایم و برای کسی که بیاوردش يك بار شتر باشد و من به این وعده ضامنم. ﴿۷۳﴾ گفتند به خدا قسم هرآئینه دانسته اید که نیامده ایم ماما در زمین فساد کنیم و هرگز دزد نبوده ایم. ﴿۷۴﴾ گفتند پس چیست جزای این فعل اگر دروغ گو باشید. ﴿۷۵﴾ گفتند جزای این فعل کسی است که متاع در خرچین او یافته شود پس همان شخص جزای او باشد^(۱) همچنین ستم کاران را جزای دهیم. ﴿۷۶﴾ پس یوسف به تفحص خرچینهای ایشان پیش از خرچین برادر خود شروع کرد بعد از آن پیمانه را از خرچین برادر خود برآورد همچنین تدبیر کردیم برای یوسف نمی توانست که برادر خود را به حکم قانون پادشاه اسیر گیرد لیکن (اسیر گرفتار) به مشیت خدا بلندی گردانیم مراتب کسی را که خواهیم و بالای هر خداوند دانش دانایی هست. ﴿۷۷﴾ گفتند اگر (او) دزدی کرده باشد دور نیست که برادر او پیش ازین دزدی کرده بود پس یوسف این سخن را در دلش پنهان داشت و آن را پیش ایشان آشکار نکرد گفت (دردل خود) شما در منزلت بدترید و خدا دانا است به آنچه وصف می کنید. ﴿۷۸﴾ گفتند ای عزیز هرآئینه او را پدریست پیر، کلان سال پس یکی را از ما به جای او بگیر هرآئینه ما تو را از نیکوکاران می بینیم.

(۱) یعنی اورا غلام گیرند والله اعلم.

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَّعَيْنَاهُ وَإِنَّا
 إِذَا الظَّالِمُونَ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا أَسْتَيْسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا
 قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ آبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ
 مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَمَنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ
 الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ
 ﴿٨٠﴾ أَرْجِعُوا إِلَى آبَائِكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ
 وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمَنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ
 ﴿٨١﴾ وَسَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا
 وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٨٢﴾ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا
 فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ
 الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٨٣﴾ وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ
 يُوسُفَ وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ
 ﴿٨٤﴾ قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَوْؤُا تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا
 أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ ﴿٨٥﴾ قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَثِّي
 وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾

﴿۷۹﴾ گفت بر خدا پناه می برم از آنکه بگیریم مگر کسی را که متاع خویش را نزد او یافته ایم به تحقیق آنگاه ستمکار باشیم. ﴿۸۰﴾ پس چون از وی ناامید شدند، تنها به خلوت رفتند مشوره کنان بزرگ ترین ایشان گفت آیندانبسته اید که پدر شما بر شما عهدی از خدا گرفته است و پیش ازین در حق یوسف کوتاهی کرده بودید پس این سرزمین را ترك نخواهم كرد تا وقتیکه مرا پدرم اجازه دهد یا برایم خدا حكم كند واوبهترین حكم كنند گان است. ﴿۸۱﴾ (ای برادران) به سوی پدر خویش باز روید پس بگوئید ای پدر ما هر آینه پسر تودزدی كرد و گواهی ندادیم الا به آنچه می دانستیم^(۱) علم غیب را نمی دانستیم. ﴿۸۲﴾ وپرس دهمی را كه در آن بودیم وكاروانی را كه با آن باز آمده ایم والبته ماریاست گویانیم. ﴿۸۳﴾ گفت (یعقوب) بلکه برای شما نفسهای شماکاری را آراسته كرده است پس حال من صبر نيك است امید آنست كه خدا پیش من همگی ایشان را بیارد هر آینه اودانای با حكمت است. ﴿۸۴﴾ واز ایشان روبگردانید و گفت وای اندوه من بریوسف و دو چشم او از اندوه سفید شدند پس اواز غم پُر شده بود. ﴿۸۵﴾ گفتند به خدا همیشه هستی كه یوسف را یاد می كنی تا آنكه بیمار شوی یا از هلاك شد گان شوی. ﴿۸۶﴾ گفت جز این نیست كه غم سخت و اندوه خود را به جناب خدا بیان می كنم ومی دانم از جانب خدا آنچه را كه نمی دانید.

(۱) یعنی گفتند ﴿جَزَّوَدُ مِنْ وَجَدِي رَحْلَهُ فَهُوَ جَزَّوَدٌ﴾ والله اعلم.

يَبْنِي أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَأْيَسُوا
 مِنْ رَّوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْيِسُ مِنْ رَّوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ
 الْكَافِرُونَ ﴿٨٧﴾ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ
 مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضْعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا
 الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ
 ﴿٨٨﴾ قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ
 جَاهِلُونَ ﴿٨٩﴾ قَالُوا أَإِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ
 وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مِنْ يَتَقٍ وَصَبْرٍ فَإِنَّ
 اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٠﴾ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ
 ءَاثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَطِئِينَ ﴿٩١﴾ قَالَ لَا تَثْرِيبَ
 عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ
 ﴿٩٢﴾ أَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ
 بَصِيرًا وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٣﴾ وَلَمَّا فَصَلَتِ
 الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ
 تُفَنِّدُونِ ﴿٩٤﴾ قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ ﴿٩٥﴾

﴿۸۷﴾ ای پسران من بروید پس از یوسف و برادر او جستجو کنید و از رحمت خدا ناامید مباشید هر آئینه (سخن اینست که) از رحمت خدا مگر گروه کافران ناامید نمی شوند.

﴿۸۸﴾ پس چون بر یوسف داخل شدند گفتند ای عزیز به ما و اهل ماسختی رسیده است و سرمایه ناچیز (یعنی اندک) آورده ایم پس ما را پیمانه تمام ده و بر ما صدقه کن هر آئینه خدا صدقه دهندگان را جزای دهد. ﴿۸۹﴾ گفت آیا دانستید (قبح) آنچه به یوسف و برادرش می کردید وقتی که شما نادان بودید. ﴿۹۰﴾ گفتند آيا به تحقیق تو یوسفی؟ گفت من یوسفم و این برادر من است هر آئینه خدا بر ما مَّت نهاد هر آئینه (سخن این است که) هر که پرهیزگاری کند و صبر نماید پس خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی سازد. ﴿۹۱﴾ گفتند قسم به خدا هر آئینه تو را خدا بر ما برتری داده است و هر آئینه ما خطا کننده بودیم. ﴿۹۲﴾ گفت هیچ سرزنش امروز بر شما نیست خدا شما را بیامرزد و او مهربان ترین مهربانان است. ﴿۹۳﴾ این پیراهن مرا ببرید پس بر چهره پدرم بیفکنیدش تا بینا شود و پیش من همگی اهل خویش را بیارید. ﴿۹۴﴾ و چون کاروان جدا شد (یعنی از شهر) گفت پدرایشان هر آئینه من بوی یوسف را می یابم اگر مرا به نقصان عقل نسبت نکنید. ﴿۹۵﴾ گفتند به خدا قسم هر آئینه تو در خطای قدیم خودی.

فَلَمَّا أَن جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا ۖ قَالَ
 أَلَمْ أَقُلْ لَّكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾ قَالُوا
 يَبْنَابًا نَا أَسْتَغْفِرُ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ﴿٩٧﴾ قَالَ سَوْفَ
 أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٩٨﴾ فَلَمَّا
 دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ ءَاوَىٰ إِلَيْهِ أَبْوِيَهُ وَقَالَ ادْخُلُوا مَعِيَ
 إِن شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ ﴿٩٩﴾ وَرَفَعَ أَبْوِيَهُ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا
 لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَبْنَابَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا
 رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُم
 مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي ۚ إِنَّ
 رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿١٠٠﴾ رَبِّ
 قَدْ ءَاتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ
 فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿١٠١﴾ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ
 الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ
 وَهُمْ يَمْكُرُونَ ﴿١٠٢﴾ وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾

﴿۹۶﴾ پس چون پیش وی مژده دهنده بیامد پیراهن را برصورت وی انداخت پس بینا گشت گفت آیا به شما نگفته بودم که هرآئینه من میدانم از جانب خدا آنچه را که نمیدانید. ﴿۹۷﴾ گفتند ای پدر ما برای ما در حق گناهان ما آمرزش طلب کن هرآئینه ما گنهگار بودیم. ﴿۹۸﴾ گفت به زودی برای شما از پروردگار خود طلب آمرزش خواهیم کرد هرآئینه او آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۹۹﴾ پس چون بریوسف درآمدند (یعنی درخیمه اش و او برای استقبال برآمده بود) پدر و مادر خود را به سوی خود جای داد و گفت به مصر اگر خدا خواسته باشد ایمن شده درآید. ﴿۱۰۰﴾ و پدر و مادر خود را بر تخت خود بالا بُرد و ایشان به سوی او سجده کنان افتادند و گفت ای پدر من این تعبیر خواب من است که پیش ازین دیده بودم هرآئینه آنرا پروردگار من راست ساخت و به من نعمت فراوان داد چون مرا از زندان بیرون آورد و شمارا از صحرا آورد بعد از آنکه شیطان میان من و میان برادران من خلاف افکند هرآئینه پروردگار من تدبیر نیک سازنده است چیزی را که میخواهد هرآئینه او دانای با حکمت است. ﴿۱۰۱﴾ ای پروردگار من مرا پادشاهی دادی و مرا تاویل احادیث آموختی (یعنی علم تعبیر خواب) ای پیدا کنندهٔ آسمان ها و زمین تویی کارساز من در دنیا و آخرت مرا مسلمان بمیران و مرا با صالحان ملحق کن. ﴿۱۰۲﴾ (یا محمد) این داستان از اخبار غیب است آن را به سوی تو وحی می کنیم و تو نزد ایشان نبودی چون بر مشورهٔ خود توطئه کنان عزم کردند. ﴿۱۰۳﴾ اکثر مردمان - و اگر چه حرص کنی - مسلمان نخواهند بود.

وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ
 ﴿١٠٤﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا
 وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ﴿١٠٥﴾ وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا
 وَهُمْ مُشْرِكُونَ ﴿١٠٦﴾ أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ
 اللَّهِ أَتَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٠٧﴾ قُلْ
 هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعِيَ
 وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٨﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ
 قَبْلِكَ إِلَّا رَجَالًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ أَفَلَمْ يَسِيرُوا
 فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ
 قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠٩﴾
 حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا
 جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَّشَاءُ وَلَا يَرْدُ بَاسُنَا عَنْ الْقَوْمِ
 الْمُجْرِمِينَ ﴿١١٠﴾ لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ
 مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ
 وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١١١﴾

﴿۱۰۴﴾ و سوال نمی کنی از ایشان برتبلیغ قرآن هیچ مزدی، این نیست مگر پندی برای جهانیان. ﴿۱۰۵﴾ و بسا در آسمان ها وزمین نشانه‌هایند از تأمل در آن اعراض کنان بر آن می گذرند. ﴿۱۰۶﴾ و ایمان نمی آورند اکثر ایشان به خدا مگر آنکه آنان (به نوعی) مشرک اند. ﴿۱۰۷﴾ آیا ایمن شده اند از آنکه به ایشان عقوبتی عام از عذاب خدا بیاید یا به ایشان قیامت ناگهان بیاید و ایشان آگاه نباشند. ﴿۱۰۸﴾ بگواین راه من است به سوی خدا باحیث ظاهر می خوانم، من و پیروان من و پاکی خدا راست و من از مشرکان نیستم. ﴿۱۰۹﴾ و نفرستاده‌ایم پیش از تو مگر مردانی را که به سوی ایشان از اهل ده ها وحی میفرستادیم آیا در زمین سیر نکرده‌اند تا ببینند آخر کار آنانکه پیش از ایشان بودند چگونه شد و هر آئینه متقیان را سرای آخرت بهترست ایانمی فهمید. ﴿۱۱۰﴾ (مهلت دادیم تا وقتیکه چون پیامبران ناامید شدند و گمان کردند قوم ایشان که به ایشان به دروغ وعده کرده شده به ایشان نصرت ما آمد پس هر کرا خواستیم نجات داده شد و عذاب ما از گروه ستمکاران بازداشته نمی شود. ﴿۱۱۱﴾ هر آئینه در داستانهای پیامبران پندی هست برای خداوندانِ خِرَد قرآن سخنی نیست که به دروغ بر یافته شود ولیکن هست باوردارنده آنچه پیش از آن هست و بیان کننده هر چیز و هدایت و بخشایش برای مسلمانان است.

سُورَةُ الرَّعْدِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْمَرْءُ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ
وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ
بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ أَسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ
يَلْقَآءَ رَبَّكُمْ تَوْقِنُونَ ﴿٢﴾ وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَواسِيَ
وَأَنْهَارًا وَ مِنْ كُلِّ الشَّجَرِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلَ
النَّهَارُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٣﴾ وَفِي الْأَرْضِ
قِطْعٌ مَّتَجَوَّزَةٌ وَجَنَّتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ
وغيرُ صِنْوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِضَ لِّبَعْضِهَا عَلَى بَعْضٍ
فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٤﴾ وَإِنْ تَعَجَّبَ
فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَءَاكُنَّا ثَرَابًا ۖ أَلَمْ يَكُنْ فِي خَلْقِ جَدِيدٍ
أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَعْلَىٰ فِي
أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٥﴾

سوره رعد مدنی است و آن چهل و سه
آیه و شش رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ اَلَمْ ر این ها آیاتِ قرآنند و آنچه فرو فرستاده شد به سوی تراز پروردگارت راست است ولیکن اکثر مردمان ایمان نمی آورند. ﴿۲﴾ خدا آنست که آسمانها را به غیر ستون هائیکه آن را به بینید برداشت بعد از آن بر عرش مستقر شد و خورشید و ماه را مسخر کرد هر یکی به میعاد معین سیر میکند تدبیر کار می نماید نشانه هارا بیان می کند تا شما به ملاقات پروردگار خود یقین آورید. ﴿۳﴾ و او آنست که زمین را گسترد و در آن کوه ها و نهرها را و از هر نوع میوه آفرید در زمین دو قسم آفرید (ترش و شیرین خوب و بد) شب را به روز می پوشاند هر آئینه درین نشانه هاست قومی را که تفکر می کنند. ﴿۴﴾ و در زمین تکه های مختلف پیوسته بایکدیگر است و بوستانهایی از درختان انگور و کشت زارست و درختان خرما بعضی بسیار پُر شاخ و بعضی غیر از آن، به يك آب آبیاری می شوند و بعضی را بر بعضی در طعم میوه ها برتری می دهیم هر آئینه در این نشانه ها است قومی را که می فهمند. ﴿۵﴾ و اگر تعجب کنی پس سخن ایشان عجب است که آیا وقتی که خاك شویم آیا ما البته در آفرینشی نخواهیم بود، ایشانند آنانکه به پروردگار خویش نامعتقد شدند و ایشانند (به این صفت) که طوق در گردن ایشان باشد و ایشان اهل آتش اند ایشان در آنجا جاویدان باشند.

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ
قَبْلِهِمُ الْمَثَلَتُ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ
وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٦﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا
أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرُ لِكُلِّ قَوْمٍ
هَادٍ ﴿٧﴾ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ
وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ ﴿٨﴾ عَلِيمُ الْغَيْبِ
وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ ﴿٩﴾ سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ
أَسْرَأُ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ
بِالنَّهَارِ ﴿١٠﴾ لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ
يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا
مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءَ أَفْلٍ أَمَرَدَ لَهُ وَمَا
لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ ﴿١١﴾ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا
وَطَمَعًا وَيُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ ﴿١٢﴾ وَيَسْجِي الرِّعْدُ بِحَمْدِهِ
وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا
مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ ﴿١٣﴾

﴿۶﴾ واز تو عقوبت پیش از راحتى به شتاب مى طلبند وهرآئینه پیش از ایشان عقوبت ها گذشته است وهرآئینه پروردگار تو برای مردمان باوجود ستمکار بودن ایشان خداوند آمرزش است و هرآئینه پروردگار تو سخت عقوبت است. ﴿۷﴾ وکافران مى گویند چرا براین پیامبر نشانه‌ای از پروردگار او فرستاده نشد (یا محمد) جزاین نیست که تو بیم دهنده ای وهرقومی راه را نه نمایی است. ﴿۸﴾ خدا آنچه هر ماده در شکم دارد مى داند وآنچه رحم ها ناقص میکنند وآنچه زیاده مى گردانند وهرچیزی نزد او به اندازه است. ﴿۹﴾ به پنهان و آشکار داناست بزرگ است بلند مرتبه است. ﴿۱۰﴾ یکسان است از شما کسی که سخن را بپوشد وکسیکه آن را به آواز بلند گوید وکسی که وی در شب پنهان است وکسی که او در روز راه میرود. ﴿۱۱﴾ برای آدمی فرشتگانند از پی یکدیگر، آینده میان دو دست او و پشت سراو او را به حکم خدا نگاه میدارند هرآئینه خدا تغییر نمی دهد حالتی را که به قومی باشد تاوقتی که ایشان تغییر دهند آنچه در نفسهای ایشان است وچون خدا به قومی عقوبت را اراده کند پس آن را باز گردانیدن نیست و ایشان را بجز وی هیچ کارسازی نیست. ﴿۱۲﴾ اوست آنکه شمارا برق برای پیدا کردن ترس و امید مى نماید ابرهای گران را پدید مى آورد. ﴿۱۳﴾ و رعد باستایش او وفرشتگان نیز از ترس او به پاکی یاد مى کنند، و صاعقه ها را مى فرستد پس آنرا به هر که خواهد میرساند وکافران درباره خدا مکابره مى کنند و او بسیار با قوت است.



لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ شَيْءٌ إِلَّا
 كَبْسٌ طَبَقْتَهُ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغٍ ۚ وَمَا دَعَاءُ الْكَافِرِينَ
 إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿١٤﴾ وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا
 وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿١٥﴾ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذُ ثَمَرٍ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ
 لِأَنفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ
 تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا الْخَلْقَ ۚ فَتَشَبَّهَ
 الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿١٦﴾ أَنْزَلَ
 مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا أَرِيًّا
 وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ ۚ
 كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً
 وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ
 الْأَمْثَالَ ﴿١٧﴾ لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْحُسْنَىٰ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا
 لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَا فِتْنَةٌ لَهُمْ ۚ
 أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٨﴾

﴿۱۴﴾ دعای حق برای اوست^(۱) و آنانکه کافران ایشان را به جای خدا میخوانند دعای ایشان را به هیچ وجه قبول نمی‌کنند مگر مانند کسی که دو دست خود را به سوی آب بگشاید تا بدهنش برسد، و آن آب هرگز بدهان او رسیده نیست و نیست دعای کافران مگر در گمراهی (بیفائدگی). ﴿۱۵﴾ و خدا را خواهان و ناخواهان سجده می‌کند هر که در آسمان‌ها و زمین است و سایه‌های ایشان به وقت صبح و شام^(۲) سجده می‌کنند. ﴿۱۶﴾ بگو پروردگار آسمان‌ها و زمین کیست بگو (از طرف ایشان) خداست بگو آیا بجز وی دوستانی گرفتید که برای خویشتن سودی و نه زبانی نمی‌توانند بگو آیا نابینا و بینا برابریست (هرگز) آیا تاریکی‌ها و روشنی برابریست آیا مقرر کرده اند برای خدا شریکانی که مانند آفریدن خدا آفریده باشند پس آفرینش برایشان مشتبّه شده است بگو خدا آفریننده^۳ هر چیز است و او یگانه^۴ غالب است. ﴿۱۷﴾ از آسمان آب را فرو فرستاد پس رودها به اندازه خویش روان شدند پس آب روان کفی را که بالای آب بلند شده برداشت و از آنچه می‌گذازندش در آتش به طلب پیرایه یا به طلب رختِ خانه کفی هست مانند کفِ آب همچنین خدا مثل حق و باطل را بیان می‌کند، اما آن کف پس ناچیز شده می‌رود و اما آنچه به مردمان سود می‌رساند در زمین می‌ماند همچنین خدا مثل هارا بیان می‌کند^(۳). ﴿۱۸﴾ برای آنان که سخن پروردگار خویش را قبول کردند حالت نیک است و آنانکه سخن او را قبول نکردند اگر ایشان را آنچه در زمین است همگی باشد و مانند آن همراهش البته آن را آنجماعت فدای خود دهند، ایشان را سختی حساب است و جای ایشان دوزخ است و آن بدجایی است.

(۱) یعنی او را سزد که به جناب او نیاز کنند و دعا طلبند و او اجابت فرماید والله اعلم.

(۲) کافران و منافقان ناخواهان سجده می‌کنند هنگام سختی یا از ترس شمشیر، فرشتگان و مسلمانان خواهان و به رغبت سجده می‌کنند والله اعلم.

(۳) مترجم گوید لابد است که در هر جنس خیر و شر باشد همچنین لابد است که در آدمیان نیکوکاران و بدکاران باشند لیکن نیکوکاران را مستقر می‌سازد و کار ایشان را پیش میبرد و بدکاران را هلاک میکند والله اعلم.

* أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ
 أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿١٩﴾ الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ
 ﴿٢٠﴾ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ
 وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ﴿٢١﴾ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ
 وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَانْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرءُونَ
 بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٢﴾ جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا
 وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّتهمُ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ
 عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٤﴾
 وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ
 مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ
 الْعَذَابُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٢٥﴾ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ
 وَيَقْدِرُ وَفَرَحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا
 مَتَعٌ ﴿٢٦﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ
 إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ ﴿٢٧﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا
 وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿٢٨﴾

﴿۱۹﴾ آیا کسی که میداند آنچه را که فروفرستاده شده به سوی تو از جانب پروردگار تورااست است مانند کسی است که وی نایبناست جزاین نیست که خداوندانِ خرد پندپذیر میشوند. ﴿۲۰﴾ آنانکه به عهد خدا وفامی‌کنند و عهدرا نمی‌شکنند. ﴿۲۱﴾ وآنانکه آنچه را که خدا فرموده است به پیوند کردن آن می‌پیوندند و از پروردگار خویش می‌ترسند و از سختی حساب می‌ترسند. ﴿۲۲﴾ وآنانکه به طلب رضای پروردگارشان شکیبایی کردند^(۱) و نمازرا برپا داشتند و از آنچه ماروزی دادیم به ایشان پنهان و آشکارا خرج کردند با نیکویی بدی را دفع می‌کنند اینانند که پاداش نیک آن سرای همانان را است. ﴿۲۳﴾ ایشان به بوستانهای همیشه جاودان درآیند و هر که از پدران ایشان و زنان ایشان و اولاد ایشان نیکوکار باشد و فرشتگان برایشان از هر دروازه داخل شوند. ﴿۲۴﴾ گویند بر شما سلامتی باد به سبب صبر کردن شما پس پاداش آن سرای نیک است. ﴿۲۵﴾ وآنانکه عهد خدا را بعد استوار کردن آن می‌شکنند و آنچه خدا به پیوند کردن آن فرموده است قطع می‌کنند و فساد می‌کنند آنجماعت ایشان را لعنت است و برای ایشان سختی آن سرای است. ﴿۲۶﴾ خدا روزی را برای هر که خواهد گشاده می‌سازد و (برای هر که خواهد) تنگ می‌سازد و کافران به زندگانی دنیا شادمان شدند و زندگانی دنیا نسبت به آخرت مگر متاع اندک نیست. ﴿۲۷﴾ و می‌گویند کافران چرا بر پیامبر نشانه ای از جانب پروردگارش فرود آورده نشد^(۲) بگو هر آئینه خدا هر که را خواهد گمراه می‌کند و به سوی خویش هر که را که رجوع کرد راه می‌نماید. ﴿۲۸﴾ آنان که ایمان آوردند و دل های ایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد آگاه شو بیاد خدا دل ها آرام می‌گیرند.

(۱) یعنی به طلب رضای او.

(۲) مترجم گوید یعنی از قسمی که درخواست میکردند.

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسَنُ مَّآبٍ ﴿٢٩﴾
كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَ
عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٍ ﴿٣٠﴾ وَلَوْ أَنَّ قُرْءَانًا
سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُفِّرَتْ بِهِ الْمَوْتَى
بَلِ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَأْتِئِسَ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ
اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ
بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ
اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿٣١﴾ وَلَقَدْ أَسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن
قَبْلِكَ فَأَمَلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ
عِقَابِ ﴿٣٢﴾ أَفَمَن هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا
لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ
بِظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ بَل زَيْنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ
السَّبِيلِ وَمَن يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ ﴿٣٣﴾ لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَّاقٍ ﴿٣٤﴾

﴿۲۹﴾ آنان که ایمان آورده اند و کارهای نیک کرده اند خوشایه حالشان و آنان خوب سرانجامی دارند. ﴿۳۰﴾ همچنین تورا درامتی که گذشتند پیش از آن امت های بسیار فرستادیم تا برایشان آنچه وحی فرستادیم به سوی تو بخوانی و ایشان به خدای بخشاینده کافرند بگوا و پروردگار من است هیچ معبود برحقى مگرا و نیست بروى توکل کردم و رجوع من به سوى اوست. ﴿۳۱﴾ و اگر قرآنى مى بود که به آن کوهها روان کرده مى شد یا به آن زمین شکافته مى شد یا مُردگان رابه آن به سخن در آورده میشد (نیزایمان نمى آوردند) بلکه (حقیقت این است که) همگى کار یکجا خدا راست آيا مسلمانان ندانسته اند که اگر خدا مى خواست البته همگى مردمان را راه مى نمود و همیشه کافران به این صفت باشند که به ایشان به سبب آنچه کردند عقوبتى سخت مى رسد یا آن عقوبت نزدیک به خانه ایشان فرو مى آید^(۱) تاوقتى که وعده خدا بیاید هرآئینه خدا وعده را خلاف نمى کند. ﴿۳۲﴾ و هرآئینه به پیامبران پیش از تو تمسخر کرده شد پس کافران را مهلت دادم باز ایشان را گرفتار کردم پس عقوبت من چگونه بود. ﴿۳۳﴾ آیا کسى که برهرکس بجزای آنچه عمل کرده است خبر گیرنده است (مثل این بتان باشد) و کافران برای خدای شریکان مقرر کردند بگو نامهای ایشان را بیان کنی^(۲) آیا خدا را به آنچه نمیداند در زمین خبرمیدید یا به سخن سرسرى فریفته مى شوید^(۳) بلکه آراسته کرده شده است برای کافران اندیشه فاسد ایشان و از راه بازداشته شده اند و هرکه را خدا گمراه کند او را هیچ راهنمایی نیست. ﴿۳۴﴾ برای ایشان درزندگانی دنیا عذاب است و هرآئینه عذاب آخرت سخت ترست و ایشان را از (عذاب) خدا هیچ نگاه دارنده ای نیست.

(۱) مترجم گوید و آن کنایت است از شدتی که ازوی خوف هلاک برایشان مستولی شود به آخرت نجات یابند والله اعلم.

(۲) مترجم گوید یعنی اوصاف ایشان را ذکر کنید تا به اوصاف خدا مقابله کرده شود و فن مماثلت ظاهر گردد والله اعلم.

(۳) یعنی تقلید پدران میکنند در سخن بی اساس والله اعلم.

* مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 أَكْثُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى
 الْكَافِرِينَ النَّارُ ﴿٢٥﴾ وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ
 بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ وَقُلْ إِنَّمَا
 أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَعَابِ
 ﴿٢٦﴾ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ
 مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ ﴿٢٧﴾ وَلَقَدْ
 أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَرْوَاجًا وَذُرِّيَّةً وَمَا كَانَ
 لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ ﴿٢٨﴾
 يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ﴿٢٩﴾ وَإِنْ مَا
 نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ
 وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ ﴿٣٠﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا
 مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ
 الْحِسَابِ ﴿٣١﴾ وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا
 يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفْرُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٣٢﴾

﴿۳۵﴾ صفت بهشتی که متقیان را وعده داده شده است اینست که زیرآن جویها میرود، میوه های او جاویدان است و سایه اش همچنین، سرانجام متقیان این است و سرانجام کافران آتش است. ﴿۳۶﴾ و آنانکه ایشان را کتاب دادیم خوشحال میشوند به آنچه به سوی تو فرستاده شد و ازین جماعت ها کسی است که بعض او را انکارمی کند بگو جز این نیست که مرا فرموده شد که خدا را عبادت کنم و به وی شرک نَرُزَم، به سوی او میخوانم و بازگشت من به سوی اوست. ﴿۳۷﴾ و همچنین قرآن را کتابی عربی فرو فرستادیم و اگر خواهشهای (نفسانی) ایشان را بعد از آنچه آمده است به تو از علم پیروی کنی تو را از عقوبت خدا هیچ کار سازنده و نه نگاه دارنده ای نیست. ﴿۳۸﴾ و هر آئینه پیامبران را پیش از تو فرستادیم و ایشان را زنان و فرزندان دادیم و نشاید هیچ پیامبر را که هیچ نشانه ای مگر به حکم خدا بیارد هر قضایی را اجل و موعدی باشد. ﴿۳۹﴾ نابود میسازد خدا هر چه میخواهد و ثابت می کند هر چه می خواهد ام الكتاب نزد اوست (یعنی لوح محفوظ)^(۱). ﴿۴۰﴾ و اگر تو را بعض آنچه وعده می کنیم به ایشان بنماییم یا قبض روح تو کنیم بهر حال جز این نیست که بر تو پیام رسانیدن است و حساب برماست. ﴿۴۱﴾ آیا ندیدند که ما به این زمین می آییم آنرا از جوانب آن ناقص می سازیم و خدا حکم می کند نیست حکم او را هیچ رد کننده ای و او زود حساب گیرنده است^(۲). ﴿۴۲﴾ و هر آئینه تدبیر کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس همه تدبیر برای خداست میداند آنچه هر نفسی به عمل می آورد و این کافران خواهند دانست که را سرانجام آن سرای باشد.

(۱) مترجم گوید صورت حادثه در عالم ملکوت خلق میفرماید بعد از آن اگر خواهد محو کند و اگر خواهد ثابت دارد و شاید که معنی چنین باشد که هر زمانی را شریعتی هست نسخ می کند خدای تعالی آنچه را می خواهد و ثابت می گذارد آنچه را می خواهد لوح محفوظ نزد اوست والله اعلم.

(۲) یعنی روزه روز شوکت اسلام به زمین عرب منتشر میشود و دار الحرب ناقص میگردد و اطراف آن عامه^۳ مفسرین این آیت را مدنی دانند و نزد مترجم لازم نیست که مدنی باشد و مراد از نقصان دار الحرب اسلام اسلام و غفار و جهینه و غرنة و قبائل دیگر است، و این پیش از هجرت است.

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا
بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ﴿٤٣﴾

سُورَةُ إِبْرَاهِيمَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّكَتَبُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ
إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿١﴾
اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ
لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ
الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ
اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿٣﴾ وَمَا
أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ
فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ ﴿٤﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ
قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِنَا
اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٥﴾

﴿۴۳﴾ و کافران می‌گویند پیامبر نیستی بگو خدا در میان من و شما گواه بس است و کسیکه نزد اوست علم کتاب بس است^(۱).

سوره ابراهیم مکی است و آن پنجاه
و دو آیه و هفت رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ الر این کتابیست که آن را به سوی تو فرو فرستادیم تا مردمان را از تاریکی ها به سوی روشنی به حکم پروردگار ایشان بیرون آوری به سوی راه خدای غالب ستوده. ﴿۲﴾ به راه خدایی که اوراست آنچه در آسمان ها است و آنچه در زمین است و وای بر کافران از عذاب سخت. ﴿۳﴾ آنانکه زندگانی دنیا را بر آخرت اختیار می کنند و مردمان را از راه خدا باز می دارند و در وی کجی را می طلبند^(۲) ایشان در گمراهی دورند. ﴿۴﴾ و نفرستادیم هیچ پیامبر را مگر به زبان قوم او تا برای ایشان بیان کند پس گمراه سازد خدا هر که را خواهد و راه نماید هر که را خواهد و او غالب با حکمت است. ﴿۵﴾ و هر آئینه موسی را به نشانه های خود فرستادیم (گفتیم) که قوم خود را از تاریکی ها به سوی روشنی بیرون آور و ایشان را به روزهای خدا پند ده^(۳) هر آئینه درین برای هر شیکبای شکر گزار نشانه ها و عبرت هاست.

(۱) یعنی احبار یهود می دانند که رسالت آن حضرت صلی الله علیه وسلم صحیح است والله اعلم.

(۲) یعنی به شبهات ثابت می کنند که کج است.

(۳) یعنی به وقایعی که از جانب او بودند.

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
 إِذْ أَنجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ
 وَيَدْبِحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي
 ذَلِكَ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٦﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ
 لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي
 لَشَدِيدٌ ﴿٧﴾ وَقَالَ مُوسَى إِنَّ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي
 الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٨﴾ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ
 الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ
 مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ
 بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا
 بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿٩﴾
 * قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجَكُمْ إِلَى أَجَلٍ
 مُّسَمًّى قَالُوا إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا
 عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿١٠﴾



﴿۶﴾ و (یادکن) آن وقت را که موسی قوم خود را گفت نعمت خدا را برخویش یاد کنید چون شما را از آل فرعون نجات داد به شما سختترین عذاب را میرسانیدند و پسران شما را می کشتند و دختران شما را زنده می گذاشتند و در این حال از پروردگار شما آزمایش بزرگ بود. ﴿۷﴾ و آن وقت که پروردگار شما خبردار ساخت که اگر شکر کنید شما را بیشتر دهم و اگر ناسپاسی کنید هر آئینه عذاب من سخت است. ﴿۸﴾ و گفت موسی اگر شما و هر کس که در زمین است همگی کافر شوید پس هر آئینه خدا توانگر ستوده شده، است. ﴿۹﴾ آیا به شما خبر آنکه پیش از شما بودند قوم نوح و عاد و ثمود نیامده است و کسانی که بعد از ایشان آمدند نمی داند ایشان را^(۱) مگر خدا نزایشان پیامبران ایشان به معجزه ها آمدند پس دستهای خود را در دهانهای خود باز آوردند^(۲) و گفتند هر آئینه ما منکریم به آنچه به آن فرستاده شده اید و هر آئینه ما در شبهه قوی ایم از آنچه ما را به آن می خوانید. ﴿۱۰﴾ گفتند پیامبران ایشان آیا در خدا شبهه ای است آفریننده آسمان ها و زمین میخواند شما را تا برای شما گناهان شمارا بیامرزد و شمارا تاملتی معین موقوف دارد، گفتند شما نیستید مگر آدمی مانند ما می خواهید که ما را از آنچه عبادت میکردند پدران ما بازدارید پس پیش ما حجتی ظاهر بیارید.

(۱) یعنی عدد و صفات ایشان را.

(۲) یعنی از نهایت تعجب و انکار انگشت به دندان گزیدند والله اعلم.

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ
 يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۖ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ
 بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ
 ﴿١١﴾ وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنْصِيرَنَّ
 عَلَىٰ مَاءٍ أَوْ يَتَمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ
 ﴿١٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا
 أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ
 الظَّالِمِينَ ﴿١٣﴾ وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ
 ذَٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ ﴿١٤﴾ وَأَسْتَفْتَحُوا
 وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿١٥﴾ مِّنْ وَرَآيِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ
 مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ ﴿١٦﴾ يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادِي سَيْغُهُ وَيَأْتِيهِ
 الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَآيِهِ
 عَذَابٌ غَلِيظٌ ﴿١٧﴾ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ
 كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ
 مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ﴿١٨﴾

﴿۱۱﴾ به ایشان پیامبران ایشان گفتند نیستیم ما مگر آدمی مانند شما ولیکن خدا نعمت فراوان به هر که خواهد از بند گان خود میدهد و ما را نرسد که حجتی برایتان بیاریم مگر به حکم خدا و مسلمانان باید که بر خدا توکل کنند. ﴿۱۲﴾ و ما را چیست که بر خدا توکل نکنیم و هرآئینه ما را راه های مان نموده است و البته برادیتی که ما را کردید صبر خواهیم کرد و برخدا باید که توکل کنندگان توکل کنند. ﴿۱۳﴾ و کافران پیامبران خویش را گفتند البته شما را از سرزمین خود اخراج کنیم یا دردین ما بازآیید پس به سوی ایشان پروردگار ایشان وحی فرستاد که ستمکاران را هلاک خواهیم کرد. ﴿۱۴﴾ و شما را در زمین بعد از ایشان ساکن خواهیم ساخت این وعده برای کسی است که از ایستادن به پیشگاه من بترسد و از بیم من بترسد. ﴿۱۵﴾ و طلب فتح کردند و هر گردن کش ستیزنده زیان کار شد. ﴿۱۶﴾ پیش روی اودوزخ است و از آب ریم (یعنی چرك و خون جهنمیان) نوشانیده شود. ﴿۱۷﴾ آن را جرعه جرعه فروکشد و نزدیک نبُود از آنکه آن را بسهولت درکشد و موت^(۱) از هر سو بیایدش حال آنکه او نخواهد مرد و پیش روی او عذابی سخت است. ﴿۱۸﴾ مثال آنانکه به پروردگار خویش نامعتقد شدند (این است که) اعمال ایشان مانند خاکستری بُود که سخت وزید بر آن باد در روزی که باد تند دارد قدرت ندارند بر هیچ چیز از آنچه کسب کرده بودند این گمراهی دور است^(۲).

(۱) یعنی اسباب موت بیایدش.

(۲) یعنی اعمال ایشان همه برباد شوند و بدان منتفع نگردند والله اعلم.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَأْ
 يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٩﴾ وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ
 ﴿٢٠﴾ وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا
 إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُّعْتَدُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ
 مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا
 أَجْرُ عَنَّا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ ﴿٢١﴾ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لِمَا
 قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ
 فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا
 أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ
 مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي إِنْ كَفَرْتُ
 بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ
 أَلِيمٌ ﴿٢٢﴾ وَأُدْخِلَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ
 تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّاتُهُمْ
 فِيهَا سَلَامٌ ﴿٢٣﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً
 كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ﴿٢٤﴾

﴿۱۹﴾ آیندیدی که خدا آسمان ها وزمین را به تدبیر درست و محکم آفرید اگر بخواهد شمارا از میان بردارد و آفرینشی نوین بیارد. ﴿۲۰﴾ و این برخدا دشوار نیست. ﴿۲۱﴾ و همگی پیش خدا حاضر شوند پس ضعیفان گردن کشان را (یعنی تابعان پیش روان را) گویند هرائینه ما تابع شما بودیم پس آیا شما ازما پاره ای ازعذاب خدا را دفع کننده هستید گویند اگر خدا مارا راه می نمود، شمارا راهنمایی می کردیم برابر است برما که بی تابي کنیم یاشکیبایی ورزیم ما را هیچ گریزگاهی ونجات دهنده ای نیست. ﴿۲۲﴾ و شیطان گفت وقتی که کار فیصله کرده شد^(۱) هرائینه خدا شما را وعده داد وعده^۲ راست و شما را وعده دادم پس من باشما خلاف وعده کردم و مرا بر شما هیچ تسلط نبود لیکن بود آنکه شما را بخواندم پس سخن مرا قبول کردید پس مرا ملامت مکنید وخویش را ملامت کنید نیستم فریادرس شما وشما فریادرس من نیستید هرائینه من از آنکه مرا شریک مقرر کردید پیش ازین بیزارشدم هرائینه ستمکاران ایشان را عذاب دردناک است. ﴿۲۳﴾ ودرآورده شدند آنانکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند به بوستانهاییکه زیر آنها جویها می رود جاودان در آن به حکم پروردگار خویش، دعای خیرایشان بایکدیگرانجا سلام است. ﴿۲۴﴾ آیا ندیدی خدامثال سخن پاکیزه را چگونه زد مانند درخت پاکیزه که ریشه اش استوار باشد وشاخه اش در آسمان.

(۱) مترجم گوید یعنی وقتی که بهشتیان به بهشت در آیند ودوزخیان ره دوزخ گیرند والله اعلم.

تُوتِي أَكْلَهَا كُلِّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ
لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٥﴾ وَمِثْلُ كَلِمَةِ خَيْثَةٍ
كَشَجَرَةٍ خَيْثَةٍ أَجْتُتَتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ
قَرَارٍ ﴿٢٦﴾ يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ
مَا يَشَاءُ ﴿٢٧﴾ * أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا
وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ﴿٢٨﴾ جَهَنَّمَ يَصَلُّونَهَا وَبَسَّ
الْقَرَارُ ﴿٢٩﴾ وَجَعَلُوا لِلَّهِ أُنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ
تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ﴿٣٠﴾ قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ
ءَامَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً
مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ ﴿٣١﴾ اللَّهُ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ
بِهِ مِنَ الشَّجَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ
فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ ﴿٣٢﴾ وَسَخَّرَ لَكُمُ
الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ﴿٣٣﴾



﴿۲۵﴾ میوه های خود را هرفصلی به حکم پروردگار خویش میدهد و خدا مثل ها را برای مردمان می زند تا بُود که پندپذیر شوند. ﴿۲۶﴾ و مثل سخن ناپاک مانند درخت ناپاک است که برکنده شد از بالای زمین اورا هیچ استقراری نیست^(۱). ﴿۲۷﴾ و خدا مسلمانان را بر سخن درست درزندگانی دنیا و در آخرت استوار می سازد و خدا ستمکاران را گمراه میسازد و میکند خدا آنچه می خواهد^(۲). ﴿۲۸﴾ آیاندیدی به سوی آنکه نعمت خدا را به ناسپاسی^(۳) تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت فرود آوردند. ﴿۲۹﴾ آنجا که دوزخ است در آیند و آن بد جایگاهی است. ﴿۳۰﴾ و برای خدا همتایان مقرر کردند تا عالم را از راه او گمراه کنند بگوهره مند شوید هر آئینه بازگشت شما به سوی آتش است. ﴿۳۱﴾ بگوآن بندگان مرا که ایمان آورده اند نماز را برپادارند و از آنچه ما روزی دادیم ایشان را پنهان و آشکارا پیش از آنکه بیاید روزی که خرید و فروش نیست در آن خرج کنند و نه بایکدیگر دوستی ای بُود. ﴿۳۲﴾ خدا آنست که آسمان ها و زمین را آفرید و از آسمان آب را فرو فرستاد پس به آن آب روزی برای شما از انواع میوه ها بیرون آورد و برای شما کشتی را مُسَخَّر ساخت تا بِرود در دریا به حکم او و برای شما جویهارا مُسَخَّر ساخت. ﴿۳۳﴾ و برای شما خورشید و ماه را که پیوسته دوانند مُسَخَّر ساخت و برای شما شب و روز را مُسَخَّر ساخت.

(۱) یعنی شریعت حق در ملکوت ثابت است و در دنیا هر روز رواجی تازه می یابد و مردمان منتفع میشوند و ملت جاهلیت در ملکوت استقرار ندارد هر چند در میان مردم شایع شود در نهایت درهم و برهم کرده آید والله اعلم.

(۲) یعنی وقت مرگ توفیق شهادت میدهد و وقت سوال منکرون کبر به قول حق گویا میسازد والله اعلم.

(۳) یعنی ناسپاسی کردند به شومی آن نعمت مفقود شد پس گویا نعمت دادند و کفر را خریدند والله اعلم.

وَعَاثَكُمْ مِنْ كُلِّ مَاسٍ لَتُؤْمَرُوا وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ
لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ﴿٢٤﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ
رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ
الْأَصْنَامَ ﴿٢٥﴾ رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلَلَن كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ
تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٦﴾ رَبَّنَا
إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ
الْمَحْرَمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِّنَ النَّاسِ
تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِّنَ الشَّجَرِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ
﴿٢٧﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا نَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ
مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿٢٨﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعٌ
الدُّعَاءِ ﴿٢٩﴾ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا
وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿٤٠﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ
يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿٤١﴾ وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهُ غَفْلًا عَمَّا يَعْمَلُ
الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ﴿٤٢﴾

﴿۳۴﴾ و شما را از هر چه خواستید داد و اگر نعمت خدا را بشمارید آن را نتوانید احاطه کرد
 هرآئینه انسان ستمکار ناسپاس است. ﴿۳۵﴾ و یادکن چون ابراهیم گفت ای پروردگار من
 این شهر را جای امن بکن و دوربدار مرا و فرزندان مرا از آنکه عبادت بتان کنیم. ﴿۳۶﴾ ای
 پروردگار من این بتان بسیاری را از مردمان گمراه کرده اند پس هر که پیروی من کرد پس
 هرآئینه اواز من است و هر که مرا نافرمانی کرد پس هرآئینه تو آمرزنده^۱ مهربانی. ﴿۳۷﴾ ای
 پروردگار ما هرآئینه من بعضی از اولاد خود را^(۱) به وادی بی زراعت نزدیک خانه^۲ محترم تو
 ساکن ساختم، ای پروردگار ما تا نماز را برپا دارند پس دلهایی چند را از مردمان رغبت کننده
 به سوی ایشان بگردان و روزی ده ایشان را از میوه ها تأبؤد که ایشان سپاس گزاری کنند.
 ﴿۳۸﴾ ای پروردگار ما هرآئینه تو میدانی آنچه پنهان می داریم و آنچه آشکار می کنیم و
 برخدا هیچ چیزی نه در زمین و نه در آسمان پوشیده نمی ماند. ﴿۳۹﴾ سپاس آن خدای
 راست که مرا با وجود کهن سالی اسمعیل و اسحاق را عطا کرد هرآئینه پروردگار من
 شنونده^۳ دعاست. ﴿۴۰﴾ ای پروردگار من مرا برپا دارنده^۴ نماز بگردان و از فرزندان من نیز
 ای پروردگار ما دعای مرا قبول کن. ﴿۴۱﴾ ای پروردگار مرا و مادر و پدر مرا و مسلمانان
 را روزی که حساب برپا شود بیامرز. ﴿۴۲﴾ و هر گز خدا را بی خبر از آنچه ستمکاران می
 کنند مپندار جز این نیست که ایشان را برای روزیکه در آن چشم ها خیره شوند مهلت
 میدهد.

(۱) مترجم گوید یعنی خانواده بی وسیله را والله اعلم.

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ
وَأَفِيدَتْهُمْ مَهْوَاهُ ۝٤٣ وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ
فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْرِنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ نَجِبْ
دَعْوَتَكَ وَتَتَّبِعِ الرُّسُلَ ۝٤٤ أَوَلَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِّنْ قَبْلُ
مَّا لَكُمْ مِّنْ زَوَالٍ ۝٤٥ وَسَكَنْتُمْ فِي مَسْكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا
أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمْ
الْأَمْثَالَ ۝٤٥ وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ
وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ ۝٤٦ فَلَا
تُحْسِبَنَّ اللَّهُ مُخِلَّفَ وَعْدِهِ ۝٤٧ رُسُلَهُ ۝٤٧ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ
ذُو انْتِقَامٍ ۝٤٧ يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتُ
وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ۝٤٨ وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ
مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ۝٤٩ سَرَابِيلُهُمْ مِّنْ قِطْرَانٍ وَتَغْشَى
وُجُوهُهُمُ النَّارُ ۝٥٠ لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ
إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝٥١ هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنْذِرُوا بِهِ
وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ۝٥٢

﴿۴۳﴾ شتاب کنندگان، سرخود بردارندگان باز نمی گردد به سوی ایشان چشم ایشان و دلهای ایشان خالی است. ﴿۴۴﴾ و مردمان را از روزی که به ایشان عذاب بیاید بترسان پس ظالمان گویند ای پروردگار ما ما را مهلت ده تا میعادى نزدیک تادعوت تورا اجابت کنیم و رسولان را پیروی کنیم، گفته شود به ایشان آیا قسم نمی خوردید پیش از این که شمارا هیچ زوال نباشد. ﴿۴۵﴾ و در منازل آنانکه ستم کردند برخویش ساکن شدید و بر شما واضح شد که به ایشان چه کردیم و برای شما مثل ها زدیم. ﴿۴۶﴾ و هرآئینه تدبیر کردند به تدبیر خویش و علم تدبیر ایشان نزد خداست و اگرچه تدبیرایشان چنان شدید باشد که کوهها از جای روند^(۱). ﴿۴۷﴾ پس خدا را خلاف کننده وعده بارسولان خود مپندار هرآئینه خدا غالب صاحب انتقام است. ﴿۴۸﴾ روزی که این زمین به غیر این زمین تبدیل کرده شود و تبدیل کرده شوند آسمان ها و به پیشگاه خدای یگانه غالب ظاهر شوند. ﴿۴۹﴾ و ببینی توان روزگانه کاران را دست و پا به هم بسته درزنجیرها. ﴿۵۰﴾ لباس ایشان از سُرَب گداخته باشد و روی های ایشانرا آتش بپوشد^(۲). ﴿۵۱﴾ تاجزا دهد خدا هرکسی را به آنچه کرده است هرآئینه خدا زود حساب گیرنده است. ﴿۵۲﴾ این (قرآن) خبررسانی ای برای مردمان است^(۳) و تا به آن بیم داده شوند و تابدانند که جزاین نیست که وی خدای یگانه است و تا صاحبان عقل پندپذیر شوند.

(۱) یعنی (بازهم) مکرایشان ضعیف است والله اعلم.

(۲) قطران چیزی سیاه بدودارست که آتش دران زودمی گیرد والله اعلم.

(۳) یعنی نازل کرده شده است برای تبلیغ.

سُورَةُ الْحَجَرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْءَانٍ مُبِينٍ ۝^١ رَبَّمَا يَوَدُّ
الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ ۝^٢ ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا
وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۝^٣ وَمَا أَهْلَكْنَا
مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ ۝^٤ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ
أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَخِرُونَ ۝^٥ وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ
الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ۝^٦ لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَكَةِ إِن كُنْتَ
مِنَ الصَّادِقِينَ ۝^٧ مَا نَزَّلَ الْمَلَكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا
إِذَا مُنْظَرِينَ ۝^٨ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ۝^٩
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شَيْعِ الْأَوَّلِينَ ۝^{١٠} وَمَا يَأْتِيهِمْ
مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ۝^{١١} كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ
فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ۝^{١٢} لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ ۚ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ
۝^{١٣} وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ ۝^{١٤}
لَقَالُوا إِنَّمَا سَكْرَاتُ أَبْصَرْنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ ۝^{١٥}

الجزء ١٤
الجزء ٢٧

سوره حجر مکی است و آن نود و نه
آیه و شش رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ اَلْاٰیٰتِ الْاٰیٰهَیْ کِتٰبِ الْهٰی وَقرآن روشن است. ﴿۲﴾ چه بسا بود که دوست دارند کافران ای کاش مسلمان می بودند. ﴿۳﴾ ایشان را بگذار تابخورند و بهره مند شوند و ایشان را امید مشغول کند و سپس خواهند دانست. ﴿۴﴾ و هیچ دهی را هلاک نکردیم مگر که وی را اجلی معلوم بود. ﴿۵﴾ سبقت نمی کند هیچ گروهی از مدت خود و نه تاخیر می کنند. ﴿۶﴾ و گفتند کافران ای کسی که بروی قرآن فرود آورده شده است هرآئینه تو دیوانه ای. ﴿۷﴾ چرا پیش ما فرشتگان را نمی آوری اگر از راست گویان هستی. ﴿۸﴾ فرو نمی فرستیم فرشتگان را مگر بتدبیر محکم و آنگاه مهلت داده شده نباشند. ﴿۹﴾ هرآئینه قرآن را فرو فرستادیم و هرآئینه ما اورا نگاهبانیم. ﴿۱۰﴾ و هرآئینه پیامبران را پیش از تو در فرقه های پیشینیان فرستاده ایم. ﴿۱۱﴾ و نمی آید به ایشان هیچ فرستاده ای مگر بودند که به او تمسخر می کردند. ﴿۱۲﴾ همچنین استهزاء را در دل های گناه کاران (یعنی کفار مکه) درمی آوریم. ﴿۱۳﴾ به قرآن ایمان نیاورند و هرآئینه آئین پیشینیان گذشت. ﴿۱۴﴾ و اگر برایشان دری از آسمان بگشاییم پس به این صفت شوند که از آن پیوسته بالا میروند. ﴿۱۵﴾ البته جزاین نیست که گویند بسته شده چشم های ما بلکه ما قومی جادورده هستیم.

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ ﴿١٦﴾
وَحَفِظْنَا هَمَاهُم مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ ﴿١٧﴾ إِلَّا مَن أَسْرَقَ السَّمْعَ
فَاتَّبَعَهُ وَشَهَابٌ مُّبِينٌ ﴿١٨﴾ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَالْقَيْنَا فِيهَا
رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ ﴿١٩﴾ وَجَعَلْنَا لَكُمُ
فِيهَا مَعِيشَ وَمَن لَّسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ ﴿٢٠﴾ وَإِن مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا
عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ ﴿٢١﴾ وَأَرْسَلْنَا
الرِّيْحَ لَوَفِّحَ لَأَوْقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ
لَهُ بِمُخْرِجِينَ ﴿٢٢﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِيهِ وَنُمِيتُهُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ ﴿٢٣﴾
وَلَقَدْ عَلَّمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلَّمْنَا الْمُسْتَخْرِينَ
﴿٢٤﴾ وَإِن رَّبَّكَ هُوَ يَخْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا
الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿٢٦﴾ وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ
قَبْلُ مِنْ نَّارِ السَّمُومِ ﴿٢٧﴾ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي خَالِقُ بَشَرًا
مِّنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿٢٨﴾ فَإِذَا اسْوَيْتُهُ وَوَنَفَخْتُ فِيهِ
مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿٢٩﴾ فَسَجَدَ الْمَلَكَةُ كُلُّهُمْ
أَجْمَعُونَ ﴿٣٠﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣١﴾

﴿۱۶﴾ وهرآئینه درآسمان برجها را پیدا کردیم و بیاراستیمش برای بینندگان. ﴿۱۷﴾ و ازهر شیطان رانده شده نگاهداشتیمش. ﴿۱۸﴾ مگر آنکه به دزدی شنود پس درپی وی آتش آشکار افتد. ﴿۱۹﴾ وزمین را گسترانیدیم و درآن کوه ها را انداختیم و درآن ازجنس هر چیز سنجیده رؤیانیدیم^(۱). ﴿۲۰﴾ و برای شمارآن جا اسباب معیشت ساختیم و برای شماآنکه نیستید اورا روزی دهنده^(۲) ساختیم. ﴿۲۱﴾ ونیست هیچ چیز مگر نزد ماخزانه های اوست و آن را مگر به اندازه مقرر فرود نمی آوریم. ﴿۲۲﴾ و بادها را باردارکننده ابر فرستادیم پس ازآسمان آب را فرود آوردیم پس شمارآن آب نوشانیدیم و شماآن را جمع کننده نیستید. ﴿۲۳﴾ وهرآئینه مازنده می سازیم و می میرانیم و ما میم وارث. ﴿۲۴﴾ وبه یقین (حال) پیشینیان را از شما دانسته ایم وبه یقین (حال) پسینیان را دانسته ایم. ﴿۲۵﴾ وهرآئینه پروردگار تو اوست که ایشان را برانگیزد هرآئینه اواستوارکارداناست. ﴿۲۶﴾ وبه یقین آدمی را ازگل خشک از نوع گل سیاه بوی گرفته آفریدیم. ﴿۲۷﴾ وجنهارا پیش ازین ازآتش سوزان پیدا کردیم. ﴿۲۸﴾ ویادکن چون پروردگار تو فرشتگان را گفت هرآئینه من آدمی را ازگل خشک از نوع گل سیاه بوی گرفته آفریننده ام. ﴿۲۹﴾ پس چون راست کنم و در وی ازروح خود بدمم پس پیش اوسجده کنان درافتید. ﴿۳۰﴾ پس فرشتگان تمام ایشان همه يك جا سجده کردند. ﴿۳۱﴾ مگر ابلیس سرباز زد ازآنکه باشد باسجده کنندگان.

(۱) یعنی هر نوع را صورتی و صفتی است که از آن جا تجاوز نمیکند.

(۲) یعنی غلامان وجانوران والله اعلم.

قَالَ يَا بَلِيسُ مَا لَكَ أَلا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ لَمْ أَكُنْ
 لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلَاصِلٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿٣٣﴾
 قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ
 الدِّينِ ﴿٣٥﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴿٣٦﴾ قَالَ فَإِنَّكَ
 مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٣٧﴾ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا
 أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ
 ﴿٣٩﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾ قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ
 مُسْتَقِيمٌ ﴿٤١﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ
 اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿٤٢﴾ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٣﴾
 لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ ﴿٤٤﴾ إِنَّ
 الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٤٥﴾ أَدْخُلُوها بِسَلَامٍ أَمِينٍ ﴿٤٦﴾
 وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ
 ﴿٤٧﴾ لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ ﴿٤٨﴾
 * نَبِّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٤٩﴾ وَأَنَّ عَذَابِي
 هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ﴿٥٠﴾ وَنَبِّهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ ﴿٥١﴾



﴿۳۲﴾ خدا گفت ای ابلیس چیست تورادرین که باسجده کنندگان نمی باشی. ﴿۳۳﴾ گفت هرگز نیستم که آدمی را که پیدا کرده ای اورا ازگل خشک از نوع گل سیاه بوی گرفته سجده کنم. ﴿۳۴﴾ گفت پس از بهشت هرائینه تورانده شده ای. ﴿۳۵﴾ وهرائینه تاروز قیامت بر تو لعنت است. ﴿۳۶﴾ گفت ای پروردگار من مرا تا روزی که مردمان برانگیخته شوند مهلت ده. ﴿۳۷﴾ گفت هرائینه توازمهلت داده شدگانی. ﴿۳۸﴾ تا آن روز وقت مقرر. ﴿۳۹﴾ گفت ای پروردگار من به سبب آنکه مرا گمراه کردی البته (معصیت را) برای ایشان درزمین بیارایم والته همگی ایشان را گمراه سازم. ﴿۴۰﴾ مگر بندگان خالص کرده^۱ تورا ازایشان. ﴿۴۱﴾ خدا گفت این اخلاص راهیست راست، که به من می رسد. ﴿۴۲﴾ هرائینه بندگان من تورا برایشان غلبه نیست لیکن غلبه^۲ تو بر کسی باشد که ازگمراهان پیروی توکرد. ﴿۴۳﴾ وهرائینه دوزخ وعده گاه همگی ایشان است. ﴿۴۴﴾ اورا هفت دراست هردی را ازگمراهان نصیبی جدا کرده شده است. ﴿۴۵﴾ هرائینه پرهیزگاران در بوستان هاوچشمه ها باشند. ﴿۴۶﴾ درینجا ایشان را گفته شود درحال امنیت درآید. ﴿۴۷﴾ وبیرون کشیم آنچه در سینه های ایشان بود ازکینه برادرانه روبه روی یکدیگر برتخت ها نشسته اند. ﴿۴۸﴾ به ایشان آنجا هیچ رنجی نرسد و ایشان ازآنجا بیرون کرده شده نیستند. ﴿۴۹﴾ بندگان مرا خبرده که من آمرزنده^۳ مهربانم. ﴿۵۰﴾ و آنکه عذاب من همان عذاب درد ناک است. ﴿۵۱﴾ و ایشان را از مهمانان ابراهیم خبرده.

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا
 لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ﴿٥٣﴾ قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَى أَنْ
 مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيهِ تَبَشِّرُونَ ﴿٥٤﴾ قَالُوا بَشَّرْنَاكَ بِالْحَقِّ
 فَلَا تَكُن مِّنَ الْقَدِيطِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ
 رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ﴿٥٦﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ
 ﴿٥٧﴾ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ﴿٥٨﴾ إِلَّا عَالُ لُوطٍ
 إِنَّا لَمَنْجُوهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٩﴾ إِلَّا امْرَأَتَهُ وَقَدَّرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ
 الْغَايِبِينَ ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا جَاءَ عَالُ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ ﴿٦١﴾ قَالَ
 إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ ﴿٦٢﴾ قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ
 يَمْتَرُونَ ﴿٦٣﴾ وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٦٤﴾ فَأَسْرِ
 بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ
 وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ﴿٦٥﴾ وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ
 دَابِرَهُ هَؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ ﴿٦٦﴾ وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ
 يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٦٧﴾ قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ ﴿٦٨﴾
 وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَخْزُونِ ﴿٦٩﴾ قَالُوا أَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٧٠﴾

﴿۵۲﴾ چون بروی داخل شدند پس سلام گفتند ابراهیم گفت هرآئینه ما از شما ترسانیم.
 ﴿۵۳﴾ گفتند مترس هرآئینه ما تو را بفرزندی دانا مژده میدهیم. ﴿۵۴﴾ گفت آیا مرا
 بشارت دادید باوجود آنکه به من پیری رسید پس به چه چیز بشارت میدهید. ﴿۵۵﴾ گفتند
 تو را به راستی مژده دادیم پس از ناامیدان مباش. ﴿۵۶﴾ گفت و کیست که از رحمت
 پروردگار خود نا امید شود مگر گمراهان. ﴿۵۷﴾ گفت پس چیست خبر شما ای
 فرستادگان. ﴿۵۸﴾ گفتند هرآئینه ما به سوی گروهی گنهکار فرستاده شدیم. ﴿۵۹﴾ بجز
 آل لوط هرآئینه ما البته همگی ایشان را نجات خواهیم داد. ﴿۶۰﴾ غیر از زنش که مقرر
 کرده ایم که البته وی از بازماندگان است. ﴿۶۱﴾ پس هنگامیکه فرستادگان به آل لوط
 آمدند. ﴿۶۲﴾ گفت هرآئینه شما گروهی ناآشنا هستید. ﴿۶۳﴾ گفتند بلکه آورده ایم پیش
 تو آنچه در آن شبهه می کردند (یعنی عقوبت). ﴿۶۴﴾ و پیش تو وعدهٔ راست را آورده ایم
 و هرآئینه ما البته راست گوییم. ﴿۶۵﴾ پس اهل خود را به پاره ای از شب ببر و تو به دنبال
 ایشان برو و باید که از شما هیچکس پس پشت خود ننگرد و بروید آنجا که فرموده شوید
 (و آن سرزمین شام بود). ﴿۶۶﴾ و این امر را به سوی لوط وحی فرستادیم که بامداد بیخ
 ایشان بریده خواهد شد. ﴿۶۷﴾ و اهل شهر شادی کنان آمدند. ﴿۶۸﴾ گفت لوط هرآئینه
 ایشان مهمان من هستند پس مرا رسوا مکنید. ﴿۶۹﴾ و از خدا بترسید و مرا خوار مکنید.
 ﴿۷۰﴾ گفتند آیا تو را از میزبانی غریبان منع نکرده بودیم.

قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿٧١﴾ لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ
 يَعْمَهُونَ ﴿٧٢﴾ فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ﴿٧٣﴾ فَجَعَلْنَا عَلَيْهِمَا
 سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّنْ سِجِّيلٍ ﴿٧٤﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ
 لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهَا لِبِسِيلٍ مُّقِيمٍ ﴿٧٦﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ
 لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾ وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ ظَالِمِينَ ﴿٧٨﴾
 فَاتَّقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿٧٩﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ
 الْحَجَرِ الْمُرْسَلِينَ ﴿٨٠﴾ وَءَاتَيْنَهُمْ ءَايَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ
 ﴿٨١﴾ وَكَانُوا يُنَجِّثُونَ مِنَ الْجِبَالِ يَبُوتًا ءَامِنِينَ ﴿٨٢﴾ فَأَخَذْتَهُمُ
 الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ﴿٨٣﴾ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٤﴾
 وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ
 السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ ۖ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ﴿٨٥﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ
 الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨٦﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي
 وَالْقُرْءَانَ الْعَظِيمَ ﴿٨٧﴾ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَاهُ أَزْوَاجًا
 مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفَضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾ وَقُلْ
 إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ﴿٨٩﴾ كَمَا أَنزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ﴿٩٠﴾

﴿۷۱﴾ گفت این ها دختران من هستند اگر هستید کننده کاری^(۱). ﴿۷۲﴾ قسم به زندگانی تو که این کافران درگمراهی خویش سرگردان میشوند^(۲). ﴿۷۳﴾ پس ایشان را آواز هولناک به هنگام طلوع آفتاب فروگرفت. ﴿۷۴﴾ پس ساختیم آن شهر ها را زیرورو و بریشان سنگ از نوع سنگ گِل بارانیدیم^(۳). ﴿۷۵﴾ هرآئینه درین قصه عبرت گیرندگان را نشانه هاست. ﴿۷۶﴾ و هرآئینه آن (شهرها) برسرراهی هستند که دایم آمد و رفت دارد. ﴿۷۷﴾ هرآئینه دراین نشانه ای برای مومنان است. ﴿۷۸﴾ و هرآئینه اهل آیکه البته ستمکاران بودند. ﴿۷۹﴾ پس ازایشان انتقام گرفتیم هردوی آنان (قوم لوط و أصحاب ایکه) بر راهی آشکار هستند. ﴿۸۰﴾ و هرآئینه ساکنان حجر (نیز) پیامبران را تکذیب کردند. ﴿۸۱﴾ و به ایشان آیه های خود را رسانیدیم پس از آن روگردان شدند. ﴿۸۲﴾ و در امن و امان بودند از کوه ها خانه هایی می تراشیدند. ﴿۸۳﴾ پس ایشان را آواز سخت هنگام صبح گرفت. ﴿۸۴﴾ پس دفع نکرد ازایشان آنچه کسب می کردند. ﴿۸۵﴾ و نیافریدیم آسمان ها و زمین و آنچه راکه مابین این هاست مگر به تدبیر درست و هرآئینه قیامت آمدنیست پس در گذر (یعنی ازبی ادبیهای ایشان) درگذشتن نیکو. ﴿۸۶﴾ هرآئینه پروردگار توهمانست آفریننده دانا. ﴿۸۷﴾ و هرآئینه تورا هفت آیه (سوره فاتحه) از آنچه (در نماز) مکرر (خوانده میشود)^(۴) دادیم و تورا قرآن بزرگ دادیم. ﴿۸۸﴾ دو چشم خود را به سوی آنچه بهره مند ساخته ایم به آن جماعت هازکافران باز مکن و برایشان اندوهناک مشو و بازوی خود را^(۵) برای مسلمانان پست بکن. ﴿۸۹﴾ و بگو هرآئینه من بیم دهنده آشکارم. ﴿۹۰﴾ عذاب را فرود خواهیم آورد همانگونه که بر تقسیم کنندگان (یعنی یهود و نصاری) فرود آورده بودیم.

(۱) یعنی اگر قرضای شهوت خواهید نکاح دختران من کنید والله اعلم.

(۲) این کلمه در وسط قصه حضرت لوط اضافه کرده شد تا تنبیه باشد بر تطبیق حال مشرکین مکه بر حال قوم لوط و امثال ایشان والله اعلم.

(۳) مترجم گوید یعنی گل پخته مثل سنگ شده.

(۴) یعنی سوره فاتحه.

(۵) یعنی تواضع کن.

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْءَانَ عِضِينَ ﴿٩١﴾ فَوَرِّبَاكَ لَنَسَلْنَهُمْ
 أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾ فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ
 عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٤﴾ إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ﴿٩٥﴾ الَّذِينَ
 يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾ وَلَقَدْ نَعْلَمُ
 أَنَّكَ يَصِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ﴿٩٧﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ
 مِنَ السَّاجِدِينَ ﴿٩٨﴾ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴿٩٩﴾

سُورَةُ النَّازِعَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ
 ﴿١﴾ يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ
 عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُوا ﴿٢﴾ خَلَقَ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣﴾ خَلَقَ
 الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ﴿٤﴾ وَالْأَنْعَامَ
 خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٥﴾ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرْجَوْنَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ﴿٦﴾



﴿۹۱﴾ آنانکه کتاب الهی را پاره پاره ساختند^(۱). ﴿۹۲﴾ پس قسم به پروردگار توابته همگی ایشان را سوال کنیم. ﴿۹۳﴾ از آنچه میکردند. ﴿۹۴﴾ پس آشکارکن به آنچه فرموده میشوی و از مشرکان اعراض کن. ﴿۹۵﴾ هر آئینه ما تو را از شرّ ریشخند کنندگان بَسینده ایم. ﴿۹۶﴾ آنانکه به خدا معبود دیگری را مقرر میکنند پس زود میدانند. ﴿۹۷﴾ به راستی می دانیم از حال تو که سینه تو تنگ می شود از آنچه می گویند. ﴿۹۸﴾ پس پروردگار خود را باستایش او به پاکی یاد کن و از سجده کنندگان باش. ﴿۹۹﴾ و پروردگار خود را تا وقتی که به تو مرگ برسد عبادت کن.

سوره نحل مکی است و آن یکصد و بیست و
هشت آیه و شانزده رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ حکم خدا آمد پس به شتاب آن را^(۲) طلب مکنید پاک است خدا و بلند قدرست از آنچه شریک او مقرر می کنند. ﴿۲﴾ فرشتگان را باوحی به اراده خود بر هر که خواهد از بندگانش فرود می آورد که بترسانید (به این مضمون که خدا میفرماید) که هیچ معبود برحقى مگر من نیست پس از من بترسید. ﴿۳﴾ آسمان ها و زمین را به تدبیر درست آفرید از آنچه شریک او مقرر میکنند بر ترو بالاتر است. ﴿۴﴾ آدمی را از منی آفرید، پس ناگهان وی ستیزنده آشکار است. ﴿۵﴾ و چهارپایان را برای شما آفرید، در آنها پوششی و منفعت های دیگر است و بعضی از آنها را میخورید. ﴿۶﴾ و شما را در آنها آرایش است چون وقت شام از صحرا باز می آورید و چون به سوی صحرا آنها را می فرستید.

(۱) مترجم گوید یعنی اهل کتاب که بر بعض آیات عمل می کردند و بر بعضی نه والله اعلم.

(۲) یعنی غلبه دین اسلام و تعذیب کفار به یقین شدنی است چرا شتاب میکنند والله اعلم.

وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِلَاغِيهِ إِلَّا بَشِقِّ
 الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٧﴾ وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ
 وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨﴾
 وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ
 أَجْمَعِينَ ﴿٩﴾ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَّكُمْ
 مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ﴿١٠﴾ يُنْبِتُ لَكُمْ
 بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ
 الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ
 ﴿١١﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
 وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِئِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
 يَعْقِلُونَ ﴿١٢﴾ وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا
 أَلْوَنُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣﴾
 وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا
 وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلَ كَمَا
 فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٤﴾

﴿۷﴾ و بارهای شمارا بر میدارند به سوی شهریکه هرگز به آن نمی رسیدید به آن مگر به مشقت جان ها هرائینه پروردگار شما بخشاینده مهربان است. ﴿۸﴾ و اسبان و قاطران و خران را (آفرید) تا بر آن سوار شوید و برای آرایش آنچه راکه نمی دانید و می آفریند. ﴿۹﴾ و برخدا است (هدایت مردمان به) راه راست و بعضی از راهها کج است و اگر می خواست وی همگی شمارا راه می نمود. ﴿۱۰﴾ اوست آنکه از آسمان آب را برای شما فرود آورد از آن آب آشامیدنی است و از آن آب درختانی است که در آن حیوان میچرانید. ﴿۱۱﴾ برای شما به آن آب زراعت و زیتون و درختان خرما و انگور و ازهرجنس میوه ها میرویند، هرائینه در این نشانه ای است گروهی را که تفکر می کنند. ﴿۱۲﴾ و برای شما شب و روز و خورشید و ماه را رام کرد و ستارگان به فرمان وی مسخراند هرائینه در این نشانه هاست گروهی را که در می یابند. ﴿۱۳﴾ و (مسخر کرد) برای شما آنچه در زمین گوناگون رنگهای او^(۱) آفرید هرائینه در این نشانه ای است گروهی راکه پند می پذیرند. ﴿۱۴﴾ و اوست آن که دریا را مسخر ساخت تا از آن گوشت تازه (یعنی ماهی) بخورید و تابایرون آورید از آن پیرایه ای که آن را بپوشید و می بینی کشتی ها را رونده در دریا و دریا را مسخر کرد تا از فضل او طلب معیشت کنید و تا بؤد که شکر کنید.

(۱) یعنی از انواع حیوان و نبات.

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا
لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥﴾ وَعَلَّمَتِ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ
﴿١٦﴾ أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٧﴾ وَإِنْ
تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٨﴾
وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿١٩﴾ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ
مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْوَاتٌ
غَيْرَ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿٢١﴾ إِلَهُكُمْ إِلَهٌُ
وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ
مُسْتَكْبِرُونَ ﴿٢٢﴾ لَاجِرَمَ أَرَبَّ اللَّهِ يَعْلَمُ مَا يُسْرُونَ وَمَا
يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ ﴿٢٣﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ
مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٤﴾ لِيَحْمِلُوا
أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ
بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ ﴿٢٥﴾ قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَنَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ
مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٦﴾

﴿۱۵﴾ و در زمین کوه های محکم و پا برجائی افکند تا اینکه زمین شما را نلرزاند و جویها و راه هارا آفرید تا بُود که راه یاب شوید. ﴿۱۶﴾ و نشانه هایی را آفرید و به ستارگان ایشان راه می یابند. ﴿۱۷﴾ آیا کسی که می آفریند مانند کسی است که نمی آفریند آیا پند نمی گیرید. ﴿۱۸﴾ و اگر نعمت خدا را بشمارید آن را احاطه نکنید هر آینه خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۱۹﴾ خدا میداند آنچه را که پنهان میدارید و آنچه را که آشکار میکنید. ﴿۲۰﴾ و آنان که کافران ایشان را به جای خدا می پرستند چیزی را نمی آفرینند و خود شان آفریده می شوند. ﴿۲۱﴾ مردگانند نه زندگان و نمی دانند کی برانگیخته خواهند شد. ﴿۲۲﴾ معبود شما معبودی یگانه است پس آنانکه معتقد نمی شوند به آخرت دلهای ایشان ناشناس است و ایشان سرکش اند. ﴿۲۳﴾ بی شک خدا میداند آنچه را که پنهان میدارند و آنچه را که آشکار میکنند هر آینه او سرکشان را دوست ندارد. ﴿۲۴﴾ و چون گفته شود ایشان را چیست آنچه پروردگار شما فرو فرستاده است گویند افسانه های پیشینیان است. ﴿۲۵﴾ عاقبت این گفتار آنکه بارگناه خویش را به طور کامل روز قیامت بردارند و نیز بعضی بارهای آنانکه گمراه می سازند ایشان را به غیر دانش بردارند آگاه شوید چه بد است آنچه بر میدارند. ﴿۲۶﴾ هر آینه بداندیشی کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس (فرمان) خدا بیامد بنیادشان را از پایه برانداخت که سقف از فرازشان برآنان فرو افتاد بدیشان عذاب رسید از آن جهت که نمی دانستند^(۱).

(۱) و این تمثیل است افساد مکر ایشانرا با بلیغترین وجه ممکن.

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَاءِيَ الَّذِينَ
كُنْتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ؟ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ
الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٢٧﴾ الَّذِينَ تَوَفَّيْتُمُ الْمَلَائِكَةَ
ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقُوا السَّلَامَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَىٰ
إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾ فَأَدْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ
خَالِدِينَ فِيهَا فَلَيْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٢٩﴾ وَقِيلَ
لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرٌ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي
هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ
﴿٣٠﴾ جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ ﴿٣١﴾
الَّذِينَ تَوَفَّيْتُمُ الْمَلَائِكَةَ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٢﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ
تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ
قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٣٣﴾
فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٣٤﴾



﴿۲۷﴾ دوباره روز قیامت ایشان را رسوا کند و گوید کجایند آن شریکان (دروغین) من که جنگ و جدال می کردید در حق ایشان گویند اهل علم هر آئینه رسوایی و سختی امروز بر کافران است. ﴿۲۸﴾ آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان در حالی میکردند که برخویش ستمکار بودند پس انداختند آن کافران پیغام انقیاد را که ما هرگز هیچ عمل بدی انجام نمی دادیم گفته شود آری هر آئینه خدا داناست به آنچه می کردید. ﴿۲۹﴾ پس درآید به دروازه های دوزخ جاویدان در آن جا پس بدست (دوزخ) جای سرکشان. ﴿۳۰﴾ و به متقیان گفته شد چیست آنچه پرورگار شما فرو فرستاد گفتند فرود آورده است بهترین سخن برای آنان که نیکوکاری کرده اند در این سرای حالت نیک است والبته سرای آخرت بهتراست والبته سرای متقیان در آخرت چه نیکو است. ﴿۳۱﴾ به بوستانهایی همیشه ماندن درآیند آن جاکه زیر آنها جویها میرود، برای ایشان است در آن هر چه خواهند همچنین خدا متقیان را پاداش می دهد. ﴿۳۲﴾ آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان می کنند در حالیکه شادمان باشند گویند فرشتگان سلام بر شما باد درآید به بهشت به (پاداش) آنچه می کردید^(۱). ﴿۳۳﴾ کافران انتظار نمی کشند مگر آنکه به ایشان فرشتگان بیایند^(۲) یا فرمان پروردگار تو بیاید^(۳) هم چنین کردند آنانکه پیش از ایشان بودند و خدا برایشان ستم نکرد ولیکن برخویش ستم می کردند. ﴿۳۴﴾ پس به ایشان جزای گناهان اعمال ایشان رسید و به ایشان آنچه به آن استهزاء و ریشخند می کردند فرود آمد.

(۱) مترجم گوید خدای تعالی این دو صورت را برای بیان حال و مآل اهل سعادت و اهل شقاوت نازل فرموده والله اعلم.

(۲) یعنی برای قبض ارواح.

(۳) یعنی عذاب او.

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٦﴾ إِنْ تَحْرِصْ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٢٧﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾ لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَذِبِينَ ﴿٢٩﴾ إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٣٠﴾ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبُوءَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَآجَرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٣١﴾ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٣٢﴾

﴿۳۵﴾ و مشرکان گفتند اگر خدا نمی خواست بجزوی هیچ چیزی را نه ما و نه پدران ما نمی پرستیدیم و به غیر از فرمان وی هیچ چیزی را حرام نمی دانستیم^(۱) هم چنین کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس بر پیامبران بجز خبر رسانیدن آشکار نیست. ﴿۳۶﴾ و به یقین فرستادیم در هرامتی پیامبری را که عبادت خدا کنید و از بتان دوری کنید پس از ایشان کسی بود که خدا راه نمودش و از ایشان کسی بود که بروی گمراهی ثابت شد پس گردش کنید در زمین پس بنگرید چگونه شد سرانجام تکذیب کنندگان. ﴿۳۷﴾ اگر بر هدایت ایشان کوشش کُنی چه سود هر آئینه خدا راه نمی نماید آن را که گمراه میسازد و نیست برای ایشان (روز قیامت) هیچ یاری دهنده. ﴿۳۸﴾ و به خدا قسم خوردند به محکم ترین سوگند های خود که خدا مرده را بر نمی انگیزد آری بر انگیزد وعده^(۲) درست لازم شده براوست ولیکن بیشترین مردمان نمی دانند. ﴿۳۹﴾ (آری بر انگیزد) تایید کند برای ایشان آنچه در آن اختلاف می کنند و تا کافران بدانند که ایشان دروغگو بودند. ﴿۴۰﴾ فرمان ما برای چیزی نیست چون آفریدنش را خواهیم مگر او را گوئیم بشو پس می شود. ﴿۴۱﴾ و کسانی که برای خدا هجرت (ترك دیار خود) کردند بعد از آن که برایشان ستم کرده شد (در مکه) البته ایشان را در دنیا به سرای نیک جامی دهیم و هر آئینه پاداش آخرت بزرگ تراست اگر می دانستند. ﴿۴۲﴾ آنانکه صبر کردند و بر پروردگار خویش توکل مینمایند^(۳).

(۱) یعنی سلف ما اجماع کرده اند و آن بدون رضای خدا منعقد نمی شود والله اعلم.

(۲) و این وعده متحقق شده و مهاجرین را به مدینه جای داد.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِيْ اِلَيْهِمْ فَسَلُّوْا اَهْلَ
 الذِّكْرِ اِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٤٣﴾ بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا اِلَيْكَ
 الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ اِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُوْنَ ﴿٤٤﴾
 اَفَاَمِنَ الَّذِيْنَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ اَنْ يَخْصِفَ اللهُ بِهِمُ الْاَرْضَ
 اَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُوْنَ ﴿٤٥﴾ اَوْ يَأْخُذَهُمْ
 فِي تَقْلِبِهِمْ فَمَاهُمْ بِمُعْجِزِيْنَ ﴿٤٦﴾ اَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ فَاِنَّ
 رَبَّكُمْ لَرَّوُفٌ رَّحِيْمٌ ﴿٤٧﴾ اَوَلَمْ يَرَوْا اِلَى مَا خَلَقَ اللهُ مِنْ شَيْءٍ
 يَتَفَيَّؤُ ظِلَّهٗ عَنِ الْيَمِيْنِ وَالشَّمَالِ سُجْدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُوْنَ
 ﴿٤٨﴾ وَلِلّٰهِ يَسْجُدُ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ
 وَالْمَلٰئِكَةِ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُوْنَ ﴿٤٩﴾ يَخَافُوْنَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ
 وَيَفْعَلُوْنَ مَا يُؤْمَرُوْنَ ﴿٥٠﴾ * وَقَالَ اللهُ لَا تَتَّخِذُوْا اِلٰهِيْنَ
 اٰثِنِيْنَ اِنَّمَا هُوَ اِلٰهُ وَّاحِدٌ فَاِيْنِىْ فَاَرْهَبُوْنَ ﴿٥١﴾ وَلَهُ مَا فِى السَّمٰوٰتِ
 وَالْاَرْضِ وَلَهُ الدِّيْنُ وَاَصْبًا اَفْغِيْرَ اللهُ تَتَّقُوْنَ ﴿٥٢﴾ وَمَا بِكُمْ مِنْ
 نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللهِ ثُمَّ اِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَاِلَيْهِ تَجْعَرُوْنَ ﴿٥٣﴾ ثُمَّ اِذَا
 كُشِفَ الضُّرُّ عَنْكُمْ اِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُوْنَ ﴿٥٤﴾

﴿۴۳﴾ و نفرستادیم پیش از تو مگر مردانی را که به سوی ایشان وحی می فرستادیم پس سوال کنید از (دانایان) اهل کتاب اگر نمی دانید^(۱). ﴿۴۴﴾ ایشان را به دلائل و کتاب ها فرستادیم و به سوی تو کتاب فرود آوردیم تا باین کنی برای مردمان شریعتی را که به سوی ایشان فرود آورده شده و تا باشد که ایشان تفکر کنند. ﴿۴۵﴾ آیا آنانکه تدبیرهای بد اندیشیدند ایمن شده اند^(۲) از آنکه خدا ایشان را به زمین فروبرد یا بیاید به ایشان عذاب از آن جا که ندانند. ﴿۴۶﴾ یا ایشان را هنگام آمد و رفت ایشان بگیرد پس عاجز کننده نیستند. ﴿۴۷﴾ یا ایشان را در حال ترس بگیرد^(۳) پس هر آئینه پروردگار شمایطف کننده بخشاینده است. ﴿۴۸﴾ آیا به سوی آنچه خدا پیدا کرده است از هر چیزی نمینگرند که سایه های اواز جانب راست و از جانب چپ سجده کنان برای خدا خوار شده میگردد. ﴿۴۹﴾ و خدای را سجده می کنند آنچه از نوع جنبنده در آسمان ها و آنچه در زمین است و فرشتگان نیز سجده می کنند و ایشان سرکشی نمی کنند. ﴿۵۰﴾ از پروردگارشان از بالای خویش می ترسند و می کنند آنچه فرموده می شوند. ﴿۵۱﴾ و خدا گفت دو معبود را فراموش کنید جز این نیست که وی معبود یگانه است پس از من بترسید. ﴿۵۲﴾ برای او است آنچه در آسمان ها و زمین است و برای او است عبادت لازم شده آیا از غیر خدا می ترسید. ﴿۵۳﴾ و آنچه از نعمت باشما است از جانب خداست دوباره چون به شما سختی رسد پس به سوی اومی نالید. ﴿۵۴﴾ باز چون سختی را از سر شما بردارد ناگهان گروهی از شما به پروردگار خود شریک مقرر می کنند.

(۱) یعنی پیامبران سابق آدمی بودند فرشته نبودند والله اعلم.

(۲) یعنی در حق پیامبران و مومنان.

(۳) یعنی بعد از اقامت قرائن هلاک.

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾ وَيَجْعَلُونَ
 لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ
 تَفْتَرُونَ ﴿٥٦﴾ وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَنَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ
 ﴿٥٧﴾ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٥٨﴾
 يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَبِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ
 أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٥٩﴾ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
 بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السُّوءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
 ﴿٦٠﴾ وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِم مَّا تَرَكُوا عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ
 وَلَٰكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّىٰ فِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَخِرُونَ
 سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٦١﴾ وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ
 أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَاجِرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ
 وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ ﴿٦٢﴾ تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ
 فزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمْ الْيَوْمَ وَلَهُمْ
 عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ
 الَّذِي اخْتَفَوْا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٦٤﴾

﴿۵۵﴾ تا ناسپاسی کنند به آنچه ایشان را دادیم پس بهره مند شوید پس زود خواهید دانست. ﴿۵۶﴾ و مقرر کردند برای چیزی که نمیدانند (حقیقت آن را یعنی برای بتان) بهره ای از آنچه ایشان را روزی دادیم قسم به خدا البته پرسیده خواهید شد از آنچه افترا می کردید. ﴿۵۷﴾ و برای خدا دختران را مقرر میکنند، او پاك است و مقرر میکنند برای خویش آنچه رغبت مینمایند^(۱). ﴿۵۸﴾ و اگر یکی را از ایشان بتولّد دختر مژده داده شود روی اوسياه گردد و او پرازندوه باشد. ﴿۵۹﴾ به سبب ناخوشی آنچه مژده داده شد به وی از قوم پنهان شود در تامل افتد که آیا نگهداردش باخواری یا او را در خاك در آرد آگاه شوید حکم ایشان بداست. ﴿۶۰﴾ برای آنان که به آخرت معتقد نمی شوند صفت بداست و خدای راست صفت بلند و او غالب با حکمت است. ﴿۶۱﴾ و اگر خدا مردمان را به سبب ستم ایشان گرفتار کند بر زمین هیچ جنبنده ای نگذارد ولی ایشان را تا وقتی مقرر مهلت میدهد پس چون آن وقت مقرر ایشان برسد لحظه ای باز پس نمی مانند و نه پیش می روند. ﴿۶۲﴾ و مقرر می کنند برای خدا آنچه را که ناپسند می شمارند^(۲) و زبانهای ایشان سخن دروغ را بیان می کند که ایشان را نیکویی باشد^(۳) شکی نیست در آنکه ایشان را آتش باشد و آنکه ایشان به دوزخ پیش فرستادگانند. ﴿۶۳﴾ قسم به خدا هر آئینه (پیامبران را) فرستادیم به سوی امتّانی که پیش از تو بودند پس شیطان برای ایشان کردارهای ایشان را بیاراست پس او یار این کافران است امروز ایشان را عذاب درد ناك است. ﴿۶۴﴾ و بر تو کتاب را فرو نیاوردیم مگر برای آنکه برای ایشان بیان کنی آنچه را که در آن اختلاف کردند و برای راه نمودن و بخشایش قومی که ایمان می آورند.

(۱) یعنی پسران را.

(۲) یعنی دختران.

(۳) یعنی نجات در آخرت.

وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٥﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٦٦﴾ وَمِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنٌ خَالٍ سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ ﴿٦٧﴾ وَفِي ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾ وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ﴿٦٩﴾ ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٧٠﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٧١﴾ وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِي رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٧٢﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرِزْقَكُمْ مِنْ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ ﴿٧٣﴾

﴿۶۵﴾ و خدا از آسمان آب را فرود آورد پس به آن زمین را بعد مرگ آن زنده ساخت هر آئینه در این نشانه است گروهی را که می شنوند. ﴿۶۶﴾ و هر آئینه شمارا در چهار پایان پندی هست، می نوشانیم شمارا از جمله آنچه در شکم های آنها است از میان سرگین و خون، شیر خالص گوارا برای آشامندگان. ﴿۶۷﴾ و از میوه های درختان خرما و درختان انگور قسمی هست که از آن شراب مست کننده میسازید و از آن روزی حلال میسازید هر آئینه در این نشانه است گروهی را که درمی یابند. ﴿۶۸﴾ و الهام فرستاد پروردگار تو به سوی زبور عسل که خانه ها از کوه ها و از درختان به ساز و از آنچه مردمان بنامی کنند. ﴿۶۹﴾ باز بخور از هر جنس میوه ها و (با فرمانبرداری) راه های پروردگار خویش را در پیش گیر برمی آید از شکم های این زبوران آشامیدنی رنگ هایش گوناگون، در آن آشامیدنی مردمان را شفاست هر آئینه درین مقدمه نشانه ای است گروهی را که تفکر می کنند. ﴿۷۰﴾ و خدا شمارا آفرید باز شمارا می میراند و از شما کسی هست که به خوار ترین عمر برگردانده میشود مآلش آنکه بعد از دانستن چیزی را نداند هر آئینه خدا دانای توانا است. ﴿۷۱﴾ و خدا بعضی از شمارا بر بعضی (دیگری) در روزی فضل داد پس نیستند آنانکه افزونی داده شدند روزی خود را بر مملوکان خود باز گردانده تا همه ایشان در روزی برابر باشند آیا نعمت خدا را انکار می نمایند؟^(۱) ﴿۷۲﴾ و خدا برای شما از جنس شما زنان را آفرید و برای شما از زنان شما فرزندان و نوادگان را آفرید و شمارا از پاکیزه ها روزی داد آیا به باطل می گروند و به نعمت خدایشان ناسپاسی مینمایند.

(۱) یعنی هیچ کس نمی خواهد که مملوکان خود را برابر خود سازد والله اعلم.

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِنَ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٧٣﴾ فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ
 إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٧٤﴾ * ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا
 مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنْ آرَاقٍ حَسَنًا
 فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ
 بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ
 أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ
 أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ
 بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٧٦﴾ وَلِلَّهِ غَيْبُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ
 الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٧٧﴾
 وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا
 وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ
 تَشْكُرُونَ ﴿٧٨﴾ أَلَمْ يَرْوِ إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ
 مَا يَمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٧٩﴾

﴿۷۳﴾ و به جای خدا کسی را می پرستند که برای ایشان روزی دادن چیزی را از آسمان ها و زمین مالک نیستند و نمی توانند. ﴿۷۴﴾ پس برای خدا مثلها نزنید هرآئینه خدا می داند و شما نمی دانید. ﴿۷۵﴾ خدا داستان بنده مملوکی که بر هیچ چیزی توانایی ندارد بیان کرد و کسی که دادیمش از نزد خود روزی نیک پس وی از آن روزی پنهان و آشکارا خرج میکند آیا برابری شوند، همه ستایش خدای را است بلکه اکثر ایشان نمی دانند. ﴿۷۶﴾ و خدا داستانی (دیگر) بیان کرد دومرد یکی از ایشان گنگ است بر چیزی قدرت ندارد و او برخواجه خود سربار است هرکجا فرستدش از آن جا هیچ نیکی نمی آورد آیا برابری این شخص و کسی که مردمان را به عدل دستود می دهد و خودش بر راه راست است^(۱). ﴿۷۷﴾ علم پنهان آسمان ها و زمین فقط برای خداست و نیست کار قیامت (یعنی نزد قدرت او) مگر مانند چشم بهم زدن بلکه از آن نزدیک تر است هرآئینه خدا به همه چیز تواناست. ﴿۷۸﴾ و خدا شمارا از شکم های مادرانتان بیرون آورد چیزی را نمی دانستید و برای شما شنوایی و چشم ها و دل ها پیداساخت تابود که شکر کنید. ﴿۷۹﴾ آیانگاه نکردند به سوی مرغان رام شده، درهوی آسمان ایشان را نگاه نمیدارد مگر خدا هرآئینه درین نشانه ها است گروهی را که ایمان می آوردند.

(۱) مترجم گوید حاصل این دو مثل آنست که آنچه در عالم تصرف ندارد با خدا برابر نیست چنانکه مملوک ناتوان با مالک توانا برابر نیست و چنانکه گنگ بی تمیز با صاحب هدایت و اهدا برابر نیست.

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ
الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ
وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثْنَا وَمِثْعًا إِلَى حِينٍ
﴿٨٠﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ
الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيَكُمُ
الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيَكُمُ بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ
عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ ﴿٨١﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ
الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿٨٢﴾ يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يَنْكُرُونَهَا
وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ ﴿٨٣﴾ وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ
شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ
﴿٨٤﴾ وَإِذْ أَرَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ
يُنْظَرُونَ ﴿٨٥﴾ وَإِذْ أَرَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا
رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا مِنْ دُونِكَ
فَأَلْقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٨٦﴾ وَالْقَوْلُ إِلَى
اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَامُ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٨٧﴾

﴿۸۰﴾ و خدا برای شما از خانه های شما جای سکونت ساخت و برای شما از پوست های چهار پایان خانه هایی ساخت که آن را روز سفر خود و روز اقامت خود سبک می یابید و از پشمهایشان و کُرکهایشان و موهایشان اسباب خانه و (مایه) بهره مندی تا وقت مقرر ساخت. ﴿۸۱﴾ و خدا برای شما از مخلوقات خود سایه ها پیدا ساخت و برای شما از کوه ها غارها پیدا کرد و برای شما جامه ها که شمار از گرمی نگاه دارد^(۱) و جامه ها که شمارا از ضرر جنگ نگاه دارد ساخت، هم چنین نعمت خود را بر شما به تمام می رساند تا باشد که اسلام بیاورید. ﴿۸۲﴾ پس اگر اعراض کنند جزاین نیست که بر تو پیغام رسانیدن آشکار است. ﴿۸۳﴾ نعمت خدا را می شناسند باز انکار آن می کنند و بیشترین ایشان کافر اند. ﴿۸۴﴾ و آن روز که از هر گروهی گواهی را^(۲) برانگیزیم باز اجازه داده نشود کافران را^(۳) (به عذر خواهی) و نه از ایشان خواسته شود که خوشنودی خدا را بجویند. ﴿۸۵﴾ و چون ستمکاران عذاب را ببینند (اضطراب کنند) پس از ایشان سبک کرده نمی شود و نه به ایشان مهلت داده می شود. ﴿۸۶﴾ و چون مشرکان شریکان خود را ببینند گویند ای پروردگار ما این جماعت شریکان ما ایند که به جای تو می پرستیدیم پس شریکان پیام فرستند به سوی ایشان (این سخن را) که هر آئینه شما البته دروغ گویانید. ﴿۸۷﴾ و در آن روز همه تسلیم خدا شوند و گم گردد از ایشان آنچه افتراء می کردند.

(۱) یعنی وازسردی نیز.

(۲) و آن نبی آن قوم باشد والله اعلم.

(۳) یعنی تا عذر خود بیان کنند.

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا
 فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ ﴿٨٨﴾ وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي
 كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ
 شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ
 شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ ﴿٨٩﴾ * إِنَّ اللَّهَ
 يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ
 الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ
 ﴿٩٠﴾ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ
 بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ
 اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٩١﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَضَتْ
 غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا
 بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَى مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمْ اللَّهُ
 بِهِ ۖ وَلِيُبَيِّنَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ
 ﴿٩٢﴾ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ
 يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتَسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾



﴿۸۸﴾ آنانکه کافر شدند و^(۱) از راه خدا باز داشتند ایشان را عذابی بالای عذاب افزون دهیم به سبب آنکه فساد می کردند^(۲). ﴿۸۹﴾ و آن روز که درهرامتی گواهی برایشان ازقبیلۀ ایشان برانگیزیم^(۳) و تورا گواه بر آنها بیاوریم و بر تو کتاب را برای بیان کردن هر چیزی و برای راه نمودن و بخشایش و مژده دادن برای مسلمانان فرود آوردیم. ﴿۹۰﴾ هر آئینه خدا به عدل و نیکوکاری و عطا کردن به خویشاوندان می فرماید و از بی حیایی و کارناپسندیده و تجاوز و تعدی باز میدارد، شما را پند می دهد تا باشد که شما پندپذیر شوید. ﴿۹۱﴾ و وفا کنید به عهد خدا چون عهد بندید و سو گندها را بعد از محکم ساختن آنها مشکینید و هر آئینه خدا را برخویش نگاهبان ساخته اید^(۴) هر آئینه خدا آنچه را که می کنید میداند. ﴿۹۲﴾ و مانند زنی نباشید که رشته خود را بعد از استواری پاره پاره، (از هم) گسست میگیرید سو گند های خویش را مکر در میان خود تا گروهی از گروهی افزون تر شود^(۵) جز این نیست که خدا شمارا به آن افزونی می آرماید و البته برای شماروزقیامت آنچه را که در آن اختلاف می نمودید بیان می کند^(۶). ﴿۹۳﴾ و اگر خدا بخواهد شما را يك گروه قرار می داد ولیکن گمراه می کند هر که را خواهد و راه می نماید هر که را خواهد و البته پرسیده خواهید شد از آنچه می کردید.

(۱) یعنی مردمان را.

(۲) یعنی عذاب گمراهی و گمراه کردن.

(۳) مترجم گوید و آن نبی آن قوم باشد.

(۴) یعنی نام او را در قسم مذکور کرده اید.

(۵) یعنی برای منفعت دنیا تامل و منال زیاده به دست آرد.

(۶) مترجم گوید مراد تحریم یمین غموس [یعنی سوگند ناحق] است و حاصل مَثَل آن است که اعمال خود را برباد نکنید چنانکه این زن عمل خود را تباہ کرد واللہ اعلم و گویا اینجا اشاره است به آنکه یمین غموس برباد کننده^۹ اعمال است واللہ اعلم.

وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخْلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ
ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ
عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٩٤﴾ وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا
عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩٥﴾ مَا عِنْدَكُمْ
يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ
بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا
مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً
وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾
فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْءَانَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
﴿٩٨﴾ إِنَّهُ وَلَيْسَ لَهُ سُلْطٰنٌ عَلَى الَّذِينَ ءٰمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ
يَتَوَكَّلُونَ ﴿٩٩﴾ إِنَّمَا سُلْطٰنُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ
هُم بِهِ مُشْرِكُونَ ﴿١٠٠﴾ وَإِذَا بَدَلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ
وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنْزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ
لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٠١﴾ قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ
لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ ءٰمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿١٠٢﴾

﴿۹۴﴾ و سوگند های خود را وسیله نیرنگ (به عهدشکنی) در میان خویش مگیرید پس قدمی بعد استواری آن بلغزد و عقوبت را به سبب بازداشتن از راه خدا بپشید و شمارا عذاب بزرگ باشد^(۱). ﴿۹۵﴾ و عوض عهد خدا بهای اندك را مستانید هرآئینه آنچه نزد خداست شمارا بهتر است اگر شما بدانید. ﴿۹۶﴾ آنچه نزد شماست از میان می رود و آنچه نزد خداست پاینده است و البته صابران را پاداش ایشان به حسب نیکوترین آنچه می کردند می دهیم. ﴿۹۷﴾ هرکسی که عمل نیک کرد مرد باشد یا زن درحالی که او مسلمان است هرآئینه زنده کنیمش به زندگانی پاک^(۲) و آن جماعت را پاداش ایشان به حسب نیکوترین آنچه می کردند می دهیم. ﴿۹۸﴾ پس هنگامی که خواستی قرآن بخوانی از شیطان رانده شده به خدایانه ببر. ﴿۹۹﴾ هرآئینه شیطان را نیست غلبه بر آنانکه ایمان آوردند و بر پروردگار خود توکل میکنند. ﴿۱۰۰﴾ جزاین نیست که غلبه او بر آنانست که او را دوست می دارند و آنانکه ایشان به خدا شریک مقرر می کنند. ﴿۱۰۱﴾ و چون آیتی را به جای آیتی^(۳) (دیگر) بدل کنیم و خداداننده تراست به آنچه فرود می آورد گویند جزاین نیست که توافترا کننده ای بلکه اکثرا ایشان نمیدانند. ﴿۱۰۲﴾ بگو او را روح القدس از جانب پروردگار تو به راستی فرود آورده است تا خدا مومنان را ثابت قدم گرداند و برای هدایت نمودن و مژده دادن مسلمانان.

(۱) مترجم گوید یعنی در جهاد عهد کرده و قسم خورده دغا (عهدشکنی) کردند این به سبب آنست که کافران بعد از این قول ایشان را معتبر ندانند و به ایشان صحبت ندارند بلکه مسلمانان در شبهه افتند والله اعلم.

(۲) یعنی در دنیا نعمت دهیم.

(۳) یعنی يك آیت به آیت دیگر نسخ کنیم.

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ
الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ ﴿١٠٣﴾
إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٤﴾ إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ
لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿١٠٥﴾
مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيْمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ
مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيْمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ
صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٦﴾
ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى
الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿١٠٧﴾
أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ
وَأَبْصَرِهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿١٠٨﴾ لَّا جَرَ
أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٠٩﴾ ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ
لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنَّا بَعْدَ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا
وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنَ بَعْدِهَا غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١١٠﴾

﴿۱۰۳﴾ وهرآئینه مامیدانیم که کافران می گویند جزاین نیست که این پیامبر را انسانی می آموزد زبان کسی که نسبت به سوی او می کنند عجمی است واین قرآن زبان عربی واضح است. ﴿۱۰۴﴾ هرآئینه آنانکه به آیات خدا ایمان نمی آورند ایشان را خدا هدایت نمی نماید وایشان را عذاب درد ناك باشد. ﴿۱۰۵﴾ جزاین نیست که دروغ را افتراء میکنند آنانکه به آیه های خدا ایمان ندارند وایشان دروغگویان اند. ﴿۱۰۶﴾ هرکه به خدا بعدازایمانش کافر شود مگرآنکه بروی جبرکرده شود و دلش به ایمان مطمئن باشد ولیکن کسی که به کفر سینه گشاده کند یعنی راضی شود، برایشان خشم ازخدا است وایشان را عذاب بزرگ است. ﴿۱۰۷﴾ این خشم به خاطر آنست که ایشان زندگانی دنیا را برآخرت ترجیح دادند و به سبب آنست که خدا گروه کافران را راه نمی نماید. ﴿۱۰۸﴾ ایشانند آن جماعت که خدا بر دل های ایشان و برگوش ایشان ودیده های ایشان مهنهاد است وایشان بی خبرانند. ﴿۱۰۹﴾ شك نیست درآنکه ایشان درآخرت زیان کارانند. ﴿۱۱۰﴾ بازپروردگار تو برای آنان که هجرت کردند بعد ازآن که شکنجه دیدند (تاکلمه کفر بگویند) بازجهاد کردند و صبر نمودند هرآئینه پروردگار تو بعد ازین مقدمه البته آمرزنده مهربانست.

* يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ
 نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١١١﴾ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا
 قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ
 كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ
 الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١١٢﴾ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ
 رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ
 ﴿١١٣﴾ فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا
 نِعْمَتَ اللَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١١٤﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ
 عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ
 اللَّهِ بِهِ ۖ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
 رَّحِيمٌ ﴿١١٥﴾ وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ
 هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ
 الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ﴿١١٦﴾ مَتَّعَ قَلِيلٌ
 وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١٧﴾ وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ
 مِن قَبْلُ وَمَا ظَلَمْتَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١١٨﴾

﴿۱۱۱﴾ آن روز که هر شخصی جدال کنان از ذات خود بیاید و هر شخصی را پاداش آنچه کرده است به تمام داده می شود و به ایشان ستم کرده نمی شود. ﴿۱۱۲﴾ و خدا داستان دهی را که ایمن مطمئن بود به او روزی او به کشادگی اذهر جای می آمد بیان کرد پس به نعمت های خدا ناسپاسی کرد پس خدا او را پوشش گرسنگی و ترس چشانید به سبب آنچه می کردند. ﴿۱۱۳﴾ و هر آئینه پیش ایشان پیامبری از جنس ایشان آمد پس تکذیبش کردند پس ایشان را عقوبت گرفت و ایشان ستمکار بودند^(۱). ﴿۱۱۴﴾ پس از آن چه خدا شمارا روزی داد حلال پاکیزه بخورید و بر نعمت خدا شکر کنید اگر اورامی پرستید. ﴿۱۱۵﴾ جز این نیست که خدا بر شما مردار و خون و گوشت خوک را حرام ساخته است و آنچه ذکر کرده شد بر ذبح او بنام غیر خدا پس هر که مجبور کرده شد و نه ستم کرده و نه از حد گذشته (یعنی بخورد از مُحَرَّم) پس خدا آمرزگار مهربانست. ﴿۱۱۶﴾ و مگویید چیزی را که حکم او را زبان شما به دروغ بیان می کند که آن حلال است و این حرام است تا بر خدا دروغ را افتراء کنید هر آئینه آنانکه بر خدا دروغ را افتراء می کنند رستگار نمی شوند. ﴿۱۱۷﴾ ایشان را بهره ای اندك بُود و ایشان را عذاب درد ناك باشد. ﴿۱۱۸﴾ و بر یهود آنچه قصه کردیم بر توپیش ازین (یعنی در سوره انعام) حرام کرده بودیم و بر ایشان ستم نکردیم ولیکن ایشان بر جان خویش ستم میکردند.

(۱) مترجم گوید این قصه اجمالی درآورده شده است از قصه های بسیار و منطبق است بر واقعه های بیشمار و لهذا مثل نامیده شد و در عبارت اذاقها الله لباس الجوع والخوف و تشبیه در یک سیاق جمع کرده شده است والله اعلم.

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ
 ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١٩﴾
 إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ
 ﴿١٢٠﴾ شَاكِرًا لِلنَّعْمَةِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
 ﴿١٢١﴾ وَآتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ
 ﴿١٢٢﴾ ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعِ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ
 مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٣﴾ إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَفَوْا
 فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا
 كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٢٤﴾ ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ
 وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِ لَهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ
 رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ
 ﴿١٢٥﴾ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ
 صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ ﴿١٢٦﴾ وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ
 إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ
 ﴿١٢٧﴾ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ ﴿١٢٨﴾

﴿۱۱۹﴾ بازهرآئینه پروردگار تو آنان را که به نادانی کار بد کردند بازبعد ازآن توبه کردند و شایسته کارشدند هرآئینه پروردگار تو بعد ازین توبه آمرزگار مهربانست. ﴿۱۲۰﴾ هرآئینه ابراهیم امتی (بزرگوار) بود عبادت کننده برای خدا مایل به دین حق و ازمشرکان نبود^(۱). ﴿۱۲۱﴾ نعمت های خدا را سپاس دارنده خدا برگزیدش و به سوی راه راست اوراهدایت نمود. ﴿۱۲۲﴾ و دراین سرا نعمت عطا کردیمش وهرآئینه اودآخرت از نیکوکاران است. ﴿۱۲۳﴾ بعد ازآن به سوی تو وحی فرستادیم که کیش ابراهیم را حنیف شده پیروی کن وازمشرکان نبود. ﴿۱۲۴﴾ جزاین نیست که تعظیم شنبه برآنانکه اختلاف کردند درآن لازم کرده شد وهرآئینه پروردگار تو درمیان ایشان روز قیامت درآنچه اختلاف میکردند درآن حکم کند^(۲). ﴿۱۲۵﴾ دعوت کن (یعنی مردمان را) به سوی راه پروردگار خویش به دانش وپندنیک و بایشان به طریقی که آن نیکوتر است مناظره کن هرآئینه پروردگار تودانانراست به کسیکه ازراه او گمراه شد و او به راه یابان دانا تراست. ﴿۱۲۶﴾ و اگر مکافات کنید پس مکافات کنید به مثل آنچه باشما معامله کرده شد و اگر صبر کنید البته آن صبر برای صابران بهتراست. ﴿۱۲۷﴾ و شکیبایی کن و شکیبایی تو نیست مگر به توفیق خدا و برایشان اندوه مخور و درتنگدلی مباش ازآنکه بد اندیشی می کنند. ﴿۱۲۸﴾ هرآئینه خدا باپرهیزکاران است و باآنانکه ایشان نیکوکارانند.

(۱) مترجم گوید حنیف آنراگویند که حج و ختنه و غسل جنابت می کرده باشد والله اعلم توضیح: حنیف آنرا گویند که شرك و باطل را ترك کرده بدین حق مایل باشد، مصحح.

(۲) مترجم گوید یعنی یهود بحث میکردند درشنبه طائفه ای گفتند که خدای تعالی روزشنبه ازخلق فارغ شد پس درشنبه عبادت باید کردوطائفه ای سکوت کردند خدای تعالی تعظیم روزشنبه باین سبب برایشان واجب گردانید والله اعلم.

سُورَةُ الْاِسْرَاءِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى
الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ وَمِنَ عَايَاتِنَا إِنَّهُ
هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١﴾ وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ
هُدًى لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلًا ﴿٢﴾
ذُرِّيَّةً مِّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ﴿٣﴾
وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَءِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ
مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوكُمْ كَبِيرًا ﴿٤﴾ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا
بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادَ لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ
الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ﴿٥﴾ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ
عَلَيْهِمْ وَأَمَدَدْنَا لَكُمُ الْبَأْسَ وَلِتَبَيِّنَ أَكْثَرُ نَفِيرٍ
﴿٦﴾ إِنَّ أَحْسَنَهُمْ أَحْسَنُ لِنَفْسِهِمْ وَأَنْ أَسَاؤُهُمْ فَاثِرٌ فَأِذَا
جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُئَرُوا وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ
كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا ﴿٧﴾

سوره اسراء مکی است و آن يك صدویازده
آیه و دوازده رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ يٰكُ وَمَنْزَهُ اسْتِ اَنَكُهُ بُرْدُ بِنْدُهُ خُودُ رَا شُبِي اَز مَسْجِدِ حَرَامُ بَه سَوِي مَسْجِدِ اَقْصَى كِه بَرَكْتِ نِهَادِيْمُ گِرْدَاگِرْدَانُ رَا تَابِنَمَايِيْمَشُ بَعْضُ نَشَانِه هَايِ خُودِه رَأْيِيْنِه اَوْشِنُوْايِ بِيْنَا سْتِ^(۱).
﴿۲﴾ وَ مُوسَى رَا كِتَابِ دَادِيْمُ اَن رَا (مَايَه) هِدَايْتِ بَرَايِ بَنِي اِسْرَائِيْلِ گِرْدَانِيْدِيْمُ گِفْتِيْمُ كِه بِجَزْمَنِ كَارَسَازِي نَغِيْرِيْدِ. ﴿۳﴾ فِرْزَنْدَانِ قَوْمِي كِه بَرْدَاشْتِيْمُ اِيْشَانُ رَا بَانُوْحُ (يَعْنِي بَرَكْشْتِي) هِرَأْيِيْنِه وَيِ بِنْدَه سِيَّاسْگِزَارُ بُوْد. ﴿۴﴾ وَ بَه سَوِي بَنِي اِسْرَائِيْلِ دِرْتُوْرَاتِ وَحِي فِرْسْتَاْدِيْمُ كِه اَلْبَتَه دِر زَمِيْنِ دُوْبَارِ فِسَادِ خُواهِِيْدُ كِرْدُ وَ اَلْبَتَه بَاسِرْكَشِي بَزْرُگِ طَغِيَانِ خُواهِِيْدُ كِرْدُ. ﴿۵﴾ پَسِ چُونِ وَعْدَه نَخْسْتِيْنِ بَارَا زَانِ دُو بِيَايِيْدُ، بَرَشْمَا بَنْدِگَانِ خُودُ رَا خُودَا نِدَانِ كَارْزَارِ سَخْتِ بَفِرْسْتِيْمُ پَسِ دِرْآيْنِدُ مِيَّانِ خَانَه هَا (يَعْنِي بَرَايِ قَتْلِ وَنَهَبِ) وَ وَعْدَه خُداشُدْنِي هِسْتِ^(۲). ﴿۶﴾ بَازِ شَمَارَا بَرَايِشَانِ غَلْبَه دِهِيْمُ وَيِي دِرْپِي شَمَارَا اِمُوَالِ وَ فِرْزَنْدَانِ دِهِيْمُ وَ شَمَارَا بَه اَعْتِبَارِ لَشْكِرِ بِيْشْتَرِ^(۳) سَازِيْمُ. ﴿۷﴾ وَگُوِيْمُ اِگِر نِيْكُوْكَارِي كُنِيْدُ، نِيْكُوْكَارِي بَرَايِ خُويْشْتَنِ كِرْدَه بَاشِيْدُ وَ اِگِر بَدِ كَارِي كُنِيْدِ پَسِ اَن بَدِي بَرَايِ خُودَتَانِ اسْتِ پَسِ چُونِ بِيَايِيْدُ وَعْدَه دِيْگِر (بَازِ بَفِرْسْتِيْمُ بَنْدِگَانِ خُودُ رَا) تَا نَاخُوشِ سَازَنْدُ رُوِي هَايِ شَمَارَا وَ تَا دِرْآيْنِدُ بَه مَسْجِدِ چَنَانْچِه بَارِ اوَّلِ دِرْآمَدَه بُوْدَنْدُ وَ تَا اَزْپَايَه اَفْكَنَنْدُ بَرْهَرْچِه غَالِبِ شُوْنْدُ اَفْكَنَنْدِي^(۴).

(۱) یعنی خدای تعالی در شب معراج پیش از سفر به آسمان‌ها آن حضرت صلی الله علیه وسلم را به مسجد بیت المقدس رسانید.

(۲) مترجم گوید و این وعده متحقق شد بتسلط جالوت پادشاه عمالقه.

(۳) مترجم گوید و این معنی در خلافت حضرت داود ظاهر شد.

(۴) مترجم گوید و این وعده متحقق شد و قتیقه حضرت یحیی راکشتند پس بخت نصر را بر آنان مسلط ساخت.

عَسَىٰ رَبُّكُمْ اَنْ يَّرْحَمَكُمْ وَاِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ
 حَصِيرًا ﴿٨﴾ اِنَّ هَٰذَا الْقُرْءَانَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ اَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ
 الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ اَنَّ لَهُمْ اَجْرًا كَبِيرًا ﴿٩﴾
 وَاَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ اَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا اَلِيمًا ﴿١٠﴾
 وَيَدْعُ الْاِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْاِنْسَانُ عَجُولًا ﴿١١﴾
 وَجَعَلْنَا اَلِيلَ وَالنَّهَارَ اَيَاتَيْنَّ فَمَحْوَنَاءَ اَيَّةِ اَلِيلٍ وَجَعَلْنَا اَيَّةَ
 النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ
 اَلْيَسِينِ وَالْحِسَابِ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا ﴿١٢﴾ وَكُلَّ
 اِنْسَانٍ اَلَزَمْنَاهُ طَبْعَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كِتَابًا
 يَلْقَاهُ مَنشُورًا ﴿١٣﴾ اَقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ اَلْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا
 ﴿١٤﴾ مَّن اِهْتَدَىٰ فَاِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ
 عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ اُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ
 رَسُولًا ﴿١٥﴾ وَاِذَا اَرَدْنَا اَنْ نُّهْلِكَ قَرْيَةً اَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا
 فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا ﴿١٦﴾ وَكَمْ اَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ
 مِن بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿١٧﴾

﴿۸﴾ گوئیم نزدیک است پروردگار شما آنکه بر شما رحم کند و اگر رجوع کنید به نافرمانی ما به عقوبت رجوع کنیم و دوزخ را برای کافران زندان ساختیم^(۱). ﴿۹﴾ هر آینه این قرآن راه می نماید بخصلتی که اودرست تراست و آن مسلمانان را که کارهای شایسته می کنند بشارت میدهد به آن که ایشانرا پاداش بزرگ باشد. ﴿۱۰﴾ و همانا آنکه به آخرت ایمان نمی آورند برای ایشان عقوبت دردناک آماده کرده ایم. ﴿۱۱﴾ و دعایمیکند آدمی به بدی^(۲) مانند دعای وی به نیکویی و آدمی شتاب کار هست. ﴿۱۲﴾ و ساختیم شب و روز را دونشانه پس بی نورساختیم نشانۀ شب را و ساختیم نشانۀ روز را درخشان (برای دیدن اشیاء) تا فضلی را از پروردگار خود طلب کنید و تا شمار سال هارا بدانید و حساب را بدانید و هر چیزی را به تفصیل بیان کردیم. ﴿۱۳﴾ و به هر آدمی (متصل ساختیم) نامه عمل او را، درگردن او بسته ایم و بیرون آوردیم برای او روز قیامت نامه ای که آن را بازکشاده بیند. ﴿۱۴﴾ گوئیم نامه خود را بخوان نفس تو امروز بر تو حساب کننده بس است. ﴿۱۵﴾ هر که راه یاب شد جزاین نیست که برای نفع خود راه یاب میشود و هر که گمراه شد پس جزاین نیست که بر ضرر خود گمراه میشود و هیچ بردارنده باردیگری را بر ندارد و ماعذاب کننده نیستیم تا آنکه پیامبری را بفرستیم. ﴿۱۶﴾ و چون خواهیم که دهی را هلاک کنیم می فرماییم به سرکشان آنجا (یعنی آنچه خواهیم) پس نافرمانی کنند آنجا پس بر آن ده وعده عذاب ثابت شود پس ایشان را برهم زنیم برهم زدنی. ﴿۱۷﴾ و بساکسانی را هلاک کردیم از طبقات مردمان بعد از نوح و پروردگار تو به گناه بندگان خود دانای بینا بس است.

(۱) مترجم گوید ایشان رجوع کردند به فساد و تکذیب حضرت عیسی و با حضرت پیامبر جنگ کردند پس خدای تعالی بازگشت بتعذیب ایشان، بقتل واسرو جزیه.

(۲) مترجم گوید یعنی در حالت تنگدلی برخود ویرا و لاد خود دعای بدمیکند.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ
 جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا ﴿١٨﴾ وَمَنْ أَرَادَ
 الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ
 سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ﴿١٩﴾ كَلَّا نُمَدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ
 عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ﴿٢٠﴾ انْظُرْ كَيْفَ
 فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ
 تَفْضِيلًا ﴿٢١﴾ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَنحُودًا
 ﴿٢٢﴾ * وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِلَٰهَهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا
 يَبْتَغِ غِنًى عِنْدَكَ الْكِبَرُ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا
 أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿٢٣﴾ وَأَخْفِضْ لَهُمَا
 جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي
 صَغِيرًا ﴿٢٤﴾ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَادِقِينَ
 فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا ﴿٢٥﴾ وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ
 وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ
 كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿٢٧﴾



﴿۱۸﴾ هر که خواسته باشد آسودگی دنیا به شتاب دهیم ویرا در آن جا هر چه خواهیم برای هر کس که خواهیم باز برای اودوزخ را مقرر کنیم درآید به آن نکوهیده رانده شده. ﴿۱۹﴾ و هر کس که پاداش آخرت را بخواهد وسعی کند برای وی سعیی که لایق وی است در حالیکه او مسلمان باشد پس این جماعت سعی ایشان مشکور (و مقبول) هست. ﴿۲۰﴾ هر فرقه ای را پی در پی میدهیم این فرقه را و آن فرقه را از بخشش پروردگار تو و بخشش پروردگار تو باز داشته شده نیست. ﴿۲۱﴾ به بین چگونه بعض مردمان را بر بعضی برتری داده ایم^(۱) و البته آخرت زیاده تر بود در تمیز درجات و در برتری دادن بیشتر باشد. ﴿۲۲﴾ با خدا معبودی دیگر را مقرر مکن آنگاه نکوهیده بی یارمانده بنشینی. ﴿۲۳﴾ و پروردگار تو حکم کرد که عبادت مکنید مگر وی را فقط و باید رومادر نیکوکاری بکنید اگر برسد نزدیک تو کهنسالی به یکی از ایشان یا به هر دو پس مگوایشان را اُف و بانگ مزن برایشان و با ایشان سخن نیکو بگو. ﴿۲۴﴾ و پست کن برای ایشان بازوی تواضع را از جهت مهربانی و بگو ای پروردگار من ایشان را به بخشای چنانچه مرا در خورد سالی پرورش دادند. ﴿۲۵﴾ پروردگار شما داناتر است به آنچه در نفسهای شما است اگر شایسته باشید پس هر آئینه وی رجوع کنندگان را آمرزنده هست. ﴿۲۶﴾ و به خویشاوند حق آنان را بده و به درویش و به راه گذر و اسراف مکن اسراف کردنی. ﴿۲۷﴾ هر آئینه اسراف کنندگان برادران شیاطین هستند و شیطان نسبت به پروردگار خود ناسپاس هست.

(۱) یعنی درد دنیا بحد رزق و جاه.

وَمَا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ أَبْغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا
مَيْسُورًا ﴿٢٨﴾ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا
كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ﴿٢٩﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ
لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ وَكَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿٣٠﴾ وَلَا تَقْتُلُوا
أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمَّا تَقْتُلُونَهُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ قَتَلَهُمْ كَانَتْ
خِطَاءً كَبِيرًا ﴿٣١﴾ وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهُ وَكَانَ فَوَاحِشَةً وَسَاءَ
سَبِيلًا ﴿٣٢﴾ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ
وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيٍّ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي
الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا ﴿٣٣﴾ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي
هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ
مَسْئُولًا ﴿٣٤﴾ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كُنْتُمْ وَزَنُوا بِالْقِسْطِ أَسَاسَ الْمُسْتَقِيمِ
ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٣٥﴾ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ
السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ﴿٣٦﴾
وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ
الْجِبَالَ طُولًا ﴿٣٧﴾ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ﴿٣٨﴾

﴿۲۸﴾ و اگر روی بگردانی از این جماعت به انتظار رزقی از پروردگار خود که امیدوار آن باشی پس ایشان را سخن ملایم بگو. ﴿۲۹﴾ و دست خود را بسته با گردن خود مکن و مگشای آن را تمام گشادن که آنگاه بنشین ملامت کرده شده^(۱) درمانده گشته^(۲). ﴿۳۰﴾ هر آئینه پروردگار تو روزی را می گشاید و برای هر که خواهد تنگ میکند هر آئینه او به بندگان خود دانا بیناست. ﴿۳۱﴾ و اولاد خود را از ترس تنگ دستی مکشید ما ایشان را و شمارا روزی می دهیم هر آئینه کشتن ایشان گناهی بزرگ هست. ﴿۳۲﴾ و نزدیک مشوید به زنا هر آئینه آن بی حیایی است و آن بدراهی است. ﴿۳۳﴾ و نفسی را که خدا حرام ساخته است مگر به حق مکشید و هر که به ستم کشته شود پس وارث او را قوتی داده ایم^(۳) پس باید که زیادتی نکند در کشتن هر آئینه وی یاری داده شده هست. ﴿۳۴﴾ و به مال یتیم مگر به طریقی که او نیک تر است نزدیک نشوید تا آنکه به نهایت قوت خود رسد و به عهد وفا کنید هر آئینه عهد ازو پرسیده خواهد شد. ﴿۳۵﴾ و تمام کنید پیمان را چون پیمایید و به ترازوی راست بسنجید این از جهت عاقبت بهترست و نیکوترست. ﴿۳۶﴾ و پی چیزی که ترا دانش آن نیست مرو هر آئینه گوش و چشم و دل هریکی ازین ها پرسیده خواهد شد. ﴿۳۷﴾ و مرو در زمین خرامان^(۴) هر آئینه تو نخواهی زمین را شکافت و به کوه ها در درازی (و بلندی) نرسی. ﴿۳۸﴾ همه این خصلت ها بدیش نزد پروردگار توناسپندیده است.

(۱) یعنی در صورت بخل.

(۲) یعنی در صورت اسراف.

(۳) یعنی حق قصاص.

(۴) یعنی متکبرانه و مغرورانه.

ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا
 ءَاخَرَ فَتَلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا ﴿٢٩﴾ أَفَأَصْفِلْكُمْ رَبُّكُمُ
 بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا ﴿٣٠﴾
 وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ لِيَذَكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿٣١﴾
 قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ ءِلَهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا الْأَبْتَعُوا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا
 ﴿٣٢﴾ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿٣٣﴾ تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ
 السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ
 لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٣٤﴾ وَإِذَا قَرَأْتَ
 الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا
 مَسْتُورًا ﴿٣٥﴾ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ
 وَقْرٌ وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ﴿٣٦﴾
 نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ
 إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ﴿٣٧﴾ أَنْظِرْ
 كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿٣٨﴾
 وَقَالُوا ءَإِذَا كُنَّا عِظْمًا وَّرُفَّتًا ءَأَنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٣٩﴾

﴿۳۹﴾ این از آنجمله هست که وحی فرستاده است به سوی تو پروردگارت از علم و باخدا معبود دیگری را مقرر مکن آنگاه در دوزخ ملامت کرده شده رانده گشته انداخته شوی.

﴿۴۰﴾ آیا پروردگار شما شمارا به پسران برگزید و خود از فرشتگان دختران را برگزید هر آئینه شما سخن بزرگ (زشتی) میگویید. ﴿۴۱﴾ و به یقین درین قرآن به هر نوع سخن گفتیم تا پند پذیر شوند و در حق ایشان مگر رمیدن را نمیافزاید. ﴿۴۲﴾ بگو اگر با خدا معبودان دیگری میبودند چنانکه میگویند آنگاه به سوی خداوند عرش راه منازعت را طلب می کردند. ﴿۴۳﴾ وی پاک است و بلند است از آنچه میگویند بلندی بزرگ. ﴿۴۴﴾ او را آسمانهای هفت گانه و زمین و هر کس که در اینهاست به پاکی یاد می کنند و نیست هیچ چیزی مگر باستایش به پاکی او را یاد میکنند ولیکن شما به پاکی یاد کردن ایشانرا نمی فهمید هر آئینه او بر دبار آمرزگار هست. ﴿۴۵﴾ و چون میخوانی قرآن را در میان تو و در میان آنانکه آخرت را باور نمی دارند پرده پوشیده میسازیم. ﴿۴۶﴾ و می نهیم بر دلهای ایشان پوششها تا نفهمندش و در گوشهای ایشان گرانی را و چون پروردگار خود را در قرآن تنها یاد کنی روگردان شوند بر جانب پشت خود رانده^(۱). ﴿۴۷﴾ ماداناتریم به چیزی که به سبب آن می شنوند^(۲) وقتی که گوش فرامیدهند به سوی تو و وقتی که ایشان را از گویان باشند وقتی که این ستمکاران میگویند مگر مرد جادو شده را پیروی نمی کنید. ﴿۴۸﴾ بنگر چگونه داستانها برای تو زدند پس گمراه شدند پس راه یافتن را نمی توانند. ﴿۴۹﴾ و گفتند آیا چون استخوانی چند و اعضای پوسیده از هم پاشیده شویم آیا به آفرینش نو برانگیخته شویم.

(۱) مترجم گوید درین هر دو آیت کنایت است از عدم انتفاع ایشان به قرآن و مواظ.

(۲) یعنی به قصد استهزاء و عیب جویی.

* قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا ﴿٥٠﴾ أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي
 صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ
 فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ
 يَكُونَ قَرِيبًا ﴿٥١﴾ يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ
 إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٥٢﴾ وَقُلْ لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ
 إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا
 مُبِينًا ﴿٥٣﴾ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنَّ يَشَاءُ رَحْمَتُكُمْ أَوْ أَنْ يَشَاءَ
 يُعَذِّبَكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿٥٤﴾ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ
 بِمَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى
 بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا ﴿٥٥﴾ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ
 دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ﴿٥٦﴾ أُولَئِكَ
 الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ
 وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ
 مَحْذُورًا ﴿٥٧﴾ وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَمَةِ
 أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿٥٨﴾

﴿۵۰﴾ بگو سنگ شوید یا آهن شوید. ﴿۵۱﴾ یانوعی دیگر از آنچه بزرگ نماید دردل های شما شوید پس خواهند گفت چه کسی مارا باز پیدا کند بگو کسی که شمارا بار اوّل آفرید باز پس به سوی توست هر های خود را^(۱) خواهند جنبانید و خواهند گفت آن کی باشد بگو شاید که نزدیک باشد. ﴿۵۲﴾ روزی که شمارا خدا بخواند پس خواندن او را قبول کنید حمد گویان و گمان کنید که درنگ نکرده بودید مگر اندکی. ﴿۵۳﴾ و بگو بندگان مرا که بگویند سخنی که آن بهترست (یعنی با کفار) هر آینه شیطان نزاع می افکند میان مردمان هر آینه شیطان برای انسان دشمن آشکار هست. ﴿۵۴﴾ پروردگار شما به حال شما داناست اگر خواهد بر شما رحم کند و اگر خواهد شمارا عقوبت کند و نفرستادیم تورا (یا محمد) برایشان نگاهبان^(۲). ﴿۵۵﴾ و پروردگار تو به حال هر کسی که در آسمان ها و زمین است داناست و هر آینه بعض پیامبران را بر بعضی دیگر فضل داده ایم و دوا را زبور داده ایم. ﴿۵۶﴾ بگو آنان را که گمان الوهیت را در حق ایشان غیر از خدا دارید بخوانید پس دفع زبان و رفع بلایی را از شما و نه تغییر دادن نتوانند. ﴿۵۷﴾ آنانکه ایشان را کافران می پرستند به سوی پروردگار خویش قرب را طلب میکنند که کدام يك از ایشان نزدیک تر باشد و توقع دارند رحمت او را و از عذاب او می ترسند هر آینه عذاب پروردگار تو ترسناک هست. ﴿۵۸﴾ و نیست هیچ دهی مگر ما هلاک کننده آن هستیم پیش از روز قیامت یا عذاب کننده آن هستیم به عذابی سخت این وعده در لوح نوشته شده است.

(۱) یعنی ملزم خواهند شد.

(۲) مترجم گوید و این کلمه پیش از امر به جهاد بود.

وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ
وَاتَّيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ
إِلَّا تَخْوِيفًا ﴿٥٩﴾ وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا
الرُّءْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ
فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ﴿٦٠﴾
وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ
قَالَ أَسْجُدْ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ﴿٦١﴾ قَالَ أَرَأَيْتَ هَذَا الَّذِي
كَرَّمْتَ عَلَى لَيْنِ آخَرَتَيْنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ
ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٢﴾ قَالَ أَذْهَبَ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ
جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا ﴿٦٣﴾ وَأَسْتَفْزِزُ مَنْ أَسْطَظَعَتْ
مِنْهُمْ بَصُوتِكَ وَأَجْلِبَ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكِهِمْ
فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا
غُرُورًا ﴿٦٤﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى
بِرَبِّكَ وَكِيلًا ﴿٦٥﴾ رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفَلَكَ فِي
الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ وَكَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿٦٦﴾

﴿۵۹﴾ و باز نداشت مارا از آنکه نشانه ها بفرستیم مگر آنکه آن را پیشینیان تکذیب کرده بودند و ثمود را شتر ماده نشانه ای درخشان دادیم پس به وی کافر شدند و نمی فرستیم نشانه هارا مگر برای ترسانیدن. ﴿۶۰﴾ و یادکن چون تورا گفتیم که پروردگار تو همه مردمان را (یعنی در قدرت خود) دربر گرفته است و نساختیم نمایشی را که به تو نمودیم مگر امتحان برای مردمان و نساختیم درختی را که در قرآن نفرین کرده شد مگر امتحانی ایشان را و می ترسانیم پس ترسانیدن در حق ایشان مگر سرکشی بزرگ^(۱) را نمی افزاید. ﴿۶۱﴾ و یاد کن چون فرشتگان را گفتیم سجده کنید به آدم پس سجده کردند الا ابلیس گفت آیا کسی را سجده کنم که از گل آفریده ای. ﴿۶۲﴾ باز گفت آیا این شخص را که برتری داده ای بر من دیدی اگر مهلت دهی مرا تا روز قیامت البته اولاد او را مگر اندکی از بیخ برکنم. ﴿۶۳﴾ خدا فرمود برو پس هر کسیکه از ایشان پیروی تو کند پس دوزخ سزای همه شما است سزای کامل و فراوان. ﴿۶۴﴾ و از جابجنان هر که را توانی از ایشان به آواز خود و آواز کن بر ایشان توسط سواران خود و پیادگان خود و با ایشان در اموال و فرزندان شریک شو و ایشان را وعده ده و شیطان ایشان را وعده نمی دهد مگر به فریب^(۲). ﴿۶۵﴾ هر آئینه بندگان من تورا برایشان هیچ قدرتی نیست و پروردگار تو کارساز بس است. ﴿۶۶﴾ پروردگار شما آن است که برای شما کشتی ها را در دریا روان میکند تا از فضل او طلب معیشت کنید هر آئینه او بر شما مهربان هست.

(۱) یعنی چون کافران قصه معراج شنیدند و آیت ﴿إِنَّا سَجَّرْنَا آلَهُمْ﴾ به ایشان رسید استبعاد کردند و محل طعن ساختند.

(۲) مترجم گوید و این تصویر سعی شیطان است در گمراه کردن ایشان مآخوذ از فعل رئیس دزدان چون دهی را غارت کند برایشان نعره میزند و سواران و پیادگان خود را آواز میدهد که ازین سو بگیرید و از آن سو بگیرید.

وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهًا فَلَمَّا
نَجَّكُمُ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ﴿٦٧﴾ أَفَأَمِنْتُمْ
أَنْ يَخْشِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ
لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا ﴿٦٨﴾ أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً
أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيَغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ
ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْكُمْ تَبِعًا ﴿٦٩﴾ * وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي
ءَادَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ
وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ﴿٧٠﴾ يَوْمَ نَدْعُوا
كُلَّ آدَمَ بِأَسْمِهِمْ فَمَنْ أُنِزِلَ عَلَيْهِ مِنْهُ شَيْءٌ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
يَقْرَأْ وَنُكَتِبْ لَهُمْ مَا سَعَىٰ لَمِيعَةً لِّذِكْرِهِمْ وَكَأَنَّ هَٰذِهِ
فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٧١﴾ وَإِنْ
كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ لِتَتَفَتَّرَ
عَلَيْهَا غَيْرُهُ ۖ وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ خَلِيلًا ﴿٧٢﴾ وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ
لَقَدْ كِدْتَ تَرْكُنْ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا ﴿٧٣﴾ إِذَا لَا ذِقَ لَكَ ضِعْفَ
الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْكَ نَصِيرًا ﴿٧٤﴾



﴿ ۶۷ ﴾ و چون به شما سختی ای در دریا برسد گم شود کسی که او را میخوانید مگر خدا پس چون شمارا به سوی خشکی نجات داد روی گردان شدید و آدمی ناسپاس هست.

﴿ ۶۸ ﴾ آیا ایمن شده‌اید از آنکه شما را به جانب خشکی فروبرد یا بر شما باد تندی که سنگ ریزه افکند بفرستد باز برای خود هیچ نجات دهنده ای نیابید. ﴿ ۶۹ ﴾ آیا ایمن شده اید از آنکه باز درآرد شمارا به دریا باردیگر پس بر شما از جنس باد، باد تندی را بفرستد پس شمارا غرق گرداند به سبب آنکه کافر شدید باز برای خود هیچ بازخواست کننده برما (به سبب آن غرق) نیابید. ﴿ ۷۰ ﴾ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشته ایم و ایشان را در بیابان و در دریا برداشتیم^(۱) و ایشان را از پاکیزه‌ها و خوشمزه روزی دادیم و ایشان را بر بسیاری از آنچه آفریده ایم چنانکه باید برتری دادیم. ﴿ ۷۱ ﴾ روزی که بخوانیم هرفرقه ای را بایشوای ایشان پس هر که نامه اعمال او بدست راستش داده شده پس آن جماعت بخوانند نامه خود را و مقدار يك رشته ستم کرده نشوند. ﴿ ۷۲ ﴾ و هر که در دنیا کور باشد^(۲) وی در آخرت نیز کور است و راه را خطا کننده تراست. ﴿ ۷۳ ﴾ و هر آئینه نزدیک بودند که (بفریب) تورا از آنچه وحی فرستاده ایم به سوی تو بازدارند تا بر ما غیر آن را بر بندند و آنگاه تورا دوست می گرفتند. ﴿ ۷۴ ﴾ و اگر نبود آن که تورا ثابت داشتیم نزدیک بودی که میل کنی به سوی ایشان اندك میلی. ﴿ ۷۵ ﴾ آنگاه تورا دو چند عذاب زندگانی و دو چند عذاب مرگ می چشاندیم باز برای خود مددکننده ای بر ما نمی یافتی.

(۱) یعنی بردواب و کشتی.

(۲) یعنی حقیقت را نبیند.

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا
وَإِذَا لَا يَلْبَثُونَ خِلْفَكَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٧٦﴾ سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا
قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا ﴿٧٧﴾ أَقِمِ
الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْءَانَ الْفَجْرِ
إِنَّ قُرْءَانَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا ﴿٧٨﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ
بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا ﴿٧٩﴾
وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ
وَأَجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا ﴿٨٠﴾ وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ
الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿٨١﴾ وَنُزِّلَ مِنَ الْقُرْءَانِ مَا هُوَ
شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا ﴿٨٢﴾
وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ ۖ وَإِذَا مَسَّهُ
الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا ﴿٨٣﴾ قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَى شَاكِلَتِهِ ۖ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ
بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا ﴿٨٤﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ
أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٥﴾ وَلَئِنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ
بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا ﴿٨٦﴾

﴿۷۶﴾ وهرآئینه نزدیک بودند که تورا از زمین بلغزانند تا تورا از آنجا جلاوطن کنند و آنگاه پس از تو مگر اندکی نمانند. ﴿۷۷﴾ (مانند) روش آنانکه ایشان را پیش از تواز پیامبران خویش فرستاده ایم و در روش ما تبدیلی را نخواهی یافت^(۱). ﴿۷۸﴾ نماز را وقت زوال آفتاب تا هنگام تاریکی شب برپا دار و قرآن خواندن فجر را لازم گیر هرآئینه قرآن خواندن فجر را فرشتگان حاضر می شوند. ﴿۷۹﴾ وپاره‌ای از شب بیدار باش پس نماز شب بخوان که برای توافزون (بردیگران) است، نزدیک است که تورا پروردگار تو بمقامی پسندیده برساند^(۲). ﴿۸۰﴾ و بگوای پروردگار من درآور مرا در آوردن پسندیده و بیرون آور مرا بیرون آوردن پسندیده و برای من از نزد خود قوتی یاری دهند^(۳) قرار ده. ﴿۸۱﴾ و بگو دین حق آمد و دین باطل نابود شد هرآئینه باطل نابود شونده است. ﴿۸۲﴾ و از قرآن آنچه وی شفا و رحمت است برای مسلمانان فرود می آوریم و در حق ستمکاران مگر زیان را نمی افزاید. ﴿۸۳﴾ و چون بر آدمی انعام کنیم روگرداند و بازوی خود را پیچاند و چون بوی سختی رسد ناامید باشد. ﴿۸۴﴾ بگوهر کسی به روش خود عمل میکند پس پروردگار شما داناترست به کسی که او راه یافته تراست. ﴿۸۵﴾ و تورا از روح سوال میکنند بگو روح از فرمان پروردگار من است و شما از علم داده نشده‌اید مگر اندکی. ﴿۸۶﴾ و اگر بخواهیم ببریم آنچه راکه وحی فرستاده‌ایم به سوی تو باز برای خود در برابر ماکار سازی نمی یابی.

(۱) مترجم گوید و این معنی روزیدر متحقق شد و جمعی که در پی^۱ ایذای آن حضرت بودند مقتول (شدند و آن کادوا) به جهت این گفته شد که وقت نزول آیت قصد لغزاندن داشتند و هنوز ملتجی به هجرت نکرده بودند و الله اعلم.

(۲) یعنی مقام شفاعت.

(۳) یعنی در هر حال اعانت کن مرا چه در وقت دخول درجایی چه در وقت خروج از آنجا.

إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا ﴿٨٧﴾ قُلْ
لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَن يَأْتُوا بِمِثْلِ هَٰذَا الْقُرْآنِ
لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ ۚ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ﴿٨٨﴾
وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ
النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿٨٩﴾ وَقَالُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ
لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا ﴿٩٠﴾ أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّحِيلٍ
وَعَنْبٍ فَتَفْجِرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا ﴿٩١﴾ أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ
كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا أَوْ تَأْتِيَ بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ
قَبِيلًا ﴿٩٢﴾ أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرٍ أَوْ تَرْقَىٰ فِي السَّمَاءِ
وَلَن نُّؤْمِنَ لِرُفَيْكَ حَتَّىٰ تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرُؤُهُ ۚ قُلْ
سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا ﴿٩٣﴾ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ
أَن يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَن قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا
رَّسُولًا ﴿٩٤﴾ قُلْ لَّوْكَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يُّمَشُّونَ مُطَمِّئِينَ
لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا ﴿٩٥﴾ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ
شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿٩٦﴾

﴿۸۷﴾ لیکن به سبب رحمتی از جانب پروردگار تو باقی گذاشتمش هرآئینه فضل وی بر تو بزرگ است. ﴿۸۸﴾ بگو اگر جمع شوند آدمیان و جن برآنکه بیاورند مانند این قرآن هرگز مانند آن نیاورند اگرچه بعض ایشان بعضی را مددکار باشد. ﴿۸۹﴾ و هرآئینه گوناگون برای مردمان درین قرآن از هرداستانی بیان کردیم پس قبول نکردند بیشتر مردمان مگر ناسپاسی را. ﴿۹۰﴾ و گفتند هرگز تورا باور نداریم تاآنکه برای ما از زمین چشمه ای جاری کنی. ﴿۹۱﴾ یا تورا بوستانی از درختان خرما و انگور باشد پس روان کنی جویها در میان آن روان کردنی. ﴿۹۲﴾ یا آسمان را چنان که گمان میکنی بر ما پاره پاره فرود آری یا خدا و فرشتگان را رو برو بیاری. ﴿۹۳﴾ یا تورا خانه ای از زر باشد یا بالاروی در آسمان و بالارفتن تورا تاآنکه فرودآوری بر ما نوشته ای که بخوانیم آن را باور نداریم بگو پروردگار من پاك است نیستم من مگر آدمی فرستاده شده. ﴿۹۴﴾ و مردمان را بازداشت ازآنکه ایمان آورند وقتی که به ایشان هدایت آمد مگر آنکه گفتند آیا خدای تعالی آدمی را پیامبر فرستاده است. ﴿۹۵﴾ بگو اگر در زمین فرشتگان می بودند که می رفتند بااطمینان هر آئینه فرشته ای را از آسمان پیامبر برایشان میفرستادیم. ﴿۹۶﴾ بگو خدا گواه میان من و میان شما پس است هرآئینه وی به بندگان خود دانای بیناست.

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ
 مِنْ دُونِهِ ۖ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِيَائًا وَبُكْمًا
 وَصُمًّا مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۖ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا ﴿٩٧﴾
 ذَلِكَ جَزَاءُهُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظْمًا
 وَرُفَاتًا أَوَّاهًا مَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٩٨﴾ * أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ
 الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ
 وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا ﴿٩٩﴾
 قُلْ لَّوِ انْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَّأَمْسِكْتُمْ خَشْيَةَ
 الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا ﴿١٠٠﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ
 آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَسَلَّ بَنِي إِسْرَءِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ
 إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَمُوسَىٰ مَسْحُورًا ﴿١٠١﴾ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنزَلَ
 هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَآئِرٍ وَبِئْسَ الْأُظُنُّكَ
 يَفِرْعَوْنُ مُثَبَّرًا ﴿١٠٢﴾ فَأَرَادَ أَنْ يَسْتَفِزَّهُمْ مِنَ الْأَرْضِ
 فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَّعَهُ جَمِيعًا ﴿١٠٣﴾ وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَءِيلَ
 أَسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا ﴿١٠٤﴾

﴿۹۷﴾ و هر که را خدا هدایت کند پس اوست هدایت یافته و هر که را گمراه سازدش برای ایشان دوستانی بغیر از خدا نیابی و ایشان را روز قیامت بر رویهای شان، کور و گنگ و کر برانگیزیم جای ایشان دوزخ است هرگاه فرو نشیند برایشان آتش را بیفزاییم. ﴿۹۸﴾ این است جزای ایشان به سبب آنکه به نشانه های ما کافر شدند گفتند آیا چون استخوانهایی چند و اعضایی از هم پاشیده شویم آیا به آفرینش نو برانگیخته شویم. ﴿۹۹﴾ آیا ندیده اند آن خدایی که آسمان ها و زمین را آفرید تواناست که مانند ایشان را بیافریند و مقرر کرده است برای ایشان میعادى که در آن هیچ شکی نیست پس ستمکاران غیر ناشکری را قبول نکردند. ﴿۱۰۰﴾ بگو اگر شما مالک خزانه های بخشش پروردگار می بودید آنگاه نیز از ترس فقر (در نتیجه انفاق) بخیلی می ورزیدید آدمی بخل کننده هست. ﴿۱۰۱﴾ و هر آئینه موسی را نه نشانه روشن دادیم پس از بنی اسرائیل پرس چون به ایشان آمد پس او را فرعون گفت هر آئینه تورا ای موسی جادو کرده شده می پندارم. ﴿۱۰۲﴾ گفت (موسی) به تحقیق تودانسته ای، که نفرستاده این نشانه هارا مگر پروردگار آسمان ها و زمین دلائل روشن (بر صدق حق) و هر آئینه من می پندارم تورا ای فرعون هلاک شده. ﴿۱۰۳﴾ پس خواست که بیرون راند بنی اسرائیل را از آن سرزمین پس او را و همگی آنانرا که همراه او بودند غرق ساختیم. ﴿۱۰۴﴾ و گفتیم پس از او بنی اسرائیل را در (این) سرزمین ساکن شوید پس چون بیاید وعده آخرت همه شما را با هم آمیخته بداریم.

وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿١٥﴾
 وَقُرْءَانًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا ﴿١٦﴾
 قُلْ ءَامِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى
 عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا ﴿١٧﴾ وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ
 وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ﴿١٨﴾ وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ
 خُشُوعًا ﴿١٩﴾ قُلْ أَدْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ
 الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ
 بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴿٢٠﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ
 لَهُ وُشْرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِيلِ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا ﴿٢١﴾

سُورَةُ الْكَافُرَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا
 ١ قِيمًا لِيُنْذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا لِمَنْ لَدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ
 الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا ٢
 مَّا كُنْ فِيهِ أَبَدًا ٣ وَيُنْذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ٤

سجدة

سكعة لطيفة
من
الف عود

﴿۱۰۵﴾ وقرآن را به راستی فروفرستادیم و به راستی فرود آمده است و نفرستادیم تورا مگر مژده دهنده و ترساننده. ﴿۱۰۶﴾ وقرآن را کم کم فرستادیم تا بخوانی آن را بر مردمان بدرنگ و آن را به دفعات به فرستادنی (حکمت آمیز) فروفرستادیم. ﴿۱۰۷﴾ بگوایمان آورید به آن یا ایمان نیاورید هرآینه آنانکه ایشان را علم پیش ازین داده شد چون خوانده می شود برایشان بر روی خود سجده کنان می افتند. ﴿۱۰۸﴾ و گویند پاکی پروردگار ماراست هرآینه وعده پروردگار ماشدنی هست. ﴿۱۰۹﴾ و بر روی خویش گریه کنان می افتند و قرآن درایشان فروتنی را می افزاید. ﴿۱۱۰﴾ بگو خدا را بخوانید یا رحمن را بخوانید هر کدام را که بخوانید (خوب باشد) پس برای خدای است نامهای نیکو و نمازت را (چنین) بلند بخوان و آن را آهسته (نیز) بخوان و میان این و آن راهی (میانه) بجوی. ﴿۱۱۱﴾ و بگوستایش خدای راست که هیچ فرزندی برنگرفته است و او را هیچ شریکی در پادشاهی نیست و او را هیچ کارسازی از ناتوانی نیست و به بزرگی او را یادکن چنانکه سزاوار است.

سوره کھف مکی است و آن يك صد و ده
آیه و دوازده رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ همه ستایش آن خدایی راست که بر بنده خود کتاب را فروفرستاد و در آن هیچ کجی ننهاد. ﴿۲﴾ (ساخت او را) راست تا از عقوبت سخت آینده از نزد خدا بترساند و تا آن مسلمانان را که کارهای شایسته می کنند مژده دهد به آنکه ایشانرا است پاداش نیک. ﴿۳﴾ در آن همیشه باشندگانند. ﴿۴﴾ و تا بترساند آنان را که گفتند خدا فرزند گرفته است.

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا ﴿٥﴾ فَلَعَلَّكَ بَدِخْنُ نَفْسِكَ عَلَى آثَرِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا ﴿٦﴾ إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ﴿٧﴾ وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ﴿٨﴾ أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا ﴿٩﴾ إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ﴿١٠﴾ فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ﴿١١﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا ﴿١٢﴾ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى ﴿١٣﴾ وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُنَّا إِذْ أَشْطَطَا ﴿١٤﴾ هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ﴿١٥﴾

﴿۵﴾ ایشان را هیچ دانش به آن نیست و نه پدران ایشان را (بود)، بس گران است سخنی که از دهانهای ایشان برمی آید مگردروغ را نمی گویند. ﴿۶﴾ پس مگر تو نفس خود را در پی ایشان اگر ایمان به این سخن نیاورند از روی اندوه کشنده ای. ﴿۷﴾ هرآینه ما آنچه بر روی زمین است آرایشی برای آن قرار داده ایم تا ایشان را امتحان کنیم کدام يك از ایشان در عمل نیکوتر است. ﴿۸﴾ و هرآینه ما البته خواهیم ساخت آنچه را که براوست میدان هموار بی گیاه. ﴿۹﴾ آیپداشتی که اصحاب غار نوشته^(۱) از جمله نشانه های ماعجب بودند. ﴿۱۰﴾ چون چند جوانانی به سوی غار پناه بردند پس گفتند ای پروردگار ما، ما را از نزد خود بخششی بده و برای ما راه یابی را در کار ما آماده ساز. ﴿۱۱﴾ پس برگوش های ایشان در غار پرده گذاشتیم یعنی سالهای شمرده شده خوابانیدیم. ﴿۱۲﴾ باز ایشان را برانگیختیم تا بدانیم کدام يك از دو گروه مقدار مدتی را که درنگ کرده اند بهتر یاد دارند. ﴿۱۳﴾ ما بر تو خبر ایشان را به راستی میخوانیم هرآینه ایشان جوانانی بودند که به پروردگار خویش ایمان آوردند و ایشانرا هدایت زیاده دادیم. ﴿۱۴﴾ چون ایستادند مابه دلهايشان^(۲) قدرت و جرأت دادیم پس گفتند پروردگار ما همان پروردگار آسمان ها و زمین است هرگز بجز وی معبودی را نخواهیم پرستید هرآینه آنگاه سخن دروغ گفته باشیم. ﴿۱۵﴾ این قوم ما غیر از خدا معبودانی گرفتند چرا بر (ثبوت حقانیت) آن خدایان دلیلی واضح نمی آورند پس کیست ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ را بر بست.

(۱) یعنی نوشته ای که بر دیوار غار است.

(۲) یعنی دل های ایشان را استوار ساختیم.

وَإِذْ أَعْرَضْنَا عَنْهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْرَأْنَا إِلَى الْكَهْفِ
يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا
﴿١٦﴾ وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَّوُّرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ
الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقَرِّضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ
مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ
يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا ﴿١٧﴾ وَتَحْسَبُهُمْ آيَاتًا
وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقِلُّهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُمْ
بَسِيطٌ ذِرَاعِيهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعَتْ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ
فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعبًا ﴿١٨﴾ وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ
لِتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا
يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا
أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى
طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ
بِكُمْ أَحَدًا ﴿١٩﴾ إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ
أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا ﴿٢٠﴾

﴿۱۶﴾ و چون (ای یاران) ازین کافران و از آنچه ایشان به جای خدا می پرستند کناره گیری کردید پس به سوی غار پناه برید تا بگسّرد بر شما پروردگار شما از بخشایش خود و برای شما منفعت رادر کار شما مهیا سازد. ﴿۱۷﴾ بینی ای بیننده خورشید را وقتی که طلوع کند از غار ایشان به جانب راست مایل شود و چون غروب کند از ایشان به جانب چپ تجاوز میکند و ایشان از غار درکشادگی اند این از نشانه های خداست هر که را خدا هدایت کند پس اوست هدایت یافته و هر که را گمراه می کندش پس برای او هیچ دوست راهنمایی را نیابی^(۱). ﴿۱۸﴾ و به پنداری ایشان را بیدار ای بیننده در حالیکه ایشان خفته اند و می گردانیم ایشان را جانب راست و جانب چپ و سگ ایشان دو دست خود را بر دهانه غار گشاده کرده است اگر اطلاع می یافتی بر ایشان البته رو می گردانیدی از ایشان بگریختن و تورا از ایشان ترسی فرامی گرفت^(۲). ﴿۱۹﴾ و همچنین برانگیختیم ایشان را تا (عاقبت بایکدیگر) سوال کنند در میان خود گفت گوینده ای از ایشان چه قدر درنگ کردید گفتند درنگ کردیم يك روز یا بخشی از روز باز گفتند پروردگار شما به مقدار درنگ کردن شما داناتر است پس یکی را از میان خود با این نقره خود به سوی شهر بفرستید پس باید که تأمل کند کدام يك از خوراك این شهر پاکیزه تر است پس برایتان قوتی از آن بیاورد و باید که به هوشیاری آمد و رفت کند و به حال شما هیچکس را خبردار نکند. ﴿۲۰﴾ هرائینه این کافران اگر بر شما قدرت یابند شمارا سنگسار کنند یا شمارا در دین خود درمی آورند و آنگاه هرگز رستگار نخواهید شد.

(۱) مترجم گوید به خاطر فاطر میرسد که دیوار جنوبی کهف آنقدر بلندست که سایه اصلی اودر تمام سال محل خفتن ایشانرا می پوشاند و دیوار شرقی و غربی آن متصل دیوار جنوبی بلند ترست و پایه به پایه منحط شده و این جماعت سربه جانب شمال پایه جانب جنوب کرده خفته اند پس وقتی که طلوع کند نور آفتاب بر دیوار غربی و بر بعضی از صحن غار افتد و هر چند ارتفاع زیاده گردد بلندی دیوار شرقی از وصول نور به ایشان مانع آید و نور جانب راست ایشان منتقل شود به جانب سرکه جهت شمال است و در وقت استواء بجز سایه اصلی دیوار جنوبی نمی ماند و چون آفتاب مایل بغروب شود نور آفتاب بر دیوار شرقی افتد و آهسته بر سر دیوار مرتفع گردد و آن جانب چپ ایشان است.

(۲) مترجم گوید و چنانکه خفتن ایشانرا نشانه ای ساختیم.

وَكَذَلِكَ أَتَتْهُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ لِيَظْلِمُوا أَنْبَاءَ اللَّهِ حَقَّ وَأَنَّ
السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا
أَبْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَى
أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا ﴿٢١﴾ سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ
رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ
رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي
أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً
ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿٢٢﴾ وَلَا تَقُولَنَّ لِشَايٍ
إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا ﴿٢٣﴾ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرْ رَبَّكَ
إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا
﴿٢٤﴾ وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا
﴿٢٥﴾ قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
أَبْصَرُ بِهِ وَأَسْمِعُ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ
فِي حُكْمِهِ أَحَدًا ﴿٢٦﴾ وَأَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ
رَبِّكَ لَا مَبْدَلَ لِكَلِمَتِهِ وَلَنْ يَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿٢٧﴾

﴿۲۱﴾ و هم چنین مردمان را به حال ایشان خبردار گردانیدیم تا بدانند که وعدهٔ خدا راست است و آنکه قیامت هیچ شکی در آن نیست هنگامی که نزاع میکردند آن مردمان در میان خود دربارهٔ ایشان پس گفتند بر غار ایشان خانه ای بسازید، پروردگار ایشان داناتراست به حال ایشان گفتند آنانکه قدرت یافتند بر مقدمه ایشان البته بر غار ایشان مسجدی را بسازیم. ﴿۲۲﴾ و جمعی خواهند گفت اصحاب کهف سه کس اند و چهارم ایشان سگ ایشان است و جمعی خواهند گفت که پنج کس اند ششم ایشان سگ ایشانست به خیال غایبانه و نیز می گویند هفت کس اند و هشتم ایشان سگ ایشانست بگو پروردگار من داناتراست به تعداد ایشان تعداد ایشان را نمی داند مگر اندکی پس گفتگو مکن دربارهٔ ایشان مگر گفتگوی سرسری و در حق ایشان هیچ کسی را سوال مکن. ﴿۲۳﴾ و مگو هیچ چیزی را که من البته آن را فردا خواهم کرد. ﴿۲۴﴾ مگر اینکه (بگویی) اگر خدا بخواهد^(۱) و یاد کن پروردگار خود را هنگامی که (إِنْ شَاءَ اللَّهُ) فراموش کنی^(۲) و بگو توقع است که مرا پروردگار من به راهی نزدیک تربه اعتبار راستی از آنچه کافران میگویند دلالت کند. ﴿۲۵﴾ و درنگ کردند در غار خود سیصدسال و نه سال دیگر (بر آن) افزودند. ﴿۲۶﴾ بگو خدا دانا تراست به مقداری که درنگ کرده اند علم غیب آسمان ها و زمین ویژهٔ اوست چه قدر بیناست و چه قدر شنواست ایشانرا جز او هیچ کارسازی نیست و در حکم خود هیچکسی را شریک نمی گیرد. ﴿۲۷﴾ و آنچه به سوی تو از کتاب پروردگار تو وحی فرستاده شد بخوان هیچ کس تبدیل کنندهٔ حکم های وی را نیست و هرگز غیر از او هیچ پنا هگا هی نمی یابی.

(۱) یعنی بگو خواهم کرد إِنْ شَاءَ اللَّهُ تعالی.

(۲) یعنی باز متنبه شوی.

وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ
يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ۖ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ
أَمْرُهُ فُرُطًا ﴿٢٨﴾ وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ
شَاءَ فَلْيُكْفُرْ ۖ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا
وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ
الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٢٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نَضِيعُ أجرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴿٣٠﴾ أُولَٰئِكَ
لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ
مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِينَ
فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ ۖ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٣١﴾ * وَأَضْرِبْ
لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَبٍ وَحَفَفْنَاهُمَا
بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا ﴿٣٢﴾ كَلَّمَا الْجَنَّتَيْنِ ءَاتَتْ أَكْطَاهُمَا لَمْ
تَظْلِمْ مِّنْهُ شَيْئًا وَفَجَرْنَا خِلَاهُمَا نَهْرًا ﴿٣٣﴾ وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ
لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ﴿٣٤﴾



﴿۲۸﴾ وپاییند کن خود را با آنانکه پروردگار خود را به صبح و شام یاد میکنند درحالی که رضای او را میخواهند ونباید ازایشان دیده برگیری به خاطر طلب آرایش زندگانی دنیا واز آن که دل او را از یاد خویش غافل ساخته ایم فرمان مبر وخواهش خود را پیروی کرده است و کار او ازحد گذشته است. ﴿۲۹﴾ وبگو این سخن راست است ازپروردگار شما آمده پس هرکه خواهد ایمان آورد وهر که خواهد کافر شود هرآئینه ما مهیا کرده ایم برای ستمکاران آتشی را که به ایشان سراپرده های آن درگیرد و اگر فریاد کنند به داد ایشان رسیده شود با نوشانیدن آبی مانند مس گداخته که چهره هارا بریان کند، آن بد آشامیدنی است ودوزخ بد آرام گاهیست. ﴿۳۰﴾ هرآئینه کسانی که ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده اند هرآئینه مایاداش کسی را که کارنیکو کرده باشد ضایع نمی کنیم. ﴿۳۱﴾ این جماعت برای ایشان است بوستانهای همیشه ماندن که زیر آنها نهرها می رود زیور داده شوند در آنجا دست بندها زرین و جامه های سبز از دیبای نازک وابریشم ستر می پوشند درحالی که در آنجا برتخت ها تکیه زده اند این نیک جزاست وبهشت نیکو آرام گاهیست. ﴿۳۲﴾ و برای ایشان داستان دوشخص را بیان کن که دادیم به یکی ازایشان دوبوستان ازدرختان انگور وگرداگرد آن درختان خرما پیدا کردیم و درمیان این بوستانها زراعت را قرار دادیم. ﴿۳۳﴾ هردوبوستان میوه هایش را آوردند وهیچ چیزی را از آن (میوه) کم نکرد و میان آنها جوی آب را روان ساختیم. ﴿۳۴﴾ و او را میوه های بسیار بود پس به همنشین خود گفت درحالی که او گفتگو میکرد باآن همنشین گفت من ازتومالدارتر وبه اعتبار حشم نیرومندترم.

وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ
أَبَدًا ﴿٣٥﴾ وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدِدْتُ إِلَى رَبِّي لَأَجِدَنَّ
خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا ﴿٣٦﴾ قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ
بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ تُظْفِئُهُ ثُمَّ سَوَّيْنَاكَ رَجُلًا ﴿٣٧﴾
لَّكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٣٨﴾ وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ
جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَىٰ أَنَا أَقْلَ مِنْكَ
مَالًا وَوَلَدًا ﴿٣٩﴾ فَعَسَىٰ رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ
عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا ﴿٤٠﴾ أَوْ يُصْبِحَ
مَاءً وَهًا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ وَطْلَبًا ﴿٤١﴾ وَلَحِيطَ بِشَمْرِهِ
فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ
عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٤٢﴾ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ
فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا ﴿٤٣﴾ هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ
لِلَّهِ الْحَقُّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا ﴿٤٤﴾ وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلِ الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا كَمَا أَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ
فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا ﴿٤٥﴾

﴿۳۵﴾ ودرآمد به بوستان خود درحالی که برخویش ستم کرده بود گفت نمی پندارم که این بوستان هیچ گاه هلاک شود. ﴿۳۶﴾ و گمان نمی‌کنم که قیامت متحقق شود و بالفرض اگر باز گردانیده شوم به سوی پروردگار خود هرآینه بازگشتی بهتر ازین بوستانها خواهم یافت. ﴿۳۷﴾ گفت او را همنشین او درحالی که او باوی گفتگو میکرد آیاکافرشدی به آن خدایی که تورا ازخاک پیدا کرد باز از نطفه باز تو را مردی (کامل) ساخت. ﴿۳۸﴾ لیکن من اعتقاد دارم که خدا پروردگار من است و بپروردگار خود هیچکسی را شریک مقرر نمی‌کنم. ﴿۳۹﴾ و چون درآمدی به بوستان خود چرا نه گفتی آنچه خدا خواسته است شدنیست، نیست هیچ توانایی مگر به مشیت خدا اگر می بینی مرا کم تر از توام در مال و فرزند. ﴿۴۰﴾ پس شاید که پروردگار من مرا بهتر از بوستان تو بدهد و شاید که بر بوستان تو عذابی از آسمان فرستد پس زمینی بی گیاه لغزانده پا گردد. ﴿۴۱﴾ یا آب او فرو رفته شود پس هرگز آن را نتوانی جُست. ﴿۴۲﴾ (به عذاب الهی) میوه هایش فرا گرفته شد پس بامداد کرد (چنان که) دودست خود را به حسرت بر آنچه خرج کرده بود در عمارت آن می‌مالید و آن بوستان بر سقفهای خود افتاده و می‌گفت ای کاش با پروردگار خود هیچکسی را شریک مقرر نمی‌کردم. ﴿۴۳﴾ و او را هیچ جماعتی نبود که غیر از خدا یاری دهندش و خود نیز پیروزمند نبود. ﴿۴۴﴾ آنجا ثابت شد که کارسازی برای خدای حق است وی از روی پاداش دادن بهتراست و وی از روی جزا دادن بهتر است. ﴿۴۵﴾ و برای ایشان داستان زندگانی دنیا را بیان کن که وی مانند آبی است که از آسمان فرو فرستادیمش پس درهم پیچید به سبب وی رستنی زمین پس سرانجام درهم شکسته شد که بادها آن را پراکنده می‌ساختند و خدا بر همه چیز توانا است.

الْمَالِ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ
 خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ﴿٤٦﴾ وَيَوْمَ نُسِرُّ الْجِبَالَ وَتَرَى
 الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿٤٧﴾ وَعُرِضُوا
 عَلَى رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ
 أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا ﴿٤٨﴾ وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ
 مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يُوَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ
 لَا يَغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا
 حَاضِرًا وَلَا يَظُنُّ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿٤٩﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا
 لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ
 أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ
 بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ﴿٥٠﴾ * مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا
 ﴿٥١﴾ وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَاءِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ
 فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا ﴿٥٢﴾ وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ
 النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُم مُّوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا ﴿٥٣﴾



﴿۴۶﴾ مال و فرزندان آرایش زندگانی دنیاست و حسنات پاینده شایسته نزد پروردگارتو از جهت پاداش بهتراند و از جهت امیدداشتن خوب تراند. ﴿۴۷﴾ و آن روز که کوه هارا روان می‌کنیم و زمین را نمایان می‌بینی و همه ایشان را گرد می‌آوریم پس از ایشان هیچ کسی را فرو نمی‌گذاریم. ﴿۴۸﴾ و روبرو آورده شوند پیش پروردگار توصیف کشیده گوئیم هر آئینه پیش ما آمدید چنانکه شمارا نخستین بار آفریده بودیم بلکه می‌پنداشتید که برای شما وعده‌گاهی نخواهیم مقرر کرد. ﴿۴۹﴾ و نامه اعمال در میان نهاده شود پس گناه کاران را ترسان ببینی از آنچه در آن است و می‌گویند ای وای بر ما این چه کتابی است که هیچ عمل خورد و نه بزرگ را نمی‌گذارد مگر آن را احاطه کرده است و هر چه را کرده بودند حاضر بیابند و پروردگارتو بر هیچ کسی ستم نمی‌کند. ﴿۵۰﴾ و یادکن چون به فرشتگان گفتیم سجده کنید آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس از جن بود پس از فرمان پروردگار خود بیرون شد ای مردمان آیا اورا و فرزندان اورا به جای من دوستان می‌گیرید حال آنکه ایشان شمارا دشمن‌اند، شیطان ستمکاران را بد عوض است. ﴿۵۱﴾ ایشان را وقت آفریدن آسمان ها و زمین حاضر نکرده بودم و نه وقت آفریدن خود ایشان و من هرگز همراه کنندگان را مددکار و یاور خود نساختم. ﴿۵۲﴾ و روزی که خدای تعالی میفرماید ای مشرکان صدا کنید شریکان مرا که گمان می‌بردید پس آن جماعت را صدا کنند و آن جماعت صدای ایشان را قبول نکنند و در میان ایشان^(۱) مهلکه و دشمنی را ساختم. ﴿۵۳﴾ و گناهکاران آتش (جهنم) را ببینند آنگاه دریابند که ایشان خواهد در آن افتادگاند و از آن جای بازگشتی نیابند.

(۱) یعنی وادی از وادیهای دوزخ تا یکی به دیگری نتواند رسید.

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ
 الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ﴿٥٤﴾ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا
 إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ
 الْأُولَىٰ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ﴿٥٥﴾ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ
 إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ
 لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا ﴿٥٦﴾
 وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسَىٰ
 مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ
 وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا
 أَبَدًا ﴿٥٧﴾ وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا
 لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَّنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ
 مَوْيلًا ﴿٥٨﴾ وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا
 لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا ﴿٥٩﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ
 أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ
 بَيْنَهُمَا نِسَاءُ حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ﴿٦١﴾

﴿۵۴﴾ و به راستی در این قرآن برای مردمان از هر نوع داستانی گوناگون بیان کردیم و آدمی بیشتر از همه چیز در خصومت هست. ﴿۵۵﴾ و مردمان را از آنکه ایمان آورند چون پیامد به ایشان هدایت و از آنکه طلب آمرزش کنند از پروردگار خود باز نداشت مگر به انتظار آنکه بیاید به ایشان روش پیشینیان یا به ایشان عقوبت گوناگون بیاید. ﴿۵۶﴾ و نمی فرستیم پیامبران را مگر بشارت دهنده و ترساننده و کافران به ناحق و بیهوده خصومت میکنند تا به سبب آن سخن حق را بلغزانند و آیات مرا و چیزی را که به آن ترسانیده شدند به تمسخر گرفتند. ﴿۵۷﴾ و کیست ستمکارتر از کسی که به آیات پروردگار خویش پند داده شد پس از آن رویگردان گشت و آنچه را پیش فرستاده است دو دست او فراموش کند هر آئینه ما بردل های ایشان پرده ها افکنده ایم تا قرآن را نفهمند و ساختیم در گوشه های ایشان گرانی و اگر ایشان را به سوی هدایت بخوانی پس آنگاه هرگز راه نیابند. ﴿۵۸﴾ و پروردگار تو آمرزنده صاحب رحمت است اگر ایشان را به آنچه کرده اند مؤاخذه می کرد عذاب را به شتاب برایشان می فرستاد، بلکه (حق این است که) برای ایشان میعاد می دهی که هرگز غیر از آن پناهی را نیابند. ﴿۵۹﴾ و آن دهها را چون ستم کردند هلاک کردیم و برای هلاک ایشان میعاد می تعیین کردیم. ﴿۶۰﴾ و یادکن چون موسی نوجوان خود را گفت پیوسته راه میروم تا آنکه به محل جمع شدن دودریا برسم یا مدت های درازی بروم. ﴿۶۱﴾ پس چون به محل جمع شدن دودریا رسیدند ماهی خود را فراموش کردند پس راه خود را در دریا شکافان گرفت.

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ إِنِّي خَشِيتُ أَنْ يَدْخُلَا عَلَيَّ الصَّخْرَةُ فَاسْتَيْسَتْ
هَذَا نَصَبًا ﴿٦٢﴾ قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ
الْحُوتَ وَمَا أَنَسِينِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ
فِي الْبَحْرِ عَجَبًا ﴿٦٣﴾ قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغُ فَارْتَدَّ عَلَى آثَارِهِمَا
قَصَصًا ﴿٦٤﴾ فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا اتَّبِعَهُ رَحْمَةً مِنَّا عِندَنَا
وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا ﴿٦٥﴾ قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ
تُعَلِّمَنِي مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا ﴿٦٦﴾ قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ
صَبْرًا ﴿٦٧﴾ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا ﴿٦٨﴾ قَالَ
سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ﴿٦٩﴾ قَالَ
فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا
﴿٧٠﴾ فَأَنْطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا
لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا ﴿٧١﴾ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ
لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٢﴾ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا
تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ﴿٧٣﴾ فَأَنْطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيََا غُلَامًا فَقَتَلَهُ
قَالَ أَقَتَلْتُ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا ﴿٧٤﴾

﴿۶۲﴾ پس چون گذشتند موسیٰ نوجوان خود را گفت برای ما (طعام) چاشت مارا بیاور
 هرآئینه از این سفر خود رنج یافتیم. ﴿۶۳﴾ گفت آیا دیدی چون به آن سنگ تکیه زده آرام
 گرفتیم پس من ماهی را (یعنی آنجا) فراموش کردم و فراموش نساخت مرا از آنکه قصه آن
 را یادکنم مگر شیطان و راه خود در دریا به شیوه عجیبی گرفت. ﴿۶۴﴾ موسیٰ گفت این
 بود آنچه می جستیم پس بر نشان قدم هایشان جستجو کنان باز گشتند. ﴿۶۵﴾ پس بنده ای
 را از بندگان ما که او را رحمتی دادیم از نزد خود یافتند و او را از نزد خود علمی آموختیم^(۱).
 ﴿۶۶﴾ موسیٰ او را گفت آیا پیروی توکنم به شرط آنکه به من (نیز) بیاموزی از راه یابی ای
 که آموزش یافته ای. ﴿۶۷﴾ گفت هرآئینه تو بامن شکیبایی کردن نمی توانی. ﴿۶۸﴾
 و چگونه شکیبایی کنی بر چیزیکه درنگرفته ای آنرا از روی دانش. ﴿۶۹﴾ گفت مرا شکبیا
 خواهی یافت اگر خدابخواهد و باتو در هیچ فرمانی خلاف نمی کنم. ﴿۷۰﴾ گفت پس
 اگر پیروی من می کنی پس از من از هیچ چیز سوال مکن تا آنکه خودم از آن باتوسخن گویم.
 ﴿۷۱﴾ پس راه رفتند تا وقتی که چون بر کشتی سوار شدند (خضر) آنرا شکافت گفت
 (موسیٰ) آیا شکافتی کشتی را تا سرنشینانش را غرق کنی به راستی چیزی (بس) ناگوار را
 آوردی. ﴿۷۲﴾ گفت آیا نگفته بودم که تو بامن شکیبایی کردن نتوانی. ﴿۷۳﴾ موسیٰ
 گفت مرا به آنچه فراموش کردم بازخواست مکن و در کارم بر من سخت مگیر. ﴿۷۴﴾ پس
 راهسپار شدند تا وقتی که بانوجوانی برخورد کردند پس (خضر) او را بکشت گفت (موسیٰ)
 آیا انسانی بی گناه را به غیر قصاص نفسی کشتی؟! بی گمان چیزی ناپسندیده را آوردی.

(۱) یعنی خضر را یافتند.

* قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَّكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٥﴾ قَالَ إِنْ
 سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَ هَٰذَا فَلَا تُصِجْنِي ۖ قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا
 ﴿٧٦﴾ فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلُهَا فَأَبَوْا
 أَنْ يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ
 قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا ﴿٧٧﴾ قَالَ هَٰذَا فِرَاقُ بَيْنِي
 وَبَيْنِكَ ۚ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿٧٨﴾ أَمَّا
 السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسْكِينٍ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ
 أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَ هُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا ﴿٧٩﴾ وَأَمَّا
 الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهَقَهُمَا طُغْيَانًا
 وَكُفْرًا ﴿٨٠﴾ فَأَرَدْنَا أَنْ يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ
 رُحْمًا ﴿٨١﴾ وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ
 وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ
 يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ
 وَمَافَعَلْتُهُ ۖ عَنْ أَمْرِئٍ ذَلِكُ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿٨٢﴾
 وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقَرْيَيْنِ ۖ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِّنْهُ ذِكْرًا ﴿٨٣﴾

﴿۷۵﴾ گفت آیا نگفته بودم به تو که هرآئینه تو بامن شکیبایی کردن نتوانی. ﴿۷۶﴾ گفت موسیٰ اگر بعد ازین تورا از چیزی بپرسم پس بامن همراهی مکن بی گمان از جانب من به حد عذر رسیدی. ﴿۷۷﴾ پس راه رفتند تا وقتی که به اهل دهی آمدند از اهل آن ده خوراک طلب کردند پس اهل ده قبول نمودند که ایشان را مهمانی کنند پس یافتند در آنجا دیواری که میخواست بیفتد پس آنرا راست ساخت گفت (موسیٰ) اگر میخواستی البته برتعمیر این دیوار مزدی می گرفتی. ﴿۷۸﴾ گفت اینست جدایی در میان من و تو خبر خواهم داد ترا به آنچه بر آن شکیبایی کردن نتوانستی. ﴿۷۹﴾ اما کشتی پس از آن درویشان چند بود که در دریا کار می کردند پس خواستم که آنرا معیوب کنم و پیش روی ایشان پادشاهی بود که هر کشتی درست را به زور می گرفت. ﴿۸۰﴾ و اما آن نوجوان پس پدر و مادر وی مسلمان بودند پس ترسیدیم از آن که برایشان در سرکشی و کفر غالب آید. ﴿۸۱﴾ پس خواستیم که عوض دهد ایشان را پروردگار ایشان بهتر از وی و پاکیزگی و نزدیک تراز جهت شفقت. ﴿۸۲﴾ و اما آن دیوار پس از دونوجوان یتیم در شهر بود و زیر آن گنجی از ایشان بود و پدر ایشان نیکوکار بود پس خواست پروردگار تو که این نوجوانان به نهایت قوت خویش برسند و گنج خود را برآورند از روی مهربانی از پروردگارتو و آن را از رای خود نکرده اینست سِر آنچه بر آن شکیبایی کردن نتوانستی. ﴿۸۳﴾ و سوال می کنند تورا از ذوالقرنین بگو خواهم خواند بر شما از حال وی خبری.

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَءَاتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا ۝٨٤ فَاتَّبَعَ سَبَبًا
 ۝٨٥ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ
 وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا الْقَارِئِينَ إِنَّمَا أَنْتُمْ تُعَذِّبُونَ وَإِنَّمَا أَنْتُمْ تُتَخَذُونَ
 فِيهِمْ حُسْنًا ۝٨٦ قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ
 فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُّكَرًا ۝٨٧ وَأَمَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءٌ
 الْحَسَنُ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا ۝٨٨ ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا ۝٨٩ حَتَّىٰ
 إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ يَجْعَلْ لَهُم مِّنْ
 دُونِهَا سَبِيلًا ۝٩٠ كَذَٰلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ۝٩١ ثُمَّ
 اتَّبَعَ سَبَبًا ۝٩٢ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا
 لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ۝٩٣ قَالُوا يَا الْقَارِئِينَ إِنَّا يَأْجُوجُ
 وَمَاجُوجُ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ
 تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ۝٩٤ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي
 بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ۝٩٥ ءَاتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ
 بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ أَنفَخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ ءَاتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ
 قِطْرًا ۝٩٦ فَمَا اسْطَعُوا أَنْ يَصْطَرُوهُ وَمَا اسْتَطَعُوا لَهُ نُقْبًا ۝٩٧

﴿۸۴﴾ هرآئینه ما او را در زمین دسترسی دادیم و او را از هر چیز وسیله ای دادیم. ﴿۸۵﴾ پس در پی وسیله ای افتاد^(۱). ﴿۸۶﴾ تا آنکه چون به محل فرو رفتن آفتاب رسید دریافت آنرا که در چشمه گل ولای فرو می‌رود و نزدیک آن چشمه گروهی را یافت گفتیم ای ذوالقرنین (اختیار بدست تست) یا (اینست که) عقوبت کنی یا در میان ایشان معامله نیکو بگیری^(۲). ﴿۸۷﴾ گفت اما کسیکه ستم کرد پس او را به عذاب خواهیم کرد آنگاه به سوی پروردگار خویش بازگردانیده شود پس او را به عذاب سخت عذاب کند. ﴿۸۸﴾ و اما آنکه ایمان آورده و کارشایسته کرده باشد پس او را پاداش نیکو است و دربارهٔ اودرکار خویش سخنی آسان خواهیم گفت. ﴿۸۹﴾ باز در پی وسیله ای افتاد. ﴿۹۰﴾ تا آنگاه که چون به جایگاه برآمدن خورشید رسید یافت که آن برگروهی بر می‌آید که برای ایشان از جهت آفتاب هیچ پرده ای نساخته ایم. ﴿۹۱﴾ قصه چنین بود و هرآئینه در گرفته ایم به آنچه نزدیک وی بود از روی خبرداری. ﴿۹۲﴾ باز در پی وسیله ای افتاد. ﴿۹۳﴾ تا وقتی که چون در میان دوسد رسید سوی این دوسد گروهی را یافت که نزدیک نبودند از آنکه سخنی را بفهمند. ﴿۹۴﴾ گفتند این گروه ای ذوالقرنین هرآئینه یاجوج و ماجوج در زمین فساد کنندگانند پس آیا مقرر کنیم برای تو هزینه ای به شرط آنکه در میان ما و ایشان سدی بسازی. ﴿۹۵﴾ گفت آنچه مرا در آن پروردگار من دسترسی داده است بهتر است پس مرا بتوان بازو مدد کنی تا میان شما و ایشان حجابی محکم بسازم. ﴿۹۶﴾ پیش من پاره‌های آهن را بیارید آنگاه که مابین آن دوکوه را برابر ساخت گفت آتش بدمید تا آنکه چون آن آهن را آتش ساخت گفت بیاورید پیش من تا بالای این روئین گذاخته را بریزم. ﴿۹۷﴾ پس یاجوج و ماجوج نتوانستند که بر آن بالاروند و او را سوراخ کردن نتوانستند.

(۱) یعنی به حسب نظر مردمان.

(۲) مترجم گوید و این کنایت است از قدرت اوبرین دوکار.

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي
 حَقًّا ﴿٩٨﴾ * وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ
 فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ﴿٩٩﴾ وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا ﴿١٠٠﴾
 الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غَطَاءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا
 ﴿١٠١﴾ أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِن دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا
 أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِّلْكَافِرِينَ نَزْلًا ﴿١٠٢﴾ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُم بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا
 ﴿١٠٣﴾ الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ
 صُنْعًا ﴿١٠٤﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ
 أَعْمَالُهُمْ فَلَا يَقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَزَنًا ﴿١٠٥﴾ ذَلِكَ جَزَاءُهُمْ جَهَنَّمَ
 بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا ﴿١٠٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نَزْلًا ﴿١٠٧﴾ خَالِدِينَ فِيهَا
 لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حَوْلًا ﴿١٠٨﴾ قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لَّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ
 الْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ﴿١٠٩﴾ قُلْ إِنَّمَا
 أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُ الْهُكْمِ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا
 لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴿١١٠﴾

﴿۹۸﴾ گفت این (صنعت) نعمتی از پروردگار من است پس چون وعدهٔ پروردگار من بیاید^(۱) آنرا هموار کند و هست وعدهٔ پروردگار من راست. ﴿۹۹﴾ و بگذاریم بعضی ایشان را آن روز که در بعضی دیگر درهم آمیزند و در صورتی دمیده شود پس ایشان را کاملاً بهم آوریم. ﴿۱۰۰﴾ و روبرو آوریم دوزخ را آن روز پیش کافران روبرو آوردن. ﴿۱۰۱﴾ آنانکه چشم های ایشان از یاد من در پرده بود و سخن شنیدن را نمی توانستند. ﴿۱۰۲﴾ (یعنی از شدت بغض) آید داشتند کافران که دوست گرفتن ایشان بندگان مرا به جای من که موجب عقوبت نباشد هر آئینه ما دوزخ را برای کافران منزلگاه آماده ساخته ایم. ﴿۱۰۳﴾ بگو آیا شما را به آنانکه زیانکارترین مردمانند از روی عمل خبر دهیم. ﴿۱۰۴﴾ این جماعت آنانند که سعی ایشان در زندگانی دنیا برباد شد و ایشان گمان می کنند که در عمل خودشان نیکوکاری می کنند. ﴿۱۰۵﴾ این جماعت آنانند که به آیات پروردگار خویش و به ملاقات او کافر شدند پس اعمال ایشان نابود شد پس برپا نخواهیم ساخت برای ایشان روز قیامت هیچ وزنی^(۲). ﴿۱۰۶﴾ این است که جزای ایشان دوزخ باشد به سبب آنکه کافر شدند و آیات مرا و پیامبران مرا به تمسخر گرفتند. ﴿۱۰۷﴾ هر آئینه آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند جایگاه پذیرایی ایشان باغهای فردوس است. ﴿۱۰۸﴾ در آنجا جاویدان باشند از آنجا بازگشتن را نجویند. ﴿۱۰۹﴾ بگو اگر دریا سیاهی باشد برای نوشتن سخنان پروردگار من البته دریا تمام شود پیش از آنکه سخنان پروردگار من به آخر رسد اگر چه به کمک مانند آن دریادریایی دیگر را بیاوریم. ﴿۱۱۰﴾ بگو جزاین نیست که من آدمی ام مانند شما به سوی من وحی فرستاده می شود که معبود شما همان معبودی یکتا است پس هر که ملاقات پروردگار خود را توقع دارد باید که کار پسندیده بکند و در عبادت پروردگار خویش هیچ کسی را شریک نیاورد.

(۱) یعنی نزدیک شود قیامت.

(۲) مترجم گوید و این کنایت است از خواری و بی قدری.

سورة مريم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

كَهَيْعَصَ ١ ذَكَرْ رَحِمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ وَزَكِيَآ ٢ إِذْ
 نَادَى رَبَّهُ وَنِدَاءً خَفِيًّا ٣ قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي
 وَأَشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَايِكَ رَبِّ شَقِيًّا
 ٤ وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي
 عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا ٥ يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ
 آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ٦ يَزَكِرِيَا إِنَّا
 نَبِّشُرُكَ بِغُلَامٍ أَصْمٍ ٧ وَيَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا
 ٨ قَالَ رَبِّ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْغَالِمِينَ ٩ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا
 وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا ١٠ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ
 رَبُّكَ هُوَ عَلَى هَيْئٍ ١١ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ
 شَيْئًا ١٢ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً ١٣ قَالَ آيَتُكَ أَلَّا
 تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ١٤ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ
 الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ١٥

سوره مریم مکی است و آن نود و هشت
آیه و شش رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ كَهْیَعَصَ . ﴿۲﴾ این یاد گرد بخشایش پروردگارتو بربنده خود زکریا است. ﴿۳﴾ چون پروردگار خود را به ندایی پنهان به دعاخواند. ﴿۴﴾ گفت ای پروردگار من هرآئینه استخوان از بدن من سست شده است و سرم از سفید مویی شعله گشته است و در دعای تو ای پروردگار من ناامید نبوده ام. ﴿۵﴾ و هرآئینه من پس از خود از نزدیکانم می ترسم و هست زن من نازای پس مرا از نزدیک خود وارثی عطا کن. ﴿۶﴾ که از من میراث گیرد و میراث گیرد از اولاد یعقوب و او را ای پروردگار من مرد پسندیده بکن. ﴿۷﴾ گفتیم ای زکریا هرآئینه ما تو را به طفلی که نام او یحیی است بشارت میدهیم پیش ازین هیچ هم نام او را پیدا نکردیم. ﴿۸﴾ گفت ای پروردگار من چگونه پیدا شود برای من طفلی و هست زن من نازای و هرآئینه از سبب کلان سالی بنهایت ضعف رسیده ام. ﴿۹﴾ گفت وعده هم چنین است گفت پروردگار تو این کار بر من آسان است و هرآئینه تو را پیش ازین و تو چیزی نبودی آفریدم. ﴿۱۰﴾ گفت ای پروردگار من برای من نشانه ای معین کن فرمود نشانه توانست که بامردمان سه شبانه روز در عین حال تندرستی سخن نتوانی گفتن. ﴿۱۱﴾ پس برقوم خود از محراب عبادت بیرون آمد پس اشاره کرد به سوی ایشان که صبح و شام تسبیح گوید^(۱).

(۱) مترجم گوید القصه چون یحیی متولد شد و دو ساله گشت.

يَلْحِجِّيْ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَّءَاتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا ﴿١٢﴾
وَحَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا ﴿١٣﴾ وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ
يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا ﴿١٤﴾ وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ
وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ﴿١٥﴾ وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ
مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ﴿١٦﴾ فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا
فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿١٧﴾ قَالَتْ إِنِّي
أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ﴿١٨﴾ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ
رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ﴿١٩﴾ قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي
غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ﴿٢٠﴾ قَالَ كَذَلِكَ
قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَى هَيْنٌ وَلَنَجْعَلَ لُهَا آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً
مِّنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا ﴿٢١﴾ فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ
مَكَانًا قَصِيًّا ﴿٢٢﴾ فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ
قَالَتْ يَلَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّنْسِيًّا ﴿٢٣﴾
فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿٢٤﴾
وَهُزِّيْ إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسْقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا ﴿٢٥﴾

﴿۱۲﴾ گفتیم ای یحیی (احکام) کتاب را باقوّت و استواری بگیر و در حال کودکی دانائی دادیمش. ﴿۱۳﴾ و شفقتی از نزدیک خود و طهارت نفس دادیمش و پرهیزگار بود. ﴿۱۴﴾ و نیکوکردار به پدر و مادر خود بود و گردن کُش گنهکار نبود. ﴿۱۵﴾ و سلام باد بروی روزیکه متولد شد و روزیکه بمیرد و روزیکه برانگیخته شود. ﴿۱۶﴾ و در کتاب مریم را یاد کن چون از اهل خود به گوشه‌ای شرقی (از بیت المقدس) یکسو شد. ﴿۱۷﴾ پس میان خود و ایشان پرده‌ای گرفت پس به سوی او روح خود را فرستادیم^(۱) پس به صورت بشری درست اندام پیش مریم ظاهر شد. ﴿۱۸﴾ گفت هرآینه من به خدا از تو اگر پرهیزگاری باشی پناه میگیرم. ﴿۱۹﴾ گفت جزاین نیست که من فرستادهٔ پروردگار توهستم تا تو را کودکی پاکیزه عطاکنم. ﴿۲۰﴾ گفت چگونه برای من طفلی پیدا شود حال آنکه دست نرسانیده است بمن هیچ آدمی و هرگز زناکار نبودم. ﴿۲۱﴾ گفت وعدهٔ حق هم چنین است فرمود پروردگار تو که این بر من آسان است و می‌خواهیم که این طفل را نشانه‌ای برای مردمان و بخشایشی از جانب خود بسازیم و این (تصمیم) کاری انجام یافتنی است. ﴿۲۲﴾ پس به شکم آن طفل را بارگرفت پس مریم به سبب آن حمل بجایی دور از مردم یکسو شد. ﴿۲۳﴾ پس آوردش درد زه به سوی تنه درخت خرما مریم گفت ای کاش پیش ازین مرده بودم و فراموش شده از خاطر رفته می‌بودم. ﴿۲۴﴾ پس آواز داد او را (طفل یا جبرئیل والله اعلم) از جانب پایین او که اندوه مخور هرآینه پروردگار تو پایین توجویی پیدا کرده است. ﴿۲۵﴾ و به سوی خویش تنهٔ درخت خرما را تکان ده تا بر سر تو خرمای تازه (بالفعل از درخت) چیده بیفکند.

(۱) یعنی جبرئیل علیه السلام را.

فَكُلِّي وَأَشْرِبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي
إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا ﴿٢٦﴾ فَاتَتْ
بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ ۖ قَالُوا لِمَ يَمُرُّمُ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا ﴿٢٧﴾
يَا أَخْتَ هَرُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ أَمْرًا سَوْءَ وَمَا كَانَتْ
أُمُّكَ بَغِيًّا ﴿٢٨﴾ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي
الْمَهْدِ صَبِيًّا ﴿٢٩﴾ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ؕ آتَنِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي
نَبِيًّا ۖ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ
وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ﴿٣١﴾ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي
جَبَّارًا شَقِيًّا ﴿٣٢﴾ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ
وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ﴿٣٣﴾ ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ
الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٣٤﴾ مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَنَهُ
إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٣٥﴾ وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ
فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٣٦﴾ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ
بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٣٧﴾ أَسْمِعْ بِهِمْ
وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٣٨﴾

﴿۲۶﴾ پس بخور و بیا شام و آسوده چشم شو پس اگر از آدمیان کسی را ببینی پس بگو هرآئینه من برای خدا روزه را نذر کرده ام پس امروز بایچه انسانی سخن نخواهم گفت.

﴿۲۷﴾ پس عیسیٰ را برداشته پیش قوم خود آورد گفتند ای مریم به راستی چیزی زشت را آوردی. ﴿۲۸﴾ ای خواهر هارون پدرتو مردی بد نبود و مادرتو زن بدکاره نبود. ﴿۲۹﴾ پس مریم به آن (بطفل) خود اشاره کرد گفتند چگونه سخن بگوییم باکسیکه در گهواره در حال کودکی است. ﴿۳۰﴾ گفت (عیسیٰ) من بندهٔ خدا هستم مرا کتاب داده است و مرا پیامبر گردانیده است. ﴿۳۱﴾ و خدا با برکت گردانده مرا هر جا که باشم و مرا به نماز و زکوة مادامیکه زنده باشم حکم فرموده است. ﴿۳۲﴾ و (گردانده) مرا نیکوکار به مادرم و مرا گردن کش بدبخت قرار داده است. ﴿۳۳﴾ و سلام بر من باد روزیکه متولد شدم و روزیکه بمیرم و روزیکه زنده برانگیخته شوم. ﴿۳۴﴾ اینست قصه عیسیٰ پسر مریم (مراد میدارم) سخن راست را که در آن مردمان اختلاف می ورزند. ﴿۳۵﴾ لایق خدا نیست آنکه هیچ فرزندی گیرد پاکی او را است چون انجام کاری را بخواهد جزاین نیست که میگویدش بشو پس می شود. ﴿۳۶﴾ و گفت عیسیٰ هرآئینه خدا پروردگار منست و پروردگار شما پس عبادت او کنید اینست راه راست. ﴿۳۷﴾ پس گروهها میان خویش اختلاف کردند پس وای بر کافران از حاضر شدن روز بزرگ. ﴿۳۸﴾ چه قدر شنوا باشند و چه قدر بینا باشند روزی که بیايند پیش ما لیکن این ستم کاران امروز در گمراهی ظاهراند.

وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
 ٢٩ إِنَّا نَخْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿٢٩﴾ وَأَذْكُرْ
 فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ﴿٤١﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ
 لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا ﴿٤٢﴾ يَا أَبَتِ
 إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا
 سَوِيًّا ﴿٤٣﴾ يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ
 عَصِيًّا ﴿٤٤﴾ يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ
 فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ﴿٤٥﴾ قَالَ أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنْ ءَالِهَتِي
 يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَأَهْجُرُنِي مَلِيًّا ﴿٤٦﴾ قَالَ
 سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا ﴿٤٧﴾
 وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا
 أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا ﴿٤٨﴾ فَلَمَّا أَعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ
 دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ﴿٤٩﴾
 وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ﴿٥٠﴾
 وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ﴿٥١﴾

﴿۳۹﴾ وایشان را که در غفلتند و ایمان نمی آورند بترسان از (فرارسیدن) روز پشیمانی و چون کار به انجام رسانیده یکسره شود. ﴿۴۰﴾ هر آئینه ما زمین را و هر کسی را که بر زمین است وارث می شویم و به سوی ما بازگردانیده می شوند. ﴿۴۱﴾ و یاد کن در کتاب ابراهیم را هر آئینه وی پیامبری راست کردار بود. ﴿۴۲﴾ یاد کن چون پدر خود را گفت ای پدر من چرا عبادت می کنی چیزی را که نمی شنود و نمی بیند و از تو چیزی را دفع نمی کند. ﴿۴۳﴾ ای پدر من هر آئینه پیش من از علم آمده است آنچه پیش تو نیامده است پس پیروی من کن تا تورا به راه راست دلالت کنم. ﴿۴۴﴾ ای پدر من شیطان را عبادت مکن هر آئینه شیطان نافرمان (خدا) هست. ﴿۴۵﴾ ای پدر من می ترسم از آنکه به تو عقوبتی از (خدا) رحمان برسد پس قرین شیطان باشی. ﴿۴۶﴾ گفت آیا تو از معبودان من رویگردانی ای ابراهیم؟ اگر باز نیایی البته تورا سنگسار کنم و مدتی دراز ترک صحبت من کن. ﴿۴۷﴾ گفت سلام علیک برای تو از پروردگار خویش آمرزش خواهم طلبید هر آئینه وی بر من مهربان هست. ﴿۴۸﴾ و کناره گیرم از شما و از آنچه را که غیر از خدا می پرستید و پروردگار خود را عبادت خواهم کرد امید آنست که به سبب پرستش پروردگار خود بدبخت نباشم. ﴿۴۹﴾ پس چون کناره گرفت از ایشان و از آنچه به جای خدا وی را می پرستیدند اسحق و یعقوب و هر یکی را پیامبر ساختیم. ﴿۵۰﴾ و ایشان را چیزها از بخشش خود عطا کردیم و برای ایشان ذکر جمیل به نهایت بزرگی مقرر داشتیم. ﴿۵۱﴾ و در کتاب موسی را یاد کن هر آئینه وی خالص کرده شده بود و فرستاده ای پیامبر بود.

وَنَدَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ٥٤ وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا ٥٥ وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ٥٦ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ٥٧ وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ٥٨ وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ٥٩ أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَءِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا ٦٠ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا ٦١ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ٦٢ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ٦٣ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ٦٤ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا ٦٥ وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا يَنْيَأُنُ أَيدِينَا وَمَا خَلَفْنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ٦٦

﴿۵۲﴾ وازجانبِ راست کوه طور اورا ندا کردیم و او را رازگویان نزدیک ساختیم. ﴿۵۳﴾ و اورا ازبخشش خود برادرش هارون را پیامبری عطا کردیم. ﴿۵۴﴾ و یادکن درکتاب اسمعیل را هرائینه وی راست وعده بود و فرستاده‌ای پیامبر بود. ﴿۵۵﴾ و خانواده اش را به نماز و زکوة می فرمود و نزد پروردگار خویش پسندیده بود. ﴿۵۶﴾ و ادریس را درکتاب یادکن هرائینه وی پیامبری راست کردار بود. ﴿۵۷﴾ و اورا بمکانی بلند برداشتیم. ﴿۵۸﴾ این جماعت آناند که خدا برایشان ازمرهٔ پیامبران ازفرزندان آدم انعام کرد و ازنسل آنانکه بانوح برداشتیم و از ذُرِّیت ابراهیم و یعقوب و ازجمله آنانکه ایشان را راه راست نمودیم و برگزیدیم چون خوانده می شد برایشان آیات خدا سجده کنان و گریان می افتادند. ﴿۵۹﴾ پس بعد ازایشان ناخلفی چند جانشین شد که نماز را ترك کردند و خواهش ها را پیروی کردند پس جزای گمراهی خواهند یافت. ﴿۶۰﴾ لیکن هرکه توبه کرد وایمان آورد و کارشایسته به عمل آورد پس آن جماعت در بهشت درآیند و برایشان هیچ ستم کرده نشود. ﴿۶۱﴾ بوستانهای همیشه ماندن که خدا بندگان خود را نادیده وعده داده است هرائینه وعده او آینده هست. ﴿۶۲﴾ آنجاهیچ سخن بیهوده نشنوند لیکن سلام شنوند و برای ایشان روزی ایشان در آنجا صبح و شام بُود. ﴿۶۳﴾ اینست آن بهشت که عطاکنیم ازبندگان خویش آن را که پرهیزگار بود. ﴿۶۴﴾ و (فرشتگان گفتند که) فرو نمی آیم مگر به حکم پروردگار تو او راست (علم) آنچه پیش ماست^(۱) و آنچه عقب ماست^(۲) و آنچه در میان این است و پروردگار تو فراموش کار نیست.

(۱) یعنی قیامت.

(۲) یعنی ازابتدای خلق آسمان وزمین.

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ
هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا ﴿٦٥﴾ وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مَاتَ لَسَوْفَ
أُخْرَجُ حَيًّا ﴿٦٦﴾ أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ
وَلَمْ يَكُ شَيْئًا ﴿٦٧﴾ فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ
لَنَحْضُرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ﴿٦٨﴾ ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ
شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا ﴿٦٩﴾ ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ
هُمُ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا ﴿٧٠﴾ وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ
حَتْمًا مَقْضِيًّا ﴿٧١﴾ ثُمَّ نَنْجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ
فِيهَا جِثِيًّا ﴿٧٢﴾ وَإِذْ اتَّكَلَىٰ عَلَيْهِمْ ائِتْنَا بِبَنَاتٍ قَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا
لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿٧٣﴾
وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثْنًا وَرِيًّا ﴿٧٤﴾
قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا
مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْمُونَ مِنْ هُوَشْرٍ
مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا ﴿٧٥﴾ وَبِزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ أَهْتَدَوْا هُدًى
وَالْبَقِيَّةُ الصَّلَاحُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا ﴿٧٦﴾

﴿۶۵﴾ اوست پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان اینهاست پس اورا عبادت کن و بر عبادت وی صبر کن آیا میدانی برای او همانمی (یعنی مانند)، ﴿۶۶﴾ و میگوید آدمی (یعنی کافر) آیا چون بمیرم البته زنده بیرون آورده خواهم شد. ﴿۶۷﴾ آیا آدمی یاد نمی آورد که ما اورا پیش از این و نبود هیچ چیزی آفریدیم. ﴿۶۸﴾ پس قسم به پروردگار تو که البته این منکران بعث را با شیاطین برانگیزیم باز ایشان را گرداگرد دوزخ به زانودرافتاده حاضر کنیم. ﴿۶۹﴾ باز از هرامتی آن را که از ایشان جرأت مند و در نافرمانی سخت ترست برخدا برکشیم. ﴿۷۰﴾ باز البته ما به آنانکه سزاوارتر اند به درآمدن دوزخ داناتریم. ﴿۷۱﴾ و از شما هیچ کس نیست مگر بر آن گذرنده است این وعده (لازم) بر پروردگار تو قضای حتمی است. ﴿۷۲﴾ باز متقیان را نجات می دهیم و ظالمان را در آنجا بزانو در افتاده بگذاریم. ﴿۷۳﴾ و چون آیات ما به روشنی برایشان خوانده می شود کافران گویند مسلمانان را کدام يك از این دو گروه در مرتبه بهتر است و از روی مجلس نیکوتر است^(۱). ﴿۷۴﴾ و چه بسیار نسلها را که پیش از ایشان بودند هلاک کردیم که ایشان به اعتبار رخت خانه و از روی نموداری بهتر بودند. ﴿۷۵﴾ بگو هر که در گمراهی باشد پس اورا خدا افزون میدهد افزون دادنی (یعنی از روی استدراج) تا وقتی که چون ببینند آنچه را که ترسانیده شدند یاقوبت را و یاقیامت را پس خواهند دانست کدام يك در مرتبه بدتر است و به اعتبار لشکر ناتوان تر است. ﴿۷۶﴾ و خدا راه یابان را هدایت زیاده میدهد و حسنات پاینده شایسته نزد پروردگار توازروی جزا بهترند و از جهت بازگشت نیکو ترند.

(۱) یعنی به عزت دنیا مغرور شدند.

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا
 ﴿٧٧﴾ أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿٧٨﴾ كَلَّا
 سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا ﴿٧٩﴾ وَنَرِيهِ
 مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا ﴿٨٠﴾ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً
 لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا ﴿٨١﴾ كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ
 عَلَيْهِمْ ضِدًّا ﴿٨٢﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ
 تَوْرُثُهُمْ أَرَأَىٰ ﴿٨٣﴾ فَلَا تَعَجَّلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعِدُّ لَهُمْ عَذَابًا ﴿٨٤﴾
 يَوْمَ نَخْشِرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا ﴿٨٥﴾ وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ
 إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا ﴿٨٦﴾ لَا يَمْلِكُونَ الشَّفْعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ
 الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿٨٧﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ﴿٨٨﴾ لَقَدْ
 جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا ﴿٨٩﴾ تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ
 وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ﴿٩٠﴾ أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا
 ﴿٩١﴾ وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ﴿٩٢﴾ إِنْ كُلُّ مَنْ فِي
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا ﴿٩٣﴾ لَقَدْ أَحْصَاهُمْ
 وَعَدَّهُمْ عَدًّا ﴿٩٤﴾ وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَرْدًا ﴿٩٥﴾

﴿۷۷﴾ آیدیدی آن را که به آیات ما کافر شد و گفت البته مرا^(۱) مال و فرزند داده شود.
 ﴿۷۸﴾ آیا برغیب مطلع شده است یا از نزد خدا عهدی را گرفته است. ﴿۷۹﴾ چنین نیست، خواهیم نوشت آنچه را که می گوید و براو عذاب را افزون دهیم افزون دادنی (یعنی مستمر پیایی. ﴿۸۰﴾ و آنچه را می گوید از وی می گیریم و پیش ماتنها بیاید. ﴿۸۱﴾ و معبودانی را به جای خدا گرفتند تا ایشان مایه عزت و احترام برا ایشان باشند. ﴿۸۲﴾ چنین نیست، پرستش معبودان خود را منکر خواهند شد و برایشان دشمن خواهند شد. ﴿۸۳﴾ آیا ندیدی که شیاطین را بر کافران فرستادیم که می جنبانیدند ایشان را جنبانیدنی. ﴿۸۴﴾ پس به زیان ایشان شتاب مکن جزاین نیست که مدت می شماریم برای ایشان شمارکردنی (یعنی مدت اجلشان را). ﴿۸۵﴾ روزیکه متقیان را به سوی رحمن بصورت گروه برانگیزیم. ﴿۸۶﴾ و گناه کاران را به سوی دوزخ تشنه کام میرانیم. ﴿۸۷﴾ نتوانند شفاعت کردن الا کسیکه نزد خدا عهدی را گرفته است^(۲). ﴿۸۸﴾ و گفتند خدا فرزند گرفته است. ﴿۸۹﴾ (فرمود ایشان را) به یقین چیزی زشتی را آوردید. ﴿۹۰﴾ نزدیک است که آسمانها ازین سخن پاره پاره شوند و زمین بشکافد و کوهها درهم شکسته فروریزند. ﴿۹۱﴾ به سبب آنکه به خدا فرزندی را نسبت دادند. ﴿۹۲﴾ و نه سزد خدا را که فرزند گیرد. ﴿۹۳﴾ نیست هیچ يك از آنکه در آسمانها و زمین اند مگر پیش رحمن بنده شده آینده است. ﴿۹۴﴾ به راستی ایشان را فرا گرفته است و شمار کرده است ایشان را چنان که باید شمرد. ﴿۹۵﴾ و هر يك از ایشان پیش وی روز قیامت تنها آینده است.

(۱) یعنی در قیامت.

(۲) یعنی مسلمان شده و وعده ثواب را مستحق گشته.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ
الرَّحْمَنُ وُدًّا ﴿٩٦﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ
الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ ءَقَوْمًا لَّدَا ﴿٩٧﴾ وَكُمِ أَهْلُكُنَا قَبْلَهُمُ
مِّن قَرْنٍ هَلْ تُحِشُّ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا ﴿٩٨﴾

سورة طه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طه ﴿١﴾ مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْءَانَ لِتَشْقَى ﴿٢﴾ إِلَّا تَذَكُّرَةً
لِّمَن يَخْشَى ﴿٣﴾ تَنزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى ﴿٤﴾
الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ أُسْتَوَى ﴿٥﴾ لَهُ وَمَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي
الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى ﴿٦﴾ وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالقَوْلِ
فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى ﴿٧﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ٱلْأَسْمَاءُ
الْحُسْنَى ﴿٨﴾ وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ﴿٩﴾ إِذْ رَأَىٰ نَارًا
فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي ءَانَسْتُ نَارًا ٱلْعَلَىٰ ءَاتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ
أَوْ أَجْدُ عَلَى النَّارِ هُدًى ﴿١٠﴾ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَمْوَسَىٰ ﴿١١﴾ إِنِّي
أَنَارُكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٢﴾

﴿۹۶﴾ هرآئینه آنانکه ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند خدا برای ایشان دوستی را^(۱) پیدا خواهد کرد. ﴿۹۷﴾ جزاین نیست که قرآن را به زبان تو آسان ساختیم تا به آن متقیان را مژده دهی و به آن گروه ستیزندگان را بترسانی. ﴿۹۸﴾ وجه بسیار نسلها را پیش از ایشان هلاک کردیم آیا هیچ کسی را از ایشان می بینی یا از ایشان آوازی آهسته می شنوی.

سوره طه مکی است و آن يك صدوسی
وینج آیه و هشت رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ طه. ﴿۲﴾ قرآن را بر تو نازل نکردیم که به رنج افتی. ﴿۳﴾ لیکن فروفرستادیم برای پند دادن کسی را که بترسد. ﴿۴﴾ فروفرستاده است از جانب کسیکه زمین و آسمانهای بلند را آفریده است. ﴿۵﴾ وی بسیار بخشاینده است بر عرش قرار گرفت. ﴿۶﴾ اورا است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و آنچه در میان اینهاست و آنچه زیر خاک نمناک است. ﴿۷﴾ و اگر آشکار کنی سخن را پس هرآئینه وی سخن پنهان را و پنهان تر را میداند^(۲). ﴿۸﴾ خدا آنست که هیچ معبود برحق جز او نیست نامهای نیکو برای اوست. ﴿۹﴾ و آیا بتو خبر موسی آمده است. ﴿۱۰﴾ چون آتشی را دید پس خانواده خود را گفت درنگ کنید هرآئینه من آتشی را دیده‌ام امید دارم که پیش شما از آن آتش شعله ای بیاورم یا بر آن آتش راه نمایی بیابم. ﴿۱۱﴾ پس چون نزدیک آتش بیامد آواز داده شد که ای موسی. ﴿۱۲﴾ هرآئینه من پروردگار تو هستم پس کفشهای خود را از پا بیرون آور چرا که تو به وادی پاک طوی هستی.

(۱) یعنی بایک دیگر دوست باشند.

(۲) یعنی جهر را به طریق اولی میداند.

وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ ﴿١٣﴾ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا
فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ﴿١٤﴾ إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ
أَكَادُ أَخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ ﴿١٥﴾ فَلَا يَصُدُّكَ
عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَىٰ ﴿١٦﴾ وَمَاتِلَكَ
بِئِمِّينِكَ يَمُوسَىٰ ﴿١٧﴾ قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّوْا عَلَيَّهَا
وَأَهْشُ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَنَارِبُ أُخْرَىٰ ﴿١٨﴾ قَالَ أَلْقَهَا
يَمُوسَىٰ ﴿١٩﴾ فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ ﴿٢٠﴾ قَالَ خُذْهَا
وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ ﴿٢١﴾ وَاضْمُمْ يَدَكَ
إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ ؕ آيَةً أُخْرَىٰ ﴿٢٢﴾ لَنُرِيكَ
مِنْ ءَايَاتِنَا الْكُبْرَىٰ ﴿٢٣﴾ أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿٢٤﴾ قَالَ
رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢٦﴾ وَأَحْلِلْ عُقْدَةً مِن
لِّسَانِي ﴿٢٧﴾ يَفْقَهُهُ أَقْوَامِي ﴿٢٨﴾ وَاجْعَلْ لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي ﴿٢٩﴾ هَارُونَ
أَخِي ﴿٣٠﴾ أَشَدُّ دَبَاهَةً أَرْزَىٰ ﴿٣١﴾ وَأَشْرَكَ فِي أَمْرِي ﴿٣٢﴾ كَيْ تُسَبِّحَكَ
كَثِيرًا ﴿٣٣﴾ وَتَذْكُرَكَ كَثِيرًا ﴿٣٤﴾ إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا ﴿٣٥﴾ قَالَ قَدْ
أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَمُوسَىٰ ﴿٣٦﴾ وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ ﴿٣٧﴾

﴿۱۳﴾ ومن برگزیدم تورا پس به سوی آنچه وحی فرستاده می شود گوش بنه. ﴿۱۴﴾ هرآئینه من خدایم هیچ معبودی برحق غیر از من نیست پس عبادت من بکن و نماز را برای یاد کردن من برپاکن. ﴿۱۵﴾ هرآئینه قیامت آمدنی است میخوام که وقت آن را پنهان دارم تا هر شخصی در برابر تلاش و کوشش آنچه می کند جزا داده شود. ﴿۱۶﴾ پس تورا از باورداشتن آن کسی که بر آن ایمان ندارد و پیروی کرده است خواهش نفس خود را باز ندارد آنگاه هلاک شوی. ﴿۱۷﴾ و چيست اين که بدست راست توست ای موسی؟ ﴿۱۸﴾ گفت این عصای من است بر آن تکیه می دهم و با آن برای گوسفندان خود برگ میریزم و مرا درین عصا کارهای دیگر نیز هست. ﴿۱۹﴾ فرمود ای موسی آنرا بیفکن. ﴿۲۰﴾ آنگاه آنرا انداخت پس ناگهان ماری شد که می شتافت. ﴿۲۱﴾ فرمود آنرا بگیر و مترس، اورا بشکل نخستین او باز خواهیم گردانید. ﴿۲۲﴾ و دست خود را به سوی بغل خود بهم آور تا سفید شده بیرون آید بدون هیچ عیبی نشانه دیگر. ﴿۲۳﴾ میخوایم که تورا بعضی از نشانه های بزرگ خویش بنماییم. ﴿۲۴﴾ برو به سوی فرعون هرآئینه وی از حد گذشته است. ﴿۲۵﴾ گفت ای پروردگار من برای من سینه ام را گشاده کن. ﴿۲۶﴾ و برای من کارم را آسان کن. ﴿۲۷﴾ گره را از زبانم بگشای. ﴿۲۸﴾ تا سخنم را بفهمند. ﴿۲۹﴾ و برای من وزیری از اهل من مقرر کن. ﴿۳۰﴾ هارون برادر مرا. ﴿۳۱﴾ به سبب اوتوانایی مرا محکم کن. ﴿۳۲﴾ و او را در کار من شریک کن. ﴿۳۳﴾ تا تورا تسبیح بسیار گوئیم. ﴿۳۴﴾ و یاد تو را بسیار کنیم. ﴿۳۵﴾ هرآئینه تو به احوال ما بینا هستی. ﴿۳۶﴾ گفت هرآئینه ای موسی خواسته ات برآورده شد. ﴿۳۷﴾ و هرآئینه برتویک بار دیگر احسان کردیم.

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ ﴿٣٨﴾ أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ
 فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ ۚ وَأَلْقَيْتُ
 عَلَيْكَ مَحَبَّةَ مَنِّي وَلَتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي ﴿٣٩﴾ إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ
 هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ ۖ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا
 وَلَا تَحْزَنَ ۚ وَكَلَّمْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا
 فَلَمِيتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَمْوَسَىٰ ﴿٤٠﴾
 وَأَصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي ﴿٤١﴾ أَذْهَبَ أَنتَ وَآخُوكَ بِيَائِي وَلَا
 تَبِيبَا فِي ذِكْرِي ﴿٤٢﴾ أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿٤٣﴾ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا
 لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ ﴿٤٤﴾ قَالَ رَبَّنَا إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ
 عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَىٰ ﴿٤٥﴾ قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَىٰ
 ﴿٤٦﴾ فَأَتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ
 وَلَا تَعْذِّبْهُمْ ۖ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكَ ۖ وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا مِمَّنِ اتَّبَعَ
 الْهُدَىٰ ﴿٤٧﴾ إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَبَ
 وَتَوَلَّىٰ ﴿٤٨﴾ قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَمْوَسَىٰ ﴿٤٩﴾ قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ
 كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ۖ ثُمَّ هَدَىٰ ﴿٥٠﴾ قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ ﴿٥١﴾

﴿۳۸﴾ چون وحی فرستادیم به سوی مادرت آنچه وحی کردنی بود. ﴿۳۹﴾ (به این مضمون) این طفل را در صندوق بافکن پس صندوق را در دریا بیفکن تا بیفکند او را دریا بکناره بگیرد دشمن من و دشمن او و بر (روی) توقبول و دوستی از جانب خویش بیفکنند و خواستم که زیر نظارت چشم من پرورده شوی. ﴿۴۰﴾ چون خواهر تو می رفت پس می گفت آیا راهنمایی کنم شمارا بر کسیکه نگهبانی این طفل کند پس تورا به سوی مادرت بازآوردیم تا چشم وی خنک شود و اندوهگین نباشد و شخصی را بکشتی پس تورا از اندوه خلاص ساختیم و آزمودیم تورا آزمودنی پس سالهای چند در اهل مدین درنگ کردی باز موافق تقدیر الهی ای موسی آمدی. ﴿۴۱﴾ و تورا برای خویش پرورده ام. ﴿۴۲﴾ تو و برادرت بانسانه های من بروید و در یاد من سستی نکنید. ﴿۴۳﴾ به سوی فرعون بروید هرآئینه وی از حد گذشته است. ﴿۴۴﴾ پس باوی سخن نرم بگوید باشد که پندپذیر شود یا بترسد. ﴿۴۵﴾ گفتند ای پروردگار ما هرآئینه ما می ترسیم از آنکه بر ما تجاوز کند یا از حد بگذرد. ﴿۴۶﴾ گفت مترسید هرآئینه من باشم ای من می شنوم و می بینم. ﴿۴۷﴾ پس بروید پیش وی پس بگوید هرآئینه ما فرستادگان پروردگار توهستیم پس باما بنی اسرائیل را به فرست و ایشان را عذاب مکن هرآئینه پیش تونشانه ای از جانب پروردگار تو آورده ایم و سلامتی کسی را است که پیروی راه هدایت کند. ﴿۴۸﴾ هرآئینه به سوی ما وحی فرستاده شد که عذاب بر کسی باشد که تکذیب کند و روی گردان شود^(۱). ﴿۴۹﴾ فرعون گفت پس کیست پروردگار شما ای موسی. ﴿۵۰﴾ گفت پروردگار ما آنست که هر چیزی را صورت خالص او داد بازراه نمودش (به طلب معاش خودش). ﴿۵۱﴾ گفت پس حال قرنهای نخستین چیست.

(۱) القصه این پیغام رسانیدند.



قَالَ عَلَّمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى ۝٥٢ الَّذِي
 جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَاسْلَكْ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ
 السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتَّى ۝٥٣ كُلُوا
 وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النَّهْيِ ۝٥٤ * مِنْهَا
 خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى ۝٥٥ وَلَقَدْ
 أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى ۝٥٦ قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا
 مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَمْوَسَى ۝٥٧ فَلَنَاتَيْنَاكَ بِسِحْرِ مِّثْلِهِ
 فَأَجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ وَنَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا
 سَوَى ۝٥٨ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ الزَّيْنَةِ وَأَن يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحَى
 ۝٥٩ فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى ۝٦٠ قَالَ لَهُم
 مُوسَىٰ وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَيَّ اللَّهُ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ
 وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى ۝٦١ فَتَنَزَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسْرُوا
 النَّجْوَى ۝٦٢ قَالُوا إِنْ هَذَا إِلَّا لَسِحْرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُمْ
 مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَى ۝٦٣
 فَاجْمَعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ أَتَتُوا صِفَاءً وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعَلَى ۝٦٤

﴿۵۲﴾ گفت علم آن نزد پروردگار من در کتابی است که پروردگار من خطا نکند و نه فراموش کند. ﴿۵۳﴾ او آنست که برای شما زمین را فرش ساخت و برای شما در آن راه‌ها روان کرد و از آسمان آب را فرو فرستاد پس به آن آب انواع مختلف از نبات بیرون آوردیم. ﴿۵۴﴾ گفتیم بخورید و چهارپایان خود را بچرانید هر آئینه درین امر برای خردمندان نشانه هاست. ﴿۵۵﴾ شما را از زمین آفریدیم و شما را در زمین باز در آوریم و از زمین شما را باردیگر بیرون کشیم. ﴿۵۶﴾ و به راستی فرعون را تمام نشانه‌های خویش نمودیم پس تکذیب کرد و قبول نکرد. ﴿۵۷﴾ گفت ای موسی آیا آمده‌ای تا ما را از زمین ما با جادوی خود بیرون کنی. ﴿۵۸﴾ پس هر آئینه پیش تو جادویی مانند آن بیاوریم پس میان ما و میان خود به جایی میانه شهر وعده گاهی معین کن که آنرا ما و نه تو خلافتش نکنیم (مقبول هر دو طرف باشد). ﴿۵۹﴾ گفت وعده گاه شما روز آرایش است و آنکه مردمان وقت چاشت جمع کرده شوند. ﴿۶۰﴾ پس فرعون باز گشت پس مکر خود را جمع کرد باز بیامد. ﴿۶۱﴾ موسی ساحران را گفت وای بر شما برخدا دروغ را افتراء نکنید آنگاه شما را به عذاب هلاک سازد و به درستی که هر که افتراء کرد به مطلب نرسید. ﴿۶۲﴾ پس ساحران درباره کار خود در میان خویش گفتگو کردند و راز را پنهان گفتند. ﴿۶۳﴾ گفتند البته این دوشخص ساحرنده می‌خواهند که شما را از سر زمین شما به سحر خود بیرون کنند و می‌خواهند که دین شایسته شما را دور کنند. ﴿۶۴﴾ پس اسباب سحر خود را به هم آوردند باز صف کشیده بیایید و هر آئینه امروز هر که غالب آمد رستگار شد.

قَالُوا يَمُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقَى وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلْ
 أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعَصِيُّهُمْ يُخِيلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا
 تَسْعَى ﴿٦٦﴾ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى ﴿٦٧﴾ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ
 أَنْتَ الْأَعْلَى ﴿٦٨﴾ وَالْقَى مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا
 كَيْدَ سِحْرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى ﴿٦٩﴾ فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سُبُجًا
 قَالُوا أَمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى ﴿٧٠﴾ قَالَ أَمَنْتُمْ لَهُ وَقَبْلَ أَنْ أَدْنِ
 لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَا تُقِطَعَنَّ أَيْدِيكُمْ
 وَأَرْجُلُكُمْ مِنْ خَلْفٍ وَلَا صَلْبُكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْمُنَنَّ
 أَنْفُكُمْ أَشَدَّ عَذَابًا وَابْقَى ﴿٧١﴾ قَالُوا لَنْ نُؤْثِرَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ
 الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ
 الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٧٢﴾ إِنَّا أَمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطِئَنَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا
 عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿٧٣﴾ إِنَّهُ وَمَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا
 فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ﴿٧٤﴾ وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ
 عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى ﴿٧٥﴾ جَنَّاتُ عَدْنٍ
 تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى ﴿٧٦﴾

﴿۶۵﴾ گفتند ای موسیٰ یا اینست که توافکنی یعنی (عصارا) و یا ما اوّل کسیکه افکند باشیم.
 ﴿۶۶﴾ گفت بلکه شما افکنید پس ناگهان ریسمانهای ایشان وعصاهای ایشان پیش موسیٰ
 به سبب سحر ایشان نمودار شد که می دونند. ﴿۶۷﴾ پس موسیٰ در دل خود ترسی را
 یافت. ﴿۶۸﴾ گفتیم مترس هرآئینه تویی غالب. ﴿۶۹﴾ و بیفکن آنچه در دست راست
 توست تا فروبرد آنچه را که ساحران ساخته اند هر آئینه آنچه ساخته اند جادوی جادو
 کننده است و ساحر رستگار نمی شود هر جاکه رود (القصة هم چنین شد). ﴿۷۰﴾ پس
 انداخته شدند ساحران سجده کنان گفتند به پروردگار هارون و موسیٰ ایمان آوردیم.
 ﴿۷۱﴾ گفت (فرعون) آیا باورداشتید اوراپیش ازآنکه شمارا دستوری دهم هرآئینه وی
 بزرگ شماست که شمارا سحر آموخته است هرآئینه دست های شما وپاهای شمارا یکی
 از جانب راست و دیگری از جانب چپ بُرُم والبته شمارا برتنه های درخت خرما
 بردار کشم والبته خواهید دانست که کدام يك ازما عذاب او سخت تر وپاینده تر است.
 ﴿۷۲﴾ گفتند هرگز تورا بر آنچه پیش ما از دلایل آمده است ترجیح ندهیم و تورا برخدایی که
 ما را آفرید ترجیح ندهیم پس حکم کن هرچه تو حکم کننده باشی جزاین نیست که درین
 زندگانی دنیا حکم کنی. ﴿۷۳﴾ هرآئینه ما به پروردگار خویش ایمان آورده ایم تا برای ما
 گناهانِ مارا بیامرزد و آنچه ما را جبر کردی برآنکه سحر کنیم و خدا بهتر است وپاینده
 تر است. ﴿۷۴﴾ هرآئینه هرکه پیش پروردگار خویش گنهکار بیاید پس او را است دوزخ نه
 میرد در آنجا و نه زنده شود. ﴿۷۵﴾ و هر کسی که پیش او مسلمان شده بیاید و عملهای
 شایسته کرده باشد پس این جماعت برای ایشان درجه های بلند است. ﴿۷۶﴾ بوستانهای
 همیشه ماندن که زیر آنها جویها می رود جاویدان در آنجا و اینست پاداش هرکه پاك شده
 است.

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا
 فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَفُ دَرَكًا وَلَا تُخْشَى ﴿٧٧﴾ فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ
 بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ ﴿٧٨﴾ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ
 وَمَاهَدَى ﴿٧٩﴾ يَلْبِسِي إِسْرَاءَ يَلْ قَدْ أَنْجَيْنَاكَ مِنْ عَذُوبِكُمْ وَوَعَدْنَاكَ
 جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْمَنَّاءَ وَالسَّلَوى ﴿٨٠﴾ كُلُّوْا مِنْ
 طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي
 وَمَنْ يَحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى ﴿٨١﴾ وَإِنِّي لَعَفَّارٌ لِّمَنْ تَابَ
 وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى ﴿٨٢﴾ وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ
 قَوْمِكَ يَكْمُوسَى ﴿٨٣﴾ قَالَ هُمْ أَوْلَاءُ عَلَى أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ
 رَبِّ لِتَرْضَى ﴿٨٤﴾ قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ
 السَّامِرِيُّ ﴿٨٥﴾ فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَنَ أَسَفًا قَالَ
 يَقَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدَّ أَحْسَنَ أَفْطَالٍ عَلَيْكُمْ الْعَهْدُ
 أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ
 مَوْعِدِي ﴿٨٦﴾ قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا
 أَوْزَارًا مِّنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ ﴿٨٧﴾



﴿۷۷﴾ وهرآئینه به سوی موسیٰ وحی فرستادیم که وقت شب بندگان مرا ببر پس برای ایشان راهی خشک در دریا بساز از دریافتن دشمن مترس و نه از غرق شدن پروا کن. ﴿۷۸﴾ پس فرعون ایشان را بالشکرهای خویش دنبال گیری کرد پس پوشانید ایشان را از دریا آنچه ایشان را پوشانید. ﴿۷۹﴾ و فرعون قوم خود را گمراه کرد و راه نمود. ﴿۸۰﴾ گفتیم ای بنی اسرائیل هر آئینه شمارا از دشمنان شما نجات دادیم و شمارا^(۱) به جانب راست (کوه) طور و عده دادیم و بر شما ترنجبین و پرندۀ بلدرچین (سمانی) فرو فرستادیم. ﴿۸۱﴾ گفتیم از لذایذ آنچه شمارا روزی دادیم بخورید و در آن روزی از حد مگذرید آنگاه بر شما خشم من ثابت شود و هر که بروی خشم من ثابت شد به یقین هلاک شد. ﴿۸۲﴾ وهرآئینه من کسی را که توبه کرد و ایمان آورد و کارشایسته کرد بازراه راست یافت آمرزنده ام. ﴿۸۳﴾ ای موسیٰ چه^(۲) چیز تورا بر آن داشت که بر قوم خود پیشی گیری؟. ﴿۸۴﴾ گفت قوم من ایشان بدنال من بوده به سوی توای پروردگار من شتافتم تا خوشنود شوی. ﴿۸۵﴾ گفت خدا هر آئینه قوم تورا پس از تو در فتنه انداختیم و سامری ایشان را گمراه ساخت. ﴿۸۶﴾ پس موسیٰ به سوی قوم خود خشم گرفته اندوه خورده بازگشت گفت ای قوم من آیا وعده نداده بود شمارا پروردگار شما وعده نیک آیا دراز شد بر شما مدت^(۳) یا خواستید که بر شما خشمی از پروردگار شما واجب شود پس وعده مرا خلاف کردید. ﴿۸۷﴾ گفتند وعده تورا به اختیار خویش خلاف نکردیم ولیکن مارا (تحمیل کرده شد) تابارها از پیرایه قوم قبط برداشتیم پس آنرا افکندیم^(۴) و سامری هم چنین افکند.

(۱) یعنی به دادن تورات.

(۲) مترجم گوید چون موسیٰ با هفتاد کس از قوم خود به جانب طور متوجه شد حضرت موسیٰ از همه سبقت کرد

خطاب رسید واللہ اعلم.

(۳) یعنی مدت مفارقت من.

(۴) یعنی در آتش.

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا آلَهُ وَخَوَارُ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ
وَأِلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ ﴿٨٨﴾ أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا
وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ﴿٨٩﴾ وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ
مِنْ قَبْلُ يَقَوْمُ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي
وَأَطِيعُوا أَمْرِيَ ﴿٩٠﴾ قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ
إِلَيْنَا مُوسَىٰ ﴿٩١﴾ قَالَ يَهْزُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا ﴿٩٢﴾
أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ﴿٩٣﴾ قَالَ يَبْنَؤُمْ لَا تَأْخُذْ بِلِحَيَّتي
وَلَا يَرْأُسِيَّ إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَءِيلَ
وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي ﴿٩٤﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَسْمُرِي ﴿٩٥﴾ قَالَ
بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَشْرِ
الرُّسُولِ فَتَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي ﴿٩٦﴾ قَالَ
فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَوةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ
مَوْعِدًا لَّنْ تُخْلَفَهُ وَانْظُرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ
عَاكِفًا لَّنْ حَرِّقَنَّهُ وَثُمَّ لَنَسْفَعْنَاهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ﴿٩٧﴾ إِنَّمَا
إِلَهُكُمْ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿٩٨﴾

﴿۸۸﴾ باز برای ایشان گوساله را کالبدی که او را آواز گوساله بود بیرون آورد پس اتباع سامری گفتند اینست پروردگار شما و پروردگار موسیٰ پس موسیٰ فراموش کرده است. ﴿۸۹﴾ آیا این گمراهان نمی بینند که به ایشان سخنی را باز نمی گرداند و برای ایشان اختیار هیچ زبانی و نه سودی را ندارد. ﴿۹۰﴾ وهرآئینه ایشان را هارون پیش ازین گفته بود ای قوم من جزاین نیست که به این گوساله مبتلا شده اید وهرآئینه پروردگار شما خدا است پس پیروی من کنید واطاعت حکم من نمایید. ﴿۹۱﴾ گفتند پیوسته براین گوساله مجاور خواهیم بود تاوقتیکه موسیٰ به سوی ما بازگردد. ﴿۹۲﴾ (موسیٰ آمده) گفت ای هارون چه چیز بازداشت تورا چون ایشان را دیدی که گمراه شدند. ﴿۹۳﴾ ازآنکه پیروی من کنی^(۱) آیاخلاف حکم من کردی. ﴿۹۴﴾ گفت ای پسرِ مادر من ریش مرا مگیر و نه موی سر مرا هرآئینه من ازآنکه گویی جدایی افگندی در میان فرزندان یعقوب ترسیدم و سخن مرا نگاه نداشتی. ﴿۹۵﴾ موسیٰ گفت پس حال تو چیست ای سامری. ﴿۹۶﴾ گفت بینا شدم به آنچه سایر مردم به آن بینا نشدند پس مثنی خاك از نقش پای فرستاده (یعنی جبرئیل) گرفتم پس آنرا افکندم^(۲) و به همین صورت نفسم (این کار را) برایم آراسته جلوه داد. ﴿۹۷﴾ گفت پس برو هرآئینه تورا در زندگانی سزا اینست که بگویی دست رسانیدن ممکن نیست^(۳) وهرآئینه تورا وعده دیگر است که در حق تو خلاف کرده نشود و بین به سوی معبود خود که بر آن مجاور شده بودی البته آن را بسوزانیم پس حتما پراکنده سازیم آن را درد ریا پراکنده ساختن. ﴿۹۸﴾ جزاین نیست که معبود شما خدا است آنکه هیچ معبود بر حقی به جز او نیست بهر چیز از روی دانش فرارسیده است.

(۱) یعنی به قتل اهل ضلال.

(۲) یعنی در کالبدی که از زرساخته بود به شکل گوساله.

(۳) یعنی اگر با کسی همنشین می شد هردو راتب می گرفت.

كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا
 ذِكْرًا ۝٩٩ مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وِزْرًا
 ۝١٠٠ خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ حِمْلًا ۝١٠١ يَوْمَ يُنْفَخُ
 فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ۝١٠٢ يَتَخَفَتُونَ
 بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ۝١٠٣ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ
 أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ۝١٠٤ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ
 فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ۝١٠٥ فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ۝١٠٦
 لَا تَبْقَى فِيهَا غُورًا وَلَا أَمْتًا ۝١٠٧ يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ
 لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا
 ۝١٠٨ يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ
 قَوْلًا ۝١٠٩ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ
 عِلْمًا ۝١١٠ * وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ
 ظُلْمًا ۝١١١ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ
 ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا ۝١١٢ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا
 فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا ۝١١٣

﴿۹۹﴾ (یا محمد) این چنین حکایت می کنیم بر تو از اخبار آنچه گذشته است و هرآئینه
 تورا از نزد خویش پندی داده ایم. ﴿۱۰۰﴾ هر که از آن روی بگرداند پس وی در روز قیامت
 باری را^(۱) بردارد. ﴿۱۰۱﴾ جاویدان در آن (بارکشیدن) و وی بد باری برایشان در
 روز قیامت است. ﴿۱۰۲﴾ روزی که در صور دمیده شود و گناهکاران را آن روز که بود چشم
 گشته برانگیزیم. ﴿۱۰۳﴾ در میان خویش پنهان حرف زنند که درنگ نکردید (یعنی دردناک)
 مگر ده شبانه روز. ﴿۱۰۴﴾ ماداناتریم به حقیقت آنچه می گویند چون بگویند بهترین ایشان
 در روش درنگ نکرده اید مگر یک روز. ﴿۱۰۵﴾ و تورا از کوهها می پرسند بگو آنها را
 پروردگار من پراکنده کند پراکنده کردنی. ﴿۱۰۶﴾ پس آنها رامیدانی هموار بگذارد.
 ﴿۱۰۷﴾ در آنجا هیچ نشیبی و فرازی نبینی. ﴿۱۰۸﴾ آن روز از پی آوازکننده روند^(۲) آن
 اتباع را هیچ کجی نباشد و آوازه برای خدا پست شوند پس نشنوی مگر آواز آهسته (پچ
 پچ). ﴿۱۰۹﴾ آن روز شفاعت سود نبخشد مگر برای کسی که او را خدا دستوری داده است
 و سخن او را از روی گفتار پسند کرده است^(۳). ﴿۱۱۰﴾ میدانند آنچه پیش روی آدمیان
 است و آنچه پس پشت ایشان است و آدمیان خدا را از روی دانش درنگیرند. ﴿۱۱۱﴾ و
 چهره های مردمان برای زنده خبرگیرنده نیایش کنند هرآئینه هرکسی ستمی برداشته باشد
 ناکام شود. ﴿۱۱۲﴾ و هرکسی که بجا آورد کارهای شایسته درحالی که او مؤمن باشد پس
 وی از ستمی و نه از نقصانی نترسد. ﴿۱۱۳﴾ و همچنین کتاب را قرآن عربی نازل کردیم
 و از هشدار (ها) در آن گونا گون بیان کردیم تا باشد که پرهیزگار شوند یا در حق ایشان پندی را
 پدید آورد.

(۱) یعنی گناهی را.

(۲) یعنی انقیاد اسرافیل کنند.

(۳) یعنی مسلمان باشد.

فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ
يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴿١١٤﴾ وَلَقَدْ عَاهَدْنَا
إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَتَنَىٰ وَلَمْ يُخْلِدْهُ وَعَزَمَّا ﴿١١٥﴾ وَإِذْ قُلْنَا
لِلْمَلَأِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى ﴿١١٦﴾
فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ
مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى ﴿١١٧﴾ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى
﴿١١٨﴾ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَى ﴿١١٩﴾ فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ
الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ
لَا يَبُلَى ﴿١٢٠﴾ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا
يَخِصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ وَغَوَى
﴿١٢١﴾ ثُمَّ أَجْتَبَاهُ رَبُّهُ وَفَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى ﴿١٢٢﴾ قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا
جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى
فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى ﴿١٢٣﴾ وَمَنْ أَعْرَضَ
عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ
أَعْمَى ﴿١٢٤﴾ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ﴿١٢٥﴾

﴿۱۱۴﴾ پس بلند قدرست خداپادشاه راستین، به خواندن قرآن پیش از آن که وحی آن بر تو انجام پذیرد شتاب مکن و بگو ای پروردگار من: مرا دانشی بیفزای. ﴿۱۱۵﴾ وهرآئینه به سوی آدم پیش ازین حکم فرستادیم پس فراموش کرد و برای اوقصد محکم نیافتیم. ﴿۱۱۶﴾ و یادکن فرشتگان را چون گفتیم که برای آدم (علیه السلام) سجده کنید پس سجده کردند مگر ابلیس قبول نکرد. ﴿۱۱۷﴾ پس گفتیم ای آدم هرآئینه این دشمن تو و همسرت است پس باید که شمارا از بهشت بیرون نکند که آنگاه رنج کشی. ﴿۱۱۸﴾ هرآئینه تورا در بهشت هست این که گرسنه نشوی در آنجا و برهنه نشوی. ﴿۱۱۹﴾ و آنکه آنجا تو تشنه نشوی و گرمی آفتاب نیابی. ﴿۱۲۰﴾ پس شیطان به سوی آدم وسوسه انداخت گفت ای آدم آیا تورا بر درختی جاودان و برپادشاهی که کهنه نگردد دلالت کنم. ﴿۱۲۱﴾ پس از آن درخت خوردند پس بر ایشان شرمگاه ایشان ظاهر شد و در گرفتند بر خویش از برگ درختان بهشت می چسپانیدند و آدم پروردگار خود را نافرمانی کرد پس راه را گم کرد. ﴿۱۲۲﴾ باز پروردگارا و برگزیدش پس (به رحمت) بروی بازگشت و راه نمود. ﴿۱۲۳﴾ گفت هردو شما همگی از بهشت درحالی که بعض اولاد شما بعض دیگر را دشمن باشند فرو روید پس اگر به شما از جانب من هدایتی بیاید پس هرکه پیروی هدایت من کند گمراه نشود و رنج نکشد. ﴿۱۲۴﴾ و هرکه از یاد کردن من روی گردان شود پس او را زندگانی تنگ بود و او را روز قیامت نابینا برانگیزیم. ﴿۱۲۵﴾ گوید ای پروردگار من چرا مرا نابینا برانگیختی و هرآئینه پیش ازین بینا بودم.

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى (١٢٦)
 وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ
 أَشَدُّ وَأَبْقَى (١٢٧) أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ
 يَمْشُونَ فِي مَسْجِدِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى (١٢٨)
 وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزِمَا وَاجِلٌ مِّسْمًى (١٢٩)
 فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ
 وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ
 تَرْضَى (١٣٠) وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَاهُ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ
 الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفِثْنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى (١٣١) وَأَمْرٌ أَهْلَكَ
 بِالصَّلَاةِ وَأَصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ
 لِلتَّقْوَى (١٣٢) وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ أَوَلَمْ تَأْتِهِمْ
 بَيِّنَةٌ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى (١٣٣) وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ
 مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ
 آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى (١٣٤) قُلْ كُلُّ مِثْرَبٍ قَدْ بَصَّوْا (١٣٥)
 فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَبُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى (١٣٥)

﴿۱۲۶﴾ گوید همچنین به تو آیه های ما آمد پس از آن تغافل کردی و همچنین امروز در حق تو تغافل کرده شود. ﴿۱۲۷﴾ و همچنین آن را سزایمیدهم که از حد گذشت و به آیات پروردگار خود ایمان نیاورد و هر آئینه عذاب آخرت سخت تر و پابنده تراست. ﴿۱۲۸﴾ آیا ایشان را آنکه چه بسیار پیش ایشان از طبقات مردمان هلاک کردیم راه ننمود در منازل آن هلاک شدگان می روند هر آئینه درین امر خداوندان خرد را نشانه هاست. ﴿۱۲۹﴾ و اگر سخنی که سابقا صادر شد از پروردگارتو نبودی و وقتی معین نبودی هر آئینه عذاب لازم می شد. ﴿۱۳۰﴾ پس صبر کن بر آنچه می گویند و با حمد پروردگار خویش تسبیح گو پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب آن و نیز بعض اوقات شب و اطراف روز تسبیح گو تا باشد که تو خوشنودشوی. ﴿۱۳۱﴾ و چشم خود را مدوز به زینت زندگانی دنیا که گروه هایی را از آنان به آن بهره مند ساخته ایم تا ایشان را در آن بیازماییم و روزی پروردگار تو بهترست و پابنده تراست. ﴿۱۳۲﴾ و خانواده ات را به نماز فرمان ده و شکیبایی کن (برادای آن) از تو روزی نمی طلبیم ما تو را روزی میدهم و عاقبت خیر برای اهل تقوی است. ﴿۱۳۳﴾ و کافران گفتند چرا پیش ما نشانه ای از جانب پروردگار خویش نمی آورد آیا به ایشان دلیل واضحی از جنس آنچه در کتابهای پیشین است نیامده^(۱)؟ ﴿۱۳۴﴾ و اگر ما ایشان را بعقوبتی پیش از فرستادن پیامبر هلاک می کردیم البته می گفتند ای پروردگار ما چرا به سوی ما پیامبری را نفرستادی تا پیروی آیات تومی کردیم پیش از آنکه خوار شویم و رسوا گردیم. ﴿۱۳۵﴾ بگو همه چشم به راهند پس شما نیز چشم به راه باشید پس خواهید دانست چه کسانی اهل راه راست و چه کسانی هدایت، یافته اند.

(۱) یعنی قرآن مشتمل است بر قصص و غیر آن موافق کتب سابقه.

سُورَةُ الْأَنْبِيَاءِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَقْرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ ﴿١﴾
 مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدِّثٍ إِلَّا أَسْتَمَعُوهُ وَهُمْ
 يَلْعَبُونَ ﴿٢﴾ لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى الَّذِينَ
 ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ
 تَبْصُرُونَ ﴿٣﴾ قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
 وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٤﴾ بَلْ قَالُوا أَضْغَتْ أَحْلَامٌ بَلِ
 افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ
 ﴿٥﴾ مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ
 ﴿٦﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَسَئَلُوا أَهْلَ
 الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٧﴾ وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا
 لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ ﴿٨﴾ ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ
 الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَّشَاءُ وَاهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ ﴿٩﴾
 لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠﴾

سوره انبیاء مکی است و آن يك صد و دوازده
آیه و هفت رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ به مردمان (هنگام) حساب ایشان نزدیک شد حال آنکه ایشان در غفلت روی گردانند.
 ﴿۲﴾ به ایشان هیچ پندی نو از جانب پروردگار ایشان نمی آید مگر اینکه آن را به شوخی
 می شنوند و به بازی میگیرند. ﴿۳﴾ غافل شده دل های ایشان و پنهان راز گفتند کسانی که
 ظالمان بودند که نیست این شخص مگر آدمی مانند شما آیا درحالی که (حقیقت را) می
 بینید به جادو روی می آورید؟ ﴿۴﴾ پیامبر گفت پروردگار من می داند هر سخنی را که
 در آسمان و زمین باشد و او شنوای داناست. ﴿۵﴾ بلکه گفتند این قرآن خواب های پریشان
 است بلکه می گویند آنرا بر بسته است بلکه می گویند او شاعر است پس باید که پیش مانشانه ای
 بیاورد چنان که به آن نخستینان^(۱) فرستاده شدند. ﴿۶﴾ پیش از ایشان هیچ دهی که آن را
 هلاک کردیم ایمان نیاورده بودند آیا پس ایشان ایمان می آورند؟ ﴿۷﴾ و پیش از تو
 نفرستادیم مگر مردانی را که به ایشان وحی می فرستادیم پس اهل علم را پرسید اگر شما
 نمی دانید. ﴿۸﴾ و نساختیم پیامبران را مجسمه ها که طعام نخورند و جاوید باشندگان
 نبودند. ﴿۹﴾ باز در حق ایشان وعده را راست کردیم پس ایشان را برهانیدیم و هر که
 را خواستیم و از حد گذرندگان را هلاک کردیم. ﴿۱۰﴾ هر آینه فرو فرستادیم به سوی
 شما کتبی که در او پند شما هست آیا نمی فهمید.

(۱) مترجم گوید مراد از نشانۀ عقوبت عام می داشتند مثل طوفان قوم نوح و باد صرصر قوم هود و الله اعلم.

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا
 آخَرِينَ ﴿١١﴾ فَلَمَّا أَحْسُوا بِأَسْنَائِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ ﴿١٢﴾
 لَا تَرَكَضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسْكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ
 تَسْأَلُونَ ﴿١٣﴾ قَالُوا يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿١٤﴾ فَمَا زَالَتْ تِلْكَ
 دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خِلْمِينَ ﴿١٥﴾ وَمَا خَلَقْنَا
 السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِعَيْنٍ ﴿١٦﴾ لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ
 لَهُمْ لَاتَّخِذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَعِلِينَ ﴿١٧﴾ بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ
 عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ أُولَئِلُ مَا تَصِفُونَ
 ﴿١٨﴾ وَلَهُ وَمَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ
 عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ﴿١٩﴾ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ
 لَا يَفْتُرُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْ اتَّخَذُوا إِلَهًا مِّنْ الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ ﴿٢١﴾
 لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلَ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ
 عَمَّا يُصِفُونَ ﴿٢٢﴾ لَا يَسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ ﴿٢٣﴾ أَمْ اتَّخَذُوا
 مِنْ دُونِهِ آلَ إِلَهٍ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مِّنْ مَّعِيَ وَذِكْرٌ
 مِّنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٢٤﴾

﴿۱۱﴾ چه بسیار شهرهایی را که (ساکنانشان) ستمکار بودند در هم شکستیم و بعد از آن گروه دیگر را پدید آوردیم. ﴿۱۲﴾ پس چون دیدند عذاب ما را ناگهان ایشان از آنجا می‌دویدند. ﴿۱۳﴾ (گفتیم) مگریزید و به سوی مکانی باز گردید که شمارا در آن آسودگی داده شد و به سوی خانه های خویش تاباشد که شما پرسیده شوید^(۱). ﴿۱۴﴾ گفتند ای وای بر ما هر آینه ما ستمکار بودیم. ﴿۱۵﴾ پس پیوسته گفتار ایشان این بود تا آنکه ایشان را مثل زراعت درویده شده مانند آتش فرو مرده گردانیدیم. ﴿۱۶﴾ و آسمان و زمین را و آنچه در میان آنهاست برای شوخی و بازی نیافریده ایم. ﴿۱۷﴾ اگر می‌خواستیم که بسازیم بازیچه‌ای^(۲) البته اگر (می‌خواستیم چنین) کنیم آن را فراخور خود برمی‌گرفتیم^(۳). ﴿۱۸﴾ بلکه حق را بر باطل می‌افکنیم پس آن را در هم می‌شکنند پس ناگهان باطل نابود شود و وای بر شما است از آن چه بیان می‌کنید. ﴿۱۹﴾ و هر کسی که در آسمان‌ها و زمین است برای اوست و آنانکه نزدیک اویند^(۴) از عبادت او سرکشی نمی‌کند و نه مانده می‌شوند. ﴿۲۰﴾ شب و روز تسبیح می‌گویند سستی نمی‌ورزند. ﴿۲۱﴾ آیا این چنین معبودانی از موجودات زمین^(۵) گرفته‌اند که ایشان را بعد از موت باز برانگیزانند^(۶). ﴿۲۲﴾ اگر در آسمان و زمین معبودانی چند غیر از خدا می‌بود هر دو تبه می‌شدند پاکی خدایی را است خداوند عرش از آنچه توصیف می‌کنند. ﴿۲۳﴾ پرسیده نمی‌شود خدا از آنچه می‌کند و ایشان پرسیده می‌شوند. ﴿۲۴﴾ آیا معبودانی به جای خدا گرفته‌اند بگو دلیل خود را بیاورید اینست کتاب آنانکه بامن هستند و کتاب آنانکه پیش از من بودند بلکه اکثر ایشان حق را نمی‌دانند پس ایشان رویگردانند.

(۱) یعنی به غمخوارگی قوم احوال شما را پرسند.

(۲) یعنی زن و فرزند.

(۳) یعنی مجرد می‌بودند و این مناقضه لطیفه است حاصل آنکه در رسل این استبعاد جاری نیست که چرا آدمی رسول باشد بلکه آن را در تنزیه از زن و فرزند می‌توان تقریر کرد که اگر خدا را زن و فرزند می‌بودند مجرد و واجب الوجود جامع اوصاف کمال می‌بودند والله اعلم.

(۴) یعنی ملائعالی.

(۵) یعنی از ذهاب و فضا.

(۶) مراد ازین کلام رداست بر عبادت اصنام.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ﴿٢٥﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ ۚ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ﴿٢٦﴾ لَا يَسْخَرُونَ مِنْهُ بِأَقْوَلٍ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرَادَ وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ﴿٢٨﴾ * وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌُ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٢٩﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كَانَتَا ثِقَاتٍ فَفَقَعْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٠﴾ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٣١﴾ وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ﴿٣٢﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٣٣﴾ وَمَا جَعَلْنَا لِلْبَشَرِ مِنْ قَبْلِكَ الْخَلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ ﴿٣٤﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٣٥﴾



﴿۲۵﴾ و هیچ پیامبری را پیش از تو نفرستادیم مگر آنکه به او وحی می کردیم که هیچ معبود برحق غیر از من نیست پس مرا پرستش کنید. ﴿۲۶﴾ و گفتند خدا فرزند گرفته است او پاک (ومنزه) است بلکه (آنانکه در حق ایشان این گمان را دارند) بند گانِ گرامی اند. ﴿۲۷﴾ در هیچ سخنی براویشی نمی گیرند و ایشان به فرمان وی کار می کنند. ﴿۲۸﴾ خدا آنچه را که در پیش روی ایشان است و آنچه را که پس پشت ایشان است میداند و شفاعت نمی کنند مگر برای کسیکه خدا خوشنود شده است و ایشان همیشه از ترسِ خدا هراسانند. ﴿۲۹﴾ و هر کس که از ایشان بگوید که من معبودم جز از خدا، او را دوزخ سزا می دهیم ستمکاران را همچنین سزای می دهیم. ﴿۳۰﴾ آیا ندیدند کافران که آسمان ها و زمین بسته بودند پس این هارا و کردند^(۱) و هر چیز زنده را از آب پیدا کردیم و آیا ایمان نمی آورند. ﴿۳۱﴾ و در زمین کوه هارا از برای احتراز از آنکه ایشان را بجنبانند پیدا کردیم و در آنجا راه هایی گشاده تاباشد که ایشان راه یابند پیدا کردیم. ﴿۳۲﴾ و آسمان را سقفی محفوظ ساختیم و ایشان از نشانه های آسمان رویگردانند. ﴿۳۳﴾ و اوست آنکه شب و روز و خورشید و ماه را آفرید هر یکی از ستاره ها در مداری شنا می کند. ﴿۳۴﴾ و ما برای هیچ انسانی پیش از تو زندگی جاویدان قرار ندادیم آیا اگر تو بمیری ایشان همیشه باشندگانند؟ ﴿۳۵﴾ هر شخص چشمنده^۱ مرگ است و شمارا به سختی و آسودگی به خاطر امتحان مبتلا می کنیم و به سوی ما بازگردانیده شوید.

(۱) مترجم گوید واکردن آسمان ها نازل کردن باران است و واکردن زمین رویانیدن گیاه از وی است.

وَإِذْ أَرْأَى الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا
الَّذِي يَذْكُرُهُ الْهَتَمُ وَهُمْ يَذْكُرُ الرَّحْمَنَ هُمْ
كَفَرُونَ ﴿٣٦﴾ خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُورِيكُمْ
آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ﴿٣٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ
إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٨﴾ لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ
لَا يَكْفُوتُ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ طُحُورِهِمْ وَلَا
هُمْ يُبْصِرُونَ ﴿٣٩﴾ بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْةٌ فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا
يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ﴿٤٠﴾ وَلَقَدْ أَسْتَهْزِئَ
بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا
بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٤١﴾ قُلْ مَنْ يَكْلُوكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ ﴿٤٢﴾
أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ
أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مَتَابِصِحُونَ ﴿٤٣﴾ بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ
وَأَبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي
الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٤٤﴾

﴿۳۶﴾ و چون کافران تورا ببینند تورا مگر به تمسخر نمی گیرند می گویند آیالین شخص است که یاد می کند (یعنی به اهانت) و ایشان یاد خدا را منکراند. ﴿۳۷﴾ آدمی از شتاب آفریده شد^(۱) شما را نشانه های خویش خواهم نمود پس به شتاب از من طلب مکنید. ﴿۳۸﴾ و می گویند اگر راست میگویند این وعده کی خواهد بود؟ ﴿۳۹﴾ اگر کافران بدانند صورت حال آن وقت را که از چهره های خویش آتش را باز نتوانند داشت و نه از پشت های خویش و نه ایشان نصرت داده شوند (چنین نمی گفتند). ﴿۴۰﴾ بلکه قیامت به ایشان ناگهان بیاید پس ایشان را حیران گرداند پس نمی توانند آنرا دفع کنند و نه ایشان مهلت داده شوند. ﴿۴۱﴾ و هر آینه تمسخر کرده شد به پیامبران پیش از تو پس به آنانکه تمسخر کردند از ایشان آنچه به آن استهزا می کردند در گرفت. ﴿۴۲﴾ بگو چه کسی شما را در شب و روز از عقوبت خدا نگهداری می کند بلکه ایشان از یاد پروردگار خویش روی گردانند. ﴿۴۳﴾ آیایشان معبودانی دارند غیر از ماکه ایشان را از مصایب نگاه می دارند نصرت دادن خویش را نمی توانند و نه ایشان از عقوبت ما (به جمعیت خود) محفوظ مانند. ﴿۴۴﴾ بلکه ایشان را و پدران ایشان را بهره مند ساخته ایم تا وقتی که برایشان مدت عمر دراز شد آیامردم نمی بینند که ما زمین [دارالحرب] را در گرفت می کنیم آن را از دامنه هایش می کاهیم آیا ایشان می توانند بر ما غلبه کنند^(۲).

(۱) این کنایت است از غلبه استعجال بر آدمی والله اعلم.

(۲) یعنی به اسلام اسلم و غفاریش از هجرت (از زمین کفر کاسته شد).

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا
 مَا يُنذَرُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَئِنْ مَسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ
 لَيَقُولُنَّ يُوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٤٦﴾ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ
 الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ
 مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ ﴿٤٧﴾
 وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا
 لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ
 مُشْفِقُونَ ﴿٤٩﴾ وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ
 مُنْكَرُونَ ﴿٥٠﴾ * وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا
 بِهِ عَالِمِينَ ﴿٥١﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي
 أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ ﴿٥٣﴾ قَالَ
 لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٥٤﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا
 بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَى ذَٰلِكُم مِّنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٥٦﴾
 وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُولُوا مُدْبِرِينَ ﴿٥٧﴾



﴿۴۵﴾ بگو جز این نیست که شمارا با وحی می ترسانم و کران چون ترسانیده می شوند آواز را نمی شنوند. ﴿۴۶﴾ و اگر به ایشان اندکی از عقوبت پروردگار تو رسد هر آئینه گویند ای وای بر ما هر آئینه ما ستمکاران بودیم. ﴿۴۷﴾ و ترازوی عدل را روز قیامت در میان نهیم پس بر هیچ کس هیچ چیزی ستم کرده نشود و اگر عمل هم وزن دانه سپندان (خردل) باشد آن را حاضر کنیم و ما حساب کننده بسیم. ﴿۴۸﴾ و به راستی که موسی و هارون را کتاب فیصله کننده و روشنی و پندی برای پرهیزکاران دادیم. ﴿۴۹﴾ آنانکه از پروردگار خویش غایبانه می ترسند و ایشان از قیامت ترسندگانند. ﴿۵۰﴾ و این قرآن پندی هست بابرکت آن را فرو فرستادیم آیا شما به آن منکراید. ﴿۵۱﴾ و به راستی که ابراهیم را راه یابی او پیش از این دادیم و به احوال اودانا بودیم. ﴿۵۲﴾ چون به پدرش و قومش گفت چیست این مجسمه هایی که شما دائما به عبادتشان مشغولید. ﴿۵۳﴾ گفتند پدران خود را عبادت کنندگانش یافته ایم. ﴿۵۴﴾ گفت به راستی که شما و پدران شما در گمراهی ظاهر بودید. ﴿۵۵﴾ گفتند آیا برایمان حق آورده ای یا تو از بازی گرانی. ﴿۵۶﴾ گفت بلکه پروردگار شما خداوند آسمان ها و زمین است آنکه اینها را آفرید و من بر این سخن از گواهانم. ﴿۵۷﴾ و به خدا قسم که البته بتان شمارا بعد از آن که پشت داده روی بگردانید تدبیری خواهیم اندیشید.

فَجَعَلَهُمْ جُودًا إِلَّا كِبِيرَ الْأَلَمِّ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ
 ٥٨ قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذِهِ الْهَتَانَا إِنَّهُ وَلِمَنِ الظَّالِمِينَ ٥٩
 قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ ٦٠ قَالُوا فَأَتُوا
 بِهِ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ٦١ قَالُوا أَنْتَ
 فَعَلْتَ هَذِهِ الْهَتَانَا يَا إِبْرَاهِيمُ ٦٢ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ وَكِبِيرُهُمْ
 هَذَا فَاسْتُلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ ٦٣ فَرَجَعُوا إِلَى
 أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ ٦٤ ثُمَّ نَكَسُوا
 عَلَى رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ ٦٥ قَالَ
 أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا
 يَضُرُّكُمْ ٦٦ أَفِ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
 أَفَلَا تَعْقِلُونَ ٦٧ قَالُوا احْرِقْوهُ وَأَنْصُرُوا الْهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
 فَعَالِينَ ٦٨ قُلْنَا يَنْدَرُكُونِي بِرَدٍّ أَوْ سَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ
 ٦٩ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ٧٠ وَنَجَّيْنَاهُ
 وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ٧١ وَوَهَبْنَا
 لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ٧٢ وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ٧٣

﴿۵۸﴾ پس آنها را ریزه ریزه ساخت مگر بتِ بزرگ را از ایشان تاباشد که به سوی او ایشان باز گردند. ﴿۵۹﴾ گفتند چه کسی این کار را بامعبودان ما کرده است هرآئینه وی از ستمکاران است. ﴿۶۰﴾ گفتند شنیدیم جوانی را که به او ابراهیم گفته می‌شد از آنها (به بدی) یاد می‌کرد. ﴿۶۱﴾ گفتند او را به حضور چشمهای مردمان بیاورید تاباشد که ایشان گواهی دهند. ﴿۶۲﴾ گفتند ای ابراهیم آیا تو بامعبودان ما چنین کرده ای؟ ﴿۶۳﴾ گفت بلکه آن را این بتِ بزرگ ایشان کرده است پس اگر سخن می‌گویند از آنان بپرسید. ﴿۶۴﴾ پس آنان به خود آمدند پس گفتند بایکدیگر هرآئینه ستمکار شما اید. ﴿۶۵﴾ پس بر سرهای خویش نگونسار شدند (و این کنایت ست ازملزم شدن) به راستی تو میدانی که ایشان سخن نمی‌گویند. ﴿۶۶﴾ گفت آیا عبادت می‌کنید به جای خدا چیزی را که هیچ نفعی و نه هیچ زیانی به شما نمی‌رساند. ﴿۶۷﴾ اف بر شما و بر آنچه که شما می‌پرستید به جای خدا آیانی فهمید. ﴿۶۸﴾ بایک دیگر گفتند که بسوزانید او را و خدایان خود را نصرت دهید اگر کننده اید^(۱). ﴿۶۹﴾ گفتیم ای آتش بر ابراهیم سرد شو و سلامتی باش. ﴿۷۰﴾ و (آنان) در حق وی نیرنگ خطرناک خواستند پس ما ایشان را زیان کارترین مردم نمودیم. ﴿۷۱﴾ و ابراهیم را برهانیدیم و لوط را به سوی زمینی که در آن برای جهانیان برکت نهادیم^(۲). ﴿۷۲﴾ و به او اسحق عطا کردیم (نیز) عطاء کردیم یعقوب را که نبیرهٔ ابراهیم بود و همه را نیکوکار ساختیم.

(۱) القصه در آتش انداختند.

(۲) یعنی سرزمین شام.

وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ
الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا
عَبِيدِينَ ﴿٧٣﴾ وَلَوْ طَاءَ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ
الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَاتِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ
فَلَسِقِينَ ﴿٧٤﴾ وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ
﴿٧٥﴾ وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ
وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾ وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ
الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ
أَجْمَعِينَ ﴿٧٧﴾ وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ
إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ غَمُّ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ﴿٧٨﴾
فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانٌ وَكُلًّا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا
مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ ﴿٧٩﴾
وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لَتَحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ
فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ ﴿٨٠﴾ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ
إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَرَكَنا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمِينَ ﴿٨١﴾

﴿۷۳﴾ وایشان را پیشوایانی گردانیدیم که به فرمان ما راه می نمودند و انجام دادن نیکیها و برپاداشتن نماز و دادن زکوة را به آنان وحی کردیم و عبادت کنندگان مابودند. ﴿۷۴﴾ و لوط را حکمت و علم دادیم و او را از (مردم) دِهی که کارهای ناپاک می کرد برهانیدیم هرآئینه ایشان قوم نافرمان بودند. ﴿۷۵﴾ و او را در رحمت خویش درآوردیم هرآئینه وی از شایسته کاران بود. ﴿۷۶﴾ و نوح را یاد کن چون ندا کرد پیش از این پس دعای او را قبول کردیم پس او را و کسان او را از اندوه بزرگ نجات دادیم. ﴿۷۷﴾ و او را بر قومی که تکذیب کردند آیات ما را نصرت دادیم هرآئینه ایشان گروهی بد بودند پس همگی ایشان را غرق کردیم. ﴿۷۸﴾ و داود و سلیمان را یا دکن چون دربارهٔ زراعتی که چون به وقت شب گوسفندان گروهی در آنجا چریده بودند حکم می کردند و ما بر حکم ایشان حاضر^(۱) بودیم. ﴿۷۹﴾ پس طریق فیصله کردن خصومت را به سلیمان فهمانیدیم و هر یکی را حکمت و دانش داده بودیم با داود کوه ها را مسخر گردانیدیم که با اوتسیح می گفتند و مرغان را نیز مسخر ساختیم و ما کننده بودیم. ﴿۸۰﴾ و او را ساختن لباسی برای شما پیاموختیم تا که شمارا از ضرر کارزار شما نگاه دارد^(۲) پس آیا شکر کننده هستید. ﴿۸۱﴾ و برای سلیمان باد تند و زنده را مسخر ساختیم که می رفت به فرمان وی به سوی زمینی که در آن برکت نهادیم (یعنی شام) و به هر چیز دانا بودیم.

(۱) یعنی گوسفندان قومی در زراعت قومی دیگر به وقت شب در آمدند و چریدند داود علیه السلام حکم کرد بدادن گوسفندان عوض زراعت سلیمان حکم کرد این قوم را به اصلاح زراعت و آن قوم را بانتفاع از شیر گوسفندان تا وقتیکه زراعت بحال خود رسد حکم سلیمان درست تر بود والله اعلم.

(۲) یعنی ساختن زره.

وَمِنَ الشَّيْطَانِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ
ذَلِكَ ۖ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ ﴿٨٢﴾ وَيَأْتُوبُ إِذْ نَادَىٰ
رَبَّهُ ۖ وَأَنَّىٰ مَسْنَىٰ الضُّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿٨٣﴾
فَاسْتَجَبْنَا لَهُ ۖ وَفَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ ۖ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ ۖ
وَمَثَلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا ۖ وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ
﴿٨٤﴾ وَاسْمِعِيلَ ۖ وَإِدْرِيسَ ۖ وَذَا الْكِفْلِ ۖ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ
﴿٨٥﴾ وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا ۖ إِنَّهُمْ مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿٨٦﴾
وَذَا النُّونِ ۖ إِذْ ذَهَبَ مُغْضِبًا فَظَنَّ أَن لَّنْ نَّقْدِرَ عَلَيْهِ
فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي
كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٧﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ ۖ وَنَجَّيْنَاهُ
مِنَ الْغَمِّ ۖ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾ وَزَكَرِيَّا
إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ ۖ وَرَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ
﴿٨٩﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ ۖ وَوَهَبْنَا لَهُ وَيَحْيَىٰ ۖ وَأَصْلَحْنَا
لَهُ ۖ وَزَوْجَهُ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ
وَيَدْعُونَآرْعَابًا وَرَهَبًا ۖ وَكَانُوا النََّاخِشِينَ ﴿٩٠﴾

﴿۸۲﴾ وازدیوان جماعتی را که غواصی می کردند برای وی مسخر ساختیم و کاری غیر از آن نیز می کردند و ایشان را نگاه دارنده بودیم. ﴿۸۳﴾ و یادکن ایوب را چون به جناب پروردگار خویش ندا کرد به آنکه مرا رنج رسیده است و تو مهربان ترین مهربانانی. ﴿۸۴﴾ پس دعای او را قبول کردیم پس آنچه از رنج باوی بود دور ساختیم و اورا فرزندان او و مانند ایشان همراه ایشان به سبب مهربانی از نزد خویش عطا کردیم و تاعبادت کنندگان را پندی بُود. ﴿۸۵﴾ و یادکن اسمعیل و ادريس و ذوالکفل را هر یکی از ایشان از صبر کنندگان بُود. ﴿۸۶﴾ و ایشان را در رحمت خود درآوردیم هر آئینه ایشان از نیکوکاران بودند. ﴿۸۷﴾ و یادکن ذوالنون را چون خشمگین رفت^(۱) پس گمان کرد که بروی^(۲) تنگ نمی گیریم پس در تاریکیها ندا کرد به آن که هیچ معبود بر حقی غیر از تو نیست پاکی تو را است هر آئینه من از ستمکاران بودم. ﴿۸۸﴾ پس دعای او را قبول کردیم و از غم نجات دادیمش و همچنین مسلمانان را نجات می دهیم. ﴿۸۹﴾ و زکریا را یادکن چون به جناب پروردگار خود ندا کرد ای پروردگار من مرا تنهامگذار و تو بهترین وارثانی. ﴿۹۰﴾ پس دعای او را قبول کردیم و او را یحییٰ بخشیدیم و همسرش را برای او نیکو ساختیم هر آئینه این پیامبران شتاب می کردند در نیکیها و مارا در حال امید و خوف می خواندند و برای ما نیازمند بودند.

(۱) یعنی بر قوم خود بغیر اذن الهی و الله اعلم.

(۲) القصه حوت اورا به حلق درکشید.

وَأَتَى أَحَصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا
وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ﴿٩١﴾ إِنَّ هَذِهِ
أُمَّتُكُمْ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴿٩٢﴾
وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلُّ إِلَيْنَا رَجْعُونَ ﴿٩٣﴾
فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ
لِسَعِيدٍ وَإِنَّا لَهُ وَكَتِبُونَ ﴿٩٤﴾ وَحَرَامٌ عَلَى قَرِيَّةٍ
أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٩٥﴾ حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ
يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿٩٦﴾
وَأَقْرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَرُ الَّذِينَ
كَفَرُوا يُؤْيِلْنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا
ظَالِمِينَ ﴿٩٧﴾ إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
حَصْبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ ﴿٩٨﴾ لَوْ كَانَ
هَؤُلَاءِ إِلَهًا مَا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٩٩﴾
لَهُمْ فِيهَا زَوْجٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ
سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ﴿١٠١﴾

﴿۹۱﴾ وبادکن زنی را که شرمگاه خود را به عفت نگاه داشت پس در آن روح خود را دمیدیم و او را وپسرش را نشانه‌ای برای جهانیان ساختیم. ﴿۹۲﴾ گفتیم هرآئینه اینست ملت شما ملت یکتاومن پروردگار شما هستم پس عبادت من کنید^(۱). ﴿۹۳﴾ ومتفرق شدند امت‌ها در کار خود^(۲) در میان خویش همگی به سوی مار جوع کنندگانند. ﴿۹۴﴾ پس هرکسی که از جنس کارهای شایسته بکند درحالی که او مؤمن باشد پس از کوشش او ناسپاسی نخواهد شد و هرآئینه ما برای او نیکیهایش را می نویسیم. ﴿۹۵﴾ ومحال است بر هر دمی که او را هلاک کردیم آنکه بازگردند (یعنی به دنیا). ﴿۹۶﴾ تا وقتیکه چون قیدیاجوج وماجوج گشاده شود و ایشان از هر بلندی بشتابند. ﴿۹۷﴾ و وعده^۳ راست نزدیک برسد پس ناگهان حال اینست بالادوخته شود چشم های کافران گویند وای بر ما هرآئینه از این حال در غفلت بودیم بلکه ستمکار بودیم. ﴿۹۸﴾ هرآئینه شما آنچه می پرسیدید به جای خدا (یعنی بتان) آتش انگیز دوزخ باشید شما بر آن داخل شونده اید. ﴿۹۹﴾ اگر اینها معبودانی می بودند به دوزخ داخل نمی شدند و همه ایشان آنجا جاویدان باشند. ﴿۱۰۰﴾ آنجا ایشان را ناله باشد و ایشان آنجا هیچ نشوند. ﴿۱۰۱﴾ هرآئینه آنانکه سابقاً برای ایشان از جانب مانیکویی مقرر شد این جماعت از دوزخ دور کرده می شوند.

(۱) یعنی اصل دین که توحید باشد یکی است و همه متفق اند و اختلاف در فروغ می باشد.

(۲) یعنی در اصل دین.

لَا يَسْمَعُونَ حَاسِسَهَا وَهُمْ فِي مَا أَسْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ
 خَلِدُونَ ﴿١٠٢﴾ لَا يَخْرُجُ مِنْهُمْ الْفَرْعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمْ
 الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿١٠٣﴾
 يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا
 أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَوَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٠٤﴾ وَلَقَدْ
 كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا
 عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿١٠٥﴾ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ
 عَابِدِينَ ﴿١٠٦﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ
 ﴿١٠٧﴾ قُلْ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَحِدٌ فَهَلْ
 أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٨﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ ءَاذَنْتُكُمْ عَلَى سَوَاءٍ
 وَإِنْ أَدْرَى أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدُ مَا تُوعَدُونَ ﴿١٠٩﴾ إِنَّهُ يُعَلِّمُ
 الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿١١٠﴾ وَإِنْ أَدْرَى
 لَعَلَّهُ وَفِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ ﴿١١١﴾ قُلْ رَبِّ أَحْكُمْ
 بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ﴿١١٢﴾

﴿۱۰۲﴾ آواز دوزخ را نشنوند و ایشان در آنچه نفسهای ایشان خواهد جاویدانند. ﴿۱۰۳﴾ ایشان را آن ترس بزرگ اندوهگین نسازد و فرشتگان به استقبالشان آیند (گویند) اینست آن روزتان که به شما وعده داده می شد. ﴿۱۰۴﴾ روزیکه آسمان رامانند پپچیدنِ طومار وقت نوشتن نامه ها در پیچیم چنانکه اول آفرینش را آغاز کردیم دیگر بار (نیز) برمی گردانیم وعده ای لازم بر ما است هر آئینه ماکننده ایم. ﴿۱۰۵﴾ و هر آئینه در زبور بعد از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ام^(۱) به ارث می برند. ﴿۱۰۶﴾ هر آئینه در آنچه گفته شد گروه عابدان را کفایت است. ﴿۱۰۷﴾ و تورا جز مایهٔ مهربانی برای جهانیان نفرستاده ایم. ﴿۱۰۸﴾ بگو جز این نیست که وحی به سوی من فرستاده می شود که معبود شما خدای یکتاست پس آیا گردن نهنده هستید. ﴿۱۰۹﴾ پس اگر اعراض کنند پس بگو شمار ابرو جهی خبردار ساختم که همه برابر باشید و نمی دانم که آنچه وعده داده میشوید نزدیک است یا دور است. ﴿۱۱۰﴾ هر آئینه خدا می داند آشکار را از سخن و می داند آنچه را پنهان می کنید. ﴿۱۱۱﴾ و نمی دانم شاید آن برای شما آزمونی و بهره مندی تامدتی باشد. ﴿۱۱۲﴾ پیامبر گفت ای پروردگار من به راستی حکم کن و پروردگار مابخشاینده است از وی مدد طلب کرده می شود بر آنچه بیان می کنید.

(۱) یعنی در آخر زمان پیامبری مبعوث شود و امت او بر هر سرزمین غالب شود والله اعلم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَأَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّ كُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ
 ١ يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ
 كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَىٰ وَمَا هُمْ
 بِسُكَرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ٢ وَمِنَ النَّاسِ مَن
 يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ ٣
 كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَإِنَّهُ يَضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ
 إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ٤ يَأَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ
 مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ
 ثُمَّ مِّن عِلْقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنَبِّئَنَّ
 لَكُمْ وَنُقَرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ
 نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لَتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّن يُتَوَفَّىٰ
 وَمِنْكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن
 بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا
 الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ٥

سوره حج مدنی است و آن هفتاد و هشت
آیه و ده رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ ای مردمان از پروردگار خویش بترسید هر آینه زلزله و هنگامه قیامت چیزی بزرگی است. ﴿۲﴾ روزی که آن را ببینید هر شیر دهنده از طفلی که شیر می دهدش غافل شود و هر زن باردار بارشکم خود را بنهد و بینی مردمان را مست، حال آنکه مست نیستند ولیکن عذاب خدا سخت است. ﴿۳﴾ و از مردمان کسی هست که در شأن خدا بغیر دانش گفتگو می کند و پیروی هر شیطان متمرّد را می نماید. ﴿۴﴾ در قضای الهی بروی نوشته شده است که هر کس او را دوست خود سازد، پس وی او را گمراه کند و به سوی عذاب آتش راه نمایدش. ﴿۵﴾ ای مردمان اگر از رستاخیز در شکاید پس هر آینه ما شمارا از خاک باز از نطفه باز از خون بسته باز از گوشت پاره صورت داده و غیر صورت داده آفریدیم (می گوئیم) تا واضح سازیم برای شما و در رحمها چیزی را که می خواهیم تا ميعاد معین قرار می دهیم باز بیرون می آوریم شمارا کودکی باز تربیت می کنیم تا بنهایت جوانی خود برسید و از شما کسی بُود که میرانده شود و از شما کسی بود که به بدترین عمر باز گردانیده شود تا چیزی را بعد از آن که می دانست نداند و می بینی زمین را خشک شده پس وقتی که بر آن آب را فرو فرستادیم جنبش کند و بیفزاید و از هر قسمی رونق دار برویاند.

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى وَأَنَّهُ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ ﴿٦﴾ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي
 الْقُبُورِ ﴿٧﴾ وَمَنْ النَّاسُ مِنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى
 وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ ﴿٨﴾ ثَانِي عَظْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي
 الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنَذِيقُهُ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ عَذَابُ الْحَرِيقِ ﴿٩﴾ ذَلِكَ
 بِمَا قَدَّمْت يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ ﴿١٠﴾ وَمَنْ النَّاسُ
 مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ
 أَصَابَتْهُ فَتْنَةٌ أُنْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ
 هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿١١﴾ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْصُرُهُمْ
 وَمَا لَا يَنْفَعُهُمْ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ﴿١٢﴾ يَدْعُوا لِمَنْ
 ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لَيْسَ الْمَوْلَى وَلَيْسَ الْعَشِيرُ ﴿١٣﴾
 إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ
 تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿١٤﴾ مَنْ كَانَ
 يَظُنُّ أَن لَّنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى
 السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ وَمَا يَعِظُ ﴿١٥﴾

﴿۶﴾ این همه به سبب آنست که خدا همان است برحق و آنکه وی مُردگان را زنده می کند و آنکه وی بر همه چیز تواناست. ﴿۷﴾ و آنکه قیامت آمدنی است هیچ شکی در آن نیست و آنکه خدا آنان را که درگورها باشند برانگیزد. ﴿۸﴾ و از مردمان کسی هست که در شانِ خدا بغیر دانش و بغیر هدایت و بغیر کتاب روشن گفتگومی کند. ﴿۹﴾ پیچیده صفحه گردن خود را^(۱) تا از او خدا گمراه کند او را در دنیا رسوایی است و او را روز قیامت عذاب سوزان بچشانیم. ﴿۱۰﴾ (گویم) این به سبب آن اعمال است که دو دست تو فرستادش و به سبب آن است که خدا بر بندگان ستم کننده نیست. ﴿۱۱﴾ و از مردمان کسی هست که با دو دلی خدا را برکناره پرستش می کند پس اگر او را نعمتی برسد به آن عبادت آرام گیرد و اگر او را بلایی برسد بروی خود برگردد، دنیا و آخرت را باخت این همان زیانِ ظاهر است. ﴿۱۲﴾ به نیایش می خواند به جای خدا چیزی را که زیان نرساندش و نه سود دهدش این همان گمراهی دور است. ﴿۱۳﴾ میخواند کسی را که زیان او از سود او نزدیک تر است هر آئینه بدسرووری است و بد یاری است. ﴿۱۴﴾ هر آئینه خدا آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند در بوستانهایی که زیر آنها جویها می رود درمی آورد هر آئینه خدا آنچه می خواهد می کند. ﴿۱۵﴾ هر که پنداشته باشد که خدا پیامبر را در دنیا و آخرت نصرت نخواهد داد پس باید ریسمانی به جانب بالا بیاویزد باز باید که قطع نماید پس ببیند آیا این تدبیر او چیزی را که به خشم آورده دور می کند^(۲).

(۱) یعنی تکبرکنان.

(۲) یعنی اگر ازین غصّه به میرد هیچ ضرر نکند.

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَرْبَ اللَّهِ يَهْدِي مَنْ يَرِيدُ
 (١٦) إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِغِينَ وَالنَّصَارَى
 وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ
 الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (١٧) أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ
 يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ
 وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ
 النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ
 مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (١٨) * هَذَانِ خَصْمَانِ
 اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ
 مِّنْ نَّارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ (١٩) يُصْهَرُ بِهِ
 مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ (٢٠) وَلَهُمْ مَقْلَعٌ مِّنْ حَدِيدٍ (٢١) كُلَّمَا
 أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ
 الْحَرِيقِ (٢٢) إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ
 أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (٢٣)

﴿۱۶﴾ و همچنین قرآن را آیاتِ روشن فرو فرستادیم و بدانید که خدا راه می نماید هر که را خواهد. ﴿۱۷﴾ هر آئینه آنان که ایمان آورده‌اند و آنانکه یهود شدند و ستاره پرستان و ترسایان و گبران و مشرکان به درستی که خدای تعالی روز قیامت میان ایشان فیصله خواهد کرد هر آئینه خدا بر هر چیز مطلع است. ﴿۱۸﴾ آیاندیده‌ای که خدای تعالی را سجده می کنند آنانکه در آسمان هاند و آنانکه در زمین‌اند و خورشید و ماه و ستارگان و کوه ها و درختان و چهارپایان و بسیاری از مردمان و بسیار کس هستند که برایشان عذاب ثابت شده است و هر که را خدا خوار کند پس او را هیچ گرامی دارنده ای نیست هر آئینه خدای کند آنچه می خواهد. ﴿۱۹﴾ این دو فریق دشمنان یکدیگر اند در شان پروردگار خویش خصومت کردند پس آنانکه کافر شدند برای ایشان جامه ها از آتش قطع کرده شد بالای سر ایشان آب گرم ریخته شود. ﴿۲۰﴾ به آن هر چه در شکم‌های ایشان باشد و پوست‌ها نیز گداخته گردد. ﴿۲۱﴾ و برای کوفتن ایشان گرزها از آهن مهیا باشد. ﴿۲۲﴾ هر گاهی که خواهند ازدوزخ برآیند خلاص شوند آنجا از اندوه بازگردانیده شوند و گفته شود عذاب سوزان را بچشید. ﴿۲۳﴾ هر آئینه خدا آنان را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند در بوستانها یی در می آورد که در زیر آنها جویها می‌رود پیرایه آنان در آنجا به دستبندهایی زرین و مروارید آراسته شوند و لباس ایشان در آنجا ابریشم بُود.

وَهْدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهْدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ
(٢٤) إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَكْفُ فِيهِ وَالْبَادِ
وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ
(٢٥) وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ
بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ
السُّجُودِ (٢٦) وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى
كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (٢٧) لِيَشْهَدُوا
مَنْفَعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا أَسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ
عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا
وَأَطِيعُوا أَوَّلَاسِ الْفَقِيرِ (٢٨) ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ
وَلِيُوفُوا نَذْرَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (٢٩)
ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَعِنْدَ
رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتَى عَلَيْكُمْ
فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (٣٠)

﴿۲۴﴾ و به (گفتن)^(۱) سخن زیبا و پاکیزه رهنمود میگردند و به راه خدای ستوده راهنمایی شوند. ﴿۲۵﴾ هر آینه آنانکه کافر شدند و از راه خدا و از مسجد حرام که آن را برای مردمان یکسان کرده ایم در آنجا چه مقیم و چه صحرانشین بزمی دارند و کسی که از روی ستم در آنجا کجروی خواهد، او را از عذاب دردناک می چشانیم. ﴿۲۶﴾ و یادکن چون برای ابراهیم موضع خانه کعبه را معین ساختیم (این سخن گفته) که بامن هیچ چیزی را شریک مقرر مکن و خانه مرا برای طواف کنندگان و ایستادگان و رکوع کنندگان و سجود کنندگان پاک کن^(۲). ﴿۲۷﴾ و در میان مردمان به حج اعلان کن تا پیش تو پیاده و سوار بر هر شتری لاغر بیایند این شتران لاغر از هر راه دور می آیند. ﴿۲۸﴾ تا منافعی را که دارند حضور یابند و نام خدا را در روزها چند دانسته شده^(۳) یاد کنند بر ذبح آنچه خدای تعالی ایشان را از قسم چهار پایان مواشی روزی داده است پس از آن بخورید و درمانده درویش را بخورانید. ﴿۲۹﴾ باز باید که چرک تن خود را دور کنند و نذرهای خود را به وفا رسانند و به خانه قدیم^(۴) (یعنی کعبه) طواف نمایند. ﴿۳۰﴾ (حکم) اینست و هر که شعائر خدا را تعظیم کند پس این تعظیم کردن او را نزدیک پروردگار او بهتر است و حلال کرده شد برای شما مواشی^(۵) مگر آنچه خوانده خواهد شد بر شما^(۶) پس از پلیدی بتان احتراز کنید و از سخن دروغ^(۷) (نیز) دورمانید.

(۱) یعنی درد دنیا.

(۲) یعنی برای نمازگزاران.

(۳) یعنی یوم نحر و ایام تشریق.

(۴) یعنی کعبه زیرا که اوّل نباشد بعد از آن بیت المقدس.

(۵) یعنی شتر و گاو و بز و گوسفند.

(۶) یعنی میته و خون مسفوح.

(۷) یعنی گواهی دروغ.

خُفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ ۚ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ
 السَّمَاءِ فَتَخَطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ
 ﴿٣١﴾ ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْمِ شَعْبِيرُ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ﴿٣٢﴾
 لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ
 ﴿٣٣﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِّذِكْرِهِمْ وَأَسْمَاءَ لِلَّهِ عَلَى
 مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةٍ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا هُكُمَ إِلَهًُ وَاحِدًا فَلَهُ
 أَسْمَاءُ وَبَشِيرِ الْمُخْبِتِينَ ﴿٣٤﴾ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ
 قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمُ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ
 وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٥﴾ وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ
 اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَادْكُرُوا أَسْمَاءَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَإِذَا وَجَبَتْ
 جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا
 لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٣٦﴾ لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا
 وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا
 اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَبَشِيرِ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٧﴾ إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ
 عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ ﴿٣٨﴾

﴿۳۱﴾ درحالیکه حق گرا ومخلص خدا وغیر شرک آورنده به او باشید وهرکسی که باخدا شریک مقررکند پس گویا که ازآسمان فرود افتاد پس اورامرغان (مردار خوار) برپایند یا او را باد بمکانی دور^(۱) فروافکند. ﴿۳۲﴾ (حکم) اینست وهرکس که شعائر خدا را تعظیم کند پس این تعظیم ازتقوی دلهاست. ﴿۳۳﴾ شمارا درآن مواشی فائده‌هایی است تامیعادی معین باز جای (قربان) گاهش به بیت العتیق است. ﴿۳۴﴾ و برای هرامتی روش قربانی کردن مقرر داشته ایم تا نام خدا را برآنچه ایشان را ازچهارپایان حلال گوشت داده است یاد کنند پس معبود شما معبودی یکتاست پس برای او منقادشوید و(یامحمد) نیایش کنندگان را بشارت ده. ﴿۳۵﴾ کسانی که چون خدا یادکرده شود دل‌های ایشان ترسان گردد ونیز صبر کنندگان را برآنچه به ایشان برسد وبرپا دارندگان نماز را وآنان را که ازآنچه روزی دادیم به ایشان خرج می کنند. ﴿۳۶﴾ و شترانِ قربانی را برای شما ازشعائر خدا گردانیده‌ایم شمارا درآنها خیر است پس نام خدا را برنحر آنها یادکنید درحالیکه برچهارپای ایستاده اند پس چون پهلوه‌ای آنها به زمین افتد بخورید ازآنها ودرویش بی سوال را وسوال کننده را بخورانید همچنین چهار پایان را برای شما رام گردانیدیم تاباشید که شکرکنید. ﴿۳۷﴾ نمی رسد به خدا گوشت‌های قربانی‌ها ونه خون‌های اینها ولیکن بوی پرهیزگاری از شما می رسد هم چنین رام گردانید قربانی هارا برای شما تا خدا را به بزرگی یادکنید به شکر آنکه شمارا راه نمود ونیکوکاران را بشارت ده. ﴿۳۸﴾ هرآئینه خدا ازمسلمانان^(۲) دفاع می کند هرآئینه خدا هرخیانت کننده ناسپاس را دوست نمی دارد.

(۱) حاصل آنست که هلاک شدبه وجهی که امید نجات نماند.

(۲) یعنی ضرر اعداء ایشان را.

أَذِنَ لِلَّذِينَ يَقْتُلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ
 ٣٩ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا
 رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ
 صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ
 كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ
 عَزِيزٌ ٤٠ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ
 وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ
 وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ٤١ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ
 قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ ٤٢ وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ
 لُوطٍ ٤٣ وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ
 ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ٤٤ فَكَايَنَ مِنَ قَرْيَةٍ
 أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَبُرُ
 مُعْطَلَةٌ وَقَصِرَ مَشِيدُ ٤٥ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ
 لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا
 لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ٤٦

﴿۳۹﴾ دستور جهاد داده شد آنانرا که کفار با ایشان جنگ می کنند به سبب آنکه برایشان ستم رفته است وهرآئینه خدا بر نصرت دادن ایشان تواناست. ﴿۴۰﴾ (دستور جهاد داده شد) آنان را که ایشان از خانه هایشان به ناحق بیرون آورده شدند مگر به سبب آنکه می گفتند پروردگار ما خداست و اگر دفع کردن خدا نبود مردمان را بعضی را بدست بعضی دیگر ویران کرده می شد خلوتهای رهبانان و عبادت خانههای نصاری و عبادت خانه های یهود و عبادت خانه های مسلمانان که در آن جایها نام خدا بسیار یاد کرده می شود و البته نصرت خواهد داد خدا کسی را که قصد نصرت دین وی کند وهرآئینه خداتوانای غالب است (نصرت خواهد داد). ﴿۴۱﴾ کسانی را که اگر ایشان را در زمین دسترس دهیم نماز را برپا دارند و زکوة را بدهند و به کار پسندیده فرمان دهند و از کار ناپسندیده منع کنند و سرانجام همه کارها^(۱) برای خداست. ﴿۴۲﴾ و اگر تورانکذیب می کنند پس به راستی که پیش از ایشان قوم نوح و عاد و ثمود (نیز به پیامبرانشان) تکذیب کردند. ﴿۴۳﴾ و (نیز چنین کردند) قوم ابراهیم و قوم لوط. ﴿۴۴﴾ و اهل مدین (نیز چنین کردند) و موسی تکذیب کرده شد پس مهلت دادم این کافران را باز ایشان را گرفتم پس عقوبت من چگونه بود. ﴿۴۵﴾ پس چه بسیار شهرها را درحالی که وی ستمکار بود آن را هلاک ساختیم پس وی بر سقف های خود افتاده است و بسیار چاه بیکار مانده و بسامحلی بلند خراب شده. ﴿۴۶﴾ آیاسیرنکرده اند در زمین تا ایشان را دلهایی بُود که با آنها فهم کنند یا گوشهایی که با آنها بشنوند هرآئینه حال اینست که چشم ها نابینا نمی شوند ولیکن آن دلها که در سینه ها هستند نابینا می شوند.

(۱) درین آیت دلالت است بر صحت خلافت خلفای اربعه زیرا که ایشان از مهاجرین اولین بودند و متمکن شدند در زمین پس لازم آید که اقامت صلوٰة و ایاء زکوة و امر به معروف و نهی از منکر از ایشان بظهور رسد و تمکین فی الارض چون به آن خصال جمع شود همان است خلافت نبوت.

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخَالِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا
عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ ﴿٤٧﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ
قَرْيَةٍ أَمَلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَى الْمَصِيرِ
﴿٤٨﴾ قُلْ يَأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٤٩﴾ قَالِ الَّذِينَ
ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٥٠﴾
وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ
الْجَحِيمِ ﴿٥١﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا
إِذَا تَمَنَّيَ الْوَيْلُ الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي
الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٢﴾ لِيَجْعَلَ
مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فَتَنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ
قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾ وَلِيَعْلَمَ
الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ
فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِلَى صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٤﴾ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مَرِيَةٍ مِنْهُ حَتَّى
تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ ﴿٥٥﴾

﴿۴۷﴾ وازتو عذاب را زود می‌طلبند و هرگز خدا وعده^۱ خود را خلاف نخواهد کرد و هرآئینه يك روز نزد پروردگارتو مانند هزارسال است از آنچه می‌شمیرید^(۱). ﴿۴۸﴾ و چه بسیار شهرها که به آنها درحالی که (اهل) آن ستمکار بود مهلت دادم باز آنها را گرفتار کردم و بازگشت به سوی من است. ﴿۴۹﴾ بگو ای مردمان جز این نیست که من برای شما ترساننده^۲ آشکارم. ﴿۵۰﴾ پس آنانکه ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند ایشان را آمرزش و روزی نیک است. ﴿۵۱﴾ و آنان که مقابله کنان در (انکار) آیات ما کوشیدند ایشان اهل دوزخ هستند. ﴿۵۲﴾ و ما پیش از تو هیچ رسولی و نه هیچ نبی را نفرستاده ایم مگر چون آرزوی به خاطر بست شیطان چیزی در آرزوی وی افکند پس دوباره خدا دور می‌کند آنچه را که شیطان انداخته است خدا آیات خود را محکم می‌کند و خدا دانا با حکمت است^(۲). ﴿۵۳﴾ تا خدا بگرداند آنچه را که شیطان افکند آزمونی در حق آنانکه در دل‌های ایشان بیماری است و آنان که دل‌های ایشان سخت است و هرآئینه ستمکاران در مخالفت دور و درازاند. ﴿۵۴﴾ و تا آنان که ایشان را علم داده شده است بدانند که آن وحی از جانب پروردگار تو راست است پس به آن ایمان آورند پس برای خدا دل‌های ایشان نیایش کنند و هرآئینه خدا مسلمانان را به سوی راه راست هدایت دهنده است. ﴿۵۵﴾ و همیشه کافران از آن وحی در شبهه باشند تا وقتی که به ایشان قیامت ناگهان بیاید یا به ایشان عقوبت روز بس نحس بیاید گریانشان را بگیرد.

(۱) یعنی اگر خواهد کار هزار سال در یک روز تمام کند پس این به سبب عجز نیست بلکه بنا بر مصالحی که جز او کسی نمیداند.

(۲) مترجم گوید مثلاً آن حضرت صلی الله علیه وسلم به خواب دیدند که هجرت کرده‌اند به زمینی که نخل بسیار دارد پس گمان به جانب یمامه و هجر رفت و در نفس الامر مدینه بود، مثلاً آن حضرت صلی الله علیه وسلم به خواب دیدند که به مکه درآمده حلق و قصر میکنند پس گمان آمد که در همان سال این معنی واقع شود و در نفس الامر بعد از سالهای چند متحقق شد و در امثال این صورت امتحان مخلصان و منافقان در میان می‌آید والله اعلم.

الْمَلَأْتُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا
 وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٥٦﴾ وَالَّذِينَ
 كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ
 مُّهِينٌ ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا
 أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ
 خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٥٨﴾ لِيَدْخُلَنَّهُمْ مَّدَنًا لَا يَرْضَوْنَهُ
 وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿٥٩﴾ * ذَٰلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ
 مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ
 لَعَفُوٌّ غَفُورٌ ﴿٦٠﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي
 النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ
 بَصِيرٌ ﴿٦١﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ
 مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٦٢﴾
 أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتَصْبِحُ الْأَرْضُ
 مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿٦٣﴾ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
 وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٦٤﴾



﴿۵۶﴾ پادشاهی آن روز فقط برای خدا است میان ایشان حکم کند پس آنان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند در بوستانهای نعمت باشند. ﴿۵۷﴾ و آنانکه کافر شده اند و آیات ما را تکذیب کرده اند آن جماعت ایشان را عذاب خوارکننده باشد. ﴿۵۸﴾ و آنانکه در راه خدا هجرت کرده اند سپس گشته شده اند یا به مرگ طبیعی مرده اند البته روزی دهد ایشان را خداروزی نیک^(۱) و هرآئینه خدا وی بهترین روزی دهندگان است. ﴿۵۹﴾ البته ایشان را به جایگاهی که خوشنود شوند از آن درآورد و هرآئینه خدا دانای بردبار است. ﴿۶۰﴾ (حکم) این است و هرکسی که دست به ستم و جنایت زند به همان اندازه که بدو ستم و جنایت شده است، سپس دوباره بروی ستم و جنایت کرده شود هرآئینه او را خدا نصرت خواهد داد هرآئینه خدا بخشاینده آمرزگار است. ﴿۶۱﴾ این نصرت به سبب آنست که خدا شب را در روز درمی آورد و روز را در شب در می آورد و به سبب آنست که خداشنوای بیناست. ﴿۶۲﴾ این نصرت از آنست که خدا همان است ثابت و برحق و آنچه کافران به جای وی می خوانند همان است باطل و به سبب آنست که خدا همان است بلند مرتبه بزرگ قدر. ﴿۶۳﴾ آیاندیدی که خدا از آسمان آبی را فرود آورد پس زمین سرسبز شود هر آئینه خدا لطف کننده داناست. ﴿۶۴﴾ برای او است آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و هرآئینه خدا همان است بی نیاز ستوده کار.

(۱) یعنی در بهشت.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَافِي الْأَرْضِ وَالْفَلَكَ تَجْرِي
 فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا
 بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٦٥﴾ وَهُوَ الَّذِي
 أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ ﴿٦٦﴾
 لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنْزِعُ عَنْكَ
 فِي الْأَمْرِ وَاَدْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَى هُدًى مُسْتَقِيمٍ ﴿٦٧﴾
 وَإِنْ جَدُلُواكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٦٨﴾ اللَّهُ يَحْكُمُ
 بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٦٩﴾
 أَلَمْ تَعْلَم أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ
 ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٧٠﴾ وَيَعْبُدُونَ
 مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يُنْزَلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ
 عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴿٧١﴾ وَإِذْ اتَّخَذْتُمْ عَلَيْهِمْ إِيْتَانًا
 بَيْنَ تَعْرِفٍ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ
 يَسْطُونُ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ إِيْتَانًا قُلْ أَفَأَنْتُمْ بُشْرٌ مَنْ
 ذَلِكُمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبَشِّرِ الْمَصِيرُ ﴿٧٢﴾

﴿۶۵﴾ آیندیده‌ای که خدا مسخر گرداند برای شما آنچه در زمین است و مسخر ساخت کشتی‌ها را که در دریا به فرمان او می‌رود آسمان را نگاه میدارد از آنکه بر زمین بیفتند مگر بدستور او هر آئینه خدا در حق مردمان بخشاینده مهربان است. ﴿۶۶﴾ و اوست آنکه شما را زنده کرد باز شمارا می‌میراند باز شمارا زنده کند هر آئینه آدمی ناسپاس است. ﴿۶۷﴾ برای هر امتی شریعتی را مقرر کرده‌ایم که ایشان بر آن عمل کنند و پس باید که با تو در این کار نزاع نکنند و به سوی پروردگارت دعوت کن هر آئینه تو بر راهی راست هستی. ﴿۶۸﴾ و اگر باتو مکابره نمایند بگو خدا دانا تر است به آنچه می‌کنید. ﴿۶۹﴾ در میان شما خدا حکم خواهد کرد روز قیامت در آنچه در آن اختلاف می‌کنید^(۱). ﴿۷۰﴾ آیا ندانستی که خدای داند هر چه در آسمان و زمین است هر آئینه این همه در کتابی ثبت است به تحقیق این همه بر خدا آسان است. ﴿۷۱﴾ و عبادت می‌کنند به جای خدا چیزی را که خدا حجتی بر آن فرو نفرستاده است و چیزی را که ایشان را بر ثبوت آن دانش نیست و ستمکاران را هیچ یاری دهنده‌ای نیست. ﴿۷۲﴾ و چون آیات روشن ما بر ایشان خوانده می‌شود در چهره‌های این کافران ناخوشی را می‌شناسی نزدیک می‌شوند از آنکه بر آنان که برایشان آیات ما را می‌خوانند حمله کنند بگو آیا شمارا به ناخوشتر از این خبرده‌ام آن دوزخ است که خدا آن را به کافران وعده داده است و آن بدجایی است.

(۱) مترجم گوید درین آیت اشاره است به آنکه اختلاف شرائع به سبب اختلاف عصور است و همه شرائع حق است و در زمان خود معمول به است پس نزاع به حقیقت بانهان باید کرد.

يَأْتِيهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاَسْتَمِعُوا لَهُ يَا الَّذِينَ
تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَن يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ
وَإِن يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ
الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ ﴿٧٢﴾ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ
لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٧٣﴾ اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا
وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٧٤﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ
أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٧٥﴾ يَأْتِيهَا
الَّذِينَ ءَامَنُوا أَرْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ
وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٧٦﴾ وَجَاهِدُوا فِي
اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ
فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ
الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ
وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ
وَأَعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٧٨﴾

سورة المؤمنون



﴿۷۳﴾ ای مردمان مثلی زده می شود پس آن را بشنوید هر آئینه آنانکه به جای خدا می خوانید هرگز مگسی را نمی توانند آفرید اگرچه برای آن همگی جمع شوند و اگر از ایشان مگس چیزی را بُرباید آنرا از مگس نمی توانند خلاص کرد ناتوان شد طالب و مطلوب^(۱). ﴿۷۴﴾ خدا را تعظیم نکردند حق تعظیم او هر آئینه خدا توانا غالب است. ﴿۷۵﴾ خدا برمی گزیند فرستاده ها از فرشتگان و از مردمان هر آئینه خدا شنوای بیناست. ﴿۷۶﴾ می داند آنچه پیش روی ایشان است و آنچه پشت سر ایشان است (یعنی آینده و گذشته ایشان را می داند) و به سوی خدا کارها بازگردانیده می شوند. ﴿۷۷﴾ ای مسلمانان رکوع کنید و سجده بجا آورید و پروردگار خود را عبادت نمایید کار نیک انجام دهید باشد که رستگار شوید. ﴿۷۸﴾ و در راه خدا چنانکه سزاوار جهاد کردن برای اوست جهاد کنید وی شمارا برگزیده است و بر شما دردین هیچ تنگی و دشواری قرار نداده است مشروع کرد دین پدر شما ابراهیم را خدا شمارا پیش ازین مسلمان نام نهاد^(۲) و در قرآن نیز تا پیامبر بر شما گواه باشد و شما گواه باشید بر مردمان پس نماز را برپادارید و زکوة را بدهید و چنگ زنید به خدا اوست مددکار شما پس نیک مددکار و نیک یاری دهنده است.

(۱) یعنی عابد و معبود.

(۲) یعنی در کتب سابقه.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ
 ﴿٢﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ
 فَاعِلُونَ ﴿٤﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿٥﴾ إِلَّا عَلَى
 أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٦﴾ فَمَنْ
 ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٧﴾ وَالَّذِينَ هُمْ
 لِأَمْنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ
 يُحَافِظُونَ ﴿٩﴾ أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يَرِثُونَ
 الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ
 سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ﴿١٢﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ﴿١٣﴾
 ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا
 الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا
 ءَاخِرَ فِتْنَارِكِ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿١٤﴾ ثُمَّ إِنَّا كُنَّا نَبْدُكُمْ
 لَمَيِّتُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّا كُنَّا يَوْمَ الْقِيَمَةِ تُبْعَثُونَ ﴿١٦﴾ وَلَقَدْ
 خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَفِيلِينَ ﴿١٧﴾

سوره مومنون مکی است و آن يك
صدوهیجده آیه و شش ركوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ به راستی مسلمانان رستگارشوندند. ﴿۲﴾ آنانکه ایشان در نماز خویش خشوع کننده اند. ﴿۳﴾ و آنان که ایشان از بیهوده رویگردانند. ﴿۴﴾ و آنان که ایشان زکوة را ادا کننده اند. ﴿۵﴾ و آنانکه ایشان شرمگاههای خود را نگاه دارنده اند. ﴿۶﴾ مگر بر همسران خویش یا بر کنیزانی که ملك دست ایشان است پس هر آئینه اینان نکوهیده نیستند. ﴿۷﴾ پس هر که غیر از این طلب کند آن جماعت از حد گذرنده اند. ﴿۸﴾ و آنان که ایشان امانت های خود را و پیمان خود را رعایت کننده اند. ﴿۹﴾ و آنانکه ایشان بر نمازهای خود محافظت می کنند. ﴿۱۰﴾ آن جماعت همانند وارثان. ﴿۱۱﴾ کسانی که (عاقبت کار) بهشت فردوس را به دست آورند ایشان آنجا جاوید باشندگانند. ﴿۱۲﴾ و به راستی آدمی را از خلاصه ای از گل آفریدیم. ﴿۱۳﴾ باز آدمی را نطفه ای در قرارگاه استوار ساختیم. ﴿۱۴﴾ باز آن نطفه را خون بسته ساختیم باز آن خون بسته را گوشت پاره ساختیم پس آن گوشت پاره را استخوانهایی ساختیم سپس بر آن استخوانها گوشت را پوشانیدیم باز او را آفریدیم آفرینشی دیگر^(۱) پس خدا بزرگ است بهترین آفرینندگان است. ﴿۱۵﴾ باز هر آئینه شما بعد از این البته مردگانید. ﴿۱۶﴾ باز هر آئینه شما روز قیامت برانگیخته گردید. ﴿۱۷﴾ و هر آئینه بالای شما هفت آسمان آفریدیم و ما از آفرینش بی خبر نبودیم.

(۱) یعنی نفخ روح و روئیدن ناخن و موی.

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ ﴿١٨﴾ فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّتٍ مِّنْ نَّحِيلٍ وَأَعْنَبٍ لَّكُمْ فِيهَا فَاوِكُهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿١٩﴾ وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِلْأَكْلِيَّةِ ﴿٢٠﴾ وَإِنَّ لَكُم فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً لِّتُسْقُوا مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٢١﴾ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَتَّقُوا اللَّهَ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٢٣﴾ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ﴿٢٤﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جَنَّةٌ فَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٢٥﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ ﴿٢٦﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلَكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِّينَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبُنِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّغْرَقُونَ ﴿٢٧﴾

﴿۱۸﴾ و آب را از آسمان به اندازه فرو فرستادیم پس اوراد زمین جای دادیم و هر آئینه ما بر بردن آن تواناییم. ﴿۱۹﴾ پس به آن آب برای شما بوستانهایی از درختان خرما و انگور بیافریدیم که برای شما در آن بوستانها میوه های بسیار پیدا شود و از آن میخورید^(۱). ﴿۲۰﴾ و آفریدیم درختی که بیرون می آید از طور سینا (یعنی درخت زیتون) میروید به وجهی که حاصل شود روغن و خورش طعام برای خورندگان. ﴿۲۱﴾ و هر آئینه شمارادر چهارپایان پندی هست شمارا از آنچه در شکمهای ایشان است می نشانیم و شما را در آن چهار پایان منفعت های بسیار است و بعضی از اینهارا می خورید. ﴿۲۲﴾ و بر چهار پایان و بر کشتی ها سوار کرده می شوید. ﴿۲۳﴾ و هر آئینه نوح را به سوی قوم او فرستادیم پس گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شمارا هیچ معبود بر حقی غیر از او نیست آیا نمی ترسید. ﴿۲۴﴾ پس سران و اشرافی که از قوم او کافر بودند گفتند این شخص نیست مگر آدمی مانند شما می خواهد که بر شما ریاست پیدا کند و اگر خدا خواستی هر آئینه فرشتگان را فرود فرستادی این ماجرا را در پدران نخستین خویش نشنیده ایم. ﴿۲۵﴾ این شخص نیست مگر مردی که به وی عارضه دیوانگی است پس تا مدتی انتظار وی کنید. ﴿۲۶﴾ گفت ای پروردگار من در قبال آنکه مرا دروغگو شمردند یاری ام کن. ﴿۲۷﴾ پس وحی فرستادیم به سوی وی که کشتی را زیر نظر ما و به فرمان ما بساز پس چون آید فرمان ما و جوش زند تنور پس در کشتی از هر جنسی دو عدد (نرماده) را در آور و در آور اهل خود را مگر کسی از آنان را که وعده (حق) از پیش براو مقرر شده است و سخن مگو بامن درباره آنان که ستم کرده اند هر آئینه ایشان غرق شدگانند.

(۱) یعنی به طریق قوت.

فَإِذَا أَسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٨﴾ وَقُلْ رَبِّ انْزِلْنِي مُنزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ
خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ﴿٢٩﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ أَنْشَأْنَا
مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ ﴿٣١﴾ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا
اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَأَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣٢﴾ وَقَالَ الْمَلَائِكَةُ مِنْ قَوْمِهِ
الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ
مِمَّا تَشْرَبُونَ ﴿٣٣﴾ وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَسِرُونَ
﴿٣٤﴾ أَعِدْكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظْمًا أَنَّكُمْ مُخْرَجُونَ
﴿٣٥﴾ * هِيَ هَاتِ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ ﴿٣٦﴾ إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا
الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿٣٧﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا
رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ
انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿٣٩﴾ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ ﴿٤٠﴾
فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُشَاءً فَبُعْدَ لِلْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ ﴿٤٢﴾

﴿۲۸﴾ پس چون تو و همراهانت بر کشتی راست بنشینی پس بگو همه ستایش آن خدای را است که ما را از گروهِ ستمکاران نجات داد. ﴿۲۹﴾ و بگوای پروردگار من مرا در منزلی مبارک فرود آور و تو بهترین فرود آورندگان. ﴿۳۰﴾ هر آینه در این ماجرا نشانه‌هاست و هر آینه ما امتحان کنندگان بودیم. ﴿۳۱﴾ باز بعد از ایشان نسلی دیگر را بیافریدیم. ﴿۳۲﴾ پس میان ایشان پیامبری را از قبیلهٔ ایشان (باین پیام) فرستادیم که خدا را عبادت کنید شمارا هیچ معبود برحق غیر از او نیست آیا نمی ترسید. ﴿۳۳﴾ و رئیسان از قوم او آنان که کافر شدند و ملاقات سرای آخرت را دروغ شمردند و ایشان را در زندگانی دنیا آسودگی داده بودیم گفتند نیست این شخص مگر آدمی مانند شما است می خورد از آنچه شما از آن می خورید و می آشامد از آنچه شما می آشامید. ﴿۳۴﴾ و اگر از بشری مانند خویش را پیروی کنید هر آینه شما آنگاه زیان کار باشید. ﴿۳۵﴾ آیا شمارا وعده می دهد که چون شما بمیرید و خاک و استخوان شوید هر آینه شما (دوباره) بیرون آورده خواهید شد. ﴿۳۶﴾ آنچه وعده داده می شوید دور است. ﴿۳۷﴾ زندگانی نیست مگر زندگانی این جهانی مایم میریم و زنده می شویم و برانگیخته خواهیم شد^(۱). ﴿۳۸﴾ نیست این شخص مگر مردی که برخدا دروغ را افترا کرده و ماتصدیق کننده او نیستیم. ﴿۳۹﴾ گفت ای پروردگار من مرا در قبال آن که دروغگو شمردند نصرت ده و یاری ام کن. ﴿۴۰﴾ گفت پس از اندک زمانی پشیمان خواهند شد. ﴿۴۱﴾ پس ایشانرا آواز سخت طبق وعدهٔ راست در گرفت، پس ایشان را خاشاک درهم شکسته گردانیدیم پس گروه ستمکاران را دوری باد. ﴿۴۲﴾ باز بعد از ایشان قرنهای دیگر را پیدا کردیم.

(۱) یعنی بعضی می میرد و بعضی زنده می شود.

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَجِرُّونَ ﴿٤٣﴾ ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا
 تَتْرَآكُلُ مَا جَاءَ أُمَّةٌ رَّسُولَهَا كَذَّبُوهُ فَأَتْبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا
 وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبَعَدَ الْقَوْمَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٤٤﴾ ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَى
 وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٤٥﴾ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ
 فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ ﴿٤٦﴾ فَقَالُوا أَنْتُمْ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا
 وَقَوْمُهُمَا لَنَا عِيدُونَ ﴿٤٧﴾ فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ
 ﴿٤٨﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾ وَجَعَلْنَا
 ابْنَ مَرْيَمَ وَآمَهُ نَذِيرًا وَمَا يُؤْتِيهِمَا إِلَى رُبُوعٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ
 ﴿٥٠﴾ يَأْتِيهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا
 تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٥١﴾ وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ
 فَاتَّقُونِ ﴿٥٢﴾ فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ
 فَرِحُونَ ﴿٥٣﴾ فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٥٤﴾ أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ
 بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ ﴿٥٥﴾ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ
 ﴿٥٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُّشْفِقُونَ ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ هُمْ
 بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾

﴿۴۳﴾ سبقت نمی‌کند هیچ گروهی از میعاد مقرر خود و نه باز پس میمانند. ﴿۴۴﴾ باز پیامبران خود را پی در پی فرستادیم هرگاه به امتی پیامبر او آمد اورا تکذیب کردند پس بعضی را از آنها در پی بعضی در آوردیم (یعنی در هلاک) و امت‌ها را افسانه‌ها ساختیم پس دوری باد گروهی را که ایمان نمی‌آورند. ﴿۴۵﴾ باز موسی و برادر او هارون را بانسانه‌های خویش و بادللی ظاهر فرستادیم. ﴿۴۶﴾ به سوی فرعون و جماعت او پس سرکشی کردند و گروه تکبر کننده بودند. ﴿۴۷﴾ پس گفتند آیا ایمان آوریم بدو آدمی مانند خویش در حالی که قوم ایشان خدمت گزار ماهستند. ﴿۴۸﴾ پس ایشان را تکذیب کردند پس از هلاک شدگان شدند. ﴿۴۹﴾ و هرائینه موسی را کتاب دادیم باشد که ایشان راه یابند. ﴿۵۰﴾ و پسر مریم و مادرش را نشانه‌ای ساختیم و ایشان را به زمینی بلند دارای استقرار و دارای آب روان جای دادیم. ﴿۵۱﴾ گفتیم ای پیامبران بخورید از غذاهای پاکیزه و کار نیکو انجام دهید هرائینه من به آنچه عمل می کنید دانایم. ﴿۵۲﴾ و هرائینه این است ملت شما ملت یکتا و من پروردگار شمایم پس از من بترسید. ﴿۵۳﴾ پس امتان کار خود را در میان خویش پاره پاره متفرق ساختند هر گروهی به آنچه نزد اوست شادمان است. ﴿۵۴﴾ پس تاملتی ایشان را در غفلت ایشان بگذار. ﴿۵۵﴾ آیا می‌پندارند که آنچه ایشان را به آن از مال و فرزندان امداد می‌کنیم. ﴿۵۶﴾ برای ایشان در تلاش نیکوهاییم؟ (چنین نیست) بلکه نمی‌دانند^(۱). ﴿۵۷﴾ هرائینه آنان که ایشان از ترس پروردگار خویش هراسانند. ﴿۵۸﴾ و آنان که ایشان به آیات پروردگار خویش ایمان می‌آورند. ﴿۵۹﴾ و آنانکه ایشان به پروردگار خویش شریک مقرر نمی‌کنند.

(۱) یعنی نعمت نیست بلکه استدراج است.

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَاءً آتَاوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿٦٠﴾
أُولَٰئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ﴿٦١﴾ وَلَا نُكَلِّفُ
نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
﴿٦٢﴾ بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَٰذَا وَلَهُمْ أَعْمَلٌ مِّنْ دُونِ ذَٰلِكَ
هُمْ لَهَا عَمَلُونَ ﴿٦٣﴾ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ
يَجْعَرُونَ ﴿٦٤﴾ لَا تَجْعَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تَنْصُرُونَ ﴿٦٥﴾ قَدْ كَانَتْ
ءَايَاتِي تَنَالِي عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ آعْقَابِكُمْ تَنكِصُونَ ﴿٦٦﴾
مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَلَمْرًا تَهْجُرُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ
جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾ أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ
فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٦٩﴾ أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ
وَأَكْثَرُهُم لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿٧٠﴾ وَلَوْ أَتَبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ
السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ
عَنْ ذِكْرِهِمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٧١﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَارَجَ رَبُّكَ خَيْرٌ
وَهُوَ خَيْرُ الرَّزَاقِينَ ﴿٧٢﴾ وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٧٣﴾
وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنُكَوِّنَنَّ

﴿۶۰﴾ و آنان که میدهند آنچه میدهند و دل‌های ایشان ترسانست برای آنکه ایشان به سوی پروردگار خویش بازخواهندگشت. ﴿۶۱﴾ این جماعت در نیکی‌ها به شتاب می‌کوشند و ایشان در انجام آنها سبقت‌کننده‌اند. ﴿۶۲﴾ و تکلیف نمیدهیم هیچ کس را مگر بقدر طاقت او و نزد ماکتبیست که سخن گوید به راستی^(۱) و برایشان ستم کرده نشود. ﴿۶۳﴾ بلکه دل‌های ایشان ازین سخن در غفلت است و برای ایشان عمل‌هاست غیر^(۲) از این که ایشان آن را کننده‌اند (در غفلت خویش ماندند). ﴿۶۴﴾ تا وقتی که چون آسودگان ایشان را به عذاب گرفتار ساختیم ناگهان ایشان فریاد می‌کردند. ﴿۶۵﴾ (گفتیم) فریاد مکنید امروز هر آئینه شما از سوی مایاری و کمک داده نمی‌شوید. ﴿۶۶﴾ به راستی خوانده می‌شد آیات من بر شما پس شما بر پاشنه‌های خود باز می‌گشتید. ﴿۶۷﴾ در حالی که تکبر کنان بر آن قرآن به افسانه مشغول شده ترک می‌کردید. ﴿۶۸﴾ آیا تأمل نکرده‌اند در این سخن یا آمده است به ایشان آنچه به پدران نخستین ایشان نیامده بود. ﴿۶۹﴾ آیا پیامبر خود را نشاخشند پس ایشان با او نا آشنا هستند. ﴿۷۰﴾ آیا می‌گویند به وی دیوانگی‌ای هست بلکه پیش ایشان سخن راست را آورده است و بیشترین ایشان خواهان حق نیستند. ﴿۷۱﴾ و اگر خدای تعالی آرزوهای ایشان را پیروی می‌کرد هر آئینه نظام آسمانها و زمین و هر کسی که در آنهاست در هم می‌ریخت بلکه برای ایشان پند ایشان را آوردیم پس ایشان از پند خویش رویگردانند. ﴿۷۲﴾ آیا از ایشان مزدی می‌خواهی پس پاداش پروردگار تو بهتراست و او بهترین روزی دهندگانست. ﴿۷۳﴾ و هر آئینه تو ایشان را به سوی راه راست می‌خوانی. ﴿۷۴﴾ و هر آئینه آنانکه به آخرت ایمان نمی‌آورند از آن راه یکسوشونده‌اند.

(۱) یعنی نامه اعمال.

(۲) یعنی غیر انکار قرآن.

* وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلْجَوَانِ طُغْيَانِهِمْ
 يَعْمَهُونَ ﴿٧٥﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ
 وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ﴿٧٦﴾ حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ
 إِذْ هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٧﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ
 وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٧٨﴾ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ
 وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٧٩﴾ وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتَلَفُ
 اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٨٠﴾ بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ
 الْأَوَّلُونَ ﴿٨١﴾ قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا إِذَا نَا
 لَمَبْعُوثُونَ ﴿٨٢﴾ لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَءَابَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ
 إِنْ هَذَا إِلَّا أَلَّا سَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٨٣﴾ قُلْ لِّمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ
 فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٤﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا
 تَذَكَّرُونَ ﴿٨٥﴾ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ
 الْعَظِيمِ ﴿٨٦﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٨٧﴾ قُلْ مَنْ
 يَدِيرُ أَمْرَهُ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ
 كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٨﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنِّي تُسْحَرُونَ ﴿٨٩﴾

﴿۷۵﴾ و اگر برایشان رحم می کردیم و آنچه به ایشان است از سختی بر میداشتیم البته پیوسته در بیراهی خود سرگشته می شدند. ﴿۷۶﴾ و به راستی ایشان را به عذاب گرفتار کردیم پس نیایش به پروردگار خود نکردند و نه زاری می کردند. ﴿۷۷﴾ (در غفلت خویش ماندند) تا وقتی که چون برایشان دری دارای عذاب سخت بگشادیم ناگهان ایشان در آنجا ناامید شوندگانند. ﴿۷۸﴾ و اوست آنکه برای شما شنوایی و دیده ها و دل ها را بیافرید، اندکی سپاس می گزارید. ﴿۷۹﴾ و اوست آنکه شما را در زمین پیدا کرد و به سوی او برانگیخته خواهید شد. ﴿۸۰﴾ و اوست آنکه زنده می کند و می میراند و آمد و رفت شب و روز به فرمان اوست آیا نمی فهمید. ﴿۸۱﴾ بلکه گفتند مانند آنچه پیشینیان گفته بودند. ﴿۸۲﴾ گفتند آیا چون بمیریم و خاک و استخوانهایی شویم آیا ما برانگیخته خواهیم شد. ﴿۸۳﴾ به راستی به این سخن ما را و پدران ما را پیش ازین وعده داده شد این نیست مگر افسانه های پیشینیان. ﴿۸۴﴾ بگو اگر می دانید زمین و آنچه در آنست از آن کیستند؟! ﴿۸۵﴾ خواهند گفت این همه خدای را است بگو آیا پند پذیر نمی شوید. ﴿۸۶﴾ بگو کیست پروردگار آسمانهای هفت گانه و پروردگار عرش بزرگ؟ ﴿۸۷﴾ خواهند گفت (این همه) خدای را است بگو آیا پس نمی ترسید. ﴿۸۸﴾ بگو کیست آنکه پادشاهی هر چیز به دست اوست و او کسی است که پناه می دهد (هر که را بخواهد) و کسی را (نمی توان) از (عذاب) او پناه داد (بگویند) اگر می دانید. ﴿۸۹﴾ خواهند گفت این همه از آن خدا است بگو پس از کجا فریب داده می شوید؟.

بَلْ أَتَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٩٠﴾ مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ
 وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا الذَّهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ
 وَلَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٩١﴾
 عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَلَّى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٩٢﴾ قُلْ رَبِّ
 إِمَّا تُرِيدُنِي مَا يُوعَدُونَ ﴿٩٣﴾ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ
 ﴿٩٤﴾ وَإِنَّا عَلَى أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَدِيرُونَ ﴿٩٥﴾ أَدْفَعِ بِالَّتِي
 هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ﴿٩٦﴾ وَقُلْ رَبِّ
 أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ
 يَحْضُرُونِ ﴿٩٨﴾ حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ
 ارْجِعُونِ ﴿٩٩﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا
 كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٠٠﴾
 فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ
 ﴿١٠١﴾ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٢﴾ وَمَنْ
 خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ
 خَالِدُونَ ﴿١٠٣﴾ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿١٠٤﴾

﴿۹۰﴾ بلکه به ایشان سخن راست را آورده ایم و هرائینه ایشان دروغ می گویند. ﴿۹۱﴾ خدا هیچ فرزندی نگرفته است و همراه او هیچ معبود برحق نیست (اگر باشد) آنگاه هر معبودی چیزی که آفریده بود می برد و البته غالب می آمد بعضی از ایشان بر بعضی، خدای را به پاکی صفت می کنم از آنچه بیان می کنند. ﴿۹۲﴾ داننده پنهان و آشکار است بر ترست از آنچه شریک می آورند. ﴿۹۳﴾ بگوای پروردگار من اگر بنمایی مرا آنچه ترسانیده می شوند. ﴿۹۴﴾ ای پروردگار من پس مرا در گروه ستمکاران داخل مکن. ﴿۹۵﴾ و هرائینه ما بر آنکه تورا آنچه وعده می دهیم به ایشان بنماییم قطعاً تواناییم. ﴿۹۶﴾ ویدی را بخصیلتی که آن بهتر است دفع کن ما به آنچه بیان می کنند داناییم. ﴿۹۷﴾ و بگو (یا محمد) ای پروردگار من از وسوسه های شیاطین بر تو پناه می برم. ﴿۹۸﴾ و ای پروردگارم از آنکه پیش من حاضر شوند به تو پناه می برم. ﴿۹۹﴾ (در غفلت خویش باشند) تا وقتی که چون کسی را از ایشان مرگ بیاید گوید ای پروردگار من مرا بازگردانید. ﴿۱۰۰﴾ تا این که کار نیکو کنم در سرائی که بگذاشتمش نه چنین باشد هرائینه این سخنی است که وی گوینده آنست و پیش ایشان تار و زیکی برانگیخته شوند حجابی باشد. ﴿۱۰۱﴾ پس چون دمیده شود در صور پس خویشاوندیها میان ایشان آن روز نباشد و نه بایکدیگر سوال و جواب کنند. ﴿۱۰۲﴾ پس هر کس که کفه های ترازوی او گران آید پس آن جماعت ایشانند رستگاران. ﴿۱۰۳﴾ و هر کسی که کفه های ترازوی او سبک شد پس آن جماعت آنانند که به خودشان زیان کرده اند که در دوزخ جاویدانند. ﴿۱۰۴﴾ چهره های ایشان را آتش می سوزاند و ایشان آنجا ترش روی هستند.

أَلَمْ تَكُنْ أَتَيْتِ تُنَلِّىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٠٥﴾ قَالُوا
 رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿١٠٦﴾ رَبَّنَا
 أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عَذَابْنَا ظَالِمُونَ ﴿١٠٧﴾ قَالَ أَخَسُّوْا فِيهَا
 وَلَا تَكَلِّمُونِ ﴿١٠٨﴾ إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا
 فَأَغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٠٩﴾ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ
 سَخِرَ يَا حَتَّىٰ أَنْسَوَكُم ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ ﴿١١٠﴾
 إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَآبِرُونَ ﴿١١١﴾ قُلْ
 كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿١١٢﴾ قَالُوا الْبَتَّ نَحْنُ آبِرٌ أَوْ بَعْضُ
 يَوْمٍ فَمَسَّ الْأَعَادِينَ ﴿١١٣﴾ قُلْ إِنْ لِّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنْتُمْ
 كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١١٤﴾ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ
 إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿١١٥﴾ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا
 هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿١١٦﴾ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا
 آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ
 الْكَافِرُونَ ﴿١١٧﴾ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١١٨﴾

سُورَةُ الْبُورَةِ

﴿۱۰۵﴾ (گویم) آیا بر شما خوانده نمی‌شد آیات من پس آن را تکذیب می‌کردید. ﴿۱۰۶﴾ گفتند ای پروردگار ما بر ما بدبختی ما غالب آمد و گروهی گمراه بودیم. ﴿۱۰۷﴾ ای پروردگار ما بیرون آور ما را از اینجا پس اگر به کفر برگردیم پس هرائینه ماستمکار باشیم. ﴿۱۰۸﴾ خدا می‌فرماید داخل شوید در آن به رسوایی و بامن سخن مگویید. ﴿۱۰۹﴾ هرائینه گروهی از بندگان بودند که می‌گفتند ای پروردگار ما ایمان آورده‌ایم پس ما را بیامرز و بر ما رحمت کن و تو بهترین بخشاینده‌ای. ﴿۱۱۰﴾ پس به مسخره گرفتید ایشان را تا حدیکه یاد مرا اذدل شما بردند و شما برایشان می‌خندیدید. ﴿۱۱۱﴾ هرائینه من ایشان را امروز در برابر صبر ایشان پاداش دادم به آنکه به مراد رسندگان ایشانند. ﴿۱۱۲﴾ خدا گوید چقدر در زمین به حساب شمار سالها درنگ کردید؟ ﴿۱۱۳﴾ گویند يك روزیا بخشی از روز درنگ کردیم پس از شمار کنندگان بپرس. ﴿۱۱۴﴾ گوید خدا توقف نکرده اید مگر اندکی اگر شما بودید که می‌دانستید. ﴿۱۱۵﴾ آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریدیم و آنکه شما به سوی ما باز گردانیده نشوید. ﴿۱۱۶﴾ پس بر تراست خدا، پادشاه ثابت هیچ معبود بر حقی غیر از او نیست پروردگار عرش گرامی قدر است. ﴿۱۱۷﴾ هر کس که بخواند با خدا معبود دیگری را که وی را بر ثبوت آن (معبود) هیچ حجتی نیست پس جزاین نیست که حساب او نزد پروردگار اوست، هرائینه کافران رستگار نمی‌شوند. ﴿۱۱۸﴾ و بگوای پروردگار من! بیامرز و ببخشای و تو بهترین بخشاینده‌ای.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُورَةُ النُّورِ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ
 ١ الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهِدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ٢ الزَّانِي لَا يَنْكِحُ الْزَّانِيَةَ أَوْ مُشْرَكَةَ
 وَالزَّانِيَةَ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ٣
 وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ٤
 إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ٥ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَدُوا أَحَدُهُمْ أَرْبَعَ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ وَلِمَنِ
 الصِّدْقُ ٦ وَالْخَمْسَةُ أَنْ لَعَنَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ٧ وَيَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ وَلِمَنِ
 الْكَذِبُ ٨ وَالْخَمْسَةُ أَنْ غَضَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ ٩ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ١٠

سوره نور مدنی است و آن شصت
و چهار آیه و نه رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ این سوره ایست که آنرا فرو فرستادیم و آنرا فرض ساختیم و در آن آیات روشن فرود آوردیم تا این که شما پند گیرید. ﴿۲﴾ زن زنا کننده و مرد زنا کننده پس هریکی از ایشان را صد ذره (شلاق) بزنیید و باید که شمارا برایشان شفقت درجاری کردن شرع خدا درنگیرد اگر به خدا و روز آخر ایمان آورده اید و باید که جماعتی از مسلمانان به عقوبت ایشان حاضر شوند. ﴿۳﴾ مرد زنا کننده نکاح نمی کند مگر زن زنا کننده یا شرک آورنده را وزن زنا کننده را بزنی نمی گیرد مگر مرد زنا کننده یا مشرک و حرام ساخته شده نکاح زانیه بر مسلمانان^(۱). ﴿۴﴾ آنان که تهمت زنا می زنند زنان پرهیزکار را باز چهار گواه نمی آورند ایشان را هشتاد ذره (شلاق) بزنیید و گواهی ایشان را هیچ گاه قبول مکنید و این جماعت ایشانند فاسقان. ﴿۵﴾ مگر آنکه توبه کردند بعد از این و کار خود را به صلاح آوردند پس هر آئینه خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۶﴾ و آنکه زنان خود را تهمت زنا می زنند و ایشان را مگر نفسهایشان گواهان نباشد پس گواهی هریکی از ایشان (این) است که چهار بار به نام خدا سوگند یاد کند که هر آئینه وی از راست گویان است. ﴿۷﴾ و گواهی پنجم (به این صفت) که لعنت خدا بر او باد اگر از دروغ گویان باشد. ﴿۸﴾ و بازمی گرداند از آن زن عقوبت را آنکه گواهی دهد چهار بار که سوگند به خدا هر آئینه وی (شوهرش) از دروغ گویان است. ﴿۹﴾ (و گواهی دهد) بار پنجم (به این صفت) که خشم خدا بر او باد اگر (شوهرش) از راست گویان باشد. ﴿۱۰﴾ و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نمی بود و آنکه خدا توبه پذیرنده با حکمت است (چه چیزها که نمی شد)^(۲).

(۱) مترجم گوید ازین آیه معلوم شد که زانیه مقرر به زنا را نکاح نتوان کرد و همین است مذهب احمد و تاویل آیه نزد ابی حنیفه و شافعی آنست که حرام کرده شد شرک و زنا بر مسلمانان یا گویند خاص است به قومی یا گویند منسوخ است.

(۲) مترجم گوید در غزوه بنی مصطلق حضرت عائشه رضی الله عنها متهم شده و منافقان در اشاعت بد نامی سعی کردند جماعتی اظهار براءت نمودند و جماعتی توقف نمودند خدای تعالی براءت صدیقه را نازل فرمود و ذم منافقان و مدح براءت کنندگان و تهدید توقف کنندگان را بیان فرمود.

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ
 هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا أَكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى
 كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١﴾ وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ
 وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأْنَفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ ﴿١٢﴾ وَلَوْلَا
 جَاءَ عَلَيْهِ بَارِعَةٌ شُهَدَاءُ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ
 عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿١٣﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٤﴾
 إِذْ تَقَوَّيْتُمْ بِهِ السُّبُوتَ وَالْإِسْلَامَ وَقُلْتُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَالِمُ
 وَحْدَانِيَّتِهِ وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾ وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ
 قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَنَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ
 ﴿١٦﴾ يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٧﴾
 وَيُخَوِّفُكُمُ اللَّهُ بِالْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ
 يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٩﴾ وَلَوْلَا
 فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٠﴾

﴿۱۱﴾ هرآئینه آنانکه از شما تهمت را آوردند جماعتی اند این تهمت را درحق خویش بد میندازید بلکه آن برای شما بهتر است هرکسی را از ایشان ازگناه که مرتکب شده است سهمی است وآنکه دامن آن تهمت را ازایشان زد او را عذاب بزرگ^(۱) است. ﴿۱۲﴾ چرا نشد که مردان مسلمان و زنان مسلمان چون آن را شنیدید گمان نیک درحق خویش می کردند و می گفتند این افترائیست ظاهر. ﴿۱۳﴾ چرا براین سخن چهار گواه نیاوردند پس چون گواهان را نیاوردند پس آن جماعت نزد خدا ایشان دروغ گویانند. ﴿۱۴﴾ و اگر فضل خدا و رحمت او دردنیا و آخرت بر شما نمی بود هرآئینه به شما در آنچه که سخن می گفتید درباره آن عذاب بزرگی میرسید. ﴿۱۵﴾ چون آن را به زبانهای خویش فرامی گرفتید و به دهانهای خویش می گفتند سخنی که به حقیقت آن شمارا دانش نبود و آن را آسان می پنداشتید و او نزد خدا بزرگ بود^(۲). ﴿۱۶﴾ و چرا وقتی که آن را شنیدید گفتید ما را نرسد که آن (سخن) را بر زبان آوریم تو را به پاکی یاد می کنیم خدایا این سخن افترائیست بزرگ. ﴿۱۷﴾ خدا شمارا پند می دهد باز مانند این هرگز به عمل نیاورید اگر مسلمان هستید. ﴿۱۸﴾ و خدا برای شما آیات را بیان می کند و خدا دانای با حکمت است. ﴿۱۹﴾ هرآئینه آنان که دوست می دارند که فاحشه در میان مسلمانان منتشر شود برایشان عقوبت دردناک در دنیا و آخرت است و خدامی داند و شما نمی دانید. ﴿۲۰﴾ و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نمی بود و آنکه خدا بخشنده مهربانست (چه چیزها که نمی شد).

(۱) یعنی عبدالله بن ابی منافق.

(۲) یعنی جمعی که می گفتند فلان و فلان چنین میگویند و ما ندیده ایم و به تحقیق نمی دانیم.

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ
 خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا
 فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَمَا زَكَّى مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ
 اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢١﴾ وَلَا يَأْتِلُ أُولُو الْفَضْلِ
 مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَن يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ اللَّهُ
 لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ
 الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ
 عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾ يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا
 كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾ يَوْمَ يُؤْفِكُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ
 اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ﴿٢٥﴾ الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ
 لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ
 أُولَٰئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٢٦﴾ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا
 وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾

﴿۲۱﴾ ای مسلمانان از پی گامهای شیطان مروید و هر که پیروی گامهای شیطان کند پس هرآئینه وی به بی حیایی و کارناپسندیده امر می‌کند و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نمی بود هیچ کسی از شما هرگز پاك نشدی ولیکن خدا پاك می سازد هر که را خواهد و خدا شنوای داناست. ﴿۲۲﴾ و باید که صاحبان فضل و توانگر از شما سوگند نخورند بر آنکه خویشاوندان و بینوایان و مهاجرین در راه خدا را چیزی ندهند و باید که عفو کنند و درگذرند آیا دوست نمی دارید که خدا شما را بیامرزد و خدا آمرزندهٔ مهربان است^(۱). ﴿۲۳﴾ هرآئینه آنان که زنان پاك دامن بی خبر مسلمان را تهمت زنا می‌زنند در دنیا و آخرت لعنت کرده شدند و برایشان عذاب بزرگ است. ﴿۲۴﴾ روزیکه برایشان زبانهای ایشان و دستهای ایشان و پاهای ایشان به آنچه می کردند گواهی می‌دهند. ﴿۲۵﴾ آن روز خدای تعالی به ایشان پاداش ایشان را با انصاف به تمام و کمال می‌دهد و بدانند که خدا او حق ظاهر است. ﴿۲۶﴾ زنان ناپاك لایق به مردان ناپاك هستند و مردان ناپاك لایق به زنان ناپاك هستند و زنان پاك لایق به مردان پاك هستند و مردان پاك لایق به زنان پاك هستند، این جماعت از آنچه مردم می‌گویند بری هستند برایشان آمرزش و روزی نیکو است. ﴿۲۷﴾ ای مسلمانان به خانه‌هایی غیر خانه‌های خویش درنیایید تا آنکه اجازه طلبید و براهل آن سلام کنید این برای شما بهتر است باشد که پندپذیر شوید.

(۱) درین تعریض است به ابوبکر صدیق چون قسم خورده بود که مسطح را بعد از این هیچ ندهد چون وی یکی از دشنام دهندگان بود.

فَإِنْ لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ
وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا
غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا
تَكْتُمُونَ ﴿٢٩﴾ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا
أَرْوَاحَهُمْ ذَلِكَ أَزْكى لَهُمْ إِنْ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٣٠﴾
وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ
أَرْوَاحَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ
بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ
أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ
أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ
أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرَ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ
الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ
وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا
إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا إِنَّهُ السَّمِيعُ الْغَفُورُ ﴿٣١﴾

﴿۲۸﴾ پس اگر در آنجا هیچ کس را نیافتید پس در آنجا داخل نشوید تا آنکه شمارا اجازه داده شود و اگر به شما گفته شود که باز گردید پس بازگردید آن برای شما پاک ت راست و خدابه آنچه عمل می کنید دانا است. ﴿۲۹﴾ بر شما گناهی نیست در آنکه به خانه هایی غیر مسکونی که در آنجا کالایی دارید درآیید^(۱) و خدا آنچه را که آشکار می کنید و آنچه که پوشیده می دارید می داند. ﴿۳۰﴾ بگو به مردان مسلمان که چشم های خود را بپوشند و شرمگاه های خود را نگاه دارند این ایشان را پاکیزه تر است هر آینه به آنچه عمل می کنند خدا خبردار است. ﴿۳۱﴾ و بگو زنان مسلمان را که چشم های خود را بپوشند و شرمگاه های خود را نگاه دارند و آرایش خود را آشکار نکنند^(۲) مگر آنچه ظاهر است از آن (مواضع) و باید که فروگذارند چادرهای خود را بر گریبانهای خود و آرایش خود را مگر بر شوهران خویش (ظاهر) نمایند یا پدران خویش یا پدران شوهران خویش یا پسران خویش یا پسران شوهران خویش یا برادران خویش یا پسران برادران خویش یا پسران خواهران خویش یا زنان خویش یا آنچه مالک اوشده است دستهای ایشان (یعنی غلامان) یا کهنسالانی که صاحب شهوت نباشند از مردان یا طفلانی که هنوز مطلع نشده اند بر شرمگاه های زنان و نباید زمین را با پاهایشان بزنند تا دانسته شود آنچه از زیور خویش پنهان می کنند ای مسلمانان همگی به سوی خدا رجوع کنید بُوَد که رستگار شوید^(۳).

(۱) یعنی رباط وقف.

(۲) یعنی مواضع زیور را.

(۳) حاصل این آیه آنست که مواضع زینت دو قسم است آنچه در ستر آن حرج بود و آن وجه و کفین بود و آنچه در ستر آن حرج نیست مانند سروگردن و عضد و ذراع و ساق پس ستر وجه و کفین از اجنبیان فرض نیست بلکه سنت است و ستر غیر آن از اجنبیان فرض است نه از محارم، قول صحیح نزد علماء همین است که وجه جزء مهم است که زن از آن مرد را در فتنه می اندازد باید که بپوشند چنانچه در حدیث عائشة رضی الله عنها و غیر از او آمده است مراجعه شود به تفسیر ابن کثیر (۳/ ۲۸۴).

وَأَنكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِن
يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢﴾
وَلَيْسَتَغْفِرَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ
وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ
عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا ۖ وَأَوْتَوْهُمْ مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا
فَتَيْتَكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَوةِ
الدُّنْيَا وَمَن يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِن بَعْدِ إِكْرِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
﴿٢٣﴾ وَلَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا
مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٢٤﴾ * اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
مِثْلُ نُورِهِ ۖ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ ۚ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ
الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ
لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ
نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ
لِلنَّاسِ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٥﴾ فِي يَوْمٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ
وَيَذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ وَيُسَبِّحَ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿٢٦﴾

﴿۳۲﴾ و به زنان بی شوهر (مردان بی زن آزاد مسلمان را) از قوم خویش و شایستگان را از غلامان خویش و کنیزان خویش به ازدواج يك دیگر در آورید اگر فقیر باشند خدا از فضل خود ایشان را توانگر کند و خدا بسیار دهنده^(۱) داناست. ﴿۳۳﴾ و آنانکه اسباب نکاح نمی یابند باید که بر پاکدامنی مقید باشند تا آنکه خدا از فضل خویش ایشان را توانگر کند و آنانکه مکاتبت را از غلامانی که دست های شما مالک آن شده است می طلبند پس آنها را اگر در ایشان شایستگی بدانید مکاتّب کنید و مکاتبان را از مال خدا که به شما ارزانی داشته است بدهید و کنیزکان خود را برزنا اجبار مکنید اگر ایشان پرهیزگاری خواهند تامتاع زندگانی دنیا بدست آورید و هر که ایشان را اجبار کند پس هرائینه خدا (آن کنیزکان را) بعد اجبار کردن برایشان آمرزنده^(۲) مهربان است. ﴿۳۴﴾ و هرائینه به سوی شما آیه های روشن را و مثالی از حال آنانکه پیش از شما گذشتند و پندی برای پرهیزگاران فرود آوردیم. ﴿۳۵﴾ خدا نور آسمانها و زمین است و صف نور وی (در قلب مسلمانان) مانند طاقی که در آن چراغی است^(۱) آن چراغ در شیشه ای است^(۲) آن شیشه گویاستاره^(۳) درخشنده ای است که افروخته می شود از روغن درختی بابرکت که عبارت از درخت زیتونی است نه به سمت مشرق و نه به جانب مغرب می روید نزدیک است که روغن وی روشنی بدهد اگر چه آتشی آن را نرسیده باشد، روشنی بر روشنی است خدا به نورش هر که را خواهد هدایت می نماید و خدا برای مردمان مثلها بیان می فرماید و خدا بهر چیز داناست^(۳). ﴿۳۶﴾ در خانه هایی که خدا دستور داده است که بلند کرده شود و در آنجا نام او به پاکی یاد کرده شود، در آنجا خدا را صبح و شام یاد می کنند.

(۱) یعنی فتیله روشن است.

(۲) یعنی در قندیل است.

(۳) حاصل این مثل تشبیه نوری است که به سبب مواظبت بر طهارت و عبادت در دل مسلمانان حاصل می شود بنور چراغی که در غایت درخشندگی باشد و به جهت مواظبت به آن اشعار می فرماید.

رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ
 وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ﴿٣٧﴾
 لِيَجْزِيَ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا أَوْ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ
 يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ
 بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا
 وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ وَفَوَّيْهُ حِسَابَهُ ۗ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٣٩﴾
 أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ ۖ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ
 سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدُهُ لَمْ يَكَدْ
 يَرَاهَا ۚ وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ ﴿٤٠﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ
 اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاءَ وَفِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْطَّيْرِ صَفَافٍ كُلُّ
 قَدْعَةٍ وَصَلَاتُهُ وَتَسْبِيحُهُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٤١﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ
 السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿٤٢﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُخْرِجُ
 سَحَابًا ثُمًّا يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ
 خِلَالِهِ ۗ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ
 وَيَصْرِفُهُ ۖ عَنْ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقُهُ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ ﴿٤٣﴾

﴿۳۷﴾ مردانیکه ایشان را هیچ تجارت ونه خرید و فروش از یادِ خدا و برپاداشتن نماز و دادن زکوة باز ندارد از آن روزی می ترسند که دلها و دیده ها در آن (روز) نگران شوند.

﴿۳۸﴾ تائیشان را خدابه عوض بهترین آنچه عمل کردند پاداش دهد و تائیشان را خدا از فضل خویش زیاده دهد و خدا هر که را بخواهد روزی بی شمار می دهد. ﴿۳۹﴾ و آنانکه کافر شدند اعمال ایشان مانند سرایبست به میدانی هموار که تشنه آبی می پنداردش تا وقتی که چون نزدیک آن بیاید چیزی نیابدش و خدا را نزد آن باید پس به او حساب وی را تمام رسانید و خدا زودگیرنده^(۱) حساب است. ﴿۴۰﴾ یامانند تاریکی ها در دریایی عمیق که این بحر را موجی از بالای آن موج دیگری می پوشد از بالای آن ابری تاریکی هاست بعض آن بالای بعض دیگر چون بیرون آرد دست خود را نزدیک نیست که ببیندش و هر که او را خدا روشنی نداد پس او را هیچ روشنی^(۲) نیست. ﴿۴۱﴾ آیا ندیدی هر کسی که در آسمانها وزمین است و مرغان بال گشاده خدا را به پاکی یاد می کنند (خدا) نیایش و تسبیح هر یک از آنان را دانسته است و خدا داناست به آنچه می کنند. ﴿۴۲﴾ و پادشاهی آسمانها وزمین از آن خدا است و بازگشت به سوی خداست. ﴿۴۳﴾ آیندیدی که خدا ابر را روان می کند باز میان آن جمع می نماید باز تو در تو می سازدش پس قطره را که از میان آن بیرون می آید می بینی و از جانب بالا از کوه ها که ژاله را آنجاست فرود می آورد پس بهر که خواهد می رساندش و از هر که می خواهد باز میداردش درخشندگی برقی آن ابر نزدیک است که چشمها را دور کند.

(۱) حاصل این مثل آنست که اعمال کافر ناپود شود و در آخرت آنرا هیچ ثوابی نباشد.

(۲) حاصل این مثل آنست که بر کافر ظلمات بهیمیت مترکم شده است و انوار ملکیت از وی بکلی معدوم شده است.

يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ﴿٤٤﴾
وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَّن
يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ
إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٥﴾ لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ
وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٤٦﴾ وَيَقُولُونَ
ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فِرْقٌ مِّنْهُمْ مِّن بَعْدِ
ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾ وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ
لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فِرْقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٤٨﴾ وَإِن يَكُن لَّهُمُ الْحَقُّ
يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ﴿٤٩﴾ أَفِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ
أَن يَحْيِفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ ۚ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّمَا
كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن
يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥١﴾ وَمَن
يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ
﴿٥٢﴾ * وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ
لَا تُقْسِمُوا طَاعَةٌ مَّعْرُوفَةٌ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٥٣﴾

﴿۴۴﴾ خدا شب و روز را می گرداند هرآئینه دراین امر صاحبان بصیرت را عبرتست.

﴿۴۵﴾ و خدا هر جنبه‌ای را از آب آفرید پس ازینهاست آنکه بر شکم خود می رود و ازینهاست آن که بر دوی پای می رود و ازینهاست آنکه بر چهار پای می رود خدا هر چه خواهد می آفریند هرآئینه خدا بر هر چیز تواناست. ﴿۴۶﴾ هرآئینه آیات روشن را فرود آوردیم و خدا هر که را خواهد به سوی راه راست هدایت می کند. ﴿۴۷﴾ و می گویند (منافقان) به خدا و به رسول ایمان آوردیم و فرمانبرداری نمودیم باز گروهی از ایشان بعد از این روی می گرداند و ایشان مومنان نیستند. ﴿۴۸﴾ و چون به سوی خدا و رسول او خوانده می شوند تا میان ایشان حکم فرماید ناگهان جماعتی از ایشان رویگردانند. ﴿۴۹﴾ و اگر حق با آنان باشد گردن نهاده به نزد اومی آیند. ﴿۵۰﴾ آیا در دل‌های ایشان بیماریست یا در شک افتادند یا می ترسند از آنکه خدا و رسول او بر ایشان ستم کند بلکه این جماعت ایشانند ستمکاران. ﴿۵۱﴾ به تاکید سخن مسلمانان چون ایشان به سوی خدا و رسول او خوانده می شوند تا میان ایشان حکم کند فقط این است که گویند شنیدیم و فرمان بردیم و این جماعت ایشان رستگارانند. ﴿۵۲﴾ و هر کسی که خدا و رسول او را فرمان برداری کند و از خدا بترسد و از عذاب او حذر کند پس این جماعت ایشانند به مراد رستندگان. ﴿۵۳﴾ و به خدا قسم خوردند به موکدترین قسم‌های خود که اگر بفرمایی ایشانرا البته از وطن خود بیرون روند بگو قسم مخورید فرمانبرداری پسندیده مطلوب است هرآئینه به آنچه عمل می کنید خدا خبردار است.

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ
 وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ
 إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿٥٤﴾ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ
 الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى
 لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ
 بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٥﴾
 وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ
 تُرْحَمُونَ ﴿٥٦﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ
 وَمَا لَهُمْ مِنَ النَّارِ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٥٧﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
 لَيْسَ بِنُكْحِ الْإِنِّ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ
 ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ
 الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ
 وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ
 كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٨﴾

﴿۵۴﴾ بگو فرمانبرداری خدا بکنید و فرمانبرداری پیامبر کنید پس اگر روی بگردانید پس جزاین نیست که برپیامبر است آنچه بروی لازم کرده شد و بر شماست آنچه بر شما لازم کرده شد و اگر فرمانبرداری او کنید هدایت یابید و نیست برپیامبر مگر پیغام رسانیدن آشکار. ﴿۵۵﴾ خدا آنان را که از شما ایمان آورده‌اند و عمل‌های شایسته کرده‌اند وعده داده است که البته ایشان را در زمین خلیفه سازد چنانکه آنان را که پیش از ایشان بودند خلیفه ساخته بود^(۱) و البته برای ایشان دین ایشان را که پسندیده است برای ایشان محکم کند و البته ترس ایشان را پس از آن به ایمنی تبدیل کند، مرا پرستش کنند بامن چیزی را شریک مقرر نکنند و هر که بعد از این ناسپاسی کند پس ایشان آن جماعت فاسقانند^(۲). ﴿۵۶﴾ و نماز را برپا دارید و زکوة را بدهید و پیامبر را فرمانبرداری کنید باشد که بر شما رحم کرده شود. ﴿۵۷﴾ هرگز کافران را در زمین عاجزکننده میندار و جای ایشان آتش است و آن بد بازگشت است. ﴿۵۸﴾ ای مسلمانان باید از شما آنانکه دست‌های شما مالک ایشان شده است^(۳) و آنانکه به حدبلوغ از شما نرسیده‌اند سه نوبت اجازه طلبند پیش از نماز فجر و وقتی که جامه‌های خود را در نیم روز فرومی نهید و پس از نماز عشاء این سه وقت خلوتست برای شما، بر شما و نه بر ایشان هیچ گناهی بعد از اینها نیست در آیندگانند بر شما بعضی از شما بر بعضی دیگر همچین خدا برای شما آیات را بیان می کند و خدا داننده^(۴) با حکمت است.

(۱) یعنی چنانکه بنی اسرائیل رابعد از عمالقه پادشاه گردانند.

(۲) یعنی چنانکه قاتلان حضرت عثمان کردند مترجم گوید تفسیر این آیت در حدیث آمده «اِنَّ الْخِلَافَةَ بَعْدِي ثَلَاثُونَ سَنَةً» (هر آینه خلافت پس از من سی سال است) والله اعلم.

(۳) یعنی غلامان و کنیزان.

(۴) حاصل آن است که محارم و اطفال نیز درین ساعات استیذان کنند زیرا که مردمان درین ساعات جامه از تن می کشند و عریان می شوند محصول سخن آنست که برای محارم و اطفال آنان را عریان دیدن درست نیست والله اعلم.

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَعِذُوا كَمَا
 اسْتَعَاذَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ
 ءَايَاتِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٩﴾ وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ
 الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ
 ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ
 لَهُنَّ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٦٠﴾ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا
 عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ
 أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ
 أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ
 أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ
 أَخَوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ
 مَفَاتِحُهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ
 تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا إِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَاسْلُمُوا
 عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَرَكَةٌ طَيِّبَةٌ ۚ كَذَلِكَ
 يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦١﴾

﴿۵۹﴾ و چون طفلان از شما به حد بلوغ رسند باید که اجازه طلب کنند چنانکه اجازه می‌طلبیدند آنانکه پیش از ایشان بودند همچنین خدا برای شما آیات خود را بیان می‌کند و خدا دانای با حکمت است. ﴿۶۰﴾ و کلان سالان از زنان که توقع نکاح ندارند پس برایشان گناهی نیست در آنکه جامه‌های خود را بدون ظاهر کردن آرایشی فرو نهند و پرهیزگاری کردنشان برای ایشان بهتر است و خدا شنوای داناست. ﴿۶۱﴾ بر نابینا گناهی نیست و نه بر لنگ گناهی است و بر بیمار گناهی نیست و نه بر ذوات شما گناهی است در آنکه بخورید از خانه‌های خویش یا خانه‌های پدران خویش یا خانه‌های مادران خویش یا خانه‌های برادران خویش یا خانه‌های خواهران خویش یا خانه‌های عموهای خویش یا خانه‌های عمه‌های خویش یا خانه‌های خالوهای خویش یا خانه‌های خاله‌های خویش یا خانه‌ای که کلیدهای او بتصرف شماست^(۱) یا خانه‌های دوستتان نیست بر شما هیچ گناهی در آنکه بخورید همه با هم یا متفرق^(۲) پس چون به خانه‌ها درآید پس سلام گوئید بر قوم خویش دعای خیر با برکت پاکیزه از نزد خدا است همچنین خدا برای شما آیات را بیان می‌کند باشد که بفهمید.

(۱) یعنی نگاهبان و وکیل حفظ او باشید.

(۲) یعنی ازنی که از رسم و عادت مفهوم است کفایت می‌کند و حاجت اذن صریح نیست والله اعلم.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ
 عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ
 أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا أَسْتَأْذَنُوكَ
 لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذِنَ لِمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ
 اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٦٢﴾ لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ
 بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ
 يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لَئِذَا أُفْلِحَ حَذِرَ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ
 أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾ أَلَا إِنَّ
 لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ
 يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٤﴾

سورة الفرقان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا
 ﴿١﴾ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ
 لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ وَتَقْدِيرًا ﴿٢﴾



﴿۶۲﴾ جزاین نیست که مسلمانان آنانند که به خدا و رسول او ایمان آوردند و چون باشند باوی برکاری که مقتضی اجتماع ایشان است نروند تاآنکه از وی اجازه طلبند هرآئینه آنانکه ازتو اجازه می طلبند ایشان آنان هستند که به خدا و به رسول او ایمان آورده اند پس اگر ازتو برای (انجام) بعضی کارخودشان اجازه طلبند هرکه راخواهی ازیشان اجازه ده و برای ایشان ازخدا آمرزش طلب کن هرآئینه خدا آمرزندهٔ مهربانست. ﴿۶۳﴾ فراخواندنِ پیامبر را درمیان خویش مانند فراخواندنِ همدیگر مشمارید هرآئینه خدا آنان را که از شما به پنهانی بیرون می روند پناه جوین می داند پس باید که بترسند آنانکه خلاف حکم پیامبر می کنند ازآنکه بدیشان بلایی برسد یا به ایشان عذاب درد ناک برسد. ﴿۶۴﴾ آگاه شو هرآئینه برای خدا است آنچه درآسمانها وزمین است روشی را که شما برآیند میدانند و روزیکه به سوی او گردانیده شوند ایشان را به آنچه عمل کرده اند خبردهد و خدابه هرچیز داناست.

سوره فرقان مکی است و آن هفتاد و هفت
آیه و شش رکوع است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ بسیار بابرکت است آنکه قرآن را بر بندهٔ خویش فرود آورد تا برای جهانیان ترساننده باشد. ﴿۲﴾ آنکه او را است پادشاهی آسمان ها و زمین و هیچ فرزندی نگرفته است و هیچ شریک او را در پادشاهی نیست و هر چیزی را بیافرید پس آن را دقیقاً اندازه گیری و کاملاً برآورد کرده است.

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ
وَلَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا
وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا ﴿٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا
إِفْكٌ أَفْتَرْتَهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءَ ظُلْمًا
وَزُورًا ﴿٣﴾ وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى
عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٤﴾ قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ
فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٥﴾
وَقَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي
الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ وَنَذِيرًا ﴿٦﴾
أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ
الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ﴿٧﴾ أَنْظِرْ
كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ
سَبِيلًا ﴿٨﴾ تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلُ لَكَ قُصُورًا ﴿٩﴾ بَلْ
كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا ﴿١٠﴾

﴿۳﴾ و کافران غیر از خدا آن معبودان را گرفتند که چیزی را نمی آفرینند و خودشان آفریده می شوند و نمی توانند برای خویش زیانی و نه سودی و نمی توانند مرگ را و نه زندگانی را و نه برانگیختن را. ﴿۴﴾ و گفتند کافران این قرآن مگردروغی نیست که آن را برافته است و او را برافترای آن گروه دیگری یاری داده اند پس ستم و دروغ را به درستی که به عمل آوردند. ﴿۵﴾ و گفتند قرآن افسانه های پیشینیان است که آنرا برای خودنوشته است پس آن صبح و شام بروی خوانده می شود^(۱). ﴿۶﴾ بگو آنرا کسی که پنهان را که در آسمان ها و زمین است میداند فرود آورده است هر آئینه وی آمرزنده مهربان هست. ﴿۷﴾ و گفتند این پیامبر را چیست که طعام میخورد و در بازارها می رود چرا به سوی وی فرشته ای فرستاده نشد تا همراه وی ترساننده باشد. ﴿۸﴾ یا چرا از آسمان به سوی وی گنجی افکنده نشده است یا چرا او را باغی نیست که از آن بخورد و ستمکاران گفتند پیروی نمی کنید مگر مرد جادو زده را. ﴿۹﴾ بین چگونگی در حق تو مثلها می زدند پس گمراه شدند پس هیچ راهی را نمی یابند. ﴿۱۰﴾ بزرگوار است آنکه اگر خواهد تورا بهتر از این بوستانهایی که می رود زیر آنها جویها و تورا کاخهای بلند (یعنی در دنیا) بدهد. ﴿۱۱﴾ بلکه قیامت را تکذیب کردند و برای کسیکه تکذیب قیامت کند دوزخ را آماده ساختیم.

(۱) یعنی تایادگیرد.

إِذَا رَأَوْهُم مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْظًا وَزَفِيرًا ﴿١٢﴾
 وَإِذَا أَلْفَا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا
 ﴿١٣﴾ لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا
 قُلْ أَذَلِكْ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ
 لَهُمْ جَزَاءٌ وَمَصِيرًا ﴿١٤﴾ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خُلْدٌ
 كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا ﴿١٥﴾ وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ وَمَا
 يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ يَقُولُ ءَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي
 هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ﴿١٦﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ
 يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ
 وَءَابَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا ﴿١٧﴾
 فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا
 وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِمِ مِّنْكُمْ نَذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا ﴿١٨﴾
 وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ
 الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ
 لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ ؕ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا ﴿١٩﴾

﴿۱۲﴾ چون دوزخ ایشان را ازمسافت دور بینند از وی آواز خشم خوردن وجوش و خروش را بشنوند. ﴿۱۳﴾ و چون از آن دوزخ به مکانی تنگ دست و پابسته انداخته شوند آنجا برعلیه خویش دعای هلاک شدن را کنند. ﴿۱۴﴾ و گوئیم امروز بیک هلاک شدن بد دعا نکنید و به هلاک بسیار بد دعا کنید. ﴿۱۵﴾ بگو آیا این بهتر است یا بهشت جاوید آنکه به متقیان وعده داده شده است ایشان را پاداش و جای بازگشت باشد. ﴿۱۶﴾ ایشان را است در آنجا آنچه می خواهند، جاویدان، وعده ای حتمی بر پروردگار تو هست که طلبیده شده است. ﴿۱۷﴾ و آن روز که خدا ایشان را جمع کند و آنچه را که بغیر از خدا می پرستند پس گوید آیا این بندگان مرا شما گمراه کردید یا ایشان خود راه را خطا کرده اند. ﴿۱۸﴾ گویند تو را به پاکی یاد می کنیم سزاوار نباشد ما را که هیچ دوست بجز تو گیریم ولیکن بهره مند ساختی ایشان را و پدران ایشان را تا آنکه پند را فراموش کردند و گروهی هلاک و نابود شدند. ﴿۱۹﴾ (گوئیم ای گروه کافران) به درستی که شما را این معبودان در آنچه می گفتید تکذیب کردند پس جلوگیری عذاب نمی توانید و نه یاری دادن را و هر که از شما ستم کند عذاب بزرگ بچشانیمش. ﴿۲۰﴾ و پیش از تو پیامبران را نفرستادیم مگر به این صفت که ایشان طعام می خوردند و می رفتند در بازارها و بعضی شما را در حق بعضی دیگر ابتلائی قرار دادیم آیاصبر می کنید، و پروردگار توینا هست.

* وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَيِّكَةُ
 أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْ عُتُوًّا كَبِيرًا
 ﴿٢١﴾ يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَيِّكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ
 حِجْرًا مَحْجُورًا ﴿٢٢﴾ وَقَدْ مَنَّآ إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ
 هَبَاءً مَنْثُورًا ﴿٢٣﴾ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا
 وَأَحْسَنُ مَقِيلًا ﴿٢٤﴾ وَيَوْمَ تَشَقُّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمِّمْ وَنُزِّلَ الْمَلَيِّكَةُ
 تَنْزِيلًا ﴿٢٥﴾ الْمَلَكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى
 الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ﴿٢٦﴾ وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ
 يَلَيْتَنِي أَتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ﴿٢٧﴾ يُؤْيَلَى لَيْتَنِي لَمْ
 أَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِيلًا ﴿٢٨﴾ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي
 وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ﴿٢٩﴾ وَقَالَ الرَّسُولُ يَذَرُ
 إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ﴿٣٠﴾ وَكَذَلِكَ
 جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا
 وَنَصِيرًا ﴿٣١﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ انْجُمَةً
 وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ﴿٣٢﴾

﴿۲۱﴾ و آنانکه ملاقات ما را توقع ندارند گفتند چرا بر ما فرشتگان فرو فرستاده نشد یا چرا پروردگار خود را نمی بینیم به درستی که گرفتار کبر شدند در گمان خویش و سرکشی کردند سرکشی بزرگ. ﴿۲۲﴾ روزی که فرشتگان را بینند آن روز گنهکاران را هیچ مژده نیست و گویند که باز داشته شوند بازداشتن موکد (یعنی جز حرمان نصیبی ندارند). ﴿۲۳﴾ و به سوی آن چه از کردار عمل کردند متوجه شدیم پس آن را مانند ذره هایی پراکنده ساختیم^(۱). ﴿۲۴﴾ اهل بهشت آن روز از جهت قرارگاه بهترند و به اعتبار جای استراحت نیکوترند. ﴿۲۵﴾ و روزیکه آسمان به سبب ابر بشکافد و فرشتگان فرود آورده شوند فرود آوردنی^(۲). ﴿۲۶﴾ پادشاهی حقیقی آن روز خدا را است و آن روز بر کافران روزی دشوار باشد. ﴿۲۷﴾ و روزی که ستمکار دو دست خود را بگزد می گوید ای کاش من همراه پیامبر راهی^(۳) می گرفتم. ﴿۲۸﴾ ای وای بر من کاش که فلان را^(۴) دوست نمی گرفتم. ﴿۲۹﴾ هر آینه وی مرا از پند بعد از آنکه به من آمده بود گمراه کرد و شیطان در محنت آدمی را تنها گذارنده هست. ﴿۳۰﴾ و گفت پیامبر ای پروردگار من هر آینه قوم من این قرآن را رها کردند. ﴿۳۱﴾ و همچنین برای هر پیامبری دشمنان از گناهکاران ساخته ایم و پروردگار تو راه نما و نصرت دهنده پس است. ﴿۳۲﴾ و گفتند کافران چرا قرآن به يك دفعه بر پیامبر فرود آورده نشد همچنین به دفعات آوردیم تا به آن دل تورا استوار سازیم و آن را به آهستگی خواندیم.

(۱) یعنی برباد کردیم.

(۲) یعنی آسمان بر هیئت معتاد خود باشد اما ابر ناگاه منشق شود والله اعلم.

(۳) تمناکننده عقبه بن ابی معیط بود که اطاعت ابی بن خلف کرد چنانچه در سبب نزول آیه بیان کرده اند (مصحح).

(۴) یعنی ابی بن خلف و مانند او را (مصحح).

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا
 ﴿٢٣﴾ الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ
 شَرُّ مَكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٢٤﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ
 وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا ﴿٢٥﴾ فَقُلْنَا أَذْهَبَا
 إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا ﴿٢٦﴾
 وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ
 آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٢٧﴾ وَعَادَ وَثِمُودَ
 وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقَرُونَا بَيِّنَ ذَلِكَ كَثِيرًا ﴿٢٨﴾ وَكُلًّا
 ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَلُ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا ﴿٢٩﴾ وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى
 الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا مَطَرًا سَوْءًا فَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا
 بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا ﴿٣٠﴾ وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ
 إِلَّا هُزُوءًا أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا ﴿٤١﴾ إِنْ كَادَ
 لَيُضِلَّنَا عَنْ هَٰذَا إِلَهِنَا لَوْلَا أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ
 يَعْلَمُونَ حِينَ يَرْوُونَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٢﴾ أَرَأَيْتَ
 مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا ﴿٤٣﴾

﴿۳۳﴾ و نیارند کافران پیش توهیج داستانی مگر پیش توجوابی راست و نیکوتر در بیان بیاریم. ﴿۳۴﴾ کسانی که بر چهره های خویش (سرنگون) به سوی دوزخ محشور شوند، این جماعت بدترند به اعتبار مکان و راه را گمراه ترند. ﴿۳۵﴾ و به راستی که موسی را کتاب دادیم و همراه او برادر او هارون را وزیر ساختیم. ﴿۳۶﴾ پس گفتیم بروید به سوی آن قوم که آیات ما را تکذیب کردند پس آن قوم را به سختی هلاک ساختیم. ﴿۳۷﴾ و قوم نوح را چون پیامبران را دروغگو شمردند آنان را غرق ساختیم و ایشان را برای مردمان نشانه گردانیدیم، و برای ستمکاران عذابی دردناک را مهیا کرده ایم. ﴿۳۸﴾ و عاد و ثمود و اهل رَس را و نسلها بسیاری در میان ایشان هلاک ساختیم. ﴿۳۹﴾ و برای هر کدام مثلها زدیم و هریکی (از آنان) را به سختی نابود کردیم. ﴿۴۰﴾ و به درستی که کافران به دهی رسیدند که بارانیده شد بروی بارانِ بد (یعنی باران سنگ) آیا آن را نمی دیدند بلکه توقع برانگیختن را نمی داشتند. ﴿۴۱﴾ و چون تورا بینند تورا نگیرند مگر به مسخره آیا این شخص است آنکه خدای تعالی پیامبر فرستادش. ﴿۴۲﴾ هر آینه نزدیک بود که ما را از پرستشِ خدایانِ ما گمراه کند اگر آن نبودی که بر آن ها شکیبایی کردیم و خواهند دانست چون عذاب را بینند که کیست راه را اشتباه رونده تر. ﴿۴۳﴾ آیدیدی آن را که معبودش را خواهش نفس خود گرفته است آیاتو بروی نگهبان میسوی.

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا
 كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٤﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ
 الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسُ عَلَيْهِ دَلِيلًا
 ﴿٤٥﴾ ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا ﴿٤٦﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ
 اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ﴿٤٧﴾ وَهُوَ
 الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ
 السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ﴿٤٨﴾ لِنُخْرِجَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا وَنُسْقِيَهُ
 مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَا سَيِّ كَثِيرًا ﴿٤٩﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ
 لِيَذَكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿٥٠﴾ وَلَوْ شِئْنَا
 لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا ﴿٥١﴾ فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَهْدُهُمْ
 بِهِ جَهَادًا كَبِيرًا ﴿٥٢﴾ * وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا
 عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا
 وَحِجْرًا مَحْجُورًا ﴿٥٣﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ
 نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴿٥٤﴾ وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
 مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا ﴿٥٥﴾

﴿۴۴﴾ آیامی پنداری که بیشترین ایشان می شنوند یامی فهمند ایشان جز مانند چهارپایان نیستند بلکه ایشان باعتبار راه گمراه ترند. ﴿۴۵﴾ آیا به سوی پروردگار خود ندیدی که سایه را چگونه دراز کرد^(۱) و اگر می خواست آن راساکن می ساخت باز آفتاب را بروی راه نما^(۲) برگماشتیم. ﴿۴۶﴾ باز سایه را به سوی خویش فراگرفتیم فرا گرفتن آسان. ﴿۴۷﴾ واوست آنکه شب را برای شما پوششی گردانید و خواب را راحتی و روز را وقت برخاستن نموده است (یعنی بیداری برای جنبش و کوشش معاش و غیره). ﴿۴۸﴾ واوست آنکه بادها را پیش از رحمت خویش مژده دهنده فرستاد و از آسمان آب پاك را فرود آوردیم. ﴿۴۹﴾ تا به آن شهر مرده را زنده سازیم و تا آن را به چهارپایان و مردمان بسیاری را از آنچه ما آفریده ایم بنوشانیم. ﴿۵۰﴾ و هرائینه پند را در میان ایشان گوناگون بیان کردیم تا پندپذیر شوند پس بیشترین مردمان قبول نکردند مگر ناسپاسی را. ﴿۵۱﴾ واگر می خواستیم در هر دهی ترساننده ای میفرستادیم. ﴿۵۲﴾ پس کافران را فرمان مبر و با ایشان به قرآن جهادکن جهادی بزرگ. ﴿۵۳﴾ واوست آنکه دو دریا را درآمیخت این يك آب شیرین خوشگوار است و آن دیگر شوریدمزه و میان هر دو حجابی و سدی محکم ساخت. ﴿۵۴﴾ واوست آنکه از آب آدمی را آفرید پس آن را پیوند خویشاوندی نسب و خویشاوندی قرابت دامادی قرارداد پروردگار تو تواناست. ﴿۵۵﴾ و غیر از خدا چیزی را می پرستند که ایشان را نفع نمی دهد و نه بدیشان ضرر می رساند و کافر بر مخالفت پروردگار خود هم پشت (شیطان) است.

(۱) یعنی بعد اسفار قبل از غروب آفتاب یا در اوّل روز.

(۲) یعنی بهر صفت که آفتاب تقاضا میکند می رود.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٥٦﴾ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ
 مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٥٧﴾ وَتَوَكَّلْ
 عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَىٰ بِهِ
 بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا ﴿٥٨﴾ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
 وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ
 فَسَأَلَ بِهِ عِبَادَهُ خَبِيرًا ﴿٥٩﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا
 وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ﴿٦٠﴾ تَبَارَكَ
 الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا
 مُنِيرًا ﴿٦١﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنْ أَرَادَ
 أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ﴿٦٢﴾ وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ
 عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا
 ﴿٦٣﴾ وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ﴿٦٤﴾ وَالَّذِينَ
 يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ
 غَرَامًا ﴿٦٥﴾ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٦٦﴾ وَالَّذِينَ إِذَا
 أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ﴿٦٧﴾



﴿۵۶﴾ و تورا مگر بشارت دهنده و بیم دهنده نفرستادیم. ﴿۵۷﴾ بگو برتبلیغ قرآن هیچ مزدی از شما نمی طلبم لیکن هر که خواهد که به سوی پروردگار خویش راه گیرد (گو بگیرد راهی). ﴿۵۸﴾ و توکل کن بر آن زنده ای که نمی میرد و ستایش او به پاکی یادکن، وی بگناهان بندگان آگاه بس است. ﴿۵۹﴾ آنکه آسمانها و زمین را و آنچه راکه در میان آنهاست در شش روز بیافرید باز بر عرش مستقر شد، اوست بخشاینده پس از حال وی دانایی را بپرس. ﴿۶۰﴾ و چون به کافران گفته میشود که رحمن را سجده کنید گویند و چیست رحمن آیا سجده کنیم چیزی را که تو ما را میفرمایی این سخن برگریزش ایشان اضافه کرد. ﴿۶۱﴾ بزرگوار است آنکه در آسمان بُرجها را ساخت در آن چراغی را (یعنی خورشید را) و ماه و روشنی دهنده ای را ساخت. ﴿۶۲﴾ و اوست آنکه شب و روز را جانشین يك دیگر برای کسیکه پندگرفتن خواهد یا شکرگزاری کردن خواهد مقرر داشت. ﴿۶۳﴾ و بندگان خدا آناند که بر زمین به آهستگی میروند^(۱) و چون نادانان به ایشان سخن گویند، گویند بر شما سلام باد. ﴿۶۴﴾ و آنانکه برای پروردگار خویش سجده کنان و قیام کنان شب می گذارند. ﴿۶۵﴾ و آنانکه می گویند ای پروردگار ما از ما عذاب دوزخ را بازدار هر آئینه عذاب دوزخ لازم شونده است. ﴿۶۶﴾ هر آئینه دوزخ بد آرام گاهی و بد مقامی است. ﴿۶۷﴾ و آنانکه چون خرج کنند اسراف ننمایند و تنگی نگیرند و عطای ایشان میان جانین معتدل باشد.

(۱) یعنی تواضع برایشان غالب است.

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ
الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ
يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾ يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَيَخْلُدُ
فِيهِ مُهَانًا ﴿٦٩﴾ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا
فَأُولَئِكَ يَبْدِلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ
غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٧٠﴾ وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ
إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ﴿٧١﴾ وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا
بِاللَّغُومِ مَرُّوا كِرَامًا ﴿٧٢﴾ وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ
رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا ﴿٧٣﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ
رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا
لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٧٤﴾ أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا
وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ﴿٧٥﴾ خَالِدِينَ فِيهَا
حَسَنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٧٦﴾ قُلْ مَا يَعْبُؤُابِكُمْ رَبِّي
لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا ﴿٧٧﴾

سُورَةُ الشُّعَرَاءِ

﴿۶۸﴾ وآنانکه باخدا معبود دیگری را نمی پرستند و هیچ نفسی را که خدا حرام کرده است مگر به حق نمی گشتند و زنانکنند و هرکه این کار را بکند به عقوبت دشوار برخوردارد. ﴿۶۹﴾ بر او عذاب روز قیامت دوچند کرده شود و آنجا خوار کرده شده همیشه ماند. ﴿۷۰﴾ مگر آنکه توبه کرد و ایمان آورد و عمل شایسته نمود پس آن جماعت خدا بدیهای ایشان را به نیکی ها تبدیل می کند و هست خدا آمرزنده مهربان. ﴿۷۱﴾ و هرکه توبه کند و کار شایسته به جا آورد پس هر آئینه وی چنانکه باید به خدا رجوع کرده است. ﴿۷۲﴾ و آنانکه گواهی دروغ نمی دهند و چون بگذرند بر بیهوده به روش بزرگان بگذرند. ﴿۷۳﴾ و آنانکه چون به آیات پروردگارشان پند داده می شوند به شنیدن آن کروکور نیفتند^(۱). ﴿۷۴﴾ و آنانکه می گویند ای پروردگار ما ما را از زنان ما و از فرزندان ما روشنی چشم ببخش و ما را پیشوای متقیان قرار ده. ﴿۷۵﴾ آن جماعت مقام بلند جزا داده شوند به خاطر آنکه صبر کردند، در آن به دعای خیر و سلام برخوردار کرده شوند. ﴿۷۶﴾ جاویدان باشند در آنجا، بهشت نیک آرام گاه است و نیک مقام است. ﴿۷۷﴾ بگو پروردگار من به شما اعتنا نمی کند اگر عبادت شما نباشد پس به درستی که تکذیب کردید پس البته جزای آن لازم باشد.

(۱) یعنی بلکه دیده و شنیده سجده کنند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طَسَمَ ١ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ٢ لَعَلَّكَ بَخِيعٌ نَفْسِكَ إِلَّا
يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ٣ إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ
أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ ٤ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ
إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ ٥ فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا
بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ٦ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ
كَرِيمٍ ٧ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ٨ وَإِنَّ
رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ٩ وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنْ أَنْتَ الْقَوْمَ
الظَّالِمِينَ ١٠ قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلا يَتَّقُونَ ١١ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ
أَنْ يُكَذِّبُونِ ١٢ وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ
إِلَيَّ هَٰرُونَ ١٣ وَلَهُمْ عَلَى ذَنْبٍ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ١٤ قَالَ
كَلَّا فَادْهَبَا يَتَتَّبِعُنَا أَنَا وَمَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ ١٥ فَاتِيَا فِرْعَوْنَ
فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٦ أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ
١٧ قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ
١٨ وَفَعَلْتَ فَعَلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ١٩



سوره شعراء مکی است و آن دوصد و بیست
و هفت آیه و یازده رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ طَسَمَ. ﴿۲﴾ این آیات کتاب روشن است. ﴿۳﴾ شاید تو خویشتن را هلاک کننده ای به سبب آنکه مسلمان نمی شونی. ﴿۴﴾ اگر بخواهیم برایشان از آسمان نشانه ای فرودآوریم پس گردنهای ایشان پیش آن نیایش کننده شود. ﴿۵﴾ و بدیشان هیچ پندی جدید از جانب خداوند رحمن نمی آید مگر از آن رویگردانده می باشند. ﴿۶﴾ پس ثابت شد که ایشان تکذیب کردند پس خواهد به ایشان عاقبت آنچه که به آن تمسخر می کردند آمد. ﴿۷﴾ آیا به سوی زمین ندیده اند چه قدر در آن از هر جنس نیک رویانیدیم. ﴿۸﴾ هرآئینه درین ماجرا نشانه ای است و بیشترین ایشان مسلمانان نیستند. ﴿۹﴾ و هرآئینه پروردگار تو همان غالب مهربان است. ﴿۱۰﴾ و آنگاه که پروردگارتو موسی را آواز داد که پیش گروه ستمکاران برو. ﴿۱۱﴾ پیش قوم فرعون آیا پرهیزکاری نمی کنی. ﴿۱۲﴾ گفت ای پروردگار من هرآئینه من می ترسم از آنکه مرا تکذیب کنند. ﴿۱۳﴾ و سینه ام تنگ شود و زبانم جاری نگردد پس به هارون رسالت بفرست. ﴿۱۴﴾ و قوم فرعون را بر من گناهی است پس می ترسم که مرا بکشند. ﴿۱۵﴾ گفت چنین نباشد پس هر دو بروید بانسانهای ما هرآئینه ما باشما شنونده ایم. ﴿۱۶﴾ پس به فرعون بیاوید پس بگویید هرآئینه ما فرستاده پروردگار جهانیانیم. ﴿۱۷﴾ (باین پیغام) که همراه ما بنی اسرائیل را بفرست. ﴿۱۸﴾ (فرعون) گفت (ای موسی) آیا نپروراندیم تورا در میان اهل خویش در حال طفلی و در میان ما از عمر خود سالها گذراندی. ﴿۱۹﴾ و آن کردار خود را که از تو به عمل آمد کردی و توازنا سیاسانی.

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ ﴿٢٠﴾ فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ
 فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢١﴾ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ
 تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَ بَنِي إِسْرَءِيلَ ﴿٢٢﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ
 ﴿٢٣﴾ قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ
 ﴿٢٤﴾ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ ﴿٢٥﴾ قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ
 الْأَوَّلِينَ ﴿٢٦﴾ قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ
 ﴿٢٧﴾ قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ
 ﴿٢٨﴾ قَالَ لِمَنِ اتَّخَذَتْ إِلَهاً غَيْرِيَ لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ
 ﴿٢٩﴾ قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُبِينٍ ﴿٣٠﴾ قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ
 مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣١﴾ فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ ﴿٣٢﴾
 وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظِيرِينَ ﴿٣٣﴾ قَالَ لِلْمَلَأِ حَوْلَهُ
 إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ
 بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿٣٥﴾ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأُعِثْ فِي الْمَدَائِنِ
 حَاشِرِينَ ﴿٣٦﴾ يَا تَوَكُّلْ بِكُلِّ سَحَابٍ عَلِيمٍ ﴿٣٧﴾ فَجَمَعَ السَّحَرَةُ
 لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ﴿٣٨﴾ وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ ﴿٣٩﴾

﴿۲۰﴾ گفت آن کردار را آنگاه کردم که من از گمراهان بودم. ﴿۲۱﴾ پس چون از عقوبتِ شما بترسیدم از پیش شما گریختم پس پروردگار من مرا دانش عطا کرد و مرا از پیامبران گردانید. ﴿۲۲﴾ و آیا این نعمتی است که منت می نهی بر من که بنی اسرائیل را^(۱) بنده گرفتی. ﴿۲۳﴾ گفت فرعون و چیست پروردگار جهانیان؟ ﴿۲۴﴾ گفت موسی پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه در میان اینهاست اگر یقین آور ندهاید. ﴿۲۵﴾ گفت (فرعون) آنرا که دوروبر او بودند آیانی شنوید. ﴿۲۶﴾ گفت موسی پروردگار شما و پروردگار پدرانِ پیشین شماست. ﴿۲۷﴾ گفت فرعون هر آینه پیامبر شما که به سوی شما فرستاده شده دیوانه است. ﴿۲۸﴾ گفت موسی پروردگار مشرق و مغرب و آنچه در میان اینهاست اگر درمی یابید. ﴿۲۹﴾ گفت اگر غیر مرا خدا گرفتی البته ترا از زندانیان قرار دهم. ﴿۳۰﴾ گفت آیا (به زندان) کنی اگر چه پیش تو چیزی روشن بیاورم. ﴿۳۱﴾ (فرعون) گفت اگر از راستگویی آن رایبآور. ﴿۳۲﴾ پس عصای خود را بindaخت پس ناگهان وی از دهای آشکار شد. ﴿۳۳﴾ و دست خود را بر آورد پس ناگهان دست وی برای بینندگان سفید شد. ﴿۳۴﴾ گفت فرعون به اطرافیاناش هر آینه این شخص جادوگریست دانا. ﴿۳۵﴾ می خواهد که شمارا از سرزمین شما به سحر خود بیرون کند پس مرا چه می فرماید. ﴿۳۶﴾ گفتند او و برادرش را بازداشت کن و در شهرها نقیبان را بفرست. ﴿۳۷﴾ تا پیش توهر جادوگر دانی را بیاورند. ﴿۳۸﴾ پس ساحران بمیعادِ روزی معین جمع کرده شدند. ﴿۳۹﴾ و به مردمان گفته شد آیا شما جمع شونده اید.

(۱) یعنی بنده گرفتن بنی اسرائیل نعمت نبود پس همچنین پرورش کردن که به آن ضرورت بود نعمت نباشد.

لَعَلَّنَا نَتَّبِعَ السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمْ الْغَالِبِينَ ﴿٤٠﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ
قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَإِنَّا لَنَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿٤١﴾ قَالَ نَعَمْ
وَإِن كُنتُمْ إِذًا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٢﴾ قَالَ لَهُم مُّوسَى الْقَوْمَ مَا أَنْتُمْ مُّقْنُونَ
﴿٤٣﴾ فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعَصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ
الْغَالِبُونَ ﴿٤٤﴾ فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ
﴿٤٥﴾ فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سِجِّينَ ﴿٤٦﴾ قَالُوا أَمَّا رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾
رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ ﴿٤٨﴾ قَالَ أَمْنْتُمْ لَهُ وَقَبْلَ أَنْ أَدْنَى لَكُمْ إِنَّهُ
لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحَرَ فَلَسَوْفَ تَعْمُونَ لَا قُطْعَنَ أَيْدِيكُمْ
وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ وَلَا صُلْبَ بَنِيكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٩﴾ قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا
إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَتَنَا أَنْ كُنَّا
أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥١﴾ * وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكَ
مُتَّبَعُونَ ﴿٥٢﴾ فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿٥٣﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ
لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ ﴿٥٤﴾ وَإِنَّهُمْ لَنَا الْغَابِطُونَ ﴿٥٥﴾ وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَاذِرُونَ
﴿٥٦﴾ فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٧﴾ وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٥٨﴾
كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَءِيلَ ﴿٥٩﴾ فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ ﴿٦٠﴾



﴿۴۰﴾ باشد که ماساحران را پیروی کنیم اگر ایشان غالب شوند. ﴿۴۱﴾ پس چون ساحران حاضر شدند فرعون را گفتند آیا اگر ما غالب شویم مارامزدی بُود؟ ﴿۴۲﴾ گفت آری و هرآئینه شما آنگاه از مقربان باشید. ﴿۴۳﴾ موسیٰ به ایشان گفت بیفکنید آنچه راکه شما افکننده اید. ﴿۴۴﴾ پس انداختند ریسمانهای خود را و عصاهای خود را و گفتند قسم به بزرگی فرعون هرآئینه ما البته غالبیم. ﴿۴۵﴾ پس موسیٰ عصای خود را انداخت پس ناگهان وی فرومی برد آنچه بی حقیقت به دروغ آورده بودند. ﴿۴۶﴾ پس ساحران سجده کنان (به زمین) انداخته شدند. ﴿۴۷﴾ گفتند به پروردگار جهانیان ایمان آورده ایم. ﴿۴۸﴾ پروردگار موسیٰ و هارون. ﴿۴۹﴾ (فرعون) گفت آیا (به موسیٰ) پیش از آنکه اجازت دهم شما را ایمان آوردید هرآئینه وی رهبر شما است آنکه شما را جادو بیاموخت پس خواهید دانست البته بپرّم دستهای شما را و پاهای شمارا یکی از جانب راست و دیگری از جانب چپ و البته همگی شمارا بردار آویزم. ﴿۵۰﴾ گفتند هیچ باکی وزیانی نیست هرآئینه ما به سوی پروردگار خویش رجوع کنندگانیم. ﴿۵۱﴾ هرآئینه ما امیدواریم که پروردگار ما برای ما گناهان ما را از روی آنکه اولین مسلمانان بوده ایم بیامزد. ﴿۵۲﴾ و به سوی موسیٰ و وحی فرستادیم که بندگان مرا شبانه ببر هرآئینه شما تعقیب کرده شوید. ﴿۵۳﴾ پس فرعون در شهرها گردآورندگان را فرستاد. ﴿۵۴﴾ هرآئینه بنی اسرائیل گروهی اندک هستند. ﴿۵۵﴾ و هرآئینه ایشان ما را به خشم آورده اند. ﴿۵۶﴾ و هرآئینه ما جماعتی مسلّح ایم. ﴿۵۷﴾ (خداوند می فرماید) پس قوم فرعون را از بوستانها و چشمه ها. ﴿۵۸﴾ و گنجها و منزل نیک بیرون راندم. ﴿۵۹﴾ همچنین (کردیم) و این چیزها را به بنی اسرائیل میراث دادیم. ﴿۶۰﴾ پس وقت اشراق (یعنی برآمدن خورشید) تعقیب ایشان کردند.

فَلَمَّا تَرَأَ الْجُمُعَانَ قَالَ أَصْحَبُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرَكُونَ ﴿٦١﴾
 قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٦٢﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ
 اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فَرَقٍ كَالطُّودِ الْعَظِيمِ
 ﴿٦٣﴾ وَأَزْلَفْنَا ثَمَ الْآخِرِينَ ﴿٦٤﴾ وَأَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ وَأَجْمَعِينَ
 ﴿٦٥﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ ﴿٦٦﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ
 أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٦٧﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾
 وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ
 ﴿٧٠﴾ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظُلُّ لَهَا عَاكِفِينَ ﴿٧١﴾ قَالَ هَلْ
 يَسْمَعُونَكُمْ إِذَا تَدْعُونَ ﴿٧٢﴾ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يُضُرُّونَ ﴿٧٣﴾ قَالُوا
 بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٧٤﴾ قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ
 تَعْبُدُونَ ﴿٧٥﴾ أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ ﴿٧٦﴾ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي
 إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٧﴾ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿٧٨﴾ وَالَّذِي هُوَ
 يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿٧٩﴾ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿٨٠﴾ وَالَّذِي
 يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿٨١﴾ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي
 يَوْمَ الدِّينِ ﴿٨٢﴾ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿٨٣﴾

﴿۶۱﴾ پس چون یکدیگر را دیدند هر دو گروه گفتند یاران موسی هرآئینه به ما رسیدند.
 ﴿۶۲﴾ موسی گفت چنین نیست هرآئینه بامن پروردگار من است مرا راه خواهد نمود.
 ﴿۶۳﴾ پس به سوی موسی وحی فرستادیم که به عصای خود دریا را بزنی پس دریا
 بشکافت پس هرپاره‌ای مانند کوه بزرگ شد. ﴿۶۴﴾ و آن دیگران را آنجا نزدیک آوردیم.
 ﴿۶۵﴾ و موسی و آنان را که همراه وی بودند همگی را نجات دادیم. ﴿۶۶﴾ سپس آن
 دیگران را غرق ساختیم. ﴿۶۷﴾ هرآئینه در این ماجرا نشانه‌ای هست، و بیشترین ایشان
 مسلمانان نبودند. ﴿۶۸﴾ و بی گمان پروردگار توالیته همان غالب مهربان است. ﴿۶۹﴾
 و برایشان خبر ابراهیم را بخوان. ﴿۷۰﴾ چون به پدر خود و قوم خود گفت چه چیز ارمی
 پرستید؟ ﴿۷۱﴾ گفتند بتان را می پرستیم پس برایشان مجاورت کننده می‌باشیم. ﴿۷۲﴾
 گفت آیا آواز شما را چون می‌خوانید می‌شنوند؟ ﴿۷۳﴾ یاسودی به شما بخشند یا زیان
 می‌رسانند؟ ﴿۷۴﴾ گفتند (نه) بلکه پدران خود را بر چنین شیوه‌ای یافته‌ایم. ﴿۷۵﴾ گفت
 آیا اندیشیده‌اید آنچه را که می پرستیدید؟ ﴿۷۶﴾ شما و پدران پیشین شما. ﴿۷۷﴾ پس
 بدانید که آنهادشمنان من هستند مگر پروردگار جهانیان. ﴿۷۸﴾ آنکه مرا بیافرید پس اوست
 که مرا هدایت می کند. ﴿۷۹﴾ و آنکه او مرا طعام می‌خوراند و مرا می‌آشاماند. ﴿۸۰﴾
 و چون بیمار شوم پس او مرا شفامیدهد. ﴿۸۱﴾ و آنکه مرا می‌راند باز مرا زنده می
 گرداند. ﴿۸۲﴾ و آنکه امیدوارم که گناهانم را در روز جزا برایم بیاورد. ﴿۸۳﴾ پروردگارا
 مرا حکمت عطا کن و مرا به شایستگان پیوسته دار.

وَلَجَعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ﴿٨٤﴾ وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ
النَّعِيمِ ﴿٨٥﴾ وَأَغْفِرْ لَائِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الصَّالِينَ ﴿٨٦﴾ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ
يُبْعَثُونَ ﴿٨٧﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ
سَلِيمٍ ﴿٨٩﴾ وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٩٠﴾ وَبُرِزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ
﴿٩١﴾ وَقِيلَ لَهُمْ أَنْ مَأْكُمُ تَعْبُدُونَ ﴿٩٢﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَصُرُونَكُمْ
أَوْ يَنْصُرُونَ ﴿٩٣﴾ فَكَبَّكُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ ﴿٩٤﴾ وَجُودُوا إِبْلِيسَ
أَجْمَعُونَ ﴿٩٥﴾ قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ ﴿٩٦﴾ تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لِنَافِي
ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٩٧﴾ إِذْ نُسَوِّكُمْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٩٨﴾ وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا
الْمُجْرِمُونَ ﴿٩٩﴾ فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ ﴿١٠٠﴾ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ﴿١٠١﴾ فَلَوْ
أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٢﴾ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ وَمَا كَانَتْ
أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾ كَذَّبَتْ
قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٠٥﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٠٦﴾
إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٠٧﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٠٨﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ
عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٩﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ
وَأَطِيعُوا ﴿١١٠﴾ * قَالُوا أَنْتُمْ مِنْ لَدُنَّا وَأَتْبَعَكَ الْآزْدَلُونَ ﴿١١١﴾

﴿۸۴﴾ وبرايم در پسينيان آوازه نيك بگذار. ﴿۸۵﴾ و مرا از وارثان بهشت بانعمت قرار ده. ﴿۸۶﴾ و پدر مرا بيمارز هرائينه وى از گمراهان بود. ﴿۸۷﴾ و مرا روزى كه مردمان برانگيخته شوند رسوا مكن. ﴿۸۸﴾ روزى كه مال و فرزندان سودى نمى رساند. ﴿۸۹﴾ مگر كسى (صاحب فائده بُوَد) كه دلى پاك نزد خدا آورد. ﴿۹۰﴾ و بهشت براى متقيان نزيك آورده شود. ﴿۹۱﴾ و دوزخ براى گمراهان ظاهر شده شود. ﴿۹۲﴾ و گفته شود به ايشان كجا است آنچه مى پرستيديد. ﴿۹۳﴾ به جاى خدا؟ آبانصرت ميدهند شمارا يا خودانتقام مى كشند. ﴿۹۴﴾ پس بتان و گمراهان پيايى سرنگون به دوزخ افكنده ميشوند. ﴿۹۵﴾ و همگى لشكرهاى شيطان. ﴿۹۶﴾ گويند در حاليكه ايشان در آنجا بيايك ديگر مكابره مى كنند. ﴿۹۷﴾ قسم به خدا هرائينه مادر گمراهى ظاهر بوديم. ﴿۹۸﴾ چون شمارا با پروردگار جهانيان برابر مى ساختيم. ﴿۹۹﴾ و مارا گمراه نكردند مگر بدكاران. ﴿۱۰۰﴾ پس مارا هيچ شفاعت كننده اى نيست. ﴿۱۰۱﴾ و نه دوست مهربانى. ﴿۱۰۲﴾ پس اى كاش برايمان يكبار (بازگشت) مى بود پس از مسلمانان شويم. ﴿۱۰۳﴾ هرائينه درين ماجرا نشانه اى هست، و بيشترين ايشان مسلمانان نيستند. ﴿۱۰۴﴾ و هرائينه پروردگار تو همان غالب و مهربان است. ﴿۱۰۵﴾ قوم نوح پيامبران را دروغگو شمردند. ﴿۱۰۶﴾ چون برادر ايشان نوح به ايشان گفت آيانمى ترسيد؟ ﴿۱۰۷﴾ هرائينه من براى شما پيامبر با امانتم. ﴿۱۰۸﴾ پس از خدا بترسيد و فرمانبردارى من كنيد. ﴿۱۰۹﴾ و بربط بارسال از شما هيچ مزدى سوال نمى كنم نيست پاداش من مگر بر پروردگار جهانيان. ﴿۱۱۰﴾ پس از خدا بترسيد و فرمانبردارى من كنيد. ﴿۱۱۱﴾ گفتند آيا ايمان بر تو آوريم حال آنكه فرومايگان از تو پيروي كرده اند.

قَالَ وَمَا عَلَّمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٢﴾ إِنَّ حِسَابَهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي
 لَوْ تَشْعُرُونَ ﴿١١٣﴾ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٤﴾ إِنَّ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ
 ﴿١١٥﴾ قَالُوا لَيْنَ لَمْ تَنْتَه يَنْحُوحْ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ ﴿١١٦﴾ قَالَ
 رَبِّ إِنِّي قَوْمِي كَذَّبُونِ ﴿١١٧﴾ فَأَفْتَحَ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتَحًا وَنَجَّيَ وَمَنْ
 مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٨﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ
 ﴿١١٩﴾ ثُمَّ أَعْرَفْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ
 أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٢١﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٢﴾ كَذَّبَتْ
 عَادُ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ إِنِّي لَكُمْ
 رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٢٥﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٢٦﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ
 مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٢٧﴾ أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ
 ءَايَةً تَعْبَثُونَ ﴿١٢٨﴾ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ﴿١٢٩﴾
 وَإِذَا بَطِشْتُمْ بَطِشْتُمْ جَبَّارِينَ ﴿١٣٠﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٣١﴾
 وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٣٢﴾ أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَمِ وَبَنِينَ
 ﴿١٣٣﴾ وَجَعَلَتْ وَعُيُونِ ﴿١٣٤﴾ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ
 ﴿١٣٥﴾ قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ ﴿١٣٦﴾

﴿۱۱۲﴾ گفت (نوح) و چه میدانم به آنچه می کردند. ﴿۱۱۳﴾ حساب ایشان نیست مگر بر پروردگار من، اگر بدانید. ﴿۱۱۴﴾ و من دورکنندهٔ مسلمانان نیستم. ﴿۱۱۵﴾ من جز ترسانندهٔ آشکار نیستم. ﴿۱۱۶﴾ گفتند ای نوح اگر دست برنداری البته از سنگسار شدگان خواهی شد. ﴿۱۱۷﴾ گفت ای پروردگار من هرآینه قوم من مرا دروغگو شمردند. ﴿۱۱۸﴾ پس فیصله کن میان من و میان ایشان چنانکه فیصله باید و مرا و آنان را که همراه من از مسلمانان هستند نجات بخش. ﴿۱۱۹﴾ پس او را و آنان را که همراه او بودند در کشتی پُر کرده شده نجات دادیم. ﴿۱۲۰﴾ سپس بعد ازین باقی ماندگان را غرق ساختیم. ﴿۱۲۱﴾ هرآینه درین ماجرا نشانه‌ای است، و اکثر ایشان مسلمان نیستند. ﴿۱۲۲﴾ و هرآینه پروردگار توهمان غالب مهربان است. ﴿۱۲۳﴾ قبیلهٔ عاد پیامبران را تکذیب کردند. ﴿۱۲۴﴾ چون برادر ایشان هود به ایشان گفت آیا نمی‌ترسید؟ ﴿۱۲۵﴾ هرآینه من برای شما پیامبر با امانتم. ﴿۱۲۶﴾ پس از خدا بترسید و فرمانبرداری من کنید. ﴿۱۲۷﴾ و بربلیغ رسالت از شما هیچ مزدی سوال نمی‌کنم پاداش من نیست مگر بر پروردگار جهانیان. ﴿۱۲۸﴾ آیاه هر بلندی علامتی بی فائده می‌سازید. ﴿۱۲۹﴾ و محل‌های استوار می‌سازید به امید آنکه جاودان خواهید ماند. ﴿۱۳۰﴾ و چون [به کيفر] دست می‌گشایید، ستمکارانه دست می‌گشایید. ﴿۱۳۱﴾ پس از خدا بترسید و فرمانبرداری من کنید. ﴿۱۳۲﴾ و از کسیکه امداد کرد شما را به آنچه می‌دانید بترسید. ﴿۱۳۳﴾ شما را با چهارپایان و فرزندان امداد کرده است. ﴿۱۳۴﴾ و (با) بوستانها و چشمه‌ها. ﴿۱۳۵﴾ هرآینه من بر شما از عذاب روز بزرگ می‌ترسم. ﴿۱۳۶﴾ گفتند بر ما یکسان است که خواه پنددهی یا از پند دهندگان نباشی.

إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣٧﴾ وَمَا نَحْنُ بِمُعَدِّيْنَ ﴿١٣٨﴾ فَكَذَّبُوهُ
 فَأَهْلَكَهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾
 وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٤٠﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٤١﴾ إِذْ
 قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَالَاتِتَّقُونَ ﴿١٤٢﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٤٣﴾
 فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٤٤﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ
 إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٤٥﴾ أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هُمْ بِأَمِينِينَ ﴿١٤٦﴾
 فِي جَنَّتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٤٧﴾ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلَعَتْ هَاضِمُهُمْ ﴿١٤٨﴾
 وَتَجَحُّونَ مِنَ الْجِبَالِ يُوْتَا فَرِهِينَ ﴿١٤٩﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٥٠﴾
 وَلَا تَطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ﴿١٥١﴾ الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ
 وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿١٥٢﴾ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ﴿١٥٣﴾ مَا أَنْتَ
 إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بَآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٥٤﴾ قَالَ
 هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ﴿١٥٥﴾ وَلَا تَمْسُوهَا
 بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥٦﴾ فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا
 نَادِمِينَ ﴿١٥٧﴾ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ
 أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٥٨﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٥٩﴾

﴿۱۳۷﴾ این جزشیوه^۱ پیشینیان نیست. ﴿۱۳۸﴾ وما عذاب کرده نخواهیم شد. ﴿۱۳۹﴾ پس تکذیبش کردند پس ایشان را هلاک ساختیم هرآئینه دراین ماجرا نشانه ای هست، و بیشترین ایشان مسلمان نبودند. ﴿۱۴۰﴾ و هرآئینه پروردگار تو همان غالب مهربان است. ﴿۱۴۱﴾ قبیله^۲ ثمود پیامبران را دروغگو شمردند. ﴿۱۴۲﴾ چون برادر ایشان صالح به ایشان گفت آیا نمی ترسید؟ ﴿۱۴۳﴾ هرآئینه من برای شما پیامبر با امانتم. ﴿۱۴۴﴾ پس از خدا بترسید و فرمانبرداری من کنید. ﴿۱۴۵﴾ و بر تبلیغ رسالت از شما هیچ مزدی سوال نمی کنم، پاداش من نیست مگر بر پروردگار جهانیان. ﴿۱۴۶﴾ آیا در آنچه اینجاست ایمن گذاشته خواهید شد. ﴿۱۴۷﴾ در بوستانها و چشمه ها. ﴿۱۴۸﴾ و کشتهای و درختان خرمایی که شگوفه^۳ آن نازک است. ﴿۱۴۹﴾ و از کوه ها خانه های ماهرانه می تراشید. ﴿۱۵۰﴾ پس از خدا بترسید و فرمانبرداری من کنید. ﴿۱۵۱﴾ و فرمان از حد گذرندگان را اطاعت مکنید. ﴿۱۵۲﴾ آنانکه فساد می کنند در زمین و اصلاح نمی نمایند. ﴿۱۵۳﴾ گفتند جز این نیست که تواز جادو شدگانی. ﴿۱۵۴﴾ تو مگر آدمی مانند ما نیستی پس اگر از راست گویانی نشانه ای ببار. ﴿۱۵۵﴾ گفت این ماده شتر نیست وی را يك نوبت آب خوردن است و نیز شمارانوبت روزی معین است. ﴿۱۵۶﴾ و او را به عقوبت دست مرسانید که آنگاه شمارا عذاب روز بزرگ درگیرد. ﴿۱۵۷﴾ پس آنرا پی زدند پس پشیمان گشتند. ﴿۱۵۸﴾ پس ایشان را عذاب در گرفت هرآئینه درین ماجرا نشانه ای هست، و بیشترین ایشان مسلمان نبودند. ﴿۱۵۹﴾ و هرآئینه پروردگار تو همان غالب مهربان است.

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٦٠﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ
 ﴿١٦١﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٦٢﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا نِهَايَ وَأَمْرًا
 أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى رِبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٤﴾
 أَتَأْتُونَ الذَّكَرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٥﴾ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ
 مِنْ أَرْوَاحِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ﴿١٦٦﴾ قَالُوا لَيْنَ لَمْ تَنْتَهِ يَلُوطُ
 لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ ﴿١٦٧﴾ قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ ﴿١٦٨﴾
 رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٩﴾ فَجَعَلْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٧٠﴾
 إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿١٧١﴾ ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ ﴿١٧٢﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ
 مَطَرًا فَسَاءً مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ﴿١٧٣﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ
 مُؤْمِنِينَ ﴿١٧٤﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٧٥﴾ كَذَّبَ أَصْحَابُ
 لَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧٦﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ إِنِّي لَكُمْ
 رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٧٨﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا نِهَايَ وَأَمْرًا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ
 مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى رِبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٠﴾ * أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا
 تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ﴿١٨١﴾ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ﴿١٨٢﴾
 وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿١٨٣﴾

﴿۱۶۰﴾ قوم لوط پیامبران را دروغگو شمردند. ﴿۱۶۱﴾ چون برادریشان لوط به ایشان گفت آیانه‌ی ترسید؟ ﴿۱۶۲﴾ هرآینه من برای شما پیامبر با امانتم. ﴿۱۶۳﴾ پس از خدا بترسید و فرمان من برید. ﴿۱۶۴﴾ و برتبلیغ رسالت از شما هیچ مزدی سوال نمی‌کنم، نیست پاداش من مگر بر پروردگار جهانیان. ﴿۱۶۵﴾ آیا از میان جهانیان (به قصد قضای شهوت) به سوی مردان می‌روید. ﴿۱۶۶﴾ و آنچه را که برای شما آفریده است پروردگار شما از زنان شما می‌گذارد بلکه شما گروهی از حد گذشته‌اید. ﴿۱۶۷﴾ گفتند ای لوط اگر دست بر ننداری هرآینه از بیرون کردگان باشی. ﴿۱۶۸﴾ گفت هرآینه من از دشمنان (این) کارتان هستم. ﴿۱۶۹﴾ پروردگارا مرا و اهل مرا از وبال آنچه می‌کنند نجات ده. ﴿۱۷۰﴾ پس او و خانواده‌اش را همگی نجات دادیم. ﴿۱۷۱﴾ مگر پیرزنی که از باقی ماندگان بود. ﴿۱۷۲﴾ سپس آن دیگران را هلاک ساختیم. ﴿۱۷۳﴾ و برایشان بارانی (از بلا) بارانیدیم پس باران ترسانیدگان بد است. ﴿۱۷۴﴾ هرآینه درین ماجرا نشانه‌ای است، و بیشترین ایشان مسلمان نبودند. ﴿۱۷۵﴾ و هرآینه پروردگارتو همان غالب مهربان است. ﴿۱۷۶﴾ اصحاب ایکه پیامبران را دروغگو شمردند. ﴿۱۷۷﴾ چون شعیب به ایشان گفت آیانه‌ی ترسید؟ ﴿۱۷۸﴾ هرآینه من برای شما پیامبر با امانتم. ﴿۱۷۹﴾ پس از خدا بترسید و فرمان من برید. ﴿۱۸۰﴾ و برتبلیغ رسالت از شما هیچ مزدی سوال نمی‌کنم، پاداش من نیست مگر بر پروردگار جهانیان. ﴿۱۸۱﴾ پیمانه را تمام پیمایید و از زیان دهندگان مباشید. ﴿۱۸۲﴾ و با ترازوی درست وزن کنید. ﴿۱۸۳﴾ و به مردمان چیزهای ایشان را ناقص ندهید و در این سرزمین در تباهی مکشید.

وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِلَّةَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٨٤﴾ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ
 الْمُسْحَرِينَ ﴿١٨٥﴾ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ
 الْكَذِبِينَ ﴿١٨٦﴾ فَاسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ
 مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٨٧﴾ قَالَ رَبِّيَ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨٨﴾ فَكَذَّبُوهُ
 فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٨٩﴾
 إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٩٠﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ
 لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٩١﴾ وَإِنَّهُ وَلِتُنزِلَ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٩٢﴾ نَزَلَ بِهِ
 الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿١٩٤﴾ بِلِسَانٍ
 عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ ﴿١٩٥﴾ وَإِنَّهُ وَلَفِي زُبرِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٩٦﴾ أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ
 أَنْ يَعْلَمَهُ وَعُلِّمُوا بَنِي إِسْرَءِيلَ ﴿١٩٧﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ
 ﴿١٩٨﴾ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٩٩﴾ كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ
 فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٠٠﴾ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ ۖ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ
 الْأَلِيمَ ﴿٢٠١﴾ فَيَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٠٢﴾ فَيَقُولُوا
 هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ ﴿٢٠٣﴾ أَفَعَذَابُنَا لَيْسَ تَعْجِلُونَ ﴿٢٠٤﴾ أَفَرَأَيْتَ
 إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿٢٠٥﴾ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٢٠٦﴾

﴿۱۸۴﴾ و از خدا بترسید که شمارا و خلائق نخستینیان را آفرید. ﴿۱۸۵﴾ گفتند جزاین نیست که تواز جادوشدگانی. ﴿۱۸۶﴾ و تو مگر آدمی مانندما نیستی و هرآئینه تورا از دروغ گویان می‌پنداریم. ﴿۱۸۷﴾ پس بر ما پاره‌ای از آسمان بیکفن اگر از راست گویانی. ﴿۱۸۸﴾ گفت پروردگار من به آنچه می‌کنید داناتر است. ﴿۱۸۹﴾ پس او را تکذیب کردند پس ایشان را عذاب روزسایبان^(۱) فروگرفت هرآئینه وی عذاب روز بزرگ بود. ﴿۱۹۰﴾ هرآئینه دراین ماجرا نشانه‌ای هست و بیشترین ایشان مسلمان نبودند. ﴿۱۹۱﴾ و هرآئینه پروردگار تو همان غالب مهربان است. ﴿۱۹۲﴾ و هرآئینه قرآن فرود آورده^۲ پروردگار جهانیان است. ﴿۱۹۳﴾ فرود آوردش روح الامین (یعنی جبرئیل). ﴿۱۹۴﴾ بردل تو تا شوی از ترسانندگان. ﴿۱۹۵﴾ بزبان عربی روشن. ﴿۱۹۶﴾ و هرآئینه خبر وی در صحیفه‌های پیشینیان است. ﴿۱۹۷﴾ آیا برای ایشان نشانه‌ای نیست آنکه او را (حقانیت قرآن را) عالمان بنی اسرائیل می‌دانند؟ ﴿۱۹۸﴾ و اگر قرآن را بر بعضی عجمیان فرود می‌آوردیم. ﴿۱۹۹﴾ پس آن را برایشان می‌خواند به آن باور نمی‌کردند. ﴿۲۰۰﴾ همچنین انکار را در دل‌های گنهکاران درآوردیم. ﴿۲۰۱﴾ به قرآن ایمان نمی‌آوردند تا آنکه عذاب درد ناک ببینند. ﴿۲۰۲﴾ پس ناگهان به ایشان بیاید درحالیکه ایشان بی‌خبر باشند. ﴿۲۰۳﴾ پس گویند آیا مهلت داده میشویم؟ ﴿۲۰۴﴾ آیا عذاب ما را به شتاب می‌طلبند. ﴿۲۰۵﴾ آیادیدی که اگر سالها ایشان را بهره‌مند سازیم. ﴿۲۰۶﴾ باز بدیشان آنچه ترسانیده می‌شدند بیاید.

(۱) یعنی آتش بشكل سایبان ظاهر شد و هلاك ساخت.

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَنِعُونَ ﴿٢٧﴾ وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيَةٍ إِلَّا
 لَهَا مُنْذِرُونَ ﴿٢٨﴾ ذَكَرْنَاهُمْ وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٩﴾ وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ
 الشَّيَاطِينُ ﴿٣٠﴾ وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٣١﴾ إِنَّهُمْ عَنِ
 السَّمْعِ لَمَعَزُولُونَ ﴿٣٢﴾ فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ
 مِنَ الْمُعَذِّبِينَ ﴿٣٣﴾ وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿٣٤﴾ وَخَفِضْ
 جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣٥﴾ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي
 بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٣٦﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٣٧﴾ الَّذِي
 يَرِنَاكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٣٨﴾ وَتَقْلُبُكَ فِي السَّجْدِينَ ﴿٣٩﴾ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ
 الْعَلِيمُ ﴿٤٠﴾ هَلْ أَنْبَيْتُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنْزَلُ الشَّيَاطِينُ ﴿٤١﴾ تَنْزَلُ عَلَىٰ
 كُلِّ آفَاكٍ أَثِيمٍ ﴿٤٢﴾ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُهُمْ كَذِبُونَ ﴿٤٣﴾
 وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿٤٤﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ
 يَهِيمُونَ ﴿٤٥﴾ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ﴿٤٦﴾ إِلَّا الَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ
 بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴿٤٧﴾

سُورَةُ النَّازِعَاتِ

﴿۲۰۷﴾ بهره مند بودن ایشان از سرایشان چه چیز را دفع کند؟ ﴿۲۰۸﴾ و هیچ دهی را هلاک نکردیم الاّ اورابیم کنندگان بودند. ﴿۲۰۹﴾ به جهت پنددادن و ستمکار نبودیم. ﴿۲۱۰﴾ و قرآن را شیطانان فرود نیاوردند. ﴿۲۱۱﴾ و سزاوار ایشان نیست و نمی توانند. ﴿۲۱۲﴾ هر آئینه شیطانان از شنیدن دُور داشته شوند^(۱). ﴿۲۱۳﴾ پس با خدا معبود دیگری را مخوان آنگاه از عذاب شوندگان باشی. ﴿۲۱۴﴾ و خویشاوندان نزدیک خود را بترسان. ﴿۲۱۵﴾ بازوی خود را^(۲) برای آنکه پیروی تو کردند از مسلمانان پست گُن. ﴿۲۱۶﴾ پس اگر تورا نافرمانی کنند پس بگو هر آئینه من بیزارم از آنچه شما می کنید. ﴿۲۱۷﴾ و بر غالب مهربان توکل گُن. ﴿۲۱۸﴾ آنکه چون برمی خیزی (یعنی وقت تهجد) می بیند. ﴿۲۱۹﴾ و گشتن تورا^(۳) در میان سجده کنندگان^(۴) می بیند. ﴿۲۲۰﴾ هر آئینه وی همان شنوای دانا است. ﴿۲۲۱﴾ آیا شمارا خبردهم که بر چه کس شیطانان فرود می آیند. ﴿۲۲۲﴾ بر هر دروغگوی گنهکاری فرود می آیند. ﴿۲۲۳﴾ گوش می نهند و بیشترین ایشان دروغ گویند. ﴿۲۲۴﴾ و شاعرانند که از ایشان پیروی می کنند. ﴿۲۲۵﴾ آیانی بینی که ایشان در هر میدانی سرگردان می شوند. ﴿۲۲۶﴾ و آنکه ایشان آنچه می گویند نمی کنند^(۵). ﴿۲۲۷﴾ مگر آنکه ایمان آورده اند و عملهای شایسته کرده اند خداوند را بسیار یاد کرده اند و پیروز گشتند بعد از آنکه ستم دیده بودند و ظالمان خواهند دانست که به کدام بازگشتگاه باز خواهند گشت.

(۱) یعنی از شنیدن کلام ملائکه.

(۲) یعنی تواضع کن.

(۳) یعنی از قیام به رکوع و از رکوع به سجود.

(۴) یعنی نمازگذاران.

(۵) یعنی به هر مضمون مبالغه می کنند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طَسَّ تِلْكَ ءَايَتُ الْقُرْءَانِ وَكِتَابِ مُبِينٍ ۝^١ هُدًى وَبُشْرَى
لِلْمُؤْمِنِينَ ۝^٢ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ
بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ۝^٣ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ رِيتَا لَهُمْ
أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ ۝^٤ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ
وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْآخِسُونَ ۝^٥ وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْءَانَ مِنْ
لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ۝^٦ إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِيهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَاءَ تِلْكَ
مَنْهَا خَبَرٌ أَوْ ءَاتِيكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ۝^٧ فَلَمَّا جَاءَهَا
نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ ۝^٨ يَمْوَسَّى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝^٩ وَأَلْقَى عَصَاكَ
فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَمْوَسَّى لَا تَخَفْ
إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَى الْمُرْسَلُونَ ۝^{١٠} إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ
سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝^{١١} وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ
غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ ءَايَتِ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ
۝^{١٢} فَلَمَّا جَاءَهُمْ ءَايَتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ۝^{١٣}

سوره نمل مکی است و آن نود و سه
آیه و هفت رکوع است

به نام خداوند بخشنده* مهربان.

﴿۱﴾ طَس. این ها آیاتِ قرآن و کتاب روشن است. ﴿۲﴾ هدایت و مژده برای مسلمانان است. ﴿۳﴾ آنانکه نماز را برپامیدارند و زکوٰۃ را می‌دهند و ایشان به آخرت یقین می‌آورند. ﴿۴﴾ آنانکه به آخرت ایمان نمی‌آورند برای ایشان کردارهای ایشان را آراسته‌ایم پس ایشان سرگردان می‌شوند. ﴿۵﴾ این جماعت آنانند که برای ایشان سختی عذاب است و آنانند که ایشان در آخرت زیان کارترند. ﴿۶﴾ و هرآئینه تو قرآن از نزد خدای استوارکار دانا داده می‌شوی. ﴿۷﴾ یادگن آنگاه که موسیٰ با خانواده‌اش گفت هرآئینه من آتشی دیده‌ام برای شما از آن خبری خواهم آورد یا برایتان شعله‌ای و اخگری چند فرا گرفته خواهم آورد، باشد که شما گرمی حاصل کنید. ﴿۸﴾ پس چون به آن آتش رسید به او ندا داده شد که برکت داده شد کسی را که در آتش است و کسی را که پیرامون آن است و پاکی برای خدای پروردگار جهانیان است^(۱). ﴿۹﴾ ای موسیٰ هرآئینه (سخن اینست که) من خدای غالب با حکمتم. ﴿۱۰﴾ و بیفکن عصای خود را پس چون دید که عصا می‌جنبد گویا وی ماریست پشت داده روی بگردانید و بازنگشت گفتیم ای موسیٰ مترس هرآئینه نزد من پیامبران نمی‌ترسند. ﴿۱۱﴾ مگر آنکه ستم کرد باز به عوض آن بعد از بدی نیکی کرد پس هرآئینه من آمرزنده* مهربانم. ﴿۱۲﴾ و دست خود را بگریبان خود درآر تا سفید بدون عیب بیرون آید (به این دوشانه که داخل اند) در نه معجزه به سوی فرعون و قوم او برو هرآئینه ایشان گروه فاسقان بودند. ﴿۱۳﴾ پس آنگاه که به ایشان نشانه‌های مارو شن شده آمد گفتند این سحر ظاهر است.

(۱) مترجم گوید کسیکه در آتش است ملائکه که در آن نورمصور به صورت آتش بودند ملائکه دیگر که فرود تر از ایشان بودند و الله اعلم.

وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ
كَانَ عِقَبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا
وَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
﴿١٥﴾ وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عِلْمُنَا مِنطِقُ
الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِن هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ ﴿١٦﴾
وَحِشْرَ لِّسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ
يُوزَعُونَ ﴿١٧﴾ حَتَّى إِذَا أَتَوْا عَلَى وَادِ التَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا
التَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ
لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٨﴾ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي
أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ
صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ
﴿١٩﴾ وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ
مِنَ الْغَائِبِينَ ﴿٢٠﴾ لَأُعَذِّبَنَّهُ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ أَوَّلًا أَدْبَحْنَهُ
أَوْ لِيَأْتِنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٢١﴾ فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ
أَحْطْتُ بِمَا لَمْ تَحْطُ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ ﴿٢٢﴾

﴿۱۴﴾ وانکار کردند آنها را از روی ستمکاری و تکبر و آنها را دلهای ایشان باور داشته بود پس بنگر آخرکارِ مفسدان چگونه بود؟ ﴿۱۵﴾ وهرآئینه داود و سلیمان را علم دادیم و گفتند ستایش آن خدایی را است که ما را بر بسیاری از بندگان مومن خویش فضل داد. ﴿۱۶﴾ و سلیمان میراث‌بر داود شد و گفت ای مردمان ما را گفتارِ مرغان آموخته شد و ما را از هر نعمتی داده شد هرآئینه این فضلِ ظاهر است. ﴿۱۷﴾ و برای سلیمان لشکرهای او از جن و آدمیان و مُرغان گِرد آورده شد پس این جماعت بعضی را تا رسیدن بعضی دیگر ایستاد کرده می‌شدند. ﴿۱۸﴾ تا وقتی که چون به میدان موران رسیدند موری گفت ای مورچگان به خانه های خود درآیید تا نادانسته شمارا سلیمان و لشکرهای او درهم نشکند. ﴿۱۹﴾ پس از گفتارِ مورچه خندان تبسم کرد و گفت ای پروردگار من الهام کن مرا که شکر این نعمت تو کنم که انعام کرده ای بر من و بر پدر و مادر من و الهام کن مرا که بجا آورم کردارِ شایسته که به آن خشنود شوی و به رحمتِ خود در زمرهٔ بندگانِ شایسته خویش مرا در آور. ﴿۲۰﴾ و احوالِ مرغان را جستجو کرد پس گفت چیست مرا که هدهد را نمی بینم؟ یا هست از غایب شدگان؟ ﴿۲۱﴾ البته او را عقوبت کنم عقوبت سخت یا البته او را ذبح کنم یا این است که پیش من حجتِ ظاهری بیارد. ﴿۲۲﴾ پس (هدهد) مدتی نه چندان دیر درنگ کرد پس گفت به چیزی احاطه یافته ام که (تو) به آن احاطه نداشته ای و پیش تو از قبیلهٔ سبا خبری قین آورده‌ام.

إِنِّي وَجَدْتُ أَمْرَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا
عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ
مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ
فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٢٤﴾ أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿٢٥﴾ اللَّهُ
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٢٦﴾ * قَالَ سَنَنْظُرُ
أَصْدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾ أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا
فَالْقَهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾ قَالَتْ يَا أَيُّهَا
الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَى كِتَابٍ كَرِيمٍ ﴿٢٩﴾ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣٠﴾ أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَى وَأُتُوْنِي مُسْلِمِينَ ﴿٣١﴾
قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَقًّا
تَشْهَدُونَ ﴿٣٢﴾ قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةً وَأُولُوا بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ
إِلَيْكَ فَانْظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ ﴿٣٣﴾ قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً
أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٣٤﴾
وَإِنِّي مَرْسَلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ ﴿٣٥﴾

﴿۲۳﴾ هرآئینه من یافتم که زنی برایشان پادشاهی میکند و او را ازهر نعمتی داده شده است و او را تختی بزرگ است. ﴿۲۴﴾ یافتم که او و قوم او خورشید را به جای خدا سجده می کنند و شیطان برای ایشان کردارهای ایشانرا آراسته است پس ایشان را ازراه بازداشت پس ایشان راه نمی یابند. ﴿۲۵﴾ (آراسته است برایشان شیطان) اینکه سجده نکنند آن خدای را که پوشیده را بیرون می آرد که درآسمانها وزمین است و می داند آنچه پنهان می دارید و آنچه آشکار می کنید. ﴿۲۶﴾ خدا آنست که هیچ معبود برحقى غیر او نیست پروردگار عرش بزرگ است. ﴿۲۷﴾ سلیمان گفت خواهیم دید آیا راست گفتی یا هستی ازدروع گویان. ﴿۲۸﴾ این نامه مرا ببر پس بینداز آنرا به سوى ایشان باز روی بگردان ازایشان پس بنگر چه پاسخی باز می دهند. ﴿۲۹﴾ هرآئینه به سوى من نامه ای گرامی انداخته شد. ﴿۳۰﴾ هرآئینه این نامه ازجانب سلیمان است وهرآئینه این نامه به نام خدای بخشنده مهربان است. ﴿۳۱﴾ (بااین مضمون) که بر من تکبر نکنید وپیش من مسلمان شده بیایید. ﴿۳۲﴾ (بلقیس) گفت ای جماعت اشراف درکارم مرا نظر دهید، من فیصله کننده هیچ کاری نبوده ام تاوقتیکه شما پیش من حاضر نشوید. ﴿۳۳﴾ گفتند ما خداوندان توانایی هستیم و خداوندان کارزار سختیم و تدبیر کار مفوض با توست پس بنگرچه فرمان می دهی. ﴿۳۴﴾ گفت هرآئینه پادشاهان چون به دهی درآیند آنرا خراب می کنند و عزیزترین اهل آن را خوارترین میگردانند و همچنین می کنند. ﴿۳۵﴾ وهرآئینه من فرستنده ام به سوى ایشان تحفه ای پس بینده ام به چه چیز فرستادگان باز می آیند.

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَنَ قَالَ أْتُمِدُونِ بِمَالٍ فَمَاءِ اتْنِ ۖ اللَّهُ خَيْرُ مِمَّا
ءَاتَاكُمْ ۚ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيَتِكُمْ تَفْرَحُونَ ﴿٣٦﴾ أَرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ
بِجُنُودٍ لَّا قَبْلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِّنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿٣٧﴾
قَالَ يَأَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ
﴿٣٨﴾ قَالَ عَفَرْتُ مِّنَ الْجِنِّ أَنَاءَ آتِيكَ بِهِ ۖ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ
وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ ﴿٣٩﴾ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا
آتِيكَ بِهِ ۖ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ ۚ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ
قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي ۖ أَشْكُرَ أَمْ أَكْفُرُ ۚ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا
يُشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ﴿٤٠﴾ قَالَ نَكُرُوا هَٰهَا
عَرْشَهَا نَنْظُرْ أَتَهْتَدِي ۖ أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٤١﴾ فَلَمَّا
جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكَ ۖ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ ۖ وَأُوْتِينَا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا
وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ﴿٤٢﴾ وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِن دُونِ اللَّهِ ۖ إِنَّهَا كَانَتْ مِن
قَوْمٍ كَافِرِينَ ﴿٤٣﴾ قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ ۖ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً
وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا ۖ قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ ۖ قَالَتْ رَبِّ
إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ۖ وَأَسَامْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ ۖ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٤﴾

﴿۳۶﴾ پس چون آن فرستاده پیش سلیمان آمد گفت (سلیمان) آیا امداد می کنید مرا به مالی پس آنچه خدای تعالی مرا عطا کرده است بهتر است از آنچه شما را عطا کرده است بلکه شما به تحفه^۱ خویش شادمان می شوید. ﴿۳۷﴾ باز گرد به سوی ایشان پس البته (برای مقابله) با آنان سپاهییانی خواهیم آورد که ایشان را طاقت به مقابله^۲ آن نباشد البته ایشان را ازده خوار و رسواشدگان بیرون کنیم و ایشان خوارباشند. ﴿۳۸﴾ گفت^(۱) سلیمان ای اعیان دربار کدام يك از شما پیش من تخت اورا پیش از آن که نزد من مسلمان شده بیایند می آورد. ﴿۳۹﴾ تهمتني از جن گفت من بیمارم نزد تو پیش از آنکه برخیزی از جای خود و هرآئینه من بر آن عرش توانای با امانتم. ﴿۴۰﴾ گفت شخصی که نزد او از کتاب الهی علم بود من نزد تو بیمارم پیش از آنکه به سوی تو چشم تو بازگردد پس چون سلیمان آنرا قرار گرفته نزدیک خویش دید گفت این خارق عادت از فضل پروردگار من است تا امتحان کند مرا آیا شکرگزاری می کنم یا ناسپاسی می نمایم و هر که شکر گذاری کند پس جزاین نیست که شکرگزاری میکند برای نفع خویش و هر که ناسپاسی کرد پس پروردگار من بی نیاز گرم کننده است. ﴿۴۱﴾ (سلیمان) گفت برای امتحان این زن تخت اورا متغیر سازید بنگریم آیاره شناخت می یابد یا می شود از آنانکه راه نمی یابند. ﴿۴۲﴾ پس چون (بلقیس) بیامد گفته شد آیا چنین است تخت تو گفت گویا وی همان است و داده شد مارادانش (به حقانیت سلیمان) پیش از این امر و فرمانبردار بودیم. ﴿۴۳﴾ و سلیمان آن^(۲) زن را از آنچه بجز خدا عبادت می کرد بازداشت هرآئینه وی از گروه کافران بود. ﴿۴۴﴾ به آن (زن) گفته شد که درآی به این قصر پس چون آنرا دید حوض آب پنداشتش و ازدوساق خود جامه برداشت گفت سلیمان این است قصری بی نقش و ساده درخشان ساخته شده از شیشه گفت (بلقیس) ای پروردگار من هرآئینه من ستم کرده ام برخویش و همراه سلیمان برای خدا پروردگار جهانیان اسلام آوردم.

(۱) مترجم گوید سلیمان علیه السلام خواست که بلقیس را معجزه نماید و عقل و جمال اورا ادراك فرماید تا اگر مناسب داند به نکاح در آرد، پس تدبیری ساخت والله اعلم.

(۲) مترجم سلیمان علیه السلام را فاعل صدها قرار داده است و اکثر مفسرین می گویند که فاعل صدها «ما» «المصدریه یا الموصوله» است و معنی آیت اینطور میشود که بازداشت آن زن را از عبادت خدا آنچه عبادت میکرد غیر از خدا والله اعلم مصحح.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ عِبُدُوا اللَّهَ
فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٥﴾ قَالَ يَقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ
بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ
تُرْحَمُونَ ﴿٤٦﴾ قَالُوا أَطِيعْنَا بَكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَاعُواكُمْ
عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ﴿٤٧﴾ وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ
تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿٤٨﴾
قَالُوا اتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولَئِئِنَّهُ لَمَنْ قُنِيعٌ وَأَنْتُمْ لَكَافِرُونَ
مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٤٩﴾ وَمَكُرُوا
مَكْرًا وَمَكْرًا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٠﴾ فَانْظُرْ
كَيْفَ كَانَ عِقَابُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ
أَجْمَعِينَ ﴿٥١﴾ فَتِلْكَ يَوْمَئِذٍ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِن
فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥٢﴾ وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا
وَكُنَّا أَوْيَاتِقُونَ ﴿٥٣﴾ وَلَوْ طَإِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ
الْفَجِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿٥٤﴾ أَيْنَكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ
شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿٥٥﴾

﴿۴۵﴾ به راستی به سوی ثمود برادریشان صالح را فرستادیم که خدا را عبادت کنید پس ناگهان آن قوم دوگروه شدند بایکدیگر خصومت می کردند. ﴿۴۶﴾ (صالح) گفت ای قوم من چرا سختی را پیش از راحتی شتابان طلب می کنید چرا از خدا طلب آموزش نمی کنید باشد که بر شما رحم کرده شود. ﴿۴۷﴾ گفتند از تو و از آنانکه همراه تو هستند شگون بد گرفتیم گفت شگون بد شما نزد خداست^(۱) بلکه شما قومی هستید که امتحان کرده می شوید. ﴿۴۸﴾ و در آن شهر نه گروه بودند که در زمین فساد می کردند و اصلاح نمی نمودند. ﴿۴۹﴾ بایک دیگر قسم خدا خورده، گفتند که البته بر صالح و اهل خانه او شبیخون زنیم باز البته وارث او را خواهیم گفت که وقت هلاک شدن اهل او حاضر نبودیم و هرآئینه مراسست گوییم. ﴿۵۰﴾ و حيله کردند به نوعی از حيله و تدبير کردیم مانوعی از تدبير و ایشان نمی دانستند. ﴿۵۱﴾ پس بنگر چگونه بود سرانجام حيله ایشان که ما ایشان و قوم ایشان همگی را هلاک کردیم. ﴿۵۲﴾ پس این است خانه های ایشان خالی مانده به سبب ظلم ایشان هرآئینه درین ماجرا نشانه ای هست گروهی را که میدانند. ﴿۵۳﴾ و آنان را که ایمان آوردند و پرهیز گاری می کردند نجات دادیم. ﴿۵۴﴾ و فرستادیم لوط را چون گفت به قوم خود آیا به عمل می آورید کار بی حیایی را و شما می بینید. ﴿۵۵﴾ آیا شما به جای زنان با مردان به اراده شهوت می آید بلکه شما قومی نادانید.

(۱) یعنی مصائب بروفق تقدیر الهی جاری میشود.

* فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ آلَ
 لُوطٍ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ ﴿٥٦﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ
 وَأَهْلَهُ إِلَّا أَمْرَأَتَهُ وَقَدَّرْنَا هَا مِنْ الْغَابِرِينَ ﴿٥٧﴾ وَأَمْطَرْنَا
 عَلَيْهِمْ مَّطَرًا فَنَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ﴿٥٨﴾ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ
 وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى اللَّهُ خَيْرُ مَآيَشْرِكُونَ
 ﴿٥٩﴾ أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ
 مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَنْ
 تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَلَمْ يَكُنْ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعِدُونَ ﴿٦٠﴾
 أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ
 لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَمْ يَكُنْ مَعَ اللَّهِ
 بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا
 دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ
 أَلَمْ يَكُنْ مَعَ اللَّهِ فَلَيْلًا مَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي
 ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ
 رَحْمَتِهِ أَلَمْ يَكُنْ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٣﴾

﴿۵۶﴾ پس جواب قوم او نبود مگر آنکه گفتند اهل خانهٔ لوط را از ده خویش بیرون کنید هرآینه ایشان مردمانی پاکیزه طلبند. ﴿۵۷﴾ پس او را و خانواده اش را نجات دادیم مگر زنش که او را از باقی ماندگان تعیین کردیم. ﴿۵۸﴾ بر سر ایشان بارانی (بلا) بارانیدیم پس باران ترسانده شدگان بدست. ﴿۵۹﴾ بگوسپاس خدای راست و سلام بر آن بندگان او که ایشان را برگزیده است آیا خدا بهتر است یا آنچه شریک می آورند. ﴿۶۰﴾ (نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه آسمانها و زمین را آفریده و برای شما از آسمان آبی فرود آورده پس رویانیدیم به (سبب) آن بوستانهایی را با تازگی ممکن نبود شمارا که درخت های آن را برویانید آیا معبودی هست با خدا بلکه ایشان گروهی اند که کج میروند. ﴿۶۱﴾ (نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه ساخت زمین را قرارگاهی و پیدا کرد در میان زمین جویها و برای زمین کوه ها بیافرید و میان دودریا حجابی را بیافرید آیا معبودی دیگر با خدا هست بلکه بیشترین ایشان نمی دانند. ﴿۶۲﴾ (نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه قبول می کند (دعای شخص) درمانده را چون بخواندش و سختی را بردارد و شمارا جانشین نخستینان در زمین بسازد آیا معبودی دیگر با خدا هست اندکی پند می پذیرید. ﴿۶۳﴾ (نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه شمارا در تاریکی های بیابان و دریا راه می نماید و چه کسی بادها را مژده دهنده پیش دست رحمت خود می فرستد آیا معبودی با خدا هست خدا از آنکه شریک می گیرند برتر است.

أَمَّنْ يَجْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ، وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
 أَءِلَٰهٌ مَّعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦٤﴾ قُلْ
 لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ
 أَيَّانَ يَبْعَثُونَ ﴿٦٥﴾ بَلِ أَدْرَاكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي
 شَكٍّ مِّنْهَا بَلْ هُمْ مِّنْهَا عَمُونَ ﴿٦٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَءِذَا
 كُنَّا تُرَابًا وَءِذَا بَابُ آبَاؤُنَا أَبْنَاءَ الْمُحَرِّجُونَ ﴿٦٧﴾ لَقَدْ وَعَدْنَا هَذَا
 نَحْنُ وَءِذَا بَابُ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾
 قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ
 ﴿٦٩﴾ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ﴿٧٠﴾
 وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٧١﴾ قُلْ عَسَى
 أَنْ يَكُونَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٧٢﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ
 لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَإِنَّ
 رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٤﴾ وَمَا مِنْ غَآيَةٍ
 فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿٧٥﴾ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ
 يَقُصُّ عَلَى بَنِي إِسْرَءِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٧٦﴾

﴿۶۴﴾ (نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه آفرینش را آغاز می کند باز دگر بار بازگرداندش و کیست آنکه شمارا از آسمان و زمین روزی می دهد آیا معبودی با خدا هست بگو حجت خود را اگر راست گویند بیاورید. ﴿۶۵﴾ بگو هر کس که در آسمانها و زمین است غیب را نمیداند مگر خدا و نمیدانند که کی برانگیخته شوند. ﴿۶۶﴾ بلکه پی در پی متوجه شد علم ایشان دربارهٔ (روز) آخرت تدریجا برباد رفت^(۱) بلکه ایشان از (روز) آخرت در شك هستند بلکه ایشان از آخرت نابینايند. ﴿۶۷﴾ و کافران گفتند آیا چون خاک شویم و پدران ما نیز آیا ما بیرون آورده شدگانیم (یعنی از قبور). ﴿۶۸﴾ به راستی ما و پدران ما را پیش ازین به این امر وعده داده شد، نیست این مگر افسانه های پیشینیان. ﴿۶۹﴾ بگو در زمین بگردید پس بنگرید سر انجام کارگنجهکاران چگونه بُود. ﴿۷۰﴾ و برایشان اندوه مخور و در تنگدلی از مکر بُد ایشان مباش. ﴿۷۱﴾ و می گویند کی خواهد بود این وعده اگر راست گویند. ﴿۷۲﴾ بگو شاید برخی از آنچه راکه به شتاب می طلبید^(۲) به شما نزدیک شده باشد. ﴿۷۳﴾ و هر آئینه پروردگارتو بر مردمان خداوند فضل است ولیکن بیشترین ایشان شکر نمی کنند. ﴿۷۴﴾ و هر آئینه پروردگارتو آنچه راکه سینه های ایشان پنهان می کنند و آنچه راکه ظاهر می نمایند میداند. ﴿۷۵﴾ و نیست هیچ پوشیده ای در آسمان و زمین مگر در کتاب روشن نوشته است. ﴿۷۶﴾ هر آئینه این قرآن بر بنی اسرائیل بیشتر آنچه ایشان در آن اختلاف می ورزند بیان می کند.

(۱) یعنی تابه آنکه منقطع گشت.

(۲) یعنی عقوبت دنیا.

وَاتَّهَ وَلَهْدَى وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ
بِحُكْمِهِ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٧٨﴾ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۖ إِنَّكَ عَلَى
الْحَقِّ الْمُبِينِ ﴿٧٩﴾ إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ
إِذَا أُولُوا مَدِيرِينَ ﴿٨٠﴾ وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ ۚ إِنَّ
تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨١﴾ ۖ وَإِذَا وَقَعَ
الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ
النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿٨٢﴾ وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ
فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿٨٣﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ وَقَالَ
أَكْذَبْتُمْ بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِطُوا بِهَا عِلْمًا أَمْ آذًا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
﴿٨٤﴾ وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ ﴿٨٥﴾ أَلَمْ
يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَ كُنُوفِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۖ إِنَّا فِي
ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٨٦﴾ وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ
فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوْهُ
دَاخِرِينَ ﴿٨٧﴾ وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَمَادَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ
صُغَّ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ ﴿٨٨﴾

﴿۷۷﴾ وهرآئینه آن (قرآن) برای مسلمانان هدایت و رحمت است. ﴿۷۸﴾ هرآئینه پروردگار تومیان ایشان به حکم خود فیصله کند و او غالب دانا است. ﴿۷۹﴾ پس برخدا توکل کن هرآئینه تو بردین راست روشن هستی. ﴿۸۰﴾ هرآئینه تو مردگان را نمی توانی شنوآنید و کران را آواز نمی توانی شنوآنید و قتیکه پشت داده روی بگردانند. ﴿۸۱﴾ ونیستی تو راه نماینده کوران تا از گمراهی خویش بازآیند نمی شنوآنی مگر کسی را که به آیه‌های ما ایمان آورده است پس این جماعت گردن نهنگانند. ﴿۸۲﴾ و چون وعده عذاب برایشان متحقق شود برای ایشان جانوری از زمین بیرون می آوریم که سخن گوید به ایشان به آنکه مردمان به آیات مایقین نمی آوردند. ﴿۸۳﴾ و آن روز که از هرامتی طائفه‌ای را از آنانکه آیات مارا دروغ می شمردند برانگیزیم پس بعضی را از ایشان تارسیدن بعضی دیگر ایستاده کرده میشود. ﴿۸۴﴾ تا آن وقتیکه چون حاضر آیند خدا گوید آیا آیات مرا تکذیب کردید و به آن از روی دانش درنگرفته بودید یا چه کار می کردید؟ ﴿۸۵﴾ وعده عذاب برایشان ثابت شد به سبب ستم کردن ایشان پس آن جماعت سخن نگویند. ﴿۸۶﴾ آیا ندیده‌اند که ما شب را تا در آن آرام گیرند پیدا کرده ایم و روز را روشن پیدا کرده ایم هرآئینه درین امر نشانه هاست برای قومی که باور می دارند. ﴿۸۷﴾ و یادکن آن روز را که در صور دمیده می شود پس آنانکه در آسمانهایند و آنانکه در زمین‌اند هراسان گردند مگر کسیکه خدا خواسته است و همه پیش خدا خوار شده بیایند. ﴿۸۸﴾ و ببینی کوهها را آنها را برجای ایستاده پنداری حال آنکه آنها می روند مانند رفتن ابر آفرینش آن خدایی که هر چیز را استوار ساخت هرآئینه وی به آنچه می کنی خبردار است.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّمَّا هُمْ مِنْ فَرَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ ﴿٨٩﴾
 وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا
 مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّمَا أَمْرُهُ أَنْ عَبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ
 الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأَمْرُهُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ
 ﴿٩١﴾ وَأَنْ أَتْلُوا الْقُرْآنَ فَمَنْ أَهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ
 وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿٩٢﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ
 سَيْرِيكُمْ آيَتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

سورة القصص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طَسَمَ ﴿١﴾ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾ نَتْلُو عَلَيْكَ
 مِنْ نَبَأِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ
 فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ
 طَائِفَةً مِنْهُمْ يَذِخُّ أبنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِ نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ
 مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٤﴾ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا
 فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿٥﴾

﴿۸۹﴾ هرکس که نیکی بیاورد پس او را بهتر از آن باشد و ایشان از خوفناکی آن روز ایمن باشند. ﴿۹۰﴾ و هرکس که بدی بیاورد چهره های ایشان در آتش نگونسار کرده شود جزا داده نمی شوید مگر در برابر آنچه که عمل می کردید. ﴿۹۱﴾ (یا محمد) بگو جزاین نیست که مرا فرموده شد که خداوند این شهر را (یعنی مکه را) عبادت کنم آنکه آنرا محترم ساخت و هر چیز بتصرف اوست، و مرا فرموده شد که از مسلمانان باشم. ﴿۹۲﴾ و فرموده شد آنکه قرآن را بخوانم پس هرکس که راه یافت پس جزاین نیست که برای نفع خویشتن راه می یابد و هر که گمراه شد بگو جزاین نیست که من از بیم کنندگانم. ﴿۹۳﴾ و بگو ستایش خدایی راست که شمارا آیات خود خواهد نمود پس آنها را به شناسید و پروردگار تو بی خبر از آنچه می کنید نیست.

سوره قصص مکی است و آن هشتاد و هشت
آیه و نه رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ طسم. ﴿۲﴾ این آیات کتاب روشن است. ﴿۳﴾ از خبر موسی و فرعون برای گروهی که باور میدارند به راستی برتومی خوانیم. ﴿۴﴾ هرآینه فرعون در زمین تکبر کرد و اهل آن را گروه گروه ساخت جماعتی را از ایشان زیون می گرفت، پسران ایشان را می کُشت و دختران ایشان را زنده می گذاشت هرآینه وی از مفسدان بود. ﴿۵﴾ و می خواهیم برآنان که زبون گرفته شده اند در زمین منت نهیم ایشان را نعمت فراوان دهیم و ایشان را پیشوا سازیم و ایشان را وارث کنیم.

وَنُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيْ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا
 مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴿٦﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ
 أَنْ أَرْضِعِيْهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيْهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي
 وَلَا تَحْزَنِي ۚ إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧﴾
 فَالْتَقَطَهُ ءَالُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا ۖ إِنَّ
 فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ ﴿٨﴾
 وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنِي لِي وَلَكَ ۖ لَا تَقْتُلُوهُ
 عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾
 وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَرِغًا ۖ إِن كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا
 أَنْ رَّبَّنَا عَلَيَّ قَلْبًا لِّتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠﴾ وَقَالَتْ
 لِأُخْتِهِ ۖ فُصِّيهِ ۖ بَصُرْتُ بِهِ ۖ عَنْ جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ
 ﴿١١﴾ وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ
 عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَصْحُونَ
 ﴿١٢﴾ فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ ۖ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۚ وَلِتَعْلَمَ
 أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾

﴿۶﴾ وایشان را در زمین دسترس می‌دهیم و فرعون وهامان و لشکریهای ایشان را از زیون گرفتگان آنچه می‌ترسیدند بنماییم. ﴿۷﴾ والهام فرستادیم به سوی مادر موسی اینکه شیریده اورا پس چون بروی بترسی اورا در دریا بینداز و مترس و اندوه مخور هرآئینه ما به سوی تو باز رساننده^۱ اوهستیم و اورا از پیامبران گرداننده ایم. ﴿۸﴾ پس آن را اهل خانه^۲ فرعون برگرفتند تا آخر کار برای ایشان دشمن و سبب اندوه شود هرآئینه فرعون وهامان و لشکریهای ایشان خطا کننده بودند. ﴿۹﴾ وزن فرعون گفت این طفل برای من و تو خنکی چشم است اورا مکشید بُود که مارا نفع دهد یا اورا فرزند گیریم و ایشان حقیقت حال را نمی‌دانستند. ﴿۱۰﴾ دل مادر موسی از صبر خالی گشت هرآئینه نزدیک بود که آن قصه را آشکار کند اگرمانمی بستیم بردل اورشته^(۱) ای تا از باور دارندگان باشد. ﴿۱۱﴾ و به خواهرش گفت به دنبالش برو پس اورا از دور دید در حالیکه قوم فرعون نمی‌دانستند. ﴿۱۲﴾ و پیش از (آمدن) خواهر موسی شیرهمه دایگان را بر موسی حرام ساختیم پس خواهرش گفت آیا شما را براهل خانه‌ای که خبرداری این طفل را کنند برای شما راهنماییم و ایشان برای اونیک خواهانند. ﴿۱۳﴾ پس اورا به سوی مادر او بازگردانیدیم تا چشم وی خنک شود و اندوه نخورد و تابدارند که وعده خدا راست است ولیکن بیشترین مردمان نمی‌دانند.

(۱) یعنی صبر نمی‌دادیم.

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي
 الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤﴾ وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا
 فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِ
 فَاسْتَغْثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ
 مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ
 مُّبِينٌ ﴿١٥﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ
 هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٦﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَن أَكُونَ
 ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ ﴿١٧﴾ فَاصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا
 الَّذِي اُسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ وَمُوسَىٰ إِنَّكَ لَغَوِيٌّ
 مُّبِينٌ ﴿١٨﴾ فَلَمَّا أَنِ ارَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ
 يَمْوَسَىٰ أَرِيدُ أَنْ تُقَاتِلَنِي كَمَا قَاتَلَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ
 إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ
 ﴿١٩﴾ وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ قَالَ يَمْوَسَىٰ إِنَّ الْمَلَأَ
 يَأْتِمُرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ ﴿٢٠﴾
 فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢١﴾

﴿۱۴﴾ و چون بنهایت جوانی خود رسید و درست اندام شد اورا حکمت و دانش دادیم و نیکوکاران را همچنین پاداش می دهیم. ﴿۱۵﴾ و در شهر بروقت بیخبری اهل آن درآمد پس آنجا دو شخص را که بایکدیگر جنگ می کردند یافت آن يك از قوم موسی بود و آن دیگر از دشمنان وی پس طلب كمك کرد شخصی که از قوم او بود بر آن دیگری که از دشمنانش بود پس اورا موسی مشت زد پس بکشتش گفت این از کارِ شیطان است هرآئینه شیطان دشمن گمراه کننده آشکار است. ﴿۱۶﴾ گفت ای پروردگارم هرآئینه من برخویش ستم کردم پس مرا بیمارز پس بیمارزیدش هرآئینه وی آمرزنده مهربان است. ﴿۱۷﴾ گفت ای پروردگار من به حق انعام کردن تو بر من هرگز مددکار گنهکاران نخواهم بود. ﴿۱۸﴾ پس گشت کرد در شهر ترسان و نگران (از مجازات) پس ناگهان شخصی که از او دیروز كمك طلب کرده بود باز به فریاد رسی میخواندش موسی به او گفت هرآئینه تو گمراه آشکاری. ﴿۱۹﴾ پس چون خواست که دست دراز کند به شخصی که وی دشمن موسی و دشمن فریادکننده بود گفت فریاد کننده ای موسی آیامیخواهی که مرا بخشی چنانکه شخصی را دیروز کشتی نمی خواهی مگر آنکه در زمین ستمکاری باشی و نمی خواهی که از نیکوکاران^(۱) باشی. ﴿۲۰﴾ و شخصی از آخر شهر شتابان آمد گفت ای موسی هرآئینه رئیسان مشورت می کنند در حق تو تا تورا بکشند پس بیرون روهرآئینه من برای تواز نيك خواهانم. ﴿۲۱﴾ پس بیمناك از آن شهر در حالی که نگران بود بیرون آمد ای پروردگار من مرا از گروه ستمکاران نجات ده.

(۱) یعنی چون موسی اورا گفت تو گمراه آشکاری فهمید که بر سر من غضب کرده می آید.

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ
السَّبِيلِ ﴿٢٢﴾ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ
النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ
مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأُبُونَا
شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴿٢٣﴾ فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ
رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿٢٤﴾ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا
تَمْشَى عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ
أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ
لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥﴾ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا
يَبَاطَ أَسْتَجِرُّهُ إِنِّي خَيْرٌ مِّنْ أَسْتَجِرَّتِ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ
﴿٢٦﴾ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ بِكَ وَنُؤَيِّدَ بِنِسَاءِنَا عَلَى أَنْ
تَأْجُرَنِي ثُمَّ نَحْبُجَّ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عِشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ
وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَسْقَ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ
الصَّادِقِينَ ﴿٢٧﴾ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ
قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٢٨﴾

﴿۲۲﴾ ووقتیکه به سوی شهر مدین متوجه شد گفت امیدوارم از پروردگار خویش که مرا به راه راست هدایت فرماید. ﴿۲۳﴾ ووقتیکه به آب مدین رسید برآن آب طائفه ای را از مردمان که مواشی را آب می نوشانیدند و پایین تراز آنان دو زن را یافت که مواشی خود را باز میدارند گفت (موسی) به آن دو زن چیست حال شما؟ گفتند ما آب نمی نوشانیم تا آنکه شبانان مواشی را بازگردانند و پدر ما پیر، کلان سال است. ﴿۲۴﴾ پس موسی برای این هر دو آب نوشانید باز روی به سوی سایه آورد پس گفت ای پروردگار من هرآئینه من به آنچه به سوی من از نعمت فرود آوردی محتاجم. ﴿۲۵﴾ پس به موسی یکی ازین دو زن آمد درحالی که به شرم راه میرفت گفت هرآئینه پدر من میخواند تورا تا مزد آنکه برای ما آب دادی به تودهد پس چون موسی بیامد نزد او و پیش او قصه را حکایت کرد گفت مترس از قوم ستمکاران نجات یافتی. ﴿۲۶﴾ یکی ازین دو دختر گفت ای پدر من او را اجیر بگیر هرآئینه بهترین کسیکه به خدمت گیری شخصی توانا با امانت باشد. ﴿۲۷﴾ گفت هرآئینه من میخواهم که یکی ازین دو دختر خود را به ازدواج تو درآورم به شرط آنکه هشت سال خدمت من کنی پس اگر ده سال را تمام کنی پس آن از نزد تو تبرع است و نمی خواهم که بر تو مشقت افکنم مرا اگر خدا خواسته است از شایستگان خواهی یافت. ﴿۲۸﴾ موسی گفت این است پیمان میان من و میان تو هر کدام ازین دو مدت را که ادا کنم بر من تجاوز نباشد و خدا بر آنچه می گویم گواه است.



* فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ
 الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُمْ
 مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ
 ٢٩ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ
 الْمُبْرَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَمْوِسَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ
 الْعَالَمِينَ ٣٠ وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا
 جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَمْوِسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ
 إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ ٣١ أَسْلَكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ
 بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَأَضْمَمَ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ
 فَذَنَبَكَ بِرُهْنَانٍ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ
 كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ٣٢ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا
 فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ٣٣ وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا
 فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ٣٤
 قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا
 يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِأَيَّتِنَا أَنْتُمْ آوَمِنْ أَتَّبَعُكُمَا الْغَالِبُونَ ٣٥

﴿۲۹﴾ پس چون موسیٰ آن میعاد را به پایان رسانید و با اهل خود روان شد از جانب کوه طور آتشی را دید گفت به اهل خود توقف کنید هرآئینه آتشی را دیده‌ام امید دارم که برایتان از آنجا خبری بیاورم بیایارم شعله ای از آتش بُود که شما گرمی حاصل کنید. ﴿۳۰﴾ پس چون نزدیک آتش آمد آواز داده شد از کرانهٔ راست میدان در جایگاه بابرکت از میان درخت که ای موسیٰ هرآئینه من خدایم پروردگار جهانیان. ﴿۳۱﴾ و آنکه بیفکن عصای خود را پس چون دید که عصا حرکت می کند گویا وی ماریست پشت داده روی بگردانید و باز نگشت گفتیم ای موسیٰ پیش آی و مترس هرآئینه تو از ایمنانی. ﴿۳۲﴾ دست خود را در گریبان خود درآر تابیرون آید سفید شده بدون هیچ علتی و به هم آر به سوی خود بازوی خود را از ترس^(۱) پس این هردو دو نشانه از جانب پروردگار تو فرود آمده اند به سوی فرعون و جماعت او هرآئینه ایشان گروه بدکار بودند. ﴿۳۳﴾ گفت ای پروردگار من هرآئینه من از ایشان شخصی را کشته‌ام پس می‌ترسم که مرا بکشند. ﴿۳۴﴾ و برادر من هارون از من فصیح تراست از جهت زبان پس او را همراه من مدد کننده بفرست که مرا باور دارد هرآئینه من می‌ترسم از آنکه مرا تکذیب کنند. ﴿۳۵﴾ گفت خدا محکم خواهیم کرد بازوی تو را به برادر تو و شمارا غلبه خواهیم داد پس نتوانند به قصد اذیت کردن به سوی شما رسند به سبب نشانه‌های ما، شما و آنانکه پیروی شما کرده اند غالب خواهید شد.

(۱) یعنی برای دفع ترسی که به سبب ظهور خوارق پیدا شده.

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ
 مُفْتَرًى وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ﴿٣٦﴾
 وَقَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَى مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ
 تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٣٧﴾
 وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَتَأَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ
 غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَهْمَنُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي
 أَطَّلِعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٣٨﴾
 وَأَسْتَكَبرَ هُوَ وَجُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا
 أَنَّهُم إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ ﴿٣٩﴾ فَأَخَذْنَاهُ وَجُودَهُ وَفَنَدْنَاهُمْ
 فِي آيَةٍ فَأَنْظِرْ كَيْفَ كَانَتْ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿٤٠﴾
 وَجَعَلْنَاهُمْ آيَةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ
 لَا يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾ وَاتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً
 وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ ﴿٤٢﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا
 مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى
 بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٣﴾

﴿۳۶﴾ پس چون موسیٰ برایشان نشانه های روشن مارا آورد گفتند این مگر جادوی بر بسته نیست این را در پدران نخستین خویش نشنیده ایم. ﴿۳۷﴾ وگفت موسیٰ پروردگار من داناترست به هرکه هدایت از نزد او آورده است و به هرکه او را عاقبت پسندیده در آخرت است هر آئینه ستمکاران رستگار نمی شوند. ﴿۳۸﴾ و فرعون گفت ای سرکردگان برای شما هیچ معبودی غیر از خود ندانسته ام پس ای هاماں آتش برافروز برای من برگل (یعنی خشت به ساز) پس بناکن برای من برجی باشد که من از معبود موسیٰ مطلع شوم و هر آئینه من او را ازدروغ گویان می پندارم. ﴿۳۹﴾ و فرعون و لشکریهای او در زمین بغیر حق تکبر کردند و گمان کردند که ایشان به سوی ما باز گردانیده نشوند. ﴿۴۰﴾ پس او را و لشکرهای او را گرفتیم پس ایشان را درد ریا افکندیم پس بنگر سر انجام ستمکاران چگونه بود؟ ﴿۴۱﴾ و ایشان را پیشوایانی گردانیدیم که به سوی آتش میخوانند و روز قیامت نصرت داده نشوند. ﴿۴۲﴾ و از پی ایشان در این دنیا لعنت را فرستادیم و به روز قیامت ایشان ازدور ساختگان باشند. ﴿۴۳﴾ به درستی که، موسیٰ را بعد از آن که قرنهاى نخستین را هلاک ساختیم به عنوان دلائلی برای مردمان کتاب دادیم و هدایت و بخشایش تابد که ایشان پندپذیر شوند.

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَى مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ
 مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٤٤﴾ وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ
 الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ
 ءَايَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿٤٥﴾ وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ
 الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا
 مَّا أَتَاهُمْ مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٦﴾
 وَلَوْلَا أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا
 رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ ءَايَاتِكَ وَنَكُونَ
 مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا
 لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمَّا يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ
 مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُمْ لِكُفْرُونَ
 ﴿٤٨﴾ قُلْ فَاتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ
 إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٩﴾ فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ
 أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ
 هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٠﴾

﴿۴۴﴾ و چون (کار) وحی را با موسیٰ به انجام رسانیدیم تودر جانب غربی (میقات ما باموسیٰ) از حاضران نبودی. ﴿۴۵﴾ ولیکن ما قرن‌ها را یعنی بعد از موسیٰ آفریدیم پس درازشد برایشان عمر و تو باشنده نبودى در اهل مدین که آیات ما را برایشان بخوانی ولیکن فرستنده ما بودیم. ﴿۴۶﴾ و تو به جانب طور نبودى چون آواز دادیم ولیکن وحی آمد از روی بخشایش پروردگار تو تا برسانی گروهی را که نیامده بود بدیشان پیش از تو هیچ ترساننده‌ای بود که ایشان پندپذیر شوند. ﴿۴۷﴾ و اگر آن نبود که بدیشان عقوبتی برسد به سبب آنچه دست‌های ایشان پیش فرستاده است پس گویند ای پروردگار ما چرا نفرستادی به سوی ما پیامبری را تا پیروی آیات تو کنیم و از مسلمانان باشیم (پیامبران را نمی فرستادیم). ﴿۴۸﴾ پس چون به ایشان وحی راست از نزد ما آمد گفتند این پیامبر چرا مانند آنچه به موسیٰ داده شد داده نشد؟ آیا به آنچه موسیٰ را پیش ازین داده شده کافر نشده‌اند گفتند دوساخراند که موافق يك دیگر شده‌اند^(۱) و گفتند هر آئینه ما همه را منکریم. ﴿۴۹﴾ بگو پس کتابی فرود آمده از نزد خدا که وی راه نماینده تر ازین دو باشد بیاورید، تا پیروی او کنم اگر راست گوید. ﴿۵۰﴾ پس اگر سخن تو را قبول نکنند پس بدان که جز این نیست که خواهشات نفس‌های خود را پیروی می‌کنند و کیست گمراه تر از کسیکه پیروی خواهش نفس خود کند بدون راهنمایی خدا، هر آئینه خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند.

(۱) یعنی تورات و قرآن.

* وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥١﴾ الَّذِينَ
 آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ وَإِذَا يُتْلَى
 عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ
 مُسْلِمِينَ ﴿٥٣﴾ أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرُهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ
 بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٥٤﴾ وَإِذَا سَمِعُوا
 اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَلُكُمْ وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ سَلَمٌ
 عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ ﴿٥٥﴾ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ
 وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾
 وَقَالُوا إِنْ تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نَتَّخِطُفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ
 نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا
 مِنْ لَدُنَّا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ
 قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَكِنُهُمْ لَمْ تُمْسِكْ مِنْ
 بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ ﴿٥٨﴾ وَمَا كَانَتْ رُبُكَ
 مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَارَ سُورًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ
 ءَايَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ ﴿٥٩﴾

﴿۵۱﴾ وهرآئینه ما پی درپی برای ایشان این قرآن را آوردیم تا بآورد که ایشان پندپذیرند.
 ﴿۵۲﴾ آنانکه ایشان را پیش از قرآن کتاب داده ایم ایشان به قرآن ایمان می آورند. ﴿۵۳﴾
 و چون قرآن برایشان خوانده میشود گویند به آن ایمان آوردیم هرآئینه وی از جانب پروردگار ما راست است هرآئینه ما پیش از نزول قرآن فرمانبردار بودیم. ﴿۵۴﴾ اینانند که پاداششان به آنکه بردباری ورزیدند دوبرابرداده شود و به خصلت نیک، بدی را دفع می کنند و از آنچه ایشان را روزی داده ایم خرج می کنند. ﴿۵۵﴾ و چون سخن بیهوده را بشنوند از آن روی بگردانند و گویند ما راست کردارهای ما و شمارا است کردارهای شما سلام بر شما باد صحبت جاهلان^(۱) را نمی خواهیم. ﴿۵۶﴾ (یا محمد) هرآئینه تو هدایت نمی نمایی هرکه را دوست می داری ولیکن خدا هدایت می نماید هرکه را خواهد و او به راه یافتگان داناتر است. ﴿۵۷﴾ و گفتند (بعض اهل مکه) اگر باتو پیروی هدایت کنیم از زمین خود ربهوده شویم^(۲) آیا ایشان را در حرمی با امن جای ندادیم به سوی وی میوه ها از هر جنس روزی از نزد ما رسانیده میشود ولیکن بیشترین ایشان نمی دانند. ﴿۵۸﴾
 و چه بسا از شهرها که در سرخوشی از زیست خود از حد در گذشتند هلاک کردیم پس این خانه های سکونت ایشان است که بعد از آنان سکنی داده نشده اند مگر اندکی ما بدست آورنده میراث ایشان بودیم. ﴿۵۹﴾ و هرگز پروردگارتو هلاک کننده ده ها نیست تا آنکه در کانون و مرکز آن پیامبری را بفرستد که برایشان آیات ما را بخواند و هرگز نیستیم هلاک کننده ده ها مگر در آن حال که اهل آنها ستمکار باشند.

(۱) مترجم گوید یهود پیش از آنکه آن حضرت صلی الله علیه وسلم به مدینه هجرت کند و نسخ یهودیت تصریح فرماید معتقد قرآن بودند و می گفتند عرب را قرآن لازم است.

(۲) یعنی مردمان اخراج کنند.

وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنْتُهَا وَمَا عِنْدَ
 اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٠﴾ أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا
 فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ
 مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿٦١﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَاءِيَ
 الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٦٢﴾ قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا
 هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ
 مَا كَانُوا إِلَّا نَاعِبُونَ ﴿٦٣﴾ وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ
 فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ
 ﴿٦٤﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦٥﴾
 فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿٦٦﴾ فَأَمَّا
 مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ
 ﴿٦٧﴾ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ
 اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٨﴾ وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ
 صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٦٩﴾ وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ
 الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٧٠﴾

﴿۶۰﴾ و هر چه شمارا از هر نوعی داده شد پس بهره مندی زندگانی دنیا و آرایش او است و آنچه نزد خداست بهتر و پابنده تراست ایانمی فهمید؟ ﴿۶۱﴾ آیا کسیکه وعده دادیمش وعده نیک پس او دریابنده آنست مانند کسی است که به منفعت زندگانی دنیا بهره مند ساختیمش بازوی روز قیامت از حاضر کردگان است^(۱). ﴿۶۲﴾ و روزیکه ایشان را آواز دهد پس گوید کجایند آن شریکان من که شما گمان می کردید. ﴿۶۳﴾ گویند آنانکه برایشان حکم عذاب ثابت شد^(۲) ای پروردگار ما این جماعت هستند که ایشان را گمراه کردیم چنانکه خود گمراه شدیم^(۳) (از آنان) به نزد تو تبری می جویم، ایشان (درواقع) مارانمی پرستیدند. ﴿۶۴﴾ و گفته شود شریکان خود را بخوانید پس ایشان را بخوانند پس ایشان دعای ایشان را قبول نکنند و عذاب را ببینند و تمنا کنند ای کاش ایشان راه یاب می بودند. ﴿۶۵﴾ و روزیکه خدا ایشان را آواز دهد پس گوید پیامبران را چه جواب دادید؟ ﴿۶۶﴾ پس خبرها آن روز برایشان مشتبه شود پس ایشان از یک دیگر سوال نکنند^(۴). ﴿۶۷﴾ پس اما کسیکه توبه نموده و ایمان آورده و کارشایسته انجام داده باشد پس امید است که از رستگاران باشد. ﴿۶۸﴾ و پروردگار تو هر آنچه را بخواهد می آفریند و برمی گزیند هر که را خواهد ایشان اختیار ندارند، پاکی خدای راست و برتر است از آنچه که شریک می آورند. ﴿۶۹﴾ و پروردگار تو آنچه را که سینه های ایشان پنهان می دارد و آنچه را آشکار می کنند میداند. ﴿۷۰﴾ و اوست خدا، هیچ معبود برحقّی غیر از او نیست برای اوست ستایش درد دنیا و آخرت برای او است فرمانروایی و به سوی او باز گردانیده شوید.

(۱) یعنی در عذاب.

(۲) یعنی رئیس کفر.

(۳) یعنی بغیر اکراه.

(۴) یعنی جواب باصواب نیابند.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ
 الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَوْ لَا تَسْمَعُونَ
 ﴿٧١﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى
 يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ
 فِيهِ أَوْ لَا تَبْصُرُونَ ﴿٧٢﴾ وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ
 وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ
 تَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَاءِيَ الَّذِينَ
 كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٧٤﴾ وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا
 هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ
 مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٧٥﴾ إِنَّ قُرُونًا كَانَتْ مِنْ قَوْمِ مُوسَى
 فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ وَلَتَنُوءَ
 بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ
 لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ﴿٧٦﴾ وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ
 وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ
 وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٧٧﴾

﴿۷۱﴾ بگو آبادیدید که اگر خدای تعالی بر شما شب را پاینده گرداند تا روز قیامت کیست معبودی غیر از خدا که پیش شماروشنی را بیارد آیا نمی شنوید؟ ﴿۷۲﴾ بگو آیا دیدید که اگر خدای تعالی بر شما روز را پاینده گرداند تا روز قیامت کیست معبودی غیر از خدا که برای شما شبی را که آرام گیرید در آن بیارد آیا نمی بینید؟ ﴿۷۳﴾ و از رحمت خود برای شما شب و روز را ساخت تا در شب آرام گیرید و تا از فضل او روزی طلب کنید^(۱) و تا شکرگزاری کنید. ﴿۷۴﴾ و روزیکه ایشانرا آواز دهد پس گوید کجایند آن شریکان من که گمان می کردید. ﴿۷۵﴾ و از هرامتی گواهی را بیرون کشیم^(۲) پس گوئیم قوم را دلیلتان را بیاورید پس بدانند که حق به جانب خداست و گم شود از ایشان آنچه افترا می کردند. ﴿۷۶﴾ هر آئینه قارون از قوم موسی بود پس بر ایشان تجاوز کرد و او را از گنجها آن قدر که کلید های او گرانی می کرد جماعت صاحب توانایی را عطا کرده بودیم چون به او قوم او گفت شاد مشو هر آئینه خدا شاد شوندگان را دوست نمی دارد. ﴿۷۷﴾ و در آنچه خدا تو را عطا کرده است صلاح سرای آخرت بجوی و نصیب خود را از دنیا^(۳) فراموش مکن و نیکوکاری کن چنانکه خدا بر تو احسان کرده است و فساد را در زمین مجو هر آئینه خدا فساد کنندگان را دوست نمی دارد.

(۱) یعنی در روز.

(۲) یعنی هر پیامبری بر قوم خود گواهی دهد.

(۳) یعنی در دنیا عمل صالح به جا آر.

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ وَعَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ
 مِنْ قَبْلِهِ مِنْ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا
 وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ ﴿٧٨﴾ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ
 فِي زِينَتِهِ ۖ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَلِيتَ لَنَا
 مِثْلَ مَا أُوتِيَ قُرُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٧٩﴾ وَقَالَ الَّذِينَ
 أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَدَّكُم ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ
 صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ ﴿٨٠﴾ فَخَسَفْنَا بِهِ
 وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ وَمِنْ دُونَ
 اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ ﴿٨١﴾ وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَتَّوْا
 مَكَانَهُ بِالْأُمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَآنَ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ
 يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْ لَا أَن مِّنَ اللَّهِ عَلَيْنَا خَسَفٌ بِنَا
 وَيَكَآنَهُ لَا يَفْلَحُ الْكَافِرُونَ ﴿٨٢﴾ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا
 لِلَّذِينَ لَا يَرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا ۖ وَالْعِقَبَةُ لِمُتَّقِينَ
 ﴿٨٣﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا
 يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾

﴿۷۸﴾ گفت جز این نیست که مرا مال فراوان داده شده است بنابراین من است ایاندا نیست که خدا پیش از او از نسلیها کسانی را که از او توانمندتر و مال اندوزتر بودند هلاک کرد و گنهکاران از گناهان ایشان^(۱) پرسیده نمی شوند. ﴿۷۹﴾ پس بر قوم خود در آرایش خویش بیرون آمد آنانکه زندگانی دنیارا طلب می کردند گفتند ای کاش ما (نیز) مانند آنچه به قارون داده شده است داشته باشیم هر آئینه وی صاحب نصیب بزرگ است. ﴿۸۰﴾ و گفتند آنانکه ایشان را علم داده شد و ای بر شما ثواب خدا آنکس را که ایمان آورد و کار شایسته کرد بهتر است و این سخن راجز بُردباران نمی پذیرند. ﴿۸۱﴾ پس قارون و سرای او را به زمین فرو بردیم پس برای او هیچ گروهی که او را غیر خدا نصرت دهند نبود و خودش نیز از نصرت یافتگان نبود. ﴿۸۲﴾ و گشتند آنانکه منزلتِ او را دیروز آرزو می کردند می گفتند ای عجب که خدا رزق را برای هر که خواهد از بندگان خویش گشاده می کند و تنگ می سازد برای هر که خواهد و اگر آن نبود که خدا بر ما انعام کرد هر آئینه ما را فرو بردی ای عجب که کافران رستگار نمی شوند. ﴿۸۳﴾ این سرای آخرت است که آن را برای آنانکه دنبال استکبار در زمین و فساد نیستند مقرر می کنیم و حسنِ عاقبت برای پرهیزکاران است. ﴿۸۴﴾ هر که نیکی بیاورد پس او را بهتر از آن است و هر کس که بدی بیاورد پس آنانکه به عمل آوردند خطاها جزا داده نمی شوند مگر (بر اساس) آنچه می کردند.

(۱) یعنی در صورت لزوم پاداش مجال عذر نیست والله اعلم.

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي
 أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٨٥﴾ وَمَا كُنْتَ
 تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ فَلَا
 تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾ وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ
 اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
 الْمُشْرِكِينَ ﴿٨٧﴾ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
 كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٨﴾

سورة العنكبوت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْم ﴿١﴾ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ
 لَا يُفْتَنُونَ ﴿٢﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ
 صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ﴿٣﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ
 السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٤﴾ مَنْ كَانَ يَرْجُوا
 لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٥﴾ وَمَنْ
 جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾



﴿۸۵﴾ هرآئینه خدایی که بر تو قرآن را نازل کرد البته باز گرداننده است تورا به سوی بازگشت گاهی^(۱) بگو پروردگار من به هرکس که هدایت را آورد وبه هرکس که وی در گمراهی ظاهر است داناتراست. ﴿۸۶﴾ وتوقع نمی‌داشتی که به سوی تو کتاب فرود آورده شود لیکن به رحمتی از پروردگارتو (فرو فرستاده شد) پس هرگز مددکار کافران مشو. ﴿۸۷﴾ وکافران تورا از تبلیغ آیات خدا بعد ازآنکه فرود آورده شد به سوی تو بازدارند وبه سوی پروردگار خویش دعوت کن وهرگز ازمشرکان مباش. ﴿۸۸﴾ وباخدا معبود دیگری را مخوان هیچ معبود برحق غیر از او نیست هرچیز هلاک شونده است مگر او، مراورا است فرمانروایی وبه سوی او بازگردانیده می شوی.

سوره عنکبوت مکی است و آن شصت و نه
آیه و هفت رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ الم. ﴿۲﴾ آیا مردمان پنداشتند که رها می‌شوند به محض آنکه بگویند ایمان آورده‌ایم وایشان امتحان کرده نشوند. ﴿۳﴾ به درستی که امتحان کردیم آنان را که پیش ازایشان بودند پس البته خدا آنانرا که راست گفتند متمیز می کند والبته دروغ گویان را (نیز) متمیز می کند. ﴿۴﴾ آیا آنانکه مرتکب بدیها می‌شوند گمان کردند که برما پیش دستی می‌کنند بدچیزی است که به آن حکم می‌کنند. ﴿۵﴾ هرکس که ملاقات خدا را امید داشته باشد پس هرآئینه میعاد خداالبته آینده است واوست شنوای دانا. ﴿۶﴾ وهرکس که جهاد می کند جزاین نیست که جهاد میکند برای نفع خویش هرآئینه خدا از جهانیان بی نیاز است.

(۱) یعنی آخرت.

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ
وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٧﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ
بِرَءَائِهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ
فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَىٰ مَرْجِعِكَ فَانْتَظِرْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾
وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ
﴿٩﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ
فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ
إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ
﴿١٠﴾ وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنْفِقِينَ
﴿١١﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا
وَلْنَحْمِلَ خَطِيئَتَكُمْ وَمَاهُمْ بِحَمِيلِينَ مِنْ خَطِيئَتِهِمْ مِنْ
شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٢﴾ وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ
أَثْقَالِهِمْ وَلَيَسْئَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ
﴿١٣﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ
إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١٤﴾

﴿۷﴾ وآنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند البته از ایشان خطاهای ایشان را محو کنیم و البته ایشان را به نیکوترین آنچه می کردند پاداش می دهیم. ﴿۸﴾ و آدمی را نسبت به پدر و مادرش به نیک رفتاری امر کردیم و اگر کوشش کنند با تو تا آنکه شریک آوری با من آنچه را که تو را به حقیقت آن دانشی نیست پس فرمانبرداری ایشان مکن به سوی من است بازگشت شما پس شمارا به آنچه می کردید خبر می دهیم. ﴿۹﴾ و آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند البته ایشان را در زمره شایستگان در می آوریم. ﴿۱۰﴾ و از مردمان کسی هست که می گوید به خدا ایمان آوردیم پس چون او را در راه خدا آزار داده شد رنج دادنِ مردمان را مانند عذاب خدا می شمرد و اگر فتحی از نزد پروردگارتو بیاید حتما گویند هر آینه ما با شما بودیم آیا خدا دانایتر نیست به آنچه در سینه های جهانیان است. ﴿۱۱﴾ و البته خدا آنان را که ایمان آورده اند میداند و البته منافقان را (نیز) میداند. ﴿۱۲﴾ و کافران به مسلمانان گفتند پیرویِ راهِ ما کنید و البته ما گناهانِ شما را بر می داریم و نیستند ایشان بردارنده چیزی از گناهان آن جماعت هر آینه ایشان دروغ گویند. ﴿۱۳﴾ و البته بارهای خویش و بارهایی را همراه بارهای خویش بردارند و البته روز قیامت از آنچه افترا می کردند^(۱) سوال کرده می شوند. ﴿۱۴﴾ و بیگمان نوح را به سوی قوم او فرستادیم در ایشان هزار سال مگر پنجاه سال ماند پس ایشان را طوفان در گرفت و ایشان ستمکار بودند.

(۱) یعنی بارگمراه شدن و گمراه کردن بردارند و بار تابعان از سر ایشان دفع نکند.

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَصْحَبَ السَّفِينَةَ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ
 ١٥ وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ
 خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ١٦ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ
 دُونِ اللَّهِ أَوثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ
 دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ
 وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ ۖ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ١٧ وَإِنْ تَكْذِبُوا
 فَقَدْ كَذَّبْتُمْ عَنْ قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ
 الْمُبِينُ ١٨ أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ
 يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ١٩ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ
 فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ
 إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٢٠ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ
 مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ ٢١ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي
 الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ
 وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ٢٢ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ
 أُولَٰئِكَ يُسْأَوْنَ مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٢٣

﴿۱۵﴾ پس نوح و اهل کشتی را نجات دادیم و کشتی را نشانه ای برای جهانیان ساختیم.
 ﴿۱۶﴾ و (فرستادیم) ابراهیم را وقتی که به قوم خود گفت پرستش خدا کنید و از وی بترسید
 این برای شما اگر می دانید بهتر است. ﴿۱۷﴾ جز این نیست که به جای خدا بتان را می
 پرستید و دروغ را برمی بندید هرآینه آنانکه غیر از خدا را پرستش می کنند به شماروی دادن
 نمی توانند پس از نزد خدا روزی را طلب کنید و او را پرستش کنید و برای او شکر بجا
 آورید به سوی او باز گردانیده خواهید شد. ﴿۱۸﴾ و اگر تکذیب می کنند پس به درستی که
 امت های پیش از شما تکذیب کرده بودند و نیست بر پیامبر مگر پیغام رسانیدن آشکار.
 ﴿۱۹﴾ آیندیده اند که خدا چگونه آفرینش را آغاز می کند باز بار دیگر آفرینش را
 بازگرداند هرآینه این کار بر خدا آسان است. ﴿۲۰﴾ بگو در زمین بگردید پس بنگرید
 چگونه آفرینش را آغاز کرد باز خدا آن پیدایش بازپسین را پیدا کند هرآینه خدا بر هر چیز
 تواناست. ﴿۲۱﴾ هر کس را که بخواهد عذاب می کند و هر که را بخواهد رحم می کند و به
 سوی او باز گردانیده خواهید شد. ﴿۲۲﴾ و شما نه در زمین و نه در آسمان عاجز کننده (خدا)
 نیستید و شما را هیچ دوستی و نه یاری دهنده ای بجز خدا نیست. ﴿۲۳﴾ و آنانکه به آیات
 خدا و به ملاقات او کافر شدند آن جماعت از رحمت من نا امید شدند و آن جماعت بر
 ایشان عذاب درد ناک است.

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ
فَأَنجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ
﴿٢٤﴾ وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم
بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَىٰكُمُ النَّارُ
وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ ﴿٢٥﴾ * فَأَمَنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ
إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٦﴾
وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ
النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ
فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٧﴾ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ
إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ
مِّنَ الْعَالَمِينَ ﴿٢٨﴾ أَتِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقَاطِعُونَ
السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ
قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتَّيْنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ
الصَّادِقِينَ ﴿٢٩﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ ﴿٣٠﴾



﴿۲۴﴾ پس جواب قوم ابراهیم نبود مگر آنکه گفتند اورا بکشید یا اورا بسوزانید پس خدا اورا از آتش نجات داد هرآئینه دراین ماجرا نشانه هاست برای گروهی که باور میدارند.

﴿۲۵﴾ وگفت ابراهیم جزاین نیست که به جای خدا بتان را به جهت دوستی درمیان خویش درزندگانی دنیا گرفته اید باز روز قیامت بعضی از شما بعضی دیگر را انکار می کنید و بعضی از شما به بعضی دیگر لعنت می فرستد و جای شما دوزخ است و شما را هیچ یاری دهنده ای نیست. ﴿۲۶﴾ پس لوط ابراهیم را باورداشت وگفت (ابراهیم) هرآئینه من به سوی پروردگار خویش هجرت کننده ام هرآئینه وی غالب باحکمت است. ﴿۲۷﴾ اورا اسحق و یعقوب بخشیدیم و در اولاد وی پیامبری و کتاب را مقرر داشتیم و او را پاداش اودردنیا دادیم و هرآئینه وی در آخرت از شایسته گان است. ﴿۲۸﴾ و لوط را فرستادیم و قتیکه به قوم خود گفت هرآئینه شما کار بی حیایی را به عمل می آورید که هیچ کس از جهانیان در (ارتکاب) آن از شما پیشی نگرفته است (۲۸). ﴿۲۹﴾ آیا شما به قصد شهوت به مردان می آید و طریق را قطع می کنید در مجلس خویش کار ناپسندیده به عمل می آورید پس جواب قوم او نبود مگر آنکه گفتند پیش ما عذاب خدا را بیاور اگر از راست گویان هستی. ﴿۳۰﴾ گفت ای پروردگار من مرا بر قوم مفسدان نصرت ده.

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا
 أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ ﴿٢١﴾
 قَالَ إِنِّي فِيهَا لُوْطًا قَالُوا لَوْ أَنْتُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنَبَجِّسَنَّهٗ
 وَأَهْلَهُ إِلَّا أَمْرَاتَهُ وَكَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٢٢﴾ وَلَمَّا
 أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا
 وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجِيكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا
 أَمْرَاتُكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٢٣﴾ إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَى أَهْلِ
 هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ
 ﴿٢٤﴾ وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ
 ﴿٢٥﴾ وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَتَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ
 وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ
 ﴿٢٦﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ
 جِثْمِينَ ﴿٢٧﴾ وَعَادًا وَثَمُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ
 مِنْ مَّسَاسِكِنِهِمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ
 فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ ﴿٢٨﴾

﴿۳۱﴾ ووقتیکه فرستادگانِ ما پیش ابراهیم مژده را آوردند گفتند هرآئینه ما هلاک کنندهٔ اهل این دَهِیمِ هرآئینه اهل این ده ستمکار بودند. ﴿۳۲﴾ گفت ابراهیم هرآئینه در آنجا لوط است گفتند ما به هرکه آنجاست دانا تریم البته او و اهل او را نجات دهیم مگر زن او را که از باقی ماندگان باشد. ﴿۳۳﴾ ووقتیکه فرستادگانِ ما پیش لوط آمدند به سبب ایشان اندوهگین کرده شد و به سبب ایشان تنگدل شد و آن فرستادگان گفتند مترس و اندوه مخور هرآئینه نجات دهندهٔ تو و اهل توایم مگر زن تو از باقی ماندگان باشد. ﴿۳۴﴾ هرآئینه ما بر اهل این ده عقوبتی را از آسمان فرود آورنده‌ایم به سبب آنکه بدکاری می کردند. ﴿۳۵﴾ و هرآئینه از آن ده نشانه‌ای واضح برای گروهی که درمی‌یابند گذاشتیم. ﴿۳۶﴾ و به سوی مدین برادرِ ایشان شعیب را فرستادیم پس گفت ای قوم من عبادت خدا کنید و به روز آخرت توقع دارید و هر سو در زمین فساد کنان مگردید. ﴿۳۷﴾ پس او را تکذیب کردند پس ایشان را زلزله در گرفت پس در خانه های خویش مرده افتاده بامداد کردند. ﴿۳۸﴾ وعاد و ثمود را هلاک کردیم و هرآئینه واضح شده است برای شما بعضی از مساکن ایشان و شیطان کارهایشان را بر ایشان آراسته جلوه داد پس ایشان را از راه درحالی که بینا بودند بازداشت.

وَقُرُونٍ وَفِرْعَوْنَ وَهَمَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ
 فَأَسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَاقِينَ ﴿٣٩﴾
 فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذُنُوبِهِ فَمِنْهُمْ مَن أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا
 وَمِنْهُمْ مَن أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَن خَسَفْنَا بِهِ
 الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَن أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ
 وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤٠﴾ مَثَلُ الَّذِينَ
 اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ
 اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ
 لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ مِنْ
 دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٤٢﴾ وَتِلْكَ
 الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ
 ﴿٤٣﴾ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ
 لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٤﴾ أَتُلْ مَا أَوْحَى إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ
 وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ۖ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ
 وَالْمُنْكَرِ ۚ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿٤٥﴾

﴿۳۹﴾ (ونیز قارون وفرعون وهامان را هلاک کردیم) وهرآئینه موسیٰ به نشانه های واضح به ایشان آمده بود پس در زمین تکبر کردند و سبقت کنندگان نبودند. ﴿۴۰﴾ پس هریکی را به وبال گناهش گرفتار کردیم پس از ایشان کسی بود که فرستادیم بروی بادسنگ بار و از ایشان کسی بود که او را آواز سخت در گرفت و از ایشان کسی بود به زمین فرو بردیمش و از ایشان کسی بود که غرق ساختیم و هرگز خدا بر آن نبود که برایشان ظلم کند ولیکن ایشان برخویشتن ستم می کردند. ﴿۴۱﴾ وصف آنانکه دوستان گرفته اند غیر از خدا همچوداستان عنکبوت است که خانه ای فراگرفت وهرآئینه سست ترین خانه ها خانهٔ عنکبوت است اگر می دانستند^(۱). ﴿۴۲﴾ هرآئینه خدا حال هر چیزی را که به جزوی می پرستند از هرچه باشد میداند و اوست غالب با حکمت. ﴿۴۳﴾ واین داستان ها است که آنها را برای مردمان بیان می کنیم و آن را نمی فهمند مگر دانیان. ﴿۴۴﴾ خدا آسمانها و زمین را به تدبیر درست آفرید هرآئینه درین کار برای مسلمانان نشانه ای است. ﴿۴۵﴾ (یا محمد) آنچه به سوی تو وحی فرستاده شده از کتاب بخوان و نماز را برپا دار هرآئینه نماز از کار بیحیایی و فعل ناپسندیده جلو گیری میکند و البته یاد کردن خدا از همه بزرگ تر است و خدا آنچه میکند میداند.

(۱) مترجم گوید حاصل مثل آنست که ایشان به بتان پناه برده اند و بتان به ایشان هیچ نفع نرسانند چنانکه خانهٔ عنکبوت هیچ فائده نمی دهد.

* وَلَا تَجِدْ لَوْ أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا
 الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا ءَامَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ
 إِلَيْكُمْ وَالْهَنَا وَالْهُكْمُ وَحَدُّ وَحْنٍ لَهُ مُسْلِمُونَ
 ٤٦ وَكَذَلِكَ أُنزِلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمْ
 الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا
 يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ ٤٧ وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ
 قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لَآتَاكَ
 الْمُبْطِلُونَ ٤٨ بَلْ هُوَ آيَةٌ بَيِّنَةٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ
 أُوْتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ ٤٩ وَقَالُوا
 لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَةُ عِنْدَ اللَّهِ
 وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ٥٠ أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ
 الْكِتَابَ يُتْلَى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَى
 لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ٥١ قُلْ كَفَى بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ
 شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا
 بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ٥٢

﴿۴۶﴾ و یا اهل کتاب مگر به خصلتی که وی نیک است مکابره مکنید مگر با آنانکه از ایشان ستم کردند و بگوئید به آنچه فرود آورده شد به سوی ما ایمان آوریم و به آنچه فرود آورده شد به سوی شما و معبود ما و معبود شما یکی است و ما تنها فرمانبردار او هستیم. ﴿۴۷﴾ (و چنانکه کتاب های سابق فرود آورده بودیم) همچنان به سوی تو کتاب را فرود آوریم پس آنانکه ایشان را کتاب دادیم به آن ایمان می آورند و از عرب کسی است که ایمان می آورد به آن و انکار نمی کنند آیات ما را مگر کافران. ﴿۴۸﴾ و پیش از نزول قرآن هیچ کتابی را نمی خواندی هیچ کتابی را بدست راست خود نمی نوشتی آنگاه این بدکیشان در شک می افتادند. ﴿۴۹﴾ بلکه قرآن آیات روشن است محفوظ در سینه های آنانکه ایشان را علم داده شد و آیات ما را انکار نمی کنند مگر ستمکاران^(۱). ﴿۵۰﴾ و گفتند چرا بر این پیامبر نشانه هایی از جانب پروردگار وی فرستاده نشد؟ بگو نشانه ها تنها نزد خدا است من فقط ترساننده آشکارم. ﴿۵۱﴾ آیا ایشان را کفایت نکرده است آنکه فرستادیم بر تو کتاب که برایشان خوانده میشود هر آئینه درین (کار) برای قومی که باور میدارند البته رحمت و پندی است. ﴿۵۲﴾ بگو خدا میان من و میان شما گواه بس است میداند آنچه در آسمان ها و زمین است و آنانکه به باطل گرویدند و به خدا کافر شدند ایشان زیان کاران اند.

(۱) مترجم گوید بعض مفسران گفته اند که مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا بِالْعَذَّةِ» به تنها ذات حضرت پیامبرست صلی الله علیه وسلم والله اعلم.

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْ لَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ
وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْةٌ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٣﴾ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ
وَأَنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿٥٤﴾ يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ
مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
﴿٥٥﴾ يِعْبَادِى الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنِّى أَرْضِى وَسِعَةٌ فِىَّ لِى فَأَعْبُدُونِ
﴿٥٦﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ
ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرَى
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعَمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿٥٨﴾ الَّذِينَ
صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٥٩﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ
رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٠﴾ وَلَئِنْ
سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
لَيَقُولَنَّ اللَّهُ فَاَلَيْسَ يُؤْفِكُونَ ﴿٦١﴾ اللَّهُ يُبْسِطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ
عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنْ أَلَّاهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٢﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ
مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا
لَيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٣﴾

﴿۵۳﴾ وعذاب را از تو به شتاب می طلبند و اگر میعاد معینی نبودى البته بدیشان عذاب برسید و البته ناگهان به ایشان درحالی که ایشان ندانند بیاید. ﴿۵۴﴾ عذاب را از تو به شتاب طلب میکنند و هرآئینه دوزخ به یقین کافران را دربرگیرنده است. ﴿۵۵﴾ روزیکه ایشان را عذاب از بالای ایشان و از زیرپاهای ایشان فروپوشاند و خدا بگوید جزای آنچه را که میکردید بچشید. ﴿۵۶﴾ ای^(۱) بندگانِ مسلمان من! هرآئینه زمین من گشاده است پس خاص مرا عبادت کنید. ﴿۵۷﴾ هر شخص چشنده مرگ است باز به سوى ما بازگردانیده شوید. ﴿۵۸﴾ و آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند البته ایشان را از بهشت به محل های بلند فرود آوریم که زیر آن جویها می رود جاویدان در آنجا (می مانند) پاداش عمل کنندگان چه نیک است. ﴿۵۹﴾ همانانکه صبر کردند و بر پروردگار خویش توکل میکنند. ﴿۶۰﴾ و بساجانور که روزی خود را بر نمی دارد خدا او را و شما را نیز روزی میدهد و او شنوای دانا است. ﴿۶۱﴾ و اگر از ایشان پرسى چه کسی آسمان ها و زمین را آفرید و خورشید و ماه را رام گردانید البته می گویند خدا پس چگونه از راه توحید برگردانده میشوند. ﴿۶۲﴾ خدا روزی را برای هرکس که بخواهد از بندگان خویش فراخ میکند و برای هرکس که بخواهد تنگ می سازد هرآئینه خدا به هر چیز داناست. ﴿۶۳﴾ و اگر از ایشان پرسى چه کسی از آسمان آب را فرود آورد پس به آن زمین را بعد از مردن آن زنده ساخت البته بگویند خدا بگوستایش خدای راست بلکه بیشترین ایشان نمی فهمند.

(۱) مترجم گوید خدای تعالی ترغیب میفرماید بر هجرت به حبشه و مدینه به این آیات.

وَمَا هَذِهِ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوَ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِىَ
 الْحَيَوانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٦٤﴾ فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ
 مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿٦٥﴾
 لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾
 أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَفَتُ النَّاسُ مِنْ
 حَوْلِهِمْ أَفِي الْبَطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ ﴿٦٧﴾
 وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ
 أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا
 فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٦٩﴾

سُورَةُ الرُّومِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْم ﴿١﴾ غَلَبَتِ الرُّومُ ﴿٢﴾ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ
 بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ ﴿٣﴾ فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ
 مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٤﴾
 بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٥﴾

﴿۶۴﴾ وزند گانی این دنیا جزلهو ولعب و بیهوده نیست هر آئینه سرای آخرت آنست سرای زندگانی (حقیقی) اگر می دانستند. ﴿۶۵﴾ پس ایشان چون در کشتی ها سوار شوند به جناب خدا خالص کنان برای وی عبادت را دعا کنند پس وقتی که ایشانرا (از خطر دریا) به سوی زمین خشک نجات داد ناگهان ایشان شریک می آورند. ﴿۶۶﴾ تاناسپاسی کنند به آنچه ایشانرا عطا کردیم و تابهره مند شوند^(۱) پس زود (حقیقت حال را) خواهند دانست. ﴿۶۷﴾ آیندیده اند که ما حرمی با امن را مقرر داشته ایم حال آنکه مردمان از دوروبر ایشان ربوده میشوند آیا به باطل باور می دارند و به نعمت خدا ناسپاسی میکنند. ﴿۶۸﴾ و کیست ستمکارتر از کسی که برخدا دروغی را افتراء کرد یا سخن راست را چون پیش او آمد دروغ انگارد آیا در دوزخ جایگاه کافران نیست؟ ﴿۶۹﴾ و آنانکه جهاد کردند در راه ما البته دلالت کنیم ایشان را به راه های خود و هر آئینه خدا بانی کو کاران است.

سوره روم مکی است و آن شصت
آیه و شش رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ اَلَمْ. ﴿۲﴾ قوم روم مغلوب شدند^(۲). ﴿۳﴾ در نزدیک ترین سر زمین^(۳) و ایشان پس از مغلوب شدن شان غالب خواهند شد. ﴿۴﴾ در مدت چند سال، خدای راست فرمان پیش از این و پس از این و آن روز مسلمانان شادمان شوند. ﴿۵﴾ به نصرت خدا، نصرت میدهد هر که را خواهد و او غالب مهربان است.

(۱) یعنی به دوستی یکدیگر به سبب اجتماع بر شرک بهره مند شوند.

(۲) مترجم گوید فارس بر روم غالب شدند و بعضی بلاد و سرحد را در تصرف خود آوردند چون این خبر بمکه رسید اهل اسلام اندوهگین شدند زیرا که ایشان اهل کتاب بودند و کفار شادمان گشتند زیرا که ایشان و اهل فارس امیان بودند خدای تعالی آیات نازل فرمود و به غلبه روم بر اهل فارس بشارت داد و این در چند سال بعد از هجرت متحقق شد و این قصه یکی از دلائل نبوت است.

(۳) یعنی در سر حد خود.

وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ
 ٦ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ
 ٧ أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِي رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ
 ٨ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ
 ٩ ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا السُّوْءَىٰ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ
 ١٠ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
 ١١ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ
 ١٢ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ مِّنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءُ وَكَانُوا إِشْرَكَآءَ بِهِمْ كَافِرِينَ
 ١٣ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُؤْمِدُ يُتَفَرَّقُونَ
 ١٤ فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ
 ١٥

﴿۶﴾ خدا وعده کرده است، خدا وعده اش را خلاف نمی کند ولیکن اکثر مردمان نمی دانند. ﴿۷﴾ از (تدبیر) زندگانی دنیا (تنها) ظاهر را می دانند و ایشان از آخرت بی خبرند. ﴿۸﴾ آیا درنفسهای خود تأمل نکرده اند که خدا آسمان ها وزمین را آنچه درمیان آن هردواست نیافریده است مگر به تدبیر درست و به تعیین میعادِی مقرر وهرآئینه بسیاری از مردمان به ملاقاتِ پروردگار خویش ناباورند. ﴿۹﴾ آیا درزمین نگشته اند پس بنگرند که سرانجام آنانکه پیش ازایشان بودند چگونه شد؟ ازایشان توانا تر بودند وزمین را شخم زدند و آن را بیشتر از آباد کردن ایشان آن زمین را آباد کردند وآمدند بدیشان پیامبران ایشان به معجزها پس خدا برآن نبود که برایشان ستم کند ولیکن ایشان برخویشتن ستم میکردند. ﴿۱۰﴾ باز سرانجام آن کسان که بدی کردند بدترشد از آنکه آیاتِ خدا را تکذیب کردند و به آن استهزای کردند. ﴿۱۱﴾ خدا آفرینش را آغازمی کند باز دوباره بازش می گرداند باز به سوی او باز گردانیده می شوید. ﴿۱۲﴾ وروزی که قیامت برپا می شود گنهکاران غمزه خاموش مانند ونا امید میشوند. ﴿۱۳﴾ و برای ایشان ازشریکانِ ایشان هیچ شفاعت کنندگان نباشد و به شریکان خویش ناباور باشند. ﴿۱۴﴾ وروزی که قیامت برپا می شود آن روز مردمان پراکنده می شوند. ﴿۱۵﴾ اما آنانکه ایمان آورده اند وکردارهای شایسته کرده اند پس ایشان در بهشت خوشحال کرده می شوند.

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ
فَأُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿١٦﴾ فَسَبِّحْ لِلَّهِ حِينَ تُمْسُونَ
وَحِينَ تَصْبِحُونَ ﴿١٧﴾ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ ﴿١٨﴾ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ
الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ
﴿١٩﴾ وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ
تَنْتَشِرُونَ ﴿٢٠﴾ وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ
أَزْوَاجًا لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾ وَمِنْ ءَايَاتِهِ
خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتَلَفُ اللَّسَانِ وَالْوَلَوْنِكُمْ
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ ﴿٢٢﴾ وَمِنْ ءَايَاتِهِ مَنْأَمُكُمْ
بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٢٣﴾ وَمِنْ ءَايَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبَرْقَ
خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ
بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٢٤﴾

﴿۱۶﴾ واما آنانکه کافر شده‌اند و آیاتِ ما و ملاقاتِ آخرت را تکذیب کرده‌اند پس بدانند که ایشان در عذاب حاضر کرده میشوند. ﴿۱۷﴾ پس به پاکی خدا را یاد کنید چون در شامگاه و بامداد در می‌آیید. ﴿۱۸﴾ و ستایش در آسمان‌ها و زمین او راست و (نیز) آخر روز و به هنگام نیمروزتان^(۱). ﴿۱۹﴾ زنده را از مرده بر می‌آورد و مرده را از زنده بر می‌آورد زمین را بعد مردن آن زنده می‌سازد و همچنین (از گورها) بر آورده خواهید شد. ﴿۲۰﴾ از نشانه‌های خدا آن است که شمارا از خاک آفرید باز ناگهان شما مردمانی شدید که بأمور زندگی خویش پراکنده می‌پردازید. ﴿۲۱﴾ و (نیز) از نشانه‌های خدا آن است که برای شما از جنس شما همسرانی را بیافرید تا به آنها آرام گیرید و میان شما دوستی و مهربانی پیدا کرد هر آینه درین کار نشانه هاست برای گروهی که تأمل میکنند. ﴿۲۲﴾ و (نیز) از نشانه‌های اوست آفریدن آسمان‌ها و زمین و گوناگون بودن زبانهای شما و رنگهای شما هر آینه درین کار برای دانشوران نشانه‌هاست. ﴿۲۳﴾ و از نشانه‌های اوست خواب شما در شب و روز و طلب کردن شما از فضل او (یعنی روزی) هر آینه درین کار برای قومیکه می‌شنوند نشانه‌هاست. ﴿۲۴﴾ و (نیز) از نشانه‌های اوست که به شما برق را برای ترسانیدن و رغبت دادن می‌نماید و از آسمان آب را فرود می‌آورد پس به سبب آن زمین را بعدِ مردن آن زنده میکند هر آینه درین کار برای قومی که می‌فهمند نشانه‌هاست.

(۱) مترجم گوید مراد آنست که در هر وقتی ازین اوقات دلائل تنزیه او از رذائل و اتصاف او به محامد متجدد میگردد پس مامور شدند به صلوة و الله اعلم.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ
دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ ﴿٢٥﴾ وَلَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قُنُوتٌ ﴿٢٦﴾ وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ
يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾ ضَرَبَ لَكُم مَّثَلًا
مِّنْ أَنْفُسِكُمْ ۖ هَلْ لَّكُمْ مِّن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ
شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ
كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ ۚ كَذَلِكَ نَفْصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ
يَعْقِلُونَ ﴿٢٨﴾ بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَ هُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ
فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ ﴿٢٩﴾ فَأَقْرَ
وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا
لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَٰكِن أَكْثَرُ
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾ * مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا
الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٣١﴾ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا
دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا ۚ كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿٣٢﴾

﴿۲۵﴾ و (نیز) از نشانه های خداست که آسمان و زمین به حکمِ او (در جای) می ایستند باز چون شمارا به صدایی بخواند ناگهان شما از زمین برآیدید. ﴿۲۶﴾ هر که و هر چه در آسمان ها و زمین است از آن اوست هریکی برای او فرمانبردارند. ﴿۲۷﴾ و اوست آنکه آفرینش را آغاز میکند باز دوباره برمی گرداندش و این دوباره برگرداندن بروی آسان تر است و برای او صفتِ بلند تر در آسمان ها و زمین است و او غالب با حکمت است. ﴿۲۸﴾ برای شما مثالی از حال خود شما بیان کرد آیه است برای شما از بندگانی که مالک ایشانست دست های شما هیچ شریکانی در آنچه شمارا عطا کردیم تا شما در آن یکسان باشید از ایشان می ترسید مانند ترسیدن شما از قوم خویش همچنین بیان می کنیم نشانه ها را برای قومی که می فهمند^(۱). ﴿۲۹﴾ بلکه ستمکاران خواهش های خود را بغیر علم پیروی کرده اند پس کیست کسی که هدایت کند کسی را که خدا گمراه کرده است؟ و ایشان را هیچ یاری دهنده ای نیست. ﴿۳۰﴾ پس روی خود را با حق گرایی تمام به سوی این دین استوار بگردان پیروی کن دین خدا را که مردمان را بروی پیداکرد برای دین خدا دگرگونی نیست این است دین درست ولیکن اکثر مردمان نمیدانند. ﴿۳۱﴾ انابت کنان به او (عبادت) کنید و بترسید از وی و نماز را برپا دارید و از مشرکان مباحثید. ﴿۳۲﴾ از آنانکه دین خود را پراکنده ساختند و گروه گروه شدند مباحثید هر گروهی به آنچه نزد خود دارند خورسندند.

(۱) حاصل مثل آنست که مملوك بامالك برابر نمی شود پس مملوك خدا را شريك اوتوانو گفت.

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آذَقَهُمْ
 مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾ لِيَكْفُرُوا بِمَا
 ءَاتَيْنَاهُمْ فَمَا تَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾ أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ
 سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ ﴿٣٥﴾ وَإِذَا آذَقْنَا
 النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ لِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ
 إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ ﴿٣٦﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ
 وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٣٧﴾ فَآتَتْ ذَا الْقُرْبَى
 حَقَّهُ وَوَالْمَسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ
 وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٣٨﴾ وَمَاءٌ آتَيْتُم مِّن رَّبِّا
 لَّيْرَبُّوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَمَاءٌ آتَيْتُم مِّن
 زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْغِفُونَ ﴿٣٩﴾
 اللَّهُ الَّذِى خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ
 شُرَكَائِكُمْ مَّنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَٰلِكُمْ مِّن شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى
 عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٠﴾ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ
 أَيْدِى النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِى عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤١﴾

﴿۳۳﴾ و چون به مردمان سختی رسد پروردگار خود را به درگاه او انابت کنان بخوانند باز چون ایشان را از جانب خود آسایشی بچشانند ناگهان طائفه‌ای از ایشان به پروردگار خود شریک می‌آورند. ﴿۳۴﴾ تا سرانجام درباره آنچه به آنان بخشیدیم ناسپاسی کنند پس بهره مند شوید حقیقت حال را زود خواهید دانست. ﴿۳۵﴾ آیا برایشان دلیلی را فرود آوردیم پس آن دلیل برای ایشان به آنچه با خدا شریک می‌آورند سخن میگوید. ﴿۳۶﴾ و چون مردمان را بخشایشی بچشانیم به آن شادمان شوند و اگر بدیشان سختی برسد به سبب آنچه دست‌های ایشان پیش فرستاده است ناگهان ایشان ناامید می‌شوند. ﴿۳۷﴾ آیا ندیدند که خدا کشاده میکند روزی را برای هر که می‌خواهد و تنگ میکند برای هر که می‌خواهد هر آینه درین (امر) نشانه‌ها است برای قومی که ایمان می‌آورند. ﴿۳۸﴾ پس به خویشان و حقش رابده و (نیز) حق مسکین و رهگذری را بده این دادن بهتراست برای کسانی که رضای خدا را می‌طلبند و این جماعت ایشانند رستگاران. ﴿۳۹﴾ و آنچه داده باشید از سود تابیفزاید در اموال مردمان پس وی نزد خدا نمی‌افزاید و آنچه داده باشید از صدقه رضای خدا را طلب می‌کنید پس این جماعت ایشانند فزونی‌یافتگان^(۱). ﴿۴۰﴾ خداوند کسی است که شمارا بیافزاید باز شمارا روزی داد باز شمارا بمیراند باز شمارا زنده می‌گرداند آیا از شریکان شما کسی هست که ازین کارها چیزی بکند پاکی اوراست و (از آنچه) شریک می‌آورند بلندتر است. ﴿۴۱﴾ از عمل کرد دست‌های مردم فساد دریابان و در دریا آشکارشد تابچشانند ایشان را جزای بعضی آنچه عمل کردند بُود که ایشان باز گردند^(۲).

(۱) مترجم گوید مالی را که بشرط زیادت می‌دهند ربا نام نهاده شد.

(۲) یعنی قحط، غرق و سائر مصائب جزای قتل بنی آدم می‌باشد.

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ
 كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ﴿٤٢﴾ فَأَقْصِرْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ
 قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَذِي صَدْعُونَ ﴿٤٣﴾ مَنْ
 كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسَ لَهُ يَمْهَدُونَ ﴿٤٤﴾
 لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ
 الْكَافِرِينَ ﴿٤٥﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ
 مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ
 تَشْكُرُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ
 بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ
 الْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ
 فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَنَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ
 خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ
 ﴿٤٨﴾ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُزَلَّ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ
 ﴿٤٩﴾ فَانْظُرْ إِلَى آثَرِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
 إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِ الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾

﴿۴۲﴾ بگو در زمین گردش کنید پس بنگرید سر انجام آنانکه پیش از ایشان بودند چگونه شد؟ بیشترین ایشان مشرک بودند. ﴿۴۳﴾ پس روی خود را برای دین درست استوارکن پیش از آنکه بیايد روزی که آن را از جانب خداوند باز گشتی نیست آن روز متفرق شوند. ﴿۴۴﴾ هرکس که کافر شد پس بروی است ضرر کفر او و هرکس که کار شایسته کرده باشد پس این جماعت برای خویشتن آرامگاه تهیه می کنند. ﴿۴۵﴾ تا (خداوند) آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند از فضل خود پاداش دهد هر آئینه وی کافران را دوست نمیدارد. ﴿۴۶﴾ و از نشانه های خدا آنست که بادهارا مرده دهنده می فرستد و برای آنکه شمارا از رحمت خود بچشانند (یعنی باران دهد) و برای آنکه کشتی ها به فرمان او جاری شوند و برای آنکه از فضل او (یعنی روزی) طلب کنید و برای آنکه شما شکر کنید. ﴿۴۷﴾ و هر آئینه پیش از تو پیامبران را به سوی قوم ایشان فرستادیم پس پیش قوم خود نشانه ها آوردند پس از آنانکه نافرمانی کردند انتقام کشیدیم و یاری دادن مسلمانان بر عهده ما بود. ﴿۴۸﴾ خدا کسی است که بادهارا می فرستد پس ابرا برانگیزانند پس بگستراند آن ابر را در آسمان چنانکه خواهد و بگرداندش پاره پاره پس می بینی قطرات باران را که از میان آن بیرون می آیند پس چون رساندش بهرکس که می خواهد از بندگان خود ناگهان ایشان شادمان شوند. ﴿۴۹﴾ و اگر چه پیش از آن که فرود آورده شود برایشان باران ناامید بودند. ﴿۵۰﴾ پس به آثار رحمت خدا بنگر چگونه زمین را بعد مرده بودن آن زنده میکند هر آئینه وی البته زنده کننده مُردگان است و او بر همه چیز تواناست.

وَلَيْنَ أَرْسَلْنَا رِجَالًا بِحَافِرَاتِهِ مُصْفَرًّا الظَّلُومَ مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ
 ٥١ فَإِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلُوا
 مُدِيرِينَ ٥٢ وَمَا أَنْتَ بِهَادٍ الْعُمَى عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا
 مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ٥٣ * اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ
 مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ
 قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ
 ٥٤ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لِيُثْبِتُ أَعْيُرَ
 سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ ٥٥ وَقَالَ الَّذِينَ أُتُوا
 الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ
 فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ٥٦ فَيَوْمَئِذٍ
 لَا يُنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مُعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ
 ٥٧ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ
 وَلَيْنَ جِثَّتْهُمْ بَيَّاتَةٌ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا
 مُبْطِلُونَ ٥٨ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
 ٥٩ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنَكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ٦٠

﴿۵۱﴾ واگر بادی را فرستیم پس آن کشت را زرد شده بینند البته پس از آن ناسپاس می شوند. ﴿۵۲﴾ پس هرآئینه تو مردگان را نمی شنوای و (نیز) نمی توانی به کران چون پشت داده روی بگرداند آواز بشنوای. ﴿۵۳﴾ و تورا نماینده کوران از گمراهی ایشان نیستی نمی شنوای مگر کسی را که آیاتِ ما را باور میدارد پس آن جماعت فرمانبردارند. ﴿۵۴﴾ خداوند همان کسی است که (در آغاز) شمارا از ناتوانی آفرید باز مَر شما را بعد از ناتوانی توانایی داد باز مَر شما را بعد از توانایی ناتوانی و سفید مویی داد می آفریند هر چه میخواهد و او دانا توانا است. ﴿۵۵﴾ و روزی که قیامت برپا شود گنهکاران سوگند می خورند که توقف نکرده اند یعنی در دنیا بجز ساعتی همچنین از راه برگردانیده میشدند^(۱). ﴿۵۶﴾ و آنانکه ایشان را علم و ایمان داده شده است گفتند هرآئینه توقف کرده اید بروفق کتابِ خدا تا روزِ رستاخیز پس اینست روزِ رستاخیز ولیکن شما نمی دانستید. ﴿۵۷﴾ پس آن روز ظالمان را عذر خواهی ایشان سود ندهد و نه از ایشان توبه طلب کرده شود. ﴿۵۸﴾ و هرآئینه برای مردمان درین قرآن از هر مثلی بیان کردیم واگر پیش ایشان نشانه ای بیاری البته کافران گویند شما مگر بیهوده گویان نیستید. ﴿۵۹﴾ همچنین خدا بردل های آنانکه نمیدانند مُهر می نهد. ﴿۶۰﴾ پس صبر کن هرآئینه وعدهٔ خدا را است و خشمگین و سبکسار نکنند تورا آنانکه یقین نمی آورند.

(۱) یعنی چون عقوبات مخلّده رامعاینه کردند دنیا را به مانند ساعتی خیال نمودند برعکس آنکه در حیات دنیا دنیا را به مثابه خلود خیال میکردند والله اعلم.

سُورَةُ لُقْمَانَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَلَمْ ۙ تَلِكْ ؕ اَیَّدْتَ الْكِتَابَ الْحَكِيمَ ۙ ۲ هُدًى وَرَحْمَةً
 لِّلْمُحْسِنِينَ ۙ ۳ الَّذِیْنَ یُقِیْمُونَ الصَّلَاةَ وَیُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ
 بِالْآخِرَةِ هُمْ یُوقِنُونَ ۙ ۴ اُولَئِكَ عَلٰی هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ ۙ وَاُولَئِكَ
 هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۙ ۵ وَمِنَ النَّاسِ مَن یَشْتَرِی لَهْوَ الْحَدِیثِ
 لِیُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللّٰهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَیَتَّخِذَ هَٰهُنَا ۙ وَاُولَئِكَ لَهُمْ
 عَذَابٌ مُّهِیْنٌ ۙ ۶ وَاِذَا تُتْلٰی عَلَیْهِ ؕ اَیَسْتَأْذِنُ ۙ اُولٰٓئِ مُسْتَكْبِرًا
 كَاَن لَّمْ یَسْمَعْهَا ۙ كَاَن فِی اُذُنَیْهِ وَقْرًا ۙ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ اَلِیْمٍ ۙ ۷
 اِنَّ الَّذِیْنَ ؕ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ لَهُمْ جَنَّٰتُ النَّعِیْمِ ۙ ۸
 خٰلِدِیْنَ فِیْهَا وَعَدَّ اللّٰهُ حَقًّا ۙ وَهُوَ الْعَزِیْزُ الْحَكِیْمُ ۙ ۹ خَلَقَ
 السَّمٰوٰتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَّرَوْنَهَا ۙ وَالْقَى فِی الْاَرْضِ رَوٰسِی ۙ اَن تَمِیْدَ
 بِكُمْ ۙ وَثَّ فِیْهَا مِّنْ كُلِّ دَآبَّةٍ ۙ وَاَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَآءً ۙ فَانْبَثْنَا
 فِیْهَا مِّنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِیْمٍ ۙ ۱۰ هَٰذَا خَلْقُ اللّٰهِ ۙ فَارْوٰی مَاذَا
 خَلَقَ ۙ الَّذِیْنَ مِّنْ دُونِهِ ۙ بَلِ الظَّٰلِمُوْنَ فِی ضَلٰلٍ مُّبِیْنٍ ۙ ۱۱

سوره لقمان مکی است و آن سی و چهار
آیه و چهار رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ اَلَمْ. ﴿۲﴾ این آیه های کتاب با حکمت است. ﴿۳﴾ برای نیکوکاران هدایت و بخشایش است. ﴿۴﴾ آنانکه نماز را برپا میدارند و زکوٰۃ را میدهند و ایشان به آخرت یقین میدارند. ﴿۵﴾ این جماعت از پروردگار خود بر هدایت اند و این جماعت ایشان رستگاران اند. ﴿۶﴾ و از مردمان کسی هست که می ستاند سخن بیهوده را^(۱) تا مردم را از راه خدا بغیر (هیچ) علم گمراه کند و آن را به ریشخند گیرد این جماعت ایشان راست عذاب خوار کننده. ﴿۷﴾ و چون برین شخص آیات ما خوانده شود تکبر کنان روی بگرداند گویا که آن را نشیده است گویا در هر دو گوش وی گرانی است پس او را به عذابی درد ناک خبر ده. ﴿۸﴾ هر آینه آنانکه ایمان آورده اند و کردارهای شایسته کرده اند ایشان را (باغهای) بهشت هایی پر نعمت است. ﴿۹﴾ که در آنجا جاویدانند و عده داده است خدا و عده راست و او غالب با حکمت است. ﴿۱۰﴾ خداوند آسمان هارا بغیر ستون هایی که ببینید آنها را آفرید و در زمین کوه های استوار را افکند تا زمین شمارا نه لرزاند و در زمین از هر نوع جانوران پرا گنده کرد و از آسمان آبی را فرود آوردیم پس در زمین از هر جنس ارزشمند روینانیدیم. ﴿۱۱﴾ این آفرینش خدا است پس مرا بنمایید آنانکه جز او هستند چه چیز آفریده اند بلکه ستمکاران در گمراهی ظاهرند.

(۱) یعنی مثل قصه رستم و اسفند یار.

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا
يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿١٣﴾ وَإِذْ قَالَ
لُقْمَانُ لِابْنِهِ ۖ وَهُوَ يَعِظُهُ ۖ يَبْنَىٰ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ
لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴿١٤﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِسْمَ بْنَ يُولَدِيهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ
وَهَنَا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفَصَلِّ ۖ فِي عَمَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلَوْلَا دِيكَ
إِلَى الْمَصِيرِ ﴿١٥﴾ وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ
لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۖ وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفٌ
وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ ۖ إِلَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ
بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾ يَبْنَىٰ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ
خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ
بِهَا اللَّهُ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿١٧﴾ يَبْنَىٰ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ
بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ ۖ إِنَّ ذَلِكَ
مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿١٨﴾ وَلَا تَصْعَرَ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ
مَرَحًا ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿١٩﴾ وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ
وَأَعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ ۖ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴿٢٠﴾

﴿۱۲﴾ و به راستی که لقمان را حکمت عطا کردیم (گفتیم) که خدا را شکر کن و هر کس که شکر کند پس جزاین نیست که شکر میکند برای نفع خود و هر کس که ناسپاسی کند پس هر آئینه خدا بی نیاز ستوده کار است. ﴿۱۳﴾ و یاد کن چون لقمان به پسرش در حالیکه او آن را پند میداد گفت ای پسرک من با خدا شریک مقرر مکن هر آئینه شرک ستمی بزرگ است. ﴿۱۴﴾ و انسان را نسبت به پدر و مادر وی (به نیکی) سفارش کرده ایم در شکم برداشته است او را مادر وی در حال سستی بالای سستی دیگر^(۱) و از شیر باز کردن او در دو سال است به این سفارش کرده ایم که شکر گزاری مرا و پدر و مادر خود را بکن باز گشت به سوی من است. ﴿۱۵﴾ و اگر کوشش کنند باتو بر آنکه شریک مقرر کنی بامن چیزی را که نیست تو را به آن دانش پس فرمانبرداری ایشان مکن و با ایشان در معیشت دنیا با وجه پسندیده معاشرت کن و راه کسی را در پیش بگیر که به جانب من انابت کرده است باز رجوع شما به سوی من است پس شمارا به آنچه می گردید خبر دهم. ﴿۱۶﴾ لقمان گفت ای پسرک من هر آئینه اگر باشد خطیئه هم سنگ دانه سپندان پس در میان سنگی یا در آسمان ها یا در زمین باشد (بهر حال) آن را خدا حاضر کند هر آئینه خدا باریک بین خبر دار است. ﴿۱۷﴾ ای پسرک من نماز را برپا دار و به کار پسندیده فرمان ده و از ناپسندیده منع کن و بر هر آنچه به تو برسد صبر کن هر آئینه این از کارهای مقصودست. ﴿۱۸﴾ و رخساره خود را از مردمان متاب (یعنی رومتاب از جهت تکبر و بی اعتنائی) و در زمین خرامان راه مرو هر آئینه خدا هر نازنده خود ستاینده را دوست نمیدارد. ﴿۱۹﴾ و در رفتار خود میانه روی کن و آواز خود را فرود آر هر آئینه بدترین آوازا آواز خران باشد.

(۱) یعنی هر وقت سست تر میشود والله اعلم.

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَافِى السَّمَوَاتِ وَمَافِ الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ
 عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ وَظَاهَرَهُ وَبَاطِنَهُ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِى اللَّهِ
 بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ ﴿٢٠﴾ وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا
 مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ
 الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿٢١﴾ * وَمَنْ يُسَلِّمْ
 وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ
 وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿٢٢﴾ وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ
 إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ
 ﴿٢٣﴾ نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٢٤﴾
 وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٥﴾ لِلَّهِ مَافِ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٦﴾ وَلَوْ أَنَّمَا فِى الْأَرْضِ
 مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَمٌ وَالْبَحْرِ يَمْدُهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةَ أَبْحُرٍ
 مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٧﴾ مَا خَلَقَكُمْ
 وَلَا بَعَثَكُمْ إِلَّا كَفَافٍ وَاحِدَةً إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٢٨﴾

﴿۲۰﴾ آیا ندیدید که خدا رام گردانید برای شما آنچه در آسمان ها است و آنچه در زمین است و بر شما نعمت های خود را آشکار و پنهان فرود آورد و از مردمان کسی هست که درباره خدا بغیر دانش و بغیر هدایت و بغیر کتاب روشن مکابره میکند. ﴿۲۱﴾ و چون به ایشان گفته شود که از چیزی پیروی کنید که خدا فرود آورده است گویند بلکه چیزی را پیروی می کنیم که بر آن پدران خود را یافتیم آیا پیروی میکنند اگر چه شیطان ایشان را به سوی عذاب دوزخ می خواند. ﴿۲۲﴾ و هر که روی خود را به سوی خدا و او نیکوکارست متوجه ساخت پس هر آئینه به دست آویزی محکم دست زده است و بازگشت کارها به سوی خداست. ﴿۲۳﴾ و هر که کافر شود پس تورا کفر و اندوهگین نکند رجوع ایشان به سوی ماست پس خبردار کنیم ایشان را به آنچه میکردند هر آئینه خدا داناست به خصلتی که در سینه ها باشد. ﴿۲۴﴾ ایشان را اندکی بهره مند می سازیم باز به بیچارگی ایشان را به سوی عذاب سخت برانیم. ﴿۲۵﴾ و اگر سوال کنی از ایشان چه کس آسمان ها و زمین را بیافرید البته بگویند خدا آفرید بگو ستایش خدای راست بلکه اکثر ایشان نمی دانند. ﴿۲۶﴾ آنچه در آسمان ها و زمین است از آن خدا است هر آئینه خدا همانست بی نیاز ستوده. ﴿۲۷﴾ و اگر آنچه در زمین است از درختان قلم ها شوند و دریا جوهر بود که آنرا بعد ازین دریا هفت دریای دیگر یاریگر شوند سخنان خدا به پایان نرسند هر آئینه خدا غالب با حکمت است. ﴿۲۸﴾ نیست آفریدن شما و نه برانگیختن شما الا مانند آفریدن و برانگیختن یکتا هر آئینه خدا شنوای بیناست.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ
 وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ
 بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٩﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ
 مِنْ دُونِهِ الْبَطْلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٣٠﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ
 الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ
 فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣١﴾ وَإِذَا غَشِيَهم مَوْجٌ
 كَاظِمٌ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ
 فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ
 ﴿٣٢﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمَ لَا يَجْرِي وَالِدٌ
 عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَارٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ
 حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ
 الْغُرُورُ ﴿٣٣﴾ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ
 وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا
 وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿٣٤﴾

سُورَةُ الْقَمَانِ

﴿۲۹﴾ آیاندیدی که خدا درمی آورد شب را در روز و درمی آورد روز را در شب و رام گردانید خورشید و ماه را هریکی تامدتی معین می‌رود و آیا ندیدی که خدا به آنچه می‌کنید خبردارست. ﴿۳۰﴾ این کارها به سبب آن است که خدا همونست حق و ثابت و به سبب آنست که آنچه می‌پرستند بجزوی بی اصل و باطل است و به سبب آنست که خدا همونست بلند مرتبه بزرگ قدر. ﴿۳۱﴾ آیاندیدی که کشتی‌ها در دریا به فضل خدا می‌رود تا شمارا بعضی نشانه‌های خویش بنماید هرآئینه درین (ماجرا) هر صبر کننده سپاس دارنده را نشانه هاست. ﴿۳۲﴾ و چون ایشان را موجی مانند سایبان‌ها در گیرد خدا را بخوانند برای او عبادت را خالص کرده پس آنگاه که ایشان را به سوی بیابان نجات داد پس بعضی از ایشان میانه رو باشند و آیات ما را انکار نمی‌کنند مگر هر عهد شکننده ناسپاس. ﴿۳۳﴾ ای مردمان: از پروردگار خویش بترسید و حذر کنید از روزی که کفایت نکند هیچ پدری از پسر خویش و نه فرزندی کفایت کننده باشد چیزی را از پدر خویش هرآئینه وعده خدا راست است پس شمارا زندگانی دنیا فریب ندهد و شمارا شیطان فریبنده نسبت به خدا فریب ندهد. ﴿۳۴﴾ هرآئینه خدا نزد اوست علم قیامت و باران را فرود می‌فرستد و آنچه در رحمها ی باشد میداند و نمیداند هیچ شخصی که فردا چه کار خواهد کرد و هیچ شخصی نمی‌داند که به کدام سر زمین خواهد مُرد هرآئینه خدا دانا خبر داراست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْم ١ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 ٢ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا
 مَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِّنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ٣ اللَّهُ
 الَّذِى خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ
 ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ
 أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ٤ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ
 إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ ٥ ذَلِكَ
 عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ٦ الَّذِى أَحْسَنَ
 كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ وَوَدَّ أَنْ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ طِينٍ ٧ ثُمَّ جَعَلَ
 نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ ٨ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ
 رُّوحِهِ ٩ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا
 مَّا تَشْكُرُونَ ١٠ وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي
 خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ ١١ قُلْ يَتُوقَدُكُمْ
 مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِى وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ١٢

سوره سجده مکی است و آن سی
آیه و سه رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ اَلَمْ. ﴿۲﴾ فرود آوردن کتاب که هیچ شکّی در آن روا نیست از جانب پروردگار جهانیان است. ﴿۳﴾ آیامی گویند آنرا برافته است؟ بلکه وی راست است از جانب پروردگار تو آمده تا بترسانی قومی را که نیامده است به ایشان هیچ ترساننده ای پیش از تو تا باشد که ایشان راه یابند. ﴿۴﴾ خدا کسی است که آسمان ها و زمین را و هر آنچه ما بین آنهاست درشش روز آفرید بازقرار گرفت بر عرش نیست شمارا جزا و هیچ دوستی و نه شفاعت کننده ای آیا پند پذیر نمی شوید. ﴿۵﴾ کار را تدبیر میکند فرودآورده از آسمان به سوی زمین باز بالا می رود آن کار به سوی خدا در روزیکه هست مقدار آن هزار سال از آنچه که می شمارید^(۱). ﴿۶﴾ این است صفت داننده نهان و آشکار غالب مهربان. ﴿۷﴾ کسی که به نیک ترین وجه ساخت هر چیزی را که آفریدش و آفرینش آدمی را از گِل آغاز کرد. ﴿۸﴾ باز نسل او را از خلاصه ای از آبِ خوار پیدا کرد. ﴿۹﴾ باز درست اندام کردش و در وی روح خود را دمید و پیدا کرد برای شما گوش و چشم ها و دل ها اندکی شکرمی کنید. ﴿۱۰﴾ و گفتند چون در زمین گم شویم آیا ما در آفرینش نو خواهیم بود بلکه ایشان به ملاقات پروردگار خویش کافراند. ﴿۱۱﴾ بگو ملک الموت قبض روح شمامی کند که بر شما گماشته شده است باز به سوی پروردگار خویش گردانیده شوید.

(۱) یعنی اگر مردمان نزول تدبیر و عروج او را تصور کنند در کم از هزار سال خیال نمایند و آن همه پیش خدای تعالی در یک روز تمام می شود غرض آن است که او هام ایشان به قدرت او نمی رسند والله اعلم.

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُرْسَلُونَ نَاكِسُو أُرُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ
 رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ
 ﴿١٢﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدًى وَلَٰكِنْ حَقَّ
 الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ
 ﴿١٣﴾ فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ
 وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾ إِنَّمَا يُؤْمِنُ
 بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ
 رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿١٥﴾ تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ
 عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
 يُنفِقُونَ ﴿١٦﴾ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ
 جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٧﴾ أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا
 لَّا يَسْتَوُونَ ﴿١٨﴾ أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَالَهُمْ
 جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا
 فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا
 وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ ﴿٢٠﴾



﴿۱۲﴾ و (تعجب کنی) اگر بنگری هنگامی که گناهکاران سرهایشان را نگو نثار افکنده باشند نزد پروردگارِ خویش (گویند) ای پروردگار ما دیدیم و شنیدیم پس بازگردان ماراتابکنیم کارشایسته هرآئینه ما یقین کننده ایم. ﴿۱۳﴾ و اگر می خواستیم البته هر شخصی را هدایتِ او می دادیم ولیکن ثابت شده است از جانب من وعده که هرآئینه دوزخ را از جیان و آدمیان همگی پرکنم. ﴿۱۴﴾ پس بچشید (این عذاب را) به سبب آنکه ملاقات این روزِ خود را فراموش کردید هرآئینه مانیز شمارا فراموش کردیم و عذابِ دایم را به سبب آنچه می کردید بچشید. ﴿۱۵﴾ جزاین نیست که ایمان می آورند به آیاتِ ما آنانکه چون به آن پند داده می شوند نگو نثار افتند سجده کنان و به پاکی باستایش پروردگارِ خویش را یادکنند و ایشان تکبر نمی کنند. ﴿۱۶﴾ پهلوه‌ای ایشان از خوابگاهها دور می ماند^(۱) پروردگارِ خود را بترس و امیدواری میخوانند و از آنچه روزی داده ایم ایشانرا خرج میکنند. ﴿۱۷﴾ پس هیچ نفسی نمیداند چه چیز پنهان داشته شد برای ایشان از خنکی چشم پاداش به آنچه می کردند. ﴿۱۸﴾ آیا کسی که مومن باشد مانند کسی هست که فاسق باشد بگو برابر نمی شوند. ﴿۱۹﴾ اما آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند پس ایشان را بطور مهمانی بهشت ها جای ماندن است به سبب آنچه میکردند. ﴿۲۰﴾ و اما آنانکه فاسق بودند پس جای ایشان دوزخ است هرگاهی که خواهند که از آنجا بیرون آیند در آن بازگردانیده شوند و به ایشان گفته شود بچشید عذابِ آتشی را که آن را تکذیب می کردید.

(۱) کنایه است از شب بیداری برای عبادت و دعا و تضرع، مصحح.

وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ
لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢١﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ
أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا
مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُن فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ
هُدًى لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ ﴿٢٣﴾ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا
لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بَيَاتِنًا يُوقِنُونَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ
يَفْصِلُ بَيْنَهُم يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ
﴿٢٥﴾ أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْقُرُونِ
يَمْشُونَ فِي مَسْكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً أَفَلَا يَسْمَعُونَ
﴿٢٦﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ
بِهِ زُرْعَاتًا كُلُّ مِنْهُ أُنْعَمُ لَهُمْ وَأنفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ
﴿٢٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٨﴾
قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ
يُنْظَرُونَ ﴿٢٩﴾ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرِ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ ﴿٣٠﴾

سُورَةُ الْأَنْجَازِ
٧١ ٧٢ ٧٣ ٧٤ ٧٥ ٧٦ ٧٧ ٧٨ ٧٩ ٨٠ ٨١ ٨٢ ٨٣ ٨٤ ٨٥ ٨٦ ٨٧ ٨٨ ٨٩ ٩٠ ٩١ ٩٢ ٩٣ ٩٤ ٩٥ ٩٦ ٩٧ ٩٨ ٩٩ ١٠٠

﴿۲۱﴾ والته ایشان را عذاب نزدیک بچشانیم (یعنی دردناک) غیر از عذاب بزرگ^(۱)، باشد که ایشان بازگردند. ﴿۲۲﴾ و کیست ستمکارتر از کسی که به آیات پروردگار خویش پند داده شده باز از آن روی بگرداند هرآئینه ما از گناهکاران انتقام گیرنده ایم. ﴿۲۳﴾ به راستی که موسی را کتاب دادیم پس در شک از دریافت (موسی) آنرا مباش ما آن را هدایت برای بنی اسرائیل گردانیدیم. ﴿۲۴﴾ و از ایشان پیشوایانی که راه می نمودند به فرمان ما مقرر کردیم و قتیکه صبر کردند و به آیات ما یقین می آوردند. ﴿۲۵﴾ هرآئینه پروردگارتو روز قیامت میان ایشان در آنچه در آن اختلاف میکردند فیصله می کند. ﴿۲۶﴾ آیا واضح نشد برای ایشان که چه قدر از نسلها پیش از ایشان هلاک کردیم ایشان در خانه های آن جماعت میروند هرآئینه درین کارنشانه هاست آیانی شنوند. ﴿۲۷﴾ آیا ندیده اند که ما آب را به سوی زمین بی گیاه روان می کنیم پس به سبب آن زراعت را بیرون می آوریم که از آن زراعت چهار پایان ایشان و خودایشان نیز میخورند؟ آیانی بینند؟ ﴿۲۸﴾ و میگویند کی خواهد بود این فتح اگر شما راست گوید؟! ﴿۲۹﴾ بگو روز فتح کافران را ایمان آوردن ایشان سود ندهد و نه ایشان مهلت داده شوند. ﴿۳۰﴾ پس از ایشان روی بگردان و انتظار بکن هرآئینه ایشان نیز منتظرند.

(۱) یعنی عذاب روز قیامت مصحح.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ
 اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝^١ وَأَتَّبِعْ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ
 مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝^٢ وَتَوَكَّلْ
 عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝^٣ مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ
 قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ ۚ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ
 مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ
 بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ ۝^٤
 أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْمُوا أَبَاءَهُمْ
 فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا
 أَخْطَأْتُمْ بِهِ ۚ وَلَٰكِنْ مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ
 غَفُورًا رَحِيمًا ۝^٥ النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ
 وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ
 فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ
 أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ۝^٦

سوره احزاب مدنی است و آن هفتاد و سه
آیه و نه رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ ای پیامبر از خدا بترس و کافران و منافقان را فرمانبرداری مکن هرآئینه خدا دانای باحکمت است. ﴿۲﴾ و چیزی را که وحی فرستاده میشود به سوی تواز جانب پروردگارت پیروی کن هرآئینه خدا به آنچه میکنید خبر دار است. ﴿۳﴾ و بر خدا توکل کن و خدا به عنوان کارساز بس است. ﴿۴﴾ خدای تعالی برای هیچ مردی دو دل در داخل بدن او نیافریده است^(۱) و آن زنانِ شما را که مورد ظهار قرار میدهید مادرانِ شما قرار نداده است و نه ساخته است پسر خواندگانِ شما را پسرانِ شما این سخن شماست که میگویید به دهان خویش و خدا می گوید سخن راست و او به راه دلالت میکند. ﴿۵﴾ پسر خواندگان را به پدرانِ ایشان نسبت کنید این نزد خدا راست تر است پس اگر ندانید پدرانِ ایشانرا پس دردین برادرانِ شمایند و آزاد کردگان شمایند^(۲) و بر شما در لفظی که خطا کرده باشید به تکلم آن گناهی نیست ولیکن گناه آن است که قصد کرد دلهای شما و هست خدا آمرزنده مهربان. ﴿۶﴾ پیامبر به تصرف در امور مسلمین از ذات های ایشان سزاوار تر است و زنانِ پیامبر مادرانِ ایشانند^(۳) و خویشاوندان بعضِ ایشان به بعضی دیگر در حکم خدا از سایر مسلمانان و هجرت کنندگان نزدیک تراند مگر آنکه به سوی دوستانِ خود کار نیکی انجام دهید این حکم در لوح محفوظ نوشته شده^(۴) است.

(۱) مترجم گوید که درین آیات رذاست بر قول کافری که میگوید مرا دو دل داده اند ویر آنچه اهل جاهلیت مقرر کرده بودند که مظاهره مثل مادر حرام ابدی شود و تعریض است به جواب طعن کافران و منافقان نسبت به آن حضرت صلی الله علیه و سلم چون زینب را ازدواج فرمود که زن پسر خوانده را به زنی گرفت.

(۲) یعنی پس باین لقب بخوانید.

(۳) یعنی در حرمت نکاح.

(۴) یعنی صله ارحام واجب است و توارث به هجرت و اسلام منسوخ شد به سبب توارث به قرابت و ارحام.

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ
وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ﴿٧﴾
لَيَسْأَلَنَّ الْأَصْدِقِينَ عَن صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا
﴿٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ
جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٩﴾ إِذْ جَاءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ
مِنْكُمْ وَإِذْ رَاغَبُ الْأَبْصَرِ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ
وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا ﴿١٠﴾ هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا
زِلْزَالًا شَدِيدًا ﴿١١﴾ وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم
مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢﴾ وَإِذْ قَالَت طَّائِفَةٌ
مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ
مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ
إِلَّا فِرَارًا ﴿١٣﴾ وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُيِلُوا الْفِتْنَةَ
لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا فِيهَا إِلَّا بَاسِيرًا ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا
اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُولُونَ إِلَّا الْأَذْبَرَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا ﴿١٥﴾

﴿۷﴾ و یادکن چون از پیامبران عهد ایشان را گرفتیم و از توبه گرفتیم و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و از ایشان عهد محکم گرفتیم. ﴿۸﴾ تا خدای تعالی آن راست گویان را از راستی ایشان بپرسد و برای کافران عذاب درد ناک^(۱) مهیا کرده است. ﴿۹﴾ ای مسلمانان نعمت خدا را بر خویش یاد کنید وقتی که بر سر شما لشکرها آمدند پس بر ایشان باد را و لشکرهایی که آنها را ندیدید فرستادیم و خدا به آنچه می کنید بینا هست. ﴿۱۰﴾ چون بر شما از جانب بالای شما و از جانب پائین شما آمدند و چون خیره ماندند دیدها و دلها بچنبر گردنها رسید و نسبت به خدا گمان می کردید گمانهای مختلف. ﴿۱۱﴾ آنجا مسلمانان امتحان کرده شدند و جنبانیده شدند جنبانیدن سخت. ﴿۱۲﴾ و چون منافقان و آنانکه در دل های ایشان بیماریست می گفتند که خدا و رسول جز وعده های دروغین به مانداده اند. ﴿۱۳﴾ و چون طائفه ای از ایشان گفتند ای اهل مدینه (اینجا) سرای ماندن شما نیست پس باز گردید و گروهی از ایشان از جناب پیامبر دستور می طلبند می گویند هر آئینه خانه های ما نامضبوط است و آن خانه های نامضبوط نیستند نمی خواهند مگر گریختن را. ﴿۱۴﴾ و اگر بر سر ایشان از نواحی آن درآمده می شد پس طلب کرده می شد از ایشان خانه جنگی البته آن را انجام میدادند و توقف نمی کردند در آن فتنه مگر اندکی^(۲). ﴿۱۵﴾ و به راستی با خدا پیش ازین عهد بسته بودند که پشت هارا برنگردانند و عهد و پیمان خدا پرسیده شده هست.

(۱) مترجم گوید کفار در غزوه^۱ احزاب بر مدینه هجوم کردند و آن حضرت صلی الله علیه و سلم به خندق متحصن شدند و از منافقان سخنان نفاق سرزد شد و مخلصان استقامت ورزیدند و آخر فتح اسلام واقع شد خدای تعالی در دم منافقان و مدح مومنان و منت نهادن بر ایشان نازل ساخت.

(۲) مترجم گوید حاصل کلام آنست که در جهاد توقف می کنند و اگر جنگ موافق خواهشات آنان می شد توقف نمی کردند.

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ أَلْفَرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا
لَا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٦﴾ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ
إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ
اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧﴾ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ
لِاخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَاسَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٨﴾ أَشْحَةٌ
عَلَيْكُمْ فِإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ
كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فِإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ
بِالْإِسْنَةِ جِدَادٍ أَشْحَةٍ عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ
اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿١٩﴾ يَحْسَبُونَ
أَلْحَزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ
بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ
مَا قَتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢٠﴾ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ
لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ﴿٢١﴾
وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ
وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا ﴿٢٢﴾

﴿۱۶﴾ بگو شمارا گریختن اگر بگریزید از مرگ یا از کشته شدن سود ندهد و آن هنگام مگر اندکی بهره مند ساخته نشوید. ﴿۱۷﴾ بگو کیست آنکه نگاه دارد شمارا از تصرفِ خدا اگر در حق شما سختی‌ای را بخواهد یا در حق شما نعمتی را بخواهد و برای خویش جز خدا دوستی و نه یاری دهنده‌ای نیابند. ﴿۱۸﴾ هر آینه خدا بازدارندگان را از شما میداند و گویندگان را به بردارنِ خویش که به سوی ما بیایید و بکارزار مگر اندکی حاضر نمی‌شوند. ﴿۱۹﴾ بخل کنان نسبت به شما^(۱) پس چون ترس بیاید بینی که ایشان درمی‌نگرند به سوی تو در حالیکه می‌گردد چشم‌های ایشان مانند کسی که از سختی موت بیهوش کرده شود پس چون ترس برود بر شما به زبان‌های تیز زبان درازی کنند بخل کنان بر مال این جماعت ایمان نیاوردند پس خدا کردارهای ایشان را نابود ساخت و این کار برخدا آسان هست. ﴿۲۰﴾ می‌پندارند که لشکرهای کفار نرفته‌اند و اگر لشکرها بیایند تمناکنند ای کاش ایشان در میان اعراب صحرا نشین بودند از اخبار شما سوال می‌کردند^(۲) و اگر در میان شما باشند مگر اندکی کارزار نکنند. ﴿۲۱﴾ به راستی شمارا به پیامبر خدا پیروی نیک است کسی را که ثواب خدا را توقع می‌داشت و روز آخر را امید میداشت و خدا را بسیار یاد کرد. ﴿۲۲﴾ و چون مسلمانان لشکرها را دیدند گفتند این است آنچه ما را خدا و پیامبر او وعده داده بود و خدا و رسول او راست گفت و این ماجرا در حق ایشان نیفزود مگر باور داشتن و گردن نهادن را.

(۱) یعنی در حق شما.

(۲) یعنی از هر آینده و رونده.

مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ
 قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا ﴿٣١﴾ لِيَجْزِيَ
 اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِن شَاءَ أَوْ
 يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٣٢﴾ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ
 كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ
 الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا ﴿٣٣﴾ وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُواهُمْ مِّنْ
 أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ
 فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا ﴿٣٤﴾ وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ
 وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطُوهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٣٥﴾ يَأَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَرْوَاجِكَ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ
 الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْتُمْ أَمْ تَتَعَكَّنْ وَأُسْرِحَكُنَّ
 سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿٣٦﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارَ
 الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٣٧﴾
 يَكْسَاءُ النَّبِيُّ مِنْ يَآتٍ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَعَّفُ
 لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿٣٨﴾

﴿۲۳﴾ از مسلمانان مردانی‌اند که راست کردند آنچه باخدا برآن عهد بسته بودند پس ازایشان کسی هست که قرار داد خود را به انجام رسانید^(۱) و ازایشان کسی هست که انتظار می‌کند و تبدیل نکردند (یعنی عهد و پیمان را) به هیچ وجه تبدیلی ای. ﴿۲۴﴾ تا خدا راست گویان را در برابر راستی ایشان پاداش دهد و منافقان را اگر خواهد عذاب کند یا به رحمت برایشان بازگردد هرآئینه خدا آمرزندهٔ مهربان هست. ﴿۲۵﴾ و خدا کافران را باخشم ایشان بازگردانید هیچ منفعتی نیافتند و خدا از طرف مسلمانان جنگ را کفایت کرد و خدا توانای غالب است. ﴿۲۶﴾ و آنانرا که مدد کاری این لشکر ها کرده بودند از اهل کتاب^(۲) از قلعه های ایشان فرود آورد و در دل های ایشان خوف افکند طائفه‌ای را می‌کشید و طائفه‌ای را اسیر می‌گرفتید. ﴿۲۷﴾ و عاقبت کار زمین ایشان و خانه های ایشان و مال های ایشان را به شما داد و نیز عاقبت کار زمینی را که نفرسوده اید آنرا^(۳) به شما داد خدا بر همه چیز توانا هست. ﴿۲۸﴾ ای^(۴) پیامبر به زنان خود بگو اگر زندگانی دنیا و آرایش آن را خواسته باشید پس بیاید تا چیزی مناسب به شما دهم و شما را رها کنم رها کردن نیک. ﴿۲۹﴾ و اگر خدا و پیامبر او را و سرای آخرت را می‌خواهید پس هرآئینه خدا برای زنان نیکوکار از شما پاداش بزرگ آماده ساخته است. ﴿۳۰﴾ ای زنان پیامبر هرکس که از شما بدکاری ظاهر^(۵) را به عمل آورد دوچند کرده می‌شود بروی عذاب دوچندان این کار بر خدا آسان هست.

(۱) یعنی شهید شد.

(۲) یعنی بنی قریظه را فرود آورد.

(۳) یعنی خنجر.

(۴) مترجم گوید ازواج آن حضرت چیزی که نزد آن حضرت نبود از زینت دنیا طلب می‌کردند خدای تعالی ایشانرا پندداد و زجر فرمود و احکام معاشرت را برای ایشان نازل فرمود و زینب رضی الله تعالی عنها در عقد زید بود در میان ایشان ناسازگاری پدید آمد و رفته رفته به طلاق منجر شد و بعد از انقضای عدت خدای تعالی او را داخل ازواج طاهرات گردانید منافقان زبان طعن گشادند که زن پسر خود را به زنی گرفت خدای تعالی در بیان آنکه پسر خوانده حکم پسر ندارد این آیات را نازل فرمود.

(۵) مترجم گوید مراد این جا ایدای پیامبر است به زبان درازی.

* وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُمْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا
 أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ﴿٣١﴾ يَنْسَاءُ النَّبِيُّ
 لَسْتُمْ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ أَتَقَيْتُمْ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ
 فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿٣٢﴾ وَقَرْنَ
 فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ
 الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا
 يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
 تَطْهِيرًا ﴿٣٣﴾ وَأَذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ
 آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ﴿٣٤﴾
 إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
 وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ
 وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ
 وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّالِمِينَ وَالصَّالِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ
 فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا
 وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٣٥﴾

﴿۳۱﴾ وهرکس از شما فرمانبرداری خدا و پیامبرش را کند و کار نیک کند او را پاداش او دوبار می‌دهیم و برای او روزی نیک مهیا کنیم. ﴿۳۲﴾ ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یک از سایر زنان نیستید اگر پرهیز گاری کنید پس در سخن گفتن ملایمت مکنید که آنگاه طمع کند کسی که در دل او بیمار است و سخن نیکو بگوید. ﴿۳۳﴾ و در خانه‌های خویش بمانید و اظهار تجمل مکنید مانند اظهار تجمل که در جاهلیت پیشین بود و نماز را برپا دارید و زکوة را بدهید و فرمانبرداری خدا و رسول او کنید جز این نیست که خدا می خواهد تا که از شما پلیدی را ای اهل بیت دور کند و تاپاک کند شمارا پاک کردنی. ﴿۳۴﴾ و آنچه خوانده می‌شود در خانه های شما از آیت های خدا و از حکمت یاد کنید هر آینه خدا لطف کننده خبر دار هست. ﴿۳۵﴾ هر آینه مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان باوردارنده و زنان باوردارنده و مردان اطاعت کننده و زنان اطاعت کننده و مردان راست گوینده و زنان راست گوینده و مردان شکیبایی کننده و زنان شکیبایی کننده و مردان فروتنی نماینده و زنان فروتنی نماینده و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و مردان روزه دارنده و زنان روزه دارنده و مردان محافظت کننده شرمگاه خود را و زنان محافظت کننده و مردان یادکننده خدا را بسیار و زنان یادکننده خدای تعالی برای ایشان آمرزش و پاداش بزرگ مهیا کرده است.

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا ﴿٣٦﴾ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ﴿٣٧﴾ مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ وَسُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا ﴿٣٨﴾ الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿٣٩﴾ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٤٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ﴿٤١﴾ وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ﴿٤٣﴾

﴿۳۶﴾ و نیست هیچ مومن و هیچ مومنه را چون خدا و رسول او کاری را مقرر کند آنکه ایشان را در کار خویش اختیار باشد و هر کس که خدا و رسول او را نافرمانی کند پس بدرستی که گمراه شد گمراهی ظاهر^(۱). ﴿۳۷﴾ و یادکن چون می گفتم با شخصی که انعام کرده است خدا بروی و نیز انعام کرده ای تو بروی (یعنی آزادی او) که بر خود همسر خود را نگاه دار و از خدا بترس و پنهان می کردی در دلت آنچه خدا پدید آورده اوست و از مردمان می ترسیدی و خدا سزاوارتر است به آنکه از وی بترسی پس وقتی که زید از زینب حاجت خود را به انجام رسانید (یعنی طلاق داد) زینب را به تو به زنی دادیم تا نباشد بر مسلمانان هیچ تنگی در نکاح کردن زنان پسر خواندگانشان چون از ایشان حاجت را به آخر رسانند و مراد خدا البته کردنی^(۲) هست. ﴿۳۸﴾ بر پیامبر هیچ تنگی نیست در آنچه حلال ساخته است خدا برای او مانند آئین خدا در حق آنانکه پیش ازین گذشتند و کار خدا پیش از وجود اندازه مقرر کرده شده هست. ﴿۳۹﴾ (مانند آئین خدا در حق) آنانکه پیغام های خدا را می رسانند و از وی می ترسند و نمی ترسند از هیچ کس مگر از خدا و خدا حساب کننده پس است. ﴿۴۰﴾ محمد پدر هیچ کسی از مردان شما نیست ولیکن پیامبر خدا است و آخر پیامبران است^(۳) و خدا بهر چیز دانا هست. ﴿۴۱﴾ ای مسلمانان خدا را یا دکنید یاد کردنی بسیار. ﴿۴۲﴾ و او را صبح و شام به پاکی بخوانید. ﴿۴۳﴾ اوست آنکه بر شما رحمت میفرستد و بر شما فرشتگان او دعای رحمت میکنند تا شمارا از تاریکی ها به سوی روشنی برآورد و خدا به مسلمانان مهربان هست.

(۱) مترجم گوید درین آیت تعریض است به آن قصه که آن حضرت صلی الله علیه وسلم نخست زینب را برای زید خطبه فرمود و آنرا زینب و برادرش مکروه داشتند و این معنی مناسب حال ایشان نبود والله اعلم.

(۲) مترجم گوید درین آیت تعریض است به آن قصه که در خاطر مبارک آن حضرت صلی الله علیه وسلم می گذشت که اگر در میان زید و زینب مفارقت واقع شود آنرا در سلب ازواج طاهرات داخل نمایند لیکن برای رعایت مراسم نیکوخواهی به حسن معاشرت زید را دلالت می فرمود.

(۳) یعنی بعد از وی هیچ پیامبر نباشد.

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ وَسَلَّمَ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا ﴿٤٤﴾ يَا أَيُّهَا
النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِيدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٤٥﴾ وَدَاعِيًا
إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا ﴿٤٦﴾ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ
مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا ﴿٤٧﴾ وَلَا تَطْعُ الْكُفْرِينَ وَالْمُنْفِقِينَ
وَدَعْ أَذُنَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٤٨﴾
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ
مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا
فَتَمِيعُوهُنَّ وَسَرَّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿٤٩﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ
إِنَّا أَهْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ الَّتِي آتَيْتَ أَجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ
يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عِمَّتِكَ وَبَنَاتِ عَمَّتِكَ
وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالَتِكَ الَّتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً
مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا
خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا
عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا
يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٥٠﴾

﴿۴۴﴾ دعای خیر ایشان^(۱) روزیکه به خدا ملاقات کنند سلام است برای ایشان پاداش نیک آماده کرده است. ﴿۴۵﴾ ای پیامبر هرآئینه ما تو را گواهی دهنده و مزده دهنده و ترساننده فرستادیم. ﴿۴۶﴾ و به عنوان دعوت کننده به سوی خدا به طبق فرمان او و به عنوان چراغ روشن (فرستادیم). ﴿۴۷﴾ و مسلمان را به آنکه ایشان را از جانب خدا بخشایش بزرگ باشد بشارت ده. ﴿۴۸﴾ و کافران و منافقان را فرمان مبر ورنجاندن ایشان را از نظر اعتبار بگذار و توکل کن بر خدا و خدا کارساز بس است. ﴿۴۹﴾ ای مسلمانان چون زنان مومنان را نکاح کنید باز ایشان را پیش از آنکه به ایشان دست برسانید طلاق دهید پس شمارا براین زنان هیچ عدتی نیست که آن را به شمارید پس این مطلقات را متعه دهید و بگذارید آن ها را گذاشتن نیک. ﴿۵۰﴾ ای پیامبر هرآئینه ما حلال کردیم برای تو آن زنان تو را که مهرایشان را داده ای و کنیزکانی که مالک ایشان شده است دست تواز آنچه خدا بر تو عائد ساخته است^(۲) و حلال کردیم برای تو دختران عموی تو را و دختران عمه های تو را و دختران خالوی تو را و دختران خاله های تو را آنانکه باتو هجرت کرده اند و حلال کردیم برای تو زن مسلمان را اگر بخشد خود را برای پیامبر^(۳) اگر خواهد پیامبر که آن را به زنی گیرد خاص برای تو است غیر از مسلمانان هرآئینه دانستیم آنچه فرض ساخته ایم برایشان در حق زنان ایشان و در حق کنیزانی که مالک آنست دستهای ایشان (سهل کردیم) تا نباشد بر تو هیچ تنگی و خدا آمرزنده مهربان هست^(۴).

(۱) یعنی از جانب خدا و فرشتگان.

(۲) یعنی از کفار بتو رسانیده است.

(۳) یعنی بغیر مهر در نکاح آید.

(۴) یعنی در باب نکاح چیزهای است که برامت فرض شد و نه بر آن حضرت.

* تُرْجَى مَنْ نَشَاءُ مِنْهُمْ وَتُقْوَى إِلَيْكَ مَنْ نَشَاءُ وَمِنْ أَتَعَيْتَ
 مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ تَقْرَأَ عَنِ هُنَّ
 وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
 مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا ﴿٥١﴾ لَا يَحِلُّ لَكَ
 النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ
 حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ
 شَيْءٍ رَقِيبًا ﴿٥٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ
 إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَظِيرٍ إِنَّهُ وَلَكِنْ
 إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَعْسِفِينَ
 لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِيهِ مِنْكُمْ
 وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِيهِ مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ
 مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ
 وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ
 مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا ﴿٥٣﴾
 إِنْ تَبَدُّوا شَيْئًا أَوْ خُفِّفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٥٤﴾

﴿۵۱﴾ موقوف داری هرکرا خواهی از ایشان وجای دهی نزدیک خویش هرکرا خواهی
 واگر خواهش کنی زنی را از آنجمله که آنها را یکسو کرده‌ای پس هیچ گناهی بر تو نیست
 این رخصت دادن قریب تراست به آنکه خنک شود چشم های ایشان واندوه
 نخورند و خوشنود شوند به آنچه به ایشان بدهی و خدا می داند آنچه درد دل های شماست
 و خدا دانای بُردبار هست. ﴿۵۲﴾ تورا زنان بعد ازین^(۱) حلال نیستند و نه حلال است آنکه
 بدل کنی به جای ایشان زنان دیگر را و اگر چه تورا حسنِ ایشان به شگفت آرد مگر آنچه
 دستِ تو مالک شد و خدا بر همه چیز نگهبان^(۲) هست. ﴿۵۳﴾ ای مسلمانان در نیاید به
 خانه های پیامبر مگر وقتی که شما را برای طعامی دستوری داده شود نه انتظار کنان پخته
 شدن طعام را ولیکن چون خوانده شوید در آید پس چون طعام خوردید پرا گنده شوید و نه
 آرام گیران برای سخنی هرائینه این کار پیامبر را میرنجاند پس از شما شرم می کند و خدا از
 سخن راست شرم نمیدارد و چون از زنان پیامبر رختی طلب کنید پس آنرا از ایشان از پسِ
 پرده طلب کنید این خصلت پاک تراست برای دل های شما و دل های ایشان و سزاوار نیست
 شما را که پیامبر خدا را برنجانید و نه آنکه زنان او را پس از وی هرگز نکاح کنید، هرائینه این
 کار نزد خدا گناه بزرگ هست. ﴿۵۴﴾ اگر چیزی را آشکار کنید یا آنرا پنهان دارید پس
 هرائینه خدا بهر چیز دانا هست.

(۱) یعنی بعد ازین دو صنف: زن مهاجر قریشی بامهر یازنی که بدون مهر خود راه پیامبر بخشند.

(۲) مترجم گوید که این آیت ناسخ آیت سابقه است.

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَ فِيءِ آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا
 أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ
 أَيْمَانُهُنَّ وَآتَقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا
 ٥٥ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ٥٦ إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ
 اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا
 مُهِينًا ٥٧ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ
 مَا كُتِبَ لَهُمْ فَقَدْ أَحْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ٥٨
 يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ
 يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا
 يُؤْذِينَ ۖ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ٥٩ ۖ لَّيْنٌ لِّمَنِئْتِهِ الْمُنْفِقُونَ
 وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ
 لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا ٦٠ مَلْعُونِينَ
 أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا ٦١ سُنَّةَ اللَّهِ فِي
 الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ٦٢



﴿۵۵﴾ هیچ گناه بر زنان نیست در پرده نپوشیدن پیش پدران خویش و نه پیش پسران خویش و نه برادران خویش و نه پسران برادران خویش و نه پسران خواهران خویش و نه زنان هم جنس خویش^(۱) و نه آنچه مالک آن شده دست های ایشان وای زنان از خدا بترسید هر آئینه خدا بر همه چیز گواه هست. ﴿۵۶﴾ هر آئینه خدا و فرشتگان او بر پیامبر درود میفرستند ای مسلمانان بروی درود فرستید و سلام گوید سلام گفتنی. ﴿۵۷﴾ هر آئینه آنانکه خدا و پیامبر او را میرنجانند خدا ایشان را در دنیا و آخرت لعنت کرد و برای ایشان عذاب خوار کننده ای مهیاساخت. ﴿۵۸﴾ و آنانکه مردان مسلمان و زنان مسلمان را بغیر گناهی که به عمل آورده باشند میرنجانند پس هر آئینه باریهتان و گناه ظاهر را برداشتند. ﴿۵۹﴾ ای پیامبر بگو به زنان خود و دختران خود و به زنان مسلمانان که بر خود چادرهای خود را فرو پوشند این نزدیک تر است به آنکه شناخته شوند پس ایذا داده نشوند و خدا آمرزنده مهربان^(۲) هست. ﴿۶۰﴾ اگر باز آیند منافقان و آنانکه در دل های ایشان بیماری است و خبر بد فاش کنندگان در مدینه^(۳) البته تو را برایشان برگماریم باز هم سایه نباشند باتو در مدینه مگر زمانی اندك^(۴). ﴿۶۱﴾ لعنت کرده شدگان هر جاکه یافته شوند اسیر گرفته شوند و کشته شوند کشتن بسیار. ﴿۶۲﴾ مانند روش خدا در آنانکه پیش ازین گذشتند و هرگز در روش خدا تغییری را نیابی.

(۱) یعنی زنان پاک دامن نه بدکار.

(۲) یعنی عفت ایشان ظاهر شود و فاسقگی تعرض ایشان نکند و الله اعلم.

(۳) یعنی از کردارهای خود.

(۴) یعنی جلا وطن کرده شوند.

يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ
لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ﴿٦٢﴾ إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ
لَهُمْ سَعِيرًا ﴿٦٣﴾ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجْدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا
﴿٦٤﴾ يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَلَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ
وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ ﴿٦٥﴾ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا
فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَ ﴿٦٦﴾ رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ
وَالْعَنَهُمُ لَعْنًا كَبِيرًا ﴿٦٧﴾ يَتَأَيَّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ
ءَادَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا ﴿٦٨﴾
يَتَأَيَّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٦٩﴾ يُصْلِحْ
لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧٠﴾ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا
الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴿٧١﴾ لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ
وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ
عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٧٢﴾

﴿۶۳﴾ مردمان تورا از قیامت سوال می کنند بگو جزاین نیست که معرفت آن نزد خداست و (توجه میدانی) و چه چیز خبر داد تورا شاید زمان فرا رسیدن قیامت نزدیک باشد. ﴿۶۴﴾ هرآئینه خدا کافران را لعنت کرده است و برای ایشان آتش آماده ساخته است. ﴿۶۵﴾ جاویدان در آنجا همیشه مانند هیچ دوستی و نه یاری دهنده ای نیا بند. ﴿۶۶﴾ روزی که چهره های ایشان در آتش گردانیده شود گویند ای کاش ما خدا را فرمان می بردیم و پیامبر را فرمان می بردیم. ﴿۶۷﴾ و گویند ای پروردگار ما هرآئینه ما مهتران و بزرگان خود را فرمانبردیم پس ما را از راه گمراه ساختند. ﴿۶۸﴾ ای پروردگار ما ایشان را دوچند از عذاب بده و ایشان را به لعنتی بزرگ (وسخت) لعنت کن. ﴿۶۹﴾ ای مسلمانان مانند آنانکه موسی را رنجانیدند مباحثید پس خدا تعالی او را از آنچه گفته بودند پاک ساخت و موسی نزد خدا با آبرو^(۱) بود. ﴿۷۰﴾ ای مسلمانان از خدا بترسید و سخن استوار بگویید. ﴿۷۱﴾ تابه صلاح آورد کردار های شمارا و برای شما گناهان شمارا بیامرزد و هر که فرمان خدا و رسول او را برد پس هرآئینه به پیروزی بزرگ مطلب یاب شد. ﴿۷۲﴾ هرآئینه ما امانت را^(۲) برآسمان ها و پرزمین و برکوه ها عرضه داشتیم پس قبول نکردند که آن را بردارند و از آن ترسیدند انسان آنرا برداشت هرآئینه وی ستمکار نادان^(۳) هست. ﴿۷۳﴾ تا (شود آخر کار) آنکه خدای تعالی مردان منافق و زنان منافق را و مردان مشرک و زنان مشرک را عذاب کند و خدا بر مردان مسلمان و زنان مسلمان به رحمت رجوع کند و خدا آمرزنده مهربان هست.

(۱) مترجم گوید یعنی موسی وقت غسل پرده میکرد جُهاَل بنی اسرائیل گفتند که او آدرست روزی به حسب اتفاق برکناره آب غسل میکرد و جامه های خود را برسنگ نهاده بود به فرمان خدای تعالی آن سنگ روان شد موسی عقب سنگ دوید تا آنکه جماعتی از بنی اسرائیل او را عریان و برهنه دیدند و گفتند ادرت ندارد و ادرت انتفاخ خصبه را گویند والله اعلم.

(۲) یعنی استعداد و تکلیف [و اختیار یا اراده] به او امر و نواهی والله اعلم.

(۳) یعنی بالفعل عدالت و علم ندارد و قابلیت آنها را دارد والله اعلم.

سُورَةُ سَبَا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ
 فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١﴾ يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا
 يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ
 الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ﴿٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ
 قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ
 ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ
 وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٣﴾ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ
 كَرِيمٌ ﴿٤﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ
 لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزِ أَلِيمٍ ﴿٥﴾ وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ
 الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ
 الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَى رَجُلٍ
 يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِقْتُمْ كُلٌّ مُّزِقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿٧﴾

سوره سبأ مکی است و آن پنجاه
و چهار آیه و شش رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ همه سپاس و ستایش خدای راست که بدست اوست آنچه در آسمان ها است و آنچه در زمین است و مراو راست سپاس و ستایش در آخرت و او با حکمت آگاه است. ﴿۲﴾ آنچه به زمین درمی آید و آنچه از وی برمی آید و آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه در وی بالامیرود میداند و او مهربان آمرزنده است. ﴿۳﴾ و کافران گفتند قیامت پیش ما نخواهد آمد بگواری قسم به پروردگار من البته به شما خواهد آمد پروردگاری که داننده پوشیده است از وی هم وزن ذره ای در آسمان ها و نه در زمین غائب نمی شود و نه خُرد تر از آن و نه بزرگ تر مگر در کتاب ظاهر ثبت است. ﴿۴﴾ تا آنان را که ایمان آورده اند و عمل های شایسته کرده اند پاداش دهد آن جماعت برای ایشان آمرزش و روزی گرامی است. ﴿۵﴾ و آنانکه در ردّ آیات ما مقابله کنان سعی کردند آن جماعت برای ایشان عذابی از عقوبت درد ناک است. ﴿۶﴾ و آنانکه ایشانرا علم داده شده است می بینند چیزی را که فرود آورده شد به سوی تو از جانب پروردگار تو راست است و هدایت کننده به سوی راه خدای غالب ستوده کار. ﴿۷﴾ و کافران بایکدیگر گفتند آیا شمارا بر مردی دلالت کنیم که به شما خبر میدهد که چون پاره پاره کرده شوید تمام پاره پاره شدن هرائینه شما در آفرینشی نوباشید.

أَفَتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
 فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ ﴿٨﴾ أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ
 وَمَا خَلْفَهُمْ مِنْ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ نَسْأَنخَسِفُ بِهِمُ الْأَرْضَ
 أَوْ نُسْقِطُ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً
 لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ ﴿٩﴾ * وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مَتَا فَضْلًا
 يَجِبَالُ أَوْبَى مَعَهُ وَالطَّيْرُ وَالنَّالَهُ الْحَدِيدَ ﴿١٠﴾ أَنْ أَعْمَلَ
 سَبِغَتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَأَعْمَلُوا صَاحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ
 بَصِيرٌ ﴿١١﴾ وَلَسَلِيمَنَ الرِّيحِ غُدُوها شَهْرٌ وَرَوَحُها شَهْرٌ
 وَأَسَلْنَاهُ وَعَيْنَ الْقَطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ
 رَبِّهِ وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نَذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿١٢﴾
 يَعْمَلُونَ لَهُ وَمَا يَشَاءُ مِنْ مَحْرِبٍ وَتَمْكِيلٍ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ
 وَقُدُورٍ رَاسِيَتٍ أَعْمَلُوا أَلْ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ
 الشَّكُورُ ﴿١٣﴾ فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ
 إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَاتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ
 أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿١٤﴾



﴿۸﴾ آیا برخدا دروغ بر بسته است یا به او جنونی هست بلکه آنانکه به آخرت ایمان نمی آورند در عقوبت و در گمراهی دور باشند. ﴿۹﴾ آیا به سوی آنچه پیش روی ایشانست و آنچه پس پشت ایشانست از آسمان و زمین ندیدند اگر خواهیم ایشان را به زمین فرو بریم یا برایشان پارهایی از آسمان بافکنیم هر آئینه درین کار هر بنده رجوع کننده را نشانه است. ﴿۱۰﴾ و هر آئینه داود را از نزد خود بزرگی دادیم گفتیم ای کوه ها و (ای) مرغان همراه او در تسبیح گفتن همنا باشید و برای او آهن را نرم گردانیدیم. ﴿۱۱﴾ (فرمودیم) که بساز زره های کشاده و اندازه نگاه دار در یافتن حلقه ها وای اهل بیت داود کردار شایسته به عمل آورید هر آئینه من به آنچه میکنید بینام. ﴿۱۲﴾ و برای سلیمان باد را مسخر ساختیم سیراؤل روز او یکماهه راه بود و سیر آخر روز او نیز یکماهه راه بود و برای او چشمه مس روان ساختیم و ازدیوان کسی را که کار میکرد پیش او به حکم پروردگار خویش مسخر ساختیم و هر که ازدیوان از حکم ما کجی کند او را پاره ای از عقوبت دوزخ بچشانیم. ﴿۱۳﴾ برای او آنچه میخواست از قلعه ها و تمثالها و کاسه هایی چون حوض ها و دیگ های ثابت در جاهای خود میساختند گفتیم ای آل داود شکرو سپا سگزاری را به عمل آورید و از بندگان من اندک کسی شکر گزارنده است. ﴿۱۴﴾ پس چون بر وی مرگ را مقرر کردیم جز کرم چوب خوار که عصایش رامی خورد آنان رابه مرگ او راه ننمود پس چون بافتاد واضح شد پیش دیوان که اگر غیب را میدانستند در عذاب خوار کننده درنگ نمی کردند.

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ
كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ
﴿١٥﴾ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ
جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِیْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ
﴿١٦﴾ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ يُجْزَى إِلَّا الْكَفُورُ ﴿١٧﴾
وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً
وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ ﴿١٨﴾
فَقَالُوا رَبَّنَا بَعْدَ بَيْنِنَا أَفْسَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ
أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ
شَكُورٍ ﴿١٩﴾ وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا
فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٠﴾ وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِّن سُلْطَانٍ
إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ
وَرَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِیْظٌ ﴿٢١﴾ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّن
دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي
الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِّن شَرِكٍ وَمَالُهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ ﴿٢٢﴾

﴿۱۵﴾ هرآئینه برای قوم سبا در مسکنهای ایشان نشانه^۱ ای بود (مرايشانرا بود) دو بوستان از جانب راست و از جانب چپ گفتیم از رزق پروردگار تان بخوريد و برای اوشکر گزاريد شمارا شهری پاکیزه و پروردگار آمرزنده هست. ﴿۱۶﴾ پس رویگردانیدند^(۱) پس برایشان سیلی تند ویرانگر^(۲) فرستادیم و ایشان را به جای دوبوستان ایشان دو بوستانی دیگر عوض دادیم خداوند میوه های بدمزه و خداوند درخت گز و چیزی اندك از درخت کنار. ﴿۱۷﴾ ایشان را به سبب ناسپاسی ایشان این سزا دادیم و سزای بد مگر ناسپاس را نمیدهیم. ﴿۱۸﴾ و پیدا کردیم میان ایشان و میان آن ده ها که برکت نهاده ایم در آن^(۳) ده هایی متصل بایکدیگر و در آن ده ها آمدورفت را مقرر کردیم گفتیم درین ده ها شب ها و روزها ایمن شده بگردید. ﴿۱۹﴾ پس گفتند^(۴) ای پروردگار ما بین سفرهای ما فاصله بگذار و ستم کردند برخویش پس ایشان را افسانه ها گردانیدیم و پاره پاره ساختیم ایشان را پاره پاره سخت و کامل، هرآئینه درین ماجرا هر صبر کننده شکر گذارنده را نشانه ها است. ﴿۲۰﴾ و به راستی که شیطان درحق ایشان اندیشه خود را راست یافت پس پیروی او کردند مگر از مسلمانان گروهی اندك. ﴿۲۱﴾ و شیطان را برایشان هیچ غلبه ای نبود (لیکن مبتلا گردانیدیم) تا کسی را که ایمان می آورد به آخرت از آن کسی که وی در شك است از وی بازشناسائیم و پروردگار تو بر هر چیز نگهبان است. ﴿۲۲﴾ بگو آنان را که به جای خدا گمان میکنند (به فریاد) بخوانید مالک هم وزن يك ذره در آسمان ها و نه در زمین نیستند و ایشان را در آسمان ها و زمین هیچ شرکتي نیست و خدا را از ایشان هیچ یاری دهنده ای نیست.

(۱) یعنی از شکر.

(۲) یعنی سیلی که به پشته ها بندکرده بودند.

(۳) یعنی شام.

(۴) یعنی به زبان حال.

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ وَحَتَّىٰ إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٢٢﴾ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ ﴿٢٣﴾ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾ قُلْ لَا تَسْأَلُونَنَا عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نَسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٥﴾ قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ ﴿٢٦﴾ قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ ۚ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٩﴾ قُلْ لَّكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَحْجِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَغْنُونَ ﴿٣٠﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن نُّؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ﴿٣١﴾

﴿۲۳﴾ و سفارش نزد خدای تعالی سود نکند مگر برای کسی که برایش اجازه داده باشد^(۱) (اهل محشر مضطرب شوند) تا آنگاه که چون اضطراب و نگرانی از دلهای ایشان دور کرده شود گویند چه چیز فرموده است پروردگار شما، (ملاً اعلی) گویند که سخن راست فرموده است و او بلند مرتبه بزرگ قدر است. ﴿۲۴﴾ بگو چه کسی شما را از آسمان ها و زمین روزی میدهد (باز) بگو خدایم دهد و هر آینه مایاشما بر هدایتیم یا در گمراهی ظاهر^(۲). ﴿۲۵﴾ بگو شما از گناه ما سوال کرده نخواهید شد و ما (نیز) سوال کرده نخواهیم شد از آنچه شما می کنید. ﴿۲۶﴾ بگو پروردگار ما میان ما جمع خواهد کرد باز میان ما (یعنی میان ما و شما) به راستی حکم کند و او حکم کننده دانا است. ﴿۲۷﴾ بگو مرا آنانکه ایشان را با خدا ملحق کرده شریک ساخته اید بنمایید چنین نیست بلکه خدا اوست غالب با حکمت. ﴿۲۸﴾ و فرستادیم تورا الّا برای همه مردمان مژده دهنده و ترساننده ولیکن اکثر مردمان نمیدانند. ﴿۲۹﴾ و می گویند این وعده کی بوجود آید اگر شما راست گویند. ﴿۳۰﴾ بگو برای شماست وعده روزیکه باز پس نمایند از آن ساعتی و نه پیش دستی کنید. ﴿۳۱﴾ و کافران گفتند (یعنی مشرکان) هرگز این قرآن را و نه آن کتاب را که پیش از وی بود باور نداریم و تعجب کنی ای بیننده اگر ببینی چون ستمکاران ایستاده کرده شوند نزد پروردگار خویش باز بعضی از ایشان سخن را^(۳) به سوی بعض میگرداند می گویند آنانکه ناتوان گرفته شد ایشان را به آنانکه سرکشی کردند اگر شما نمی بودید هر آینه ما مسلمان می شدیم.

(۱) یعنی اذن شفاعت داد.

(۲) یعنی حتما یا ماموئمان یا شما مشرکان یکی ازمان در هدایت و دیگری در گمراهی است (مصحح).

(۳) یعنی سؤال و جواب کنند.

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوهُمُ أَنَحْنُ صَدَدْنَاهُمْ
 عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَهُمْ بَلْ كُنتُمْ مُجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ
 اسْتَضَعُّوهُمُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرٌ آلِيلٍ وَالنَّهَارِ إِذْ
 تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ
 لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا
 هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٣٣﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ
 مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٤﴾
 وَقَالُوا أَنَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ ﴿٣٥﴾
 قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
 النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ
 عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءٌ
 الضَّعِيفُ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ ءَامِنُونَ ﴿٣٧﴾ وَالَّذِينَ
 يَسْعَوْنَ فِي ءَايَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿٣٨﴾
 قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ
 وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٣٩﴾

﴿۳۲﴾ گفتند سرکشان به ناتوانان آیاما شمارا از هدایت بعد از آنکه به شما آمد بازداشتیم بلکه خودتان گناه کار بودید. ﴿۳۳﴾ وگفتند ناتوانان سرکشان را نه، بلکه مارا مگر شب وروز^(۱) چون مارا میفرمودید که به خدا کافر شویم و برای او همتایان را مقرر کنیم بازداشت و همه ایشان پشیمانی در دل دارند چون عذاب را ببینند و طوقها در گردنهای کافران باندازیم سزا داده نمی شوند مگر به وفق آنچه می کردند. ﴿۳۴﴾ ودر هیچ دهی بیم کننده را نفرستادیم مگر گفتند مُنْعَمَانِ آن ده هرآئینه ما به آنچه فرستاده شدید به آن نامعتقدیم. ﴿۳۵﴾ وگفتند ما باعتبار اموال و اولاد زیاده تریم ونیستیم ما عذاب کرده شدگان. ﴿۳۶﴾ بگو هرآئینه پروردگار من کشاده میکند روزی را برای هرکه خواهد و تنگ میکند برای هرکه خواهد ولیکن اکثر مردمان نمیدانند. ﴿۳۷﴾ و اموال شما و نه اولاد شما آن چیزی نیستند که شمارا نزد ما بمرتبه قربت مقرب گرداند لیکن مقرب آنست که ایمان آورد و کردار شایسته انجام داد پس آن جماعت برای ایشان پاداش دوچند است به مقابله آنکه عمل کردند و ایشان دركوشك های بلند ایمن باشند. ﴿۳۸﴾ و آنانکه در رد آیات ما مقابله کنان سعی میکنند آن جماعت در عذاب حاضر کرده شوند. ﴿۳۹﴾ بگو هرآئینه پروردگار من کشاده می کند روزی را برای هرکه خواهد از بندگان خود و تنگ می سازد برای هرکه خواهد و هرآنچه (در راه خدا) خرج کنید از هر جنس که باشد پس خدا عوض آن می دهد و او بهترین روزی دهندگانست.

(۱) یعنی مکرشماکه پیوسته در سعی آن بودید.

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهْلُوا لَاءِ إِيَّائِكُمْ كَانُوا
 يَعْبُدُونِ ﴿٤٠﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا
 يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾ فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ
 بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفَعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ
 النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِذَا نَتَلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ
 قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانُوا يَعْبُدُ آبَاءَكُمْ
 وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا آفَكٌ مِفْتَرًى وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا
 جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٤٣﴾ وَمَاءَ آتَيْنَاهُمْ مِنْ كُتُبٍ
 يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ ﴿٤٤﴾ وَكَذَّبَ
 الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَّغُوا مَعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا
 رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٥﴾ * قُلْ إِنَّمَا أَعْظِيكُمْ بَوَاحِدَةٍ أَنْ
 تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفَرْدِي ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ
 جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٤٦﴾ قُلْ
 مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى
 كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٤٧﴾ قُلْ إِنْ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَ الْغُيُوبِ ﴿٤٨﴾

﴿۴۰﴾ وروزی که خدا همگی ایشان را برانگیزد باز بگوید به فرشتگان آیا ایشان شمارا عبادت می کردند. ﴿۴۱﴾ (فرشتگان) گویند پاکی تورا است تو کارسازمایی به جای ایشان بلکه ایشان دیوان را^(۱) عبادت میکردند اکثر ایشان به دیوان اعتقاد داشتند. ﴿۴۲﴾ پس امروز بعضی از شما برای بعضی سود رسانیدن و نه زیان رسانیدن نمی تواند و می فرماییم ستمکاران را عذاب آتشی را که شما آن را تکذیب می کردید بچشید. ﴿۴۳﴾ و چون برایشان آیات ما روشن آمده خوانده می شود گویند بایکدیگر نیست این پیامبر مگر مردی که میخواهد شمارا از آنچه می پرستیدند پدران شما بازدارد و گویند این قرآن مگردروغی بر بافته نیست و کافران گویند چون سخن راست بدیشان بیامد نیست این مگر سحر ظاهر. ﴿۴۴﴾ و مشرکان عرب را کتاب ها ندادیم که آن را بخوانند و به سوی ایشان پیش از توهیج ترساننده ای نفرستادیم. ﴿۴۵﴾ آنانکه پیش از ایشان بودند تکذیب کردند و این مشرکان به يك دَهِم آنچه داده بودیم به پیشینیان نرسیده اند پس پیامبران مرا تکذیب کردند پس عقوبت من چگونه بود؟ ﴿۴۶﴾ بگو جز این نیست که شمارا بيك کلمه پند میدهم که برخیزید برای خدا دوگان دوگان و يك يك باز تأمل کنید که به یار شما هیچ جنونی نیست، نیست او مگر برای شما پیش از آمدن عذاب سخت بیم کننده. ﴿۴۷﴾ بگو آنچه از شما سوال کرده باشم از مُزد پس آن برای شما است نیست پاداش من مگر بر خدا و او بر همه چیز گواه است. ﴿۴۸﴾ بگو هر آئینه پروردگار من (از علم غیب) وحی راست را فرو می فرستد آن پروردگاری که دانای پوشیده هاست.

(۱) یعنی عبادت ملائکه که به جهت وسوسه شیاطین بود پس گویا عبادت شیاطین کردند.

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِيُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ ﴿٤٩﴾ قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ
فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَى نَفْسِي وَإِنْ أَهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحَىٰ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ
سَمِيعٌ قَرِيبٌ ﴿٥٠﴾ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ
مَكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٥١﴾ وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاقُشُ مِنْ
مَكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾ وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ
بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾ وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ
كَمَا فَعَلَ بِأَشْيَاءِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ ﴿٥٤﴾

سُورَةُ فَاطِرٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ
أَجْنَحَةٍ مَّشَىٰ وَتِلْكَ وَرُبَعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾ مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا
وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢﴾
يَا أَيُّهَا النَّاسُ أذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَلْقٍ غَيْرِ اللَّهِ
يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآَنِي تُؤْفَكُونَ ﴿٣﴾

﴿۴۹﴾ بگو آمد سخنِ راست، و معبود باطل آفرینشِ نونمیکند و نه دیگر بار آفریند. ﴿۵۰﴾ بگو اگر گمراه شدم پس جزاین نیست که گمراه شوم بر نفس خویش و اگر راه یابم پس به سبب آنست که به سوی من پروردگارم وحی فرستد هرآئینه وی شنوای نزدیک است. ﴿۵۱﴾ و (تعجب کنی) اگر بینی چون مضطرب و نگران شوند پس از عذاب خلاص شدن نباشد و از جایی نزدیک گرفته شوند^(۱). ﴿۵۲﴾ و گویند آنگاه به قرآن ایمان آوردیم و از کجا ایشان را بُود بدست آوردنِ ایمان از جای دور (یعنی محال است). ﴿۵۳﴾ و حالانکه به قرآن پیش ازین کافر بودند و از مکان دور نادیده می اندازند. ﴿۵۴﴾ و جدایی افکنده شد میان ایشان و میان آنچه می خواستند چنانچه کرده شد به امثالِ ایشان پیش ازین هرآئینه ایشان در شك قوی بودند.

سوره فاطر مکی است و آن چهل و پنج
آیه و پنج رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ همه سپاس و ستایش خدای راست آفریننده آسمان ها و زمین سازنده فرشتگان را فرستاد گانی دارای بالها دو گانه و سه گانه و چهار گانه و چهار گانه زیاده میکند در آفرینش هر چه خواهد هرآئینه خدا بر هر چیز تواناست. ﴿۲﴾ آنچه خدا برای مردمان از رحمت کشاده سازد پس آن را هیچ بازدارنده ای نیست و آنچه بازدارد پس آنرا پس از وی هیچ کشاینده ای نیست و او غالب با حکمت است. ﴿۳﴾ ای مردمان نعمتِ خدا را بر خویش یاد کنید آیا هیچ آفریننده ای غیر از خدا هست که شمارا از آسمان و زمین روزی میدهد نیست هیچ معبودی بر حق مگر وی پس از کجا برگردانیده می شوید.

(۱) یعنی گرفته شوند به آسانی.

وَأَن يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ
 ﴿٤﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا
 وَلَا يَغُرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿٥﴾ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ
 عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿٦﴾ الَّذِينَ
 كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ
 مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾ أَفَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِن
 اللَّهُ يَضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبَ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ
 حَسْرَتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٨﴾ وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ
 الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَمُسْقِنَهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَاهِ الْأَرْضَ
 بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ ﴿٩﴾ مَن كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا
 إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ
 يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَٰئِكَ هُوَ يُبَوِّرُ
 ﴿١٠﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا
 وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُّعَمَّرٍ
 وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١١﴾

﴿۴﴾ و اگر تو را تکذیب کنند پس هرآئینه تکذیب کرده شدند پیامبران پیش از تو و به سوی خدا کارها بازگردانیده میشود. ﴿۵﴾ ای مردمان هرآئینه وعدهٔ خدا را است است پس شمارا زندگانی دنیا فریفته نکند و شمارا نسبت به خدا شیطان فریب دهنده نفریبند. ﴿۶﴾ هرآئینه شیطان دشمن شما است پس او را دشمن گیرید جزاین نیست که تابعان خود را می خواند تا از اهل دوزخ باشند. ﴿۷﴾ آنانکه کافر شدند ایشان را است عذاب سخت و آنانکه ایمان آورده اند و عمل های شایسته کرده اند ایشان آمرزش و پاداش بزرگ دارند. ﴿۸﴾ آیا کسی که برای او عمل زشت او آراسته کرده شد پس آنرا نیک دید (مثل مومن صالح باشد؟) پس هرآئینه خدا گمراه می کند هرکرا خواهد و راه می نماید هرکرا خواهد پس نباید که نفست از حسرت خوردن برایشان از بین برود هرآئینه خدا به آنچه می کنند دانا است. ﴿۹﴾ و خدا آنست که بادهارا فرستاد پس آن بادهای ابر را برانگیختند پس ابر را به سوی شهر مرده روان کردیم پس به آن ابر زمین را بعد از مرده بودن آن زنده ساختیم همچنین خواهد بود برانگیختن مردگان. ﴿۱۰﴾ هرکه ارجمندی خواهد پس همگی ارجمندی خدای راست بالا میرود به سوی او سخن پاکیزه و عمل صالح را خدا بلند می گرداند و آنانکه فتنه ها می اندیشند ایشان را است عذاب سخت و بد اندیشی ایشان همون نابود شود. ﴿۱۱﴾ و خدا شمارا از خاک باز از نطفه آفرید باز شمارا جفت مرد وزن گردانید و در شکم برنمیدارد هیچ ماده ای و نمی زاید مگر به علم خدا و زندگانی داده نمی شود هیچ دراز عمری را و کم کرده نمی شود از عمر وی الا در کتاب ثبت است هرآئینه این کار بر خدا آسان است.

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا
 مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمَنْ كُلَّ تَاكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ
 حُلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَازِلَ تَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِهِ
 وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢﴾ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ
 النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي
 لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ
 تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ﴿١٣﴾ إِنْ
 تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ
 وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ يَكْفُرُونَ بَشْرِكَكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ
 ﴿١٤﴾ * يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ
 الْحَمِيدُ ﴿١٥﴾ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٦﴾
 وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿١٧﴾ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِنْ
 تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جَمِلِهَا لَا يَحْمِلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ
 إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ
 وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ ۚ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿١٨﴾

﴿۱۲﴾ و برابر نیستند^(۱) دو دریا این يك شیرین در نهایت شیرینی است آب او خوش گوارست و آن دیگر شور به تلخی مائل است و از هریکی گوشت تازه میخورید و برمی آورید زیوری که آن را می پوشید و کشتی هارا در دریا شگافنده آب می بینی تا از فضل او روزی طلب کنيد و تا بُود که شما شکر گوئيد. ﴿۱۳﴾ درمی آورد شب را در روز و درمی آورد روز را در شب و رام ساخت خورشید و ماه را هریکی به میعاد معین می رود اینست خدا پرورد گارشما مرا و راست پادشاهی و آنانکه می پرستید بجز وی مقدار پوست خسته خرمایی (هم) مالک نیستند. ﴿۱۴﴾ اگر ایشان را بخوانید خواندن شما را نمی شنوند و اگر به فرض بشنوند برایتان إجابت نکنند و روز قیامت شريك مقرر کردن شمارا منکر می شوند و تورا هیچ کس مانند دانا^(۲) خبر ندهد. ﴿۱۵﴾ ای مردمان شما به خدا محتاجید و خدا همونست بی احتیاج ستوده کار. ﴿۱۶﴾ اگر بخواهد شمارا نابود سازد و آفرینشی نو می آورد. ﴿۱۷﴾ و این کار بر خدا دشوار نیست. ﴿۱۸﴾ و هیچ بردارنده باردیگری را بر نمی دارد و اگر گران بار کسی را به سوی بار خویش بخواند از آن بار چیزی برداشته نشود اگرچه آن کس خویشاوند باشد جزاین نیست که بیم میکنی آنان را که از پروردگار خویش غایبانه می ترسند و نماز را برپا داشته اند و هر که پاك شد پس جزاین نیست که برای نفع خویش پاك میشود و بازگشت به سوی خداست.

(۱) یعنی بایکدیگر مخلوط نمی شوند.

(۲) مترجم گوید ﴿وَلَا يَنْفَعُكَ مِنْهُ خَيْرٌ﴾ بمنزله مثل است چون سخن بلیغ گویند و تحقیق به نهایت رسانند این کلمه را گویند.

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ﴿١٩﴾ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ
 ﴿٢٠﴾ وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ ﴿٢١﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا
 الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي
 الْقُبُورِ ﴿٢٢﴾ إِنَّ أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ ﴿٢٣﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا
 وَنَذِيرًا وَإِن مِّن أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ ﴿٢٤﴾ وَإِن يَكْذِبُوكَ
 فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ
 وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا
 فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٢٦﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ
 مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ
 جُدَدٌ بَيَضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ ﴿٢٧﴾
 وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ أَلَا نَعْلَمُ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ وَكَذَلِكَ
 إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ﴿٢٨﴾
 إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا
 رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ ﴿٢٩﴾ لِيُؤْفِقَهُم
 أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٣٠﴾

﴿۱۹﴾ و نایبنا و بینا برابر نیستند. ﴿۲۰﴾ و نه تاریکی ها و نه روشنی. ﴿۲۱﴾ و نه سایه و نه بادِ گرم. ﴿۲۲﴾ و برابر نمی شوند زندگان و نه مُردگان هرآئینه خدایم شنواید هر کرا خواهد و نیستی توشنوائنده کسی را که درگور باشد. ﴿۲۳﴾ و تو جز ترساننده نیستی. ﴿۲۴﴾ هرآئینه ما تورا بدین راست فرستاده ایم بشارت دهنده و بیم کننده و هیچ امتی نیست مگر گذشته است در آن بیم کننده. ﴿۲۵﴾ و اگر تورا تکذیب کنند پس به راستی که تکذیب کردند آنانکه پیش از ایشان بودند بدیشان پیامبران ایشان به نشانه‌های واضح و به نامه‌های الهی و به کتاب روشن آمدند. ﴿۲۶﴾ باز کافران را گرفتار کردم پس عقوبت من چگونه بود؟ ﴿۲۷﴾ آیاندیدی که خدا از آسمان آبی را فرود آورد پس به سبب آن میوه‌های گوناگون رنگهای آن برآوردیم و از کوه‌ها قطعاتی است به رنگ‌های گوناگون، سفید و سرخ و نهایت سیاه. ﴿۲۸﴾ و همچنان از مردمان و جانوران و چهارپایان رنگهای آن گوناگون است جزاین نیست که می‌ترسند از خدا علماء از بندگان او هرآئینه خدا غالب آمرزنده است. ﴿۲۹﴾ هرآئینه آنانکه کتابِ خدا را تلاوت می‌کنند و برپاداشته اند نماز را و از آنچه ایشان را روزی دادیم پنهان و آشکار خرج کرده اند امید به سودایی دارند که هرگز کاستی نمی‌پذیرد. ﴿۳۰﴾ تا پاداشهای ایشان را به تمام و کمال بدهد و از فضلِ خود ایشان را زیاده دهد هرآئینه او آمرزندهٔ قدردان است.

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ
يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٣١﴾ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ
الَّذِينَ أُصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ
مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يَا ذَنْنَا اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ
الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٣٢﴾ جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ
فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿٣٣﴾
وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ
شَكُورٌ ﴿٣٤﴾ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا
فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا الْغُوبُ ﴿٣٥﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ
نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ
عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَفُورٍ ﴿٣٦﴾ وَهُمْ يَصْطَرِّخُونَ
فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ
أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا تَذْكُرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ
فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ ﴿٣٧﴾ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمُ
غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٣٨﴾

﴿۳۱﴾ و آنچه به سوی تو از قرآن وحی فرستادیم اوست حقیقت باوردارنده آنچه پیش از وی است هر آئینه خدابه بندگان خود خبر دارُ بیناست. ﴿۳۲﴾ باز به آنان قرآن را میراث دادیم که ایشان را از بندگان خود برگزیدیم^(۱) پس بعضی ایشان بر نفس خود ستمگراست و بعضی ایشان میانه رواست و بعضی ایشان به نیکی ها به حکم خدا سبقت کننده است این فضل بزرگ است. ﴿۳۳﴾ به بوستان های همیشه ماندن در آیند آن جا ایشان را زیور داده شود آنجا از قسم النگو و دستوانه های طلا و مروارید زیور داده شوند و لباس آنها جامه ابریشمی باشد. ﴿۳۴﴾ و گفتند همه ستایش خدای راست که از ماندن او دور کرد هر آئینه پروردگار ما آمرزنده قدر شناس است. ﴿۳۵﴾ آنکه ما را به سرای همیشه ماندن از فضل خود فرود آورد به ما آنجا هیچ رنجی نرسد و به ما آنجا هیچ ماندگی نرسد. ﴿۳۶﴾ و آنانکه کافر شدند ایشان راست آتش دوزخ نه برایشان حکم کرده شود تا بمیرند و نه از ایشان چیزی از عذاب دوزخ سبک کرده شود همچنین هر ناسپاس را سزا میدهیم. ﴿۳۷﴾ و اهل دوزخ در آنجا فریاد کنند که ای پروردگار ما بیرون آر ما را تا بکنیم کار شایسته غیر از آنچه می کردیم گوئیم آیا شمارا آنقدر زندگانی ندادیم که پندپذیر شود در آن هر که پند پذیرفتن خواهد و آمد به شما ترساننده پس بجشید پس ستمکاران را هیچ یاری دهنده ای نیست. ﴿۳۸﴾ هر آئینه خدایاننده پنهان آسمان ها و زمین است هر آئینه وی به مکنون سینه ها داناست.

(۱) یعنی از پیامبر صلی الله علیه وسلم به امت محمدیه رسید والله اعلم.

هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا
يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ
كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا ﴿٣٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَ كُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ
دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ
أَمْ آتَيْنَهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّنْهُ بَلْ إِن يَعِدُ الْظَالِمُونَ
بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا ﴿٤٠﴾ * إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ
إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٤١﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ
نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَى مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ
مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿٤٢﴾ أَسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرُ السَّيِّئِ
وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَسْتَأْذِنَ
الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا
﴿٤٣﴾ أُولَئِكَ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ
قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ
فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا ﴿٤٤﴾



﴿۳۹﴾ وی آنست که شمارا در زمین جانشینان گردانید پس هر که کافر شود پس ضرر کفر او بپروست و نمی افزاید در حق کافران کفر ایشان نزد پروردگارشان مگر غضب را و نمی افزاید در حق کافران کفرایشان مگر زیان را. ﴿۴۰﴾ بگو آیا شریکان مقرر کرده خود را دیدید آنانکه می پرسستید به جز خدا بنمایید مرا چه چیز از زمین آفریده اند آیا ایشانرا شرکتی در آسمان ها است نه بلکه آیا دادیم ایشان را کتابی پس ایشان از آن بر حجتی اند بلکه ستمگاران بعضی از ایشان بعضی را مگر از روی فریب وعده نمیدهند. ﴿۴۱﴾ هر آینه خدا آسمان ها و زمین را از آنکه از جای خود بلغزند نگاه میدارد و اگر بلغزند آنها را هیچ کسی بعد از خدا^(۱) نگاه ندارد هر آینه او برد بار آمرزنده است. ﴿۴۲﴾ و قسم خوردند به خدا سخت ترین قسم های خود را که اگر به ایشان ترساننده ای بیاید البته راه یافته تر از هر یک امتی خواهند بود پس چون به ایشان ترساننده آمد در حق ایشان جز گریز را نیفزود. ﴿۴۳﴾ (این) به سبب سرکشی در زمین و نیرنگ زشتی بود که وزیدند و وبال بداندیشی قبیح مگر به اهل او فرود نمی آید پس منتظر نیستند مگر آئین عقوبت پیشینیان را پس برای آیین خدا تبدیلی را نخواهی یافت و برای آیین خدا تغییری را نخواهی یافت. ﴿۴۴﴾ آیا در زمین نگشته اند تابینند سر انجام کار آنان را که پیش از ایشان بودند چگونه شد و آن جماعت از ایشان زیاده تر بودند در قوت و هرگز نیست که خدا را هیچ چیزی در آسمان ها و نه در زمین عاجز کند هر آینه او دانای توانا هست.

(۱) یعنی غیر از خدا.

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا
مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ فَإِذَا
جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا ﴿٤٥﴾

سُورَةُ يُسِّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يس ﴿١﴾ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ﴿٢﴾ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣﴾ عَلَى
صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٤﴾ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٥﴾ لِتُنذِرَ قَوْمًا
مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ ﴿٦﴾ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ
فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٧﴾ إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْيُنِهِمْ غُلُلًا فَهِىَ إِلَى
الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُونَ ﴿٨﴾ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا
وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿٩﴾ وَسَوَاءٌ
عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾ إِنَّمَا تُنذِرُ
مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ ۖ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ
وَأَجْرِ كَرِيمٍ ﴿١١﴾ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا
وَأَثَرَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ ﴿١٢﴾

﴿۴۵﴾ و اگر خدا مردمان را به کیفر آنچه میکردند گرفتار می کرد برپشت زمین هیچ جانوری را نگذاشتی ولیکن ایشانرا تامیعی می نمود موقوف میدارد پس چون میعاد ایشان آید پس هرآئینه خدا به بندگان خود بینا هست.

سوره یس مکی است و آن هشتاد و سه
آیه و پنج رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ یس. ﴿۲﴾ قسم به قرآن باحکمت. ﴿۳﴾ هرآئینه تو به یقین از پیامبرانی. ﴿۴﴾ براه راستی. ﴿۵﴾ فروفر ستاده (خدا) غالب مهربان (را مراد دارم). ﴿۶﴾ تا قومی را که پدران ایشان ترسانیده نشده و خود ایشان غافلند بترسانید^(۱). ﴿۷﴾ هرآئینه وعده عذاب بر اکثر ایشان ثابت شد پس اکثر ایشان ایمان نمی آورند. ﴿۸﴾ هرآئینه ما در گردن های ایشان طوق ها قرار دادیم پس آن طوقها تا زنجها و چانه ها باشند پس سرهای ایشان (برأثر آن) روی به بالانگاه داشته میشود. ﴿۹﴾ و پیش روی ایشان دیواری و پس پشت ایشان دیواری قرار داده ایم باز ایشان را فروپوشانده ایم پس ایشان هیچ نبینند^(۲). ﴿۱۰﴾ و برایشان برابراست که بیم کنی ایشانرا یا ایشان را بیم نکنی ایمان نیاورند. ﴿۱۱﴾ جزاین نیست که می ترسانی کسی را که پیروی پندکند و غایبانه از خدا بترسد پس اورابه آمرزش و پاداشی گرامی بشارت ده. ﴿۱۲﴾ هرآئینه ما مردگان را زنده می گردانیم و می نویسیم آنچه پیش فرستاده اند^(۳) و نقش پایهای ایشان را می نویسیم و هر چیزی را در کتاب ظاهر^(۴) شمرده ایم.

(۱) یعنی دربنی اسماعیل هیچ پیامبری مبعوث نشده بود.

(۲) مترجم گوید این هردو آیت تمثیل و تصویر یاس ایشان است از شناختن حق.

(۳) یعنی از اعمال خیر و شر.

(۴) یعنی لوح محفوظ.

وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ
 (١٣) إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا
 إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ (١٤) قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا
 وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (١٥) قَالُوا
 رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُم لَمُرْسَلُونَ (١٦) وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ
 الْمُبِينُ (١٧) قَالُوا إِنَّا تَطِيرُنَا بِكُمْ لَيْنَ لَمَّا تَنْتَهُوْا لَنَرْجُمَنَّكُمْ
 وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (١٨) قَالُوا طَائِرُكُم مَّعَكُمْ أَإِنْ
 ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (١٩) وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ
 رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَاقَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ (٢٠) اتَّبِعُوا
 مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُّهْتَدُونَ (٢١) وَمَالِيَ لَا أَعْبُدُ
 الَّذِي فطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (٢٢) أَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ إِلهَةً
 إِنْ يَرِدْني الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا
 وَلَا يُنْقِذُونِ (٢٣) إِنِّي إِذًا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (٢٤) إِنِّي ءَامَنْتُ
 بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ (٢٥) قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَلَيْتَ قَوْمِي
 يَعْلَمُونَ (٢٦) بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ (٢٧)

﴿۱۳﴾ و برای ایشان قصه اهل ده را بیان کن چون به آن ده پیامبران آمدند. ﴿۱۴﴾ آنگاه که فرستادیم به سوی ایشان دو کس را پس تکذیب کردند ایشان را پس به سوی قوت دادیم پس هر سه کس گفتند هرائینه ما به سوی شما فرستادگانیم. ﴿۱۵﴾ اهل ده گفتند نیستید شما مگر آدمی مانند ما و رحمن هیچ چیزی فرونفرستاده است نیستید شما مگر دروغ میگوید. ﴿۱۶﴾ گفتند پروردگار ما میداند که هرائینه ما به سوی شما فرستادگانیم. ﴿۱۷﴾ ویرما جز پیغام رسانیدن ظاهر نیست. ﴿۱۸﴾ گفتند هرائینه ما شگون بد گرفتیم به شما اگر باز نیاید البته شمارا سنگ سارکنیم والته به شما از جانب ما عقوبت درد ناک برسد. ﴿۱۹﴾ گفتند شگون بد شما همراه شما است آیا اگر شما را پند داده شود بر شگون بد حمل کنید بلکه شما گروهی از حد گذشته اید. ﴿۲۰﴾ وازدور ترین محل های آن شهر مردی شتابان آمد گفت ای قوم من پیامبران را پیروی کنید. ﴿۲۱﴾ کسی را که از شما هیچ مزدی نمی طلبد پیروی کنید وایشان راه یافتگانند. ﴿۲۲﴾ وچيست مرا که عبادت معبودی را نکنم که بیافرید مرا و به سوی وی بازگردانیده خواهید شد. ﴿۲۳﴾ آیا به جای او معبودانی گیرم که اگر بخواهد خدای تعالی در حق من زیانی شفاعت ایشان از من چیزی را دفع نکند وایشان مرا خلاص نکنند. ﴿۲۴﴾ هرائینه من آنگاه در گمراهی ظاهر باشم. ﴿۲۵﴾ هرائینه من به پروردگار شما ایمان آورده ام پس از من^(۱) بشنوید. ﴿۲۶﴾ اورا گفته شد درآی به بهشت گفت ای کاش قوم من میدانستند. ﴿۲۷﴾ که مرا پروردگار من به چه چیز بیامرزد و مرا از نواختگان ساخت.

(۱) مترجم گوید اهل ده آنرا شهید ساختند واللہ اعلم.

* وَمَا أَنزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا
 كُنَّا مُنْزِلِينَ ﴿٢٨﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ
 ﴿٢٩﴾ يَحْسَرَةُ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ
 يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٣٠﴾ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ
 أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٣١﴾ وَإِنْ كُلٌّ لَّمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ
 ﴿٣٢﴾ وَءَايَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيِّتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا
 فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ﴿٣٣﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ
 وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ﴿٣٤﴾ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ
 وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾ سُبْحَنَ الَّذِي
 خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ
 وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَءَايَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ
 فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ ﴿٣٧﴾ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا
 ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّى
 عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿٣٩﴾ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ
 الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٤٠﴾

﴿۲۸﴾ و بر قوم او بعد از او هیچ لشکری از آسمان فرود نیاوردیم و ما فرود آورنده لشکر نیستیم.
 ﴿۲۹﴾ عقوبت ایشان مگر يك فریاد تند نبود پس ناگهان ایشان چون آتش فرو مرده خاموش شدند^(۱). ﴿۳۰﴾ ای وای بر بندگان نمی آید بدیشان هیچ فرستاده مگر با او تمسخر می کردند. ﴿۳۱﴾ آیا ندیدند چه قدر پیش از ایشان از طبقات مردمان که آن جماعت به سوی ایشان باز نمی آیند هلاک ساختیم. ﴿۳۲﴾ و جزاین نیست که همگی شان (برای حساب) در نزد ما جمع و حاضر کرده خواهند شد. ﴿۳۳﴾ و نشانه ای هست برای ایشان آن زمین مرده که زنده گردانیدیم و بر آوردیم از آن دانه پس از آن دانه میخورند. ﴿۳۴﴾ و در زمین بوستان ها از درختان خرما و درختان انگور آفریدیم و در آن بوستان ها چشمه ها روان ساختیم. ﴿۳۵﴾ تا از میوه آنچه مذکور شد و (نیز) از عمل آورده دستهایشان بخورند آیا پس شکر نمی کنند. ﴿۳۶﴾ پاکست آنکه تمام اجناس را از آنچه میرویانندش زمین و از جنس آدمیان و از آنچه ایشان نمی دانند آفرید. ﴿۳۷﴾ و نشانه ای هست برای ایشان شب ازوی روز را مانند پوست می کشیم پس ناگهان ایشان در تاریکی آیند. ﴿۳۸﴾ و آفتاب به راهی که قرار گاه و یست می رود این اندازه خدای غالب دانا است. ﴿۳۹﴾ و ماه را برای او منزل ها مقرر کردیم تا آن که مانند چوب کهنه خوشه خرما باز گردد. ﴿۴۰﴾ نه خورشید می سزدش که دریابد ماه را و نه شب سبقت کننده است به روز^(۲) و هریکی از خورشید و ماه و ستاره ها در آسمانی سیر میکنند.

(۱) یعنی همه برجای سرد گشتند و مردند، مصحح.

(۲) یعنی پیش از انقضای روز نمی آید.

وَأَيُّهُمُ أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْمَشْحُونِ ﴿٤١﴾ وَخَلَقْنَا
لَهُمْ مِنْ مِّثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِنْ نَشَأْغْرِقَهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ
وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ ﴿٤٣﴾ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا
قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ
﴿٤٥﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا
مُعْرِضِينَ ﴿٤٦﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ انْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا الَّذِينَ
كَفَرُوا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْطِعُمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَنْطَعْمَهُ إِنْ
أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٤٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ
صَادِقِينَ ﴿٤٨﴾ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا الصَّيْحَةَ وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ
يَخِصِّمُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ
يَرْجِعُونَ ﴿٥٠﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ
يَنْسِلُونَ ﴿٥١﴾ قَالُوا يَوَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ
الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا الصَّيْحَةُ
وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٥٣﴾ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ
نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٤﴾

﴿۴۱﴾ و نشانه ای هست برایشان که ما قوم بنی آدم را در کشتی پُر کرده شده برداشتیم. ﴿۴۲﴾ و آفریدیم برای ایشان مانند کشتی آنچه بر آن سوار می شوند^(۱). ﴿۴۳﴾ و اگر بخواهیم ایشان را غرق کنیم پس هیچ فریاد رس برای ایشان نباشد و نه ایشان رها کرده شوند. ﴿۴۴﴾ لیکن رحمت کردیم از جانب خود و تاملتی بهره مند ساختیم. ﴿۴۵﴾ و چون به ایشان گفته شود که بترسید از عقوبتی که پیش دستهای شما باشد و از عقوبتی که پس پشت شما باشد، باشد که بر شما رحم کرده شود. ﴿۴۶﴾ (اعراض کنند) و بدیشان هیچ نشانه ای از پروردگار ایشان نمی آید الاّ از آن رویگردان باشند. ﴿۴۷﴾ و چون به ایشان گفته شود که خرج کنید از آنچه شمارا خدای تعالی روزی داده است کافران به مسلمانان گویند آیا کسی را خوراک دهیم که اگر خدای تعالی می خواست او را خوراک می داد نیستید شما مگر در گمراهی ظاهر. ﴿۴۸﴾ و کافران می گویند کی باشد این وعده اگر راست گویید. ﴿۴۹﴾ انتظار نمی کشند مگر یک نعره تند را که ایشان را بگیرد و ایشان خصومت کنان باشند. ﴿۵۰﴾ پس وصیت کردن نتوانند و نه به اهل خود بازگردند. ﴿۵۱﴾ و در صور دمیده شود پس ناگهان ایشان از قبرها به سوی پروردگار خویش بشتابند. ﴿۵۲﴾ گویند ای وای بر ما چه کسی مارا از خواب گاه ما برخیزانید (آری) این هما نست که وعده داده بود خدای تعالی و پیامبران راست گفتند. ﴿۵۳﴾ نباشد این واقعه مگر نعره تندی پس ناگهان ایشان (همگی) نزد ما جمع و حاضر کرده خواهند شد. ﴿۵۴﴾ پس امروز ستم کرده نخواهد شد بر هیچ کسی هیچ ستمی و جزا داده نخواهید شد الاّ به وفق آنچه میکردید.

(۱) یعنی شترویل . [وما شین و قطار و هواپیما و غیره در حال حاضر].

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهُونَ ﴿٥٥﴾ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ
 فِي ظِلِّلٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ ﴿٥٦﴾ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ
 وَلَهُمْ مَائِدَ عُودٌ ﴿٥٧﴾ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ ﴿٥٨﴾ وَأَمَّا زُورُ
 الْيَوْمِ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٩﴾ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَبْنَئِ أَدَمَ
 أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٦٠﴾ وَإِنْ
 أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ
 جِثْلًا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ﴿٦٢﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي
 كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٦٣﴾ أَصَلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٦٤﴾
 الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ
 بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ
 فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ ﴿٦٦﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ
 عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ﴿٦٧﴾
 وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾
 وَمَا عَمَلَتْهُ الشُّعْرُ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْءَانٌ مُبِينٌ
 لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧٠﴾

﴿۵۵﴾ هرآئینه اهل بهشت امروز درکاری هستند شادمانند. ﴿۵۶﴾ ایشان وهمسر ایشان در سایه ها بر تخت هاتکیه زده‌اند. ﴿۵۷﴾ ایشان را است در بهشت میوه و ایشان را است آنچه می طلبند. ﴿۵۸﴾ گفته شود سلام باد از جانب پروردگار مهربان. ﴿۵۹﴾ و (بگوییم) امروز ای گناهکاران جدا شوید. ﴿۶۰﴾ آیا به سوی شما ای اولاد آدم حکم نفرستاده بودم که شیطان را می‌پرستید هرآئینه وی شما را دشمن آشکار است. ﴿۶۱﴾ و آنکه مرا می‌پرستید این راه راست است. ﴿۶۲﴾ و هرآئینه شیطان از قوم شما خلق بسیاری را گمراه ساخت آیانی دانستید. ﴿۶۳﴾ این (همان) دوزخی است که به شما وعده داده می‌شد. ﴿۶۴﴾ امروز به (سزای) کفرتان به آن درآید. ﴿۶۵﴾ امروز مَهر نهیم بر دهان‌های ایشان و سخن گوید باما دست‌های ایشان و گواهی دهد پاهای ایشان به آنچه می‌کردند. ﴿۶۶﴾ و اگر بخواهیم چشم‌های ایشان را نابود کنیم پس به سوی راه سبقت کنند پس از کجا ببینند؟ ﴿۶۷﴾ و اگر بخواهیم ایشان را بر جای ایشان مسخ کنیم پس از آن جا گذشتن نتوانند و باز نگردند. ﴿۶۸﴾ و هر که را عمر دراز می‌دهیم نگوئیم که می‌کنیمش در آفرینش آیا در نمی‌یابند. ﴿۶۹﴾ و نیاموختیم این پیامبر را شعر و سزاوار او نیست آن مگر پندی و قرآنی آشکار نیست. ﴿۷۰﴾ تا هر که را که زنده (دل) باشد بترساند^(۱) و حجت بر کافران ثابت شود.

(۱) یعنی صاحب فهم [وایمان] باشد.

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا
 مَالِكُونَ ﴿٧١﴾ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ
 ﴿٧٢﴾ وَلَهُمْ فِيهَا مِنْفَعٌ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَاتَّخَذُوا
 مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يَسْتَطِيعُونَ
 نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ ﴿٧٥﴾ فَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ
 إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٦﴾ أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا
 خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ﴿٧٧﴾ وَضَرَبَ لَنَا
 مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ وَقَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾
 قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ
 ﴿٧٩﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ
 مِنْهُ تُوقَدُونَ ﴿٨٠﴾ أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
 بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨١﴾
 إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَن يَقُولَ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾
 فَسُبْحَنَ الَّذِي يَبْدِئُ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

سُورَةُ الصَّافَّاتِ

﴿۷۱﴾ آیندیندند که ما برای ایشان از آنچه ساخته است دست های ما چهارپایان را آفریدیم پس ایشان آنها را مالکانند. ﴿۷۲﴾ و برای ایشان چهار پایان را رام ساختیم پس بعضی از آن سواری ایشانست و بعضی از آن را میخورند. ﴿۷۳﴾ و برایشان در چهار پایان منفعت ها و آشامیدنیها است آیا شکر نمی گزارند. ﴿۷۴﴾ و غیر از خدا معبودانی را گرفتند تا باشد که ایشان یاری داده شوند. ﴿۷۵﴾ یاری کردن ایشان را نتوانند و این (بتان) برای ایشان لشکری حاضر کرده شده اند. ﴿۷۶﴾ پس سخن ایشان تورا اندوه گین نکند هر آینه ما میدانیم آنچه پنهان میکنند و آنچه آشکار می نمایند. ﴿۷۷﴾ آیا ندانسته است آدمی که ما او را از نطفه ای آفریدیم پس ناگهان وی خصومت کننده آشکار شد. ﴿۷۸﴾ و برای ما مثلی زد و آفرینش خود را فراموش کرد گفت چه کسی استخوان هارا در حالی که آن پوسیده است زنده می کند. ﴿۷۹﴾ بگوزنده می کندش آن کس که او را اوّل بار آفرید و او بهر قسم آفرینش داناست. ﴿۸۰﴾ آنکه برای شما از درخت سبز آتش را پیدا کرد پس ناگهان شما از آن درخت آتش می افروزید. ﴿۸۱﴾ آیا آنکه آفرید آسمان ها و زمین را توانا نیست بر آنکه مانند ایشان را بیافریند بلی و او آفریننده دانا است. ﴿۸۲﴾ جز این نیست که فرمان خدا چون بخواهد آفریدن چیزی را این است که بگویدش بشو پس می شود. ﴿۸۳﴾ پس پاک است آنکه پادشاهی هر چیز بدست اوست و به سوی او باز گردانیده می شوید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ۝١ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ۝٢ فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ۝٣ إِنَّ
إِلَهُكُمْ لَوَاحِدٌ ۝٤ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَابَيْنَهُمَا وَرَبُّ
الْمَشْرِقِ ۝٥ إِنَّا زَيَّيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بَرِيقًا الْكُوكِبِ ۝٦ وَحِفْظًا
مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ۝٧ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَذَّفُونَ
مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ۝٨ دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ۝٩ إِلَّا مَنْ خِطَفَ
الْخُطْفَةَ فَاتَّبَعْنَاهُ وَشِهَابٌ ثَاقِبٌ ۝١٠ فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ
مَنْ خَلَقْنَاهُ إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَّازِبٍ ۝١١ بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ
۝١٢ وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ۝١٣ وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخَرُونَ ۝١٤
وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ۝١٥ أَمْ ذَا مَتْنًا وَكُنَّا تَرَابًا وَعِظْلًا
أَمْ نَأْمَبْعُوثُونَ ۝١٦ أَوْءَا بَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ۝١٧ قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ
۝١٨ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ ۝١٩ وَقَالُوا يَتَّبِعُنَا
هَذَا يَوْمُ الدِّينِ ۝٢٠ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ۝٢١
* أَحْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ۝٢٢ مِنْ دُونِ
اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ ۝٢٣ وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ ۝٢٤



سوره صافات میکی است وآن يك صد وهشتاد
ودو آیه و پنج ركوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ قسم به جماعتی (از ملائکه) که صف میکشند صف کشیدنی^(۱). ﴿۲﴾ پس قسم به جماعتی که میرانند راندنی^(۲). ﴿۳﴾ پس قسم به جماعتی که کتاب را (چنانکه باید) تلاوت میکنند. ﴿۴﴾ هر آئینه معبود شماییکی است. ﴿۵﴾ او پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه در میان این هاست و او پروردگار مشرق ها است^(۳). ﴿۶﴾ هر آئینه ما آسمان دنیا را به زینت ستاره ها آرایش دادیم. ﴿۷﴾ و آنرا از اهر شیطان سرکش نگاهداشتیم. ﴿۸﴾ (مقصد آنکه) گوش نه نهند شیاطین به سوی ملاء اعلیٰ و اهر جانب زده میشوند. ﴿۹﴾ به جهت آنکه رانده شوند و ایشان را پیوسته عذاب دایم است. ﴿۱۰﴾ مگر کسی که برباید^(۴) ربودنی پس از پی او شعله ای سوزنده افتد. ﴿۱۱﴾ پس استفسارکن از ایشان آیا ایشان سخت تراندر آفرینش یا کسیکه ما آفریده ایم^(۵) هر آئینه ما ایشانرا از گل چسپنده آفریده ایم. ﴿۱۲﴾ بلکه تعجب کردی^(۶) و ایشان تمسخر میکنند. ﴿۱۳﴾ و چون پند داده شوند پند نمی گیرند. ﴿۱۴﴾ و چون ببینند نشانه ای را تمسخر می کنند. ﴿۱۵﴾ و گفتند این (قرآن) مگر سحر ظاهر نیست. ﴿۱۶﴾ آیا چون بمیریم و خاك و استخوانهایی باشیم آیا ما البته برا نگیخته شویم؟ ﴿۱۷﴾ آیا پدران نخستین ما برانگیخته شوند؟ ﴿۱۸﴾ بگو آری و شما خوار باشید. ﴿۱۹﴾ پس جزاین نیست که آن برانگیختن يك نعره تند باشد پس ناگهان ایشان بنگرند. ﴿۲۰﴾ و گویند ای وای بر ما اینست روز جزا. ﴿۲۱﴾ (گفته شود) این است روز فیصله کردن قضایا که آنرا تکذیب می کردید. ﴿۲۲﴾ (گفته شود) ای ملائکه ستمکاران را باهمراهانشان^(۷) و با آنچه غیر از خدا می پرستیدند جمع آوری کنید. ﴿۲۳﴾ پس ایشان را به سوی راه دوزخ دلالت کنید. ﴿۲۴﴾ و بازدارید ایشان را هر آئینه ایشان سوال کرده خواهند شد.

(۱) مترجم گوید یعنی نزدیک پروردگار خود.

(۲) مترجم گوید یعنی شیاطین را والله اعلم.

(۳) یعنی ومغرب هانیز.

(۴) یعنی کلمه ای را از کلمات ملاء اعلیٰ یکبار ربودن.

(۵) یعنی ملائکه وجن وسموات وغیر آن.

(۶) یعنی از حال کافران.

(۷) یعنی با شیاطین والله اعلم.

مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ ﴿٢٥﴾ بَلْ هُمْ أَيَوْمَ مُسْتَسَامُونَ ﴿٢٦﴾ وَقَبْلَ بَعْضِهِمْ
 عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٧﴾ قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ ﴿٢٨﴾
 قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٢٩﴾ وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ
 بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَٰغِينَ ﴿٣٠﴾ فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَٰئِقُونَ ﴿٣١﴾
 فَأَعْوَيْنَكُمْ إِنَّا كُنَّا غَوِينَ ﴿٣٢﴾ فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ
 ﴿٣٣﴾ إِنَّا كَذَلِكْ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٤﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣٥﴾ وَيَقُولُونَ إِنَّا لَتَارِكُوَاءُ الْهَتِنَا
 لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ ﴿٣٦﴾ بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣٧﴾ إِنَّكُمْ
 لَذَٰئِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَمَا تُحْزَنُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
 ﴿٣٩﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾ أُولَٰئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ﴿٤١﴾
 فَوَكَهَهُمْ مَكْرُمُونَ ﴿٤٢﴾ فِي جَنَّتِ النَّعِيمِ ﴿٤٣﴾ عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ
 ﴿٤٤﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَّعِينٍ ﴿٤٥﴾ بِيَضَاءٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ
 ﴿٤٦﴾ لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ ﴿٤٧﴾ وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ
 الطَّرْفِ عِينٌ ﴿٤٨﴾ كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ ﴿٤٩﴾ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى
 بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٥٠﴾ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ﴿٥١﴾

﴿۲۵﴾ چیست شمارا که بایکدیگریاری نمی کنید؟ ﴿۲۶﴾ بلکه ایشان امروز گردن نهادگاند. ﴿۲۷﴾ وروآوردند بعض ایشان بر بعضی از یکدیگر سوال کنان. ﴿۲۸﴾ گویند هرآئینه شما پیش ما از جانب راست^(۱) می آمدید. ﴿۲۹﴾ گویند بلکه شما مسلمانان نبودید. ﴿۳۰﴾ ومارا بر شما هیچ تسلطی نبود بلکه شما گروهی از حد گذشته بودید. ﴿۳۱﴾ پس بر ما لازم شد سخن پروردگار ماکه البته ماچشده عذاب باشیم. ﴿۳۲﴾ پس شمارا گمراه کردیم هرآئینه ما گمراه بودیم. ﴿۳۳﴾ پس به راستی همه ایشان آن روز در عذاب باهم شریک باشند. ﴿۳۴﴾ هرآئینه ما باگناهکاران همچین می کنیم. ﴿۳۵﴾ هرآئینه ایشان (چنان) بودند که چون گفته می شد بدیشان که هیچ معبودی برحق مگر خدا نیست سرکشی میکردند. ﴿۳۶﴾ و می گفتند آیاما معبودان خود را به خاطر (سخن) شاعری دیوانه ترك گوئیم. ﴿۳۷﴾ بلکه پیامبر سخن درست را آورد سائر پیامبران را باورداشت. ﴿۳۸﴾ هرآئینه شما چشده عذاب دردناک باشید. ﴿۳۹﴾ وجزیه آنچه می کردید جزا داده نخواهید شد. ﴿۴۰﴾ مگر بندگان خالص ساخته خدا^(۲). ﴿۴۱﴾ این جماعت ایشان را روزی مقرر است. ﴿۴۲﴾ انواع میوه وایشان نواختگانند. ﴿۴۳﴾ در بهشت های پُرنازو نعمت. ﴿۴۴﴾ بر تخت ها رو به روی یکدیگر (نشسته اند). ﴿۴۵﴾ برایشان جامی از شراب روان گردانیده می شود. ﴿۴۶﴾ سفید رنگ لذت دهنده برای نوشندگان است. ﴿۴۷﴾ نه در آن شراب تباه کاری باشدونه ایشان از آن شراب مست کرده شوند. ﴿۴۸﴾ و نزدیک ایشان زنان فرواندازنده چشم فراخ چشمان باشند. ﴿۴۹﴾ گویاایشان بیضه های (شتر مرغ) در پرده پوشیده اند. ﴿۵۰﴾ پس بعضی از اهل بهشت بر بعضی دیگر استفسار کنان روی آورند. ﴿۵۱﴾ از ایشان گوینده ای گفت هرآئینه مرا هم نشینی بود.

(۱) یعنی واز جانب چپ نیز به جهت گمراه کردن والله اعلم.

(۲) یعنی آنانکه پاک ساخته شدند از شرک وغیره.

يَقُولُ أَإِنَّكَ لِمِنَ الْمُصَدِّقِينَ ﴿٥٢﴾ أَهَٰذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا ۖ إِنَّا
لَمَدِينُونَ ﴿٥٣﴾ قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُّطَّلِعُونَ ﴿٥٤﴾ فَأَطَّلَعَ فَرَأَاهُ فِي سَوَاءِ
الْجَحِيمِ ﴿٥٥﴾ قَالَ تَاللَّهِ إِنِ كُنتَ لَتَرُدِّينَ ﴿٥٦﴾ وَلَوْ لَا نِعْمَةُ رَبِّي
لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿٥٧﴾ أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ﴿٥٨﴾ إِلَّا مَوْتَتَنَا
الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَدِّينَ ﴿٥٩﴾ إِنَّ هَٰذَا هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٠﴾
لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ ﴿٦١﴾ أَذَلِكَ خَيْرٌ تُرَآءُ أَمْ شَجَرَةٌ
الزَّيْتُونِ ﴿٦٢﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ﴿٦٣﴾ إِنَّهَا شَجَرَةٌ
تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ﴿٦٤﴾ طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ
﴿٦٥﴾ فَإِنَّهُمْ لَا يَكُونُ مِنْهَا فَمَا لَوْ أَنَّ مِنْهَا الْبُطُونِ ﴿٦٦﴾ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ
عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ ﴿٦٧﴾ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ ﴿٦٨﴾
إِنَّهُمْ الْفَوَّاءُ ۖ أَبَاءَهُمْ ضَالُّينَ ﴿٦٩﴾ فَهُمْ عَلَىٰءِ أَثَرِهِمْ يُهْرَعُونَ ﴿٧٠﴾
وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٧١﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ
مُنذِرِينَ ﴿٧٢﴾ فَأَنْظَرُوا كَيْفَ كَانَتْ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ ﴿٧٣﴾
إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخَاصِينَ ﴿٧٤﴾ وَلَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا فَلْنِعْمَ
الْمُجِيبُونَ ﴿٧٥﴾ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾

﴿۵۲﴾ که (از روی انکار) می گفت آیاتو از باور دارند گانی^(۱). ﴿۵۳﴾ آیا چون بمیریم و خاک و استخوانهایی چند شویم آیا ماجزا داده خواهیم شد. ﴿۵۴﴾ باز گفت آیا شمار می نگرید^(۲). ﴿۵۵﴾ پس درنگریست آنگاه آن همنشین خود را در وسط دوزخ دید. ﴿۵۶﴾ گفت بخدا قسم هرآئینه نزدیک بودی بآنکه مرا هلاک کنی. ﴿۵۷﴾ و اگر بخشایش پروردگار من نبود البته از حاضر کردگان (در عذاب) می شدم. ﴿۵۸﴾ آیایس ما نخواهیم مرد. ﴿۵۹﴾ مگر مردن اوّل مان و ماعذاب کرده شدگان نیستیم. ﴿۶۰﴾ هرآئینه این است پیروزی بزرگ. ﴿۶۱﴾ برای این چنین نعمت پس باید که عمل کنند عمل کنندگان. ﴿۶۲﴾ آیا برای پذیرائی آنچه مذکور شد نیکوتر است یا درخت زقوم؟ ﴿۶۳﴾ هرآئینه ما زقوم را عقوبتی برای ستمکاران ساختیم. ﴿۶۴﴾ هرآئینه وی درختیست که در قعر دوزخ برمی آید. ﴿۶۵﴾ خوشه آن مانند سرهای شیطانها است. ﴿۶۶﴾ پس هرآئینه دوزخیان از آن درخت بخورند پس از آن شکم هارا پُرکنند. ﴿۶۷﴾ سپس برآن (خوراک) آمیزه ای از آب گرم دارند. ﴿۶۸﴾ باز هرآئینه بازگشت ایشان به سوی دوزخ بود^(۳). ﴿۶۹﴾ هرآئینه ایشان پدران خود را گمراه یافتند. ﴿۷۰﴾ پس ایشان برپی پدران خود به سرعت رانده میشوند. ﴿۷۱﴾ و هرآئینه پیش از ایشان اکثر پیشینیان گمراه شده بودند. ﴿۷۲﴾ و هرآئینه در میان ایشان ترسانندگان فرستادیم. ﴿۷۳﴾ پس ببین سر انجام بیم کردگان چگونه شد. ﴿۷۴﴾ مگر بندگان خالص ساخته خدا. ﴿۷۵﴾ و هرآئینه نوح ما را آواز داد پس ما نیک قبول کننده دعایم. ﴿۷۶﴾ و او را و اهل او را از اندوه بزرگ رهانیدیم.

(۱) یعنی حشر را.

(۲) یعنی دوزخیان را.

(۳) یعنی بعد از خوردن و نوشیدن ایشان را به دوزخ بازبرند.

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ﴿٧٧﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿٧٨﴾ سَلَّمَ
 عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ﴿٧٩﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٠﴾ إِنَّهُ
 مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨١﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ ﴿٨٢﴾ * وَإِنَّ مِنْ
 شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ ﴿٨٣﴾ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٤﴾ إِذْ قَالَ
 لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ﴿٨٥﴾ أَفَكَاءَ إِلَهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ
 ﴿٨٦﴾ فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾ فَظَنَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ﴿٨٨﴾
 فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ﴿٨٩﴾ فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿٩٠﴾ فَرَاغَ إِلَى إِلَهِ آلِهَتِهِمْ
 فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٩١﴾ مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ ﴿٩٢﴾ فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا
 بِالْيَمِينِ ﴿٩٣﴾ فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزْفُونَ ﴿٩٤﴾ قَالَ أَعْبُدُونَ مَا تَحْتُمُونَ
 ﴿٩٥﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قَالُوا ابْتُلُوهَ بْنَيْنَا فَالْقُوهُ
 فِي الْجَحِيمِ ﴿٩٧﴾ فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ﴿٩٨﴾
 وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٩٩﴾ رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ
 ﴿١٠٠﴾ فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ ﴿١٠١﴾ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعَى قَالَ يَبْنَى
 إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَاقَاتِ
 أَفْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴿١٠٢﴾

﴿۷۷﴾ و تنه‌آذریه اورا باقی گذاشتیم. ﴿۷۸﴾ و بروی ثنای نیک در پس ماندگان گذاشتیم. ﴿۷۹﴾ در (میان) جهانیان بر نوح سلام باد. ﴿۸۰﴾ هرآئینه ما همچنین به نیکوکاران پاداش می‌دهیم. ﴿۸۱﴾ هرآئینه اوازندگان گرویده ما است. ﴿۸۲﴾ باز دیگران را غرق ساختیم. ﴿۸۳﴾ و هرآئینه ابراهیم از اتباع نوح بود. ﴿۸۴﴾ چون پیش پروردگار خود به دل میرا از عیب (یعنی ازدوده شرك و شك) آمد. ﴿۸۵﴾ چون به پدر خود و به قوم خود گفت چه چیز را عبادت می‌کنید. ﴿۸۶﴾ آیا به رای فاسد خود معبودان را به جای خدا می‌جوئید. ﴿۸۷﴾ پس گمان شما به پروردگار عالم‌ها چیست؟ ﴿۸۸﴾ پس ابراهیم يك نگاه به ستاره‌ها نگریست. ﴿۸۹﴾ پس گفت هرآئینه من بیمارم. ﴿۹۰﴾ پس از وی پشت گرداننده بازگشتند. ﴿۹۱﴾ پس به سوی معبودان ایشان پنهان متوجه شد پس گفت آیا نمی‌خورید. ﴿۹۲﴾ چیست شمارا که سخن نمی‌گویید. ﴿۹۳﴾ پس متوجه شد برایشان در حالیکه می‌زد دزنی به قوت. ﴿۹۴﴾ پس (مردم هم) به ابراهیم شتاب کنان روی آوردند. ﴿۹۵﴾ ابراهیم گفت چیزی را که خود می‌تراشید می‌پرستید. ﴿۹۶﴾ و خدا شمارا و آنچه می‌کنید پیدا کرد. ﴿۹۷﴾ بایکدیگر گفتند برای ابراهیم عمارتی بنا کنید پس او را در آتش بسیار بافکنید. ﴿۹۸﴾ پس باوی توطئه را قصد کردند پس ایشان را زیرترین قرار دادیم. ﴿۹۹﴾ و ابراهیم گفت که هرآئینه من به سوی پروردگار خود رونده‌ام مرا راه خواهد نمود. ﴿۱۰۰﴾ ای پروردگار من مرا از شایسته کاران عطا کن. ﴿۱۰۱﴾ پس او را به نوجوانی بُردبار بشارت دادیم. ﴿۱۰۲﴾ پس چون آن طفل بآن سنی رسید که همراه والدش سعی تواند کرد ابراهیم گفت ای پسرک من هرآئینه من در خواب می‌بینم که من ترا ذبح می‌کنم پس درنگر تاجه چیز به خاطر تو میرسد گفت ای پدر من آنچه تورا فرموده میشود بکن مرا اگر خدا خواسته است از شکیبایی کنندگان خواهی یافت.

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهِ لِلْجَبِينِ ﴿١٠٣﴾ وَنَدَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿١٠٤﴾
قَدْ صَدَّقْتَ الرُّءْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٠٥﴾ إِنَّ
هَذَا هُوَ الْبَلَاءُ الْأُمِينُ ﴿١٠٦﴾ وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ ﴿١٠٧﴾ وَتَرَكْنَا
عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٠٨﴾ سَلَّمَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ ﴿١٠٩﴾ كَذَلِكَ نَجْزِي
الْمُحْسِنِينَ ﴿١١٠﴾ إِنَّهُ وَمَنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١١﴾ وَبَشَّرْنَاهُ
بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿١١٢﴾ وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَى إِسْحَاقَ
وَمَنْ ذُرِّيَّتَهُمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ ﴿١١٣﴾ وَلَقَدْ مَنَّا
عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ ﴿١١٤﴾ وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ
الْعَظِيمِ ﴿١١٥﴾ وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴿١١٦﴾ وَآتَيْنَاهُمَا
الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ ﴿١١٧﴾ وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ
﴿١١٨﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ ﴿١١٩﴾ سَلَّمَ عَلَى مُوسَى
وَهَارُونَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢١﴾ إِنَّهُمَا
مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٢﴾ وَإِنِّي لِيَاسَ لِمَنِ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾
إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ
الْخَلْقِينَ ﴿١٢٥﴾ اللَّهُ رَبَّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٢٦﴾

﴿۱۰۳﴾ پس چون هردو منقاد شدند پدر فرزند خود را بر جانبِ پیشانی بافکند. ﴿۱۰۴﴾ و ابراهیم را آواز دادیم که ای ابراهیم. ﴿۱۰۵﴾ هر آئینه خواب را راست تعبیر کردی هر آئینه نیکوکاران را همچنین پاداش میدهیم. ﴿۱۰۶﴾ هر آئینه این ماجرا امتحان ظاهرست. ﴿۱۰۷﴾ و به عوض او گوسفندی مهیابرای ذبح بزرگ جثه دادیم. ﴿۱۰۸﴾ و بروی ثنای نیک در پس ماندگان گذاشتیم. ﴿۱۰۹﴾ بر ابراهیم سلام باد. ﴿۱۱۰﴾ هم چنین نیکوکاران را پاداش میدهیم. ﴿۱۱۱﴾ هر آئینه وی از بندگان گرویده ماست. ﴿۱۱۲﴾ او را به اسحق پیامبری از شایستگان بشارت دادیم. ﴿۱۱۳﴾ و بر ابراهیم و بر اسحق برکت دادیم و از اولاد ایشان بعضی نیکوکارست و بعضی ستم کننده آشکار بر خویشان است. ﴿۱۱۴﴾ به راستی ما بر موسی و هارون احسان کردیم. ﴿۱۱۵﴾ و ایشان و قوم ایشان را از اندوه بزرگ نجات دادیم. ﴿۱۱۶﴾ و ایشانرا نصرت دادیم پس همانان غالبان بودند. ﴿۱۱۷﴾ و ایشان را کتاب واضح دادیم. ﴿۱۱۸﴾ و ایشانرا به راه راست دلالت کردیم. ﴿۱۱۹﴾ و برایشان ثنای نیک در پس ماندگان باقی گذاشتیم. ﴿۱۲۰﴾ سلام بر موسی و هارون باد. ﴿۱۲۱﴾ هر آئینه ما همچنین نیکوکاران را پاداش میدهیم. ﴿۱۲۲﴾ هر آئینه ایشان از بندگان گرویده مایند. ﴿۱۲۳﴾ و هر آئینه الیاس از فرستادگان بود. ﴿۱۲۴﴾ چون به قوم خود گفت آیا پرهیزگاری نمی کنید. ﴿۱۲۵﴾ آیا بعل را پرستش می کنید (و بعل نام بتی است) و نیکوترین آفرینندگان را ترك میکنید. ﴿۱۲۶﴾ خدا پروردگار شما و پروردگار پدران نخستین شما را ترك می کنید.

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٢٧﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٢٨﴾
وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٢٩﴾ سَلَّمَ عَلَىٰ إِيَّايَا سِينَ ﴿١٣٠﴾ إِنَّا
كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣١﴾ إِنَّهُ وَمَنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ
﴿١٣٢﴾ وَإِنَّ لُوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٣﴾ إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ وَأَجْمَعِينَ
﴿١٣٤﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿١٣٥﴾ ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخِرِينَ ﴿١٣٦﴾ وَإِنَّكُمْ
لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُّصْبِحِينَ ﴿١٣٧﴾ وَبِالْأَيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٣٨﴾ وَإِنَّ
يُوسُفَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٩﴾ إِذْ أَتَىٰ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿١٤٠﴾
فَمَسَاهِمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ﴿١٤١﴾ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ
﴿١٤٢﴾ فَلَوْلَا أَنَّهُ وَكَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾ لَلَيْتَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ
يُبْعَثُونَ ﴿١٤٤﴾ * فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿١٤٥﴾ وَأَنْبَتْنَا
عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَقْطِينٍ ﴿١٤٦﴾ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ
يَزِيدُونَ ﴿١٤٧﴾ فَأَمْنُوا فَمَنْعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١٤٨﴾ فَاسْتَفْتَاهُمُ
الرَّبُّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ ﴿١٤٩﴾ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنْثًا
وَهُمْ شَاهِدُونَ ﴿١٥٠﴾ أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ﴿١٥١﴾ وَلَدَ
اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٥٢﴾ أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ ﴿١٥٣﴾

﴿۱۲۷﴾ پس دروغگو پنداشتند اورا پس هرآئینه آن جماعت حاضر کردند^(۱). ﴿۱۲۸﴾ مگر بندگان خالص کرده خدا. ﴿۱۲۹﴾ و بر الیاس ثنای نیک در پس ماندگان گذاشتیم. ﴿۱۳۰﴾ سلام بر الیاس باد. ﴿۱۳۱﴾ هرآئینه ما نیکوکاران را هم چنین پاداش میدهم. ﴿۱۳۲﴾ هرآئینه وی از بندگان گرویده ما بود. ﴿۱۳۳﴾ و هرآئینه لوط از فرستادگان بود. ﴿۱۳۴﴾ یادکن چون او و اهل خانه او همگی را نجات دادیم. ﴿۱۳۵﴾ مگر پیرزنی که از باقی ماندگان بود. ﴿۱۳۶﴾ باز آن دیگران را هلاک ساختیم. ﴿۱۳۷﴾ و هرآئینه شما بر خانه های آن قوم صبح کنان گذر میکنید. ﴿۱۳۸﴾ و به وقت شب نیز آیا در نمی یابید. ﴿۱۳۹﴾ و هرآئینه یونس از فرستادگان بود. ﴿۱۴۰﴾ چون به سوی کشتی پُر کرده شده گریخت. ﴿۱۴۱﴾ پس با اهل کشتی قرعه انداخت پس از مغلوبان شد. ﴿۱۴۲﴾ پس اورا ماهی فروبرد و او (کاری را کننده بود که موجب) ملامت شده بود. ﴿۱۴۳﴾ پس اگر نه آنست که وی از تسبیح کنندگان می بود. ﴿۱۴۴﴾ البته در شکم ماهی باقی می ماند تا روزیکه مردمان برانگیخته شوند. ﴿۱۴۵﴾ پس اورا به زمین بی گیاه بیفگندیم و او بیمار بود. ﴿۱۴۶﴾ و بر سر او درختی از قسم کدو رویانیدیم. ﴿۱۴۷﴾ و او را به سوی صدهزار یا بیشتر ازان فرستادیم. ﴿۱۴۸﴾ پس ایمان آوردند پس ایشان را تاملتی بهره مند ساختیم. ﴿۱۴۹﴾ پس استفسار کن از مشرکان آیا پروردگار تورا دخترانست و ایشان را پسران است؟ ﴿۱۵۰﴾ آیا فرشتگان را زنها آفریدیم و ایشان حاضر بودند. ﴿۱۵۱﴾ آگاه باش هرآئینه ایشان از دروغ گویی خود می گویند. ﴿۱۵۲﴾ که بزادخدای تعالی و هرآئینه ایشان دروغ گویند. ﴿۱۵۳﴾ آیا دختران را بر پسران اختیار کرد؟.

(۱) یعنی دردوزخ.

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطٰنٌ مُّبِينٌ ﴿١٥٦﴾
 فَأَتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صٰدِقِينَ ﴿١٥٧﴾ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ
 نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجَنَّةُ إِنَّهُمْ لَمَحْضُرُونَ ﴿١٥٨﴾ سُبْحٰنَ اللَّهِ عَمَّا
 يُصِفُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٠﴾ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿١٦١﴾
 مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفِتْنَيْنِ ﴿١٦٢﴾ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ﴿١٦٣﴾ وَمَا مِنَّا إِلَّا
 لَهُ وَمَقَامٌ مَّعْلُومٌ ﴿١٦٤﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّٰفُّونَ ﴿١٦٥﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ﴿١٦٦﴾
 وَإِن كَانُوا لَيَقُولُونَ ﴿١٦٧﴾ لَوْنًا عِنْدَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦٨﴾ لَكُنَّا
 عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٩﴾ فَكْفَرُوا بِهِ ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿١٧٠﴾ وَلَقَدْ
 سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧١﴾ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿١٧٢﴾
 وَإِن جُنَدُنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿١٧٣﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٤﴾ وَأَبْصَرَهُمْ
 فَسَوْفَ يُبْصَرُونَ ﴿١٧٥﴾ أَفَعِدَّاءُنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٧٦﴾ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ
 فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ ﴿١٧٧﴾ وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٨﴾ وَأَبْصَرَ
 فَسَوْفَ يُبْصَرُونَ ﴿١٧٩﴾ سُبْحٰنَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٨٠﴾
 وَسَلٰمٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعٰلَمِينَ ﴿١٨٢﴾

سُورَةُ الصَّافَّاتِ

﴿۱۵۴﴾ چیست شمارا چگونه حکم می کنید؟! ﴿۱۵۵﴾ آیا نمی اندیشید. ﴿۱۵۶﴾
 آیا شمارا حجتی واضح است؟ ﴿۱۵۷﴾ پس کتاب خود را بیارید اگر راست گو هستید.
 ﴿۱۵۸﴾ و کافران میان خدای تعالی و میان جنیان خویشی را مقرر کردند و هرآئینه دانسته
 اند جنیان که ایشان البته حاضر کردند^(۱). ﴿۱۵۹﴾ خدا از آن چه بیان میکنند پاک است.
 ﴿۱۶۰﴾ مگر بندگان خالص کرده^(۲). ﴿۱۶۱﴾ پس هرآئینه شمای کافران و آنچه
 می پرستید^(۳). ﴿۱۶۲﴾ نیستید همراه کننده بر عبادت آن معبود باطل (کسی را). ﴿۱۶۳﴾
 مگر کسی را که او درآینده دوزخ است (در علم الهی). ﴿۱۶۴﴾ و فرشتگان گفتند نیست
 هیچکس از ما مگر اورا جائیست مقرر. ﴿۱۶۵﴾ و هرآئینه ما صف کشندگانیم. ﴿۱۶۶﴾
 و هرآئینه ما تسبیح گویندگانیم. ﴿۱۶۷﴾ و هرآئینه کافران عرب میگفتند. ﴿۱۶۸﴾ اگر پیش
 ما خبری از پیشینیان می بود. ﴿۱۶۹﴾ البته بندگان خالص ساخته^(۴) خدا می شدیم.
 ﴿۱۷۰﴾ باز به آن قرآن کافر شدند پس عاقبت کار را خواهند دانست. ﴿۱۷۱﴾ و هرآئینه
 سابقاً وعده^(۵) ما برای بندگان فرستاده ما صادر شده است. ﴿۱۷۲﴾ هرآئینه پیامبران ایشان
 نصرت دادگان اند. ﴿۱۷۳﴾ و هرآئینه لشکر مالمالته ایشانند غالب. ﴿۱۷۴﴾ پس از ایشان تا
 مدتی روی بگردان. ﴿۱۷۵﴾ و ایشان را بنگر پس ایشان نیز خواهند دید. ﴿۱۷۶﴾ آیا این
 کافران عذاب مارابه شتاب می طلبند. ﴿۱۷۷﴾ پس چون عذاب به میدان ایشان فرود آید
 بامداد بیم کردگان بدباشد. ﴿۱۷۸﴾ و از ایشان تامل مدتی روی بگردان. ﴿۱۷۹﴾ و ایشان را
 بنگر پس ایشان نیز خواهند دید. ﴿۱۸۰﴾ پاکی است پروردگار تورا خداوند غلبه از آنچه
 این جماعت بیان می کنند. ﴿۱۸۱﴾ و سلام بر فرستادگان خدا باد. ﴿۱۸۲﴾ و سپاس
 و ستایش برای خدا پروردگار عالم ها است.

(۱) یعنی برای حساب و عذاب.

(۲) یعنی بیان مخلصان موافق واقع است.

(۳) یعنی بتان.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صَّ وَالْقُرْءَانِ ذِي الذِّكْرِ ١ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ٢
كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَاوَلَاتِ حَيْنَ مَنَاصٍ ٣ وَعَجِبُوا
أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ ٤ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سِحْرٌ كَذَابٌ ٥
أَجْعَلِ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَبٌ ٥ وَأَنْطَلَقَ الْمَلَأُ
مِنْهُمْ أَنْ أَمْشُوا وَأَصْبِرُوا أَعْلَىٰ هَذَا الشَّيْءِ ٦ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ٦
مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْأَلَمَةِ الْأُخْرَىٰ إِنْ هَذَا إِلَّا خَيْثُلٌ ٧ أَمْ نَزَلِ
عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَدُورُوا عَذَابٍ
٨ أَمْ عَنْدهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ٩ أَمْ لَهُمْ مُلْكُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ ١٠ جُنْدُ
مَا هُنَا لَكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ ١١ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ
وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ١٢ وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ
لَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ ١٣ إِنْ كُلُّ إِلَّا كَذَبَ الرُّسُلِ
فَحَقَّ عِقَابٌ ١٤ وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مِمَّا هَا
مِنْ فَوَاقٍ ١٥ وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَآ قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ١٦

سوره ص مکی است و آن نودونه
آیه و پنج رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ ص قسم به قرآن خداوند پند (که آنچه به آن دعوت میکنی راست است). ﴿۲﴾ بلکه کافران درسرکشی و مخالفت اند. ﴿۳﴾ پیش از ایشان چقدر قرنهارا هلاک کردیم پس فریاد برآوردند و آن وقت خلاصی نبود. ﴿۴﴾ و از آنکه به ایشان بیم کننده ای از قوم ایشان بیامد تعجب کردند و گفتند این کافران این شخص جادوگر دروغگوئیست. ﴿۵﴾ آیا معبودان متعدد را يك معبود گردانید هرآئینه این چیزی عجیب است. ﴿۶﴾ و اشراف از ایشان (بایکدیگرگویان) رهسپار شدند که بروید و بر عبادت معبودان خود شکیبایی کنید هرآئینه این دین نوفتنه است که اراده کرده شده است. ﴿۷﴾ این قول را در دین اخیر^(۱) نشنیده ایم این مگرافترء نیست. ﴿۸﴾ آیا از میان ما قرآن براو نازل شده است؟ بلکه این کافران در شك اند از پندمن بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند. ﴿۹﴾ آیا نزد ایشان خزانه های رحمت پروردگار غالب بخشاینده تو است. ﴿۱۰﴾ آیا ایشانراست پادشاهی آسمان ها وزمین و آنچه در میان آنها است پس باید که (چنگ زنان) به ریسمانها (به آسمان) بالا روند^(۲). ﴿۱۱﴾ لشکری هست آنجا شکست داده شده از جمله گروه ها^(۳). ﴿۱۲﴾ پیش از ایشان قوم نوح و عاد و فرعون خداوند میخها تکذیب کردند^(۴). ﴿۱۳﴾ و ثمود و قوم لوط ساکنان ای که (تکذیب کردند) ایشان گروه های بسیار (وقوی) بودند. ﴿۱۴﴾ نیست هیچ کس از ایشان مگر پیامبران را تکذیب کرد پس عقوبت من حتمی شد. ﴿۱۵﴾ و انتظار نمی برند کفار این عصر مگر يك نعره تند را یعنی نفخه قیامت که آنرا هیچ توقف نباشد. ﴿۱۶﴾ و گفتند (به طریق استهزا) ای پروردگار ما پیش انداز برای ما سرنوشت ما را از عقوبت پیش از روز حساب.

(۱) یعنی قرآن آخر که ما آن را دریا فثیم والله اعلم.

(۲) یعنی به ریسمان آویخته هم نمی توانند که به آسمان روند پس چطور رسند به پادشاهی والله اعلم.

(۳) یعنی ازجنس گروه ها که بانبیاء مخالفت کردند.

(۴) یعنی به میخ تعذیب می کرد.

أَصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَادْخُلْ عِدْنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿١٧﴾ إِنَّا
 سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ ﴿١٨﴾ وَالطَّيْرَ
 مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ ﴿١٩﴾ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَءَاتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ
 وَفَصَّلَ الْخِطَابِ ﴿٢٠﴾ * وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَضِرِ إِذْ تَسَوَّرُوا
 الْمِحْرَابَ ﴿٢١﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ
 خَصَّمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَأَحْكَمْ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ
 وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ ﴿٢٢﴾ إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَجَةً
 وَلِي نَجَةٍ وَاحِدَةٍ فَقَالَ أَكْفَلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ﴿٢٣﴾ قَالَ
 لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَجَّتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَإِنْ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي
 بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ
 مَا هُمْ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَتَهُ فَأَسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ﴿٢٤﴾
 فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّآبٍ ﴿٢٥﴾
 يَدْخُلُهَا أَوْ دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ
 وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ
 عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿٢٦﴾

الجزء
٤٦

سجدة

﴿۱۷﴾ صبر کن بر آنچه میگویند و بنده ماداود خداوند قوت را یادکن هرآئینه او رجوع کننده بود^(۱). ﴿۱۸﴾ هرآئینه همراه اوکوههارا رام ساختیم به وقت شام و صبح تسبیح میگفتند. ﴿۱۹﴾ و مرغانرا به هم آورده رام ساختیم هریکی برای او فرمانبردار بود. ﴿۲۰﴾ و پادشاهی او را محکم کردیم حکمت و سخن واضح دادیمش. ﴿۲۱﴾ و^(۲) آیا پیش تو خبر گروه خصومت کننده بایکدیگر آمده است چون از دیوار جسته داخل مسجد شدند. ﴿۲۲﴾ چون برداود وارد شدند پس از ایشان ترسید گفتند مترس ما دو خصومت کننده ایم یکی به دیگری ستم کرده است پس میان ما به راستی حکم کن و جور مکن و دلالت کن مارا بر راه راست. ﴿۲۳﴾ این برادر من است او راست نودونه میش مرا یک میش است پس این شخص به من گفت بسپار این یک میش را و بامن در سخن گفتن درستی کرد. ﴿۲۴﴾ داود گفت هرآئینه بر تو به خواستن میش توتابهم آرد بامیشهای خود ستم کرد و هرآئینه بسیاری از شریکان ستم می کنند بعضی ایشان بر بعضی دیگر مگر آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند و ایشان اندك اند و دانست داود که ما او را آزمودیم پس طلب آمرزش کرد از پروردگار خود و سجده کنان بپفتاد و به خدا بازگشت. ﴿۲۵﴾ پس آن لغزش او را بیامرزیدیم و هرآئینه او را نزد ما قربت است و بازگشت نیکو است. ﴿۲۶﴾ گفتیم ای داود هرآئینه ترا جانشین (پادشاه) در زمین ساختیم پس میان مردمان به راستی حکم کن و پیروی خواهش نفس را که آن گمراه کند تورا از راه خدا مکن هرآئینه آنانکه از راه خدا گمراه می شوند ایشان را است عذاب سخت به سبب آنکه روز حساب را فراموش کردند.

(۱) یعنی به سوی خدا.

(۲) مترجم گوید که داود علیه السلام نودونه زن داشت مع هذازن دیگر که در خطبه^۳ شخصی یا در نکاح او بود درخواست کرد خدای تعالی فرشتگان را به جهت تنبیه داود به شکل خصوم متمثل ساخت اشارت به این قصه است درین آیات (این روایت از اسرائیلیات است قابل اعتبار نیست مصحح) والله اعلم.

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَطْلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ
كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ ﴿٢٧﴾ أَمْ يَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ يَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ
﴿٢٨﴾ كَتَبَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبْرَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا
الْأَلْبَابِ ﴿٢٩﴾ وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ وَأَوَّابٌ
﴿٣٠﴾ إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعِشِيِّ الصِّفَتُ الْجِيَادُ ﴿٣١﴾ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ
حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿٣٢﴾ رُدُّوهَا عَلَيَّ
فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ
وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ﴿٣٤﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ
لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٣٥﴾
فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ ﴿٣٦﴾ وَالشَّيَاطِينَ
كُلَّ بَنَاءٍ وَغَوَاصٍ ﴿٣٧﴾ وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿٣٨﴾ هَذَا
عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٩﴾ وَإِنَّ لَهُ وَعِنْدَ الرَّبِّ وَحْشَنَ
مَتَابٍ ﴿٤٠﴾ وَادْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ
بِنُصَبٍ وَعَذَابٍ ﴿٤١﴾ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٤٢﴾

﴿۲۷﴾ و آسمان و زمین را و آنچه در میان این هاست بیهوده نیافریدیم این گمان کافران است پس وای کافران را از عقوبت آتش. ﴿۲۸﴾ آیامی‌سازیم آنان را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند مانند فساد کنندگان در زمین آیامی‌سازیم پرهیزگاران را مانند بدکاران. ﴿۲۹﴾ این قرآن کتابیست بابرکت که اورابه سوی تو فرود آوردیم تا مردمان در آیات او تأمل کنند و تا خردمندان پند گیرند. ﴿۳۰﴾ و به داود سلیمان را عطا کردیم نیکو بنده بود سلیمان هر آئینه او به خدا رجوع کننده بود. ﴿۳۱﴾ یادکن چون او را وقت شامگاه اسپان تیزرو نموده شد. ﴿۳۲﴾ پس گفت هر آئینه این اسپان را دوست داشتم از قبیل رغبت به مال اعراض کنان از ذکر پروردگار خود تا آنکه آفتاب در پرده پنهان شد^(۱). ﴿۳۳﴾ این اسپانرا بر من باز گردانید پس شروع کرد دست رسانیدن به ساقها و گردن ها^(۲). ﴿۳۴﴾ و هر آئینه سلیمان را آزمودیم و بر تخت او کالبدی انداختیم باز به خدا رجوع کرد^(۳). ﴿۳۵﴾ گفت ای پروردگار من مرا بیامرز و مرا آن پادشاهی به بخش که جز من هیچکس را نسزد هر آئینه تویی بخشاینده. ﴿۳۶﴾ پس برای او باد را مسخر گردانیدیم به فرمان او به آهستگی روان شده هر جاکه خواسته باشد میرفت. ﴿۳۷﴾ و دیوان را مسخر گردانیدیم هر عمارت بناکننده را و هر فرو رونده به دریا را. ﴿۳۸﴾ و دیوان دیگر را دست و پابه هم بسته در زنجیرها مسخر گردانیدیم. ﴿۳۹﴾ گفتیم این است بخشش ما پس عطا کن یا نگاهدار بغیر آنکه باتو حساب کرده شود. ﴿۴۰﴾ و هر آئینه او نزد ما مقرب است و باز گشت نیکو است. ﴿۴۱﴾ و یادکن بنده ما ایوب را چون به پروردگار خود ندا کرد که مرا شیطان به رنجوری و درد دست رسانیده است. ﴿۴۲﴾ گفتیم بزن زمین را به پای خود ناگهان آن چشمه باشد که مهیا برای غسل سرد و آشامیدنی باشد.

(۱) یعنی نماز عصر فوت شد.

(۲) یعنی ذبح کرده و ساق های آنها را بریده از جهت غیرت بر ذکر خدای تعالی والله اعلم.

(۳) مترجم گوید سلیمان علیه السلام از امراء خود ناراحت شد و به خاطر آورد و گفت که امشب با صد زن خود جماع می‌کنم و هر زنی پسری زاید و هر یکی شهبوساری باشد جهاد کننده مرا احتیاج به امر نافتد فرشته گفت انشاء الله بگو سلیمان سهو کرد پس هیچ زنی حامله نشد مگر يك زنی که طفل ناقص الخلقت زاد و آن طفل را بر تخت سلیمان انداختند سلیمان علیه السلام متنبه شد و رجوع به رب العزت کرد والله اعلم.

[این قصه در صحیح بخاری آمده ولی بدون ذکر اینکه سلیمان علیه السلام این کار را به خاطر استغناء از امراء خود انجام داد و بدون ذکر طفل ناقص الخلقت که بر تخت سلیمان انداخته شد به صحیح بخاری مع فتح الباری مراجعه شود (۴۵۸/۶) ح ۳۴۲۴، مصحح.]

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَى لَأُولِي الْأَلْبَابِ
﴿٤٣﴾ وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُثْ إِنَّهُ وَجَدَنهُ صَابِرًا نِعْمَ
الْعَبْدُ إِنَّهُ وَأَوَّابٌ ﴿٤٤﴾ وَادْكُرْ عَبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ وَاسْحَقْ وَيَعْقُوبَ أُولِي
الْأَيْدِي وَالْأَبْصِرِ ﴿٤٥﴾ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ﴿٤٦﴾
وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ ﴿٤٧﴾ وَادْكُرْ إسماعِيلَ
وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِنَ الْأَخْيَارِ ﴿٤٨﴾ هَذَا ذِكْرٌ وَإِن لِلْمُتَّقِينَ
لِحُسْنِ مَآبٍ ﴿٤٩﴾ جَنَّاتٍ عَدْنٍ مُمَفَّتحةٌ لَهُمُ الْأَبْوَابُ ﴿٥٠﴾ مُتَّكِينَ
فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ﴿٥١﴾ وَعِنْدَهُمْ قَصِيرَاتُ
الْطَّرَفِ أَثْرَابٌ ﴿٥٢﴾ هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٥٣﴾ إِنَّ هَذَا
لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ ﴿٥٤﴾ هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ
﴿٥٥﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَيُشْسِ الْأَمْهَادُ ﴿٥٦﴾ هَذَا فَايْدُوهُ حِمِيمٌ
وَعَسَاقٌ ﴿٥٧﴾ وَآخِرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ ﴿٥٨﴾ هَذَا فَوْجٌ
مُقْتَحِمٌ مَعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ ﴿٥٩﴾ قَالُوا
بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدْ مَتَمُّوهُ لَنُفِشَ الْقَرَارُ ﴿٦٠﴾
قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ﴿٦١﴾



﴿۴۳﴾ واورا اهل خانه او و مانند آن همراه ایشان عطا کردیم بخشایشی از نزد خود و پندی برای خداوندانِ خرد. ﴿۴۴﴾ و گفتیم بدست خود دسته شاخها بگیر پس بزن به آن^(۱) و خلاف سوگند مکن هر آئینه ما و را شکبیا یافتیم ایوب نیک بنده بود هر آئینه او به خدا رجوع کننده بود^(۲). ﴿۴۵﴾ و بندگان ما ابراهیم و اسحق و یعقوب را یادکن خداوندان دست ها و چشم ها^(۳). ﴿۴۶﴾ هر آئینه ما خالص گردانیدیم ایشانرا برای خصلتی پاک که یاد کردن آخرت است. ﴿۴۷﴾ و هر آئینه ایشان نزد ما از برگزیدگان نیکان بودند. ﴿۴۸﴾ و اسماعیل و الیسع و ذوالکفل را یادکن و هر یکی از نیکان بودند. ﴿۴۹﴾ این قرآن پندی هست و هر آئینه پرهیزگاران را بازگشت نیک است. ﴿۵۰﴾ بوستانهای دایم است کشاده کرده دروازه ها برای ایشان. ﴿۵۱﴾ تکیه کنان در آنجا، انجامیوه^۴ بسیار و شراب را می طلبند. ﴿۵۲﴾ و نزد ایشان زنان فرود آرنده چشم، هم عمر بایکدیگر باشند. ﴿۵۳﴾ این است آنچه شمارا برای روز حساب وعده داده میشود. ﴿۵۴﴾ هر آئینه این رزق ماست آنرا هیچ زوالی نباشد. ﴿۵۵﴾ این است جزا و هر آئینه از حد گذشتگان را بد بازگشتی باشد. ﴿۵۶﴾ که دوزخ است آنجا در آیند پس بد آرامگاه است. ﴿۵۷﴾ این عذاب آب گرم و زرداب است پس باید که آنرا بچشند. ﴿۵۸﴾ و عذابی دیگر مانند این انواع مختلف است. ﴿۵۹﴾ این^(۴) قوم است در آئینه به آتش همراه شما متبوعان گویند زمین کشاده مباد برایشان هر آئینه ایشان در آیندگان آتش اند. ﴿۶۰﴾ تابعان گویند بلکه بر شما زمین کشاده مباد شما عذاب را برای ما پیش آوردید پس دوزخ بد قرارگاهی است. ﴿۶۱﴾ گویند ای پرورد گار ما هر کس که این (کفر) را برای ما تقدیم کرد، در آتش عذابی دوچندان در حق او بیفزای.

(۱) یعنی زن خود را.

(۲) یعنی ایوب علیه السلام سوگند خورده بود که زن خود را صد ضربه بزند خدای تعالی بروی سهل ساخت.

(۳) یعنی علم و عمل هر دوی به کمال داشتند والله اعلم.

(۴) چون تابعان خواهند که بدوزخ در آیند متبوعان را گفته شود.

وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِّنَ الْأَشْرَارِ ﴿٦٢﴾ أَتَخَذَنَّهُمْ
 سِحْرِيًّا أَمْ رَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ ﴿٦٣﴾ إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ
 النَّارِ ﴿٦٤﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنِ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٦٥﴾
 رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ﴿٦٦﴾ قُلْ هُوَ نَبَأٌ
 عَظِيمٌ ﴿٦٧﴾ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ﴿٦٨﴾ مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ
 إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٩﴾ إِنْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٠﴾ إِذْ قَالَ
 رَبُّكَ لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي خَلَقْتُ بَشَرًا مِّنْ طِينٍ ﴿٧١﴾ فِإِذَا سَوَّيْتُهُ وَوَضَعْتُ
 فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ وَسَجِدِينَ ﴿٧٢﴾ فَسَجَدَ الْمَلَأِكَةُ كُلُّهُمْ
 أَجْمَعُونَ ﴿٧٣﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾ قَالَ
 يَبَايِسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ
 مِنَ الْعَالِينَ ﴿٧٥﴾ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ
 ﴿٧٦﴾ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٧٧﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ
 ﴿٧٨﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴿٧٩﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ
 الْمُنْظَرِينَ ﴿٨٠﴾ إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٨١﴾ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ
 لَا أُعْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٢﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ ﴿٨٣﴾

﴿۶۲﴾ وگفتند اهل دوزخ چیست مارا که نمی بینیم مردانی را که ایشانرا ازبدان^(۱) می شمردیم. ﴿۶۳﴾ (آنانکه) ما ایشان را مسخره می گرفتیم (اینجانستند) یا ازایشان دیده ها برگشته است. ﴿۶۴﴾ هرآئینه این راست است مراد ازآن خصومت کردنِ اهل دوزخ بایکدیگر است. ﴿۶۵﴾ بگو جزاین نیست که من ترساننده ام ونیست هیچ معبود برحقى مگر خدای یگانه زیادقوتمند. ﴿۶۶﴾ پروردگار آسمان ها وزمین وآنچه میان این هاست غالب آمرزگار. ﴿۶۷﴾ بگواین خبری بزرگ است. ﴿۶۸﴾ شمازوی رویگردانده اید. ﴿۶۹﴾ مراهیچ دانش به حال این جماعت نیست بلند قدر ازفرشتگان چون بایکدیگر سوال وجواب میکنند. ﴿۷۰﴾ وحی فرستاده نمی شود به سوى من مگر آنکه من ترساننده آشکارم. ﴿۷۱﴾ ویادکن چون پروردگارتو به فرشتگان گفت هرآئینه من آدمی را ازگل آفریننده ام. ﴿۷۲﴾ پس چون راست کنم اورا ودروی از روح خود بدمم پس اورا سجده کنان درافتید. ﴿۷۳﴾ پس کُلاً همگی فرشتگان سجده کردند. ﴿۷۴﴾ مگر شیطان سرکشی کرد وازکافران شد. ﴿۷۵﴾ گفت خدا ای شیطان چه چیزبازداشت تورازآنکه سجده کنی چیزی را که آفریدمش بدودست خود آیاتکبر کردی یا به حقیقت ازبلند قدران هستی. ﴿۷۶﴾ گفت من ازوی بهترم مرا از آتش آفریدی واورا ازگل آفریدی. ﴿۷۷﴾ گفت ازبهشت بیرون شو هرآئینه تورانده شده ای. ﴿۷۸﴾ وهرآئینه برتو لعنت من باد تا روزجزا. ﴿۷۹﴾ گفت ای پروردگار من پس مرا تاآنروز که برانگیخته شوند مردمان مهلت ده. ﴿۸۰﴾ گفت هرآئینه توازمهلت داده شد گانی. ﴿۸۱﴾ تا روزآن وقت معین. ﴿۸۲﴾ گفت شیطان پس قسم به عزت توکه البته همه ایشانرا گمراه کنم. ﴿۸۳﴾ مگربندگان خالص کرده تورازایشان.

(۱) یعنی فقراء مسلمین.

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ ﴿٨٤﴾ لَا مَلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ
أَجْمَعِينَ ﴿٨٥﴾ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ
﴿٨٦﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾ وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأُهُ بَعْدَ حِينٍ ﴿٨٨﴾

سُورَةُ الزُّمَرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ
الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَأَعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿٢﴾ أَلَا
لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ
مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ
بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ
كَذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٣﴾ لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَاصْطَفَىٰ
مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَنَهُ ۖ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ
﴿٤﴾ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى
النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ ۖ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۖ
كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّورُ ﴿٥﴾

﴿۸۴﴾ فرمود پس این سخن راست است و سخن راست میگویم. ﴿۸۵﴾ البته دوزخ را از تو و از آنانکه پیروی تو کنند از همگی ایشان پرکنم. ﴿۸۶﴾ بگو بر تبلیغ قرآن از شما هیچ مزدی را سوال نمیکنم و نیستم از تکلف کنندگان^(۱). ﴿۸۷﴾ نیست قرآن مگر پندی برای جهانیان. ﴿۸۸﴾ و البته صدق آنرا بعد زمانی خواهید دانست.

سوره زمر مکی است و آن هفتاد پنج
آیه و هشت رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ فروفرستادن این کتاب از جانب خدای غالب با حکمت است. ﴿۲﴾ هر آئینه ما کتاب را به سوی تو به راستی فروفرستادیم پس خدا را عبادت کن پرستش را برای او خالص کرده. ﴿۳﴾ آگاه باش^(۲) پرستش کردن خالص مرخدارا است^(۳) و آنانکه بجز خدا دوستان گرفتند (و گفتند) عبادت نمیکنیم ایشان را مگر برای آنکه ما را به خدا در مرتبه قرب نزدیک سازند هر آئینه خدا حکم میکند میان ایشان در آنچه ایشان در آن اختلاف دارند هر آئینه خدا راه نمی نماید کسی را که او دروغگوی بسیار ناسپاس است. ﴿۴﴾ اگر خدا خواستی که فرزند گیرد البته از آن جمله که خلق کرده است چیزی را که میخواست بر گزیدی پاکی او راست اوست خدای یگانه با قوت. ﴿۵﴾ آسمان ها و زمین را به تدبیر درست آفرید می پیچاند شب را بر روز و روز را بر شب می پیچاند خورشید و ماه را رام ساخت هریکی در زمان معین می رود آگاه باش او غالب آمرزنده است.

(۱) یعنی دعوی وحی نکنم به غیر تحقیق.

(۲) یعنی مقبول نزد اوست.

(۳) یعنی به غیر شرک.

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنزَلَ لَكُمْ
 مِنْ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ
 خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ
 الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ ﴿٦﴾ إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ
 اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ
 لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَّرْجِعُكُمْ
 فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٧﴾
 * وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَلَهُ نِعْمَةٌ
 مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِّیُضِلَّ
 عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ
 ﴿٨﴾ أَمِنْ هُوَ قُلْتُ ۚ إِنَّآ إِلَیْلٍ سَاجِدًا وَقَآئِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ
 وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ
 لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَٰؤَ الْأَلْبَابِ ﴿٩﴾ قُلْ لِّعِبَادِ الَّذِينَ
 ءَامَنُوا أَتَقُورَ كُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ
 وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿١٠﴾



﴿۶﴾ شمارا ازیک شخص آفرید باز ازآن شخص زنش را بیافرید و برای شما از چهارپایان هشت قسم فرو فرستاد^(۱) می آفریند شمارا در شکم های مادران شما یک نوع آفریدن بعد از آفریدن دیگر در تاریکی های سه گانه^(۲) این است خدا پروردگار شما پادشاهی اوراست نیست هیچ معبودی بر حق مگر او پس از کجا گردانیده میشود. ﴿۷﴾ اگر ناسپاسی کنید پس هر آینه خدا از شما بی نیازست در حق بندگان خود ناسپاسی را نمی پسندد و اگر شکر کنید او را برای شما می پسندد و هیچ بردارنده بار دیگر را بر ندارد باز به سوی پروردگار شما بازگشت شماست پس شما را به آنچه می کردید خبر می دهد هر آینه اودانا به مکنون سینه ها است. ﴿۸﴾ و چون آدمی را رنجی برسد به جناب پروردگار خود رجوع کرده به سوی او دعا کند باز چون نعمتی از نزد خود عطا کندش آنچه را که دعا میکرد به جهت او پیش ازین فراموش سازد و مقرر کند برای خدا همتیانی را تا از راه خدا همراه کند بگو به کفر خود اندک زمانی بهره مند باش هر آینه تو از اهل دوزخی. ﴿۹﴾ (آیا آن ناسپاس مشرک بهتر است) یا کسیکه اوعبادت کننده است در ساعتی از شب سجده کنان و ایستاده شده از آخرت می ترسد و رحمت پروردگار خود را امید میدارد بگو آیا برابر میشوند آنانکه می دانند و آنانکه نمیدانند جزاین نیست که خداوندان خرد پندپذیر میشوند. ﴿۱۰﴾ بگو (یا محمد) از طرف من ای بندگان من که ایمان آورده اید از پروردگار خود بترسید مرآنرا که نیکوکاری کردند درین دنیا حالت نیک باشد و زمین خدا کشاده است جزاین نیست که تمام داده میشود صابران را مزدایشان بیشمار^(۳).

(۱) یعنی نیروماده شتر و گاو و گوسفند و بز و الله اعلم.

(۲) یعنی مشیمه و رحم و بطن و الله اعلم.

(۳) درین آیت تعریض است به هجرت حبشه.

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿١١﴾ وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ
 أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٢﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ
 ﴿١٣﴾ قُلِ اللَّهُ أَعْبُدْهُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي ﴿١٤﴾ فَأَعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ
 قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ
 أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿١٥﴾ لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ
 وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ وَيَعْبَادُونَ فَاتَّقُوا ﴿١٦﴾
 وَالَّذِينَ أَجْتَنَبُوا الظَّالِمَاتِ أَنْ يَعْْبُدُوا مَا أَتَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى
 فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿١٧﴾ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ
 أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ ﴿١٨﴾
 أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ﴿١٩﴾
 لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرُوفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرُوفٌ مَبْنِيَّةٌ تَجْرَى
 مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ ﴿٢٠﴾ أَلَمْ تَرَ
 أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنْبِيعٌ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ
 يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ
 يَجْعَلُهُ حُطْلَمًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٢١﴾

﴿۱۱﴾ بگو هر آئینه مرا فرموده شده که خدا را خالص ساخته برای او پرستش را عبادت کنم. ﴿۱۲﴾ و مرا فرموده شده به آنکه نخستین مسلمانان باشم. ﴿۱۳﴾ بگو هر آئینه من اگر نافرمانی پروردگار خود کنم از عذاب روز بزرگ میترسم. ﴿۱۴﴾ بگو خدا را عبادت میکنم خالص ساخته برای او پرستش خود را^(۱). ﴿۱۵﴾ پس هر کرا خواهید غیر از خدا عبادت کنید بگو هر آئینه زیان کاران آناند که خویشان را و اهل خود را روز قیامت در زیان دادند^(۲) آگاه باش این (ماجرا) همانست زیان ظاهر. ﴿۱۶﴾ ایشان را از بالای ایشان سایبانها از آتش باشد و از زیر ایشان نیز سایبانها این عذاب میترساند خدا به آن بندگان خود را ای بندگان من از من بترسید. ﴿۱۷﴾ و آنانکه از بت احتراز کردند از آنکه او را عبادت کنند به سوی خدا رجوع کردند ایشانراست مؤده پس بندگان مرا مؤده ده. ﴿۱۸﴾ کسانی که سخن را می شنوند پس نیکوترین آن را پیروی می نمایند ایشانند آنانکه ایشانرا خدا هدایت کرده است و ایشان خداوندان خردند. ﴿۱۹﴾ پس آیا کسی که بروی وعده عذاب ثابت شد آیاتو آن دوزخی را توانی خلاص کرد. ﴿۲۰﴾ لیکن آنانکه از پروردگار خود ترسیدند ایشانراست محل های بلند بالای آن محلهای دیگر عمارت کرده شده، زیر آنها جویها میروود وعده کرده است خدا، خدا وعده را خلاف نمی کند. ﴿۲۱﴾ آیا ندیدی که خدا از آسمان آب فرو فرستاد پس در آورد آن را به چشمه هادر زمین باز به سبب آن کشت را گونا گون اقسام او برمی آرد باز خشک میشود پس آنرا رزق شده می بینی باز آنرا ریزه ریزه میکند هر آئینه در این (ماجرا) خداوندان خرد را پندی هست.

(۱) یعنی از شرک.

(۲) یعنی هلاک کردند خود را و اهل خانه خود را به ضلال و اضلال.

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِ ۖ فَوَيْلٌ
 لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ ۖ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٢﴾
 اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَبِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ
 جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ
 إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ ۚ مَن يَشَاء ۚ وَمَن
 يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ ﴿٢٣﴾ أَفَمَن يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ
 الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۚ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ
 ﴿٢٤﴾ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَآتَتْهُمْ الْعَذَابُ مِن حَيْثُ
 لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٥﴾ فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ
 الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي
 هَٰذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾ قُرْءَانَا عَرَبِيًّا
 غَيْرِ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٢٨﴾ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ
 شُرَكَاءُ مُتَشَكِّسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا
 الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٩﴾ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ
 مَيِّتُونَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِندَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ﴿٣١﴾

﴿۲۲﴾ آیا کسی که خدا سینه^۱ او را برای دین اسلام کشاده کرده است پس او بر روشنی از جانب پروردگار خود باشد (مانند سخت دلان است) پس وای آنانرا که دل های ایشان از یاد کردن خدا سخت است ایشان در گمراهی ظاهر اند. ﴿۲۳﴾ خدا بهترین سخن را، نازل ساخت کتابی که بعض او مانند دیگر است آیات مکرر دوتو^(۱) موی خیز میشود از شنیدن آن پوست های آنانکه از پروردگار خود میترسند بعد از آن پوست های ایشان و دل های ایشان هنگام ذکر خدا نرم میشود این است هدایت خدا، راه می نماید به آن هر کرا خواهد و هر کرا خدا گمراه کند پس او را هیچ راه نماینده ای نیست. ﴿۲۴﴾ آیا کسی که به روی خود از سختی عذاب روز قیامت احترازمی کند^(۲) (ما نندکسی است که چنین نیست؟) و گفته شود ستمکاران را و بال آنچه را میکردید بچشید. ﴿۲۵﴾ بدروغ نسبت کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس بیامد بدیشان عذاب از آنجاکه نمی دانستند. ﴿۲۶﴾ پس خدا ایشانرا خواری درزند گانی دنیا چشانید و هر آئینه عقوبت آخرت سخت تر است اگر می دانستند. ﴿۲۷﴾ و هر آئینه برای مردمان درین قرآن از هر نوع داستان بیان کردیم بُود که ایشان پند گیرند. ﴿۲۸﴾ (فرود آوردیم) قرآن عربی بی عیب را باشد که ایشان پرهیزگاری کنند. ﴿۲۹﴾ خدا مثال بنده ای که در وی شریکان مختلف اند بیان کرد و بنده^۳ خالص برای مردی آیا برابراند در صفت ستایش خدای راست بلکه بیشتر ایشان نمیدانند^(۳). ﴿۳۰﴾ (یا محمد) هر آئینه تو خواهی مُرد و هر آئینه ایشان خواهند مُرد. ﴿۳۱﴾ باز البته شما روز قیامت نزد پروردگار خویش بایکدیگر خصومت خواهید کرد.

(۱) یعنی وعده یا وعید و اندازا بشارت.

(۲) یعنی غیر از چهره اش چیزی نیابد که عذاب را به آن نگه دارد و ما ننداهل نجات باشد.

(۳) یعنی يك بنده که چند کس مالک او باشند ضائع شود هم چنین کسی که معبودان بسیاری را پرستش میکند ضائع است و بنده ای که خالص برای يك کس است آن يك کس متولی جمیع امور او باشد همچنین کسیکه موحد باشد و مخلص، خدا کار ساز اوست والله اعلم.

* فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالْصِّدْقِ
 إِذْ جَاءَهُ وَالْيَسِّ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٣٢﴾ وَالَّذِي
 جَاءَ بِالْصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿٣٣﴾
 لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٤﴾
 لِيَكْفِرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ
 بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٣٥﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ
 عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ
 فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٦﴾ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ
 أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ ﴿٣٧﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ
 مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ
 ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتُ رَحْمَتِهِ
 قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٣٨﴾ قُلْ يَقَوْمِ
 أَعْمَلُوا عَلَى مَكَاتِكُمْ إِنِّي عَمِلْتُ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾
 مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ ﴿٤٠﴾

﴿۳۲﴾ پس کیست ستمکارتر از کسی که دروغ بریست برخدا و دین راست را چون به او بیامد دروغ پنداشت آیا دردوخ جای کافران نیست؟ ﴿۳۳﴾ وآنکه دین راست را آورد وآن را باورداشت آن جماعت ایشان متقیانند. ﴿۳۴﴾ ایشان راست نزد پروردگار ایشان آنچه خواهند این جزای نیکوکاران است. ﴿۳۵﴾ تا خداازایشان دور کند بدترین آنچه کردند وایشان را مزدایشان به حسب نیکوترین آنچه می کردند بدهد. ﴿۳۶﴾ آیا خدا کارسازبنده خود بس نیست؟ وتورا می ترسانند به آنانکه غیر خدایند وهرکرا خدا گمراه کند پس اوراهیچ راه نماینده ای نیست. ﴿۳۷﴾ وهر کرا خدا راه نماید پس اورا هیچ گمراه کننده ای نیست آیا خدا غالب خداوند انتقام نیست؟ ﴿۳۸﴾ واگر ایشان را بررسی که آفرید آسمان ها وزمین را؟ البته بگویند خداآفرید بگو آیا دیدید آن را که می پرستید غیر از خدا اگر خواهد درحق من خدای تعالی سختی راآیااین بتان دفع کننده سختی او هستند یا اگر خواهد درحق من بخشایش آیا این بتان بازدارنده بخشایش او هستند بگو مراخدا بس است بروی توکل می کنند توکل کنندگان. ﴿۳۹﴾ بگوای قوم من عمل کنید بروضع خودهرآئینه من نیز عمل کننده ام بروضع خود پس خواهید دانست. ﴿۴۰﴾ کسی را که بیایدش عذابی که رسواکندش وبر وی عذاب دایم فرودآید.

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ
 فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ
 بِوَكِيلٍ ﴿٤١﴾ اللَّهُ يُتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي
 لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ
 وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
 يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ
 أُولَئِكَ أَنْوَلُوا لِمَا لَمْ يَكُن شَيْئًا وَلَا يَعْقُلُونَ ﴿٤٣﴾ قُلْ
 لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا ۖ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ
 إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ
 قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ
 دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٥﴾ قُلِ اللَّهُ فَاطِرُ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ
 فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي
 الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَا فِتْنَةً لَهُ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ
 يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ ﴿٤٧﴾

﴿۴۱﴾ هَرَأَیْنِهٖ مَا بَرَتُوْا کِتَابَ رَا بَرٰی مَرْدَمَانَ بَه رَاسَتِی فِرُوْد اَوْرَدِیْمَ پَس هَر کِه رَا یَاب شَد پَس بَه نَفْع اَوْ سَت وَهَر کِه گَمْرَاه شَد پَس جَزَایْن نِیْسَت کِه بَه ضَرَر خُود گَمْرَاه مِیْشُود وَتُو بَرِایشَان نَگْهَبَان نِیْسَتِی. ﴿۴۲﴾ خُدَای تَعَالٰی هَنگَام مَوْت قَبْض اَرْوَاح اَنْهَآ رَا مِیْکَنْد وَآَن رُوح کِه نَمْرُدَه اَسْت دَر خُوَآب اَوْ آَن رَا قَبْض مِیْکَنْد پَس اَن رَا کِه حَکْم مَوْت کُرْدَه اَسْت بَر وِی نَگَآه مِیْدَارَد وَآَن دِیْگَر رَا تَا وَقْتِی مَعِیْن مِی گُذَارَد هَرَأَیْنِه دَرِیْن (اَمْر) بَرِای قَوْمِی کِه تَأْمَل مِی کَنْد نَشَانَه هَآیِی اَسْت. ﴿۴۳﴾ اَیَا غَیْر اَز خُدَا شَفَاعَت کَنْدْگَانِی گَرْفَتَه اَنْد؟ بَگُو (ایشَان رَا کِه گَرْفَتِیْد) اِگَر چِه نَمِی تَوَاسْتَنْدِ هِیْچ کَاْرِی وَنَمِی دَانَسْتَنْد. ﴿۴۴﴾ بَگُو شَفَاعَت هَمْگِی دَر اَخْتِیَار خُدَا اَسْت مَر اَوْ رَا پَادِشَا هِیْ اَسْمَانَ هَا وَزْمِیْن اَسْت بَا ز بَه سُوِی اَوْ گَر دَانِیْدَه خَوَآهَیْد شَد. ﴿۴۵﴾ وَچُوْن خُدَاتَنْهَآ یَا دَکُرْدَه شُود دَلْهَآیْ اَنَانْکِه اَیْمَانَ نَمِی اَوْرَنْد بَه اَخْرَت مَتَفَر شُود وَچُوْن یَا دَکُرْدَه شُوند اَنَانْکِه بَجَزَا وَهَسْتَنْد نَا گَآه اِیْشَانَ شَادْمَانَ مِی شُوند. ﴿۴۶﴾ بَگُو بَار خُدَا یَا اِیْ پِیْدَا کَنْدَه اَسْمَانَ هَا وَزْمِیْن دَانَنْدَه نَہَانَ وَآَشْکَا ر تُو مِیَّان بَنْدْگَانَ خُود دَر چِیْزِیْکِه اِیْشَانَ دَر اَن اَخْتِلَاف مِیْکُرْدَنْد حَکْم مِی کُنِی. ﴿۴۷﴾ وَ اِگَر اَنَانْ رَا کِه سَتَمْ کُرْدَنْد هَمْگِی اَنْچِه دَر زَمِیْن اَسْت وَ مَانْدَن اَن هَمْرَاه اَن بَآشَد اَلْبَتَّه بَه خَاطِر سَخْتِی عَذَاب رُوزِ قِیَامَت اَنْرَاعُوزْ گَرْدَانَ خُود سَا زَنْد وَظَا هَر شُود بَرِای اِیْشَانَ اَز جَانِب خُدَا اَنْچِه گَمَانَ نَمِی دَآشْتَنْد.

وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ
يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٤٨﴾ فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ
نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَٰكِن
أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٩﴾ قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا
أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٥٠﴾ فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ
مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَٰؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ
مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٥١﴾ أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ
الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ
﴿٥٢﴾ * قُلْ يَعْبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا
مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾ وَأَنبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسَالُمُوا اللَّهَ مِنْ
قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ ﴿٥٤﴾ وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ
مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ
بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٥٥﴾ أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرُنِي
عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لِمِنَ السَّٰخِرِينَ ﴿٥٦﴾



﴿۴۸﴾ و برای ایشان جزای بدانچه کرده بودند ظاهر شد و ایشان را آنچه بدان استهزاء میکردند درگیرد. ﴿۴۹﴾ پس چون آدمی راسختی برسد ما را بخواند باز چون او را نعمتی از طرف خود بدهیم گوید جزاین نیست که این نعمت مرا بنابر دانشی که در منست داده شده است بلکه این نعمت آزمایشی است ولیکن اکثر ایشان نمی دانند. ﴿۵۰﴾ هر آینه این سخن را آنانکه پیش از ایشان بودند گفتند پس از ایشان آنچه میکردند بلا را دفع نکرد. ﴿۵۱﴾ پس بدیشان عقوبت های آنچه می کردند رسید و آنانکه ازین جماعت ستم کردند خواهد رسید بدیشان عقوبت های آنچه می کردند و ایشان عاجز کننده نیستند. ﴿۵۲﴾ آیا ندانسته اند که خدا رزق را برای هر که میخواهد کشاده میسازد و برای هر که می خواهد تنگ میکند هر آینه درین کار نشانه هاست قومی را که ایمان می آورند. ﴿۵۳﴾ بگو (از طرف من) ای آن بندگان من که برخود از حد تجاوز کردند از رحمت خدا ناامید مشوید هر آینه خدا گناهان را همه می آمرزد هر آینه خدا او آمرزگار مهربان است. ﴿۵۴﴾ و به سوی پروردگار خویش رجوع کنید و او را پیش از آن که بیاید به شما عقوبت منقاد شوید باز مدد کرده نشوید. ﴿۵۵﴾ و نیکوترین آنچه را که فرو فرستاده شد به سوی شما از جانب پروردگار شما پیروی کنید پیش از آن که به شما عذاب ناگهان بیاید و شما خبر دار نباشید. ﴿۵۶﴾ (به خدا رجوع کنید و اتباع قرآن نمایید به جهت ترس از) آنکه شخصی گوید وای پشیمانی من بر تقصیر کردن من در حق خدا و هر آینه من از تمسخر کنندگان بودم).

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٥٧﴾ أَوْ تَقُولَ
 حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ
 ﴿٥٨﴾ بَلَى قَدْ جَاءَ نَكَأً إِلَيْنِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ
 مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٥٩﴾ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى
 اللَّهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ
 ﴿٦٠﴾ وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ
 وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦١﴾ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ
 شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿٦٢﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ
 كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٦٣﴾ قُلْ
 أَغَيْرَ اللَّهِ تَعْمُرُونَ أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ ﴿٦٤﴾ وَلَقَدْ
 أَوْحَى إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ
 لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٥﴾ بَلِ
 اللَّهُ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٦٦﴾ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ
 قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَوَاتُ
 مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٧﴾

﴿۵۷﴾ یا گوید ا گر خدا مرا هدایت کردی البته از متقیان می شدم. ﴿۵۸﴾ یا گوید وقتی که عذاب را معاینه کند کاش مرا رجوعی باشد^(۱) تا از نیکوکاران باشم. ﴿۵۹﴾ (آنگاه خدا می فرماید) آری پیش تو آیات من آمد پس آنرا دروغ پنداشتی و تکبر کردی و از کافران بودی. ﴿۶۰﴾ و روز قیامت ببینی آنها را که دروغ بستند بر خدا ببینی چهره های ایشان سیاه شده است آیا در دوزخ جای متکبران نیست؟ ﴿۶۱﴾ و خدا متقیان را قرین رستگاری خویش کرده نجات دهد نرسد بدیشان سختی و نه اندوهگین شوند. ﴿۶۲﴾ خدا آفریننده هر چیز است و او بر هر چیز خبر گیرنده است. ﴿۶۳﴾ مرا و راست کلید های آسمان ها و زمین^(۲) و آنانکه به آیت های خدا کافر شدند این جماعت همانان زیان کاران اند. ﴿۶۴﴾ بگو آیا می فرمایید مرا ای نادانان که غیر خدا را پرستش کنم؟! ﴿۶۵﴾ و هر آینه وحی فرستاده شد (یا محمد) به سوی تو و به سوی آنانکه پیش از تو بودند که اگر شریک خدا مقرر کنی البته عمل تو نابود گردد و البته از زیان کاران شوی. ﴿۶۶﴾ بلکه خدا را فقط عبادت کن و از شکر گذاران باش. ﴿۶۷﴾ و خدا را حق شناختن او شناختند و روز قیامت همه زمین در قبضه او باشد و آسمان ها در دست راست او پیچیده شوند پاکی او راست و برتر است از آنکه شریک او مقرر میکنند.

(۱) یعنی به دنیا.

(۲) یعنی مختار و متصرف اوست.

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ
إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ
﴿٦٨﴾ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِئَتْ
بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءُ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
﴿٦٩﴾ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٧٠﴾
وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ
فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ
يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ
هَذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ
﴿٧١﴾ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فِئَسَ مَنُورَى
الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ
زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا
سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ﴿٧٣﴾ وَقَالُوا
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ
نَتَّبِعُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ ۖ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿٧٤﴾

﴿۶۸﴾ و در صور دمیده شود پس هر که در آسمان ها و هر که در زمین است بمیرد مگر آنکه خدا خواسته است باز در صور باریگر دمیده شود پس ناگهان ایشان ایستادگانند می نگرند.

﴿۶۹﴾ و زمین به نور پرورد گار خود روشن شود و نامه اعمال نهاده شود و پیامبران و گواهان آورده شوند و میان آدمیان به راستی حکم کرده شود و ایشان ستم کرده نشوند.

﴿۷۰﴾ هر شخصی را جزای آنچه کرده است تمام داده شود و خدا دانا ترست به آنچه می کنند. ﴿۷۱﴾ و کافران به سوی دوزخ گروه گروه روان کرده شوند تا وقتی که چون بیابند نزدیک دوزخ دروازه های آن باز کرده شود و گویند ایشان را نگهبانان دوزخ آیا به شما پیامبران از جنس شما نیامده بودند بر شما آیات پروردگار شمارا می خواندند شمارا از ملاقات این روز شما می ترسانیدند گفتند آری ولیکن حکم عذاب بر کافران متحقق شد.

﴿۷۲﴾ گفته شود در آید به دروازه های دوزخ جاویدان در آنجا پس (دوزخ) بد جایگاه متکبران است. ﴿۷۳﴾ و آنانکه ترسیدند از پرورد گار خویش به سوی بهشت گروه گروه روان کرده شوند تا وقتی که چون بیابند نزدیک بهشت و دروازه های آن باز کرده شود گویند ایشانرا نگهبانان بهشت سلام بر شما باد خوشحال شدید پس به بهشت جاویدان در آید.

﴿۷۴﴾ و گویند سپاس خدایی راست که باما وعده خود را راست کرد و ما را از بهشت زمین عطا کرد هر جا که خواهیم جای میگیریم پس بهشت نیک مزد کارکنندگان است.

وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٥﴾

سُورَةُ غَافِرٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمْ ﴿١﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٢﴾ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهٌ الْمَصِيرُ ﴿٣﴾ مَا يَجْدِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرُكَ تَقْلُبُهُمْ فِي الْبِلَادِ ﴿٤﴾ كَذَبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَدَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ﴿٥﴾ وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿٦﴾ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٧﴾



﴿۷۵﴾ و فرشتگان را گردا گرد شده دور بر عرش ببینی تسبیح میگویند به ستایش پروردگار خویش و میان ایشان به راستی حکم کرده شود^(۱) و گفته شود ستایش برای خدای پروردگار عالم ها است.

سوره غافر — مؤمن — مکی است و آن هشتاد و پنج آیه و نه رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ حَمَّ. ﴿۲﴾ فرو فرستادن کتاب از جانب خدای غالب داناست. ﴿۳﴾ آمرزنده گناه و پذیرنده توبه سخت کننده عقوبت خداوند توانگری، نیست هیچ معبودی بر حق مگر او بازگشت به سوی اوست. ﴿۴﴾ در آیت های خدا به جز کافران مکابره نمی کنند پس تورا آمدورفت ایشان در شهرها در فریب نیندازد. ﴿۵﴾ پیش از ایشان قوم نوح و جماعت های دیگر بعد از قوم نوح تکذیب کردند و هر جماعتی به پیامبر خود قصد کرد تا آنرا بگیرند و مکابره کردند به شبهات بیهوده تا به آن سخن درست را ناچیز سازند پس ایشان را گرفتم پس عقوبت من چگونه بود؟ ﴿۶﴾ و هم چنین حکم پروردگار تو بر کافران که ایشان اهل دوزخ اند ثابت شد. ﴿۷﴾ آنانکه عرش را بر میدارند و آنانکه گرداگرد عرش اند به ستایش پروردگار خویش تسبیح میگویند و به او ایمان می آورند و برای مومنان آمرزش میخواهند میگویند ای پروردگار ما فرا گرفتی همه چیز را به بخشایش و دانش پس آنان را که توبه کردند و پیروی راه تونمودند بیا مرز و ایشان را از عذاب دوزخ نگاهدار.

(۱) یعنی در اختصاص ملاء اعلی.

رَبَّنَا وَادْخُلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ
مِنْ عِبَادِكُمْ وَآزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ ﴿٨﴾ وَفِيهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ
يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٩﴾ إِنَّ
الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ
أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ ﴿١٠﴾ قَالُوا رَبَّنَا
أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ
إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ ﴿١١﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ
وَحَدَّهُ، كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكْ بِهِ، تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ
الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ﴿١٢﴾ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنْزِلُ لَكُمْ مِنَ
السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ ﴿١٣﴾ فَادْعُوا اللَّهَ
مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿١٤﴾ رَفِيعُ
الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ
مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ﴿١٥﴾ يَوْمَ هُمْ بَرْزُورٌ لَا يَخْفَى
عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿١٦﴾

﴿۸﴾ ای پرورد گار ما وایشانرا به بوستانهای جاودان که وعده کرده ای به ایشان درآر ودرآرنیز هرکه شایسته کار باشد از پدران ایشان وزنان ایشان و فرزندانشان هرآئینه تویی غالب با حکمت. ﴿۹﴾ وایشانرا از عقوبت ها نگاهدار و هر کرانگاه داری از عقوبت ها درآن روز پس هرآئینه رحم کرده ای بروی واین (نگاهداشتن) هما نست پیروزی بزرگ. ﴿۱۰﴾ هرآئینه آنانکه کافر شدند آواز داده شوند به تحقیق که دشمنی خدا (در حق شما) از دشمنی شما با خودتان بیستراست. چرا که به ایمان فرا خوانده می شدید آنگاه کفر می ورزیدید. ﴿۱۱﴾ گویند ای پروردگار ما مارا دوبار میراندی و مارا دوبار زنده گردانیدی پس به گناهان خود اعتراف کردیم پس آیا به سوی بیرون رفتن راهی هست یعنی حيله ای هست^(۱). ﴿۱۲﴾ این عذاب به سبب آنست که چون خداتنها یاد کرده میشد انکار میکردید و اگر با او شریك مقرر کرده میشد باور میداشتید پس فرمان برای خدای بلند قدر بزر گوار راست. ﴿۱۳﴾ اوست آنکه شمارا نشانه های خود مینماید و برای شما از آسمان رزق را فرو میفرستد پندپذیر نمی شود مگر کسیکه به خدا رجوع میکند. ﴿۱۴﴾ پس خدا را یاد کنید، برای او عبادت را يك جهت ساخته اگر چه کافران ناخوش دارند. ﴿۱۵﴾ او بلند کننده^۲ مرتبه ها است خداوند عرش است، می فرستد روح (جبریل) را از فرمان خود بر هرکه خواهد از بندگان خود تا آن بنده را از روز ملاقات بترساند. ﴿۱۶﴾ روزیکه ایشان بیرون آیند^(۲) برخدا از ایشان چیزی پوشیده نباشد (خدا می فرماید) کِراست پادشاهی امروز (باز خود جواب می دهد) برای خدای یگانه^۳ غالب است.

(۱) یعنی گویند با خدا و فرشتگان.

(۲) یعنی از قبور.

الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ
 اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٧﴾ وَأَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْأَزْفَةِ إِذْ الْقُلُوبُ
 لَدَى الْحَنَاجِرِ كَظْمِينَ مِمَّا لِّلظَّالِمِينَ مِنْ حِمِيمٍ وَلَا شَفِيعَ
 يُطَاعُ ﴿١٨﴾ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ ﴿١٩﴾ وَاللَّهُ
 يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ
 بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿٢٠﴾ * أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي
 الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ
 كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَءَاثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ
 بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ﴿٢١﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ
 كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ
 إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا
 وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٢٣﴾ إِلَى فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ
 فَقَالُوا سِحْرٌ كَذَابٌ ﴿٢٤﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ
 عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا
 نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿٢٥﴾



﴿۱۷﴾ امروز هر شخصی به حسب آنچه کرده است پاداش داده شود امروز هیچ ستم نیست هرآئینه خدا زود حساب گیرنده است. ﴿۱۸﴾ وایشان را از روز قیامت آنگاه که دلها نزدیک حلقومها (چنبر گردن) باشند پُر شده از غم بترسان، ستمکاران را هیچ دوستی نیست و نه شفاعت کننده ای که سخن او قبول کرده شود. ﴿۱۹﴾ خدا خیانت چشم هارا و آنچه پنهان میدارند سینه ها میداند. ﴿۲۰﴾ و خدا به راستی حکم میکند و آنانکه کافران به جای خدا ایشان را می پرستند به چیزی حکم نمی کنند هرآئینه خدا همون شنوای بینا است. ﴿۲۱﴾ آیا در زمین سیر نکرده اند تا بنگرند آخر کار آنانکه پیش از ایشان بودند چگونه بود، بودند زیاده تر از ایشان به قوت و به نشانه ها در زمین^(۱) پس ایشانرا خدا به گناها نشان گرفتار کرد و ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده ای نبود. ﴿۲۲﴾ این عقوبت به سبب آن بود که به ایشان پیامبران ایشان به نشانه ها می آمدند پس ایشان کافر شدند پس خدا ایشانرا گرفتار کرد هرآئینه خداتوانای سخت عقوبت است. ﴿۲۳﴾ به راستیکه موسی را به نشانه های خویش وحجت ظاهر فرستادیم. ﴿۲۴﴾ به سوی فرعون وهامان وقارون پس گفتند جادوگری دروغ گواست. ﴿۲۵﴾ پس چون به ایشان به پیغام راست از نزدیک ما آمد گفتند پسران آنان را که ایمان آورده اند همراه او بکشید زنان ایشان را زنده بگذارید حيله سازی کافران نیست مگر در تباهی.

(۱) یعنی محل ها و قلعه ها بسیار بنا کردند.

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ
 أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ ﴿٢٦﴾
 وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ
 بِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٢٧﴾ وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ
 يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ
 جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ
 كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ﴿٢٨﴾ يَقَوْمُ لَكُمْ
 الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ
 إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى وَمَا أَهْدِيكُمْ
 إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٢٩﴾ وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَقَوْمُ إِنِّي أَخَافُ
 عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ﴿٣٠﴾ مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ
 وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ ﴿٣١﴾
 وَيَقَوْمُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ﴿٣٢﴾ يَوْمَ تُكُونُ مَدِيرِينَ
 مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾

﴿۲۶﴾ وگفت فرعون ای یاران بگذارید مرا تا موسی را بکشم و باید که پروردگار خویش را دعا کند هرآئینه من از آنکه دین شما را تبدیل کند یا پدید آورد در زمین فساد را می ترسم. ﴿۲۷﴾ وگفت موسی هرآئینه من به پروردگار خود و پروردگار شما از شر هر متکبری که باور نمیدارد روز حساب را پناه گرفتم. ﴿۲۸﴾ وگفت مردی مسلمان از خویشان فرعون که ایمان خود را پنهان میداشت آیا مردی را به سبب آنکه میگوید پروردگار من خداست می کشید و هرآئینه پیش شما نشانه ها از جانب پروردگار شما آورده است و اگر به فرض دروغگو باشد پس وبال دروغگویی او بر اوست و اگر راست گو باشد البته به شما بعض آنچه شما را وعده میدهد برسد هرآئینه خدا کسی را که از حد گذرنده دروغ گو باشد راه نمی نماید. ﴿۲۹﴾ ای قوم من شما را پادشاهی امروز غالب شده در زمین است پس که ما را از عذاب خدا آگربیاید به ما نصرت دهد فرعون گفت مصلحت نمی دهم شما را مگر آنچه ادراک میکنم و دلالت نمی کنم شما را مگر به راه راستی. ﴿۳۰﴾ و شخصی که ایمان آورده بود گفت ای قوم من هرآئینه من بر شما از مانند روز جماعت های پیشین می ترسم. ﴿۳۱﴾ مانند صورت حال قوم نوح و عاد و ثمود و آنانکه بعد از ایشان بودند و خدا بر بندگان اراده ستم نمی کند. ﴿۳۲﴾ وای قوم من هرآئینه بر شما از روز آواز دادن بایکدیگر می ترسم. ﴿۳۳﴾ روزیکه پشت داده روی بگردانید، شما را از خدا هیچ نگاه دارنده نبود و هر کرا خدا گمراه سازد پس او را هیچ راه نماینده ای نیست.

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي
شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن يَبْعَثَ اللَّهُ
مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ
مُتْرَابٌ ﴿٢٤﴾ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ
أَتَهُمْ كِبْرُ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ
يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ﴿٢٥﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ
يَهْمَنُ ابْنُ لِي صَرَخًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ﴿٢٦﴾ أَسْبَابَ
السَّمَوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَذِبًا
وَكَذَلِكَ زَيْنٌ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنِ السَّبِيلِ
وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ ﴿٢٧﴾ وَقَالَ الَّذِي ءَامَنَ
يَقَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٢٨﴾ يَقَوْمِ
إِنَّمَا هَذِهِ الدُّنْيَا مَتْعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ
دَارُ الْقَرَارِ ﴿٢٩﴾ مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا
وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ
يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٠﴾

﴿۳۴﴾ وهرآئینه پیش ازین به شما یوسف با نشانه ها آمده بود پس همیشه ازآنچه آنرا آورده بود پیش شما در شك بودید تاوقتیکه چون بمُرد گفتید نخواهد خدا بعد ازوی پیامبری را فرستاد همچنین خدا کسی را که او از حد درگذرنده شك آورده است گمراه میکند. ﴿۳۵﴾ آنانراکه مکابره می کنند درآیاتِ خدا به غیر حجتی که پیش ایشان آمده باشد سخت ناپسند شداین مکابرهٔ ایشان نزد خدا و نزد آنانکه ایمان آوردند همچنین خدا برهردل متکبر سرکش مُهرمی نهد. ﴿۳۶﴾ وفرعون گفت ای هامان برای من کوشکی به ساز تاباشد که به راه ها برسم. ﴿۳۷﴾ راه های آسمان ها تا به سوی پروردگارموسی درنگرم وهرآئینه دروغگو می پندارمش وهمچنین درنظر فرعون عمل بد او آراسته شد از راه صواب بازداشته شد وحيله سازی فرعون نبود مگردرتباهی. ﴿۳۸﴾ وآنکه ایمان آورده بود گفت ای قوم من پیروی من کنید تا شما را به راه راست دلالت کنم. ﴿۳۹﴾ ای قوم من جزاین نیست که این زندگانی اندك بهره ای است وهرآئینه آخرت همونست سرای همیشه بودن. ﴿۴۰﴾ هرکه کار بد به عمل آورد جزا داده نخواهد شد الا مانند آن وهرکه به جا آورد کارشایسته خواه از جنس مرد یا از جنس زن درحالی که او مؤمن بود پس درآیند آن جماعت به بهشت ایشان را آن جا رزق بی شمار داده شود.

* وَيَقَوْمَ مَا لِيَ ادْعُوكُمْ إِلَى النَّجْوَةِ وَتَدْعُونِي إِلَى النَّارِ
 (٤١) تَدْعُونِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ
 عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ (٤٢) لَا جَرَمَ أَنَّمَا
 تَدْعُونِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ
 وَأَنْ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ
 (٤٣) فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ
 إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (٤٤) فَوَقَّهَ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا
 وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ (٤٥) النَّارُ يُعْرَضُونَ
 عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ
 فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ (٤٦) وَإِذْ يَتَحَاجَّوْنَ فِي النَّارِ
 فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ
 تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُّغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِّنَ النَّارِ (٤٧) قَالَ
 الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ
 بَيْنَ الْعِبَادِ (٤٨) وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ
 ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ (٤٩)

﴿۴۱﴾ و ای قوم من چیست مرا که شمارا به سوی نجات میخوانم و شما مرا به سوی دوزخ میخوانید. ﴿۴۲﴾ مرا به سوی آن میخوانید که به خدا کافر شوم و به او چیزی را که نیست مرا به حقیقت آن علم شریک مقرر کنم حال آنکه من شمارا به سوی (خدا) غالب آمرزگار میخوانم. ﴿۴۳﴾ بی شبهه چیزی که شما مرا به سوی آن میخوانید آن چیز را قبول کردن دعا نیست نه دردنیا و نه در آخرت و بی شبهه بازگشت ما به سوی خداست و بی شبهه از حد گذشتگان ایشان اهل دوزخ اند. ﴿۴۴﴾ پس آنچه می گویم به شما یادخواهید کرد و امر خود را به خدا می سپارم هر آئینه خدا به احوال بند گان بیناست. ﴿۴۵﴾ پس او را خدا از سختی های آنچه مکر کرده بودند ایشان را نگاهداشت و به خویشان فرعون عذاب سخت فراگرفت. ﴿۴۶﴾ بر آتش بامداد و شام بر آن حاضر کرده میشوند و روزی که قیامت قائم شود گوئیم خویشان فرعون را در سخت ترین عذاب در آورید. ﴿۴۷﴾ و یادکن چون با هم مجادله میکنند در دوزخ پس ناتوانان گویند سر کشان را هر آئینه ماتابع شما بودیم پس آیا شما از سر مایک حصه ای از عقوبت آتش دفع کننده هستید. ﴿۴۸﴾ سر کشان گویند هر آئینه ما همه در آتشیم هر آئینه خدا در میان بندگان فیصله کرده است. ﴿۴۹﴾ و آنانکه در آتش اند گویند نگاهبانان دوزخ را که به جناب پروردگار خویش دعا کنید تا از ما حصه یک روزی را از عذاب سبک کند.

قَالُوا أَوَلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمُ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى
 قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دَعَا الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿٥٠﴾
 إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
 وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ﴿٥١﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذَتُهُمْ
 وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٥٢﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى
 الْهُدَى وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ الْكِتَابَ ﴿٥٣﴾ هُدًى
 وَذِكْرًا لِلأُولَى الْأَلْبَابِ ﴿٥٤﴾ فَأَصْبِرْ إِنَّا وَعَدَ اللَّهُ
 حَقًّا وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعِشِيِّ
 وَالْإِبْكَرِ ﴿٥٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي ءَايَاتِ اللَّهِ
 بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَهُمُ إِن فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ
 مَّا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ
 الْبَصِيرُ ﴿٥٦﴾ لَخَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَكْبَرُ مِنْ
 خَلْقِ النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾
 وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾

﴿۵۰﴾ نگاهبانان گویند آیا به شما پیامبران شما به معجزه ها نمی آمدند گویند آری، نگاهبانان گویند پس شما دعا کنید و دعای کافران نیست مگردرتباهی. ﴿۵۱﴾ هرآئینه ما پیامبران خویش را نصرت می دهیم و آنان را که ایمان آوردند در زندگانی دنیا و نیز روزیکه گواهان^(۱) قایم شوند. ﴿۵۲﴾ روزیکه ستمکاران را عذراوردن ایشان سود ندهد و ایشانرا لعنت است و ایشانرا عقوبت آن سرای است. ﴿۵۳﴾ و هرآئینه موسی را هدایت دادیم و بنی اسرائیل را وارث کتاب ساختیم. ﴿۵۴﴾ برای راه نمودن و پنددادن خداوندان خرد. ﴿۵۵﴾ پس صبر کن هرآئینه وعده خدا راست است و برای گناه خود آمرزش طلب کن و باستایش پروردگار خود به شام و بامداد تسبیح گو. ﴿۵۶﴾ هرآئینه آنانکه درآیت های خدا به غیر حجتی که آمده باشد به ایشان مکابره میکنند نیست درسینه های ایشان مگر اراده غلبه که ایشان به آن رسنده نیستند پس از خدا پناه طلب کن هرآئینه خدا او شنوای بینا است. ﴿۵۷﴾ هرآئینه آفریدن آسمان ها و زمین از آفریدن آدمیان^(۲) بزرگ تراست ولیکن اکثر مردمان نمیدانند. ﴿۵۸﴾ و نابینا و بینا برابر نیستند و آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند بابدکار برابر نیستند، اندکی پندپذیری شوید.

(۱) یعنی فرشتگان گواهی دهند.

(۲) یعنی اعاده ایشان.

إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لَّارْيَبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ
 لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٥٩﴾ وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ
 إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ
 دَاخِرِينَ ﴿٦٠﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الَّيْلَ لَتَسْكُنُوا
 فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ
 أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦١﴾ ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّكُمْ
 خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآذَنِي تُؤْفَكُونَ ﴿٦٢﴾
 كَذَلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانَُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٦٣﴾
 اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً
 وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ
 الطَّيِّبَاتِ ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ
 الْعَالَمِينَ ﴿٦٤﴾ هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ
 لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٥﴾ * قُلْ إِنِّي
 نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِي
 الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٦﴾

﴿۵۹﴾ هرآئینه قیامت آمدنی است درآن شکی نیست ولیکن اکثر مردمان باورنمیدارند.

﴿۶۰﴾ وپروردگار شما گفت دعاکنید به جناب من تا دعای شما را قبول کنم هرآئینه آنانکه ازعبادت من تکبر می کنند به دوزخ خوارشده داخل خواهند شد. ﴿۶۱﴾ خدا آنست که برای شما شب را آفرید تا درآن آرام گیرید وروز را به وجهی آفرید که درآن دیدن یکدیگر باشد هرآئینه خدا برمردمان خداوند فضل است ولیکن اکثر مردمان شکر نمی کنند.

﴿۶۲﴾ اینست خدا پروردگار شما آفریننده هرچیز نیست هیچ معبودبرحقى بجزوى پس چگونه برگردانیده میشود. ﴿۶۳﴾ همچنین برگردانیده می شوند آنانکه به آیات خدا انکار میکردند. ﴿۶۴﴾ خدا آنست که برای شما زمین را قرار گاه وآسمان را سقف ساخت و شما را صورت بست پس صورتهای شما را نیکو ساخت و شما را ازپاکیزه ها روزی داد این است خدا پروردگار شما پس بسیار بابرکت است خدای پروردگار جهانیان. ﴿۶۵﴾

اوست زنده، نیست هیچ معبود برحقى مگر او پس او را عبادت کنید يك جهت ساخته برای او عبادت را ستایش برای خدای پروردگار عالمها است. ﴿۶۶﴾ بگوهرآئینه من ازآنکه آنان را که شما می پرستید بجز خدا عبادت کنم منع کرده شدم چون آمد به من نشانه ها از جانب پروردگار من وفرموده شد مرا که به پروردگار عالمها منقادشوم.

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يَتُوفَى مِنْ قَبْلٍ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٦٨﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ كَانُوا بِآيَاتِنَا فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّىٰ يُصْرَفُونَ ﴿٦٩﴾ الَّذِينَ كَذَبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٧٠﴾ إِذْ الْأَغْلُلُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ ﴿٧١﴾ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ﴿٧٢﴾ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ آيَنَ مَا كُنتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿٧٣﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُن نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾ ذَٰلِكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَمْرَحُونَ ﴿٧٥﴾ أَذْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوًى الْأُمْتَكِرِينَ ﴿٧٦﴾ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرَبِّدْكَ بِبَعْضِ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يَرْجِعُونَ ﴿٧٧﴾

﴿۶۷﴾ اوست آنکه شمارا از خاک آفرید باز از نطفهٔ منی باز از خون بسته باز شمارا کودک شده بیرون می‌آورد باز باقی میگذارد تا برسید به نهایت قوت خود باز باقی میگذارد تا شوید پیرکلان سال و بعضی از شما کسی هست که قبض روح او پیش ازین کرده شود و باقی میگذارد تا برسید بمدتی معین و تا بُوَد که بفهمید. ﴿۶۸﴾ اوست آنکه زنده می‌کند و می‌میراند پس چون بخواهد (پیدا کردن) چیزی را پس جزاین نیست که می‌گویدش بشو پس می‌شود. ﴿۶۹﴾ آیا به سوی آنانکه در آیات خدا مکابره میکنند ندیدی چگونه گردانیده می‌شوند. ﴿۷۰﴾ آنانکه کتاب و آنچه را که فرستادیم به آن پیامبران خود را تکذیب کردند حقیقت حال خواهند دانست. ﴿۷۱﴾ و قتیکه طوقها در گردنهای ایشان باشند و زنجیرهای کشیده شوند. ﴿۷۲﴾ در آب گرم باز در آتش پرتافته شوند. ﴿۷۳﴾ باز ایشان را گفته شود کجاست آنچه شریک مقرر میکردید؟ ﴿۷۴﴾ غیر از خدا گویند از نظر ما گم شدند بلکه هرگز پیش ازین چیزی را نمی‌پرستیدیم همچنین خدا کافران را گمراه میکند. ﴿۷۵﴾ این عقوبت به سبب آنست که در زمین به ناحق شادمان می‌شدید و به سبب آنست که می‌نازیدید. ﴿۷۶﴾ پس به دروازه‌های دوزخ درآید جاویدان آنجا پس (دوزخ) بدجای متکبران است. ﴿۷۷﴾ پس صبر کن (ای محمد) هر آئینه وعدهٔ خدا راست است پس اگر تورا بعضی آنچه وعده میدهیم ایشان را بنماییم (فبها) یا اگر قبض روح تو کنیم پس به سوی ما کافران باز گردانیده شوند.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ
وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ
بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ
هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ ﴿٧٨﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ
لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٩﴾ وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ
وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى
الْأَفْلاكِ تُحْمَلُونَ ﴿٨٠﴾ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ
تُنْكِرُونَ ﴿٨١﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ
كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرُ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ
قُوَّةً وَءَاثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
﴿٨٢﴾ فَلَمَّا جَاءَ تَهُم رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِّنَ
الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٨٣﴾ فَاذْكُرُوا
بِأَسْمَانَا قُلُوبًا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ
مُشْرِكِينَ ﴿٨٤﴾ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سَنَّتْ
اللَّهُ أَلْتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ ﴿٨٥﴾

﴿۷۸﴾ وهرآئینه پیامبران را پیش از تو فرستادیم از ایشان کسی است که قصه اش را بر تو خوا ندیم و از ایشان کسی هست که قصه اش را بر تو نخوانده ایم و هیچ پیامبر را نبُود که نشانه ای بیارد مگر به فرمان خدا پس و قتیکه فرمان خدا آمد به راستی فیصله کرده شود و آنجا بیهوده گویان زیان کار شدند. ﴿۷۹﴾ خدا آنست که برای شما حیوانات را بیافرید تا بر بعض آنها سوار شوید و بعض آنها را میخورید. ﴿۸۰﴾ و شمارا در چهارپایان منفعت هاست و تا برسید سوار شده بر آنها به مقصدی که در سینه های شما مستقر شده است و بر چهارپایان و نیز بر کشتی ها برداشته میشود. ﴿۸۱﴾ و خدا شمارا نشانه های خود مینماید پس کدام يك از نشانه های خدا را انکار میکنید؟ ﴿۸۲﴾ آیا در زمین سیر نکرده اند تا بنگرند آخر کار آنانکه پیش از ایشان بودند چگونه بود، بودند بیشتر از ایشان و زیاده تر به قوت و به نشانه ها در زمین پس دفع نکرد از ایشان آنچه کسب میکردند. ﴿۸۳﴾ پس وقتی که به سوی ایشان پیامبران ایشان بامعجزه ها آمدند به آنچه نزدیک ایشان بود از دانش شادمان شدند^(۱) و در گرفت ایشان را آنچه به آن استهزاء می کردند. ﴿۸۴﴾ پس و قتیکه عقوبت ما را دیدند گفتند خدای را تنها باور داشتیم و به آنچه که آنرا شریک می کردیم منکر شدیم. ﴿۸۵﴾ پس هرگز ایشان را ایمان ایشان و قتیکه عقوبت ما را دیدند نفع ندهد آئین خدا که در بندگان او گذشته است (چنین است) و آنجا کافران زیان کار شدند.

(۱) یعنی علم معاش.

سُورَةُ فَصَّلَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم ﴿١﴾ تَنْزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٢﴾ كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ
 وَقُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٣﴾ بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ
 فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٤﴾ وَقَالُوا أَأُفْلِحُونَ ﴿٥﴾ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ
 فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ ۖ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ ﴿٦﴾ الَّذِينَ
 لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٨﴾ * قُلْ أَيْنَكُمْ
 لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ وُأَنذَادًا
 ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٩﴾ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِّن فَوْقِهَا
 وَبَرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً
 لِّلسَّائِلِينَ ﴿١٠﴾ ثُمَّ أَسْرَوْنَاهُ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ
 لَهَا وَلِلْأَرْضِ أُنْتِي طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ﴿١١﴾

سوره فصلت - حم سجدہ - مکی است و آن
پنجاه و چہار آیت و شش رکوع است

به نام خداوند بخشنده مہربان.

﴿۱﴾ حم. ﴿۲﴾ این فرو فرستادن از جانب خدای بخشاینده مہربان است. ﴿۳﴾ این کتابیست واضح ساختہ شد آیاتِ او در حالیکہ قرآن عربی است برای قومی کہ میدانند. ﴿۴﴾ در حالیکہ مژدہ دہندہ و ترسانندہ است پس اکثر مردمان رویگردان شدند پس ایشان نمی شنوند. ﴿۵﴾ و گفتند دل های ما از آنچه میخوانی مارا بہ سوی آن در پردہماست و در گوش های ما گرانی است و میان ما و میان تو حجابی است پس کارکن ہر آئینہ ما کارکنندہ ایم^(۱). ﴿۶﴾ بگو جز این نیست کہ من مانند شما آدمی ام وحی کردہ میشود بہ سوی من اینکہ معبود شما معبود یگانہ است پس راست بہ سوی او متوجہ شوید و از او طلبِ آمرزش کنید، و وای برای آن مشرکان. ﴿۷﴾ آنانکہ زکوٰۃ را نمیدہند و ایشان بہ آخرت کافرانند. ﴿۸﴾ ہر آئینہ آنانکہ ایمان آوردند و کارهای شایستہ کردند برای ایشان مزد غیر مقطوع است. ﴿۹﴾ بگو آيا شما نامعتقد می شوید بہ کسی کہ زمین را در دوروز آفرید و برای او ہمتیانی را مقرر میکنید، اینست پروردگار عالمہا. ﴿۱۰﴾ و در زمین کوه ہا بالای آن پیدا کرد و در آن برکت نہاد و در آن قوتِ اہلِ آن را در تئمہ چہار روز اندازہ کرد بیان واضح کردہ شد برای سوال کنندگان. ﴿۱۱﴾ باز بہ سوی آسمان متوجہ شد و او دود بود گفت اورا و زمین را نیز بخوشی یا ناخوشی^(۲) بیاید گفتند ہردو بخوشی آمدیم.

(۱) یعنی، ہریکی از ما بہ طریقِ خود عمل کند.

(۲) یعنی منقاد حکم من شوید واللہ اعلم.

فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا
وَزَيَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ
الْعَلِيمِ ﴿١٢﴾ فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ
عَادٍ وَثَمُودَ ﴿١٣﴾ إِذْ جَاءَهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ
خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً
فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿١٤﴾ فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي
الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مَقَافَةً أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ
الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ
﴿١٥﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ مَحْصَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ
عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ
لَا يُنصَرُونَ ﴿١٦﴾ وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى
الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
﴿١٧﴾ وَنَحْنُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿١٨﴾ وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ
إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ
سَمْعُهُمْ وَأَبْصَرُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾

﴿۱۲﴾ پس آنها را هفت آسمان در دو روز دیگر ساخت و در هر آسمانی تدبیر آن را وحی فرستاد و آسمان دنیا را به چراغ‌ها^(۱) بیاراستیم و نگاهداشتیم^(۲) این تدبیر خدای غالب دانا است. ﴿۱۳﴾ پس اگر رویگردان شوند بگو شمار از عقوبتی مانند عقوبتِ عاد و ثمود ترسانیدم. ﴿۱۴﴾ و قتیکه بدیشان پیامبران از پیش روی ایشان و از پس پشتِ ایشان آمدند که عبادت مکنید مگر خدای را گفتند اگر خواستی پروردگار ما فرو فرستادی فرشتگان را پس هر آئینه ما به آنچه فرستاده شدید به آن نا معتقدیم. ﴿۱۵﴾ اما قوم عاد پس در زمین به ناحق تکبر کردند و گفتند کیست زیاده ترازما به قوت آیا ندیدند که آن خدایی که بیافرید ایشان را او از ایشان به قوت زیاده تراست و ایشان بآیاتِ ما انکار می کردند. ﴿۱۶﴾ پس برایشان بادی تند در روزهای شوم فرستادیم تا ایشانرا عذاب رسوایی در زندگانی دنیا بچشانیم و هر آئینه عذاب آخرت رسواکننده تراست و ایشان نصرت داده نشوند. ﴿۱۷﴾ و اما ثمود پس ایشان را راه نمودیم پس نابینایی را بر راه یابی اختیار کردند پس ایشان را عقوبتِ سخت عذابِ خواری در گرفت به سبب آنچه میکردند. ﴿۱۸﴾ و آنان را که ایمان آوردند و پرهیزگاری میکردند نجات دادیم. ﴿۱۹﴾ و آن روز که دشمنانِ خدا (روان ساخته) به سوی آتش گرد آورده می شوند، پس ایشان باین حال باشند که بعضی را تاب رسیدن بعضی دیگر ایستاده کرده میشود. ﴿۲۰﴾ تا وقتیکه چون نزدیک دوزخ بیایند برایشان گوش ایشان و چشمهای ایشان و پوست های ایشان گواهی می دهد به آنچه می کردند.

(۱) یعنی ستاره ها.

(۲) یعنی از شیاطین.

وَقَالُوا الْجُلُودُ هُمْ لَمْ شَهِدَتْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهَ الَّذِي
 أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢١﴾
 وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَرُكُمْ
 وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ
 ﴿٢٢﴾ وَذَلِكَ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرَدَكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ
 مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِنْ يَصْبِرُوا فَلَنَا رُمْحٌ لَّهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا
 فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ ﴿٢٤﴾ * وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ
 مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّمٍ قَدْ
 خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿٢٥﴾
 وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ
 لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ فَلَنْذِيْقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا
 وَلَنْجِزِيَنَّهُمْ أَشْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾ ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ
 النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ
 ﴿٢٨﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنَّ
 وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَاتَّحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ ﴿٢٩﴾



﴿۲۱﴾ وپوست های خود را گفتند چرا بر ما گواهی دادید گویند گویا کرد ما را آن خدایی که هر چیز را گویا کرده است و او اوّل بار شمارا بیافرید و به سوی او باز گردانیده شوید.

﴿۲۲﴾ وپنهان نمی شدید (هنگام ارتکاب معاصی از خوف) آنکه گواهی دهد بر شما گوش شما و چشم های شما و پوست های شما ولیکن پنداشتید که خدا بسیاری از آنچه می کنید نمیداند. ﴿۲۳﴾ واین گمان شما که در حق پروردگار خویش به غلط اندیشه کردید شمارا هلاک کرد پس زیان کارگشتید. ﴿۲۴﴾ پس اگر صبر کنند پس آتش خوابگاه ایشان است و اگر عفو طلبند پس ایشان عفو کرده شدگان نیستند. ﴿۲۵﴾ و برای ایشان همنشینان برگماشتیم^(۱) پس آن همنشینان برای ایشان آراسته کردند آنچه پیش روی ایشانست و آنچه پس پشت ایشانست^(۲) و برایشان وعده عذاب متحقق شده در امتانیکه پیش از ایشان گذشته اند از جن و آدمیان ثابت شد هر آینه ایشان زیان کار بودند. ﴿۲۶﴾ و کافران گفتند این قرآن را مشنوید و سخن بیهوده گویند در اثناء خواندن آن تا که شما غالب شوید. ﴿۲۷﴾ پس البته کافران را عذاب سخت بچشانیم و البته ایشانرا به حسب بدترین آنچه می کردند جزا می دهیم. ﴿۲۸﴾ این آتش جزای دشمنان خدا است ایشان را در آنجا منزل علی الدوام باشد به (کیفر) آنکه به آیات ما انکار میکردند سزادادیم. ﴿۲۹﴾ و کافران گویند ای پروردگار ما ما را آن دو کس^(۳) که ما را گمراه ساختند از جنس جن و از جنس انس بنما تا آن هر دو را زیر قدم های خود در آوریم تاپست و پامال شوند.

(۱) یعنی از شیاطین و الله اعلم.

(۲) یعنی و سوسه انداختند که دنیا قابل رغبت است و آخرت قابل رغبت نیست و الله اعلم.

(۳) یعنی آن دو فریق.

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا اتَّزَلَّ عَلَيْهِمُ
 الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ
 الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
 وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ
 فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ﴿٣١﴾ نَزَّلْنَا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ
 قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ
 الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ
 بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ
 وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا
 إِلَّا ذُو حِظٍّ عَظِيمٍ ﴿٣٥﴾ وَإِذَا يَنْزَعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ
 فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ
 اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ
 وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنْتُمْ
 إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾ فَإِنْ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ
 رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْخَمُونَ ﴿٣٨﴾



﴿۳۰﴾ هر آئینه آنانکه گفتند پروردگار ما خداست باز قایم ماندند، فرشتگان^(۱) برایشان فرود می آیند که مترسید و اندوه مخورید و خوش حال شوید به بهشتی که وعده داده می شدید.

﴿۳۱﴾ ما در زندگانی دنیا و در آخرت نیز دوستان شمایم و برای شما در اینجا آنچه را که دلتان بخواهد هست و برایتان در آنجا آنچه را که درخواست کنید هست. ﴿۳۲﴾ (به عنوان) مهمانی از جانب (خدای) آمرزنده مهربان. ﴿۳۳﴾ و کیست نیکوتر به اعتبار سخن از شخصی که دعوت کرد مردمان را به سوی خدا و کار شایسته انجام داد و گفت هر آئینه من از مسلمانانم. ﴿۳۴﴾ و نیکی و بدی برابر نیست به شیوه ای که آن بهتر است پاسخ ده پس ناگاه آن کس که میان تو و میان وی دشمنی است گویا وی دوست خویشاوند است.

﴿۳۵﴾ و به این شیوه نایل نمی شوند مگر آنانکه صبر کردند به این شیوه مگر صاحب نصیب بزرگ نایل نمی گردد. ﴿۳۶﴾ و اگر تو را وسوسه بازگرداننده آمده از شیطان باز گرداند پس به خدا پناه بر هر آئینه خدا شنوای دانا است. ﴿۳۷﴾ و شب و روز و خورشید و ماه از نشانه های اوست برای خورشید و هم برای ماه سجده نکنید و برای خدایی سجده کنید که این چیز هارا آفرید اگر شما هستید فقط او را عبادت می کنید. ﴿۳۸﴾ پس اگر تکبر کنند کافران (چه باک) پس آنانکه نزدیک پروردگار تواند او را شب و روز به پاکی یاد می کنند و ایشان مانده نمی شوند.

(۱) یعنی نزدیک موت.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ
 اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِ الْمَوْتِ إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُدْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخَفُونَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ
 يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ
 إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ
 وَإِنَّهُمْ لَكَاِبَةٌ عَزِيزٌ ﴿٤١﴾ لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ
 خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴿٤٢﴾ مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ
 لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ
 ﴿٤٣﴾ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ
 ءَ أَعَجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشَفَاءٌ وَلِلَّذِينَ
 لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ
 يُنَادَوْنَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٤٤﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ
 فَأَخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ
 بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ﴿٤٥﴾ مَّنْ عَمِلَ صَالِحًا
 فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَالِمٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿٤٦﴾

﴿۳۹﴾ وازنشانه های او آنست که می بینی زمین را فرسوده پس وقتی که بر سر آن آب را فرود آوریم به جنبش آمدوبلند شد هرآئینه آنکه زمین را زنده کرده است البته زنده کنندهٔ مردگانست هرآئینه او بر همه چیز تواناست. ﴿۴۰﴾ هرآئینه آنانکه در آیات ما کج روی میکنند بر ما پوشیده نیستند آیا کسی که در آتش انداخته شود بهتر است یا کسی که ایمن شده روز قیامت بیاید هر چه خواهید بکنید هرآئینه خدا به آنچه می کنید بیناست. ﴿۴۱﴾ هرآئینه آنانکه به قرآن وقتی که بدیشان آمد کافر شدند (پوشیده نیستند از ما) و بتحقیق آن کتابی گرانقدر است. ﴿۴۲﴾ به او باطل از پیش روی او وهم از پس پشت او راه نمی یابد از خدای دانای ستوده فرستاده شده است. ﴿۴۳﴾ (یا محمد) گفته نمی شود تورا مگر آنچه گفته شده بود به پیامبران پیش از تو هرآئینه پروردگارتو خداوند آمرزش است و خداوند عقوبت درد ناک است. ﴿۴۴﴾ و اگر این کتاب را قرآنی به زبان عجم می کردیم هرآئینه می گفتند (کافران عرب) چرا آیات او واضح کرده نشد آیا قرآن عجمی است و مخاطب عربی!! بگو قرآن برای مسلمانان هدایت و شفاست و آنانکه ایمان نمی آورند در گوش های ایشان گرانی است و قرآن برایشان مایهٔ کوریست این جماعت (به مثل چنانند) که از جای دور آواز داده میشوند. ﴿۴۵﴾ و هرآئینه موسی را کتاب دادیم پس در آن اختلاف کرده شد و اگر کلمهٔ تقدیر سابق صادر شده از پروردگارتو نبودی البته در میان ایشان فیصله کرده می شد و هرآئینه ایشان از قرآن در شک قوی اند. ﴿۴۶﴾ هر که کار نیک انجام دهد پس برای نفع خودش و هر که بدکاری کند پس وبال برویست و پروردگارتو بر بندگان ستم کننده نیست.

* إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْثَامِهَا
 وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ
 شُرَكَائِيَ قَالُوا أَدْذَنَّاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ ﴿٤٧﴾ وَضَلَّ عَنْهُمْ
 مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُوا مَا لَهُمْ مِنْ مَّحِيصٍ ﴿٤٨﴾
 لَا يَسْمَعُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَعْوُسْ
 قَوْطُ ﴿٤٩﴾ وَلَيْنِ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّاهُ
 لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَىٰ
 رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا
 وَلَنَذِيقَنَّاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥٠﴾ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ
 أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ
 ﴿٥١﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ
 مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾ سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا
 فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ
 أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٥٣﴾ أَلَا إِنَّهُمْ
 فِي مِرْيَةٍ مِّنْ لِّقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ ﴿٥٤﴾

﴿۴۷﴾ معرفت قیامت به سوی خدا حواله کرده میشود و بیرون نمی آید اجناس میوه ها از غلاف های خود و هیچ ماده در شکم بار نمی گیرد و بارشکم را نمی نهد مگر بدانست خدا و روزیکه خدا ایشان را آواز دهد که کجایند شریکان من؟ گویند تورا خبر دادیم که از ما هیچ کس گواهی دهنده شریکان (باتو) نیست. ﴿۴۸﴾ و از نظر ایشان آنچه می پرستیدند پیش ازین گم شد و دریابند که ایشان را هیچ راه رهایی نیست. ﴿۴۹﴾ آدمی از طلب خیر مانده نمی شود و اگر سختی برسدش پس ناامید طمع برنده است. ﴿۵۰﴾ اگر او را بخشایشی از جانب خود بعد از سختی ای که رسیده باشد به وی بچشانیم البته گوید که این برای من است^(۱) و نمی پندارم که قیامت قایم شود و اگر بالفرض مرا به سوی پروردگار من باز گردانیده شود هر آئینه مرا نزدیک احوال خوش باشد پس البته کافران را به آنچه میکردند خبردار می کنیم و البته ایشان را از عقوبت سخت بچشانیم. ﴿۵۱﴾ و چون بر آدمی انعام کنیم روی بگرداند و پُرغرور دور شود و چون رنج برسدش پس صاحب دعای بسیار است. ﴿۵۲﴾ بگو آیا دیدید که اگر قرآن از جانب خدا باشد باز به آن کافر شوید کیست گمراه تر از شخصی که در مخالفت دور از صواب باشد. ﴿۵۳﴾ ایشان را نشانه های خود در اطراف عالم و در نفسهایشان نیز خواهیم نمایاند تا آنکه واضح شود برایشان که این سخن راست است آیا پروردگار تورا بس نیست آنکه او بر هر چیز آگاه است. ﴿۵۴﴾ آگاه شو هر آئینه ایشان از ملاقات پروردگار خویش در شبهه اند آگاه شو هر آئینه خدا به همه چیز احاطه دارد.

(۱) یعنی خاطر جمع کند و خوف از دل اوزایل شود والله اعلم.

سُورَةُ الشُّورَى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمْ ١ عَسَق ٢ كَذَلِكَ يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ
 اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٣ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
 وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ٤ تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ
 وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي
 الْأَرْضِ ۚ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ٥ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا
 مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ ۚ اللَّهُ حَفِيفٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ
 ٦ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ
 حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي
 السَّعِيرِ ٧ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ
 يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ ۚ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ٨ أَمْ
 اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ ۚ قَالَ اللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ
 عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٩ وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ
 إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ١٠

سوره شوری مکی است و آن پینجاه وسه
آیه و پنج رکوع است

به نام خداوند بخشنده^{*} مهربان.

﴿۱﴾ حَمِّ. ﴿۲﴾ عَسَقَ. ﴿۳﴾ همچنین خدای غالب با حکمت به سوی تو و به سوی کسانی که پیش از تو بودند وحی میفرستد. ﴿۴﴾ آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خدا است و او بلند مرتبه بزرگ قدر است. ﴿۵﴾ نزدیک است که آسمان ها از فرازشان بشگافند^(۱) و فرشتگان تسبیح میگویند به حمد پرورد گار خویش و آمرزش طلب می کنند برای آنانکه در زمین اند آگاه شو هر آئینه خدا او آمرزنده^{*} مهربان است. ﴿۶﴾ کسانی که جز او دوستانی گرفته اند، خدا برایشان نگهبان است و تو برایشان متعهد نیستی. ﴿۷﴾ و همچنین به سوی تو قرآن عربی را وحی فرستادیم تا اهل مکه را و آنان را که گردا گرد آن هستند بترسانی و از روز قیامت بترسانی که در آن هیچ شکی نیست گروهی در بهشت و گروهی در دوزخ باشند. ﴿۸﴾ و اگر خدا میخواست ایشان را يك امت قرار می داد ولیکن هر کرا بخواهد در رحمت خود درمی آورد و ستمکاران هیچ یاریاوری برای آنها نیست. ﴿۹﴾ آیا جز از خدا دوستان گرفته اند پس خداهمونیست کار ساز و همون فقط مردگان را زنده میکند و او بر هر چیز تواناست. ﴿۱۰﴾ و آنچه در آن اختلاف کردید هر چه باشد پس فیصله اش به خدا حواله می گردد این است خدا پروردگار من برا تو کل کردم به سوی اورجوع می کنم.

(۱) یعنی از هیبت الهی والله اعلم.

فَاطْرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا
وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ
السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١١﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ
الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٢﴾ * شَرَعَ
لَكُمْ مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا
وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنِ اقِيمُوا الدِّينَ
وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ
يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ ﴿١٣﴾ وَمَا تَقْرَفُوا
إِلَّا مَن بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ
مِّن رَّبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّفَقَضَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الدِّينَ أَوْرَثُوا
الْكِتَابَ مِّن بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٌ ﴿١٤﴾ فَلِذَلِكَ
فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ
ءَاَمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ
اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَلْنَا وَلَكُمْ أَعْمَلَكُمْ لَا حُجَّةَ
بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يُجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾

﴿۱۱﴾ آفرینندهٔ آسمان ها وزمین است برای شما از جنس شما زنان را پیداکرد و از جنس چهار پایان انواع گوناگون پیداکرد شما را باین تدبیر پراکنده میکند مانند او (هیچ چیزی نیست و او شنوای بینا است). ﴿۱۲﴾ و کلید های آسمان ها وزمین برای اوست روزی را برای هرکسی که بخواهد وسعت میدهد و برای هر کس که بخواهد تنگ میکند هرآنینه او بهر چیز دانا است. ﴿۱۳﴾ مقرر کرد برای شما از آئین آنچه به اقامت آن نوح را امر کرده بود و آنچه به سوی تو وحی فرستادیم و آنچه به اقامت آن ابراهیم و موسی و عیسی را [به این مضمون] امر کردیم که دین را قائم کنید و در آن متفرق نشوید دشوار آمد بر مشرکان آنچه ایشان را به آن میخوانی، خدا هر که را بخواهد به سوی خود برمی گزیند و به سوی خود هر که را که رجوع میکند هدایت مینماید^(۱). ﴿۱۴﴾ و امتها پراکنده نشدند مگر بعد از آن که بدیشان علم و دانش آمد از روی حسد در بین آنها و اگر نمی بود سخنی که قبلاً از پروردگار تو صادر شد که تا زمانی معین مهلت داده شوند البته میان ایشان فیصله کرده میشد و هرآنینه آنانکه ایشان را کتاب آسمانی بعد از انبیاء داده شد البته به شدت در آن شبهه و شک دارند. ﴿۱۵﴾ پس به سوی دین دعوت کن و چنانچه امر شده ای پایداریاش و از خواهش های این کافران پیروی مکن و بگو به تمام آنچه فرود آورد خدا از هر کتاب که هست ایمان آوردم و امر شده ام که میان شما عدل و انصاف را جاری کنم خدا پروردگار ما است و پروردگار شماست عملهای ما برای ما است و عملهای شما برای شماست گفتگوی بین ما و شما نیست خدا بین ما و شما جمع می کند^(۲) و بازگشت به سوی اوست.

(۱) یعنی به سوی حق، حاصل آن است که انبیاء علیهم السلام در اصول دین متفق اند و اختلاف شرائع فقط در فروع است والله اعلم.

(۲) یعنی روز قیامت.

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ وَحَتَّاهُمْ
 دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ
 ﴿١٦﴾ اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ
 لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ ﴿١٧﴾ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
 بِهَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ
 أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿١٨﴾
 اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ
 ﴿١٩﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ
 كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ
 مِنْ نَصِيبٍ ﴿٢٠﴾ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ
 مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ
 وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢١﴾ تَرَى الظَّالِمِينَ
 مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ
 مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٢٢﴾

﴿۱۶﴾ و آنانکه در دین خدا بعد از آنکه قبول کرده شد فرمان او مجادله می کنند^(۱) مجادله ایشان نزد پروردگارش باطل است و برایشان غضب و خشم است و برایشان عذاب سخت است. ﴿۱۷﴾ خدا آنست که کتاب را به راستی و ترازو را نیز فرود آورد و چه چیز تورا بر حقیقت امر مطلع ساخت شاید که آمدن قیامت نزدیک باشد. ﴿۱۸﴾ قیامت را زود طلب میکنند آنانکه به آن ایمان ندارند و آنانکه باور داشته اند ازان ترسانند و میدانند که آن راست و حقیقت است آگاه شو هر آئینه آنانکه در آمدن قیامت مجادله می کنند هر آئینه در گمراهی دور هستند. ﴿۱۹﴾ خدا بر بندگان خود مهربان است روزی میدهد هر که را خواهد و او توانای غالب است. ﴿۲۰﴾ هر که خواسته باشد کشت آخرت را برای اود کشت او بیفزاییم و هر که کشت دنیا را خواسته باشد او را بعضی از دنیا بدهیم و او را در آخرت هیچ نصیبی نیست. ﴿۲۱﴾ آیا کافران را شریکانی هستند که برای ایشان از دین مقرر کردند آنچه که خدا آن را نفرموده است و اگر وعده فیصله کردن نبودى البته میان ایشان فیصله کرده میشد هر آئینه ستمکاران برایشان عذاب درد ناک است. ﴿۲۲﴾ ببینی ستمکاران را ترسان از جزای آنچه به عمل آورده اند و آن البته به ایشان رسیده است و آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند در بوستان هاوسبزه زارها باشند، ایشان را آنچه درخواست کنند نزد پروردگار خویش باشد این فضل بزرگ است.

(۱) یعنی جمعی در اسلام داخل شدند والله اعلم.

ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ
 حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾ أَمْ يَقُولُونَ
 أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِن يَشِئَ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ
 الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٢٤﴾
 وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ
 وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٢٥﴾ وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ
 شَدِيدٌ ﴿٢٦﴾ * وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَا فِي الْأَرْضِ
 وَلَٰكِن يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٢٧﴾ وَهُوَ
 الَّذِي يُنْزِلُ الْغَيْثَ مِن بَعْدِ مَا قَطَرُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ ۖ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ
 ﴿٢٨﴾ وَمِنَ ءَايَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَابَّةٍ
 وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾ وَمَا أَصْبَحُكُمْ مِّن مُّصِيبَةٍ فِيمَا
 كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٠﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ
 فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٣١﴾



﴿۲۳﴾ این آن ثواب است که خدا به آن بندگان خود را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند مژده می‌دهد بگو از شما برتبلیغ قرآن هیچ مزدی نمی‌طلبم لیکن باید که دوستی درمیان خویشاوندان پیش گیرید^(۱) و هر که نیکی بکند برای اودرآن پاداش نیکی می‌افزایم هرآنینه خدا آمرزگار قدرشناس است. ﴿۲۴﴾ آیا میگویند پیامبر برخدا دروغ را افترا کرده است پس اگر خدا خواهد بردلِ تو مهنهد و خدا بیهوده را نابود می‌سازد و دین درست را به سخن‌های خود اثبات می‌کند هرآنینه خدا به آنچه درسینه هاست داناست. ﴿۲۵﴾ و اوست آنکه توبه را از بندگان خود قبول میکند و از جرمها درمی‌گذرد و آنچه را که می‌کند میداند. ﴿۲۶﴾ و دعای کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند قبول می‌کند و ایشان را ازفضل خود زیاده می‌دهد و کافران برای ایشان عذاب سخت است. ﴿۲۷﴾ و اگر خدا روزی را بر بندگانش فراخ می‌گرداند البته درزمین فساد میکردند ولیکن به اندازه آنچه می‌خواهد فرودمی‌آورد هرآنینه خدا به بندگان خود دانای بیناست. ﴿۲۸﴾ و اوست آنکه باران را بعد از آنکه ناامیدشدند فرود می‌آورد و رحمت خود را پراکنده می‌سازد و او کارساز ستوده کار است. ﴿۲۹﴾ و از نشانه‌های او آفریدن آسمان‌ها و زمین است و آفریدن آنچه دراین هردو از جانوران پراکنده کرده است و او بر جمع آوری ایشان وقتیکه بخواهد تواناست. ﴿۳۰﴾ و هرچه به شما از مصیبت‌ها برسد پس از دست آورد خودتان است و از بسیاری درمی‌گذرد. ﴿۳۱﴾ و شما در زمین عاجز کننده نیستید و برایتان جز خدا هیچ کارسازی و نصرت دهنده ای نیست.

(۱) یعنی بامن صله* رحمی کنید و ایذا نرسانید.

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿٣٢﴾ إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ
فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ
﴿٣٣﴾ أَوْ يُوبِقْهُمْ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٤﴾ وَيَعْلَمَ الَّذِينَ
يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَّخِصٍ ﴿٣٥﴾ فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَّعِ
الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ
يَتَوَكَّلُونَ ﴿٣٦﴾ وَالَّذِينَ يَحْتَبِبُونَ كَبِيرَ الْأَثَرِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا
غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ ﴿٣٧﴾ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ
وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ
الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ﴿٣٩﴾ وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا
وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٤٠﴾ وَلَمَنِ انْتَصَرَ
بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤١﴾ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى
الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ
لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٢﴾ وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ
الْأُمُورِ ﴿٤٣﴾ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ وَتَرَى
الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤٤﴾

﴿۳۲﴾ وازنشانه های او کشتی های مانند کوه ها در دریا روان است. ﴿۳۳﴾ اگر خواهد باد را باز می دارد پس کشتی ها بر پشت دریا ایستاده شود هرآئینه درین امر برای هر صبر کننده^۱ شکرگزارنده نشانه هاست. ﴿۳۴﴾ یا اگر خواهد اهل کشتی ها را هلاک کند به سبب آنچه کردند و از بسیار تقصیرات درمیگذرد. ﴿۳۵﴾ (تا انتقام کشد از ایشان) و تا آنکه خصومت می کند در آیات ما بدانند که ایشان راهیچ جای فرار (از عذاب) نیست. ﴿۳۶﴾ پس هر آنچه که به شما داده شده است بهره^۲ زندگانی دنیا است و آنچه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگار خود توکل می کنند بهتر و ماندگارتر است. ﴿۳۷﴾ کسانی که از گناهان کبیره و از زشت کاریها پرهیز می کنند و چون ایشان خشمگین شوند گذشت می کنند. ﴿۳۸﴾ و آنانکه فرمان پروردگار خود را قبول کردند و نماز را برپاداشتند و کارایشان بایکدیگر از سر مشورت باشد و از آنچه ایشان را روزی دادیم خرج می کنند. ﴿۳۹﴾ و آنانکه چون تجاوزی به ایشان برسد، ایشان انتقام می کشند^(۱). ﴿۴۰﴾ و سزای بدی بدی ای مانند آن است پس هر کسی که درگذرد و قضیه را به صلاح آورد پس پاداش او بر خداست هرآئینه خدا ظالمان را دوست نمی دارد. ﴿۴۱﴾ و هرآئینه کسی که انتقام گیرد بعد مظلوم شدن خود پس آن جماعت را برایشان هیچ راه ملامت نیست. ﴿۴۲﴾ جزاین نیست که راه ملامت بر آن جماعت است که بر مردمان ظلم می کنند و در زمین به ناحق فساد می طلبند آن جماعت بر ایشان عذاب دردناک است. ﴿۴۳﴾ و هر که صبر کند و بیامرزد هرآئینه این صفت^(۲) از کارهای مقصود است. ﴿۴۴﴾ و هر که را خدا گمراه کند پس او را هیچ کارسازی بعد از وی نیست ستمکاران چون عذاب را معاینه کنند ببینی می گویند آیا به سوی بازگشت هیچ راهی هست.

(۱) مترجم گوید یعنی اگر بر ضعیفی ظالم تعدی کند بزرگان قبیله متفق شوند و انتقام گیرند والله اعلم.

(۲) مترجم گوید مغفرت در حق خود عزیمت است و انتقام رخصت و در حق ضعیفاء قوم انتقام لازم است مگر آن که ضعیفاء درگذرند والله اعلم.

وَتَرْهَبُهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَشِيعَتٍ مِّنَ الدُّلِّ يَنْظُرُونَ
 مِّن طَرَفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ
 خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ
 فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ ﴿٤٥﴾ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ
 مِّن دُونِ اللَّهِ وَمَن يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن سَبِيلٍ ﴿٤٦﴾ اسْتَجِيبُوا
 لِرَبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُ مِّنَ اللَّهِ مَا لَكُم
 مِّن مَّدْجٍ يَوْمَ ذَٰلِكَ وَمَا لَكُم مِّن تَكْوِيلٍ ﴿٤٧﴾ فَإِن أَعْرَضُوا
 فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا
 أَذَقْنَا الْإِنسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَفَرِحَ بِهَا وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ
 يَّمَّكَّدْ مَتَّ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّا الْإِنسَانَ كَفُورٌ ﴿٤٨﴾ لِلَّهِ مُلْكُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنثًا
 وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذَّكَورَ ﴿٤٩﴾ أَوْ يَزْوِجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنثًا
 وَيَجْعَلُ لِمَن يَشَاءُ عَاقِبَةً إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾ وَمَا كَانَ
 لِبَشَرٍ أَن يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِن وَرَآئِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ
 رَسُولًا فَيُوحِيَ بِأَذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ

﴿۴۵﴾ وایشان را ببینی پیش آورده شوند نزدیکِ دوزخ متواضع شده از خواری به گوشه چشم نیم کشاده می نگرند و گفتند اهل ایمان هرآئینه زیان کاران کسانی هستند که خویشتن را و خویشاوندانِ خود را روز قیامت زیان دادند آگاه شو هرآئینه ستمکاران در عذاب دایم باشند. ﴿۴۶﴾ وایشان را کارسازان که ایشان را نصرت دهند بجز خدا نباشد و هر که را خدا گمراه کند پس هیچ راه (نجاتی) برای او نیست. ﴿۴۷﴾ فرمان پروردگار خود را قبول کنید پیش از آنکه بیاید روزیکه آن را از جانب خدا بازگشت نیست آن روز شمارا هیچ پناهگاهی نیست و برای شما هیچ بازخواست کننده ای نیست. ﴿۴۸﴾ پس اگر روی بگردانند پس تورا برایشان نگهبان نفرستاده ایم، بر تو جز رسانیدن (پیام الهی) نیست و هرآئینه ما چون آدمی را از جانب خود رحمتی بچشانیم به آن شادمان شود و اگر به آدمیان مصیبتی برسد به سبب آن است که دست های ایشان فرستاده است پس هرآئینه آدمی ناسپاس است. ﴿۴۹﴾ پادشاهی آسمان ها و زمین از آن خدا است هر چه می خواهد می آفریند، عطا می کند دختران هر که را خواهد و پسران عطامی کند هر که را خواهد. ﴿۵۰﴾ یا برای ایشان پسران و دختران را جمع می کند و هر که را خواهد نازا میسازد هرآئینه اودانا ی توانا است. ﴿۵۱﴾ و هیچ آدمی را ممکن نیست که خدا با او سخن گوید مگر به اشارت یا از پس پرده یا فرشته را بفرستد پس نازل کند به حکم خدا آنچه خدا خواسته است هرآئینه خدا بلند مرتبه با حکمت است^(۱).

(۱) مترجم گوید اشارت: و این عبارت از دیدن خواب است و از القای علم در خاطر بطریق الهام و از پس پرده عبارت از آن است که آواز شنود و کسی را نبیند و قسم ثالث آنست که فرشته بصورت آدمی متمثل شود و سخن گوید و الله اعلم.

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ
وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا
وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٢﴾ صِرَاطَ اللَّهِ الَّذِي لَهُ
مَافِي السَّمَوَاتِ وَمَافِي الْأَرْضِ ۖ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ ﴿٥٣﴾

سُورَةُ الرَّحْمَنِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمْدٌ ۝ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا
لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٣﴾ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدِينَا
لَعَلِيَّ حَكِيمٌ ﴿٤﴾ أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا
أَن كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ﴿٥﴾ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِيِّ فِي
الْأَوَّلِينَ ﴿٦﴾ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ
﴿٧﴾ فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ
﴿٨﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَّن خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ
خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٩﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ
مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُم فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠﴾

﴿۵۲﴾ و همچنین به سوی تو قرآن را از کلام خود وحی فرستادیم تو نمیدانستی که چیست کتاب و نمیدانستی که چیست ایمان و لیکن وحی را روشنی ساخته ایم به آن هر که را میخواهیم از بند گان خویش راه می نماییم و هر آینه تو به سوی راه راست هدایت می کنی. ﴿۵۳﴾ راه خدایی که آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است از آن اوست آگاه شو که کارها به سوی خدا باز میروند.

سوره زخرف مکی است و آن هشتاد و نه
آیه و هفت رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ حَم. ﴿۲﴾ قسم به کتاب واضح. ﴿۳﴾ به یقین که ما این کتاب را قرآن عربی گردانیدیم باشد که شما بفهمید. ﴿۴﴾ و هر آینه این کتاب در لوح محفوظ نزد ما ثبت است به درستیکه این کتاب بلند قدر و با حکمت است^(۱). ﴿۵﴾ آیا از شما اعراض کرده پند راباز داریم برای آن که گروهی از حد رفته هستید. ﴿۶﴾ و در پیشینیان بسیار پیامبران را فرستادیم. ﴿۷﴾ و به ایشان هیچ پیامبری نمی آمد الا به او استهزا میکردند. ﴿۸﴾ پس شدیدتر از قریش را^(۲) به جرم سرکشی هلاک کردیم و داستان نخستینان مذکور شد. ﴿۹﴾ و اگر از ایشان سوال کنی که چه کس آسمان ها و زمین را بیافرید البتہ گویند که آنها را خدای غالب دانا بیافرید. ﴿۱۰﴾ وی آنست که برای شما زمین را بستری ساخت و برای شما در زمین راه ها قرارداد تا باشد که شمارا یابید.

(۱) مترجم گوید قسم خوردن به چیزی برای اثبات همان چیز یا لازم آنچیز کنایت است به آنکه آن چیز خود دلیل خود است چنانکه گویند «قسم بلب میگویند تو وزلف شبگون توه تو معشوق دلربانی» والله اعلم.

(۲) یعنی عاد و ثمود که از قریش قوی تر بودند.

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا
كَذَلِكَ تَخْرُجُونَ ﴿١١﴾ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ
لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ﴿١٢﴾ لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ
ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ
الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿١٣﴾ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا
لَمُنْقَلِبُونَ ﴿١٤﴾ وَجَعَلُوا آلَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنْ إِلَّا نَسْنَنَ
لَكَ فُورٌ مُبِينٌ ﴿١٥﴾ أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ
بِالْبَنِينَ ﴿١٦﴾ وَإِذَا ابْشَرِ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا
ظَلَّ وَجْهُهُ مُسَوَّدًا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿١٧﴾ أَوْ مَنْ يَنْشِؤُنَا فِي
الْحُلِيِّهِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ﴿١٨﴾ وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ
الَّذِينَ هُمْ عِبَدُ الرَّحْمَنِ إِنثًا أَشْهَدُوا وَخَلَقَهُمْ سَتُكْتَبُ
شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ ﴿١٩﴾ وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ
مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْ أَتَيْنَاهُمْ
كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ﴿٢١﴾ بَلْ قَالُوا إِنَّا
وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَرِهِمْ مُهُتَدُونَ ﴿٢٢﴾

﴿۱۱﴾ ووی آنست که ازآسمان آبی را باندازه فرودآورد پس به آن سرزمین مُرده را زنده کردیم همچنین برآورده خواهید شد^(۱). ﴿۱۲﴾ ووی آنست که تمام اقسام حیوانات را بیافرید و برای شما ازکشتی ها وازچهارپایان چیزی را که بر آن سوار می شوید ساخت. ﴿۱۳﴾ تاراست برپشت های مرکوب بنشینید سپس نعمت پروردگار خود را وقتی که راست نشستید بر آن یاد کنید وبگویید پاکست آن ذاتی که برای ما این مرکوب را مسخرساخت وما بر آن توانا نبودیم. ﴿۱۴﴾ وهرآئینه ما به سوی پروردگار خویش رجوع کنندگانیم. ﴿۱۵﴾ و برای خدا ازبندگان او اولاد قرار دادند هرآئینه آدمی ناسپاس ظاهراست. ﴿۱۶﴾ آیاخدا ازمخلوقات خود دختران را فرا گرفت و شمارا به پسران برگزیده است. ﴿۱۷﴾ وچون یکی ازایشان بتولد آنچه برای رحمن مثل ساخته است مژده داده شود^(۲) روی اوسياه گردد واوغمگین باشد. ﴿۱۸﴾ آیا آنراکه در زیور پرورده می شود واو درصِفِ خصومت و دشمنی ظاهر نمی گردد. ﴿۱۹﴾ وفرشتگان را که آنان بندگان رحمن اند زن ها قرار دادند آیا هنگام آفرینش ایشان حاضر بودند این گواهی ایشان نوشته خواهد شد وپرسیده خواهند شد. ﴿۲۰﴾ وگفتند (کافران) اگر رحمن می خواست این فرشتگان را پرستش نمی کردیم ایشان را به این ادعا دانش نیست، نیستند ایشان مگردروغ گو. ﴿۲۱﴾ آیا ایشانرا کتابی پیش ازقرآن داده ایم پس ایشان به آن کتاب چنگ زنده اند (هرگز نه). ﴿۲۲﴾ بلکه گفتند هرآئینه ما پدران خود را بردینی یافتیم وهرآئینه ما برپی (اتباع) ایشان راه یافتگانیم.

(۱) یعنی ازقبور.

(۲) یعنی به تولد دختری والله اعلم.

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا
 إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ ﴿٢٣﴾
 * قُلْ أُولَٰئِكَ تُكْمِرُ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ ءَابَاءَكُمْ
 قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٢٤﴾ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَنَظَرُ
 كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْدِبِينَ ﴿٢٥﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ
 إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ ﴿٢٦﴾ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ
 ﴿٢٧﴾ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾ بَلْ
 مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَءَابَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿٢٩﴾
 وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٠﴾ وَقَالُوا
 لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ ﴿٣١﴾ أَهُمُ
 يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ
 بَعْضًا سَخِرِيًّا وَرَحِمَتْ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٣٢﴾ وَلَوْلَا
 أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ
 لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِّنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ ﴿٣٣﴾

﴿۲۳﴾ و همچنین پیش از تودر هیچ دهی ترساننده ای را نفرستادیم مگر گفتند منعمان آن ده هرآئینه ما پدران خود را بردینی یافتیم و هرآئینه ما برپی ایشان متابعت کنندگانیم. ﴿۲۴﴾ گفت (پیامبر) آیا متابعت پدران مینمایید اگرچه آورده باشم برایتان دینی که زیاده ترراه نماینده است از آنچه برآن پدران خود را یافتید گفتند هرآئینه ما به آنچه فرستاده شدید به آن، کافر هستیم. ﴿۲۵﴾ پس از ایشان انتقام گرفتیم پس درنگر چگونه بود عاقبت تکذیب کنندگان. ﴿۲۶﴾ و یادکن چون ابراهیم به پدر خود و قوم خود گفت هرآئینه من بیزارم از آنچه شما پرستش می کنید. ﴿۲۷﴾ الا آن کسی که مرا بیافرید پس هرآئینه او مرا هدایت خواهد کرد. ﴿۲۸﴾ و خدای تعالی کلمه توحید را سخنی باقی مانده در فرزندان او قرارداد تاباشد که کافران رجوع کنند^(۱). ﴿۲۹﴾ بلکه ایشان را و پدران ایشان را بهره مند ساختم تا وقتیکه بدیشان دین راست و پیامبر ظاهر آمد. ﴿۳۰﴾ و آنگاه که بدیشان دین راست آمد گفتند این جادوی است و هرآئینه ما بدان کافر هستیم. ﴿۳۱﴾ و گفتند چرا این قرآن بر مردی بزرگ از اهل این دوده فرو فرستاده نشد^(۲). ﴿۳۲﴾ آیا ایشان رحمت پروردگار تو را قسمت می کنند ما میان ایشان زیستمایه ایشان را درزند گانی دنیا قسمت کرده ایم و بعض ایشان را بر بعضی بلند مرتبه ساختیم تا که بعض ایشان بعضی را خدمتگزار گیرد^(۳) و رحمت پروردگار تو بهترست از آنچه جمع میکنند. ﴿۳۳﴾ و اگر احتمال آن نمی بود که مردمان همه يك امت میشوند البته برای خانه های کسانی که به خدا رحمان کفر می ورزند، سیمین سقفهایی قرار می دادیم و (نیز) نردبانهایی که بر آن بالا بروند.

(۱) یعنی انبیاء و اولیا در اولاد حضرت ابراهیم علیه السلام پیدا شدند.

(۲) یعنی بر یکی از ثروتمندان مکه و طائف والله اعلم.

(۳) یعنی به چشم حقارت نباید ننگرد والله اعلم.

وَلْيُؤْتِهِمْ أَبُو بَا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَكُونَ ﴿٢٤﴾ وَزُخْرُفًا وَإِنْ
كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عِنْدَ رَبِّكَ
لِلْمُتَّقِينَ ﴿٢٥﴾ وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا
فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ ﴿٢٦﴾ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ
أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٢٧﴾ حَتَّى إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَلَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ
بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ ﴿٢٨﴾ وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ
إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٢٩﴾ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ
الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْى وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٤٠﴾ فَاِمَّا
نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ ﴿٤١﴾ أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي
وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِمْ مُّقْتَدِرُونَ ﴿٤٢﴾ فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ
إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٤٣﴾ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ
وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ ﴿٤٤﴾ وَسَأَلَ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا
أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِلَهًا يَعْبدُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا
مُوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿٤٦﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ ﴿٤٧﴾

﴿۳۴﴾ و برای خانه های ایشان نیز دروازه هایی از نقره و تخت هایی که بر آن تکیه زده بنشینند. ﴿۳۵﴾ و تجمل بسیار ساختیم، نیست همه این مگر اندک بهره مندی زندگانی دنیا، و آخرت نزد پرورد گارتو برای متقیان است. ﴿۳۶﴾ و هر که از یاد رحمن غافل شود برگماریم برای اوشیطانی پس آن شیطان او را همنشین بُود. ﴿۳۷﴾ و هر آئینه شیاطین آدمیان را از راه باز میدارند و آدمیان می پندارند که ایشان راه یافتگانند. ﴿۳۸﴾ تا آن وقت که چون آدمی پیش ما بیاید با شیطان خود گوید ای کاش در میان من و در میان تو مسافت مشرق و مغرب بودی پس تو بدهمنشینی هستی. ﴿۳۹﴾ و (گوییم) شمارا امروز سود ندهد از بس که ستم کرده اید آنکه شما در عذاب با هم شریک باشید. ﴿۴۰﴾ (یا محمد) آیا تو میتوانی شنوایدن کران را یا راه میتوانی نمودن کوران را و آن کس را که در گمراهی ظاهر است. ﴿۴۱﴾ پس اگر ازین عالم تورا ببریم پس البته ما ازین جماعت انتقام گیرندگانیم. ﴿۴۲﴾ یا اینست که تورا بنماییم آنچه به ایشان وعده دادیم پس هر آئینه ما برایشان تواناییم. ﴿۴۳﴾ پس به آنچه وحی فرستاده شد به سوی تو چنگ زن هر آئینه تو بر راه راستی. ﴿۴۴﴾ و هر آئینه قرآن برای تو و برای قوم تو پنداست و شماسوال کرده خواهید شد. ﴿۴۵﴾ و بپرس احوال آنان را که فرستاده بودیم پیش از تو از پیامبران خود آیا قرارداد داده بودیم معبودانی دیگر غیر از خدا که آنها را پرستش کرده شود. ﴿۴۶﴾ بدرستی که موسی را به نشانه های خود به سوی فرعون و اشراف قوم او فرستادیم پس گفت هر آئینه من پیامبر پرورد گار عالمهایم. ﴿۴۷﴾ پس آن هنگام که به ایشان بانسانه های ما آمد نا گهان به آن نشانه ها می خندیدند.

وَمَا نُرِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ
 بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤٨﴾ وَقَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا
 رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّا لَمُهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا
 عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ ﴿٥٠﴾ وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ
 قَالَ يَاقَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن
 تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٥١﴾ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ
 وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ﴿٥٢﴾ فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ
 مَعَهُ الْمَلَأُكَةُ مُقْتَرِنِينَ ﴿٥٣﴾ فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ
 فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٥٤﴾ فَلَمَّا آسَفُونَا
 انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٥﴾ فَجَعَلْنَاهُمْ
 سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ ﴿٥٦﴾ * وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا
 إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴿٥٧﴾ وَقَالُوا ءَالِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ
 هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿٥٨﴾ إِنْ هُوَ
 إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ ﴿٥٩﴾
 وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَّلَآئِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ﴿٦٠﴾

﴿۴۸﴾ و به ایشان هیچ نشانه ای نمی نمودیم مگر وی بزرگ تربود ازقرین خود وایشانرا به عقوبت گرفتار کردیم باشد که ایشان رجوع کنند. ﴿۴۹﴾ وگفتند ای جادوگر برای ماپروردگار خود را به عهدی که با تودارد دعاکن هرآئینه ماراه یافتگانیم^(۱). ﴿۵۰﴾ پس آنهنگام که ازایشان عقوبت را دورکردیم ناگهان ایشان عهد می شکندند. ﴿۵۱﴾ وفرعون درمیان قوم خود آوازداد گفت ای قوم من آیا پادشاهی مصر و این جویها که میروند از زیر قصر من از آن من نیست آیا نمی بینید؟. ﴿۵۲﴾ (نه) بلکه من بهترم ازین شخص که وی خوارست ونزدیک نیست که سخن واضح گوید^(۲). ﴿۵۳﴾ پس چرا فرود آورده نشد برین شخص دست بندهایی از زر یا چرا همراه اوفرشتگان مجتمع شده نیامدند. ﴿۵۴﴾ پس قوم خود را بی عقل کرد پس فرمان اورا قبول کردند هر آئینه ایشان گروه فاسق بودند. ﴿۵۵﴾ پس آن هنگام که مارا بخشم آوردند ازایشان انتقام گرفتیم پس همگی ایشان را غرق ساختیم. ﴿۵۶﴾ پس ایشانرا داستانی برای آیندگان قراردادیم. ﴿۵۷﴾ وآنگاه^(۳) که داستان به پسر مریم زده شد ناگهان قوم توازین داستان (به ریشخند) آوازبلند می کنند. ﴿۵۸﴾ وگفتند آیا معبودان مابهرترند یا عیسی، آن مثل را برای تو جز به جدال نزدند بلکه ایشان قومی خصومت کننده اند. ﴿۵۹﴾ نیست عیسی مگربنده ای که بروی انعام کرده ایم واورا برای بنی اسرائیل نشانه ای قرار دادیم. ﴿۶۰﴾ واگرمیخواستیم البته قرارمی دادیم به جای شما فرشتگان را که درزمین خلیفه شوند.

(۱) یعنی مسلمان شویم.

(۲) یعنی در زبان حضرت موسی علیه السلام لکنت بود والله اعلم.

(۳) مترجم گوید براین مسئله که هیچکس غیر خدای تعالی معبود نیست مشرکان ایراد کردند که ترسایان عیسی رامی پرستند واگروی نیز معبود نبود ما راضی شدیم که آلهه مابا عیسی باشند وگمان کردند که به حجت غالب آمدند خدای تعالی کشف شبهه فرمود والله اعلم.

وَأَنَّهُ وَلِعِلَّكَ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرَنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ
مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَا يَصُدُّكُمْ نِكْرُ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ وَلَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ
﴿٦٢﴾ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ
وَلَا بَيِّنٍ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
﴿٦٣﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ
﴿٦٤﴾ فَأَخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا
مِنْ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ ﴿٦٥﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن
تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٦﴾ الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ
بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ﴿٦٧﴾ يَعْبَادِ لَا خَوْفٌ
عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٦٨﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِآيَاتِنَا
وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٦٩﴾ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ
تُحْبَرُونَ ﴿٧٠﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ
وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ ﴿٧١﴾ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ
تَعْمَلُونَ ﴿٧٢﴾ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِّنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٣﴾

﴿۶۱﴾ وهرآئینه عیسیٰ نشانه ای برای قیامت است پس هرگز در قیامت شك مکنید (بگو یا محمد) پیروی من کنید اینست راه راست. ﴿۶۲﴾ وشیطان شمارا باز ندارد هرآئینه اودر حق شما دشمن ظاهر است. ﴿۶۳﴾ وآنگاه که عیسی بامعجزه ها آمد گفت برای شما حکمت را آورده ام وآمده ام تابیان کنم برای شما بعض آنچه در آن اختلاف می کنید پس از خدا بترسید واز من اطاعت کنید. ﴿۶۴﴾ هرآئینه خدا پروردگار من و پروردگار شماست پس اورا بپرستید این است راه راست. ﴿۶۵﴾ پس جماعت ها در میان خویش اختلاف کردند پس وای آنان را که ستم کردند از عقوبتِ روزِ دردناك. ﴿۶۶﴾ انتظار نمی کنند مگر قیامت را که بدیشان نا گهان بیاید در حالیکه ایشان بی خبر باشند. ﴿۶۷﴾ آنروز دوستان بعض ایشان بابعض دیگر دشمن باشند مگر پرهیزگاران. ﴿۶۸﴾ (گفته شود) ای بندگانِ من امروز بر شما هیچ ترسی نیست و نه شما اندوهگین شوید. ﴿۶۹﴾ آن کسانی که به آیت های ما ایمان آوردند و مسلمان بودند. ﴿۷۰﴾ (گفته شود) شما و زنان شما خوشحال شده به بهشت درآیدید. ﴿۷۱﴾ گردانیده شود برایشان کاسه های پهن از زر و کوزه ها نیز و در بهشت آنچه نفس ها خواهش کنند باشد واز دیدن او چشم ها لذت ببرند و شما در آنجا جاویدان باشید. ﴿۷۲﴾ واین آن بهشت است که شمارا به سبب آنچه عمل می کردید عطا کرده شد. ﴿۷۳﴾ برای شما در آنجامیوه بسیار است که از آن میخورید.

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يُفْتَرَعَنَّهُمْ وَهُمْ
 فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٥﴾ وَمَا ظَنَّمْتَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ﴿٧٦﴾
 وَنَادَوْا يَمْلِكُ لِيَقْضَ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَلَائِكَةٌ لَقَدْ
 جِئْتَكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنْ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَرِهُونَ ﴿٧٨﴾ أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا
 فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ﴿٧٩﴾ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَى
 وَرُسُلُنَا الَّذِينَ يَكْتُوبُونَ ﴿٨٠﴾ قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ
 الْعَبِيدِينَ ﴿٨١﴾ سُبْحَنَ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ
 عَمَّا يُصِفُونَ ﴿٨٢﴾ فَذَرَهُمْ يَخْضَوْا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ
 الَّذِي يُوْعَدُونَ ﴿٨٣﴾ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌُ وَفِي الْأَرْضِ
 إِلَهٌُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿٨٤﴾ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
 ﴿٨٥﴾ وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَعَةَ إِلَّا
 مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ
 لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿٨٧﴾ وَقِيلَ لَهُ يَرْبِّ إِنَّا هَؤُلَاءِ قَوْمٌ
 لَا يَوْمِنُونَ ﴿٨٨﴾ فَأَصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾

﴿۷۴﴾ هرآئینه گنهکاران در عذاب دوزخ جاویدان اند. ﴿۷۵﴾ از ایشان عقوبت سست کرده نمی شود و ایشان در آن عذاب ناامید شده خاموش باشند. ﴿۷۶﴾ و بر ایشان ستم نکردیم ولیکن ایشان ستمکاران بودند. ﴿۷۷﴾ و آواز دهند که ای مالک باید که پرورد گارتو بر ما به مرگ حکم کند، مالک گوید هرآئینه شما همیشه باشندگانید. ﴿۷۸﴾ به درستی که برایتان حق را آورده ایم ولیکن اکثر شما حق را ناخوش دارید. ﴿۷۹﴾ آیا برکاری عزم مصمم کرده اند پس هرآئینه مانیز عزم مصمم کنندگانیم. ﴿۸۰﴾ آیامی پندارند که ما راز و (سخن) سرگوشی ایشانرا نمی شنویم آری می شنویم و فرستادگان ما نزدیک ایشان می نویسند. ﴿۸۱﴾ بگو اگر به فرض رحمٰن را فرزندی باشد پس من نخستین عبادت کنندگان باشم. ﴿۸۲﴾ پروردگار آسمانها و زمین خداوند عرش از آنچه بیان می کنند پاکست. ﴿۸۳﴾ پس بگذار ایشان را تا در باطل بحث کنند و بازی پیش گیرند تا آنکه به آن روز خود که ایشان را وعده داده میشود ملاقات کنند. ﴿۸۴﴾ و اوست آنکه در آسمان معبود است و (نیز) در زمین معبود است و او با حکمت دانا است. ﴿۸۵﴾ و بسیار بابرکت است آنکه پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در میان هر دو است برای او است و علم قیامت نزد اوست و به سوی او بازگردانیده شوید. ﴿۸۶﴾ و آنانکه کفار آنها را به جای خدا به پرستش می خوانند اختیار شفاعت ندارند مگر کسی (چنین حقی دارد) که گواهی راست داده باشد و ایشان میدانند^(۱). ﴿۸۷﴾ و اگر از ایشان سوال کنی که کدام کس ایشانرا بیافرید البته گویند خدا آفریده است پس چگونه (از عبادت خدا) برگردانیده میشوند. ﴿۸۸﴾ و (بسا آگاهی از) دعای پیامبر که ای پروردگار من هرآئینه ایشان گروهی هستند که ایمان نمی آورند. ﴿۸۹﴾ پس (فرمودیم) رویگردان از ایشان و بگو سلام و داع پس خواهند دانست.

(۱) یعنی اهل توحید را شفاعت کنند.

سُورَةُ الدُّخَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمْ ١ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ٢ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَرَكَةٍ
 إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ٣ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ كَرِيمٍ ٤ أَمْرًا
 مِّنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ٥ رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ
 السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٦ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
 إِن كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ٧ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ
 وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ٨ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ٩
 فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ دُخَانٍ مُّبِينٍ ١٠ يَغْشَى النَّاسَ
 هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ١١ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ
 ١٢ أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ ١٣ ثُمَّ
 تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ ١٤ إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا
 إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ١٥ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ
 ١٦ * وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ
 ١٧ أَنْ أَدَّوْا إِلَى عِبَادِ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ١٨

سوره دخان مکی است و آن پنجاه و نه
آیه و سه رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ حَمِّ. ﴿۲﴾ قسم به کتاب واضح. ﴿۳﴾ که هرائینه ما این کتاب را در شب مبارك^(۱) نازل کردیم هرائینه ما ترساننده بودیم. ﴿۴﴾ در آن شب مبارك هر کار با حکمت فیصله کرده میشود. ﴿۵﴾ آنرا از نزد خویش بوحی فرود آوردیم هرائینه ما فرستنده بودیم^(۲). ﴿۶﴾ به سبب بخشایش از نزد پروردگار تو هرائینه او شنوای دانا است. ﴿۷﴾ پروردگار آسمانها وزمین و آنچه در میان این هر دو است اگر شما یقین کننده هستید. ﴿۸﴾ هیچ معبود بر حقی مگراو نیست زنده میکند و می راند پروردگار شما است و پروردگار پدران پیشین شما است. ﴿۹﴾ بلکه کافران در شک اند بازی می کنند. ﴿۱۰﴾ پس روزی را منتظر باش که آسمان دودی ظاهر بیاورد. ﴿۱۱﴾ که مردمان را فرو گیرد این عذابی دردناک است. ﴿۱۲﴾ (گویند) ای پروردگار ما از ما عذاب را دور کن هرائینه مسلمان میشویم. ﴿۱۳﴾ چگونه ایشان را پند گرفتن بُود و بتحقیق که بدیشان پیامبر ظاهر آمده بود. ﴿۱۴﴾ باز از او روی گردانیدند و گفتند این شخص آموخته شده دیوانه است. ﴿۱۵﴾ هرائینه ما اندکی دور کننده عذابیم هرائینه شما به (کفر) باز خواهید گشت. ﴿۱۶﴾ روزی که سخت می گیریم، آن سخت گیری بزرگ هرائینه ما انتقام گیرنده ایم^(۳). ﴿۱۷﴾ و به راستی ما پیش از ایشان قوم فرعون را امتحان کردیم و بدیشان پیامبری گرامی قدر آمد. ﴿۱۸﴾ (باین سخن که) به من بند گان خدا را^(۴) و اگر دار کنید هرائینه من برای شما پیامبر با امانتم.

(۱) یعنی لیلة القدر.

(۲) یعنی بر پیامبر آن را فرود آوردیم.

(۳) مترجم گوید این وعده متحقق شد خدای تعالی قریش را در قحط انداخت تا آنکه از شدت گرسنگی یا از کثرت بخار در جَوّ چون دودی محسوس می شد و ایشان بخدای تعالی رجوع کردند خدای تعالی قحط را دور فرمود باز بر کفر اصرار کردند خدای تعالی روزی در از ایشان انتقام گرفت که هفتاد کس را از رؤساء ایشان کُشت و هفتاد کس را اسیر گردانید و الله اعلم.

(۴) یعنی بنی اسرائیل را بمن حواله کنید و بنده مگیرید.

وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿١٩﴾ وَإِنِّي عَدْتُ
بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ ﴿٢٠﴾ وَإِنْ لَمْ تَوْتَمِنُوا لِي فَأَعْتَزِلُونِ ﴿٢١﴾
فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ ﴿٢٢﴾ فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ
مُتَّبِعُونَ ﴿٢٣﴾ وَأَتْرَكَ الْبَحْرَ هَوًّا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّعْرَقُونَ ﴿٢٤﴾ كَمْ
تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٢٥﴾ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٢٦﴾ وَنَعْمَةٍ
كَانُوا فِيهَا فَكَاهِينَ ﴿٢٧﴾ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ ﴿٢٨﴾ فَمَا
بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَقَدْ
نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿٣٠﴾ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ
كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ وَلَقَدْ اخْتَرْنَا لَهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى
الْعَالَمِينَ ﴿٣٢﴾ وَآتَيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُبِينٌ ﴿٣٣﴾
إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ﴿٣٤﴾ إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ
بِمُنشَرِينَ ﴿٣٥﴾ فَأَتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٦﴾ أَهْمُ
خَيْرٌ أَمْ قَوْمٌ تُبْعِ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا
مُجْرِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِلْعَيْنِ
﴿٣٨﴾ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾

﴿۱۹﴾ و بر خدا سرکشی مکنید هرآئینه من پیش شما حجتِ ظاهر می آورم. ﴿۲۰﴾
 و هرآئینه من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه گرفتم از آنکه مرا سنگسار کنید. ﴿۲۱﴾
 و اگر مرا باور نمی دارید پس از من کناره گیری کنید. ﴿۲۲﴾ پس دعا کرد بجناب پروردگار
 خود که این جماعت قوم گنهکارانند. ﴿۲۳﴾ (پس گفتیم) بندگانِ مرا وقت شب ببر هر
 آئینه شما تعقیب کرده می شوید. ﴿۲۴﴾ و دربارا آرامیده بگذار هرآئینه این جماعت
 لشکری غرق شده است. ﴿۲۵﴾ بسیار از بوستان ها و چشمه ها گذاشتند. ﴿۲۶﴾ و کشته ها
 و محلِ گرامی. ﴿۲۷﴾ نعمتی با رفاهیت که در آن محفوظ و شادمان بودند. ﴿۲۸﴾
 همچنین شد و این چیزها را به گروهی دیگر میراث دادیم. ﴿۲۹﴾ پس نگرست بر آنان
 آسمان و زمین و مهلت داده نشدند. ﴿۳۰﴾ و هرآئینه ما بنی اسرائیل را از عذاب خوارکننده
 خلاص کردیم. ﴿۳۱﴾ که از جانب فرعون بود هرآئینه فرعون سرکشی از اسرافکاران بود.
 ﴿۳۲﴾ و هرآئینه بنی اسرائیل را دانسته بر جهانیان برگزیدیم. ﴿۳۳﴾ و ایشان را از قسم
 معجزات آنچه در آن امتحانِ ظاهر بود دادیم. ﴿۳۴﴾ هرآئینه این جماعت حتما می گویند.
 ﴿۳۵﴾ که عاقبت کار جز همین موت نخستین ما نیست و ما برانگیخته نخواهیم شد.
 ﴿۳۶﴾ پس پدران ما را اگر راست گویان هستید بیاورید. ﴿۳۷﴾ آیا این جماعت بهتراند
 یا قوم تبع (حمیری) و آنانکه پیش از ایشان بودند آنها را هلاک ساختیم هرآئینه آنها گنهکار
 بودند. ﴿۳۸﴾ و آسمان ها و زمین را و آنچه در میان هردو است بازی کنان نیافریدیم. ﴿۳۹﴾
 این هردو را نیافریدیم مگر بتدبیر درست ولیکن اکثر ایشان نمیدانند.

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٠﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى
 عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ
 إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٤٢﴾ إِنَّ شَجَرَتَ الزُّقُومِ ﴿٤٣﴾ طَعَامُ
 الْأَثِيمِ ﴿٤٤﴾ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ﴿٤٥﴾ كَغَلِي
 الْحَمِيمِ ﴿٤٦﴾ خَذُوهُ فَأَعْتَلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ
 صَبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ﴿٤٨﴾ ذُقْ إِنَّكَ
 أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿٤٩﴾ إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ
 ﴿٥٠﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ﴿٥١﴾ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ
 ﴿٥٢﴾ يَكْلَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٥٣﴾
 كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ﴿٥٤﴾ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ
 فَاكِهَةٍ آمِنِينَ ﴿٥٥﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا
 الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَّهَهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٥٦﴾ فَضْلًا مِّنْ
 رَبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٥٧﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ
 لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾ فَأَرْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرتَقِبُونَ ﴿٥٩﴾

سُورَةُ الدُّخَانِ

﴿۴۰﴾ هرآئینه روز قیامت میعادِ همگی ایشانست. ﴿۴۱﴾ روزی که هیچ دوستی از دوستِ دیگر چیزی را دفع نکند و نه ایشان نصرت داده شوند. ﴿۴۲﴾ مگر آنکه خدا بر او رحم کرد هرآئینه خدا غالب مهربان است. ﴿۴۳﴾ هرآئینه درخت زقوم. ﴿۴۴﴾ خوراك گنهكار است. ﴿۴۵﴾ مثلِ مسِ گداخته شده در شکم ها بجوشد. ﴿۴۶﴾ مانند جوشیدن آب گرم. ﴿۴۷﴾ (گوییم ای فرشتگان) بگیرید این گنهکار را پس به سختی به سوی میانهٔ دوزخ بکشیدش. ﴿۴۸﴾ باز بالای سرازار آب گرم که عقوبت است بریزید. ﴿۴۹﴾ (گوییم) بچش هرآئینه تویی (بزعم خود) بزرگوار گرامی قدر. ﴿۵۰﴾ هرآئینه این است آنچه در آن شبهه می کردید. ﴿۵۱﴾ هرآئینه متقیان در جایگاه با امن باشند. ﴿۵۲﴾ در بوستان ها و چشمه ها. ﴿۵۳﴾ از حریر نازک و حریر سطر روبروی یکدیگر شده بپوشند. ﴿۵۴﴾ حال این چنین باشد و ایشان را با حور کشاده چشم جفت کنیم. ﴿۵۵﴾ آنجا هرمیوه را ایمن شده بطلبند. ﴿۵۶﴾ آنجا مرگ را نچشند غیر از چشیدن مرگِ نخستین را و ایشان را خدا از عذاب دوزخ نگاه داشت. ﴿۵۷﴾ بسبب بخشایش از جانبِ پروردگار تو این پیروزی بزرگ است. ﴿۵۸﴾ جزاین نیست که قرآن را به زبان تو آسان گردانیدیم تا بُود که ایشان پند پذیر شوند. ﴿۵۹﴾ پس منتظر باش هرآئینه ایشان نیز منتظرانند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمْدٌ ١) تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ٢) إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ ٣) وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَةٌ
لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ٤) وَاخْتَلَفَ أَلَيْلٍ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ
مِنْ رِّزْقٍ فَأَحْيَاهُ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيحِ آيَةٌ لِّقَوْمٍ
يَعْقِلُونَ ٥) تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ
اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُوْمِنُونَ ٦) وَيَلُّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ٧) يَسْمَعُ آيَاتِ
اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ
٨) وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ
مُّهِينٌ ٩) مَنْ وَرَايَهُمْ جَهَنَّمَ ۖ وَلَا يَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا
وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ١٠) هَذَا
هُدًى وَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُرْجَى ١١) * اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا
مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ١٢) وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي
الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ١٣)



سوره جاثیه مکی است و آن سی و هفت
آیه و چهار رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ حَمِّ. ﴿۲﴾ فروفرستادن این کتاب از جانب خدای غالب با حکمت است. ﴿۳﴾ هرآئینه در آسمانها و زمین برای باوردارانندگان نشانه هایی است. ﴿۴﴾ و در آفرینش شما و در آفرینش آنچه از جانوران پراکنده می سازد برای قومی که یقین میکنند نشانه هایی است. ﴿۵﴾ و درآمد و رفت شب و روز و در آنکه خدا از آسمان روزی فرود آورد ^(۱) پس زنده کرد بسبب باران زمین را بعد از مرده بودن آن و در گردانیدن بادها برای قومی که درمی یابند نشانه هایی است. ﴿۶﴾ این نشانه های خداست آن را بر تو به راستی میخوانیم پس بکدام سخن بعد از پند خدا و آیت های اوایمان می آورند. ﴿۷﴾ وای بر هر دروغ گوی گنهکار. ﴿۸﴾ که آیاتِ خدا را می شنود که خوانده میشود بروی باز با استکبار (بر کفر چنان) پای می فشارد که گویا آنرا نشنیده است پس او را به عذابی درد ناک مژده ده. ﴿۹﴾ و چون بر چیزی از آیاتِ ما واقف شد آن را آن جماعت به تمسخر گیرد برای ایشان عذاب خوارکننده است. ﴿۱۰﴾ پشت سر ایشان دوزخ است و آنچه کسب کرده اند نفعی به آنها نمی رساند نیز آنچه دوستان گرفته اند غیر از خدا (چیزی را) دفع نکنند و برای ایشان عذاب بزرگ است. ﴿۱۱﴾ این قرآن هدایت است و آنانکه کافر شدند به آیاتِ پروردگار خویش برای ایشان عذاب درد ناک از جنس عقوبتِ سخت است. ﴿۱۲﴾ خدای آنست که برای شما دریا را مُسَخَّر کرد تا کشتی ها در آن بفرمانِ او روان شود و تا از فضلِ او طلبِ معیشت کنید باشد که شما شکرگزاری کنید. ﴿۱۳﴾ و برای شما آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است مسخر کرد همگی از پدید آورده اوست هرآئینه درین ماجرا برای گروهی که تفکر میکنند نشانه هایی است.

(۱) یعنی باران.

قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ
 قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ
 وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿١٥﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا
 بَنِي إِسْرَءِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ
 وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾ وَءَاتَيْنَاهُمْ بَيْنَتٍ مِنَ الْأَمْرِ ۖ
 فَمَا اخْتَفَوْا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ
 يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ
 ﴿١٧﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ
 أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُمْ لَنُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ
 شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ
 ﴿١٩﴾ هَذَا بَصِيرَتِي لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٢٠﴾
 أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ أَجْرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ
 مَا يَحْكُمُونَ ﴿٢١﴾ وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ
 وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٢﴾

﴿۱۴﴾ به مسلمانان بگو که از آن جماعت که توقع روزهای خدا را ندارند^(۱) درگذر کنند تا خدا گروهی را به حسب آنچه می‌کردند سزاهد. ﴿۱۵﴾ هر کس که کارشایسته انجام دهد پس برای نفع خودش و هر که بدکاری کند پس وبال براوست باز به سوی پرورد گار خویش بازگردانیده خواهید شد. ﴿۱۶﴾ و به یقین که بنی اسرائیل را کتاب و دانش‌مندی و پیامبری دادیم و ایشان را از نعمت‌های پاکیزه روزی دادیم و ایشان را بر جهانیان فضیلت دادیم. ﴿۱۷﴾ و ایشان را نشانه‌هایی واضح در باب دین دادیم پس اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه بدیشان دانش آمد از روی تعدی بایکدیگر هر آئینه پروردگار تو میان ایشان روز قیامت در آنچه اختلاف می‌کردند در آن فیصله می‌کند. ﴿۱۸﴾ باز تو را بر راه ظاهر از دین گردانیدیم پس آنرا پیروی کن و خواهشات آنانرا که نمیدانند پیروی مکن. ﴿۱۹﴾ هر آئینه ایشان از توحیزی را از عقوبت خدا دور نخواهند کرد و هر آئینه ستمکاران بعض ایشان کارسازان بعض دیگراند و خدا کارساز متقیانست. ﴿۲۰﴾ این قرآن دلیل‌های واضح برای مردمان است و هدایت و بخشایش است برای گروهی که یقین می‌کنند. ﴿۲۱﴾ آیا پنداشتند آنانکه جرمها کردند که قرار دهیم ایشان را مانند آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند؟! که زندگانی ایشان و مُردن ایشان یکسان باشد این حکم ایشان بد حکمی است. ﴿۲۲﴾ و خدا آسمان‌ها و زمین را بتدبیر درست آفرید و تا عاقبت کار جزا داده شود هر شخصی بحسب آنچه عمل کرده است و برایشان ستم کرده نمی‌شود.

(۱) یعنی معتقد نیستند که حوادث جزای اعمال ایشان باشد.

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ
 وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا
 تَذَكَّرُونَ ﴿٢٣﴾ وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا
 إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٢٤﴾ وَإِذْ اتَّخَذَ
 عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتَّبَوْنَا بَنِيَّانِ
 كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٥﴾ قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى
 يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُنْفِخُ الْمُبْطِلُونَ ﴿٢٧﴾
 وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلَّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُحْزَنُ مَا كُنْتُمْ
 تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾ هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ
 مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٩﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿٣٠﴾ وَأَمَّا
 الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَكُم تَكْنِءَاتِي تُلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا
 مُّجْرِمِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذْ قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا
 قُلْتُمْ مَّأَنَدَرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُستَيْقِنِينَ ﴿٣٢﴾

﴿۲۳﴾ آیا کسی را دیدی که معبود خود را خواهش نفس خود گرفته است و ارا خدا باوجود دانشی که داشت گمراه کرد و برگوش او و دل او مُهر نهاد و برچشم او پرده نهاد پس کیست که راه نماید او را پس از خدا آیایند نمی‌گیرید. ﴿۲۴﴾ و گفتند زندگانی مگر همین زندگانی این جهانی نیست مامی میریم و زنده میشویم و ما را جز زمانه هلاک نمی‌کند و ایشان را باین ماجرا هیچ دانشی نیست ایشان نیستند مگر گمان می‌کنند. ﴿۲۵﴾ و چون برایشان آیت‌های ما واضح آمده خوانده شود شبهه ایشان نباشد مگر آنکه گویند پدران ما را اگر راست گو هستید بیاورید. ﴿۲۶﴾ بگو خدا شمارا زنده میکند باز شمارا می‌میراند باز شمارا بروز قیامت جمع می‌کند هیچ شبهه ای در آن نیست ولیکن اکثر مردمان نمی‌دانند. ﴿۲۷﴾ پادشاهی آسمان‌ها و زمین برای خدای است و روزی که قیامت قایم شود آن روز تبه کاران زیان کار شوند. ﴿۲۸﴾ و هر گروهی را بزاند آورده ببینی هر گروهی را به سوی نامه اعمال او خوانده شود (یعنی برای سوال و جواب مهیا شده گوییم) امروز جزا داده شود شمارا بحسب آنچه می‌کردید. ﴿۲۹﴾ (گوییم) این نامه اعمال ما است که بر شما به راستی اظهار حقیقت میکند هر آئینه ما آنچه شما عمل می‌کردید می‌نوشتیم. ﴿۳۰﴾ پس اما آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند پس ایشان را پروردگار ایشان در رحمت خود در آورد این پیروزی ظاهر است. ﴿۳۱﴾ و اما آنانکه کافر شدند (ایشان را گوییم) آیا بر شما آیات من خوانده نمی‌شد پس تکبر کردید و قوم گنہکار بودید. ﴿۳۲﴾ و چون گفته شد که وعده خدا راست است و قیامت هیچ شکّی در آن نیست گفتید نمیدانیم چیست قیامت آن را مگر با احتمالِ ضعیف تصور نمی‌کنیم و ما یقین کنندگان نیستیم.

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتٌ مَّا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٣٢﴾ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسِفُكُمْ كَمَا نَسِفْنَا لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ ﴿٣٤﴾ ذَلِكُمْ بِأَنكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يَخْرُجُونَ مِنْهَا وَلَا لَهُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٣٥﴾ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٦﴾ وَلَهُ الْكِبَرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣٧﴾

سُورَةُ الْأَحْقَافِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمْدٌ ﴿١﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿٢﴾ مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ ﴿٣﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَّا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ أَتُنَوِّى بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَٰذَا أَوْ أَثَرَةٍ مِّن عِلْمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤﴾ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ لََّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَفُلُونَ ﴿٥﴾

﴿۳۳﴾ و برای ایشان عقوبت های آنچه به آن عمل کرده بودند ظاهر شد و ایشان را آنچه به آن استهزای کردند درگرفت. ﴿۳۴﴾ و گفته شود امروز شمارا فراموش کنیم چنانکه ملاقات این روز خود را فراموش کردید و جای شما دوزخ است و شمارا هیچ نصرت دهنده ای نیست. ﴿۳۵﴾ این عذاب بسبب آنست که شما آیات خدا را به تمسخر گرفتید و شمارا زندگانی دنیا فریفته کرد پس امروز از دوزخ بیرون کرده نشوند و نه از ایشان رضامندی خدا طلب کرده شود. ﴿۳۶﴾ پس ستایش برای خدای پروردگار آسمانها و پروردگار زمین پروردگار عالم ها است. ﴿۳۷﴾ بزرگی در آسمان ها و زمین برای اوست و او غالب با حکمت است.

سوره احقاف مکی است و آن سی و پنج
آیه و چهار رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ حَمَّ. ﴿۲﴾ فرو فرستادن کتاب از خدای غالب با حکمت است. ﴿۳﴾ آسمان ها و زمین و آنچه را که در میان هردو است نیافریدیم مگر به تدبیر درست و به میعاد معین و آنانکه کافر شدند از آنچه ترسانیده شد ایشان را رویگردانند. ﴿۴﴾ بگو آیا دیدید آنچه را که جز خدا می پرستید بنمایید مرا چه چیز از زمین آفریده اند یا ایشانرا در آسمانها شرکتیست برایم کتابی که پیش ازین آمده باشد یا بقیه ای از علم اگر راست گو هستید بیاورید. ﴿۵﴾ و کیست گمراه تر از کسی که بجز خدا کسی را بخواند که دعایش را تا روز قیامت اجابت نکند و این معبودان باطل از خواندن ایشان غافل اند.

وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿٦﴾ وَإِذَا
تُتلى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا
سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ
لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي
وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٨﴾ قُلْ مَا كُنْتُ بِدَاعٍ مِنَ الرُّسُلِ
وَمَا أَدْرِ مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا
إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ
وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَنَامَ وَاسْتَكَبَرْتُمْ
إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا
لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ
فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ ﴿١١﴾ وَمَنْ قَبْلَهُ كَتَبَ مُوسَىٰ
إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِّسَانِ عَرَبِيٍّ لِّيُنذِرَ
الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ ﴿١٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا
اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٣﴾
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾

﴿۶﴾ و چون مردمان جمع کرده شوند همین معبودهای آنها دشمنانشان باشند و به عبادت ایشان منکر باشند. ﴿۷﴾ هنگامی که آیات روشنگرما بر آنها خوانده شود این کافران سخن درست را چون بدیشان بیامد گویند این سحر آشکار است. ﴿۸﴾ بلکه میگویند آنرا پیامبر بر بسته است بگو اگر آنرا بر بسته ام پس شما برای من از خدا چیزی را نمی توانید خدا به گفتگوی شما در قرآن دانا تراست خدا اظهار حق کننده میان من و شما بس است و او آمرزگار مهربان است. ﴿۹﴾ بگو من نوا آمده از پیامبران نیستم و نمی دانم چه کرده خواهد شد بامن و باشما (یعنی درد دنیا) پیروی نمی کنم الا آنچه به سوی من وحی فرستاده میشود و نیستم من مگر ترساننده آشکار. ﴿۱۰﴾ بگو آیا دیدید اگر قرآن از نزد خدا باشد و به آن منکر شدید و گواهی از بنی اسرائیل بر قرآن گواهی داده باشد پس وی ایمان آورد و شما سرکشی کردید (البته ستمکار باشید) هر آینه خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی نماید. ﴿۱۱﴾ و کافران به مسلمانان گفتند اگر دین بهتر بودی برای ما به سوی آن سبقت نکردند و چون به آن راه نیافتند پس خواهند گفت این دروغی قدیم است. ﴿۱۲﴾ و پیش از قرآن کتاب موسی پیشوا و رحمت بود و این کتابیست باور دارنده که به زبان عربی آمده است برای آنکه ستمکاران را بترساند و برای نیکوکاران مژده است. ﴿۱۳﴾ هر آینه آنانکه گفتند پروردگار ما خداست باز (بر آن) استقامت کردند پس هیچ ترسی برایشان نیست و نه ایشان اندوه خورند. ﴿۱۴﴾ این جماعت اهل بهشت اند در آن جاویدان باشند پاداش داده شوند بحسب آنچه می کردند.

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ
كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفَصْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ
أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ
عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي
إِنِّي نَبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَقَبَلُ
عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَتَجَاوَزَ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ
الْجَنَّةِ وَعَدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿١٦﴾ وَالَّذِي قَالَ
لِوَالِدَيْهِ أَقْبِلَا لَكُمْ اتَّعِدَانِي أَنْ أَخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ
قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ اللَّهَ وَيْلَكَ ءَأَمِنْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ
مَا هَذَا إِلَّا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٧﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ
فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ
﴿١٨﴾ وَلِكُلِّ دَرَجَةٍ مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُوفيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يَظْلَمُونَ
﴿١٩﴾ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذَهَبَتْ طَبِيبَتُكُمْ فِي حَيَاتِكُمْ
الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ
تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ ﴿٢٠﴾

﴿۱۵﴾ و انسان را به نیکوکاری در حق پدر و مادر سفارش کردیم مادر او به دشواری او را در شکم برداشته است و (کمترین مدت) بارگرفتن او از شیرباز گرفتن او سی ماه است و زنده ماند تا وقتی که چون رسید بکمال قوت خود و رسید بچهل سال گفت ای پروردگار من مرا الهام کن تا در مقابل نعمت تو که انعام کرده ای بر من و بر پدر و مادر من شکرگویم و تا کار نیک کنم که از آن خوشنود شوی و برای من در فرزندان من اصلاح کن هر آئینه من به سوی تو رجوع کردم و هر آئینه من از مسلمانانم. ﴿۱۶﴾ این جماعت آنانند که از ایشان نیکوترین آنچه عمل کرده اند قبول می کنیم و از جریمه های ایشان در گذریم در اهل بهشت باشند به وفق وعده راستینی که وعده داده می شدند. ﴿۱۷﴾ و آن شخص که به پدر و مادر خود گفت دل تنگ شدم نسبت به شما آیا مرا وعده میدهید که برآورده شوم^(۱) و به راستی قرن های از مردم پیش از من گذشته اند^(۲) و آن هردو بجناب خدا فریاد میکنند میگویند وای بر تو مسلمان شو هر آئینه وعده^۳ خدا راست است پس گوید این وعده مگر افسانه های پیشینیان نیست. ﴿۱۸﴾ این جماعت آنانند که برایشان وعده^۴ عذاب ثابت شد از جمله امت هایی که پیش از ایشان از جنیان و آدمیان گذشته اند هر آئینه ایشان زیان کار بودند. ﴿۱۹﴾ و هر یکی را مرتبه ها است به وفق آنچه عمل کردند و تا خدا ایشان را جزای اعمال ایشان تمام دهد و به ایشان ستم کرده نشود. ﴿۲۰﴾ و روزیکه کافران بر آتش پیش آورده شوند (گفته شود) نعمت های خود را در زندگانی دنیای خویش ضایع کردید و به آن بهره مند شدید پس امروز شمارا به سزای آنکه در زمین به ناحق تکبر می کردید و به (سبب) آنکه بدکاری میکردید به عذاب ذلت کیفر می دهیم^(۳).

(۱) یعنی از قبر.

(۲) یعنی هیچکس از ایشان باز نماند نشد والله اعلم.

(۳) مترجم گوید این تصویر است حال سعید و شقی را پس سعید حق خدای تعالی و حق ابوبین بجامی آورد و بانواع نعمتها محفوظ میشود در جمیع امور بحق تعالی رجوع میکند و شقی جمع می کند میان کفر و عقوبت و الدین و انکار معاد و صورت سعید منطبق است بر حضرت ابوبکر صدیق و غیر ایشان نیز والله اعلم.

*وَأَذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَّتِ النُّذُرُ
 مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ ۖ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ
 عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٢١﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَأْفِكَنَّ عَنْ إِلَهِنَا فَاتِنَا
 بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٢﴾ قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ
 وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ ۚ وَلَئِنْ كُنْتُمْ قَوْمًا تُجْهَلُونَ ﴿٢٣﴾ فَلَمَّا
 رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُمِطْرُنَا
 بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ ۖ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٤﴾ تَدْمِرُ كُلَّ
 شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَكِنُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي
 الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ مَكَنَّ هُمْ فِيمَا إِنْ مَكَنَّكُمْ فِيهِ
 وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَرَ وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ
 وَلَا أَبْصَرُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ
 اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا
 مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢٧﴾
 فَلَوْلَا نَصْرُهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً
 بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٨﴾

﴿۲۱﴾ و برادر قوم عاد را یادکن چون قوم خود را به سرزمین احقاف بترسانید و هرآئینه ترسانندگان پیش روی وی و پس از وی گذشته بودند^(۱) (به این معنی) که مگر خدا را عبادت مکنید هرآئینه من بر شما از عقوبتِ روز بزرگ میترسم. ﴿۲۲﴾ گفتند آیا آمده‌ای پیش ما تا ما را از پرستشِ معبودان مان بازداری پس آنچه را که وعده میدهی ما را اگر از راست گویان هستی برایمان بیار. ﴿۲۳﴾ گفت جزاین نیست که علم نزد خداست و میرسانم به شما آنچه به او فرستاده شدم ولیکن می بینم که شما گروهی هستید که نادانی میکنید. ﴿۲۴﴾ پس چون آن عقوبت را بصورت ابری روآورده به میدان های ایشان دیدند گفتند این بر ما ابريست باراننده بلکه به حقیقت آن چیزيست که آنرا به شتاب طلب کردید باديست که در آن عقوبت درد ناک است. ﴿۲۵﴾ (این باد) هر چیز را به فرمانِ پرورد گار خویش برهم زند پس گشتند به این صفت که بجز خانه های ایشان دیده نمی شد اینچنین گروه گناهگاران را جزا میدهیم. ﴿۲۶﴾ و به راستی قوم عاد را جای داده بودیم در آنچه که شمارا در آن جای نداده ایم و برای قوم عاد گوش و چشمها و دل هاقرار داده بودیم پس از ایشان گوشِ ایشان و نه چشمهای ایشان و نه دلهای ایشان چیزی را دفع نکرد از بسکه نشانه های خدا را انکار می کردند و به ایشان آنچه به آن تمسخر می کردند فرا گرفت. ﴿۲۷﴾ و به راستی آنچه دوروبر شما است از شهرها هلاک کردیم و نشانه ها را گونا گون پدید آوردیم، باشد که ایشان باز گردند. ﴿۲۸﴾ پس چرا ایشان را آنانکه معبودان گرفتند غیر از خدا به خاطر تقرب به خدا نصرت ندادند بلکه از نظر ایشان گم شدند و همین است دروغِ ایشان و آنچه برمی بافتند.

(۱) یعنی از هر جانب باین مضمون.

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ
 (٢٩) قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ
 مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ
 (٣٠) يَقَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَءَامِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ
 ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (٣١) وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ
 فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ دُونَهُ أَوْلِيَاءُ أُولَٰئِكَ
 فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (٣٢) أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَغَيِّجْ بِخَلْقِهِنَّ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يُمْحِيَ الْمَوْقِفَ بَلَىٰ
 إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٣٣) وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ
 أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا
 كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (٣٤) فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ
 وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا
 سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ بَلَّغٌ فَبَلَّغْ يَهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ (٣٥)

سورة الأحقاف

﴿۲۹﴾ و یادکن چون به سوی تو جماعتی را از جن متوجه ساختیم قرآن را می شنیدند پس چون پیش پیامبر حاضر شدند بایکدیگر گفتند خاموش باشید پس چون تمام کرده شد بیم کنان به سوی قوم خود بازگشتند^(۱). ﴿۳۰﴾ گفتند ای قوم ما هرائینه ما کتابی را که فرود آورده شد بعد از موسی شنیدیم باور دارندۀ آنچه پیش از او بود به سوی دین راست هدایت می کند و (نیز) به سوی راه راست. ﴿۳۱﴾ ای قوم ما سخن دعوت کننده را به سوی خدا قبول کنید به او ایمان آورید تا خدا برای شما بعض گناهان شمارا بیامزد و شمارا از عذاب درد ناک پناه دهد. ﴿۳۲﴾ و هر که گفته دعوت کننده به خدا را قبول نکند پس در زمین عاجز کننده نیست و او را جز خدا دوستانی نیست آن جماعت در گمراهی ظاهرند. ﴿۳۳﴾ آیا ندانستند اینکه خدایی که آسمان ها و زمین را آفریده است و مانده نشد در آفریدن آنها، توانست بر آنکه مُردگان را زنده کند آری چنین است هرائینه او بر هر چیز توانا است. ﴿۳۴﴾ و روزی که کافران بر آتش پیش آورده شوند (گفته شود) آیا این وعده درست نیست، گویند آری قسم به پروردگار ما درُست است گوید پس عقوبت را بسبب آنکه کافر بودید بچشید. ﴿۳۵﴾ پس صبر کن چنانکه صاحبان همت عالی از پیامبران صبر کرده بودند عقوبت را برای ایشان به شتاب طلب مکن روزیکه آنچه وعده داده میشود ایشانرا ببینند چنانستی که ایشان^(۲) مگر يك ساعت از روز نمانده بودند این پیغام رسانیدن است پس جز قوم بدکاران هلاک کرده نخواهند شد.

(۱) مترجم گوید چند کس از جن پیش آن حضرت صلی الله علیه وسلم آمدند و آن حضرت صلی الله علیه وسلم در آن وقت نماز فجر می گذارد در بطن نخله پس ایشان قرآن استماع کردند چون بازگشتند به قوم خود آنان را انداز نمودند اشارت باین قصه است درین آیات.

(۲) یعنی در دنیا.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ۝^١ وَالَّذِينَ
ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَءَامَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ
رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ ۝^٢ ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ
اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَلَهُمْ ۝^٣ فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى
إِذَا أَتَخْتَمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَمَا مَنَابَعْدُ وَمَا فِدَاءٌ حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ
أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَآتَتْكُمْ مِنْهُمْ وَلَٰكِنْ لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ
بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ ۝^٤ سَيَهْدِيهِمْ
وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ ۝^٥ وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ ۝^٦ يَأَيُّهَا الَّذِينَ
ءَامَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ۝^٧ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
فَتَعَسَّاءَ لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ۝^٨ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنْزِلَ اللَّهُ
فَاحْطَطُوا أَعْمَالَهُمْ ۝^٩ * أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ
عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَلُهَا ۝^{١٠} ذَلِكَ
بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ ۝^{١١}



سوره محمد مدنی است و آن سی و هشت
آیه و چهار رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ آنانکه کافر شدند مردمان را از راه خدا بازداشتند خدا اعمال ایشانرا تباه و برباد کرد.
﴿۲﴾ و آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و به آنچه فرود آورده شد بر محمد (صلی الله علیه وسلم) و اینکه آن حق است از پروردگار ایشان آمده معتقد شدند جرمهای ایشانرا از ایشان دور ساخت و حال ایشان را بصلاح آورد. ﴿۳﴾ این بسبب آنست که کافران از باطل پیروی کردند و مومنان دین راست را که از جانب پروردگار ایشانست پیروی کردند همچنین خدا برای مردمان داستانهای ایشان را بیان میکند. ﴿۴﴾ پس چون با کافران برخورد کنید پس گردن هارا تا وقتیکه چون خونریزی بسیار کردید در ایشان بزنید پس قید را محکم کنید پس بعد ازین به احسان خلاص کردن است و یامالی به عوض گرفتن تا آنکه (أهل) جنگ سلاح خود را^(۱) بنهد اینست حکم و اگر خدا میخواست خود از ایشان انتقام می گرفت ولیکن میخواهد که بعض شمارا به بعضی امتحان کند و آنانکه کشته شدند در راه خدا پس عمل ایشان را برباد نخواهد کرد. ﴿۵﴾ ایشانرا راه خواهد نمود و حال ایشانرا نیک خواهد کرد. ﴿۶﴾ و ایشان را به بهشتی که شناسانیده است ایشان را به آن در خواهد آورد. ﴿۷﴾ ای مسلمانان اگر دین خدا را نصرت دهید خدا شمارا نصرت دهد و قدمهای شمارا ثابت کند. ﴿۸﴾ و آنانکه کافر شدند پس ایشان را هلاکی باد و خدا اعمال ایشان را برباد کرد. ﴿۹﴾ این بسبب آنست که ایشان چیزی را که فرود آورده است خدا ناپسند کردند پس خدا اعمال ایشانرا برباد کرد. ﴿۱۰﴾ آیا در زمین نگشته اند تا بنگرند چگونه بود انجام آنانکه پیش از ایشان بودند خدا ایشان را نابود ساخت و برای کافران چند مانند این عقوبت است. ﴿۱۱﴾ این بسبب آنست که خدا کار ساز مسلمانان است و بسبب آنست که کافران راهیچ کار سازی ایشانرا نیست.

(۱) یعنی جنگ موقوف شود و احتیاج سلاح نماند والله اعلم.

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
 تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ
 وَالنَّارُ مَشْوَى لَهُمْ ﴿١١﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ
 الَّتِي أَخْرَجْتَكَ أَهْلَكَهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ ﴿١٢﴾ أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ
 رَبِّهِ كَمَنْ زَيْنَ لَهُ وَسُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ﴿١٣﴾ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي
 وَعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ
 طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ
 فِيهَا مِنْ كُلِ الثَّمَرَاتِ وَمَعْفَرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا
 مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ ﴿١٤﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا
 خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ إِنَّهُمَا أَوْلِيَاكَ
 الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ﴿١٥﴾ وَالَّذِينَ أَهْتَدُوا
 زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ ﴿١٦﴾ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ
 أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَهُمْ
 ذِكْرُهُمْ ﴿١٧﴾ فَأَعْلَمَ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرَ لَذُنُوبِكَ
 وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ ﴿١٨﴾

﴿۱۲﴾ هرآینه خدا آنان را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند به بوستانهایی که می‌رود زیر آن‌ها جویها داخل می‌کند و آنانکه کافر شدند بهره‌برمیگیرند و میخورند چنانکه چهارپایان میخورند و آتش جای ایشانست. ﴿۱۳﴾ وجه بسیار ازده‌ها که قوی‌تر بود ازده‌تو که تو را جلا و وطن کرد ایشانرا هلاک ساختیم پس هیچ نصرت دهنده‌ای برای ایشان نبود. ﴿۱۴﴾ آیا کسیکه بر طریقه روشن باشد از پروردگار خویش مانند آن کس است که آراسته کرده شد در نظر اوبدکاریش و خواهش‌های خود را پیروی کرده است. ﴿۱۵﴾ صفت بهشتی که متقیان را وعده داده شد اینست که در آن بهشت جویها است از آب که بدیرماندگی متغیر نشده و جویها است از شیر که مزه اوبرنگشته و جویها است از می آشامندگان را لذت بخش و جویها است از غسل صاف کرده شده و برای ایشان آن جا از هر جنس میوه‌ها است و برای ایشان آمرزش از پروردگار ایشان است (آیا این جماعت) مانند آنست که همیشه در آتش باشد و آب گرم نوشانیده شوند پس روده‌های ایشانرا پاره پاره ساخت. ﴿۱۶﴾ و^(۱) از مردمان کسی هست که به سوی تو گوش می‌نهد تا وقتی که چون از نزد تو بیرون روند گویند به آنانکه ایشانرا علم عطا کرده شد چه چیز گفت پیامبر الحال آن جماعت آنانند که خدا بر دل‌های ایشان مهر نهاده است و خواهش‌های نفس‌های خود را پیروی کردند. ﴿۱۷﴾ و کسانی که راه یاب شدند خدا بر هدایت ایشان افزود و تقوای ایشانرا به آنان عنایت کرد. ﴿۱۸﴾ پس منتظر نیستند مگر قیامت را که بدیشان ناگهان بیاید پس به درستی که علامات قیامت آمده است پس از کجای ایشان پند گرفتن باشد و قتی که قیامت ایشان بیاید. ﴿۱۹﴾ پس یقین کن که هیچ معبودی بر حق مگر خدا نیست و برای گناهان خود آمرزش طلب کن و برای مردان مسلمان و زنان مسلمان نیز و خدا جای آمدورفت شما را و جای ماندن شما را^(۲) میداند.

(۱) مترجم گوید از این جاتا آخر سوره در باب تهدید مردم ضعیف‌الایمان نازل شد.

(۲) حاصل این آیات ذم آن شخص است که بمجلس علم درآید و بفهم حقیقت آن نرسد بسبب هجوم هوای نفس بر دل او محتاج استفسار دیگران گردد و مثل این شخص را تخویف است بقیامت والله اعلم.

وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَوْلَا نَزَّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ
 مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ
 يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَئِكَ لَهُمْ
 طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صدَّقُوا اللَّهَ
 لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ﴿٢١﴾ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا
 فِي الْأَرْضِ وَتُقْطِعُوا أَرْحَامَكُمْ ﴿٢٢﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ
 اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ ﴿٢٣﴾ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ
 أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ﴿٢٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ
 مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَى
 لَهُمْ ﴿٢٥﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ
 سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ﴿٢٦﴾
 فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ
 وَأَدْبَارَهُمْ ﴿٢٧﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا آسَخَطَ اللَّهُ
 وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَاحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ﴿٢٨﴾ أَمْ حَسِبَ
 الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ ﴿٢٩﴾

﴿۲۰﴾ و مسلمانان میگویند چرا سوره ای فرو فرستاده نشد؟ پس چون فرستاده شود سوره ای؟ واضح المعنی و دران قتال ذکر کرده شود ببینی آنان را که دردل های ایشان بیماری است می نگرند به سوی توماند نظر کردن کسیکه اورا بسبب حضور موت بیهوشی رسیده باشد پس وای برای ایشان. ﴿۲۱﴾ (حال ایشان بحسب ظاهر) فرمانبرداری و سخن نیکوگفتن است پس چون کار مصمم شود، اگر وعده خود را با خدا راست کردند برای ایشان بهتر بودی. ﴿۲۲﴾ پس ای ضعیف ایمانان اگر متولی امور مردمان شوید البته نزدیک اید از آنکه در زمین تباه کاری کنید و قطع قبیله داری نمایید. ﴿۲۳﴾ این جماعت آنانند که ایشانرا خدا لعنت کرد پس ایشانرا کر ساخت و چشمهای ایشانرا کور کرد. ﴿۲۴﴾ آیا در قرآن تأمل نمی کنند یا بر دلها قفل های آنهاست. ﴿۲۵﴾ هر آینه آنانکه بر جانب پشت های خویش برگشتند پس از آنکه برای ایشان راه هدایت ظاهر شد شیطان برای ایشان آراسته کرده است و ایشانرا مهلت داده است. ﴿۲۶﴾ این همه بسبب آنست که ایشان گفتند با آنانکه ناپسند کرده اند چیزی را که خدا فرستاده است^(۱) فرمانبرداری شما در بعض کارها خواهیم کرد و خدا سخن پنهان گفتن ایشانرا میداند. ﴿۲۷﴾ پس چگونه باشد حال وقتی که فرشتگان قبض روح ایشان کنند روی های ایشانرا و پشتهای ایشانرا میزنند. ﴿۲۸﴾ این عقوبت بسبب آنست که ایشان پیروی چیزی کردند که خدا را بخشم آورد و خوشنودی اورا ناپسند کردند پس خدا اعمال ایشانرا ضایع کرد. ﴿۲۹﴾ آیا پنداشته اند آنانکه در دلهای ایشان بیماریست که خدا کینه های ایشانرا ظاهر نخواهد کرد.

(۱) یعنی منافقان یا بیهود.

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكُمْ هُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِمَتِهِمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي
لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٠﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ
الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَنَّكُمْ أَخْبَارَكُمْ ﴿٣١﴾ إِنَّ الَّذِينَ
كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ
مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنَ يَصُرُوا إِلَى اللَّهِ شَيْئًا وَسَيَحِطُّ أَعْمَالُهُمْ
﴿٣٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ
وَلَا تَبْطُلُوا أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ
اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ﴿٣٤﴾ فَلَا تَهِنُوا
وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَن يَتْرَكَكُمْ
أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٥﴾ إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌّ وَلَهُوَ وَإِنْ تَوَمَّنُوا وَتَتَّقُوا
يُؤْتِكُمْ أَجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ ﴿٣٦﴾ إِنْ يَسْأَلْكُمْوهَا
فِي حِفْظِكُمْ تَبْخُلُوا وَيُخْرِجْ أَصْغَنَكُمْ ﴿٣٧﴾ هَآأَنْتُمْ هَآؤُلَآءِ
تُدْعُونَ لِتُبْخِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ
فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ
تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ ﴿٣٨﴾



﴿۳۰﴾ وا گرمیخواستیم ایشان را بتو نشان می دادیم پس ایشانرا به قیافه^۱ ایشان می شناختی^(۱) والبتہ ایشانرا در اسلوب سخن می شناسی و خدا اعمال شمارا میداند. ﴿۳۱﴾ والبتہ شمارا امتحان کنیم تا مجاهدان را از شما و صابران را بشناسیم واحوال شمارا بیازماییم. ﴿۳۲﴾ هر آئینه آنانکه کافر شدند و از راه خدا بازداشتند و بپایامبر بعد از آنکه راه هدایت برای ایشان واضح شد مخالفت کردند خدا را هیچ زیان نرسانند و خدا عملهای ایشانرا تباه خواهد کرد. ﴿۳۳﴾ ای مسلمانان خدا را فرمان برید و پیامبر را فرمان برید عملهای خود را^(۲) باطل مکنید. ﴿۳۴﴾ هر آئینه آنانکه کافر شدند و از راه خدا بازداشتند باز میزدند در حالیکه ایشان کافر بودند پس هرگز خدا ایشان را نخواهد آمرزید. ﴿۳۵﴾ پس سستی نکنید و به سوی صلح نخوانید و شما باید غالب و خدا باشماست و هرگز عملهای شمارا ضایع نخواهد ساخت. ﴿۳۶﴾ جزاین نیست که زندگانی دنیا بازیست و بیهودگی است و اگر ایمان آورید و پرهیزگاری کنید مرزهای شمارا به شما بدهد از شما مالهای شمارا نمی طلبد^(۳). ﴿۳۷﴾ اگر از شما مالهای شمارا بطلبید پس مبالغه کند در سوال آنگاه بخل کنید و آن بخل کینه های شمارا بیرون آورد. ﴿۳۸﴾ آگاه شوید شما ای جماعت که خوانده میشوید تا در راه خدا خرج کنید پس از شما کسی هست که بخل میکند^(۴) و هر که بخل می کند جزاین نیست که بر خویشتن بخل میکند و خدا توانگر است و شما محتاجید و اگر رویگردان شوید گروهی دیگر را غیر از شما بدل می آورد باز آن جماعت مانند شما نباشند.

(۱) یعنی ظلمت نفاق بر روی ایشان هویدا می شد والله اعلم.

(۲) یعنی به ارتداد و به ریاء و سمعه.

(۳) یعنی جمع مال را.

(۴) یعنی منفعت انفاق را از خود باز میدارد.

سُورَةُ الْفَتْحِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا ۝^١ لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ
وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۝^٢
وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا ۝^٣ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ
الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝^٤ لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرُ عَنْهُمْ
سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ۝^٥ وَيُعَذِّبُ
الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ
بِاللَّهِ ظَنِّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝^٦ وَلِلَّهِ جُنُودُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝^٧ إِنَّا
أَرْسَلْنَاكَ شَهِيدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۝^٨ لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ۝^٩

سوره فتح مدنی است و آن بیست و نه
ایه و چهار رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ هر آینه ما برای تو فتح ظاهر و آشکاری را فراهم ساخته ایم^(۱). ﴿۲﴾ عاقبت فتح آنست که خدا تورا آنچه که سابق گذشت از گناه تو و آنچه پس مانده است بپامرزد و نعمت خود را بر تو تمام کند و تا تورا راه راست بنماید. ﴿۳﴾ و تا خدا تورا به نصرت قوی نصرت دهد. ﴿۴﴾ اوست آنکه اطمینان را در دل های مسلمانان فرو آورد تا ایمان ایشان با ایمان سابق ایشان زیاده شود و لشکرهای آسمان ها و زمین برای خدا است خدا دانای با حکمت است. ﴿۵﴾ عاقبت نزول سکینه آنست که مردان مسلمان را و زنان مسلمان را در آورد به بوستانهایی که زیر آنها جویها می رود جاویدان آنجا و از ایشان جریمهای ایشان را زایل کند و این امر نزد خدا پیروزی بزرگ است. ﴿۶﴾ و تا مردان منافق و زنان منافق را و مردان مشرک و زنان مشرک را که گمان کننده اند بر خدا گمان بد عذاب کند برایشان باد مصیبت بد و خدا برایشان بخشش آمد و ایشانرا لعنت کرد و برای ایشان دوزخ را آماده ساخت و دوزخ بد جایگاهی است. ﴿۷﴾ لشکرهای آسمان ها و زمین از آن خدا است و خدا غالب با حکمت هست. ﴿۸﴾ هر آینه ما تورا اظهار حق کننده و بشارت دهنده و ترساننده فرستادیم. ﴿۹﴾ تا ای مسلمانان به خدا و رسول او ایمان آورید تا دین خدا را نصرت دهید و به بزرگی او اعتقاد کنید و او را بامداد و شامگاه بپاکی یاد کنید.

(۱) مترجم گوید آن حضرت صلی الله علیه وسلم بخواب دیدند که گویا آن حضرت با اصحابش در مکه داخل شدند و به اطمینان خاطر بحلق و قصر مشغول اند پس آن سال بقصد عمره متوجه کعبه شدند و چون بحدیبه رسیدند کفار قریش از وصول بکعبه جلوگیری کردند و بعد از تشویش بسیار با کفار صلح کرده بغیر از زیارت کعبه بازگشتند خدای تعالی آن عمل را از ایشان قبول فرمود از آن بیعت که در اثنای تشویش بجهت تاکید عزم بآن حضرت صلی الله علیه وسلم کرده بودند راضی شده بثواب آن عمل فتوح بسیار نصیب ایشان گردانید بخصوص فتح خیبر که بعد ازین سفر بلاتراخی واقع شده بود و غنایم خیبر را مخصوص بحاضران بیعت گردانید و غیر ایشانرا از آن غزوه منع نمود و مضمون رؤیای آینده بظهور رسید پس در باب وعده فتوح و رد شبهه منافقان بسبب تعویق مضمون رؤیا و بیان حکمت تعویق و تهدید متخلفان از سفر حدیبیه و بیان خوشنودی خود را به اهل بیعت این سوره را نازل فرمود والله اعلم.

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ
 أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى
 بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَآ يَتُوبُهُ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٠﴾ سَيَقُولُ
 لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا
 فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ
 فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ
 نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١١﴾ بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ
 يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزِينَ ذَلِكَ فِي
 قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنًّا سَوْءًا وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ﴿١٢﴾ وَمَنْ لَمْ يُؤْمَرْ
 بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا ﴿١٣﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ
 وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٤﴾ سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا
 انْطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ
 أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ
 فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٥﴾

﴿۱۰﴾ هرآئینه آنان که باتو بیعت میکنند جزاین نیست که باخدا بیعت میکنند دستِ خداست بالای دست های ایشان پس هرکه عهد بشکند پس جزاین نیست که بضرر نفس خود می شکند و هرکه آنچه را که برآن باخدا عهد کرده است تمام کند پس خواهد اورا پاداش بزرگ داد. ﴿۱۱﴾ پس ماندگان ازاعراب^(۱) باتو خواهند گفت مارا اموالِ ماوفرزندان ما مشغول کرد پس برای ما طلب آمرزش کن، به زبان های خود میگویند آنچه دردل های ایشان نیست بگو اگر خدا اراده کند ضرری به شما برساند یا نفعی به شما برساند چه کسی می تواند ازخدا چیزی مانع شود بلکه خدا به آنچه می کنید خبردار هست. ﴿۱۲﴾ نه بلکه گمان کردید که پیامبر و مسلمانان به سوی اهل خانه^۲ خویش هرگز باز نخواهد گشت و این گمان در دل های شما آراسته کرده شد و گمان کردید گمان بد و قومی هلاک شده گشتید. ﴿۱۳﴾ و هر کسی که بخدا و پیامبر او ایمان نیاورد پس هرآئینه ما برای این کافران آتش را آماده کرده ایم. ﴿۱۴﴾ و پادشاهی آسمان ها و زمین برای خدا است. هرکه را خواهد می آمرزد و هرکه را خواهد عذاب میکند و خدا آمرزگار مهربان است. ﴿۱۵﴾ پس ماندگان خواهند باتو گفت وقتیکه به سوی غنیمت ها روانه شوید^(۲) تا آنرا بدست آورید بگذارید مارا تا ازپی شمارویم می خواهند که وعده^۳ خدا را مخالفت کنند بگو پیروی ما نخواهید کرد خدا پیش ازین همچنین فرموده است پس خواهند گفت نه بلکه با ما حسد میکنید بلکه همیشه مگراندکی نمی فهمیدند.

(۱) یعنی آنانکه در سفر حدیبیه موافقت نکردند والله اعلم.

(۲) یعنی غنیمت های خبیر.

قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سُدُّعُونَ إِلَى قَوْمٍ أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ
 تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسَامُونَ^{١٦} فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا
 وَإِنْ تَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا^{١٧} لَيْسَ
 عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ
 وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
 الْأَنْهَارُ^{١٨} وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا^{١٩} * لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ
 عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي
 قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا^{٢٠} وَمَغَانِمَ
 كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا^{٢١} وَعَدَّكُمْ اللَّهُ
 مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ^{٢٢} وَكَفَّ أَيْدِيَ
 النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً^{٢٣} لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا
 مُسْتَقِيمًا^{٢٤} وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا
 وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا^{٢٥} وَلَوْ قَتَلْتُمْ الَّذِينَ
 كَفَرُوا وَلَوْ أَلَدَبَرْتُمْ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا^{٢٦} سُنَّةَ
 اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا^{٢٧}

﴿۱۶﴾ بگو (یا محمد) پس ماندگان را از اعراب که شما به سوی کارزار قومی جنگجوی نیرومند خوانده خواهید شد^(۱) که جنگ کنید با ایشان یا آنکه مسلمان شوند پس اگر فرمانبرداری کنید خدایمان را پاداش بدهد و اگر رویگردان شوید چنانکه پیش ازین رویگردان شده بودید خدا شمارا عذاب دهد عذاب درد ناک. ﴿۱۷﴾ بر نابینا گناهی نیست و نه بر لنگ گناهی و نه بر بیمار گناهی است^(۲) و هر کس که خدا و رسول او را فرمان برد به بوستانهایی که میرود زیر آن ها جویها درآوردش و هر که رویگردان شود عذاب کند او را به عذاب درد ناک. ﴿۱۸﴾ هر آینه خدا از مسلمانان و قتیکه باتوزیر درخت بیعت میکردند خوشنود شد پس آنچه در دل های ایشانست معلوم ساخت پس اطمینان بر دل ایشان فرود آورد و ایشان را فتحی نزدیک ثواب داد. ﴿۱۹﴾ و غنیمت های بسیار که آنرا بدست آورند^(۳) و خدا غالب با حکمت هست. ﴿۲۰﴾ خدا شمارا غنیمت های بسیار که بدست آورید آنها را وعده داده است پس برای شما این غنیمت را^(۴) زود عطا کرد دست های مردمان را از شما بازداشت^(۵) و تا برای مسلمانان نشانه ای باشد و تا خدا شمارا راه راست بنماید^(۶). ﴿۲۱﴾ و خدا غنیمت های دیگر نیز وعده داد که هنوز بر آن دست نیافته اید به تحقیق خدا آنها را دانسته است خدا بر همه چیز توانا^(۷) هست. ﴿۲۲﴾ و اگر کافران باشما جنگ میکردند البته پشتها را به سوی شما میگردانیدند باز کارسازی نمی یافتند و نه نصرت دهنده ای. ﴿۲۳﴾ مانند آیین خدا که گذشته است پیش ازین و آیین خدا را تبدیلی نخواهی یافت.

(۱) یعنی فارس و روم و این معنی در زمان حضرت ابوبکر و حضرت عمر رضی الله عنهما متحقق شد و الله اعلم.

(۲) یعنی در تخلف از مثل این سفر و الله اعلم.

(۳) یعنی غنائم خیبر و غیره.

(۴) یعنی غنائم خیبر.

(۵) یعنی در حدیبیه.

(۶) یعنی کفار قریش جمع شدند که بآن حضرت صلی الله علیه وسلم تشویشی رسانند خدای تعالی دست ایشان را از قتال باز داشت و قضیه را بصلح انجامید.

(۷) یعنی غنائم فارس و روم.

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ
 بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٢٤﴾
 هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
 وَالْهَدْيِ مَعَكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ وَلَوْلَا رِجَالُ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءُ
 مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوَّهُمْ فُصِّبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ
 بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا
 الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٢٥﴾ إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا
 فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ
 عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى
 وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٢٦﴾
 لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّءْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ
 الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُءَ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ
 لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ
 فَتْحًا قَرِيبًا ﴿٢٧﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ
 الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٢٨﴾

﴿۲۴﴾ واوست آنکه دست های کافران را از شما و دست های شما را از کافران بازداشت در میان مکه بعد از آنکه شما را برایشان پیروزمند ساخت و خدا به آنچه می کنید بینا هست^(۱). ﴿۲۵﴾ این کفار قریش آناند که کافر شدند و شما را از مسجد حرام بازداشتند و قربانی را از آنکه برسد به جای خود بازداشتند و اگر مردانِ مسلمان و زنانِ مسلمان نبودند که نمیدانید ایشان را (اگر نبودی خوف آنکه) ایشانرا پامال و هلاک سازید پس به شما گناهی بغیر دانست^(۲) میرسد خدا (فتح را مؤخر کرد) تا که هر که را خواهد برحمت خود در آورد اگر از هم جدا می بودند (این هردو فریق) البته کافران را عذاب می کردیم عذاب دردناک. ﴿۲۶﴾ آنگاه که کافران در دل های خویش غیرت را از جنس غیرت جاهلیت مصمم کردند پس خدا اطمینان خود را بر پیامبر خود و بر مسلمانان فرود آورد و برایشان سخن پرهیزگاری را ثابت کرد و سزاوار به آن و اهل آن بودند خدا بهر چیز دانا^(۳) هست. ﴿۲۷﴾ هر آئینه خدا خواب پیامبر خود را مطابق واقع تحقق بخشید به این مضمون که البته به مسجد حرام اگر خدا بخواهد ایمن شده موی سرهای خود را تراشیده و کوتاه کرده بدون ترس داخل خواهید شد پس دانست آنچه شما ندانستید پس پیش ازین فتحی نزدیک را میسر کرد. ﴿۲۸﴾ اوست آنکه پیامبر خود را به هدایت و دین راست فرستاد تا بر همه ادیان غالب کندش و خدا اظهار حق کننده بس است.

(۱) تعریض است بآن قصه که بعد انعقاد صلح هفتاد تن از او بایش قریش خواستند که ببخیر بر صحابه هجوم آرند صحابه همه را اسیر کرده پیش آن حضرت صلی الله علیه وسلم آوردند آن حضرت عفو فرمود این ظاهر انزاد بنده ضعیف است و صحیح آنست که این آیت بشارتست بفتح مکه و آوردن لفظ ماضی از جهت تحقیق وقوع بشارتست والله اعلم.

(۲) یعنی تصدیق رؤیا بالفعل متحقق شدی و فتح عاجل میسر گشتی والله اعلم.

(۳) یعنی جماعتی از مسلمانان به این صلح خیلی ناراحت بودند ولی آخر الامر خدای تعالی اطمینان را بادل ایشان انداخت تا بمرضی آن حضرت صلی الله علیه وسلم رضا مند شدند والله اعلم.

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ
تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ
فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي
الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَفَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى
عَلَى سُوْقِهِ يُعْجِبُ الزَّاعِ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ
ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ١٩

سورة الحجرات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا
اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ١ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَرْفَعُوا
أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ
لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ٢ إِنَّ الَّذِينَ
يَعُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ
اللَّهُ قُلُوبَهُمْ فَلتَتَّقُوا لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ٣ إِنَّ الَّذِينَ
يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ٤

﴿۲۹﴾ محمد (صلی الله علیه وسلم) پیامبر خداست و آنانکه همراه اویند بر کافران سخت اند در میان خود مهربان اند می بینی ایشان را رکوع کننده سجده نماینده فضل را از خدا و خوشنودی را می طلبند نشانه صلاح ایشان از اثر سجده در چهره های ایشان است آنچه مذکور میشود داستان ایشانست در تورات و داستان ایشان در انجیل مانند زراعتی هستند که شاخهای خود را بر آورد پس آن را قوی کرد پس سطر شد پس بایستاد بر ساقهای خود زراعت کنندگان را^(۱) بشگفت می آورد تا بسبب دیدن ایشان کافرانرا بخشم آورد خدا آنانرا که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند از ایشان آمرزش و پاداش بزرگ وعده داده است.

سوره حجرات مدنی است و آن هیجده
آیه و دو رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان^(*)

﴿۱﴾ ای مسلمانان فراروی خدا و رسول او پیش دستی مکنید و از خدا بترسید هر آینه خدا شنوای داناست. ﴿۲﴾ ای مسلمانان آوازهای خود را بالای آواز پیامبر بلند مکنید و مانند بلند سخن گفتن شما با همدیگر با او بلند سخن مگویید برای احتراز از آنکه عمل های شما نابود شود و شما خبردار نباشید. ﴿۳﴾ هر آینه آنانکه آوازهای خود را نزد پیامبر خدا پست میکنند آن جماعت آناند که خدادل های ایشانرا برای ظهور تقوی آزموده است ایشانرا آمرزش و پاداش بزرگ است. ﴿۴﴾ هر آینه آنانکه تورا از پس پشت حجره ها آواز میدهند اکثر ایشان نمی فهمند.

(۱) حاصل مثل آنست که اسلام دراؤل حال ضعیف بود و مسلمانان کم بودند رفته رفته غالب و بسیار شدند عاقبت حال غلبه اسلام آن است که خدای تعالی کافران را به خشم آورد.

(*) مترجم گوید خدای تعالی این سوره را برای تعلیم آداب فرود آورد که از حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم در امر و نهی پیشدستی نکنند و آن حضرت را با آواز بلند خطاب نکنند و اگر فاسق چیزی گوید بغیر تفتیش حال او امضای عزیمت نه نمایند که در نتیجه آن میان ایشان خانه جنگی واقع شود و نتوانند آنرا اصلاح کنند و روبروی به پشیمانی شوند و از اسبزه بایکدیگر ولقب بدنهادن و غیبت کردن و ظن بد کردن و بعلو نسب بردیگران فخر کردن منع کرد و وضعیف الإیمان را برضعیف الإیمان تنبیه فرمود والله اعلم.

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ
 رَحِيمٌ ﴿٥﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن
 تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ ﴿٦﴾
 وَأَعْلَمُوا أَن فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ
 وَلَٰكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ
 إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ ﴿٧﴾
 فَضَلَّاهُم مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ حَكِيمٌ ﴿٨﴾ وَإِن طَآئِفَتَانِ
 مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ آتَاكَ فَاحْصِلُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا
 عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ
 فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ
 ﴿٩﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ
 لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٠﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرَكُم مِّن قَوْمٍ
 عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا
 مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ
 الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١١﴾

﴿۵﴾ و اگر ایشان تا وقتی که به سوی ایشان بیرون می‌آمدی صبر می‌کردند برای ایشان بهتر می‌بود و خدا آمرزگار مهربانست^(۱). ﴿۶﴾ ای مسلمانان اگر پیش شما فاسقی خبری را بیاورد پس تحقیق کنید برای احتراز از آنکه قومی را بنادانی ضرر رسانید پس بر آنچه عمل کردید پشیمان شوید. ﴿۷﴾ و بدانید که در میان شما رسول خداست اگر فرمانبرد شما را در بسیاری از کارها برنج درافتید ولیکن خدا نزد شما ایمان را دوست گردانید و آنرا در دل‌های شما آراسته کرد، پیش شما کفر و فسق و نافرمانی را ناخوش گردانید این جماعت ایشانند راه یافتگان. ﴿۸﴾ به فضل و نعمتی از سوی خدا و خدا داناى با حکمت است. ﴿۹﴾ و اگر دو گروه از مسلمانان بایکدیگر جنگ کنند پس میان ایشان صلح کنید پس اگر تجاوز کرد یکی ازین دو گروه بر دیگری پس با آن گروه که تجاوز میکند جنگ کنید تا آنکه به سوی حکم خدا رجوع کند پس اگر رجوع کرد پس میان ایشان با انصاف صلح کنید و داد دهید هر آئینه خدا داد دهندگان را دوست میدارد. ﴿۱۰﴾ جز این نیست که مسلمانان برادران يك دیگراند پس میان دو برادر خویش صلح کنید و از خدا بترسید تا بر شما رحم کرده شود. ﴿۱۱﴾ ای مسلمانان گروهی گروهی دیگر را به ریشخند نگیرد احتمال است که آن گروه از ایشان در نفس الامر بهتر باشند و نه زنانی زنانی دیگر را به ریشخند گیرد احتمال است که آن زنان از ایشان در واقع بهتر باشند و از همدیگر عیب جوئی مکنید و یکدیگر را به لقب‌های بدمخوانید فاسقی بعد از ایمان آوردن بدنامی است و هر که توبه نکرد پس آن جماعت ایشانند ستمکاران^(۲).

(۱) مترجم گوید این تعریض است بحال قومی ازینى تمیم که بجهت مهمی پیش آن حضرت صلی الله علیه وسلم آمدند و چون در مسجد نیافتند و نمیدانستند که در کدام حجره تشریف دارند نزدیک حجره هابا آواز بلند صدا کردن را شروع کردند والله اعلم.

(۲) یعنی بگناهی که در جاهلیت کرده باشند بعد از اسلام نشان سندناباید ساخت.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ
 إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن
 يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ
 تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ
 شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتَقْوَاهُ إِنَّ اللَّهَ
 عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾ * قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَامَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِن
 قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيْمَنُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِن تُطِيعُوا اللَّهَ
 وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤﴾
 إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا
 وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ
 الصَّادِقُونَ ﴿١٥﴾ قُلْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي
 السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٦﴾ يَمُنُّونَ
 عَلَيْكَ أَن أَسْلَمُوا قُل لَّا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَمَكُم بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ
 عَلَيْكُمْ أَن هَدَيْتُكُمْ لِلْإِيْمَنِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٧﴾ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ
 غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾



﴿۱۲﴾ ای مسلمانان از بسیاری گمانِ بد احتراز کنید هرآئینه بعض بد گمانی گناه است و جاسوسی نکنید و بعضی از شما بعضی را غیبت نکند آیا کسی از شما دوست میدارد که گوشت برادر خود را که مرده باشد بخورد پس آن را زشت می پندارید و از خدا بترسید هرآئینه خداتوبه پذیرندهٔ مهربانست. ﴿۱۳﴾ ای مردمان هرآئینه شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را جماعت ها و قبیله ها گردانیدیم تا بایکدیگر آشنا شوید هرآئینه گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست هرآئینه خدا دانای خبردار است. ﴿۱۴﴾ اعراب گفتند ایمان آوردیم بگوایمان بحقیقت نیاوردید ولیکن بگویید منقادشده ایم و هنوز ایمان به دل های شما در نیامده است و اگر فرمانبرداری خدا و رسول او کنید شما را از جزای اعمال شما چیزی کم ندهد هرآئینه خدا آمرزگار مهربانست. ﴿۱۵﴾ جزاین نیست که مومنان به حقیقت آنانند که ایمان بخدا و پیامبر او آوردند باز شک نکردند و با اموال خود و جان های خود در راه خدا جهاد نمودند آن جماعت ایشانند راست گویان. ﴿۱۶﴾ بگو آیا خدا را به دین خود خبردار می کنید و خدا آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین است میداند و خدا بهر چیز دانا است. ﴿۱۷﴾ مَتَّ می نهند بر تو به آنکه مسلمان شده اند بگو بر من به اسلام خود مَتَّ منهد بلکه خدا بر شما به آنکه هدایت کرد شما را به ایمان مَتَّ می نهد اگر راست گوهستید. ﴿۱۸﴾ هرآئینه خدا پنهان آسمان ها و زمین را میداند و خدا بیناست به آنچه می کنید.

سُورَةُ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ ① بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ
فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ ② لَهُ ذَاتُ أَمْتٍ وَكَانَتْ أَبَاطُ ذَلِكَ
رَجْعٌ بَعِيدٌ ③ قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ
حَفِيفٌ ④ بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ ⑤
أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا
وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ ⑥ وَالْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَواسِيَ
وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ⑦ تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ
مُنِيبٍ ⑧ وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبْرَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ
وَحَبَّ الْحَصِيدِ ⑨ وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَعْلٌ نَضِيدٌ ⑩ رِزْقًا
لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ ⑪ كَذَبَتْ قَبْلَهُمْ
قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ ⑫ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ
لُوطٍ ⑬ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ
⑭ أَفَعَيْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ⑮

سوره ق مکی است و آن چهل و پنج
آیه و سه رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ قَ و قسم به قرآن بابرگی (که تو پیامبر خدایی). ﴿۲﴾ بلکه تعجب کردند کافران از آنکه از قوم ایشان بدیشان ترساننده‌ای آمد پس آن کافران گفتند این چیزی است عجیب. ﴿۳﴾ آیا چون بمیریم و خاک شویم (حشر کرده شویم) این بازگردانیدن دور از عقل است. ﴿۴﴾ هر آینه دانسته‌ایم آنچه زمین از ایشان^(۱) کم میکند و نزد ما کتابیست نگاهدارنده^(۲). ﴿۵﴾ بلکه سخن راست را وقتیکه بدیشان بیامد تکذیب کردند پس ایشان درکاری شوریده اند. ﴿۶﴾ آیا به سوی آسمان بالای خود ندیده‌اند چگونه آن را بنا کرده‌ایم و آنرا آراسته کرده ایم و در آن هیچ شکافی نیست. ﴿۷﴾ و زمین را گستریدیم و در آن کوه‌ها افکندیم و در آن از هر نوع خوش آینده رویانیدیم. ﴿۸﴾ برای راه نمودن و پند دادن هر بنده رجوع کننده. ﴿۹﴾ و از آسمان آب بابرکت فرود آوردیم پس بسبب آن بوستانها و دانه که آن را درو میکنند رویانیدیم. ﴿۱۰﴾ و درختان خرما بلند بالا برآمده آنرا میوه تودرتو انباشته است. ﴿۱۱﴾ روزی برای بندگان و به آن شهر مرده را زنده ساختیم از گور برآمدن همچنین باشد. ﴿۱۲﴾ پیش از ایشان قوم نوح و اهل رَس و ثمود تکذیب کردند. ﴿۱۳﴾ و عاد و فرعون و برادران لوط نیز. ﴿۱۴﴾ و اهل ایکه و قوم تُبَع هریکی پیامبران را تکذیب کردند پس وعده عذاب من ثابت شد. ﴿۱۵﴾ آیا در آفرینش نخستین عاجز شده بودیم بلکه ایشان از آفرینش نو در شبهه هستند.

(۱) یعنی آنچه میخورد زمین از بدن ایشان.

(۲) یعنی لوح محفوظ.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ
 مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴿١٦﴾ إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ
 قَعِيدٌ ﴿١٧﴾ مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾ وَجَاءَتْ سَكْرَةُ
 الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ﴿١٩﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ
 يَوْمُ الْوَعِيدِ ﴿٢٠﴾ وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَها سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ﴿٢١﴾ لَقَدْ
 كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ
 ﴿٢٢﴾ وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَىٰ عَتِيدٍ ﴿٢٣﴾ أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ
 عَنِيدٍ ﴿٢٤﴾ مُنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ ﴿٢٥﴾ الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا
 آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ﴿٢٦﴾ * قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْعَمْتُهُ
 وَلَكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿٢٧﴾ قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ
 إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ ﴿٢٨﴾ مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ ﴿٢٩﴾
 يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ ﴿٣٠﴾ وَأُزْلِفَتِ
 الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ﴿٣١﴾ هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيفٍ
 ﴿٣٢﴾ مَّنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ﴿٣٣﴾ ادْخُلُوهَا
 بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ﴿٣٤﴾ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ﴿٣٥﴾



﴿۱۶﴾ وهرآئینه آدمی را آفریدیم و میدانیم چیزی را که نفس او بخاطر میگذرانندش و ما به وی از شاهراگ (یعنی رگ گردن) نزدیک تریم. ﴿۱۷﴾ آنگاه که فرا گیرند دوفرا گیرنده به پهلوی راست نشیننده و به پهلوی چپ نشیننده^(۱). ﴿۱۸﴾ به زبان نمی آورد آدمی هیچ سخنی مگر نزدیک او نگهداریست مهیا^(۲). ﴿۱۹﴾ و سختی موت برآستی بیامد اینست آنچه از آن کناره گیری میکردی. ﴿۲۰﴾ و درصور دمیده شود روز وعده عذاب این است. ﴿۲۱﴾ و هر شخصی همراه او روان کننده ای و گواهی دهنده ای بیامد^(۳). ﴿۲۲﴾ (گوییم) هرآئینه دربی خبری بودی ازین ماجرا پس از تو پرده تور را برداشتیم پس چشم تو امروز تیزبین است. ﴿۲۳﴾ و فرشته همنشین او گفت اینست آنکه نزدیک من حاضر کرده شده بود. ﴿۲۴﴾ (گوییم) ای دوفرشته دردوزخ هرناسپاس سرکش را بافکنید^(۴). ﴿۲۵﴾ منع کننده مال از حد درگذرنده شک آورنده. ﴿۲۶﴾ آنکه با خدا معبودی دیگر مقرر کرد پس او را در عذاب سخت بافکنید. ﴿۲۷﴾ همنشین او گفت^(۵) ای پروردگار من این شخص را گمراه نکردم ولیکن وی در گمراهی دور بود. ﴿۲۸﴾ فرمود پیش من خصومت مکنید حالآنکه پیش ازین به سوی شما وعده عذاب فرستاده بودم. ﴿۲۹﴾ (آن) وعده در نزد من تغییر داده نمی شود و من بر بندگان ستم کننده نیستم. ﴿۳۰﴾ روزی که دوزخ را بگوییم آیا پرشدی؟ و دوزخ گوید آیا هیچ زیاده ازین هست^(۶). ﴿۳۱﴾ و بهشت برای متقیان نزدیک گردانیده شود نه دور. ﴿۳۲﴾ (گوییم) این است آنچه شمارا وعده داده میشد نزدیک کرده شده برای هر رجوع کننده نگاهدارنده. ﴿۳۳﴾ برای هر کسیکه از خدا به پنهانی بترسد و بادل متوجه شده پیش آمد. ﴿۳۴﴾ (گوییم) در بهشت همراه سلامتی داخل شوید اینست روز همیشه جاویدان. ﴿۳۵﴾ برای ایشان در بهشت آنچه خواهند است و نزدیک ما از آن زیاده است.

(۱) یعنی کراماً کاتبین والله اعلم.

(۲) یعنی اگر کلمه حق باشد فرشته دست راست مینویسد و اگر کلمه باطل باشد فرشته دست چپ می نویسد والله اعلم.

(۳) مراد جنس روان کننده و گواهی دهنده است.

(۴) مترجم گوید عادت پادشاهانست که اسیر را پیش ایشان دو کس گرفته می آورند ازین جهت دو فرشته را خطاب شود.

(۵) یعنی شیاطین از انس و جن والله اعلم.

(۶) یعنی هر چند درو اندازند زیاده طلب کند والله اعلم.

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا
 فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَّحِيصٍ ﴿٣٦﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ
 كَانَتْ لَهُ قُلُوبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ﴿٣٧﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا
 مِنْ لُغُوبٍ ﴿٣٨﴾ فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
 قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ﴿٣٩﴾ وَمِنْ لَيْلٍ فَسَبِّحْهُ
 وَادْبُرَ النُّجُودِ ﴿٤٠﴾ وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ
 ﴿٤١﴾ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ﴿٤٢﴾ إِنَّا
 نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ ﴿٤٣﴾ يَوْمَ تَشَقُّقُ الْأَرْضُ
 عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ﴿٤٤﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ
 وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ ﴿٤٥﴾

سُورَةُ الذَّارِيَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالذَّرِيَّتِ ذَرْوًا ﴿١﴾ فَأَلْحَمَلَتْ وَقَرًّا ﴿٢﴾ فَأَلْجَرِيَّتِ يُسْرًا ﴿٣﴾
 فَأَلْمَقْسَمَتِ أَمْرًا ﴿٤﴾ إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَصَادِقٌ ﴿٥﴾ وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ ﴿٦﴾

﴿۳۶﴾ وپیش از ایشان امت ها بسیار هلاک کردیم که قوی تر بودند ایشان از اینجماعت در دست درازی پس جستجو کردند در شهرها که هیچ گریزگاهی هست. ﴿۳۷﴾ هر آئینه درین امر کسی را که دلی دارد یا گوش نهد متوجه شده پنداست. ﴿۳۸﴾ وهر آئینه آسمان ها وزمین را و آنچه در میان هر دوهست درشش روز آفریدیم وبماهیچ خستگی نرسید. ﴿۳۹﴾ پس به آنچه میگویند صبر کن وبپاکی همراه ستایش پروردگار خویش را پیش از برآمدن آفتاب وپیش از غروب یادکن. ﴿۴۰﴾ ودر بعض اوقات شب به پاکی خدا را یادکن وعقب نمازنیز. ﴿۴۱﴾ واین قصه را بشنو روزیکه آواز دهنده از جای نزدیک آواز دهد^(۱). ﴿۴۲﴾ روزیکه بشنوند نعره تند بغیر تردد آن روز بیرون آمدن (از قبر) است. ﴿۴۳﴾ هر آئینه ما زنده می کنیم ومی میرانیم وبه سوی ماست بازگشت. ﴿۴۴﴾ روزیکه زمین از سرایشان بشگافد بیرون آیند شتابان، این برانگیختن بر ما آسان است. ﴿۴۵﴾ مامیدانیم آنچه می گویند ونیستی تو برایشان قهر کننده، پس پند ده به قرآن هر که را از وعده عذاب من میترسد.

سوره ذاریات مکی است و آن شصت
آیه و سه رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ قسم به بادهای که پراکنده کننده خاك اند پراکنده کردنی. ﴿۲﴾ پس قسم به ابرهای بردارنده بار آب. ﴿۳﴾ پس قسم بکشتی های آسان رو. ﴿۴﴾ پس قسم به فرشتگان تقسیم کننده کار^(۲). ﴿۵﴾ هر آئینه آنچه وعده داده می شوید راست است. ﴿۶﴾ وهر آئینه جزای اعمال بودنیست.

(۱) این تصویری است آنرا که همه در اجتماع ندا مساوی باشند والله اعلم.

(۲) یعنی ارزاق وپلاهارا.

وَالسَّمَاءَ ذَاتِ الْحُبُكِ ۖ إِنَّكُمْ لِنِ قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ ۝٨ يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ
أُفِكَ ۝٩ قَتَلَ الْخَرَّصُونَ ۝١٠ الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ ۝١١ يَسْأَلُونَ
أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ ۝١٢ يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ ۝١٣ ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ
هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ۝١٤ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ
۝١٥ ءَاخِذِينَ مَاءً اتَّهَمُ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ ۝١٦
كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ۝١٧ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ۝١٨
وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ۝١٩ وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ
لِّلْمُوقِنِينَ ۝٢٠ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصَرُونَ ۝٢١ وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ
وَمَا تَوَعَّدُونَ ۝٢٢ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ
تَنطِقُونَ ۝٢٣ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ۝٢٤ إِذْ
دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ ۝٢٥ فَرَاغَ إِلَى
أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعَجَلٍ سَمِينٍ ۝٢٦ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَتَأْكُلُونَ
۝٢٧ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَحْزَنْ وَبَشِّرْهُ بِغُلَامٍ عَالِمٍ ۝٢٨
فَأَقْبَلَ طُمَآنَةً فِي صَرَقٍ فَصَكَتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ
۝٢٩ قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ۝٣٠

﴿۷﴾ قسم به آسمان دارای راه ها^(۱). ﴿۸﴾ هر آئینه شمادر سخنی درباره^(وحي) باهم اختلاف دارند هستید. ﴿۹﴾ هر که در علم الهی از خیر مطرود است از قرآن بازگردانیده میشود. ﴿۱۰﴾ دروغگویان را لعنت کرده شد. ﴿۱۱﴾ آنانکه ایشان در بی خبری فراموش کنندگان اند. ﴿۱۲﴾ می پرسند روز جزا کی خواهد بود. ﴿۱۳﴾ (آری) آن روز که ایشان را در آتش عذاب داده میشود. ﴿۱۴﴾ (گوییم) عقوبت خود را بپشید اینست آنچه آنرا بشتاب طلب میکردید. ﴿۱۵﴾ هر آئینه متقیان در بوستانها و چشمه ها باشند. ﴿۱۶﴾ بدست آورنده آنچه ایشان را پروردگار ایشان داد هر آئینه ایشان پیش ازین نیکوکار بودند. ﴿۱۷﴾ به این صفت بودند که اندکی از شب می خوابیدند. ﴿۱۸﴾ و بوقت سحر ایشان طلب آمرزش می نمودند. ﴿۱۹﴾ و در اموال ایشان حصّه ای مقرر برای سوال کننده و برای تنگدست کم سوال بود. ﴿۲۰﴾ و در زمین برای یقین کنندگان نشانه ها است. ﴿۲۱﴾ و در ذات های شما نشانه ها است آianمی نگرید. ﴿۲۲﴾ و در آسمان رزق شما است و آنچه شما را وعده داده میشود^(۲). ﴿۲۳﴾ پس قسم به پروردگار آسمان و زمین هر آئینه این خبر راست است مانند آنکه شما سخن میگویید^(۳). ﴿۲۴﴾ آیا پیش تو خبر مهمانان گرامی ابراهیم آمده است. ﴿۲۵﴾ چون برابر ابراهیم درآمدند پس سلام گفتند جواب سلام داد (به دل گفت) ایشان گروهی ناشناخته هستند. ﴿۲۶﴾ پس متوجه شد به سوی اهل خانه خود پس کباب گوساله فربه آورد. ﴿۲۷﴾ پس آنرا به ایشان نزدیک ساخت گفت آیا نمی خورید؟. ﴿۲۸﴾ پس (چون نخوردند) در خاطر خود از ایشان ترسی یافت گفتند مترس و به فرزندی دانا بشارت دادند. ﴿۲۹﴾ پس زن ابراهیم بانگ زنان پیش آمد و سیلی ای بر چهره اش نواخت و گفت (آیا بزاید) پیرزنی نازا. ﴿۳۰﴾ فرشتگان گفتند پروردگارتو همچنین فرمود هر آئینه او با حکمت دانا است.

(۱) یعنی صورتهای مختلف دارند مانند شکل شیر و شکل بره و شکل عقرب والله اعلم.

(۲) یعنی پیش از وجود خارجی در عالم ملکوت رزق و عقوبت و امثال آن مقدر میشود والله اعلم.

(۳) یعنی چنانکه در گفتن خود یقین دارید که مالبته میگوییم همچنین باین خبر یقین باید آورد والله اعلم.

* قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٣١﴾ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ
 مُّجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَابَ مِّنْ طِينٍ ﴿٣٣﴾ مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ
 لِلْمُسْرِفِينَ ﴿٣٤﴾ فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣٥﴾ فَمَا وَجَدْنَا
 فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٦﴾ وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ
 الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٣٧﴾ وَفِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ
 مُّبِينٍ ﴿٣٨﴾ فَقَوْلَىٰ بُرْكِيهِ وَقَالَ سِحْرٌ أَوْ يَجْنُونَ ﴿٣٩﴾ فَأَخَذْنَاهُ وَجُودَهُ
 فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿٤٠﴾ وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ
 الْعَقِيمَ ﴿٤١﴾ مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْنَاهُ كَالرَّمِيمِ ﴿٤٢﴾
 وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٤٣﴾ فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ
 فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ﴿٤٤﴾ فَمَا أَصْطَلَعُوا مِنْ قِيَامٍ
 وَمَا كَانُوا مِنْتَاصِرِينَ ﴿٤٥﴾ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا
 فَاسِقِينَ ﴿٤٦﴾ وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿٤٧﴾ وَالْأَرْضَ
 فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمُهْدُونَ ﴿٤٨﴾ وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ
 لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٤٩﴾ فَفِرُّوْا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٥٠﴾
 وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٥١﴾

﴿۳۱﴾ ابراهیم گفت پس مقصد شما ای فرستادگان چیست؟ ﴿۳۲﴾ گفتند هرآئینه ما به سوی گروهی گناهکار فرستاده شده‌ایم. ﴿۳۳﴾ تا بر سر ایشان سنگ باری از گل فروریزیم. ﴿۳۴﴾ که نزد پروردگار تو برای اسرافکاران نشانمند شده است. ﴿۳۵﴾ پس کسانی که در آنجا از مومنان بودند بیرون آوردیم. ﴿۳۶﴾ پس در آنجا غیر از یک خانه از مسلمانان^(۱) نیافتیم. ﴿۳۷﴾ و در آن شهر برای آنانکه از عذاب درد ناک می ترسند^(۲) نشانه ای گذاشتیم. ﴿۳۸﴾ و در قصه موسی نشانه است چون به سوی فرعون به دلیل واضح فرستادیمش. ﴿۳۹﴾ پس همراه سپاهیان خود رویگردان شد^(۳) و گفت جادوگریست یادیوانه. ﴿۴۰﴾ پس او را و لشکرهای او را گرفتیم پس ایشان را در دریا افکندیم و او سزاوار ملامت بود. ﴿۴۱﴾ و در قصه عاد نشانه است چون برایشان بادی بی منفعت رافستادیم. ﴿۴۲﴾ هیچ چیز را که برسد بوی نگذارد مگر آن را مانند استخوان پوسیده سازد. ﴿۴۳﴾ و در قصه ثمود نشانه است چون ایشانرا گفته شد تا مدتی بهره مند باشید. ﴿۴۴﴾ پس ایشان را نعره تند در گرفت در حالیکه ایشان میدیدند. ﴿۴۵﴾ پس برخاستن نتوانستند و انتقام کشندگان نبودند. ﴿۴۶﴾ و پیش ازین قوم نوح را هلاک ساختیم هرآئینه ایشان گروهی بدکار بودند. ﴿۴۷﴾ و آسمان را به قوت بنا کردیم و هرآئینه ما تواناییم. ﴿۴۸﴾ و زمین را گسترانیدیم پس نیکو گستراننده ایم. ﴿۴۹﴾ و از هر چیزی دو قسم آفریدیم تا شما پند پذیر شوید^(۴). ﴿۵۰﴾ (پیامبر گوید) پس به سوی خدا بگریزید هرآئینه من برای شما از جانب او ترساننده آشکارم. ﴿۵۱﴾ و با خدا معبودی دیگر را مقرر مکنید هرآئینه من برای شما از جانب او ترساننده آشکارم.

(۱) یعنی خانه حضرت لوط والله اعلم.

(۲) یعنی آنان سنگباران موجود است والله اعلم.

(۳) یعنی لشکر خود.

(۴) یعنی اعلی و ادنی (وترش و شیرین و تر و ماده و شب و روز...).

كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْنُونٌ ﴿٥٢﴾ أَتَوَصَّوْنَهُ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿٥٣﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٌ ﴿٥٤﴾ وَذَكَرْ فَإِنَّ الدِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٥﴾ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا ﴿٥٧﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿٥٨﴾ فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٥٩﴾ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿٦٠﴾

سورة الضحى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْطُّورِ ﴿١﴾ وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ ﴿٢﴾ فِي رَقٍّ مَنشُورٍ ﴿٣﴾ وَالْبَيْتِ
الْمَعْمُورِ ﴿٤﴾ وَالسَّعْفِ الْمَرْفُوعِ ﴿٥﴾ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ﴿٦﴾ إِنَّ
عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ﴿٧﴾ مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ ﴿٨﴾ يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ
مَوْرًا ﴿٩﴾ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ﴿١٠﴾ فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ﴿١١﴾ يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَى نَارٍ
جَهَنَّمَ دَعَاً ﴿١٢﴾ هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٤﴾

﴿۵۲﴾ همچنین نزدیک آنانکه پیش از ایشان بودند هیچ پیامبری نیامده است مگر گفتند جادوگریست یا دیوانه است. ﴿۵۳﴾ آیابایکدیگر به انکار وصیت کرده‌اند بلکه ایشان گروه سرکش اند. ﴿۵۴﴾ پس از ایشان روی بازگردان پس توملامت کرده شده نیستی. ﴿۵۵﴾ وپند ده هرآئینه پنددادن مومنان را سودمیدهد. ﴿۵۶﴾ ونیافریده‌ام جن و انس را مگر برای آنکه مرا بپرستند. ﴿۵۷﴾ از ایشان رزق را نمی خواهم و نمی خواهم که مرا طعام دهند. ﴿۵۸﴾ هرآئینه خدا همونست رزق دهنده (همان) توانمند استوار^(۱). ﴿۵۹﴾ پس هرآئینه آنان را که ستم کرده اند نصیبی است (یعنی از عقوبت) مانند نصیبه^۲ یاران گذشته ایشان پس بایدکه ازمن بشتاب طلب نکنند. ﴿۶۰﴾ پس وای کافران را از آن روز ایشان که وعده داده میشوند.

سوره طور مکی است و آن چهل
ونه آیه و دو رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ قسم به کوه طور. ﴿۲﴾ و قسم به کتاب نوشته شده. ﴿۳﴾ در کاغذ کشاده^(۲). ﴿۴﴾ و قسم بخانه^۳ معمور^(۳). ﴿۵﴾ و قسم به سقف برافراشته شده^(۴). ﴿۶﴾ و قسم به دریا پرکرده شده. ﴿۷﴾ هرآئینه عذاب پروردگارتو بودنیست. ﴿۸﴾ اوراهیچ دفع کننده ای نیست. ﴿۹﴾ روزیکه جنبش کند آسمان جنبش کردنی. ﴿۱۰﴾ و روان شود کوه ها روان شدنی. ﴿۱۱﴾ پس آنروز وای به حال تکذیب کنندگان. ﴿۱۲﴾ آنانکه ایشان به بیهوده گویی بازی می کنند. ﴿۱۳﴾ روزیکه به سختی به سوی آتش دوزخ روان کرده شوند روان کردنی. ﴿۱۴﴾ اینست آتشی که شما آن را تکذیب میکردید.

(۱) یعنی آدمیان بنده می گیرند تادرامور زندگی به آنان معاونت کنند بخلاف خدا (که بی نیازاست) والله اعلم.

(۲) یعنی تورات یا قرآن.

(۳) یعنی آنکه درآسمان است.

(۴) یعنی آسمان.

أَفَسِحْرُ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تَبْصُرُونَ ﴿١٥﴾ أَصَلَوْهَا فَاصْبِرُوا
 أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُحْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾
 إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ﴿١٧﴾ فَكِهِينَ بِمَاءٍ أَمْيَأَتْهُمْ رَبُّهُمْ
 وَوَقَّاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿١٨﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا
 كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ مُتَكِينِينَ عَلَى سُرُرٍ مَصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ
 بِحُورٍ عِينٍ ﴿٢٠﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا
 بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا
 كَسَبَ رَهِينٌ ﴿٢١﴾ وَأَمَدَدْنَاهُمْ بِفِكَهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢٢﴾
 يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأَسَا لَا لَغُوفٍ فِيهَا وَلَا تَأْسِمُ ﴿٢٣﴾ * وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ
 غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ ﴿٢٤﴾ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى
 بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٥﴾ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ
 ﴿٢٦﴾ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَّعْنَا عَذَابَ السَّمُومِ ﴿٢٧﴾ إِنَّا كُنَّا
 مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ﴿٢٨﴾ فَذَكَرْنَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ
 رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ ﴿٢٩﴾ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ
 الْمُنُونِ ﴿٣٠﴾ قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ ﴿٣١﴾

﴿۱۵﴾ آیا سحراست این یا شما در نمی‌نگرید. ﴿۱۶﴾ درآیید به این آتش پس صبر کنید یا نکنید بر شما برابر است جز این نیست که جزا داده خواهید شد بحسب آنچه می‌کردید. ﴿۱۷﴾ هر آئینه متقیان در بوستانها و نعمت‌ها باشند. ﴿۱۸﴾ خوشحال شده بسبب آنکه ایشانرا پروردگار ایشان نعمت داد و بسبب آنکه ایشانرا از عذاب دوزخ نگهداشت. ﴿۱۹﴾ بخورید و بنوشید گوارا به پاداش آنچه می‌کردید. ﴿۲۰﴾ تکیه زده بر تخت های برابر یکدیگر گسترده و ایشانرا بحوران کشاده چشم جفت کنیم. ﴿۲۱﴾ و آنانکه ایمان آوردند و اولاد ایشان با ایمان بر بی ایشان رفتند اولاد ایشانرا به ایشان برسانیم ایشانرا از پاداش عمل ایشان چیزی نقصان نکنیم هر مردی به آنچه عمل کرد درگرو باشد. ﴿۲۲﴾ و بی در پی ایشانرا میوه و گوشت از جنسی که طلب کنند عطا کنیم. ﴿۲۳﴾ آنجاییکه شراب را از دست یکدیگر می‌گیرند نه بیهوده گویی در آن باشد و نه گناهی. ﴿۲۴﴾ و برایشان نوجوانانی چند از ایشان آمدورفت کنند گویا آن نوجوانان مروارید در پرده پنهان‌اند. ﴿۲۵﴾ و روی آورد بعض ایشان بر بعضی از یک دیگر سوال کنان. ﴿۲۶﴾ گفتند هر آئینه ما پیش ازین در میان اهل خانه خود ترسان بودیم. ﴿۲۷﴾ پس ما را خدا نعمت فراوان داد و ما را از عذاب بادگرم نگاهداشت. ﴿۲۸﴾ هر آئینه ما پیش ازین اورا عبادت می‌کردیم هر آئینه او احسان کننده مهربان است. ﴿۲۹﴾ (یا محمد) پس پند ده پس تو بفضل پروردگار خود کاهن نیستی و نه دیوانه. ﴿۳۰﴾ بلکه می‌گویند آیا شاعر است در حق او حوادث زمانه را انتظار کشیم. ﴿۳۱﴾ بگو انتظار بکشید هر آئینه من باشما از انتظار کشندگانم.

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَمُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿٢٢﴾ أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ
 بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٣﴾ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ
 ﴿٢٤﴾ أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمْ الْخَالِقُونَ ﴿٢٥﴾ أَمْ خُلِقُوا
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ ﴿٢٦﴾ أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَيْكَ
 أَمْ هُمْ الْمَصِيطِرُونَ ﴿٢٧﴾ أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ
 مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٢٨﴾ أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبَنُونَ ﴿٢٩﴾
 أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَّغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ﴿٣٠﴾ أَمْ عِنْدَهُمْ الْغَيْبُ
 فَهُمْ يَكْتُمُونَ ﴿٣١﴾ أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمْ الْمَكِيدُونَ ﴿٣٢﴾
 أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَنَ اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾ وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا
 مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ ﴿٣٤﴾ فَذَرَهُمْ حَتَّى يُلَاقُوا
 يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ ﴿٣٥﴾ يَوْمَ لَا يَغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا
 وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٣٦﴾ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنْ
 أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٧﴾ وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ
 بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٣٨﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَرَ النُّجُومِ ﴿٣٩﴾

سورة النجم

﴿۳۲﴾ آیا ایشان را به این عقیده عقل های ایشان میفرماید یا ایشان گروهی سرکش اند.

﴿۳۳﴾ آیامیگویند قرآن را بر بسته است نه بلکه ایمان نمی آورند. ﴿۳۴﴾ پس باید که سخنی مانند این بیارند اگر راست گوهستند. ﴿۳۵﴾ آیا ایشان بغیر آفریننده آفریده شدند یا ایشان خود آفریدگارانند. ﴿۳۶﴾ آیا آسمان ها و زمین را آفریده اند بلکه ایشان باور نمی کنند.

﴿۳۷﴾ آیا نزد ایشان خزانه های پروردگارتست یا ایشان چیره هستند. ﴿۳۸﴾ آیا ایشان رانر دانی هست که بر آن بالا رفته می شنوند پس باید که شنونده ایشان دلیل ظاهر را بیارد.

﴿۳۹﴾ آیا برای خدا دختران و برای شما پسران پیدامی شوند. ﴿۴۰﴾ آیا از ایشان مژدی بر رسالت طلب میکنی پس ایشان از غرامت گرانبار شده اند. ﴿۴۱﴾ آیا نزد ایشان علم غیب است پس ایشان اند مینویسند. ﴿۴۲﴾ آیا بداندیشی می خواهند پس کافران ایشان در ضرر بداندیشی گرفتار شده. ﴿۴۳﴾ آیا ایشان را بجز خدا معبودی هست پاکی خدا را است از آنکه شریک مقرر میکنند. ﴿۴۴﴾ و اگر يك پاره را از آسمان افتاده ببینند گویند این ابريست برهم نشسته. ﴿۴۵﴾ پس ایشان را تا آنکه به آن روز خود ملاقات کنند که در آن بیهوش کرده شوند بگذار. ﴿۴۶﴾ روزی که از ایشان مکر ایشان چیزی را دفع نکند و نه ایشان نصرت داده شوند. ﴿۴۷﴾ و هر آئینه ستمکاران را عذاب است غیر از این ولیکن اکثر ایشان نمیدانند.

﴿۴۸﴾ و صبر کن بانتظار حکم پروردگار خود هر آئینه تو بحضور چشم مایی و بپاکی باستایش پروردگار خود را وقتیکه به صبح برخیزی یاد کن. ﴿۴۹﴾ و بعض اوقات شب خدا را بپاکی یاد کن و عقب غائب شدن ستاره هانیز.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ۝١ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ۝٢ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ
 الْهَوَىٰ ۝٣ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۝٤ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ۝٥
 ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ ۝٦ وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ۝٧ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ۝٨
 فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ۝٩ فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ۝١٠
 مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ۝١١ أَفَتَمْرُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ۝١٢ وَلَقَدْ رَآهُ
 نَزْلَةً أُخْرَىٰ ۝١٣ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ۝١٤ عِنْدَ هَاجِئَةِ الْمَأْوَىٰ ۝١٥
 إِذِ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ ۝١٦ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ۝١٧ لَقَدْ رَأَىٰ
 مِنْ ءَايَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ ۝١٨ أَفَرَأَيْتُمْ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ ۝١٩ وَمَنْوَةَ
 الثَّلَاثَةِ الْأُخْرَىٰ ۝٢٠ أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ ۝٢١ تِلْكَ إِذْ أَوْحَيْنَا
 إِلَيْنَا صَبْرًا ۝٢٢ وَإِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ
 اللَّهُ بِهِمَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ
 وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَىٰ ۝٢٣ أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝٢٤ فَلِلَّهِ
 الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ ۝٢٥ وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي
 شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ ۝٢٦



سوره نجم مکی است و آن شصت
ودوایه و سه رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ قسم به ستاره چون فروافتد. ﴿۲﴾ گمراه نشد این یارشما^(۱) راه را گم نکرده است. ﴿۳﴾ واز روی خواهش نفس سخن نمی گوید. ﴿۴﴾ نیست قرآن مگروچی که به سوی او فرستاده میشود. ﴿۵﴾ اورا فرشته بسیار باقوت آموخته است. ﴿۶﴾ (فرشته ای) نیرومند پس (فرارویش) راست ایستاد. ﴿۷﴾ و او به کناره بلند آسمان بود. ﴿۸﴾ باز نزدیک شد و فرود آمد. ﴿۹﴾ پس رسید بمسافت دوکمان یا از آن نزدیک تر. ﴿۱۰﴾ پس پیغام رسانید به سوی بنده خدا آنچه را که رسانید. ﴿۱۱﴾ دل پیامبر در آنچه دید ناراستی نیفزود. ﴿۱۲﴾ آیاشما گفتگو میکنید با پیامبر در آنچه می بیند. ﴿۱۳﴾ به راستی که او را (این فرشته را) یک بار دیگر دیده بود. ﴿۱۴﴾ در نزد سدره المنتهی. ﴿۱۵﴾ بهشت آرامگاه نزدیک آن سدره است. ﴿۱۶﴾ (فرشته را دید) وقتی که می پوشید سدره را آنچه می پوشید^(۲). ﴿۱۷﴾ چشم پیامبر کجروی نکرد واز مقصد تجاوز ننمود. ﴿۱۸﴾ به راستی بعض نشانه های بزرگ پروردگار خود را معاینه کرد. ﴿۱۹﴾ آیا لات را و عزی را دیدید. ﴿۲۰﴾ منات سومی بی قدر را. ﴿۲۱﴾ آیا برای شما پسر و برای خدا دختر باشد. ﴿۲۲﴾ این قسمت آنگاه قسمت بی انصاف باشد. ﴿۲۳﴾ نیست این مگر نامه های چند که آنرا شما و پدران شما مقرر کرده اید خدا بر ثبوت آنها هیچ دلیلی فرود نیاورده است پیروی نمی کنند مگر و هم فاسد و چیزی را که نفسها خواهش می کند، و به راستی ایشان را از پروردگاران ایشان هدایت آمده است. ﴿۲۴﴾ آیا آدمی را آنچه که آرزو میکند میسر است. ﴿۲۵﴾ پس آنچه این جهان از آن خدا است. ﴿۲۶﴾ و چه بسیار فرشته اند در آسمان ها که شفاعت ایشان چیزی را نفع نمی بخشد مگر بعد از آنکه خدا اجازت دهد و رضامند شود برای هر که خواهد.

(۱) یعنی محمد صلی الله علیه و سلم.

(۲) یعنی وقتی که انوار الهی از هر جانب سدره را احاطه کرد و این در شب معراج بود والله اعلم.

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً لَا تُنْفَى ^(٢٧)
 وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ
 الْحَقِّ شَيْئًا ^(٢٨) فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ
 الدُّنْيَا ^(٢٩) ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ
 سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى ^(٣٠) وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي
 الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا
 بِالْحُسْنَى ^(٣١) الَّذِينَ يَحْتَبِبُونَ كَبِيرَ الْأَيْثَمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ
 إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ
 وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ
 بِمَنِ اتَّقَى ^(٣٢) أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى ^(٣٣) وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى
^(٣٤) أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهَوَّيَرَى ^(٣٥) أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ
 مُوسَى ^(٣٦) وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى ^(٣٧) أَلَا تَنْزِيلُ وَارِزَّةٍ وَزَرَ أُخْرَى
^(٣٨) وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ^(٣٩) وَأَنْ سَعَاهُ سَوْفَ يَرَى
^(٤٠) ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى ^(٤١) وَأَنْ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى ^(٤٢)
 وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى ^(٤٣) وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا ^(٤٤)

﴿۲۷﴾ هرآئینه آنانکه آخرت را باور نمودند فرشتگان را به نام دختران می نامند. ﴿۲۸﴾ وایشانرا به ثبوت آن هیچ دانشی نیست مگر وَهُمْ را پیروی نمی کنند وهرآئینه وَهُمْ وگمان ازشناخت حقیقت چیزی را نفع نمیدهد. ﴿۲۹﴾ پس ازکسیکه ازیاد ما اعراض کند وجز زندگانی دنیارنخواهد روی بگردان. ﴿۳۰﴾ این منتهای دانش آنان است^(۱) هرآئینه پروردگارتو بهره که همراه شد از راه او داناست و او دانا ست بهره که راه یافت. ﴿۳۱﴾ وآنچه درآسمان ها وآنچه درزمین است برای خداست تا عاقبت کار جزا دهد آنانرا که بدکاری کردند بحسب آنچه عمل نمودند وآنان را که نیکوکاری کردند به خصلت نیک پاداش دهد. ﴿۳۲﴾ آنانکه ازکبایر گناهان وبی حیایی ها جز گناهان صغیره پرهیزگاری می کنند هرآئینه پروردگار تو بسیارآمرزنده است او به احوال شما وقتی که شمارا از زمین پیدا کرد ووقتیکه شما درشکم های مادران خویش بچه های بودید دانا تر است پس خویشتن را ستایش مکنید خدا به کسیکه پرهیزگاری کرد دانا تراست. ﴿۳۳﴾ آیا کسی را که رویگردان شد دیدی. ﴿۳۴﴾ واندکی ازمال داد و سخت دل شد. ﴿۳۵﴾ آیانزد اوست علم غیب پس گویا اوهر چیز را بچشم می بیند. ﴿۳۶﴾ آیا خبر داده نشد به آنچه در صحیفه های موسی بود. ﴿۳۷﴾ وابراهیم که وفادار بود. ﴿۳۸﴾ (مضمونش آنکه) هیچ بردارنده بارگناه دیگررا برنخواهد داشت. ﴿۳۹﴾ وآنکه آدمی را نرسد مگر آنچه عمل کرده است. ﴿۴۰﴾ وآنکه سعی آدمی دیده خواهد شد. ﴿۴۱﴾ سپس به آن جزایی هرچه تمامتر خواهند داد. ﴿۴۲﴾ وآنکه باز گشت به سوی پروردگارتواست. ﴿۴۳﴾ وآنکه او خندانند وگریانند. ﴿۴۴﴾ وآنکه او میراند و او زنده گرداند.

(۱) یعنی این است نهایت علم ایشان.

وَأَنَّهُ حَاقَ الرَّجِجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ۝٤٥ مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى
 ۝٤٦ وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَى ۝٤٧ وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ ۝٤٨ وَأَنَّهُ
 هُوَ رَبُّ الشِّعْرَى ۝٤٩ وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ ۝٥٠ وَشَمُودَ أَفْمَا
 أَبْقَىٰ ۝٥١ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَىٰ
 ۝٥٢ وَالْمُوتِفَكَةَ أَهْوَىٰ ۝٥٣ فغَشَّاهَا مَا عَشَّىٰ ۝٥٤ فَبَآئِيَ الْآءِ
 رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ ۝٥٥ هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذِرِ الْأُولَىٰ ۝٥٦ أَزِفَتِ الْأَزِفَةُ
 ۝٥٧ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ ۝٥٨ أَفَمِنَ هَذَا الْحَدِيثِ
 تَعَجَّبُونَ ۝٥٩ وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ۝٦٠ وَأَنْتُمْ سَمِيدُونَ
 ۝٦١ فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا ۝٦٢

سُورَةُ الْقِيَامَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَفَرَأَيْتِ السَّاعَةَ وَالنَّشَقَ الْقَمَرُ ۝١ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا
 سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ ۝٢ وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ ۝٣
 وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ۝٤ حِكْمَةٌ بَلِغَةٌ فَمَا تُغْنِ
 النَّذُرُ ۝٥ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكْرٍ ۝٦



﴿۴۵﴾ وآنکه او (خدا) دو قسم نروماده را آفرید. ﴿۴۶﴾ از نطفه چون در رحم ریخته شود. ﴿۴۷﴾ وآنکه بر عهدهٔ اوست دوباره پیداکردن. ﴿۴۸﴾ وآنکه اوتوانگر ساخت و سرمایه داد. ﴿۴۹﴾ وآنکه همونست پروردگار ستارهٔ شعری. ﴿۵۰﴾ وآنکه او عاد نخستین را هلاک ساخت. ﴿۵۱﴾ و ثمود را هلاک کرد پس هیچ کس را باقی نگذاشت. ﴿۵۲﴾ و قوم نوح را پیش ازین هلاک کرد هر آینه ایشان ستمکارتر و از حد گذشته تر بودند. ﴿۵۳﴾ و شهر موتفکه را بر زمین افکند. ﴿۵۴﴾ پس پوشانید بروی آنچه پوشانید^(۱). ﴿۵۵﴾ پس به کدام يك از نعمت های پروردگار (ای آدمی) شك میکنی. ﴿۵۶﴾ این پیامبر ترساننده از جنس ترسانندگان پیشین است. ﴿۵۷﴾ قیامت نزدیک آمد. ﴿۵۸﴾ اورا جز خداهییچ ظاهر کننده ای نیست. ﴿۵۹﴾ آیا ازین سخن تعجب می کنید. ﴿۶۰﴾ و می خندید و گریه نمی کنید. ﴿۶۱﴾ و شما در غفلت هوسرانی بسر میبرید. ﴿۶۲﴾ پس برای خدا سجده کنید و پرستش نمایید.

سوره قمر مکی است و آن پنجاه
و پنج آیه و سه رکوع است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ قیامت نزدیک آمد و ماه بشگافت^(۲). ﴿۲﴾ و اگر کافران نشانه ای را ببینند اعراض کنند و گویند سحریست قوی. ﴿۳﴾ و تکذیب کردند و خواهش های خود را پیروی کردند و هر چیزی (دروقت خود) به غایتی می انجامد. ﴿۴﴾ به راستی که آمده است بدیشان از خبرها آنچه در آن پنداست. ﴿۵﴾ (و آمده است) دانشی سرشار پس هشدارها سودی نمی بخشد. ﴿۶﴾ پس از ایشان اعراض کن آنروز که دعوت کننده به سوی چیزی ناخوش آیند دعوت کند.

(۱) یعنی سنگباران کرد.

(۲) اشارتست بآن قصه که کافران از حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم معجزه طلب کردند خدای تعالی ماه را دو قطعه ساخت یکی برکوه ابوقیس و قطعه دیگر برکوه قعیقان والله اعلم.

خُشْعًا أَبْصَرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ ﴿٧﴾
 مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ﴿٨﴾ * كَذَّبَتْ
 قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ ﴿٩﴾ فَدَعَا
 رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرَ ﴿١٠﴾ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ
 ﴿١١﴾ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ ﴿١٢﴾
 وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ الْأَوَّاجِ وَدُسِرِ ﴿١٣﴾ تَجَرَّى بِأَعْيُنِنَا جَزَاءُ لِّمَن كَانَ
 كُفِرَ ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ تَرَكْنَاهُ آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿١٥﴾ فَكَيْفَ كَانَ
 عَذَابِي وَنُذِرِ ﴿١٦﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿١٧﴾
 كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذِرِ ﴿١٨﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا
 صَرْصَرًا فِي يَوْمٍ نَحِيسُ مُسْتَمِرٍّ ﴿١٩﴾ تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ
 مُنْقَعِرٍ ﴿٢٠﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذِرِ ﴿٢١﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ
 لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٢٢﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ ﴿٢٣﴾ فَقَالُوا أَبَشَرًا
 مِنَّا وَاحِدًا نَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ﴿٢٤﴾ أَهَلْقَى الذِّكْرَ عَلَيْهِ
 مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ ﴿٢٥﴾ سَيَعْمُونَ غَدًا مِنَ الْكَذَّابِ الْأَشِرِّ
 ﴿٢٦﴾ إِنَّا مَرْسِلُوا الْفَاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَأَرْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ ﴿٢٧﴾

﴿۷﴾ درحالیکه چشمهای ایشان فروهشته باشد (آن روز) از قبرها برآیند گویای ایشان ملخ پراکنده اند. ﴿۸﴾ شتاب کنان به سوی آن دعوت کننده، کافران گویند این روزی دشوار است. ﴿۹﴾ پیش از ایشان قوم نوح تکذیب کردند پس بنده ما را تکذیب کردند وگفتند دیوانه است و با او سخن درشت گفته شد. ﴿۱۰﴾ پس به جناب پروردگار خود دعا کرد که من مغلوب شده ام پس انتقام بگیر. ﴿۱۱﴾ پس درهای آسمان را به آبی بسیارریزنده گشودیم. ﴿۱۲﴾ و از زمین چشمه ها را روان کردیم پس آب از هر جانب بنابر امری که مقدر شده بود^(۱) جمع شد. ﴿۱۳﴾ و نوح را بر (کشتی) ساخته شده از تخته ها و میخها سوار کردیم. ﴿۱۴﴾ زیر نظر چشمهای ما میرفت، این پاداش کسی بود که به او ناسپاسی کرده بودند^(۲). ﴿۱۵﴾ به راستی که این عقوبت رانسانه ای گذاشتیم پس هیچ پندگیرنده ای هست. ﴿۱۶﴾ پس عقوبت من و ترسانیدن های من چگونه بود؟ ﴿۱۷﴾ و هرائینه قرآن را آسان کردیم تا پندگیرند پس آیا هیچ پندپذیرنده ای هست؟ ﴿۱۸﴾ قوم عاد تکذیب کردند پس عذاب من و ترسانیدن های من چگونه بود؟ ﴿۱۹﴾ هرائینه ما برایشان بادتند را در روز شوم به غایت سخت فرستادیم. ﴿۲۰﴾ مردمان را برمیکند گویای ایشان تنه های درختان خرمای از بیخ برکنده اند. ﴿۲۱﴾ پس عقوبت من و ترسانیدن های من چگونه بود؟ ﴿۲۲﴾ و هرائینه قرآن را آسان کرده ایم تا پند بگیرند پس آیا هیچ پند پذیرنده ای هست. ﴿۲۳﴾ قوم ثمود ترسانندگان را تکذیب کردند. ﴿۲۴﴾ پس گفتند آیایک آدمی را از قوم خویش پیروی کنیم؟ هرائینه ما آنگاه درگمراهی و دیوانگی باشیم. ﴿۲۵﴾ آیا از میان ما وحی به او نازل کرده شد مردی نه بلکه او دروغگویی خود پسنداست. ﴿۲۶﴾ فردا خواهند دانست کیست دروغگوی خود پسند. ﴿۲۷﴾ هرائینه ما ماده شتر را بجهت آزمایش ایشان فرستنده ایم پس ای صالح منتظر ایشان باش و صبر پیش گیر.

(۱) یعنی هلاک قوم او.

(۲) یعنی برای انتقام خصومت کنان.

وَنَبِّهِمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شَرْبٍ مُّخْتَصِرٌ ﴿٣٨﴾ فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ
فَتَعَالَى فَعَقَرٌ ﴿٣٩﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرٍ ﴿٤٠﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ
صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ ﴿٤١﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ
لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّذَكِّرٍ ﴿٤٢﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ ﴿٤٣﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا
عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ ﴿٤٤﴾ نِعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا
كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ ﴿٤٥﴾ وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتْنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ
﴿٤٦﴾ وَلَقَدْ رَاودُوهُ عَنْ صَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي
وَنُذُرِ ﴿٤٧﴾ وَلَقَدْ صَبَّحَهُمُ بَكْرَةٌ عَذَابٌ مُّسْتَقَرٌّ ﴿٤٨﴾ فَذُوقُوا
عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٤٩﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّذَكِّرٍ ﴿٥٠﴾
وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ ﴿٥١﴾ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ
أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٥٢﴾ أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أُولَئِكَ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ
فِي الزُّبُرِ ﴿٥٣﴾ أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرُونَ ﴿٥٤﴾ سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ
وَيُقَالُ الذُّبُرُ ﴿٥٥﴾ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذَى وَأَمْرٌ ﴿٥٦﴾
إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ﴿٥٧﴾ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى
وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ ﴿٥٨﴾ إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ﴿٥٩﴾

﴿۲۸﴾ وایشانرا خبردارکن که آب درمیان ایشان مقسوم است هر آنکه حصه آب نوبت اوست به آن حاضر شود. ﴿۲۹﴾ پس یارخود را آواز دادند پس دست درازی کردو (آن شتررا) مجروح ساخت. ﴿۳۰﴾ عقوبت من وترسانیدن های من پس چگونه بود؟. ﴿۳۱﴾ هرآئینه ما برایشان يك نعره فرستادیم پس مانند حظیره^(۱) درهم شکسته که حظیره ساز آنرا بنا کرده باشد شدند. ﴿۳۲﴾ وهرآئینه قرآن را برای آنکه پندگیرند آسان گردانیدیم پس آیا هیچ پندگیرنده ای است. ﴿۳۳﴾ قوم لوط ترسانندگان را تکذیب کردند. ﴿۳۴﴾ هرآئینه برایشان بادسنگبار را فرستادیم مگراهل خانه^۲ لوط که ایشان را وقت سحر نجات دادیم. ﴿۳۵﴾ به مهربانی از نزدیک خویش همچنین پاداش میدهیم هرکسی را که شکرگزاری کرد. ﴿۳۶﴾ وبه راستی که لوط ایشانرا ازعقوبت ماترسانیده بود پس درآن ترسانیدنها مجادله کردند. ﴿۳۷﴾ وبه راستی که سخن گفتند تا لوط را ازحفظ مهمانان او غفلت دهند پس چشم های ایشانرا محوکردیم پس (گفتیم) عذاب مرا وترسانیدنهای مرا بچشید. ﴿۳۸﴾ وهرآئینه ایشانرا بامداد عقوبتی جای گیرنده برهم زد. ﴿۳۹﴾ پس (گفتیم) عذاب مرا وترسانیدنهای مرا بچشید. ﴿۴۰﴾ وهرآئینه قرآن را برای آنکه پندگیرند آسان گردانیدیم پس آیا هیچ پندگیرنده ای هست. ﴿۴۱﴾ وبه یقین ترسانندگان به نزد فرعونیان آمدند. ﴿۴۲﴾ همگی نشانه های مارا تکذیب کردند پس ایشانرا مانند درگرفتن غالب قوی گرفتیم. ﴿۴۳﴾ آیا کافران شما ای قریش ازین جماعت ها بهتراند یا شمارا درکتابهای پیشین حکم خلاصی است. ﴿۴۴﴾ آیامی گویند ماجماعتی انتقام گیرنده ایم. ﴿۴۵﴾ این جماعت را شکست داده خواهد شد وایشان پشت بگردانند. ﴿۴۶﴾ بلکه قیامت وعدهگاه ایشانست وقیامت سخت تر وتلخ تراست. ﴿۴۷﴾ هرآئینه گنهکاران درگمراهی ودیوانگی اند. ﴿۴۸﴾ یادکن روزی را که کشیده شوند در دوزخ بروی های ایشان (گویم) عذاب دوزخ را بچشید. ﴿۴۹﴾ هرآئینه ما هرچیزرا باندازه^۳ مقرر پیدا کردیم.

(۱) مترجم گوید حظیره احاطه است که ازشاخهای خشک و خاربرای گوسفند بنا کنند و آن به مرور زمان پایمال موایی میگردددخدای تعالی به آن پایمال شده تشبیه داد.

وَمَا أَمَرْنَا إِلَّا وَاحِدَةً كَلِمِجٍ بِالْبَصَرِ ٥٠ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا
 أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ٥١ وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ
 ٥٢ وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ ٥٣ إِنَّ الْأَمْتَقِينَ
 فِي جَنَّتٍ وَنَهَرٍ ٥٤ فِي مَقْعَدٍ صَدِيقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ ٥٥

سُورَةُ الرَّحْمَنِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّحْمَنُ ١ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ٢ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ٣ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ٤
 الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ٥ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ٦
 وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ٧ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ٨
 وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ٩ وَالْأَرْضَ
 وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ١٠ فِيهَا فَلَكَهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ١١
 وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ١٢ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
 ١٣ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ كَالْفَخَّارِ ١٤ وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ
 مَارِجٍ مِّن نَّارٍ ١٥ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَّبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ١٦ رَبُّ
 الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ١٧ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَّبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ١٨

﴿۵۰﴾ و نیست حکم ما مگر يك كلمه مانند به هم زدن چشم^(۱). ﴿۵۱﴾ و به راستی که امثال شمارا هلاک ساختیم پس آیا هیچ پندگیرنده ای است. ﴿۵۲﴾ و هر چیزی که کرده اند در نامه های اعمال مکتوب است. ﴿۵۳﴾ و هر کوچک و بزرگ نوشته شده است^(۲). ﴿۵۴﴾ هر آینه پرهیزگاران در بوستانها و چشمه ها باشند. ﴿۵۵﴾ در مجلس راستی نزد پادشاه توانا باشند.

سوره رحمن مدنی است و آن هفتاد و هشت
آیه و سه رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ خدا. ﴿۲﴾ قرآن را آموخت. ﴿۳﴾ آدمی را آفرید. ﴿۴﴾ او را سخن گفتن آموخت. ﴿۵﴾ خورشید و ماه به حساب مقرر میروند. ﴿۶﴾ و گیاه و درخت سجده میکنند. ﴿۷﴾ و آسمان را برافراشت و ترازو را فرود آورد. ﴿۸﴾ به مقصد آنکه در ترازو از حد تجاوز مکنید. ﴿۹﴾ و راست سنجید به انصاف و در ترازو نقصان مکنید. ﴿۱۰﴾ و زمین را برای آدمیان گسترد. ﴿۱۱﴾ در آن زمین میوه است و درختان دارای غلاف ها خرماسست. ﴿۱۲﴾ و (در آن زمین) دانه برگ دار است ریحان خوشبوئیست^(۳). ﴿۱۳﴾ پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب میکنید^(۴). ﴿۱۴﴾ آدمی را از گِل خشك مانند سفال آفرید. ﴿۱۵﴾ و جن را از شعله آتش آفرید. ﴿۱۶﴾ پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب میکنید. ﴿۱۷﴾ پروردگار دوشم شرق و پروردگار دو مغرب است^(۵). ﴿۱۸﴾ پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب میکنید.

(۱) یعنی در سرعت وجود، مراد آسان بودن است.

(۲) یعنی در لوح محفوظ.

(۳) مترجم گوید اشاره به آنست که برگ حبوب غذائی علف دواب ایشان میشود پس این نعمت جدا گانه ای است.

(۴) [ای] جن و انس.

(۵) یعنی در زمستان آفتاب مشرق و مغرب دیگری دارد و در تابستان مشرق و مغرب دیگر.

مَجَّ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ﴿١٩﴾ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ﴿٢٠﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ
 رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢١﴾ يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤَ وَالْمَرْجَانَ ﴿٢٢﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ
 رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٣﴾ وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَمِ ﴿٢٤﴾
 فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٥﴾ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٢٦﴾ وَيَبْقَى وَجْهُ
 رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٢٧﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٨﴾
 يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ ﴿٢٩﴾ فَبِأَيِّ
 آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٠﴾ سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيَّهَ الثَّقَلَانِ ﴿٣١﴾ فَبِأَيِّ
 آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٢﴾ يَمَعَشِرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنْ أَسْتَطَعْتُمْ
 أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ
 إِلَّا بِإِذْنِ الْإِسْلَامِ ﴿٣٣﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٤﴾ يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ
 شَوَاطِئَ مَنَارٍ وَغُحَّاسٍ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ﴿٣٥﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
 تُكَذِّبَانِ ﴿٣٦﴾ فَإِذَا أَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ
 ﴿٣٧﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٨﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ
 ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ ﴿٣٩﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٠﴾
 يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَصِي وَالْأَفْئَامِ ﴿٤١﴾

﴿۱۹﴾ گذاشت دودریارتابه هم جمع شوند. ﴿۲۰﴾ میان این هردو حجابیست که یکی بر دیگری تجاوز نمیکند. ﴿۲۱﴾ پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۲۲﴾ ازین دودریا مروارید و مرجان برمی آید. ﴿۲۳﴾ پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۲۴﴾ کشتی های روان شونده برافراشته در دریا مانند کوه ها برای خدا است. ﴿۲۵﴾ پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۲۶﴾ هر کس که بر زمین هست فانی شود. ﴿۲۷﴾ و روی پروردگار تو خداوند بزرگی و انعام باقی می ماند. ﴿۲۸﴾ پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۲۹﴾ از خدا هر که در آسمانها و زمین است سوال میکند هر روزی خدا در کاری است^(۱). ﴿۳۰﴾ پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۳۱﴾ از همه فارغ شده برای شما ای جن و انس متوجه شویم. ﴿۳۲﴾ پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۳۳﴾ ای گروه جن و انس اگر می توانید که از کناره های آسمان ها و زمین بیرون روید پس بیرون روید مگر به توانی بیرون نخواهد رفت^(۲). ﴿۳۴﴾ پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب میکنید. ﴿۳۵﴾ بر شما شعله ای از آتش و دودی نیز فرستاده خواهد شد پس مقابله نتوانید کرد. ﴿۳۶﴾ پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۳۷﴾ پس چون آسمان بشکافد پس مثل گل سرخ همچون روغن گداخته شود. ﴿۳۸﴾ پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۳۹﴾ پس آن روز هیچ آدمی و جنی از گناهش سوال نشود. ﴿۴۰﴾ پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۴۱﴾ گنهکاران به قیافه های شان شناخته شوند پس به موی پیشانی ها و به پا ها گرفته شود.

(۱) یعنی در نعمت دادن یا عذاب دادن یا سعادت دادن و یا شقاوت دادن و زنده کردن یا میراندن.

(۲) یعنی و آن قوت کجا است.

فَيَايَا آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٢﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا
 الْمُجْرِمُونَ ﴿٤٣﴾ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ءَانِ ﴿٤٤﴾ فَيَايَا آلَاءِ
 رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٥﴾ وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ﴿٤٦﴾ فَيَايَا
 آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٧﴾ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ﴿٤٨﴾ فَيَايَا آلَاءِ رَبِّكُمَا
 تُكَذِّبَانِ ﴿٤٩﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ ﴿٥٠﴾ فَيَايَا آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
 ﴿٥١﴾ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ﴿٥٢﴾ فَيَايَا آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
 ﴿٥٣﴾ مُتَكَبِّرِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَاطِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ
 ﴿٥٤﴾ فَيَايَا آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٥﴾ فِيهِنَّ قَصِيرَاتُ الْطَّرْفِ
 لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٥٦﴾ فَيَايَا آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
 ﴿٥٧﴾ كَانَهُنَّ أَلْيَافُوتٌ وَالْمَرْجَانُ ﴿٥٨﴾ فَيَايَا آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
 ﴿٥٩﴾ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَنُ ﴿٦٠﴾ فَيَايَا آلَاءِ رَبِّكُمَا
 تُكَذِّبَانِ ﴿٦١﴾ وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ﴿٦٢﴾ فَيَايَا آلَاءِ رَبِّكُمَا
 تُكَذِّبَانِ ﴿٦٣﴾ مُدْهَامَتَانِ ﴿٦٤﴾ فَيَايَا آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
 ﴿٦٥﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ ﴿٦٦﴾ فَيَايَا آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٧﴾
 فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَانٌ ﴿٦٨﴾ فَيَايَا آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٩﴾

﴿۴۲﴾ پس کدام يك از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می کنید. ﴿۴۳﴾ این است آن دوزخ که گنهکاران آن را تکذیب می کردند. ﴿۴۴﴾ میان آن آتش و میان آب گرم جوشیده دورمی زنند. ﴿۴۵﴾ پس کدام يك از نعمت های پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۴۶﴾ و برای کسی که از ایستادن به حضور پروردگار خویش ترسیده است دوبوستان است. ﴿۴۷﴾ پس کدام يك از نعمت‌های پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۴۸﴾ دو بوستان دارای شاخه های بسیار. ﴿۴۹﴾ پس کدام يك از نعمت‌های پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۵۰﴾ در آن دوبوستان دو چشمه میروند. ﴿۵۱﴾ پس کدام يك از نعمت‌های پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۵۲﴾ در آن دوبوستان ازهرمیوه دو قسم باشد. ﴿۵۳﴾ پس کدام يك از نعمت‌های پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۵۴﴾ تکیه زده بر فرش‌هایی که آستر آن از حریر ضخیم باشد و میوه آن دوبوستان نزدیک بُود^(۱). ﴿۵۵﴾ پس کدام يك از نعمت‌های پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۵۶﴾ در آن (کاخها) حورانی باشند فرواندازنده چشم که پیش از ایشان دست هیچ انس و جتی به آنها نرسیده است. ﴿۵۷﴾ پس کدام يك از نعمت‌های پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۵۸﴾ گویا آن حوران یاقوت و مرجان‌اند. ﴿۵۹﴾ پس کدام يك از نعمت‌های پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۶۰﴾ پاداش نیکوکاری جز انعام بسیار نیست. ﴿۶۱﴾ پس کدام يك از نعمت‌های پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۶۲﴾ و غیر از این دوبوستان دیگر باشند. ﴿۶۳﴾ پس کدام يك از نعمت‌های پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۶۴﴾ دوبوستان سبز که از غایت سبزی بسیاهی میزنند. ﴿۶۵﴾ پس کدام يك از نعمت‌های پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۶۶﴾ در آن دوبوستان دو چشمه جوشنده باشند. ﴿۶۷﴾ پس کدام يك از نعمت‌های پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۶۸﴾ در آن دوبوستان میوه و درختان خرما و انار باشند. ﴿۶۹﴾ پس کدام يك از نعمت‌های پروردگار خویش را تکذیب می کنید.

(۱) یعنی به سهولت توان گرفت.

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حَسَنَاتٌ ﴿٧٠﴾ فَيَأْيِءُ الْآءُ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
 حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ﴿٧١﴾ فَيَأْيِءُ الْآءُ رَبِّكُمَا
 تُكَذِّبَانِ ﴿٧٢﴾ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ ﴿٧٣﴾ فَيَأْيِءُ
 الْآءُ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٤﴾ مُتَكِّئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ
 وَعَبَقَرِيٍّ حَسَنِ ﴿٧٥﴾ فَيَأْيِءُ الْآءُ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٦﴾
 تَبَرَّكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٧٨﴾

سورة الواقعة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١﴾ لَيْسَ لَوْعَتِهَا كَاذِبَةٌ ﴿٢﴾ خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ
 ﴿٣﴾ إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا ﴿٤﴾ وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًا ﴿٥﴾ فَكَانَتْ
 هَبَاءً مُنْبَثًا ﴿٦﴾ وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ﴿٧﴾ فَأَصْحَبُ الْأَمِيمَةِ
 مَا أَصْحَبُ الْأَمِيمَةِ ﴿٨﴾ وَأَصْحَبُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَبُ
 الْمَشْأَمَةِ ﴿٩﴾ وَالسَّيْفُونَ السَّيْفُونَ ﴿١٠﴾ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿١١﴾
 فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿١٢﴾ ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ
 ﴿١٤﴾ عَلَى سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ ﴿١٥﴾ مُتَّكِنِينَ عَلَيْهَا مُتَقَبِّلِينَ ﴿١٦﴾



﴿۷۰﴾ در آن کاخها زنانِ برگزیده زیبا باشند. ﴿۷۱﴾ پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۷۲﴾ حوران نگاهداشته شده درخیمها. ﴿۷۳﴾ پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۷۴﴾ به آنها پیش از ایشان هیچ آدمی جماع نکرده است و نه هیچ جنی. ﴿۷۵﴾ پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۷۶﴾ بر بالشهای سبز و بساط های نیک تکیه زده باشند. ﴿۷۷﴾ پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۷۸﴾ نام پروردگارتو خداوند بزرگی و انعام بابرکت است.

سوره واقعه مکی است و آن نود
و شش آیه و سه رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ یادکن آنگاه که متحقق شود قیامت. ﴿۲﴾ وقوع آن را هیچ نفس دروغ گوینده نیست^(۱). ﴿۳﴾ جماعتی را پست کننده است طائفه ای را بلندکننده است. ﴿۴﴾ آنگاه که زمین جنبانیده شود جنبانیدن سخت. ﴿۵﴾ و کوهها ریزه ریزه کرده شود ریزه ریزه کردنی. ﴿۶﴾ پس مانند غبار پراکنده شود. ﴿۷﴾ و شما سه قسم شوید. ﴿۸﴾ پس اهل سعادت چه حال دارند اهل سعادت. ﴿۹﴾ و اهل شقاوت چه حال دارند اهل شقاوت. ﴿۱۰﴾ و پیش روندگان خود ایشانند پیش روندگان. ﴿۱۱﴾ آن پیش روندگان ایشانند نزدیک کردگان. ﴿۱۲﴾ در بوستانهای نعمت باشند. ﴿۱۳﴾ سابقان جمعی یسیر از پیشینیان اند^(۲). ﴿۱۴﴾ و اندک شماره از پسینیان هستند^(۳). ﴿۱۵﴾ بر تختهای زربافته نشسته باشند. ﴿۱۶﴾ تکیه زده بر آن رو بروی یکدیگر اند.

(۱) یعنی همه مسلمان شوند کفر و اقترآنجا نباشد.

(۲) یعنی از ازمم سابقه.

(۳) یعنی از امت محمدیه.

يُطَوِّفُ عَلَيْهِمْ وَلَدُنُّهُمْ يُخَلِّدُونَ ﴿١٧﴾ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ
لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُزْفُونَ ﴿١٨﴾ وَفَلَكَهٖ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ ﴿١٩﴾
وَلَحِمٍ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢٠﴾ وَحُورٌ عِينٌ ﴿٢١﴾ كَأَمْثَلِ اللَّوْلُؤِ
الْمَكْنُونِ ﴿٢٢﴾ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٣﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا
وَلَا تَأْثِيمًا ﴿٢٤﴾ إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا ﴿٢٥﴾ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ
الْيَمِينِ ﴿٢٦﴾ فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ ﴿٢٧﴾ وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ ﴿٢٨﴾ وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ ﴿٢٩﴾
وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ ﴿٣٠﴾ وَفَلَكَهٖ كَثِيرٌ ﴿٣١﴾ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ﴿٣٢﴾
وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ ﴿٣٣﴾ إِنَّا أَنشَأْنَهُمْ إِنِشَاءً ﴿٣٤﴾ فَجَعَلْنَهُمْ أَجَارًا ﴿٣٥﴾
عُرْبًا أَتْرَابًا ﴿٣٦﴾ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٣٧﴾ ثَلَاثَةٌ مِنْ الْأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾
وَتِلْكَ مِنْ الْآخِرِينَ ﴿٣٩﴾ وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ ﴿٤٠﴾
فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ﴿٤١﴾ وَظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ ﴿٤٢﴾ لَا بَارِدٍ ﴿٤٣﴾
وَلَا كَرِيمٍ ﴿٤٤﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ ﴿٤٥﴾ وَكَانُوا
يُبْصِرُونَ عَلَى الْحَنَثِ الْأَعِظِيمِ ﴿٤٦﴾ وَكَانُوا يَقُولُونَ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا
تُرَابًا وَعِظْمًا ۖ إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿٤٧﴾ أَوَّٰءًا أَبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ﴿٤٨﴾ قُلْ إِنَّ
الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ﴿٤٩﴾ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٥٠﴾

﴿۱۷﴾ برایشان نوجوانان جاویدان آمدورفت میکنند. ﴿۱۸﴾ بآب خوره‌ها و ابریق‌ها و پیاله‌هایی از شراب جاری. ﴿۱۹﴾ نه ایشانرا از آن شراب سر درد داده شود و نه بیهوش شوند. ﴿۲۰﴾ و آمد و رفت کنند بامیوه از هر جنس که اختیار کنند. ﴿۲۱﴾ و باگوشت مرغان از هر جنس که پسندکنند. ﴿۲۲﴾ برایشان حوران کشاده چشم است. ﴿۲۳﴾ مانند مروارید پوشیده شده. ﴿۲۴﴾ پاداش دهیم به حسب آنچه می‌کردند. ﴿۲۵﴾ نشنوند در بهشت سخن بیهوده و نه حرفی که گناه باشد. ﴿۲۶﴾ لیکن این سخن بشنوند که هر یکی سلام می‌گوید. ﴿۲۷﴾ و اهل سعادت چه حال دارند اهل سعادت. ﴿۲۸﴾ در درختان کُنار بیخار. ﴿۲۹﴾ و در درختان موز تودرتوثمره آن. ﴿۳۰﴾ و در سایه دراز. ﴿۳۱﴾ و در آب ریخته شده. ﴿۳۲﴾ و در میوه بسیار. ﴿۳۳﴾ نه به پایان رسد و نه از آن منع کرده شود. ﴿۳۴﴾ و فرش‌های برافراشته شده. ﴿۳۵﴾ هر آئینه ما حوران رایک نوع آفریدن آفریدیم. ﴿۳۶﴾ پس ایشانرا دوشیزه (بکر) گردانیدیم. ﴿۳۷﴾ نزد شوهران محبوب شونده^(۱) هم عمر بایکدیگر. ﴿۳۸﴾ برای اصحاب یمین. ﴿۳۹﴾ جماعتی بسیار از پیشینیانند. ﴿۴۰﴾ و جماعتی بسیار از پسینیانند. ﴿۴۱﴾ و اهل شقاوت چه حال دارند اهل شقاوت. ﴿۴۲﴾ در باد گرم و آب گرم باشند. ﴿۴۳﴾ و در سایه دود سیاه. ﴿۴۴﴾ که نه خنک باشد و نه باعزت بُود. ﴿۴۵﴾ هر آئینه ایشان پیش ازین به ناز پرورده بودند. ﴿۴۶﴾ و برگناه بزرگ (یعنی شرک) مداومت می‌کردند. ﴿۴۷﴾ و می‌گفتند آیا چون بمیریم و خاک شویم و استخوانی چند باشیم آیا ما برانگیخته شویم. ﴿۴۸﴾ آیا پدران نخستین ما برانگیخته شوند. ﴿۴۹﴾ بگوهر آئینه پیشینیان و پسینیان. ﴿۵۰﴾ البته در میعاد روز مقرر جمع کرده شوند.

(۱) یعنی از هر نظر مورد پسند باشند.

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ ﴿٥١﴾ لَا كُؤُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زُقُومٍ ﴿٥٢﴾
 فَمَالُؤُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٥٣﴾ فَشَرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾ فَشَرِبُونَ
 شَرْبَ الْهِيمِ ﴿٥٥﴾ هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٥٦﴾ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا
 تُصَدِّقُونَ ﴿٥٧﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ﴿٥٨﴾ أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ
 الْخَالِقُونَ ﴿٥٩﴾ نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٦٠﴾
 عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَلَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ
 عَلِمْتُمْ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ
 ﴿٦٣﴾ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ﴿٦٤﴾ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ
 حُطَلًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُوتَ ﴿٦٥﴾ إِنَّا لَمُغْرَمُونَ ﴿٦٦﴾ بَلْ نَحْنُ
 مَحْرُومُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ﴿٦٨﴾ أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ
 مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ ﴿٦٩﴾ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أَجَاجًا فَلَوْلَا
 تَشْكُرُونَ ﴿٧٠﴾ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ﴿٧١﴾ أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ
 شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ ﴿٧٢﴾ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا وَرَمَعًا
 لِلْمُقْوِينَ ﴿٧٣﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ * فَلَا أُقْسِمُ
 بِمَوْقِعِ النُّجُومِ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾



﴿۵۱﴾ بازهرآئینه شما ای گمراهان تکذیب کنندگان! ﴿۵۲﴾ خواهید ازدرختان زقوم خورد. ﴿۵۳﴾ پس از آن شکم هارا پرخواهیدکرد. ﴿۵۴﴾ پس خواهید برآن طعام ازآب گرم آشامید. ﴿۵۵﴾ پس خواهید آشامید مانند آشامیدن شتران مبتلا به بیماری تشنگی. ﴿۵۶﴾ اینست مهمان ایشان روز جزاء. ﴿۵۷﴾ ما شمارا آفریدیم پس چرا باورنمی کنید (یعنی اعاده را). ﴿۵۸﴾ آیامی بینید آنچه را که میریزید (دررحم زنان)؟^(۱) ﴿۵۹﴾ آیاشما آن را می آفرینید یا ماآفرینندهایم^(۲). ﴿۶۰﴾ ما مرگ را مقدر کرده ایم و ما عاجز کرده شده نیستیم. ﴿۶۱﴾ ازآنکه همانندشمارا جایگزین کنیم وشمارا درعالمی که نمیدانید بیافرینیم. ﴿۶۲﴾ وهرآئینه آفرینش نخستین را دانسته اید پس چراپندنمی گیرید. ﴿۶۳﴾ آیا دیدید آنچه را که می کارید. ﴿۶۴﴾ آیاشما میرویانید آن را یا ما رویاننده ایم. ﴿۶۵﴾ اگر خواهیم بگردانیم آن زراعت راگیاهی درهم شکسته به تعجب مانده گوید. ﴿۶۶﴾ هرآئینه ماغرامت کشندگانیم. ﴿۶۷﴾ بلکه ما محروم ماندگانیم. ﴿۶۸﴾ آیا پس دیدید آن آب را که می آشامید. ﴿۶۹﴾ آیاشما فرودآورده اید آن را از ابر یا ما فرودآرندگانیم. ﴿۷۰﴾ ا گرخواهیم آنرا شورمی گردانیم پس چرا شکر نمی کنید. ﴿۷۱﴾ آیاپس دیدید آن آتش را که روشن می کنید (ازمیان شاخ درخت برمی آید). ﴿۷۲﴾ آیاشما آفریده ایددرخت آن را یا ماآفریننده ایم. ﴿۷۳﴾ ما آن درخت را (مایه^۳) پند ومنفعت برای مسافران ساختیم. ﴿۷۴﴾ پس پروردگار بزرگ خودرا به پاکی یادکن. ﴿۷۵﴾ پس به افتادن ستاره ها سوگند میخورم^(۳). ﴿۷۶﴾ وهرآئینه این قسمی است بزرگ اگر بدانید.

(۱) یعنی منی را.

(۲) یعنی تغییر میدهم منی را ازحالی به حالی تاآدمی پیدامی شود والله اعلم.

(۳) یعنی شهابها والله اعلم.

إِنَّهُ لَقَرَّاءٌ كَرِيمٌ ﴿٧٧﴾ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ ﴿٧٨﴾ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا
 الْمُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾ تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾ أَفِي هَذَا الْحَدِيثِ
 أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ ﴿٨١﴾ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ تَكْذِبُونَ ﴿٨٢﴾ فَلَوْلَا
 إِذَا بَلَغَتِ الْخُلُقُومَ ﴿٨٣﴾ وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ ﴿٨٤﴾ وَنَحْنُ أَقْرَبُ
 إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿٨٥﴾ فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ
 ﴿٨٦﴾ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٨٧﴾ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ
 ﴿٨٨﴾ فَرُوحٌ وَرِجَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٍ ﴿٨٩﴾ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ
 الْيَمِينِ ﴿٩٠﴾ فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٩١﴾ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ
 الْمُكْذِبِينَ الضَّالِّينَ ﴿٩٢﴾ فَنُزُلٌ مِّنْ حَمِيمٍ ﴿٩٣﴾ وَتَصْلِيَةٌ جَاحِمٍ
 ﴿٩٤﴾ إِنَّ هَذَا هُوَ حَقُّ الْيَقِينِ ﴿٩٥﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٩٦﴾

سورة الحديد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾ لَهُ مُلْكُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢﴾ هُوَ
 الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣﴾

﴿۷۷﴾ هرآئینه این کتاب قرآنی گرامیقدر است. ﴿۷۸﴾ در کتاب پوشیده نوشته شده است. ﴿۷۹﴾ که به آن جز پاک کردگان دست نمی رسانند^(۱). ﴿۸۰﴾ از جانب پروردگار جهانیان فرستاده شده است. ﴿۸۱﴾ آیا به این سخن انکار کننده اید؟. ﴿۸۲﴾ و (سپاس) روزیتان را تکذیب کردن قرار می دهید. ﴿۸۳﴾ پس آنگاه که روح شخصی نزد گلو رسد. ﴿۸۴﴾ و شما آنگاه می بینید. ﴿۸۵﴾ و ما به اونسبت به شما نزدیک تریم ولیکن نمی نگرید. ﴿۸۶﴾ پس اگر غیر مقهور حکم الهی هستید. ﴿۸۷﴾ چرا آن روح را به بدن باز نمی گردانید اگر راست می گوید^(۲). ﴿۸۸﴾ پس اگر مرده از مقربان بارگاه الهی باشد. ﴿۸۹﴾ پس او را راحت و گل خوشبو و بوستان نعمت است. ﴿۹۰﴾ و اما اگر از اهل سعادت باشد. ﴿۹۱﴾ پس او را از اهل سعادت سلامت است ای مخاطب. ﴿۹۲﴾ و اما اگر از تکذیب کنندگان و گمراهان باشد. ﴿۹۳﴾ پس او را مهمانی از آب گرم است. ﴿۹۴﴾ و او را به دوزخ درآوردن است. ﴿۹۵﴾ هرآئینه این خبر درست بی شبهه ای است. ﴿۹۶﴾ پس پروردگار بزرگ خود را به پاکی یادکن.

سوره حدید مدنی است و آن بیست
ونه آیه و چهار رکوع است

به نام خداوند بخشنده^۱ مهربان.

﴿۱﴾ هر آنچه در آسمانها و زمین است خدا را به پاکی یاد می کنند و او غالب دانا است. ﴿۲﴾ پادشاهی آسمانها و زمین برای اوست زنده میکند و می میراند و او بر هر چیز توانا است. ﴿۳﴾ او نخستین همه است و او آخرین همه است و او آشکار است و او پنهان و او بر هر چیز دانا است.

(۱) یعنی در لوح محفوظ.

(۲) مترجم گوید لفظ لولا داخل است بر ترجمونها و اعاده^۲ آن برای تاکید است.

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ
 عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ
 السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
 بَصِيرٌ ﴿٤﴾ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ
 ﴿٥﴾ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ
 الصُّدُورِ ﴿٦﴾ ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ءَاَنفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ
 مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَأَنفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾
 وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لَتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ
 أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ
 ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ
 لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٩﴾ وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَن أَنفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ
 وَقَتْلَ أَوْلِيكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنفَقُوا مِن بَعْدِ وَقَتْلَوْا
 وَكَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٠﴾ مِّنْ ذَا
 الَّذِي يَقْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهُ ۖ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١١﴾

﴿۴﴾ اوست آنکه آسمان ها وزمین را درشش روز آفرید باز برعرش مستقرشد می داند آنچه را که داخل می شود به زمین و آنچه را که از آن برمی آید و آنچه از آسمان فرودمی آید و آنچه اندر آن بالا میرود و او باشما است هر جا که باشید و خدا به آنچه میکنید بینا است.

﴿۵﴾ پادشاهی آسمان ها وزمین برای اوست و به سوی خدا باز گردانیده میشود. ﴿۶﴾ درمی آورد شب را در روز و درمی آورد روز را در شب و او به راز سینه ها دانا است. ﴿۷﴾ به خدا و رسول او ایمان آورید و از جمله آن مال که شمارا جانشین دیگران دروی قرار داده است خرج کنید پس آنانکه ایمان آورده اند از شما و خرج کرده اند ایشانرا مزد بزرگ است.

﴿۸﴾ و چیست شمارا که ایمان نمی آورید به خدا در حالیکه رسول شمارا دعوت می کند که به پروردگار خویش ایمان آورید و هر آئینه از شما عهد گرفته است ^(۱) اگر هستید باوردارنده. ﴿۹﴾ و اوست آنکه بر بنده خود آیات واضح فرو میفرستد تا شمارا از تاریکی ها به سوی روشنی بیرون آورد هر آئینه خدا بر شما بخشاینده مهربان است. ﴿۱۰﴾ و شمارا چیست که در راه خدا خرج نمی کنید و پس گذاشته آسمان ها وزمین ^(۲) خدای راست برابر نیست از شما آنکه خرج کرد پیش از فتح مکه و قتال کرد (و آنکه این چنین عمل بعد از فتح مکه کرده باشد) آن جماعت در مرتبه بزرگ ترند از آنانکه خرج کردند بعد از فتح و قتال کردند و هریکی را خدا وعده داده است حالت نیک و خدا به آنچه میکنید خبردار است. ﴿۱۱﴾ کیست آنکه خدا را قرض دهد قرض دادن نیک پس آن قرض را برای او دو برابر ادا کند و او را پاداش گرامی قدر است.

(۱) یعنی روز آلت بر بکم.

(۲) یعنی هر کسی که بمیرد آنچه بگذارد ملک خدا باشد پس به آن بخل کردن نهایت زشت است.

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ
وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرُكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾ يَوْمَ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ
لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْظِرُوا نَافِقَتَيْسَ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ أَرْجِعُوا وَرَاءَكُمْ
فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بُابٌ بِاطْنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ
وَوَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ﴿١٣﴾ يُنَادُوهُمْ أَلَمْ تَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَى
وَلَكِنْ كُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ
حَتَّى جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿١٤﴾ فَأَلْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ
فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَىٰكُمْ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ
وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾ * أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ
قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ
أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ
مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿١٦﴾ أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا
لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٧﴾ إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ
وَأَقْرَبُوا اللَّهَ قَرَضًا حَسَنًا يُضَاعَفْ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١٨﴾



﴿۱۲﴾ یادکن روزیکه بینی مردان مسلمان و زنان مسلمان را (باین صفت) که می شتابند نور ایشان پیشاروی ایشان و سمت های راست ایشان (گفته شود) شمارا امروز بوستان هایی که می رود زیر آنها جویها مژده باد جاوید باشید آنجا این مطلب یابی بزرگ است.

﴿۱۳﴾ روزیکه مردان منافق و زنان منافق گویند به مسلمانان به سوی ما بنظر شفقت نگرید تا از نور شما روشنی گیریم گفته شود پس پشت خویش (به دنیا) بازگردید پس روشنی را^(۱) بجوید پس در میان ایشان دیواری بناکرده شود که او را دروازه‌ای باشد که از سوی درون آن رحمت و از جهت بیرون آن دیوار عذاب است. ﴿۱۴﴾ منافقان مسلمانان را آواز دهند آیا ما همراه شما نبودیم گفتند آری ولیکن شما خویشتن را در بلا افکندید و انتظار کردید^(۲) و شك آوردید و آرزوها شمارا فریفته کرد تا آنکه فرمان خدا^(۳) برسید و فریب داد شمارا در فرمانبرداری خدا شیطان فریبده. ﴿۱۵﴾ پس امروز از شما فدیة فرا گرفته نشود و نه از کافران گرفته شود، جای شما آتش است همان آتش لائق شما است و وی بد باز گشتی است. ﴿۱۶﴾ آیا مسلمانان را وقت آن نرسیده است که دل های ایشان وقت یاد کردن خدا و وقت یاد آوردن آنچه آمده است از وحی الهی نیایش کند و نباشند مانند آنانکه داده شده است ایشان را کتاب پیش ازین پس برایشان مدت دراز گشت پس دل های ایشان سخت شد و بسیاری از ایشان بدکارانند. ﴿۱۷﴾ بدانید که خدا زمین را بعد از مرده بودن آن زنده میکند هر آئینه بیان کردیم برای شما نشانه‌ها باشد که شما دریابید. ﴿۱۸﴾ هر آئینه مردان خیرات دهنده و زنان خیرات دهنده و آنانکه خدا را قرض داده‌اند قرض نیک ایشان را دو برابر داده شود و برای ایشان پاداش گرامی قدر است.

(۱) مترجم گوید یعنی درد دنیا روید تحصیل نور کنید که این جاتحصول نور نیست والله اعلم.

(۲) یعنی هزیمت مسلمانان را.

(۳) یعنی اجل.

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ
عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا
بِعَايِنَتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١٩﴾ أَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ
الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ
وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ
مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَمًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ
مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿٢٠﴾
سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ
اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢١﴾ مَا أَصَابَ
مِن مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن
قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٢٢﴾ لِّكَيْلَا
تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ
لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ
النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٤﴾

﴿۱۹﴾ و آنانکه به خدا و پیامبران او ایمان آورده‌اند آن جماعت ایشانند صدیقان و شهیدان نزد پروردگار خویش ایشانراست پاداش ایشان و نورایشان و آنانکه کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند آن جماعت اهل دوزخ‌اند. ﴿۲۰﴾ بدانید که زندگانی دنیا بازیچه و بیهودگی و آرایش است و خودستایی است در میان شما و در مالها و فرزندان از یکدیگر زیاده طلبی است مانند بارانی که به شگفت آورد زراعت کنندگان را رویدن آن باز خشک شود پس آن را ببینی باز درهم شکسته گردد و در آخرت عذاب سخت است و نیز از جانب خدا آمرزش و خوشنودیست و نیست زندگانی دنیا مگر بهره‌ای که باعث فریب باشد. ﴿۲۱﴾ به سوی آمرزشی از جانب پروردگارتان سبقت کنید و به سوی بهشتی که پهنایی او مانند پهنایی آسمان و زمین باشد برای آنانکه ایمان می‌آورند به خدا و پیامبران او آماده کرده شد اینست فضل خدا می‌دهدش بهر که خواهد و خداوند صاحب فضل بزرگ است. ﴿۲۲﴾ هیچ مصیبتی در زمین و نه در جانهای شما نرسید مگر نوشته شده است در کتابی پیش از آنکه آن مصیبت را بیافرینیم هر آئینه این کار بر خدا آسان است. ﴿۲۳﴾ (خبر داده‌ایم) تا بر آنچه از دست شما رفت اندوه نخورید و تا به آنچه عطا کرد شمارا شادمان نشوید و خدای تعالی هر تکبر کننده خودستاینده را دوست نمی‌دارد. ﴿۲۴﴾ (دوست نمی‌دارد) آنانرا که بخل میکنند و مردمان را به بخل می‌فرمایند و هر که رویگردان شود هر آئینه خدا همان بی‌نیاز ستوده است.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ
وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ
بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ
بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ
وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ
وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٦﴾ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى آثَرِهِمْ
بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا
فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً
أَبْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ
فَمَنْ رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ
وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٧﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ
وَءَامِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا
تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٨﴾ لَيْلًا يَعْلَمُ
أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ
الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾

﴿۲۵﴾ هرآئینه پیامبران خود را به نشانه‌های واضح و همراه ایشان کتاب و ترازو را فرستادیم تا مردمان به انصاف عمل کنند و آهن را که در آن مایهٔ جنگ سخت و منفعت‌های دیگر برای مردمان است فرود آوردیم و تا خدا کسی را که (دین) خدا و پیامبران او را غایبانه نصرت می‌دهد معلوم بدارد هرآئینه خداتوانای غالب است. ﴿۲۶﴾ و به راستی که نوح و ابراهیم را فرستادیم و در اولاد ایشان پیامبری و کتاب را نهادیم پس بعضی ایشان راه یابنده است و بسیاری از ایشان بدکارانند. ﴿۲۷﴾ باز از پی ایشان پیامبران خود را فرستادیم عیسی پسر مریم را از پی آوردیم و انجیل دادیمش و در دل‌های تابعان او مهربانی و بخشایش نهادیم و گوشه نشینی‌ای که خود آن را پیدا کرده بودند ما آنرا برایشان فرض نکرده بودیم لیکن به طلب خوشنودی خدا اختراع کردند پس آنرا نگاهداشت نکردند حق نگهداشتن آن پس آنان را که ایمان آوردند از ایشان^(۱) پاداش ایشان را عطا کردیم و بسیاری از ایشان بدکارانند. ﴿۲۸﴾ ای آنانکه ایمان آورده‌اید به پیامبران سابق از خدا بترسید و به پیامبر او^(۲) ایمان آورید تا شمارا دو حصه از رحمت خود بدهد و تا شمارا نوری بدهد که به آن راه روید و تا شمارا پیامرزد و خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۲۹﴾ (خدا به این امر خیر داد) تا اهل کتاب بدانند که ایشان بر چیزی از فضل خدا قادر نیستند و بدانند که فضل به دست خداست آن را بهره‌کده خواهد می‌دهد و خدا صاحب فضل بزرگ است.

(۱) یعنی به محمد صلی الله علیه وسلم.

(۲) یعنی به محمد صلی الله علیه وسلم.

سُورَةُ الْمَجَادَلَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ
 وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿١﴾ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ
 مِنْكُمْ مِّن نِّسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا الَّتِي
 وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ
 اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ ﴿٢﴾ وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِّن نِّسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ
 لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا ذَلِكُمْ تُوعَظُونَ
 بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٣﴾ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ
 مُتَتَابِعَيْنِ مِن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا فَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فإِطْعَامُ سِتِّينَ
 مِسْكِينًا ذَلِكَ لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ
 وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
 كِتُوتُوا كَمَا كُتِبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ
 وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٥﴾ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم
 بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٦﴾

سوره مجادله مدنی است و آن بیست
ودو آیه و سه رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ هر آئینه شنید خدای تعالی سخن آن زن را که گفتگو میکرد با تو درباره شوهر خود و پیش خدا شکایت میکرد و خدامی شنود گفتگو کردن شمارا هر آئینه خداشنوای بیناست. ﴿۲﴾ آنانکه از شما با زنان خود^(۱)ظهار میکنند آن زنان مادران ایشان نیستند، مادران ایشان نیستند مگر آنانکه ایشان را زاده‌اند و هر آئینه اینظهار کنندگان سخن ناپسند و دروغ میگویند و هر آئینه خدا عفوکننده آمرزنده است. ﴿۳﴾ و آنانکه با زنان خودظهار می‌کنند سپس در مخالفت آنچه گفتند رجوع میکنند پس آزاد کردن برده ای پیش از آنکه زن و مرد بایکدیگر دست رسانند^(۲) واجب است این حکم پند داده میشود شمارا به آن و خدا به آنچه میکنید خبردار است. ﴿۴﴾ پس هر که برده ای را نیابد پس بروی روزه داشتن دوماه پی در پی پیش از آنکه هر دو بایکدیگر دست رسانند واجب است پس هر که این را نتواند پس طعام دادن شصت فقیر لازم است، این حکم برای آنست که به خدا و پیامبر او منقاد شوید و این احکام حد مقرر کرده خداست و کافران را عذاب دردناک باشد. ﴿۵﴾ هر آئینه آنانکه با خدا و رسول او مخالفت میکنند ایشان خوار کرده شدند چنانکه آنان را که پیش از ایشان بودند خوار کرده شدند و هر آئینه آیات واضح فرود آوریم و کافران را عذاب خوار کننده است. ﴿۶﴾ روزیکه خدا همگی ایشانرا برانگیزد پس ایشانرا خبر دهد به آنچه کرده بودند خدا آریاد داشت کرد و ایشان آن را فراموش کردند و خدا بر همه چیز مطلع است.

(۱) زنی را شوهر او گفت «انت علی کظهر اُمّی» تو بر من مانند پشت مادرمی، آن زن پیش آن حضرت صلی الله علیه وسلم این ماجرا را عرض کرد فرمودند که حرام شدی آن زن که عیال بسیار و مال اندک داشت عرض کرد خدای تعالی این آیت را فرستاد.

(۲) یعنی تشبیه می دهند زنان خود را به پشت مادر.

(۳) یعنی جماع کند.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ
 نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى
 مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا
 عَمَلُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ
 نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَجَّوْنَ بِالْآثِمِ
 وَالْعَادُونَ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوكَ بِمَا لَمْ يُحْيِكَ
 بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُكُمْ
 جَهَنَّمُ يَصَلُّونَهَا فِئَسَ الْمَصِيرُ ﴿٨﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا
 تَجَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَجَّوْا بِالْآثِمِ وَالْعَادُونَ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ
 وَتَنَجَّوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٩﴾ إِنَّمَا
 النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيْسَ بِضَرِّهِمْ
 شَيْءٌ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾ يَأَيُّهَا
 الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ
 اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانْشُرُوا يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ
 وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١١﴾

﴿۷﴾ آیا ندیدی که خدا آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است میداند هیچ رازگوی سه شخص بایکدیگر نمی باشد مگر اینکه خدا چهارم ایشان است و هیچ رازگویی پنج شخص نمی باشد مگر خدا ششم ایشان است و نه کمتر ازین و نه زیاده مگر خدا با ایشانست هر کجا باشند باز ایشان را روز قیامت به آنچه کرده اند خبر می دهد هر آینه خدا بر هر چیز داناست. ﴿۸﴾ آیا ندیدی آن کسانی را که منع کرده شدند از رازگفتن بایکدیگر^(۱) سپس باز میگردند در آنچه از آن منع کرده شدند و بیکدیگر راز میگویند در باب گناه و تعدی و نافرمانی پیامبر و چون بیایند پیش تو دعا کنند تو را به آن کلمه ای که تو را خدا به آن^(۲) دعا کرده است و درد لای خویشت میگویند چرا خدا ما را عذاب نمیکند به سبب آنچه میگوییم^(۳) ایشانرا دوزخ بس است در آیند در آن جا پس بدجائست دوزخ. ﴿۹﴾ ای مسلمانان چون بایکدیگر راز گوید پس راز مگوید در باب گناه و تعدی و نافرمانی پیامبر و راز گوید در باب نیکوکاری و پرهیزکاری و بترسید از خدایی که به سوی او حشر کرده خواهید شد. ﴿۱۰﴾ جز این نیست که راز گفتن بد از کار شیطان است تا مسلمانان را اندوهیگن کند و نیست هیچ زیان رساننده به ایشان مگر باراده خدا، و مؤمنان باید که بر خدا توکل کنند. ﴿۱۱﴾ ای مؤمنان چون گفته شود شمارا که گشاده بنشینید در مجلس ها پس جای را گشاده کنید تا خدا برای شما (هر مشکلی را) بگشاید و چون گفته شود برخیزید پس برخیزید تا خدا مرتبه آنان را که ایمان آورده اند از شما بلند کند و نیز آنانکه ایشانرا علم عطا کرده شده است به مرتبه هابند و خدا به آنچه میکنید با خبر است.

(۱) یعنی یهود که راز ایشان در ایادی مسلمین بود والله اعلم.

(۲) یعنی بجای السلام عليك السام عليك گویند یعنی مرگ بر تو باد.

(۳) یعنی اگر پیامبر راست است بایستی که ما را عذاب می رسد والله اعلم.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِ مُوَابِّينَ يَدَىٰ نَجْوِكُمْ
 صَدَقَةٌ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَظْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
 ﴿١٢﴾ ءَأَسْفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَىٰ نَجْوِكُمْ صَدَقَتٍ فَإِذْ لَّمْ تَفْعَلُوا
 وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ
 وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٣﴾ * أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا
 قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُم مِّنكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ
 وَهُمْ يَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا
 يَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ فَاهْتَمَّ
 عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٦﴾ لَّنْ تَغْنَىٰ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِّنَ اللَّهِ
 شَيْئًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٧﴾ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ
 اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ
 عَلَىٰ شَيْءٍ ءَالٍ إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿١٨﴾ أَسْتَحْوِذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ
 فَأَنسَهُمُ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَٰئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ ؕ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ
 هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُحَادِّثُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ فِي الْأَذْيَانِ
 ﴿٢٠﴾ كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي ؕ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٢١﴾



﴿۱۲﴾ ای مؤمنان چون خواهید که با پیامبر راز گوید پس پیش از راز گفتن خود نخست خیرات بدهید این کار برای شما بهتر و پاکیزه تر است پس اگر نیافتید هر آئینه خدا آمرزنده مهربانست^(۱). ﴿۱۳﴾ آیاتر سیدید از آنکه پیش از راز گفتن خود خیرات دهید پس چون نکریدید و خدا از شما درگذشت پس نماز را برپادارید و زکوة را بدهید و خدا و رسول او را فرمانبرداری کنید و خدا به آنچه میکنید خبردارست. ﴿۱۴﴾ آیا آنان را که دوستی کردند با قومی که خدا برایشان^(۲) غضب کرده است ندیدی این منافقان از شما نیستند و نه از یهود و سوگند میخورند به دروغ در حالیکه ایشان میدانند. ﴿۱۵﴾ خدا برای ایشان عذابی سخت آماده ساخته است هر آئینه بد است آنچه میکردند. ﴿۱۶﴾ سوگندهای خود را سپر گرفته اند پس مردم را از راه خدا بازداشتند پس برای ایشان عذاب خوار کننده است. ﴿۱۷﴾ اموال ایشان و نه فرزندان ایشان هرگز آنها را از عذاب خدا باز نخواهد داشت این جماعت اهل دوزخ اند، ایشان در آنجا جاویدان باشند. ﴿۱۸﴾ روزیکه خدا همگی ایشانرا برانگیزد پس سوگند میخورند به حضور او چنانکه به حضور شما سوگند میخورند و می پندارند که ایشان بر چیزی هستند آگاه شو هر آئینه ایشانند دروغگویان. ﴿۱۹﴾ شیطان برایشان غالب آمده است پس از خاطر ایشان یاد خدا را برده است این جماعت لشکر شیطانند آگاه شو همانا لشکر شیطان ایشانند زیان کاران. ﴿۲۰﴾ هر آئینه آنانکه با خدا و رسول او مخالفت میکنند این جماعت در جمله خوارترین مردم اند. ﴿۲۱﴾ خدا حکم کرد که البته من و پیامبران من غالب شویم هر آئینه خدا توانای غالب است.

(۱) مترجم گوید این حکم منسوخ است به آیتی که می آید والله اعلم.

(۲) یعنی منافقان با یهود دوستی کردند والله اعلم.

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ
 اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ
 أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ
 بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ
 اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٢٢﴾

سُورَةُ الْحَشْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
 ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ
 لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ
 حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَتْهُمْ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ
 فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِ الْمُؤْمِنِينَ
 فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ ﴿٢﴾ وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ
 الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ﴿٣﴾

﴿۲۲﴾ نخواهی یافت قومی را که به خدا و روز آخرت ایمان دارند به این صفت که دوستی کنند با کسی که با خدا و رسول او خلاف کرده است و اگرچه آن جماعت پدران ایشان یا پسران ایشان یا برادران ایشان یا خویشاوندان ایشان باشند آن مومنان که با کافران دوستی ندارند خدا در دل های ایشان ایمان را نوشته است و ایشان را به فیضِ غیبی از جانب خود قوت داده است و ایشان را به بوستان ها یی که زیر آن جویها جاری است درآورد، در آنجا جاویدانند خدا از ایشان خوشنود شد و ایشان از خدا خوشنود شدند ایشانند لشکر خدا آگاه شوید هر آئینه لشکر خدا همانان رستگارانند.

سوره حشر مدنی است و آن بیست
و چهار آیه و سه رکوع است

به نام خداوند بخشنده^۱ مهربان.

﴿۱﴾^(۱) به پاکی یاد کرد خدای را آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است و اوست غالب با حکمت. ﴿۲﴾ اوست آنکه آنان را که کافر شدند از اهل کتاب از خانه های ایشان در اوّل جمع کردن لشکر بیرون راند، گمان نداشتید شما ای مسلمانان که بیرون روند و آن کافران گمان میکردند که قلعه های ایشان نگاه دارنده^۲ ایشان از عقوبتِ خدا باشد پس عقوبتِ خدا از آن جا یی برایشان آمد که گمان نمی کردند و در دل های ایشان ترس را افکند که خانه های خود را بدست های خویش و بدست های مسلمانان خراب میکردند پس ای صاحبان بصیرت عبرت گیرید. ﴿۳﴾ و اگر آن نبود که خدا جلا وطنی را برایشان نوشت هر آئینه ایشان را درد نیا^(۲) عقوبت میکرد و ایشان را در آخرت عذاب آتش است.

(۱) مترجم گوید که آن حضرت صلی الله علیه وسلم چون به مدینه آمدند بانی نضیر صلح کردند و ایشان بسبب شقاوت ازلی سعی عداوت آن حضرت صلی الله علیه وسلم پیش گرفتند آن حضرت صلی الله علیه وسلم اراده فرمود که آن جماعت را جلاوطن فرماید منافقان آن ملعونان را پیغام فرستادند که شما قتال کنید و در جنگ استواری ورزید که ماریق شما ایم خدای تعالی بر خلاف اراده منافقان در اول جمع کردن لشکر بریهودالفا رُعب فرمود تا عاجز آمدند و جلا وطنی اختیار کردند و سخن اهل نفاق را نشنیدند و بقتال و تکرار جمع رجال اتفاق نیفتاد و اموال ایشان فُیء شد و فُیء آنرا گویند که بغیر قتال بدست مسلمانان افتد خدای تعالی منت بر مسلمانان نهاد حکم فُیء بیان فرمود و از اراده منافقان خبر داد و الله اعلم.

(۲) بنوعی دیگر والله اعلم.

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۖ وَمَن يُشَاقِقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ
 الْعِقَابِ ﴿٤﴾ مَا قَطَعْتُم مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَى
 أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ ﴿٥﴾ وَمَا آفَاءَ اللَّهِ
 عَلَى رَسُولِهِ ۚ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِن خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ
 وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَن يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ ﴿٦﴾ مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ ۚ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ
 وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَلِالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ ۚ وَابْنِ السَّبِيلِ ۚ كَى لَا يَكُونَ
 دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ ۚ وَمَا تَكُونُ لَكُمُ الرِّسُولُ فَخْذُوهُ
 وَمَا نَهَكُمُ عَنْهُ فَأَنْتَهُوا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ
 ﴿٧﴾ لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ
 يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ
 أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّدِيقُونَ ﴿٨﴾ وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن
 قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَن هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُورِهِمْ
 حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ
 وَمَن يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٩﴾

﴿۴﴾ این عذاب به سبب آنست که ایشان با خدا و رسول او مخالفت کردند و هر که با خدا مخالفت کند پس هر آئینه خدا سخت عقوبت است. ﴿۵﴾ آنچه از درختِ خرما بریدید یا آن را ایستاده بر بیخ و ریشه‌های آن گذاشتید پس به فرمان خدا بود و تا بدکاران را خوار کند^(۱). ﴿۶﴾ و آنچه خدا بر پیامبر خود از اموال (بنی نضیر) عائد گردانید پس شما بر آن اسپان و شتران را نتاخته بودید ولیکن خدا پیامبران خود را بر هر که خواهد غالب میگرداند و خدا بر هر چیز تواناست. ﴿۷﴾ آنچه خدا بر پیامبر خود از اموال ساکنان قریه‌ها عائد گردانید پس برای خدا و پیامبر و خویشاوندان^(۲) و یتیمان و فقیران و راه گذراست (بیان فرمودیم) تا آن دستگردان در میان توانگران شما نباشد و هر چه پیامبر شمارا بدهد آن را بگیرید و هر چه شمارا ازان منع کند باز ایستید و از خدا بترسید هر آئینه خدا سخت عقوبت است. ﴿۸﴾ آن فئی برای فقیران هجرت کننده است آنانکه ایشان از خانه هایشان و اموال ایشان بیرون کرده شدند از پروردگار خویش نعمت و خوشنودی را می طلبند و خدا و پیامبر را نصرت میدهند این جماعت همان راست گویان هستند. ﴿۹﴾ و نیز آنان که جای گرفتند به دارالاسلام^(۳) و جای پیدا کردند در ایمان پیش از مهاجران دوست میدارند هر که هجرت میکند به سوی ایشان و نمی یابند در خاطر خود دغدغه از طرف آنچه داده شد مهاجران را و دیگران را بر خویشتن ترجیح میدهند و اگر چه ایشانرا احتیاج باشد و هر که نگاهداشته شد از حرصِ نفسِ خویش پس آن جماعت ایشان رستگارانند.

(۱) یعنی قطع درخت میوه دار وقت جهاد جائز است و ترك آن نیز جائز والله اعلم.

(۲) یعنی خویشاوندان پیامبر را.

(۳) یعنی به مدینه.



وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا
الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ
آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٠﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ
نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا
وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ
﴿١١﴾ لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ
وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ ﴿١٢﴾ لَأَنْتُمْ
أَشَدُّ رَهَبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ
لَا يَفْقَهُونَ ﴿١٣﴾ لَا يَقْتُلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قَرْيٍ مُحَصَّنَةٍ
أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا
وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٤﴾ كَمَثَلِ
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ
أَلِيمٌ ﴿١٥﴾ كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا
كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾

﴿۱۰﴾ و کسانی که بعد مهاجران و انصار آمدند می‌گویند ای پروردگار ما مارا و برادران مارا که به ایمان آوردن بر ما سبقت کردند بیمارز و دردل های ما هیچ کینه نسبت به آنانکه ایمان آورده اند قرارمده ای پروردگار ما هرآئینه تو بخشاینده مهربانی^(۱). ﴿۱۱﴾ آیندیدی آنان را که منافق شدند میگویند آن برادران خود را که کافران اهل کتاب اگر بیرون کرده شوید البته ما نیز همراه شما بیرون می‌شویم و فرمان هیچکس را هرگز در حق شما قبول نمی‌کنیم و اگر جنگ کرده شود با شما البته شما را نصرت دهیم و خداگواهی می‌دهد که ایشان دروغگویانند. ﴿۱۲﴾ اگر بیرون کرده شوند همراه ایشان (منافقان) بیرون نمی‌روند و اگر جنگ کرده شود با ایشان ایشان را نصرت ندهند و اگر به فرض ایشان را نصرت دهند البته پشت های خود را بعد از آن بازگردانند سپس ایشان را مدد کرده نشود. ﴿۱۳﴾ هرآئینه شما ای مسلمانان دردل های ایشان از خدا بارعب ترید این به سبب آنست که ایشان قومی هستند که نمی‌فهمند^(۲). ﴿۱۴﴾ همگی باشما جنگ نمی‌کنند مگر در ده هایی که بر آن حصار ساخته باشند یا از پشت دیوار، جنگ ایشان در میان خودشان سخت است ایشان را همدست می‌پنداری حال آنکه دل های ایشان پراکنده است این به سبب آنست که ایشان قومی هستند که در نمی‌یابند^(۳). ﴿۱۵﴾ داستان ایشان مانند داستان آنانست که پیش از ایشان بودند در نزدیکی وبال گناه خود را چشیدند و ایشان را عذاب دردناک است^(۴). ﴿۱۶﴾ داستان منافقان با اهل کتاب مانند داستان شیطان است چون آدمی را گفت کافر شو پس چون کافر شد گفت هرآئینه من از تو بیزارم هرآئینه من از خداوند پروردگار جهانیان می‌ترسم.

(۱) مترجم گوید ازین آیت معلوم شد که درقی هر مسلمان را حق است پس احوج فالاحوج را (به ترتیب اولویت) باید داد تا آنکه مال فی کفایت کند والله اعلم.

(۲) یعنی از عذاب خدا که مؤجل است پروا ندارند والله اعلم.

(۳) یعنی بایکدیگر خانه جنگی‌ها دارند مصلحت ایشان یکی نیست والله اعلم.

(۴) یعنی چنانکه اهل بدر مغلوب و منهزم شدند ایشان نیز منهزم گشتند والله اعلم.

فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ
 الظَّالِمِينَ ﴿١٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ
 مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾
 وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ
 هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿١٩﴾ لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ
 الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٢٠﴾ لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا
 الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مَّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ
 اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ
 ﴿٢١﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
 هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿٢٢﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ
 الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ
 الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٢٣﴾ هُوَ اللَّهُ
 الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ
 لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٤﴾

سُورَةُ الْمُحْتَشِبَةِ

﴿۱۷﴾ پس عاقبت کار این شیطان و این آدمی آن شد که ایشان در آتش باشند جاویدان در آن جا، و این جزای ستمکاران است. ﴿۱۸﴾ ای مسلمانان از خدا بترسید و باید که هر شخص تأمل کند که چه چیز برای فردا^(۱) پیش فرستاده است و از خدا بترسید، هر آینه خدا به آنچه می‌کنید خبردار است. ﴿۱۹﴾ و مباشید مانند آنانکه خدا را فراموش کردند پس خدا تدبیر حال ایشانرا از خاطر ایشان فراموش گردانید این جماعت ایشانند بدکاران. ﴿۲۰﴾ اهل دوزخ و اهل بهشت برابر نیستند اهل بهشت همیشان رستگار اند. ﴿۲۱﴾ اگر این قرآن را بر کوهی فرود می‌آوردیم هر آینه آنرا نیایش کرده، پاره پاره از خوف خدا میدیدی و این داستان‌ها را برای مردمان بیان می‌کنیم تا ایشان تأمل کنند. ﴿۲۲﴾ اوست آن خدایی که جز او هیچ معبود بر حق نیست دانندهٔ نهان و آشکارا و بخشایندهٔ مهربان است. ﴿۲۳﴾ اوست آن خدایی که جز او هیچ معبود بر حق نیست پادشاهِ نهایتِ پاکِ سلامت از همه عیب امن دهندهٔ نگاهبانِ غالبِ خود اختیار بزرگوار خدای را پاکی است از آنچه ایشان شریک مقرر میکنند. ﴿۲۴﴾ اوست خدای آفریدگار نوپدید آورندهٔ نگارنده، اوست نامهای نیک، به پاکی یاد میکند او را هر چه در آسمان ها و زمین است و او غالب با حکمت است.

(۱) یعنی برای روز قیامت.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ
إِلَيْهِم بِالْمُودَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ
وَإِيَّاكُمْ أَنْ تَوَافِقُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي
وَأَبْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمُودَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ
وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ۝١ إِنْ
يَتَّقَوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُمُ
بِالسُّوءِ وَوَدُّوا أَنْ تُكْفُرُوا ۝٢ لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ
يَوْمَ الْقِيَمَةِ يَفْصَلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝٣ قَدْ كَانَتْ
لَكُمْ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا الْقَوْمُ هُمْ
بِئْرَاءُ أَوْ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا
وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ ۝٤ الْإِقُولَ
إِبْرَاهِيمَ لَا إِلَهَ إِلَّا سَتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۝٥
رَبَّنَا عَلِّمَكَ تَوْكَلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ۝٦ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا
فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفُ رَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝٧

سوره ممتحنه مکی است و آن سیزده
آیه و دو رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ ای مسلمانان دشمنانِ مرا و دشمنانِ خود را دوستان مگیرید که با آنها مهربانی کنید و هر آئینه ایشان به آنچه آمده است به شما از دینِ راست کافر شده اند پیامبر و همچنین شما را از وطن بیرون میکنند به علت آنکه به خدا پروردگارتان ایمان آورده اید، (آنها را دوست مگیرید) اگر از سرزمین خود برای جهاد در راه من و به طلب رضامندی من بیرون آمده اید به پنهان به سوی ایشان پیغام دوستی میفرستید حال آنکه من آنچه پنهان میکنید میدانم و آنچه آشکار می نمایم و هر که از شما این کار را بکند هر آئینه راه هموار را گم کرده است. ﴿۲﴾ اگر کافران شما را ببندد در حق شما دشمن باشند و به سوی شما دستهای خود و زبان های خود را به اذیت بگشایند و دوست دارند که کافر شوید. ﴿۳﴾ شما را خویشاوندان شما و نه فرزندان شما روز قیامت سود نخواهند داد، خدا در میان شما فیصله خواهد کرد، و خدا به آنچه میکنید بینا است. ﴿۴﴾ هر آئینه هست برای شما الگوی نیک با ابراهیم و آنانکه همراه او بودند چون قوم خود را گفتند هر آئینه ما از شما و از آنچه جز خدا می پرستید بیزاریم، کافر شدیم به شما و میان ما و میان شما دشمنی و ناخوشی همیشه پدید آمد تا وقتیکه به خدای تنها ایمان آورید (شما را الگوی نیک است با ابراهیم) مگر در قول ابراهیم که به پدرش (گفت) که آمرزش طلب خواهم کرد برای تو و از خدا چیزی برای تو نمی توانم^(۱) ابراهیم گفت ای پروردگار ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو رجوع نمودیم و به سوی تست باز گشت. ﴿۵﴾ ای پروردگار ما را زیر دست کافران قرار مده ای پروردگار ما را بیمارز هر آئینه تویی غالب با حکمت.

(۱) مترجم گوید آن حضرت صلی الله علیه وسلم خواستند که به فتح مکه متوجه شوند و می خواستند کسی اهل مکه را از قصد آن حضرت مطلع نکند تا ناگاهان بر سر ایشان به رسد یکی از صحابه به طرف ایشان نامه ای نوشت و بر قصد آن حضرت مطلع ساخت خدای تعالی آن حضرت صلی الله علیه وسلم را اطلاع داد تا آن نامه را از راه باز آوردند و خدای تعالی در باب منع ازدوستی کفار این آیات را نازل ساخت.

(۲) یعنی درین قول اقتداء به ابراهیم نباید کرد و استغفار برای کافر درست نیست والله اعلم.



لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ
وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٦﴾ عَسَى اللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ
وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُمْ مَّوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
﴿٧﴾ لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم
مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ
﴿٨﴾ إِنَّمَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن
دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ
هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مِهْجَرَاتٍ
فَأَمْتَحِنُوهُنَّ ۚ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا
تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَأَهُنَّ حُلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَءَاتُوهُنَّ
مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ
وَلَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ وَتَسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُم مَّا أَنْفَقُوا
ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾ وَإِن فَاتَكُمْ
شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقِبْتُهُمْ فَأَتَاؤُا الَّذِينَ ذَهَبَتْ
أَزْوَاجُهُمْ مِّثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾

﴿۶﴾ هرآئینه شمارا به جماعت مذکوره اقتداء نیک هست کسی را از شما که ملاقات خدا و روز آخرت را امید دارد و هر که رویگردان شود پس هرآئینه خدا بی نیاز ستوده کاراست.

﴿۷﴾ نزدیک است خدا از آنکه در میان شما و در میان آنانکه دشمنی داشته اید با آنها دوستی^(۱) قرار دهد و خدا تواناست و خدا آمرزنده مهربانست. ﴿۸﴾ خدا شمارا از مواصلتِ آنانکه جنگ نکرده اند باشما در باره دین و بیرون نکرده اند شمارا از خانه های شما منع نمیکند از آنکه به ایشان احسان کنید و در حق ایشان انصاف کنید هرآئینه خدا انصاف کنندگان را دوست میدارد. ﴿۹﴾ همانا منع میکند خدا شمارا از مواصلتِ آنانکه باشما در دین جنگ کرده اند و شمارا از خانه هایتان بیرون کرده اند و معاونتِ دیگران در بیرون کردن شما کرده اند منع میکند از آنکه با ایشان دوستی کنید و هر که با ایشان دوستی کند پس آن جماعت همیشان ستمکارانند. ﴿۱۰﴾ ای^(۲) مسلمانان چون بیایند پیش شما زنانِ مسلمان هجرت کرده پس ایشانرا امتحان کنید^(۳) خدا به ایمان ایشان داناتراست پس اگر ایشان را مسلمان دانید ایشان را به سوی کافران باز نفرستید نه این زنان برای کافران حلال اند و نه آن کافران برای این زنان حلال اند و به شوهران آنچه خرج کردند بدهید^(۴) و بر شما گناه نیست که به ایشان نکاح کنید چون مهر ایشان را بدهید دست آویز زنانِ نامسلمان را^(۵) نگاه ندارید و طلب کنید آنچه شما خرج کردید و باید که مشرکان طلب کنند آنچه خرج کرده اند^(۶) اینست حکم خدا میان شما فیصله میکند و خدا دانای با حکمت است. ﴿۱۱﴾ و اگر از دست شما کسی از زنان شما به سوی کافران برود پس غنیمت بدست آوردید پس بدهید آنان را که رفته باشند زنان ایشان مانند آنچه خرج کرده باشند و بترسید از خدایی که شما و او را باور دارنده اید^(۷).

(۱) یعنی ایشان را توفیق اسلام دهد.

(۲) مترجم گوید در صلح حدیبیه بعضی از زنان کفار هجرت کرده به مدینه می آمدند و بعضی از زنان مسلمین مرتد گشته به کفار ملحق میشدند خدای تعالی حکم این جماعت بیان فرمود والله اعلم.

(۳) یعنی قسم دهید ایشان را که به سبب ناخوشی شوهران خود یا به سبب عشق مردان دیگر نیامده اند [فقط بخاطر اسلام هجرت کرده اند]. والله اعلم.

(۴) یعنی مهری که شوهران کفار داده بودند بازگردانید والله اعلم.

(۵) یعنی بر نکاح زن کافر ادامه نباید داد والله اعلم.

(۶) یعنی اگر زنی مرتد شده باشم مشرکان ملحق شود مهر او باید طلبید و اگر زنی مسلمان شده هجرت کند مهر او را باید داد والله اعلم.

(۷) مترجم گوید که اگر کفار معاهد باشند و زنی مرتد به ایشان ملحق گردد از ایشان مهر باید طلبید چنانکه در آیت سابقه معلوم شد اگر کفار حربیان باشند از غنائم اموال ایشان شوهر آن مرتده را مهر باید داد، بعد فتح مکه این همه احکام مرتفع شدند نزد این فقیر نسخ این احکام ثابت نشده است پس اگر مثل حالتیکه در صلح حدیبیه بود باز رود از روی تحقیق بر همین احکام عمل کرده شود والله اعلم.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايَعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكَنَ بِاللَّهِ
 شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ
 بِهِنَّ يَفْتَرِيْنَهُ بَيْنَ أَيْدِيْهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيْنَكَ فِي
 مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ
 ١٢ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ
 يَسْأَلُونَ مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَسْأَلُ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ ١٣

سُورَةُ الصَّافِّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
 ١ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ٢
 كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ٣ إِنَّ
 اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ ۖ صَفَآكَ أَنَّهُمْ
 بُنِينَ مَرْصُوصٍ ٤ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ ۖ يَقُومُوا
 تُؤَدُّونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا
 أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ٥

﴿۱۲﴾ ای پیامبر چون نزدِ تونزانِ مسلمان بیایند که باتو بیعت کنند به این شرط که باخدا چیزی را شریک مقرر نکنند و دزدی نکنند و زنانکنند و اولاد خود را نکشند و پیش نیارند سخن دروغ که آن را در میان دستهای خویش و در میان پاهای خویش بر بسته باشند^(۱) و تورا در کارنیک نافرمانی نکنند پس از ایشان بیعت قبول کن و برای ایشان از خدا طلب آموزش کن هر آئینه خدا آمرزنده مهربانست. ﴿۱۳﴾ ای مسلمانان با گروهی که خدا بر آنها خشم گرفته است دوستی نکنید آن جماعت از ثواب آخرت ناامید شده اند چنانکه کافران از اهل گور ناامید شده اند^(۲).

سوره صف مدنی است و آن چهارده
آیه و دو رکوع است

به نام خداوند بخشنده^۳ مهربان.

﴿۱﴾ خدا را به پاکی یادکرد آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است و اوست غالبُ باحکمت. ﴿۲﴾ ای مسلمانان چرا می گویید آنچه انجام نمی دهید. ﴿۳﴾ بسیار ناپسندیده است نزدِ خدا آنکه بگویید چیزی را که نمی کنید^(۳). ﴿۴﴾ هر آئینه خدا آنان را که جنگ میکنند در راه خدا صف بسته دوست میدارد گویا ایشان عمارتی هستند محکم به یکدیگر چسبیده. ﴿۵﴾ و یادکن چون موسی به قوم خود گفت ای قوم من چرا مرا میرنجانید حال آنکه به یقین می دانید که من به سوی شما فرستاده^۴ خدایم پس وقتی که کجروی کردند خدا دل های ایشان را کج ساخت و خدا قوم بدکاران را هدایت نمی کند.

(۱) یعنی فرزند کسی را به دیگری منسوب نکنند والله اعلم.

(۲) یعنی خدای تعالی حکم به عذاب ایشان کرده است پس هرگز ایمان نیارند و ثواب نیابند چنانچه کافران بعدِ مردن بر کفر توقع ثواب ندارند والله اعلم.

(۳) یعنی باخدا عهد کنید و به وفا نرسانید.

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ بَنِي إِسْرَءِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا
 بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ فَلَمَّا
 جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٦﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى
 اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
 ﴿٧﴾ يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ
 الْكَافِرُونَ ﴿٨﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ
 عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٩﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَذِلُّكُمْ عَلَى
 تَجَرَّةٍ تَنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ الْيَمِّ ﴿١٠﴾ تَوَمَّنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَجْهَدُونَ
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١١﴾
 يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسْكِنَ
 طَيْبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾ وَأُخْرَى تَجُوبُوهَا نَصْرُ
 مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا
 أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ
 قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَنْتَ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ
 وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ ﴿١٤﴾

﴿۶﴾ و یادکن چون عیسیٰ پسر مریم گفت ای بنی اسرائیل هرآنینه من پیامبر خدا به سوی شما هستم باوردارنده آنچه از تورات پیشا روی من است و بشارت دهنده به پیامبری که بعد از من بیاید نام او احمد باشد پس چون احمد (صلی الله علیه وسلم) با معجزه ها پیش ایشان آمد گفتند این سحر ظاهراست. ﴿۷﴾ و کیست ستمکارتر از کسیکه برخدا دروغ را بر بست درحالیکه او به سوی اسلام خوانده می شود و خدا گروه ستمکاران را راه نمی نماید. ﴿۸﴾ این کافران میخواهند که نورخدارا به دهن های خویش فرو نشانند و خداتمام کننده نور خوداست اگرچه کافران ناگوار دارند. ﴿۹﴾ اوست آنکه پیامبر خود را به هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب کند اگرچه مشرکان ناگوار دارند. ﴿۱۰﴾ ای مسلمانان آیا شمارا به تجارتی دلالت کنم که شمارا از عذاب دردناک برهاند. ﴿۱۱﴾ به خدا و رسول او ایمان آورید و در راه خدا با اموال و جان های خود جهاد کنید این برای شما بهترست اگر بدانید. ﴿۱۲﴾ (اگر این چنین کنید) برای شما گناهان شمارا بپامزد و شمارا به بوستانهایی که می رود زیر آنها جویها و به محل هایی پاکیزه در بهشت های جاودان در آورد اینست پیروزی بزرگ. ﴿۱۳﴾ و (بدهد) نعمتی دیگر که آنرا دوست میدارید آن نعمت نصرت از جانب خدا و فتح قریب الحصول است و مسلمانان را مژده بده. ﴿۱۴﴾ ای مؤمنان نصرت دهندگان دین خدا باشید چنانکه عیسیٰ پسر مریم بایاران خاص خود گفت کیستند نصرت دهندگان من به سوی خدا متوجه شده آن یاران خاص گفتند، ما ایم نصرت دهندگان خدا^(۱) پس جمعی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و جمعی کافر ماندند پس مؤمنان را بر دشمنان ایشان قوت دادیم پس غالب شدند.

(۱) پس در ترویج دین عیسیٰ سعی کردند.

سورة الجمعة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلَائِكَةُ الْقُدُّوسُ الْعَزِيزُ
 الْحَكِيمُ ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ
 آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا
 مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٢﴾ وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ
 وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣﴾ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ
 ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٤﴾ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ
 يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ
 الَّذِينَ كَذَبُوا بَيِّنَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
 ﴿٥﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ
 دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦﴾ وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ
 أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٧﴾ قُلْ
 إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ
 إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾

سوره جمعه مدنی است یازده
آیه ودو رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ خدا را به پاکی یادمی کندهر آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است خداوند پادشاه نهایت پاك، غالب باحکمت. ﴿۲﴾ اوست کسی که در میان ناخواندگان^(۱) پیامبری از خود ایشان برانگیخت برایشان آیات او را میخواند و ایشان را پاك می کند ایشان را کتاب و دانش می آموزد و هر آئینه ایشان پیش ازین در گمراهی ظاهر بودند. ﴿۳﴾ و نیز آن پیامبر را در قومی دیگر از بنی آدم که هنوز نپیوسته اند با مسلمانان مبعوث کرد^(۲) و اوست غالب باحکمت. ﴿۴﴾ این فضل خدا است میدهدش بهر که خواهد و خدا صاحب فضل بزرگ است. ﴿۵﴾ مثال آنانکه تورات بر آنان (تکلیف) نهاده شد باز آن را برنداشتند^(۳) مانند مثال خراست که کتاب هارا حمل می کند بد است داستان قومی که آیات خدا را تکذیب کردند و خدا گروه ستمکاران را راه نمی نماید. ﴿۶﴾ بگو ای یهودیان اگر گمان دارید که شما دوستان خدایید به جز سایر مردمان پس مرگ را آرزو کنید اگر راستگو هستید. ﴿۷﴾ و آنرا هرگز آرزو نخواهند کرد به سبب آنچه دست های ایشان پیش فرستاده است و خدا به ستمکاران داناست. ﴿۸﴾ بگو هر آئینه مرگی که از آن می گریزید البته وی به شما می رسد سپس به سوی داننده نهان و آشکار باز گردانیده خواهید شد پس شمارا به آنچه می کردید خبر می دهد.

(۱) یعنی عرب.

(۲) فارس یعنی سائر عجم.

(۳) یعنی به وفق آن عمل نکردند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا
إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
﴿٩﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا
مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠﴾
وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ
اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿١١﴾

سُورَةُ الْمُنَافِقُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ
لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ ﴿١﴾ اتَّخَذُوا
أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ ﴿٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ
لَا يَفْقَهُونَ ﴿٣﴾ * وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا
تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُّسْنَدَةٌ يُحَسِبُونَ كُلَّ صَيِّحَةٍ
عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿٤﴾

﴿۹﴾ ای مؤمنان چون در روز جمعه برای نماز اذان داده شود پس به سوی (عبادت و) یاد خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید، اگر بدانید این برایتان بهتراست. ﴿۱۰﴾ پس چون نماز تمام کرده شود متفرق شوید در زمین و از فضل خدا طلب کنید و خدا را بسیار یاد کنید تا شما رستگار شوید. ﴿۱۱﴾ (و آن مسلمانان) چون کاروانی یا بازی را ببینند متفرق شده به سوی آن متوجه میشوند، و تورا ایستاده^(۱) رها کنند بگو آنچه نزد خداست از بازی و از تجارت بهتراست و خدا بهترین روزی دهندگانست^(۲).

سوره منافقون مدنی است و آن
یازده آیه و دو رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ چون منافقان پیش تو بیایند گویند گواهی میدهم که تو پیامبر خدایی و خدا میداند که تو پیامبر اویی و خدا گواهی میدهد که البته منافقان دروغ گویند. ﴿۲﴾ قسم های خود را سیر گرفتند پس (مردم) را از راه خدا باز داشتند، هر آینه بداست آنچه ایشان می کردند. ﴿۳﴾ این به سبب آنست که ایشان ایمان آوردند باز کافر شدند پس بردل های ایشان مهر نهاده شد پس ایشان نمی فهمند. ﴿۴﴾ و چون ایشان را ببینی بدنهایشان تورا به شگفتی وادارد و اگر بگویند به سخن ایشان گوش بدهی گویا ایشان چوبهایی تکیه داده به دیوار اند، هر آواز تند را هلاکی بر خود می پندارند ایشانند دشمن پس از ایشان بترس ایشانرا خدا لعنت کرد از کجا گردانیده میشوند.

(۱) یعنی در خطبه.

(۲) مترجم گوید این آیت عتاب است بر بعضی از اصحاب و اشارت است به آن قصه که کاروانی از شام آمد در اثناء خطبه ایشان آنرا دیده متفرق شدند و در خدمت آن حضرت صلی الله علیه و سلم نماندند مگر دوازده شخص که حضرت ابوبکر و عمر از آنجمله بودند و الله اعلم.

(۳) مترجم گوید رئیس منافقان در سفری سخنان نفاق انگیزی بر زبان آورد آن را شخصی از انصار به عرض آن حضرت صلی الله علیه و سلم رسانید منافقان به مجلس شریف آمده قسم خوردند که مرتکب آن کلمات نشده اند این سوره در حکایت آن اقوال و تهدید و تکذیب ایشان نازل شد.

وَإِذَا قِيلَ لَهُم تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّارُءٌ وَسَهُمٌ
وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ﴿٥﴾ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ
أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ
إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٦﴾ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ
لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ
خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ
﴿٧﴾ يَقُولُونَ لِنِ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَا الْأَعَزُّ
مِنْهَا الْأَذَلُّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ
الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ
أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ
ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٩﴾ وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ
مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي
إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٠﴾ وَلَنْ
يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١١﴾

سُورَةُ التَّجَاوِبِ

﴿۵﴾ و چون گفته شود منافقان را بیایید تا پیامبر خدا برای شما طلب آموزش کند سرهای خود را می پیچانند و ایشان را بینی که تکبرکنان روی می گردانند. ﴿۶﴾ در حق آنان یکسانست که آموزش طلب کنی برای ایشان یا آموزش نطلبی برای ایشان خدا ایشان را نخواهد آموزد هر آئینه خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند. ﴿۷﴾ ایشانند آنان که میگویند (یاران خود را) بر آنانکه که نزد رسول خدایند^(۱) خرج مکنید تا پراکنده شوند حال آنکه خزانه های آسمانهاوزمین از آن خداست ولیکن منافقان نمی دانند. ﴿۸﴾ میگویند اگر به مدینه بازگردیم البته گرامی تران فرومایه تران را از مدینه بیرون می کنند^(۲) و حال آنکه عزّت و بزرگی خاص خدا و پیامبر او و مسلمانان است ولیکن منافقان نمیدانند. ﴿۹﴾ ای مسلمانان اموال شما و هم فرزندان شما شمارا از یاد خدا غافل نگرداند و هر که چنین (کاری) کند پس آن جماعت ایشانند که زیان کارند. ﴿۱۰﴾ و از آنچه که عطا کرده ایم شمارا خرج کنید پیش از آن که به یکی از شما مرگ بیاید پس بگوید ای پروردگار من کاش میگذاشتی (سرگذشت) مرا تا مدتی اندک به تأخیر می انداختند تا صدقه می دادم و از صالحان می شدم. ﴿۱۱﴾ و هرگز خدا کسی را چون اجلش فرارسد مهلت نمی دهد و خدا به آنچه میکنید خبردار است.

(۱) یعنی برفقرای مهاجرین.

(۲) یعنی توانگران اهل نفاق فقراء مسلمین را.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْكُمْ كَافِرًا وَمِنْكُمْ
مُؤْمِنًا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢﴾ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿٣﴾ يَعْلَمُ
مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ
عَلِيمُ بَذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٤﴾ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ
فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٥﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ
رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى
اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌ حَمِيدٌ ﴿٦﴾ زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَى
وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٧﴾
فَتَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورَ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ
﴿٨﴾ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ
وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيَدْخُلْهُ جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٩﴾

سوره تغابن مدنی است و آن هیجده
آیه و دو رکوع است

به نام خداوند بخشنده* مهربان.

﴿۱﴾ آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است خدا را به پاکی یاد میکند پادشاهی، از آن اوست و ستایش مخصوص اوست و او بر همه چیز تواناست. ﴿۲﴾ اوست آنکه شمارا آفرید پس بعضی از شما کافر و بعضی از شما مومن اند و خدا به آنچه می کنید بیناست. ﴿۳﴾ آسمان ها و زمین را به تدبیر درست آفرید و شمارا صورت بست پس صورتهای شمارا نیک ساخت و باز گشت به سوی اوست. ﴿۴﴾ آنچه در آسمان ها و زمین است میداند و آنچه پنهان میدارید و آنچه آشکار می کنید میداند و خدا به مکنون سینه ها دانا است. ﴿۵﴾ آیا خبر آنکه پیش ازین کافر بودند به شما نیامده است پس نتیجه کار خود را چشیدند و برای آنان عذابی درد ناک است. ﴿۶﴾ این عذاب به سبب آنست که پیش ایشان پیامبران ایشان بامعجزه ها می آمدند پس گفتند آیا آدمیان مارا راه نمایند پس کافر شدند و رویگردانیدند و خدایی نیازاست و خدا بی نیاز ستوده شده است. ﴿۷﴾ کافران پنداشتند که برانگیخته نخواهند شد بگواری قسم به پروردگار من البته برانگیخته می شوید باز شمارا به آنچه می کردید خبر داده شود و این برخدا آسان است. ﴿۸﴾ پس به خدا و رسول او و نوری که فرو فرستاده ایم ایمان بیاورید^(۱) و خدا به آنچه می کنید خبردار است. ﴿۹﴾ (خبر داده شود شمارا) و وقتی که در روز قیامت شمارا جمع می کند آنروز روز ظهور زیان بعضی نسبت به بعضی باشد و هر که ایمان آورد به خدا و کارشایسته بکند بدی های او را از او دور کند و به بوستان هایی که می رود زیر آنها جویها داخل می کند جاویدان در آنجا همیشه بماند اینست پیروزی بزرگ.

(۱) یعنی قرآن.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ
خَالِدِينَ فِيهَا وَبَشِّرِ الْمَصِيرُ ﴿١٠﴾ مَا أَصَابَ مِنْ مُّصِيبَةٍ
إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ، وَاللَّهُ بِكُلِّ
شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١١﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ
تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَّغُ الْمُبِينُ ﴿١٢﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٣﴾ يَأَيُّهَا
الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمِنْ أَرْوَجَكُمْ وَأَوْلَدَكُمْ عَدُوًّا
لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَحُوا وَتَغْفِرُوا
فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٤﴾ إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ
فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ
وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ
شَحْخَ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٦﴾ إِنْ تَقَرَّضُوا
اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا لِّضَعْفِهِ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ
حَلِيمٌ ﴿١٧﴾ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾

سُورَةُ التَّغَابُنِ

﴿۱۰﴾ و آنانکه کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند آن جماعت اهل دوزخ اند جاویدان در آنجا و دوزخ بدجاییست. ﴿۱۱﴾ نمی رسد هیچ مصیبتی مگر به حکم خدا و هر که به خدا رجوع کند دل او را هدایت کند و خدا به هر چیز داناست. ﴿۱۲﴾ و خدا را فرمانبرداری کنید و رسول را فرمانبرداری کنید پس اگر رویگردان شوید پس جزاین نیست که بر پیامبر ما پیغام رسانیدن آشکاراست. ﴿۱۳﴾ خدا آنست که هیچ معبود بر حقی جز او نیست و برخدا باید که مومنان توکل کنند. ﴿۱۴﴾ ای مؤمنان هر آئینه بعضی از همسران شما و بعضی فرزندان شما در حق شما دشمنان اند پس از ایشان بترسید^(۱) و اگر در گذر کنید و روی بگردانید و پیامرزید پس هر آئینه خدا آمرزنده مهربانست. ﴿۱۵﴾ جزاین نیست که اموال شما و فرزندانان امتحان است و خدا پاداش بزرگ نزد اوست. ﴿۱۶﴾ پس از خدا آن قدر که توانید بترسید و سخن بشنوید و فرمانبرداری کنید و خرج کنید برای خودتان بهتر باشد و هر که از بخلِ نفسِ خود نگاهداشته شود پس آن جماعت همیشان رستگارانند. ﴿۱۷﴾ اگر قرض دهید خدارا، قرضِ نیکو آن را برایتان دوچندان کند و شمارا بیامرزد و خدا قدر شناس بردبار است. ﴿۱۸﴾ داننده پنهان و آشکار غالب با حکمت است.

(۱) یعنی آنکه بر بخل حمل کنند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ
وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ
يَأْتِيَنَّ بِفَحْشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ
فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ١
فَإِذَا بَلَغَنَّ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ
وَأَشْهَدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُؤْخِذُ
بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ
مَخْرَجًا ٢ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ
قَدْرًا ٣ وَالَّتِي يَكْسِنُ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ
ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَالَّتِي لَمْ يَحِيضْنَ وَأُولَتْ
الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ
يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ٤ ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْنَا
وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا ٥

سوره طلاق مدنی است و آن دوازده
آیه و دو رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ ای پیامبر (بگوا مت خود را) چون طلاق دادن زنان را اراده کنید پس ایشانرا در اول عده ایشان طلاق دهید^(۱). وعده را شمار کنید و از خدا پروردگار خویش بترسید ایشان را از خانه های ایشان بیرون مکنید و باید که ایشان بیرون نروند مگر آنکه کار بی حیایی آشکارا بعمل آورند و این حدها مقرر کرده خداست و هر که از حدهای خدا تجاوز کند پس بر نفس خویش ستم کرد تو نمیدانی شاید که خدا بعد از طلاق کاری را^(۲) بوجود بیاورد. ﴿۲﴾ پس چون مطلقات بمیعاد خود نزدیک رسند پس ایشان را به وجه پسندیده نگاهدارید یا از ایشان به وجه پسندیده جدا شوید و دو کس صاحب تقوی را از قوم خود گواه گیرید و شهادت را برای خدا راست ادا کنید این حکم پند داده می شود به آن هر که به خدا و به روز آخر مومن باشد و هر که از خدا بترسد (خدا) برای او راه نجات فراهم می کند. ﴿۳﴾ و او را از آنجا که گمان نمی کند رزق می دهد و هر که بر خدا توکل کند پس خدا او را بس است هر آئینه خدا حکمش را به اجرا می گذارد هر آئینه خدا هر چیز را به اندازه ساخته است. ﴿۴﴾ و کسانی از زنان آن که از حیض نا امید شده اند^(۳) اگر به شبهه افتاده اید پس عدت ایشان سه ماه است و آنانکه به سن حیض نرسیده اند نیز عدت ایشان سه ماه است و صاحبان حمل عدت ایشان آن است که حمل خود را بنهند و هر که از خدا بترسد برای او در کار او آسانی را پدید آورد. ﴿۵﴾ این حکم خداست که آن را به سوی شما فرود آورد و هر که از خدا بترسد بدیهای او را از وی دور کند و پاداش زیاده دهد.

(۱) یعنی در طهری که نزدیکی نکرده باشید.

(۲) یعنی موافقت پدید آید و مراجعت کند والله اعلم.

(۳) یعنی از مطلقات.

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا
 عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولِي حِمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ
 أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَاتَّمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ
 تَعَاسَرْتُمْ فَسَرِّضُوا لَهُنَّ آخَرَى ﴿٦﴾ لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَنْ
 قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا
 مَاءً آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ﴿٧﴾ وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ
 عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَدَّ بِهَا عَذَابًا
 تُنْكِرًا ﴿٨﴾ فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا ﴿٩﴾ أَعَدَّ اللَّهُ
 لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاذْكُرُوا اللَّهَ يَأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ ءَامَنُوا قَدْ أَنْزَلَ
 اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا ﴿١٠﴾ رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ
 الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِنْ
 بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
 فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا ﴿١١﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ
 وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى
 كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿١٢﴾

﴿۶﴾ زنان مطلقه را جایی که شما سکونت دارید به اندازه طاقت خود ساکن کنید و ایشان را ایذا مرسانید تا برایشان تنگ گیرید و اگر باشند صاحبان حمل پس برایشان انفاق کنید تا آنکه حمل خود را بنهند پس اگر شیر دهند به فرمان شما پس مزد ایشان را بدهید و بایکدیگر در میان خویش به وجه پسندیده کارفرمایی کنید و اگر مضایقه کردید به فرمودهٔ او زنی دیگر شیر خواهد داد. ﴿۷﴾ باید که خرج کند صاحب وسعت از وسعت خود و آنکه رزق بروی تنگ کرده شد پس باید که او خرج کند از آنچه خدا او را، عطا کرده است، خدا هیچ کس را تکلیف نمی کند مگر به حسب آنچه او را داده است خدا بعد از تنگ دستی آسایش را پدید خواهد آورد. ﴿۸﴾ و بسا قریه که از فرمان پروردگار خویش و از فرمان پیامبران او تجاوز کرد پس حساب کردیم به او حسابی سخت و عقوبت کردیم او را عقوبتی دشوار. ﴿۹﴾ پس سزای عمل خود را چشید و سرانجام کار او زیان کاری بود. ﴿۱۰﴾ خدای تعالی برای ایشان عذاب سخت را مهیا کرده است پس ای صاحبان خرد از خدا بترسید ای مسلمانان هر آئینه خدا به سوی شما کتابی فرود آورده است. ﴿۱۱﴾ (فرستاده است) پیامبری را که بر شما آیات خدا را واضح آمده میخواند تا آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند از تاریکی ها به سوی روشنی بر آورد و هر که به خدا ایمان آورد و کارشایسته بکند در آوردش به بوستان هایی که می رود زیر آنها جویها همیشه در آنجا جاویدان به راستی خدا رزق و روزی اورانیک گردانیده است. ﴿۱۲﴾ خدا آنست که هفت آسمان را آفرید و (آفرید) زمین را (نیز) مانند آنها، تدبیر کار در میان آسمان ها و زمین پیوسته فرودمی آید تا بدانید که خدا بر همه چیز تواناست و نیز بدانید که خدا هر چیز را باعتبار علم احاطه کرده است.

سُورَةُ التَّحْرِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ
 غَفُورٌ رَحِيمٌ ① قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ
 الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ② وَإِذَا سَأَرَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا
 نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا
 نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَاكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ ③ إِنْ
 تَوْبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ
 هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَلِّحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَكِ بَعْدَ ذَلِكَ
 ظَهِيرٌ ④ عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِمَّنْ كُنَّ
 مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَئْتِبِينَ عِبْدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ
 وَأَبْكَارًا ⑤ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا
 وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ
 لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ⑥ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ⑦

سوره تحریم مدنی است و آن
دوازده آیه و دو رکوع است

به نام خداوند بخشنده^{*} مهربان.

﴿۱﴾ ای پیامبر چرا حرام می کنی چیزی را که خدا برای تو حلال ساخته است خوشنودی زنان خود را می طلبی و خدا آمرزگار مهربان است. ﴿۲﴾ هر آینه خدا برای شما گشادن سوگندهای شمارا مشروع ساخته است^(۲) و خدا کارساز شماست و او دانای باحکمت است. ﴿۳﴾ و یادکن چون پیامبر با بعضی همسرانش سخنی را پنهان گفت پس چون آن سخن را افشاء کرد و خدای تعالی پیامبر را بر افشای آن سخن مطلع ساخت پیامبر بعض آن سخن را شناسا کرد و از بعض اعراض کرد، پس وقتیکه آن را به افشای راز آن زن خبردار کرد گفت چه کسی تورا به افشای این راز خبرداد، پیامبر فرمود مرا خدای دانای خبرداد. ﴿۴﴾ ای دو زن پیامبر^(۳) اگر به سوی خدا رجوع کنید (خوش باشد) هر آینه دل های شما کج شده است و اگر با هم متفق شوید بر او (برنجاندن پیامبر) پس هر آینه خدا کارساز اوست و جبرئیل و مردمان شایسته از مسلمانان و نیز فرشتگان بعد ازین مددکارانند. ﴿۵﴾ اگر پیامبر شما را طلاق دهد نزدیک است که پروردگاراو به او زنان دیگر بهتر از شما عوض دهد گردن نهادگان باور دارندگان دعا کنندگان توبه نمایندگان عبادت به جا آرندگان روزه دارندگان شوهر دیدگان و شوهر نادیدگان. ﴿۶﴾ ای مؤمنان خویشتن را و اهل خانه خود را از آتشی که هیزم آن مردمان و سنگ ها باشند، نگاهدارید بر آن آتش فرشتگان درشت خو سخت رو موکل اند خدا را در آنچه ایشانرا فرموده است نافرمانی نمی کنند و هر چه ایشانرا حکم میشود انجام می دهند. ﴿۷﴾ (آنروز گوییم) ای کافران عذر پیش نیارید امروز جزاین نیست که جزا داده می شوید شما به حسب آنچه میکردید.

(۱) مترجم گوید که آن حضرت صلی الله علیه وسلم ماریه قبطیه را سیره خود ساخته و همسران آن حضرت غیرت کردند آن حضرت صلی الله علیه وسلم برای تسلی ایشان ماریه را بر خود حرام گردانید و آن حضرت سبزی از اسرار خود با بعض همسران اظهار فرموده در کتمان آن مبالغه کرد آن زوج به دیگری اظهار نمود آن حضرت صلی الله علیه وسلم به طریق وحی بر افشای آن سر مطلع شدند و بنوعی از مرز آن قصه در میان نهادند و عتاب فرمودند خدای تعالی در باب پند ازواج طاهرات و تهدید ایشان این آیات را نازل فرمود والله اعلم.

(۲) یعنی به ادای کفاره.

(۳) یعنی حفصه و عائشه رضی الله عنهما والله اعلم.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ
 أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرَىٰ
 مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا
 مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا
 أَتَمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٨﴾
 يَأْتِيهَا النَّبِيُّ جِهْدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ
 وَمَأْوَاهُمُ جَهَنَّمُ وَبِشْسِ الْمَصِيرُ ﴿٩﴾ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا
 لِلَّذِينَ كَفَرُوا أُمْرَأَتَ نُوحٍ وَأُمْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ
 عَبْدَيْنِ مِّنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا
 مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ ﴿١٠﴾
 وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أُمْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ
 قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِّنْ فِرْعَوْنَ
 وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿١١﴾ وَمَرْيَمَ ابْنَتَ
 عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُّوحِنَا
 وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ فِيهَا وَكَانَتْ مِنَ الْقَلِيلِينَ ﴿١٢﴾

﴿۸﴾ ای مسلمانان به سوی خدا رجوع کنید رجوع خالص، امید هست از پروردگار شما که از شما گناهان شمارا محو کند و شما را به بوستانها پی که می رود زیر آنها جویها در آورد روزیکه خدا پیامبر و آنان را که ایمان آورده اند همراه او رسوا نکند، نور ایشان پیش دستهای ایشان و به جانب های راست ایشان می رود میگویند ای پروردگار ما برای ما نور ما را تمام ده و ما را بیا مرز، هرائینه تو بر هر چیز توانایی. ﴿۹﴾ ای پیامبر با کافران و با منافقان نیز جهاد کن و درشت شو برایشان و جای ایشان دوزخ است و وی بدجایی است. ﴿۱۰﴾ خدامثالی را برای آنانکه کافر شدند زن نوح را و زن لوط را آورد که زیر نکاح دوبنده شایسته از بندگان ما بودند که پس خیانت کردند به آن دوبنده پس ایشان از آن دو زن چیزی را از عذاب خدا دفع نکردند و گفته شد هر دوتا را در آتش دوزخ با داخل شوندگان داخل شوید. ﴿۱۱﴾ و خدامثالی را برای آنانکه ایمان آوردند زن فرعون را آورد چون گفت ای پروردگار من برای من نزد خود خانه ای در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از قوم ستمکاران نجات ده. ﴿۱۲﴾ و مریم دختر عمران را آنکه فرج خود را نگاهداشت پس در آن روح خود را دمیدیم و سخنان پروردگار خود را و کتاب های او را باور داشت و از فرمانبردارندگان بود^(۱).

(۱) یعنی روح حضرت عیسی در رحم مریم درآمد و فرج کنایت است از رحم.

سُورَةُ الْمَلِكِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَرَّكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝^١ الَّذِي خَلَقَ
 الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ۝^٢
 الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ
 تَفَوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ۝^٣ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ
 يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ ۝^٤ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ
 الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ
 السَّعِيرِ ۝^٥ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَيُسَّ السَّعِيرُ
 ۝^٦ إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ ۝^٧ تَكَادُ تَمَيَّرُ
 مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ۝^٨
 قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ
 إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ ۝^٩ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ
 السَّعِيرِ ۝^{١٠} فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ فَسَوْحَ لَأَصْحَابِ السَّعِيرِ ۝^{١١} إِنَّ
 الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ۝^{١٢}

سوره ملك مكي است و آن سي
آيه ودو ركوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ بسیار بابرکت است آنخدا که پادشاهی بدست اوست و او بر همه چیز تواناست.
 ﴿۲﴾ آنخدا که موت و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام يك از شما درعمل
 نکوتر است و او غالب آمرزگار است. ﴿۳﴾ آنخدا که هفت آسمان را (تودرتو) طبقه طبقه
 آفرید نبینی ای بیننده درآفرینش خدا هیچ بی ضابطگی پس چشم را باز گردان آیا هیچ
 شکستگی می بینی. ﴿۴﴾ پس چشم را دوباره باز گردان تا بازآید چشم به سوی تو
 خوار شده مانده گشته. ﴿۵﴾ و به راستی که آسمان نزدیک را به چراغ ها زینت دادیم و آن
 چراغ ها را آلاتِ رجم شیاطین گردانیدیم و برای شیاطین عذاب دوزخ آماده کردیم. ﴿۶﴾
 و برای آنانکه به پروردگار خود کافر شدند عذاب دوزخ است و آن بدجایست. ﴿۷﴾ و قتیکه
 ایشان در دوزخ افکنده شوند آوازی بشنوند مانند آواز خر و آن (دوزخ) جوش میزند. ﴿۸﴾
 نزدیک است پاره پاره شود از خشم، هرگاه گروهی به دوزخ افکنده شود نگاهبانانِ دوزخ
 از آن گروه سوال کنند آیا به سوی شما هیچ پیامبر بیم دهنده نیامده بود. ﴿۹﴾ گویند آری
 به سوی ما ترساننده آمده بود پس تکذیب کردیم و گفتیم خدای هیچ چیز را فرود نیاورده است
 شما جز در گمراهی بزرگ نیستید. ﴿۱۰﴾ و گویند اگر ما می شنیدیم یا می فهمیدیم در زمره
 اهل دوزخ داخل نمی شدیم. ﴿۱۱﴾ پس به گناه خویش اقرار کردند پس بر اهل دوزخ
 لعنت باد. ﴿۱۲﴾ هر آینه آنانکه از پروردگار خویش غایبانه می ترسند برای ایشان آمرزش
 و پاداش بزرگ است.

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ ۖ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٣﴾ أَلَا
يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿١٤﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ
ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ ۖ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ﴿١٥﴾
أَمْ أَنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ ﴿١٦﴾
أَمْ أَنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ
كَيْفَ نَذِيرِ ﴿١٧﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿١٨﴾
أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يَمْسِكُهُنَّ إِلَّا
الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ﴿١٩﴾ أَمْ نَظُنُّ أَنْ هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ
يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ﴿٢٠﴾ أَمْ نَظُنُّ
أَنَّ هُوَ الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ ۖ بَلْ لَجُوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ ﴿٢١﴾ أَفَمَنْ
يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ ﴿٢٢﴾ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ
وَالْأَفْئِدَةَ ۚ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٢٣﴾ قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي
الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ
صَادِقِينَ ﴿٢٥﴾ قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٢٦﴾

﴿۱۳﴾ و سخن خود را پنهان کنی یا آن را آشکار گوئی هر آئینه خدا به آنچه در سینه‌ها باشد داناست. ﴿۱۴﴾ آیا کسی که آفرید نمی داند او باریک بین خبردار است؟ ﴿۱۵﴾ اوست آنکه زمین را برای شما رام ساخت پس درنواحی آن راه روید و از رزق خدا بخورید و به سوی اوست برانگیختن. ﴿۱۶﴾ آیا از کسی که در آسمان است ایمن شده‌اید از آنکه شمارا به زمین فروبرد پس ناگهان زمین می جنبد. ﴿۱۷﴾ آیا از کسی که در آسمان است ایمن شده‌اید از آنکه بر شما باد سنگبارا بفرستد پس خواهید دانست ترسانیدن من چگونه است؟ ﴿۱۸﴾ به راستی که آنانکه پیش از ایشان بودند تکذیب کردند پس عقوبت من چگونه شد. ﴿۱۹﴾ آیا برفرازشان به پرندگان که (در پروازند) گاهی بالهای خود را گسترده و گاهی فرومی بندند نگرسته اند! جز خدای رحمان (کسی) آنها را نگاه نمیدارد هر آئینه او بهر چیز بیناست. ﴿۲۰﴾ آیا کیست آنکه وی برای شما لشکر است شمارا بجز خدا نصرت میدهد کافران جز در فریب نیستند. ﴿۲۱﴾ آیا کیست آنکه شمارا روزی می دهد اگر خدا رزق خود را بازگیرد بلکه در سرکشی ورمیدگی محکم پیوسته اند. ﴿۲۲﴾ آیا کسیکه نگونسار افتاده بر روی خود برود راه یافته تراست یا کسی که راست ایستاده بر راه راست می رود^(۱). ﴿۲۳﴾ بگو اوست آنکه شمارا بیافرید و برای شما شنوایی و چشمها و دلها پدید آورد اندکی شکر می کنید. ﴿۲۴﴾ بگو اوست که شمارا در زمین پراکنده ساخت و به سوی او برانگیخته خواهید شد. ﴿۲۵﴾ و کافران میگویند وعده چه وقت باشد اگر راست گوئید. ﴿۲۶﴾ بگو جز این نیست که علم نزد خداست و غیر این نیست که من بیم دهنده آشکارم.

(۱) مترجم گوید این مثل است کافرومومن را والله اعلم.

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ
 بِهِ تَدْعُونَ ﴿٢٧﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي أَلَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا
 فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٨﴾ قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ
 عَمَّنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسْتَغْمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ
 ﴿٢٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ ﴿٣٠﴾

سُورَةُ الْقَلَمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ﴿١﴾ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ﴿٢﴾ وَإِنَّ
 لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ﴿٣﴾ وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾ فَسَتَبْصُرُ
 وَيُبْصِرُونَ ﴿٥﴾ بِأَيِّكُمْ الْمَقْتُولُ ﴿٦﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ
 عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٧﴾ فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ
 ﴿٨﴾ وَدُّوا لَوْ تُدْهَنُ فِدْهُنُونَ ﴿٩﴾ وَلَا تُطِعِ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ
 ﴿١٠﴾ هَمَّازٍ مَشْأَاءٍ بَنِيمٍ ﴿١١﴾ مَنَّاعٍ لِلْخِيزِ مُعْتَدٍ أَشِيمٍ ﴿١٢﴾
 عُتْلٍ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ ﴿١٣﴾ أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَنَدِينٍ ﴿١٤﴾ إِذَا تَشَاءُ عَلَيْهِ
 ءَايَتُنَا قَالَ أَسْطِيرُ الْأُولَئِينَ ﴿١٥﴾ سَنَسِفُهُ عَلَى الْخُرُومِ ﴿١٦﴾



﴿۲۷﴾ وآنگاه که آن وعده را نزدیک شده ببینند ناخوش کرده شود^(۱) روی آنانکه کافر شدند وگفته شود این است آنچه اورا می طلبیدید. ﴿۲۸﴾ بگوآیدید اگر خدا مرا وآنان را که همراه من اند هلاک کند یا برما رحمت کند (بهر حال) پس که کافران را از عذاب دردناک نجات دهد. ﴿۲۹﴾ بگو اوست بخشاینده به اوایمان آوردیم و بروی توکل نمودیم پس خواهید دانست که کیست در گمراهی ظاهر. ﴿۳۰﴾ بگو آیا دیدید اگر آب شما فرو رفته شود پس کیست که برای شما آب روان را بیاورد.

سوره قلم مکی است و آن پنجاه
ودو آیه و دو رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ ن، قسم به قلم (اعلی) و به آنچه می نویسند (فرشتگان). ﴿۲﴾ تو به فضل پروردگارت دیوانه نیستی. ﴿۳﴾ وهر آئینه تورا مزد بی نهایت است. ﴿۴﴾ وهر آئینه تو بر خوی بزرگی هستی. ﴿۵﴾ پس خواهی دید وایشان نیز خواهند دید. ﴿۶﴾ که به کدام يك از شما دیوانگی است. ﴿۷﴾ هر آئینه پروردگار تو به کسیکه از راه او گمراه شد داناتر است و اونیز به راه یافتگان داناتر است. ﴿۸﴾ پس تکذیب کنندگان را فرمان مبر. ﴿۹﴾ آرزو کردند که ملایمت کنی تاایشان نیز ملایمت کنند. ﴿۱۰﴾ وهر بسیار سوگند خورنده محقر را اطاعت مکن. ﴿۱۱﴾ (هر) عیب جوی به سخن چینی رونده. ﴿۱۲﴾ (هر) بخل کننده به مال تجاوز گر گناهکار. ﴿۱۳﴾ (هر) سخت روی بعد ازین همه ملحق به قوم نه از اصل ایشان^(۲). ﴿۱۴﴾ به سبب آنکه صاحب مال و فرزندانشست. ﴿۱۵﴾ (تکذیب کرد) چون خوانده شود بروی آیه های ما گوید افسانه پیشینیان است. ﴿۱۶﴾ بر بینی او داغ خواهیم نهاد^(۳).

(۱) یعنی سیاه کرده شود.

(۲) یعنی سنت خدا آنست که مردم بداصل غالباً متصف باین صفاتِ رذیله باشند.

(۳) کنایت است از رسوا کردن.

إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ۝١٧ وَلَا
 يَسْتَنْوُونَ ۝١٨ فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ ۝١٩ فَأَصْبَحَتْ
 كَالْأَصْرِيحِ ۝٢٠ فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ ۝٢١ أَنِ اعْبُدُوا عَلٰى حَرْثِكُمْ إِن كُنتُمْ
 صَادِقِينَ ۝٢٢ فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ ۝٢٣ أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ
 مَسْكِينٌ ۝٢٤ وَغَدَوْنَا عَلَى حَرِّ قَدَرِينَ ۝٢٥ فَأَمَّا رَاوْهَاقَا لَوْلَا إِنَّا لَصَّالُونَ
 ۝٢٦ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ۝٢٧ قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ
 ۝٢٨ قَالُوا سُبْحَنَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۝٢٩ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ
 يَتَلَوُمُونَ ۝٣٠ قَالُوا يَوَيْكَ إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۝٣١ عَسَى رَبَّنَا أَن يُبَدِّلَنَا
 خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ ۝٣٢ كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ
 أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝٣٣ إِنَّ لِّلْمُتَّقِينَ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ ۝٣٤
 أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ۝٣٥ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۝٣٦ أَمْ لَكُمْ
 كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ۝٣٧ إِن لَّكُمْ فِيهِ لَمَّا تَخَيَّرُونَ ۝٣٨ أَمْ لَكُمْ أَيْمَنُ عَلَيْنَا
 بِلَاغَةٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ إِن لَّكُمْ لَمَّا تَحْكُمُونَ ۝٣٩ سَأَلَهُمْ أَيُّهُمْ بِذَلِكَ
 زَعِيمٌ ۝٤٠ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِن كَانُوا صَادِقِينَ ۝٤١ يَوْمَ
 يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيَدْعَوْنَ إِلَى الشُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ۝٤٢

﴿۱۷﴾ هرآئینه ما ایشانرا آزمودیم چنانکه صاحبان بوستان را آزموده بودیم چون قسم خوردند که حتماً بوستان را بوقت بامداد درو کنند. ﴿۱۸﴾ وانشاء الله نگفتند. ﴿۱۹﴾ پس آن بوستان را بلایی از سوی پروردگار تو فراگرفت^(۱) وایشان خفته بودند. ﴿۲۰﴾ پس مانند زراعت بریده شده شد. ﴿۲۱﴾ پس بایکدیگر هنگام صبح آواز دادند. ﴿۲۲﴾ که به کشت خود اگر دروکننده اید بامداد روید. ﴿۲۳﴾ پس به راه افتادند درحالی که به پنهانی سخن می گفتند. ﴿۲۴﴾ این که امروز بر شما هیچ فقری در بوستان داخل نشود. ﴿۲۵﴾ وصبح زود توانا (بخاطر منع بینوایان) به آن (باغ) رسیدند. ﴿۲۶﴾ پس آنگاه که آن بوستان را دیدند گفتند هرآئینه ما راه را گم کرده ایم^(۲). ﴿۲۷﴾ نه بلکه ما محروم شدگانیم. ﴿۲۸﴾ بهترین ایشان گفت آیا نگفته بودم شما را که چراتسبیح نمی گوید^(۳). ﴿۲۹﴾ گفتند پروردگار خود را به پاکی یاد می کنیم هرآئینه ما ستمکار بودیم. ﴿۳۰﴾ پس روی آوردند بعضی از ایشان بر بعضی دیگر ملامت کنان. ﴿۳۱﴾ گفتند ای وای بر ما هرآئینه ما از حدگذشتگان بودیم. ﴿۳۲﴾ امید است که پروردگار ما را بوستانی بهتر ازین عوض دهد هرآئینه ما به سوی پروردگار خود توقع دارندگانیم. ﴿۳۳﴾ همچنین است عذاب البته عذاب آخرت بزرگ تراست کاش می دانستند. ﴿۳۴﴾ هرآئینه برای متقیان نزد پروردگار ایشان بوستانهای نعمت باشند. ﴿۳۵﴾ آیا مسلمانان را مانند گنهکاران گردانیم. ﴿۳۶﴾ چیست شما را چگونه حکم می کنید. ﴿۳۷﴾ آیآنزد شما کتابی هست که در آن (این مضمون را) تلاوت میکنید. ﴿۳۸﴾ که هرآئینه برای شما باشد در آن آنچه را که اختیار میکنید. ﴿۳۹﴾ آيا شما بر ذمه ما عهدهای محکم است که حکم آن تابه قیامت باقی باشد (به این مضمون) که هرآئینه برای شما است آنچه که مقرر می کنید. ﴿۴۰﴾ از مشرکان بپرس کدام يك از ایشان به این امر متعهد است. ﴿۴۱﴾ آیا این مشرکان را شریکان هستند پس باید که شریکان خود را بیاورند اگر راستگو هستند. ﴿۴۲﴾ روزیکه جامه از ساق برداشته شود وایشان به سوی سجده خوانده شوند پس (سجده) نتوانند.

(۱) یعنی آتش در گرفت.

(۲) یعنی این بوستان دیگری است بوستان ما نیست.

(۳) یعنی رجوع به خدا کنید.

خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَ هُفُهُمْ ذَلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ
 سَامُونَ ﴿٤٣﴾ فَذَرْنِي وَمَنْ يُكْذِبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ
 مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٤﴾ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿٤٥﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ
 أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَّعْرَمٍ مَثْقُلُونَ ﴿٤٦﴾ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ
 ﴿٤٧﴾ فَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْخُوْتِ إِذْ نَادَى
 وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿٤٨﴾ لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ
 وَهُوَ مَذْمُومٌ ﴿٤٩﴾ فَاجْتَبِهْ رَبُّهُ وَفَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ
 ﴿٥٠﴾ وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَرِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا
 الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿٥١﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٥٢﴾

سُورَةُ الْحَاقَّةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَاقَّةُ ﴿١﴾ مَا الْحَاقَّةُ ﴿٢﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ ﴿٣﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ
 بِالْقَارِعَةِ ﴿٤﴾ فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ ﴿٥﴾ وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحِ
 صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ﴿٦﴾ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَنِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى
 الْقُومَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أَعْجَارٌ نَحْلٌ خَاوِيَةٌ ﴿٧﴾ فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ ﴿٨﴾



﴿۴۳﴾ نیایش^(۱) برچشمهای ایشان ظاهر باشد ایشان را خواری فراگیرد به یقین ایشان به سوی سجده خوانده می شدند درحالیکه ایشان سلامت بودند. ﴿۴۴﴾ پس مرا باکسیکه این سخن را تکذیب میکرد بگذار به تدریج آنان را از آن راهی که نمیدانند خواهیم گرفت. ﴿۴۵﴾ وایشان را مهلت خواهیم داد هرآینه حیلۀ من محکم است. ﴿۴۶﴾ آیا ازین جماعت مزد می طلبی پس ایشان ازتوان گرانبارند. ﴿۴۷﴾ آیا نزد این جماعت علم غیب است پس ایشان می نویسند. ﴿۴۸﴾ پس به انتظار حکم پروردگار خود صبر کن و مانند صاحب ماهی مباش^(۲) هنگامی که دعا کرد درحالی که اوپرازغم شده بود. ﴿۴۹﴾ اگر او را رحمتی از جانب پروردگارش تدارک نمی کرد البته برزمین بی گیاه افکنده میشد و او بدحال بودی^(۳). ﴿۵۰﴾ پس پروردگارش او را برگزید پس او را ازجمله صالحان گردانید. ﴿۵۱﴾ وهرآینه کافران نزدیک اند که تو را به چشم های تیز خود بلغزانند چون قرآن را شنیدند^(۴) و می گویند هرآینه این پیامبر دیوانه است. ﴿۵۲﴾ و به حقیقت این قرآن نیست مگر پندی برای جهانیان.

سوره قافه مکی است و آن پنجاه
ودو آیه و دو رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ قیامت. ﴿۲﴾ چیست آن قیامت. ﴿۳﴾ و چه چیز تو را خبردار کرد که چیست آن قیامت^(۵). ﴿۴﴾ قبیله ثمود وعاد قیامت را تکذیب کردند. ﴿۵﴾ اماثمود پس ایشان به نعره تند هلاک کرده شدند. ﴿۶﴾ واما عاد پس ایشان به باد سخت از حد درگذشته هلاک کرده شدند. ﴿۷﴾ خدا برگماشت آن باد را بر عاد هفت شب و هشت روز پی درپی (نهایت^(*) نحس) پس ای بیننده آن قوم عاد رادر آن شب ها و روزها به زمین افتاده می بینی گویا ایشان تنه های درختان خرما هستند که از کهنگی ازهم پاشیده شده اند. ﴿۸﴾ پس آیا از ایشان هیچ اثری می بینی.

(۱) در صحیحین آمده ولفظ حدیث از بخاری است که أبو سعید خدری رضی الله عنه روایت می کند از رسول الله صلی الله علیه وسلم که فرمودند روز قیامت ظاهر نماید پروردگار ماساق خود را پس سجده کنان افتند تمام اهل ایمان از مرد و زن و سجده تواند کسبیکه در دنیا بجهت ریواسمه سجده می کرد پس کوشش می کند که سجده کند ولی به آن قادر نمیشود زیرا که پشت او یک طبق مثل تخته راست میشود (مصحح).

(۲) یعنی یونس علیه السلام.

(۳) لیکن رحمت در رسید و بدحال نشد.

(۴) واین کنایه است از شدت عداوت ایشان.

(۵) مترجم گوید ظاهر نزدیک بنده آنست که معنی آیت این است: عقوبت ثابت چیست آن عقوبت ثابت چه چیز مطلع ساخت تو را که "چيست آن عقوبت ثابت بعد از آن چند عقوبت گذشته را بیان فرمود.

(*) «حسوما» را مفسرین به دو معنی تفسیر کرده اند بمعنی (پی درپی) و بمعنی «نحس» مصحح.

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ، وَالْمُؤْتَفِكَتْ بِالْحَاطَةِ ۙ ٩ فَعَصَوْا رَسُولَ
رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمُ أَخَذَةً رَابِيَةً ۙ ١٠ إِنَّا لَمَاطِعَا الْمَاءِ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ
لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أذُنُ وَعِيَّةٌ ۙ ١١ فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ
نَفْخَةً وَاحِدَةً ۙ ١٢ وَحَمَلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً ۙ ١٣
فِيَوْمٍ مِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۙ ١٤ وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ
وَالْمَلِكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِيَةٌ ۙ ١٥
يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ۙ ١٦ فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ
بِيمِينَةٍ ۙ ١٧ فَيَقُولُ هَآؤُمُ اقْرَءُوا كِتَابِيَةَ ۙ ١٨ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَةَ
فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ۙ ١٩ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۙ ٢٠ فُطُوهُهَا ذَانِيَةً ۙ ٢١
كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ۙ ٢٢ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ
كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ ۙ ٢٣ فَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيَةَ ۙ ٢٤ وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَةَ
يَلَيْتَنِي كَانَتِ الْقَاضِيَةَ ۙ ٢٥ مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَةَ ۙ ٢٦ هَلَكًا عَنِّي سُلْطَانِيَةَ
خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ۙ ٢٧ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ۙ ٢٨ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا
سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ۙ ٢٩ إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ۙ ٣٠
وَلَا يَحْضُرُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ ۙ ٣١ فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هُنَا حَمِيمٌ ۙ ٣٢

﴿۹﴾ و فرعون و آنانکه پیش از وی بودند و اهل موتفکات نیز مرتکب گناه شدند. ﴿۱۰﴾ پس فرستادهٔ پروردگار خود را نافرمانی کردند پس خدا آن جماعت را در گرفت در گرفت عظیمی. ﴿۱۱﴾ هر آئینه ما وقتی که آب از حد گذشت شمارا بر کشتی روان سوار کردیم. ﴿۱۲﴾ تا این امر را برای شما پندی قرار دهیم و یاد دارد آن را گوش یاد دارنده. ﴿۱۳﴾ پس چون در صور دمیده شود يك بار دمیدن. ﴿۱۴﴾ و زمین و کوه ها برداشته شود پس کوفته شود آنها یکبار کوفتن. ﴿۱۵﴾ پس آنروز متحقق شود قیامت. ﴿۱۶﴾ و آسمان بشگافد پس آنروز آسمان سست شده باشد. ﴿۱۷﴾ و فرشتگان برکناره های آسمان باشند و تخت پروردگار تورا آنروز هشت فرشته بالای خویش بردارند. ﴿۱۸﴾ آنروز پیش آورده شوید از حال شما هیچ سِرّی پنهان نماند. ﴿۱۹﴾ پس اما کسی که نامهٔ اعمال او به دست راست او داده شد پس گوید نامهٔ اعمال مرا بگیرید بخوانید. ﴿۲۰﴾ هر آئینه من معتقد بودم که من به حساب خود خواهم رسید. ﴿۲۱﴾ پس آن شخص در زندگانی پسندیده ای باشد. ﴿۲۲﴾ در بهشتی بلند. ﴿۲۳﴾ که میوهٔ آن قریب الحصول است. ﴿۲۴﴾ (گفته شود) بخورید و بیاشامید خوردن و آشامیدن گوارا به سبب آنچه در روزهای گذشته پیش فرستاده بودید. ﴿۲۵﴾ و اما آنکه داده شد نامهٔ اعمال او بدست چپش پس گوید ای کاش نامهٔ اعمال من به من داده نمی شد. ﴿۲۶﴾ ای کاش نمیدانستم حساب من چیست. ﴿۲۷﴾ ای کاش مرگ تمام کنندهٔ کار بود. ﴿۲۸﴾ مال من به من هیچ نفع نرساند. ﴿۲۹﴾ از من پادشاهی من زایل شد. ﴿۳۰﴾ (گفته شود ای فرشتگان) او را بگیرید پس طوق به گرد نش کنید. ﴿۳۱﴾ سپس او را در دوزخ داخل کنید. ﴿۳۲﴾ سپس او را در زنجیری که درازی آن هفتاد گز باشد ببندید. ﴿۳۳﴾ هر آئینه این شخص به خدای بزرگ ایمان نمیداشت. ﴿۳۴﴾ و مردمان را بر طعام دادن فقیر رغبت نمیداد. ﴿۳۵﴾ پس این شخص را امروز اینجا خویشاوندی نیست.

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسِيلِينَ ﴿٣٦﴾ لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ﴿٣٧﴾ فَلَا أَقْسَمُ
بِمَا تُبْصِرُونَ ﴿٣٨﴾ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿٤٠﴾ وَمَا هُوَ
بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمَنُونَ ﴿٤١﴾ وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذْكُرُونَ ﴿٤٢﴾
تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٣﴾ وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ ﴿٤٤﴾
لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ﴿٤٥﴾ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿٤٦﴾ فَمَا مِنْكُمْ
مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ ﴿٤٧﴾ وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾ وَإِنَّا
لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾ وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٥٠﴾
وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ﴿٥١﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٥٢﴾

سُورَةُ الْمَعَارِجِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ﴿١﴾ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ﴿٢﴾
مِّنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ﴿٣﴾ تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ
فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ﴿٤﴾ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ﴿٥﴾
إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ وَبَعِيدًا ﴿٦﴾ وَنَرَاهُ قَرِيبًا ﴿٧﴾ يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ
كَالْمُهْلِ ﴿٨﴾ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ﴿٩﴾ وَلَا يَسْأَلُ حِمِيرٌ حَمِيمًا ﴿١٠﴾

﴿۳۶﴾ و (این شخص را) هیچ طعامی غیر از چرک و خون نیست. ﴿۳۷﴾ که جز گناهکاران آنرا نخورند. ﴿۳۸﴾ پس قسم میخورم به آنچه می بینید. ﴿۳۹﴾ و آنچه نمی بینید. ﴿۴۰﴾ هرآئینه این (قرآن) گفتار فرشتهٔ بزرگوار است. ﴿۴۱﴾ و آن گفتار شاعری نیست اندکی ایمان می آوری. ﴿۴۲﴾ و گفتار کاهنی نیست اندکی پند می پذیرید. ﴿۴۳﴾ از جانب پروردگار جهانیان است. ﴿۴۴﴾ و اگر پیامبر ما بعض سخن هارا افترا می بست. ﴿۴۵﴾ هرآئینه از دست راست او را می گرفتیم. ﴿۴۶﴾ سپس رگ دل او را می بریدیم^(۱). ﴿۴۷﴾ پس هیچکس از شما ازو دفاع کننده^(۲) نیست. ﴿۴۸﴾ و هرآئینه قرآن پرهیزگاران را پندی است. ﴿۴۹﴾ و هرآئینه مامیدانیم که بعضی از شما تکذیب کننده اید. ﴿۵۰﴾ و هرآئینه قرآن برکافران حسرت است. ﴿۵۱﴾ و هرآئینه قرآن حقیقت درست است. ﴿۵۲﴾ پس پروردگار بزرگوار خود را به پاکی یادکن.

سوره معارج مکی است و آن چهل
و چهار آیه و دو رکوع است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ طلب کرد طلب کننده عقوبتی فرودآینده. ﴿۲﴾ برکافران (فرودآینده) اورا هیچ بازدارنده ای^(۳) نیست. ﴿۳﴾ (فرودآینده) از جانب خدا دارای مرتبه ها که بر آن صعود کرده شود. ﴿۴﴾ فرشتگان و روح نیز^(۴) به سوی خدا در روزی که هست مقدار آن پنجاه هزار سال بالامی روند. ﴿۵﴾ پس صبر کن صبر نیک. ﴿۶﴾ هرآئینه کافران آن روز را دور می بینند. ﴿۷﴾ و مانزدیک می بینیمش. ﴿۸﴾ روزی که آسمان مانند مس گداخته شود. ﴿۹﴾ و کوه ها مانند پشم رنگین شوند. ﴿۱۰﴾ و هیچ خویشاوند خویشاوند دیگر را نپرسد.

(۱) مترجم گوید عادت جَلَد آنست که دست راست اسیر را بدست چپ خود بگیرد و شمشیر بگردن او نهد لهذا به این اسلوب گفته شد.

(۲) یعنی عقوبت مارا.

سوره معارج

(۳) یعنی گفتند ﴿مَنْ هَذَا الَّذِي يُدْعِيكَ عَنْ كُنُوزِ صِدْقٍ﴾.

(۴) یعنی جبرئیل علیه السلام.



يُبْصَرُونَ هُمْ يَوَدُّ الْمَجْرُمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمِيذٍ بَيْنِهِ ١١
وَصَحْبَتِهِ وَأَخِيهِ ١٢ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤَيِّسُ ١٣ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا
ثُمَّ يُنْجِيهِ ١٤ كَلَّا إِنَّهَا لَأَنْتَ لَطْفِي ١٥ نَزَاعَةٌ لِلشَّوْىِ ١٦ تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ
وَتَوَلَّى ١٧ وَجَمَعَ فَأَوْعَى ١٨ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ١٩ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ
جَزَّوَعًا ٢٠ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ٢١ إِلَّا الْمُصَلِّينَ ٢٢ الَّذِينَ هُمْ
عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ٢٣ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ ٢٤ لِلسَّائِلِ
وَالْمَحْرُومِ ٢٥ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ يَوْمَ الدِّينِ ٢٦ وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ
رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ٢٧ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ ٢٨ وَالَّذِينَ هُمْ
لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ٢٩ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ
فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ٣٠ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ٣١
وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ٣٢ وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَتِهِمْ قَائِمُونَ
وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ٣٤ أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ ٣٥
فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ ٣٦ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ
عِزِينَ ٣٧ أَيُطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ٣٨ كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ
مِّمَّا يَعْلَمُونَ ٣٩ فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ ٤٠

﴿۱۱﴾ وایشان را نزدیکان ایشان به آنها نشان داده شود، گنهکار آرزو کند که از عذاب آنروز فرزندان خود را به عوض دهد. ﴿۱۲﴾ و همچنین زن خود را و برادر خود را. ﴿۱۳﴾ و نیز قبیله اش را که او را جای میدهد. ﴿۱۴﴾ و نیز همگی هرکه در زمین است تا شاید این عوض دادن او را نجات دهد. ﴿۱۵﴾ هرگز، به تحقیق که دوزخ آتشی است شعله زننده. ﴿۱۶﴾ پوست سر را برکشیده است. ﴿۱۷﴾ کسی را که اعراض کرد و رویگردان شد میخواند. ﴿۱۸﴾ و مال جمع نمود پس نگاهداشت. ﴿۱۹﴾ هر آینه آدمی ناشکینده آفریده شده است. ﴿۲۰﴾ چون به او مصیبت برسد جزع و فزع کننده است. ﴿۲۱﴾ و چون به او رفاهیت برسد بخل نماینده است. ﴿۲۲﴾ مگر نماز گزاران. ﴿۲۳﴾ آنانکه ایشان بر نماز خویش همیشه پایبندند. ﴿۲۴﴾ و آنانکه در اموال ایشان قسمتی مقرر هست. ﴿۲۵﴾ برای سائل و محروم. ﴿۲۶﴾ و آنانکه روز جزاء را باور میدارند. ﴿۲۷﴾ و آنانکه ایشان از عذاب پروردگار خود ترسند. ﴿۲۸﴾ هر آینه عذاب پروردگار ایشان چنان است که از آن ایمن نتوان شد. ﴿۲۹﴾ و آنانکه ایشان اندام نهانی خود را نگاهدارند گانند. ﴿۳۰﴾ مگر بر زنان خود یا کنیزکانی که دستهای ایشان مالک آنها شده است پس هر آینه این فریق ملامت کرده شده نیستند. ﴿۳۱﴾ پس هرکه طلب کند غیر از این، پس آن جماعت ایشانند از حدگذشتگان. ﴿۳۲﴾ آنانکه ایشان امانت های خود را و عهد های خود را رعایت کنند گانند. ﴿۳۳﴾ و آنانکه ایشان به گواهی های خود متعهد شوند گانند. ﴿۳۴﴾ و آنانکه ایشان بر نماز خود محافظت کنند گانند. ﴿۳۵﴾ این جماعت در بوستان ها اکرار کرده شوند. ﴿۳۶﴾ پس چیست کافران را که به سوی توشتابان اند. ﴿۳۷﴾ از جانب راست و از جانب چپ گروه گروه شده. ﴿۳۸﴾ آیاطمع میکند هر شخصی از ایشان که به بوستان نعمت داخل کرده شود. ﴿۳۹﴾ چنین نیست، هر آینه ما آفریده ایم ایشانرا از آنچه میدانند^(۱). ﴿۴۰﴾ پس قسم میخورم به پروردگار مشرق ها و مغرب ها که هر آینه ما توانائیم.

عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٤١﴾ فَذَرَهُمْ
يَخْضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ ﴿٤٢﴾ يَوْمَ
يَخْرَجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَى نُصُبٍ يُوفِضُونَ ﴿٤٣﴾
خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهِفُهُمْ ذَلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٤٤﴾

سُورَةُ نُوحٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١﴾ قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٢﴾ أَنْ أَعْبُدُوا
اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا ﴿٣﴾ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجَكُمْ
إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى إِنْ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤﴾
قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا ﴿٥﴾ فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَايَ إِلَّا
فِرَارًا ﴿٦﴾ وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصْدِعُهُمْ فِي
ءَاذَانِهِمْ وَأَسْتَغْشَوْا شِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا
﴿٧﴾ ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جَهَارًا ﴿٨﴾ ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ
لَهُمْ إِسْرَارًا ﴿٩﴾ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ﴿١٠﴾

﴿۴۱﴾ برآنکه بهتر از ایشان را جایگزین کنیم و ما عاجز نیستیم. ﴿۴۲﴾ پس (یا محمد) ایشان را بگذار به بیهودگی درآیند و بازی کنند تا آنکه برخورند به آنروز خود که ایشان را وعده داده میشود. ﴿۴۳﴾ روزیکه برآیند از قبرها شتابان گویا ایشان به سوی نشانه میدوند. ﴿۴۴﴾ ترس بر دیده‌های ایشان ظاهر شده باشد ایشانرا خواری درگیرد این است آن روز که ایشان را وعده داده می‌شد.

سوره نوح مکی است و آن بیست
و هشت آیه و دو رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ هرآئینه ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که بترسان قوم خود را پیش از آنکه بدیشان عقوبتی درد ناک بیاید. ﴿۲﴾ گفت ای قوم من هرآئینه من برای شما ترساننده ظاهرم. ﴿۳﴾ (باین مضمون) که خدا را عبادت کنید و از او بترسید و از من اطاعت کنید. ﴿۴﴾ تا گناهان شمارا برای شما بیامزد و شمارا تا وقتی مقرر موقوف دارد هرآئینه وقت مقرر کرده خدا چون بیاید هرگز آنرا تاخیر داده نشود اگر میدانید. ﴿۵﴾ گفت ای پروردگار من هرآئینه من قوم خود را شب و روز دعوت کردم. ﴿۶﴾ پس خواندن من در حق ایشان جز گریختن را زیاده نکرد. ﴿۷﴾ و هرآئینه هرگاه که من ایشانرا دعوت کردم تا به ایشان بیامری، انگشتان خود را در گوش‌های خویش درآوردند و جامه‌های خویش را به خود در پیچیدند و بر کفر مداومت کردند و سرکشی نمودند، سرکشی تمام. ﴿۸﴾ باز هرآئینه من ایشان را به آواز بلند دعوت کردم. ﴿۹﴾ باز هرآئینه من به ایشان آشکار گفتم و پنهان گفتم ایشان را نیز پنهان گفتم. ﴿۱۰﴾ پس گفتم از پروردگار خود طلب آمرزش کنید هرآئینه او آمرزنده هست.

يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ۝ وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ
لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا ۝ مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ۝
وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ۝ أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ
طَبَاقًا ۝ وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا ۝
وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ۝ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ
إِخْرَاجًا ۝ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بَسَاطًا ۝ لِتَسْلُكُوا مِنْهَا
سُبُلًا فِجَاجًا ۝ قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ
مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا ۝ وَمَكَرُوا مَكْرًا كَبِيرًا ۝ وَقَالُوا
لَا تَذَرْنَا يَا إِلَهَتُكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وُدَّ وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ
وَنَسْرًا ۝ وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا ۝
مِمَّا خَطِيئَتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَذَلُّوْنَا فَأَلَمَ يَجدُوا أَنَّهُمْ مِنْ دُونِ
اللَّهِ أَنْصَارًا ۝ وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ
دِيَارًا ۝ إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا
كَفَّارًا ۝ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا
وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ۝

﴿۱۱﴾ تا بر شما باران را ریزنده بفرستد. ﴿۱۲﴾ و پی در پی شمارا اموال و فرزندان دهد و شمارا بوستان‌ها بدهد و برای شما جویها پدید آورد. ﴿۱۳﴾ چه شده است شمارا که برای خدا بزرگی را معتقد نمی شوید. ﴿۱۴﴾ حال آنکه شمارا در مراحل مختلف آفریده است. ﴿۱۵﴾ آیا ندیدید چگونه خدا هفت آسمان را (تودرتو) طبقه طبقه آفرید. ﴿۱۶﴾ و ماه را در میان اینها فروزنده ساخت و خورشید را چراغ درخشنده ساخت. ﴿۱۷﴾ و خدا شمارا از زمین رویانید نوعی از رویانیدن. ﴿۱۸﴾ سپس دوباره شمارا به زمین برگرداند و دوباره شمارا بیرون آورد نوعی از بیرون آوردن. ﴿۱۹﴾ و خدا برای شما زمین را فرش گسترده ای ساخت. ﴿۲۰﴾ تا در آن زمین براه های گشاده بروید. ﴿۲۱﴾ گفت نوح ای پروردگار من هرائینه این جماعت نافرمانی من کردند و پیروی کسی را نمودند که زیاده نکرد در حق وی مال او و فرزند او مگر زیانرا^(۱). ﴿۲۲﴾ و حيله کردند رئیسان حيله‌ای عظیم. ﴿۲۳﴾ و گفتند هرگز معبودان خود را ترك مكنید و هرگز وَدّ و سواع و یغوث و یعوق و نسر را ترك مكنید^(۲). ﴿۲۴﴾ و به راستی که بسیاری را گمراه کردند و خدایا ستمکاران را بجز گمراهی نیفزاد. ﴿۲۵﴾ به سبب گناهان‌شان غرق کرده شدند پس ایشان را به آتش وارد کردند پس برای خویش بجز خدا هیچ نصرت دهنده ای نیافتند. ﴿۲۶﴾ و گفت نوح ای پروردگار من بر زمین از کافران هیچ ساکن شونده ای مگذار. ﴿۲۷﴾ هرائینه اگر تو ایشان را بگذاری بندگان تو را گمراه می سازند و بجز بدکار ناسپاس را نزنایند. ﴿۲۸﴾ ای پروردگار من مرا و پدر و مادر مرا و هر کسی را که داخل شود به خانه من ایمان آورده و جمیع مؤمنین و مومنات را بیا مرز و ستمکاران را جز هلاکت زیاده مده.

(۱) یعنی به رؤسای کفار.

(۲) و این پنج بت بودند.

سُورَةُ الْجِنِّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا
عَجَبًا ۝١ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَمْ نُشْرِكْ بِرَبِّنَا أَحَدًا ۝٢
وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ۝٣ وَأَنَّهُ كَانَ
يَقُولُ سَفِيهًا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ۝٤ وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّنْ تَقُولَ الْإِنسُ
وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۝٥ وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالِ
مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ۝٦ وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ
اللَّهُ أَحَدًا ۝٧ وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَا فِيهَا مَلِكًا حَرَسًا
شَدِيدًا وَشُهَبًا ۝٨ وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعِدًا لِّلسَّمْعِ ۖ فَمَنْ
يَسْمِعُ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شُهَابًا رَّصَدًا ۝٩ وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ
بِمَن فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا ۝١٠ وَأَنَّا مِمَّا الصِّلَاةَ
وَمَتَّادُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرِيقَ قَدَدًا ۝١١ وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّنْ نُّعْجِزَ
اللَّهُ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُّعْجِزَهُ هَرَبًا ۝١٢ وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى
آمَنَّا بِهِ ۖ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ ۖ فَلَا يَخَافُ بَحْسَ آلِهَةٍ وَلَا رَهَقًا ۝١٣

سوره جن مکی است و آن بیست
هشت آیه و دو رکوع است

به نام خداوند بخشنده* مهربان.

﴿۱﴾^(۱) بگو به سوی من وحی فرستاده شد که جماعتی از جن گوش نهادند پس گفتند هرآینه ما قرآنی عجیبی شنیدیم. ﴿۲﴾ که به سوی راه راست دلالت میکند پس به آن ایمان آوردیم و با پروردگار خویش هیچ احدی را شریک مقرر نخواهیم کرد. ﴿۳﴾ و به تحقیق (بیان کردند آن جنیان) که بلند است بزرگی پروردگار ما زنی و فرزندى نگرفته است. ﴿۴﴾ و آنکه جاهلان ما برخدا دروغ را افترا می کردند. ﴿۵﴾ و آنکه ما پنداشتیم که هرگز بنی آدم و جنیان برخدا سخن دروغ را نگویند. ﴿۶﴾ و آنکه مردانی از بنی آدم پناه میگرفتند به مردانی از جن پس در حق آن جنیان سرکشی را^(۲) زیاده کردند. ﴿۷﴾ و آنکه آدمیان گمان کردند چنانکه شما گمان کردید که هرگز خدا هیچ کس را^(۳) نفرستد. ﴿۸﴾ و آنکه ما دست به آسمان رسانیدیم پس یافتیم که آسمان به پاسبانان محکم و به ستاره های فرودآینده پر کرده شده است. ﴿۹﴾ و آنکه ما پیش ازین به جایایی از آسمان برای شنیدن می نشستیم^(۴) پس هرکه الآن گوش بنهد برای خود ستاره ای مهیا ساخته بیابد. ﴿۱۰﴾ و آنکه مانمی دانیم آیا بلایی اراده کرده شده در حق آنانکه در زمین اند یا پروردگار ایشان در حق ایشان خیر را اراده کرده است. ﴿۱۱﴾ و آنکه از ما جمعی شایسته کاران اند و جمعی از ما غیر از اینند، و ما فرقه های مختلف بودیم. ﴿۱۲﴾ و آنکه ما دانستیم که هرگز نمی توانیم خدا را در زمین عاجز کنیم و او را از جهت گریختن عاجز کنیم. ﴿۱۳﴾ و آنکه چون ما شنیدیم هدایت را به آن ایمان آوردیم پس هرکه ایمان آورد به پروردگار خویش پس او از هیچ نقصانی و همچنین از هیچ ستمی نرسد.

(۱) مترجم گوید روزیکه آن حضرت صلی الله علیه وسلم نماز صبح را بیرون مکه میخواندند جماعتی از جن قراءه ایشان را استماع کردند و ایمان آوردند خدای تعالی از ایمان ایشان و گفتگوی ایشان با قوم خود درین سوره خبر داد تا قوله: ﴿وَأَوَّسَّخْتُمُوهَا﴾ الآية. والله اعلم.

(۲) اشارت است به آنکه در جاهلیت چون به جایی فرود می آمدند میگفتند اعوذ بسید هذا الوادی من سفهاء قومه.

(۳) یعنی پیامبر نفرستد.

(۴) یعنی برای شنیدن کلام ملائکه.

وَأَنَّا مِمَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِمَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ
تَحَرَّوْا رَشَدًا ﴿١٤﴾ وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿١٥﴾
وَالْوَالِدَاتُ يُغْضَوْنَ عَلَىٰ الظَّرِيفَةِ لَا يَقِيْنَهُمْ مَاءٌ غَدَقًا ﴿١٦﴾ لَنَفِتَنَّهُمْ
فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ﴿١٧﴾ وَأَنَّ
الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾ وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ
يَدْعُوهُ كَادُوْا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ﴿١٩﴾ قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ
بِهِ أَحَدًا ﴿٢٠﴾ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ﴿٢١﴾ قُلْ إِنِّي
لَن يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَن أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿٢٢﴾ إِلَّا بَلَاغًا
مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَةً وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ
خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ﴿٢٣﴾ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَآيُوعَدُونَ فَنَسِيَاعَلَمُونَ
مَنْ أضعفُ ناصرًا وأقلُّ عددًا ﴿٢٤﴾ قُلْ إِن أَدْرَىٰ أَقْرَبُ مَا تُوْعَدُونَ
أَمْ يُجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا ﴿٢٥﴾ عَلِيمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهَرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ
أَحَدًا ﴿٢٦﴾ إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ
يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ﴿٢٧﴾ لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ
رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا ﴿٢٨﴾

﴿۱۴﴾ وآنکه جمعی از ما مسلمانند و جمعی از ما گنهکارانند پس هرکه مسلمان شد پس آن جماعت راه راست را قصد کردند. ﴿۱۵﴾ واما گنهکاران پس هیزم برای دوزخ باشند. ﴿۱۶﴾ و (نیز بگویا محمد که وحی فرستاده شده است به سوی من) اینکه بنی آدم اگر راست می ایستادند بر راه راست البته ایشانرا آب بسیار مینوشانیدیم. ﴿۱۷﴾ تا ایشانرا به آن^(۱) امتحان کنیم و هرکه اعراض کند از یاد کردن پروردگار خود او را بعدایی سخت مبتلای کند. ﴿۱۸﴾ وآنکه مسجد هامخصوص برای خداست پس با خدا هیچکس را عبادت مکنید. ﴿۱۹﴾ وآنکه چون بنده خدا ایستاد^(۲) که خدا را عبادت کند نزدیک بود که جنیان که بر آن بنده یکی بر دیگر چسپیده شوند^(۳). ﴿۲۰﴾ بگو جزاین نیست که پروردگار خود را عبادت میکنم وباو هیچ کس را شریک مقرر نمی کنم. ﴿۲۱﴾ بگو هرآئینه من در حق شما توان ضرر رسانیدن ندارم ونمی توانم شما را به راه راست إلزام کنم. ﴿۲۲﴾ بگو هرآئینه هیچکس مرا از عقوبت خدا پناه ندهد و جز او هرگز پناهی نیابم. ﴿۲۳﴾ ولیکن (بجا آورم) خبر رسانیدن از جانب خدا و تبلیغ پیغامهای او را (انجام دهم) هرکه خدا و پیامبر او را نافرمانی کند پس هرآئینه برای او ست آتش دوزخ در آنجا همیشه جاویدان است. ﴿۲۴﴾ (در غفلت خود باشند) تا وقتی که چون ببینند آنچه ایشانرا وعده داده میشود پس خواهند دانست چه کسی یارانش ضعیف تر و تعدادشان کمتر است. ﴿۲۵﴾ بگو نمیدانم آیا نزدیک است آنچه شما را وعده داده میشود یا پروردگار من برای او میعاد مقرر کند. ﴿۲۶﴾ داننده غیب است پس بر علم غیب خود هیچکس را مطلع نمی سازد. ﴿۲۷﴾ مگر کسی که او را به پیامبری برگزید پس هرآئینه خدا پیش دست های وی واز پشت وی فرشتگان نگاهبان را روان میکند. ﴿۲۸﴾ تا معلوم بدارد خدا که بتحقیق پیغامهای پروردگار خود را^(۴) رسانیده اند و خدا از هر جهت بر آنچه نزد ایشانست احاطه کرده است و هر چیز را از روی شمار فرا گرفته است.

(۱) یعنی ارزانی می شود و قحط نمی آید.

(۲) یعنی محمد صلی الله علیه وسلم.

(۳) یعنی از حرص براستماع قرآن.

(۴) یعنی تا تبلیغ در خارج متحقق گردد زیرا که علم آن ست والله اعلم.

سورة المزمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْمَزْمِلُ ١ قُمْ أَيْلًا إِلَّا قَلِيلًا ٢ نَصْفَهُ وَأَوْنَقْصُ مِنْهُ قَلِيلًا
 ٣ أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرَقِلْ أَقْرَأْ أَنْ تَرْتِيلًا ٤ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا
 ثَقِيلًا ٥ إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا ٦ إِنَّ لَكَ فِي
 النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ٧ وَذَكَرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا ٨
 رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ٩ وَأَصْبِرْ
 عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ١٠ وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ
 أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ١١ إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ١٢
 وَطَعَامًا ذَا عَصَصَةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ١٣ يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ
 وَكَانَتْ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلًا ١٤ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَهِدًا
 عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ١٥ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ
 فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا ١٦ فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا
 يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ١٧ السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ ١٨ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا
 ١٩ إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ ٢٠ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ٢١

سوره مزمل مکی است و آن بیست
آیه و دو رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ ^(۱) ایمر دجامه بر خود پیچده ^(۲). ﴿۲﴾ قیام لیل کن مگر اندکی ^(۳). ﴿۳﴾ قیام نیم شب کن یا اندکی از نیم شب کم کن. ﴿۴﴾ یا اندکی بر نیم شب بیفزای و قرآن را بواضح خواندن ترتیل کن. ﴿۵﴾ هر آئینه ما بر تو فرمانی دشوار ^(۴) و سنگین نازل خواهیم کرد. ﴿۶﴾ هر آئینه قیام شب در موافقت زبان بادل زیاده تراست و در تلفظ الفاظ درست تراست. ﴿۷﴾ هر آئینه تورا در روز شغلی بسیار است. ﴿۸﴾ و نام پروردگار خود را یاد کن و چنانکه باید روی به سوی او (از همه چیز) دل بکن. ﴿۹﴾ پروردگار مشرق و مغرب است جز او هیچ معبودی بر حق نیست پس او را کار ساز گیر. ﴿۱۰﴾ و صبر کن بر آنچه می گویند و ترک کن ایشان را ترک کردن نیکو. ﴿۱۱﴾ و مرا با تکذیب کنندگان صاحبان آسایش بگذار و ایشانرا اندکی مهلت ده. ﴿۱۲﴾ هر آئینه نزد ما قیدهای گران و آتش افروخته هست. ﴿۱۳﴾ و طعام گلوگیر و عذاب درد ناک است. ﴿۱۴﴾ روزیکه زمین و کوه ها بجنبند و کوه ها مانند تل ریگی از هم پاشیده شده شود. ﴿۱۵﴾ هر آئینه ما به سوی شما پیامبری گواهی دهنده بر شما فرستادیم چنانکه به سوی فرعون پیامبری را فرستاده بودیم. ﴿۱۶﴾ پس فرعون آن پیامبر را نافرمانی کرد پس او را در گرفتیم در گرفتن سخت. ﴿۱۷﴾ پس اگر کافر شوید چگونه در پناه شوید از روزی که اطفال را پیر گرداند. ﴿۱۸﴾ آسمان در آن روز شگافته باشد و عده خدا البته شدنی هست. ﴿۱۹﴾ هر آئینه این پنداست پس هر که خواهد به سوی پروردگار خویش راه بگیرد.

(۱) مترجم گوید در ابتدای اسلام خدای تعالی قیام لیل بر آن حضرت صلی الله علیه و سلم و بر مسلمانان موکد گردانید و چون این معنی برایشان نهایت دشوار آمد بعد يك سال رخصت نازل فرمود ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ﴾ الی آخر السورة تا هر که خواهد قیام کند و هر که خواهد نکند و هر قدر که خواهد بخواند و الله اعلم.

(۲) یعنی به سبب هیبت وحی.

(۳) یعنی اگر شبهانگنی گناه نباشد و الله اعلم.

(۴) یعنی دعوت کفار به اسلام.

* إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنُصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَآئِفَةٌ
 مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَن لَّنْ نَّحْصُوهُ فَتَابَ
 عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَّرْضَىٰ
 وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ
 يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا
 الزَّكَاةَ وَقَرِّضُوا لِلَّهِ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِن خَيْرٍ نَّجِدْهُ
 عِندَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٠﴾

سورة المزمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْمَدَّثِرُ ﴿١﴾ قُمْ فَأَنْذِرْ ﴿٢﴾ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ﴿٣﴾ وَشِيبَاكَ فَطَهِّرْ ﴿٤﴾
 وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ﴿٥﴾ وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ ﴿٦﴾ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ﴿٧﴾ فَإِذَا انْقَرَّ
 فِي النَّاقُورِ ﴿٨﴾ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ﴿٩﴾ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ﴿١٠﴾
 ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ﴿١١﴾ وَجَعَلْتُ لَهُ مَا لَا مَمْدُودَ ﴿١٢﴾ وَبَنِينَ
 شُهُودًا ﴿١٣﴾ وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ﴿١٤﴾ ثُمَّ يَطْمَعُ أَن يَرِيدَ ﴿١٥﴾ كَلَّا إِنَّهُ
 كَانَ لَا يَتَنَاعَدِ ﴿١٦﴾ سَأَرْهَقُهُ صُعُودًا ﴿١٧﴾ إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿١٨﴾

﴿۲۰﴾ هرائینه پروردگارتو میداند که تو برمی خیزی نزدیک به دو سوّم شب و نیم شب يك سوّم شب و نیز برمی خیزند جماعتی از آنانکه همراه تواند و خدا اندازه میکند شب و روز را، خدا دانست که شما قیام لیل را^(۱) احاطه نمی توانید کرد پس (به رحمت) بر شما بازگشت پس آنچه را که میسر باشد از قرآن بخوانید، دانست خدا که خواهند بود بعضی از شما بیماران و دیگران که سفر می کنند در زمین از فضل خدا طلب (روزی) می نمایند و دیگران که کارزار میکنند در راه خدا پس آنچه را که آسان باشد از قرآن بخوانید و نماز را برپادارید و زکّوٰت را بدهید و خدا را وام دهید و وام دادن نیک^(۲) و آنچه پیش میفرستید برای خویشان از عمل نیک آنرا نزد خدا بهتر خواهید یافت و بزرگتر باعتبار پاداش و از خدا طلب آمرزش کنید هرائینه خدا آمرزنده مهربانست^(۳).

سوره مدثر مکی است و آن پنجاه
و شش آیه و دو رکوع است

به نام خداوند بخشنده* مهربان.

﴿۱﴾ ای مردجامه برخود پیچیده^(۴). ﴿۲﴾ برخیز پس بترسان. ﴿۳﴾ و پس پروردگار خود را به بزرگی یادکن. ﴿۴﴾ و جامه های خود راپاک ساز. ﴿۵﴾ و پلیدی را دورکن. ﴿۶﴾ و نباید که چیزی بدهی (در عوض) زیاده طلب کنی^(۵). ﴿۷﴾ و برای (حکم) پروردگار خویش پس شکیبایی کن. ﴿۸﴾ پس وقتی که در صور دمیده شود. ﴿۹﴾ پس آنروز روزی دشوار باشد. ﴿۱۰﴾ بر کافران (وقت) آسان نیست. ﴿۱۱﴾ مرا با کسی که آفریدم تنها بگذار. ﴿۱۲﴾ و او را مال فراوان دادم. ﴿۱۳﴾ و فرزندان به مجالس حاضر شونده. ﴿۱۴﴾ و وسعت دادم او را وسعت دادنی. ﴿۱۵﴾ باز طمع می کند که زیاده دهم. ﴿۱۶﴾ چنین نیست، هرائینه او بود به آیات ماستیزنده. ﴿۱۷﴾ او را به مشقت غیر قابل تحمل تکلیف خواهم داد. ﴿۱۸﴾ هرائینه وی تأمل کرد و اندازه مقرر نمود.

(۱) یعنی مواظبت نمیتوانید کرد.

(۲) یعنی مال را خرج کنید در جهاد به امید ثواب آخرت والله اعلم.

(۳) مترجم گوید این آیت بعد از يك سال نازل شد و آن حضرت صلی الله علیه وسلم آن را در همین سوره ملحق کردند بجهت مناسبت و لهذا با سایر سوره در اسلوب نمی ماند والله اعلم.

(۴) یعنی از هیبت وحی.

(۵) یعنی هدیه بردن به رئیسی تا وی زیاده از قیمت هدیه رعایت کند، از اخلاق ردیله است.

فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿١٩﴾ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿٢٠﴾ ثُمَّ نَظَرَ ﴿٢١﴾ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿٢٢﴾
ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ﴿٢٣﴾ فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ ﴿٢٤﴾ إِنَّ هَذَا
إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴿٢٥﴾ سَأُصْلِيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ ﴿٢٧﴾
لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ ﴿٢٨﴾ لَوْحَةٌ لِلْبَشَرِ ﴿٢٩﴾ عَلَيْهَا تِسْعَةُ عَشْرِ ﴿٣٠﴾ وَمَا جَعَلْنَا
أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا
لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ
الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ
وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ
وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ
لِّلْبَشَرِ ﴿٣١﴾ كَلَّا وَالْقَمَرِ ﴿٣٢﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا دْبَرَ ﴿٣٣﴾ وَالصُّبْحِ إِذَا اسْفَرَ ﴿٣٤﴾ إِنَّهَا
لِإِحْدَى الْكُبَرِ ﴿٣٥﴾ نَذِيرٌ لِّلْبَشَرِ ﴿٣٦﴾ لِمَن شَاءَ مِنْكُمْ أَن يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ
﴿٣٧﴾ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ﴿٣٨﴾ إِلَّا الْأَصْحَابَ الْيَمِينِ ﴿٣٩﴾ فِي جَنَّتِ
يَتَسَاءَلُونَ ﴿٤٠﴾ عَنِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٤١﴾ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ﴿٤٢﴾ قَالُوا لَمْ نَكُ
مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾ وَلَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمَسْكِينِ ﴿٤٤﴾ وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ
الْحَايِضِينَ ﴿٤٥﴾ وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿٤٦﴾ حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ ﴿٤٧﴾

﴿۱۹﴾ پس اورا لعنت باد، چگونه اندازه کرد. ﴿۲۰﴾ باردگر براو لعنت باد چگونه اندازه کرد. ﴿۲۱﴾ بازدرنگریست. ﴿۲۲﴾ باز روترش کرد وپیشانی درهم کشید. ﴿۲۳﴾ بازپشت گردانیدو تکبر کرد^(۱). ﴿۲۴﴾ پس گفت نیست قرآن مگرجادویی که ازساحران نقل کرده میشود. ﴿۲۵﴾ نیست این قرآن مگر کلام آدمی. ﴿۲۶﴾ اورا به دوزخ درخواهم آورد. ﴿۲۷﴾ وتوجه می دانی که چیست دوزخ؟ ﴿۲۸﴾ باقی نمی گذارد وترك نمی کند. ﴿۲۹﴾ آدمیان را سوزنده است. ﴿۳۰﴾ بردوزخ نوزده کس گماشته اند^(۲). ﴿۳۱﴾ ونساختیم ماموران دوزخ را مگر فرشتگان وشماریشان را نساخته ایم مگر بلا درحق کافران تا اهل کتاب یقین کنند وتا مسلمانان درایمان خود افزونی یابند وتا اهل کتاب ومسلمانان شك نکنند وتا آنانکه دردل های ایشان بیماریست وكافران بگویند خدا چه چیز اراده کرده است به این داستان همچنین گمراه می کند خدا هر که را خواهد وهدایت می نماید هر که را بخواد ولشکرهای پروردگار تورا جز اوتبارك و تعالی (هیچ فرد) نمی داند واین جز پندی برای بنی آدم نیست. ﴿۳۲﴾ چنین نیست و قسم به ماه. ﴿۳۳﴾ قسم به شب چون پشت برگرداند. ﴿۳۴﴾ قسم به صبح چون روشن شود. ﴿۳۵﴾ هرآئینه دوزخ یکی از چیزهای بزرگ است. ﴿۳۶﴾ ترساننده بنی آدم. ﴿۳۷﴾ (ترساننده است) برای هرکه خواهد ازشما گام پیش نهد یا پس ماند. ﴿۳۸﴾ هر شخصی به آنچه کرد درگرواست. ﴿۳۹﴾ مگر اهل (سعادت و) راست. ﴿۴۰﴾ دربوستانها باشند سؤال کنند. ﴿۴۱﴾ ازگنهکاران. ﴿۴۲﴾ چه چیز شمارا دردوزخ درآورد. ﴿۴۳﴾ گویند ازنمازگزاران نبودیم. ﴿۴۴﴾ وفقییرا طعام نمی دادیم. ﴿۴۵﴾ وبه انکاردرمی آمدیم بادراینندگان. ﴿۴۶﴾ وبودیم روزجزاء را تکذیب می کردیم. ﴿۴۷﴾ تاوقتیکه بما مرگ آمد.

(۱) مترجم گوید این تصویراست حال کافرا که خدای تعالی اورانعمت هاداده باشد واومصرّ باشد برکفر ﴿رُحْمًا وَسَرًّا﴾ * تصویر حال تأمل وتردداست واللہ اعلم.

(۲) مترجم گوید این آیت اشارت است به ردّ شبهه کفادر شمار تسعة عشر آن حضرت صلی الله علیه وسلم آنرا درهمین سوره ملحق فرمودند بجهت مناسبت و لهذا باسایرسوره نمی ماند دراسلوب واللہ اعلم.

فَمَا تَفْعَلُهُمْ شَفَعَةُ الشَّافِعِينَ ﴿٤٨﴾ فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذِكْرِ مُعْرِضِينَ
 ﴿٤٩﴾ كَانَتْهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ ﴿٥٠﴾ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿٥١﴾ بَلْ يُرِيدُ
 كُلُّ أَمْرٍ مِنْهُمْ أَنْ يُوْتِيَ صُحُفًا مَنَشْرَةً ﴿٥٢﴾ كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ
 الْآخِرَةَ ﴿٥٣﴾ كَلَّا إِنَّهُ تَذَكُّرٌ ﴿٥٤﴾ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ﴿٥٥﴾ وَمَا يَذْكُرُونَ
 إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَعْرِفَةِ ﴿٥٦﴾

سُورَةُ الْقِيَامَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أَقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَمَةِ ﴿١﴾ وَلَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ﴿٢﴾ أَيْحَسِبُ
 الْإِنْسَانُ أَنْ يَجْمَعَ عِظَامَهُ ﴿٣﴾ بَلَى قَدَرِينَ عَلَى أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ ﴿٤﴾ بَلْ
 يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ﴿٥﴾ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَمَةِ ﴿٦﴾ فَإِذَا بَرِقَ
 الْبَصَرُ ﴿٧﴾ وَخَسَفَ الْقَمَرُ ﴿٨﴾ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٩﴾ يَقُولُ الْإِنْسَانُ
 يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُ ﴿١٠﴾ كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿١١﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ﴿١٢﴾ يُنَبَّأُ
 الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ﴿١٣﴾ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ﴿١٤﴾
 وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ ﴿١٥﴾ لَا تَحْرِكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ﴿١٦﴾ إِنْ عَلَيْنَا
 جَمْعُهُ وَفَرْقَانُهُ ﴿١٧﴾ فَإِذَا قَرَأَهُ فَأَتَّبِعْ فُؤَادَهُ ﴿١٨﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ﴿١٩﴾

﴿۴۸﴾ پس ایشانرا شفاعتِ شفاعت کنندگان سود ندهد. ﴿۴۹﴾ پس چه شده است ایشان را از پند (قرآن) رویگردان شوند. ﴿۵۰﴾ گویا ایشان گور خزان رمنده اند. ﴿۵۱﴾ که از شیریری گریخته باشند. ﴿۵۲﴾ بلکه هر شخصی از ایشان میخواهد که نامه های گشاده داده شود^(۱). ﴿۵۳﴾ هرگز، بلکه از آخرت نمی ترسند. ﴿۵۴﴾ هرگز، به درستی که قرآن پنداست. ﴿۵۵﴾ پس هر که خواهد آن را بخواند. ﴿۵۶﴾ و یاد نمی کنند بندگان مگر وقتی که خدا خواسته باشد اوست سزاوار به آنکه از وی بترسند و اوست سزاوار آن که بیمارزد.

سوره قیامت مکی است و آن چهل آیه و دو رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ به روز قیامت قسم میخورم. ﴿۲﴾ و به نفس بسیار ملامت کننده^(۲) قسم میخورم. ﴿۳﴾ آیا انسان می پندارد که استخوانهای او را جمع نمی کنیم. ﴿۴﴾ آری (چنین می کنیم) درحالی که تواناییم بر آنکه سرانگشت های او را نیز درست کنیم. ﴿۵﴾ بلکه آدمی میخواهد که در پیش روی خود (یعنی در زمان حال و آینده)^(۳) معصیت کند. ﴿۶﴾ می پرسد روز قیامت کی خواهد بود. ﴿۷﴾ پس وقتیکه چشم خیره شود. ﴿۸﴾ و ماه تیره گردد. ﴿۹﴾ و خورشید و ماه یکجا جمع کرده شود. ﴿۱۰﴾ آدمی آنروز بگوید که گریز گاه کجاست. ﴿۱۱﴾ هرگز، هیچ پناهی نیست. ﴿۱۲﴾ در آن روز قرارگاه به سوی پروردگار توست. ﴿۱۳﴾ آن روز آدمی را به حقیقت حال آنچه پیش فرستاده و پس گذاشته بود^(۴) خبر داده شود. ﴿۱۴﴾ بلکه آدمی برای الزام خود حاجتی است. ﴿۱۵﴾ اگرچه عذرهای خود را پیش آورد. ﴿۱۶﴾^(۵) (یا محمد) به تکرار قرآن باعجله زبان خود را حرکت نده، تا آنرا زود یادآوری. ﴿۱۷﴾ هرآئینه جمع کردن آن در سینه تو برعهده ماست و نیز آسان کردن خواندن آن برعهده ماست. ﴿۱۸﴾ پس چون آنرا خواندیم در خواندن از او پیروی کن. ﴿۱۹﴾ باز هر آئینه واضح کردن آن برعهده ما^(۶) است.

(۱) یعنی می گویند باید که کتاب برهریک نازل شود.

(۲) که آدمی البته مبعوث خواهد شد.

(۳) یعنی آمدنی است.

(۴) مثل صدقه جاریه و علم باقی.

(۵) مترجم گوید چون جبرئیل پیش آن حضرت صلی الله علیه وسلم وحی می آورد آن حضرت صلی الله علیه وسلم بخاطر حفظ آن اهتمام زیاد می فرمود و هم بحضور جبرئیل قبل از انقضاء وحی تکرار می نمود تا از خاطر مبارک نرود خدای تعالی باین معنی اشارت فرمود.

(۶) مترجم گوید ظاهر نزد بنده آنست که معنی آیت چنین باشد: هرآئینه وعده لازم است بر ما جمع کردن قرآن در مصاحف و حفظ و قرائت آن عصراً بعد عصر و ابضاح او به تفسیر معانی آن، خدای تعالی بوسیله شیخین رضی الله عنهما آنرا جمع کرده در هر زمانی قاریان را توفیق داد که حافظ شوند به تجوید بخوانند و در هر زمانی مفسران را توفیق داد که در تفسیر آن سعی نمایند والله اعلم.

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ ﴿٢٠﴾ وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ ﴿٢١﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ
 إِلَىٰ رَبِّهَا نَازِرَةٌ ﴿٢٢﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ ﴿٢٣﴾ تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا
 فَاقَةٌ ﴿٢٤﴾ كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ ﴿٢٥﴾ وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ ﴿٢٦﴾ وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ
 ﴿٢٧﴾ وَالْتَفَتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ ﴿٢٨﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ﴿٢٩﴾ فَلَا
 صَدَقَ وَلَا وُصِّلَ ﴿٣٠﴾ وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿٣١﴾ ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ
 ﴿٣٢﴾ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ﴿٣٣﴾ ثُمَّ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ﴿٣٤﴾ أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ
 أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ﴿٣٥﴾ أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِّنْ مَّنِيٍّ يُمْنَىٰ ﴿٣٦﴾ ثُمَّ كَانَ
 عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿٣٧﴾ فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ
 وَالْأُنثَىٰ ﴿٣٨﴾ أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ﴿٣٩﴾

سورة الانشراح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا ﴿١﴾ إِنَّا خَلَقْنَا
 الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿٢﴾ إِنَّا
 هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ﴿٣﴾ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا
 وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا ﴿٤﴾ إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ﴿٥﴾

﴿۲۰﴾ هر گز، (ای کافران) بلکه دنیا را دوست میدارید. ﴿۲۱﴾ و آخرت را ترك می نمایید. ﴿۲۲﴾ در آن روز بعضی چهره ها تازه باشند. ﴿۲۳﴾ به سوی پروردگار خود نظر کننده باشند. ﴿۲۴﴾ و بعضی چهره ها در آنروز پیشانی درهم کشیده باشند. ﴿۲۵﴾ توقع دارند که بر ایشان مصیبتی آورده شود. ﴿۲۶﴾ هر گز، وقتی که روح به جنبر گردن برسد. ﴿۲۷﴾ و گفته شود کیست سحر کننده. ﴿۲۸﴾ و به یقین دانست که اینوقت وقت جدا شدن روح است. ﴿۲۹﴾ و یکساقی مُحْتَضِر ساق دیگر^(۱) پیچید. ﴿۳۰﴾ آن روز، روان کردن به سوی پروردگار توسست. ﴿۳۱﴾ پس (آدمی) نه باور داشت و نه نماز گزارد. ﴿۳۲﴾ ولیکن دروغ انگاشت و رویگردان شد. ﴿۳۳﴾ سپس به سوی اهل خانه خود خرامان شده برفت. ﴿۳۴﴾ وای بر تو پس وای بر تو. ﴿۳۵﴾ باز (دیگر میگویم) وای بر تو پس وای بر تو. ﴿۳۶﴾ آیا انسان می پندارد که بی هدف گذاشته شود؟ ﴿۳۷﴾ آیا نطفه ای از منی که در رحم ریخته میشد نبود؟ ﴿۳۸﴾ باز خون بسته ای بود پس خدا بیافرید سپس درست اندام کرد. ﴿۳۹﴾ پس از آن منی دوقسم مرد و زن را ساخت. ﴿۴۰﴾ آیا این خدا توانا نیست بر آنکه مُردگان را زنده کند؟

سوره دهر مکی است و آن سی و یک
آیه و دو رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ به راستی که آمده است بر آدمی مدتی از زمان که چیزی ذکر کرده شده نبود. ﴿۲﴾ هر آئینه ما آدمی را از یکپاره منی درهم آمیخته از چند چیز آفریدیم^(۲) که او را بیآزماییم پس او را شنوای بینا ساختیم. ﴿۳﴾ هر آئینه ما آدمی را بر راه دلالت کردیم، خواه شکر گذار و خواه ناسپاس باشد. ﴿۴﴾ هر آئینه ما برای کافران زنجیرها و طوقها و آتش افروخته را آماده ساخته ایم. ﴿۵﴾ هر آئینه نیکوکاران از پیاله شراب که آمیزش آن آب چشمه کافور باشد می نوشند.

(۱) یعنی دریای حرکت نماند.

(۲) یعنی منی مرد و منی زن و خون حیض را از حالی به حالی دیگر گردانیم.

عَيْنَا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ﴿٦﴾ يُوفُونَ بِالْذِّكْرِ وَيَنْخَفُونَ
يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ﴿٧﴾ وَيُطْعَمُونَ أَلْطَامًا عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا
وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿٨﴾ إِنَّمَا نَطْعُكُمْ لَوْجَهُ اللَّهِ لَا نَزِيدُكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا
﴿٩﴾ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ﴿١٠﴾ فَوَقَّهْمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ
الْيَوْمِ وَلَقَّهْمُ نَصْرَةً وَسُرُورًا ﴿١١﴾ وَجَزَّاهُمْ بِمَا صَبَرُوا أَجَنَّةً وَحَرِيرًا ﴿١٢﴾
مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمَهْرِيرًا ﴿١٣﴾
وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ أَيْدِيهِمْ تَدْلِيلًا ﴿١٤﴾ وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِانِيَّةٍ
مِّنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا ﴿١٥﴾ قَوَارِيرًا مِّنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ﴿١٦﴾
وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا ﴿١٧﴾ عَيْنَا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا
﴿١٨﴾ وَيُطَوَّفُ عَلَيْهِمْ خُلْدٌ وَإِذَا أَرَأَيْتُمُ حَسْبَتَهُمْ لَوْ تَوَّاسُخًا مِّنْ ثَوَابٍ
﴿١٩﴾ وَإِذَا أَرَأَيْتُمُ رَأَيْتُمُ نَعِيمًا وَمُلَكًا كَبِيرًا ﴿٢٠﴾ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ
خُضْرٌ وَأَسْتَبْرَقٌ وَحُلُوهَا أَسَاوِرٌ مِّنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا
طَهُورًا ﴿٢١﴾ إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَّشْكُورًا ﴿٢٢﴾ إِنَّا
نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا ﴿٢٣﴾ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَطِعْ
مَنْهُمْ أَتَمَّ أَوْ كَفُورًا ﴿٢٤﴾ وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٢٥﴾

﴿۶﴾ چشمه ای که می‌آشامند از آن بندگان مقرب خدا روان کنند آن را روان کردنی^(۱).
 ﴿۷﴾ به نذر و فامیکنند و از روزیکه مشقت آن فاش باشد می ترسند. ﴿۸﴾ و طعام را
 باوجود احتیاج به آن به فقیر و یتیم و زندانی می دهند. ﴿۹﴾ (میگویند) جزاین نیست که
 شمارا برای رضای خدا طعام میدهیم از شما نه مزدی و نه سپاسگذاری می طلبیم. ﴿۱۰﴾
 هرآئینه ما از پروردگار خود در روز ترش روی نهایت سخت می ترسیم. ﴿۱۱﴾ پس خدا
 ایشان را از سختی آروز نگهداشت و ایشانرا تازگی و خوشحالی رسانید. ﴿۱۲﴾ و ایشان را
 در مقابل صبر ایشان بوستان و جامهٔ ابریشمی پاداش داد. ﴿۱۳﴾ آنجا برتخت ها تکیه زده
 باشند آنجا نه گرمی خورشید را و نه سرمای تند را بینند. ﴿۱۴﴾ و برایشان سایه های آن
 بوستان نزدیک شده باشد و سهل الحصول کرده شود میوه های آن آسان کردنی. ﴿۱۵﴾
 برایشان به جامه هایی از نقره و با جامه هایی که بلورین باشند گردانده شود. ﴿۱۶﴾ (مراد
 میدارم) بلورین از نقره اندازه ساقیان کرده باشند آنرا اندازه کردنی. ﴿۱۷﴾ و ایشانرا
 آنجا جام شرابی نوشانیده شود که آمیزش آن آب چشمه زنجبیل هست. ﴿۱۸﴾ چشمه
 ایست در بهشت که نام آن سلسبیل نهاده می شود. ﴿۱۹﴾ و برایشان نوجوانان جاویدان،
 (برای خدمت) دورمی زنند چون ایشان را ببینی پنداری که ایشان مروارید افشانده شده
 اند. ﴿۲۰﴾ و چون آنجا نگاه کنی نعمت فراوان و پادشاهی بزرگ ببینی. ﴿۲۱﴾ برایشان
 جامه های سبز از دیبای نازک باشد و نیز برایشان دیبای ضخیم باشد و ایشان را زیور
 پوشانیده شود دست بندها از نقره و پروردگار ایشان ایشانرا شراب نهایت پاک بنوشاند.
 ﴿۲۲﴾ هر آئینه این نعمت برای شما پاداش در مقابل اعمال است و سعی شما قبول کرده
 شده است. ﴿۲۳﴾ هرآئینه ما قرآن را فرود آوردیم بر تو فرود آوردنی. ﴿۲۴﴾ پس برحکم
 پروردگار خود شکیبایی کن و از زمرهٔ بنی آدم هیچ گنهکاری را یا هیچ ناسپاسی را فرمان
 مبر. ﴿۲۵﴾ و نام پروردگار خود را صبح و شام یادکن.

(۱) یعنی جوی از آن هرجا که خواهند ببرند والله اعلم.

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ
يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا ﴿٢٧﴾ نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ
وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا ﴿٢٨﴾ إِنَّ
هَذِهِ تَذْكِرَةٌ ۖ فَمَنْ شَاءَ اخْذِلْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٢٩﴾ وَمَا تَشَاءُونَ
إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٣٠﴾ يَدْخُلُ
مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ ۚ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٣١﴾

سُورَةُ الْمُرْسَلَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا ﴿١﴾ فَأَلْصَقَتْ عَصْفًا ﴿٢﴾ وَالنَّشْرَتِ نَشْرًا ﴿٣﴾
فَالْفَرَقَتِ فَرَقًا ﴿٤﴾ فَأَلْمَلَقَتِ ذِكْرًا ﴿٥﴾ عَذْرًا أَوْ نَذْرًا ﴿٦﴾ إِنَّمَا
تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ ﴿٧﴾ فَإِذَا التَّجُومُ طُمِسَتْ ﴿٨﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ﴿٩﴾
وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ﴿١٠﴾ وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِتَتْ ﴿١١﴾ لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ
لِیَوْمِ الْفَصْلِ ﴿١٢﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ ﴿١٤﴾ وَيَلُوكُ يَوْمَئِذٍ
لِّمُكَذِّبِينَ ﴿١٥﴾ أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ نَبْتَعُهِمُ الْآخِرِينَ
﴿١٧﴾ كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿١٨﴾ وَيَلُوكُ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٩﴾

﴿۲۶﴾ و بعضی ساعات از شب برای او نماز بخوان و او را وقت دراز از شب به پاکی یاد کن. ﴿۲۷﴾ هر آئینه این کافران دنیا را دوست می دارند و روزِ گران را پس پشت خود ترك میکنند. ﴿۲۸﴾ ما ایشان را آفریدیم و رگ و بندهای اندام ایشان را محکم کردیم و چون بخواهیم قومی مانند ایشان را جای آنان جایگزین می کنیم. ﴿۲۹﴾ هر آئینه این پنداست پس هر که خواهد به سوی پروردگار خود راه را بگیرد. ﴿۳۰﴾ و نمی خواهید مگر آنکه خدا خواهد هر آئینه خدا دانای با حکمت هست. ﴿۳۱﴾ هر که را خواهد در رحمت خود داخل میکند و برای ستمکاران عقوبتی دردناک آماده کرده است.

سوره مرسلات مکی است و آن پنجاه
آیه و دو رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ به بادهای فرستاده شده بوجه نیک قسم. ﴿۲﴾ پس به بادهای تند و زنده به شدت قسم. ﴿۳﴾ و به بادهای منتشر کننده ابر به پراکنده کردن قسم. ﴿۴﴾ پس به بادهای ازم جدا کننده ابر به پاره پاره نمودن قسم. ﴿۵﴾ پس به جماعات فرشتگان فرود آورنده و حی قسم. ﴿۶﴾ برای دفع عذر یا برای ترسانیدن. ﴿۷﴾ هر آئینه آنچه شمارا وعده داده میشود البته بودنی است. ﴿۸﴾ پس وقتیکه ستارها بی نور کرده شوند. ﴿۹﴾ و وقتیکه آسمان شگافته شود. ﴿۱۰﴾ و وقتیکه کوهها پاره پاره کرده شود. ﴿۱۱﴾ و وقتیکه پیامبران را به میعاد معین جمع کرده شود^(۱). ﴿۱۲﴾ برای کدام روز پیامبران را موقوف داشته شد. ﴿۱۳﴾ برای روز فیصله کردن. ﴿۱۴﴾ و چه چیز خبرداد تورا که چیست روز فیصله کردن؟ ﴿۱۵﴾ وای آن روز بر تکذیب کنندگان. ﴿۱۶﴾ آیا نخستینیان را هلاک نکرده ایم. ﴿۱۷﴾ بعد از آن پسینیان را در پی ایشان آوریم. ﴿۱۸﴾ با گنهکاران همچنین میکنیم. ﴿۱۹﴾ وای آنروز بر تکذیب کنندگان.

(۱) متحقق گردد آنچه متحقق شدنی است.

أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ ﴿٢٠﴾ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ﴿٢١﴾ إِلَى قَدَرٍ
 مَّعْلُومٍ ﴿٢٢﴾ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَدَرُونَ ﴿٢٣﴾ وَيْلٌ يَوْمَذِ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٤﴾
 أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كَهَاتَا ﴿٢٥﴾ أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا ﴿٢٦﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا رِوْاسِيَّ
 شِمَخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا ﴿٢٧﴾ وَيْلٌ يَوْمَذِ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٨﴾
 أَنْطَلِقُوا إِلَى مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿٢٩﴾ أَنْطَلِقُوا إِلَى ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ
 شُعَبٍ ﴿٣٠﴾ لَا ظِلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ الْلَّهَبِ ﴿٣١﴾ إِنِّهَا تَرْمَى بِشَرِّ
 كَالْقَصْرِ ﴿٣٢﴾ كَأَنَّهُ جِمَلَتٌ صَفَرٌ ﴿٣٣﴾ وَيْلٌ يَوْمَذِ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٤﴾
 هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ ﴿٣٥﴾ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ ﴿٣٦﴾ وَيْلٌ يَوْمَذِ
 الْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٧﴾ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾ فَإِنْ كَانَ
 لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا ﴿٣٩﴾ وَيْلٌ يَوْمَذِ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٠﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ
 فِي ظِلِّ وَعُيُونٍ ﴿٤١﴾ وَفَوَاكِهِ مِمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٤٢﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا
 بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٤٤﴾ وَيْلٌ
 يَوْمَذِ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٥﴾ كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ جُجُمُونَ ﴿٤٦﴾ وَيْلٌ
 يَوْمَذِ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٧﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ ﴿٤٨﴾
 وَيْلٌ يَوْمَذِ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٠﴾

﴿۲۰﴾ آیا شمارا از آب (منی) حقیر نیافریده ایم. ﴿۲۱﴾ پس آن آب را در جای محکم نهادیم. ﴿۲۲﴾ تاندازهٔ معین. ﴿۲۳﴾ پس ما اندازه کردیم پس نیکواندازه کننده گانیم. ﴿۲۴﴾ وای آن روز برتکذیب کنندگان. ﴿۲۵﴾ آیا زمین را جمع کننده آدمیان نساخته ایم. ﴿۲۶﴾ زندگان و مُردگان. ﴿۲۷﴾ و در زمین کوه های بلند آفریدیم و شمارا آب شیرین نوشانیدیم. ﴿۲۸﴾ وای آن روز بر تکذیب کنندگان. ﴿۲۹﴾ (گفته شود) به سوی چیزی که آن را تکذیب می کردید بروید. ﴿۳۰﴾ (گفته شود) به سوی سایه (دود های آتش دوزخ) که دارای سه شعبه است بروید. ﴿۳۱﴾ نه سایه سرد باشد و نه از گرمی آتش کفایت کند. ﴿۳۲﴾ هر آئینه آن آتش شراره هایی مانند قصر می افکند. ﴿۳۳﴾ گویا آن شراره ها شتران زرداند. ﴿۳۴﴾ وای آن روز برتکذیب کنندگان. ﴿۳۵﴾ این روز روزیست که سخن نگویند. ﴿۳۶﴾ و نه اجازه داده شود ایشان را تا عذر پیش نمایند. ﴿۳۷﴾ وای آن روز برتکذیب کنندگان. ﴿۳۸﴾ این روز روز فیصله کردن است شمارا بایشینیان جمع کردیم. ﴿۳۹﴾ پس اگر شمارا حيله ای هست پس در حق من حيله گنید. ﴿۴۰﴾ وای آن روز برتکذیب کنندگان. ﴿۴۱﴾ هر آئینه متقیان در سایه ها و در چشمه ها باشند. ﴿۴۲﴾ و در میوه ها از آنچه که رغبت کنند. ﴿۴۳﴾ (بگوییم) بخورید و بنوشید خوردن و نوشیدن گوارا به سبب آنچه می کردید. ﴿۴۴﴾ هر آئینه ما پاداش نیکوکاران را همچنین میدهم. ﴿۴۵﴾ وای آن روز برتکذیب کنندگان. ﴿۴۶﴾ (ای دروغ انگاران) بخورید و بهره مند باشید اندکی هر آئینه شما گنه کارید. ﴿۴۷﴾ وای آن روز برتکذیب کنندگان. ﴿۴۸﴾ و چون ایشانرا گفته شود نماز گزارید نماز نمی گزارند. ﴿۴۹﴾ وای آن روز برتکذیب کنندگان. ﴿۵۰﴾ پس بکدام سخن بعد از قرآن ایمان خواهند آورد.

سُورَةُ النَّبَاِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ^١ عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ ^٢ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ^٣
 كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ^٤ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ^٥ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا ^٦
 وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ^٧ وَخَلَقْنَاهُ أَزْوَاجًا ^٨ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ^٩
 وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ^{١٠} وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ^{١١} وَبَنَيْنَا
 فَوْقَكُمْ سَبْعًا شَدَادًا ^{١٢} وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا ^{١٣} وَأَنْزَلْنَا مِنَ
 الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ^{١٤} لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ^{١٥} وَجَعَلْنَا
 الْأَفَّااقَ ^{١٦} إِنْ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَتًا ^{١٧} يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ
 فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ^{١٨} وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ^{١٩} وَسُيِّرَتِ
 الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ^{٢٠} إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ^{٢١} لِلطَّاغِينَ
 مَعَابًا ^{٢٢} لِّبَشِيرٍ فِيهَا أَهْقَابًا ^{٢٣} لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ^{٢٤}
 إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ^{٢٥} جَزَاءً وَفَاقًا ^{٢٦} إِنَّهُمْ كَانُوا
 لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ^{٢٧} وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا ^{٢٨} وَكُلَّ شَيْءٍ
 أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ^{٢٩} فَذُوقُوا فَلَآنَ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ^{٣٠}

سوره نبا مکی است و آن چهل آیه
و دود رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ از چه چیزی کافران از یکدیگر سوال میکنند؟ ﴿۲﴾ (آری سوال میکنند) از خبری بزرگ. ﴿۳﴾ که ایشان در آن اختلاف دارند^(۱). ﴿۴﴾ نه هرگز! خواهند دانست. ﴿۵﴾ باز (میگویم) نه! خواهند دانست. ﴿۶﴾ آیا زمین را فرش نساخته ایم. ﴿۷﴾ و (نساخته ایم) کوه هارا میخها. ﴿۸﴾ و شمارا جفت (نروماده) آفریدیم. ﴿۹﴾ و خواب شمارا مایه راحت قرار دادیم. ﴿۱۰﴾ و شب را پوششی ساختیم. ﴿۱۱﴾ و روز را (وقت کسب) معیشت گردانیدیم. ﴿۱۲﴾ و بالای شما هفت آسمان محکم بنا کردیم. ﴿۱۳﴾ و چراغی درخشنده آفریدیم^(۲). ﴿۱۴﴾ و از ابرها آب ریزان فرود آوردیم. ﴿۱۵﴾ تا بسبب آن (آب) دانه و گیاه را برویانیم. ﴿۱۶﴾ و بوستان های درهم پیچیده را. ﴿۱۷﴾ هر آینه روز فیصله کردن به هنگامی معین است. ﴿۱۸﴾ روزی که دمیده می شود در صور پس گروه گروه شده می آید. ﴿۱۹﴾ و آسمان شگافته شود پس دروازه ها باشد. ﴿۲۰﴾ و روان کرده شوند کوه ها پس مانند سراب باشند. ﴿۲۱﴾ هر آینه دوزخ انتظار کننده است. ﴿۲۲﴾ برای سرکشان مرجع و بازگشت هست. ﴿۲۳﴾ در آیند به دوزخ در آنجا مدت های دراز اقامت کنندگان. ﴿۲۴﴾ آنجا خنکی را نچشند و نه آشامیدنی را. ﴿۲۵﴾ مگر آب گرم و خون و چرک را. ﴿۲۶﴾ جزا داده شد جزاء موافق (کردارش). ﴿۲۷﴾ هر آینه ایشان حساب را توقع نمیداشتند. ﴿۲۸﴾ و آیات ما را تکذیب می کردند تکذیب کردنی. ﴿۲۹﴾ و هر چیزی را بطریق نوشتن ضبط کردیم. ﴿۳۰﴾ پس بچشید پس زیاده نخواهیم داد شمارا مگر عقوبت.

(۱) مراد بحث و قیامت است.

(۲) یعنی خورشید.

إِنَّ لِّلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ۖ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ۖ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ۖ وَكَأْسًا
 دِهَاقًا ۖ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدًّا ۖ جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءٌ
 حِسَابًا ۖ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْدُكُونَ
 مِنْهُ خِطَابًا ۖ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ
 إِلَّا مَن أِذْنُ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ۖ ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ
 شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَعَابًا ۖ إِنَّا أَنذَرْنَكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ
 الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَلَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ۖ

سُورَةُ النَّازِعَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا ۖ وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا ۖ وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا ۖ
 فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا ۖ فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا ۖ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ۖ
 تَتَّبِعُهَا الرَّاكِبَةُ ۖ قُلُوبٌ يَوْمِيذٍ وَاجِفَةٌ ۖ أَبْصَرُهَا خَشِيعَةٌ ۖ
 يَقُولُونَ أَيْنَا لَمْرَدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ ۖ أَلَمْ نَكُنَّا عَظْمًا نَّخْرَةً ۖ قَالُوا
 تِلْكَ إِذْ كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ۖ فِإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ۖ فِإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ۖ
 هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ ۖ إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ۖ

﴿۳۱﴾ هرآئینه متقیان را مطلب یابی باشد. ﴿۳۲﴾ بوستانها و درختان انگور باشد. ﴿۳۳﴾ وزنان دوشیزه هم عمر بایکدیگر. ﴿۳۴﴾ و پیاله شراب پر کرده شده. ﴿۳۵﴾ نشنوند آنجاسخن بیهوده و هم دروغ انگاشتن را نشنوند. ﴿۳۶﴾ پاداش دادن کافی از جانب پروردگار توست. ﴿۳۷﴾ پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه مابین آنها است خدای بخشاینده از (هیبت) وی سخن نمی تواند بگویند. ﴿۳۸﴾ روزیکه بایستد روح و سایر فرشتگان صف زده، سخن نمی گویند حاضران محشر مگر کسیکه خدا او را دستوری داده باشد و سخن درست گفته باشد^(۱). ﴿۳۹﴾ این روز متحقق است پس هرکه خواهد به سوی پروردگار خود جای رجوع بگیرد. ﴿۴۰﴾ هرآئینه ما شمارا ترسانیدیم از عقوبت نزدیک آینده در روزی که بیند آدمی آنچه دو دست وی پیش فرستاده بود و کافر می گوید ای کاش من خاک می شدم.

سوره نازعات مکی است و آن چهل و شش
آیه و دو رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ قسم به جماعات فرشتگان که بطور سختی (ارواح کافران را) نزع میکنند^(۲). ﴿۲﴾ قسم به جماعات فرشتگان که بیرون می آورند بیرون آوردنی (ارواح مؤمنان را)^(۳). ﴿۳﴾ قسم به فرشتگان که شنا می کنند شناکردنی^(۴). ﴿۴﴾ پس قسم به فرشتگان که سبقت میکنند سبقت کردند^(۵). ﴿۵﴾ قسم به جماعات فرشتگان که هرکاری را تدبیر میکنند (آنچه گفته میشود بود نیست). ﴿۶﴾ روزی که بجنبند جنبنده. ﴿۷﴾ از پس وی درآید از پس درآینده^(۶). ﴿۸﴾ يك جمع دلها آتروز ترسان و هراسان باشد. ﴿۹﴾ بر دیده های آن جماعت خواری هویدا شده باشد. ﴿۱۰﴾ میگویند کافران آیا ما به حالت نخستین باز گردانیده می شویم. ﴿۱۱﴾ آیا چون استخوانهای پوسیده شویم باز زنده می شویم. ﴿۱۲﴾ گفتند آن رجوع ما آنگاه رجوع زیان دهنده باشد. ﴿۱۳﴾ پس جزاین نیست که آن واقعه يك آواز تندست. ﴿۱۴﴾ پس ناگهان ایشان بر روی زمین آمده باشند. ﴿۱۵﴾ آیا پیش تو خبر موسی آمده است. ﴿۱۶﴾ چون پروردگار او بوادی پاك طوی او را آواز داد.

(۱) یعنی سخن حق.

(۲) یعنی يك عده ارواح را به سختی میگیرند.

(۳) یعنی يك عده دیگر را به آسانی.

(۴) یعنی در هوا شنا کننده.

(۵) یعنی از یکدیگر سبقت گیرنده.

(۶) یعنی نفخه اولی و پس نفخه ثانیه بوجود آید.

أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿١٧﴾ فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى ﴿١٨﴾ وَأَهْدِيكَ
 إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى ﴿١٩﴾ فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى ﴿٢٠﴾ فَكَذَّبَ وَعَصَى ﴿٢١﴾ ثُمَّ
 أَذْبَرَ سَعْيَ ﴿٢٢﴾ فَحَشَرَ فَنَادَى ﴿٢٣﴾ فَقَالَ أَنَارِكُمْ أَلْأَعْلَى ﴿٢٤﴾ فَأَخَذَهُ
 اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى ﴿٢٥﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى ﴿٢٦﴾
 ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ بَنَاهَا ﴿٢٧﴾ رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّيْنَهَا ﴿٢٨﴾
 وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا ﴿٢٩﴾ وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ﴿٣٠﴾
 أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَامْرَعَهَا ﴿٣١﴾ وَالْجِبَالُ أَرْسَاهَا ﴿٣٢﴾ مَتَعَالَمَكُمُ
 وَلَا نَعْمِكُمْ ﴿٣٣﴾ فَيَذَابُجَاءَتِ الطَّاغُتُ الْكُبْرَى ﴿٣٤﴾ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ
 مَا سَعَى ﴿٣٥﴾ وَبُرْزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى ﴿٣٦﴾ فَأَمَّا مَنْ طَغَى ﴿٣٧﴾ وَءَاثَرَ
 الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٣٨﴾ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى ﴿٣٩﴾ وَأَمَّا مَنْ خَافَ
 مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى ﴿٤٠﴾ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى ﴿٤١﴾
 يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا ﴿٤٢﴾ فِيمَ أَنْتَ مِنْ
 ذِكْرِهَا ﴿٤٣﴾ إِلَى رَبِّكَ مُنتَهَاهَا ﴿٤٤﴾ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَنِ يَخْشَاهَا ﴿٤٥﴾
 كَانَتْهُمْ يَوْمَ يُرَوَّنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا ﴿٤٦﴾

سُورَةُ التَّازِعَاتِ

﴿۱۷﴾ که به سوی فرعون برو هرآئینه وی از حد گذشته است. ﴿۱۸﴾ پس بگو هیچ میل است تو را به آنکه پاکیزه شوی. ﴿۱۹﴾ و تو را به سوی پروردگار تو راه نمایم پس بترسی. ﴿۲۰﴾ پس به فرعون آن معجزهٔ بزرگ را^(۱) نشان داد. ﴿۲۱﴾ پس تکذیب کرد و نافرمانی کرد. ﴿۲۲﴾ پس از آن مجلس بازگشت تدبیرکنان. ﴿۲۳﴾ پس قوم خود را جمع کرد پس ندا زد. ﴿۲۴﴾ پس گفت من پروردگار بزرگوار شمایم. ﴿۲۵﴾ پس خدا او را بعذاب آخرت و دنیا گرفتار کرد. ﴿۲۶﴾ هرآینه درین خبر برای هرکه بترسد پندی هست. ﴿۲۷﴾ آیاشما در آفرینش محکم‌ترید یا آسمان؟ خدا آن آسمان را بنا کرد. ﴿۲۸﴾ ارتفاع او را بلند ساخت پس آن را درست ساخت. ﴿۲۹﴾ و شب او را تاریک کرد و روشنی روز او را بظهور آورد. ﴿۳۰﴾ و زمین را بعد از آفریدن آسمان هموار کرد^(۲). ﴿۳۱﴾ از زمین آب او را و چراگاه او را بیرون آورد. ﴿۳۲﴾ و کوه هارا استوار نمود. ﴿۳۳﴾ برای منفعت شما و چهار پایان شما. ﴿۳۴﴾ پس وقتی که حادثهٔ بزرگ (یعنی قیامت) بیاید. ﴿۳۵﴾ روزیکه آدمی آنچه عمل کرده بود یاد کند. ﴿۳۶﴾ و ظاهر کرده شود دوزخ برای هرکه دیدنش خواهد (ثواب یا عقاب متحقق گردد). ﴿۳۷﴾ اما کسیکه از حد گذشته باشد. ﴿۳۸﴾ و زندگانی این جهانی را برگزیده باشد. ﴿۳۹﴾ پس هرآئینه دوزخ همان جایگاه اوست. ﴿۴۰﴾ و اما کسیکه از ایستادن بحضور پروردگار خویش ترسیده باشد و نفس را از شهوات باز داشته باشد. ﴿۴۱﴾ پس هرآئینه بهشت همان منزلگاه اوست. ﴿۴۲﴾ تو را از قیامت می پرسند که تحقیق آن کی باشد؟ ﴿۴۳﴾ تواز علم آن در چه مقامی. ﴿۴۴﴾ منتهای علم آن به سوی پروردگار توست. ﴿۴۵﴾ جز این نیست که تو ترساننده ای کسی را که از وی بترسد. ﴿۴۶﴾ روزیکه آن را ببیند چنانستی که گویا ایشان به دنیا درنگ نکرده بودند مگر (برابر) شام گاهی یایک صبحگاهی از آن نمانده‌اند.

(۱) یعنی عصا وید بیضا.

(۲) مترجم گوید معنی هموار کردن همین است که میفرماید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَبَسَ وَتَوَلَّى ۝١ أَن جَاءَهُ الْأَعْمَى ۝٢ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَكَّى ۝٣
أَوْ يَذْكُرُ فَتَفَعَهُ الذِّكْرَى ۝٤ أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَى ۝٥ فَأَن ت لَهُ تَصَدَّى
۝٦ وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَكَّى ۝٧ وَأَمَّا مَنِ جَاءَكَ يُسْعَى ۝٨ وَهُوَ يَخْشَى ۝٩
فَأَن ت عَنْهُ تَالَهَى ۝١٠ كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ۝١١ فَمَن شَاءَ ذَكَرْهُ ۝١٢ فِي صُحُفٍ
مُّكَرَّمَةٍ ۝١٣ مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ۝١٤ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ۝١٥ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ۝١٦
قُلِ الْإِنسَنُ مَا أَكْفَرُهُ ۝١٧ مِّنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ۝١٨ مِّن نُّطْفَةٍ
خَلَقَهُ ۝١٩ فَقَدَرَهُ ۝٢٠ ثُمَّ السَّيْلَ يَسَّرَهُ ۝٢١ ثُمَّ أَمَاتَهُ ۝٢٢ فَأَقْبَرَهُ ۝٢٣ ثُمَّ إِذَا
شَاءَ أَنشَرَهُ ۝٢٤ كَلَّا لَمَّا يَقِضْ مَا أَمَرُهُ ۝٢٥ فَلَيَنْظُرِ الْإِنسَنُ إِلَى طَعَامِهِ ۝٢٦
أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ۝٢٧ ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا ۝٢٨ فَأَنبَتْنَا فِيهَا
حَبًّا ۝٢٩ وَعَنَبْنَا وَقُضْبًا ۝٣٠ وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ۝٣١ وَحَدَاقٍ غَلْبًا ۝٣٢ وَفَلَكَهًا
وَأَبًّا ۝٣٣ مَتَّعَالِكُمْ وَلِيَا نَعْمَكُمْ ۝٣٤ فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَةُ ۝٣٥ يَوْمَ يَفِرُّ
الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ۝٣٦ وَأُمُّهُ وَأَبِيهِ ۝٣٧ وَصَحْبَتُهُ وَبَنِيهِ ۝٣٨ لِكُلِّ
أَمْرٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ۝٣٩ وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ۝٤٠
ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ۝٤١ وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ۝٤٢

سوره عبس مکی است و آن چهل
ودو ایه و یک رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ روترش کرد و اعراض نمود. ﴿۲﴾ از آنکه پیش او نایبنا بیامد^(۱). ﴿۳﴾ وجه چیز
خبردار کرد ترا شاید وی پاک می شد. ﴿۴﴾ یابند می شنید پس آن پندشنیدن او را نفع
میداد. ﴿۵﴾ اما کسی که توانگر است. ﴿۶﴾ پس تو به سوی او روی می آوری. ﴿۷﴾
و بر تو در آن که پاک نشود زیان نیست. ﴿۸﴾ و اما کسی که پیش توشتابان بیامد. ﴿۹﴾ و او
(از خدای خود) ترسان بود. ﴿۱۰﴾ پس تواز وی غفلت میکنی. ﴿۱۱﴾ نه! هر آئینه این
آیات قرآن پندست. ﴿۱۲﴾ پس هر که می خواهد آن (قران) را یاد کند. ﴿۱۳﴾ هر آئینه آیات
قرآن در نامه های گرامی ثبت است. ﴿۱۴﴾ بلند مرتبه پاک کرده شده. ﴿۱۵﴾ به دست
های نویسندگان. ﴿۱۶﴾ بزرگ منش نیک کردار^(۲). ﴿۱۷﴾ لعنت کرده شد آدمی چقدر
ناسپاس است. ﴿۱۸﴾ خدا از چه چیز او را آفریده است؟ ﴿۱۹﴾ از نطفه منی او را آفریده
است؟ پس او رابه اندازه معین ساخته است. ﴿۲۰﴾ باز راو برآمد (خیر و شر را) آسان
نمودش. ﴿۲۱﴾ سپس بمیراندش پس درگور کردش. ﴿۲۲﴾ باز وقتیکه خواست او را
زنده میگرداند. ﴿۲۳﴾ هرگز، بعمل نیاورد آنچه او را فرمود. ﴿۲۴﴾ پس انسان باید که به
طعام خود بنگرد. ﴿۲۵﴾ به آنکه ما آب را از آسمان بگونه شگفتی بارانیدیم. ﴿۲۶﴾
باز شگافتیم زمین را شگافتنی. ﴿۲۷﴾ پس در آن زمین دانه را رویانیدیم. ﴿۲۸﴾ و انگورو
سبزی هارا. ﴿۲۹﴾ و زیتون و درختان خرمارا. ﴿۳۰﴾ و باغهای پردرخت و انبوه را.
﴿۳۱﴾ و میوه و علف دواب را. ﴿۳۲﴾ برای منفعت شما و چهار پایان شما. ﴿۳۳﴾ پس
وقتیکه آواز سخت بباید. ﴿۳۴﴾ روزیکه مرد از برادر خود بگریزد. ﴿۳۵﴾ و از مادر
و از پدر خود. ﴿۳۶﴾ و از زن خود و فرزندان خود. ﴿۳۷﴾ هر مردی را از ایشان آن روز
شغلیست که کفایت میکندش. ﴿۳۸﴾ یکپاره چهره ها آن روز روشن باشد. ﴿۳۹﴾
خدان و شادان باشد. ﴿۴۰﴾ و یکپاره چهره ها آنروز بر آنها غبار باشد.

(۱) نایبنا یکی از فقراء صحابه بمجلس آن حضرت صلی الله علیه وسلم درآمد و به سوالهای مکرر تشویش پیدا کرد
و آن حضرت صلی الله علیه وسلم در حال دعوت به اشراف عرب مشغول بودند پس آنرا مکروه داشتند و اعراض
نمودند خدای تعالی او را به خلق عظیم دلالت فرمود.

(۲) یعنی فرشتگان از لوح نقل می کنند.

تَرَهَقَهَا قَتَرَةٌ ٤١ أُولَئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ ٤٢

سُورَةُ التَّكْوِيْنِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ١ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ٢ وَإِذَا الْجِبَالُ
سُيِّرَتْ ٣ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ٤ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ
٥ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ٦ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ٧ وَإِذَا
الْمُوءَدَّةُ سُيِّلَتْ ٨ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ٩ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ
١٠ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ١١ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ١٢ وَإِذَا الْجَنَّةُ
أُزْلِفَتْ ١٣ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ ١٤ فَلَا أَقْسَمُ بِالْخُتَمِ ١٥
الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ١٦ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ١٧ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ١٨
إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ١٩ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ٢٠ مُطَاعٍ
ثَمَّ آمِينَ ٢١ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ٢٢ وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ ٢٣
وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ٢٤ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ٢٥
فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ٢٦ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ٢٧ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ
يَسْتَقِيمَ ٢٨ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ٢٩

﴿۴۱﴾ غالب آید بر آنها تاریکی. ﴿۴۲﴾ این جماعت همان کافران بدکارند.

سوره تکویر مکی است و آن بیست
ونه آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ و هنگامیکه خورشید پیچیده شود. ﴿۲﴾ و هنگامیکه ستارها تیره شوند. ﴿۳﴾ و هنگامیکه کوه‌ها روان کرده شوند. ﴿۴﴾ و هنگامیکه ماده شتران باردار را معطل گذاشته شود. ﴿۵﴾ و هنگامیکه جانوران وحشی جمع کرده شوند. ﴿۶﴾ و وقتی که دریاها مثل آتش افروخته شوند. ﴿۷﴾ و وقتی که ارواح را با اجساد جمع کرده شود. ﴿۸﴾ و وقتی که دختری را که زنده در گور کرده بودند پرسیده شود. ﴿۹﴾ بچه گناه کشته شد. ﴿۱۰﴾ و وقتی که نامه های اعمال کشاده شوند. ﴿۱۱﴾ و وقتی که آسمان پوست برکنده شود^(۱). ﴿۱۲﴾ و هنگامیکه دوزخ برافروخته شود. ﴿۱۳﴾ و وقتی که بهشت نزدیک ساخته شود. ﴿۱۴﴾ بدانند هر شخص آنچه حاضر ساخته است. ﴿۱۵﴾ پس به ستاره های بازگردنده قسم میخورم. ﴿۱۶﴾ سیارگانی رونده غائب شوند^(۲). ﴿۱۷﴾ و قسم به شب چون بازگردد. ﴿۱۸﴾ و قسم به صبح چون بدمد. ﴿۱۹﴾ هر آینه این قرآن گفتار فرستاده ای گرامی قدر است. ﴿۲۰﴾ صاحب توانایی باوقار نزد خداوند عرش. ﴿۲۱﴾ فرمانبرداری کرده شده در ملکوت آسمان سپس متصف به امانت است. ﴿۲۲﴾ و این یار شما دیوانه نیست. ﴿۲۳﴾ و هر آینه یار شما آن فرشته را بکرانه ظاهر آسمان دیده بود. ﴿۲۴﴾ و یار شما بر علم پنهان بخل کننده نیست. ﴿۲۵﴾ و قرآن گفتار شیطان رانده شده نیست. ﴿۲۶﴾ پس کجامیروید؟ ﴿۲۷﴾ قرآن جز پند برای جهانیان نیست. ﴿۲۸﴾ برای هر که از مره شما بخواهد که راست کردار شود. ﴿۲۹﴾ و نمی خواهید مگر وقتی که خدا پروردگار جهانیان بخواهد.

(۱) یعنی سرخ شود مانند بزه که پوست او را کشیده باشند.

(۲) مترجم گوید زحل و مشتری و مریخ و زهره و عطارد پنج ستاره متحیره اند چون سیر کرده به مقامی رسند از آن بازمی گردند و به مقامی که طی کرده بودند اقبال نمایند چون وقت قریب آید غائب شوند والله اعلم.

سُورَةُ الْاِنْفِطَارِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ۝ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ اُنْتَثَرَتْ ۝ وَإِذَا الْيَحَارُ
 فُجِرَتْ ۝ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ۝ عَلِمْتَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ
 وَأَخَّرَتْ ۝ يَأْتِيهَا الْإِنْسَنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ۝ الَّذِي
 خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ ۝ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ ۝
 كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالَّذِينَ ۝ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ۝ كِرَامًا
 كَتِبِينَ ۝ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ۝ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ۝ وَإِنَّ
 الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ۝ يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الَّذِينَ ۝ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ۝
 وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الَّذِينَ ۝ ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الَّذِينَ ۝
 ۝ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا ۝ وَالْأَمْرُ يَوْمَ ذِي اللَّهِ ۝

سُورَةُ الْمَطْفِفِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيَلِّ لِّلْمَاطِفِينَ ۝ الَّذِينَ إِذَا أَكْبَلُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ۝
 ۝ وَإِذَا كَالُهُمْ أَوْوَرَّتُهُمْ فُجُورُونَ ۝ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ۝

سوره انفطار مکی است
و آن نوزده آیه است

به نام خداوند بخشنده* مهربان.

﴿۱﴾ هنگامیکه آسمان بشگافد. ﴿۲﴾ و وقتی که ستارگان از هم بریزند. ﴿۳﴾ و هنگامیکه دریاها بنهایت شدت روان کرده شوند. ﴿۴﴾ و هنگامیکه گورها شگافته شوند. ﴿۵﴾ بدانند هر نفسی آنچه فرستاده بود و آنچه بازپس گذاشته بود. ﴿۶﴾ ای انسان چه چیز تورا به پروردگار بزرگوارت فریفت. ﴿۷﴾ کسی که تورا بیافرید پس تورا درست اندام کرد پس تورا معتدل قامت (درست) کرد. ﴿۸﴾ در هر صورتی که خواست تورا ترکیب کرد. ﴿۹﴾ نه!، بلکه جزای اعمال را تکذیب می کردید. ﴿۱۰﴾ و هر آئینه بر شما گماشته شده اندنگاهبان. ﴿۱۱﴾ نویسندگان گرامی قدر. ﴿۱۲﴾ میدانند آنچه می کنید. ﴿۱۳﴾ هر آئینه نیکوکاران در نعمت باشند. ﴿۱۴﴾ و هر آئینه گناهکاران در دوزخ باشند. ﴿۱۵﴾ به دوزخ روز جزای اعمال در آیند. ﴿۱۶﴾ و از آن جا غائب نباشند. ﴿۱۷﴾ و چه چیز تورا ای آدمی مطلع ساخت که روز جزا چیست؟. ﴿۱۸﴾ باز (میگویم) چه چیز تورا مطلع ساخت که روز جزا چیست؟. ﴿۱۹﴾ روزیست که هیچکس برای هیچکس هیچ فائده رسانیدن نتواند و فرمان آن روز فقط از خدا باشد.

سوره مطففین مکی است و آن سی
و شش آیه است

به نام خداوند بخشنده* مهربان.

﴿۱﴾ وای به حال کاهندگان حقوق مردم. ﴿۲﴾ آنانکه چون برای خود پیمانه از مردمان بگیرند به (سختی) تمام بگیرند. ﴿۳﴾ و چون خواهند که ایشانرا پیمانه بدهند یا ایشان را سنجیده بدهند زیان رسانند. ﴿۴﴾ آیا نمیدانند این جماعت که ایشان برانگیخته خواهند شد.

لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥﴾ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ
 الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينٍ ﴿٧﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ ﴿٨﴾ كِتَابٌ مَرْقُومٌ ﴿٩﴾
 وَيَلُومُ صَبْدَ الْمُكْذِبِينَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يَكْذِبُونَ يَوْمَ الدِّينِ ﴿١١﴾ وَمَا يَكْذِبُ
 بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿١٢﴾ إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ
 ﴿١٣﴾ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾ كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ
 يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ﴿١٦﴾ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا
 الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿١٧﴾ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيَّينَ ﴿١٨﴾
 وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ ﴿١٩﴾ كِتَابٌ مَرْقُومٌ ﴿٢٠﴾ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢١﴾
 إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿٢٢﴾ عَلَى الْأَرَآئِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٢٣﴾ تَعْرِفُ فِي
 وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النِّعَمِ ﴿٢٤﴾ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ ﴿٢٥﴾ خِتَمُهُ
 مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ ﴿٢٦﴾ وَمِمَّا رَجَاهُ مِنْ
 تَسْنِيمٍ ﴿٢٧﴾ عَيْنَا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا
 مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ ﴿٢٩﴾ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ﴿٣٠﴾
 وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا
 إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ ﴿٣٢﴾ وَمَا أَرْسَلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ ﴿٣٣﴾

﴿۵﴾ در روز بزرگ. ﴿۶﴾ روزیکه مردمان پیش پروردگار جهانیان می ایستند. ﴿۷﴾ حقا به راستی نامه اعمال گنهکاران در سجین داخل شود. ﴿۸﴾ و چه چیز مطلع ساخت تورا که چیست سجین؟ ﴿۹﴾ کتابیست نوشته شده. ﴿۱۰﴾ وای آن روز بر تکذیب کنندگان. ﴿۱۱﴾ آنانکه روز جزا را تکذیب میکنند. ﴿۱۲﴾ و تکذیب نمی کند آن را مگر هرستمکار گنهکار. ﴿۱۳﴾ چون بروی آیات ما خوانده شود گوید افسانه‌های پیشینیان است. ﴿۱۴﴾ چنین نیست، بلکه بردل‌های ایشان آنچه می کردند زنگ بسته است. ﴿۱۵﴾ چنین نیست، هرآئینه ایشان از دیدار پروردگار خویش آنروز محجوب باشند. ﴿۱۶﴾ باز هرآئینه ایشان درآیندگان دوزخ باشند. ﴿۱۷﴾ باز گفته شود ایشان را اینست آنچه شما آنرا تکذیب می کردید. ﴿۱۸﴾ حقا به راستی نامه اعمال نیکوکاران در علیین داخل شود. ﴿۱۹﴾ و چه چیز مطلع ساخت تورا که علین چیست؟ ﴿۲۰﴾ کتابیست نوشته شده. ﴿۲۱﴾ که حاضر شوند نزد آن مقربین بارگاه الهی. ﴿۲۲﴾ هرآئینه نیکوکاران در نعمت باشند. ﴿۲۳﴾ بر تخته‌نانشسته بهر جانب نظر میکنند. ﴿۲۴﴾ در چهره‌های ایشان تازگی نعمت را بشناسی. ﴿۲۵﴾ نوشانیده شوند از شراب خالص مهرشده. ﴿۲۶﴾ (بجای موم) مهر او مُشک باشد و به همین شراب پاک باید که رغبت کنندگان رغبت کنند. ﴿۲۷﴾ و آمیختنی آن از آب تسنیم باشد. ﴿۲۸﴾ (مراد میدارم) چشمه‌ای که از آن مقربین خدا می نوشند. ﴿۲۹﴾ هرآئینه گنهکاران به مسلمانان می خندیدند. ﴿۳۰﴾ و چون به مسلمانان می‌گذشتند بایکدیگر اشارات تمسخر و حقارت میزدند. ﴿۳۱﴾ و چون به اهل خانه خود باز می‌گشتند شادمان شده باز می‌گشتند. ﴿۳۲﴾ و چون میدیدند مسلمانان را می‌گفتند هرآئینه ایشان گمراهند. ﴿۳۳﴾ و بر آنان (مسلمانان) نگهبانان فرستاده نشده بودند.

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿٣٤﴾ عَلَى
الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٣٥﴾ هَلْ تُوِبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾

سُورَةُ الْاِنْشِقَاقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ﴿١﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ
﴿٣﴾ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿٤﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا
الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدًا فَاغْمَلْ لِقِيهِ ﴿٦﴾ فَاَمَّا مَنْ أُوْتِيَ
كِتَابَهُ وَبِيمِينَةٍ ﴿٧﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿٨﴾ وَنُقَلَّبُ
إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿٩﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَأَى ظَهْرَهُ ﴿١٠﴾ فَسَوْفَ
يَدْعُو ثُبُورًا ﴿١١﴾ وَيَصْلَى سَعِيرًا ﴿١٢﴾ إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿١٣﴾
إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ ﴿١٤﴾ بَلَى إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ﴿١٥﴾ فَلَا أَقْسَمُ
بِالشَّفَقِ ﴿١٦﴾ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿١٧﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ﴿١٨﴾
لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ﴿١٩﴾ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا قُرِئَ
عَلَيْهِمُ الْقُرْءَانُ لَا يَسْجُدُونَ ﴿٢١﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكْذِبُونَ ﴿٢٢﴾
وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿٢٣﴾ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٤﴾

﴿۳۴﴾ پس امروز مسلمانان برکافران میخندند. ﴿۳۵﴾ بر تخت هانشسته بهر جانب نظر میکنند. ﴿۳۶﴾ آیا به کافران سزای آنچه میکردند جزا داده شد؟

سوره انشقاق مکی است و آن بیست
و پنج آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ هنگامیکه آسمان بشگافد. ﴿۲﴾ و فرمان پروردگار خود را گوش کند و آسمان سزاوار گوش کردن است. ﴿۳﴾ و هنگامیکه زمین کشیده شود. ﴿۴﴾ و بیرون اندازد آنچه در آن باشد و خالی شود^(۱). ﴿۵﴾ و فرمان پروردگار خود را گوش کند و زمین سزاوار گوش کردن است (یعنی حساب روز آخرت بودن است). ﴿۶﴾ ای انسان هر آینه تاملات پروردگار خود در تلاشی سخت خواهی بود پس به لقای پروردگار خود خواهی رسید. ﴿۷﴾ پس اما هر که نامه اعمال او بدست راستش داده شد. ﴿۸﴾ پس با او حساب کرده شود حساب آسان. ﴿۹﴾ و به سوی اهل خانه خود شادمان شده باز گردد. ﴿۱۰﴾ و اما هر که نامه اعمال او از پس پشتش داده شد. ﴿۱۱﴾ پس هلاک را یاد خواهد کرد. ﴿۱۲﴾ و به دوزخ در خواهد آمد. ﴿۱۳﴾ هر آینه او در دنیا در اهل خانه خود شادمان بود. ﴿۱۴﴾ هر آینه گمان کرده بود که به سوی خدایتعالی رجوع نمی کند. ﴿۱۵﴾ آری (رجوع کردن متحقق است) هر آینه پروردگار او به احوال او بینا بود. ﴿۱۶﴾ پس به سرخی کناره آسمان اوّل شب سوگند میخورم. ﴿۱۷﴾ و به شب و آنچه شب آنرا جمع کرده است قسم میخورم. ﴿۱۸﴾ و به ماه قسم میخورم چون تمام شود. ﴿۱۹﴾ خواهید رسید به حالی بعد از حالی^(۲). ﴿۲۰﴾ پس چیست این کافران را که ایمان نمی آورند؟ ﴿۲۱﴾ و چون برایشان قرآن خوانده شود سجده نمی کنند. ﴿۲۲﴾ بلکه این کافران دروغ می انگاشتند. ﴿۲۳﴾ و خدا بآنچه در دل خود نگاه میدارند داناتر است. ﴿۲۴﴾ پس ایشان را به عذابی دردناک خبر ده.

(۱) یعنی اموات را بیرون بیندازد والله اعلم.

(۲) یعنی هول موت بعد از آن سوال منکرون کبر بعد از آن حشر و حساب و مرور بر صراط بعد از آن دوزخ یا بهشت والله اعلم.

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٢٥﴾

سُورَةُ الْبُرُوجِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ﴿١﴾ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ﴿٢﴾ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ

﴿٣﴾ قَتَلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ ﴿٤﴾ النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ ﴿٥﴾ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا

قُعُودٌ ﴿٦﴾ وَهُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ﴿٧﴾ وَمَا نَقَمُوا

مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٨﴾ الَّذِي لَهُ مُلْكُ

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ

فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ يُتُوبُوا فَ لَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمٌ وَلَهُمْ

عَذَابٌ الْخَرِيقِ ﴿١٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ

جَنَّاتٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ﴿١١﴾ إِنَّ بَطْشَ

رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ﴿١٢﴾ إِنَّهُ هُوَ بَدِئُ وَيَعِيدُ ﴿١٣﴾ وَهُوَ الْغَفُورُ الْودُودُ ﴿١٤﴾

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ﴿١٥﴾ فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿١٦﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ

﴿١٧﴾ فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ﴿١٨﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ﴿١٩﴾ وَاللَّهُ مِنْ

وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ﴿٢٠﴾ بَلْ هُوَ قُرْءَانٌ مَجِيدٌ ﴿٢١﴾ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ ﴿٢٢﴾

﴿۲۵﴾ لیکن آنانکه ایمان آوردند و کردارهای شایسته انجام دادند برایشان پاداش بی نهایت است.

سوره بروج مکی است
و آن بیست و دو آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ قسم به آسمان دارای برجها^(۱). ﴿۲﴾ و قسم به روز موعود^(۲). ﴿۳﴾ و قسم به روزیکه در هفته^(۳) حاضر میشود. ﴿۴﴾ اهل خندق ها هلاک کرده شدند. ﴿۵﴾ از (خندقها پر) از آتش دارای هیزم بسیار. ﴿۶﴾ هنگامیکه ایشان برکناره آن (خندق ها) نشسته بودند. ﴿۷﴾ و ایشان به آنچه بامسلمانان میکردند حاضر بودند. ﴿۸﴾ و از ایشان ایرادی جز این خصلت نگرفتند که به خدای غالب ستوده کار ایمان آورده بودند. ﴿۹﴾ آنکه برای او پادشاهی آسمانها و زمین است و خدا بر همه چیز مطلع است^(۴). ﴿۱۰﴾ هر آئینه آنانکه عقوبت کردند مردان مسلمان و زنان مسلمان را بازتوبه نمودند پس برای ایشان عذاب دوزخ است و برای ایشان عذاب سوختن است. ﴿۱۱﴾ هر آئینه آنانکه ایمان آوردند و کردارهای شایسته انجام دادند ایشانراست بوستانهایی که می رود زیر آنها جویها اینست پیروزی بزرگ. ﴿۱۲﴾ هر آئینه گرفت پروردگارتو بسا سخت است. ﴿۱۳﴾ هر آئینه او آفرینش نو را آغاز میکند و دوباره می آفریند. ﴿۱۴﴾ و اوست آمرزگار و ستدار. ﴿۱۵﴾ او خداوند عرش گرامیقدراست. ﴿۱۶﴾ بسیار کننده است هر چیزی را که خواهد. ﴿۱۷﴾ آیا به تو خبر لشکرها آمده است. ﴿۱۸﴾ که فرعون و ثمودباشند. ﴿۱۹﴾ بلکه کافران در تکذیبند. ﴿۲۰﴾ و خدا از گردا گرد ایشان گیرنده است. ﴿۲۱﴾ بلکه این قرآن گرامیقدراست. ﴿۲۲﴾ در لوح محفوظ نوشته شده است.

(۱) یعنی برجهای دوازده گانه.

(۲) یعنی روز قیامت.

(۳) یعنی روز جمعه یا قسم بروزیکه حاجیان به آنروز حاضر میشوند یعنی روز عرفه هر آئینه مجازات متحقق است.

(۴) مترجم گوید پادشاهی ظالم رعیت خودرا تکلیف کفر کرد و چون کافر نشدند خندقها را به آتش پر کرد و ایشانرا به آتش افکند خدای تعالی آن آتش را برپادشاه و هم نشینان او مسلط ساخت تا از خندق پریده، همه را پاك بسوخت والله اعلم.

سُورَةُ الطَّارِقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ١ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ٢ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ٣
إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ٤ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ٥
خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ٦ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ٧ إِنَّهُ عَلَى
رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ٨ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ٩ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ١٠
وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ١١ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ١٢ إِنَّهُ
لَقَوْلٌ فَصْلٌ ١٣ وَمَاهُوَ بِالْهَزْلِ ١٤ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ١٥
وَأَكِيدُ كَيْدًا ١٦ فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَمَهُلُهُمْ رُوَيْدًا ١٧

سُورَةُ الْأَعْلَى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ١ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ٢ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ٣
وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ٤ فجعله عِثَاءً أَحْوَى ٥ سَفَرُنْكَ ٦
فَلَا تَنْسَى ٧ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى ٨ وَنُيْسِرَكَ ٩
لِلْيُسْرَى ١٠ فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعْتَ الذِّكْرَى ١١ سِيذَكُرْ مَنْ يَخْشَى ١٢

سوره طارق مکی است
و آن هفده آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ قسم به آسمان و به شب آینده. ﴿۲﴾ و چه چیز تورا مطلع ساخت که شب پدید آینده چیست؟ ﴿۳﴾ (همان) ستاره درخشنده است. ﴿۴﴾ نیست هیچ شخصی مگر بروی (فرشته ای) نگهبانی است. ﴿۵﴾ پس باید که انسان ببیند از چه چیز آفریده شده است. ﴿۶﴾ از آبی جهنده آفریده شده است. ﴿۷﴾ که از میان پشت (مرد) و استخوان های سینه (زن) برمی آید. ﴿۸﴾ بی گمان خدا بر دوباره آفریدن انسان توانا است. ﴿۹﴾ روزیکه اسرار (مردمان) آشکار می شود. ﴿۱۰﴾ پس او را طاقتی و نصرت دهنده ای نباشد. ﴿۱۱﴾ قسم به آسمان باران دار. ﴿۱۲﴾ و قسم به زمین شکاف بردار^(۱). ﴿۱۳﴾ به یقین قرآن سخن واضح است. ﴿۱۴﴾ و (قرآن) سخنی بیهوده نیست. ﴿۱۵﴾ هر آینه کافران سخت بداندیشی میکنند. ﴿۱۶﴾ و من نیز (درمقابل ایشان) تدبیر میکنم تدبیر کردنی^(۲). ﴿۱۷﴾ پس به کافران مهلت بده ایشان را اندک زمانی فروگذار.

سوره اعلیٰ مکی است
و آن نوزده آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ نام پروردگار بزرگوارت را به پاکی یادکن. ﴿۲﴾ آنکه بیافرید پس درست انجام کرد. ﴿۳﴾ اندازه کرد پس هدایت نمود^(۳). ﴿۴﴾ و آنکه گیاه تازه را برآورد. ﴿۵﴾ باز آنرا خشک شده سیاه گشته گرداند. ﴿۶﴾ تورا (قرآن) تعلیم خواهیم داد پس فراموش نخواهی کرد. ﴿۷﴾ مگر آنچه خدا خواسته است هر آینه خدا آشکار و پنهان را میداند^(۴). ﴿۸﴾ و تورا به معرفت شریعت آسان توفیق خواهیم داد. ﴿۹﴾ پس پند ده اگر پند دادن سود می دهد. ﴿۱۰﴾ هر که می ترسد (از خدا) پند خواهد پذیرفت.

سوره طارق

(۱) یعنی تادانه بیرون آید.

(۲) و این وعده روز بدر متحقق شد.

سوره اعلیٰ

(۳) یعنی جمیع مخلوقات را اندازه کرده بحسب آن اندازه در مخلوقات تصرف فرمود تا همان صورت به روی کارآمد پس این تصرف را بهدایت تعبیر فرمود والله اعلم.

(۴) مترجم گوید فراموش گرداندن این آیه از خاطر مبارک آن حضرت صلی الله علیه وسلم نوعی از نسخ است والله اعلم.

وَيَتَجَبَّبُهَا الْأَشْقَى ۝ الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى ۝ ثُمَّ لَا يَمُوتُ
فِيهَا وَلَا يَحْيَى ۝ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ۝ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ۝
بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۝ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ۝ إِنَّ
هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى ۝ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ۝

سُورَةُ الْغَاشِيَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ۝ وَجُوهٌُ يُومِذُ خَشِيعَةً ۝ عَامِلَةٌ
نَّاصِبَةٌ ۝ تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً ۝ تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ ۝ لَيْسَ
لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ ۝ لَا يَسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ۝ وَجُوهٌُ
يُومِذُ نَاعِمَةٌ ۝ لَسَعِيَهَا رَاضِيَةٌ ۝ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝ لَا تَسْمَعُ
فِيهَا الْغِيَّةَ ۝ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ۝ فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ ۝ وَأَكْوَابُ
مَوْضُوعَةٌ ۝ وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ۝ وَزَرَارٍ مَبْثُوثَةٌ ۝ أَفَلَا يَنْظُرُونَ
إِلَى الْأَلْبَابِ كَيْفَ خُلِقَتْ ۝ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ۝ وَإِلَى
الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ۝ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ۝
فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ۝ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ ۝

﴿۱۱﴾ وَاِذَا نَظَرْتُ بِدَبْحٍ تَرِيْنَ مَرْدَمَانَ اجْتَنَابِ مِی كُنْد. ﴿۱۲﴾ اَنَكِهْ بِهْ اَتَشْ بَزْرَگْ
 دِرْخَوَاهْدَامْد. ﴿۱۳﴾ بَازْ نَمِیْ مِیْرِدْ دَرَا نَجَا وَنَهْ زَنْدَهْ بَاشْد. ﴿۱۴﴾ هِرْآئِنَهْ هِرْكَهْ پَاكْ شَدْ
 رَسْتْگَارْشَدْ. ﴿۱۵﴾ وَنَامْ پُرُورْدْگَارْ خُودْ رَا یَادْ كَرْدْ پَسْ نَمَازْ خَوَانْد. ﴿۱۶﴾ بَلَكِهْ زَنْدْگَانِیْ
 اِیْنْ جِهَانْ رَا اِخْتِیَارْ مِیْكُنِیْد. ﴿۱۷﴾ وَآخِرْتْ بَهْتَرْ وَپَايَنْدَهْ تَرَاَسْت. ﴿۱۸﴾ هِرْآئِنَهْ اِیْنْ سَخْنْ
 دِرْ صَحِیْفَهْ هَایْ نَخَسْتِیْنْ هَمْ مَذْكُورْ بُوْد. ﴿۱۹﴾ صَحِیْفَهْ هَایْ اِبْرَاهِیْمْ وَمُوسَى.

سوره غاشیه مکی است و آن بیست
 و شش آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ اَیَا بَهْ تُوْ خَبَرْ قِیَامَتْ اَمْدَهْ اَسْت. ﴿۲﴾ یَكْ عَدَهْ چِهْرَهْ هَا اَنُرُوزْخَوَارْ بَاشَنْد. ﴿۳﴾
 كَارْ كَنْنِدَهْ مَحْنَتْ كَشَنْدَهْ بَاشَنْد. ﴿۴﴾ بَهْ اَتَشْ اَفْرُوخْتَهْ شَدْ دَرَايَنْد. ﴿۵﴾ اَبْ نُوشَانِیْدَهْ
 شُونْدْ اَزْ چِشْمَهْ بَسِیَارْ گَرْمْ. ﴿۶﴾ اِیْشَانْرا هِیْچْ طَعَامِیْ جَزْ اَزْ ضَرِیْعْ نَبَاشْد. ﴿۷﴾ كِهْ فَرْبِهْ
 نَكَنْدْ وَدَفْعْ گَرَسَنْگِیْ نَهْ نَمَايْد^(۱). ﴿۸﴾ یَكْ عَدَهْ چِهْرَهْ هَا اَنُرُوزْ تَاَزَهْ بَاشَنْد. ﴿۹﴾ بَهْ سَعِیْ
 خُودْ رِضَا مَنْدْ شَدْ بَاشَنْد. ﴿۱۰﴾ دَرِبَهْشْتْ بَرِیْنْ بَاشَنْد. ﴿۱۱﴾ دَرَاْنْ هِیْچْ سَخْنْ بِیْهُودَهْ
 نَشْنُویْ. ﴿۱۲﴾ دَرَاْنْ جَا چِشْمَهْ رَوَانْ بَاشْد. ﴿۱۳﴾ دَرَاْنْ جَا تَخْتْ هَایْ بَلَنْدْ بَاشْد.
 ﴿۱۴﴾ وَكُوزَهْ هَایْ نِهَادَهْ شَدْ. ﴿۱۵﴾ وَبَالَشَهَایْ بَرَابَرْ یَكْدِیْگَرْ گِذَاشْتَهْ شَدْ. ﴿۱۶﴾
 وَفَرْشْ هَایْ نَفِیْسْ پَهْنْ كَرْدَهْ بَاشْد. ﴿۱۷﴾ اَیَا بَهْ سَوِیْ شَتْرَانْ نَمِیْ نَگَرَنْدْ چِگُوْ نَهْ اَفْرِیْدَهْ
 شَدْ اَنْد. ﴿۱۸﴾ وَبَهْ سَوِیْ اَسْمَانْ كِهْ چِگُوْنَهْ بَرَاْفَرَاشْتَهْ شَدْ؟ ﴿۱۹﴾ وَبَهْ سَوِیْ كُوهْ هَاكِهْ
 چِگُوْنَهْ بَرَقَرَارْ گَرْدِیْدَهْ؟ ﴿۲۰﴾ وَبَهْ سَوِیْ زَمِیْنْ كِهْ چِگُوْنَهْ گَسْتَرْدَهْ شَدْ اَسْت. ﴿۲۱﴾ پَسْ
 پَنْدْ دِهْ جَزَايْنْ نِیْسْتْ كِهْ تُوْپَنْدْ دَهَنْدَهْ اِیْ. ﴿۲۲﴾ بَرَايْشَانْ گِمَاشْتَهْ شَدْ نِیْسْتِیْ.

(۱) ضریع نام گیاه خاردارست.

إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ ۖ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ۝
 إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ۝ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ۝

سُورَةُ الْفَجْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْفَجْرِ ۝
 وَلَيَالٍ عَشْرٍ ۝
 وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ۝
 وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ ۝
 هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حَجْرِ ۝
 أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ۝
 إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ۝
 الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ۝
 وَشُمُودَ الَّذِينَ
 جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ۝
 وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ۝
 الَّذِينَ طَغَوْا فِي
 الْبِلَادِ ۝
 فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ۝
 فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ
 عَذَابٍ ۝
 إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ۝
 فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ
 رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ، وَنَعَّمَهُ، فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ۝
 وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ
 فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ، فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ ۝
 كَلَّا بَلْ لَا تَكْرُمُونَ
 الْيَتِيمَ ۝
 وَلَا تَحْضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ ۝
 وَتَأْكُلُونَ
 الثَّرَاثُ أَكْلًا لَمًّا ۝
 وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ۝
 كَلَّا إِذَا
 دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ۝
 وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ۝

﴿۲۳﴾ لیکن هر که روی بگرداند و کافر شود. ﴿۲۴﴾ پس خدا او را به عقوبت بزرگ عذاب می دهد. ﴿۲۵﴾ هر آئینه رجوع ایشان به سوی ما است. ﴿۲۶﴾ باز هر آئینه حساب ایشان بر ما است.

سوره فجر مکی است
و آن سی آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ قسم به صبح. ﴿۲﴾ و به شب های ده گانه ^(۱). ﴿۳﴾ و قسم به جفت و طاق ^(۲). ﴿۴﴾ و قسم به شب چون روان شود. ﴿۵﴾ آیدرین (امر) سوگندی معتبر برای صاحب خرد ^(۳) هست. ﴿۶﴾ آیندیدی که پروردگار تو با قوم عاد چگو نه معامله کرد؟. ﴿۷﴾ ارم دارای قدهای بلند. ﴿۸﴾ که همانند آن در شهرها آفریده نشده است. ﴿۹﴾ و (چگونه معامله کرد) با قوم ثمود که سنگهای بزرگ را در وادی قری تراشیده بودند. ﴿۱۰﴾ و با فرعون صاحب میخها چگونه معامله کرد ^(۴). ﴿۱۱﴾ همه این جماعتها آنانند که در شهرها سرکشی کردند. ﴿۱۲﴾ پس در آنجا فساد را بسیار به عمل آوردند. ﴿۱۳﴾ پس سرانجام، پروردگار تو بر سرایشان یک دفعه عذاب فرو ریخت. ﴿۱۴﴾ هر آئینه پروردگار تو در کمین گاه است. ﴿۱۵﴾ پس اما انسان چون پروردگارش او را امتحان کندش پس گرامی کندش و نعمت دهدش پس گوید پروردگارم مرا گرامی ساخت. ﴿۱۶﴾ و اما چون امتحان کندش پس تنگ سازد بروی رزق او را گوید پروردگارم مرا خوار کرده است. ﴿۱۷﴾ چنین نیست، بلکه یتیم را گرامی نمیدارید. ﴿۱۸﴾ و یکدیگر را بر طعام دادن فقیر تشویق نمی کنید. ﴿۱۹﴾ و به شدت مال میراث را میخورید ^(۵). ﴿۲۰﴾ و مال را دوست میدارید دوست داشتن بسیار ^(۶). ﴿۲۱﴾ چنین نیست (که میگوئید)، چون زمین پی در پی هموار ^(۷) کرده شود. ﴿۲۲﴾ و پروردگار تو بیاید و فرشتگان (نیز) صف در صف بایند.

(۱) یعنی عشره ذو الحجة.

(۲) یعنی بعض نماز جفت است و بعض طاق.

(۳) که خدا جزا دهنده پندگان بر اعمال ایشان است.

(۴) یعنی به چهار میخ بسته عقوبت میکرد.

(۵) یعنی زنان و یتیمان را حق ایشان نمیدهد و حق ایشان را بامال خود جمع می کند.

(۶) یعنی اسباب اکرام الهی در اکرام یتیم و اطعام مسکین است آرامی باید کرد و شما به این صفت هستید که یتیمان را حق ایشان نمی دهید و حق ایشانرا بامال خود جمع میکنید.

(۷) یعنی کوهها و تپه ها را با سائیر زمین برابر کرده شود.

وَجَاءَ يَوْمَ ذِي الْحِجَّةِ يَوْمَ مِذْيَمَةِ الْإِنْسَانِ وَأَنَّى
لَهُ الذِّكْرَى ۚ يَقُولُ يَلَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ۚ فَيَوْمَ ذِي
الْحِجَّةِ عَذَابُهُ أَشَدُّ ۚ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ۚ يَأْتِيهَا
النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ۚ أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ۚ
فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ۚ وَأَدْخُلِي جَنَّتِي ۚ

سورة البلد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ۚ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ۚ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ ۚ
لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ۚ أَيَحْسَبُ أَن لَّنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ
أَحَدٌ ۚ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَا لُبُّدًا ۚ أَيَحْسَبُ أَن لَّمْ يَرَهُ أَحَدٌ ۚ
أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ۚ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ۚ وَهَدَيْنَاهُ
النَّجْدَيْنِ ۚ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ۚ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ۚ
فَكُرْسِيَةٌ ۚ أَوْ اطَّعِمْ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ۚ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ۚ
أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ۚ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَصَّوْا
بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ۚ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ۚ

﴿۲۳﴾ و آنروز دوزخ آورده شود انسان آنروز یاد کند و اورانفع آن یاد کردن کجابه‌شد. ﴿۲۴﴾ گوید ای کاش من عمل نیک برای این زندگانی جاودانی خویش می فرستادم. ﴿۲۵﴾ پس آنروز هیچ کسی را چون عذاب او خدا عذاب نمی دهد. ﴿۲۶﴾ و بزنجیر نبندد مانند بستن او به هیچکس^(۱). ﴿۲۷﴾ (گفته شود روح مومن را وقت مرگ) ای نفس آرام گیرنده. ﴿۲۸﴾ باز گرد به سوی پروردگار خویش خوشنود شده و از تونیز خوشنود گشته. ﴿۲۹﴾ پس به زمرهٔ بندگان خاص من داخل شو. ﴿۳۰﴾ و به بهشت من داخل شو.

سوره بلد مکی است و آن بیست
آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ قسم میخورم باین شهر (یعنی مکه مکرمه). ﴿۲﴾ و تو به این شهر در خواهی آمد^(۲). ﴿۳﴾ و قسم میخورم به پدر (آدم) و به هر چه زاده است^(۳). ﴿۴﴾ هر آئینه انسان را در مشقت آفریدیم^(۴). ﴿۵﴾ آیا انسان گمان می کند که هیچکس بروی قادر نیست. ﴿۶﴾ میگوید مال (توبرتو) فراوانی هزینه کردم. ﴿۷﴾ آیامی پندارد که او را هیچکس ندیده است. ﴿۸﴾ آیا برای او دو چشم را نیا فریده ایم؟ ﴿۹﴾ و زبان و دلب را. ﴿۱۰﴾ و او را بر دروازه دلالت کردیم^(۵). ﴿۱۱﴾ پس در نیامد گذرگاه سخت. ﴿۱۲﴾ و چه چیز مطلع ساخت تورا که چیست گذرگاه سخت^(۶)؟ ﴿۱۳﴾ آزاد کردن برده است. ﴿۱۴﴾ یا خوراک دادن در روز گرسنگی. ﴿۱۵﴾ یتیم خویشاوند را. ﴿۱۶﴾ یابینوای فقیر ناتوان را. ﴿۱۷﴾ بعد از آن از آنانکه ایمان آورده اند باشد و همدیگر را به شکیبایی وصیت کرده اند و همدیگر را به شفقت بر خلق خدا وصیت کرده اند. ﴿۱۸﴾ این جماعت ایشان اهل نیک بختی اند.

سوره فجر

(۱) بوجهی واقع شود که هیچ کس غیر او بر آن قادر نیست والله اعلم.

سوره بلد

(۲) یعنی تورا قتل در مکه حلال خواهد شد.

(۳) یعنی آدم و جمیع ذریه او.

(۴) یعنی عادت انسان است که بقوت خود فخر می کند و نبیند که چه قدر ناتوانی ها میکشد و نیز ببذل مال فخر می

کند و نمی داند که خدا اورا می بیند که بی نهایت حقیر و بخیل است.

(۵) یعنی خیر و شر.

(۶) یعنی به حقیقت قوت آنست که این اعمال را به جا آورد.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْجَمَةِ ۖ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ ۖ

سُورَةُ الشَّمْسِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا ۚ ۱ وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّهَا ۚ ۲ وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّهَا ۚ ۳ وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا ۚ ۴ وَالسَّمَاءُ وَمَا بَنَدَهَا ۚ ۵ وَالْأَرْضُ وَمَا طَحَاهَا ۚ ۶ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ۚ ۷ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۚ ۸ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَكَّاهَا ۚ ۹ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ۚ ۱۰ كَذَبَتْ ثُمُودُ بِطَغْوَاهَا ۚ ۱۱ إِذِ ابْنَعْتَ أَشْقَاهَا ۚ ۱۲ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ۚ ۱۳ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّاهَا ۚ ۱۴ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ۚ ۱۵

سُورَةُ اللَّيْلِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَى ۚ ۱ وَالنَّهَارُ إِذَا تَجَلَّى ۚ ۲ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ۚ ۳ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى ۚ ۴ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ۚ ۵ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ۚ ۶ فَسَنِيَرُهُ وَلَيْسَرَى ۚ ۷ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ۚ ۸ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى ۚ ۹

﴿۱۹﴾ وآنانکه به آیاتِ ما کافر شدند ایشان اهل بدبختی اند. ﴿۲۰﴾ برایشان آتشی از هر جهت فراگیر گماشته شود.

سوره شمس مکی است
وآن یانزده آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ قسم به خورشید وروشنی او. ﴿۲﴾ و قسم به ماه چون ازپی آفتاب درآید^(۱). ﴿۳﴾ و قسم به روز چون آفتاب را نمایان کند. ﴿۴﴾ و قسم به شب چون آفتاب را بپوشاند. ﴿۵﴾ و قسم به آسمان و به آنکه آن را بنا کرد. ﴿۶﴾ و قسم به زمین و آنکه آنرا بگسترد. ﴿۷﴾ و قسم به نفس آدمی و آنکه به آن درست اندام داد. ﴿۸﴾ پس خدا دردش شناخت گناه او را و تقوای او را انداخت. ﴿۹﴾ به یقین هر که پاک ساخت نفس را رستگار شد. ﴿۱۰﴾ و به یقین هر کسی که آنرا فرومایه داشت زیانکار شد. ﴿۱۱﴾ قوم ثمود به سبب سرکشی خود تکذیب کردند. ﴿۱۲﴾ و قتیکه بدبخت ترین آن قوم برخاست. ﴿۱۳﴾ پس پیامبر خدا به ایشان گفت بگذارید ماده شتر را که خدا آفریده است و آب خوردنِ او را متعرض نشوید. ﴿۱۴﴾ پس پیامبر را تکذیب کردند پس ماده شتر را بکشتند پس پروردگار ایشان برایشان به سبب معصیت ایشان عقوبت فرود آورد پس عقوبت را بر سرایشان^(۲) هموار کرد. ﴿۱۵﴾ و خدا از انجام آن عقوبت نمی ترسد.

سوره لیل مکی است و آن بیست
ویک آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ قسم به شب چون بپوشاند. ﴿۲﴾ و قسم به روز چون ظاهر شود. ﴿۳﴾ و قسم بذاتیکه نر و ماده را آفرید. ﴿۴﴾ که هر آئینه سعی شما مختلف است. ﴿۵﴾ پس اما هر که عطا کرد و پرهیز گاری نمود. ﴿۶﴾ و پاداش نیک را باور داشت. ﴿۷﴾ پس او را برای رسیدن به سرای آسایش توفیق می دهیم. ﴿۸﴾ و اما هر که بخل کرد و خود را بی نیاز شمرد. ﴿۹﴾ و پاداش نیک را تکذیب کرد.

(۱) یعنی شب چهاردهم.

(۲) یعنی به همه رسانید.

فَسَنِيْسِرُهُ لِلْعُسْرَى ۝ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ۝ إِنَّ عَلَيْنَا
 لِلْهُدَى ۝ وَإِنَّ لَنَا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَى ۝ فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى ۝
 لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ۝ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى ۝ وَسَيُجَنَّبُهَا
 الْأَتْقَى ۝ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى ۝ وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ
 تُجْزَى ۝ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى ۝ وَلَسَوْفَ يَرْضَى ۝

سورة الضحى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالضُّحَى ۝ وَاللَّيْلُ إِذَا سَجَى ۝ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَاقَلَى ۝
 وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى ۝ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ
 فَتَرْضَى ۝ أَلَمْ يَجِدَكَ يَتِيمًا فَآوَى ۝ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى ۝
 وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى ۝ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ۝
 وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ۝ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ۝

سورة الشرح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ۝ وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ ۝

﴿۱۰﴾ پس اورا برای رسیدن به سرای دشواری توفیق می دهیم. ﴿۱۱﴾ مال او وقتی که نگوینسار افتد ازوی هیچ (چیزی را) دفع نکند. ﴿۱۲﴾ هرآئینه راه نمودن برما است. ﴿۱۳﴾ وهرآئینه آن جهان واین جهان برای مااست. ﴿۱۴﴾ پس شمارا ازآتشی که شعله میزند ترسانیدم. ﴿۱۵﴾ به آن آتش مگر بدبخت ترین مردم درنیاید. ﴿۱۶﴾ آنکه تکذیب کرد و رویگردان شد. ﴿۱۷﴾ و دور نگه داشته خواهد شد از آن آتش پرهیزگارترین مردم. ﴿۱۸﴾ آنکه مال خود را میدهد تا پاک دل گردد. ﴿۱۹﴾ و نیست هیچ کس را نزد او نعمتی که جزا داده شود. ﴿۲۰﴾ لیکن به طلب رضای پروردگار خود میدهد. ﴿۲۱﴾ حتما بزودی خوشنود خواهد شد.

سوره ضحیٰ مکی است
و آن یازده آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ ^(۱) قسم به هنگام چاشت. ﴿۲﴾ و قسم به شب چون بپوشد. ﴿۳﴾ تورا پروردگار تو فرونگذاشت و خشم نگرفته است. ﴿۴﴾ و هرآئینه آخرت برایت بهتر از دنیا خواهد بود. ﴿۵﴾ و البته پروردگارتو نعمت خواهد داد تورا پس خوشنود خواهی شد. ﴿۶﴾ آیا تورا یتیم نیافت پس جای داد. ﴿۷﴾ و تورا راه گم کرده ^(۲) یافت پس راه نمود. ﴿۸﴾ و تورا تنگدست یافت پس توانگر ساخت. ﴿۹﴾ پس اما یتیم را هرگز ستم مکن. ﴿۱۰﴾ و اما سائل را پس به سختی مران. ﴿۱۱﴾ و اما به نعمت پروردگار خود پس خبرده.

سوره انشراح مکی است
و آن هشت آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ آیا سینه تورا برایت نگشاده ایم. ﴿۲﴾ و از تو بار (سنگین) تورا برنداشتیم.

(۱) مترجم گوید که چند روزی نمیامده بود کفار گفتند (وَدَّعَى رَبُّهُ وَقَلَّاهُ) خدای تعالی برای تسلی او این سوره را فرو فرستاد.

(۲) یعنی تو شریعت نمیدانستی والله اعلم.

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ۖ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ۚ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝
 إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۖ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ۖ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ۝

سُورَةُ التَّيْنِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالتَّيْنِ وَالزَّيْتُونِ ۝ وَطُورِ سِينِينَ ۝ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ۝
 لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ۝ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ۝
 إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۝
 فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ ۝ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ۝

سُورَةُ الْعَلَقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝ اقْرَأْ
 وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۝ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۝ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ
 مَا لَمْ يَعْلَمْ ۝ كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَيطغى ۝ أَن رَّاهُ اسْتَغْنَى ۝
 إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ۝ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ ۝ عَبْدًا
 إِذَا صَلَّىٰ ۝ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ ۝ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ ۝

﴿۳﴾ آن بارکه پشت تورا گران کرده بود. ﴿۴﴾ و آوازه ات را برایت بلند ساختیم. ﴿۵﴾ پس هر آئینه پس از هر دشواری آسانی است. ﴿۶﴾ البته پس از دشواری آسانی است. ﴿۷﴾ پس وقتی که از کار و بار فارغ شدی در عبادت خدا کوشش کن. ﴿۸﴾ و به سوی پروردگار خود بگرای (و در نزد او تذلل کن).

سوره تین مکی است
و آن هشت آیه است

به نام خداوند بخشنده* مهربان.

﴿۱﴾ قسم به انجیر وزیتون. ﴿۲﴾ و قسم بطور سینا. ﴿۳﴾ و قسم به این شهر امن (یعنی مکه). ﴿۴﴾ هر آئینه انسان را در نیکوترین صورت آفریدیم. ﴿۵﴾ پس گردانیدیم آن را فروتر از همه فروماندگان^(۱). ﴿۶﴾ مگر آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند پس ایشانرا اجر بی نهایت است. ﴿۷﴾ پس ای آدمی چه چیز تورا وادار میکند بعد از این همه پند بردروغ انگاشتن در باب پاداش اعمال^(۲). ﴿۸﴾ آیا خدا احکم الحاکمین نیست؟

سوره علق مکی است
و آن نوزده آیه است

به نام خداوند بخشنده* مهربان.

﴿۱﴾ بخوان به نام پروردگار خود که آفرید. ﴿۲﴾ انسان را از خون بسته آفرید. ﴿۳﴾ بخوان و پروردگار تو بزرگوarterاست. ﴿۴﴾ آنکه بوسیلهٔ قلم علم آموخت. ﴿۵﴾ انسان را آنچه نمیدانست^(۳) آموخت. ﴿۶﴾ به درستی که انسان از حد میگذرد. ﴿۷﴾ هنگامیکه خود را توانگر شده می بیند. ﴿۸﴾ هر آئینه بازگشت به سوی پروردگار توست. ﴿۹﴾ آیدیدی شخصی را که منع میکند. ﴿۱۰﴾ بنده را چون نماز می خواند. ﴿۱۱﴾ به من بگو که اگر براه راست می بودی (چه اتفاقی می افتاد؟). ﴿۱۲﴾ یا به پرهیزگاری فرمان می داد؟.

سوره تین

(۱) یعنی وقتی که کافر شد فطرت سلیمه راضع ساخت.

(۲) و شاید که معنی آیت چنین باشد پس چه چیز باعث تکذیب تو میشود یا محمد، قضیه جزای اعمال، بعد از این همه پند.

سوره علق

(۳) مترجم گوید اقرأ باسم ربك تأمل يعلم اولین آیاتی است که بر آن حضرت صلی الله علیه وسلم نازل شد و معنی اقرأ تهيؤ است برای وحی قرآن و تلاوت آن.



أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ۖ ﴿١٣﴾ أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى ۖ ﴿١٤﴾ كَلَّا لَئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ
لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ﴿١٥﴾ نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿١٦﴾ فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ۖ ﴿١٧﴾
سَدِّعُ الزَّبَانِيَةَ ﴿١٨﴾ كَلَّا لَا تَطْعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ۝ ﴿١٩﴾

سُورَةُ الْقَدْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿٢﴾
لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا
بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾ سَلَّمَ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ۝ ﴿٥﴾

سُورَةُ الْبَيِّنَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ حَتَّىٰ
تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ﴿١﴾ رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً ﴿٢﴾ فِيهَا كُتِبَ
قِيَمَةٌ ﴿٣﴾ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ
الْبَيِّنَةُ ﴿٤﴾ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ
حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ ۝ ﴿٥﴾

﴿۱۳﴾ آیدیدی که چه میشد اگر (حق را) دروغ انگارد و رویگردان گشت (چه اتفاقی می افتد؟). ﴿۱۴﴾ آیا ندانست این روگرداننده که خدا می بیند^(۱). ﴿۱۵﴾ نه!، اگر باز نه ایستد خواهیم اورا به موی پشمانی کشید. ﴿۱۶﴾ به آن موی پشمانی دروغ زن خطاکار. ﴿۱۷﴾ پس باید که هم مجلسان خود را فریاد کند. ﴿۱۸﴾ مانیز فرشتگان سخت کیفر را فرا خواهیم خواند^(۲). ﴿۱۹﴾ نه! فرمان او را قبول مکن و نماز بخوان و تقرّب خدا بجوی.

سوره قدر مکی است
و آن پنج آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ هر آئینه ما قرآن را در شب قدر^(۳) فرود آوردیم. ﴿۲﴾ و توجه می دانی که شب قدر چیست؟. ﴿۳﴾ شب قدر از هزار ماه بهتر است. ﴿۴﴾ فرشتگان و روح (جبریل) در آن شب به فرمان پروردگار خویش برای سرانجام کردن هر کاری فرود می آیند. ﴿۵﴾ آن شب تا وقت طلوع فجر محض سلامتی است.

سوره بینه مدنی است
و آن هشت آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ نبودند کافران^(۴) از اهل کتاب و مشرکان جدا شونده (یعنی از آیین خود) تا وقتی که به ایشان حجّت ظاهر بیاید^(۵). ﴿۲﴾ پیامبری از جانب خدا که صحیفه های پاک را (یعنی سور قرآن) میخواند. ﴿۳﴾ در آن صحیفه ها احکامیست راست درست. ﴿۴﴾ و اهل کتاب متفرق نشدند^(۶) مگر بعد از آنکه بایشان حجّت ظاهر آمد. ﴿۵﴾ و فرمان داده نشدند جز آنکه خدا را در حالی که پرستش را برای او خالص ساخته بپاکدلی بپرستند (متدین بدین ابراهیم شده اند) و نماز را برپا دارند و زکوة را بدهند و این است احکام دین درست.

سوره علق

(۱) یعنی باید دانست که عاقبت اهدا و هدایت بهشت است و عاقبت ضلال و اضلال دوزخ است پس این مدعا را بنوعی از بلاغت ادا کرده شده. (۲) یعنی فرشتگان سخت عقوبت کننده را.

سوره قدر

(۳) یعنی یکد فعه از لوح محفوظ با آسمان دنیا.

سوره بینه

(۴) یعنی حال ایشان مقتضی ارسال رسول و انزال کتاب بود ازین جهت رسول را فرستادیم و قرآن را فرود آوردیم.

(۵) یعنی ایشانرا تکلیف نکردیم بترك ادیان خویش مگر بعد از اقامت حجّت ظاهر.

(۶) یعنی بعضی مقبول شدند و بعضی مردود.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ
خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ٦ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ٧ جَزَاءُ هُمُ
عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ٨

سُورَةُ الزَّلْزَلَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ١ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ٢ وَقَالَ
الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ٣ يَوْمَئِذٍ تُخَدِّثُ أَخْبَارَهَا ٤ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا
٥ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ٦ فَمَنْ يَعْمَلْ
مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ٧ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ٨

سُورَةُ الْعَادِيَّاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا ١ فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا ٢ فَالْمُغِيرَاتِ
ضُبْحًا ٣ فَاتَّرنَ بِهِ نَقْعًا ٤ فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا ٥

﴿۶﴾ هر آئینه آنانکه کافر شدند از اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخ اند در آنجا جاویدان باشند آن جماعت ایشان بدترین خلق اند. ﴿۷﴾ هر آئینه آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند آن جماعت ایشان بهترین خلق اند. ﴿۸﴾ پاداش ایشان نزد پروردگار ایشان بوستانهای همیشه باقی ماندن است که می رود زیر آنها جویها در آنجا همیشه جاویدان، خدا از ایشان خوشنود شد و ایشان (نبیز) از خدا خوشنود شدند این وعده کسی راست که از پروردگار خود بترسد.

سوره زلزال مدنی است
و آن هشت آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ هنگامیکه زمین به (آن) لرزش خود لرزانده شود. ﴿۲﴾ و زمین بارهای سنگین خودش را بیرون آورد^(۱). ﴿۳﴾ و انسان گوید چه حالتست زمین را؟. ﴿۴﴾ آنروز زمین از خبرهای خود سخن می گوید. ﴿۵﴾ چراکه پروردگارتو به آن حکم فرستاده است. ﴿۶﴾ آنروز مردمان بر احوال مختلف^(۲) بازگردند تا به ایشان جزای اعمال ایشان نموده شود. ﴿۷﴾ پس هرکه هم وزن يك ذره عمل نیک کرده باشد آن را ببیند. ﴿۸﴾ و هرکه هم وزن يك ذره عمل بد کرده باشد آن را ببیند.

سوره عادیات مکی است
و آن یازده آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ قسم به اسپان تیزدونده پر دم. ﴿۲﴾ پس قسم به اسپان که آتش برآورده اند (به آنکه بنعل خود سنگ رابزنند). ﴿۳﴾ پس قسم به اسپان غارت کننده چون در وقت صبح درآیند. ﴿۴﴾ پس به آنوقت غبار را برانگیزند^(۳). ﴿۵﴾ پس به آنوقت در میان جماعتی درآیند^(۴).

سوره زلزال

(۱) یعنی گنجهارا.

(۲) یعنی از جای حساب.

سوره عادیات

(۳) یعنی به سبب دویدن.

(۴) یعنی از اعداء مترجم گوید این قَسَم اشارت است به آنکه جهاد مشروع خواهد شد و رضای الهی در نگاهداشت اسپان غازیان تعلق خواهد گرفت والله اعلم.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَوْدٌ ﴿٦﴾ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ﴿٧﴾ وَإِنَّهُ لِحُبِّ
الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ﴿٨﴾ * أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ ﴿٩﴾
وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ﴿١٠﴾ إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ خَبِيرٌ ﴿١١﴾

سورة القارعة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَارِعَةُ ﴿١﴾ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٢﴾ وَمَا أَذْرَكَ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٣﴾ يَوْمَ
يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ﴿٤﴾ وَتَكُونُ الْجِبَالُ
كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ﴿٥﴾ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ﴿٦﴾ فَهُوَ فِي
عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿٨﴾ فَأُمَّهُ هَادِيَةٌ
﴿٩﴾ وَمَا أَذْرَكَ مَا هِيَ ﴿١٠﴾ نَارُ حَامِيَةٍ ﴿١١﴾

سورة التكاثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْهَكَمُ التَّكَاثُرُ ﴿١﴾ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ﴿٢﴾ كَلَّا سَوْفَ تَعْمُونَ ﴿٣﴾ ثُمَّ
كَلَّا سَوْفَ تَعْمُونَ ﴿٤﴾ كَلَّا لَوْ تَعْمُونَ عَمَّالِيْقَيْنِ ﴿٥﴾ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ﴿٦﴾
ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ﴿٧﴾ ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ﴿٨﴾

﴿۶﴾ هر آئینه انسان نسبت به پروردگار خود ناشکراست. ﴿۷﴾ و هر آئینه انسان بر ناسپاسی خود مطلع است. ﴿۸﴾ و هر آئینه آدمی در دوست داشتن مال زیاده رَو است. ﴿۹﴾ آیا پس نمیداند که چون برانگیخته شود هر آنچه در گورها باشد. ﴿۱۰﴾ و ظاهر ساخته شود هر آنچه در سینه ها باشد. ﴿۱۱﴾ هر آئینه پروردگارايشان به احوال ایشان آن روز خبردار است.

سوره قارعه مکی است
و آن یازده آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ قیامت. ﴿۲﴾ چیست آن قیامت؟ ﴿۳﴾ و تو چه می دانی که آن قیامت چیست؟ (قیامت متحقق شود). ﴿۴﴾ روزی که مردمان مانند پروانه های پراکنده ساخته باشند. ﴿۵﴾ و کوه ها مانند پشم رنگین مخلوج نموده باشند. ﴿۶﴾ پس اماهر که ترازوی حسنات او گران شد. ﴿۷﴾ پس آن شخص در معیشتی پسندیده باشد. ﴿۸﴾ و اماهر که میزان ترازویش سبک شد. ﴿۹﴾ پس جای ماندن آن شخص هاویه باشد. ﴿۱۰﴾ و تو چه می دانی که چیست هاویه؟ ﴿۱۱﴾ آتشی داغ است.

سوره تکاثر مکی است
و آن هشت آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ شمارا از یکدیگر بسیار طلبی مال غافل کرد. ﴿۲﴾ تا وقتی که بگورستانها^(۱) رسیدید. ﴿۳﴾ هرگز، خواهید دانست. ﴿۴﴾ باز (میگوییم) نه هرگز، خواهید دانست. ﴿۵﴾ هرگز، اگر بدانید حقیقت کار را بعلم یقین (غافل نمی شوید). ﴿۶﴾ البته دوزخ را خواهید دید. ﴿۷﴾ باز البته دوزخ را به چشم یقین خواهید دید. ﴿۸﴾ باز البته آنروز از نعمت^(۲) سوال کرده خواهید شد.

(۱) یعنی مدفون شدید.

(۲) یعنی در مقابل آن شکر کردید یا کفران ورزیدید.

سُورَةُ الْعَصْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْعَصْرِ ۝ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۝ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ۝

سُورَةُ الْهُمَزَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَيُلْ لِكُلِّ هُمْزَةٍ لُحْمَةٌ ۝ ١ ۝ الَّذِي جَمَعَ مَا لَا وَعَدَدَهُ ۝ ٢ ۝ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ۝ ٣ ۝ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ۝ ٤ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ۝ ٥ ۝ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ ۝ ٦ ۝ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ۝ ٧ ۝ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ ۝ ٨ ۝ فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ ۝ ٩ ۝

سُورَةُ الْفِيلِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ۝ ١ ۝ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ۝ ٢ ۝ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ۝ ٣ ۝ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ ۝ ٤ ۝ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ ۝ ٥ ۝

سوره عصر مکی است
و آن سه آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ قسم به زمان. ﴿۲﴾ که هرآئینه انسان در زیانکاری است. ﴿۳﴾ مگر آنانکه ایمان آورده اند و عملهای شایسته کرده اند و یکدیگر را به دین درست وصیت کردند و یکدیگر را به شکیبایی وصیت کردند.

سوره همزه مکی است
و آن نه آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ وای برای هر عیب کننده غیبت گوینده. ﴿۲﴾ آنکه مال را فراهم آورد و آن را نگاهداشت. ﴿۳﴾ می پندارد که مالش اورا جاویدان می گرداند. ﴿۴﴾ هرگز، البته به حطمه انداخته خواهد شد. ﴿۵﴾ و تو چه می دانی که حطمه چیست؟ ﴿۶﴾ آتش افروخته شده خدا است. ﴿۷﴾ که بر دلها چیره شود. ﴿۸﴾ هرآئینه آن آتش برایشان گماشته شده است. ﴿۹﴾ درستون های دراز درآورده شده است.

سوره فیل مکی است
و آن پنج آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ آیا ندیدی با اهل فیل پروردگار تو چگونه معامله کرد؟ ﴿۲﴾ آیا بداندیشی ایشان را در تباهی قرار نداد. ﴿۳﴾ و برایشان پرندگان را گروه گروه فرستاد. ﴿۴﴾ به سوی ایشان سنگ ریزها از سنگ گل می انداختند. ﴿۵﴾ پس سرانجام ایشانرا مانند باقیمانده (گاه) آخور بعد از خوردن دواب قرار داد.

(۱) مترجم گوید ابرهه پادشاه یمن عزم هدم کعبه را کرد و فیلان بسیار و لشکر بیشمار بهم آورد چون نزدیک کعبه رسید خدای تعالی ابابیل را حکم فرمود تا بوسیله سنگباران آنان را هلاک کند.

سُورَةُ قُرَيْشٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا يَلْفِ قُرَيْشٍ ① إِلَّا فِيهِمْ رِحْلَةُ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ
فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ② الَّذِي أَطْعَمَهُمْ
مِّنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ ④

سُورَةُ الْمَاعُونِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ ① فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ
الْيَتِيمَ ② وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ ③ فَوَيْلٌ
لِّلْمُصَلِّينَ ④ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ
⑤ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ⑥ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ⑦

سُورَةُ الْكَوْثَرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ① فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ②
إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ③

سوره قریش مکی است
و آن چهار آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ برای (شُکر) الفت دادن قریش. ﴿۲﴾ (یعنی) الفت دادن ایشان به سفرزمستان و تابستان. ﴿۳﴾ پس باید که پروردگار این خانه را عبادت کنند. ﴿۴﴾ آنکه ایشانرا از گرسنگی طعام داد و ایشان را دربیناکی اُمن و امان بخشید.

سوره ماعون مکی است
و آن هفت آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ آیا دیدی آن شخص را که جزای اعمال را دروغ انگاشت؟ ﴿۲﴾ پس آن شخص مردیست که یتیم را به اهانت میراند. ﴿۳﴾ و برطعام دادن فقیر بینوا ترغیب نمیدهد. ﴿۴﴾ پس وای بر آن نماز گزاران. ﴿۵﴾ که ایشان از نماز خود غفلت می ورزند. ﴿۶﴾ آنانکه ایشان خودنمایی می کنند. ﴿۷﴾ و ماعون را (عاریت) نمیدهند.^(۱)

سوره کوثر مکی است
و آن سه آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ (یا محمد) هرآئینه ما تو را کوثر^(۲) عطا کردیم. ﴿۲﴾ پس نماز گزار برای پروردگار خود و (شتر را) نحر کن. ﴿۳﴾ هرآئینه دشمن تو همانست دُم بریده (بی زاد و فرزند).

سوره ماعون

(۱) یعنی سوزن و دیگ و پیاله و دلو و مانند آن مترجم گوید نصف این سوره تصویر حال کافراست و نصف دیگر تصویر حال منافق و الله اعلم.

سوره کوثر

(۲) کوثر نام حوضی است که در آخرت خواهد بود امت آن حضرت صلی الله علیه و سلم از آن خواهند آشامید.

سورة الكافرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ١ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ٢
وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ٣ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ ٤
وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ٥ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ٦

سورة النصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ١ وَرَأَيْتَ النَّاسَ
يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ٢ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ٣

سورة المسد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ١ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ٢
سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ٣ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ٤
فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ ٥

سوره کافرون مکی است
وآن شش آیه است

به نام خداوند بخشنده^۱ مهربان.

﴿۱﴾ بگو ای کافران. ﴿۲﴾ پرستش نمی کنم آنچه را که شما می پرستید. ﴿۳﴾ و نه شما پرستنده اید آنچه را که من می پرستم. ﴿۴﴾ و نه من پرستنده ام آنچه را که شما می پرستیدید. ﴿۵﴾ و نه شما پرستنده اید آنچه را که من می پرستم. ﴿۶﴾ برای شما دین شماست و برای من دین من است.

سوره نصر مدنی است
وآن سه آیه است

به نام خداوند بخشنده^۱ مهربان.

﴿۱﴾ و قتی که نصرت خدا بیاید و فتح (بظهور) آید. ﴿۲﴾ و مردمان را ببینی در دین خدا گروه گروه داخل میشوند. ﴿۳﴾ پس بپاکی همراه ستایش پروردگار خود را یاد کن و از وی آموزش طلب کن هر آینه خدا (به رحمت) بسیار توبه پذیر^(۱) هست.

سوره مسد مکی است
وآن پنج آیه است

به نام خداوند بخشنده^۱ مهربان.

﴿۱﴾ هلاک باد دودست^(۲) ابو لهب و هلاک باد ابولهب^(۳). ﴿۲﴾ از سراپو لهب مال او و آنچه کسب کرده بود هیچ دفع نکرد. ﴿۳﴾ به آتش دارای شعله در خواهد آمد. ﴿۴﴾ و زنِ اونیز درآید (مراد) بردارنده هیزم^(۴). ﴿۵﴾ در گردن او ریسمانی از لیلیف خرما است^(۵).

سوره نصر

(۱) یعنی این همه علامت قرب اجل تست یا محمد پس در استعداد آخرت پای بند شو.

سوره مسد

(۲) آن حضرت اقارب خود را از آتش دوزخ تخویف فرمود پس ابو لهب سنگی بطرف آن حضرت صلی الله علیه وسلم انداخت و گفت که آیا برای این کار ما را جمع کرده بودی پس این سوره نازل شد.

(۳) دودست کنایه از ذات اوست.

(۴) یعنی سخن چینی کننده.

(۵) یعنی بخفه کردن تعذیب کرده شود.

سُورَةُ الْإِخْلَاصِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ①
لِلَّهِ الصَّمَدُ ②
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ③
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ④

سُورَةُ الْفَلَقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ①
مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ②
وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ③
وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ④
وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ⑤

سُورَةُ النَّاسِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ①
مَلِكِ النَّاسِ ②
إِلَهِ النَّاسِ ③
مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ④
الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ⑤
مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ ⑥

سوره اخلاص مکی است
و آن چهار آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ بگو او خدای یگانه است. ﴿۲﴾ خدای بی نیاز است. ﴿۳﴾ نه (فرزند) زاده و نه زاده شده است. ﴿۴﴾ و هیچکس همتای او (نبوده) نیست.

سوره فلق مدنی است
و آن پنج آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ بگو به پروردگار صبح پناه می برم. ﴿۲﴾ از شر هر چه آفریده است. ﴿۳﴾ و از شر شب تاریک چون تاریکی اومنتشر شود. ﴿۴﴾ و از شر (زنان) سحر کننده در گورها دم زننده. ﴿۵﴾ و از شر حاسد (رشکخور) چون حسد کند.

سوره ناس مدنی است
و آن شش آیه است

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ بگو به پروردگار مردمان پناه می برم. ﴿۲﴾ پادشاه مردمان. ﴿۳﴾ معبود مردمان. ﴿۴﴾ از شر وسوسه گر بازپس رونده (به هنگام یاد خدا). ﴿۵﴾ آنکه در سینه های مردمان وسوسه می افکند. ﴿۶﴾ از جتّیان باشد یا از مردمان.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رَوَايَةُ هَذَا الْمُصْحَفِ

وَمُصْطَلَحَاتُ رَسْمِهِ وَضَبْطُهُ وَعَدُّ آيِهِ

كُتِبَ هَذَا الْمُصْحَفُ الْكَرِيمُ، وَضُبَّ عَلَى مَا بَوَافِقُ رَوَايَةَ حَفْصِ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ الْغُبَيْرَةِ
الْأَسَدِيِّ الْكُوفِيِّ لِقَرَاءَةِ عَاصِمِ بْنِ أَبِي النَّجُودِ الْكُوفِيِّ التَّابِعِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَبْدِ اللَّهِ
ابْنِ حَبِيبِ السُّلَمِيِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ، وَعَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَزَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ، وَأَبِي
إِبْرَاهِيمَ عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

وَأَخَذَ هَجَاؤُهُ مِمَّا رَوَاهُ عُلَمَاءُ الرَّسْمِ عَنِ الْمَصَاحِفِ الَّتِي بَعَثَ بِهَا الْخَلِيفَةُ الرَّاشِدُ
عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ» إِلَى مَكَّةَ، وَالْبَصْرَةَ، وَالْكُوفَةَ، وَالشَّامَ،
وَالْمُصْحَفِ الَّذِي جَعَلَهُ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ، وَالْمُصْحَفِ الَّذِي اخْتَصَّ بِهِ نَفْسُهُ،
وَعَنِ الْمَصَاحِفِ الْمُنْتَسَخَةِ مِنْهَا، وَقَدَّرُوهُ فِي ذَلِكَ مَا نَقَلَهُ الشَّيْخَانُ: أَبُو عَمْرٍو
الْدَّاقِي، وَأَبُو دَاوُدَ سُلَيْمَانُ بْنُ مُجَاجٍ مَعَ تَرْجِيحِ الثَّانِي عِنْدَ الْاِخْتِلَافِ غَالِبًا،
وَقَدْ يُؤْخَذُ بِقَوْلِ غَيْرِهِمَا.

هَذَا، وَكُلُّ حَرْفٍ مِنْ حُرُوفِ هَذَا الْمُصْحَفِ مُوَافِقٌ لِتَطْوِيرِهِ فِي الْمَصَاحِفِ
الْعُثْمَانِيَّةِ السَّابِقِ ذَكَرْهَا.

وَأَخَذَتْ طَرِيقَةُ ضَبْطِهِ بِمَافَرَرَهُ عُلَمَاءُ الضَّبْطِ عَلَى حَسَبِ مَا وَرَدَ فِي كِتَابِ
«الطَّرَازِ عَلَى ضَبْطِ الْخَزَّازِ» لِلْإِمَامِ التَّنَيسِيِّ، وَغَيْرِهِ مِنَ الْكُتُبِ، مَعَ الْأَخْذِ بِعَلَامَاتِ

الخليل بـأحمد، وأتباعه من المشاركة غالباً بدلاً من علامات الأندلسيين والمغاربة.
وأتبعت في عداياته طريقة الكوفيين عن أبي عبد الرحمن عبد الله بن حبيب السلمي
عن علي بن أبي طالب «رضي الله عنه» وعدد آي القرآن على طريقتهم «٦٢٣٦» آية .

وقد اعتمد في عداي على ما ورد في كتاب «البيان» للإمام أبي عمرو والداني
و«ناظمة الزهر» للإمام الشاطبي، وشرحها للعلامة أبي عبد رضوان المخلداني
والشيخ عبد الفتاح القاضي، و«تحقيق البيان» للشيخ محمد المتولي وما ورد في
غيرها من الكتب المدونة في علم الفواصل .

وأخذ بيان أجزائه الثلاثين، وأجزابه الستين، وأنصافها وأرباعها من كتاب
«غيث النفع» للعلامة الصفاقي، وغيره من الكتب .

وأخذ بيان مكيته، ومدنيه في الجدول الملحق بأخر المصحف من كتب التفسير
والقرآيات .

ولم يذكر المكي، والمدني بين دفتي المصحف أول كل سورة اتباعاً لإجماع السلف
على تجريد المصحف مما سوى القرآن الكريم، حيث نقل الأمر بتجريد المصحف
مما سوى القرآن عن ابن عمر، وابن مسعود، والنخعي، وابن سيرين: كما في «الحكم»
للداني، و«كتاب المصاحف» لابن أبي داود وغيرهما، ولأن بعض السور مختلف في
مكيتها ومدنيها، كما لم تذكر الآيات المستثناة من المكي والمدني، لأن الرأى أن
ما نزل قبل الهجرة، أو في طريق الهجرة فهو مكي، وإن نزل بغير مكة، وأن ما نزل
بعد الهجرة فهو مدني وإن نزل بمكة، ولأن المسألة فيها خلاف محله كتب التفسير
وعُلوم القرآن الكريم .

وَأُخِذَ بَيَانُ وَقُوفِهِ بِمَقَارَرَتِهِ اللَّجَنَةَ الْمُشْرِفَةَ عَلَى مُرَاجَعَةِ هَذَا الْمُصْحَفِ عَلَى حَسَبِ مَا اقْتَضَتْهُ الْمَعَانِي مُسْتَرَشِدَةً فِي ذَلِكَ بِأَقْوَالِ الْمُفَسِّرِينَ وَعُلَمَاءِ الْوَقْفِ وَالْإِبْتِدَاءِ : كَالدَّانِي فِي كِتَابِهِ « الْمَكْنُفَى فِي الْوَقْفِ وَالْإِبْتِدَاءِ » وَأَبُو جَعْفَرِ النَّحَّاسِ فِي كِتَابِهِ « الْقَطْعُ وَالْإِثْنَانِ » وَمَطْبُوعِ الْمَصَاحِفِ سَابِقًا .

وَأُخِذَ بَيَانُ السَّجَدَاتِ ، وَمَوَاضِعُهَا مِنْ كُتُبِ الْحَدِيثِ وَالْفَقْهِ عَلَى خِلَافٍ فِي خَمْسٍ مِنْهَا بَيْنَ الْأَمَّةِ الْأَرْبَعَةِ ، وَلَمْ تَنْعَرْضِ اللَّجَنَةُ لِذِكْرِ غَيْرِهِمْ وَفَقَاءً أَوْ خِلَافًا ، وَهِيَ السَّجْدَةُ الثَّانِيَةُ بِسُورَةِ الْحَجِّ ، وَالسَّجَدَاتُ الْوَارِدَةُ فِي السُّورَةِ الْآتِيَةِ : ص ، وَالنَّجْم ، وَالْإِنْشِقَاقِ ، وَالْعَلَقِ .

وَأُخِذَ بَيَانُ مَوَاضِعِ السَّكَنَاتِ عِنْدَ حَفْصٍ مِنْ « الشَّاطِئِيَّةِ » وَشُرُوحِهَا وَتَعْرِفُ كَيْفِيَّتُهَا بِالتَّلَقُّيِّ مِنْ أَقْوَامِ الشُّيُوخِ .

لُصْطِلَاخَاتُ الْوُضُوطِ

وَضَعُ دَائِرَةَ خَالِيَةِ الْوَسْطِ هَكَذَا « ه » فَوْقَ أَحَدِ أَحْرَفِ الْعِلَّةِ الثَّلَاثَةِ الْمَزِيدَةِ رَسْمًا يَدُلُّ عَلَى زِيَادَةِ ذَلِكَ الْحَرْفِ ، فَلَا يُنْطَقُ بِهِ فِي الْوَصْلِ وَلَا فِي الْوَقْفِ نَحْوُ : (ءَامِنُوا) (يَتْلُوا صُحُفًا) (لَا أَذْبَحْنَهُ) (أُولَئِكَ) (مِنْ نَبَائِي الْمُرْسَلِينَ) (بَنَيْتُهَا بِأَيْدِي) .

وَوَضَعُ دَائِرَةَ قَائِمَةٍ مُسْتَطِيلَةٍ خَالِيَةِ الْوَسْطِ هَكَذَا « ه » فَوْقَ أَلِفٍ بَعْدَهَا مَتَحَرِّكٌ يَدُلُّ عَلَى زِيَادَتِهَا وَصَلًا وَلَا وَقْفًا نَحْوُ : (أَنَا خَيْرٌ مَنَّهُ) (لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي) وَأَهْمِلْتُ الْأَلِفَ الَّتِي بَعْدَهَا سَاكِنٌ نَحْوُ : (أَنَا النَّذِيرُ) مِنْ وَضْعِ الْعَلَامَةِ السَّابِقَةِ

فَوْقَهَا ، وَإِنْ كَانَ حُكْمُهَا مِثْلَ الَّذِي بَعْدَهَا مَتَحَرَّكَ فِي أَنَّهَا تَسْقُطُ وَصَلًا ، وَتَثْبُتُ وَقَفًا لِعَدَمِ تَوَهُّمِ ثبُوتِهَا وَصَلًا .

وَوَضَعَ رَأْسَ خَاءٍ صَغِيرَةٍ بَدُونِ نَقْطَةٍ هَكَذَا « ح » فَوْقَ أَيِّ حَرْفٍ يَدُلُّ عَلَى سُكُونِ ذَلِكَ الْحَرْفِ وَعَلَى أَنَّهُ مُظْهَرٌ بِحَيْثُ يَقْرَعُهُ اللِّسَانُ نَحْوُ : (مِنْ خَيْرٍ) (أَوْعَظْتَ) (قَدْ سَمِعَ) (نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ) (وَإِذْ صَرَفْنَا)

وَتَعْرِیَةُ الْحَرْفِ مِنْ عِلَامَةِ السُّكُونِ مَعَ تَشْدِيدِ الْحَرْفِ التَّالِيِ تَدُلُّ عَلَى إِدْغَامِ الْأَوَّلِ فِي الثَّانِي إِدْغَامًا كَامِلًا بِحَيْثُ يَذْهَبُ مَعَهُ ذَاتُ الْمُدْغِمِ وَصِفَتُهُ ، فَالْتَّشْدِيدُ يَدُلُّ عَلَى الْإِدْغَامِ ، وَالتَّعْرِیَةُ تَدُلُّ عَلَى كَمَالِهِ ، نَحْوُ : (مِنْ لَيْسَةٍ) ، (مِنْ رَبِّكَ) (مِنْ ثَوْرٍ) (مِنْ مَاءٍ) (أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا) (عَصَاوَا وَكَانُوا) (وَقَالَتْ طَالِيْقَةٌ) (بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ) وَكَذَا قَوْلُهُ تَعَالَى : (أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ) .

وَتَعْرِیَتُهُ مَعَ عَدَمِ تَشْدِيدِ التَّالِيِ تَدُلُّ عَلَى إِدْغَامِ الْأَوَّلِ فِي الثَّانِي إِدْغَامًا ناقصًا بِحَيْثُ يَذْهَبُ مَعَهُ ذَاتُ الْمُدْغِمِ مَعَ بَقَاءِ صِفَتِهِ نَحْوُ : (مَنْ يَقُولُ) (مِنْ وَالٍ) ، (فَرَطْتُمْ) (بَسَطْتَ) (أَحْطَطْتُ) ، أَوْ تَدُلُّ عَلَى إِخْفَاءِ الْأَوَّلِ عِنْدَ الثَّانِي ، فَلَا هُوَ مُظْهَرٌ حَتَّى يَقْرَعَهُ اللِّسَانُ ، وَلَا هُوَ مُدْغِمٌ حَتَّى يَقْلَبَ مِنْ جِنْسٍ تَالِيَةٍ سَوَاءٌ أَكَانَ هَذَا الْإِخْفَاءُ حَقِيقِيًّا نَحْوُ : (مَنْ تَحْنَهَا) أَمْ شَفَوِيًّا نَحْوُ : (جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ) عَلَى مَا جَرَى عَلَيْهِ أَكْثَرُ أَهْلِ الْأَدَاءِ مِنْ إِخْفَاءِ الْمِيمِ عِنْدَ الْبَاءِ .

وَتَرْكِيبُ الْحَرَكَتَيْنِ « حَرَكَةُ الْحَرْفِ وَالْحَرَكَةُ الدَّالَّةُ عَلَى النَّوْنِ » سَوَاءٌ أَكَانَتَا ضَمَّتَيْنِ ، أَمْ فَتْحَتَيْنِ ، أَمْ كَسْرَتَيْنِ هَكَذَا (هـ =) يَدُلُّ عَلَى إِظْهَارِ النَّوْنِ نَحْوُ : (حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ) (حَلِيمًا غَفُورًا) (وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) .

وَتَتَابَعُهُمَا هَكَذَا: (٢٩ ٢٠) مَعَ تَشْدِيدِ التَّالِي يَدُلُّ عَلَى الإِدْغَامِ الْكَامِلِ نَحْوُ:
(لَرَوْفٌ رَجِيمٌ) (مُبْصَرَةٌ لَتَبْتَغُوا) (يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ) .

وَتَتَابَعُهُمَا مَعَ عَدَمِ تَشْدِيدِ التَّالِي يَدُلُّ عَلَى الإِدْغَامِ النَاقِصِ نَحْوُ:
(رَجِيمٌ وَدُودٌ) (وَأَنْهَرُوا وَسُبُلًا) (فِي جَنَّتٍ وَعُيُونٍ) أَوْ عَلَى الإِخْفَاءِ نَحْوُ:
(يَسْهَابٌ ثَاقِبٌ) (سِرَاعًا ذَلِكَ) (عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) .

فَتَرْكِبُ الْحَرْكَيْنِ بِمَنْزِلَةِ وَضْعِ السُّكُونِ عَلَى الْحَرْفِ ، وَتَتَابَعُهُمَا بِمَنْزِلَةِ تَعْرِيتِهِ عَنْهُ
وَوَضْعُ مِيمٍ صَغِيرَةٍ هَكَذَا: « م » بَدَلَ الْحَرْكِ الثَّانِيَةِ مِنَ الْمُتَوْنِ ، أَوْ فَوْقَ
التَّوْنِ السَّكَاةِ بَدَلَ السُّكُونِ ، مَعَ عَدَمِ تَشْدِيدِ الْبَاءِ التَّالِيَةِ يَدُلُّ عَلَى قَلْبِ
التَّوْنِ أَوِ التَّوْنِ السَّكَاةِ مِيمًا نَحْوُ: (عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ) (جَزَاءُ بِمَا
كَانُوا) (كَرَامٍ بَرَرَةٍ) (أُنْبِئْتُهُمْ) (وَمِنْ بَعْدُ) .

وَالْحُرُوفُ الصَّغِيرَةُ تَدُلُّ عَلَى أَعْيَانِ الْحُرُوفِ الْمَتْرُوكَةِ فِي خَطِّ الْمَصَاحِفِ
الْعُثْمَانِيَّةِ مَعَ وَجُوبِ النُّطْقِ بِهَا نَحْوُ: (ذَلِكَ الْكِتَابُ) (دَاوُدُ) ،
(يَلُوتُ أَلَسِنَتُهُمْ) (يُحْيِي وَيُمِيتُ) (إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا)
(إِنَّ وَلِيَ اللَّهِ) (إِلَيْهِمْ) (وَكَذَلِكَ نُكَيِّجُ الْمُؤْمِنِينَ) .

وَكَانَ عُلَمَاءُ الصَّبْطِ يُلْحِقُونَ هَذِهِ الْأَحْرَفَ حَمَاءً بِقَدَرِ حُرُوفِ الْكِتَابَةِ
الْأَصْلِيَّةِ وَلَكِنْ تَعَذَّرَ ذَلِكَ فِي الْمَطَابِعِ أَوَّلَ ظُهُورِهَا ، فَكُنْغِي بِتَصْغِيرِهَا
لِلدَّلَالَةِ عَلَى الْمَقْصُودِ لِلْفَرْقِ بَيْنَ الْحَرْفِ الْمُلْحَقِ وَالْحَرْفِ الْأَصْلِيِّ .

وَالْآنَ لِحَاقِ هَذِهِ الْأَحْرَفِ بِالْحُمْرَةِ مُتَيَسِّرٌ وَلَوْضِطَتِ الْمَصَاحِفُ
بِالْحُمْرَةِ وَالصُّفْرِ وَالْخَضَرَةِ وَفِي التَّفْصِيلِ الْمَعْرُوفِ فِي عِلْمِ الصَّبْطِ لَكَانَ

لِذَلِكَ سَلَفَ صَحِيحٌ مَقْبُولٌ، فَبَقِيَ الضَّبْطُ بِاللَّوْنِ الْأَسْوَدِ لِأَنَّ الْمُشَاهِدِينَ اعْتَادُوا عَلَيْهِ .
 وَإِذَا كَانَ الْحَرْفُ الْمَتْرُوكُ لَهُ بَدَلٌ فِي الْكِتَابَةِ الْأَصْلِيَّةِ عُيِّلَ فِي النُّقْطِ عَلَى الْحَرْفِ الْمُلْحَقِ
 لَا عَلَى الْبَدَلِ نَحْوُ: (الصَّلَاةُ) (كَيْشْكُوفُ) (الرِّبَا) (وَإِذَا اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ) .
 وَوَضَعَ السِّينَ فَوْقَ الصَّادِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصِطُ) (فِي الْخَلْقِ
 بَصْطَةً) يَدُلُّ عَلَى قِرَاءَتِهَا بِالسِّينِ لَا بِالصَّادِ لِحِفْصِ مِنْ طَرِيقِ الشَّاطِئِيَّةِ .
 فَإِنْ وَضِعَتِ السِّينُ تَحْتَ الصَّادِ دَلَّ عَلَى أَنَّ النُّقْطَ بِالصَّادِ أَشْهَرُ، وَذَلِكَ
 فِي كَلِمَةِ (الْمُصَيِّطُونَ) . أَمَّا كَلِمَةُ (بِمُصَيِّطٍ) بِسُورَةِ الْغَاشِيَةِ
 فَبِالصَّادِ فَقَطْ لِحِفْصِ أَيْضًا مِنْ طَرِيقِ الشَّاطِئِيَّةِ .

وَوَضَعَ هَذِهِ الْعَلَامَةَ « ٥ » فَوْقَ الْحَرْفِ يَدُلُّ عَلَى لَزُومِ مَدِّهِ مَدًّا زَائِدًا
 عَلَى الْمَدِّ الطَّبِيعِيِّ الْأَصْلِيِّ نَحْوُ: (الْمَ) (الطَّامَّةُ) (قُرُوءُ) (سَيِّئِهِمْ)
 (شَفَعُوا) (وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلُهُ إِلَّا اللَّهُ) (إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا)
 (يَمَّا أَنْزَلَ) عَلَى تَفْصِيلٍ يُعْلَمُ مِنْ قِيَّاسِ التَّجْوِيدِ .
 وَلَا تُسْتَعْمَلُ هَذِهِ الْعَلَامَةُ لِلدَّلَالَةِ عَلَى أَلْفٍ مَحْذُوفَةٍ بَعْدَ أَلْفٍ مَكْنُوءَةٍ مِثْلُ:
 (أَمْنُوا) كَمَا وَضَعَ غَلَطًا فِي بَعْضِ الْمَصَاحِفِ ، بَلْ تُكْتَبُ (ءَامِنُوا)
 بِهِمْزَةً وَأَلْفٍ بَعْدَهَا .

وَوَضَعَ نُقْطَةً كَبِيرَةً مَطْمُوسَةً الْوَسْطِ هَكَذَا « ٥ » تَحْتَ الْحَرْفِ بَدَلًا مِنْ
 الْفَتْحَةِ يَدُلُّ عَلَى الْإِمَالَةِ وَهِيَ الْمُسَمَّاءُ بِالْإِمَالَةِ الْكُبْرَى، وَذَلِكَ فِي كَلِمَةِ
 (مَجْرُهَا) بِسُورَةِ هُودٍ .

وَوَضَعَ النُّقْطَةَ الْمَذْكُورَةَ فَوْقَ آخِرِ الْمِيمِ قُبَيْلَ الثَّوْنِ الْمَشَدَّدَةِ مِنْ

قوله تعالى (مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا) يدل على الإشمام، وهو ضم الشفنين كما يريد النطق بالضمّة إشارة إلى أن الحركة المحذوفة ضمة، من غير أن يظهر لذلك أثر في النطق .

فهذه الكلمة مكوّنة من فعل مضارع مرفوع آخره نون مضمومة، لأنّ (لا) نافية . ومن مفعول به أوله نون فأصلها (تأمننا) بنونين، وقد أجمع كتاب المصاحف على رسمها بنون واحدة، وفيها للقرء العشرة ماعدا أبا جعفر وجهان :

أحدهما: الإشمام - وقد تقدّم - والإشمام هنا مقارن لسكون الحرف المدغم .

وثانيهما: الإخفاء، والمراد به النطق بثلاثي الحركة المضمومة، وعلى هذا يذهب من النون الأولى عند النطق بثلاث حركاتها، ويعرف ذلك كله بالتلقّي، والإخفاء مُقدّم في الأداء .

وقد ضبطت هذه الكلمة ضبطاً صالحاً لكل من الوجهين السابقين .
ووضع النقطة السالفة الذكر بدون الحركة مكان الهمزة يدل على تسهيل الهمزة بين يين، وهو هنا النطق بالهمزة بينا وبين الألف .
وذلك في كلمة (عأجمي) بسورة فصلت .

ووضع رأس صا صغيرة هكذا « ص » فوق ألف الوصل (وتسمى أيضاً همزة الوصل) يدل على سقوطها وصلًا .

والدائرة المحلاة التي في جوفها رقم تدل بهيتها على انتهاء الآية، وبرقمها

على عدد تلك الآية في السورة نحو: إِنَّا آَعَطَيْنَاكَ الْكَوْنَر ١ فَصَلِّ لِرَبِّكَ
وَأَحْر ٢ إِن شَانَتَكَ هُوَ الْأَبْتَر ٣ وَلَا يَجُوز وَضْعُهَا قَبْلَ الْآيَةِ الْبَتَّة .
فَلِذَلِكَ لَا تُوجَدُ فِي أَوَائِلِ السُّورِ وَتُوجَدُ فِي أَوَاخِرِهَا .

وَتَدُلُّ هَذِهِ الْعَلَامَةُ «*» عَلَى بَدَايَةِ الْأَجْزَاءِ وَالْأَحْزَابِ وَأَنْصَافِهَا وَأَرْبَاعِهَا .
وَوَضَعَ خَطٌّ أَفْقِيٌّ فَوْقَ كَلِمَةٍ يَدُلُّ عَلَى مُوجِبِ السَّجْدَةِ .

وَوَضَعَ هَذِهِ الْعَلَامَةُ « ۞ » بَعْدَ كَلِمَةٍ يَدُلُّ عَلَى مَوْضِعِ السَّجْدَةِ نَحْوُ:
وَلِلَّهِ يَتَجَدُّ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةِ وَهُمْ لَا يُسْكَرُونَ
٤٩ يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ۞

وَوَضَعَ حَرْفَ السَّيْنِ فَوْقَ الْحَرْفِ الْآخِرِ فِي بَعْضِ الْكَلِمَاتِ يَدُلُّ عَلَى السَّكْتِ
فِي حَالٍ وَصَلِّهِ بِمَا بَعْدَهُ سَكَنَةً يَسِيرَةً مِّنْ غَيْرِ تَنْفِيسٍ .

وَوَرَدَ عَنْ حَفْصٍ عَنْ عَاصِمٍ السَّكْتُ بِإِخْلَافٍ مِّنْ طَرِيقِ الشَّاطِئَةِ عَلَى
أَلِفٍ (عَوَجًا) بِسُورَةِ الْكَهْفِ . وَأَلِفٍ (مَّرْقَدِنًا) بِسُورَةِ يَس . وَتُونٍ
(مَنْ رَاقٍ) بِسُورَةِ الْقِيَامَةِ . وَلَامٍ (بَلَّ رَانَ) بِسُورَةِ الْمُطَفِّفِينَ .

وَيَجُوزُ لَهُ فِي هَاءٍ (مَالِيَةً) بِسُورَةِ الْحَاقَّةِ وَجَهَانٍ :

أَحَدُهُمَا : إِيْظَاهَارُ هَامَعَ السَّكْتِ ، وَثَانِيَهُمَا : إِدْغَامُهُمَا فِي الْهَاءِ الَّتِي بَعْدَهَا فِي
لَفْظٍ (هَلَاكَ) إِدْغَامًا كَامِلًا ، وَذَلِكَ بِتَجْرِيدِ الْهَاءِ الْأَوَّلِي مِنَ السُّكُونِ مَعَ
وَضْعِ عَلَامَةِ التَّشْدِيدِ عَلَى الْهَاءِ الثَّانِيَةِ .

وَقَدْ ضُبِطَ هَذَا الْمَوْضِعُ عَلَى وَجْهِ الْإِيْظَاهَارِ مَعَ السَّكْتِ ، لِأَنَّهُ هُوَ الَّذِي عَلَيْهِ
أَكْثَرُ أَهْلِ الْأَدَاءِ ، وَذَلِكَ بِوَضْعِ عَلَامَةِ السُّكُونِ عَلَى الْهَاءِ الْأَوَّلِي مَعَ تَجْرِيدِ

الهَاءُ الثَّانِيَّةُ مِنْ عِلَامَةِ الشَّدِيدِ ، لِلدَّلَالَةِ عَلَى الْإِظْهَارِ .

وَوَضَعَ حَرْفَ السِّينِ عَلَى هَاءٍ (مَالِيَّةٍ) لِلدَّلَالَةِ عَلَى السَّكْتِ عَلَيْهَا سَكَنَةً يَسِيرَةً
بِدُونِ تَنْفِيسٍ لِأَنَّ الْإِظْهَارَ لَا يَتَحَقَّقُ وَصَلًا إِلَّا بِالسَّكْتِ .

وَالْحَاقُّ وَأَوْصَغِيرَةٌ بَعْدَ هَاءِ ضَمِيرِ الْمُفْرَدِ الْغَائِبِ إِذَا كَانَتْ مَضْمُومَةً يَدُلُّ
عَلَى صَلَاحَةِ هَذِهِ الْهَاءِ بَوَائِ لَفْظِيَّةٍ فِي حَالِ الْوَصْلِ ، وَالْحَاقُّ بَيَاءٌ صَغِيرَةٌ مُرْدُودَةٌ
إِلَى خَلْفٍ بَعْدَ هَاءِ الضَّمِيرِ الْمَذْكُورِ إِذَا كَانَتْ مَكْسُورَةً يَدُلُّ عَلَى صَلَاحَتِهَا بَيَاءً
لَفْظِيَّةً فِي حَالِ الْوَصْلِ أَيْضًا .

وَتَكُونُ هَذِهِ الصَّلَةُ بِنَوَعِيهَا مِنْ قَبِيلِ الْمَدِّ الطَّبِيعِيِّ إِذَا لَمْ يَكُنْ بَعْدَهَا هَمْزٌ
فَتَمْدُّ بِمِقْدَارِ حَرْكَيْتَيْنِ نَحْوُ قَوْلِهِ تَعَالَى : (إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا) .

وَتَكُونُ مِنْ قَبِيلِ الْمَدِّ الْمُنْفَصِلِ إِذَا كَانَ بَعْدَهَا هَمْزٌ ، فَوَضَعَ عَلَيْهَا عِلَامَةَ
الْمَدِّ وَتَمْدُّ بِمِقْدَارِ أَرْبَعِ حَرَكَاتٍ أَوْ خَمْسٍ نَحْوُ قَوْلِهِ تَعَالَى : (وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ)
وَقَوْلِهِ جَلَّ وَعَلَا : (وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ) .

وَالْقَاعِدَةُ : أَنْ حَفْصًا عَنْ عَاصِمٍ يَصِلُ كُلَّ هَاءِ ضَمِيرِ الْمُفْرَدِ الْغَائِبِ بَوَائِ
لَفْظِيَّةً إِذَا كَانَتْ مَضْمُومَةً ، وَبَيَاءً لَفْظِيَّةً إِذَا كَانَتْ مَكْسُورَةً بِشَرْطِ أَنْ يَتَحَرَّكَ
مَا قَبْلَ هَذِهِ الْهَاءِ وَمَا بَعْدَهَا ، وَتِلْكَ الصَّلَةُ بِنَوَعِيهَا إِنَّمَا تَكُونُ فِي حَالِ
الْوَصْلِ . وَقَدْ أَسْتَثْنَيْ لِحَفْصٍ مِنْ هَذِهِ الْقَاعِدَةِ مَا يَأْتِي :

- (١) - الْهَاءُ مِنْ لَفْظِ (يَرْضُهُ) فِي سُورَةِ الزُّمَرِ فَإِنَّ حَفْصًا صَحَّحَهَا بِدُونِ صَلَاحَةٍ .
- (٢) - الْهَاءُ مِنْ لَفْظِ (أَرْجَاهُ) فِي سُورَتِي الْأَعْرَافِ وَالشُّعْرَاءِ فَإِنَّهُ سَكَنَهَا .
- (٣) - الْهَاءُ مِنْ لَفْظِ (فَأَلْقَاهُ) فِي سُورَةِ التَّمَلُّلِ ، فَإِنَّهُ سَكَنَهَا أَيْضًا .

وَإِذَا سَكَنَ مَا قَبْلَ هَآءِ الصَّحِيرِ الْمَذْكُورَةِ ، وَتَحَرَّكَ مَا بَعْدَهَا فَإِنَّهُ لَا يَصِلُهَا إِلَّا
 فِي لَفْظٍ (فِيهِ) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : (وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا) فِي سُورَةِ الْفُرْقَانِ .
 أَمَّا إِذَا سَكَنَ مَا بَعْدَ هَذِهِ الْهَاءِ سَوَاءً أَكَانَ مَا قَبْلَهَا مُتَحَرِّكًا أَمْ سَاكِنًا
 فَإِنَّ الْهَاءَ لَا تَوْصِلُ مُطْلَقًا ، لِثَلَاثِ مَجْتَمَعِ سَاكِنَاتٍ . نَحْوُ قَوْلِهِ تَعَالَى :
 (لَهُ الْمُلْكُ) (وَأَتَيْنَهُ الْإِنجِيلَ) (فَأَنزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ) (إِلَيْهِ الْمَصِيرُ) .

تَنْبِيهَاتٌ :

(١) - إِذَا دَخَلَتْ هَمْزَةُ الاسْتِفْهَامِ عَلَى هَمْزَةِ الْوَصْلِ الدَّخِلَةِ عَلَى لَامِ التَّعْرِيفِ
 جَازَ لِحَفْصِ فِي هَمْزَةِ الْوَصْلِ وَجْهَانِ :
أَحَدُهُمَا : إِبْدَالُهَا أَلْفًا مَعَ الْمَدِّ الْمَشْبَعِ «أَيُّ بِمَقْدَارِ سِتِّ حَرَكَاتٍ» .
وَتَانِيَهُمَا : تَسْهِيلُهَا بَيْنَ بَيْنِ «أَيُّ بَيْنَهَا وَبَيْنَ الْأَلِفِ» مَعَ الْقَصْرِ وَالْمُرَادُّ
 بِهِ عَدَمُ الْمَدِّ أَصْلًا .

وَالْوَجْهُ الْأَوَّلُ مُقَدَّمٌ فِي الْأَدَاءِ وَجَرَى عَلَيْهِ الضَّبْطُ .

وَقَدْ وَرَدَ ذَلِكَ فِي ثَلَاثِ كَلِمَاتٍ فِي سِتَّةِ مَوَاضِعَ مِنَ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ :

(١) - (ءَالِ الذِّكْرِ) فِي مَوْضِعِيهِ بِسُورَةِ الْأَنْعَامِ .

(٢) - (ءَالِ الْكُنَ) فِي مَوْضِعِيهِ بِسُورَةِ يُوسُفَ .

(٣) - (ءَالَلَهُ) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : (قُلْ ءَالَلَهُ أَذِنَ لَكُمْ) بِسُورَةِ يُوسُفَ .

وَفِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَلَا : (ءَالَلَهُ خَيْرٌ أَمَّا يَشِرْكَونَ) بِسُورَةِ التَّمْلِيلِ .

كَمَا يَجُوزُ الْإِبْدَالُ وَالتَّسْهِيلُ لِبَقِيَّةِ الْقُرَّاءِ فِي هَذِهِ الْمَوَاضِعِ ، وَاخْتَصَّ أَبُو عَمْرٍو

وَأَبُو جَعْفَرٍ بِهِذَيْنِ الْوَجْهَيْنِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ) بِسُورَةِ يُوسُفَ .
عَلَى تَقْصِيلٍ فِي كُتُبِ الْقِرَاءَاتِ .

(ب) - فِي سُورَةِ الرُّومِ وَرَدَتِ كَلِمَةُ (ضَعْفٍ) مَجْرُورَةً فِي مَوْضِعَيْنِ
وَمَنْصُوبَةً فِي مَوْضِعٍ وَاحِدٍ .
وَذَلِكَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ
بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً) .

وَيَجُوزُ لِحَفْصٍ فِي هَذِهِ الْمَوَاضِعِ الثَّلَاثَةِ وَجْهَانِ :

أَحَدُهُمَا: فَتَحُ الضَّادِ . وَثَانِيَهُمَا: ضَمُّهَا
وَالْوَجْهَانِ مَقْرُوءٌ بِهِمَا ، وَالْفَتْحُ مُقَدَّمٌ فِي الْأَدَاءِ .

(ج) - فِي كَلِمَةِ (ءَاتَيْنِ) فِي سُورَةِ النَّملِ وَجْهَانِ وَقَفًا :

أَحَدُهُمَا: إِثْبَاتُ الْيَاءِ سَاكِنَةً . وَثَانِيَهُمَا: حَذْفُهَا مَعَ الْوَقْفِ عَلَى النَّونِ سَاكِنَةً
أَمَّا فِي حَالِ الْوَصْلِ فَتَثَبَّتِ الْيَاءُ مَفْتُوحَةً .

(د) - وَفِي كَلِمَةِ (سَلَسَلَا) فِي سُورَةِ الْإِنْسَانِ وَجْهَانِ وَقَفًا :

أَحَدُهُمَا: إِثْبَاتُ الْأَلِفِ الْأَخِيرَةِ . وَثَانِيَهُمَا: حَذْفُهَا مَعَ الْوَقْفِ عَلَى اللَّامِ سَاكِنَةً .
أَمَّا فِي حَالِ الْوَصْلِ فَتُحَذَفُ الْأَلِفُ .

وَهَذِهِ الْأَوْجُهُ الَّتِي تَقَدَّمَتْ لِحَفْصِ ذِكْرِهَا الْإِمَامُ الشَّاطِطِيُّ فِي نَظْمِهِ
الْمُسَمَّى: «حَرَرُ الْأَمَانِيِّ وَوَجْهَةُ التَّهَانِيِّ» الشَّاطِطِيَّةُ .

هَذَا ، وَالْمَوَاضِعُ الَّتِي تَخْتَلِفُ فِيهَا الطَّرُقُ صُبِّطَتْ لِحَفْصٍ بِمَا يُؤْفِقُ طَرِيقَ الشَّاطِطِيَّةِ .

عَلَامَاتُ الْوَقْفِ

م علامة الوقف اللازم نحو: (إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ
وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ) .

ج علامة الوقف الجائز جوازاً مُسْتَوَى الطَّرَفَيْنِ . نحو:
(نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ) .

ص علامة الوقف الجائز مع كَوْنِ الوَصْلِ أَوَّلَى . نحو:
(وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ
بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) .

ق علامة الوقف الجائز مع كَوْنِ الوقفِ أَوَّلَى . نحو:
(قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ) .

ح علامة تعاقب الوقف بحيثُ إذا وقف على أحدِ المَوْضِعَيْنِ لَا يَصِحُّ
الوقف على الآخر . نحو:

(ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ) .

فَهْهَسْ بِأَسْمِ السُّورِ وَبَيَانِ الْكِوَالِدِ فِي مَضْنَهَا

السُّورَة	رَقْمَهَا	الصَّفْحَة	البَيَان	السُّورَة	رَقْمَهَا	الصَّفْحَة	البَيَان
الفَاتِحَة	١	١	مَكِّيَة	العَنَكُبُوت	٢٩	٣٩٦	مَكِّيَة
البَقَرَة	٢	٢	مَدَنِيَة	الرُّوم	٣٠	٤٠٤	مَكِّيَة
آل عِمْرَان	٣	٥٠	مَدَنِيَة	لُقْمَان	٣١	٤١١	مَكِّيَة
النِّسَاء	٤	٧٧	مَدَنِيَة	السَّجْدَة	٣٢	٤١٥	مَكِّيَة
المَائِدَة	٥	١٠٦	مَدَنِيَة	الأَخْزَاب	٣٣	٤١٨	مَدَنِيَة
الْأَنْعَام	٦	١٢٨	مَكِّيَة	سَبَأ	٣٤	٤٢٨	مَكِّيَة
الأَعْرَاف	٧	١٥١	مَكِّيَة	فَاطِر	٣٥	٤٣٤	مَكِّيَة
الأَنْفَال	٨	١٧٧	مَدَنِيَة	يَس	٣٦	٤٤٠	مَكِّيَة
التَّوْبَة	٩	١٨٧	مَدَنِيَة	الصَّافَّات	٣٧	٤٤٦	مَكِّيَة
يُونُس	١٠	٢٠٨	مَكِّيَة	ص	٣٨	٤٥٣	مَكِّيَة
هُود	١١	٢٢١	مَكِّيَة	الرُّمُر	٣٩	٤٥٨	مَكِّيَة
يُوسُف	١٢	٢٣٥	مَكِّيَة	عَافِر	٤٠	٤٦٧	مَكِّيَة
الرَّعْد	١٣	٢٤٩	مَدَنِيَة	فُصِّلَت	٤١	٤٧٧	مَكِّيَة
إِبْرَاهِيم	١٤	٢٥٥	مَكِّيَة	الشُّورَى	٤٢	٤٨٣	مَكِّيَة
الحَجَر	١٥	٢٦٢	مَكِّيَة	الرُّخْف	٤٣	٤٨٩	مَكِّيَة
النَّحْل	١٦	٢٦٧	مَكِّيَة	الَّذَان	٤٤	٤٩٦	مَكِّيَة
الْإِسْرَاء	١٧	٢٨٢	مَكِّيَة	الْحَاشِيَة	٤٥	٤٩٩	مَكِّيَة
الكَهْف	١٨	٢٩٣	مَكِّيَة	الأَحْقَاف	٤٦	٥٠٢	مَكِّيَة
مَرْيَم	١٩	٣٠٥	مَكِّيَة	مُحَمَّد	٤٧	٥٠٧	مَدَنِيَة
طه	٢٠	٣١٢	مَكِّيَة	الْفَتْح	٤٨	٥١١	مَدَنِيَة
الْأَنْبِيَاء	٢١	٣٢٢	مَكِّيَة	الحُجُرَات	٤٩	٥١٥	مَدَنِيَة
الحَجَّ	٢٢	٣٣٢	مَدَنِيَة	ق	٥٠	٥١٨	مَكِّيَة
المُؤْمِنُون	٢٣	٣٤٢	مَكِّيَة	الذَّارِيَات	٥١	٥٢٠	مَكِّيَة
السُّور	٢٤	٣٥٠	مَدَنِيَة	الطُّور	٥٢	٥٢٣	مَكِّيَة
الْفُرْقَان	٢٥	٣٥٩	مَكِّيَة	التَّجْم	٥٣	٥٢٦	مَكِّيَة
الشَّعْرَاء	٢٦	٣٦٧	مَكِّيَة	القَمَر	٥٤	٥٢٨	مَكِّيَة
التَّمَل	٢٧	٣٧٧	مَكِّيَة	الرَّحْمَن	٥٥	٥٣١	مَدَنِيَة
القَصَص	٢٨	٣٨٥	مَكِّيَة	الْوَاقِعَة	٥٦	٥٣٤	مَكِّيَة

فهرست سوره های قرآن کریم و بیان مکی ومدنی

نام سوره	شماره سوره	شماره صفحه	بیان	نام سوره	شماره سوره	شماره صفحه	بیان
سوره فاتحه	۱	۱	مکی	سوره عنکبوت	۲۹	۳۹۶	مکی
سوره بقره	۲	۲	مدنی	سوره روم	۳۰	۴۰۴	مکی
سوره آل عمران	۳	۵۰	مدنی	سوره لقمان	۳۱	۴۱۱	مکی
سوره نساء	۴	۷۷	مدنی	سوره سجده	۳۲	۴۱۵	مکی
سوره مائده	۵	۱۰۶	مدنی	سوره احزاب	۳۳	۴۱۸	مدنی
سوره انعام	۶	۱۲۸	مکی	سوره سبأ	۳۴	۴۲۸	مکی
سوره اعراف	۷	۱۵۱	مکی	سوره فاطر	۳۵	۴۳۴	مکی
سوره انفال	۸	۱۷۷	مدنی	سوره یس	۳۶	۴۴۰	مکی
سوره توبه	۹	۱۸۷	مدنی	سوره صافات	۳۷	۴۴۶	مکی
سوره یونس	۱۰	۲۰۸	مکی	سوره ص	۳۸	۴۵۳	مکی
سوره هود	۱۱	۲۲۱	مکی	سوره زمر	۳۹	۴۵۸	مکی
سوره یوسف	۱۲	۲۳۵	مکی	سوره غافر	۴۰	۴۶۷	مکی
سوره رعد	۱۳	۲۴۹	مدنی	(مؤمن)			
سوره ابراهیم	۱۴	۲۵۵	مکی	سوره فصلت	۴۱	۴۷۷	مکی
سوره حجر	۱۵	۲۶۲	مکی	(حم سجده)			
سوره نحل	۱۶	۲۶۷	مکی	سوره شوری	۴۲	۴۸۳	مکی
سوره اسراء	۱۷	۲۸۲	مکی	سوره زخرف	۴۳	۴۸۹	مکی
(بنی اسرائیل)				سوره دخان	۴۴	۴۹۶	مکی
سوره کهف	۱۸	۲۹۳	مکی	سوره جائیه	۴۵	۴۹۹	مکی
سوره مریم	۱۹	۳۰۵	مکی	سوره احقاف	۴۶	۵۰۲	مکی
سوره طه	۲۰	۳۱۲	مکی	سوره محمد	۴۷	۵۰۷	مدنی
سوره انبیاء	۲۱	۳۲۲	مکی	سوره فتح	۴۸	۵۱۱	مدنی
سوره حج	۲۲	۳۳۲	مدنی	سوره حجرات	۴۹	۵۱۵	مدنی
سوره مومنون	۲۳	۳۴۲	مکی	سوره ق	۵۰	۵۱۸	مکی
سوره نور	۲۴	۳۵۰	مدنی	سوره ذاریات	۵۱	۵۲۰	مکی
سوره فرقان	۲۵	۳۵۹	مکی	سوره طور	۵۲	۵۲۳	مکی
سوره شعراء	۲۶	۳۶۷	مکی	سوره نجم	۵۳	۵۲۶	مکی
سوره نمل	۲۷	۳۷۷	مکی	سوره قمر	۵۴	۵۲۸	مکی
سوره قصص	۲۸	۳۸۵	مکی	سوره رحمن	۵۵	۵۳۱	مدنی
				سوره واقعه	۵۶	۵۳۴	مکی

السُّورَة	رَقْمُهَا	الصَّفْحَة	البَيَان	السُّورَة	رَقْمُهَا	الصَّفْحَة	البَيَان
الحديد	٥٧	٥٣٧	مَدَنِيَّة	الطارق	٨٦	٥٩١	مَكِّيَّة
المجادلة	٥٨	٥٤٢	مَدَنِيَّة	الأعلى	٨٧	٥٩١	مَكِّيَّة
الحشر	٥٩	٥٤٥	مَدَنِيَّة	الغاشية	٨٨	٥٩٢	مَكِّيَّة
الممتحنة	٦٠	٥٤٩	مَدَنِيَّة	الفجر	٨٩	٥٩٣	مَكِّيَّة
الصف	٦١	٥٥١	مَدَنِيَّة	البلد	٩٠	٥٩٤	مَكِّيَّة
الجمعة	٦٢	٥٥٣	مَدَنِيَّة	الشمس	٩١	٥٩٥	مَكِّيَّة
المنافقون	٦٣	٥٥٤	مَدَنِيَّة	الليل	٩٢	٥٩٥	مَكِّيَّة
التغابن	٦٤	٥٥٦	مَدَنِيَّة	الضحى	٩٣	٥٩٦	مَكِّيَّة
الطلاق	٦٥	٥٥٨	مَدَنِيَّة	الشرح	٩٤	٥٩٦	مَكِّيَّة
التحریم	٦٦	٥٦٠	مَدَنِيَّة	التين	٩٥	٥٩٧	مَكِّيَّة
الملأ	٦٧	٥٦٢	مَكِّيَّة	العلق	٩٦	٥٩٧	مَكِّيَّة
القلم	٦٨	٥٦٤	مَكِّيَّة	القدر	٩٧	٥٩٨	مَكِّيَّة
الحاقة	٦٩	٥٦٦	مَكِّيَّة	البينة	٩٨	٥٩٨	مَدَنِيَّة
المعارج	٧٠	٥٦٨	مَكِّيَّة	الزلزلة	٩٩	٥٩٩	مَدَنِيَّة
نوح	٧١	٥٧٠	مَكِّيَّة	العاديات	١٠٠	٥٩٩	مَكِّيَّة
الجن	٧٢	٥٧٢	مَكِّيَّة	الفارقة	١٠١	٦٠٠	مَكِّيَّة
المرقيل	٧٣	٥٧٤	مَكِّيَّة	النكاثر	١٠٢	٦٠٠	مَكِّيَّة
المدثر	٧٤	٥٧٥	مَكِّيَّة	العصر	١٠٣	٦٠١	مَكِّيَّة
القيامة	٧٥	٥٧٧	مَكِّيَّة	الهجرة	١٠٤	٦٠١	مَكِّيَّة
الإنسان	٧٦	٥٧٨	مَدَنِيَّة	الفيل	١٠٥	٦٠١	مَكِّيَّة
المرسلات	٧٧	٥٨٠	مَكِّيَّة	قريش	١٠٦	٦٠٢	مَكِّيَّة
النبا	٧٨	٥٨٢	مَكِّيَّة	الماعون	١٠٧	٦٠٢	مَكِّيَّة
التازعات	٧٩	٥٨٣	مَكِّيَّة	الكوثر	١٠٨	٦٠٢	مَكِّيَّة
عبس	٨٠	٥٨٥	مَكِّيَّة	الكافرون	١٠٩	٦٠٣	مَكِّيَّة
التكوير	٨١	٥٨٦	مَكِّيَّة	النصر	١١٠	٦٠٣	مَدَنِيَّة
الانفطار	٨٢	٥٨٧	مَكِّيَّة	المسد	١١١	٦٠٣	مَكِّيَّة
المطففين	٨٣	٥٨٧	مَكِّيَّة	الإخلاص	١١٢	٦٠٤	مَكِّيَّة
الانشقاق	٨٤	٥٨٩	مَكِّيَّة	الفلق	١١٣	٦٠٤	مَكِّيَّة
البروج	٨٥	٥٩٠	مَكِّيَّة	الناس	١١٤	٦٠٤	مَكِّيَّة

فهرست سوره های قرآن کریم و بیان مکی ومدنی

نام سوره	شماره سوره	شماره صفحه	بیان	نام سوره	شماره سوره	شماره صفحه	بیان
سوره حادید	۵۷	۵۳۷	مدنی	سوره طارق	۸۶	۵۹۱	مکی
سوره مجادله	۵۸	۵۴۲	مدنی	سوره اعلی	۸۷	۵۹۱	مکی
سوره حشر	۵۹	۵۴۵	مدنی	سوره غاشیه	۸۸	۵۹۲	مکی
سوره ممتحنه	۶۰	۵۴۹	مدنی	سوره فجر	۸۹	۵۹۳	مکی
سوره صف	۶۱	۵۵۱	مدنی	سوره بلد	۹۰	۵۹۴	مکی
سوره جمعه	۶۲	۵۵۳	مدنی	سوره شمس	۹۱	۵۹۵	مکی
سوره منافقون	۶۳	۵۵۴	مدنی	سوره لیل	۹۲	۵۹۵	مکی
سوره نغبان	۶۴	۵۵۶	مدنی	سوره ضحی	۹۳	۵۹۶	مکی
سوره طلاق	۶۵	۵۵۸	مدنی	سوره انشراح	۹۴	۵۹۶	مکی
سوره تحریم	۶۶	۵۶۰	مدنی	سوره تین	۹۵	۵۹۷	مکی
سوره ملک	۶۷	۵۶۲	مکی	سوره علق	۹۶	۵۹۷	مکی
سوره قلم	۶۸	۵۶۴	مکی	سوره قدر	۹۷	۵۹۸	مکی
سوره حاقه	۶۹	۵۶۶	مکی	سوره بینه	۹۸	۵۹۸	مدنی
سوره معارج	۷۰	۵۶۸	مکی	سوره زلزال	۹۹	۵۹۹	مدنی
سوره نوح	۷۱	۵۷۰	مکی	سوره عادیات	۱۰۰	۵۹۹	مکی
سوره جن	۷۲	۵۷۲	مکی	سوره قارعه	۱۰۱	۶۰۰	مکی
سوره مزمل	۷۳	۵۷۴	مکی	سوره تکویر	۱۰۲	۶۰۰	مکی
سوره مدثر	۷۴	۵۷۵	مکی	سوره عصر	۱۰۳	۶۰۱	مکی
سوره قیامت	۷۵	۵۷۷	مکی	سوره همزه	۱۰۴	۶۰۱	مکی
سوره انسان (دهر)	۷۶	۵۷۸	مدنی	سوره فیل	۱۰۵	۶۰۱	مکی
سوره مرسلات	۷۷	۵۸۰	مکی	سوره قریش	۱۰۶	۶۰۲	مکی
سوره نبا	۷۸	۵۸۲	مکی	سوره ماعون	۱۰۷	۶۰۲	مکی
سوره نازعات	۷۹	۵۸۳	مکی	سوره کوثر	۱۰۸	۶۰۲	مکی
سوره عبس	۸۰	۵۸۵	مکی	سوره کافرون	۱۰۹	۶۰۳	مکی
سوره تکویر	۸۱	۵۸۶	مکی	سوره نصر	۱۱۰	۶۰۳	مدنی
سوره انفطار	۸۲	۵۸۷	مکی	سوره مسد	۱۱۱	۶۰۳	مکی
سوره مطففین	۸۳	۵۸۷	مکی	سوره اخلاص (لهب)	۱۱۲	۶۰۴	مکی
سوره انشقاق	۸۴	۵۸۹	مکی	سوره فلق	۱۱۳	۶۰۴	مکی
سوره بروج	۸۵	۵۹۰	مکی	سوره ناس	۱۱۴	۶۰۴	مکی

إِنَّ وَزَارَةَ الشُّؤْنِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَالْإِسْلَامِ
 فِي الْمَلَكَةِ الْعَرَبِيَّةِ السُّعُودِيَّةِ
 الْمَشْرِقَةِ عَلَى
 مَجْمَعِ الْمَلِكِ فَهْدٍ لَطَبَاعَةِ الْمُصَحَّفِ الشَّرِيفِ
 فِي الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ
 إِذِيسُرُّهَا أَنْ يُصَدِّرَ الْمَجْمَعُ هَذِهِ الطَّبْعَةَ مِنْ
 تَرْجُمَةٍ مَعَانِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ
 إِلَى اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ
 تَسْأَلُ اللَّهُ أَنْ يَنْفَعَ بِهَا النَّاسَ
 وَأَنْ يَجْزِيَ
 خَادِمَ الْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ، الْمَلِكِ سَلْمَانَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ السُّعُودِي
 أَحْسَنَ الْجَزَاءِ عَلَى جُهِودِهِ الْعَظِيمَةِ فِي نَشْرِ كِتَابِ اللَّهِ الْكَرِيمِ
 وَاللَّهُ وَلِيُّ التَّوْفِيقِ

وزارت شئون اسلامی و تبلیغ و ارشاد

کشور عربستان سعودی

و مسئول و ناظر بر مجمع ملک فهد برای چاپ قرآن کریم در مدینه منوره

با کمال مسرت این چاپ ترجمه معانی

قرآن کریم را به زبان فارسی از مجمع منتشر می کند

و از درگاه خداوند مسئلت دارد که آنرا باعث منفعت عموم مردمان قرار داده

و به خادم حرمین شریفین ملک سلمان بن عبدالعزیز آل سعود

مقابل مساعی فراوان ایشان در نشر کتاب کریم خداوند بهترین پاداش عطا فرماید.

والله ولي التوفيق.



بفضل
خداوند و توفیق او چاپ
این ترجمه معانی قرآن کریم
درمجمع ملک فهد برای چاپ
قرآن کریم درمدینه منوره و زیر
نظارت وزارت شئون اسلامی و تبلیغ
و ارشاد کشور عربستان سعودی
در سال ۱۴۴۱ هـ
به اتمام رسید

حق چاپ مختص چاپخانه مجمع ملک فهد است

ص. ب 6262 مدینه منوره

www.qurancomplex.gov.sa

contact@qurancomplex.gov.sa

ح) مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ١٤٤١هـ

فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر

مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف

ترجمة معاني القرآن الكريم إلى اللغة الفارسية . / مجمع الملك

فهد لطباعة المصحف الشريف - المدينة المنورة، ١٤٤١هـ

١٢٤٨ ص؛ ١٤ × ٢١ سم

ردمك: ٩٧٨-٦٠٣-٨١٨٧-٧٧-٧

١- القرآن - ترجمة - اللغة الفارسية أ. العنوان

١٤٤١/١٩

ديوي ٢٢١.٤٩١٥٥

رقم الإيداع: ١٤٤١/١٩

ردمك: ٩٧٨-٦٠٣-٨١٨٧-٧٧-٧



9 786038 187777